شاهنامه فردوسی



طبع انتقادی شاهنامهٔ فردوسی

***

بتصحیح: جلال خالقی مطلق
حروف‌چینی: اورینت اسکریپت (لندن)
ناشر: Bibliotheca Persica
پخش کننده: The State of New York University Press
محل نشر: نیو یورک
بکوشش: احسان یارشاطر

***

ابوالقاسم فردوسی

شاهنامه

بکوشش :

جلال خالقی مطلق

با مقدّمهٔ

احسان یارشاطر

دفتر یکم

نیویورک ۱۳۶۶

فهرست مطالب دفتر یکم

دیباچه

گیومرت

هوشنگ

طهمورث

جمشید

ضحّاک

فریدون

منوچهر

نوذر

زَوْطهماسپ

کیقباد

فهرست ها

مقدّمه

چاپ کنونی شاهنامهٔ فردوسی که نتیجهٔ همت بلند و پژوهش ممتد دوست دانشمندم دکتر جلال خالقی مطلق است چاپی است علمی و تحقیقی. غرض از آن این است که متنی استوار از این اثر بلند پایه، هرچه درست‌تر و نزدیکتر به سخن اصلی فردوسی، در دسترس خواستاران قرار گیرد.

با وجود مقام والای شاهنامه در فرهنگ و ادب ایران و با وجود کوششهائی که از نخستین سالهای قرن نوزدهم مسیحی از طرف دانشمندان برای بدست دادن متن درستی از آن صورت گرفته این مقصود تا کنون برآورده نشده است. چه، متن شاهنامه در طی قرنها در اثر عوامل گوناگون تغییر بسیار یافته است: کاتبان کم مایه یا بی دقت ابیات آنرا درست نخوانده و به غلط نسخه برداری کرده‌اند؛ ناسخانی که طبع شعری داشته‌اند هرجا دچار مشکلی شده یا در فهم بیتی درمانده‌اند از طبع خود یاری خواسته و در تألیف شرکت جسته‌اند؛ صاحبان و خوانندگان شاهنامه غالباً بر حسب ذوق زمان و یا سلیقهٔ فردی به «اصلاح» سخن فردوسی پرداخته و در نسخه‌ها دست برده‌اند؛ گویندگان یا کاتبانی که اندیشه‌ای خلاف اعتقادات خود در متن یافته‌اند و یا سخن فردوسی را در تأیید مطلوب خود کوتاه پنداشته‌اند به افزودن و کاستن ابیات پرداخته‌اند، چنانکه در دیباچهٔ شاهنامه، جائی که فردوسی چند بیتی در ستایش مذهب خود گفته است، بنا بر تشخیص مصحّح دانشمند «سراسر قطعه میدان ستیز قلمهای سنّی و شیعی شده»[1]؛ شاعرانی که فریفتهٔ سخن فردوسی بوده‌اند ابیات یا قطعاتی و حتی داستان‌هائی تمام به تقلید وی برای طبع آزمائی سروده سپس به پیروی از هوسی خام این ابیات یا قطعات را در شاهنامه داخل کرده‌اند، هم چنین تحوّل تدریجی زبان فارسی در کتابت شاهنامه مؤثر شده و کلمات و عبارات آشنا را جانشین عبارات و کلمات مهجور کرده است. از طرفی رواج شاهنامه در میان مردم فارسی زبان و سرزمین هائی که فرهنگ ایران در آنها نفوذ یافته، و هم چنین رسمِ از بر کردن ابیات شاهنامه به عنوان تمرینی در شعر و ادب نیز راه را برای تصرف در شاهنامه هموار نموده است. از اینرو تفاوت میان

۱- جلال خالقی مطلق- «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، **ایران نامه**، سوم، ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۸.

دستنویس های شاهنامه و اضافه و نقصان در ابیات آنها بیش از آن است که در سایر آثار زبان فارسی دیده میشود، بطوری که در برخی از چاپهای شاهنامه شاید نتوان بیش از دوسوم ابیات را دقیقاً متعلق به فردوسی دانست.

بدبختانه از زمان خود فردوسی، وپس از آن هم تا بیش از دو یست سال، نسخه ای از شاهنامه در دست نیست و نسخه های کهن در آشوب ایام از میان رفته است. در نتیجه حتی قدیم ترین دستنویس های موجود شاهنامه نیز مشمول دگرگونی و افزایش و کاهش است. از اینرو کسی که به تصحیح وپاکسازی متن شاهنامه می پردازد کاری بس دشوار درپیش دارد. یک مشکل کار، چنانکه گذشت، وجود نداشتن نسخه ای نزدیک به زمان فردوسی و دگرگونی بسیار در نسخه های موجود است. مشکل دیگر، حجم کتاب است. اگر شاهنامه اثری کوتاه بود بصیرت در آن آسان تر دست میداد. مشکل دیگر فراوانی دستنویس های شاهنامه است که کار احاطهٔ بر آنها را دشوار میکند[۲]. دشواری دیگر کهن بودن زبان شاهنامه و فقدان نسخه های اصیل از آثار قرن چهارم است تا ما را در حلّ مشکلات زبان یاری کند. همین دشواریها باعث شده که آراستن متن درستی از شاهنامه و پیراستن آن از افزوده ها و دگرگونیها تا کنون به تعویق افتاده، و این با وجود چند طبع انتقادی است که از شاهنامه انتشار یافته است.

اهتمام درچاپ شاهنامه نخست در سدهٔ نوزدهم در هندوستان آغاز شد که زبان و ادب فارسی هنوز در آن رواجی تمام داشت. در سالهای نخستین این قرن مَتیو لامسدن[۳] از استادان زبان فارسی و عربی در هندوستان با کمک چند تن از ادبای هند به تهیهٔ متنی از شاهنامه بر اساس مقابلهٔ چندین نسخه که کهن ترین آنها مورّخ به سالهای ۸۲۱ و ۸۸۲ بود[۴] دست زد و در ۱۸۱۱ مسیحی (۱۱۹۰ خورشیدی) جلد اول از متن را با حروف سربی به خط نستعلیق منتشر کرد، ولی به سبب کوتاه شدن کمک مالی دولت هند به اتمام کار که در هشت جلد پیش بینی شده بود توفیق نیافت. پس از وی یکی از افسران دانشمند انگلیسی، به نام ترنر مَکَن[۵] دنبالهٔ کار لامسدن را گرفت وچاپ کامل شاهنامه را درچهار جلد، با مقدمه ای در آغاز و ابیات الحاقی و فهرستی از کلمات دشوار در پایان، با حروف سربی به خط نسخ در ۱۸۲۹ (۱۲۰۸ خورشیدی) منتشر ساخت. از آغاز شاهنامه تا آخر داستان رستم و سهراب درچاپ مَکَن اساساً همان است که لامسدن فراهم کرده بود و مَکَن آنرا

۲- برحسب تخمین دکتر خالقی تنها از قرن هفتم تا آخر قرن دهم نزدیک به ۲۵۰ نسخهٔ خطی در نقاط مختلف دنیا پراکنده است.

۳- Mathew Lumsden استاد Fort William College

٤- مقدّمه، ص ۷، برای وصف نسخه های لامسدن ص ۳۷ «خاتمة الکتاب» طبع او و بعد دیده شود.

۵- Turner Macan مترجم فرمانده نیروی نظامی و عضو انجمن آسیائی بنگال.

با برخی اصلاحات جزئی درچاپ خود جای داد. بقیهٔ این چاپ بر اساس هفده نسخهٔ کامل وچهار نسخهٔ ناقص قرار داشت که کهن‌ترین آنها همان دو نسخهٔ مذکور لامسدن بود[6]. مخارج مقابلهٔ نسخ را دولت هند و هزینهٔ طبع را نصیرالدین حیدر، پادشاه آوَده در هندوستان پرداخت نمود[7]. چاپ مَکَن بزودی رواج یافت و مبنای چاپهای متعدد در هندوستان و ایران شد.

نُه سال بعد، ژول مُل[8]، دانشمند فرانسوی چاپ تازه‌ای از شاهنامه را با ترجمهٔ آن به زبان فرانسه بر اساس سی وپنج نسخه که هشت نسخه از آنها به کتابخانهٔ پادشاهی (بعدها: ملّی) پاریس متعلق بود[9] آغاز کرد و آن را در ۱۸۷۸ در هفت مجلد به قطع سلطانی در دوچاپ عمومی و مجلّل با مقدمه‌ای مبسوط درپاریس به پایان آورد. چاپ مجلّل این طبع بسیار زیبا و از شاهکارهای فن طبع است. چاپهای مَکَن و مُل هیچیک شامل ضبط نسخه بدلها نیست و از اینرو خواننده کلاً متکّی به تشخیص مصحح است و راهی برای استنباط شخصی بر او گشوده نیست. از این گذشته نسخه‌های کهن‌تر و استوارتر شاهنامه، مثل نسخهٔ ٦١٤ هـ.ق./ ۱۲۱۷م. فلورانس و نسخهٔ ۱۲۷٦/٦۷۵ لندن و نسخهٔ ۱۳۳۰/۷۳۱ استانبول و نسخهٔ ۱۳۳۳/۷۳۳ لنین‌گراد و نسخه‌های ۱۳٤۱/۷٤۱ و۱۳۹٤/۷۹٦ قاهره که بعداً مکشوف شد، دراختیار مَکَن و مُل قرار نداشت و بدین سبب کوشش مشکور آنها نمی‌توانست به نتیجهٔ مطلوب راهبر شود.

اندکی پیش ازپایان چاپِ مُل، یوهان فولرس[10] دانشمند آلمانی دست به تهیهٔ طبع جدیدی از شاهنامه بر اساس مقایسهٔ متن مَکَن و مُل زد و اختلاف آن ها را درحواشی ضبط نمود. سه جلد از این متن یعنی تا آخر شاهنشاهی دارا میان سالهای ۸٤-۱۸۷۷ منتشر گردید[11]. این چاپ اساس چاپی است که کتابخانهٔ بروخیم تهران به ترتیب با کمک مجتبی مینوی (جلد ۱) عباس اقبال (جلد ۵-۲)، سلیمان حئیم (جلد ٦) و سعید نفیسی (جلد ۱۰-۷) درسالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ با تصاویری از «درویش پروردهٔ ایرانی» ازنقاشان مبتکر ارمنی درتهران انتشار داد. قسمتی از شاهنامه که فولرس به طبع آن توفیق نیافته بود به اهتمام سعید نفیسی بر پایهٔ چاپهای مَکَن و مُل و با پیروی از روش فولرس فراهم شد (همان جلدهای ۱۰-۷). طبعاً چاپهای فولرس و

٦- برای شرح نسخ صفحات ۵ - ۳ مقدّمهٔ فارسی و صفحات xii-xviii مقدّمهٔ انگلیسی دیده شود.

۷- مقدمهٔ فارسی، ص ۷.

۸- Jules Mohl

۹- ص Lxxxiv مقدّمه و بعد.

۱۰- Joannes A. Vullers

۱۱- جلد سوم پس ازمرگ وی باهتمام شاگرد و همکارش ساموئل لنداور Samuel Landauer منتشر گردید.

بروخیم چیزی بر آنچه از چاپهای مَکَن و مُل بدست میامد نمی افزود[۱۲].

دردههٔ ۱۹۵۰ مؤسسهٔ خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی عده‌ای از دانشمندان را به سر پرستی ی. ا. برتلس[۱۳]، وپس از وفات وی در ۱۹۵۷، به سر پرستی عبدالحسین نوشین، به تهیهٔ متنی علمی از شاهنامه گماشت که طی یازده سال میان سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۱ در نه جلد در مسکو انتشار یافت. این چاپ بر خلاف چاپهای گذشته بر اساس چند نسخهٔ مشخص قرار دارد و از چند جهت از چاپهای گذشته برتر است. یکی از آن جهت که در آن نخستین بار نسخهٔ ۶۷۵ لندن که یکی از بهترین نسخه های موجود شاهنامه است و تا سال ۱۹۷۷ که نسخهٔ فلورانس توسط دانشمند ایتالیائی آنجلوپیه مونتزه[۱۴] کشف شد کهن‌ترین نسخهٔ شاهنامه بشمار میرفت مورد استفاده قرار گرفته. دیگر از آن رو که نسخه بدلها درپاورقی ضبط شده. سوم آنکه ترجمهٔ کهن شاهنامه به عربی که توسط بنداری اصفهانی میان سالهای ۶۱۵ و ۶۲٤ انجام یافته مورد توجه قرار گرفته است. اما از طرفی عدّهٔ نسخی که مصححان این چاپ اختیار نموده بودند بسیار محدود و در آغاز بجز نسخهٔ لندن منحصر به سه نسخه بود که هر سه در اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت[۱۵]، و گرچه از جلد چهارم ببعد دستنویس ۷۹۶ قاهره نیز به کار گرفته شد[۱۶]، باز عدّهٔ نسخ هم‌چنان محدود ماند. از این گذشته از مقدمهٔ جلد اول پیداست که مصحّحان از برخی معایب کارهای گروهی بر کنار نمانده‌اند و نیز در آغاز در اختیار میان دو روش «انتخاب اقدم» و «ترجیح اصّح» دچار تردید شده، و هرچند از جلد سوم مصحّحان عموماً به انتخاب اقدم گرائیده و در یک‌دست کردن روش خود کوشیده‌اند، باز برخی عوارض کارهای گروهی بجا مانده است. در اینگونه کارها با آنکه مصحّحان از مزایای مشورت و تبادل نظر برخوردارند غالباً به علّت تفاوت سلیقهٔ افراد بکار بستن روش واحد و مداومی در تصحیح دشوار میشود. هم‌چنین در تصحیحاتی که بنای آن بر تقسیم کار میان دانشمندان متعدد است احاطه و تبحّری که در نتیجهٔ ممارست در اثری برای یک تن طی سالیان دراز حاصل میشود کمتر مشهود است. نواقص چاپ مسکو، با وجود مزایای آشکارش، از نظر مصّححان منصف آن دور نماند، و در نتیجه پیش از پایان چاپ مجلدات آن آقایان رستم علی یف و محمد نوری عثمانوف که در تصحیح چاپ مسکو شرکت داشتند به منظور رفع نواقص این چاپ و بدست دادن متن درست‌تری، طبع تازه‌ای از شاهنامه را با کمک

۱۲- گذشته از آنچه ذکر شد چاپهای متعددی از شاهنامه عموماً بر اساس چاپهای مَکَن و مُل و فولرس، بخصوص مَکَن، در ایران و هندوستان به طبع رسیده. از جمله چاپهای رایج سربی میتوان از چاپ محمد رمضانی (۱۳۱۲) وچاپ امیر کبیر به اهتمام دکتر محمد جعفر محجوب (۱۳۵۰) و چاپ دکتر محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۵، با کشف الابیات در دو جلد ۵۰ - ۱۳۴۸) نام برد.

۱۳- É.E. Bertels

۱٤- Angelo M. Piemontese

۱۵- جلد اول، ص ۱۲ مقدمه و بعد.

۱۶- مقدّمهٔ جلد چهارم دیده شود.

کتابخانهٔ پهلوی آغاز کردند. جلد اول در سال ۱۹۷۱ و جلد دوم به اهتمام رستم علی یف و احمد طباطبائی دو سال بعد منتشر شد و پس از آن متروک ماند. در طبع این دو جلد مصححان عدهٔ نسخ را به هشت رساندند که البته شامل همهٔ دستنویسهای سودمند شاهنامه نیست و بخصوص جای نسخهٔ فلورانس در میان آنها خالی است.

در سال ۱۳۵۱ وزارت فرهنگ و هنر ایران مؤسسه‌ای به نام «بنیاد شاهنامهٔ فردوسی» به مدیریت زنده یاد مجتبی مینوی و با همکاری چند تن از پژوهشگران[۱۷] برای گردآوری نسخه‌های عکسی شاهنامه و مقابلهٔ آنها و تنظیم متن انتقادی شاهنامه بنا نهاد. از آنچه این بنیاد فراهم کرد **داستان رستم وسهراب** با مقدمهٔ مجتبی مینوی و ذکر نسخه بدلها در آخر کتاب و برخی توضیحات در حاشیه در ۱۳۵۲ و **داستان فرود** بدون نسخه بدل در ۱۳۵٤ و **داستان سیاووش** به شیوهٔ **داستان رستم وسهراب** و با مقدمهٔ مبسوطی از مهدی قریب در سال ۱۳۶۳، پس از درگذشت مینوی، بی نظم معینی منتشر گردید. اساس طبع این داستانها همان نسخهٔ ۶۷۵ لندن است، ولی از هفت تا نه نسخهٔ دیگر و همچنین از ترجمهٔ عربی بنداری نیز در تصحیح متن استفاده شده[۱۸]. اگرچه مزیت طبع این داستانها برچاپهای گذشتهٔ آنها پوشیده نیست و بخصوص در کار تصحیح آنها بصیرت بیشتری در سخن فردوسی مشهود است، مقصودی که بنیاد شاهنامه پیشنهاد خود ساخته بود بدرستی برآورده نشد، بخصوص که در طبع این داستانها از نسخهٔ فلورانس بهره‌مندی حاصل نگردیده و نظم روشنی در انتشار آنها بکار نرفته و برخی از عوارضی که در مورد طبع مسکو یاد گردید گاه در اینها نیز مشهود است.

از اینهمه پیداست که طبع متنی از شاهنامه که بتوان در حدّ منابع موجود اعتماد کلّی بر آن کرد هنوز جامهٔ عمل به خود نپوشیده و کار پاکسازی شاهنامه هنوز در پیش است.

برای آنکه بتوان از میان انبوه نسخه‌های گوناگونِ شاهنامه به متن درست آن دست یافت نخست باید عکس همهٔ نسخه‌های معتبر، و حتی نسخه‌هائی را که احتمال اندک سودی در آنها میـــرود گرد آورد، و چون به آنچه در فهرستهــا در توصیف دستنویس‌ها آمده و حتی به رقم خود نسخ همیشه اعتماد نمیتوان کرد[۱۹] ناچار باید نسخه‌های معتبر را در حدّ امکان دید و به دقت آزمود و از نوع کاغذ و مرکب و سبک خط و تاریخ آنها اطمینان

۱۷- احمد تفضلی، علی رواقی، عبّاس زریاب، سید جعفر شهیدی؛ و نیز محمد روشن و مهدی قریب که به ترتیب تهیه و متن داستان فرود و داستان سیاووش را به عهده داشتند.

۱۸- داستان رستم و سهراب صفحات ۲۱ و ۲۲ و داستان سیاووش صفحات د تا یا.

۱۹- چنانکه یکی از نسخ قاهره که مصححان مسکو مورخ ۷۱۰ شمرده‌اند (جلد اول، طبع دوم، ص ز) بگمان مینوی در تاریخ آن دست برده‌اند و تاریخ آن محتملاً ۱۱۰۵ بوده است (ا. افشار **کتابشناسی فردوسی**، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱، حاشیه، به نقل از مینوی).

قطعی حاصل نمود. سپس باید نسخه هائی را که از آزمایش مقدماتی سرفراز بیرون آمده‌اند دقیقاً مطالعه کرد و مقام و اعتبار هریک را باز شناخت و پیوند و خویشی آنها را با یکدیگر سنجید و نسب هریک را بجا آورد، و این خود کار سالها است. آنگاه چون کارآگاهی که درجستجوی هویتِ پوشیدهٔ کسی است باید درپی کشف آنچه فردوسی سروده است و حال ممکن است به علت دستبردهای گوناگون روی پنهان کرده باشد برآمد. معمولاً نسخهٔ کهن‌تر را باید درست‌تر شمرد ولی این قاعده عامّ نیست، زیرا کهن‌ترین نسخه های شاهنامه هم بیش از دو قرن پس از فردوسی کتابت شده و مصون از تصرف نمانده‌اند. از این گذشته، ممکن است نسخه‌ای جدید اگر از روی نسخه‌ای درست و کهن نوشته شده باشد با وجود تازگیش از نسخه‌ای قدیمتر برتر باشد. پس اعتماد مطلق بر قدیمترین نسخه مشکل را آسان نمی کند، بلکه مصحّح متن باید در هر مورد پس از بررسی نسخه بدلها و سنجیدن سن و اعتبار هریک به داوری بنشیند و قرائت درست را بر اساس مقایسهٔ نسخه های معتبر و ملاحظات دیگر اختیار کند. اما این داوری وقتی ارزش دارد که از روی علم و آگاهی انجام بگیرد و هم‌چنین توأم با ارائهٔ منابع و محفوظ داشتن حق داوری برای خوانندگان باشد، و این غیر از حاکم قرار دادن ذوق و سلیقهٔ فردی در تصحیح متون بطور مطلق است که سابقاً روشی بسیار مرسوم بود. روش دیگری که به موجب آن کهن‌ترین نسخه را متن قرار دهند و تا ممکن است از تصرف در آن بپرهیزند و تفاوت دستنویس های دیگر را بصورت نسخه بدل در حاشیه بیاورند طبعاً علمی تر از روش پیشین است و موجب رواج اشتباه نمیشود، ولی کار خواننده را نیز چندان آسان نمی کند. روشی است تا حدّی «ماشینی» که در اِعمال آن مصحّح خود مسئولیتی نمی‌پذیرد و بینش خود را، خواه به سبب احتیاط و خواه به علت پرهیز از کوشش فکری و خواه برای احتراز از قبول مسئولیت، به کار نمی بندد. روش مُل و مَکَن اصولاً روش «ترجیحی» و روش چاپ مسکو در اساس روش «اختیار اقدم» است و در نتیجه هیچیک نیز وافی به مقصود نیست.

کمال مطلوب این است که مصحّح امانت علمی را با تشخیصی که مبتنی بر آگاهی درست باشد بیامیزد. غرض از آگاهی درست این است که مصحّح در سبک کلام گوینده و خصوصیات لغوی و دستوری اثر او و آثار معاصران او بصیر باشد و تحولات زبان و ادبیات و جامعه را درچند قرن پس وپیش از اثر بشناسد. چنین آگاهی و احاطه‌ای به دست نمی آید مگر از راه ممارست درپژوهش. مثلاً درمورد اثر فردوسی از راه خواندن و بازخواندن و مکرّر خواندن شاهنامه و آثار معاصران فردوسی از دیوانهای شعر و کتابهای ادب و تاریخ و فلسفه و جز آنها، و موشکافی در تاریخ جامعهٔ ایرانی در نخستین سده های اسلامی، و بررسی لغات و دستور زبان فارسی در قرنهای چهارم و پنجم و ششم، و توجه به اصول و شیوهٔ حماسه های مشابه، و آشنائی با آن دسته از آثار فارسی میانه (پهلوی) که میتواند روشنگر بعضی از چگونگیها و منابع شاهنامه باشد ـ مثل «یادگار زریران» و «کارنامهٔ اردشیر پاپکان» و اندرزنامه های متعدد پهلوی ـ و نیز مطالعهٔ ترجمه هائی که در قرنهای نخستین اسلامی از فارسی میانه به عربی صورت گرفته، و تأمّل در آئین و مذهب و آداب ایران پیش از اسلام که شاهنامهٔ پهلوی،

یعنی «خداینامه»، در آب و هوای آن سروده شده و اثر عمیق آن در زیر پوشش نیمه اسلامی شاهنامه همه جا نهفته است، و باز تحقیق در جنبشهای فکری و مذهبی و سیاسی و ادبی سده های نخستین اسلامی که طبعاً در نحوهٔ اندیشه و ذوق فردوسی مؤثر بوده اند، و هم‌چنین پژوهش در تحولات سده های بعد که در پسند و اندیشهٔ کاتبان و صاحبان شاهنامه و متصرفانِ در آن اثر داشته است.

کسی که در این طریق پایداری کند سرانجام آشنائی خاصی با سخن فردوسی و جهان بینی و آراء و عواطف او و همچنین شیوهٔ تصرف نسخه برداران و داستانگو یان و شاهنامه خوانان پیدا میکند که اگر با طبعی پذیرا و منصف و ذهنی دور از تعصب ها و افراطهای نژادی و مذهبی و ادبی جمع شود میتواند در تمیز درست از نادرست و در پاکسازی متن شاهنامه کارگشا شود. البته سلامت طبع و انصاف و پرهیز از تعصب از شرایط عینی نیست و هر پژوهشگر کج طبع و کج اندیشه ای هم میتواند مدّعی آن شود و در خود به رعنائی نظر کند و فکر سقیم خود را عین صواب بشمارد. اما خوشبختانه چنان نیست که اهل ادب در این میدان بی دفاع باشند. برای تشخیص شایستگی هرکسی که دست به نقد و اصلاح متنی میزند ملاک و معیاری هست، و آن قبول اهل اندیشه و تحقیق و اجماع اهل فن است.

جای کمال خشنودی است که دکتر خالقی مطلق این شرایط را همه در خود فراهم دارد. بیش از بیست سال است که پژوهش در شاهنامه و تدوین متن در خور اعتمادی از آن را پیشنهاد همّت خود ساخته، بلکه هدف زندگی علمی خود قرار داده است. همهٔ نسخه های معتبرونیزبسیاری‌از نسخه های کم‌سود شاهنامه را از نظر گذرانده و نسخهٔ عکسی چهل و پنج دستنو یس را که تا آخر قرن دهم تحریر شده به تدریج و به کوشش شخصی و بدون کمک فرد یا مؤسسه‌ای فراهم نموده و متن شاهنامه را مکرر به قصد تحقیق از نظر گذرانده و هر بیت آن را، چنانکه از مقالات متعدد وی[20] آشکار است، موضوع دقت و موشکافی قرار داده است. در حقیقت مقالات تحقیقی دکتر خالقی در طی سالهای اخیر شاهنامه شناسی را پیشرفتی شایان بخشیده و پژوهندگان

۲۰- بدین قرار: «قواعد و ضوابط تصحیح متن شاهنامه»، **مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی**، یازدهم / ٤، ١٣٥٤، صفحات ٦٣-٧١٦؛ Der Plan einer neuen Schahname Edition, *Studia Iranica*, X/1, 1981, pp. 85-92 ؛ «سی نکته در ابیات شاهنامه»، **آینده**، هشتم / ۹، آذر ١٣٦١، صفحات ٨٤ - ٥٧٥ و ١١، بهمن ١٣٦١، صفحات ٩٨ - ٧٩١؛ «نکته هایی دربارهٔ سی نکتهٔ شاهنامه»، **آینده**، دهم / ٣ - ٢، اردیبهشت و خرداد ١٣٦٣، صفحات ٢٥ - ١١٣ و ٥ - ٤، تیر و مرداد ١٣٦٣، صفحات ٤١ - ٣٣١؛ «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، **ایران نامه**، سوم / ١، پائیز ١٣٦٣، صفحات ٥٣ - ٢٦ و ٢، زمستان ١٣٦٣، صفحات ٦١ - ٢٤٦؛ «معرفی و ارزیابی برخی از دست‌نو یس‌های شاهنامه»، **ایران نامه**، سوم / ٣، بهار ١٣٦٤، صفحات ٤٠٦ - ٣٧٨ و چهارم / ١، پائیز ١٣٦٤، صفحات ٤٧ - ١٦ و ٢، زمستان ١٣٦٤، صفحات ٥٥ - ٢٢٥؛ «یادداشت هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه»، **ایران نامه**، چهارم / ٣، بهار ١٣٦٥، صفحات ٩٠ - ٣٦٢ و پنجم / ١، پائیز ١٣٦٥، صفحات ٧٥ - ٤٧ و ٢، زمستان ١٣٦٥، صفحات ٨٥-٢٥٠.

ادب و فرهنگ ایران را سپاسگزار وی ساخته است. نتیجهٔ همهٔ آن تحقیقات متنی است که اکنون انتشار می یابد.

این طبع از نوع چاپهائی که در آن نسخهٔ قدیمتر را متن قرار بدهند و به ثبت نسخه بدلها در حاشیه بسنده کنند و فقط احیاناً اشتباه فاحشی را در متن اصلاح نمایند نیست. متن کنونی متن سنجیده و پیراسته‌ای است بر پایهٔ دوازده دستنویس اصلی و سه دستنویس فرعی و هم چنین ترجمهٔ عربی بنداری که دکتر خالقی آنها را پس از پژوهش کافی از میان چهل و پنج نسخهٔ بهترِ شاهنامه برگزیده است[21]، از جملهٔ نسخهٔ فلورانس که بار اوّل است که در تصحیح متن کامل شاهنامه بکار میرود. هر بیت آن پس از مقایسهٔ این نسخه‌ها و نقد عالمانهٔ آنها در متن قرار گرفته و به تشخیص مصحّح فاضل نزدیکترین صورت به گفتهٔ اصلی فردوسی است، پیراسته از زوائد و تصرفات، در حدودی که نسخه‌ها و منابع موجود و علم کنونی ما به شاهنامه امکان پذیر می سازد. در این چاپ، همهٔ نسخه بدلهائی که کمترین فایده‌ای داشته است در حاشیه قید شده، و از نگریستن به آنها میتوان دانست که مبنای داوری مصحح در گزیدن یا فرو گذاشتن واژه یا بیتی چه بوده است. دلایلی که در هر مورد راهنمای مصحح دانشمند برای گزیدن واژه یا بیتی و یا فروهشتن بیت یا قطعه‌ای بوده است برای استفادهٔ اهل فن بعداً در دو جلد جداگانه که ویژهٔ توضیحات خواهد بود انتشار خواهد یافت.

نگارنده به سهم خود سپاسگزار کوشش مداوم و خستگی ناپذیر مصحح گرانمایه است و تردید ندارد که همهٔ دوستداران زبان فارسی و فرهنگ ایران در این سپاس با وی سهیم اند.

آقای دکتر خالقی مطلق و اینجانب وظیفهٔ خود میدانیم که امتنان قلبی خود را از حسن توجه مخصوص آقای دکتر خطیب شهیدی، مدیر شریف و ادب دوست مؤسسهٔ «اورینت اسکریپت» ابراز بداریم. هم‌چنین باید از اهتمام و مراقبت صمیمانهٔ دانشمند گرامی آقای دکتر احمد میرزاده در طبع کتاب صمیمانه تشکر کنیم و نیز سپاس خود را از خانم هما لهراسب و آقای علی بیرنگ که کار سنگین حروفچینی و صفحه بندی کتاب را انجام داده‌اند و آقای جمشید بهادری که در پیشرفت امور فنی مساعدت نموده‌اند اظهار نمائیم.

احسان یارشاطر

۲۱ - برای شرح مختصر دستنویس‌ها به صفحات نوزده و بعد، و برای فهرست آنها به صفحهٔ سی و سه رجوع شود. برای شرح تفصیلی نسخ، مقالهٔ دکتر خالقی مطلق، «معرفی و ارزیابی برخی از دستنویس‌های شاهنامه»، که در حاشیهٔ ۲۰ یاد شده، دیده شود.

پیشگفتار

سپاس بی کران خداوند یکتا و توانا را که درخت کوششی که سالیان دراز به خون دل و رنج روان پرورانیدم، سرانجام به بار نشست و توانستم نخستین دفتر از تصحیح شاهنامه را به پیشگاه خواستاران شاهنامه و ادب فارسی و دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران پیشکش نمایم.

بر هیچ کس پوشیده نیست که از میان همهٔ نوشته های نیاکان ما ایرانیان که از دستبرد زمانه جان بدر برده و به دست ما رسیده اند، هیچ نوشته ای اهمیّت شاهنامهٔ فردوسی را در شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و هنر و بینش ها و آیین های باستانِ ایران و زبان و ادب فارسی و هو یّت ملّی ما ندارد. و درست از همین روست که این کتاب در درازای هزار سال که از تاریخ سرودن آن میگذرد، فراوان دستخوش دستبردهای این و آن و بی امانتی های کاتبان گشته است.

سزاوار این اهمیّت و در پاسخ به این دستبردها، بایستگیِ دانشی به نام **شاهنامه شناسی** آشکار گشته است که هر چند بیش از صد سال پیشینه دارد، ولی هنوز از خان نخستین دشواری ها گامی فراتر نرفته است و ما هنوز نتوانسته ایم زمینهٔ این دانش را که فراهم آوردن متنی پالوده و پیراسته است برای پژوهش های دیگر آماده سازیم. چه با آنکه از زمان نخستین تصحیح کامل شاهنامه بدست ترنر مَکَن که در سال ۱۸۲۹ میلادی در کلکته انتشار یافت، بیش از صد و پنجاه سال میگذرد و در این میان تصحیح های چندی در ایران و بیرون از ایران بدست مصححان خودی و بیگانه انجام گرفته است، ولی هیچیک از آنان پاسخگوی نیاز و خواستهٔ شاهنامه شناسان نبوده است. علّت این ناکامیابی ها بسیار است که اهمّ آنها را استاد ارجمند آقای **احسان یارشاطر** در گفتار خود باز نموده اند و در اینجا دیگر نیازی به بازگو یی آنها نیست.

از شاهنامه تا دو یست و اندی سال پس از پایان سرایش آن دستنو یسی در دست نیست و از سدهٔ هفتم نیز تنها دو دستنو یس مانده است که کهن ترِ آنها، یعنی دستنو یس فلورانس مورخ ٦١٤، نیز ناقص است و تنها نیمهٔ نخستین شاهنامه را در بر دارد. ولی از سَدهٔ هشتم تعداد دستنو یس های آن بیشتر میگردد و هر چه جلوتر میاییم بر شمار آنها می افزاید، تا آنجا که شاید امروزه رقم دستنو یس های کامل و ناقص این کتاب که در

کتابخانه‌های عمومی و مجموعه‌های شخصی در سراسر جهان پراکنده‌اند از هزار بیرون باشد. پیداست که دسترسی به همهٔ این دستنویس‌ها کاری است نه شدنی و نه سودمند. بلکه اگر مصحح شمار بزرگی از دستنویس‌های سده‌های هفتم تا دهم را فراهم آورد، وظیفهٔ تصحیح انتقادی را در این یک مورد بجای آورده است. همچنین تنظیم یک **جامع نسخ** از همین دستنویس‌ها نیز اگر هم شدنی باشد کاری بیهوده است، بلکه بسنده است که مصحح از میان آنها معتبرترینشان را برگزیند و اساس تصحیح قرار دهد، ولی البته در برخی موارد ـ چنانکه نگارنده کرده است ـ به دستنویس‌های دیگر نیز نگاهی بیافکند.

نگارنده برای تصحیح این کتاب از میان چهل و پنج دستنویس که فیلم و عکس آنها را فراهم آورده بود، پس از چندین سال بررسی، پانزده دستنویس را که از بقیه معتبرتر بودند برگزید و آنها را در دو گروه اساس تصحیح قرار داد. گروه نخستین دوازده دستنویس اصلی اند که ما اختلاف آنها را در زیر صفحه‌ها دقیقاً ثبت کرده‌ایم. گروه دوم سه دستنویس‌اند که با ترجمهٔ عربی بنداری گروه دستنویس‌های غیر اصلی را میسازند و مصحح تنها در مواردی که بایسته دانسته است به آنها رجوع کرده است. علّت گزینش این روش این است که این دستنویس‌ها از یکسو در دو سه پشت خود به دستنویس معتبری برمیگردند و از اینرو در موارد بسیاری ضبط‌های کهن را نگهداشته‌اند. ولی از سوی دیگر بدست دو سه کاتب آخرین به درجهٔ بزرگی دستخوش دستبرد گشته‌اند.

برای نمونه از دستنویس لندن مورّخ ۸۴۱ هجری نام ببریم که در ثبت بیت‌های اصلی در آن کمتر دستبرد رفته است و از اینرو برخی از ضبط‌های کهن که در بسیاری از دستنویس‌های دیگر دچار گشتگی شده‌اند در این دستنویس تندرست مانده‌اند، ولی از سوی دیگر در پس هر چند بیتی، بیت‌های الحاقی فراوانی درون متن کرده‌اند که اگر مصحح میخواست همهٔ آنها را در زیر صفحه‌ها بیاورد، شاید در هیچ صفحه‌ای متن اصلی از یکی دو بیت افزون نمیشد، ولی به این بهانه در گذشتن از ضبط‌های کهن آن نیز درست نبود و نیز اگر زیرنویس‌ها را به علّت حجم بزرگ آنها به پایان کتاب می بردیم از روش تصحیح انتقادی بیرون رفته بودیم. یکی دیگر از دستنویس‌های این گروه، یعنی دستنویس استانبول مورّخ ۹۰۳ از این عیوب بر کنار است و حتی جزو دستنویس‌های معتبر شاهنامه بشمار میرود و گذاشتن آن در این گروه تنها به علّت نقص فنی میکروفیلم آن بود. همچنین گذاشتن ترجمهٔ عربی بنداری در این گروه به این علت است که این ترجمه در بیشتر جاها ترجمهٔ آزاد است و تنها در برخی موارد میتوان از آن بهره گرفت. به این دلایل ما بهتر دانستیم که در تصحیح از این گروه غیر اصلی کمتر بهره گیریم، ولی هرگاه که گرفته‌ایم ضبط آنها را (جز ترجمهٔ بنداری) درمیان کمانه گذاشته‌ایم تا حساب آنها از حساب دستنویس‌های اصلی جدا باشد.

نخستین وظیفهٔ هر مصحح معرفی دستنویس‌های اساس کار اوست. حدّ اقل این کاربدست دادن نام و نشان و جای و تاریخ دستنویس‌های اساس تصحیح است که باید حتماً همراه تصحیح باشد وگرنه برای خواننده

بررسی کار مصحح اصلاً شدنی نیست. ما این مشخصات را در کوتاه‌ترین صورت آن همراه با نشانه‌های دیگری که در این تصحیح بکار رفته‌اند، در دو صفحه گرد آورده‌ایم که پس از این پیشگفتار خواهد آمد. ولی البته وظیفهٔ تصحیح انتقادی بیش از این است و بر مصحح است که دستنویس‌های خود را به دقّت و تفصیل و پیش از انتشار تصحیح یا هم‌زمان با آن معرفی و ارزیابی کند. چیزی که هست هیچ لزومی نیست که چنین کاری حتماً همراه با خود تصحیح باشد. نگارنده که میخواست این بررسی را در مورد دستنویس‌های شاهنامه با شرح و بسط بیشتری انجام دهد، بهتر دانست که آنرا جداگانه انتشار دهد (نگاه کنید به شماره های سال سوم و چهارم مجلهٔ **ایران نامه**).

یک وظیفهٔ مهم دیگر تصحیح انتقادی شرح اصول کلی شیوهٔ تصحیح و برشمردن دلایل برتری دادن ضبطی بر ضبط دیگر و همچنین شرح و توضیح برخی از مطالب کتاب است. نگارنده همگام با کار تصحیح یادداشت‌های فراوانی در این زمینه‌ها گردآورده است. برخی از این یادداشت‌ها پیش از این در برخی از نشریات منتشر شده‌اند (بیش از همه در شماره‌های سال سوم و چهارم و پنجم **ایران نامه**) و بقیهٔ آنها سپس‌تر در دو دفتر جداگانه منتشر خواهد شد. اگر میخواستیم همهٔ این مطالب را در زیر صفحه‌ها یا پایان دفترهای تصحیح بیاوریم، برخی از خوانندگان بر ما میگرفتند که با درازگویی های خود بر حجم کتاب افزوده و از متن اصلی آن کاسته‌ایم. گذشته از این با گذشت زمان بخشی از این توضیح‌های ما کهنه یا نادرست میشد و از اعتبار تصحیح ما میکاست. با اینهمه بایسته است که در اینجا سطری چند در شیوهٔ تصحیح خود بیاوریم تا خوانندگان را راهنمای کوتاهی باشد:

نخست دربارهٔ خویشاوندی دستنویس‌های شاهنامه این نکته گفته شود که دستنویس‌های این کتاب را میتوان به چند شاخهٔ کلی بخش کرد، ولی ترسیم نمودار یا درخت خویشاوندی آنها شدنی نیست، چون تنها میان چندتایی از آنها خویشاوندی ثابت و نزدیک هست. یکی خویشاوندی میان دستنویس‌های استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۹۶ و برلین ۸۹٤. و دیگر خویشاوندی میان دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸٤٤. خویشاوندی میان دیگر دستنویس‌ها یا دور است یا گردنده. برای نمونه دو دستنویس لندن ٦۷٥ و قاهره ۷٤۱ پس از آنکه در بخش بزرگی از آغاز کتاب با یکدیگر نزدیک‌اند، سپس دستنویس قاهره ۷٤۱ از لندن ٦۷٥ کمی دور میگردد و به دستنویس فلورانس ٦۱٤ نزدیک میشود، ولی هر سه دستنویس در یک شاخه باقی می‌مانند. همچنین دو دستنویس واتیکان ۸٤۸ و لنینگراد ۸٤۹ که در آغاز خویشاوندی بسیار نزدیک دارند، در داستان سیاوخش از یکدیگر دور میگردند، دستنویس نخستین به دستنویس لندن ٦۷٥ نزدیک میشود و دستنویس دومین به دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸٤٤ میپیوندد. و یا دو دستنویس لیدن ۸٤۱ و اکسفورد ۸٥۲ که در آغاز کتاب از اعتبار بیشتری برخوردارند، از آغاز داستان سیاوخش ناگهان دچار فساد

میگردند و در عین حال با یکدیگر خویشاوندی بسیار نزدیک پیدا میکنند، تا آنجا که جای گمانی نمی ماند که این دو دستنویس در این داستان دریک یا دو پشت خود از یک دستنویس واحد و فاسد جدا گشته اند. علت این خویشاوندی های گردنده این است که دستنویس اساس کتابت، همهٔ دفترها یا همهٔ داستان های شاهنامه را نداشته است و یا در برخی جاها صفحه هایی چند از آن افتادگی داشته و کاتب ناچار در این جاها دستنویس دیگر را اساس کتابت قرار داده است. گذشته از این برخی از دستنویس های شاهنامه دارای خویشاوندی آمیخته هستند. یعنی وابستگی آنها را حتی دریک داستان واحد هم نمیتوان شناخت. این آمیختگی از اینجا پیدا شده است که کسی دستنویسی را با دستنویس دیگر از شاخه ای دیگر مقابله کرده و برخی اختلافات را در بالا و پایین بیت ها و کنار صفحه ها و میان ستون ها نوشته است. سپس چون این دستنویس اساس کتابت دیگر قرار گرفته، کاتب این اصلاحات را درون متن نموده است و از اینجا دستنویسی با خویشاوندی آمیخته پیدا گشته است.

این خویشاوندی گردنده در میان دستنویس ها سبب شده است که اعتبار دستنویس ها، نه تنها در سنجش با یکدیگر، بلکه در مورد هریک از آنها نیز اعتباری نااستوار گردد. و بر این مشکل یک دشواری دیگر نیز افزوده میگردد و آن اینکه اعتبار دستنویس ها در سه موضوع اصالت واژه ها، اصالت بیت ها واصالت روایات نیز متفاوت است. بدین معنی که دربرخی از دستنویس ها واژه ها بیشتر دچار گشتگی شده اند و برخی دیگر بیشتر تک بیت های الحاقی دارند ودر برخی دیگر بیشتر آن روایاتی را که فردوسی نگفته بود سروده و یا از جایی دیگر گرفته و به متن افزوده اند. برای نمونه دستنویس های فلورانس ٦١٤، لندن ٦٧٥ و استانبول ٧٣١ از نگاه اصالت واژه ها از همه معتبرترند و پس از آنها دستنویس های قاهره ٧٤١ و لندن ٨٤١ و واتیکان ٨٤٨ و لندن ٨٩١ و استانبول ٩٠٣. از نظر کمتر داشتن تک بیت های الحاقی دستنویس های استانبول ٧٣١، قاهره ٧٤١، لندن ٨٩١ و استانبول ٩٠٣ از همه معتبرترند و دستنویس های فلورانس ٦١٤ و لندن ٦٧٥ با وجود کهنگی خود تک بیت الحاقی کم ندارند. و از نظر کمتر داشتن روایات الحاقی دستنویس های فلورانس ٦١٤، استانبول ٧٣١، لندن ٨٩١، استانبول ٩٠٣ و ترجمهٔ بنداری و پس از آنها دستنویس واتیکان ٨٤٨ از همه معتبرترند و دستنویس لندن ٦٧٥ با وجود کهنگی خود برخی از روایات الحاقی را دارد. با اینهمه میتوان گفت که رو یهمرفته دستنویس فلورانس ٦١٤ که فعلاً کهن ترین دستنویس شناخته شدهٔ شاهنامه است، معتبرترین آنها هم هست. همچنین دو دستنویس لندن ٦٧٥ و استانبول ٧٣١ که دوّمین و سوّمین دستنویس تاریخ دارما می باشند، از نظر اعتبار نیز رو یهمرفته همین ترتیب را دارا هستند، ولی پس از آن اعتبار دستنویس ها دیگر با تاریخ آنها نسبتی ندارد و دستنویس های قاهره ٧٤١، واتیکان ٨٤٨، لندن ٨٩١ و استانبول ٩٠٣ رو یهمرفته از بقیه معتبرترند.

این خویشاوندی گردنده و اعتبار نااستوار دستنویس های شاهنامه از اینجا برخاسته است که شاهنامه از

سدهٔ پنجم به این سو نه تنها فراوان اساس کتابت قرار گرفته است و در هر بار بدست کاتبان ناامین و کم سواد دچار دست خوردگی های سهوی و عمدی شده است، بلکه گروهی نیز عمداً به قصد «تصحیح و تکمیل» شاهنامه در آن دست برده اند.

این وضعیت که از آن در بالا یاد شد در تصحیح شاهنامه وظیفه ای سنگین ایجاد می کند. چون مصححی که این وضعیت دستنویس های شاهنامه را شناخته باشد و در عین حال در اثر ممارست در شاهنامه و مقابله و مقایسهٔ دستنویس های آن دست کم تا اندازه ای به چگونگی گشت سخن کهن به نو و ویژگی های سخن اصیل و سخن الحاقی پی برده باشد، خواه ناخواه دیگر نمیتواند از ضبط دستنویس اقدم نسخ پیروی چشم بسته کند. ولی از سوی دیگر چنین مصححی در این خطر هم هست که از دانش خویش در گمان افتد و به دستآویز دستبردهایی که در این کتاب زده اند همان اعتبار نسبی و مشروط را هم که برای دستنویس های کهن برشمردیم نادیده انگارد و در تصحیح ذوق شخصی خود را ملاک قرار دهد و بی دلیل ضبط دستنویس اساس را رها کند.

بدین ملاحظات ما در تصحیح شاهنامه از یکسو دستنویس فلورانس ٦١٤ را که فعلاً کهن ترین و معتبرترین دستنویس ماست، در نیمهٔ نخستین کتاب اساس تصحیح قرار دادیم، ولی از سوی دیگر از آن پیروی چشم بسته هم نکردیم و ضبط دستنویس های معتبر دیگر را بی اعتنا نگذاشتیم. منتها هر کجا ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم، این کار در چارچوب ضوابط و دستورهای معینی انجام گرفته است. نگارنده این روش را **روش انتقادی** مینامد، ولی شاید این اصطلاح در مورد تصحیح ما نارسا باشد، بویژه اینکه در ایران این اصطلاح را در بارهٔ تصحیح هایی بکار برده اند که مصحح همه جا از ضبط اقدم یا اصح نسخ پیروی کرده است، یعنی یک روش ماشینی و غیر انتقادی را به نادرست انتقادی نامیده اند. از همین رو استاد **بارشاطر** در گفتار خود بجای آن اصطلاح **روش تحقیقی** را بکار برده اند که در بارهٔ روشی که ما برگزیده ایم درست تر است و خواست ما را بهتر می رساند.

در زیر اهمّ مواردی را که ما به دلایل فنی ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم بطور کوتاه برمیشماریم و شرح بیشتر آنرا به مقالات یاد شده و دفترهای جداگانه می افکنیم:

۱- هر کجا ضبط دیگر هماهنگ با دگرگونی زبان و ادب فارسی و سازوار با کهنگی و اعتبار دستنویس ها، کهن تر و دشوارتر، و ضبط دستنویس اساس نوتر و ساده تر شناخته گردد، ما به پیروی از مهمترین اصل تصحیح انتقادی که میگوید ضبط دشوارتر برتر است *(lectio difficilior)*، ضبط دستنویس اساس را به زیر خط و ضبط دیگر را به متن میاوریم. برای نمونه ما در دستنویس های کهن و معتبر بیشتر به ضبط های

گیومرت، طهمورت، اغریرت، سوداوه، فریگیس، سیاوخش، زاول، کاول، دشخوار، اومید، فوردین، میژه، گر، بذ، بویژه، تخم، توشه، رای، مُستی، جوانه، رَوِشن، سَخُن، شارستان، گفت، کاچکی، گوسپند، سپید، تنبل، زفان و زوان، ــوار، نبشتن، گاه، برزیدن و دیگر و دیگر برمیخوریم. ولی هرچه دستنویس‌ها جوان‌تر یا کم اعتبارتر میگردند این واژه‌ها به ریخت‌های **گیومرث، طهمورث، اغریرث، سودابه، فرنگیس، سیاووش، زابل، کابل، دشوار، امّید،فرودین، مـژّه، یا، به، بخاصه و خصوصاً، نسل، قوت، حکم، سستی و سختی، جوان، رُوشن، شهر، قول کاشکی، گوسفند، سفید، حیلت، زبان، ــبار، نوشتن، وقت، ورزیدن** تبدیل میشوند. ما از این دگرگونی ها این نتیجه را نمیگیریم که فردوسی گاهی صورت نخستین و گاهی صورت دوم را بکار میبُرد، بلکه چنین نتیجه میگیریم که او همیشه صورت نخستین، یعنی شکل کهن‌تر و دشوارتر و دورتر به زبان امروز ما را گفته بود. از سوی دیگر چنان نیست که دستنویس اساس همیشه ریخت کهن‌تر و دستنویس‌های دیگر همیشه ریخت نوتر را داشته باشند، چرا که دستبرد در دستنویس‌ها بمنظور ساده کردن و نوساختن متن‌های کهن کاری نیست که از یک زمان معین و یا در یک دستنویس واحد آغاز گردد، بلکه این کار رفته رفته انجام گرفته و به نسبت در همهٔ دستنویس‌ها هست. از اینرو اگر در موارد بسیاری دستنویس اساس ضبط کهن‌تر و دشوارتر، و دستنویس‌های دیگر ضبط نوتر و ساده‌تر را دارند، در موارد کمتری نیز عکس آن درست است و در اینگونه موارد نباید از دستنویس اساس پیروی کرد، بلکه باید ضبط آنرا به زیرخط و ضبط دیگر را به متن برد. یعنی مثلاً اگر دستنویس اساس از ده مورد هفت مورد **گوسپند** و سه مورد **گوسفند** نوشته است و دستنویس‌های دیگر هرچه جوان‌تر یا کم اعتبارتر میگردند بیشتر **گوسفند** و کمتر **گوسپند** دارند، باید در مسیر خط تحوّل زبان فارسی نتیجه گرفت که فردوسی صورت **گوسپند** را بکار میبُرد و آن سه مورد را هم به پیروی از دستنویس‌های دیگر **گوسپند** نوشته و حتی اگر موردی پیش آید که همهٔ دستنویس‌ها **گوسفند** داشته باشند، آنرا هم باید به **گوسپند** تصحیح قیاسی کرد.

۲ـ هرگاه ضبط دستنویس اساس یک ضبط ساده باشد و همهٔ دستنویس‌های دیگر در یک ضبط سادهٔ دیگر همخوان باشند. برای نمونه درجایی که دستنویس اساس دارد: **هزار و صد و بیست گرد دلیر**، و همهٔ دستنویس‌های دیگر دارند: **هزار و صد و شست گرد دلیر**، ما ضبط ساده و منفرد نخستین را که هیچگونه برتری دستوری و لغوی و سبکی و موضوعی بر ضبط دیگر ندارد به زیرخط میبریم و چنین استدلال میکنیم که در چنین مواردی نمیتوان همخوانی چهارده دستنویس را با خویشاوندی‌ها و شاخه‌بندی‌های گوناگون ندیده گرفت، بلکه گمان گشتگی و دست خوردگی را باید به ضبط منفرد دستنویس اساس داد. در اینجا دو نکتهٔ دیگر هست که این استدلال ما را نیرو میدهد. یکی اینکه بنا بر آزمایش ما در اینگونه موارد هرجا بنداری متن اساس خود را باریک ترجمه کرده است ـ و متن اساس ترجمهٔ او از دستنویس اساس ما کهن‌تر بوده است ـ، ترجمهٔ او نیز با دستنویس‌های دیگر میخواند و نه با دستنویس اساس ما. برای نمونه در همین مثال، که او نیز دارد: **ألف و مائة**

وستون. دیگر اینکه در شاهنامهٔ چاپ مسکو وچاپ بنیاد شاهنامه که در اینگونه موارد ضبط ساده و منفرد اقدم نسخ خود را که دستنویس لندن ۶۷۵ است به متن برده‌اند و همخوانی دیگر دستنویس‌ها را در ضبط سادهٔ دیگر ندیده گرفته‌اند، اکنون دستنویس فلورانس ٦١٤ نشان میدهد که ضبط نسخه های دیگر برتر است. چون با آنکه دستنویس فلورانس با دستنویس لندن ۶۷۵ از یک گروه و درصد همخوانی میان آنها بالاست، ولی باز بر طبق بررسی ما در اینگونه موارد دستنویس فلورانس با دستنویس‌های دیگر میخواند و نه با دستنویس لندن. بی گمان بسیاری از مواردی که یک ضبط ساده در دستنویس اساس بوسیلهٔ یکی دو دستنویس دیگر تأیید میگردد نیز الحاقی و ضبط سادهٔ دیگری که بقیهٔ دستنویس‌ها درآن همخوانی دارند اصلی است. ولی ما در اینگونه موارد فعلاً چاره‌ای جزپیروی از دستنویس اساس نداریم، مگر آنکه ضبط سادهٔ دیگر به وسیلهٔ ترجمهٔ بنداری یا بیت های پراکندهٔ شاهنامه در نوشته های سده های پنجم و ششم تأیید گردد (نگاه کنید زیر شمارهٔ ۸).

۳ـ هرگاه در دستنویس اساس بیتی بیاید که در هیچیک از دستنویس‌های دیگر نباشد و در متن نیز هیچگونه نیازی به آن نباشد و یا حتی عناصر الحاقی نیز درآن دیده شود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب در دستنویس اساس آمده است:

که داند چنین داستان را یقین ‏ ‏ ‏ ‏ بجز دادفرمای دادآفرین

این بیت تنها در دستنویس اساس آمده است و در آن واژهٔ **یقین** نیز که واژهٔ فردوسی نیست دلیل دیگری بر الحاقی بودن آن است و از اینرو ما آنرا جزو بیت های الحاقی دستنویس اساس دانسته و به زیر خط میبریم.

٤ـ هرگاه در دستنویس اساس بیتی نباشد که در همهٔ دستنویس‌های دیگر و گاه حتی در ترجمهٔ عربی بنداری نیز آمده باشد و دلیل دیگری نیز بر الحاقی بودن آن بیت دیده نشود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

پشیمان بشد زان کجا گفته بود ‏ ‏ ‏ ‏ به بیهودگی مغزش آشفته بود

این بیت جز در دستنویس اساس در همهٔ دستنویس‌های دیگر هست و بنداری نیز آنرا دارد (**فندم کیکاوس علی بدرمامنه...**) و هیچگونه عنصر الحاقی نیز در آن نیست. بنا بر این ما این بیت و چنین بیت‌هایی را جزو افتادگی های دستنویس اساس بشمار می‌آوریم و آنها را به متن میبریم.

۵ـ آنچه در زیر شماره‌های ۳ و ٤ گفته شد در مورد پس و پیشی مصرع‌ها و بیت‌ها نیز درست است. برای نمونه نگاه شود به ترتیب بیت‌های ۷۷۶ و ۷۷۷ در پادشاهی منوچهر.

٦ـ هرگاه ضبط دستنویس اساس غلط فاحش باشد که آشکارترین نمونهٔ آن فساد در وزن و قافیه است.

۷- هرگاه ترجمهٔ بنداری با برخی از دستنویس‌های ما در داشتن (و کمتر در نداشتن) ضبط یا بیت یا روایتی بخواند، ما نتیجه میگیریم که بنداری در این موارد متن خود را آزاد ترجمه نکرده است، بلکه بهمان صورت در دستنویس اساس ترجمهٔ خود داشته است و چون دستنویس اساس ترجمهٔ بنداری از دستنویس فلورانس ٦١٤ کهن‌تر بوده است، پس اقدم نسخ ما در چنین مواردی ترجمهٔ بنداری است، ولی با آن در زیر همان شرایطی که در بالا برشمردیم رفتار خواهیم کرد. برای نمونه از مواردی که ما به پیروی از ضبط بنداری متن را تصحیح کرده‌ایم یکی تصحیح **فرنگیس** به **فریگیس** و دیگر تصحیح **سیاووش** به **سیاوخش** است و دلیل آنرا در مقالات نامبرده آورده‌ایم (و نیز نگاه کنید زیر شماره‌های ۲، ٤، ۸).

۸- بیت‌های پراکندهٔ شاهنامه در نوشته‌های سده‌های پنجم و ششم و هفتم و مطالب کتاب‌هایی که با شاهنامه هم‌مأخد و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند، مانند غررالسیر ثعالبی و زین الاخبار گردیزی و مجمل التواریخ والقصص و برخی مواد در زبان پهلوی، هرگاه که با برخی از دستنویس‌ها یا با ترجمهٔ بنداری بر ضد دستنویس اساس همخوانی داشته باشند، میتواند دلیلی بر رها کردن ضبط دستنویس اساس بشمار رود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

بیامد خروشان بدان دشت جنگ   به چنگ اندرون گرزهٔ گاورنگ

در مصرع دوم همهٔ دستنویس‌های ما **گرزهٔ گاورنگ** دارند، مگر دستنویس اساس و دستنویس قاهره ۷٤۱ که بجای آن **چرخ و تیر خدنگ** دارند. ولی چون همین بیت در لغت فرس به همین صورت در گواه **گرزهٔ گاورنگ** آمده است، ما در اینجا ضبط دستنویس اساس را رها میکنیم. و یا برای نمونه نام گاوی که فریدون را شیر داد در دستنویس‌های شاهنامه به ریخت‌های **برمایه** و **پرمایه** آمده است و در دستنویس اساس بصورت **بُرمایه** است که میتوان آنرا **پرمایه** هم گرفت. صورت این نام در پهلوی **برمایون** است و به همین صورت در شعر فرالاوی و دقیقی نیز آمده است. در خط پهلوی خلاف خط فارسی میان حرف **ب** و **پ** فرق است. پس مؤلفان شاهنامهٔ ابومنصوری صورت درست آنرا در پهلوی می شناخته‌اند. از اینرو اگر فردوسی خود هم پهلوی نمیدانست، چون در همان زمان و در همان شهری که خداینامه را به فارسی ترجمه کرده‌اند می زیست، پس محتمل است که او صورت درست این نام را می شناخته و اگر آنرا به ضرورت وزن به **برمایه** کوتاه کرده است، دلیلی نیست که حرف **ب** را هم به **پ** برگردانیده باشد. همچنین مطالب نوشته‌های هم مأخذ با شاهنامه اگر با برخی از دستنویس‌های ما بخوانند میتوانند در شرایطی دلیلی بر رهایی ضبط دستنویس اساس گردند. برای نمونه بر طبق دستنویس اساس و بیشتر دستنویس‌های ما سیاوخش در توران جریره دختر پیران را به زنی میگیرد و پس از زمانی از این زن پسری میزاید که نام او را فرود مینهند. در غررالسیر ثعالبی با آنکه مطالب کتاب در این بخش از داستان مو به مو با شاهنامه میخواند، اشاره‌ای به این دو روایت نیست. در اینجا دو گمان پیش میاید که هیچیک به خودی خود نیز چندان محتمل نیستند. یکی اینکه ثعالبی با وجود اتفاق او با فردوسی در جزئیات

مطالب، این دو روایت را زده است. و دیگر اینکه فردوسی آنها را سپس‌تر از جایی دیگر گرفته و افزوده است. و اما چون این دو روایت در ترجمهٔ بنداری و دو دستنویس دیگر هم نیست و بیت‌های روایت نخستین در دستنویس‌هایی که آنرا دارند بکلی متفاوت است و در آن عناصر الحاقی چون واژه‌های **حشمت**، **زحل**، **انس**، **اعتماد** نیز دیده میشود (و برخی دلایل دیگر)، پس هیچیک از آن دو گمان، دیگر محتمل نیست، بلکه محتمل این است که این دو روایت الحاقی اند. در اینجا ما با کمک غررالسیر ثعالبی توانستیم با اطمینان بیشتری بر الحاقی بودن روایتی حکم کنیم (و نیز نگاه کنید به شماره‌های اوّل و دوّم سال سوم **ایران نامه**).

۹ـ گذشته از موارد یاد شده پیش میاید که ما ضبطی را تصحیح قیاسی میکنیم و یا بیت یا روایتی را که نه تنها در دستنویس اساس، بلکه در همهٔ دستنویس‌های ما آمده است به دلایلی الحاقی دانسته و به زیر خط میبریم. اینگونه موارد کمتر پیش میاید و همهٔ آنها جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در مورد **تصحیح قیاسی** این نکته هم گفته شود که ما از این اصطلاح آنچه را که در ایران از آن دانسته میشود، یعنی اصلاح متن بی ضرورت و بی دلیل و بی توجه به ریخت ضبط‌های تباه شده و بیرون از ضوابط معین، و تنها بر پایهٔ دلایل ذوقی و احساسی نمی‌فهمیم، بلکه اصلاح متن در زیر شرایط ویژه‌ای که از آن‌ها در مقالات یاد شده به تفصیل سخن رفته است. یک چنین تصحیح‌های قیاسی یکی از توانش‌های تصحیح انتقادی است که آنرا *emendation* مینامند. صورت لاتینی این واژه *emendatio* است به معنی «اصلاح، تصحیح، درست سازی، بهبودی» و در تصحیح انتقادی یعنی: هرگاه ضبطی که به گمان مصحح از نظر سبک، دستور، واژگان، موضوع، وزن، قافیه یا خط تباه شده باشد، اصلاح آن بر اساس دلایل فنی در روش انتقادی نه تنها روا، بلکه وظیفهٔ مصحح است. برای نمونه در پادشاهی هوشنگ آمده است:

بدیشان (به گاو و خر و گوسپند) بورزید و زیشان خورید　　همه تاج را خویشتن پرورید

در مصرع یکم همه دستنویس‌های اساس تصحیح ما یا **خورید** دارند یا **خرید** و یا **حرید**. ولی ما **خوریدن** بجای **خوردن** نداریم و ضبط‌های دوم و سوم هم بی معنی است. ما این ضبط را به **چرید** تصحیح قیاسی کرده‌ایم. فعل **چریدن** در شاهنامه به معنی «خوردن آدمی» چند بار بکار رفته است، از آن میان در داستان جنگ مازندران:

نشاید کزین پس چمیم و چریم　　و گر خویشتن تاج را پروریم

همچنین پیش میاید که از یک واژه که صورت کهن‌تر آن در دستنویس اساس و دستنویس‌های دیگر بسیار بکار رفته است، در برخی جاها تنها صورت نوتر آن آمده است. برای نمونه هم در دستنویس اساس و هم در دستنویس‌های کهن و معتبر دیگر صورت های **کاول** و **زاول** بسیار بکار رفته است. با اینحال مواردی هم هست که همهٔ دستنویس‌ها صورت‌های نوتر **کابل** و **زابل** را دارند. ما در اینگونه موارد همه جا صورت نوتر را به صورت

کهن‌تر تصحیح قیاسی می کنیم. با این حال این روش را در مورد همهٔ ضبط های همانند بکار نبرده‌ایم. برای نمونه **چن** و **بد** را در جلوی مصوّت‌ها بجای **چو** و **به** تنها در مواردی به متن برده‌ایم که در دستنویس اساس یا یکی از دستنویس‌های دیگر بوده است. ولی مطمئن هستیم در این جا و موارد دیگری مانند آن باید در سراسر شاهنامه متن را بر اساس صورت کهن‌تر تصحیح کرد. در نخستین تصحیح انتقادی شاهنامه دشوار بود که بتوان همهٔ این دشواری ها را یکجا گشود. ناچار میبایست برخی از آنها را به تصحیح نهائی شاهنامه واگذار کرد. ولی ما همهٔ این مسائل متن را در مقالات خود مطرح کرده‌ایم تا ازپیش مورد آشنایی و نقد دیگران قرار گیرد.

۱۰- در وزن شعر ما همیشه صورت سنگین‌تر را بر صورت سبک‌تر برتری داده‌ایم. برای نمونه: **به پرده اندرون** بجای **به پرده درون**، **به ارّه‌ش** بجای **به ارّه**، **شارستان** بجای **شارسان**، **بیفشارد** بجای **بیفشرد**، **شده‌ست** بجای **شده**، **پای** بجای **پا**، **اوی** بجای **او**، **داشت** و بجای **داشت**، **از اسپ** بجای **زاسپ**، **جادوی آورد** بجای **جادو آورد**، **مگر کاژدها** را سرآید زمان، بجای **مگر اژدها**... و دیگر و دیگر. ولی در اینجا نیز متن همیشه یکدست نیست و این وظیفه را نیز باید به تصحیح نهایی شاهنامه واگذار نمود.

۱۱- چنانکه میدانیم در بیشتر دستنویس‌های کهن فارسی غالباً حرف های **پ**، **چ**، **ژ**، **گ** را بصورت **ب**، **ج**، **ز**، **ک** نوشته‌اند. ناچار مواردی پیش میاید که یک واژهٔ واحد را به هر دو حرف میتوان خواند. ما در این گونه موارد ریخت کهن‌تر را که گاه میتوان آنرا از راه صورت آن در زبان پهلوی باز شناخت، برگزیده‌ایم. برای نمونه **ب** خوانده‌ایم بجای **پ** در واژه‌های: **بزشک**، **بسیچ**. و یا **پ** خوانده‌ایم بجای **ب** در واژه‌های: **اسپ**، **کرشاسپ**، **ژوپین**، **پدرود**، **پادافره**. و **چ** خوانده‌ایم بجای ج در واژه‌های: **نخچیر**، **چپیره**، **بسیچ**. و ز خوانده‌ایم بجای ژ در واژه‌های: **آزدن**، **زَنده**، **دز**، **بزشک**. و ژ خوانده‌ایم بجای ز در واژه‌های: **ژوپین**، **بژه**، **مژه**. و **ک** خوانده‌ایم بجای **گ** در واژه‌های: **کرشاسپ**، **کرسیوز**. و **گ** خوانده‌ایم بجای ک در واژه‌های: **افگندن**، **گیومرت**، **کرگس**، **کامگار**، **نیاگان**، **تگاور**، **گیهان**، **پیگار** و دیگر و دیگر. ولی قاعدهٔ ذال معجم را نگه نداشته‌ایم وآنرا همه جا بصورت دال نوشته‌ایم. همچنین حرف ی را که برای نرمی و روانی و آسانیِ تلفظ میان دو مصوّت میاید، همیشه بصورت یای دو نقطه نوشته‌ایم و نه بصورت همزه: **گویی** بجای **گوئی**. و اگر پیش از کسرهٔ اضافه آمده است نیز آنرا بصورت ی نوشته‌ایم: **جامه‌ی زرنگار** بجای **جامهٔ زرنگار**. در مقابل الف‌هایی را که در تقطیع می افتند، در نوشتن هم انداخته‌ایم: **ازیشان** بجای **از ایشان**، **خواسته‌ست** بجای **خواسته است** و **خواستست**. مگر جایی که افکندن الف دریافت مطلب را دشوار سازد: **از ایران** بجای **ازیران**.

۱۲- در مورد املای واژه‌ها نیز همیشه از املای درست‌تر که بیشتر در دستنویس‌های کهن‌تر یا معتبرتر آمده است و بی هیچ گمانی املای زمان فردوسی بوده است، پیروی کرده‌ایم، ولی همیشه املای دیگر را هم در جزو

نسخه بدل‌ها ثبت کرده‌ایم. برای نمونه: **شست** بجای **شصت**، **تشت** بجای **طشت**. در زمان فردوسی در واژه‌های فارسی هنوز حرف‌های **ص** و **ط** چندان راه نیافته بود و محتمل است که واژه‌هایی چون **صد**، **اصطخر**، **طهمورث**، **طهماسپ**، **طوس** و مانند آنها هنوز به صورت درست‌تر یعنی به **س** و **ت** نوشته میشد. ولی ما در اینگونه موارد بدون پشتیبانی دستنویس‌ها در املای واژه‌ها دستی نبردیم.

چه درمواردی که ما ضبط دستنویس اساس را نگهداشته‌ایم و چه در مواردی که از آن بیرون رفته‌ایم، همیشه نسخه بدل‌ها را با دقت در زیر صفحه‌ها ثبت کرده‌ایم و حتی در موارد مهم املا و رسم‌الخط دستنویس‌ها را نیز نگهداشته‌ایم تا راه داوری برای خوانندگان باز باشد. همچنین برای آسان کردن کار منقّدان، در ثبت نسخه بدل‌ها از شیوهٔ مثبت پیروی کرده‌ایم. یعنی نه تنها ناهمخوانی دستنویس‌ها، بلکه همخوانی آنها را نیز بدست داده‌ایم. مگر در مواردی که یکی دو سه دستنویس جوان ضبطی صد در صد تباه داشته‌اند. در این گونه موارد برای آنکه بیهوده بر حجم نسخه بدلها افزوده نگردد، تنها به ثبت ناهمخوانی‌ها بسنده کرده‌ایم. شیوهٔ ثبت منفی نسخه بدل‌ها که تنها ناهمخوانی‌های دستنویس‌ها را بدست می‌دهد، نه تنها کار خواننده را بسیار دشوار میکند، بلکه شیوهٔ استواری هم نیست. زیرا در بسیار جاها، مثلاً به دلیل افتادگی در دستنویس‌ها، واقعیت ضبط دستنویس‌ها جز آن است که خواننده پیش خود گمان کرده است. ولی با شیوهٔ مثبت هم مصحح درستی ثبت خود را بازرسی کرده است و هم خواننده به چگونگی ضبط دستنویس‌ها آسان‌تر و مطمئن‌تر دست یافته است.

ثبت نسخه بدل‌ها نخست به ترتیب درجهٔ ناهمخوانی با متن از کمتر به بیشتر است و سپس در ثبت ناهمخوانی‌های هم‌اندازه که در وزن واحدهای برابر دارند، ترتیب تاریخ دستنویس‌ها نگهداشته شده است. در ثبت نسخه بدل‌های شاهنامه نگهداشت ترتیب بر حسب اعتبار یا بر حسب خویشاوندی دستنویس‌ها به این علت که این هر دو امری نسبی و گردنده‌اند، کاری بیهوده است که سبب دشواری کار خواننده خواهد شد. از اینرو ما نگهداشت ترتیب تاریخ دستنویس‌ها را بهتر دانستیم، و هر گاه شمار بزرگی از دستنویس‌هایی که از نگاه تاریخ کتابت پشت یکدیگر افتاده‌اند، در ضبطی واحد انباز باشند، دیگر نشانهٔ همهٔ آنها نیامده است، بلکه به ثبت نشانهٔ نخستین و انجامینِ آنها با افزودن خط جداساز درمیان آنها (-) بسنده کرده‌ایم و یا از آنها به عدد نام برده‌ایم. در دستنویس‌ها، و بیش از همه در دستنویس لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱، در بسیار جاها نقطهٔ حروف افتاده است. ثبت همهٔ آن موارد جز افزودن بر حجم نسخه بدل‌ها سود دیگری نخواهد داشت. از اینرو ما حرفی را که نقطهٔ آن افتاده است تنها درموردی به همان صورت ثبت کرده‌ایم که اختلاف آن حرف در دیگر دستنویس‌ها دست کم امکان دو قرائت محتمل را از آن واژه بدهد، ولی همیشه درمیان کمانه نیز به بی نقطه گی آن اشاره کرده‌ایم تا به حساب نادرستی‌های چاپی گذاشته نشود. افتادگی‌های بزرگ در

دستنویس‌ها گذشته از جای خود، یکبار هم درپایان نخستین پی نوشت هر داستان یاد شده‌اند. سر عنوان‌ها را ما درجایی که مناسب دانسته‌ایم آورده‌ایم و نه به پیروی از دستنویس‌ها که در اینگونه موارد هیچگاه با یکدیگر نمیخوانند، و به قید این مطلب هم که فلان عنوان در فلان دستنویس چند بیت بالا تر یا پایین تر است همیشه اهمیت نداده‌ایم.

هر کس که درنسخه بدل‌های این تصحیح پژوهش کند، درخواهد یافت که بارِ متن تصحیح شده را بیش از نود در صد، دستنویس اساس و سه چهار دستنویس دیگر میکشند. از اینرو پژوهنده جا دارد که از خود بپرسد که آیا ثبت تباه کاری‌های دیگران در زیر صفحه‌ها جز پر کردن نیمی از حجم کتاب چه سودی دارد؟ و آیا بهتر نبود مصحح شاهنامه را بر پایهٔ همان چهارپنج دستنویسی که بار اصلی متن را میکشند تصحیح مینمود و یا تنها به ثبت برگزیده‌ای از نسخه بدل‌های مهم بس مینمود؟

پاسخ مصحح این است که اگر کار تصحیح را تنها بر اساس چهارپنج دستنویس کهن‌تر و معتبرتر بگذاریم، هر کجا که میان این دستنویس‌ها ناهمخوانی باشد ـ و این موارد رو یهمرفته بسیاراند ـ، شناخت صورت درست همیشه بر مصحح و خواننده آسان نیست و بخش مهمی از شناخت درستی یا نادرستی ضبط دستنویس اساس از این راه آشکار میگردد که آن ضبط تا چه اندازه بوسیلهٔ دستنویس‌های دیگر تأیید یا رد شوند. به سخن دیگر هر اندازه ضبطی بوسیلهٔ شمار بزرگتری از دستنویس‌ها، از شاخه‌ها و خویشاوندی‌های گوناگون، تأیید گردد، به همان اندازه بر اعتبار نسبی آن ضبط (نه اعتبار مطلق آن) میافزاید و بر عکس. دیگر اینکه سخن فردوسی همیشه با خواندن بار نخستین بر مصحح روشن نیست، بلکه بسیار پیش می آید که معنی مورد نظر سراینده پس از خواندن مکرّر آن و دیدن صورت‌های گردیده و تباه شدهٔ آن در دستنویس‌های گوناگون دانسته میشود. سوم اینکه تباهی بخش بزرگی از این نسخه بدل‌ها را خوانندگان هنگامی خواهند پذیرفت که مصحح همهٔ آنها را بی کم و کاست به داوری آنان گذاشته باشد. وگرنه در هر کجا که آنها متن را درنیابند، آن را نه به علّت از دست رفتن ضبط اصلی و نه به حساب کم آگاهی خود، بلکه تنها و تنها به حساب نقص تصحیح و بی اعتباری کار مصحح خواهند گذاشت که چرا او در تصحیح خود از دستنویس‌های بیشتر و بهتری بهره نگرفته است و یا نسخه بدل‌ها را بی کم و کاست ثبت نکرده است. نتیجهٔ یک چنین تصحیحی این خواهد بود که هرچند سال یکبار کس دیگری به این هوس خواهد افتاد که تصحیح دیگر و بهتری جایگزین تصحیح‌های موجود کند و بدین ترتیب عمر چندین نسل در تصحیح کتابی به دوباره کاری خواهد گذشت. از اینرو در تصحیح کتابی به ارج شاهنامه نباید از این هراسید که نیمی از صفحه‌های کتاب به ثبت دستبردها و تباه کاری‌های کاتبان گرفته شود. بلکه برای جلوگیری از دوباره کاری و درجا زدن هیچ راهی جز این نیست که پس از ارزیابی بخش مهمی از دستنویس‌ها و گزینش شمار بزرگی از معتبرترین

تنها، همهٔ ناهمخوانی های دستنویس‌های اساس تصحیح را با دقت و به نظمی علمی درپایین صفحه‌ها ثبت کنیم تا بدین ترتیب تصحیحی از این کتاب فراهم آید که نه جامع نسخ، ولی دربردارنده همهٔ ضبط های کهن و معتبر باشد، اگرچه از این راه بسیاری از افزوده های دیگران نیز درون کتاب گردد. تنها یک چنین تصحیحی ست که میتواند به عنوان یک **مادرتصحیح** همیشه اعتبار نسبی خود را نگهدارد و اساس پژوهش شاهنامه و تصحیح‌های سپسین گردد.

گذشته از این‌ها در این ضبط های فاسد و افزوده های دیگران که درپایین صفحه‌ها آمده‌اند، بسیارچیزها میتوان آموخت که هم درپژوهش متنِ تصحیح و هم درپژوهش زبان و ادب فارسی سودمنداند. همچون شناخت خویشاوندی و شاخه‌بندی دستنویس‌ها، چگونگی تباه شدن ضبط‌ها، پژوهش در دگرگونی زبان و خط فارسی، پژوهش درعلل دستبردها، بررسی شیوهٔ کار کاتبان، بررسی میزان توجّه مردم به شاهنامه، پژوهش در تطوّر داستان‌های شاهنامه درمیان مردم، پژوهش درگشت آیین‌ها و بینش و باورهای کهن به نو، بررسی اندازهٔ سواد و آگاهی مردم از زبان فارسی و آیین‌های کهن ملّی، پژوهش درذوق ادبی و روانشناسی مردم ایران و چه بس چیزهای دیگر که ما امروز نمی شناسیم، ولی راه پژوهش را برای آیندگان بازمیگذاریم.

به گمان مصحح، او با این تصحیح که دفترنخستین آن دربرابرخواننده است، توانسته است زمینهٔ استواری برای پژوهش متن شاهنامه آماده سازد. امید مصحح این است که منقّدان بیت بیت این تصحیح را با سختگیری و باریک بینی و موشکافی و کارشناسی، بی غرضانه بررسی کنند و نظریات خود را منتشر سازند. ما پس از پایان این تصحیح که درشش دفترمتن و دو دفتریادداشت‌ها درنظرگرفته شده است، با توجه به نظریات دیگران و آنچه خود بدان رسیده‌ایم، تصحیح دیگری از این کتاب بدون ثبت نسخه بدل‌ها و با خطی درشت‌تر و زیر و زبرگذاری بیشتر و املائی یکدست‌تر درچهار دفترمتن و یک دفتریادداشت‌ها منتشر خواهیم کرد و آن تصحیح را تا پیدایش یک دستنویس کهن‌تر به عنوان **تصحیح فعلاً نهائی** این کتاب خواهیم دانست.

درپایان وظیفهٔ خود میدانم که از استاد ارجمند آقای **احسان یارشاطر** که به پایمردی ایشان وسیلهٔ چاپ این کار فراهم گشت و درمیانهٔ کاردمی ازتشویق وپشتیبانی و راهنمایی فروگذارنکردند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

جلال خالقی مطلق

دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

الف ـ دستنویس های اصلی

۱ ـ ف دستنویس کتابخانهٔ ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. III. 24 (G.F.3) ، مورخ ۶۱۴ / ۱۲۱۷

۲ ـ ل دستنویس کتابخانهٔ بریتانیا درلندن، به نشان Add, 21. 103 ، مورخ ۶۷۵ / ۱۲۷۶

۳ ـ س دستنویس کتابخانهٔ طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479 ، مورخ ۷۳۱ / ۱۳۳۰

٤ ـ لن دستنویس کتابخانهٔ عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالُك دُرن، شمارهٔ ۳۱۶ - ۳۱۷، مورخ ۷۳۳ / ۱۳۳۳

۵ ـ ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱

٦ ـ ق[۲] دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۷۹۶ / ۱۳۹۴

۷ ـ لی دستنویس کتابخانهٔ دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494 ، مورخ ۸۴۰ / ۱۴۳۷

۸ ـ پ دستنویس کتابخانهٔ ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493 ، مورخ ۸۴۴ / ۱۴۴۱

۹ ـ و دستنویس کتابخانهٔ پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118 ، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴

۱۰ـ آ دستنویس کتابخانهٔ دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4. ، مورخ ۸۵۲ / ۱۴۴۸

۱۱ـ ل[۲] دستنویس کتابخانهٔ بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188 ، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶

۱۲ـ ب دستنویس کتابخانهٔ دولتی برلین، به نشان Or. 2° 4255 ، مورخ ۸۹۴ / ۱۴۸۹

ب ـ دستنویس های غیراصلی

۱ ـ ل[۳] دستنویس کتابخانهٔ بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403 ، مورخ ۸۴۱ / ۱۸۳۸

۲ ـ لن[۲] دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی درلنینگراد، بەنشان S. 1654 ، مورخ ۸۴۹ / ۱۴۴۵

۳ ـ س[۲] دستنویس کتابخانهٔ طوپقاپوسرای، در استانبول، به نشان H. 1510 ، مورخ ۹۰۳ / ۱۴۹۸

٤ ـ بنداری ترجمهٔ شاهنامه بەعربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ ـ ۱۲۲۴، بەکوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰

برخی ازنشانەهای دیگر

(!) درجلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوك یا نامفهوم یا فاسد است

(؟) گویا ضبط درست نیست، ولی شایدهم درست و یا راهبر بەصورت درست باشد

[ ] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظنّ الحاقی بودن میرود و یا در جای خود نیست، در چنگك دو گوشه نشانده شده است

< > هر حرف یا واژەای که در پی نویس ها در جلوی نشانهٔ دستنویسی در چنگك یك گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است

= برابر است با

آ لت یکم بیت

ب لت دوم بیت

پ پی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شمارهٔ بیت است و اگر پس از آن آید شمارهٔ پی نویس است. مثال: ۱۲پ، یعنی پی نویس بیت ۱۲، ولی: پ۱۲، یعنی پی نویس شمارهٔ ۱۲)

متن ← نگاه کنید به: متن در شمارهٔ سپسین

← نگاه کنید به، نشانهٔ برگشت

→ نشانهٔ گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دیباچه

به نام خداوند جان و خرد — کزین برتر اندیشه برنگذرد[۱]
خداوند نام[۲] و خداوند جای[۳] — خداوند روزی ده و[۴] رهنمای
خداوند کِیوان[۵] و گردان سپهر — فروزنده‌ی ماه و ناهید ومهر
زنام و نشان وگُمان برترست — نگارنده‌ی برشده گوهرست[۶]
به[۷] بینندگان آفریننده را — نبینی[۸] ، مرنجان دو[۹] بیننده را
نه اندیشه یابد بدو نیز[۱۰] راه — که او برَتر از نام و از [۱۱] جایگاه
سَخُن هر چه زین[۱۲] گوهران بگذرد — نیابد بدو[۱۳] راه جان و خرد[۱۴]
خرد گر سَخُن برگزیند همی — همان را ستاید[۱۵] که بیندهمی
ستُودن نداند کس او را چو هست — میان بندگی را ببایدت بست[۱۶]
خرد را و جان[۱۷] را همی سنجد او[۱۸] — در اندیشه‌ی سخَته[۱۹] کی گنجد او[۱۸]
بدین آلت [۲۰] رای و جان[۲۱] و زبان[۲۲] — سُتود آفریننده را کی[۲۳] توان
به هستیش باید که خَستو[۲۴] شوی — ز گفتار بیکار[۲۵] یکسو شوی

۱-**لن** پیش از این بیت سر نویس دارد: بنام ایزد بخشاینده؛ در **ل** از آغاز تا بیت ۳۹ داستان **جمشید** به خطی نوتر از متن اصلی است؛ در **س** از بیت ۱۵۸ **دیباچه** تا بیت ۱۰۹ داستان **جمشید** افتاده است؛ **بنداری** ترجمهٔ **دیباچه** را ندارد ۲- **لی، و**: جان ۳- **ل، س**: رای ۴- **لن، ق، ق۲، لی، و، آ، ل۲. ب**: < و> ؛ متن= **ف، ل، س، پ** ۵- **لن، ق۲، لی، ب**: کیهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۶- **ل**: پیکرست؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۷- **ل، س، لن، ق۲، لی**: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **ل**: چوبینی؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۹- **لن، پ**: تو ۱۰- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ب**: نیابد بدو(**لن، ق۲**: ازو) نیز اندیشه؛ متن= **ف، ق، ل۲** ۱۱- **لن، ق، پ**: وز؛ **ل** پس از این بیت افزوده‌است:

یقین دان که هرگز نیاید پدید — به وهم اندر آنکس که وهم آفرید

۱۲- و: زان؛ **ب**: از ۱۳- **ق۲**: برو ۱٤- **لی**: مرو را بیك جو نسنجد خرد ۱۵- **ف، ق**: همان راست آید(**ق**: باید)؛ **ل، س، لن، ق۲- و**: همان گزیند؛ آ: همانا ستاید؛ **ل۲**: همانرا ستاند؛ **ب**: همو را ستاید ۱٦- در **ل** این بیت در کناره آمده است ۱۷- **لی**: خرد و جان را (وزن نادرست ست) ۱۸- **ل**: اوی ؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۹- **ل۲**: سخت ۲۰- **ف، س، لی- ب** : آلت و؛ متن= **ل، لن،ق، ق۲** ۲۱- **ق**: جایگاه؛ **ق۲**: رای و هوش ۲۲- **ف، پ، و، ب**: روان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **س، ق۲، لی، پ، ب**: چون؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٤-**ل۲** : خشنو ۲۵- **لن، لی، آ، ل۲، ب**: زگفتار وبیکار؛ **ق**: ز گفتار وکردار؛ متن= **ف، ل، س، ق۲، پ، و**؛ **ف** پس ازاین بیت افزوده‌است:

کنون ای خردمند مرد خرد — بدین جایگه گفتن اندر خورد

پرستنده باشی[۱] و جوینده راه — به ژرفی به فرمانش[۲] کردن نگاه
توانا بود هر که دانا بود — ز[۳] دانش دل[۴] پیر برنا بود
ازین پرده بَرتر سَخُن گاه[۵] نیست — زهستی مر[۶] اندیشه را راه[۷] نیست

گفتار اندر ستایش خرد[۸]

کنون ای خردمند ارج[۹] خرد — بدین[۱۰] جایگه گفتن اندر خورد
خرد بهتر[۱۱] از هر چه ایزدْت داد[۱۲] — ستایش خرد را به از[۱۳] راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای[۱۴] — خرد دست گیرد بهر دو سرای
ازو شادمانی و زویت غمیست[۱۵] — وُ زویت[۱۶] فزونی و هم زو کمیست[۱۷]
خرد تیره و مرد روشن روان — نباشد همی شادمان یکزمان[۱۸]
چه گفت آن سَخُنگوی مرد از خرد[۱۹] — که دانا ز گفتار[۲۰] او[۲۱] بَرخورد[۲۲]:
کسی کو خرد را ندارد به[۲۳] پیش — دلش گردد از کرده‌ی خویش ریش
هُشیوار دیوانه خواند وُرا — همان خویش بیگانه داند[۲۴] وُرا[۲۵]
ازویی[۲۶] بهر دو سرای ارجمند — گسسته خرد[۲۷] پای دارد به بند

۱- لی: چوپوینده باشی **۲- س، لن، ق[۲]، لی، پ، و**: به‌فرمان هاژرف، متن= **ف، ل، ق، آ، ل[۲]، ب** **۳- ل**: به **٤- ق**: تن **۵- ف**: تراکار؛ **ق[۲]، پ، ب**: سخن راه؛ **و**: ترا راه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٦- ل[۲]**: بر **۷- ف**: ز هستی بر اندیشه دیدار؛ **ق[۲]**: ز هستی مر اندیشه آگاه؛ **پ**: ز هستیش اندیشه را راه؛ **و**: ولی دست اندیشه کوتاه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل**،بپس ازاین بیت افزوده‌اند:

چو معلوم شد هستی کردگار — دگر خاطر خویش رنجه مدار

پیابی بیت های ۱-۱۵ در دستنویس ها- **ف**: ۱-۱۲، ۱۲پ، ۱۳-۱۵؛ ل: ۱-۴، ۱۰، ۶، ۶پ، ۷، ۵، ۸، ۱۱-۱۵، ۱۵پ (بیت ۹ را در کناره آورده است)؛ **لن، ق[۲]**: ۱-۱۲، ۱۴، ۱۳، ۱۵؛ **ق**: ۱-۷، ۹، ۸، ۱۰-۱۵؛ آ: ۱-۱۳، ۱۵، ۱۴؛ **ل[۲]**: ۱-۴، ۶، ۵، ۷-۱۵؛ **ب**: ۱-۱۵، ۱۵پ؛ پیابی بیت های متن= **س، لی، پ، و** (که برابر است با پیابی بیت های **ف** پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۲پ، و برابر است با پیابی بیت های **ب** پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۵پ) **۸- ف**: گفتار اندر شناختن خرد و صفت خردمندان و ستایش ایشان؛ **ق[۲]**: درستایش خرد؛ **پ**: اندر ستایش خرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۹- ف**: مرد؛ **ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ب**: وصف؛ **ل[۲]**: فضل و؛ متن= **ق، آ** (و نیز **س[۲]**) **۱۰- س، پ**: بدان؛ **ق[۲]**: برین؛ متن= نه‌دستنویس دیگر؛ در **ف** این بیت پس از بیت۱۲ آمده است؛ **س- پ، آ، ل[۲]، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون (**پ**: ببین) تا چه داری بیار از خرد — که‌گوش ستاینده (**ق**: سراینده؛ **ل[۲]**: شتابنده) زوبرخورد

درآ این بیت پیش از بیت ۱۶ و چنین آمده است:

بیا تا چه داری کنون از خرد — که گوش از سرانیدنش برخورد

ف، ل، و این بیت را ندارند، ولی در **ل** آنرا در کناره افزوده‌اند **۱۱- آ**: برتر **۱۲- ل، لن**: ایزد بداد؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۳- ل[۲]**: خرد بهتر از؛ **ق** این بیت راندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند **١٤- ل**: دین گشای **۱۵- ف، ق، لی، آ**: زو مردمیست؛ **پ، و، ل[۲]**: زویت غم است؛ متن= **ل، س، لن، ق[۲]، ب** **١٦- لی، و، ل[۲]**: ازویت **۱۷- ل، لن، ق[۲]، لی**: زویت کمیست؛ **پ، و**: زویت کم است؛ آ: ازو هم فزونی و هم کمیست (وزن نادرست است)؛ **ب**: وزو هم فزونی وزو هم کمیست؛ متن= **ف، س، ق، ل[۲]** **۱۸- آ**: این بیت را ندارد؛ در **ق، و** این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است **۱۹- ل، س، پ- ب**: خردمند مرد خرد؛ **لن، ق[۲]، لی**: هنرمند مرد خرد؛ متن= **ف، ق** **۲۰- ق**: کردار **۲۱- آ**: خود **۲۲- لی**: که گوش ستاینده زو برخورد؛ در **ف** این بیت پس از بیت ۱۵ آمده است؛ در **ق، و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۲۳- س، لن، ق[۲]، پ**: ز؛ متن= **ل، لی، و؛ ف، ق، آ، ل[۲]، ب** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۲٤- ل**: خواند؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۲۵- ق**: ترا **۲٦- ل**: شد ازوی؛ آ: چوگشتی؛ **ل[۲]**: که ازوی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۷- ل**: شکسته خرد؛ **ق**: خرد بسته را؛ متن= ده دستنویس دیگر

خرد چشم جان ست چون[۱] بنگری　　که[۲] بی چشم[۳] شادان جهان نسپری
نُخُست آفرینش[۴] خرد را شناس　　نگهبان جان ست و آن[۵] سه پاس[۶]
سه پاس[۷] تو چشم[۸] ست و گوش[۹] و زبان　　کزین سه بود[۱۰] نیک و بد[۱۱] بی گُمان
خرد را و جان را که داند[۱۲] سُتود　　وُ گر من سِتایم که یارد شُنود[۱۳]
حکیما چو[۱۴] کس نیست گفتن چه سود　　ازین پس بگو کافرینش چه بود[۱۵]
تویی[۱۶] کرده‌ی کردگار جهان　　ندانی همی[۱۷] آشکار و نِهان
به دانش ز[۱۸] دانندگان راه جوی　　به گیتی بپوی[۱۹] و بهرکس بگوی[۲۰]
ز هر دانشی[۲۱] چون سَخُن بشنوی　　ز[۲۲] آموختن یکزمان نَغنَوی
چو دیدار یابی به شاخ سَخُن　　بدانی که دانش نیاید به بن[۲۳]

گفتار اندر وصف آفرینش عالم[۲۴]

از[۲۵] آغاز باید که دانی درست　　سر مایه‌ی گوهران از[۲۶] نُخُست
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید　　بدان تا توانایی آمد[۲۷] پدید

۱- **لن**: گر؛ **ق**[۲]: اگر؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲- ل، س، لن، ق**[۲]- آ، **ب**: تو؛ متن= **ف، ق، ل**[۲] **۳- ل**[۲]: خشم **٤-** آ: سپاس آفرینش **۵- پ**: آن را **٦- ل، س، لن، ق**[۲]- **ب**: سپاس؛ متن= **ف**؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند **۷- ل- و، ل**[۲]: سپاس؛ آ، **ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف** **۸- ل**: جان؛ **س، ق- و، ل**[۲]: گوش؛ متن= **ف، لن** **۹- ل، س، ق، ق**[۲]، **پ، و، ل**[۲]: چشم؛ **لی**: جان؛ متن= **ف، لن** **۱۰- ل- و، ل**[۲]: رسد؛ متن= **ف** **۱۱- لن، ق**[۲]: بیش وکم؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۲- ل، س، لن، ق**[۲]- و، آ، **ب**: یارد؛ متن= **ف، ق، ل**[۲] **۱۳- ف**: زین پس بگو کافرینش چه بود (=۲۹ب)؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۲۱ آمده است **١٤-** آ: خرد را چو؛ **ل**[۲]: حکیمان **۱۵- ف** لت یکم این بیت را ندارد (۲۸ب و ۲۹آ را انداخته و از ۲۸آ و ۲۹ب یك بیت ساخته است)؛ در **س** پس ازاین بیت بیت ۳۳آمده‌است؛ **ق** پس از این بیت و **پ، و** پس ازبیت سپسین افزوده‌اند:

همیشه خرد را تو دستور دار　　بدو جانت از ناسزا دور باد

این بیت در نه‌دستنویس دیگر نیست، ولی در **ل** آنرا در کناره افزوده‌اند **١٦-** آ: توگر **۱۷- ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، ل**[۲]، **ب**: نبینی همی؛ **پ، و**: شناسندهٔ؛ متن= **ف، ق**، آ؛ **پ**، و پس از این بیت بیت ۲۹پ را افزوده‌اند **۱۸- ل، ق، پ، و، ب**: به گفتار؛ آ: ز دانا و؛ **ل**[۲]: به دیدار؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی** این بیت را ندارند، ولی در **س** آنرا در میان ستون ها افزوده‌اند؛ متن= **ف** **۱۹- ل**[۲]: بجوی **۲۰- ل**: مگوی؛ **ق**: بجوی؛ متن= **ف، پ- ب** **۲۱- لی**: تشی **۲۲- ق**[۲]، **لی**: از؛ **س** این بیت را ندارد؛ در **ق** این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۶۹ آمده‌اند و در اینجا نیز آنها را در کناره افزوده‌اند **۲۳-** در **س** این بیت پس از بیت ۲۹ آمده است؛ در **ق** این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۶۹ آمده‌اند و در اینجا نیز آنها را در کناره افزوده‌اند؛ پیایی بیت های ۱۶-۳۳ در در دستنویس ها- **ف**: ۲۱، ۱۷- ۲۰، ۲۳- ۲۷، ۲۸ و ۲۹ در یك بیت (← ۱۲پ)، ۳۰، ۳۱- ۳۳ (بیت های ۲۲ و ۳۰پ را ندارد و بیت ۱۶ را پس از بیت ۱۲ آورده است)؛ **ل**: ۱۶- ۳۰، ۳۱- ۳۳ (بیت ۳۰پ در کناره آمده است)؛ **س**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۷- ۲۷، ۳۲، ۲۸، ۲۹، ۳۳ (بیت های ۳۰ و ۳۰پ را ندارد و بیت ۳۱ در میان ستون ها آمده است)؛ **لن**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۷- ۲۷، ۳۲، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰پ و ۳۱ را ندارد)؛ **ق**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۰، ۲۳- ۲۵، ۲۷- ۲۹، ۳۰پ، ۳۰، ۳۱ (بیت های ۱۷ و ۲۲ و ۲۶ و ۳۲ و ۳۳ در کناره آمده‌اند)؛ **ق**[۲]، **لی**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۷- ۲۷، ۳۲، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۰ (بیت های ۳۰پ و ۳۱ را ندارند)؛ **پ**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۷- ۲۸، ۳۲، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۰، ۳۰پ، ۳۱؛ **و**: ۱۶- ۲۰، ۲۲، ۲۱، ۲۳- ۲۷، ۳۲، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۰، ۳۰پ، ۳۱؛ آ: ۱۶پ، ۱۶- ۱۹، ۲۱، ۲۳- ۲۶، ۲۸- ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ (بیت های ۲۰ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۰پ را ندارد)؛ **ل**[۲]: ۱۶، ۱۶پ، ۱۷- ۲۱، ۲۳- ۳۰، ۳۱، ۳۳ (بیت های ۲۲ و ۳۰پ را ندارد)؛ **ب**: ۱۶، ۱۶پ، ۱۱- ۲۱، ۲۸، ۲۳- ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱- ۳۳ (بیت های ۲۲ و ۲۷ و ۳۰پ را ندارد) **٢٤- ف**: گفتار اندر وصف آفرینش عالم و ستایش آفریدگار؛ **ل، پ**: گفتار (**پ**: < گفتار>) اندر ستایش آفرینش؛ **س، لن، لی**: اندر (**لن**: گفتار اندر) آفریدن عالم و نهاد آن؛ **ق**: در آفریدن عالم؛ **و**، آ، **ب**: گفتار (آ: < گفتار>) اندر آفرینش عالم؛ **ق**[۲]، **ل**[۲] ناخواناست؛ متن= آغاز **ف** **۲۵-** آ: ز **٢٦- لن**: را **۲۷- ل، لی، و، ب**: آید؛ متن= هشت دستنویس دیگر

وُزو[1] مایه‌ی گوهر آمد[2] چهار   برآورده[3] بی رنج و بی روزگار
یکی آتش[4] برشده[5] تابناك   میان باد و آب[6] از بر[7] تیره‌خاك
نُخُستین که آتش ز[8] جنبش دمید   ز گرمیش پس خشکی آمد پدید
وُزان[9] پس از[10] آرام سردی نُمود[11]   ز سردی همان باز تَرّی[12] فزود[13]
چو این چار گوهر بجای آمدند   ز بهر سِپنجی سرای[14] آمدند
گهرها یك اندردگر[15] ساختند[16]   دگر[17] گونه گردن برافراختند[18]
پدید آمد[19] این[20] گنبد[21] تیزرو   شِگفتی نُماینده‌ی[22] نو به نو
درو ده‌ودو برج[23] آمد پدید   ببخشید داننده چونان[24] سَزید[25]
ابر[26] ده‌ودو، هفت شد کدخدای   گرفتند هریك[27] سَزاوار جای
فلك ها یك اندر دگر بسته شد   بجنبید[28] چون کار پیوسته شد
چو دریا وچون دشت وچون کوه و راغ[29]   زَمین[30] شد بکردار روشن چراغ
ببالید کوه آب ها بردمید   سر رُستنی سوی بالا کشید[31]
زَمین را بلندی نبُد[32] جایگاه   یکی مرکزی تیره بود و سیاه[33]
ستاره به سر بر شِگفتی نمُود   به خاك اندرون[34] روشنایی فُزود[35]
همی برشد ابرو[36] فرود آمد آب   همی گشت گِردِ زَمین[37] آفتاب
گیا رُست[38] با چند گونه درخت   به زیر[39] اندر آمد سرانشان[40] ز بخت[41]
ببالد، ندارد جزین نیرویی[42]   نپوید[43] چو پویندگان[44] هر سوی

۱- آ: فزون ۲- ق: گوهـران هر؛ ل: سرمایهٔ گوهران این ۳- ل: برآورد؛ متن= یازده دستنویس دیگر ٤- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل[2]، ب: آتشی؛ متن= ف، ق[2] ۵- و: یکی برشده گوهر ٦- ل، س، ق، ق[2]، آ، ب: آب وباد؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل[2] ۷- ل[2]: ازبرو ۸- : به؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ل: ازان ۱۰- ل، لن- و: ز؛ متن= ف، س، آ، ل[2]، ب ۱۱- لن: فزود ۱۲- ف: بادتری؛ ق: باد و تری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۳- لن: نمود ١٤- ل: سرا ۱۵- لی: < دگر > (وزن نادرست است) ١٦- ل- ب: ساخته؛ متن= ف ۱۷- ل- ب: زهر؛ متن= ف ۱۸- ل، لن، ق، و، ل[2]، ب: برافراخته؛ س، ق[2]، لی، پ: گونه‌ای گردن افراخته؛ آ: گونه گوهر برافراخته؛ متن= ف؛ ل، ق پس از این بیت سرنویس دارند: گفتار اندر آفرینش افلاك ۱۹- لن: پدیدار ۲۰- لی: آن ۲۱- لن: گوهر ۲۲- لن: نماینده را ۲۳- ل: درو داد و هم بخشش؛ س- ب: درو (ق[2]: در) بخشش و دادن؛ متن= ف ٢٤- ل: جویان؛ س، لی، و: داننده را چون؛ ق: دانا چنان چون؛ پ: داننده‌تان چون ۲۵- لن، ق: بدان تا توانی آید پدید (= ۳۵ب)؛ متن= ف، آ، ل[2]، ب؛ در ل- ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ٢٦- لی: چو بر ۲۷- ل: هر دو؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در ل- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن= ف ۲۸- س: ببخشید؛ آ: بپیوست؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- ل: چو دشت و چو دریا و چون کوه و راغ؛ س، ق، لی- ب: چو دریا و چون کوه و چون دشت (ل[2]: باغ) و راغ؛ لن، ق[2]: چو دریای خون شد همه دشت و راغ؛ متن= ف ۳۰- ق، ل[2]: جهان ۳۱- لی این بیت را ندارد ۳۲- ل: ز سبزه بلندی بهر؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۳- ل، لن، ق، ق[2]، پ: یکی مرکزی بود تیره سیاه؛ و، ب: یکی مرکزی تیره بود سیاه(وزن نادرست است)؛ لی این بیت راندارد؛ متن= ف، س، آ، ل[2] ٣٤- آ: بدین تیرگی ۳۵- س، لن، ق[2]، لی: ز سردی همان باز تَرّی فزود(لی: نمود؛ = ۳۹ب)؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر ستایش اشجار و نبات و صفت افلاك و آفتاب‌وماه ۳٦- س، لن، ق[2]- و، آ، ب(ونیزل[3]، لن[2]): همی برشدآتش؛ متن= ف، ل، ق، ل[2] ۳۷- ل: جهان؛ آ: زمی؛ متن= ده‌دستنویس دیگر ۳۸- ل، ق[2]: که یارست (→ گیارست) ۳۹- لی، ب: به ابر ٤٠- ل[2]: سرایشان ٤١- ل: به زیر اندر آید سرانراز سخت؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز کان بعد از آن گوهر آمد پدید   ازآن سان که داد آفرین پرورید

٤٢- آ: نیکویی؛ ل: بیایند جنبنده از هر سویی؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= نه‌دستنویس دیگر ٤٣- ف، س، لن، ل[2]: بپوید ٤٤- ق[2]: چو تو بندگان؛ ل: بپویند جویندگان

ازآن[۱] پس چو جنبنده آمد پدید / همه[۲] رُستنی زیر[۳] خویش آورید[۴]
سرش زیر نامد[5] بسان درخت / نگه کرد باید بدین[۶] کار، سخت
خور و خواب و آرام جوید همی / وُزان زندگی کام جوید همی[۷]
نه گویا زبان و نه جویا خرد[۸] / ز خاشاك ها خویشتن[۹] پرورد
نداند بد و نیكِ فرجام[۱۰] کار / نخواهد ازو[۱۱] بندگی کردگار
چو دانا توانا بُد و دادگر / ازیرا نکرد ایچ پنهان[۱۲] هنر[۱۳]
چُنین ست، فرجام کار[۱۴] جهان / نداند کسی[۱۵] آشکار و نِهان[۱۶]

گفتار اندر آفرینش مردم[۱۷]

کزین بگذری[۱۸] مردم آمد پدید / شد این بندها را سراسر کلید
سرش راست[۱۹] برشد چو سرو[۲۰] بلند / به گفتار[۲۱] خوب و[۲۲] خرد کاربند
پذیرندهٔ هوش و رای[۲۳] و[۲۴] خرد / مرو را دد و دام فرمان[۲۵] برد
ز راه خرد بنگری[۲۶] اندکی / که معنی مردم[۲۷] چه باشد یکی
مگر[۲۸] مردمی[۲۹] خیره‌خوانی[۳۰] همی[۳۱] / جزین را نشانی ندانی[۳۲] همی
ترا از دو گیتی برآورده‌اند / به چندین میانجی بپرورده‌اند
نُخُستینْت[۳۳]: فکرت[۳۴]، پسینَت[۳۵]: شمار، / تو مر[۳۶] خویشتن را به بازی مدار
شنیدم ز دانا[۳۷] دگرگون ازین[۳۸] / چه دانیم راز[۳۹] جهان آفرین

۱- **ل، ق، لی**: وزان ؛ **س، لن، ق**[۲]، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، پ، و، ل**[۲] **۲- ل**[۲]: همی ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳- ل**: سوی **٤- لی**: آفرید؛ **پ**: سر به بالا کشید **۵- ل**: همی سر برآورد؛ **و**: سرش زیر باشد؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ق، و** **٦- ل**[۲]: برین **۷- س، لن، ق**[۲]**، پ، و**، آ، **ب** این بیت را ندارند **۸- ل**: زکام ز ناکام خوردن خورد ؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرادر کناره افزوده‌اند؛ متن= ده‌دستنویس دیگر **۹- ل، س، لن، ق**[۲]- آ، **ب**: ز خاك (**و**، آ: زخار) و زخاشاك تن؛ **ل**[۲]: زهر پرورش خویشتن؛ متن= **ف** **۱۰- ف، ق**: بدو نیك و فرجام؛ **ل**[۲]: بد از نیك فرجام؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۱- ق**[۲]: بخواهد ازو؛ **ل**[۲]: بفرمایدش **۱۲- و**: پیدا **۱۳- ل**: گهر **١٤- ل**: فرجام وکار **۱۵-** آ: نداند همی **١٦- و**: آشکارا نهان **۱۷- ف**: گفتار اندر سبب آفرینش مردم و ستایش آدمی که فضیلت دارد بر دیگر حیوانات بفضل آفریدگار جل جلاله؛ **ل**: گفتار اندر آفرینش مردم و حیوان؛ **س، لن، لی**: گفتار اندر آفریدن آدمیان؛ **پ**: اندر آفرینش مردم ؛ آ: گفتار اندر آفرینش آدم و غیر آن؛ **ل**[۲]: گفتار اندر آفرینش مردم و فضیلت آن ؛ متن= **ب** **۱۸- ل**: چو فرجام شد؛ **ق**: چو زین بگذری ؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۹- ل**: ببالا چو **۲۰-** آ: کرشد به ابر **۲۱- ف، و، ل**[۲]: بدیدار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۲- ل**: <و> **۲۳- لن**: رای و هوش؛ آ: رای هوش **٢٤- ل**: <و> **۲۵- ب**: رامش **٢٦- ق**[۲]: بگذرد؛ آ: بگذری **۲۷- ل**: که مردم به معنی **۲۸-** آ: یکی **۲۹- ف، و**: مردمش؛ **ل، ق**[۲]**، پ**: مردم؛ **ق، ل**[۲]: مردمم ؛ متن= **س، لن، لی**، آ، **ب** **۳۰- ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**، آ، **ل**[۲]**، ب**: دانی ؛ **ل، و**: خوانـد؛ متن= **ق** **۳۱-** آ: چه کرد؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**، آ، **ل**[۲]**، ب** پساوند ندارند **۳۲-** آ: نخوانی ؛ **ف، و**: پسین شمارش نخوانی (**و**: نداند)؛ **ل**: جزاینش نشانی نداند؛ **ق**: زمن باز پرس ار ندانی ؛ **ل**[۲]**، ب**: جزاینم شماری (**ب**: نشانی) ندانی ؛ متن= **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ** **۳۳- ل- ب**: نخستین؛ متن= **ف** **٣٤- ل**: جنبش؛ **لن**- آ: فطرت؛ متن= **ف، ل**[۲]**، ب** **۳۵- ل، س، ق- ب**: پسین؛ **لن**: پسین در؛ متن= **ف** **٣٦- ل- ب**: تویی ؛ متن= **ف** **۳۷- ف، ق**: گویا؛ متن= ده دستنویس دیگر **۳۸- و، ب**: دگرگونه این **۳۹- ف**: چه داند جهان از؛ **لی**: ندانیم راز؛ متن= ده دستنویس دیگر

[نگه کن سرانجام خود را ببین … که کاری نیابی بروبر گزین][۱]
[به رنج اندرآری تنت را[۲] رواست … که خود رنج بردن به[۳] دانش سَزاست]
نگه کن بدین گنبد تیزگَرد[۴] … که درمان ازویست و زویست درد
نه گشت[۵] زمانه بفرسایدش[۶] … نه‌آن[۷] رنج و تیمار بگزایدش
نه از جنبش آرام گیرد همی[۸] … نه چون ما تباهی پذیرد همی
ازو دان فزونی[۹] وُ زوهم[۱۰] نهار[۱۱] … بد و نیك نزدیك او آشکار[۱۲]
زیاقوت سرخ ست چرخ کبود[۱۳] … نه از آب و باد و نه از گرد و دود[۱۴]
به چندین فروغ و به چندین[۱۵] چراغ … بیاراسته چون به نوروز[۱۶] باغ

گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه[۱۷]

روان اندران[۱۸] گوهر دلفروز[۱۹] … کزو[۲۰] روشنایی گرفتست روز
که هر بامدادی چو زرّین سپر … ز مشرق برآرد فروزنده سر[۲۱]
زَمین پوشد از نور پیراهنا … شود تیره‌گیتی بدو[۲۲] روشنا
چو از مشرق او سوی خاور[۲۳] کَشد[۲۴] … ز مشرق[۲۵] شب تیره سر[۲۶] برکَشد[۲۷]
نگیرند[۲۸] مر[۲۹] یکدگر را گذر[۳۰] … نباشد ازین یك روش[۳۱] زاستر[۳۲]

۱- **س- پ، آ**: چو کاری بیابی (**ق۲، لی**: نیابی) برین (**ق**: ازو) برگزین؛ **ل۲، ب**: که کاری نیابی بدین (**ب**: جز او) برگزین؛ و این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل** ۲- آ: تو شب را ۳- **ل**: ز؛ **ف** از بیت ۷۰- ۸۹ را ندارد؛ در **ل** پس از بیت ۶۹ به‌ترتیب بیت های ۹۲، ۹۴، ۹۰ و ۹۳ آمده‌اند؛ در **س، لن، لی** میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت ۹۲ آمده است؛ در **ق** پس از بیت ۶۹ به‌ترتیب بیت های ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳ و ۷۰ آمده‌اند؛ در **ق۲** پس از بیت ۶۹ بیت ۹۲ آمده و بیت های ۷۰، ۷۱ و ۷۲ را انداخته است؛ در **و، آ، ل۲** میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت های ۹۲ و ۹۳ آمده‌اند؛ پیایی بیت های متن= **ب** (که با **س، لن، لی** پس از بردن بیت ۹۲ بجای خود، و یا با **و، آ، ل۲** پس از بردن بیت های ۹۲ و ۹۳ بجای خود برابر است)؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی بیت ۹۰ است ٤- **ل**: به گرد در دانشش بازگرد؛ **ق۲** این بیت را ندارد ۵- **لن**: بگشت ٦- آ: بیفزایدش ۷- **ل، ق، ل۲**: نه از؛ **لن**: بدان؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **س، لی، پ، و، آ، ب** ۸- **ل**: نه از مهر او دل بکاهد همی؛ **لی**: از آن گردش آرام گیرد همی؛ **ق۲** این بیت را ندارد ۹- **ق۲**: ازو دان نهانی؛ **لی**: ازو هم فزونی؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ف** ۱۰- **س، پ، و، ل۲**: و هم زو؛ متن= **ل، لن، ق۲، لی، آ، ب** ۱۱- **ل، س، آ**: شمار؛ **ق۲**: بهار؛ متن= **لن، لی، پ، و، ل۲، ب** ۱۲- **لن**: اویست کار ۱۳- **ل**: چنین چرخ گردنده پیدا نمود؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ف** ١٤- **س، لن، ق۲، پ، آ**: نه از آب وگرد ونه از باد ودود؛ متن= **ل، ق، لی، و، ل۲، ب** ۱۵- **لن، ق۲**: به چندان؛ **لی**: که با آن فروغی بچندین ١٦- **ق۲**: همچو نادیده ۱۷- **س، لی**: اندر آفریدن آفتاب و ماه و غیره؛ **لن، آ، ب**: گفتار (**ب**: < گفتار>) اندر آفرینش آفتاب و ماه (**لن**: وغیره؛ آ: و غیرآن)؛ **پ**: اندر گردش فلك و آفتاب و ماه؛ **ل، ق** سرنویس ندارند؛ **ق۲، ل۲** ناخواناست؛ متن= **و** ۱۸- **ق، ق۲، و**: اندرو؛ **لی**: آمد آن؛ **ل۲**: اندرین ۱۹- **ق، و**: شب فروز؛ **ل**: ازویست رخشنده گیتی فروز؛ متن= **س، لن، پ، آ، ب** ۲۰- **ل، ق، ل۲، ب**: ازو؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ف** ۲۱- **ل** این بیت و دو بیت سپسین را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند ۲۲- **ق، و**: ازو؛ **ل۲**: برو ۲۳- **س- لی، آ، ل۲، ب**: مغرب؛ متن= **پ، و** ٢٤- **س**: کشید؛ **ق**: رسد؛ **ق۲**: دمید؛ آ: رسید؛ متن= **لن، لی، پ، و، ل۲، ب** ۲۵- **لی، آ**: زمغرب ٢٦- **لی**: < سر > (وزن نادرست است) ۲۷- **س، ق۲، آ**: برکشید؛ متن= **لن، ق، لی، پ، و، ل۲، ب** ۲۸- **ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: بگیرند؛ متن= **س، لن، ق، پ، و** ۲۹- **ق، ل۲، ب**: بر ۳۰- **ق، ل۲، ب**: رهگذر؛ **ل**: ز خاور برآید سوی باختر ۳۱- **لی، و**: ازین روشن و ۳۲- **ل- ب**: راستر؛ متن تصحیح قیاسی است

ایا آنکه[1] تو آفتابی همی   چه بودت که بر من[2] نتابی[3] همی
چراغ ست مر تیره‌شب را بسیچ   به بد[4] تا توانی تو هرگز مپیچ
چو سی روز گِردش[5] بپیمایدا   دو روز و دو شب روی ننمایدا[6]
پدید آید آنگاه باریك و زرد[7]   چو پشت کسی کو غم عشق خَورد[8]
چو بیننده دیدارش از دور دید   هم اندر زمان او[9] شود ناپدید
دگر شب نُمایش کند بیشتر   ترا روشنایی دهد بیشتر
به دو هفته گردد تمام و[10] درست   بدان[11] بازگردد که بود ازنُخست
بود[12] هرشب آنگاه باریکتر   به خورشید تابنده نزدیکتر[13]
بدینسان[14] نِهادش خداوند داد   بود تا بود هم[15] برین[16] یك نِهاد

گفتار اندر ستایش پیغمبر[17]

ترا دانش دین[18] رهاند درست[19]   در[20] رستگاری ببایدت جست
دلت گر[21] نخواهی[22] که باشد نژند   همان تا نگردی تن مستمند[23]
چو خواهی که یابی ز هر بد[24] رها   سر اندرنیاری[25] به دام بلا
بُوی[26] در دو گیتی ز بد[27] رستگار   نکوکار گردی[28] برِ کردگار

۱- **س**: آنك   ۲- **پ**: از من؛ **و**: بر ما   ۳- **پ**: بتابی؛ **ق** این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   ٤- **و**: ازو   ۵- **ل**: گردو<ن>   ٦- **ل، س، لن**، آ، **ب**: شود تیره گیتی بدو روشنا؛ **لی**: درو روز و شب روی بنمایدا؛ متن= **ق، ق**[2]**، پ، و، ل**[2]   ۷- **ل**: باریکتر؛ متن= **س- ب**   ۸- **ل**: کو بود عشق خور؛ **ق**[2]: کو غم خویش خورد؛ متن= **س، لن، ق، لی- ب**   ۹- **ق، لی، و**، آ: زو؛ در **س، لن، ق**[2]**، لی، پ**، آ پس از این بیت بیت ۸۹ آمده است   ۱۰- **ل**: او   ۱۱- آ: بدین   ۱۲- **و**: شود   ۱۳- آ: تاریکتر؛ **ل، لی، پ** این بیت را ندارند   ١٤- **س، لن، ق**[2]، آ: برینسان؛ **ب**: بر انسان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ل، لی، پ، و، ل**[2]   ۱۵- **ل**[2]: بود تا که باشد   ١٦- **لی**: بدین؛ در **س، لن، ق**[2]**، لی، پ**، آ این بیت پس از بیت ۸۵آمده است   ۱۷- **ف**: گفتار اندر ستایش پیغمبر ما محمد صلات الله وسلام علیه و ستایش چهار یار او رضوان الله علیهم؛ **س**: گفتار اندر نعت پیغمبر صلی الله علیه وسلم؛ **ق**: گفتار اندر ستایش رسول صلی الله علیه؛ **ق**[2]: در نعت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله؛ **لی**: گفتار اندر نعت محمد مصطفی صلی الله علیه؛ **پ**: اندر ستایش پیغمبر صلی الله علیه؛ **و**: فی نعت النبی لامی صلی الله علیه وسلم؛ آ: گفتار اندر نعت سیّد المرسلین صلعم؛ **ل**[2]: گفتار در نعت پیغامبر و ثنای اهل بیت؛ **ب**: **نعت سیدالمرسلین**؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف**   ۱۸- **ل- ق**[2]**، پ- ب**: دانش و دین؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف**   ۱۹- **ف**: نخست؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۲۰- **پ**: ره؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی این بیت است   ۲۱- **ل، پ، و، ب**: وگر دل؛ **س، لن، لی**، آ، **ل**[2]: اگر دل؛ **ق، ق**[2] این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف**   ۲۲- **لی**: نخواهد   ۲۳- **ل، س، لن، لی- ب**: نخواهی که دایم بوی (آ: بود) مستمند؛ متن= **ف**   ٢٤- **ل**: ز بدها؛ **لی**: چو خواهی ز هر بد که یابی   ۲۵- **ق**[2]: نیابی؛ در **ف** این بیت پیش ازبیت ۹۱ آمده‌است؛ در **ل** این بیت یکبار هم پس از بیت ۶۹ آمده است؛ در **س، لن، ق**[2]**- ل**[2] این بیت پس از بیت ۶۹ آمده است؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   ٢٦- **ق**، آ: تویی   ۲۷- **ل**: تن   ۲۸- آ، **ل**[2]**، ب**: نکونام باشی؛ متن= **ل، ق، پ، و؛ ف، س، لن، ق**[2]**، لی** این بیت را ندارند؛ در **ل** این بیت پس از بیت ۹۰، در **ق** پس از بیت ۶۷ و در **پ، و**، آ، **ل**[2] پیش از بیت ۷۰ آمده است

به گفتار پیغمبرت راه‌جوی[1] ... دل از تیرگی ها بدین آب شوی

چه گفت آن خداوند[2] تنزیل و[3] وحی ... خداوند امر و خداوند نهی

که من شارستانم[4] علیّم در است ... درست این سُخُن[5] گفت[6] پیغمبرست

گواهی دهم کین[7] سُخُن راز[8] اوست ... تو گویی دو گوشم[9] بر[10] آواز اوست

حکیم این جهان را چو دریا نِهاد ... برانگیخته موج ازو تندباد[11]

چو[12] هفتاد کَشتی برو[13] ساخته ... همه بادبان ها برافراخته

یکی پهن کَشتی بسان عروس ... بیاراسته همچو چشم خروس[14]

محمّد بدو اندرون[15] با علی ... همان[16] اهل بیت[17] نبیّ و وصی[18]

۱- ل: بگفتار پیغمبر راه جوی جوی(!)؛ در ف پس از این بیت بیت ۹۰ آمده است؛ پیایی بیت های ۷۰- ۹۴ در دستنویس ها ـ ف: ۹۲، ۹۱، ۹۴ (بیت های ۷۰- ۹۰ و ۹۳ را ندارد)؛ ل: ۹۲، ۹۴، ۹۰، ۹۳، ۷۰- ۷۶، ۸۰- ۸۷، ۸۹- ۹۲، ۹۴ (بیت های ۷۷- ۷۹ و ۸۸ را ندارد، ولی بیت های ۷۷- ۷۹ را در کناره افزوده است)؛ س، لن: ۹۲، ۷۰- ۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴ (بیت ۹۳ را ندارد)؛ ق: ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳، ۷۰- ۷۲، ۷۴- ۸۰، ۸۲- ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴ (بیت های ۷۳ و ۸۱ و ۸۹ و ۹۱ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند)؛ ق[2]: ۹۲، ۷۳- ۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۴ (بیت های ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۹۱ و ۹۳ را ندارد)؛ پ، آ: ۹۲، ۹۳، ۷۰- ۸۵، ۸۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴؛ و، ل[2]: ۹۲، ۹۳، ۷۰- ۹۱، ۹۴؛ پیایی بیت های متن= ب **۲**- لن: خردمند **۳**- پ، آ: < و > ؛ ف- لن، ق[2]- آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند (در لن لت دوم بیت یکم ناخواناست):

که خورشید بعداز رسولان مه ... نتابید بر کس ز (لی: چو) بوبکر به

عمر کرد (لن: چو اوکرد) اسلام را آشکار ... بیاراست گیتی (ف: دین را) چوباغ (ف: چوخرّم؛ ب: بسان) بهار

پس از هر دوان بود عثمان گزین (لن: اهل یقین) ... خداوند شرم و خداوند دین

چهارم علی (لن: چو اکنون علی) بود جفت بتول ... که‌او رابخوبی ستاید(ل، آ: ستایدبخوبی) رسول

این بیت ها در ق، ل[2] (ونیز در س[2]) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده‌اند

٤-ل - آ، ب: شهر علمم؛ متن= ف، ل[2] (: شارسانم)؛ در ل[2] این بیت دوبار آمده است. یکبار با ضبط **شهر علمم** در اینجا، و بار دیگر با ضبط **شارسانم** پس از بیت ۹۷ **۵**- ل: درستست و این **٦**- ل- ل[2]: قول؛ متن= ف، ب **۷**- ل: این؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۸**- لی، پ: را از؛ لن، ق[2]: سخن ها از **۹**- آ: دوگوشم توگویی **۱۰**- لن: به؛ پ، ب: پر؛ س، لن، ق[2]- آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند (در لن لت دوم بیت دوم را پاك کرده‌اند):

علی را چنین گفت و دیگر همین ... کزیشان قوی شدبه(ب: بدبه؛ ق[2]: گشت) هرگونه دین

و: کزیشان بود زور و بازوی دین

نبی آفتاب و صحابان (لن، لی و، آ: صحابه) چوماه ... بهم پشتی (ق[2]: بهم نسبتی) یکدگر راست راه

ب: بمانند با یکدگر سال وماه

این دو بیت در ف، ل، ق، ل[2] نیست، ولی در ق آنها را میان دو ستون افزوده‌اند؛ ل پس از بیت ۹۷ و س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب پس از دو بیت بالا و ق پس از بیت ۱۰۴ بیت زیر را افزوده‌اند:

منم بندهٔ اهل بیت نبی ... ستایندهٔ خاك پای (ل، ق[2]: جان پاك) وصی

این بیت در ف، و نیست؛ پ پس از بیت بالا یك بیت دیگر نیز افزوده است:

ابا دیگران مر مرا کار نیست ... بدین در مرا راه گفتار نیست

۱۱- ل: موج او شد چو باد؛ ق[2]: موج ازو شد چو باد؛ در لن لت دوم این بیت را پاك کرده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۲**- ل[2]: دو **۱۳**- ل: برآن؛ لی: بدو؛ متن= ده دستنویس دیگر **١٤**- در لن لت دوم این بیت را پاك کرده‌اند **۱۵**- ل: اندرو **١٦**- س، لن، ق[2]- آ: همه؛ متن= ف، ل، ق، ل[2]، ب **۱۷**- آ: اهل و بیت **۱۸**- ل، لن، ق، لی، و، آ: ولی؛ س: همه بندهٔ اهل بیت نبی؛ متن= ف، ق[2]، پ، ل[2]، ب؛ ف- ب (ونیز ل[3]، لن[2]، س[2]) پس از این بیت افزوده‌اند (در لن لت دوم بیت یکم و لت یکم بیت دوم را پاك کرده‌اند):

خردمند کز دور دریا بدید ... کرانه نه پیدا و بن ناپدید

بدانست کو(ل: کان) موج خواهد زدن ... کس ازغرق (ف، ل[2]: اوج) بیرون نخواهدشدن

ب: از او موج بر اوج خواهد شدن

به دل گفت اگر با نبی و وصی ... شوم غرقه(ل[2]: غرق) دارم دویار(ق روانرا) وفی

همانا که باشد مرا دستگیر ... خداوند تاج و لوا و سریر

خداوند جوی و می و انگبین ... همان چشمهٔ شیر و ماء معین

اگــر چشــم داری به دیگــر سرای　　بنــزد نبــیّ و وصــی[۱] گیر جای
گرت زین بد آید[۲] گنــاه من ست　　چُنــین ست و این دین و[۳] راه من ست
برین[۴] زادم و هم برین[۵] بگــذرم　　چُنــان دان که خاك پی[۶] حیدرم
نگــر تا به بازی نداری[۷] جهــان　　نه برگــردی از نیك پی[۸] همــرهــان
همــه نیکــیت باید[۹] آغــاز کرد[۱۰]　　چو با نیکـنــامــان بُوی هم[۱۱] نبــرد[۱۲]
ازین[۱۳] در سَخُــن چنــد رانــم همــی　　همــانش کَرانــه[۱۴] ندانــم همــی

گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه[۱۵]

سَخُــن هرچــه گویم[۱۶] همــه گفتــه‌انــد　　بر باغِ[۱۷] دانش همــه رُفتــه‌انــد
اگــر[۱۸] بر درختِ بَرومــنــد جای　　نیابــم[۱۹] که از[۲۰] برشــدن نیســت پای[۲۱]
توانــم مگــر پایگــه[۲۲] ساختــن　　برِ شاخِ[۲۳] آن سروِ سایه‌فـگــن
کســی کو شود زیر نخــل بلنــد　　همــان سایه زو بازدارد[۲۴] گزنــد
ازین[۲۵] نامــور نامــه‌ی[۲۶] شهــریار　　بمــانــم به گیتــی[۲۷] یکــی[۲۸] یادگــار

۱- **ل، و، ق**[۲]: وصی و نبی　**۲- ل**[۲]: ندانـد　**۳- ف**: و آیین؛ **ل**: وین دین؛ **لی**: و این رسم و؛ آ: و این دین؛ متن= هشت دستنــویس دیگـر　**٤- لی**: بدین　**۵- لن، لی**: بدین　**٦- ق**[۲]: کف، **ف، س- ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) پس از این بیت، و **ل، ب** پس از بیت ۱۰۳ افزوده‌اند:

دلــت گـربــه راه خـطــا مـایـل اسـت　　تــرا دشـمـن انــدر جـهــان خـود دل اسـت

ل، س، لن، ق[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲]**، ب** پس از بیت بالا دو بیت زیر را و **ف، ق** تنها بیت دوم را افزوده‌اند (در **ق** بیت یکم را در کناره افزوده‌اند):

نبــاشــد جزاز بی پدردشمنش (آ: نبـاشـد جزاهـرمن بدکنش)　　کــه یـزدان بـه آتـش بـسـوزد تـنـش
هرآنکس که‌دردلش (**ل**: کسی راکــه دردل ز) بغض علی است　　ازو زارتـر در جهـان زار (**ف**: کار؛ **و**: مرد؛ آ: خوار) کیست

لی این دو بیت را ندارد　**۷- ل**: نه گرپای داری به بازی؛ **س، لن، ق**[۲]**- ب**: نگر تا نداری ببازی؛ متن= **ف، ق**　**۸- لن**: راه بی؛ **ل، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

کرانه بگیری (آ، **ب**: نگیری) ز بغض صحاب　　کـه هستنـد همچـون نجـوم و سحـاب (**ل**: نجـوم شهـاب)
تو بـر خارجـی لعنتـی کن مـدام (**ب**: دوام)　　و بـر (**ل**: ابر) رافضـی همچنیـن کـن دوام (**ب**: مـدام)
ابوبـکر و حیـدر چـو برکوثـرند (**ل**: کوثرسـت؛ آ: برگ و بـرند)　　کجـا خارجـی (آ: خارج و) رافضـی درخورنـد (**ل**: درخورسـت)
تو سنـی بـزی (**ل**: سقی تـری) تا بـود (**ل**: بـوی) هر دو دوسـت　　ره رستـگاری ازینـست و اوسـت (**ل**: ازیـن و ازوسـت)

این بیت ها در هشت دستنویس دیگر نیست　**۹- ل**: همه نیکیت باد؛ **ل**[۲]: همه نیك باید به؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۱۰- لن**: کار　**۱۱- ف**: بجویی؛ متن= یازده دستنویس دیگر　**۱۲- لن**: درگذار؛ آ: هم نورد　**۱۳-** آ: بدین　**١٤- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**، آ: همانا کرانش؛ **و**: همانا گزارش؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[۲]**، ب**　**۱۵- ف**: گفتار اندران که فردوسی این حکایت با نظم میکند اگر سخنی نامعقول باشد بروی عیب نکنند که حکایت برین گونه بود؛ **ل، س، ق، ب**: اندر (**ق**: در) فراهم آوردن شاهنامه؛ **پ**، آ: اندر سبب نظم کتاب (آ: نظم شاهنامه)؛ **و**: گفتار در آغازنامه؛ **ل**[۲]: در جمع آوردن شاهنامه از جهان؛ **ق**[۲] ناخواناست؛ متن= **لن، لی** (که به **ل، س، ق، ب** نزدیك است)　**١٦- ف، لی**: گفتم؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۱۷- ل**، آ: برو بوم؛ **لی**: بربـوم و؛ متن= نه دستنـویس دیگر　**۱۸-ل**: کسی؛ **و**: از آن　**۱۹- ل**: نیابد؛ **س، لن، ق**[۲]**، پ، ب**: نیابی؛ **لی، ل**[۲]: بیابم؛ متن= **ف، و**، آ　**۲۰- ق**: کجا　**۲۱- ف، ل، لن، لی، ب**: رای؛ **ل**[۲]: جای؛ متن= **س، ق، ق**[۲]**، پ، و**، آ　**۲۲- س، لن، ق**[۲]، آ: سایه‌ای؛ **پ، و**: چاره‌ای؛ **ل**: بنویی دگر پایه‌ای؛ **لی**: بدانم مگر پایگه؛ متن= **ف، ق، ل**[۲]**، ب**　**۲۳- ق**: بنزدیك؛ در **ل- ق**[۲]**، پ- ب** این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است؛ پیاپی بیت های ۱۱۰ و ۱۱۱ در متن= **ف**　**٢٤- ق**[۲]: گردد؛ **لی** این بیت را ندارد؛ در **ل- ق**[۲]**، پ- ب** این بیت بابیت پیشین پس وپیش شده است　**۲۵- ل، س، لن، ق**[۲]**-** آ، **ب**: کزین؛ متن= **ف، ق، ل**[۲]　**۲٦- ف، ل**[۲]: نامهٔ نامور؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۲۷- ل، س، لن، ق**[۲]**- ل**[۲]: به گیتی بمانم؛ متن= **ف، ق، ب**　**۲۸- ل**[۲]: بسی؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

کــه هــر کــس کــه انــدر ســخــن داد داد　　ز مــن جـز بــه نـیـکـی نـگـیـرنـد یــاد

تو[1] این را دروغ و فَسانه مدان — به یکسان رَوشن[2] زمانه مدان
ازو[3] هرچه اندرخورد با خرد — دگر بر ره رمز[4] معنی برد

یکی نامه بود از گه باستان — فراوان بدو[5] اندرون[6] داستان
پراگنده در[7] دست هر موبدی — ازو[8] بهره‌یی[9] نزد[10] هر بخردی
یکی پهلَوان[11] بود دهقان نژاد — دلیر و بزرگ و خردمند و[12] راد
پژوهنده‌ی روزگار نُخُست — گذشته سَخُن ها همه[13] باز جست
ز هر کشوری موبدی[14] سالخوَرد — بیاورد کین نامه را گرد[15] کرد
بپرسیدشان از[16] کَیان جهان[17] — وُزان[18] نامداران و[19] فرّخ مِهان[20]
که گیتی به[21] آغاز چون داشتند — که ایدون به ما خوار بگذاشتند
چگونه سرآمد به[22] نیك اختری — بریشان بر آن[23] روز[24] کُنداوری
بگفتند پیشش[25] یکایك مهان — سَخُن های شاهان و گشت جهان[26]
چوبشنید ازیشان سپهبد سَخُن — یکی نامور نامه افگند بن[27]
چُنین یادگاری شد اندر جهان — برو آفرین از کِهان و مِهان[28]

گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی[29]

۱-ل: رمز ۲-ق۲: بیکسان روش را؛ و: بجزراز روشن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن=نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

دگربُد که ناچار بایست گفت — همان به که دارم سخن در نهفت

۳-ق۲ که از ٤-لن،ل۲ رمز و؛ ق این بیت را ندارد، ف پس از این بیت افزوده است:

تو این نامور نامه از نیك و بد — چنان دان که تصدیقش آرد خرد
سخن هست بعضی که معقول نیست — ولیکن مبر ظن که منقول نیست
اگر ازپی خاص رفتی سخن — نبودی یکی حشو سرتا به بن
وگر سربسر بودی از بهرعام — شدی قصّه ناچیز و گفتار خام
ازآن طبع را نفرتی خاستی — بدو هرکسی دل نیاراستی
درآن جهد کردم که تانیك و بد — خردمند والا و اندك خرد
بیابند ازین نامهٔ دلپذیر — ز معقول بهره ز منقول بیر
بنزدیك دانشوران روشن است — که حشو و دروغش نه جرم من است

۵-ف: بدوی ٦-ل: اندرو ۷-ق: بر ۸-ل۲: ازان ۹-ل: بهره‌تر؛ لن: بهره‌بد؛ ق۲ که ازبهره؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۰-ق۲: نزدیك؛ لی،پ: برد؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۱-لی: پهلوی ۱۲-ل: <و> ۱۳-ق،ق۲،ل۲،ب: همی؛ متن=هشت دستنویس دیگر ١٤-ف: موبد ۱۵-ل-ق۲، پ-ب: یاد؛ متن=ف،لی ١٦-ق: کز ۱۷-س،لن،ق۲،لی،پ،آ: نژادکیان؛ متن=ف،ل،ق،و،ل۲،ب ۱۸-ف،ق،و،ل۲،ب: ازان؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۱۹-ل،ل۲: <و>؛ ف: نامبردار؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۰-لی: گوان ۲۱-ل: ز؛ ق،ل۲: از؛ ف پاك شده است؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۲-ل۲: ز ۲۳-ل، س، پ، و، آ: همه؛ لن، ق۲، لی، ل۲: همان؛ متن= ف، ق، ب ٢٤-ل: زور ۲۵-ل، پ، ل۲: پیش ۲٦-لی: زمان؛ ف: زگشته نهان داستان شهان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷-ق۲: این بیت را ندارد ۲۸-آ: میان کهان و میان مهان؛ ق۲ این بیت را ندارد ۲۹-ف: گفتار اندر داستان ابومنصور الدقیقی که اول شهنامه او گفته است؛ س، لن، ق۲، لی، ب: داستان دقیقی شاعر: ق، ل۲: داستان ابومنصور دقیقی؛ پ: اندر داستان دقیقی شاعر؛ و: گفتار اندر داستان ابونصر دقیقی؛ آ: آغاز داستان؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف

چُن[۱] از دفتر این داستان ها بسی — همی خواند خواننده[۲] بر[۳] هر کسی
[جهان[۴] دل نهاده برین[۵] داستان — همان[۶] بخردان نیز و هم[۷]راستان]
جوانی بیامد گشاده زبان — سَخُن گفتنی[۸] خوب و طبعی[۹] روان[۱۰]
به شعر[۱۱] آرم این نامه را گفت من — ازو شادمان شد دل انجمن
جوانیش را خوی بد یار بود — همه ساله با بد[۱۲] به پیکار بود
بدان[۱۳] خوی بد جان شیرین بداد — نبود از جهان دلش یکروز بود[۱۴]
برو[۱۵] تاختن کرد ناگاه مرگ — نِهادش به سر[۱۶] بر یکی تیره ترگ[۱۷]
یکایك ازو بخت برگشته شد — بدست یکی بندهبر کُشته شد[۱۸]
برفت او واین نامه ناگفته ماند — چُنان[۱۹] بختِ بیدار[۲۰] او خفته ماند

گفتار اندر داستان دوست مهربان[۲۱]

دل روشن من چو بگذشت[۲۲] ازوی[۲۳] — سُوی تخت شاه جهان کرد روی[۲۴]
که این نامه را[۲۵]دست پیش آورم — به پیوند گفتار[۲۶] خویش آورم
بپرسیدم از هر کسی بیشمار — بترسیدم[۲۷] از گردش روزگار
مگر خود درنگم نباشد بسی — بباید سپردن[۲۸] به دیگر کسی

۱- ل- ب: چو؛ متن= ف ۲- و: گوینده ۳- ق[۲]: با ٤- ل، ل[۲]، ب: چنان؛ ف، ق این بیت را ندارند ۵- س، لن، ق[۲]، لی: بدین، متن= ل، پ، و، آ، ل[۲]، ب ٦- ل: هم از؛ پ، و: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- ل: و هم از؛ ق[۲]: نیز وآن؛ و، ل[۲]: و همه؛ متن= س، لن، لی، پ، آ، ب؛ در ل این بیت پس از یت ۱۲۸ آمده است ۸- ف: گفتنش؛ لن، ق، ق[۲]: گفتن؛ متن= س، لی، پ، و، آ، ل[۲]، ب ۹- ف: طبعش؛ لن، ق[۲]، ل[۲]: طبع؛ متن= س، ق، لی، پ، و، آ، ب ۱۰- ل: بگفتا بگویم من این داستان؛ ل پس ازاین بیت افزوده است:

سخن گفتنی خوب و طبعی روان — جوان سبك روح و روشن روان
چنان دل نهاده برین داستان — هم از بخردان و هم از راستان

۱۱- پ، آ: به نظم؛ در ف آغاز این بیت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- س، لن، ق[۲]، لی، پ: ابا بد همیشه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در و این بیت پس از بیت ۱۳۳ آمده است ۱۳- ل[۲]: بران ۱٤- آ: نبود از جوانیش یکروز شاد؛ ل[۲]: نبود از جهان یکزمان دلش شاد؛ ل، س، لن، ق[۲]، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق، پ، و، ب؛ در پ، و، آ این بیت پس از بیت ۱۳۲ آمده است ۱۵- ف، ق: بدو؛ س، لن، ق[۲]، لی این بیت را ندارند؛ متن= ل، پ، و، آ، ل[۲]، ب ۱٦- ق، پ: بسر بر نهادش ۱۷- ف: کرد (پساوند ندارد)؛ در پ، و، آ این بیت پس از بیت ۱۳۰ آمده است ۱۸- ل این بیت را ندارد؛ در و پس از این بیت بیت ۱۳۳ آمده است ۱۹- لن، ق[۲]: جهان؛ آ، ل[۲]، ب: جوان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- ق[۲]،پ، ل[۲]، ب: بیدار و؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ل- ب پس از این بیت افزوده‌اند:

الهی عفو کن (پ: خدایا ببخشا) گناه ورا — بیفزای درحشر(ل: جشن؛ ب: خلد) جاه(ل، لی، ل[۲]: جای)ورا

این بیت در ف نیست ۲۱- ف: گفتار اندر سبب آنکه گفتن شهنامه راچه موجب بود در داستان آن؛ س، لن، ق[۲]، لی، ب: داستان دوست مهربان؛ ق: داستان ابوالقاسم فردوسی رحمة اللّه (و چند بیت پایین تر افزوده است: داستان دوست مهربان)؛ پ: اندر نامه نوشتن آ: گفتار اندر داستان یار مهربان؛ ل[۲]: در داستان مهربانی دوست؛ ل، و سرنویس ندارند ۲۲- ل، س، لن، ق[۲]- ل[۲]: برگشت؛ متن= ف، ق، ب ۲۳- آ: ازو ۲٤- آ: رو ۲۵-ق: من ۲٦- ف، ق: به‌پیوند و گفتار؛ س، لن، ق[۲]- آ: زدفتر بگفتار؛ متن= ل، ل[۲]،ب؛ در آ پس از این بیت، بیت چهارم ۱۳۹پ آمده است ۲۷- ل: نترسیدم؛ آ این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق: سپرد این؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر

وُ دیگر[1] که گنجم[2] وفادار نیست — همین[3] رنج را کس[4] خریدار نیست[5]
به شهرم یکی مهربان دوست بود — که با من تو گفتی[6] ز هم پوست[7] بود
مرا گفت: خوب[8] آمد این رای[9] تو — به نیکی خِرامد[10] همی پای[11] تو
نبشته[12] من این[13] دفتر[14] پهلوی — به پیش تو آرم نگر[15] نغنوی[16]
گشاده زبان و جوانیت هست — سَخُن گفتن[17] پهلَوانیت هست
شو این نامه‌ی[18] خسروان بازگوی[19] — بدین جوی نزد مِهان آبروی
[چو آورد این نامه نزدیك من — برافروخت این جان تاریك منْ[20]

گفتار اندر ستایش امیرک منصور[21]

بدین نامه چون[22] دست بردم فرازْ[23] — یکی مهتری[24] بود گردن فرازْ[25]
جوان بود و از[26] گوهر پهلَوان — خردمند و بیدار و روشن روانْ[27]
خداوند رای و خداوند شرم — سَخُن گفتنش[28] خوب[29] و آوای[30] نرم

۱- **ف**: دو دیگر؛ متن= **س- ب** ۲- **ق**[2]: انجم؛ **ب**: بختم؛ **ل**: وزودیگر انجمن؛ **آ** این بیت را ندارد ۳- **لی**: همه ٤- **ق**[2]: کس را ۵- **ق، پ، و** پس از این بیت سه بیت و **ف** تنها بیت یکم را افزوده‌اند (در **و** بیت یکم و دوم پس و پیش شده‌اند):

زمانه سراسر پر از جنگ (**ق**: زنگ) بود — به جویندگان بر جهان تنگ بود
برین گونه یکچند بگذاشتم — سخن را نهفته همی داشتم
ندیدم کسی کش سزاوار بود — بگفتار این مرمرا یار بود

ل، س، لن، ق[2]**، لی، ل**[2]**، ب** پس از بیت ۱۳۹ و **پ، و** پس از سه بیت بالا دوبیت زیر را افزوده‌اند؛ در **آ** بیت پس از بیت ۱۳۶ و بیت دوم پس از بیت ۱۴۰ آمده است:

زنیکو سخن به چه(**ل**: این به) اندر جهان — برو آفرین از کهان و مهان
ل، و، ل[2]: بنزدسخن سنج فرّخ (**ل**: فرّ) مهان
اگر به‌نبودی (**ل**: نامدی این؛ **س، لی**: به‌بدی از؛ **لن**: بدبدی این: **ق، آ**: نه‌بدی این؛ **ل**[2]: نه‌بدی به؛ **ب**: بدبدی بی) سخن ازخدای — نبی کی بدی نزد ما رهنمای

این دو بیت در **ف، ق** نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند ٦- **ل- ب**: توگفتی که با من؛ متن= **ف** ۷- **ل**: ببك پوست؛ **س- ب**: ز یك پوست؛ متن= **ف** ۸- **ق، پ، و**: چون ۹- **و**: جای ۱۰- **ل، پ، و، ل**[2] **ب**: گراید؛ متن= **ف، ق** ۱۱- **پ**: جای؛ **و**: همه رای؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[2]**، ب**؛ **س، لن، ق**[2]**، لی، آ** این بیت را ندارند؛ در **لن، ق**[2]**، لی** بجای این بیت، و در **ق** زیر آن، و در **و** پس از آن بیت زیر آمده است که جایش چند بیت پایین تر است (← بیت۱۴۹):

مرا گفت کز(**و**: بفرمای از) من چه باید (**لی**: آید) همی — که‌جانت سخن بر(**لی**: را) گراید همی

۱۲- **و**: نوشته ۱۳- **ق**: از؛ **لی**: بسی ١٤- **ل، س، لن، ق**[2]**- ب**: نامۀ؛ متن = **ف، ق** ۱۵- **ل، س، لن، لی، و- ب**: مگر (**ل، و** را میتوان نگر هم خواند)؛ متن = **ف، ق، ق**[2]**، پ** ١٦- **س، لن، لی، ب**: بغنوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- **س، لن، لی**: گفتن و ۱۸- **ف**: هنرنامۀ؛ **پ**: تو این نامۀ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- **ق، و**: خسروانی بگوی؛ **آ**: خسروی بازگوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- **ف، ق** (ونیز **س**[2]) این بیت را ندارند ۲۱- **ف**: گفتار اندر ستایش خواجه عمید ابومنصوربن محمدبن امیرك و داستان او در سبب گفتن شهنامه؛ **س**: داستان امیر ابومنصور؛ **لن**: داستان امیر. . . (پاك شده است)؛ **لی، ب**: داستان ابومنصور؛ **آ**: گفتار اندر داستان امیرك ابونصر؛ **ل**[2]: اندر داستان امیرك منصور؛ **ل، ق، ق**[2]**، پ، و** سرنویس ندارند ۲۲- **س- لی، آ**: من؛ متن = **ف، ل، پ، و، ل**[2]**، ب** ۲۳- **ل**: دراز ٢٤- **ف**: مهترم؛ متن= **ل- ق**[2]**، پ- ب** ۲۵- **لی**: بفرمان آن مهتر سرفراز ٢٦- **پ**: ز ۲۷- در **لن** پساوند پاك شده است؛ در **ف** پس از این بیت افزوده است:

خداوند تاج و خداوند تخت — دلفروز و بیدار و پیروزبخت (← بیت ۱۶۲)

۲۸- **ل، ق، و، ل**[2]: گفتن؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹- **س، لن**: چرب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- **س، لی، پ، آ**: آواز؛ متن = هشت دستنویس دیگر

مرا گفت کز[1] من چه باید همی — که جانت[2] سَخُن برگراید همی
به چیزی که باشد مرا دسترس — به گیتی[3] نیازت نیارم[4] به‌کس
همی داشتم[5] چون یکی تازه‌سیب[6] — که از باد نامد[7] بمن[8] بر نِهیب[9]
به کیوان رسیدم ز خاك نَژند — از آن نیك دل نامدار ارجمند
به چشمش همان خاك و هم[10] سیم و زر — کریمی[11] بدو یافته زیب[12] و فر
سراسر جهان پیش او خوار بود — جوانمرد بود و وفادار بود
چو آن[13] نامور[14] کم شد از انجمن — چُن[15] از[16] باغ سرو سَهی از[17] چمن
دریغ آن کمربند و آن گِردگاه[18] — دریغ آن کَیی بُرز[19] بالای شاه
نه زو زنده بینم نه مرده[20] نشان — بدستِ[21] نهنگانِ[22] مردم کُشان
گرفتار، زو دل شده[23] ناامید — نوان[24] لرزلرزان[25] بکردار بید
یکی پند آن شاه[26] یاد آوریم[27] — ز کژّی روان[28] سوی داد آوریم[27]
مرا گفت کین[29] نامه‌ی[30] شهریار — گرت[31] گفته آید به شاهان[32] سپار

گفتار اندر ستایش سلطان محمود[33]

بدین نامه من[34] دست بردم فراز[35] — به نام شهنشاه گردن فراز

۱- و: از؛ در لن این لت پاك شده است ۲- ق: که جانرا؛ در لن، ق۲، لی این بیت بجای بیت ۱۴۱، و در ق در زیر آن، و در و پس از آن نیز آمده است (← بیت ۱۴۱پ) ۳- ل، ق، و، ل۲: ز گیتی؛ س، ق۲، لی، پ، آ، ب: بکوشم؛ متن= ف ٤- ل: نیارد نیارم(!)؛ ق: نیازت نیاید؛ لی، ل۲: نیارم نیازت؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٥- ل: به‌پیشش بدی؛ در لن لت یکم این بیت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر ٦- ل۲: نارسیب ۷- پ: ناید ۸- لن: یقین ۹- ل: که نامد بمن بر ز چیزی نهیب؛ ق: که از باد بر من نیامد نهیب؛ آ: که نامد زچیزی بمن بر نهیب؛ متن= ف، س، ق۲، لی، و، ل۲، ب ۱۰- ق۲: آن ۱۱- ف: زگیتی؛ لی: بزرگی؛ و: جوانی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ف، ق: نام؛ ب: سیم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق۲- و، ب: چنان ؛ ق: جوان؛ متن= ف، ل، آ، ل۲ ١٤- ق: نام او؛ لی: تاجور ۱٥- ل- لی، و- ب: چو؛ پ: که؛ متن= ف ١٦- ل- ب: در؛ متن= ف ۱۷- ل: بر ۱۸- لن، ق۲- و، ل۲، ب: گردگاه؛ متن= ف، ق، آ ۱۹- پ، آ، ل۲: برزو؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل، س، لن، ق۲- ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل: نه مرده به‌بینم نه زنده؛ آ: نه زنده ببینم نه مرده؛ ب: نه زو زنده نه مرده یابم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- ق: زدست ۲۲- س، و، ب: نهنگان و؛ در ل، س، لن، ق۲- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های ۱۵۶ و ۱۵۷= ف، ق؛ در س پس از این بیت تا بیت ۱۰۹ داستان جمشید را انداخته است ۲۳- ل: همه راز این دل شده؛ لن، آ: گرفتار زو دل شده؛ ق: گرفتار دل زو شده؛ ق۲، لی، ل۲، ب: گرفتار وز (ل۲، ب: واز) دل شده؛ متن= ف، پ، و ۲٤- و: روان؛ متن= ده دستنویس دیگر (ف در بالای نوان افزوده است روان) ۲٥- ل: لرزه لرزان؛ ب پس از این بیت افزوده است:

ستم باد بر جان آن ماه و سال — کجا برتن شاه شد بدسگال

در ف این بیت پس از بیت ۱۶۲ آمده است ۲٦- ق: یکی پند شاهانه ۲۷- لی: آورم ۲۸- ل۲: وآن ۲۹- پ، و: این؛ ل: بکوشم که این ۳۰- لن: گفتهٔ ۳۱- آ: اگر ۳۲- ب: بکیهان؛ ق، ب پس از این بیت بیت ۲۰۹ را افزوده‌اند ۳۳- ف: گفتار اندر ستایش سلطان عادل پادشاه غازی محمود بن سبکتکین قدس الله روحة‌العزیز؛ ل، ق۲، پ، و، ل۲: در (پ، و: اندر) ستایش سلطان محمود (ق۲، ل۲: محمود سبکتکین؛ و: محمود سبکتکین رحمة‌الله)، لن، ق: ستایش سلطان محمود سبکتکین (لن: نورالله قبره)؛ لی: داستان سلطان محمود؛ آ: گفتار اندر داستان سلطان محمود؛ ب: ستایش سلطان محمود ۳٤- ق: بر؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٥- لی: دراز

خداوند تاج و خداوند تخت　　جهاندارو[۱] بیدارو[۲] پیروزبخت
جهان آفرین تا جهان آفرید[۳]　　چُنو[۴] شهریاری[۵] نیامد پدید
چو خورشید بر گاه بنمود[۶] تاج[۷]　　زمین شد بکردار تابنده عاج
ابوالقاسم آن شاه پیروزبخت[۸]　　نِهاد از برِ تاجِ خورشید تخت
ز خاور بیاراست تا باختر　　پدید آمد از فرّ او کان زر
مرا اختر خفته بیدار گشت　　به مغز[۹] اندر اندیشه بسیار گشت
بدانست کامد زمان سَخُن　　کنون نو شود[۱۰] روزگار کَهُن

بر اندیشه‌ی شهریار زمین[۱۱]　　بخفتم[۱۲] شبی، لب[۱۳] پر از آفرین
چُنان دید روشن روانم به خواب　　که رخشنده شمعی برآمد ز آب
همه[۱۴] روی گیتی شب لاژورد[۱۵]　　از آن شمع گشتی[۱۶] چو یاقوت زرد
در و دشت برسان دیبا[۱۷] شدی　　یکی تخت پیروزه پیدا شدی
نشسته برو شهریاری چو ماه　　یکی تاج بر سر بجای کلاه
رده برکشیده سپاهش دو[۱۸] میل　　بدست چپش هفتصد زَنده پیل
یکی پاك دستور پیشش بپای　　به داد و به دین[۱۹] شاه را رهنمای
مرا خیره گشتی سر از فرّ شاه　　وُزان[۲۰] زنده پیلان و چندان[۲۱] سپاه
چو آن چهره‌ی خسروی دیدمی　　از آن نامداران[۲۲] بپرسیدمی
که این[۲۳] چرخ و[۲۴] ماهست یا[۲۵] تاج و گاه[۲۶]؟　　ستاره‌ست پیش اندرش[۲۷] یا[۲۸] سپاه؟

۱- **و**: < و> **۲- ق، و**: < و> ؛ **ل، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب** این بیت را ندارند؛ در **ف** این بیت پس از بیت ۱۴۷ آمده است؛ در **و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **ل[۲]** این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۲۰۰ آمده‌اند **۳- ف**: که تا پاك یزدان جهان آفرید **٤- لی**: چو او؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند **۵- ل، لن، ق[۲]- و، ل[۲]، ب**: مرزبانی؛ متن= **ف، آ**؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **ل[۲]** این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۲۰۰ آمده‌اند؛ **ف** پس از این بیت بیتی افزوده است که در **ب** پس از بیت ۱۵۸ آمده است:

ستم باد بر جان آن ماه و سال　　که شد بر تن و جان او بدسگال

٦-لن، ق[۲]، لی، پ، آ: بنمود برگاه؛ متن= **ف، ق، و، ل[۲]، ب** **۷- ل**: زنامش همه برفروزید تاج؛ در **ل[۲]** این بیت پیش از بیت ۱۶۹ آمده است؛ **ل، لن، ق[۲]- آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

چه گویی که خورشید تابان که (**ل**: چه) بود　　کزو در جهان روشنایی فزود

این بیت در **ف، ق، ل[۲]** نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۸- ق[۲]**: فیروز بخت، **ل**: برافراشت کاخ و برافراشت تخت **۹- ق[۲]**: بمهر؛ در **و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۱۰- ل، ل[۲]**: شد آن؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۱۱- ل**: چو باز آمدم نزد شاه زمین **۱۲- ل**: نخفتم **۱۳- ف**: دل؛ **لن، ق[۲]، لی** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ق، آ، ب** پیش از این بیت، **لن، ق[۲]، لی** بجای این بیت، و **و، ل[۲]** پس از این بیت بیت زیر را افزوده‌اند؛ **پ** پس از بیت ۱۶۹ نخست بیت یکم ۱۳۹ **پ** و سپس بیت زیر را افزوده است:

دل من چو نور اندران تیره‌شب　　نخفته (**ق، ل، ب**: بخفته؛ **و**: نهفته) گشاده دل و بسته‌لب

این بیت در **ف، ل** نیست **١٤- ل**: همی **۱۵- ف، لن- پ، ل[۲]، ب**: لاجورد؛ متن= **ل، و، آ** **١٦- ل، لی**: گیتی **۱۷- ق**: دریا **۱۸- ب**: سه؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد؛ در **لن، لی** این بیت پس از بیت ۱۷۸ آمده است **۱۹- و**: به داد و دهش، **ق[۲]** این بیت را ندارد **۲۰- ل[۲]**: از آن؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد **۲۱- ل[۲]**: چندین **۲۲- ف**: نامداری؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۳- لن**: که آن **٢٤- ل، لن، ق، آ، ل[۲]، ب**: < و> ؛ متن = **ف، ق[۲]، لی، پ، و** **۲۵- ل، ل[۲]**: با **٢٦- ب**: تاج شاه **۲۷- ل**: گرد آمده؛ **ق، ل[۲]**: ستاره به پیش اندرش؛ **پ**: ستاره به پیش اندرون؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۸- ل[۲]**: با

مرا[۱] گفت کین شاه روم ست و هند ز قَنّوج تا پیش دریای[۲] سِند
که[۳] ایران و توران وُرا بنده‌اند به رای و به فرمان او زنده‌اند
بیاراست روی زَمین[۴] را به داد بپردخت[۵] از آن، تاج[۶] بر سر نِهاد
جهاندار[۷] محمود شاه بزرگ به آبشخور آرد همی میش و گرگ
ز کَمشیر تا پیش دریای چین برو شهریاران کنند آفرین
چو کودك لب از شیر مادر بشست ز گهواره[۸] محمود گوید نُخُست[۹]
تو نیز آفرین کن که گوینده‌یی[۱۰] بدو نام جاوید جوینده‌یی
نپیچد کسی سر ز فرمان اوی نیارد گذشتن ز پیمان اوی[۱۱]

چوبیدار گشتم بجَستم زجای چه مایه شب تیره بودم بپای
بران شهریار آفرین خواندم نبودم دِرم، جان برافشاندم[۱۲]
به دل گفتم این خواب را پاسخ ست که آواز او بر[۱۳] جهان فرّخ ست
بران[۱۴] آفرین کو کند آفرین بران[۱۵] بخت بیدار و تاج و نگین[۱۶]
ز فرّش جهان شد چو باغ بهار هوا پر ز ابر و زَمین پرنگار[۱۷]
ز ابر اندرآمد به هَنگام نَم[۱۸] جهان شد بکردار باغ اِرم
به ایران همه خوبی از داد اوست کجا هست مردم، همه یاد[۱۹] اوست
به بزم اندرون آسمان[۲۰] وفاست[۲۱] به رزم اندرون تیز چنگ اَژدَهاست
به تن زَنده پیل و به[۲۲] جان جبرئیل به دست[۲۳] ابر بهمن، به دل[۲۴] رود نیل
سربخت[۲۵] بدخواه با خشم اوی[۲۶] چو دینار شد خوار[۲۷] بر[۲۸] چشم اوی[۲۶]
نه کُنداوری[۲۹] گیرد از تاج و گنج[۳۰] نه دل تیره دارد[۳۱] ز زرم و ز رنج[۳۲]
هر آنکس که دارد ز پروردگان از[۳۳] آزاد و از نیکدل[۳۴] بردگان[۳۵]
شهنشاه[۳۶] را سربسر دوستدار[۳۷] به فرمانش بسته[۳۸] کمر استوار

۱- **ل، لن، ق[۲]- ب**: یکی؛ متن= **ف، ق** ۲- **پ**: زدریای قنوج تا پیش؛ در **لن** این بیت پس از بیت ۱۷۶ آمده است ۳- **ل**: از (یا: ز)؛ **لن ـ پ، آ، ل[۲]، ب**: به؛ متن= **ف، و** ٤- **ل**: بیاراسته روی مه ۵- **ل**: بپرداخت ٦- **ل**: تاج و ۷- **ل**: جهانبان ۸- **ق[۲]،ل[۲]**: بگهواره ۹- **ق[۲]**: درست، در **لن، ق[۲]، لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- **ف**: اگر بندهٔ؛ **ق[۲]**: که هم بندهٔ؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **ل** این بیت با بیت سپسین و در **لن، ق[۲]، لی** با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- در **ل** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **لن، ق[۲]- آ** این بیت را ندارند ۱۲- **ق**: ورا شهریار زمین خواندم ۱۳- **آ**: در ١٤-**لن**: برین ۱۵- **ب**: بدان ١٦- **لن، ق[۲]، لی، پ،آ**: فرخ زمین؛ **و، ب**: فرخ نگین؛ **ل** این بیت را ندارد، متن= **ف، ق، ل[۲]** ۱۷- **و**: چون نگار؛ **لی**: مشك بار ۱۸- **ل**: بگیتی برآید بهر کام نم(!) ۱۹- **ف، ق**: جهان شادمان از دل شاد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- **لن، و**: افتاب ۲۱- **ل، ق**: سخاست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- **لی**: < به> (وزن نادرست است) ۲۳- **ل، لن، ق[۲]- آ، ب**: بکف؛ متن= **ف، ق، ل[۲]** ٢٤- **لی**: بتن؛ در **ق[۲]** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۵- **پ، و، ب**: تخت؛ **آ**: نخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٢٦- **ق، لی**: او ۲۷- **ل، لن- پ، آ، ب**: خوارست؛ متن= **ف، ق، و، ل[۲]** ۲۸- **ل**: با ۲۹- **ل**: نه کین آوری؛ متن=ده دستنویس دیگر ۳۰- **لن**: از باج و گنج؛ **ق[۲]**: از تاج و تخت؛ **آ**: از باج و رنج؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۱- **آ**: دارم ۳۲- **ل**: زرنج و زگنج؛ **ق**: زازرم و رنج؛ **ق[۲]**: زازرم و بخت؛ **آ**: ز رزم و زگنج؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۳- **ل**: وز؛ **پ، و**: ز ٣٤- **ف**: وزپاك دل؛ **ق، ب**: وز (**ب**: واز) نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- **ق، لی**: بندگان؛ **آ** (۲۰۷آ + ۲۰۸ب):

هر آنکس که دارد ز پروردگار بفرمان ببسته کمر استوار

۳٦- **ب**: همه شاه ۳۷- **ل**: همه بندگان پیش او خواستار ۳۸- **ل، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: بفرمان ببسته؛ متن= **ق، و، ب**؛ **ف** این بیت را ندارد؛ **آ** تنها لت دوم این بیت را دارد (← پ۳۵)؛ در **ق، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در **ق** در میان این دو بیت بیت دیگری هم افزوده است (← ۲۰۰پ)؛ در **ل[۲]** پس از این بیت بیت های ۱٦۲ و ۱٦۱ آمده‌اند

شده هر یکی شاه بر کشوری	روان نامشان بر همه منبری[۱]
نُخُستین برادرش کهتر[۲] بسال	که در مردمی کس ندارد هَمال
به[۳] گیتی پرستنده‌ی فرّ نصر[۴]	زید شاد[۵] در سایه‌ی پرّ[۶] عصر
کسی که‌ش پدر ناصردین[۷] بود	پی[۸] تخت او تاج پروین[۹] بود
وُ دیگر[۱۰] دلاور سپهدار طوس	که در جنگ بر[۱۱] شیر دارد فسوس
ببخشد دِرم هرچه یابد[۱۲] ز دهر[۱۳]	همه[۱۴] آفرین جوید[۱۵] از دهر بهر
به یزدان بود خلق را رهنمای	سر شاه[۱۶] خواهد که باشد[۱۷] بجای
جهان بی سر و تاج خسرو مباد	چُنین هم[۱۸] بماناد جاوید و[۱۹] شاد
همیشه تن آباد[۲۰] با تاج و تخت	ز درد و غم آزاد و پیروزبخت
کنون بازگردم به[۲۱] آغاز کار[۲۲]	سُوی نامور نامه‌ی[۲۳] شهریار

۱- ق، پ: دفتری؛ **ل، لن، ق[۲]**: **لی، آ، ل[۲]،ب** این بیت را ندارند؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **ف** پس از این بیت بیت ۱۶۳ آمده است؛ در **ق، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در **ق** در میان این دو بیت بیت زیر را افزوده است:

بمردی و جلدی و زور مهان ندیدم چو ایشان کس اندر جهان

ق پس از این بیت سر نویس دارد: گفتار اندر ستایش امیر نصر ناصرالدین **۲- ق[۲]**: کهین (وزن نادرست است) **۳-لن، ق[۲]- ب** : ز؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق** **٤- لن، ق، لی، پ، و، ب**: فرّ و نصر؛ آ: میر نصر؛ متن= **ف، ق[۲]، ل[۲]** **۵- ق[۲]**: شاه **٦- لن، ق[۲]- آ**: شاه؛ **ب**: فرّ با متن= **ف، ق، ل[۲]** **۷- ل، لن، ق، پ، ل[۲]**: ناصرالدین؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق[۲]، لی، آ، ب** **۸- ل، لن، ق، ق[۲]، پ، آ**: سر؛ **لی**: سرو؛ متن= **ف، ل[۲]، ب** **۹- ق**: سرتاج و تختش به پروین؛ **ق، پ، و** پس از این بیت و **ل** پیش از این بیت افزوده‌اند:

خداوند مردی و رای و هنر بدو شادمان مهتران سربسر

۱۰- ف، ل، ق: بویژه؛ **لی، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **لن، ق[۲]، پ، و، آ، ل[۲]** **۱۱- ق[۲]**: با؛ در **ق** این بیت پس از بیت ۲۰۲ آمده است **۱۲- لن، ق، آ**: دارد؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، و، ل[۲]، ب** **۱۳- لن**: شهر **١٤- ل، لن، ق، ق[۲]، پ، و، آ، ب**: همی؛ متن= **ف، ل[۲]** **۱۵- ل**: جواید؛ **لن، ق[۲]، پ**: یابد؛ **و، آ، ب**: خواهد؛ متن= **ف، ق، ل[۲]** **١٦- ل**: خویش **۱۷- لن، ق[۲]- آ**: اند؛ متن= **ف، ل، ل[۲]، ب** **۱۸- ل، لن، ق[۲]- ب**: همیشه؛ متن= **ف، ق** **۱۹- پ، و**: <و> ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۰- ل[۲]**: ترا باد **۲۱- ق**: بر **۲۲- ل**: همی باز جویم من از کردگار **۲۳- ف، ل، ق، لی، و، ب**: نامهٔ نامور؛ متن= **لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]**

گیومرت

پادشاهی گیومرت سی سال بود[۱]

سَخُن گوی[۲] دهقـان چه گوید نُخُست — که تاج[۳] بزرگـی[۴] به‌گـیتـی که جُست
که بود آنـکـه دیهـیم بر سر نِهـاد — ندارد[۵] کس آن[۶] روزگـاران بیاد
مگـر کز پدر یاد دارد پسـر — بگـوید ترا[۷] یك به یك، در به در[۸]
که نام بزرگـی که آورد پیش — که را بود از آن مهـتـران[۹] مایه[۱۰] بیش
چُنـین گفـت کایین تخـت و[۱۱] کلاه — گیومـرت[۱۲] آورد و[۱۳] او بود شاه
که خود چون شد او بر جهـان کدخـدای[۱۴] — نُخُستین[۱۵] به‌کـوه‌انـدرون ساخت[۱۶] جای
سرِ تخـت و بخـتش[۱۷] برآمـد[۱۸] ز[۱۹] کوه — پلنـگـینـه پوشـید خود با گروه[۲۰]

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی گیومرت سی سال بود و داستان سیامك پسرش با دیو و کشته‌شدن سیامك بر دست دیو؛ **ل**: پادشاهی کیومرث اول ملوك عجم سی سال بود؛ **لی**: برتخت نشستن کیومرث؛ **ل۲**: آغاز داستان؛ **ب**: آغاز داستان شاهنامه؛ متن= **لن، ق، ق۲، پ، و**؛ در **س** این داستان افتاده است؛ در **ب** از بیت ۴۹ داستان **گیومرت** تا بیت ۱۳ **جمشید** را انداخته است ۲- **ل**: سخن دان ۳- **ق**: نام ٤- **ل۲**: کیی را ۵- **ف**: که دارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ٦- **ل- آ، ب**: از؛ متن= **ف، ل۲** ۷- **و**: همه ۸- **لن، لی، ب**: از پدر؛ **پ**: بگوید ترا یك یك او را پدر(!)، متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **ل- لی، و، ل۲، ب**: برتران؛ **پ**: پایگه؛ متن= **ف، آ** ۱۰-**لن، ق، ق۲، لی، پ، ب**: پایه؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل۲** ۱۱- **لن، ق۲، لی، پ**: کاین تخت و (**پ**: < و >) مهر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- **ل- ب**: کیومرث؛ متن= **ف** (=**بنداری**: جیومرت) ۱۳- **ل**: < و > ؛ **و**: کو؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

نخـسـتـیـن زشـاهـان کـیـومـرت پـای — بـه تـخـت انـدر آورد و بـگـرفـت جـای

ل، لن، لی، پ، و، ل۲، ب پس از بیت ۵ دو بیت افزوده‌اند:

چـو آمـد بـه بـرج حـمـل آفـتـاب — جهـان گشت بافرّ و آیـن و آب (**پ، و، ب**: تاب)
بتابیدازآنسان (**ل، لن،پ،ب**: ازینسان) زبرج (**ل**: ببرج؛ **پ**: زپشت)بره — که‌گیتی جوان گشت (**و**: شد) ازو (**ل**: ازآن) یکسره

این دو بیت در **ف، ق، ق۲، آ** نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند ۱٤- **ل**: که چون او شد اندر جهان پادشای؛ **لن، ق، ق۲**: که چون نو شد او بر جهـان کدخـدای؛ **لی، پ، و**: کیومـرث شد بر جهـان کدخدای؛ **آ**: چو او شد کنون بر جهـان کدخدای؛ **ل۲، ب**: کی نو چو شد برجهان کدخدای؛ متن= **ف** ۱۵- **پ**: نخست او ۱٦- **و**: داشت؛ **لن**؛ کرد ۱۷- **ل، ب**: سربخت و تختش؛ **پ، و، ل۲**: سر تاج و تختش؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، لی، آ** ۱۸- **لی**: درآمد ۱۹- **ل، لن، ق۲**: به ۲۰- **ل**: با هم گروه؛ **لن، ق۲، لی، پ**: پرستندهٔ آذر آمد گروه؛ متن= **ف، ق، و، آ، ل۲، ب**؛ **لن، ق۲، لی، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

پـلـنـگـیـنـه پـوشـیـد خـود بـا گـروه — نبـودی (**لـی**: نبـودش) نشـسـتش بجـز برز کوه

ازو اندر[1] آمد همی پرورش … که پوشیدنی نو بُد و نو[2] خورش
بهگیتی بر او[3] سال سی شاه بود … به خوبی چو خورشید برگاه بود
همی تافت زو[4] فرّ[5] شاهنشهی … چو ماه دو هفته ز[6] سرو سهی
دد و دام و هر جانور کهش بدید … ز[7] گیتی بنزدیك او آرمید
دو تا میشدندی[8] بر تخت اوی[9] … از آن برشده فرّه و بخت[10] اوی
بهرسم نماز آمدندیش پیش[11] … از آنجایگه[12] برگرفتند کیش
پسر بُد مر[13] او را یکی خوبروی[14] … خردمند[15] و[16] همچون پدر نامجوی[17]
سیامك بُدش نام و فرخنده بود … گیومرت[18] را دل بدو زنده بود
ز[19] گیتی به دیدار او شاد بود … که پُس[20] بارور[21] شاخ[22] بنیاد[23] بود
بهجانش بر[24] از[25] مهر گریان[26] بُدی … ز بیم[27] جداییش[28] بریان[29] بُدی
برآمد برین[30] کار یك روزگار … فروزنده شد دولت شهریار
به گیتی نبودش کَسی دشمنا … مگر در نهان[31] ریمن[32] آهرمَنا[33]
به رشك[34] اندر آهرمَن[35] بدسگال … همی رای زد تا بیاگند[36] یال[37]
یکی بچّه بودش چو گرگ[38] سُتُرگ … دلاور شده با سپاهی بزرگ
جهان شد بران[39] دیوبچّه سپاه[40] … ز بخت[41] سیامك، چه از بخت شاه[42]
سپه کرد و[43] نزدیك او راه جست[44] … همی[45] تخت و دیهیم کَی شاه[46] جست
همی گفت با هر کَسی راز[47] خویش … جهان کرد یکسر پرآواز[48] خویش
گیومرت[49] ازین خود[50] کی[51] آگاه بود … که تخت مِهی را جزو شاه بود[52]

۱- آ: از اندرز(!) **۲- ب**: که پوشیدنی زو بُد وزو **۳- ق[2]**: بهگیتی در او؛ **ق، لی، و،** آ: بهگیتی درون؛ **ف، لن، پ، ل[2]، ب**: به گیتی برو (خوانده شد: به گیتی بر او)؛ **ل** این بیت و چهار بیت پس از آنرا ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده است **٤- ف، لن، ق، لی، پ**: از؛ **ق[2]**: بر؛ **ل[2]**: زان؛ متن= **و، آ، ب** **۵- ف، لن، ق[2]، لی، پ، و، ل[2]**: تخت؛ متن= **ق، آ، ب** **٦- و**: چو(!) **۷-ل[2]**: به **۸- ل[2]**: دوتایی شدندی **۹- ق، لی، آ، ل[2]**: او؛ متن= **ف، لن، ق[2]، پ، و، ب** **۱۰- لی، ب**: از آن فرهٔ برشده بخت؛ **ق**: از آن فرّه و برشده بخت؛ **ق[2]**: از آن بر شده فرّ و از بخت؛ آ: از آن فرّ و آن برشده بخت؛ متن= **ف، لن، پ، و، ل[2]** **۱۱- ل[2]**: امدندی بهپیش **۱۲- ل[2]**: وزان جایگه **۱۳- لن، ق[2]، پ**: پسر بود **١٤- ق، و، ل[2]، ب**: نامجوی؛ متن= هفت دستویس دیگر **۱۵- لن- ب**: هنرمند؛ متن= **ف، ل** **١٦- ل، ق، لی، و،** آ: < و> **۱۷- ق، و، ل[2]، ب**: خوب روی؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۸- ل- ب**: کیومرث؛ متن= **ف** **۱۹-** آ: به **۲۰- ف- ل[2]**: بس؛ متن= **ب** **۲۱- ل، لن، ق[2]، پ**: نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۲- ف- ق[2]، پ- ب**: شاخ و؛ متن= **لی** (و نیز **ل[3]**) **۲۳- ق[2]**: دلشاد؛ **ل** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده است **۲٤-** آ: بجایش پر **۲۵- ل**: < و> **۲٦-** آ، **ل[2]**: بریان **۲۷- ل**: بروز **۲۸- لن**: خداییش **۲۹-** آ، **ل[2]**: گریان **۳۰- لی**: بدین **۳۱- ل**: مگر بدکنش؛ **لی، و**: جز اندر جهان؛ **ل[2]، ب**: جز اندر نهان؛ متن= **لن، ق، ق[2]، پ،** آ **۳۲- لن**: زیمن (!) **۳۳- لن، ق[2]، لی،** آ، **ل[2]، ب**: اهرمنا؛ **و**: اهریمنا؛ متن= **ل، ق، پ**؛ در **ف** بجای این بیت بیت زیر آمده است:

نبودش کسی دشمن اندر جهان … بجز تیره اهرمن بدنهان

۳٤- ل[2]: بشك (!) **۳۵- و**: اهریمن **۳٦- ق**: برآورد؛ **پ**: ببالید؛ **ب**: پراکند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۷- ق[2]، و**: بال (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **پ**: بال؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۸- ف**: دیوی؛ **لن**: گرگی؛ **لی**: شیری؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۳۹- لن**: ازان؛ **ق[2]**: بدین؛ **لی**: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٤۰- ل- ب**: سیاه؛ متن= **ف** **٤۱- ل، ق[2]، پ**: ز تخت؛ متن= نه دستنویس دیگر **٤۲- ل**: وزان پایگاه؛ **ق[2]، پ**: وزان بارگاه؛ آ: چه از تخت شاه؛ **ل[2]، ب**: هم از بخت شاه؛ متن= **ف، لن، لی، و**؛ در **لن، ق[2]، لی، پ، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند **٤۳-ل،** آ: < و>؛ **ل[2]**: سیه کرد و؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٤٤- ف**: کرد؛ متن= ده دستنویس دیگر **٤۵- پ، و**: همان؛ متن= نه دستنویس دیگر **٤٦- پ، ل[2]**: که شاه (در **ل[2]**: حرف یکم به پیش است)؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **لن، ق[2]، لی، پ، ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **٤۷- ل**: رای **٤۸- ل**: آوای **٤۹- ل- لی، و- ب**: کیومرث؛ متن= **ف، پ** **۵۰- ق[2]**: زین خود؛ آ: ازو خود **۵۱- ب**: نه **۵۲- لن، ق[2]، لی، پ**: که او را بدرگاه بدخواه بود؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در آ پس از این بیت بیت ۲۷ آمده است

یکایک[۱] بیامد خجسته سروش / بسان پریی[۲] پلنگینه‌پوش
بگفتش به راز[۳] این[۴] سَخُن[۵] دربه‌در[۶] / که دشمن چه سازد همی با پدر[۷]
سَخُن چون به گوش سیامك رسید / ز کردار بدخواه[۸] دیو پلید
دل شاه بچّه[۹] برآمد به جوش / سپاه انجمن کرد و بگشاد گوش
بپوشید تن را به چرم پلنگ / که جوشن نبُد خود[۱۰]، نه[۱۱] آیین جنگ
پذیره شدش[۱۲] دیورا[۱۳] جنگ جوی / سپه[۱۴] را چو روی اندرآمد بروی[۱۵]
سیامك بیامد بَرَهنه تنا / برآویخت[۱۶] با دیو[۱۷] آهَرِمَنا
بزد چنگ وارونه دیو سیاه / دو تا اندرآورد بالای شاه[۱۸]
فگند آن تن شاه‌زاده به خاك / به چنگال کردش[۱۹] کمرگاه چاك
سیامك بدست خزوران[۲۰] دیو / تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو
چو آگه شد از مرگِ فرزند، شاه / ز تیمار گیتی برو شد سیاه
فرود آمد از تخت ویله کُنان / زنان بر سر و گوشت شاهان کَنان[۲۱]
دو رخساره[۲۲] پر خون و دل سوگوار / دژم کرده بر خویشتن روزگار[۲۳]
خروشی برآمد ز لَشکر بزار[۲۴] / کشیدند صف بر در شهریار
همه جامه‌ها کرده پیروزه رنگ / دو چشم ابرخونین[۲۵]، دورخ بادرنگ[۲۶]
دد و[۲۷] مرغ و نخچیر کرده[۲۸] گروه / برفتند ویله‌کنان سوی کوه
برفتند[۲۹] با سوگواری و درد / ز درگاه کی شاه برخاست[۳۰] گرد

۱- ل۲: سیامك ۲- لی: پرندی؛ پ: رهی؛ و: پری؛ آ: بریدی؛ ل۲: برینی؛ متن= ف، ل، لن، ق۲، ب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳- ل، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: ورا؛ و: همه؛ آ: پراز؛ متن= ف ٤- ل، ل۲، ب: زین ۵- ق: خبر شد سیامك همی ٦- ق۲: با پدر؛ ل۲: در پدر ۷- پ: با پسر؛ ق۲: برگذر؛ در لن پس از این بیت بیت ۳۰ آمده است؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، لن: جنگ سیامك با دیو؛ ق۲: رفتن سیامك بجنگ دیو؛ پ: جنگ سیامك با دیو و کشته شدن؛ ل۲: اندر کشته شدن سیامك بر دست دیو ۸- ق: ز گفتار بدخواه؛ لی: ز کردار و گفتار؛ در آ این بیت پس از بیت ۲۵ آمده است ۹- ق، پ، و، ل۲: شاه‌زاده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل، آ: نبود و نه ۱۱- ق۲: به؛ لی: در ۱۲- ب: بشد ۱۳- ق۲: دیو نر ۱٤- ق۲: بنه ۱۵- ل: آورد روی ۱٦- بیاویخت؛ ق۲، آ: برآمیخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- لن، ق۲، پ، و، ل۲، ب: پور؛ آ: دیو و؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۸- ل۲ این بیت را ندارد ۱۹- ف: کرده؛ لن، ق۲، لی، پ، ل۲: کرد آن؛ متن= ل، ق، و، آ، ب؛ در ل۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل: بدست خرزوان؛ لن، ق۲، پ، ب: برای خود و دست؛ ق۲، آ: بدست چنان زشت؛ و: بدست حروران؛ ل۲: برای خود از دست؛ متن= ف (ونیز ل۲)؛ در ل۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ل، ق، آ: زنان بر سر و موی و رخ را کنان؛ لن: زنان بر سر و گوش شاهان کنان؛ ق۲، پ، و، ل۲، ب: زنان بر سر و گوشت بازوکنان؛ لی: بناخن ز تن گوشت بازوکنان؛ بنداری: یضرب صدره وینتف شعره؛ متن= ف ۲۲- و: دو رخسار ۲۳- ل، ق، آ، ب: دو دیده پر از نم چو ابر بهار؛ لن: کشیدند صف بر در شهریار (= ۳۹ب)؛ ق۲: پیام آمد از داور کردگار (= ۴۳ب)؛ متن= ف، لی، پ، و، ل۲؛ ق، آ، ل۲، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

غمی گشت (ل۲، ب: چو آگه شد) از مرگ شاه انجمن / ق، آ: که پژمرده شد زاد سرو چمن
ل۲، ب: که گم گشت سرو سهی از چمن

و پس از بیت ۳۸ افزوده است:

سپه سر بسر زار و گریان شدند / بر آن آتش سوگ بریان شدند

۲٤- ف، لی، پ: بیامد برش لشکری نامدار؛ آ: خروشی ز لشکر برآمد بزار؛ متن= ل، ق، و، ل۲، ب؛ ق۲ این بیت را ندارند؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ لن ۳۸ب و ۳۹آ را انداخته و از ۳۸آ و ۳۹ب یك بیت ساخته است؛ ل۲ پس از بیت ۳۹ افزوده است:

ز بس نالهٔ زار آن شهریار / درآمد برش لشکر سوگوار

۲۵- لن: خونی ۲٦- ل: و < رخ> با درنگ (وزن نادرست است)؛ ق، آ: برخ بادرنگ؛ لی: و دل با درنگ؛ پ: دو رخساره رنگ؛ و، ل۲، ب: و رخ بادرنگ؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن ۲۷- ل: < و> ۲۸- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب: گشته؛ متن= ف، و، ل۲؛ ق۲ این بیت را ندارد ۲۹- ل۲: رسیدند ۳۰- لن: برخواست؛ ق۲ این بیت را ندارد

اولین کامی؟

نشستند سالی چُنین سوگوار[۱]   پَیام آمد[۲] از داور کردگار
درود آورندش[۳] خجسته سروش   کزین بیش مخروش و[۴] بازآر هوش
سپه ساز وبرکش[۵] بفرمان من   برآور[۶] یکی گرد از آن انجمن
از آن بدکُنش دیو، روی زَمین   بپرداز و پردخته[۷] کن دل[۸] ز کین

کَی[۹] نامور سر سُویِ آسمان   برآورد و بدخواست بر بدگُمانْ[۱۰]
بدان[۱۱] برترین[۱۲] نام یزدانش را   بخواند و بپالود[۱۳] مژگانش را
وُزان پس به کین سیامك شتافت   شب آرامش و روز[۱۴] خوردن نیافت

سیامك خجسته[۱۵] یکی پور داشت   که نزد نیا جای[۱۶] دستور داشت
گرانمایه را نام هوشنگ بود   تو گفتی[۱۷] همه هوش و فرهنگ بود
بنزدِ[۱۸] نیا یادگارِ پدر   نیا پروریده مرو را[۱۹] به بر
نیایش[۲۰] بجای پسر[۲۱] داشتی   جزو بر کسی چشم نگماشتی
چو بنهاد دل کینه و جنگ را   بخواند آن گرانمایه هوشنگ را
همه گفتنی ها بدو باز گفت   همه رازها برگشاد از نِهفت
که من[۲۲] لَشکری کرد خواهم همی   خروشی برآورد خواهم همی
ترا بود باید همی[۲۳] پیشرو   که من رفتنی ام، تو سالار نو
پری و پلنگ انجمن کرد و شیر   ز درّندگان گرگ و ببر[۲۴] دِلیر
سپاهی دد و دام و مرغ و پری   سپهدار با گیر و[۲۵] کُنداوری
پس پشتِ لَشکر گیومرت[۲۶] شاه   نبیره به پیش اندرون با سپاه
بیامد[۲۷] سیه دیو بی[۲۸] ترس و باك   همی باسمان برپراگند خاك

۱- **لن**: روزگار؛ **ق**: یکسال بس سوگوار؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲- **لی**: پیام آور   ۳- **ل، ق، ق**[۲]**- ب**: آوریدش؛ متن= **ف، لن**   ٤- **ل، لن**: < و >   ۵- **لی**: تو بر ساز لشکر   ٦- **و**: برآورد (وزن نادرست است)   ۷- **ف، لی، پ**: پردخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۸- **ب**: گردان   ۹- **ل**: یکی   ۱۰- **و**: بدگما< ن > ؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

بیامد بر لشکر او زار زار   همیگفت با داور کردگار

۱۱- **ل، لن، ق**[۲]**، لی، ل**[۲]: بران؛ متن= **ق، پ، و، آ، ب**؛ **ف** این بیت را ندارد   ۱۲- **و- ب**: برتری؛ متن= **ل- پ**   ۱۳- **ل، پ، و، ل**[۲]: بیالود؛ **لن**: بمالید؛ متن= **ق، لی، و، آ، ب**   ١٤- **ل- پ**: شب و روز آرام و (**پ**: < و >)؛ متن= **ف، و، آ، ل**[۲]؛ در **ب** از این بیت تا بیت ۱۳ داستان جمشید افتاده است؛ **ف** پس از بیت ۴۹ افزوده است:

بیامد برش لشکری سوگوار   تبه کرده بر خویشتن روزگار

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۴۹ یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر لشکر ساختن گیومرت و بردن هوشنگ پسر سیامك را بجنگ دیو و کشته شدن دیو بر دست هوشنگ؛ **لن، پ**: جنگ هوشنگ با دیو سیاه؛ **ق**[۲]: رفتن گیومرث و هوشنگ بکین سیامك؛ **و**: کین خواستن هوشنگ از دیو بفیروزی   ۱۵- **ل، ق**: خجسته سیامك   ١٦- **ل، لن**: جاه؛ **ق**[۲]**، پ**: جاه و؛ **آ**: که اور < ا > نیا همچو؛ متن= **ف، ق، لی، و، ل**[۲]   ۱۷- **آ**: گویی   ۱۸- **و، آ، ل**[۲]: نیاز؛ متن= **ف- پ**   ۱۹- **ق**[۲]: نیارا مرو پروریده(!)؛ **لی**: مرو را نیا پروریده؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۰- **ل**[۲]: نیاکش   ۲۱- **ل، پ، و، ل**[۲]: پدر   ۲۲- **ف**: یکی؛ **ل**: گران؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۳- **پ**: همان   ۲٤- **لن**: شیر گردد؛ **و، آ، ل**[۲]: ببر و گرگ؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[۲]**، لی، پ**   ۲۵- **ف**: بر کبرو؛ **ل، پ، ق**[۲]: با کبر و (**ق**[۲]: < و >)؛ **لن**: با گیر؛ **ق، آ**: پرکین و؛ **و، ل**[۲]: باکین و (**ل**[۲]: < و >)؛ متن= **لی** (که به **لن** نیز نزدیك است)   ٢٦- **ل- ل**[۲]: کیومرث؛ متن= **ف**   ۲۷- **و**: برآمد   ۲۸- **ل، لن، ق**[۲]**، لی، پ، و**: با؛ متن= **ف، ق، آ، ل**[۲]

ز هُرّای[1] درّندگان چنگ دیو — شده[2] سست و ز خشم[3] گیهان خدیو
بهم بر فتادند[4] هر دو گروه — شدند از دد و دام دیوان[5] ستوه
بیازید[6] چون شیر هوشنگ[7] چنگ — جهان کرد[8] بر دیو نَستوه تنگ
کشیدش سراپای یکسر دوال — سپهبد برید آن[9] سر ناهَمال[10]
به پای[11] اندرافگند[12] و بسپَرد خوار[13] — دریدش[14] برو چرم[15] و برگشت[16] کار

چُن[17] آمد مرآن کینه[18] را خواستار[19] — سرآمد گیومرت[20] را روزگار
برفت و جهان مُردَری ماند ازوی[21] — نگر[22] تا که را نزد او[23] آبروی[24]
گِرد گَرد
جهان فریبنده و[25] گَردگَرد[26] — ره سود بنمود[27] و خود مایه خورد[28]
جهان سر بسر چون فَسانه‌ست و بس — نماند بد و نیک بر هیچ کس[29]

۱- آ: آوای ۲- ل: بشد ۳- ف، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]: سست بر چشم؛ ل: سست با جنگ؛ ق: سست از حکم؛ و: سست و از حشم؛ متن= (ل[3])؛ لن لت دوم این بیت را انداخته و بجای آن همان لت نخستین را دوباره نوشته است ٤- ل، ق، آ: برشکستند؛ لن، ق[2]، پ، ل[2]: در فتادند؛ متن= ف، ق، لی، و ۵- ق[2]: مردم ٦- ف: بتازید؛ ل: ببازید؛ ق[2]: بباريد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- ل، لی، و، آ: هوشنگ چون شیر؛ ق: هوشنگ چون دیو؛ متن= ف، لن، ق[2]، پ، ل[2] ۸- ف: کرده؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

گرفت و ببستش به بند استوار — به کوه اندر آوردش آن نامدار

ل[2] پس از بیت ۶۴ افزوده است:

گرفتش سر و یال و زد بر زمین — دل و جان ز درد پدر پر زکین

۹- ل[2]: سپهبد بنزد ۱۰- ل، لی: بی همال؛ ق: بی خصال؛ و: بدسگال؛ متن= ف، لن، ق[2]، پ، آ، ل[2] ۱۱- ل: بپا؛ ق: ز پای؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- ق، و: آورد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- آ: خار ١٤- ل- ل[2]: دریده؛ متن= ف ۱۵- ق[2]: چشم؛ لی: چنگ ١٦- ل- ل[2]: برگشته؛ متن= ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به سنگ گرانش فرو کوفت سر — به کین سیامك که بودش پدر

ل پس از بیت ۶۶ افزوده است:

وزان جا برون آمدند انجمن — همه شاه لشکر همه تن بتن

۱۷- ف- آ: چو؛ متن= ل[2] ۱۸- ق[2]: کشته ۱۹- لن: خواست دار ۲۰- ل- لی، و، آ، ل[2]: کیومرث؛ متن= ف، پ ۲۱- ف: زوی؛ ل، ق، آ: ازو؛ متن= لن، ق[2]، لی، پ، و، ل[2] ۲۲- آ: ببین ۲۳- لی: < او > (وزن نادرست است) ٢٤- ل، ق: آب رو؛ لی: آب و روی؛ آ: آب ورو؛ متن= ف، لن، ق[2]، پ، و، ل[2] ۲۵- ل: فریبندهٔ؛ لن، ق[2]- و: فریبنده را؛ ق: فریبندهٔ و (وزن نادرست است)؛ آ: فریبنده او؛ متن= ف، ل[2] ٢٦- ف- آ: کردکرد؛ ل[2]: کِردکَرد (=گِردگَرد) ۲۷- پ: پیمود ۲۸- لی: و مایه بخورد؛ در لن، ق[2]، لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۹- پ این بیت را ندارد؛ در لن، ق[2]، لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

هوشنگ

پادشاهی هوشنگ چهل سال بود[۱]

جهاندار هوشنگ[۲] با رای[۳] و داد   بجای نیا تاج بر سر نِهاد
بگشت از برش چرخ سالی چهل   پر از هوش مغز و پر از داد[۴] دل
چو بنشست بر جایگاه مِهی   چُنین گفت بر[۵] تخت شاهنشهی
که بر هفت کشور منم پادشا   بهر جا سرافراز[۶] و فرمانروا
به فرمان یزدان پیروزگر   به داد و دِهش تنگ بستش[۷] کمر
وُزان[۸] پس جهان یکسر آباد کرد   همه روی گیتی پر از داد کرد[۹]
نُخُستین یکی گوهر آمد به چنگ   به آتش ز آهن جدا کرد[۱۰] سنگ
سرِ مایه کرد آهن آبگون   کزان[۱۱] سنگ خارا[۱۲] کشیدش برون
چو بشناخت، آهنگری پیشه کرد   گِراز و تبر[۱۳] ، ارّه[۱۴] و تیشه کرد

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی هوشنگ پسر سیامك چهل سال و هفت ماه و شانزده روز بود اندر تاریخ؛ ل، پ: پادشاهی هوشنگ چهل سال؛ ق[۲] سرنویس ندارد؛ متن= لن، ق، لی، و، آ، ل[۲]؛ درس، ب همهٔ این داستان و در لی نیمهٔ دوم آن افتاده است (← ۱۲پ)   ۲- پ: هوشنگ و   ۳- ل[۲]: باد(!)   ۴- ل، لن، ق[۲]، پ: رای؛ آ: پرآواز؛ متن= ف، ق، لی، و، ل[۲]   ۵- و: از   ۶- ل، ق، پ، آ، ل[۲]: جهاندار و (آ: <و>) پیروز؛ لن، ق[۲]، لی: بهرجای پیروز (ق[۲]: فیروز)؛ پ: بهرکار فیروز؛ متن= ف   ۷- ل، ل[۲]: بستم؛ لن، ق[۲]- آ: بسته؛ ق: بندم؛ متن= ف   ۸- پ: ازان   ۹- آ: بداد و دهش گیتی آباد کرد (پساوند ندارد)   ۱۰- ق، آ: بآتش جدا کرد آهن ز؛ ق[۲]، و: بدانش زآهن (ق[۲]: زآتش) جدا کرد؛ لی: زآهن بآتش جدا کرد؛ پ: که آتش زآهن جدا کرد؛ متن= ف، ل، لن، ل[۲]   ۱۱- ق: که از؛ لی، آ: چو از؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۱۲- ف: تیره؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱۳- ل: از آهنگری؛ ق: وز آهنگری؛ آ: . . . زو خنجر و (واژهٔ نخستین خوانده نشد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۱۴- ل[۲]: ورّه؛ در ق پس از این بیت بیت ۱۲ آمده است

چو این کرده شد[۱] ، چاره‌ی آب[۲] ساخت — ز دریا به هامونش اندر بتاخت[۳]
به جوی و به کِشت آب را[۴] راه کرد — به فرّ کَیی[۵] رنج کوتاه کرد
چراگاه مردم بدین[۶] برفزود — پراگندن تخم و کِشت و[۷] درود
بورزید پس[۸] هر کسی نان[۹] خویش — برنجید[۱۰] و[۱۱] بشناخت[۱۲] سامان خویش

۱- **ل**: چو کرده شدش؛ **لن، ق[۲]، لی**: چو این کرده بد؛ متن= **ف، ق، پ، و، آ، ل[۲]** ۲- **ل**: واب ۳- **و**: فراخت؛ **ل، ق، آ**: زدریایها رودها برفراخت؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**: زدریایها رودها را بتاخت (**لی**: نواخت؛ **پ**: بساخت)؛ **ل[۲]**: زدریا به هامون ها راه ساخت؛ متن= **ف**؛ در **ل** پس از این بیت بیت ۱۲ آمده است ۴- **ل- پ، آ، ل[۲]**: بجوی و برود آب ها (**ق، آ، ل[۲]**: آب را)؛ **و**: برود و بجوی آب را؛ متن= **ف** ۵- **ل**: بفرخندگی؛ **آ** پس از این بیت بیت هایی افزوده است که در برخی از دستنویس های دیگر پس از بیت ۱۳ آمده است (← ۱۳پ) ۶-**ل**: بدان؛ **لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]**: برین؛ **لی، آ**: برو؛ متن= **ف، ق** ۷- **ل، لن، پ**: پراکند پس تخم و (**ل، پ**: <و>) کشت و؛ **ق**: پراکند تخم و بکشت و؛ **ق[۲]**: پراکند پس کشت و تخم و؛ **ل[۲]**: پراکندن تخم کشت و؛ متن= **ف، لی، و، آ**؛ در **ل** این بیت پس از بیت ۱۰ و در **ق** پس از بیت ۹ آمده است؛ در **آ** این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۱۵ آمده‌اند ۸- **ل، ق، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]**: برنجید پس؛ **لن**: بسنجیدنش؛ **پ**: بسنجیدپس؛ **و**: بسنجیدس (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن= **ف** ۹- **لن، ق[۲]، پ، و**: نام؛ متن= **ف، ل، ق، لی، آ، ل[۲]** ۱۰- **ل- ل[۲]**: بورزید؛ متن= **ف** ۱۱- **ل[۲]**: <و> ۱۲- **ق**: برساخت؛ در **آ** این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۱۵ آمده‌اند؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، و، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت و **آ** پس از بیت ۱۱ روایت زیر را افزوده‌اند؛ این روایت در **ف، ل، ق** (ونیز در **س[۲]**) نیست، ولی در **ل، ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **بنداری** ترجمهٔ پنج بیت نخستین را ندارد، ولی پس از آن روایت سده را آورده است؛ **لی** از بیت ۱۸ این روایت تا بیت ۳۳ داستان جمشید را انداخته است؛ **تصحیح** این روایت تنها براساس **لن، ق[۲]، و** انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد (در **لن** لت های بیت های دوم و چهارم پس و پیش شده‌اند):

از آن پس که این کارها شد بسیچ — نبُد خوردنی ها جز از میوه هیچ
همه کار مردم نبودی ببرگ — که پوشیدنی شان همی بود برگ
پرستیدن ایزدی بود کیش — نیا را همین بود آیین پیش
چومر تازیان راست (**لن، ق[۲]**: را به) محراب سنگ — بدانگه بدی آتش خوبرنگ
به‌سنگ اندر آتش بدو (**و**: ازو) شد پدید — کزو در جهان روشنی گسترید

گفتار اندر نهادن جشن سده

یکی روز شاه جهان سوی (**لن**: پیش) کوه — گذر کرد با چند کس (**و**: تن) همگروه (**لن، ق[۲]**: زان گروه)
پدید آمد از دور چیزی دراز — سیه رنگ و تیره‌تن و تیزتاز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون — ز دود دهانش جهان تیره‌گون
نگه کرد هوشنگ با هوش (**ق[۲]**: بافرّ) و سنگ — گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ
به زور کیانی رهانید (**ق[۲]**: رها شد ز) دست — جهان سوزمارازجهانجوی رست (**لن،ق[۲]**: جست)
برآمد به سنگ گران سنگ خرد — همان و همین سنگ بشکست خرد
فروغی پدید آمد از هردو سنگ — دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
لن، ق[۲]: دل سنگ گشت از فروغش دو رنگ (**ق[۲]**: از فروغ آبرنگ)
نشد مار کشته ولیکن ز راز — ازان (**ق[۲]**: از این) طبع سنگ آتش آمد فراز
هرآنکس که بر سنگ آهن زدی — ازو روشنایی پدید آمدی
جهاندار پیش جهان آفرین — نیایش همی کرد و خواند آفرین (**و**: رخ بر زمین)
که او را فروغی چنین هدیه داد — همین آتش آنگاه قبله (**لن**: قتیله؛ **ق[۲]**: فتیله) نهاد
بگفتا فروغیست این ایزدی — پرستید (**لن، ق[۲]**: پرستنده) باید اگر بخردی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه — همان شاه در گرد او با (**و**: هم) گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خَورد — سده (**لن، ق[۲]، آ، ل[۲]**: شده)نام آن جشن فرخنده‌کرد
زهوشنگ مانداین سده(**لن، ق[۲]، آ، ل[۲]**: شده)یادگار — بسی باد چون او دگر شهریار
کز آباد کردن جهان شاد (**ق[۲]**: ساز) کرد — جهانی به نیکی ازو یاد کرد

بدان ایزدی جاه[1] و فرّ کیان　　ز نخچیر و[2] گور و گوزن ژیان
جدا کرد گاو و خر و گوسفند　　به ورز آورید[3] آنچ بُد سودمند
بدیشان[4] بورزید[5] و زیشان چرید[6]　　همی تاج را خویشتن پرورید[7]
ز پویندگان هرچه مویش نکوست[8]　　بکُشت[9] و به سرشان[10] برآهیخت[11] پوست
چو روباه و قاقم، چو سنجاب[12] نرم　　چهارم سمورست، کش موی[13] گرم
برین[14] گونه از چرمِ پویندگان[15]　　بپوشید بالای گویندگان[16]
برنجید[17] و گسترد و خورد[18] و سپُرد[19]　　برفت و جز از نام نیکو[20] نبُرد
بسی رنج برد اندران[21] روزگار　　به افسون و اندیشه‌ی بی شمار[22]
چو پیش آمدش روزگار بهی　　ازو مُردَری[23] ماند گاه مِهی[24]
زمانه زمانی ندادش[25] دِرنگ　　شد آن رنج[26] هوشنگ باهوش و[27] سنگ
نپیوست خواهد جهان با تو مهر　　نه نیز آشکارا نُمایدت چهر[28]

۱- **و**: جای؛ آ: هم از ایزدی جاه؛ متن= **ف، ل، لن، ق، ق[2]، پ، و**، آ: < و>　**۲- لن، ق[2]، پ، ل[2]**　**۳- ق[2]، و**، آ: برون آورید؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ل[2]**؛ در آ پس از این بیت بیت های ۱۲ و ۱۳ آمده‌اند　**٤- ف**: ازیشان؛ متن= هشت دستنویس دیگر　**۵- ف**: بورزیذ(!)　**٦- ف**: خرید(!)؛ **ل، لن، ق، ق[2]**: خرید؛ **پ**: خورید؛ **و**: حرید (نقطه ندارد)؛ آ: خرید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **ل[2]**: ایشان درید(!)؛ متن تصحیح قیاسی است　**۷- ف**: پرورید(!)؛ **و**: برورید (نقطه ندارد)؛ آ: پرورند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ **ل[2]**: هم از هردو را خویشتن پرورید(!)؛ متن= **ل، لن، ق، ق[2]، پ**؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

ز پویندگان اشتر و اسب دید　　سزای نشست از میان برگزید
بخفتن خر و اسب با هم فتاد　　ز ترکیب آن هر دو استر بزاد

۸- ف: زپویندگان هرکراداشت دوست؛ **و**: زپونیدگان هرچه بگزیددوست؛ متن=هفت دستنویس دیگر　**۹- ل**: بکفت؛ **پ**: بکند؛ متن=هفت دستنویس دیگر　**۱۰- ق،و**: زسرشان؛ آ: زایشان؛ متن=**ف،ل،لن،ق[2]،پ،ل[2]**　**۱۱- ل،لن،ق،ق[2]**: برآهخت؛ **پ**: درآویخت؛ آ: بیاهیخت؛ متن=**ف،و،ل[2]**　**۱۲- لن، پ**: چوسنجاب وقاقم چورو باه؛ متن=هفت دستنویس دیگر　**۱۳- و**: موست؛ **ف،**آ: سمورکش(آ: کش و)موی　**۱٤- لن**: بران؛ **و**: بدین　**۱۵- لن،ق[2]،پ**: بالای گویندگان　**۱٦- لن،ق[2]،پ**: ازچرم پویندگان　**۱۷- ل**: بزیخید(!)　**۱۸- لن**: خرد(!)　**۱۹- ق[2]،آ،ل[2]**: سترد؛ متن=**ف،ل،لن،ق،پ،و**　**۲۰- ل**: بجز نام نیکی؛ **لن، و،** آ، **ل[2]**: جز از نام نیکی؛ **ق، ق[2]، پ**: جز از نیك نامی؛ متن= **ف**　**۲۱- لن، ق[2]**: خورد اندران؛ **پ**: خوردند زان؛ آ: بسی رنج برداشت از؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[2]**　**۲۲- ل**: روزگار؛ **لن**: هوشیار؛ **ق**: از هر شمار؛ **ق[2]، پ**: نابکار؛ متن= **ف، و،** آ، **ل[2]**　**۲۳- ل**: مردمی(!)؛ **ل[2]**: مردزی(!)　**۲٤- ل**: تاج شهی؛ **لن، ق[2]، پ، و**: تخت مهی؛ متن= **ف، ق،** آ، **ل[2]**　**۲۵- ل[2]**: ندارد؛ **ل، ق، ق[2]، پ،** آ: زمانه ندادش زمانی؛ متن= **ف، لن، و**　**۲٦- ق[2]،** آ: شاه؛ **و**: شد از هوش؛ متن= **ف، ل، لن، ق[2]، پ، ل[2]**　**۲۷- ل، ق**: < و>؛ **و**: با فرّ و　**۲۸-** در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد

اسبخر
اسبر
استر
اصغر
کوچکتر

طهمورث

پادشاهی طهمورث سی سال بود[۱]

پسر بُد مرو را یکی هوشمند[۲] — گرانمایه طهمورث[۳] دیوبند
بیامد به تخت پدر برنشست — کمر بر میان رسم او را ببست[۴]
همه موبدان را ز لَشکر بخواند[۵] — به چربی[۶] چه مایه سَخُن ها براند
چُنین گفت کامروز تخت و کلاه[۷] — مرا زیبد و، تاج و گنج و سپاه[۸]
جهان از بدی ها بشویم به رای[۹] — پس آنگه کنم در کَیی گِرد پای[۱۰]
ز هر جای کوته کنم دست دیو — که من بود خواهم جهان[۱۱] را خدیو
هر آن چیز کاندر جهان سودمند[۱۲] — کنم آشکارا، گشایم ز بند

پس از پشت میش و[۱۳] بره پشم و[۱۴] موی — برید و به رشتن[۱۵] نهادند روی
به کوشش ازو کرد پوشش بجای[۱۶] — به گستردنی بُد هم او[۱۷] رهنمای
ز پویندگان هر که[۱۸] بُد نیك رو[۱۹] — خورش کردشان[۲۰] سبزه و کاه و جو
رمنده[۲۱] ددان را همه[۲۲] بنگرید — سیه گوش و یوز از میان برگزید[۲۳]

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی طهمورث پسر هوشنگ چهل سال یازده ماه بود و پنج روز بود دَادَارا (شاید: و او را) طهمورث دیوبند خوانند؛ **ل**: پادشاهی طهمورث سی سال؛ **ق، ق۲، ل۲**: پادشاهی طهمورث دیو بند سی سال بود؛ **پ**: پادشاهی طهمورث چهل سال بود؛ **و**: پادشاهی طهمورث صد و سی بود؛ متن= **لن**؛ در **س، لی، ب** این داستان افتاده است ۲- در **لن** این لت پاك شده است ۳- **ل، ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲**: طهمورث؛ متن= **ف، لن** ٤- **ل، ق۲، پ**: بشاهی کمر بر میان بر (**پ**: را) ببست؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= **ف، ق، و، آ، ل۲** ۵- **در لن** این لت پاك شده است ٦- **ل، لن، ق، و، آ**: بخوبی؛ متن= **ف، ق۲، پ، ل۲** ۷- **و**: کامروز این تخت و گاه؛ **آ**: کامروز این پایگاه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **ف**: مرازیبد و تاج و گردستگاه؛ **ل**: مرا زیبد این تاج و گنج و سپاه؛ **ق**: مرا زیبد این تاج و گرز و سپاه؛ **ق۲، پ**: مرا زیبد و تاج و آیین و راه (**پ**: آیین گاه)؛ **و**: مرا زیبد و خسروانی کلاه؛ **آ**: مرا زیبد این تاج و تخت و کلاه؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= **ل۲** ۹- در **لن** این لت پاك شده است ۱۰- **ف**: پس آنگه درنگی کنم گردپای؛ **ل**: پس آنگه کنم در کی (درمکی؟ در کمی؟) گردپای؛ **آ**: پس آنگه بگیتی کنم گردپای؛ **ل۲**: پس آنگه کنم در جهان گردپای؛ متن= **لن، ق، ق۲، پ، و** ۱۱- **ف**: زمین؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- در **لن** این لت پاك شده است ۱۳- **آ**: < و > ۱٤- **لن**: < و > ؛ **ل۲**: نیم و؛ **ق۲**: پس از پشت بره کشم پشم و؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، آ** ۱۵- **پ**: برستن؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱٦- **ل، ق، و، آ**: برای؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= **ف، ق۲، پ، ل۲** ۱۷- **ل**: هم بد او؛ **و**: بد همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- **ل، ق، پ، و، آ، ل۲**: هرچه؛ متن= **ف، لن، ق۲** ۱۹- **ل، پ، و**: تیزرو؛ **ق، ق۲**: پیش رو؛ متن= **ف، لن، آ، ل۲** ۲۰- **ل**: کردش او؛ **و**: دادشان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- **ل**: رمیده؛ **ل۲**: رونده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- **و**: همی ۲۳- **ل۲**: سیه کوشك و یوز را برگزید

به چاره بیاوردش[۱] از دشت و کوه   به بند آمدند آنک دور از گروه[۲]
ز مرغان همان[۳] را که بُد[۴] نیک ساز[۵]   چو باز و چو شاهین گردن فراز
بیاورد و آموختن شان گرفت   جهانی بدو[۶] مانده اندر شِگفت
چُن[۷] این کرده شد ماکیان و خروس   کجا برخروشد گه زخم کوس
بیاورد و یکسر به مردم[۸] کَشید[۹]   نِهفته همه[۱۰] سودمندی[۱۱] گزید[۱۲]
بفرمود تاشان[۱۳] نوازند گرم   نخوانندشان جز به آوای[۱۴] نرم
چُنین گفت کین را نُمایش[۱۵] کنید   جهان آفرین را ستایش[۱۶] کنید
که او[۱۷] دادمان بر دده[۱۸] دستگاه   ستایش[۱۹] مرو را که بنمود راه

مرو را یکی پاک دستور بود   که رایش ز کردار[۲۰] بد دور بود
خَنیده[۲۱] بهرجای و[۲۲] شهرسپ[۲۳] نام   نزد جز به نیکی بهر جای گام[۲۴]
همه روز بسته ز خوردن دو لب   به پیش جهاندار بر پای شب[۲۵]
چو جان[۲۶] بر دل هرکسی[۲۷] بود دوست   نماز شب و روزه آیین اوست
سرِ مایه بود[۲۸] اختر شاه را   درِ بند بُد[۲۹] جان[۳۰] بدخواه را
همه راه نیکی[۳۱] نُمودی به شاه   همه راستی خواستی پایگاه[۳۲]
چُن آن[۳۳] شاه پالوده گشت از بدی   بتابید[۳۴] ازو فرّهِ ایزدی
برفت اَهرمَن را به افسون ببست   چو بر تیزرو بارگی برنشست
زمان[۳۵] تا زَمان زینش[۳۶] برساختی   همی[۳۷] گِرد گیتیش برتاختی[۳۸]
چو دیوان بدیدند کردار اوی[۳۹]   کَشیدند گردن ز گفتار اوی[۳۹]
شدند انجمن دیو بسیار مر   که پردخت[۴۰] مانند[۴۱] ازو تاج و فر

۱- ل[۲]: بیاورد   **۲- ل**: ببند آمدند آنکه بد هم گروه؛ **لن، ق[۲]، پ**: بتنگ آمدند آنك (**پ**: آنکه) بد زان گروه (**پ** در زیر **بتنگ** افزوده است: ببند)؛ **ق**: ببند آمد آنچه بد از گروه (وزن نادرست است)؛ **و، ل[۲]**: ببند آمدند آنچه (**ل[۲]**: آنك) بود از گروه؛ **آ**: ببند آمدند این دو دد از گروه؛ متن= **ف**   **۳- ل، آ**: مران   **٤- لن، ق[۲]**: آنك بد؛ **ق، و، ل[۲]**: آنچه بد؛ **پ**: آنکه بد؛ متن= **ف، ل، آ**   **۵- لن، ق[۲]**: نیك تاز؛ **ق**: تندساز؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ، ل[۲]**   **٦- و، آ**: ازو؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **لن، ق[۲]، پ** پس از این بیت بیت ۱۷ آمده است   **۷- ل- ل[۲]**: چو؛ متن= **ف**   **۸- لن، ق[۲]**: بمردی؛ متن= هفت دستنویس دیگر   **۹- ف**: سپرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر   **۱۰- ق[۲]، و**: همی؛ متن= **ل، لن، ق، پ، آ، ل[۲]**   **۱۱- لن**: سودمندش   **۱۲- آ**: بدید؛ **ف**: به آوازشان انده از دل ببرد؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

به مردم چنین گفت فرزانه شاه   بدارید این بی زبان را نگاه

۱۳-ل- ل[۲]: بفرمودشان تا؛ متن= **ف**   **١٤- ل، ق، ق[۲]، آ**: باواز؛ متن= **ف، لن، پ، و، ل[۲]**؛ در **لن، ق[۲] پ** این بیت پس از بیت ۱۴ آمده است   **۱۵- ف، ل[۲]**: نیایش؛ **لن، ق[۲]، پ، و، آ**: ستایش؛ متن= **ل، ق**   **١٦- لن، ق[۲]، پ، و، آ**: نیایش؛ متن= **ف، ل، ق، ل[۲]**   **۱۷- آ**: آن   **۱۸- لن، ق[۲]، پ، آ**: ددان؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]**   **۱۹- و**: نیایش   **۲۰- آ**: بکردار   **۲۱- لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]**: گزیده؛ متن= **ف، ل، ق، آ**   **۲۲- ل، ق، ق[۲]، آ**: < و >؛ متن= **ف، لن، پ، و، ل[۲]**   **۲۳- لن**: بهرست؛ **ق[۲]، پ، ل[۲]**: شهرست؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ**   **٢٤- و**: نبد جز بنیکیش هرجای گام؛ متن= هفت دستنویس دیگر   **۲۵- ق**: همه‌شب ستاده بپای تعب (!)   **٢٦- ف، ل، و، ل[۲]**: چنان؛ **لن، ق، ق[۲]**: جوان؛ **آ**: وزان؛ متن= **پ**   **۲۷- ف**: یکی؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **آ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند   **۲۸- ل، لن، ق، ق[۲]، پ، ل[۲]**: بُد؛ متن= **ف، و، آ**   **۲۹- ل، ق، آ**: در بسته بُد؛ **و**: دریده بد او؛ متن= **ف، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]**   **۳۰- لن، ق[۲]، پ**: جای؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل[۲]**   **۳۱- لن، ق[۲]**: راه نیکو؛ **پ**: رای نیکو   **۳۲- لن**: بارگاه   **۳۳- ل، ق، و، آ**: جوان؛ **لن، ق[۲]، پ، ل[۲]**: چنان؛ متن= **ف**   **٣٤- لن، ق[۲]، پ، ل[۲]**: که تابید؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ**   **۳۵- ف**: زمن (!) متن= هشت دستنویس دیگر   **۳٦- لن**: بش (حرف دوم نقطه ندارد)؛ **ق[۲]، پ، آ**: بیش؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]**   **۳۷- ف، ل، پ، آ**: همه؛ متن= **لن، ق، ق[۲]، و، ل[۲]**   **۳۸- ق[۲]**: همی کرد لیش بر او تاختی (!) (گویا بوده است: همی گرد گیتی بر او تاختی)؛ متن= هشت دستنویس دیگر   **۳۹- ل، لن، ق[۲]، آ، ل[۲]**: او؛ متن= **ف، ق، پ، و**   **٤٠- ل، ق**: پردخته؛ **ق[۲]**: پرداخت؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، پ، و، ل[۲]**   **٤١- ل[۲]**: ماند

چو طهمورث[1] آگه شد از کارشان   برآشفت و بشکست بازارشان
به فرّ جهاندار بستش میان   به گردن برآورد گرز گران[2]
همه نرّه دیوانِ[3] افسون گران   برفتند، جادو سپاهی[4] گران
دمنده[5] سیه دیوشان پیشرَوْ   همه[6] باسمان برکشیدند غَوْ[7]
جهاندار طهمورث[8] بافرین   بیامد کمر بستهی رزم[9] و کین
یکایك برآراست[10] با دیو جنگ   نبُد جنگشان را فراوان درنگ
ازیشان دو بهره به افسون ببست   دگرشان به گرز گران کرد پست
کَشیدندشان خسته و بسته[11] خوار[12]   به جان خواستند آن زمان زینهار
که ما را مکش تا یکی نوهنر   بیاموزَنیمَت که[13] آید به بر
کَی نامور دادشان زینهار   بدان تا نهانی کنند آشکار
چو آزادشان شد سر[14] از بند اوی[15]   بجستند ناچار[16] پیوند اوی[15]
نبشتن[17] به خسرو بیاموختند   دلش را چو خورشید بفروختند[18]
نبشته[19] یکی نه، چه[20] نزدیك سی   چه رومی و چه تازی و پارسی[21]
چه سغدی[22] و چینی و چه پهلوی[23]   نگاریدنِ آن، کجا بشنوی[24]
جهاندار سی سال ازین[25] بیشتر   چه گونه[26] برون[27] آوریدی هنر
برفت و سرآمد[28] برو روزگار   همه[29] رنج او ماند زو[30] یادگار
جهانا[31] مپرور چو خواهی درود   چو می بدروی[32] پروریدن چه سود

۱- **ل، ق، ق۲، و، ل۲**: طهمورث؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، پ** ۲- **و**: کیان؛ **آ** این بیت را ندارد ۳- **لن، ق، ق۲، پ، و، ل۲**: دیوان و؛ متن= **ف، ل، و** ٤- **آ**: سپاه ۵- **ف**: دمیده(!)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٦- **آ، ل۲**: همی ۷- **ق۲، ل۲**: غو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **ل، ق، ق۲، و، آ، ل۲**: طهمورث؛ متن= **ف، لن، پ** ۹- **ل، آ**: جنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- **ل، لن، ق۲، پ**: بیاراست؛ **ق**: برانگیخت؛ متن= **ف، و، آ، ل۲**؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **لن، ق**: بند کردن طهمورت (**ق**: طهمورث) دیوان را؛ **پ**: پادشاهی طهمورت و بند کردن دیو؛ **ف، ل، ق، و** پس از این بیت دو بیت و **آ** تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

هواتیره (**و**: قیر) فام(**ق**: بام) وزمین تیره‌گشت (**ل**: شد)   بخشم (**و**: بگرد) اندرون خیره‌گشت (**ل**: شد)
زیکسو (**آ**: زیکسر) عو (**ف**: دم؛ **ق**: غو) آتش ودودیو   زیکسو (**آ**: ز یکسر) دلیران کیهان خدیو

لن، ق۲، پ، ل۲ این دو بیت را و **آ** بیت نخستین را ندارند ۱۱- **لن، و، آ**: بسته و خسته؛ **ق۲**: کشته و خسته؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل۲** ۱۲- **ل، ق، ل۲**: زار؛ **ق۲**: وار؛ متن= **ف، لن، پ، و، آ** ۱۳- **ل**: بیاموزم ایدر که؛ **لن، و**: بیاموزی از ماکت؛ **ق**: بیاموزانیمت که؛ **ق۲، آ**: بیاموزمت تا کی؛ **پ**: بیاموزیمت کت؛ متن= **ف، ل۲**؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

کنون سرفرازی کند آدمی   چو بستان شود زان سراسر زمی

١٤- **ل**: چو آزاد گشتند؛ **و**: چو آزاد شدشان سر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **لن، ق۲، پ، آ، ل۲**: او؛ متن= **ف، ل، ق، و** ١٦- **ل۲**: ناچاره؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **ل، و، آ**: نوشتن؛ **ق**: نبشته؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ، ل۲** ۱۸- **لن، ق۲، پ، و**: دلش را بدانش برافروختند؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** ۱۹- **ل، آ**: نوشته؛ **لن، ق۲، پ**: نبشتن؛ **و**: نوشتن؛ متن= **ف، ق، ل۲** ۲۰- **ل، لن، ق، ق۲، پ، و**: که؛ **آ**: یکی نیز؛ متن= **ف، ل۲** ۲۱- **ل، ق، و، آ**: چه رومی (**آ**: رومی و (وزن نادرست است)) چه تازی و چه پارسی؛ **ل۲**: چه رومی و تازی و چه پارسی؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ** ۲۲- **ل، ق**: هندی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **لن، ق۲، پ، آ**: و چه چینی و پهلوی؛ **و**: چه چینی و چه پهلوی؛ **ل۲**: وچینی و چون پهلوی؛ متن= **ف، ل، ق** ۲٤- **ل**: ز هرگونه‌یی کان همی بشنوی؛ **ق**: نوشتن بدان چیز کان بشنوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- **آ**: زین ۲٦- **ف- ل۲**: چگونه؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۷- **ق۲، پ، و، ل۲**: پدید؛ متن= **ف، ل، لن، ق، آ**؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

چو دستور باشد چنین کاردان   توشه را هنر نیز بسیار دان

۲۸- **ل**: برآمد ۲۹- **ق**: چنان؛ **آ**: همان ۳۰- **ل- ل۲**: ازو؛ متن= **ف**؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

تنش گشت پژمرده زآسیب مرگ   چو گاه خزان از دم باد، برگ

۳۱- **ق**: جهانرا ۳۲- **ف، و**: اگر بدروی؛ متن= **ل، لن، ق، ق۲، پ، آ**؛ **لن، ق۲، پ، ل۲** پس از این بیت افزوده‌اند:

برآری یکی را به چرخ بلند   سپاریش ناگه به خاك نژند

ف، ل، ق، و، آ این بیت را ندارند، ولی در **ل، ق** آنرا در کناره افزوده‌اند

جمشید

پادشاهی جمشید هفتصد سال بود[۱]

چو گیتی سرآمد[۲] بران[۳] دیوبند، جهان را همه پند او سودمند[۴]
به سوگ اندرون شد دل هر کَسی، نیامد بران[۵]، روزگاران بسی،
گرانمایه جمشید فرزند اوی[۶] کمر بست یك دل[۷] پر از پند اوی[۶]
برآمد بران تختِ فرّخ پدر به رسم کَیان بر سرش تاج زر
کمربسته[۸] با فرّ شاهنشهی جهان گشته سرتاسر[۹] او را رهی
زمانه برآسوده[۱۰] از داوری به فرمان او دیو و مرغ[۱۱] و پری
جهان را فزوده بدو[۱۲] آبروی فروزان شده تخت شاهی بدوی[۱۳]
منم گفت با فرّهِ ایزدی[۱۴] هَمَم شهریاری و هم[۱۵] موبدی[۱۶]
بَدان[۱۷] را ز بد دست کوته کنم روان را سُوی روشنی ره کنم

نُخُست آلت جنگ را دست برد درِ نام جُستن به گردان[۱۸] سپرد
به فرّ کَیی نرم کرد آهنا چو خود و زره کرد و[۱۹] چون[۲۰]جوشنا

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی جمشید هفتصد سال بود و نهادن آیین نیکو و نهادن نوروز و سده و نیکویی ها در جهان؛ **ل، پ**: پادشاهی جمشید هفتصد سال؛ متن= **لن، ق، ق[۲]، و، آ، ل[۲]**؛ **لی** تابیت ۳۳ و **ب** تا بیت ۱۳ را انداخته‌اند ۲- **ل**: سرآمد برامد (واژهٔ دوم بی جاست) ۳- آ: بدان؛ **لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، آ** ٤- **ل**: جهان را همه بند او بود پند؛ متن= **ف، ق، آ** ٥- **ل، ق، آ**: برامد برین؛ **لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]** این بیت ندارند؛ متن= **ف** ٦- **ل، لن، آ، ل[۲]**: او؛ متن= **ف، ق، ق[۲]، پ، و** ۷- **پ**: کمربسته و دل؛ **و**: کمربسته یك دل؛ **ل[۲]**: کمربست و یکدل؛ متن= **ف، ل، لن، ق، ق[۲]، آ** ۸- **ف، لن، ق، ق[۲]، پ، آ**: کمربست؛ متن= **ل، و، ل[۲]** ۹- **لن، ق**: جهان گشت سرتاسر؛ **ق[۲]، پ، و**: جهان سربسر گشت (**و**: گشته)؛ متن= **ف، ل، آ، ل[۲]** ۱۰- **ف، ل، ق، ق[۲]، آ**: براسود؛ متن= **لن، پ، و، ل[۲]** ۱۱- **ل، ق، آ، ل[۲]**: مرغ و دیو؛ متن= **ف، لن، ق[۲]، پ، و**؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۲- **ق[۲]**: برو؛ آ: فروزنده بدو (وزن نادرست است) ۱۳- **ل**: ازو؛ **ق، آ**: ازوی؛ **لی**: بروی؛ متن= **لن، ق[۲]، و، ل[۲]** ۱٤- **لن، ق[۲]**: با فرّ شاهنشهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **ل**: همم شهریار و همم؛ **ل[۲]**: همم شهریاری همم ۱٦- **پ**: بخردی؛ **ق[۲]**: جهان تاج و تخت مرا شد رهی ۱۷- **ف**: جهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- **ق**: بمردان؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

ز آتش دم و کوره را گرم کرد وزو آهن سخت را نرم کرد

۱۹- **لن، ق، ق[۲]**: <و> ۲۰- **ق[۲]**: هم

چو خَفتـان و چون تیغ و[۱] بَرگُستَـوان — همـه کرد پیدا به روشن روان
بدین انـدرون سال پنـجاه رنـج — ببـرد و[۲] ازین[۳] چنـد بنـهـاد گنـج
دگـر پنـجـه اندیشـه‌ی جامـه کرد — که پوشنـد هَنـگام[۴] ننـگ و نبـرد
ز کتّـان و ابـریشـم و موی قَز[۵] — قَصـب کرد و[۶] پرمـایه دیبـا و خز[۷]
بیامـوختـشـان[۸] رشتـن و تافتـن — به تار انـدرون پود را بافـتـن[۹]
چو شد بافتـه[۱۰]، شسـتن[۱۱] و دوختن — گرفـتـنـد[۱۲] ازو یکـسـر آمـوختـن[۱۳]
چو این کرده شد ساز دیگـر نِهـاد — زمـانـه بدو[۱۴] شاد و او نیز شاد
ز هر پیشـه‌یی انـجمـن کرد مرد[۱۵] — بدین انـدرون پنـجـهـی نیز خَورد[۱۶]
گروهـی که آثـوربـان[۱۷] خوانـیش — به رسـم پرستـنـدگـان دانـیش[۱۸]
جدا کردشـان از میان گروه[۱۹] — پرستـنـده را جایگـه کرد کوه[۲۰]
صفـی برکـشـیدنـد و بنـشـانـدنـد[۲۱] — همـی نام نیسـاریان[۲۲] خوانـدنـد
کجـا شیرمـردان[۲۳] جنـگـاورنـد — فروزنـدهٔ لَشـکـر و کِشـورنـد[۲۴]
کزیشـان بود تخـت شاهـی بپـای[۲۵] — وُزیشـان بود نام مردی بجـای[۲۶]
بسـودی سه دیگـر گُرُه را شنـاس[۲۷] — کجـا نیسـت از کس بریشـان[۲۸] سپـاس
بکـارنـد و ورزنـد و خود بدرونـد — به گاه خورش سرزنش نشـنـونـد
ز فرمـان تن[۲۹] آزاده و خورده نوش[۳۰] — از آوای[۳۱] پیغـاره آسـوده گوش
تن آزاد[۳۲] و آبـاد گیتـی بدوی[۳۳] — برآسـوده از داور و[۳۴] گفـت وگـوی
چه گفـت آن[۳۵] سُخُـنـگـوی آزاد[۳۶] مرد — که آزاد[۳۷] را کاهـلی بنـده کرد

۱- ل، ق، آ: چو خفتان و تیغ و چو؛ لن، ق۲، پ، و: چو خفتان و چون درع و (پ: < و>)؛ متن= ف، ل۲؛ ف پس از این بیت افزوده است:
هـران چیـزکـان جنـگ را درخـورسـت — وگـر آلـت و زینـت لـشکـرسـت
۲- ل، پ: بپیمود و؛ لن: ببرد (وزن نادرست است) ۳- ف: بدین؛ ل، پ: زین؛ متن= لن، ق، ق۲، و، آ، ل۲ (ونیز ل۳، لن۲)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ٤- ف، پ، ل۲، ب: که پوشد بهنگام؛ لن، ق۲: که پوشد همی گاه؛ آ: که پوشید هنگام؛ متن= ل، ق، و ۵- لن، ق، ق۲، پ- ب: موی و قز؛ متن= ف، ل ٦- ل، لن، ق۲، پ، آ: < و> ؛ متن= ف، ق، و، ل۲، ب ۷- ف: دیبای خز (نخست دیبا و خز داشته، حرف و را ی گردانیده است)؛ ل۲: دیبا و پرمایه خز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- لن، ق۲، پ، ب: بیامختشان؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲ ۹- در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: تافته؛ ق۲: جز از بافتن؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- آ: رشتن؛ در لن این لت پاك شده است ۱۲- ق۲: گرفتـن؛ آ: گرفتـه؛ متن= هشت دستنـویس دیگـر ۱۳- ق: گرفتنـد یکسـر ازو بر بیامـوختن (وزن نادرست است)؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۹ امده است ١٤- ق: ازو؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۱۵- ل، ق، آ: زهر انجمن پیشه‌ور گرد کرد؛ ق۲، پ، و، ب: زهر پیشه‌ور انجمن گرد کرد (ب: کرد مرد)؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ف، ل۲ ١٦- لن: بدین اندرون سالی پنجاه. . .(؟)؛ ق۲، پ: بدین اندرین نیز پنجاه خورد؛ و، ب: بدو (ب: بدین) اندرون سال پنجاه خورد؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل۲؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۷ امده است ۱۷- ف، ل، ل۲: تورانیان؛ لن: خاتون زنان (حرف سوم واژهٔ یکم نقطه ندارد)؛ ق۲: حاتون زبان (حرف یکم واژهٔ یکم و حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارند)؛ و: آثاریان؛ آ: ارزانیان؛ ب: کاثوریان؛ متن= ق (: اثوربان؛ یا: اتوربان) ۱۸- در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ پ این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده است ۱۹- در لن این لت پاك شده است ۲۰- و: ساخت کوه؛ پ این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده است ۲۱- ق، ق۲، پ، و، ل۲، ب (ونیز ل۳، لن۲): صفی بردگر دست بنشاندند؛ در لن این لت پاك شده است؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، آ ۲۲- لن: بسیاریان؛ ق: میشاریان؛ ل۲: نیساران (وزن نادرست است)؛ ب: که‌شان نام بکساریان؛ متن= ف، ق۲، پ، و، آ (ونیز ل۳، لن۲) ۲۳- پ: کجا بیشتر مرد ٢٤- ل: کشور و لشکرند؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۲۵- ق۲، پ، و: بجای؛ در لن این لت پاك شده است ٢٦- لن، ق۲، پ، و: بپای ۲۷- ف: گروه سوم برزگر را شناس؛ ل: بسی زی سه دیگر گروهی شناس؛ لن: بسودی نهد یك گره را شناس؛ ق- ب: (ق، آ: بس وی (← پس وی؟)؛ ق۲: تسوری؛ پ، ل۲: بسوری؛ و: نشوری؛ ب: نسوهی) سه دیگر گره را شناس؛ متن= لن (واژهٔ نخستین)+ ق- ب ۲۸- لن، ق۲، پ، و: بر کس ازیشان؛ ل۲: از بس برایشان؛ ب: از کس بدیشان؛ متن= ف، ل، ق، ا ۲۹- ق۲، پ، ب: سر ۳۰- ل: ازاد وز خورد و نوش؛ لن: ازاد چون ژنده‌پوش؛ ق۲: آزاد و حورنده (ق۲: حورنده) نوش؛ پ: آزاد و خوارنده‌نوش؛ و: ازاد و خود ژنده‌پوش؛ ل۲: ازاده و خور و نوش؛ متن= ف، آ، ب ۳۱- ل، آ: از اواز و (آ: < و>)؛ لن، ق۲، پ، و، ل۲، ب: وز اواز؛ متن= ف؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده‌اند ۳۲- لن: آباد؛ آ این بیت را ندارد ۳۳- پ: بروی ۳٤- ل: < و> ؛ ق۲: از داروز(!)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۵- لن: این ۳٦- ق۲: آزاده ۳۷- ل، لن، ق۲، پ- ل۲ آزاده؛ متن= ف، ق، ب

چهارم که خوانند اهتوخشی[1]   هم از[2] دست ورزان با سرکشی[3]
کجا کارشان همگِنان[4] پیشه بود   روانشان[5] همیشه پر[6] اندیشه بود
بدین[7] اندرون سال پنجاه نیز   بخورد و بورزید و بخشید چیز[8]
ازین[9] هر یکی را یکی پایگاه[10]   سَزاوار بگزید و بنمود راه[11]
که تا هرکس اندازه‌ی[12] خویش را   ببینند و دانند کم[13] بیش را
بفرمود پس دیو[14] ناپاک[15] را   به آب اندرآمیختن خاک را
هرآنچ[16] از گِل آمد[17] چو بشناختند   سَبُك خشت را کالبَد ساختند
به سنگ و به گچ[18] دیو دیوار کرد   بهخشت[19] از برش هندسی کار کرد
چو گرمابه و کاخ های بلند   چو ایوان که باشد پناه از گزند
ز خارا گهر[20] جُست یك روزگار   همی کرد ازو روشنی خواستار
بدست[21] آمدش چند گونه گهر   چو[22] یاقوت و[23] بیجاده و[24] سیم وزر
ز خارا به افسون برون[25] آورید   شد آراسته بندها را کلید[26]
چوبان[27] و چو کافور و چون مشك ناب   چو عود و چو عنبر، چو روشن گلاب[28]
بزشکی و درمان هر دردمند   درِ تندرستی و راهِ گزند
همین[29] رازها[30] کرد نیز[31] آشکار   جهان را نیامد چُنو[32] خواستار
گذر کرد از آن پس به[33] کَشتی بر[34] آب   ز کشور به کشور[35] چو آمد[36] شتاب
چُنین سال پنجه برنجید[37] نیز   ندید[38] از هنر بر خرد بسته چیز[39]

۱- ل، ق، ب: اهنوخوشی؛ لن: اهوحوسی (هیچیك از حرفها نقطه ندارد)؛ ق۲: اهوخوشی (حرف سوم نقطه ندارد)؛ پ: آهنوخوشی؛ و: اهوحشی (حرف سوم نقطه ندارد)؛ آ: اهتوخوشی؛ ل۲: خوانندش آهتوخشی؛ (ل۳: اهیوخوشی؛ لن۲: اوراخشی)؛ متن= ف ۲- ل- ل۲: همان؛ ب: همه؛ متن= ف ۳- ل، ق۲، آ، ب: دشت ورزان با سرکشی (آ: بآتش کشی)؛ و: همان دستکاران با سرکشی؛ متن= ف، لن، ق، پ، ل۲ (لن: ابا) ٤- ل: هم کیان؛ پ، و: کجا همکنان کارشان ۵- و: روانرا ٦- ل۲: بی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- ل: برین ۸- لن، ق۲، پ، ب: بخورد و ببخشید بسیار چیز؛ ق: بخورد و بورزید هرگونه چیز؛ متن= ف، ل، و، آ، ل۲ ۹- لن، ل۲: وزین ۱۰- ب: جایگاه ۱۱- ب: سزاوارشان نیك بنمود راه؛ لی پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۱۲- و، ب: اندیشهٔ ۱۳- ق، آ، ل۲: کم و؛ ف، ل: داندکم و؛ لن، ق۲، پ، و، ب: ببینند بداندکم و؛ متن= لی ١٤- ق۲، لی، پ، و، ب: بفرمود دیوان؛ متن= ف، ل، لن، ق، آ، ل۲ ۱۵- ل، لن، آ، ب (ونیز ل۳، لن۲) حرف سوم را با سه نقطه نوشته‌اند ١٦- لن، ق۲: زهرچ؛ لی، پ: زهرچه (وزن نادرست است)؛ آ: هرآنچه (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲، ب ۱۷- آ، ل۲: آید ۱۸- ق: زگچ؛ و: بگل؛ ل۲، ب: زسنگ وزگچ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- ف- پ، آ- ب: نخست؛ و (ونیز ل۳، لن۲) بگچ (ل۳ در بالا افزوده است: بخشت) ۲۰- ق۲، پ، ل۲، ب: هنر؛ لی: بدین راهبر؛ متن= ف، ل، لن، ق، و، آ؛ با این بیت در ل بخشی که به‌خط نوتر نوشته‌اند به پایان میرسد و از بیت سپسین دستنویس اصلی آغاز میگردد ۲۱- ل- آ، ب: بچنگ؛ متن= ف، ل۲ ۲۲- لن، ق۲، پ: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- لی: <و> ٢٤- ف: چو بیجاده و لعل و چون؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۵- و: پدید ٢٦- پ: شد آن بندها را سراسر کلید؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ لی پس از این بیت و پ در بالای بیت سپسین افزوده‌اند:

دگر بوی ها خوش آورد باز   که‌دارندمردم (پ: که‌باشد همه‌کس) ببویش نیاز

۲۷- ل: زبان؛ لن: چونان؛ ق۲، ل۲: چوبان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ لی: چو سیم؛ متن= ف، ق، پ، و، آ، ب ۲۸- ق۲، و، آ: چو مشك و گلاب؛ لی: برویش گلاب؛ ل۲: چه عود و چه عنبر چه روشن گلاب؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، ب ۲۹- ل، لن، ق، ق۲، پ: همان؛ لی، آ: همه؛ و: هم این؛ متن= ف، ل۲، ب ۳۰- ل۲: راز را ۳۱- لن، ق، ق۲، و: نیز کرد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۲- لن: چنین؛ متن= ده دستنویس دیگر (ف: چن او) ۳۳- لی، ب: چو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٤- لی، پ: در؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- ل: چو کشور بکشور؛ ق۲: بکشور زکشور ۳٦- ل: گرفتی؛ پ: برآمد؛ آ: زکشور برآمد بکشور ۳۷- لن، ق۲، لی، پ، و: بورزید؛ ل۲: پنجاه برکرد؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب ۳۸- آ: بدید ۳۹- لی: بدیدار مر برهنر بسته چیز؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ لن، ق۲، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند (← بیت ۶۱):

همه (ق۲: همان) کردنی ها چو آمد پدید   بگیتی جز از خویشتن را (پ: کس) ندید

همه کردنی ها چو[1] آمد بجای — ز جای مِهی[2] برتر آورد پای
به فرّ کَیانی یکی تخت ساخت — چه مایه بدو گوهر اندرنشاخت[3]
که چون خواستی دیو برداشتی — ز هامون به گردون برافراشتی[4]
چو خورشید تابان میان هوا — نشسته برو[5] شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بران[6] تخت اوی[7] — شِگِفتی فرومانده از[8] بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند — مرآن روز را روز نو خواندند[9]
سر سال نو هرمز فوردین[10] — برآسوده[11] از رنج تن، دل ز کین[12]
بزرگان بشادی[13] بیاراستند — می و جام[14] و رامشگران خواستند
چُنین جشن[15] فرّخ از آن[16] روزگار — به ما ماند[17] از آن خسروان[18] یادگار
چُنین[19] سال سیصد[20] همی رفت[21] کار — ندیدند مرگ اندر آن روزگار
ز رنج و زبدشان نبود[22] آگهی — میان بسته[23] دیوان بسان رهی
به فرمان[24] مردم نِهاده دو گوش — ز رامش جهان پر ز آوای نوش[25]
چُنین تا برآمد برین[26] سالیان — همی تافت از فرّ، شاه کَیان[27]
جهان سر بسر گشته[28] او را رهی — نشسته جهاندار با فرّهی
یکایك به تخت مِهی بنگرید — بهگیتی جز از[29] خویشتن را[30] ندید
ز گیتی سرِ شاه[31] یزدان شناس — ز یزدان بپیچید و[32] شد ناسپاس
گرانمایگانَ را ز لَشکر بخواند — چه مایه سَخُن پیش ایشان براند

۱ -لن، ق۲، لی، پ، ب: چو آن (لی، ب: این) کارهای وی؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ل۲ ۲- لی: زتخت مهی ؛ پ: زجای مهین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- لن: ساحت (نقطه ندارد)؛ ل۲: نساخت؛ متن= نه دستنویس دیگر ٤- در لی پس از این بیت بیت ۵۲ آمده است ۵- لی: بدو ٦- لی، پ، آ، ب: بر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- ل، لن، ق، ق۲، لی، آ: او؛ متن= ف، پ، و، ل۲، ب ۸- ل: ماند از؛ لی: ازان برشده فرّه و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- در لی این بیت پس از بیت ۴۹ آمده است ۱۰- ل: هرمز و فرودین؛ لی: هرمز فرودین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- ل، ق۲: براسود؛ و: براسودش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق۲: از رنج و زدرد و کین (ق۲: و هم دل زکین)؛ آ: از رنج دل جان زکین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- ق۲: زشادی؛ ل۲: شادی ۱٤- و: رود ۱۵- پ: روز ۱٦- ق، آ: کزان ۱۷- لن: بماندست؛ لی: بمانده ۱۸- ق۲: از خسروان؛ ل۲: زان خسروان؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کشیدند پیشش بزرگان رده — که بنهاد جمشید جشن سده

در آ بیت های میان بیت ۵۴ تا ۵۸ در هم ریختهاند: ۵۴، ۵۸، ۵۶، ۵۷، ۵۵، ۵۸ ۱۹- لی: چنان ۲۰- ق (ونیز ل۳): ششصد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز بنداری: ثلثمائة) ۲۱- ف: راند؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- ل۲: بند ۲۳- و: کمربسته؛ ق پس از این بیت بیت ۵۹پ را افزوده است؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

یکی تخت پرمایه کرده بپای — نشسته بروبر جهان کدخدای
نشسته بران تخت جمشید کی — بچنگ اندرون خسروی جام می
مران تخت را دیو برداشته — ز هامون بگردون برافراشته
سرافراز تخت سپهبد زده — سراسر ز مرغان همه صف زده

۲٤- ف، آ: بفرمانش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۵- لن، ق۲، پ: ز رامش جهان را پرآواز (ق۲: آوای) نوش (پ: گوش)؛ لی، ب: زرامش جهان پر زآواز نوش؛ متن= ف، ل، و، آ، ل۲؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند ۲٦- ق۲، ب: بران؛ لی: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، پ، و، آ، ل۲ ۲۷- لن- ب: از شاه فرّ کیان؛ متن= ف؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزودهاند؛ ل بجای این بیت و لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب پس از این بیت و ق پس از بیت ۵۷ بیت زیر را افزودهاند:

چوچندی (لن: کهچندی؛ ق: چنین تا) برآمد برین (لی: بدین) روزگار
ندیدند جز(ل۲: ندیدهبجز) خوبی ازکردگار (لن، ق۲،لی: شهریار؛ پ: خوبی شهریار؛ ب: ازروزگار)

این بیت در ف، و، آ نیست ۲۸- ل، پ، ل۲: گشت؛ ق: جهان گشت سرتاسر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۹- ق، لی: بگیتی بجز ۳۰- ق۲، لی: کس ۳۱- ل: ازان پس عَجَب شاه؛ لن، ق۲- و، ب: منی کرد آن (ب: ازآن) شاه؛ ق: ازان عُجب برشاه (ل مانند ق عجب داشته، ولی سپس بر را خط زده وپس نوشته و درنتیجه عجب به عجب برگردیده است)؛ آ: دل نامور شاه؛ متن= ف، ل۲ ۳۲- ب: وزان برتری جست و

چُنین گفت با سالخورده مِهان — که جز خویشتن را ندانم جهان[۱]
هنر در جهان از من آمد پدید — چو من نامور[۲] تخت شاهی ندید
جهان را به خوبی من آراستم — چُنان ست گیتی کجا خواستم[۳]
خور و خواب و آرامتان[۴] از من ست — همان[۵] پوشش[۶] و[۷] کامتان[۸] از من ست
بزرگی و دیهیم و[۹] شاهی مراست — که گوید که جز من کسی پادشاست
همه موبدان سرفگنده نگون — چرا کس نیارست گفتن، نه چون
چُن[۱۰] این گفته شد فرّ یزدان ازوی[۱۱] — بگشت[۱۲] و جهان شد پر از گفت و گوی[۱۳]
هنر چون بپیوست[۱۴] با کردگار — شکست اندرآورد و برگشت کار[۱۵]
چه گفت آن سُخُنگوی با ترس[۱۶] و هوش — که[۱۷] خسرو شدی[۱۸] بندگی را بکوش
به یزدان هرآنکس که شد[۱۹] ناسپاس — به دلش اندرآید[۲۰] ز هر سو هراس
بهجمشیدبر تیرهگون گشت روز — همی کاست آن[۲۱] فرّ گیتی فروز

گفتار اندر داستان مرداس[۲۲]

نیساریان
فرمانده نظامی

یکی مرد بود اندران روزگار — ز دشت سُواران نیزهگزار[۲۳]
گرانمایه هم شاه[۲۴] و هم نیکمرد — ز ترس جهاندار با باد سرد
که مرداس[۲۵] نام[۲۶] گرانمایه بود — به داد و دِهش برترین پایه بود
مرو را ز دوشیدنی[۲۷] چارپای — ز هر یك هزار آمدندی بجای

۱- ل: نهان ۲- لی: تاجور ۳- ف: بروی زمین گشت من خواستم؛ لن- پ، ل[۲]، ب: چنان گشت (ق: است) گیتی که من خواستم؛ و، آ: زروی زمین جور (آ: کینه) من کاستم؛ متن= ل ٤- لن: آرام ونان؛ و، ل[۲]: آرامشان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۵- لن، ق[۲]، پ: همه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٦- ل، ق، و: کوشش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- آ: < و> ۸- و، ل[۲]: کامشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ل، ق، ق[۲]، و: < و> ؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

بدارو و درمان جهان گشت راست — که بیماری و مرگ از ما بکاست
جز از من که برداشت مرگ از کسی — وگر بر زمین شاه باشد بسی
شما را ز من هوش و جان در تن است — به من بگرود آنك اهرمن است
گر ایدونك دانید من کردم این — مرا خواند باید جهان افرین

۱۰- ل- ب: چو؛ متن= ف ۱۱- لی، ل[۲]: ازو ۱۲- لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]: گسست؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۳- لی: گفت وگو؛ ل[۲]: جهان گشت پر گفت وگو؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ل، ق، آ این بیت پس از بیت ۷۲ آمده است ١٤- ل، ق: بپیوست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، و، ل[۲]، ب: نپیوست؛ متن= ف، لن، ق[۲]، لی، آ (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۵- لن، ق[۲]: دربست کار؛ پ: بربست کار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٦- ل- و، آ، ب: بافرّ؛ متن= ف، ل[۲] ۱۷- لن- و، ل[۲]، ب: چو؛ متن= ف، ل، آ ۱۸- ل، لن، ق، لی، پ، و، ل[۲]: شوی؛ متن= ف، ق[۲]، آ، ب؛ در ل، ق، آ پس از این بیت بیت ۷۰ آمده است؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بهبیست و سه سال از در بارگاه — پراکنده گشتند یکسر سپاه
همی راند خورشید خون برکنار — همی کرد پوزش بر کردگار

۱۹- ف: بُد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق[۲]: امد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- لی، و: زو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- ف: گفتار اندر داستان مرداس پدر ضحاك با ضحاك و ابلیس و کشتن ابلیس او را اندر چاه در باغ خویش؛ لن، ق[۲]، لی، پ، ب: داستان ضحاك با پدرش (لن، ق[۲]، لی: . . . مرداس)؛ ق: گفتار در حال ضحاك تازی و بند ابلیس؛ و: داستان مرداسپ تازی با پسرش ضحاك؛ آ: پدید آمدن ضحاك تازی؛ ل[۲]: گفتار اندر گشتن تخت جمشید و گریختن او؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲۳- ف، ل، پ: گذار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- ل، ق: گرانمایهٔ بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۵- لی، آ: مرداسب؛ و: مرداسپ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل[۳]، بنداری) ۲٦- ق[۲]، لی: نام و روشندلی؛ (ل[۳]: دوشندگی)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز لن[۲]) ۲۷- ل[۲]:

همان[1] گاو دوشا به فرمان بری[2]   همان تازی اسپان همه گوهری[3]
بز و شیرور میش بُد[4] همچُنین   به دوشندگان[5] داده بُد پاك دین
به شیر[6] آنکسی را که بودی نیاز   بدان[7] خواسته دست بردی فراز[8]
پسر بُد مرین[9] پاکدین[10] را یکی   که از مهر بهره‌َش[11] نبود اندکی
جهانجوی را نام ضحّاك بود   دلیر و سبکسار و ناپاك[12] بود
کجا[13] بیوراسپش[14] همی خواندند   چُنین نام بر پهلوی راندند
کجا بیور از پهلوانی شمار   بود بر زبان دری ده‌هزار[15]
ز[16] اسپان تازی به زرّین ستام   وُرا بود بیور که[17] بردند[18] نام
شب و روز بودی دو بهره[19] به زین[20]   ز راه[21] بزرگی، نه از راه[22] کین

چُنان بُد که ابلیس[23] روزی پگاه   بیامد بسان یکی نیکخواه
دل مهتر[24] از راه نیکی ببرد   جوان گوش گفتار او را سپرد
بدو گفت پیمانت خواهم نُخست   پس آنگه سَخُن برگشایم درست[25]
جوان نیك[26] دل گشت و[27] فرمانش[28] کرد   چُنان چون[29] بفرمود[30] سوگند خَورد[31]

۱-آ: هم از؛ **ق** این بیت را ندارد **۲-و** (ونیز **ل**[3]،**لن**[2]) : گاودوشای فرمان بری ؛ **ل**[2] : گاودوشان و هم مادیان ؛ متن = هشت دستنویس دیگر **۳-ف** : تازی اسب و هیون مری ؛ **ل** : تازی اسب گزیده مری ؛ **لن** : تازه اسبان تارهبری ؛ **ق**[2] : تازی اسبان ره بسپری ؛ **لی** : تازی اسب رمنده مری ؛ **پ** : تازی اسبان همچون مری ؛ **و** (ونیز **لن**[2]) : تازی اسب زهی و مری ؛ **آ**(ونیز **ل**[3]) : تازی اسب و هیون فری ؛ **ل**[2] : فزون داشت آن مهتر تازیان ؛ متن=**ب** ؛ در **لن**،**ق**[2]،**لی**،**پ**،**و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **٤-ف** : بزشیرور میش بُد (ویا : بزشیروزمیش بُد) ؛ **ل** : بزرشیروزمیش را ؛ **ق**[2] : هم ازگاووميش وشتر ؛ **لی**،**پ** : بزواشترومیش را (**لی** : هم) ؛ **و** : بزومیش باشیرا ؛ **آ** : بزی شیرورمیش را ؛ **ب** : ؟وازمیش بُد ؛ (**ل**[3] : بزشیروازمیش بُد ؛ **لن**[2] : بزومیش تاشیررا) ؛ در **لن** این لت پاك شده است ؛ **ق**،**ل**[2] این بیت را ندارند ؛ متن= تصحیح قیاسی است **۵-ل** : بدوشیزگان ؛ متن = هشت دستنویس دیگر ؛ در **لن**،**ق**[2]،**لی**،**پ**،**و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **٦-لن** : سری(!) ؛ (**ل**[3] : به‌شهر) ؛ متن=ده دستنویس دیگر (ونیز **لن**[2]) **۷-ل**،**ق** : بران ؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است ؛ متن = هشت دستنویس دیگر **۸-ف**،**ق**[2]،**پ**،**ل**[2] : دراز ؛ متن=**ل**،**ق**،**لی**،**و**،**آ**،**ب** **۹-ق**[2]،**لی**،**پ**،**و**،**ل**[2] : مران ؛ در **لن** این لت پاك شده است ؛ متن=**ف**،**ل**،**آ**،**ب** **۱۰-ل**،**ق**،**ق**[2]،**پ**،**ب** : پاکدل ؛ **و** : پاکتن ؛ متن=**ف**،**لی**،**آ**،**ل**[2] **۱۱-لن-و**،**آ**،**ب** : کش ازمهربهره ؛ **ل**[2] : که ازمهرپیدا ؛ متن=**ف** **۱۲-و** : بی باك ؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است ؛ متن=نه دستنویس دیگر (در **آ**،**ل**[2]،**ب** حرف سوم سه نقطه دارد) **۱۳-ف** : همه ؛ **لی**،**آ**،**ب** : همی ؛ **ل**[2] : همان ؛ در **لن** این لت پاك شده است ؛ متن=**ل**،**ق**،**پ**،**و** **١٤-ق**[2] بیوررزسبش **۱۵-ق**[2] : بود برزبانی ده و دوهزار ؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است ؛ متن= نه دستنویس دیگر **١٦-ق**[2]،**لی-پ**،**آ**،**ب** : از ؛ در **لن** این لت پاك شده است ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**و**،**ل**[2] **۱۷-لن**،**ق**[2]،**پ** : چو ؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۸-لی** : بردیم **۱۹-ب** : گزیده **۲۰-لی**،**ل**[2] : برین **۲۱-ل** : زروی **۲۲-ق**،**ل**[2] : بهر ؛ **آ** : روی ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (**ل** نخست **روی** داشته، آنرا به **راه** برگردانیده است) **۲۳-ل**[2] : بودکابلیس **٢٤-لن**،**ق**[2]،**پ**،**ب** : پورش ؛ **ل**[2] : بیور ؛ متن= **ف**،**ل**،**ق**،**لی**،**و**،**آ** ؛ **لن**،**ق**[2]،**لی**،**پ**،**و**،**ل**[2]،**ب** پس از این بیت شش بیت افزوده‌اند ، **ق**[2] بیت یکم را ندارد :

همانا خوش آمدش گفتار اوی (**لی**، **ل**[2]: او)   نبود آگه (**و**: که آگه بُد) از زشت کردار اوی (**لی**، **ل**[2]: او)
بدو داد هوش و (**لن**، **لی**، **پ**: < و >) دل وجان پاك   پراکند (**لی**، **ل**[2]، **ب**: پراکنده) بر تارك خویش خاك
و،**ل**[2] : بدوداد جان ودل وهوش پاك
چو ابلیس دید آنك او را (**پ**: آنکه او دل) بباد   برافشاند (**ب**: برافتاد) ازاو گشت نهمار(**لن**: بسیار) شاد
لی،**و**،**ل**[2]،**ب** : چو ابلیس دانست کورا (**و** : کودل) بباد (**ل**[2] : بداد) **ق**[2] : برافشاند راز نهان برگشاد **لی**،**پ** : برافکند از آن گشت پیروز و (**پ** : بسیار) شاد **ل**[2] : برافشاند وزو گشت ابلیس وشاد
فراوان سخن گفت زیبا و نغز   جوان را تهی بود از عقل مغز
ل[2] : بران سان که بربودش ازعقل مغز
همی (**ل**[2]: چو آن) گفت دارم سخن ها بسی   که آنرا نداند جزاز من (**ق**[2]، **لی**،**پ**،**و**: جزاز من نداند)کسی
جوان گفت برِ گوی و چندین مپای   بیاموز ما را تو ای نیك رای

این بیت‌ها در **ف**،**ل**،**ق**،**آ** نیست ، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۲۵**-برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند ، **ق**[2] : فریفتن ابلیس ضحاك را تا پدر را بکشد ؛ **و** : گفتار اندر فریفتن ابلیس ضحاك را **٢٦-ق**،**و**،**ل**[2] : ساده ؛ **لی**،**آ**،**ب** : تنگ ؛ متن=**ف**،**ل**،**لن**،**ق**[2]،**پ** **۲۷-لن**،**ق**،**ق**[2]،**لی**،**پ**،**و**،**ب** : بود ؛ **ل**[2] : بودو ؛ متن=**ف**،**ل**،**آ** **۲۸-پ** : پیمانش **۲۹-لن** : چنانك کو ؛ **ق**[2]،**لی**،**پ** : چنان کو ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**و**،**آ**،**ل**[2] **۳۰-ل**[2] : که او گفت **۳۱-ب** : دل وجان وتن هرسه قربانش کرد

که راز تو با کس نگویم ز بُن … ز تو بشنوم هرچه گویی سَخُن
بدو گفت جز تو کسی[۱] کدخدای[۲] … چه باید همی با تو اندر سرای[۳]
چه باید[۴] پدر کهش[۵] پسر چون تو بود … یکی پندت از من بباید شُنود
زمانه برین[۶] خواجه‌ی سالخَورد … همی دیر مانَد[۷]، تو اندر نورد
بگیر این سر مایه‌ور گاه[۸] اوی[۹] … ترا زیبد اندر جهان جاه[۱۰] اوی
گرین گفته‌ی من تو آری بجای[۱۱] … جهان را تو باشی[۱۲] یکی کدخدای[۱۳]
چو ضحّاك بشنید[۱۴] و[۱۵] اندیشه کرد … ز خون[۱۶] پدر شد دلش پر ز درد
به ابلیس گفت: این سَزاوار نیست … دگرگوی کین ازدر کار نیست[۱۷]
بدو گفت اگر[۱۸] بگذری زین سَخُن … بتابی ز سوگند و پیمان ز بُن[۱۹]
بماند به گردنت سوگند و بند … شوی خوار و ماند[۲۰] پدرت[۲۱] ارجمند[۲۲]
سر مردِ تازی به دام آورید … چُنان شد که فرمان او برگزید
بپرسید کین چاره[۲۳] با من بگوی … چه رویست راه و[۲۴] بهانه مجوی
بدو گفت من[۲۵] چاره سازم ترا … به خورشید سر برفرازم ترا

مران[۲۶] پادشا[۲۷] را در اندرسرای … یکی بوستان بُد گرانمایه جای[۲۸]
گرانمایه شبگیر برخاستی[۲۹] … ز بهر نیایش[۳۰] برآراستی[۳۱]
سر و تن بشستی نِهفته به باغ … پرستنده با او[۳۲] نبردی[۳۳] چراغ
برآورد[۳۴] وارونه[۳۵] ابلیس بند[۳۶] … یکی[۳۷] ژَرف چاهش[۳۸] به‌ره‌بر بکند[۳۹]

۱- ل، ق، آ: یکی ؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲- لن، ق۲، لی، پ**: در سرای؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳- ل**: نمی بینم . . . ؟ با تو اندر سرای؛ **لن، ق۲، لی، پ**: چرا باید ای نامور کدخدای؛ متن= **ف، ق، و، آ، ل۲، ب** **٤- ق**: نباید **۵- لن، ق۲، لی، پ، و، ب**: چون؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** **٦- ق۲، لی**: بدین؛ **ب**: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۷- ق**: دیر باید؛ **لی**: دیر ماند و **۸- ل، ق**: سرمایه و رجاه؛ **پ**: سرمایه درگاه؛ **و**: سرمایه و گاه؛ **ل۲**: سرو مایه و گاه؛ متن= **ف، لن، ق۲، لی، آ، ب** **۹- ل، لن، ق، لی، ل۲، ب**: او؛ آ: را؛ متن= **ف، ق۲، پ، و** **۱۰- ل، ق**: گاه؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۱- ل- ب**: برین (**لی**: بدین) گفتهٔ من چو داری (**پ**: خود آری) وفا؛ متن= **ف** **۱۲- ل، ل۲**: جهاندار باشی؛ **ق**: جهاندار گردی؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۳- ل- ب**: پادشا؛ متن= **ف** **١٤- لی، ل۲**: چو بشنید ضحاك **۱۵- لن، ق۲، لی، پ، و، ل۲**: <و>؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ب** **١٦- ل۲**: زجان **۱۷- ف** پس از این بیت افزوده است:

بخون پدر چون کنم دست پیش … جدا چون شوم خیره از دین و کیش
چو از من بپرسد بروز شمار … چه گویم بیزدان پروردگار

۱۸- ل، ق، لی، و: گر؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۹- ل، لن، و، ل۲**: پیمان من؛ **ق، ق۲، لی، پ، آ، ب**: بتابی ز پیمان و سوگند من (**ق**: بن)؛ متن= **ف** **۲۰- و، ل۲، ب**: شوی خوارمایه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۱- ل، لی، و، ل۲**: پدر؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ، آ، ب** **۲۲- ق۲**: انجمن (پساوند ندارد)؛ **ق**: شوی خوار و یابی همی نو گزند **۲۳- ل۲**: ساز **٢٤- آ، ب**: <و>؛ **ل- و**: چه رویست این را؛ **ل۲**: چه رویست رایو (=رای و)؛ متن= **ف** **۲۵- و**: بگفتش که من؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲، لی، پ، و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

تو در کار خاموش می باش و بس … نباید مرا یاری از هیچ کس
چنان چون بباید بسازم تمام … تو تیغ سخن برمکش از نیام

این بیت ها در **ف، ل، ق، آ، ل۲** نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند **۲۶- ق**: کی **۲۷- لی**: پارسا **۲۸- لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: بود بس دلگشای؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** **۲۹- ل۲**: برخواستی **۳۰- ل- ل۲**: پرستش؛ متن= **ف، ب** **۳۱- ل- ل۲**: بیاراستی؛ متن= **ف، ب** (ونیز **ل۳**) **۳۲- ق**: با وی **۳۳- ف، ل، لن، ق۲، پ، و**: ببردی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): ببردی؛ متن= **لی** **۳٤- ل**: بیاورد؛ **لن، ق، ق۲، پ، و**: بر آن راه؛ **لی**: بدان راه؛ آ: بفرمان؛ **ل۲**: مران راه؛ متن= **ف، ب** **۳۵- لی، آ، ب**: ابلیس؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۳٦- لن- و، ل۲**: دیو نژند؛ آ، ب: وارونه پند؛ متن= **ف، ل** **۳۷- ب**: که تا **۳۸- ل- ب**: چاهی؛ متن= **ف** **۳۹- لن**: فکند؛ در **لن، ق، ق۲، پ، و، ب** پس از این بیت بیت ۱۱۲ آمده است

سر تازیان مهتر[۱] نامجوی / شب آمد سوی باغ بنهاد روی
چو آمد بنزدیك آن ژرف چاه / یکایك[۲] نگون شد سر بخت[۳] شاه[۴]
به چاه اندرافتاد و بشکست پست[۵] / شد آن نیك[۶]دل مرد یزدان پرست
پس ابلیس وارونه آن[۷] ژرف چاه / به خاك اندرآگند[۸] و بسپرد[۹] راه

بهر نیك و بد شاه آزادمرد / بفرزندبر نازده[۱۰] باد سرد
همی پروریدش به ناز و به رنج / بدو بود شاد و بدو داد[۱۱] گنج
چُنان بدگهر[۱۲] شوخ فرزند اوی[۱۳] / نجُست از ره شرم[۱۴] پیوند اوی[۱۳]
به خون پدر گشت همداستان[۱۵] / ز دانا شنیدستم[۱۶] این داستان[۱۷]
که فرزند بد[۱۸] گر شود[۱۹] نرّه‌شیر / به خون پدر هم نباشد دِلیر[۲۰]
مگر در[۲۱] نِهانش[۲۲] سَخُن دیگرست / پژوهنده را راز با مادرست

سَبُك مایه[۲۳] ضحّاك بیدادگر / بدین چاره بگرفت گاه[۲۴] پدر
به سر برنهاد افسر تازیان / بریشان[۲۵] ببخشید[۲۶] سود و زیان

چو ابلیس پیوسته دید[۲۷] آن[۲۸] سَخُن / یکی پند[۲۹] بَد[۳۰] را نو[۳۱] افگند بُن
بدو گفت گر[۳۲] سوی من تافتی / ز گیتی همه کام دل یافتی
اگر همچُنین نیز فرمان[۳۳] کنی / نپیچی ز گفتار[۳۴] و پیمان[۳۵] کنی
جهان سربسر پادشاهی تراست[۳۶] / دَد و مردم و[۳۷] مرغ و ماهی تراست

چو این کرده[۳۸] شد ساز دیگر گرفت / یکی چاره کرد از شِگفتان شِگفت[۳۹]

۱- **ف، لن، ق۲، لی، ب**: نامور؛ متن= **ل، ق، و، آ، ل۲**؛ **پ** این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در میان ستون ها افزوده است؛ **س** پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲- **و، ل۲**: بچه در؛ متن= **ف- لی، ب** ۳- **ف**: همه بخت؛ **ل، لی**: سر و بخت؛ **لن، و، ل۲**: سر تخت؛ متن= **س، ق، ق۲، ب** ٤- **آ**: بخاك اندر افکند و بسترد راه (آ ۱۱۰ب و ۱۱۲آ را انداخته و از ۱۱۰آ و ۱۱۲ب یك بیت ساخته است)؛ **پ** این بیت را ندارد؛ ولی انرا در میان ستون ها افزوده است ۵- **لی**: گردن شکست؛ **و**: بشکست پشت (پساوند ندارد)؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- **ق۲**: تنگ؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷- **ب**: وارون سر ۸- **لن، ق۲، و، ب**: به خاشاك پوشید و؛ **ق، آ**: بخاك اندر افکند و؛ **لی**: بخاکش بپوشید و؛ **پ**: بخاشاك بگرفت و؛ متن= **ف، ل** ۹- **ف**: نسپرد؛ **ل، و**: سپرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لن، ق۲، آ**: بسترد؛ **پ**: آمد به؛ متن= **ق، لی، ب**؛ **پ** لت دوم این بیت را در میان ستون ها افزوده است؛ **س، ل۲** این بیت را ندارند؛ آ ۹۲ب و ۹۳آ را انداخته و از ۹۲آ و ۹۳ب یك بیت ساخته است؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **لن، ق، ق۲، پ، و، ب** این بیت پس از بیت ۸۸ آمده است ۱۰- **لن**: برناورد؛ **ب**: هرگز نزد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ۱۱- **لن، ق۲، پ**: داده؛ **ق**: خواست؛ **س**: بدو داد تیغ و بدو داد؛ **ل۲**: ازو بود شادان بسپرده گنج؛ متن= **ف، ل، لی، و، آ، ب** ۱۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، و**: چنان بدکنش؛ **ق، ب**: چنان بد (**ب**: شد) که آن؛ **ل۲**: چنان بود کان؛ متن= **ف، ل، آ** ۱۳- **ل، س، آ، ل۲، ب**: او؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، پ، و** ۱٤- **ل**: بگشت از ره داد و؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۵- **ق۲**: هم باستان(!) ۱٦- **ل، ق، آ**: شنیدم من؛ **ب**: شنیدیم؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، پ، و** (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۷- **ل۲**: شنیدستم از زمرهٔ راستان ۱۸- **لن**: ما؛ **ق۲**: را؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۹- **س، لن، ق۲، پ، آ**: بود؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- **ل۲**: نباشید سیر(!) ۲۱- **آ**: وگردر؛ **ل۲**: که اندر ۲۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب**: نهانی؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** ۲۳- **ل، آ**: ستمکاره؛ **س، لن، ق۲، پ، ب**: فرومایه؛ متن= **ف، ق، لی، و، ل۲** ۲٤- **ل، ق، و، آ، ب**: جای؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد، ولی جای آن در اینجا نیست: پادشاهی ضحاك تازی هزار سال بود ۲۵- **ل۲**: بهر کس ۲٦- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب**: ببخشود؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** ۲۷- **آ**: گفت ۲۸- **ق۲، لی، پ، و، ل۲**: این؛ متن= **ف- ق، آ، ب** ۲۹- **پ، آ، ب**: پند (حرف یکم سه نقطه دارد) ۳۰- **س، لن، ق۲، آ**: نو؛ **لی، پ، و**: دیگر؛ متن= **ف، ل، ق، ل۲، ب** ۳۱- **آ**: بد ۳۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ل۲، ب**: چون؛ **آ**: اگر؛ متن= **ف، ل، ق** ۳۳- **ل، ق، پ، و**: پیمان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٤- **س، لن، ق۲، لی، ب**: فرمان؛ **ق**: پیمان؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ، ل۲** ۳۵- **ل، ق، پ، و**: فرمان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٦- **س**: جهانی سراسر بشاهی تراست؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۷- **ق۲، پ**: دد و دام ابا (**پ**: با) ۳۸- **س- پ، ب**: گفته؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل۲** ۳۹- **ل، ق، و، آ**: شگفتی شگفت؛ **س، لن، لی، پ، ل۲، ب**: دگرگونه چاره گزید ای (**پ**: از؛ **ب**: او) شگفت؛ **ق۲**: دگرگونه بر چارهٔ برگرفت؛ متن= **ف**

جوانی برآراست از خویشتن — سَخُن گوی[1] و بینادل و پاك تن[2]
همیدون به ضحّاك بنهاد[3] روی — نبودش جز از[4] آفرین گفت وگوی
بدو گفت اگر شاه را درخورم — یکی نامور پاك[5] خوالیگرم[6]
چو بشنید ضحّاك بنواختش — ز بهر خورش جایگه[7] ساختش
کلید خورش خانه‌ی[8] پادشا — بدو داد[9] دستور فرمانروا
فراوان نبود آن زمان پرورش — که کمتر بُد از کُشتنی ها[10] خورش
ز هر گوشت از[11] مرغ و از[12] چارپای — خورشگر بیاورد[13] یك یك بجای
به خونش[14] بپرورد برسان[15] شیر — بدان تا کند پادشا[16] را دلیر
سَخُن هرچه گویدش[17] فرمان کند — به فرمان او دل[18] گروگان کند
خورش زرده‌ی خایه[19] دادش نُخُست — بدان داشتش یك زمان[20] تندرست
بخورد و برو[21] آفرین کرد[22] سخت — مَزه[23] یافت و خواندش وُرا[24] نیکبخت
چُنین[25] گفت ابلیس نیرنگ ساز — که جاوید زی شاد و[26] گردن فراز
که فردات زان گونه[27] سازم[28] خورش — کزو آیدت سربسر[29] پرورش
برفت و همه شب سِگالش گرفت — که فردا ز خوردن چه سازم[30] شِگفت

دگر روز چون گنبد لاژورد[31] — برآورد[32] و بنمود یاقوت زرد
خورش های کبك[33] و تذرو سپید[34] — بسازید و آمد دلی پر امید
شه[35] تازیان چون به خوان[36] دست برد — سر کم خرد مهر[37] او را سپرد
سدیگر به مرغ و کباب[38] بره — بیاراست خوان از خورش یکسره[39]
به روز چهارم چو[40] بنهاد[41] خوان — خورش کرد[42] از پشت گاو جوان

۱- ب: سخن گو ۲- ل، ق: رای زن؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر داستان ضحاك با ابلیس و رفتن ابلیس بخوانگری او و پدید آوردن خوردنی ها نیکو اندر جهان ۳- و، ل۲: بنمود ۴- ل، ق: بجز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- ق: نغز؛ لی، و، ل۲: مرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۶- لن: خالیگرم؛ ا، ل۲: خالی گرم ۷- ل، ق: پایگه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق۲: در خانهٔ؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ق، و: بیاورد؛ ل۲: بیاورد و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- ل- و، ل۲، ب: خوردنی ها؛ متن= ف، آ ۱۱- ل، آ: وز؛ س: واز؛ ق۲: و هر؛ لی، پ: زهر گونه از؛ متن= ف، لن، ق، و، ب ۱۲- ف، ل، آ: وز؛ ل۲: زمرغان بکشت و بس از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق۲- آ: خورش کرد و اورد؛ متن= ف، ل، ق، ل۲، ب ۱۴- س، لن، ق۲، پ: بشیرش؛ ل۲: بخانش(!)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ق۲: بسان (وزن نادرست است) ۱۶- ق: پادشه ۱۷- ق: گویند ۱۸- و: بفرمان دل او را ۱۹- لی: زرده خاك؛ آ: خوردهٔ خایه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- س، لن، ق۲، پ، آ، ب: چندگه؛ و: تازه و؛ لی: بدان تا شود چندگه؛ متن= ف، ل، ق، ل۲ ۲۱- لی: بدو ۲۲- ق: گفت ۲۳- س، لی، ل۲ (ونیز لن۲): مژه (با سه نقطه) ۲۴- ل، لی: یافت خواندش ورا؛ س، ق۲: یافت ازو (ق۲: زو) خواندش؛ لن: یافتی خواندشی؛ پ، آ: یافت زان خوردنش؛ و، ب: یافت زان خواندنش؛ ل۲: یافت زو مهتر؛ متن= ف، ق ۲۵- لی: بدو؛ ل۲: چونین ۲۶- ل: که شادان زی ای شاه؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب: که جاوید زی شاه؛ ق: که شادان بزی ای شه؛ و، ل۲: که جاوید بادی و؛ متن= ف ۲۷- ل، لن، ق۲، لی، آ، ب: ازان گونه؛ ل۲: زانسان؛ متن= ف، ق، پ، و ۲۸- ل۲: بسازم ۲۹- ل- ق، لی- ب: باشدش (لن: باشدش) سربسر؛ ق۲: سربسر باشدت؛ متن= ف ۳۰- ل، ق، و، ب: سازد؛ لن، ق۲، لی، پ، ل۲: که فردا چه سازد (پ: سازم) ز خوردن (ق۲: ز خور در؛ لی: بخوردن؛ ل۲: زخورد ای)؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ف، آ ۳۱- ف، س، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: لاجورد؛ متن= و؛ ل، ق، آ این بیت را ندارند، ولی در ق انرا در کناره افزوده‌اند؛ در لن این لت پاك شده است ۳۲- پ: براسود ۳۳- ل- ب: خورش ها ز کبك؛ متن= ف (ونیز ل۳، لن۲) ۳۴- و: سفید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۳۵- و: سر؛ در لن این لت پاك شده است ۳۶- ل، ق: بنان؛ س، ق۲: بخان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۷- ل، س، ق، ق۲، آ، ل۲: مهتر؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ب ۳۸- ل، ق، آ، ب: کباب و؛ س، لی، و، پ: سیوم (س، پ: سوم) روز خوان را (لی: خانرا) بمرغ و (س: زمرغ و)؛ لن: سیوم روز چون بود مرغ و؛ ق۲: سوم روز خوردن زمرغ و؛ ل۲: سه دیگر زمرغ و کباب و؛ متن= ف ۳۹- س، ق۲، لی، پ، و: بیاراستش گونه‌گون یکسره؛ ق: بیاراست خوان خورش یکسره؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ل، آ، ل۲، ب ۴۰- و، ل۲: که؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۴۱- ق۲، ل۲: بنمود ۴۲- ل، س، ق، لی، پ، ب: ساخت؛ لن، و، ل۲: دادش؛ ق۲: خواست؛ آ: کردش؛ متن= ف

بدوی[1] انـدرون زعـفـران و[2] گلاب   همـان سالـخـورده می و[3] مشـك ناب
چو ضحّـاك دسـت انـدرآورد و خَورد   شِگـفـت آمـدش زان[4] هُشـیوار مرد
بدو گفـت بنگـر كه تا[5] آرزوی   چه خواهی، بخـواه از من[6] ای نیكخوی
خورشـگـر بدو گفـت كای[7] پادشـا   همـیشـه بزی شاد و فرمـانـروا
مرا دل سراسـر پر از مهـر تُسـت[8]   همـه توشـه‌ی جانـم از چهـر تُسـت[9]
یكـی حاجـتـسـتـم به پیروز[10] شاه   وگـر[11] چه مرا نیسـت این[12] پایگـاه
كه فرمـان دهـد تا سر[13] كِتـف اوی[14]   ببـوسـم، بمـالـم برو[15] چشـم و روی[16]
چو ضحّـاك بشـنـید گفـتـار اوی[17]   نِهـانـی ندانـسـت بازار اوی
بدو گفـت دادم من[18] این كام تو   بلنـدی گِرد زین مگـر[19] نام تو
بفـرمـود تا دیو چون جفـت[20] اوی[21]   همـی بوسـه داد از بر سُفـت[22] اوی
ببـوسـید و[23] شد در زمـین[24] ناپـدید   كس انـدر[25] جهـان این[26] شِگـفـتی ندید
دو مار سیاه[27] از دو كِتـفش بُرسـت   غمـی[28] گشت و از هر سویی چاره جست
سرانـجـام ببـرید هر دو ز كِفـت[29]   سَزد گر بمـانـی بدین[30] در شِگـفـت
چو شاخ درخـت آن دو مار سیاه   برآمـد دگـربـاره از كِتـف[31] شاه
بزشـكـان[32] فرزانـه گرد آمـدنـد   همـه یك بیك[33] داسـتـان ها زدنـد
ز هر گونـه نیرنـگ ها ساخـتـنـد   مران درد را چاره نشـنـاخـتـنـد
بسـان بزشـكـی پس ابـلیس تفـت[34]   به فرزانـگـی نزد[35] ضحّـاك رفـت[36]
بدو گفـت كین[37] بودنـی كار بود   بمـان تا چه گردد[38]، نبـاید درود[39]
خورش ساز و آرامـشـان ده به خَورد[40]   نبـاید[41] جزین چاره‌یی نیز كرد[42]
بجـز مغـز مردم مدهشـان خورش   مگـر خود بمـیرنـد ازین[43] پرورش

۱- ل- ب: بدو؛ متن= ف ۲- لی: زعفرانی ۳- پ: <و> ٤- ق: از ٥- ل، ق، ق[2]، پ، آ: از؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٦- ل، ق: چه خواهی بگو با من؛ س، لن، پ، آ: چو خواهی بگوی از من؛ ق[2]: چه خواهی زمن بنگر؛ ل[2]: چه باید بخواه از من؛ ب: چه میخواهی از من تو؛ متن= ف، لی، و (ونیز ل[3]، لن[2]) ۷- پ: ای ۸- ق: سراسر دلمن (= دل من) پر از مهر تست؛ ب: مرا چشم روشن ازین چهرتست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ب: همـان توشهٔ جانم از مهر تست ۱۰- ل- پ، آ: بنزدیك؛ ل[2]: زپیروز؛ ب: بفرخنده؛ متن= ف، و (ونیز ل[3]، لن[2]) ۱۱- لی: اگر ۱۲- ق[2]، پ: آن ۱۳- پ: شاه تا ١٤- لی، ل[2]: او ١٥- ل، ق، و، ل[2]: ببوسم بدو (و، ل[2]: برو) برنهم؛ لی: ببوسم بمالم بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٦- ل: چشم روی؛ لی، ل[2]: چشم و رو ١٧- ل، س، لی: او؛ ف، ق[2] این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در ل پس از این بیت بیت ۱۴۹ دوباره امده است ١٨- ل[2]: من دادم ١٩- ل، ق، و، آ: بلندی بگیرد (ل: نگیرد؛ و: نگیرد) ازین (و: مگر)؛ لی: بلندی كند زین مگر؛ ل[2]: بلندی فزاید بدین؛ ب: بلندی پذیرد ازین؛ متن= ف، س، لن، ق[2]، پ ۲۰- ف: بركفت؛ و: برسفت؛ آ، ب: شد جفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل، س، ق، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب: او؛ متن= ف، لن، پ، و ۲۲- ق: كتف (پساوند درست نیست)؛ و: كفت؛ لی: ببوسید هر دو سركفت؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ا پس از این بیت افزوده است:

چـنـان كـارزو كـرد دادش بـدوی   ببوسیـد و مـالـید رخ را بـدوی

۲۳- س، ق[2]، لی، پ، و، ب: چو بوسید؛ لن: چو بوسید و؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل[2] ۲٤- ف: از جهان؛ ل: بر زمین؛ ق[2]: در جهان؛ و، ل[2]، ب: در زمان؛ متن= س، لن، ق، لی، پ، آ (ونیز ل[3]، س[2]) ۲٥- ل[2]: كسی در ۲٦- ل، ق، آ: آن ۲۷- ل، لن، ق، ق[2]، پ، و، آ، ل[2]: سیه؛ متن= ف، س، لی، ب ۲۸- لی، پ، آ: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- ق، پ، آ: كتف (در ق پساوند درست نیست)؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- س، آ، ل[2]: ازین؛ لی: بدو؛ پ: ازو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- و: كفت؛ ق[2] این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- لن: بزرگانه (=بزرگان) ۳۳- لن: همه هركسی؛ ق[2]: همی هركسی؛ پ: همی هر زمان؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٤- ل، لن، ق[2]: كفت؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٥- و، ل[2]: پیش ۳٦- لن: زفت؛ لی: تفت (پساوند ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۷- ل[2]: این ۳۸- لن: نگر تا چه گردد؛ ل[2]: بمان تا كه باشد؛ ب: بمان تا چه گشتی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۹- س: چه باید درود؛ ق[2]: نیاند ستود (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ٤۰- ل[2]: درخورد ٤۱- س، لن، ق[2]، لی، پ، ل[2]: نشاید؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ٤۲- لن: نیز خود چاره كرد؛ و، ل[2]: چاره كاركرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ٤۳- لی، ل[2]: ازان

سر نرّه دیوان ازین جست وجوی[1] — چه جست و چه دید اندرین گفت و گوی[2]
مگر[3] تا یکی چاره سازد[4] نِهان[5] — که پردخت[6] ماند[7] ز مردم جهان

از آن پس برآمد از ایران[8] خروش — پدید آمد از هر سویی جنگ و[9] جوش
سیه گشت رخشنده روز سپید — گسستند پیوند با جمّشید[10]
برو[11] تیره شد فرّهِ ایزدی — به کژّی گرایید و نابخردی[12]
پدید آمد از هر سویی خسرَوْی — یکی نامجویی[13] به هر[14] پهلَوْی
سپه کرده و جنگ را ساخته — دل از مهر جمشید پرداخته
یکایك بیامد از ایران سپاه[15] — سُوی تازیان برگرفتند راه
شنیدند[16] کانجا یکی مهترست — پر از[17] هول شاه[18] اَژدَها پیکرست
سُواران ایران همه شاه[19] جوی — نهادند یکسر به ضحّاك روی
به شاهی برو[20] آفرین خواندند[21] — وُرا شاه ایران زمین[22] خواندند
مران[23] اَژدَهافَش بیامد چو باد — به ایران زَمین تاج بر سر نهاد
ز[24] ایران و از[25] تازیان لَشکری — گزین کرد گردان هر[26] کِشوری
سُوی تخت جمشید بنهاد روی — چو انگشتری کرد گیتی بر اوی[27]
چو جمشید را بخت شد[28] کُندرو — به تنگ[29] اندر آمد سپهدار[30] نو
برفت و بدو داد تخت و کلاه — بزرگی و دیهیم و گنج و سپاه[31]
نهان گشت و گیتی بر او شد[32] سیاه — سپردش به ضحّاك تخت و کلاه[33]
چو صد[34] سالش اندر جهان کس ندید — برو نام شاهی و او ناپدید[35]

۱- **ل**: نگرتا که ابلیس ازین گفت وگوی؛ **س، ق، ق**[۲]**، پ، و، ل**[۲]**، ب**: نگر نره دیو اندرین (**ل**[۲]: اندران) جست وجوی (**ق**: گفتگوی)؛ **لن**: نگر تا مران دیو ازین جست وجوی؛ متن= **ف، لی، آ** ۲- **ل**: چه کرد و چه خواست اندرین جستجوی؛ **ق**: چگفت و چه جست اندرین جستجوی؛ **و**: چه کرد و چه دید اندرین گفت وگوی؛ **ل**[۲]: چه جست و چه دید اندران گفت وگوی؛ **آ**: چه جست و چه امد ازین گفت وگوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب**: بدان؛ **ق**: نگر؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل**[۲] ٤- **س**: سازم ۵- **ل**[۲]: ازان ٦- **ل، ق**: پردخته؛ متن= ده دستنویس دیگر ۷- **ل، ق، ب**: گردد؛ **ل**[۲]: یابد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **س، لن، ق**[۲]**، پ**: تباه (**لن**: تیره) شدن روزگار (**س**: کاربر) جمشید؛ **ق**: ناسپاس شدن جمشید و تباهی احوال او؛ **و**: کشته شدن جمشید بر دست ضحاك؛ **آ**: گفتار اندر کشتن ضحاك پدر را؛ **بنداری**: ذکر هلاك جمشید و انتهاء أمره ۸- **ل، س، لن، ق، ق**[۲]: زایران؛ **لی**: زایوان؛ **و، ل**[۲]: از انپس از (**ل**[۲]: وزان پس ز) ایران برامد؛ **ب**: وزانپس برآمد زایران؛ متن= **ف، پ، آ** ۹- **ل**: < و> ۱۰- **ل، ق، و، آ، ل**[۲]: از جمّشید؛ **لی**: گسستند پیوند اهل امید؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]**، پ، ب** ۱۱- **لی**: بدو ۱۲- **ل**[۲]: بکرد اندان کار نابخردی ۱۳- **پ**: نامداری ١٤- **ل، س، لن، لی، پ، و، ب**: زهر؛ **ق**[۲]: < هر > (وزن نادرست است)؛ **ل**[۲]: شده نام جویان زهر؛ متن= **ف، ق، آ** ۱۵- **ل، س، لن، ق**[۲]**- و، ل**[۲]**، ب**: یکایك از (**ل، ل**[۲]: ز) ایران بیامد (**لن، ق**[۲]**، پ، و، ب**: برامد) سپاه؛ **ق، آ**: یکایك برآمد (**آ**: بیامد) زایران سپاه؛ متن= **ف** ١٦- **ل، ق، ق**[۲]**، لی، پ**: شنودند؛ **س، ل**[۲]: ستودند؛ متن= **ف، لن، و، آ، ب** ۱۷- **ل**: بران؛ **لی**: بدان ۱۸- **ق**: هول شه؛ **لی**: هول او؛ **ل**[۲]: هول و شاه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹- **ل، ق**: راه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- **لی**: بدو ۲۱- **آ**: راندند ۲۲- **ق، ب**: شهریار زمین؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ل** پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ضحاك تازی هزار ویکسال ۲۳- **س، لن، لی- ل**[۲]: کی (**پ** نخست داشته است: که یك)؛ **ق**[۲]: یکی؛ **ب**: شه؛ متن= **ف، ل، ق** ۲٤- **ل، ق، ق**[۲]**، لی، و، آ، ب**: از؛ متن= **ف، س، لن، پ، ل**[۲] ۲۵- **ل، ق**: ز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٦- **ل، ق**: گرد از همه؛ **ل**[۲]: گردان بهر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- **لی**: بدوی؛ **ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۸- **ل**[۲]: چو جمشید شد تخت را ۲۹- **پ**: بتخت ۳۰- **ل- پ، ب**: جهاندار؛ متن= **ف، و، آ، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]) ۳۱- در **آ** این بیت چنین آمده است:

سپرده بضحاك دیهیم و گاه — بزرگی و شاهی و تخت و کلاه

۳۲-**ل**: فروشد؛ **لی**: بدوشد؛ **ب**: شدبرو(وزن نادرست است)؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۳۳-**و**: بضحاك تازی کلاه ۳٤-**ل**[۲]: شد(←سد=صد) ۳۵-**س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب**: زچشم همه مردمان ناپدید؛ متن=**ف، ل، ق، و، آ، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳])؛ **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتار شدن شاه جمشید در دست ضحاك تازی و یار بریدن او را بولایت چین

صدم[1] سال روزی به دریای چین / پدید آمد آن شاه ناپاک دین[2]
نهان بود چند از بد[3] اژدها / نیامد به فرجام هم زو رها[4]
چو ضحّاکش آورد ناگه به چنگ / یکایک ندادش سُخن را[5] درنگ
به ارّه‌ش[6] سراسر[7] به دو نیم کرد / جهان را از او پاک پر بیم کرد[8]
شد آن تخت شاهی[9] و آن دستگاه / زمانه ربودش چو[10] بیجاده کاه[11]
ازو[12] بیش بر تخت شاهی که بود[13] / بدان[14] رنج بردن[15] چه آمدش سود[16]
گذشته برو[17] سالیان هفتصد / پدید آوریده همه[18] نیک و بد[19]
چه باید[20] همی زندگانی دراز / چو[21] گیتی نخواهد[22] گشادنت راز
همی پروراندت با[23] شهد و نوش[24] / جز آوای[25] نرمت نیارد[26] به گوش
یکایک چو گویی که گسترد مهر / نخواهد[27] نمودن به بد نیز[28] چهر
بدو شاد باشی[29] و نازی[30] بدوی[31] / همه[32] راز دل را گشایی[33] بدوی[34](!)
یکی نغز بازی برون آورد / به‌دلت اندر از درد[35] خون آورد

۱- **ل**[2] (ونیز **ل**[3]): سیوم؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲- **ف**: پادشاه زمین؛ **لی**: شاه با آفرین؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳- **ل**: نهان گشته بود ازبد؛ **ق**: نهان گشته از بیم آن؛ **لی، ل**[2]: نهان بود چند از دم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴- **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، ب**: بفرجام هم زو (**ق**[2]: زوهم) نیامد رها؛ **و، آ**: نیامد (**آ**: نبودش) بفرجام ازوهم؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[2]؛ در **لن، ق**[2]**، پ** این بیت پس از بیت ۱۸۶ امده است ۵- **ل- پ، آ، ل**[2]**، ب**: زمانی؛ متن= **ف، و** (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]) ۶- **ل، آ، ل**[2]: بارّش؛ **س- پ، ب**: بارّه؛ متن= **ف، و** (ونیز **لن**[2]) ۷- **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، ب**: مراورا؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۸- **ل، س، لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ل**[2]: پاك بی بیم کرد؛ **ق، ب**: پاك و بی بیم کرد؛ متن= **ف، و** (ونیز **لن**[2])؛ در **لن، ق**[2]**، پ** پس از این بیت بیت ۱۸۴ امده است ۹- **ف**: شاهان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]) ۱۰- **لی**: ز ۱۱- **و**: ربودش زمانه هم از تخت و گاه ۱۲- **و**: ازان ۱۳- **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، ل**[2]: نبود؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب** ۱۴- **ل، ق، و**: بران؛ **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ل**[2]**، ب**: از آن؛ متن= **ف** (ونیز **لن**[2]) ۱۵- **ف**: برده؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۶- **ف**: نیامدش سود؛ **لی**: چه آمد بسود؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **و** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر انجامش روزگار جمشید ۱۷- **پ، آ، ل**[2]: بدو؛ **و**: < برو > (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- **لن، ق**[2]**، آ**: بسی؛ **پ**: پدید اوریدش بسی؛ **ب**: پدید آورنده همه؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل**[2] ۱۹- **لی**: که یك روز ننهاد بنیاد بد ۲۰- **آ**: مایه ۲۱- **س، لن، ق**[2]**- و، ل**[2]**، ب**: که؛ متن= **ف، ل، ق، آ** ۲۲- **لی**: بخواهد ۲۳- **لن**: ابا ۲۴- **و**: پروراند بشهد و بنوش ۲۵- **ل- پ، آ، ل**[2]**، ب**: اواز؛ متن= **ف، و** ۲۶- **ل، س، لن، ق**[2]**، لی، پ**: نیاید؛ **آ**: نیامد؛ متن= **ف، ق، و، ل**[2]**، ب** ۲۷- **لی**: بخواهد؛ **لن، ق**[2]: نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- **لن، ق**[2]**، لی، ل**[2]: بتدبیر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- **ف**: بدو شادمان شی (!)؛ **س، ق**[2]: بدان شاد باشی؛ **لی**: برو شاد باشی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- **س، لن، ق**[2]: شادان؛ **لی، ب**: شادی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- **لی**: بدو ۳۲- **ل، ق**: همان؛ متن= **ف، س، لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ل**[2]**، ب** ۳۳- **س، لن، ق**[2]**، آ، ل**[2]: دل برگشایی؛ **لی، ب**: دل برگشادی؛ **پ**: دل بربسازی؛ متن= **ف، ل، ق** (پساوند ندارند) ۳۴- **ف، س، ق**[2]**، آ**: بروی؛ **و** (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]): بیفزایدت سرفرازی بدوی؛ در **ف** لت های این بیت پس وپیش شده‌اند ۳۵- **ل، ل**[2]: بدلت اندرون درد و (**ل**[2]: < و>)؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **س، لن، ق، ق**[2]**، لی، و، ل**[2]**، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

دلم سیر (**لی**: شیر) شد زین سرای سپنج / خدایا مرا زود برهان ز رنج
ق، و: کز آغاز گنجست و فرجام رنج

این بیت در **ف، ل، پ، آ** نیست

ضحّاک

پادشاهی ضحّاک تازی هزار سال بود[۱]

چو ضحّاک بر تخت شد[۲] شهریار
برو سالیان انجمن[۳] شد هزار

سراسر زمانه بدو گشت باز
برآمد برین[۴] روزگاری[۵] دراز

نهان گشت کردار[۶] فرزانگان
پراگنده شد کام[۷] دیوانگان

هنر خوار[۸] شد، جادویی ارجمند
نهان راستی[۹]، آشکارا گزند

شده بر بدی دست دیوان دراز
به[۱۰] نیکی نبودی[۱۱] سَخُن جز براز

دو پاکیزه از خانه‌ی جمّشید[۱۲]
برون آوریدند لرزان چو بید

که جمشید را هر دو خواهر[۱۳] بُدند
سر بانوان را چو افسر بُدند

ز پوشیده‌رویان یکی شهرناز[۱۴]
دگر پاکدامن[۱۵] به نام ارنواز[۱۶]

به ایوان ضحّاک بردندشان[۱۷]
بدان[۱۸] اژدهافش سپردندشان

بپروردشان از ره جادویی[۱۹]
بیاموختشان[۲۰] کژّی و بدخویی[۲۱]

ندانست[۲۲] خود جز بد آموختن
جزاز کشتن و غارت و[۲۳] سوختن

چُنان بد[۲۴] که هر شب دو مرد جوان
چه کهتر، چه از تخمه‌ی پهلوان

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی ضحاك تازی یك هزار سال و یازده ماه و هفت ماه(!) بود و آیین ها بداو آورد؛ **ل**: پادشاهی ضحاك تازی هزار و یك سال؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ**: پادشاهی ضحاك هزار سال بود؛ **ل[۲]**: پادشاهی ضحاك هزار سال کم (**ل[۲]**: کمتر) یك روز بود؛ **ب**: پادشاهی ضحاك هزار سال؛ متن= **ق، و**؛ **لی** از بیت ۳۶۷ تا ۴۶۰ و **ل[۲]** از بیت ۴۶۵ تا ۴۹۹ را انداخته‌اند ۲- **ل، ق، آ**: چو ضحاك شد بر جهان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **آ**: برو انجمن سالیان ۴- **لی**: بدین ۵- **ل، لن**: روزگار ۶- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: آیین؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]** ۷- **لن، ق[۲]**: کار؛ **و**: نام؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **لن**: چنین خار(!) ۹- **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): دانش و ۱۰- **س، لن، ق[۲]، لی، پ**: ز؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]، ب** ۱۱- **ل، ق**: نرفتی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۲- **لی**: جام شید؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است ۱۳- **ل، س، ق[۲]، پ، و، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): دختر؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= **ف، ق، لی، آ، ل[۲]** ۱۴- **ف**: ارنواز؛ **ل[۲]**: شهنواز؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۵- **س، ق[۲]، لی، پ**: دگر ماه رخ را؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- **ف**: نكو شهرناز؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۷- **در لن** این لت پاك شده است ۱۸- **ل**: بران ۱۹- **س، ق[۲]، لی، پ**: بدخویی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- **ف، س، ق[۲]، لی، پ، ب**: بیامختشان؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= **ل، ق، و، آ، ل[۲]** ۲۱- **س، ق[۲]، لی، پ**: جادویی؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

بدین بود بنیاد ضحاك شوم
جهان شد مرورا چو یك مهره موم

۲۲- **و**: ندانست جز كژی آموختن؛ در **ل** واژهٔ دوم این لت ناخواناست؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- **و**: جز از غارت و كشتن و ۲۴- **ف، لی، آ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**): شد؛ متن= هشت دستنویس دیگر

خورشگر ببردی به ایوان اوی[1] — همی[2] ساختی راه[3] درمان اوی
بکشتی و مغزش بپرداختی[4] — مران اژدها را[5] خورش ساختی

دو پاکیزه از کشور[6] پادشا — دو مرد گرانمایه‌ی[7] پارسا
یکی نامش[8] ارمایل[9] پاکدین — دگر[10] نام گرمایل[11] پیش بین
چُنان بُد که بودند روزی بهم — سُخن رفت هرگونه از بیش و کم[12]
ز بیدادگر[13] شاه و از[14] لَشکرش — وُزان رسم های بد اندرخَورش
یکی گفت ما را به خوالیگری — بباید بر شاه رفت، آوری[15]
وُزان پس یکی چاره‌یی ساختن[16] — ز هر گونه اندیشه انداختن[17]
مگر زین دو تن را که ریزند[18] خون — یکی را توان آوریدن[19] برون

برفتند و[20] خوالیگری ساختند — خورش خود بی اندازه بشناختند[21]
خورش خانه‌ی پادشاه جهان — گرفت این[22] دو بیدار خرّم[23] نهان[24]
چو آمد[25] بنزدیك[26] خون ریختن — ز[27] شیرین روان اندرآویختن[28]
از آن[29] روزبانان[30] مردم کُشان[31] — گرفته دو مرد جوان را کَشان
زنان[32] پیش خوالیگران[33] تاختند — ز بالا بروی[34] اندرانداختند
پر از درد خوالیگران را جگر — پر از خون دو دیده، پر از کینه سر[35]
همی بنگرید این بدان، آن بدین[36] — ز کردار[37] بیداد شاه زمین
از آن دو یکی را بپرداختند — جزین[38] چاره‌یی نیز نشناختند
برون کرد مغز سر گوسفند — بیامیخت[39] با مغز آن ارجمند
یکی را بجان داد زنهار و گفت — نگر تا بداری[40] سر اندر نِهفت

۱- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: شاه؛ متن= **ف، ق، و** ۲- **س، و**: ازان؛ **لن**: وزان؛ **ق۲، پ**: وزو؛ **ل۲، ب**: ازو؛ متن= **ف، ل، ق، لی، آ** ۳- **س**: نیك؛ در **ل، ق، آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- **س، لن، ق۲، لی، ل۲**: برون اختی؛ متن= هشت دستنویس دیگر (**پ** نخست **برون آختی** داشته است) ۵- **آ**: مارها؛ در **ل، ق، آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۶- **س، لن، ق۲، لی، ب**: گوهر؛ **آ**: تخمه؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل۲** ۷- **ل**: گرانمایه و ۸- **ل، س، لن، ق۲، لی، و**: نام؛ متن= **ف، ق، پ، آ، ل۲، ب** ۹- **ل**: ارمانك؛ **لی**: اربایل؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- **لی**: دوم ۱۱- **ل**: کرمانك؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۲- در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- **لن**: ز بیداد آن؛ **ق۲، لی**: ز بیدادی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۴- **ل، س، ق، لی، پ، و، آ**: ز؛ در **آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- **لی**: باداوری (!)؛ **و**: رفت اروی (!)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- **لی**: ساختند ۱۷- **لی**: پرداختند ۱۸- **آ**: را بریزند ۱۹- **ف**: توان آوریدن یکی را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۰- **و**: < و >؛ **آ**: گرفتند و ۲۱- **لن**: برساختند؛ **لی**: پرداختند؛ **ل، س، ق، و**: خورش ها (**س، و**: خورش را) بی اندازه بشناختند (**ل**: بنشاختند)؛ **آ**: خورش دادن بار نشناختند؛ **ل۲**: خورش های اندازه بشناختند؛ **ب**: خورش خوردن اندازه بشناختند؛ متن= **ف، ق۲، پ** ۲۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب**: آن؛ متن= **ف، ل، ق، ل۲** ۲۳- **ل، ق**: بیدار دل در؛ **س**: بیداد خرم؛ **لن، و**: بیدار فرخ؛ متن= **ف، ق۲، لی، پ، ل۲، ب** ۲۴- **لی**: روان؛ **آ**: گرفتند بیدار دل هر دوان ۲۵- **لی، آ**: آمدش ۲۶- **ل، ق۲، پ، و، ل۲، ب**: بهنگام؛ **لی، آ**: هنگام؛ متن= **ف** ۲۷- **ل**: < ز > (وزن نادرست است)؛ **و**: به ۲۸- **آ**: اندر آویختند (پساوند ندارد) ۲۹- **آ**: < آن > (وزن نادرست است) ۳۰- **ف**: روذبانان(!)؛ **س، لن، پ، و**: روزبانان و؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- **س**: لشکرکشان ۳۲- **ق**: دنان؛ **لی** (و نیز **ل۳، لن۲**): دمان؛ **ب** ناخواناست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۳- **و**: خوالیگرش ۳۴- **و**: برو ۳۵- **ق۲** این بیت را ندارد ۳۶- **لن**: این بران آن برین ۳۷- **ف، ب**: زکردارو؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۸- **ف، ل۲، ب**: جز آن؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ف، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

همی خوردهرکس دریغی (**آ**: دریغ و) دراز — ز بهر جوانان گردنفراز

۳۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب**: برامیخت؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** ۴۰- **ف- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: نیاری؛ **ب**: نیازی؛ متن= **ق، و**

نگر تا نباشی[۱] به آباد شهر ‌ ‌ ‌ ترا از[۲] جهان کوه و دشتست[۳] بهر
بجای سرش ز[۴]ان سر بی بها ‌ ‌ ‌ خورش ساختند[۵] از پی اژدها[۶]
ازین گونه[۷] هر ماهیان[۸] سی جوان ‌ ‌ ‌ ازیشان همی یافتندی[۹] روان
چو گرد آمدی مرد[۱۰] ازیشان دویست[۱۱] ‌ ‌ ‌ بران سان[۱۲] که نشناختندی که کیست
خورشگر بدیشان[۱۳] بزی چند و میش ‌ ‌ ‌ سپردی[۱۴] و صحرا نهادیش[۱۵] پیش
کنون کُرد از آن تخمه دارد نژاد ‌ ‌ ‌ کز آباد[۱۶] ناید بهدل برش[۱۷] یاد
پس آیین ضحّاك وارونه[۱۸] خوی[۱۹] ‌ ‌ ‌ چُنان بُد که چون می بدیش[۲۰] آرزوی[۲۱]
ز مردان جنگی یکی خواستی ‌ ‌ ‌ بکشتی که[۲۲] با دیو[۲۳] برخاستی[۲۴]
کجا[۲۵] نامور دختری خوبروی[۲۶] ‌ ‌ ‌ به پردهٔندرون پاك[۲۷] بی گفت وگوی
پرستنده کردیش در پیش[۲۸] خویش ‌ ‌ ‌ نه رسم کیی بُد[۲۹] نه آیین کیش[۳۰]

گفتار اندر خواب دیدن ضحّاک[۳۱]

چُن[۳۲] از روزگارش چهل سال ماند ‌ ‌ ‌ نگر تا بهسربرش[۳۳] یزدان چه راند[۳۴]

۱- **ف**: بگفتی مباشید؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲- **ف**: شما از؛ **لی، پ**: ترا در؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **ل، ق**: دشت و کوهست؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در **ف** این بیت پس از بیت ۳۶ آمده است و پس از آن بیت زیر را که جز **ف** تنها در **آ** (پس از بیت ۳۶) آمده است، افزوده است:

که بر دشتتان باد آرامگاه ‌ ‌ ‌ وگرنه بزاری کنمتان تباه

۴- **ق**[۲]: <ز> ۵- **ل**: ساخته ۶- **و**: پادشا؛ در **آ** این بیت چنین آمده است:

بجای سرو مغز این ارجمند ‌ ‌ ‌ خورش ساختند از سر گوسفند

۷- **لن**: ازین گوشه؛ **و**: بدین گونه؛ آ، ل[۲]، ب: برین گونه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸-**آ**: هر ماه چون ۹- **ق**: همی یافتندی ازیشان؛ **ق**: ازین هر دو تن یافتندی ۱۰- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، ب**: گرد آمدندی؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل**[۲] ۱۱- **ل، آ**: چوبیست؛ **و**: ازیشان چو گرد آمدی مرد بیست ۱۲- **لی، و**: بدانسان ۱۳- **س**: بدی سان (← بدیشان)؛ **ق**[۲]: ندی شان (← بدیشان)؛ **ل**[۲]: بدانسان؛ در **پ** این لت پاك شده است ۱٤- **لن**: ببردی؛ **لی، پ**: بدادی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- **ل**: نهادند؛ **و، آ**: نهادی به؛ **ق** ناخواناست؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ف** پس از این بیت بیت ۳۲ و پس از آن بیت ۳۲پ، و در **آ** پس از این بیت بیت۳۲پ آمده است ۱٦- **ف، س، و، ل**[۲]، **ب**: که آباد؛ **ل**: که زآباد؛ **آ**: بآباد؛ **لن**: کراباد (← کزآباد)؛ **ق**[۲]: کراباد (← کزآباد)؛ متن= **ق، لی، پ** ۱۷- **لن**: ماند بدل نوش باد؛ **ق**[۲]: باید بدن نوش باد؛ **و**: ماند بدل برش یاد؛ **ل**[۲]: ناید برابرش یاد؛ **ب**: ناید بدان درش یاد؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **لی، ب** پس از این بیت افزودهاند:

بود خانهاشان سراسر پلاس ‌ ‌ ‌ ندارند در دل ز یزدان هراس

۱۸- **ل**[۲]: واژونه ۱۹- **ق**: خو ۲۰- **ل، س، لی، پ، و، آ**: می بدش؛ **ق** ناخواناست (شاید: میبدش)؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]، **ل**[۲]، **ب** ۲۱- **ق**: آرزو ۲۲- **ل، لی، و**: چو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- **لن**: باد تو(!) ۲٤- **پ**: برساختی ۲۵- **س، لن، ق**[۲]، **لی، ب**: یکی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٦- **س، پ، آ، ب**: دختر خوب روی؛ **لن، لی، ق**[۲]: دختر (**ق**[۲]: دختری) ماهروی؛ **ل**[۲]: دختری نامور خوب روی؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۷- **ل، ق، آ**: درون بود؛ **س، ق**[۲]، **پ، و، ل**[۲]، **ب**: درون پاك؛ **لن**: درون کرده؛ **لی**: درون پاك و؛ متن= **ف**: پرده اندرون (← **فریدون**، بیت ۳۴۳، ۷۱۶؛ **منوچهر**، بیت ۵۶، ۱۲۴۲) ۲۸- **ل، س، لن، ق**[۲]- **ل**[۲]: کردیش برپیش؛ **ق**: کردی بر تخت؛ متن= **ف، ب** ۲۹- **ل**: نه بر رسم دین بُد؛ **ق، لی، و، آ، ب**: نه رسم کیان (**و**: کسی) بُد؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]، **پ، ل**[۲] ۳۰- **ل**: نه بر رسم کیش؛ **لن**: نه آیین و کیش؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۱- **ف**: گفتار اندر خواب دیدن ضحاك و خواندن معبران و منجمان و پرسیدن خواب را از ایشان؛ **س**: خواب دیدن ضحاك و ترسیدنش؛ **لن، ق**[۲]، **لی، و، ب**: خواب دیدن ضحاك (**ق**[۲]، **لی، و**: ... وترسیدن)؛ **ق**: گفتار در خواب دیدن ضحاك و خوف او؛ **پ**: اندر خواب دیدن ضحاك تازی؛ **آ**: خواب دیدن ضحاك وسگالش او با دبیران؛ **ل**[۲]: خواب دیدن ضحاك و پرسیدن از موبدان؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف** ۳۲- **ل- ب**: چو؛ متن= **ف** ۳۳- **لن، ق**[۲]: نگر تا که بر سرش ۳٤- **و**: خواند؛ **آ**: نگر بر سرش دور گردون چه راند

در ایوان شاهی شبی دیریاز[1] به خواب اندرون بود با ارنواز
چُنان دید کز کاخ[2] شاهنشهان[3] سه جنگی پدید آمدی ناگهان[4]
دو مهتر یکی کهتر اندر میان به بالای سرو و به فرّ[5] کیان
کمر بستن و[6] رفتن[7] شاهوار[8] به چنگ اندرون گرزهٔ گاوسار
دمان پیش ضحّاک رفتی به جنگ زدی بر سرش گرزهٔ گاورنگ[9]
یکایک همین گُردِ کهتر[10] بسال ز سرتا به پایش کشیدی دوال[11]
بدان زه دو دستش ببستی چو سنگ[12] نهادی[13] به‌گردن برش[14] پالهنگ
همی تاختی تا دماوند کوه کَشان و دوان از پس اندر[15] گروه
بپیچید[16] ضحّاک بیدادگر بدرّیدش از هول[17] گفتی جگر[18]
یکی بانگ برزد[19] به خواب اندرون که لرزان شد آن خانهٔ بیستون[20]
بجَستند خورشید رویان ز جای از آن غلغل نامور کدخدای[21]
چُنین گفت ضحّاک را ارنواز که شاها نگویی چه بودت براز[22]؟
که خفته بارام در خان[23] خویش بدینسان[24] بترسیدی[25] از جان خویش[26]
زَمین[27] هفت کشور به فرمان[28] تُست[29] دد و دیو و[30] مردم نگهبان تُست[31]

۱-**ف**: دیوباز؛ متن= یازده دستنویس دیگر (حرف یکم واژهٔ دوم در برخی از دستنویس ها نقطه ندارد و یا یك نقطه دارد) **۲- پ**: شاخ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۳- ق۲**: شاهی یشان(!)؛ **آ**: شاهنشهی؛ متن= ده دستنویس دیگر **٤- آ**: ناگهی **۵- ف، لن، پ، ق۲، ل۲**: بالای سروان و چهر (**ق۲**: بچهره؛ **ل۲**: و فرّ)؛ **آ**: ببالا چو سرو <و> به‌چهر؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، ق، لی، و، ب** **٦- پ**: <و> **۷- و**: رفتنی **۸- ف**: شهریار؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**)؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

هویدا بدو فرهٔ ایزدی سرشته جهانبانش از بخردی

۹- ل: نهادی بگردن برش پالهنگ (= ۴۹ب) **۱۰- س، لن، ق**: یکایك همین کس که کهتر؛ **ق، و**: یکایك همان کرد کهتر؛ **لی**: یکایك همین کرد و کهتر؛ **آ**: پس آنگه همی کرد مهتر؛ متن= **ف، پ، ل۲، ب**؛ **ل** این بیت را انداخته و بجای آن بیت ۴۹پ را آورده است **۱۱- س، لن، ق۲، لی**: کشیدیش سر (**س، لی**: کشیدی زسر) تا به پایش دوال؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۲- س**: مر او را همی تاختی تیزچنگ؛ **لن، ق۲**: همی تاختش دست بسته چو سنگ؛ **و**: بدان زه ببستی دو دستش چو سنگ؛ **آ**: به بند کمندش ببستی چو سنگ؛ متن= **ف، ق، لی، پ، ل۲، ب** **۱۳- لن، ق۲**: نهاده **١٤- لی**: بگردن درش؛ **ل۲، ب**: بگردنش بر؛ **ل** ۴۷ب و ۴۹آ را انداخته و از ۴۷آ و ۴۹ب یك بیت ساخته است؛ **ق، پ** پس از این بیت و **ل** بجای بیت ۴۸ بیت زیر را افزوده‌اند:

بدین خواری و زاری و گُرم و درد پراکنده بر تارکش خاك و گرد (**ق**: خاك گرد)

۱۵- و، ب: او؛ **ل۲**: کشان و روان و پس اندر؛ متن= نه دستنویس دیگر **١٦- ق**: بلرزید **۱۷- لی**: بیم **۱۸- س**: بپژمرد و برگشت آسیمه سر؛ **لن، ق۲، پ**: بلرزید و (**ق۲**: بلرزند) ناگه برآورد سر؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل۲، ب** **۱۹- س**: زد او **۲۰- س، ق**: نه ستون؛ **ل، لن، ق۲- ل۲** (ونیز **ل۳، لن۲**): صد ستون؛ **ب**: وزان گشت لرزان و دل پر زخون؛ متن= **ف** (که آنرا **نیستون** هم میتوان خواند) **۲۱- ل** پس از این بیت و **ق** پس از بیت ۵۴ افزوده‌اند:

چه بودت کایدون بترسیده‌یی (**ق**: بلرزیده‌یی) که بر جای چون بید لرزیده‌یی

ق: ابرجای ایمن بیکبار ترسیده‌یی (وزن نادرست است) **۲۲- ل- پ، آ، ل۲، ب**: که شاها چه بودت نگویی براز (**لن**: توراز؛ **ق۲**: توباز؛ **ل۲**: چگویی براز)؛ **و**: که شاها بگو تا چه دیدی براز؛ متن= **ف** (در **ف** و **ل** حرف یکم در **نگویی** هم در زیر نقطه دارد و هم در بالا)؛ **ق** پس از این بیت بیت ۵۳پ را فزوده است **۲۳- س، لی، و، ل۲، ب**: تو خفته بارام در (**س**: بر) خان (**و**: جای)؛ **لن، ق، ق۲، پ**: بارام خفته تو در خان؛ **آ**: چنین کرده آرام در خوان؛ متن= **ف، ل** **٢٤- ل**: برین سان **۲۵- ل۲**: نترسیدی **٢٦- و**: رای خویش؛ **س**: بترسی ازین گونه برجای خویش؛ **لن، ق، ق۲، پ**: چه گویی چه دیدی (**ق، ق۲، پ**: چه دیدی نگویی) چه آمدت پیش؛ متن= **ف، لی، آ، ب**؛ **لن، ق۲، پ** پس از این بیت و **ق** در کناره افزوده‌اند:

زمین هفت کشور بشاهی تراست دد و مردم و مرغ و ماهی تراست

۲۷- لن، ق، ق۲، پ: همان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۸- و**: به پیمان **۲۹- س**: تراست **۳۰- لی**: <و> **۳۱- س**: تراست؛ **آ**: بفرمان تست (پساوند ندارد)؛ **ل، و**: دد و دام و مردم به پیمان (**و**: به‌فرمان) تست؛ **ق** این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

جهانرا سراسر بشاهی تراست زمین جمله تا پشت ماهی تراست

به خورشید رویان سپهدار گفت[۱] | که چونین شِگِفتی نماند[۲] نهفت
که این داستان گر ز من بشنوید[۳] | شودتان دل از جان من[۴] ناامید
به شاه جهان گفت پس[۵] ارنواز | که بر ما بباید گشادنْت راز[۶]
توانیم کردن مگر چاره‌یی | که بی چاره‌یی نیست پتیاره‌یی[۷]
سپهبد گشاد آن نهان از نهفت[۸] | همه خواب یك یك بدیشان[۹] بگفت
چُنین گفت با نامور[۱۰] ماه‌روی[۱۱] | که مگذار تن را ره[۱۲] چاره‌جوی
نگین زمانه سرِ[۱۳] تخت تُست | جهان روشن از نامور[۱۴] بخت تُست
تو داری جهان زیر انگشتری | دد و مردم و دیو و مرغ و[۱۵] پری
زهر کشوری گرد کن مهتران[۱۶] | ز[۱۷] اخترشناسان و افسونگران[۱۸]
سَخُن سربسر مهتران[۱۹] را بگوی | پژوهش کن و راستی[۲۰] بازجوی
نگه کن که هوش تو بر دست کیست | ز مردم شمار[۲۱]، ار ز[۲۲] دیو و پریست
چو دانسته شد چاره‌ساز آن زمان[۲۳] | به خیره مترس از بدِ بدگمان
شه[۲۴] بَرمنش[۲۵] را خوش آمد سَخُن | که آن سرو پروین رخ[۲۶] افگندبن

جهان از[۲۷] شب تیره چون پر[۲۸] زاغ | همانگه[۲۹] سر از کوه برزد چراغ
تو گفتی که بر کشور[۳۰] لاژورد[۳۱] | بگسترد خورشید یاقوت زرد
سپهبد هرآنجا[۳۲] که بُد موبدی[۳۳] | سَخُن دان و بیداردل بخردی

۱- ل، ق، آ: جهاندار گفت؛ **ل۲**: سپهبد بگفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲- ل، ق، لی، و، ل۲، ب**: نشاید؛ **س**: که این راز باید که ماند؛ **لن، ق۲، پ**: که این خواب را بازباید؛ **آ**: که چون این شگفتی نشاید؛ متن= **ف** **۳- ل، ق، و، آ، ل۲**: اگر (**ل**: که گر) از من این (**ل۲**: گر از من چنین) داستان بشنوید؛ **س، لی**: زمن گر شما (**لی**: شما گر زمن) داستان بشنوید؛ **لن، ق۲، پ**: گر ایدونك این داستان بشنوید؛ **ب**: که این داستان گر شما بشنوید؛ متن= **ف** **٤- لن**: جان و تن **۵- ل، س، ق۲، لی، پ، و، ل۲، ب**: بشاه جهاندار گفت؛ **آ**: بشاه گرانمایه گفت؛ متن= **ف، لن، ق** **٦- آ**: که شاها چه بودت نگویی براز (=۵۴ب)؛ **آ** پس از این بیت، بیت ۵۵ را دوباره آورده است **۷- س**: که بیچاره نیست ایچ پتیارهٔ؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

همه کارهای جهان را در است | مگر مرگ کان را (**ق**: مرگ را کان) دری دیگر است

۸-لن، ق۲، پ: برآورد پس او نهان از نهفت؛ متن= نه دستنویس دیگر **۹- آ**: همه خواب با خوبرویان **۱۰- ب**: تاجور **۱۱- ف**: مهرجوی (پساوند ندارد)؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: خوب روی؛ **و**: چاره‌جوی (پساوند ندارد)؛ متن= **ل، ق** **۱۲- ل، س، لن، ق۲، پ، و، ب**: که مگذار (**لن، ق۲، پ، و**: بگذار) این را ره (**لن**: یکی)؛ **ق**: که بگذار بازی ره؛ **لی**: که بگذار تن را ره؛ **ل۲**: که مگذار ازین راه را؛ متن= **ف، آ** **۱۳- ق۲**: سوی **١٤- ف، ق، ب**: جهان نامور روشن از؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۵- ل- ق۲، پ، و، ل۲**: دد و مردم و مرغ و دیو و؛ **ب**: دد و دام و ماهی و مرغ و؛ متن= **ف، لی، آ** **١٦- لی**: موبدان **۱۷- ل، لن**: از **۱۸- س، لن، ق۲، پ**: وکنداوران؛ **لی**: و هم بخردان؛ **آ**: و وز موبدان؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲، ب** **۱۹- ل- ق۲، پ، آ، ل۲، ب**: موبدان؛ **لی**: بخردان؛ متن= **ف، و** **۲۰- لن، ق۲، پ**: رازها؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

مهان کز تو ماند نهان (**ل**: جهان) هیچ چیز | بدان وبپرس ازهمه کس بنیز (**ق**: تو نیز)

۲۱- لی، ب: زمردم نژاد؛ **آ**: زمردم شناس؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۲- آ**: ارنه؛ **ب**: وز؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۳- لن، ق۲، پ**: چو دانستی این (**ق۲، پ**: چو دانستیش) چاره کن آن زمان؛ **لی**: چو دانسته شد چارهٔ سازمان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٢٤- ل۲**: چوشه **۲۵- ف، پ، و، آ، ب**: پرمنش (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٢٦- ل، پ**: سر و سیمین بر؛ **ق**: سرو پروین بر؛ **و** (ونیز **ل۳، لن۲**): سر و بن پاسخ؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۷- س**: چون **۲۸- ف**: پشت؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۹- لن**: همانا؛ **ق**: همان دم **۳۰- ل، ق، لی**: گنبد؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۱- ف، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: لاجورد؛ متن= **ل، ق، و** **۳۲- ل**: بهرجا **۳۳- پ**: که موبد بدی؛ در **لن** این لت پاك شده است

ز کشور بنزدیك خویش آورید   بگفت آن جگر خسته، خوابی که دید[1]
نهانی سُخن کردشان خواستار[2]   ز نیك و بد و[3] گردش روزگار
که بر من زمانه کی آید بسر   کرا باشد این تاج و تخت و کمر[4]
گر این راز[5] با من[6] بباید گشاد   وُگر سر[7] بهخواری بباید نِهاد
لب موبدان خشك و رخساره تر[8]   زبان پر ز گفتار یك با دگر[9]
که گر[10] بودنی بازگوییم[11] راست   به جان است پَیگار و جان بی بهاست[12]
وُگر[13] نشنود[14] بودنی ها[15] درست   بباید همیدون[16] زجان دست شست[17]
سه روز اندر آن[18] کار شد روزگار   سُخن کس نیارست کرد آشکار
به روز چهارم برآشفت شاه   بران[19] موبدان نُماینده راه
که گر زندهتان دار باید بسود   وُگر بودنی ها بباید نُمود[20]
همه موبدان سر فگنده نگون   پر از هول دل، دیدگان پر ز خون[21]
از آن نامداران بسیار هوش   یکی بود بینادل و[22] تیزکوش[23]
خردمند و بیدار[24] و زیرك به نام[25]   کزان[26] موبدان او زدی پیش گام[27]
دلش تنگ تر گشت[28] و نباك[29] شد   گشادهزبان پیش[30] ضحّاك شد
بدو گفت پردخته[31] کن سر ز باد   که جز مرگ را کس[32] ز مادر نزاد

۱- **ف** پس از این بیت افزوده است:

بخواند و بپرسید تأویل خواب   که این را بگویید یکسر جواب

ل، ق پس از بیت ۷۳ افزودهاند:

نپوشید بر مرد دانا سخن   مگر نو کند چاره مرد کهن

س، لن، ق[2]**- ب** (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]) پس از بیت ۷۳ افزودهاند:

بخواند و(**و**:یکایك) بیك جای شان گردکرد(درلن این لت پاك شدهاست)   وزیشان همی جست درمان درد
بگفتا (**س، ل**[2]**، ب**: بگفتش؛ **لن**: روان) مرازود آگهکنید   روان راسوی (**آ**: وزان راستی) روشنی رهکنید

این دو بیت در **ف، ل، ق** نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزودهاند **۲- ل، س، ق**: آشکار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳- لن، ق**[2]**، پ، و، ل**[2]: < و> ؛ **ق**: بدو نیك از؛ متن= **ف، ل، س، لی، آ، ب** **٤- ل**[2]: تاج و تخت کمر؛ **ب**: تخت و تاج و کمر؛ **س، لن، ق**[2]**، پ** این بیت را ندارند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۵- ف**: ازین راز؛ **س، ق**[2]**، لی، پ**: که این راز؛ **ق**: کنون راز؛ **آ**: همین راز؛ **ل**[2]: کراراز؛ متن= **ل، لن، و، ب** **٦- س، لن، ق**[2]**، لی، پ**: برما؛ **ق، و، آ، ل**[2]**، ب**: برمن؛ متن= **ف، ل** **۷- ق**: و یا تن؛ **لی**: دگر سر؛ آ، ل[2]، ب: و یا سر؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۸- لی، ل**[2]**، ب**: رخسارتر؛ **پ**: رخساره زرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۹- ل- لی، و- ب**: با یکدگر؛ **پ**: گفتار و دل پر زدرد؛ متن= **ف** **۱۰- لن**: اگر **۱۱- آ**: بودنی ها بگوییم **۱۲- س، لن، ق**[2]**، لی، ل**[2]: شود جان بیکبار (**س**: بیك راه و؛ **لی، ل**[2]: بیکبار و) جان بی بهاست؛ **لی**: شود جان بیکبار در کم و کاست؛ **و**: شود تن سبکسار و جان بی بهاست؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ب** **۱۳- س، و**: اگر **١٤- ف، س، ق- پ، آ، ب**: بشنود؛ **ل، و**: شنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **لن** **۱۵- لی، ل**[2]: گفتنی ها؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱٦- ل- ب**: هم اکنون؛ متن= **ف** **۱۷- و**: رهچاره جست؛ در **س** لت های این بیت پس وپیش شدهاند **۱۸- ل، ق، لی، آ**: اندرین؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۹- ق، ق**[2]**، لی، ل**[2]**، ب**: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۰- لی**: و یا بودنی باز باید نمود؛ **ق** این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزودهاند **۲۱- لن، ق**[2]**، پ**: چرا کس نیارست گفتن نه چون؛ **ل**[2]: پر از ترس جان دیدگان پر زخون؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۲- لن، پ**: < و> **۲۳- ق**[2]: تیرهکوش؛ **لی**: باك کوش **٢٤- ف**: دانا؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۲۵- ب**: و دل نیکنام **۲٦- لن، ق**[2]**، لی، پ**: ازان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۷- و**: او بدی تیزگام؛ **ب**: او زدی تیزگام **۲۸- س**: برگشت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لی**: دلش تر گشت (وزن نادرست است)؛ **پ، ب**: دلش تنگ برگشت؛ **و**: دلش تیرهتر گشت؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[2]**، آ، ل**[2] **۲۹- ق، آ**: بی باك **۳۰- ق، و**: نزد **۳۱- پ، و**: پردخت **۳۲- لن، ق**[2]**، پ**: که با تاج شاهی؛ متن= نه دستنویس دیگر

جهاندار پیش از تو بسیار بود   که تخت مِهی را سَزاوار بود
فراوان غم و شادمانی شُمُرد[1]   برفت و جهان دیگری را سِپُرد[2]
اگر باره‌ی[3] آهنینی بپای[4]   سپهرت بساید نمانی بجای[5]
کسی[6] را بود زین سپس تخت تو   به خاك[7] اندرآرد[8] سر[9] بخت تو
کجا نام او آفْریدون بود   زَمین[10] را سپهر همایون[11] بود
هنوز آن سپهبد ز مادر نزاد   نیامد گه پرسش و سردباد[12]
چُنو[13] زاید از مادر پرهنر   بسان درختی شود[14] بارور
به مردی رسد برکشد سر به ماه[15]   کمر جوید و تاج و تخت[16] و کلاه
به بالا شود چون یکی سرو بُرز[17]   به گردن برآرد ز پولاد گرز[18]
زند بر سرت گرزه‌ی گاوروی[19]   ببنددت وُ آرد از ایوان به کوی[20]
بدو گفت ضحّاك ناپاك دین   چرا بنددم چیست از مَنش کین[21]
دلاور بدو گفت: اگر[22] بخردی   کسی بی بهانه نسازد[23] بدی
برآید[24] بدست تو هوش پدرش   از آن[25] درد گردد پر از کینه سرش[26]
یکی گاو بَرمایه[27] خواهد بُدن   جهانجوی را دایه خواهد بُدن
تبه گردد آن هم بدست تو بر[28]   بدین[29] کین کَشد گرزه‌ی گاوسر
چو بشنید ضحّاك[30] بگشاد گوش   ز تخت اندرافتاد[31] و زو رفت هوش
گرانمایه از پیش تخت بلند   بتابید روی از نِهیب[32] گزند
چو آمد دل تاجور[33] باز جای   به تخت کَیان[34] اندرآورد پای
نشان فریدون به گِرد جهان[35]   همی بازجست آشکار و نِهان

۱- لن، ق[2]: سپرد؛ ق: ببرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- لن، ق[2]، لی، پ: چو روز درازش سرآمد بمرد؛ ل[2]: برفت و جهان دیگران را سپرد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳- ل[2]: پارهٔ ٤- س، لن، ق[2]، لی، پ، آ: بجای (لی، آ پساوند ندارند)؛ متن= ف، ل، ق، و، ل[2]، ب ۵- س، لن، ق[2]، پ: بمانی بپای (در س حرف یکم واژهٔ یکم نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ق پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):

بباید یکی گرد خسرو نژاد   که چون وی ندارد همی پیر دهقان بیاد

٦- ل، ق[2]: کیی؛ ق این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- لن، ق[2]، پ: بپای؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- ف، س: آید؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ل: سر و ۱۰- لن، پ: جهان ۱۱- س- ق[2]، پ، ب: سپهری همایون؛ و: سپهری زهامون؛ متن= ف، ل، لی، آ، ل[2] ۱۲- ق: بزاید گه جستن سرباد؛ ق[2]، آ، ل[2]: نیامد گه ترسش و سردباد؛ ب: جهانش هنوز آن بزرگی نداد؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، لن، لی، و ۱۳- ل، لی، پ، آ: چواو؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٤- س، لن، ق[2]، لی، پ، آ: بود؛ متن= ف، ل، و، ل[2]، ب ۱۵- س، لن، ق[2]، لی، پ، ل[2]: گردگاه؛ آ: گردگاه؛ ق: بمردی کشد سر برآرد بماه؛ متن= ف، ل، و، ب ١٦- ق: کمر جوید و نام و تاج ١٧-لن: ببالا شود بر یکی سروبرز؛ لی: ببالا بود چون یکی زاد سرو ۱۸- لی: بگردن برآورده پولاد غرو ۱۹- ل، ق: گاوسار؛ لن: گاورنگ؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق: بگیردت زار و ببنددت خوار؛ لن: ببنددت و آرد برون همچو سنگ؛ ق[2]، لی، و: ببنددت درآرد (ق[2]: وآردت) ز (ق[2]: از) ایوان بکوی؛ آ: ببندد و زایوانت آرد بکوی؛ متن= ف، س، پ، ل[2]، ب (س، پ، ل[2]، ب: ز) ۲۱- ل، ق، لی: از (لی: با) منش چیست کین؛ س، لن، ق[2]، پ، و، آ، ب: چیست با منش کین؛ متن= ف، ل[2] ۲۲- ل: گر ۲۳- لن، پ: نجوید ٢٤- لن، ق: بیابد؛ ق[2]: بیاید؛ آ: بیاید؛ ل[2]: بیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]: وزان؛ و: ازین؛ متن= ف، ل، ق، ب ٢٦- س، لی: درد گردد سراسیمه سرش؛ آ: دود گردد بدان کینه سرش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- ف: بُرمایه (=پرمایه)؛ ل: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق، ق[2]، لی: برمایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ پ، و، آ، ل[2]، ب: پرمایه (حرف یکم سه نقطه ندارد) ۲۸- و: در ۲۹- لن، ق[2]، پ، آ، ب: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- س، لن، ق[2]- ب: چو ضحاك بشنید؛ متن= ف، ل، ق ۳۱- ق: زتخت اندر آمد ۳۲- ف، آ: نهیب و؛ س، لن، ق[2]، لی، پ، ب: بتابید رویش زبیم؛ و: بیامد دلی پر زبیم؛ متن= ل، ق، ل[2] ۳۳- ل: نامور؛ متن= یازده دستنویس دیگر ٣٤- ق[2]، ب: کیی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۵- آ: نشان فریدون یل در جهان

نه آرام بودش نه خواب و نه خَورد / شده روز روشن برو[۱] لاژورد[۲]

گفتار اندر زادن آفریدون از مادر[۳]

برآمد برین[۴] روزگاری[۵] دراز / کشید اژدها را به[۶] تنگی فراز
خجسته فِریدون ز مادر بزاد / جهان را یکی دیگر آمد نهاد[۷]
ببالید برسان سرو سهی / همی تافت[۸] زو فرّ شاهنشهی
جهانجوی با فرّ جمشید بود / بکردار تابنده[۹] خورشید بود
جهان را چو باران به بایستگی / روان را چو[۱۰] دانش به[۱۱] شایستگی
به‌سربر همی گشت گردان سپهر / شده رام با آفریدون[۱۲] به مهر
همان گاو کِهش نام بَرمایه[۱۳] بود / ز گاوان وُرا[۱۴] برترین پایه بود
ز مادر جدا شد چو طاوس نر / به هر موی بر[۱۵] تازه رنگی دگر
شده[۱۶] انجمن بر سرش بخردان / ستاره‌شناسان و هم موبدان
که کس در جهان گاو چونان ندید / نه از پیرسر کاردانان[۱۷] شَنید
زَمین کرده[۱۸] ضحّاك پر گفت وگوی[۱۹] / به گِرد جهان بر همین[۲۰] جست وجوی[۲۱]
فریدون که بودش پدر آبتین / شده تنگ بر آبتین بر زَمین[۲۲]
گریزان و ز[۲۳] خویشتن گشته سیر / برآویخت ناگاه در دام[۲۴] شیر
از آن روزبانان ناپاك[۲۵] مرد / تنی چند، روزی بدو بازخَورد

۱- ق، لی، پ: بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- ف، س- پ، آ، ب: لاجورد؛ متن= ل، و، ل۲ ۳- ف: گفتار اندر زادن افریدون از مادر و کشته شدن پدرش بر دست ضحاك و پروردن گاو افریدون بشیر؛ ل: اندر مولود شاه فریدون؛ س: زادن فریدون از مادر و داستان گاو كه او را دایه بود؛ لن: زادن فریدون از مادر و گاو بر مایه كه دایه بود؛ ق: اندر مولد فریدون و نهان داشتن وی از ضحاك؛ ق۲: زادن فریدون به پیروزی؛ لی: گفتار اندر زادن منوچهر(!)؛ پ: زادن فریدون از مادر گاو بر مایه كه او را دایه بود؛ و، ل۲: گفتار اندر زادن فریدون از مادر (و: . . . بفیروزی)؛ آ: اندر زادن فریدون فرخ پسر آبتین؛ ب: اندر ولادت فریدون؛ متن= آغاز ف (كه به ل۲ نزدیك است) ٤- لی: بدین ۵- ل: روزگار ٦- ل- ب: كشید (لن، ب: رسید) اژدهافش به (س: ز)؛ متن= ف ۷- لی: بداد ۸- ل۲: یافت ۹- و: جهان راچوتابنده؛ ل۲: برخسارمانند؛ متن= ده‌دستنویس دیگر ۱۰- لی: به ۱۱- ق: ز ۱۲- لی: با او فریدون ۱۳- ف- ق۲، و: بر مایه (حرف یكم یك نقطه دارد)؛ پ، آ، ل۲، ب: پرمایه (حرف یكم سه نقطه دارد)؛ لی: همان گاو بر مایه كش دایه ۱٤- ل، ق، لی، و: تنش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- س، لن، ق۲، آ: سوش بر؛ لی: موش بر؛ ب: موش بُد؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل۲، ب ۱٦- ب: شدند ۱۷- ق: نه از كاردانان پیشین ۱۸- س، لن، ق۲، پ- ب: كرد؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۹- ل: گفت گوی ۲۰- ل، ق: هم بدین؛ س، لن، ق۲، پ: در همین؛ و، ل۲: هم برین؛ آ: درهمی؛ ب: برهمان؛ متن= ف، لی ۲۱- ل: جست جوی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز گاو فریدون گیتی گشای / همی خواست كارد سرش زیر پای
بجان بردنش كرد چنگال تیز / وزو خاسته در جهان رستخیز

۲۲- در ف این بیت چنین امده است:

وز آسیب او پر هنر آبتین / چو شماب (← سیماب) لرزان شده بر زمین

متن= یازده دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، ق۲، لی، و- ب: از؛ متن= ف، ل، ق، پ ۲٤- ل، آ: بركام؛ ق: بردام؛ ب: در كام؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نهان كرد گیتی فراوان بگشت / چه بر كوه خارا چه بر ساده دشت

۲۵- ل- پ: ناباك (حرف سوم یك نقطه دارد)؛ و: ناباك (حرف سوم نقطه ندارد)؛ آ، ل۲، ب: ناپاك (حرف سوم سه نقطه دارد)؛ و این بیت را دوبار نوشته است؛ در ف این بیت چنین امده است و پس از آن بیت دیگری هم افزوده است:

چو امد بسر روز آن بی گزند / ازان روزبانان بدجای چند
بدو باز خوردند و بردند خوار / چنان بی گنه را بر شهریار

گرفتند و بردند بسته چو یوز[1] — بروبر سرآورد ضحّاك روز
خردمند مام فریدون چو دید — که بر جفت او بر چُنان[2] بد رسید
فرانك بدش نام و[3] فرخنده بود — به مهر فریدون دل آگنده بود
دوان داغ[4] دل خستهی[5] روزگار — همی رفت پویان[6] بدان[7] مرغزار
کجا نامور گاو بَرمایه[8] بود — که نابسته بر تنش پیرایه[9] بود
به پیش نگهبان آن مرغزار — خروشید و بارید[10] خون بر کنار[11]
بدو گفت کین[12] کودك شیرخوار — ز من روزگاری به زنهار دار
پدروارش از مادر اندرپذیر — وُ زین گاو نغزش بپرور به شیر
وگر[13] باره[14] خواهی[15] روانم تُراست — گروگان کنم جان[16] بدانکت[17] هواست
پرستندهی بیشه و گاو[18] نغز — چُنین داد پاسخ بدان پاك مغز
که چون بنده بر[19] پیش فرزند تو — بباشم پذیرندهی[20] پند[21] تو
فرانك بدو داد فرزند را — بگفتش بدو[22] گفتنی پند را
سه سالش پدروار از آن[23] گاو شیر — همی داد[24] هشیار[25] زنهارگیر[26]
نشد[27] سیر[28] ضحّاك از آن جست وجوی[29] — شد از گاو گیتی پر از گفت وگوی[30]
دوان مادر آمد سُوی مرغزار[31] — چُنین گفت با مرد زنهاردار
که اندیشهیی در دلم ایزدی — فراز[32] آمدهست از ره بخردی
همی کرد باید کزان[33] چاره نیست — که فرزند و شیرین روانم یکیست

۱- **ق**: گرفتند و بستند مانند یوز ۲- **لی**: او آنچنان؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

زنی بود آرامش روزگار — درختی کزو فرّ شاهی به بار
چو آگاهی شوی بشنید زن — که ضحاك کردش جدا سر ز تن
برون رفت پویان سوی مرغزار — چنان داغ دل گشتهٔ روزگار

۳- **ق**: <و&gt؛ **بنداری**: وکانت تسمی مانك ۴- **ل، ق**: پر از داغ: **س، ق[2]، لی، ب**: دوان گشت (**ق[2]، لی**: گشته)؛ **پ، آ، ل[2]**: روان گشت (**پ**: گشت و؛ **ل[2]**: گشته)؛ متن= **ف، لن، و** ۵- **س، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: دل خسته از؛ متن= **ف، ل، لن، ق، و** ۶- **س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: گریان؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۷- **ق[2]**: دران؛ **پ**: بران ۸- **ف**: بُرمایه (=پرمایه)؛ **ل، س، لن، ق، ق[2]، لی، پ**: برمایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **و، آ، ل[2]، ب**: پرمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۹- **س، ق[2]، پ، آ** که نابسته بر سرش پیرایه؛ **لن، و، ب**: که بایسته بر تنش (**لن**: بر سرش) پیرایه؛ **لی**: زگاوان ورا برترین پایه (=۱۱۴ب)؛ **ل[2]**: کیا (← که نا) بسته بر سرش پیرایه؛ متن= **ف، ل، ق** (ونیز **ل[3]**) ۱۰- **لن، لی**: نالید؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۱- **پ**: خون برگ نار؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

که ای نامور مرد با مهر و داد — ز تو داد فرمای خشنود باد
ز کردار این شاه بیدادگر — یکی عاجزم مانده بی پای و پر

۱۲- **ف**: بمزدمن این؛ متن=یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]**، **لن[2]**) ۱۳- **پ**: اگر؛ **آ**: دگر ۱۴- **ف، ل، ق، ق[2]، پ، و، آ، ب**: باره (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **س، لن، ل[2]**: یاره؛ **ق**: مایه ۱۵- **آ**: خوانی ۱۶- **و**: دل ۱۷- **س، ق، و، ب**: بدانچت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- **ق**: پرستندهٔ بیشهٔ گاو؛ **آ**: پرستندهٔ بیشه وان گاو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۹- **ل، لن، ق**: در؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- **ف**: پذیرفتهٔ؛ **ل**: پرستندهٔ؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]**، **لن[2]**) ۲۱- **ل**: بند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **س، لن، ق، ق[2]، پ**: بند؛ متن= **ف، لی، و، آ، ل[2]، ب** ۲۲- **س**: بسی؛ **ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آن را در کناره افزوده‌اند ۲۳- **ل**: سه سالش همی دادزان؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۴- **آ**: دار ۲۵- **پ، و، آ**: هشیارو ۲۶- **ل**: هشیوار بیدار زنهارگیر؛ **ب**: همی داد تا گشت فرمان پذیر؛ متن= **ف، س، لن، ق، ق[2]، لی، ل[2]** ۲۷- **لن**: بشد؛ **و**: بشد (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۸- **آ**: شیر ۲۹- **ف، ل، س، ق، ق[2]، پ، آ**: گفت وگوی؛ متن= **لن، لی، و، ل[2]، ب** (ونیز **ل[3]**، **لن[2]**) ۳۰- **ف، ل**: جست وجوی؛ **س، ق[2]، پ، آ**: شد از گاو و (**ق[2]**: <و>) آن بیشه (**پ**: زبیشه) بر جست وجوی (**آ**: جست وجو (پساوند نادرست است))؛ **ق**: شد از کار گیتی بر جست وجوی؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= **لی، و، ل[2]، ب** (ونیز **ل[3]**، **لن[2]**) ۳۱- در **لن** این لت پاك شده است ۳۲- **ق**: براز؛ در **لن** لت یکم این بیت پاك شده است ولت دوم در جای لت یکم آمده است ۳۳- **ف**: وزان؛ **ل، لی**: کزین؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]**، **لن[2]**)

ببرّم پی از[۱] خاک جادوستان　　شوم با پسر سوی[۲] هندوستان
شوم ناپدید از میانِ گروه　　برم خوبرخ را به[۳] البرز کوه

بیاورد فرزند را چون نوند　　چو غُرم ژیان سوی کوه بلند[۴]
یکی مرد دینی بران[۵] کوه بود　　که از کار گیتی بی[۶] انده بود
فرانک بدو گفت کای[۷] پاکدین　　منم سوگواری از[۸] ایران زَمین
بدان کین[۹] گرانمایه فرزند من　　همی بود خواهد سر[۱۰] انجمن
ببرّد سر و تاج[۱۱] ضحّاک را　　سپارد[۱۲] کمربند[۱۳] او خاک را
ترا بود باید نگهبان اوی[۱۴]　　پدروار لرزنده بر جان اوی[۱۴]
پذیرفت[۱۵] فرزند او نیکمرد　　نیاورد هرگز بدو[۱۶] باد سرد
خبر شد[۱۷] به ضحّاک یک[۱۸] روزگار　　از آن گاو بَرمایه[۱۹] و مرغزار[۲۰]
بیامد از آن[۲۱] کینه چون پیل مست　　مران گاو بَرمایه[۲۲] را کرد پست[۲۳]
جز آن هرچه[۲۴] دید اندرو[۲۵] چارپای　　بیفگند و[۲۶] زیشان بپرداخت[۲۷] جای
سبک سوی خانِ فریدون[۲۸] شتافت　　فراوان پژوهید و[۲۹] کس را نیافت
به ایوان او آتش اندرفگند　　بپای[۳۰] اندرآورد[۳۱] کاخ بلند

چو بگذشت بر آفریدون[۳۲] دوهشت　　ز[۳۳] البرزکوه اندرآمد به دشت
بر مادر آمد پژوهید[۳۴] و گفت　　که بگشای بر من نهان از نِهفت
بگویی مرا تا[۳۵] که بودم پدر؟　　کیم من؟ به تخم از کدامین[۳۶] گهر؟
چه گویم کیم، بر سرِ انجمن؟　　یکی دانشی داستانی[۳۷] بزن

۱- **لن**: بدانم که‌از؛ **لی**: روم من ازین؛ **ل**[۲]: ببرّم ازین؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۲- ف**: شوم باپسرمن؛ **ل**[۲]: شوم تا سر مرز؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　**۳- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]: مرین را برم سوی (**لن،ق**[۲]**، پ**: تابه)؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])؛ **ف، ل، ق، لی** (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چوگفت این سخن خوبرخ رابرد (**لی**: خوبرخ باپدر)　　زبس داغ(**ل**: درد) او(**لی**: از)خون‌دل‌می‌سترد(**ق**: بدل‌می فسرد)

این بیت درهشت دستنویس دیگر(ونیز در **لن**[۲]) نیست　**٤- ل، ق**: چو مرغان بران تیغ کوه بلند؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　**۵- ق، لی، پ**: بدان؛ متن= نه دستنویس دیگر　**٦- س، آ**: پر　**۷- و**: ای؛ **آ**: که　**۸- ل، لی، و**: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۹- لن**: کان　**۱۰- ق**: شه　**۱۱- ل**: سر تاج؛ **ب**: سر ازیال؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۱۲- ق**[۲]: بسازد　**۱۳- ب**: کمرگاه　**١٤- ل، س، لی، آ، ل**[۲]: او؛ متن= هفت دستنویس دیگر　**۱۵- ل- پ، ل**[۲]**، ب**: بپذرفت؛ متن= **ف، و، آ**　**١٦- ق**[۲]**، و**: برو　**۱۷- لی**: خبر برد　**۱۸- ل، ق**: بد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　**۱۹- ف**: بُرمایه (=پرمایه)؛ **ل، س، ق، لی**: برمایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **و، آ، ل**[۲]**، ب**: پرمایه (حرف یکم سه نقطه دارد)　**۲۰- لن، ق**[۲]**، پ**: ازان بیشه و گاو و آن مرغزار　**۲۱- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ب**: بیامد پر از؛ **ل**[۲]: بیامد بران؛ متن= **ف، ل، ق**　**۲۲- ف**: بُرمایه (=پرمایه)؛ **ل، س، لن، ق، ق**[۲]**، لی**: برمایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **و، آ، ل**[۲]**، ب**: پرمایه (حرف یکم سه نقطه دارد)　**۲۳- لی**: مست (پساوند ندارد)　**۲٤- ل- پ، آ، ل**[۲]: همه هرچه (**ل، ق**: هرچ)؛ **و**: جز او هرچه؛ **ب**: همان هرچه؛ متن= **ف** (ونیز **لن**[۲])　**۲۵- و**: بود اندران　**۲٦- پ**: < و>　**۲۷- ل**: بپردخت؛ متن= یازده دستنویس دیگر　**۲۸- و**: سوی خانهٔ آفریدون؛ **آ**: بیك سوی خان فریدون؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۲۹- لی**: < و>　**۳۰- ل، ق**: زپا؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: زپای؛ متن= **ف، و**　**۳۱- ق**[۲]: اندر افکند　**۳۲- ل**: چو بگذشت ازان بر فریدون؛ متن= یازده دستنویس دیگر　**۳۳- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: از؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل**[۲]؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **س، لن، لی، پ، و**: پرسیدن فریدون (**س، و**: شاه فریدون) نژاد خود را از مادر؛ **ق**: پرسیدن فریدون از مادر نژاد خود را؛ **ق**[۲]: سؤال فریدون نژاد خود از مادر؛ **ل**[۲]: پرسیدن افریدون از مادر خبر پدر؛ **ب**: بازجستن فریدون نژاد خود را　**۳٤- و**: بپرسید　**۳۵- ل- پ، ل**[۲]**، ب**: بگو مر مرا تا؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): نگویی مرا تا؛ **آ**: بگو تا مرا خود؛ متن= **ف** (ونیز **ل**[۳])　**۳٦- ل، ق، لی، و، ل**[۲]: زتخم کدامین؛ **آ**: زتخم از کدامین؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]**، پ، ب** (ونیز **ل**[۳])　**۳۷- ل، ق**: داستانم؛ متن= ده دستنویس دیگر

فرانک بدو گفت کای[1] نامجوی بگویم ترا هرچه گفتی[2] بگوی
تو بشناس کز مرز ایران زَمین یکی مرد بُد نام او آبتین
ز تخم کَیان بود و بیدار بود خردمند و[3] گُرد و[4] بی آزار[5] بود
ز طهمورث[6] گُرد بودش نژاد پدر بر پدر بر همی داشت یاد
پدر بُد ترا، مرمرا[7] نیک شوی نبُد روز روشن مرا جز بدوی
چُنان بُد که ضحّاک جادوپرست ز[8] ایران به جان تو یازید دست
ازو من نِهانت[9] همی داشتم چه مایه به بَد[10] روز بگذاشتم
پدرت آن گرانمایه مرد جوان فدا کرد[11] پیش تو روشن روان
سرانجام رفتم سوی[12] بیشه‌یی که کس را نه زان بیشه[13] اندیشه‌یی
یکی گاو دیدم چو باغ[14] بهار سراپای نیرنگ و رنگ و نگار[15]
نگهبان او پای[16] کرده به کَش نشسته به پیش اندرون[17] شاه‌فَش
بدو[18] دادمت روزگاری دراز[19] همی پروریدت به‌بربر به ناز[20]
ز پستان آن گاو طاوس رنگ برافراختی[21] چون دلاور پلنگ[22]
سرانجام از آن[23] گاو و آن[24] مرغزار یکایک[25] خبر شد بر[26] شهریار
بیامد بکشت آن گرانمایه را چُنان بی زبان مهربان[27] دایه را
وُ ز[28] ایوان ما تا به خورشید خاک برآورد و[29] کرد آن[30] بلندی مَغاک

۱- **پ، و**: ای ۲- **ل[2]**: دانی ۳- آ: <و> ۴- **ق**: گردی ۵- **لی**: جهاندار ۶- **ل، ق، ق[2]، لی، و- ب**: طهمورث (با سه نقطه)؛ **س**: طهمورث (نقطه ندارد)؛ متن= **ف، لن، پ**؛ در **ف** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷- **ل، س، پ، و**: ترا و مرا؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ف** این بیت با بیت پیشین پس و بیش شده است ۸- **ل- ب**: از؛ متن= **ف**؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

به ضحاک گفتش ستاره شمر که روز تو آرد فریدون بسر

۹- **ق[2]**: ازویت نهانی ۱۰- **لی**: بدو؛ **ل[2]** این بیت را دوباره نوشته است ۱۱- **ل، لن، ب**: فدی کرد (**ل**: کرده)؛ **س، لن، ق[2]- ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ابرکتف (**و**: دوش) ضحاک جادو (**و**: تازی) دومار برُست و برآمد ز مردم دمار
لن، ق[2]، پ، و: برست و برآورد از (**و**: ز) ایران دمار
سر بابت از مغز پرداختند همان (**پ، و**: مران) اژدها را خورش ساختند

این دو بیت در **ف، ل، ق** نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند؛ **بنداری** نیز این دو بیت و یا دست کم بیت دوم را دارد: وأن الضحاك قدقتله، وأطعم دماغه الحيتين النابتتين على كاهليه؛ **ب** پس از این دو بیت افزوده است:

بکشت آن گرانمایه را خوار خوار تبه کرد بر ما چنین روزگار

۱۲- **ق**: بر ۱۳- **س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: که کس را نبد هیچ؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۱۴- **ل**: خورم؛ **س- پ، آ، ل[2]**: خرّم؛ متن= **ف، و، ب** ۱۵- **ل[2]**: رنگ بهار (پساوند ندارد)؛ **پ**: سراپای او پر زرنگ و نگار؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- **ل[2]**: دست؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۷- **ل، و، ل[2]** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): نشسته به بیشه درون؛ **ق[2]**: بپیش اندرو<ن>؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- **لن**: برو ۱۹- آ: دادم از روزگار دراز ۲۰- **لی**: بعز و بناز؛ **ل[2]**: ببر بر نیاز؛ **و**: ببر بر همی پروریدت بناز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- **س**: براویختی؛ آ: برافراخته ۲۲- **س- پ، ب**: نهنگ؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل[2]** ۲۳- **ق، ق[2]، ل[2]**: زان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- **ل، لی**: گاو آن؛ **ق[2]، ل[2]**: گاو و زان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- **ق[2]**: که یك یك ۲۶- **ل- پ، آ، ب**: سوی؛ متن= **ف، و، ل[2]** (ونیز **ل[3]، لن[2]**)؛ **ل- ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

زبیشه ببردم ترا ناگهان گریزان از (**لن، پ، و**: ز) ایوان وز (**س، و، ب**: از) خان ومان

ل، ق: گریزنده زایوان وز (**ق**: از) خان ومان **لی، ل[2]**: بریدم (**ل[2]**: گرختم) زایران (**ل[2]**: ایوان) و از خان و مان؛ این بیت در **ف** نیست ۲۷- **ق[2]**: چنان مهربان بی زبان؛ **و**: چنان باوفا مهربان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- **لی، و**: از ۲۹- **پ**: <و> ۳۰- **س، ق[2]، لی، و، آ**: از؛ متن= هفت دستنویس دیگر

فِریدون برآشفت و[۱] بگشاد گوش ‌ ‌ ‌ ز گفتار مادر برآمد بجوش
دلش گشت پردرد و سر[۲] پر ز کین ‌ ‌ ‌ به ابرو[۳] ز خشم اندرآورد چین
چُنین داد پاسخ به مادر که شیر ‌ ‌ ‌ نگردد مگر بازمایش[۴] دِلیر
کنون کردنی کرد جادوپرست ‌ ‌ ‌ مرا برد باید به شمشیر دست
بپویم به فرمان یزدان پاك ‌ ‌ ‌ برآرم از[۵] ایوان ضحّاك خاك

بدو گفت مادر که این رای نیست ‌ ‌ ‌ ترا با جهان سربسر[۶] پای نیست
جهاندار ضحّاك با تاج[۷] و گاه ‌ ‌ ‌ میان بسته فرمان[۸] او را سپاه
چو خواهد، ز هر[۹] کشوری صدهزار ‌ ‌ ‌ کمربسته او را کند کارزار
جزاینست آیین و پیوند کین[۱۰] ‌ ‌ ‌ جهان را به چشم جوانی مبین
که هر کو[۱۱] نبید جوانی چَشید ‌ ‌ ‌ به گیتی جز از خویشتن را[۱۲] ندید
بدان مستی اندر دهد سر بباد ‌ ‌ ‌ ترا روز جز شاد و خرّم[۱۳] مباد

گفتاراندر داستان کاوه‌ی آهنگر باضحّاک تازی[۱۴]

چُنان بُد که ضحّاك را[۱۵] روز و شب ‌ ‌ ‌ به نام[۱۶] فریدون گشادی دو لب
بران[۱۷] بُرزبالا ز بیم نشیب ‌ ‌ ‌ شد از آفْرِیدون دلش[۱۸] پُر نِهیب

چُنان بُد که یك روز بر تخت عاج ‌ ‌ ‌ نِهاده بسربر[۱۹] ز پیروزه تاج
ز هر کشوری مهتران[۲۰] را بخواست ‌ ‌ ‌ که در پادشاهی کند پشت راست
از آن[۲۱] پس چُنین گفت با موبدان ‌ ‌ ‌ که ای پرهنر نامور[۲۲] بخردان[۲۳]
مرا در نِهانی یکی دشمن ست ‌ ‌ ‌ که بر بخردان[۲۴] این سَخُن روشن ست

۱- **ل**: فریدون چو بشنید؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲- **لن، پ**: دلش پر زدرد و سرش ۳- **ق**[۲]، **پ**: برابرو؛ آ این بیت و دو بیت پیش از آنرا دوبار نوشته است ۴- **ل، و**: زآزمایش؛ **لن، ق**[۲]، **پ**: بازمودن؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- **ل، لن، ق، لی، پ، و، ب**: ز؛ متن= **ف، س، ق**[۲]، **آ، ل**[۲] ۶- **ق**: جهان را سراسر ترا ۷- **پ**: تخت ۸- **لن، ق**[۲]، **پ، و**: کمربسته فرمان؛ **ق**: بفرمان میان بسته؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **ل**: چو خواند زهر؛ **ب**: چو او خواهد از؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- **ل، لی، ل**[۲]: پیوند وکین؛ **و**: چنین است آیین و پیمان دین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **آ**: که ۱۲- **ف** (ونیز **ل**[۳]): کس؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **لن**[۲]) ۱۳- **ل**: خورم ۱۴- **ف**: گفتار اندر داستان کاوه آهنگر باضحاك تازی و محضر نبشتن ضحاك و دریدن کاوه آن محضر را و رفتن بطلب افریدون؛ **ل، ق، ق**[۲]، **لی، ب**: داستان کاوه آهنگر با ضحاك (**ق**: ضحاك تازی)؛ **س**: داستان کاوه آهنگر با ضحاك از بهر پسران؛ **لن**: داستان کاوه با ضحاك تازی؛ **پ، و**: داستان ضحاك با کاوهٔ آهنگر؛ **ل**[۲]: محضر کردن ضحاك از خوف افریدون؛ آ سرنویس ندارد؛ متن= اغاز **ف** ۱۵- **س- پ، آ، ل**[۲]: خود؛ **و**: در؛ متن= **ف، ل، ق، ب** ۱۶- **س، لن، ق**[۲]- **آ**: بیاد؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[۲]، **ب** ۱۷- **س، لن، لی- ل**[۲]: بدان؛ **ق** این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، ق**[۲]، **ب** ۱۸- **ل، س، لی، آ، ب**: شده زافریدون (**لی**: از فریدون) دلش؛ **لن، ق**[۲]، **لی**: دلش زافریدون (**ق**[۲]: از فریدون) شده؛ متن= **ف، و، ل**[۲] ۱۹- **ف**: بسر برنهاده؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲۰- **ب**: موبدی؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

بزرگان فرزانه را گرد کرد ‌ ‌ ‌ از اخترشناسان و مردان مرد

۲۱- **ب**: وزان ۲۲- **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب**: پرهنر باگهر؛ **ق**: باگهر پرهنر؛ متن= **ف، پ، و** ۲۳- **لن**: مهتران ۲۴- **ل**[۲]: **مهتران**؛ **ف، ل، لی** (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت سه بیت؛ و **ق** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

به‌سال اندکی و (**ق**: اندك آمد) به دانش بزرگ ‌ ‌ ‌ گوی بدنژادی (**ق**: کی نژادی؛ **لی**: برنژاد و) دلیر وسترگ
اگرچه بسال اندکی (**ل**: اندك‌ای؛ **لی**: اندکست) راستان (**لی**: این‌جوان) ‌ ‌ ‌ دریـن کار موبد زدش داستان
لی: چنین گفت موبد به‌پیش گوان
که دشمن اگرچه بود خوار و خرد ‌ ‌ ‌ نیایدت (=بیایدت) او را به پی بر سپرد
لی: مرو را بنادان نباید شمرد

ندارم همی دشمن خرد خوار　　بترسم همی از بدِ روزگار[1]
همی زین فزون بایدم لَشکری　　هم از مردم[2] و هم ز دیو و پری
یکی لَشکری خواهم انگیختن　　ابا دیو[3] مردم برآمیختن[4]
بباید بدین[5] بود همداستان　　که من ناشکیبم[6] بدین[7] داستان
یکی محضر اکنون بباید نبشت[8]　　که جز تخم نیکی سپهبد نکِشت[9]
نگوید[10] سُخُن جز همه راستی　　نخواهد به داد اندرون کاستی
ز بیم سپهبد همه راستان　　بدان[11] کار گشتند همداستان
بدان[12] محضر اژدها ناگزیر[13]　　گواهی نبشتند[14] برنا و پیر
همانگه یکایك[15] ز درگاه شاه　　برآمد خروشیدن دادخواه
ستم دیده را پیش او[16] خواندند　　بر نامدارانش بنشاندند
بدو گفت مهتر به روی دژم　　که برگوی تا از که دیدی[17] ستم
خروشید و زد دست بر سر ز شاه　　که شاها منم کاوهٔ دادخواه[18]
یکی بی زیان[19] مرد آهنگرم　　ز شاه آتش آید همی بر سرم

۱- ق این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۱۸۹پ افزوده‌اند:
بترسم که گیرد بمن بر جهان　　کند مرمرا ناپدید او نهان
ق: کند مرمرا زافسر خسروان؛
در لن پس از بیت ۱۹۰ بیت ۱۹۴ آمده است　۲- لن: هم از مرد مردم (وزن نادرست است)　۳- لن، ل[۲]: دیو و　۴- س، لن: برآویختن؛ ق[۲]: برانگیختن؛ متن= نه دستنویس دیگر　۵- لن، ق[۲]- ل[۲]: برین؛ متن= ف، ل، س، ق، ب　۶- ف: که من دل ببستم؛ ل، ق: که فردا نشینم؛ لن: که من ناشنودم؛ لی: که بس ناشکیبم؛ پ: که من تاشکیبم؛ و: که من دانشی ام؛ ل[۲]: که ناید شکیبم؛ متن= س، ق[۲]، آ، ب　۷- لن: درین؛ س، ق[۲]: ازین؛ پ، و: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۸- ل، س، ق، ق[۲]، پ، و، آ، ب: نوشت؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، ل[۲]　۹- و: که ضحاك جز تخم نیکی نکشت؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۹۰ آمده است　۱۰- لن: نگویم؛ لی این بیت را ندارد؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است
۱۱- ل: بران؛ در لن لت یکم این بیت پاك شده است؛ لی این بیت را ندارد　۱۲- ل، ل[۲]: بران؛ س، لن، ق[۲]، لی، پ، و: در آن؛ متن= ف، ق، آ، ب
۱۳- آ: اژدهای گزیر　۱۴- ل، ق، پ، و، آ: نوشتند؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ف، س، ق[۲]، لی، ل[۲]، ب
۱۵- و: یکایك همانگه؛ در لن این لت پاك شده است　۱۶- ق: خود؛ س، لی، آ، ل[۲]: وی؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۱۷- ق: داری؛ آ: که بر گوی که تا از که دیدی (وزن نادرست است)　۱۸- پس از این بیت ف، س، لن، ق[۲]، لی، پ بیت هایی افزوده‌اند؛ این بیت ها در ل، ق، و، آ، ل[۲]، ب (ونیز در ل[۳]، لن[۲] و ترجمهٔ بنداری) نیست، ولی در ق (ونیز در ل[۳]) آنها را در کناره افزوده‌اند؛ پیاپی بیت ها به پیروی از ف است؛ پیاپی آنها در س، لن، ق[۲]، لی، پ چنین است: 1, 2, 11, 3, 4, 12, 13, 6-10 (بیت 5 را ندارند):

بده داد من کامد ستم (ق[۲]: امد ستم) دوان　　همی نالم از تو به رنج روان
اگر داد دادن بود کار تو　　بیفزاید ای شاه مقدار تو
ستم‌گرنداری‌توبرمن‌روا(ف،س: برماروا؛ لی: توفرمان‌روا)　　به فرزند من دست بردن (لی: بردی) چرا
ببخشای‌برمن(ف: ببخشایش‌دل)یکی‌درنگر　　که سوزان شود هر زمانم جگر (لن: 13 ب)
پدر چون به فرزند شد سوخته　　شد از روز بدنوحه اموخته
زگشت‌جهان(ف: جوان)چونشودپیرمرد(لی: مردپیر)　　بفرزند باشد بی ازار و درد (لی: ورا دستگیر)
ف: به فرزند نازد نه از دار و برد
مراروزگاراین(لن: روزگارم؛ پ: روزگاری)چنین‌کوژ(س،لی: کور)کرد　　دلی پرامید و سری پر زدرد (ف: گرد)
جوانی‌نماندست‌و(لن،لی: <و>)فرزندنیست　　به گیتی چو فرزند پیوند نیست
ف: بیك قول با من تو شاها بئیست
ستم‌رامیان‌وکرانه(ف: کران‌ومیانه)بود(لی: نبود)　　همیدون ستم را بهانه بود (لی: نبود)
بهانه چه داری تو بر من بیار　　که بر من سگالی بد روزگار
ز تو بر من آمد (لن، پ: آید) ستم بیشتر　　زند بر دلم (لی: زنی بر سرم) هر زمان نیشتر
شها من چه کردم یکی بازگوی　　وگر بی گناهم بهانه مجوی
به حال من ای تاجور در نگر　　میفزای بر خویشتن دردسر
۱۹- ل، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]: بی زبان؛ س: بی زنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ و: بر زیان؛ متن= ف، لن، ق، پ، ب

تو شاهی وُگر[1] اَژدَها پیکری؟ / بباید زدن داستان[2]، آوری[3]
اگر[4] هفت کشور به شاهی تُراست / چرا[5] رنج و سختی همه بهر ماست
شماریت[6] با من[7] بباید[8] گرفت / بدان تا جهان ماند اندر شِگفت
مگر[9] کز شمار تو آید پدید / که نوبت ز گیتی به من[10] چون رَسید
که مارانْت را مغز فرزند من / همی داد باید ز هر[11] انجمن

سپهبد به گفتار او بنگرید / شِگِفت آمدش کان[12] سُخُن ها شنید[13]
بدو باز دادند فرزند اوی[14] / به خوبی بجستند[15] پیوند اوی[14]
بفرمود پس[16] کاوه را پادشا / که باشد بدان[17] محضر اندر گُوا
چو برخواند کاوه همه محضرش / سبک سوی[18] پیران آن کشورش
خروشید[19] کای پایمردان دیو[20] / بریده دل از ترس گیهان خدیو
همه سوی دوزخ نِهادید[21] روی / سپردید دل ها[22] به گفتار اوی
نباشم بدین محضر اندر گُوا / نه هرگز براندیشم[23] از پادشا[24]
خروشید[25] وبرجست لرزان ز جای / بدرّید و بسپَرد[26] محضر به[27] پای
گرانمایه فرزند او پیش اوی[28] / ز[29] ایوان برون شد خروشان به کوی[30]

مِهان[31] شاه را خواندند آفرین / که ای نامور[32] شهریار زَمین
ز چرخ فلك[33] بر سرت باد سرد / نیارد گذشتن به روز نبرد
چرا پیش تو کاوهٔ خام گوی / بسان هَمالان کند سرخ روی
همی[34] محضر ما به پیمان[35] تو / بدرّد، بپیچد ز فرمان تو

۱- س، لن، ل[2]: تو شاهی اگر؛ **ب**: تو شاها اگر؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲- ل- پ، ل[2]، ب**: بباید زد این داستان؛ **س، و، آ**: بباید بدین (**و**: برین) داستان؛ متن= **ف** **۳- لن، ق[2]- ب**: داوری؛ متن= **ف، ل، س، ق** **٤- ل**: که گر؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۵- ق**: زتو **٦- ل**: شمارید **۷- س**: بر من **۸- لی**: نباید **۹- لی**: نگر **۱۰- ق[2]، ل[2]، ب**: بگیتی بمن؛ **لی**: بفرزند من؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۱- لن، ق[2]- و**: بهر؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۲- و**: کین **۱۳- س، لن، لی، پ، آ**: شگفتی بدید؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[2]، ب** **١٤- ل، س، آ، ل[2]**: او؛ **لی**: را؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، ق، پ، و، ب** **۱۵- لن**: بجستند پرمایه؛ **ف** پس از این بیت دو بیت افزوده است:

پس او را بفرمود شاه جهان / که آرام گیرد بر آن مهان
چو خطها بدادند پیران همه / برانسان که فرمود شاه رمه

١٦- ل، ق، و: مر؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۷- ل**: بران؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

که کوتاه شد دست شاه از بدی / نپوید بکژی و نابخردی

۱۸- ف: همی (← غمی) شدز؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

چو آگه شد از گفتهٔ شهریار / براشفت از آن کاوهٔ نامدار

۱۹- ف: چنین گفت؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۲۰- لی**: نیو؛ **و**: کای پاك مزدور دیو؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۱- ق[2]**: نهادند؛ **آ، ل[2]، ب**: نهادیت؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۲- ل، ق**: دل را؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۳- ق[2]**: نیندیشم هرگز من؛ **لی**: نه هرگز بیندیشم **٢٤- و**: از خشم شاه **۲۵- ل[2]**: چو خورشید(!) **٢٦- لی، آ**: بسترد؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۷- آ**: ز **۲۸- ل، آ، ب**: او؛ **لی**: فرزند پیش او اوی (وزن نادرست است) **۲۹- س**: از **۳۰- ف**: خروشان برون شد زخانه بکوی؛ **و**: خروشان زایوان برون شد بکو؛ **آ**: از ایوان بدر شد خروشان بکو؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۱- ل[2]**: همان **۳۲- ق**: نامبردار **۳۳- و**: برین **٣٤- ل- آ**: همه؛ **ل[2]**: همین؛ متن= **ف، ب** **۳۵- ل، و**: ما و پیمان؛ **آ**: ما بدیوان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

سر (**ق[2]**: بر) و دل پر از کینه کرد و برفت / توگفتی (**ق[2]**: توگویی؛ **س، لی، آ، ب**: چه‌گویی) که‌عهدفریدون گرفت
ندیدیم از این کارما (**ق[2]**: با) صعب (**ب**: سخت) تر / بماندیم خیره بدین (**پ**: برین) کار در

این بیت ها در **ف، ل، ق، و، ل[2]** (و نیز در **ل[3]، لن[2]**) نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند

کَی[1] نامـور پاسـخ آورد زود   که از من[2] شِگِـفـتـی ببـاید شُنُـود
که چون کاوه آمـد ز درگـه[3] پدید   دو گوش من آواز[4] او را شنـید
میان من و او ز[5] ایوان درست   یکـی کوه گفـتـی ز آهـن[6] بُرُسـت
همـیدون چُنـو زد بهسـربـر[7] دو دسـت   شِگِـفـتـی مرا در دل آمـد شکسـت[8]
ندانـم چه شاید بُدن زین سپس   که راز[9] سپـهری ندانـسـت کس

چو کاوه برون شد ز درگـاه شاه[10]   برو[11] انـجـمـن گشـت بازارگـاه
همـی برخـروشـید و فریاد خوانـد[12]   جهـان را سراسـر[13] سُوی داد خوانـد[12]
از آن چرم کاهـنـگـران[14] پشـتِ پای[15]   بپـوشـنـد هَنـگـام زخـم دَرای
همـان کاوه[16] آن بر سر نیزه کرد   همـانـگـه ز بازار برخـاسـت گَرد
خروشـان همـی رفـت نیزه بدسـت   که ای نامـداران یزدان پرسـت[17]
کسـی کو هوای فریدون کنـد   سر[18] از بنـد ضحّاک بیرون کنـد
بپـویید، کین[19] مهـتـر آهَـرمَـن ست   جهـان آفـرین را به دل دشـمـن ست
همـی رفـت پیش[20] انـدرون مرد گُرد   سپـاهـی[21] برو[22] انـجـمـن شد نه خُرد
بدانـسـت خود[23] کافْـریدون کجـاسـت   سر انـدر کشـید و[24] همـی رفـت راسـت
بیامـد به درگـاه سالار نَو   بدیدنـدش از دور و[25] برخـاسـت غَو[26]
چُن[27] آن پوسـت[28] برنـیزهبـر دیدکَـی   به نیکـی یکـی اخـتـر افـگـنـد پَی

۱- آ: شه   ۲- **ل**[۲]: که این را؛ در **س، لی، و، آ، ل**[۲]**، ب**، پس از این بیت بیت ۲۲۳پ آمده است؛ در **لن، ق**[۲]**، پ** پس از این بیت، بیت های ۲۲۴ و ۲۲۵ و سپس بیت ۲۲۲ آمده است   ۳- **ل**[۲]: کاوه از درگه آمد؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر   ٤- **و، ب**: آوای؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۵- **س**: از   ٦- **ل**: تو گفتی یکی کوه آهن؛ **ق، و**: تو گویی (**و**: گفتی) یکی کوه آتش؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: یکی آهنین کوه از ایوان (**س، لی**: کوه گفتی؛ **آ، ل**[۲]**، ب**: کوه گویی)؛ **پ**: یکی کوه آهن تو گفتی؛ متن= **ف**؛ **ف** پس از این بیت بیت زیر را افزوده است که در **س، لی، و، آ، ل**[۲] (و نیز در **ل**[۳]**، لن**[۲]) پس از بیت ۲۲۱ آمده است:

بـه پـیـران کـشـور چنـین گفـت شـاه   که ترسـم که شد (**ب**: شود) روز بر من (**و، آ، ب**: روز روشـن) سیاه
لی، ل[۲]: که بر من شد این روز روشن سیاه

این بیت در **ل، ق، لن، ق**[۲]**، پ** نیست، ولی گوید **بنداری** نیز آنرا داشته است: و لعل شمس دولتی قد آذنت بالغروب.   ۷- **س، لن، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: چو او زد بسر بر (**لن، لی**: بسر هر)؛ **ق، و**: چو اورد بر سر؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف**   ۸- **ل**[۲]: دو دست (پساوند ندارد)   ۹- آ: رازی؛ در **لن، ق**[۲]**، پ** پس از این بیت بیت های ۲۲۲ و۲۲۳ و سپس بیت ۲۲۶ آمده است   ۱۰- **لن، ق**[۲]**، پ**: برون آمد از پیش شاه؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱۱- **لی**: بدو   ۱۲- **ق**: کرد   ۱۳- **لی**: سراسر جهان را   ١٤- **ل**[۲]: بدان چرم آهنگران   ۱۵- **و**: دست و پای   ١٦- **ق**[۲]: همی کاوه؛ **و**: همانگاه؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۱۷-**ق**[۲]: نیزه پرست (!)   ۱۸- **ل**: دل   ۱۹- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]: بگوید که این؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب**؛ در **ق**[۲] لت های این بیت پس و پیش شدهاند؛ **س** پس از این بیت افزوده است:

بـر آن بـی بـهـا نـاسـزاوار پـوسـت   پـدیـد آمـد آواز دشـمـن ز دوسـت

لی پس از بیت ۲۳۲ افزوده است:

یـکـایـك بـنـزد فـریـدون شـویـم   بـدان سـایـه و فـرّ او بـغـنـویـم

۲۰- **ف**: همی شد بپیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر(و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۲۱- **ل، ق**: جهانی؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۲۲- **س**: بوی   ۲۳- **ل، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]: ندانست خود؛ **و**: بدانستهٔ؛ متن= **ف، س، لن، ق، آ، ب**   ۲٤- **ل**[۲]: کشیده   ۲۵- **لی، آ، ب**: < و>؛ **ق**: بدیدنش آنجا و؛ **ق**[۲]: بدیدند از دور و؛ **ل**[۲]: پدید آمد از دور و؛ متن= **ف، ل، س، لن، پ، و**   ۲٦- **ق**[۲]**، ل**[۲]**، ب**: غو؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۷- **ل-ب**: چو؛ متن= **ف**   ۲۸- **ق**[۲]: پو< ست>

بیاراست آنرا به دیبای روم ز گوهر برو پیکر[1] و زرّ بوم[2]
بزد بر سر خویش چون گرد ماه یکی فال فرّخ، پی افگند شاه[3]
فرو هشت ازو[4] سرخ و زرد و[5] بنفش همی خواندش کاویانی دِرَفش
از آن پس[6] هر آنکس که بگرفت گاه به شاهی به سر برنهادی[7] کلاه
بران[8] بی بها چرم آهنگران برآویختی نوبنو[9] گوهران
ز دیبای پرمایه و پرنیان بران[10] گونه گشت[11] اختر کاویان
که اندر شب تیره چون شید[12] بود جهان را ازو دل پر[13] اومید[14] بود

بگشت اندرین نیز چندی جهان[15] همی بودنی داشت اندر نهان[16]
فریدون چو[17] گیتی بران[18] گونه دید جهان پیش ضحّاك وارونه[19] دید
سُوی مادر آمد کمر بر میان به سر برنهاده[20] کلاه کیان
که من رفتنی ام سوی کارزار ترا جز نیایش مباد ایچ کار
ز گیتی[21] جهان آفرین را پرست[22] بدو زن[23] بهر[24] نیك و بد پاك دست[25]
فرو ریخت آب[26] از مژه مادرش همی آفرین خواند بر داورش[27]
به یزدان همی گفت: زنهار من سپردم ترا[28] ای جهاندار من
بگردان ز جانش نهیب بدان[29] بپرداز گیتی ز نابخردان

فریدون سبك ساز رفتن[30] گرفت سَخُن را ز هر کس نهفتن[31] گرفت
برادر دو بودش، دو فرّخ همال ازو هر دو آزاده مهتر بسال[32]
یکی بود ازیشان[33] کتایونش نام[34] دگر نام بُرمایه‌ی[35] شادکام

۱- **لن، پ**: پیکر از؛ **آ**: همه پیکرش گوهر و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **ل، ق**[2]،**آ**: زرّ و بوم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- در **لی** پس از این بیت بیت ۲۴۱ آمده است ۴- **و**: فرو هشته زو؛ **ب**: فرو هشت از آن؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- **ق، ق**[2]، **لی**: زرد و سرخ و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- **س، لی، آ، ل**[2]، **ب**: وزانپس؛ **لن، ق**[2]این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ۷- **ف، و**: بر نهاد او؛ **آ**: به شاهی نهاد از بر سر؛ **ل**[2]: بشاهی نهادی بسر بر؛ متن= **ل، س، ق، لی، پ، ب** ۸- **لی**: بدان ۹- **ق**[2]: بر آهیخت نو نو بدو؛ **و**: همی ریختی نوبنو؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در **لی** این بیت پس از بیت ۲۳۸ آمده است ۱۰- **س، لی**: بدان؛ **آ** این بیت را ندارد ۱۱- **ل، ق**: شد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- **ل-ب**(و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): خورشید؛ متن= **ف** ۱۳- **لن، ق**[2]، **پ**: ازو بیم و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱٤- **ل-ب**: امّید؛ متن= **ف** ۱۵- **آ**: سپهر ۱٦- **آ**: بهر بودنی بر بکین و بمهر ۱۷- **و**: که ۱۸- **س، لی**: بدان ۱۹- **ل**[2]: واژونه؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- **آ**: نهاد آن ۲۱-**ق**: بگیتی ۲۲- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ، ل**[2]: جهان آفرین بر ترست؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب** ۲۳- **ل**: ازو دان؛ **س، لن، ق**[2]، **لی، پ، ل**[2]: در وزن؛ متن= **ف، ق، و، آ، ب** ۲٤- **آ**: زهر ۲۵- **ل**: نیکی زور دست؛ **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**: نیك و بد هردو دست؛ متن= **ف، ق، و، آ، ل**[2]، **ب** ۲٦- **ل، و**: خون؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- **ل-ب**(و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): همی خواند با خون(**آ**: با درد)دل داورش؛ متن= **ف** ۲۸- **و**: بتو ۲۹- **ف، ل، ق، لی، و**: بد جاودان؛ **آ**: بدی بدان؛ متن= **س، لن، ق**[2]، **پ، ل**[2]، **ب** ۳۰- **ل**: سر برفتن؛ **ق**: فریدون ز هر کس نهفتن؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۱- **ق**: سبك رزم را ساز رفتن؛ **ق**[2]: سخن را نهفتن ز هر کس(پساوند ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- **و**: کهتر بسال؛ **لی**: ازو هر دو مهتر بماه و بسال؛ **آ**: از آن هر دو یك شاه کهتر بسال؛ **ل**[2]: ز وی هر دو مهتر بماه و بسال؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۳- **ق، و،آ**: از آن دو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٤- **ل، س، لن، ق، لی، پ، ب**: کیانوش نام؛ **ق**[2]: کیانوس(حرف های چهارم و ششم نقطه ندارند)؛ **و**: کمانوش نام(حرف های دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ **آ**: کتایون بنام؛ متن= **ف**(کتایونش نام(حرف دوم نقطه ندارد)) ۳۵- **ف**: بُر مایهٔ و(=پر مایه و)؛ **ل، س، ق، ق**[2]، **لی، ل**[2]: پر مایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **لن، و**: بر مایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **پ، آ، ب**: پرمایه(حرف یکم سه نقطه دارد)

فِریدون بدیشان[1] سَخُن[2] برگشاد / که خرّم[3] زیید ای دِلیران و شاد[4]
که گردون نگردد بجز بر بهی[5] / به ما باز گردد کلاه مِهی
بیارید[6] داننده آهنگران / یکی گرز فرمای ما را[7] گران
چو بگشاد لب هر دو بشناختند[8] / به بازار آهنگران تاختند[9]
هر آن کس کزان پیشه[10] بُد نامجوی / بسوی[11] فریدون نهادند روی
جهانجوی پرگار بگرفت زود / وُزان گرز، پَیکر بدیشان[12] نُمود
نگاری نگارید بر خاک پیش / همیدون بسان سر گاومیش
بدان[13] دست بردند آهنگران / چو شد ساخته کارِ گرز گران
به پیش جهانجوی[14] بردند گرز / فروزان بکردار خورشید برز
پسند آمدش کار پولادگر[15] / ببخشیدشان جامه و سیم و[16] زر
بسی[17] کردشان نیز[18] فرّخ امید[19] / بسی دادشان[20] مهتری را نُوید[21]
که گر اژدها را کنم زیر خاک / بشوییم شما را سر از گرد پاک
جهان را همه سوی داد آوریم[22] / چُن از[23] نام[24] دادار یاد آوریم[22]

گفتار اندر رفتن آفریدون به جنگ ضحّاک[25]

فِریدون[26] به خورشیدبر برد[27] سر / کمر تنگ بستش[28] به کین پدر
برون رفت شادان[29] به خرداد[30] روز / به نیک اختر و فال[31] گیتی فروز
سپاه انجمن شد به درگاه اوی[32] / به ابر اندرآمد سر گاه[33] اوی[32]
به پیلان گردون کَش و گاومیش[34] / سپه را همی توشه بردند پیش

۱- ل، س، لن، ق[2]، پ، و، ل[2]، ب: بریشان؛ متن= ف، ق، لی، آ ۲- ل: زبان؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳- ل: خورم ٤- آ: که زئید ای دلیران پیروز و شاد (وزن نادرست) ۵- آ: چو گردون همی بگذرد بر بهی؛ ل[2] پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار در راست کردن افریدون سلاح را ٦- ل[2]: بیارند ۷- ل، ق، و، ل[2]: فرمود باید؛ س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ب: سازید ما را؛ متن= ف ۸- لن، ق[2]- ل[2]: بشتافتند؛ متن= ف، ل، س، ق، ب (در ف، ل، س حرف یکم نقطه ندارد) ۹- لن، ق[2]- و، آ: تافتند؛ متن= ف، ل، س، ق، ل[2]، ب ۱۰- لن، ق[2]، پ: از آن پیشه هر کس که؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- ل[2]: بنزد ۱۲- پ: بریشان؛ س: وزان پیکر بد (!) ۱۳- ل: بران؛ متن= یازده دستنویس دیگر ١٤- ل، ق: جهاندار؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۵-لن، ق[2]، پ: فولادگر ١٦- ب: < و>؛ در لن لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۷- پ: همی ۱۸- ق: دادشان نیز؛ و، آ، ل[2]: نیزشان کرد (و: داد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- ق: نوید ۲۰- ق: کردشان ۲۱- ق: امید ۲۲- لن، لی: آورم؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- س- و، ب: چو از؛ ل[2]: چو آن؛ متن= ف ٢٤- آ: داد ۲۵- گفتار اندر رفتن افریدون بجنگ ضحاك و آمدن فریشته بدو و بگذشتن بر دجله بغداد به کشتی: س، لن، ق[2]، لی، پ، ب: رفتن فریدون (س: شاه فریدون) بجنگ ضحاك (س، لن: ضحاك تازی)؛ ق: گفتار اندر رفتن فریدون برزم ضحاك؛ و: لشکر کشیدن شاه فریدون بجنگ ضحاك تازی؛ ل، آ، ل[2] سرنویس ندارند؛ در ف، س سرنویس پس از بیت ۲۷۳ و در ب پس از بیت ۲۴۶ آمده است؛ متن= آغاز ف ٢٦- پ، آ: وزآنپس ۲۷- ف: برده؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۸- ف، پ- آ، ب: بسته؛ متن= ل- لی، ل[2]؛ در پ این بیت پس از بیت ۲۷۲ آمده است ۲۹- ل، ق: خرّم؛ لن، پ: برون شد بشادی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- ف: مرداد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]) ۳۱- ل[2]: سال ۳۲- ل، س، لی، آ، ل[2]، ب: او؛ لن، ق[2]، پ: بر؛ متن= ف، ق، و ۳۳- ف، و: سروگاه؛ متن= ده دستنویس دیگر ٣٤- س، لن، ق[2]، پ: به پیلان گردون و گاوان میش؛ آ، ب: به پیلان گردنکش و (ب: < و>) گاومیش؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل[2] (ل: < و>)

کتایون[۱] و[۲] بَرمایه[۳] بر دست شاه ‌ ‌ ‌ چو[۴] کهتر برادر وُرا[۵] نیکخواه
همی رفت منزل[۶] به منزل چو باد ‌ ‌ ‌ سری پر ز کینه، دلی پر ز داد[۷]

رسیدند - بر تازیان نَوَند[۸] - ‌ ‌ ‌ به جایی که یزدان پرستان بوند[۹]
پس آمد بدان جای نیکان[۱۰] فرود ‌ ‌ ‌ فرستاد نزدیك ایشان درود
چو شب تیره‌تر گشت[۱۱] از آن جایگاه ‌ ‌ ‌ خرامان بیامد یکی نیکخواه
فرو هِشته از مُشك تا پای موی ‌ ‌ ‌ بکردار حور بهشتیش روی[۱۲]
سُوی مهتر آمد بسان پری ‌ ‌ ‌ نِهانی بیامُختش[۱۳] افسونگری
کجا[۱۴] بندها را بداند کَلید ‌ ‌ ‌ گشاده به افسون کند ناپدید
فِریدون بدانست کان ایزدی ست ‌ ‌ ‌ نه از راه بیکار و دست بدی ست[۱۵]
شد از شادمانی رخش ارغوان ‌ ‌ ‌ که تن[۱۶] را جوان دید[۱۷] و دولت جوان
خورش ها بیاراست[۱۸] خوالیگرش[۱۹] ‌ ‌ ‌ یکی پاك خوان ازدر[۲۰] مهترش[۲۱]
چو شد نوش خورده[۲۲]، شتاب آمدش ‌ ‌ ‌ گران شد سرش، رای[۲۳] خواب آمدش

چو آن رفتن ایزدی کار[۲۴] اوی[۲۵] ‌ ‌ ‌ بدیدند و آن بخت[۲۶] بیدار اوی[۲۵]
برادرش هر دو برو خاستند[۲۷] ‌ ‌ ‌ تبه کردنش را بیاراستند[۲۸]
به پایان کُه[۲۹] شاه خفته به ناز ‌ ‌ ‌ شده یك زمان از شب دیریاز[۳۰]
یکی سنگ[۳۱] بود از بر[۳۲] بُرز کوه[۳۳] ‌ ‌ ‌ برادرش هر دو نِهان از گروه

۱- ف: کتایوشن؛ ل- و، ل[۲]، ب: کیانوش؛ متن= آ ۲- ف- ب: <و&gt؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ف: بُرمایه (=پرمایه)؛ ل- لی: برمایه (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ پ، آ، ل[۲]، ب: پرمایه (حرف یکم سه‌نقطه ندارد)؛ و: برمایه (حرف یکم نقطه‌ندارد) ٤- ف: چه؛ متن= یازده‌دستنویس دیگر ۵- ف، ل، و، آ، ل[۲]: همان؛ ق: همه (و یا: بهم)؛ متن= س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب ٦- لن: مهتر ۷- لن: باد (پساوند ندارد) ۸- س، لن، ق[۲]، پ، ب: تازیانی نوند؛ ق: تازیان چون نوند؛ متن= ف، ل، لی، و، آ، ل[۲] ۹- ل- و، ب: بدند؛ متن= ف، آ، ل[۲] ۱۰- پ: نیکی ۱۱- ل[۲]: چو شب گشت تیره ۱۲- س- و، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

سروشی بدان (لی، پ، ب: بدو؛ و: بداو؛ ل[۲]: بران) امده از بهشت ‌ ‌ ‌ که تا باز گوید بدو (ل[۲]: بدان) خوب و زشت

این بیت در ف، ل، ق، آ نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۳- ل، ق، پ: نهانی بیاموختش؛ لی، و، آ: نهانش (لی: نهانی) بیاموخت؛ متن= ف، س، لن، ق[۲]، ل[۲]، ب ۱٤- ل- و، ل[۲]، ب: که تا؛ متن= ف، آ ۱۵- س، لن، ق[۲]، پ، ب: نه اهرمنی و نه کاربدیست؛ متن= هفت‌دستنویس دیگر ۱٦- ق: خود ۱۷- ق[۲]: بود ۱۸- و: خورش نغز آراست ۱۹- س، پ: خوالیگران ۲۰- و: از بر ۲۱- س، پ: مهتران ۲۲- ق: چو شد خورده را بر؛ پ: چو شد نوش کرده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، ق[۲]: سوی؛ ق: زود؛ آ: را و؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ل[۲] پس از این بیت سرنویس دارد: قصه (← فتنه) کردن برادران فریدون در امید پادشاهی ۲٤- ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب: چو آن ایزدی رفتن و (س، ق[۲]، ب: <و>) کار؛ ق، و: چو آن رفتن و ایزدی کار؛ ل[۲]: چوان با فره گشت پیکار؛ متن= ف ۲۵- ف- لن، س، آ، ل[۲]: او؛ متن= ق[۲]، پ، و، ب ۲٦- آ: پدید امد و بخت ۲۷- ل، ق، آ، ل[۲]: برادرش هر دو برون خاستند (ق: بپا خاستند؛ آ: بکین خاستند؛ ل[۲]: چو بر خاستند)؛ س، لن، ق[۲]، پ، ب: برادرش را هر دو بر خاستند؛ لی، و: برادرش پس هر دو بر خاستند؛ متن= ف ۲۸- آ: تبه کردنش <را> برون تاختند ۲۹- س، لن، ق[۲]، لی: بپایین که؛ پ: بپایین کهش؛ و، ب: ببالین که؛ ل[۲]: ببالین آن؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق ۳۰- ق: شب تیره باز؛ در س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲] این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۱- ف: جای؛ ل، س، لن، لی، پ، ل[۲]، ب: کوه؛ متن= ق، ق[۲]، و ۳۲- ف، ل، س، لن، لی، پ، ل[۲]، ب: از برش؛ متن= ق، ق[۲]، و ۳۳- آ: بدانجا که او خفته بد بود کوه؛ در س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲] این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل، ق پس از این بیت و س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب پس از بیت ۲۸٦ و و پس از بیت ۲۸۸ افزوده‌اند:

به که بر شدند ان دو بیدادگر ‌ ‌ ‌ وزیشان نبد هیچ (ل[۲]: ایچ) کس را خبر

این بیت در ف، آ نیست؛ ل پس از این بیت یك بیت دیگر هم افزوده است:

برفتند هر دو نهان از گروه ‌ ‌ ‌ بران برز بالای آن تیغ کوه

س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ل[۲]، ب بجای این بیت بیت زیر را افزوده‌اند که در ل، ق پس از بیت ۲۸۸ آمده است:

ز خارا بکندند سنگی (ل، ق: لختی) گران ‌ ‌ ‌ ندیده مران (س، لن، ق[۲]، پ، ب: ندیدند مر؛ و: ندیدند آن) کار بد را کران

این بیت در ف، آ نیست

دویدند بر کوه و کندند سنگ[۱] … بدان تا بکوبند سرش[۲] بی درنگ
وُزان[۳] کوه غلتان فرو گاشتند[۴] … مران خفته را کشته[۵] پنداشتند[۶]
به فرمان یزدان سر خفته مرد … خروشیدن سنگ بیدار کرد
به افسون همان[۷] سنگ بر جای خویش … ببست و نجنبید آن سنگ بیش[۸]
همانگه[۹] کمر بست و[۱۰] اندر کشید … نکرد آن سَخُن را[۱۱] بریشان[۱۲] پدید
به اروند رود اندرآورد روی … چُنان چون بود شاه[۱۳] دیهیم جوی
اگر پهلوانی ندانی[۱۴] زبان … به تازی تو اروند را دِجله خوان
دگر[۱۵] منزل آن شاه آزاد مرد … لب دجله و[۱۶] شهر[۱۷] بغداد کرد
چو آمد بنزدیك اروند رود … فرستاد زی رودبانان درود[۱۸]
که کشتی و زورق هم اندر شتاب[۱۹] … گذارید یکسر بدین[۲۰] روی آب
نیاورد کَشتی نگهبان رود … نیامد به گفتِ فِریدون فرود

۱- **ل، ق**: از آن کوه بالا بکندند سنگ؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]،ب**: چو ایشان از آن کوه کندند سنگ؛ **و**: دویدند و از کوه کندند سنگ؛ **آ**: برفتند و زان کوه کندند سنگ، متن= **ف** ۲- **ف**: بدان تا بکوبند سرش (وزن نا درست است)؛ ل: بدان تا بگوید سرش؛ آ: که کوبند از آن سرش را؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **آ** پس از این بیت افزوده است:

بکندند سنگی چو یکپاره کوه … که شد گاو ماهی ز بارش ستوه

۳- **ل، ق[۲]**، آ: ازان؛ متن= ده دستنویس دیگر ٤- **ف، و**: فروکاستند؛ **ق[۲]**: همی داشتند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **ل، ق**: مرده؛ متن= ده دستنویس دیگر ٦- آ: انگاشتند ۷- **ل**: مران؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ب**، (و **ق** در کناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

برادر بدانست کان ایزدیست … نه از راه بیکار و دست بدیست (= ۲۸۰)

آ بجای این بیت بیت زیررا افزوده است:

بدزدید تن را ز سنگ گران … گزید از گزارش (= گذارش) بزودی کران

۹- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: فریدون؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل[۲]** ۱۰- **ل[۲]**: <و> ۱۱- **و**: سخن ها ۱۲- **س- پ، آ، ل[۲]، ب**: بدیشان؛ متن= **ف، ل، و**؛ **س، لن، ق[۲]- و، ب** (و **ق** در کناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

براند و بدش کاوه پیش سپاه … برافراز راند او از آن جایگاه
لی: دلش پر ز کینه ز ضحاك شاه
برافراشته کاویانی درفش … همایون همان خسروانی درفش

و پس از این بیت سرنویس دارد: گذشتن شاه فریدون از اروند رود بی کشتی ۱۳- **ل- پ**: مرد؛ متن= **ف، و- ب** ١٤- **ل[۲]، ب**: بدانی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۵- **ف، ق، ل[۲]**: سوم؛ **لی، و** (و نیز **لن[۲]**): سیوم؛ **آ** (و نیز **ل[۲]**): دوم؛ متن= **ل، س، لن، ق[۲]، پ، ب** ١٦- آ: لب دجله را ۱۷- **ب**: شط ۱۸- **در ق[۲]** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **ل، ق** پس از این بیت و **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب** پس از بیت ۲۹۷ دو بیت افزوده‌اند که در **ف** تنها بیت دوم آن پس از بیت ۲۹۷ آمده است و در **و** و **آ** هیچیك از آن دو بیت نیست:

بدان (**ق[۲]**: بدین) تازیان گفت پیروز (**لی**: فیروز) شاه … که کشتی برافکن هم اکنون براه
ل: بدان رودبان گفت پیروز شاه
ق: بدان رودبانان چنین گفت شاه
مرا با سپاهم (**ق[۲]**: سپاهی) بدان سو رسان … ازاینها (**س**: ازآنها؛ **لن**: وزینها) کسی رابدین سو (**پ**: یکی رابدان سو) ممان

۱۹-**ق[۲]**: که کشتی و آن زورق اندر شتاب؛ متن= **ف، س، لن، لی- ب** ۲۰- **س، و**: برین؛ **لن**: بدان؛ **پ**: بران؛ متن= **ف، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب**؛ در **ل، ق** این بیت چنین آمده است:

بدان تا گذر یابم از (**ق**: که تا بگذرم من بدان) روی آب … بکشتی و زورق هم اندر شتاب

پس از بیت ۲۹۷ در **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب** دو بیت ۲۹۶پ، و در **ف** تنها بیت دوم آن آمده‌اند

چُنین داد پاسخ که[1] شاه جهان — جزین[2] گفت با من سَخُن[3] در نِهان
که مگذار یك پشّه را، تا نُخُست[4] — جوازی نیابی به مُهری[5] درست
فِریدون چو بشنید شد خشمناك — از آن[6] ژَرف دریا نیامدش باك
به تندی میان کَیانی ببست — بران[7] بارهٔ[8] شیردل[9] برنشست
سرش تیز شد کینه و جنگ را — به آب اندرافگند گلرنگ[10] را
ببستند یارانش یکسر کمر — همیدون به دریا نِهادند سر
بران[11] بادپایان باآفرین — به آب اندرون غرقه کردند زین[12]
[سر سرکشان اندرآمد به خواب[13] — ز تاسیدن[14] بادپایان[15] بر آب[16]]
به خشکی رسیدند[17] سر[18] کینه جوی[19] — به بیت المقدس نِهادند روی
که[20] بر پهلَوانی زبان راندند — همی «کَنگ دِژْ هوخْتَ» ش[21] خواندند
بهتازی کنون[22] «خانهٔ پاك» خوان[23] — برآورده ایوان ضحّاك دان[24]
چو از[25] دشت نزدیك شهر آمدند — کزان[26] شهر جوینده بهر آمدند
ز یك میل کرد آفْریدون نگاه[27] — یکی کاخ دید اندر آن شهر، شاه[28]
که ایوانش برتر ز کَیوان نُمود — تو[29] گفتی ستاره بخواهد[30] پَسود[31]

۱- **ق**[۲]: به ۲- **ل، س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: چنین؛ متن= **ف، ق، و** ۳- **لی**: سخن گفت با من بسی؛ **ل**[۲] پس از این بیت سرنویس دارد: کشتی خواستن فریدون از رودبانان و ابا کردن ٤- **لن، ق**[۲]**- و، ل**[۲]**، ب**: مرا (**لی**: بمن) گفت کشتی مران تا نخست؛ **ق**: که مگذار یك تن تو تا از نخست؛ **آ**: که کشتی بدجله مرا < ن > تا نخست؛ متن= **ف، ل** ۵- **ل**: جوازی نیابی و مهری؛ **س، لن، ق، لی- ب**: جوازی نیابی به مهرم؛ **ق**[۲]: جوازی به مهرم نیابی؛ متن= **ف** ٦- **لی**: وزان ۷- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **س، لن، ق**[۲]**، پ، ل**[۲]: تازی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **ل، ق**: تیزتگ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- **آ**: شبرنگ ۱۱- **س، ق، ق**[۲]**، پ، ل**[۲]: بدان؛ **لی**: مران؛ **ب**: چنین؛ متن= **ف، ل، لن، و، آ** ۱۲- **ب**: تر نکردند زین ۱۳- **و**: ز خواب؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند ١٤- **ف، ق**[۲]**، پ، آ، ب**: تازیدن؛ **ل**: بازیدن؛ **س**: نالیدن؛ **لن**: ناهیدن (!)؛ **لی، ل**[۲]: نادیدن؛ **و**: نایندن (حرف سوم نقطه ندارد، شاید: ناهیدن)؛ (**ل**[۳]: تازیدن؛ **لن**[۲]: ناسیدن، و یا: ناهیدن)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- **س، لن، ق**[۲]**، لی، و**: چارپایان؛ متن= **ف، ل، پ، آ، ل**[۲]**، ب** ١٦- **ل، س، لی، و**: در آب؛ **پ**: باب؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، آ، ل**[۲]**، ب**؛ **ف- پ، آ، ل**[۲]**، ب** پس از این بیت افزودهاند:

ف، ل، ق:

به آب اندرون تن بر آورد و (**ل**: < و >) یال — چو (**ف**: چن) اندر شب تیره بازی خیال

س، لن، ق[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب**:

به آب (**س**: بداب؛ **پ، آ**: ز آب) اندرون تن بر آورد و (**س**: بر آورده) یال

چنان چون شب تیره بازی (**ق**[۲]: اندر؛ **پ**: تار؛ **ل**[۲]: باری) خیال

لی: به آب اندرون تن بر آورده پاك — چنان چون شب تیره بازی بخاك

۱۷- **ل، ق**: کشیدند؛ **ل**[۲]: رسیدند و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- **ل، آ، ب**: پس؛ **لی**: بر (و یا: هر)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- **لی**: جنگجوی ۲۰- **س، ق، ق**[۲]**، لی، پ**: چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **لن** از این بیت تا بیت ۳۶۰ آغاز برخی از بیت ها به اندازهٔ یکی دو واژه پاك شده است، ولی هم از روند سخن و هم از راه سنجش با **ق**[۲] میتوان دید که متن پاك شده با متن ما برابر بوده است. پس از آن نیز چند بیتی پاك شدهاند که در جای خود یاد آوری خواهد شد. ۲۱- **ف**: هوختش؛ **ل، ق**: هودجش؛ **س، لی**: هوحتش؛ **لن، و، آ**: هوخش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **ق**[۲]: هوحش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **ل**[۲]: هوحیش؛ متن= **پ، ب** ۲۲- **و**: بتازی تواش؛ **ب**: به تازی همی؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- **ل، ق، و**: پاك دان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- **ف، س، ق**: خوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- **س، ق**[۲]**، پ، ب**: ازان؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٢٦- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]: ازان؛ **ب**: وزان؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۷- **ق**: کردش فریدون نگاه؛ **ل**[۲]: کرد آفریدون براه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- **لن، ق**[۲]**، پ**: یکی کاخ دید آفریدون ز راه (**ق**[۲]**، پ**: براه)؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- **ل**: که؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۰- **ف، ل، آ**: نخواهد؛ **س، و، ل**[۲]: نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **لن- پ، ب** ۳۱- **ف، ل، لن، ق، آ، ب**: بسود (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **س، ق**[۲]**، لی، پ، و، ل**[۲]: ربود؛ در **ف، ل، ق، و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیایی این دو بیت به پیروی از هشت دستنویس دیگر است

فروزنده[1] چون مشتری بر سپهر   همه[2] جای شادی و آرام[3] و مهر
بدانست کان خانه‌ی اژدهاست   که جای بزرگی و جای[4] بهاست[5]
به یارانش گفت آنک بر[6] تیره خاک   برآرد چُنین بُرز جای از مَغاک[7]
بترسم[8] همی زانک[9] با او جهان[10]   یکی راز دارد مگر[11] در[12] نهان
همان به[13] که ما را بدین[14] جای جنگ[15]   شتابیدن آید بجای[16] درنگ
بگفت و به گرز گران دست برد   عنان بارهٔ[17] تیزتگ را سپُرد
تو گفتی یکی آتشستی[18] درست   که پیش نگهبان ایوان برُست
گران گرز برداشت از پیش[19] زین   تو گفتی همی[20] برنوردد زَمین
کس از روزبانان[21] به دربر[22] نماند   فریدون جهان آفرین را بخواند
به اسپ[23] اندرآمد به کاخ بزرگ   جهان ناسپَرده جوان[24] سُتُرگ
طِلسمی که ضحّاک سازیده بود   سرش باسمان برفرازیده[25] بود
فریدون ز بالا فرود آورید   که آن جز به نام جهاندار دید[26]
وُزان جادوان کاندر ایوان بُدند   همه نامور نرّه[27] دیوان بُدند
سرانشان به گرز گران کرد پست   نشست از بر گاه جادوپرست[28]
نهاد از بر تخت ضحّاک پای   به پیروزی و رای[29] بگرفت جای[30]
برون آورید از شبستان اوی[31]   بتان سیه موی[32] خورشید روی[33]

۱- ق: فریدون ۲- لی: همان ۳- و: جای آرام و شادی؛ در ف، ل، ق، و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن فریدون بکوشك ضحاك و گرفتن ضحاك را و در بند کردن او را در کوه دماوند ٤- آ: فرّو ۵- س، ق[2]، لی: بلاست؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦-س: آن کزین؛ لن، ق، ب: آنك از؛ ق[2]: آنك ازین؛ لی: آنك زین؛ پ، ل[2]: آنکه زین؛ و، آ: آنکه بر؛ متن= ف، ل ۷- ل، ق، آ، ب: جای مغاك؛ س، لن، لی، پ: چنین جا بلند از مغاك؛ ق[2]: چنین از بلندی مغاك؛ متن= ف، و، ل[2] ۸- ل[2]: ترسم (وزن نادرست است) ۹- لی، پ: همی آنکه ۱۰- ق: زانك وی در جهان ۱۱- ق[2]: همی؛ ل، ق: مگر (ق: همی) راز دارد یکی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ب: بر ۱۳- ف، ق، و، آ: نباید؛ ل: بباید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٤- پ: برین ۱۵- ل، و: تنگ؛ متن= ده دستنویس دیگر ١٦- ف، ل، ق، و، آ: بروز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- ل[2]: تازهٔ ۱۸- لن، ق[2]، پ: یکی آتشی شد؛ لی: یکی آتشی است ای؛ و: مگر آتشستی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- و: پشت ۲۰- ب: همه؛ ل[2] پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن فریدون بخانهٔ ضحاك و گریختن وی ۲۱- ف، ق[2]: رودبانان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- ق[2]، پ: بدر در؛ در پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: نشستن فریدون بر تخت ضحاك و تفحص او از ضحاك ۲۳- لی: ز اسب؛ پ: باب؛ آ، ل[2]: بر اسب؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- ل[2]: جوانی؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۵- س، لن، ق[2]، لی، پ: سرش را بدان برفرازیده؛ ل[2]: سرش را بران سر فرازیده؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۲٦- س، لن، ق[2]، لی، پ (و ق در کناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی گـرزهٔ گاوپیکر سرش   زدی هرکه آمد همی همبرش (ق[2]: در برش؛ لی: روان در برش)
س: زدی هر که آمدی همی بر برش (وزن نا درست است)
لن: زدی هم هر آنکس که آمد برش

۲۷- ف: نرّ ۲۸- و: کاخ جادو پرست؛ ق: از آن پس بگاه کیان بر نشست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- ل- پ، آ، ل[2]: کلاه کیی جست و؛ متن= ف، و، ب ۳۰- پ: بنهاد پای (پساوند ندارد)؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: سخن گفتن دختران جمشید با شاه فریدون ۳۱- ل: او (پساوند نا درست است) ۳۲- ل: سیه موی و؛ س، لن، ق[2]، لی، پ، و: سیه چشم؛ متن= ف، ق، آ، ل[2]، ب ۳۳- لی: زنجیر موی

بفرمود شستن سرانشان[1] نُخُست   روانشان پس از[2] تیرگی ها[3] بشست
ره داور پاك بنمودشان   از[4] آلودگی سر[5] بپالودشان[6]
كه پروردهٔ بت پرستان بُدند   چُن آسیمه[7] برسان مستان بُدند
پس آن خواهران[8] جهاندار جم   به[9] نرگس گل[10] سرخ را داد[11] نم
گشادند بر آفریدون[12] سَخُن   كه نو[13] باش تا هست گیتی كَهُن
چه[14] اختر بُد این از تو ای نیكبخت؟   چه باری؟ ز شاخ كدامین درخت؟
كه ایدون به بالین شیر آمدی   ستمگاره مردی[15] دلیر آمدی
چه مایه جهان گشت بر ما به بد   ز كردار این جادُوی كم[16] خرد
چه مایه كَشیدیم رنج و بلا   ازین[17] اهرمن كیش نراژدها[18]
ندیدیم كس كین چُنین[19] زَهره داشت   نه زین پایگاه از هنر[20] بهره داشت
كه‌ش اندیشه‌ی گاه او آمدی   وُ گرش[21] آرزو[22] جاه او آمدی
چُنین داد پاسخ فریدون كه تخت[23]   نماند به كس جاودانه، نه بخت[24]
منم پور آن نیكبخت[25] آبتین   كه ضحّاك بگرفت از[26] ایران زمین
بكشتش بزاری و من كینه‌جوی   نِهادم سُوی تخت ضحّاك روی
همان گاو بَرمایه[27] كم[28] دایه بود   ز پیكر تنش همچو پیرایه بود
ز خون چُنان بی زبان چارپای   چه آید[29] بران[30] مرد ناپاك رای
كمر بسته ام لاجرم جنگ جوی   از[31] ایران به كین اندرآورده[32] روی
سرش را بدین[33] گرزه‌ی گاوچهر   بكوبم، نه بخشایش آرم نه مهر
سَخُن را[34] چو بشنید ازو ارنواز[35]   گشاده شدش بر دل پاك راز

۱- ل[2]: سرایشان ۲- ل، ق: روانشان از آن؛ ق[2]: روانشان بر از؛ آ: روانشان ز بس؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- ل[2]: تیره كینه ٤- ل، لن، ق- ب: ز؛ متن= ف، س ۵- ل، ق: آلودگی پس؛ لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]،ب: آلودگی ها؛ متن= ف، و (و نیز ل[3]، لن[2]) ٦- ب: بپالیدشان ۷- ل، س، لن، ق[2]- ب (و نیز ل[3]، لن[2]): سراسیمه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در كناره افزوده‌اند؛ متن= ف ۸- س، لن، ق[2]- و،ب: دختران؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل[2] ۹- س، لن، ق[2]، لی، پ، ل[2]، ب: ز؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۱۰- لن: < گل > (وزن نا درست است) ۱۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل[2]،ب: سرخ دادند؛ و: سرخ را داده؛ متن= ف، ل، س، ق[2] ۱۲-ق: گشاده برو آفرینها؛ ب: گشادند با آفریدون؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۳- ل[2]: تو ۱٤- ق[2]: چو ۱۵- ل، ق، آ، ب: ستمگاره مرد؛ و: نكو كار مردی؛ ل[2]: نبرد ستمگر؛ متن= ف، س، لن، ق[2]،لی، پ؛ در پ پس از این بیت بیت ۳۳۷ آمده است ١٦- ق، لی: بی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۷- آ: ازان ۱۸- س، ق[2]، لی، پ، ل[2]، ب: دوش اژدها؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و، آ؛ در پ این بیت پس از بیت ۳۳۵ آمده است ۱۹- آ: كس را كه این ۲۰- ل: بدتن (← بدین) پایگه از هنر؛ س، لن، ق[2]، لی، پ، ل[2]: بدین (پ: بدان) جایگه وز (س، پ: در؛ ق[2]، لی: از) هنر؛ ق، و: نه زین پایگه از هنر؛ آ: نه این پایگاه و نه این؛ ب: بدین پایگاه از هنر؛ متن= ف ۲۱- لن، ق[2]، پ: وگر؛ و: گرش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل[2]: ارزوی (وزن نادرست است) ۲۳- ل، س، ق، و: نخت (حرف یكم نقطه ندارد)؛ لی، ل[2]: بخت؛ متن= ف، لن، ق[2]، پ، آ، ب ۲٤- ل، س، لن، و: نخت (حرف یكم نقطه ندارد)؛ ق: تخت؛ لی: جاودانی بتخت؛ ل[2]: جاودانه بتخت؛ متن= ف، ق[2]، پ، آ، ب ۲۵- ق: نیك دل؛ و: نیك مرد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٦- ل- لی، و- ب: كه بگرفت ضحاك از (ل، لی: ز)؛ متن= ف، پ ۲۷- ف: بُرمایه (= پرمایه)؛ ل، س، ق، ق[2]، ل[2]: برمایه (حرف یكم یك نقطه دارد)؛ لن: برمایه (حرف یكم نقطه ندارد)؛ پ، و، آ، ب: پرمایه (حرف یكم سه نقطه دارد)؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- ق: كان ۲۹- ل، س، لن، ق[2]، پ- ل[2]: آمد؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، ب ۳۰- ب: بدان ۳۱- ل، ق، آ: ز؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۲- آ: آورد ۳۳- پ: بدان ۳٤- س، لن، ق[2]، لی، پ، و، ل[2]: سخن ها؛ متن= ف، آ، ب ۳۵- ق[2]: از ارنواز؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن ارنواز؛ ل[2] پس از این بیت سرنویس دارد: شناختن ارنواز زن ضحاك فریدون را؛ ب پس از این بیت بیتی افزوده است كه آغاز آن ناخواناست:

؟ ... بگشاد راز   كه اكنون كه كردم بدین كار ساز

بدو گفت: شاه آفریدون[۱] تویی؟ — که ویران کنی تنبل و جادویی؟
کجا هوش[۲] ضحّاک بر دست تُست — گشایش جهان را[۳] کمر بستِ تُست
ز تخم کَیان ما دو پوشیده پاک — شده رام با او[۴] ز بیم هلاک
همی[۵] جفت مان خوانَد و[۶] جفت مار — چگونه توان بودن ای شهریار
فِریدون چُنین پاسخ آورد باز[۷] — که گر با بلا چرخ را نیست راز[۸]
ببرّم پی اَژدَها را ز خاک — بشویم جهان را ز ناپاک پاک[۹]
بباید شما را کنون گفت راست — که آن بی بها اَژدَهافش کجاست
برو[۱۰] خوبرویان گشادند راز — مگر کاژدَها[۱۱] را سر آید[۱۲] به گاز
بگفتند کو سوی[۱۳] هندوستان — بشد[۱۴] تا کند هند[۱۵] جادوستان
ببرّد سر بی گناهان هزار — هراسان شدهست از بد روزگار[۱۶]
کجا گفته بودش یکی پیش بین — که پردخته کی[۱۷] گردد از تو زَمین
که آید که گیرد[۱۸] سر تخت تو — چگونه[۱۹] فرو پژمرد بخت تو
دلش زان زده‌فال[۲۰] پُر[۲۱] آتش ست — همه[۲۲] زندگانی برو[۲۳] نا خَوش ست
همی خون دام و دَد و[۲۴] مرد و زن — بریزد[۲۵]، کند در یکی آب زن[۲۶]
مگر کو سر و تن بشوید به خون[۲۷] — شود فال[۲۸] اخترشناسان نگون[۲۹]
همان[۳۰] نیز زان[۳۱] مارها بر دو کِفت[۳۲] — به رنج درازست مانده شگفت[۳۳]
ازین[۳۴] کشور آید[۳۵] به دیگر شود — ز رنج دو مار سیه نغنود[۳۶]
بیامد[۳۷] کنون گاه بازآمدنش[۳۸] — که جایی نباشد[۳۹] فراوان بُدنش[۴۰]

۱- ل: شاه فریدون؛ س، ق، لی، پ، ل[۲]: شاها فریدون؛ متن= ف، لن، ق[۲]، و، آ، ب ۲- ق[۲]: دوش (!) ۳- ل- لی: گشاد (ق: گشاده؛ ق[۲]، لی: گشادن) جهان بر (س، ق[۲]، لی: از؛ لن: را)؛ متن= ف، پ- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۴- ق: با وی ۵- آ: همان ۶- ل: خواند او؛ ق: خواند با؛ س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]: همی خفتن و خاست با؛ لی: همی خوردن و خفت با؛ متن= ف، و، آ ۷- لی: باك (پساوند ندارد) ۸- ل- پ، ل[۲]، ب: که گر چرخ دادم دهد از فراز؛ متن= ف، و، آ ۹- و: بشویم شما را سر از گرد پاك؛ ب: بشویم جهان را ز تیمار پاك؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- لی: بدو ۱۱- س- و، ب: مگر اژدها؛ ل[۲]: نگر اژدها؛ متن= ف، ل، آ (ف: کژدها) ۱۲- لی، ل[۲]: سر آری؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در لی پس از این بیت بیت ۳۵۸ آمده است ۱۳- ل: برفتند گفت او به؛ لی، و، ل[۲]، ب: بگفتند کز سوی؛ آ: بدو گفت کز سوی؛ متن= ف، س، لن، ق، ق[۲]، پ ۱۴- ل: بدان ۱۵- ف: پند؛ ل- پ، آ، ل[۲]، ب: بند؛ متن= و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۶- ق پس از این بیت افزوده است:

ز بیمت یکی چاره آرد بدست — مگر زان تواند ز بند تو رست
ز هول تو روز و شب اندر هراس — همی باشد و شب نخسبد دو پاس

۱۷- آ، ل[۲]: پردخت کی؛ ب: پردختکی (= پردختگی، و یا: پردخت کی)؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در لی این بیت را پس از بیت ۳۵۵ آمده است ۱۸- لی: فریدون بگیرد؛ و: کس آید که گیرد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۹- لی: همیدون ۲۰- ف: دلش راز بد باك؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۱- ل- لی، ل[۲]: بر (با یك نقطه)؛ و: بر (نقطه ندارد)؛ متن= ف، پ، آ، ب ۲۲- ب: همان ۲۳- ف، لی: بدو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۴- ف: که خون دد و دام با؛ ل[۲]: همی خون دد و دام و (وزن نادرست است)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۵- لن، ق[۲]، پ: بگیرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۶- ل، ق[۲]: باب زن؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- در لن این لت پاك شده است ۲۸- لن، ق[۲]، پ: گفت؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- ل[۲]: زبون ۳۰- ق: همی؛ و: همه؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۱- ل، س، لن، ق[۲]، لی، ل[۲]، ب: نیز ازان؛ پ: نیز بر؛ و: تنش ازان؛ متن= ف، ق ۳۲- لن، ب: کتف ۳۳- ق[۲]: ازان بر شگفت؛ ل[۲]: و مانده شگفت ۳۴- ل، ق: ازان؛ پ: وزان؛ در لن این لت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۵- س: سو بر آید ۳۶- ف: بغنود؛ ل[۲]: نغنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۷- ف، و: بیاید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۸- پ: باز آمدش؛ ل: که آید گه آمدنش؛ و: کنون جای باز آمدنش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۹- ل: نباید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۴۰- س، ق[۲]، و، ل[۲]: فراز آمدنش؛ پ: فراز آمدش؛ متن= ف، ل، لی، آ، ب

گشاد آن نگار جگر خسته راز[1]   نِهاده[2] بدو گوش گردن فراز
چو کشور ز ضحّاك بودی تهی   یکی مایه‌ور بُد بسان رهی[3]
که او داشتی تخت و گنج و سرای[4]   شگفتی به دل سوزگی[5] کدخدای
وُرا کُنْدرو[6] خواندندی بنام   به کُندی[7] زدی پیش بیداد گام
به کاخ اندرآمد دوان[8] کُنْدرو   در[9] ایوان یکی تاجور دید نو
نشسته بارام در پیشگاه   چو سرو[10] بلند از برش گِرد ماه
ز یك دست سرو سهی شهرناز[11]   بدست[12] دگر ماهروی[13] ارنواز
نه آسیمه[14] گشت و نه پرسید راز   نیایش کنان رفت و بردش نماز
برو آفرین کرد کای شهریار[15]   همیشه بزی[16] تا بود روزگار[17]
خجسته[18] نشست تو[19] با فرّهی   که هستی سَزاوار شاهنشهی
جهان هفت کشور ترا بنده باد   سرت برتر از ابر بارنده[20] باد
فِریدونش فرمود[21] تا رفت پیش   بگفت[22] آشکارا همه راز خویش
بفرمود شاه دلاور بدوی[23]   که رو آلت[24] تخت شاهی بشوی[25]
نبید آر و[26] رامشگران را بخوان   بپیمای جام و بیارای خوان
کسی کو به رامش سَزای من ست   به دانش[27] همان[28] دل زدای من ست
بیار انجمن کن بر تخت من   چُنان چون سَزد[29] درخور بخت من
سَخُن را چو بشنید ازو کدخدای[30]   بکرد آنچ[31] گفتش بدو رهنمای[32]

۱- و: نگار گرانمایه راز؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- س: نهاده برو؛ و: سپرده بدو؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ پس از این بیت برخی از دستنویسها سرنویس دارند، س: داستان شاه فریدون با کندرو وکیل ضحاك؛ لن: داستان کندرو با ضحاك تازی؛ ق۲: داستان فریدون با کندرو و ضحاك؛ پ: داستان فریدون با وکیل ضحاك؛ و: داستان کندرو با فریدون و ضحاك؛ ل۲: آمدن کندرو نزد فریدون وخدمت کردن؛ ب: داستان ضحاك با فریدون ۳- ف: یکی مایه‌ور مردشان بد رهی؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ل، ق، ق۲، پ- ب (و نیز ل۳، لن۲)؛ لی از بیت ۳۶۷ تا ۴۶۰ را انداخته است ٤- ل، س، ق، و، آ: گنج و تخت و سرای؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ق۲، پ، ل۲، ب ۵- ل، ق: شگفتی بدل سوزه با؛ آ: بدل سوزگی روز و شب؛ متن= ف، س، ق۲، پ، و، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲) ٦- ف: کُندرَو (به پیش یکم و زبر چهارم) ۷- ق۲، ب: بلندی؛ پ: بتندی؛ ل۲: بکیدی؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ ۸- آ، ب: روان ۹- ق، ل۲: به ۱۰- س، لن، پ، ل۲، ب: سروی؛ متن= ف، ل، ق، ق۲، و، آ ۱۱- ل۲: شهنواز ۱۲- لن، پ، ب: ز دست؛ آ: بدستی؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۳- س، و، ل۲، ب: ماه رخ؛ آ: ماه چهر؛ متن= ف، ل، ق، ق۲، پ؛ ل- ق۲، پ، و، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه شهر یکسر (ل۲: شهر ایران) پر از لشکرش   کمر بستگان صف زده بر درش

این بیت در ف، آ نیست ۱٤- آ، ب (و نیز ل۳): سراسیمه؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز لن۲) ۱۵- و: کرد و بردش نماز ۱٦- ف: بوی؛ متن= ل- ق۲، پ، و- ب (و نیز ل۳، لن۲) ۱۷- و: چنین گفت کای شاه گردن فراز ۱۸- و، آ (و نیز ل۳، لن۲): همیشه؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی ۱۹- ل۲: نشتست ۲۰- آ: ماه تابنده ۲۱- پ: فریدون بفرمود ۲۲- ل، ق: بکرد؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی ۲۳- و، آ: بفرمود شاه آفریدون بدوی ۲٤- پ، ل۲: آلت و ۲۵- ل، ق، و (و نیز ل۳، لن۲): بجوی؛ س: مجوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲٦- ف: می آرای و؛ لن: نبید ازو (← نبید آرو)؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل۳، لن۲)؛ ل۲ پس از این بیت سرنویس دارد: نواختن فریدون کندرو را و عیش نمودن ۲۷- ل، ق: برامش؛ و: که دانش؛ آ: ببزم؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۸- ل، ق: نهان؛ آ: اندرون؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹- س، لن، ق۲، پ، و، آ، ل۲: بود؛ متن= ف، ل، ق، ب ۳۰- و: بشنید او کدخدای؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن کدخدای؛ س، لن، ق۲، پ، ل۲، ب: سخنها چو بشنید ازو کندرو (س: کدخدای)؛ متن= ف، آ ۳۱- ق، ق۲، پ، آ، ل۲: آنچه؛ متن= ف، ل، س، و ۳۲- ق۲، پ: گفتش جهاندار نو؛ و: فرمود مهتر برای؛ آ: گفتش سبك رهنمای؛ ل۲: گفتش بدو شاه نو؛ لن، ب: برون آمد از پیش سالار نو (= ۳۸۵ب)؛ متن= ف، ل، س، ق

می روشن آورد و رامشگران   همان درخورش[1] با گهر مِهتران[2]
فریدون چو می دید[3] رامش گزید   شبی کرد و[4] جشنی چُنان چون سَزید
چو شد بام گیتی[5] دوان[6] کُنْدرو   برون آمد از پیش سالار نو
نشست از بر باره‌ی[7] راهجوی   سُوی شاه ضحّاك بنهاد روی
بیامد چو پیش سپهبد رسید   سراسر[8] بگفت آنچ[9] دید و شنید
بدو گفت کای[10] شاه گردن کَشان   به[11] برگشتن کارت آمد نشان
سه مرد سرافراز با لَشکری   بیامد دوان از در کشوری[12]
ازین[13] سه یکی کهتر اندر میان   به بالای سرو و به چهر[14] کَیان
به سال ست کهتر[15]، فزونیش بیش   از آن[16] مهتران او نِهد پای پیش
یکی گرز دارد چو یك لخت کوه   همی تابد[17] اندر میان گروه
به اسپ اندرآمد[18] به ایوان شاه   دو پُرمایه با او[19] همیدون به راه
بیامد به تخت کَیی برنشست   همه بند و نیرنگ تو کرد پست[20]
هر آنکس که بود اندر ایوان تو   ز مردان مرد و ز دیوان تو[21]
سر از بار یکسر[22] فروریختشان[23]   همه مغز با خون برآمیختشان[24]
بدو گفت ضحّاك شاید بُدن   که[25] مهمان بود، شاد باید بُدن[26]
چُنین داد پاسخ وُرا[27] پیشکار   که مهمان که با[28] گرزه‌ی گاوسار،

۱- **س، پ**: هم اندر خورش؛ **ق**: همان بر خرد؛ **لن، ق[۲]** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل[۲]، ب**   ۲- آ: پاك سر مهتران؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

چو پیش فریدون بگرد آمدند   ز بیمش تو گفتی که کرد آمدند(!)
برو آفرین خواندند چون سزید   که هرگز به گیتی چنان کس ندید

۳- **ل، ق، ل[۲]**: فریدون غم افکند؛ **س، پ**: فریدون چو می خورد؛ آ: فریدون می آورد و؛ **ب**: فریدون فرخنده؛ **لن، ق[۲]** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   ٤- **ل، پ- ب** (و نیز **ل[۳]،لن[۲]**): < و> ؛ متن= **ف، س، ق**؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

می ناب و آوای چنگ و سرود   همی داد مر عاشقان را درود
فریدون بدستی می دلنواز   بدست دگر ماه رخ ارنواز
نشسته بر آن تخت ضحاك بر   دلش پر ز کینه پر از باد سر

۵- **ف، ل، ق، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): چو شد رام گیتی؛ **س، ق[۲]، پ، ب**: چو شد بامدادان؛ آ: چو شد تیره گیتی؛ **لن** این لت را انداخته است؛ متن تصحیح قیاسی است   ٦- **پ**: روان؛ **ل[۲]**: ورا؛ **لن** ۳۸۲ب، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵آ را انداخته و از ۳۸۲آ و ۳۸۵ب یك بیت ساخته است   ۷- آ: تازی؛ **ل[۲]**: باره‌یی؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو روز از دل شب برآمد براز   چو آتش کز انگشت گیرد فراز (**ق**: بُراز)

۸- **لن، پ**: مر او را   ۹- **ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب**: آنچه؛ آ: بگفت آن شگفتی که؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق**   ۱۰- **ل[۲]**: ایا   ۱۱- **س، ق، ق[۲]، پ- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): ز؛ متن= **ف، ل**   ۱۲- **ل**: دوان آمدند ای شه از کشوری؛ **س، لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب**: فراز آمدند از دگر (**ل[۲]**: از در) کشوری؛ **ق** (و نیز **ل[۳]**): بیامد دوان از دگر کشوری؛ متن= **ف، آ** (و نیز **لن[۲]**)   ۱۳- **ل، ق**: از ان؛ آ: کزان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی**   ١٤- **لن**: ببالای سروست وچهر؛ **ق[۲]، پ، آ**: ببالای سروان و (آ: < و>)چهر؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل[۲]، ب** (**ل**: < و>)   ۱۵- **پ، ل[۲]**: کمتر   ١٦- **س، و، ل[۲]**: ازین؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی**   ۱۷- **ق[۲]**: راند   ۱۸- **ل[۲]**: بر آراست و امد؛ **ب**: بر اسب اندر آمد   ۱۹- **ق**: وی   ۲۰- **ب**: تو بر شکست   ۲۱- **و**: ز گردان و از نره دیوان تو   ۲۲- **ل،ب**: سر از پای یکسر؛ **ق**: سراسر بیکسر؛ **پ**: سر از باره یکسر؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **لی**   ۲۳- **پ**: فرورختشان   ٢٤- **پ**: برآمختشان   ۲۵- **ل**: چو؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **لی**   ٢٦- **ل[۲]**: شدن   ۲۷- **س، لن، ق[۲]، ل[۲]، ب**: بدو؛ **پ**: برو؛ متن= **ف، ل، ق، و،ب**   ۲۸- **س، لن، ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب**: که مهمان ابا؛ **ق**: که مهمان < که> با (وزن نادرست است)؛ آ: که مهمان چو با؛ متن= **ف، ل**؛ **ف، ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

به مهمانی آید تو زو کن حذر   گذشتی ز مهمان نگه دار سر

این بیت در هیچیك از دستنویسهای دیگر (و نیز در **ل[۳]، لن[۲]**) نیست

به مردی نشیند به[۱] آرام تو، ز تاج و کمر[۲] بستُرَد نام تو،
به آیین خویش آورد ناسپاس[۳] چُنین ـ گر تو مهمان شناسی ـ شناس!
بدو گفت ضحّاك چندین منال[۴] که مهمان[۵] گستاخ بهتر به فال
چُنین داد پاسخ بدو[۶] کُنْدْرو که آری شَنیدم، تو پاسخ شَنو
گرین[۷] نامور هست مهمان تو چه کارَستَش اندر شبستان تو
که با خواهران[۸] جهاندار جم نشیند زند رای بر بیش و کم
به یك دست گیرد رخ شهرناز[۹] به دیگر عقیقین[۱۰] لب ارنواز[۱۱]
شب تیره‌گون خود[۱۲] بتر زین کند به زیر سر از مُشك بالین کند
چو[۱۳] مشگ آن دو گیسوی دو ماه تو که بودند همواره دلخواه تو
برآشفت ضحّاك بر سان کَرگ شنید آن[۱۴] سَخُن کارزو[۱۵] کرد مرگ
به دشنام زشت و به آوای[۱۶] سخت شِگِفتی[۱۷] بشورید با شوربخت[۱۸]
بدو گفت: هرگز تو در خان من[۱۹] ازین پس نباشی نگهبان من
چُنین داد پاسخ وُرا پیشکار که ایدون گُمانم من ای شهریار[۲۰]
کزان تخت هرگز نبینی تو بهر[۲۱] مرا[۲۲] چون دهی کدخدایی[۲۳] شهر
چو بی بهره[۲۴] باشی ز گاه[۲۵] مِهی مرا کارسازندگی چون دِهی
چرا برنسازی[۲۶] همی[۲۷] کار خویش که هرگزت نامد چُنین کار پیش[۲۸]

۱- **ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب**: در؛ **لن، آ**: بر؛ **س**: بشد اندر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل** ۲- **ب**: ز تاج کیی ۳- **پ**: با سپاس؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ٤- **ب**: کمال ٥- **ل[۲]**: که مهمان چو ٦- **و، آ**: ورا ۷- **ق**: گر آن ۸- **س، لن، ق[۲]، پ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): دختران؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل[۲]** ۹- **آ، ب**: ارنواز؛ **ل[۲]**: شهنواز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی** ۱۰- **لن، ق، ق[۲]، پ، ل[۲]**: عقیق؛ **آ**: عقیقی؛ متن= **ف، ل، س، و، ب** ۱۱- **آ، ب**: شهرناز؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **لی** ۱۲- **ل**: هم؛ **و**: شب تیره دانم؛ متن= **ف، س- ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب** ۱۳-**و**: چه؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **لی**(و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **ل، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: بگیرد ببرشان چو شد نیم مست بدین گونه مهمان نباید بدست
ب: گرفتست آرام بر تخت تو ز تاج و کمر بفکنند بخت تو

ل[۲] پس از بیت ۴۰۷ سرنویس دارد: خبر فریدون نزد ضحاك و آگاهی یافتن از وی ١٤- **لن، ق[۲]**: شنید این؛ **آ**: وزین یك؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی** ۱۵- **آ**: آرزو ۱٦- **س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]، ب**: بآواز؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، و، آ** ۱۷- **پ**: بتندی ۱۸-**ق**: با نیکبخت؛ **و**: آن شور بخت؛ **ل[۲]**: با شیر بخت؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب** ۱۹- **ق[۲]**: تو بر خوان من ۲۰- **ق**: که ای پر هنر با خرد شهریار ۲۱- **ل، س، و، ل[۲]، ب**: کزان (**ل، ل[۲]**: که زان) تخت هرگز نیابی تو (**ل**: نباشدت) بهر؛ **لن، ق[۲]، پ**: کزین پس نیابی تو از تخت (**لن، پ**: بخت) بهر؛ **ق، آ**: چو (**آ**: که) از تخت هرگز نیابی تو بهر؛ متن= **ف** ۲۲- **ل- ق[۲]، پ- ب**: بمن؛ متن= **ف** ۲۳- **ل**: کدخدایی و ٢٤- **ف، ق، پ**: بهر؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **لی** ۲۵- **ف**: بکار؛ **ق، پ، آ، ل[۲]**: ز کار؛ **ق[۲]**: ز تخت؛ **ب**: بگاه؛ متن= **ل، س، و**؛ در **ل** پس از بیت ۴۱۲ و در **س، ق[۲]، پ، ب** پس از بیت ۴۱۳ بیت ۴۱۵ آمده است ۲٦- **ل، ق**: چرا تو نسازی؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **لی** ۲۷- **لن، پ**: تو از ۲۸- **ل، لن، ق**: که هرگز نیامدت ازین (**لن، ق**: این) کار پیش؛ **ق[۲]، ل[۲]**: که هرگزت ناید (**ل[۲]**: هرگز نیامد) چنین کار پیش؛ **آ**: که هرگز چنین کار نامد به پیش؛ متن= **ف، س، پ، و، ب**؛ **ف، پ** پس از این بیت و **ل،ق** پس از بیت ۴۱۵ افزوده‌اند:

ترا دشمن آمد به گه بر نشست یکی گرزهٔ گاوچهره (**ق، پ**: پیکر) بدست

ل، ق، پ پس از این بیت یك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

همه بند و نیرنگت از رنگ برد دلارام بگرفت و گاهت سپرد

ز تاج[۱] بزرگی چو موی[۲] از خمیر　　برون آمدی مهترا چاره گیر
جهاندار ضحّاك از آن[۳] گفت اوی[۴]　　به جوش[۵] آمد و زود[۶] بنهاد روی
بفرمود تا برنهادند زین　　بران[۷] بادپایان باریك بین[۸]
بیامد دمان[۹] با سپاهی[۱۰] گران　　همه[۱۱] نرّه دیوان[۱۲] جنگاوران
ز بیراه مر[۱۳] کاخ را بام و در　　گرفت و به کین اندرآورد سر
سپاه فِریدون چو آگه شدند　　همه سوی آن راه بیره شدند
از[۱۴] اسپان جنگی فروریختند　　بدان[۱۵] جای تنگی برآویختند
همه بام و در مردم شهر بود　　کسی کش ز جنگاوری بهر بود
همه در هوای فِریدون بُدند[۱۶]　　که از درد[۱۷] ضحّاك پر خون[۱۸] بُدند
ز دیوارها خشت و از[۱۹] بام سنگ　　به کوی اندرون تیغ و تیر خدنگ
ببارید ژاله ز ابر سیاه　　پیی[۲۰] را نبُد بر زمین جایگاه[۲۱]
به شهر اندرون هر که برنا[۲۲] بُدند　　چه[۲۳] پیران که در جنگ دانا[۲۴] بُدند
سوی لَشکر آفْریدون[۲۵] شدند　　ز نزدیك[۲۶] ضحّاك بیرون شدند
خروشی برآمد از[۲۷] آتشکده　　که بر تخت اگر شاه باشد دده[۲۸]
همه پیر و برناش فرمان بریم　　یکایك ز گفتار او[۲۹] نگذریم[۳۰]
نخواهیم بر گاه[۳۱] ضحّاك را　　مران اَژدَهاخیم[۳۲] ناپاك را

۱- **س، لن، ق[۲]، پ، ب**: زگاه؛ **آ**: زکار؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]**　۲- **و**: مو؛ در **لن** این بیت پس از بیت ۴۱۲ و در **س، ق[۲]، پ، ب** پس از بیت ۴۱۳ آمده است　۳- **لن، ق[۲]**: ازین؛ **ق**: زان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی**　٤- **ل، ق، پ، و- ب**: گفتگوی؛ **س، لن، ق[۲]**: گفت و گوی؛ متن= **ف**　۵- **س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]**: به هوش؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، آ، ب**　٦- **ق، آ**: تیز؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو شب گردش روز پرگار زد (**ق**: روز را سار کرد)　　فروزنده را مهره در قار زد (**ق**: کرد)

۷- **س، لن، ل[۲]، و**: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **لی**　۸- **لن**: راه پویان نوردان زمین؛ **ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب**: راه پویان (**آ**: جویان) باریك بین؛ متن= **ف، ل، س، ق، و**؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **س، پ**: رزم فریدون با ضحاك و گرفتار شدن ضحاك؛ **لن، و**: گرفتار شدن ضحاك بر دست فریدون (**و**: شاه فریدون)؛ **ب**: گرفتار شدن ضحاك　۹- **ل[۲]**: دوان　۱۰- **آ**: سپاه　۱۱- **ق[۲]**: همی　۱۲- **س- ق[۲]، پ- ب**: دیوان و؛ متن= **ف، ل** (و نیز **ل[۳]**)　۱۳- **س**: را　١٤- **ل، ق**: ز　۱۵- **ف، س، لن، ل[۲]، ب**: بر آن؛ **ل، ق، پ**: در آن؛ متن= **ق[۲]، و، آ**؛ **ق[۲]** پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی فریدون پانصد سال بود　١٦- **و**: شدند؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد　۱۷- **س، لن، پ، آ، ل[۲]، ب**: جور؛ متن= **ف، ل، ق، و**　۱۸- **ب**: دل خون　۱۹- **ل، لن، پ**: وز　۲۰- **س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]، ب**: کسی؛ **ق**: که پی؛ **و، آ**، (و نیز **ل[۳]**): تنی؛ متن= **ف، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**)　۲۱- **و**: نیز راه؛ در **لن** پایان این لت پاك شده است　۲۲- **ل[۲]**: دانا (پساوند ندارد)　۲۳- **س، لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]**): چو؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]**)　۲٤- **ل**: کانا؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **لی**؛ در **ق[۲]** این بیت یکبار هم پس از بیت ۴۲۲ آمده است　۲۵- **س**: چو لشکر پی آفریدون؛ **ق**: همه یکسره با فریدون؛ **آ**: همه در هوای فریدون (= ۴۲۳آ)؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **لی**　۲٦- **ل، س، ق، ق[۲]، و- ب**: ز نیرنگ؛ متن= **ف، لن، پ**؛ **ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز آواز گردان بتوفید کوه　　زمین شد ز نعل ستوران ستوه
بسر بر ز گرد سیاه (**پ**: سیه) ابر بست　　تبیره دل سنگ خارا بخست

۲۷- **ل، لن، ق، ق[۲]، پ- ب**: ز؛ متن= **ف، س**　۲۸- **آ**: رده؛ **ل[۲]**: که کز بخت گر شاه باشد دده　۲۹- **ق**: وی؛ در **لن** پایان این لت پاك شده است　۳۰- **ل[۲]**: بگذریم　۳۱- **ق[۲]**: خاك　۳۲- **س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: اژدها دوش؛ **و**: اژدها حشم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ل[۲]**: اژدها روی؛ متن= **ف، ل، ق**

سپاهی و[1] شهری بکردار کوه ... سراسر به جنگ اندرون همگروه[2]
از آن شهر روشن یکی تیره گرد ... برآمد که خورشید شد لاژورد[3]
پس از رشک[4] ضحّاك شد چاره جوی ... ز لَشکر سُوی کاخ[5] بنهاد روی
بدآهن[6] سراسر بپوشید تن ... بدان تا ندانـد کسش زانجمن[7]
برآمد بران بام کاخ[8] بلند ... به چنگ[9] اندرون شست بازی[10] کمند
بدید آن سیه نرگس شهرناز[11] ... پر از جادویی[12] با فریدون به راز[13]
دو رخساره روز[14] و دو زلفینْش[15] شب ... گشاده به نفرین ضحّاك لب
بدانست کان کار هست[16] ایزدی ... رهایی نیابد ز دست بدی
به مغز اندرش آتش رشك خاست ... به ایوان کمند اندرافگند راست[17]
نه از تخت یاد[18] و نه[19] جان ارجمند ... فرود آمد از بام کاخ بلند
به چنگ[20] اندرش[21] آبگون دشنه بود ... به خون پریچهرگان تشنه بود
همان تیز[22] خنجر کَشید از نیام ... نه بگشاد راز[23] و نه برگفت نام
ز بالا چو پی بر زمین برنهاد ... بیامد فریدون[24] بکردار باد
بدان گرزهٔ گاوسر دست برد[25] ... بزد بر سرش، ترگ بشکست خرد[26]
بیامد سروش خجسته دمان[27] ... مزن ـ گفت ـ، کو را نیامد زمان
همیدون شکسته ببندش چو سنگ ... ببر تا دو کوه آیدت[28] پیش، تنگ
به کوه اندرون به بود[29] بند اوی[30] ... نیاید[31] برش خویش و پیوند اوی[30]
فِریدون چو بشنید ناسود دیر ... کمندی بیاراست از چرم شیر[32]

۱- آ: < و> ۲- ل: اندر آمد گروه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی ۳- ف، س، لن، ق، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب: لاجورد؛ متن= ل، و ٤- ل: پس آنگاه؛ س، لن، ق[2] پ، ل[2]، ب: هم از رشك؛ ق: پس از گاه؛ متن= ف، و، آ ۵- ل، ق: خانه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی ٦- ف- ق[2]، پ- ب: به آهن؛ متن= ل[2] ۷- س، لن، ق[2]، پ، ل[2]: کس از انجمن؛ و: کسی ز انجمن؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب ۸- ل: بر آمد بر بام کاخ؛ س، ق، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب: بر آمد یکایك بکاخ؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، و؛ در ل، ق لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۹- س: بشست؛ ق[2]، پ: بدست ۱۰- ل (و نیز ل[3]): تابی؛ س، آ: یازی؛ ق[2]، ل[2]: بازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تار؛ و: تاری؛ متن= ف، ق، ب (و نیز لن[2]) ۱۱- ل[2]: شهنواز ۱۲- و، ل[2]: بدان جادویی ۱۳- پ: بناز ١٤- آ: زرد ۱۵- ف، و: زلفین؛ ل، س، ق، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب: زلفش؛ متن تصحیح قیاسی است؛ در لن این بیت پاك شده است؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتار شدن ضحاك بر دست فریدون ١٦- ف: کار بود؛ ق: هست کار؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل[3]، لن[2])؛ در لن از این بیت تا بیت ۴۷۷ آغاز برخی از بیت ها به اندازهٔ یکی دو واژه پاك شده است که برخی از آنها را به خطی نو باز نویس کرده‌اند. پس از آن نیز چند بیتی پاك شده است که در جای خود یاد آوری خواهد شد ۱۷- ل[2]: خواست ۱۸- ف: بخت یار؛ ل، س، لن، ق[2] بخت یاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ق، پ، و، آ، ل[2]، ب ۱۹- ل[2]: به ۲۰- ل، لن: بدست؛ متن= ف، س، ق[2]، پ، و- ب ۲۱- س، ق[2]: اندرون؛ در لن این بیت با بیت پسین پس و پیش شده است ۲۲- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ق[2]: نیز؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۳- ل: روی؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز لی؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل[2] پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتاری ضحاك بر دست فریدون ۲٤- ب: فریدون بیامد ۲۵- س، آ، ل[2]، ب: برد دست؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲٦- س، آ، ل[2]، ب: ترك را کرد پست؛ لن، ق[2]، پ: ترك او (پ: را) کرد خرد؛ متن= ف، ل، ق، و ۲۷- آ: دوان؛ ل: بیامد خجسته سروشی دمان؛ ق: بیامد خجسته سروش آن زمان؛ ل[2]: بیامد خروش خجسته زمان؛ متن= ف، س، لن، ق[2]، پ، و، ب ۲۸- ل، آ، ب: آیدش؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی ۲۹- ف: به دز هوخت کنگ اندرون؛ ل[2]: بکوه اندرون باشدش؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل[3]، لن[2]) ۳۰- ف- ق[2]، آ، ل[2]، ب (و نیز لن[2]): او؛ متن= پ، و (و نیز ل[3]) ۳۱- پ: نیامد ۳۲- ق[2] این بیت را ندارد

ببستش به بندی[1] دو دست و میان   که نگشاد[2] آن زَنده[3] پیل[4] ژیان
نشست[5] از بر تخت زرّین اوی[6]   بیفکند[7] ناخوب آیین اوی[6]
بفرمود کردن بِه‌دربر خروش   که ای نامداران بسیار هوش[8]
نباید که باشید با ساز جنگ   نه زین باره[9] جویند کس[10] نام و ننگ[11]
سپاهی نباید که با پیشه‌ور   به یك روی جویند هر دو هنر
یکی کارورز[12] و یکی[13] گرزدار   سَزاوار هر کس[14] پدیدست کار
چو این کار آن[15] جوید آن[16] کار این   سراسر پر آشوب گردد[17] زَمین
به بند اندرست آنك[18] ناپاك بود   جهان را ز کردار او باك بود
شما دیر مانید و خرّم بوید[19]   به رامش سُوی ورزش[20] خود شوید[21]
وُزآن[22] پس همه نامداران شهر   کسی کش بُد از نام وُز گنج بهر[23]
برفتند با رامش و خواسته   همه دل به فرمانش آراسته
فِریدون فرزانه بنواختشان   ز راه سَزا پایگه[24] ساختشان
همی[25] پندشان داد و کرد آفرین[26]   همی کرد یاد[27] از جهان آفرین
همی[28] گفت کین جایگاه من ست   ز فال اختر بومتان[29] روشن ست[30]
که یزدان پاك از میان گروه   برانگیخت[31] ما را ز البرز کوه
بدان تا جهان از بد اژدَها   به فرمان گرز من آید رها[32]
چو بخشایش آورد نیکی دِهِش   به نیکی بباید سِپَردن[33] رَهِش
منم کدخدای جهان سربسر   نشاید[34] نشستن[35] به یکجای بر[36]

۱- ل، ل۲، ب: بتندی ببستش؛ س، پ، آ: به بندی ببستش؛ لن: همیدون ببستش؛ ق: بندی ببستش (حرف دوم واژهٔ یکم نقطه ندارد)؛ و: ببستش بندی (حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارد)؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف (و نیز لن۲) ۲- ل، س، لن، ق، پ- ب: که نگشاید؛ متن= ف ۳- س، لن، پ- ب: بند؛ متن= ف، ل، ق ٤- آ: شیر ۵- لن: برفت؛ ق۲ این بیت را ندارد ٦- ل، س، ق، آ، ل۲: او؛ متن= ف، لن، پ، و، ب ۷- و: برافکند ۸- ل، س، ق، آ، ب: که هر کس که دارید بیدار هوش؛ لن، پ: که ای نامداران با فرّ و هوش؛ ل۲: که هر کس که بیدار دارند هوش؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف، و (و نیز ل۳، لن۲) ۹- ل: نه زین گونه؛ س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: وزین باره؛ متن= ف، ق، و ۱۰- ل، س، و- ب: جوید کسی؛ لن، ق۲، پ: جوید یکی؛ متن= ف ۱۱- ق: جوید کس آیین جنگ (پساوند ندارد) ۱۲- ل، و، ل۲، ب: گاو ورز؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل۳، لن۲) ۱۳- س، ق۲، پ، آ: دگر؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۱٤- س، ق، آ، ب: هر یك؛ و: هردو؛ متن= ف، ل، لن، ق۲، پ، ل۲: در ل۲ این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است ۱۵- س- ق۲، پ- ب: او؛ متن= ف، ل، ل۲ ۱٦- س، ق۲، و، ب: او؛ متن= ف- ق، پ، آ، ل۲ ۱۷- س، لن، ق۲، پ- آ: پر آشوب گردد سراسر؛ متن= ف، ل، ق، ل۲، ب؛ در ل۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- پ- ل۲: آنکه؛ متن= ف- ق۲، ب ۱۹- ق۲: زئید ۲۰- ل: برزش؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل۳، لن۲) ۲۱- ل (و نیز ل۳): روید؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز لن۲)؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

شنیدند یکسر (ق، پ: مردم) سخن های شاه   از آن مرد پرهیز (ق، پ: از آن پرهنر مرد) با دستگاه

۲۲- ل: ازان ۲۳- ف: کسی کش بد از نامور گنج بهر؛ ل، ق: کسی کش بد از تاج وز (ق: از ناز وز) گنج بهر؛ س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: کسی را که بود (ل۲: بد) از زر و (لن: آرزو) گنج بهر؛ و (و نیز لن۲): کسی کش بد از گنج و از نام بهر؛ (متن= ل۳) ۲٤- ل، ق: بر اندازه بر پایگه؛ س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: ز راه (ق۲: ز رای) خرد پایها (ق۲، آ: پایگه)؛ متن= ف، و (و نیز ل۳، لن۲)؛ لی پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲۵- لی: همه ۲٦- ل: داد و بس آفرین؛ ق: داد با آفرین؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- ل- پ، آ- ب: همی (ق: بسی) یاد کرد؛ متن= ف، و (و نیز لن۲) ۲۸- ل۲: همین ۲۹- ل، ق: بنیك اختر این بومتان؛ س، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب: به فال اختر بومتان؛ ق۲: به فال اختر بوستان؛ و: زبد اختر و بومشان؛ متن= ف (و نیز ل۳) ۳۰- و: ایمنست ۳۱- ف: بینگیخت؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳۲- س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: بفرّمن آید (لن، ق۲: آمد) شما را رها؛ ق: بفرمان و گرز من آید رها؛ و، آ (و نیز ل۳، لن۲): بفرّو (آ: بتیغ و) به گرز من آید رها؛ متن= ف، ل ۳۳- ف: بپاکی بباید سپردن؛ و: بباید بپاکی سپردن؛ متن= ل- پ، آ، ب (و نیز ل۳)؛ ل۲ از این بیت تا بیت ۴۰ از داستان فریدون را انداخته است ۳٤- لن، پ: نباید ۳۵- پ: نشست من (وزن نادرست است) ۳٦- لی: در

وُ گرنـه من ایدر همـی بودمـی … بسـی با شمـا سال[۱] پیمـودمـی

مِهـان پیش او[۲] خاك دادنـد بوس … ز درگـاه برخـاسـت آوای[۳] کوس

همـه شهـر دیده[۴] به درگـاه بر … خروشـان بران[۵] روز[۶] کوتـاه بر

که تا اَژدَهـا را برون آورید[۷] … به بنـد کمـنـدی[۸] چُنـان چون سَزید[۹]

دُمـادُم برون رفـت لشـکـر ز شهـر … وُزان شاه نایافتـه شهـر بهـر[۱۰]

ببـردنـد ضحّـاك را بستـه زار[۱۱] … به پشـت هیونـی بر افـگـنـده خوار[۱۲]

همـی رانـد زین گونـه[۱۳] تا شیرخـوان … جهـان را چُن[۱۴] این بشـنـوی پیر خوان

بسـا روزگـارا که بر کوه و دشـت … گذشـتـهسـت و بسیار خواهـد[۱۵] گذشت

بران[۱۶] گونـه ضحّـاك را بستـه سخت[۱۷] … سُوی شیرخـوان برد بیداربـخـت[۱۸]

همـی رانـد او را به کوه انـدرون … همـی خواسـت کردن[۱۹] سرش را نگـون

همـانـگـه بیامـد[۲۰] خجسـتـه سروش … به چربـی[۲۱] یکـی راز[۲۲] گفـتش به گوش

که این بسـتـه را تا[۲۳] دمـاونـد کوه … ببـر همـچُـنـین[۲۴] تازنـان[۲۵] بی گروه[۲۶]

بیاورد ضحّـاك را چون[۲۷] نونـد … به کوه دمـاونـد[۲۸] کردش به بنـد

چو بنـدی بران[۲۹] بنـد بفـزود نیز … نبـود[۳۰] از بدِ بخـت مانـنـد[۳۱] چیز

به کوه انـدرون جای تنـگش گزید[۳۲] … نگـه کرد غاری بُنش ناپـدید

شتر

کوهی به نام شیرکوه در شیراز قرار دارد که جزیره مانند است و دور آن زمین وسیع بلند را آب پوشانده غیر آن 9 مورد دیگر در خراسان و البرز و کرمانشاه داریم.

۱- ل، لن، ق[۲]، لی، پ: روز؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲- ق[۲]: < و > (وزن نادرست است) ۳- س، ق، پ: آواز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[۲] ٤- ل: همه شب دو دیده؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز ل[۲] (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۵- س، لن، لی، پ: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل[۲] ٦- س: کوه (!) ۷- ق[۲]: آورند ۸- و: کمندش؛ آ: کمند (وزن نا درست است) ۹- ق[۲]: برند ۱۰- ل، س، ق، آ، ب: وزان (ب: ازان) شهر نا یافته شاه بهر؛ لن، ق[۲]، لی، پ: وزان شاه نا یافته هیچ بهر؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۱- ل- پ، آ، ب: خوار؛ متن= ف، و ۱۲- ل، لن- پ، آ، ب: زار؛ س: گسسته مهار؛ متن= ف، و ۱۳- ل، س، ق، ق[۲]، لی، آ: همی راند از این گونه؛ پ: همی برد ازین گونه؛ ب: همی راند از ان جای؛ لن: . . . ؟ گونه؛ متن= ف، و ١٤- ل- آ، ب: چو؛ متن= ف ۱۵- ل، ق، آ، ب: گذشتست و دیگر (ل: چندی) بخواهد؛ لن: گذشتست بسیار و خواهد؛ متن= ف، س، ق[۲]، لی، پ، و ١٦- س، لی، و، آ، ب: بدان؛ متن= ف، ل، لن، ق، ق[۲]، پ ۱۷- ق، و: دست (ق پساوند ندارد) ۱۸- ف: خورشید بخت؛ و: چون پیل مست؛ متن= ل- پ، آ، ب ۱۹- ل- پ، آ، ب: کارد؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۰- ل، س، ق- پ، آ، ب: بیامد هم آنگه؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ف، و ۲۱- ل- و، آ، ب: بخوبی؛ متن= ف (و نیز لن[۲]) ۲۲- آ: رای ۲۳- لی: با ٢٤- ل، ق[۲]: همچنان؛ ق: تا زنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[۲] ۲۵- ل، س: تازبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق: همچنین؛ پ: تازیان؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل[۲] ۲٦- س- پ: با گروه؛ متن= ف، ل، و، آ، ب؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چـو بشـنـیـد شـاه آفـریـدون بـه هـوش … بـدیـن گـونه راز از خجـسـتـه سـروش

پـر انـدیـشـه از شـیـرخـوان بـاز گـشـت … چـو بـا او فـرشـتـه هـم آواز گـشـت

ل، س، لن، ق[۲]- ب بجای این دو بیت بیت زیر را افزوده‌اند:

مبر جز کسی را (و: مگر زان کس خود) که نگزیردت … بـهـنـگـام سـخـتـی بـبـر گـیـردت

این بیت در ف، ق نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- ق[۲]: بر ۲۸- لی: دماوندش؛ ل، ق پس از این بیت و و پس از بیت ۴۸۰ افزوده‌اند:

ز سـر تـا بـه پـایـش زهـی بـر کـشـیـد … سراسـر یکـی چرم ازو در کشید (ل: بر کشید)

بدان زه سر و پای و دستش (ق: سر و دست و پایش) ببست … همـه بنـد و (ق، و: < و>) گردنش بر هم شکست

۲۹- ق، ق[۲]، لی: بدان؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل[۲] ۳۰- لن، ق[۲]، لی: نماند؛ آ: ببود؛ در ب لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و ۳۱- ف، س، لن، ق[۲]، پ: مانند (یکی از دو حرف سوم یا چهارم ن است و دیگری نقطه ندارد)؛ لی، آ (و نیز ل[۳]): مانند؛ ل، ق، و (و نیز لن[۲]): از بد بخت او مانده؛ در و پس از این بیت دو بیت ۴۸۰پ آمده است؛ در س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب پس از این بیت دو بیت ۴۸۴پ آمده است ۳۲- ل، ق: تنگ جایش گزید؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز ل[۲]

بیاورد مسمارهای گران[1]   به جایی که مغزش نبود، اندر آن
فرو برد و بستش بدان[2] کوه باز[3]   بدان تا بماند بسختی دراز[4]
ببستش بران گونه آویخته[5]   وُزو[6] خون دل بر زمین ریخته

بیا تا جهان را به بد نسپریم   به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیك و بد پایدار   همان به که نیکی بود یادگار[7]
همان گنج[8] دینار و کاخ[9] بلند   نخواهد بُدن مر ترا سودمند
سَخُن ماند از تو[10] همی یادگار   سَخُن را چُنین خوارمایه مدار
فریدون فرّخ فرشته نبود   ز مُشك و ز عنبر سرشته نبود[11]
به[12] داد و دِهش یافت آن[13] نیکویی   تو داد و دِهش کن فریدون تویی
فریدون ز[14] کاری که کرد ایزدی   نُخُستین[15] جهان را بشست از بدی
یکی پیشتر بند ضحّاك بود   که بیدادگر بود و ناپاك[16] بود
وُ دیگر[17] که گیتی ز نابخردان   بپردخت[18] و بستد ز[19] دست بدان
سدیگر[20] که کین پدر باز خواست   جهان ویژه بر خویشتن کرد راست

جهانا چه بد مهر و بد گوهری   که خود پرورانی و خود بشکَری[21]
نگه کن کجا آفْریدونِ گُرد   که از تخم[22] ضحّاك شاهی[23] ببرد

۱- در **لن** این لت پاك شده است   ۲- **ل**- **ق**[۲]، **پ**، **آ**، **ب**: فرو بست دستش بدان (**ل**، **ق**: بران)؛ متن= **ف**، **لی**، **و**   ۳- **لن**، **ق**، **ق**[۲]: کوهسار؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]   ٤- **لن**: فکار؛ **ق**[۲]: زکار؛ **و**: بدان تا بسختی بماند دراز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]   ۵- **س**، **ق**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب**: بماند او (**آ**: بماندو) برین (**ق**[۲]، **ب**: بران؛ **لی**: بدین) گونه آویخته؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= **ف**، **ل**، **و**   ٦- **ل**، **لن**: ازو؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]؛ **ل** پس از این بیت و **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** پس از بیت ۴۸۰ افزوده‌اند (در **لن** لت یکم بیت دوم پاك شده است):

ازو (**آ**، **ب**: از ان) نام ضحاك چون خاك شد   جهان از بد او همه پاك شد
گسسته شد از (**س**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**: آن) خویش وپیوند او (**پ**: اوی)   **ل**، **لن**، **ق**[۲]: بمانده (**ق**[۲]: نمانده) بدان گونه دربند او
س، **پ**، **آ**، **ب**: بمانده بکوه اندرون بند او (**پ**: اوی)
لی: بکوه اندرون مانده آن بند او

این دو بیت در **ف**، **ق**، **و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند   ۷- در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ **ق** ۴۸۶ب و ۴۸۷ و ۴۸۸آ را انداخته و از ۴۸۶آ و ۴۸۸ب یك بیت ساخته است   ۸-**لی**، **و**، **آ**، **ب**: گنج و؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= **ف**، **ل**، **س**، **لن**، **ق**[۲]، **پ**؛ **لی** این بیت را دو بار نوشته است   ۹- **ل**: تاج   ۱۰- **و**: ما؛ در **لن** این بیت پاك شده است؛ **ق** ۴۸۶ب و ۴۸۷ و ۴۸۸آ را انداخته و از ۴۸۶آ و ۴۸۸ب یك بیت ساخته است؛ **ل**، **ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

سخن را سخن دان ز گوهر گزید   ز گوهر ورا پایه برتر سزید
تویی آنك گیتی بجویی همی   چنان کن که بر داد پویی همی

۱۱- در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است   ۱۲- **ق**[۲]، **و**، **آ**: ز   ۱۳- **س**: این   ١٤- **لی**: که   ۱۵- **ق**[۲]، **لی**: نخست این   ١٦- **س**: بی باك؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   ۱۷-**ل**: دو دیگر؛ **س**، **لن**، **پ**، **ب**: سدیگر؛ **ق**[۲]، **لی**، **آ**: سه دیگر؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= **ف**، **و**   ۱۸-**ل**: بپرداخت؛ **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب**: بپالود؛ **و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): تهی کرد؛ متن= **ف**   ۱۹- **ب**: و بر بست؛ در **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیایی این دو بیت در متن به پیروی از **ف**، **ل**، **و** است   ۲۰- **ل**: سه دیگر؛ **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب**: و دیگر؛ متن= **ف**، **ق**، **و**؛ در **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است   ۲۱- **ف**: بسپری؛ **س**، **و**، **ب** (و نیز **لن**[۲]): که پروردهٔ خویش را بشکری؛ متن= **ل**- **پ**، **آ** (و نیز **ل**[۳])   ۲۲- **ل**، **ق**: شاه؛ **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **ب**: پیر؛ متن= **و**، **آ** (و نیز **لن**[۲])   ۲۳- **س**، **ب** (و نیز **ل**[۳]): ملکت؛ **ف** این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی این بیت ها در دستنویس های دیگر (و نیز در **ل**[۳]، **لن**[۲]) آمده‌اند

ببُـد در[۱] جهـان پنـجـصـد[۲] سال شاه[۳]   به آخـر بشـد[۴] ، مانـد ازو جایگـاه[۵]
جهـانِ[۶] جهـان دیگـری را سِپُـرد   بجـز درد و انـدوه چیزی نبـرد[۷]
چُنـیـنـیم یکـسـر[۸] کِه و مِه همـه   تو خواهـی شبـان باش[۹] ، خواهـی رمـه

۱- **و**: بد اندر؛ **ف** این بیت را ندارد ۲- **ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب**: پانصد؛ (**لن**[۲]: پنج و صد)؛ متن= **ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]) ۳- **ل**: سال و ماه ٤- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: بآخر شد و؛ متن= **ل، ق** ۵- **و**: به فرجام رفت و بجا ماندگاه ٦- **پ**: جهانی ۷- **س، لن، لی، پ، آ** (و نیز **ل**[۳]): بجز حسرت از دهر (**س، آ**: ملك) چیزی نبرد؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): بجز نیکنامی ز گیتی نبرد؛ **ب**: بجز حسرت و درد چیزی نبرد؛ **ف، ق**[۲] این بیت را ندارند؛ متن= **ل، ق**؛ **آ** پس از این بیت افزوده است (← **فریدون**، بیت ۱۲):

جـهـان چـون بـرو بـر نـمـانـد ای پـسـر   تـو نـیـز از مـسـپـار و انـده مـخـور

۸- **ل، ق**: چنینیم اینجا؛ **ب**: چو خواهیم مردن؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= **س، لن، ق**[۲]**- آ** ۹- **ق، ق**[۲]**، پ، آ**: باش و؛ متن= **ل، س، لن، لی، و، ب**

فریدون

پادشاهی فریدون پانصد سال بود[۱]

فِریدون چو[۲] شد بر جهان کامگار   ندانست جز خویشتن شهریار
به رسمِ کَیان گاه[۳] و تخت مِهی   بیاراست با تاج[۴] شاهنشهی
به روز خجسته سرِ مهرماه[۵]   به سر برنهاد آن کَیانی کلاه
زمانه بی اندوه گشت از بدی   گرفتند هر کس[۶] ره بخردی[۷]
دل از داوری ها بپرداختند   به[۸] آیین یکی جشن نو[۹] ساختند
نشستند فرزانگان شادکام   گرفتند هر یك[۱۰] ز یاقوت جام
می روشن و چهره‌ی شاه نو   جهان نو ز داد و[۱۱] سرِ ماه نو
بفرمود تا آتش افروختند   همه عنبر و[۱۲] زعفران سوختند
پرستیدن مهرگان دین اوست   تن آسانی و خوردن آیین اوست
اگر یادگارست ازو[۱۳] ماه و مهر   بکوش و به رنج ایچ[۱۴] منمای چهر

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی شاه افریدون پانصد سال و هفت ماه و بیست و چهار روز بود و نهادن جشن و سده؛ **ل**: آغاز داستان؛ **س**: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال بود؛ **ق**[۲]: بر تخت نشستن فریدون؛ آ: محضر نوشتن ضحاك تازی (!)؛ **ب**: پادشاهی فریدون پانصد سال؛ متن= **لن، ق، لی، پ، و**؛ **ل**[۲] از آغاز تا بیت ۴۰ را انداخته است **۲- س، و**، آ، **ب**: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]) **۳- ل**- آ، **ب**: تاج؛ متن= **ف** **٤- س**- آ، **ب**: کاخ؛ متن= **ف، ل** **۵- ل**: مهر و ماه؛ در **ف، ل، و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **ف** پس از بیت **۳** افزوده است:

بزرگان و شاهان ایران زمین   به شاهی برو خواندند آفرین

٦- ق[۲]، **لی**: مردم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **۷- س**- آ، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): ایزدی؛ متن= **ف، ل**؛ در **ف، ل، و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۸- لن، ق**[۲]، **پ**: بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **۹- پ**: که؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۱۰- س، لن، ق**[۲]، **پ، و**: هر کس؛ متن= **ف، ل، ق، لی**، آ، **ب**؛ در **پ** این بیت پس از بیت ۸ آمده است **۱۱- ق**: < و >؛ **ف**: جهان نور داد از؛ **س، لن، لی، پ**، آ، **ب**: جهان پر ز داد و؛ **و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): جهان گشت روشن؛ در **ق**[۲] این لت ناخواناست؛ متن= **ل**
۱۲- آ: همه عود با؛ در **پ** پس از این بیت بیت ۶ آمده است؛ **ف** پس از این بیت افزوده است (← **جمشید**، بیت ۵۵):

چنین جشن فرخ کزان روزگار   بماند از فریدون به ما یادگار

۱۳- و: زو **١٤**- آ: بنوش و به خور هیچ

وُرا بُد جهان سالیان[1] پنجصدْ[2]   نیفگند یك روز[3] بنیاد بد
جهان چون برو بر نماند ای پسر   تو نیز آز مپرست و اندُه مخور[4]

فرانك نه آگاه بُد[5] زین نهان   كه فرزند او شاه شد بر[6] جهان
ز ضحاك شد تخت شاهی تَهی[7]   سر آمد برو[8] روزگار بهی[9]
پس آگاهی آمد ز فرّخ پسر   به مادر كه فرزند شد تاجور[10]
نیایش كنان شد سر و تن بشست   به پیش جهان داور[11] آمد نُخست
نهاد آن[12] سرش پست بر[13] خاك بر   همی خواند[14] نفرین به ضحاك بر
همی[15] آفرین خواند[16] بر كردگار   بر آن شادمان[17] گردش روزگار
از آن پس[18] هر آنكس[19] كه بودش نیاز   همی داشت روز بد خویش راز[20]
نهانش نَوا كرد و[21] كس را نگفت[22]   همی[23] راز او[24] داشت اندر نهفت
یكی[25] هفته زین گونه بخشید چیز[26]   چُنان شد كه درویش نشناخت[27] نیز[28]
دگر هفته مر بزم را ساز كرد[29]   سر بدره های درم باز كرد[30]
بیاراست چون بوستان خان[31] خویش   مِهان را همه[32] كرد مهمان خویش
از آن[33] پس همه[34] گنج آراسته   فراز آوریدش نِهان خواسته[35]

۱- ق۲: براند این جهان سالیان **۲- ف- ق، لی، پ**، آ، **ب**: پانصد؛ (**لن۲**: پنج و صد)؛ متن= **ق۲، و** (و نیز **ل۳**) **۳- س**، آ، **ب**: كه یك روز نفكند؛ **لن، ق۲،پ**: كه نفكند یكروز؛ **لی**: كه ننهاد یكروز؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن۲**)؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

جهان را به نیكی و رادی گشاد   به مردی ستد و ز مروّت بداد

٤-ق: تو نیز آن مپرس و تو انده مخور؛ در آ این بیت پس از بیت ۴۹۸ در داستان **ضحّاك** آمده است؛ در **لن، ق۲، لی** پس از این بیت بیت ۱۵ آمده است؛ **ل، ق، پ، و** پس از بیت ۱۲ افزوده‌اند:

نهاند (**ل**: نپاید) چنین دان جهان (**و**: نهاند جهان جهان) بر كسی   درو شادكامی (**و**: وزو شادمانی) نبینی (**پ**: نیابد) بسی

۵- لن: فرانك چو آگاه شد **٦- س**: در **۷- ف**: تخت شاهنشهی؛ **لن، ق۲**این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۸- لی**: بسر آمدش **۹- س، ق، ب** (و نیز **ل۳،لن۲**): مهی؛ متن= **ف، ل، لی، پ، و**، آ **۱۰-ق**: كه فرزند شد بر جهان تاجور؛ در **لن، ق۲**بجای بیت ۱۵ و در **لی** پس از بیت ۱۵ بیت زیر آمده است:

نیایش كنان پیش دادار شد   پر از آفرین جهاندار شد

۱۱- ق، لی، پ، و: جهاندار؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق۲**، آ، **ب**؛ در **لن، ق۲، لی** این بیت پس از بیت ۱۲ آمده است **۱۲- ف، و**: نهاده؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱۳- س**: سرش بسته بر؛ **لی**: سر خود ابر؛ **ب**: سرش زود بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲** **١٤- ل**: هَمی كرد؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱۵- لن**: بسی؛ آ: یكی **١٦- ل، ق**: كرد؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل۲** **۱۷- ق۲، لی**: بدان شادمان؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): بدل شاد از؛ متن= **ف- ق، پ**، آ، **ب** **۱۸- س- پ**، آ، **ب**: وزان پس؛ متن= **ف، ل، و** **۱۹- ل**: كسی را؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل۲** **۲۰- لی**: باز؛ **س، ق۲**: مهانی كه بودند گردن (**ق۲**: گردش) فراز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲** **۲۱- ف**: نهانش روان كرد و؛ **ل، ق**: نهانش بر افزود و؛ **س**: نهانش بدان كرد و؛ **لی**: لبانش نوان بود؛ **پ**: نهانش روا كرد و؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **لن، و**، آ، **ب** (و نیز **لن۲**) **۲۲- لی**: با كس نگفت **۲۳- ل، س، لن، ق، لی، پ**، آ، **ب**: همان؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) **٢٤-** آ: را **۲۵- و، ب** (و نیز **لن۲**): بیك؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲** **٢٦-ق**: نیز **۲۷- و** (و نیز **ل۳، لن۲**): نشنید **۲۸- ق**: چیز **۲۹- ل، س، لن، ق، لی- و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): كرد ساز؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۳۰- ل، لن، ق، لی- و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): مهانی (**ب**: مهان را) كه بودند گردن فراز؛ **س**: همی داشت روز بد خویش راز (= ۱۹ب)؛ متن= **ف**؛ در آ بجای این بیت بیت زیر آمده است:

چو آن خواسته دید شاه زمین   بپذرفت و بر مام كرد آفرین

۳۱- ق، ق۲، آ: خوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲** **۳۲- و**: همی **۳۳- ل، لن، ق، لی، پ**: وزان؛ متن= **ف، س، ق۲، و**، آ، **ب** **۳٤- پ**: همی **۳۵- ل- پ**: فراز آوریده (**ل، لن**: آورنده) نهان خواسته؛ **و**: فراز آوریدند پر خواسته؛ آ، **ب**: فراز آورید از نهان خواسته؛ متن= **ف**

همان[1] گنج ها را گشادن گرفت   نهاده همه رای دادن گرفت
گشادن[2] در گنج را گاه[3] دید   درم خوار شد چون پسر شاه دید
همان جامه و گوهر[4] شاهوار   همان اسپ تازی به زرّین فَسار[5]
همان جوشن و خود و ژوپین[6] و تیغ   کلاه و کمر هم نبودش دریغ
همه خواسته بر شتر[7] بار کرد   دل پاك سوی جهاندار کرد
فرستاد نزدیك فرزند چیز   زبانی پر از آفرین داشت[8] نیز
چو آن خواسته دید شاه زَمین   بپذرفت[9] و بر مام کرد آفرین
بزرگان لَشکر چو بشناختند   بر شهریارِ جهان تاختند
که ای شاهِ پیروز[10] یزدان شناس   ستایش[11] مرو را و زویت سپاس
چُنین[12] روز روزت فزون باد[13] بخت[14]   بداندیشگان را نگون باد بخت[15]
همه[16] زرّ و گوهر برآمیختند   به تخت[17] سپهبد[18] فرو ریختند[19]
همان مهتران از همه[20] کشورش   بدان[21] فرّخی[22] صف زده بر درش
ز یزدان همی خواستند[23] آفرین   بران[24] تخت و تاج و کلاه و نگین[25]
همه[26] دست برداشته بآسمان   همی خواندندش به نیکی گمان[27]
که جاوید باد این چُنین[28] شهریار   بَرومند باد این چُنین[29] روزگار

وُزان[30] پس فِریدون به گرد جهان   بگردید و دید آشکار و نِهان
هر آن چیز کز راه بیداد[31] بود[32]   هر آن[33] بوم و بر کان نه[34] آباد بود[35]

۱- ف، س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ب: همه؛ و (و نیز ل[3]، لن[2]): سر؛ متن= ل، ق ۲- آ: گشودن؛ لن این بیت را ندارد ۳- لی: راه ٤- ل: جامهٔ گوهر ۵- ف- پ، آ: عذار؛ متن= و، ب (و نیز ل[3]، لن[2]) ٦- :ق[2]، لی، و: خود زرّین؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[2] (ف- ق، پ، آ: زوبین؛ ب: زوپین) ۷- ف: سر بسر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ل، س، ق- و، آ، ب (و نیز ل[3]) ۸- و: داد ۹- ب: پذیرفت؛ آ این بیت را ندارد ۱۰- لی: فیروز ۱۱- و (و نیز لن[2]): نیایش ۱۲- ق[2]، لی: همی ۱۳- س: روز نیزت فزون باد؛ ق[2]: روز و روزت فزون باد و؛ آ: روزگارت فزون باد؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[2] ١٤- ق: تخت ۱۵- پ، آ، ب (و نیز ل[3]، لن[2]): تخت؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

ترا باد پیروزی از آسمان   مبادی بجز راد و نیکی گمان
وزان پس جهاندیدگان سوی (پ: پیش) شاه   ز هر گوشه‌ای بر گرفتند راه

۱٦- ق: همان ۱۷- ل، ق، و: به تاج؛ متن= ف، س، لن، ق[2]، لی، پ، ب ۱۸- لی: فریدون ۱۹- آ: بر آن تخت و تاج شهی ریختند ۲۰- ف: مهتر و کهتر از؛ ب: مهتران همه؛ متن= ل- آ (و نیز ل[3]، لن[2]) ۲۱- ل: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز ل[2] ۲۲- ل- پ، آ، ب: خرّمی؛ و (و نیز لن[2]): فرّهی؛ متن= ف (و نیز ل[3]) ۲۳- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: خواندند؛ ق[2]این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، و (و نیز ل[3]، لن[2]) ٢٤- ق، لی: بدان؛ متن= ف، ل، س، لن، پ، و، آ، ب ۲۵- ق: بخت بیدار و تاج و نگین؛ پ، و: تاج و تخت و کلاه و نگین؛ متن= ف، ل، س، لن، لی، آ، ب ۲٦- ق[2]: همی؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- س: همی خواندیدیش نیکی گمان؛ لی: بنیکی همی خواندندش گمان؛ و: گشاده بدو بر بنیکی گمان؛ متن= ف، لن، ق[2]، پ، آ، ب؛ در ق[2]لتهای این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۸- ل، ق، و (و نیز ل[3]): بادا چنین؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[2] ۲۹- ل، ق، ق[2]، لی، پ، و (و نیز ل[3]) بادا چنین؛ متن= ف، س، لن، آ، ب ۳۰- و: ازان؛ در لن، ق[2]، لی پس از این بیت، بیت های ۴۴ و ۴۵ آمده‌اند؛ ل[2]پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۳۱- ق: همان چیز کان رانه از داد؛ ل[2]: هر آن چیز کان نز ره داد ۳۲- ل- پ، آ، ل[2]،ب: دید؛ متن= ف، و (و نیز ل[3]، لن[2]) ۳۳- ق، ب، ل[2]: همان؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل[3]،لن[2]) ۳٤- ل[2]: به ۳۵- ل، س، ق- پ، ل[2]، ب: دید؛ در لن نیمهٔ دوم این لت پاك شده است؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل[3]، لن[2])

که از جهان گوشه، گوشه جهان یه همان تَه میشه(تهمیشه) یا تمیشه که میتاند اشاره به آخرین نقاط جهان یا انتهای محدوده انسان باشد، بعد از آمل شهر آخر در کرانه دریای خزر "کرد کوی" و بعد آن " گرگان" است که در تلفظ سریع یکسان هستند.

به نیکی فروبست ازو دست بد[1] — چُنان کز ره پادشاهان سَزد[2]
بیاراست گیتی بسان بهشت — بجای گیا سرو و[3] گلبن بکشت
ز[4] آمل گذر سوی[5] تمّیشه[6] کرد — نشست اندر آن نامور بیشه کرد
کجا «کر جهان گوش»[7] خوانی همی — جزین نیز نامش[8] ندانی همی
ز سالش چو یك پنجه اندر کشید — سه فرزندش آمد گرامی پدید[9]
به بخت[10] جهاندار هر سه پسر — سه فرّخ[11] نژاد ازدرِ[12] تاجِ زر[13]
به بالا چو سرو و[14] به رخ چون بهار[15] — به هر چیز مانندهٔ شهریار
ازین[16] سه دو پاکیزه از شهرناز[17] — یکی کهتر از خوبچهر[18] ارنواز
پدر نوز[19] ناکرده از ناز[20] نام — همی[21] پیش پیلان نهادند گام
از آن پس بدیشان نگه کرد شاه — که گشتند زیبای تخت[22] و کلاه
فریدون از آن نامداران خویش — یکی را گرانمایه تر[23] خواند پیش
کجا نام او جندل راهبر[24] — به هر کار دلسوزه[25] بر شاه بر
بدو گفت برگرد گرد جهان — سه دختر گزین از نژاد مهان
سه خواهر[26] ز یك مادر و یك پدر — پریچهره و پاك و خسروگهر

۱- ل، ق، پ: بنیکی ببست از همه دست بد؛ س، لن، ق[2]، لی، ب، ل[2]: بنیکی ببست او در دست بد (ق[2]: دو دست بدی؛ ل[2]: درو دست بد؛ ب: از آن دست بد)؛ و: بنیکی فرو بست آن راه بد؛ آ: بنیکی بشست از جهان دست بد؛ متن= ف ۲- ف: پادشایی (و یا: پادشاهی) سزد؛ ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل[2]، ب: چنان کز (ل: چنانك از) ره هوشیاران (ق: هوشیاری؛ ب: شهریاران) سزد؛ ق[2]: پدید آورید او ره ایزدی؛ متن= و (و نیز ل[3]، لن[2]) ۳- : ل، لی، آ، ب: <و> ؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۴- ل- پ، آ، ل[2] : از؛ متن= ف، و، ب ۵- لی: < سوی> (وزن نادرست است) ۶- لی: تهمیشه؛ در لن، ق[2]، لی این بیت و بیت پس از آن پس از بیت ۴۰ آمده‌اند ۷- ف: کر (یا: کز) جهان کوشه؛ ل- ب: کز (س، ل[2]: کر؛ ق، و: از) جهان کوش (س، ق[2]، و، ل[2]، ب: کوس) ۸- پ: نام نیزش ندانی ؛ در لن، ق[2]، لی این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۴۰ آمده‌اند ۹- ب: گرامی سه فرزندش آمد پدید ۱۰- ل[2]: به تخت (!) ۱۱- ل- لی، آ، ل[2]، ب: خسرو؛ متن= ف، پ، و (و نیز ل[3]، لن[2]) ۱۲- ل[2] از بر؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است ۱۳- آ: تاجور ۱۴- ل، لی: <و> (وزن نادرست است) ۱۵- ب: نگار ۱۶- آ: از آن ۱۷- ل[2]: شهنواز؛ ب: دو بودند از شهرناز ۱۸- ق[2]- ب (و نیز ل[3]، لن[2]): خوب رخ؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن= ف، ل، ق؛ ل پس از این بیت افزوده است:

کهین بود با فرّ و برز کیان — دو مهتر ز کینه سری پر زیان

۱۹- ق[2]، لی، پ: پدر بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل[2]: کرده از ناز (وزن نادرست است) ۲۱- ل: همش ۲۲- لی: زیبا بتخت؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ ل، س، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو دید آن سه شه را سزاوار جفت — همی جفتشان جست اندر نهفت

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل[3]، لن[2]) نیست ۲۳- ل[2]: بر؛ آ: یکی مرد داننده را؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

پژوهندهٔ دانش و راه و روز — بهر کار پیروز و گیتی فروز

برخی از دستنویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: فرستادن افریدون جندل را بطلب زن خواستن پسران سلم و تور و ایرج بولایت یمن؛ پ: فرستادن فریدون جندل را بطلب سه خواهران از بهر پسران؛ و: فرستادن شاه فریدون جندل را باطراف جهان؛ ل[2]: فرستادن جندل بطلب زن و فرزندان؛ ب: خواستن فریدون دختر شاه یمن؛ ل- لی، آ سرنویس ندارند ۲۴- ل، ق: جندل پر هنر؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۵- س، پ، و، آ، ل[2]، ب: دلسوز؛ ل، ق: شب و روز دل سوز؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن= ف، ق[2]، لی ۲۶- ف: دختر؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2])؛ در س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب این بیت پس از بیت ۵۷ آمده است؛ پیایی بیت های متن به پیروی از ف، ل، ق، و (و نیز ل[3]، لن[2]) است

به خوبی سَزای سه فرزند من ‌ ‌ چُنان چون بشایند پیوند من[1]
پدر نام ناکرده از نازشان ‌ ‌ بدان تا نخوانند[2] بآوازشان[3]
چو بشنید جَندل ز خسرو سَخُن ‌ ‌ یکی رای پاکیزه افگند بن
که بیداردل بود و بسیار[4] مغز ‌ ‌ زبان چرب و شایستهٔ کار نغز
یکایك ز[5] ایران سر اندرکشید[6] ‌ ‌ پژوهید و[7] هر گونه گفت و شنید
به هر کشوری کز جهان مهتری ‌ ‌ به پرده درون داشتی دختری
نهفته بجستی همه رازشان ‌ ‌ شنیدی[8] همه[9] نام و آوازشان
ز دهقان پرمایه کس را ندید ‌ ‌ که پیوستهٔ آفریدون[10] سَزید
خردمند و روشن دل و پاك تن ‌ ‌ بیامد بر سرو، شاه یمن[11]
نشان یافت جَندل مر او را درست[12] ‌ ‌ سه دختر چُنان کافْریدون[13] بجست
خرامان بیامد بنزدیك سرو ‌ ‌ ز[14] شادی چو پیش[15] گُل اندر[16] تذرو
زَمین را ببوسید و چربی[17] نُمود ‌ ‌ بران[18] کهتری[19] آفرین برفزود
به جَندل چُنین گفت شاه یمن ‌ ‌ که بی آفرینت مبادا دهن
چه پَیغام داری چه فرمان[20] دهی؟ ‌ ‌ فرستادهیی گر[21] گرامی مهی[22]؟
بدو گفت جَندل که خُرّم بَدی[23] ‌ ‌ همیشه ز تو دور دستِ بَدی
از[24] ایران یکی کهترم چون شَمَن[25] ‌ ‌ پَیام آوریده[26] به شاه یمن
درود[27] فِریدون فرّخ دِهم ‌ ‌ سَخُن هر چه پرسی تو[28] پاسخ دِهم

۱- ل، س، ق، و، آ (و نیز ل۳، لن۲): بشاید بپیوند من؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، ق۲، لی، پ، ل۲، ب؛ ل پس از این بیت، ق پس از بیت ۵۷ و پ پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:

ببالا و دیدار هر سه یکی ‌ ‌ که این را ندانند ازان اندکی

۲- س، ق- و، ب: نخواند؛ ل این بیت را ندارد؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ف، آ، ل۲ (و نیز ل۳) ۳- ل۲: آوازشان؛ در س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب پس از این بیت بیت ۵۵ آمده است ٤- ل- پ، آ، ل۲، ب: پاکیزه؛ و (و نیز ل۳،لن۲): بیدار؛ متن= ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ببخت تو ای شاه گفتا بدهر ‌ ‌ بگردم بهر بوم و هر مرز و شهر

ل، ق، پ بجای بیت بالا افزوده‌اند:

ز پیش سپهبد برون شد براه ‌ ‌ ابا چند تن مرورا نیکخواه

۵- س، لن، ق، ق۲، ل۲: از؛ ب: که؛ متن= ف، ل، لی، پ، و، آ ٦- س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب: همه بر رسید؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۷- س، ق۲، لی، آ: < و> ؛ در س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب این بیت پس از بیت ۶۲ آمده است ۸- ف: شنیده؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۹- ق: همی؛ در س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب پس از این بیت بیت ۶۰ آمده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، لن، لی: آمدن (لی: رفتن) جندل بنزدیك شاه (لی: سرو شاه) یمن؛ ق، ق۲: رسیدن (ق۲: رفتن) جندل بنزد سرو شاه یمن بدختر خواستن (ق۲: بخواهش دختران) ۱۰- و: که پیوستگی با فریدون ۱۱- لی: بیامد بر شاه سرو یمن ۱۲- س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: بر او (س، آ: بدو) بر درست؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل۳) ۱۳- ل- ق۲، پ، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): چنان چون فریدون؛ متن= ف، لی ۱٤- س، لن، ق۲، لی- ب: به؛ متن= ف (و نیز ل۳) ۱۵- ل، ق: چنان چون بپیش ۱٦- ق۲، لی: آید ۱۷- ل: خوبی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۸- ق: بدان ۱۹- پ: کهتران؛ آ: مهتری؛ ب: بسان رهی؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

که جاوید بادا سرافراز شاه ‌ ‌ همیشه فروزندهٔ تاج و گاه

این بیت در نه دستنویس دیگر (و نیز در ل۳، لن۲) نیست ۲۰- و: پاسخ ۲۱- ف- و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): یا؛ متن= ل ۲۲- س، لن، لی، و: رهی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- لی (و نیز ل۳، لن۲): بزی؛ آ: بوی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٤- آ: به ۲۵- لی، پ (و نیز ل۳، لن۲) سمن ۲٦- ل، لن، ب: آورنده؛ س: آوربده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل۲ (و نیز ل۳): آوریدم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۷- و: درود از ۲۸- ل: هرچ پرسند؛ س، لن، پ، آ، ل۲، ب: هر چه پرسیم؛ متن= ف، ق، ق۲، لی، و (و نیز ل۳،لن۲)

ترا آفرین از فریدون گرد		بزرگ آن کسی کو[1] ندارد‌ش[2] خرد
مرا[3] گفت شاه[4] یمن را بگوی		که بر گاه تا مشک بوید ببوی[5]
همیشه تن آزاد بادت ز رنج[6]		پراگنده رنج و بیاگنده گنج[7]
بدان ای سر مایه‌ی تازیان		کز اختر[8] بَدی[9] جاودان بی زیان[10]
که شیرین تر از جان و[11] فرزند و[12] چیز[13]		همانا که چیزی نباشد بنیز[14]
[پسندیده تر کس ز فرزند نیست		چو پیوند فرزند پیوند نیست[15]]
به سه دیده[16] اندر جهان گر کس ست[17]		سه فرزند، ما را سه دیده بس ست[18]
گرامی تر از[19] دیده آنرا شناس		که دیده به[20] دیدنْش دارد سپاس
چه گفت آن خردمند پاکیزه مغز		کجا داستان زد به[21] پیوند[22] نغز
که پیوندِ کس را نیاراستم[23]		مگر کهش به از خویشتن خواستم[24]
خرد یافته مرد نیکی سِگال		همی دوستی را نجوید[25] هَمال
که[26] خرّم[27] به مردم بود روزگار		نه نیکو بود بی سپه شهریار
مرا[28] پادشاهیّ آباد هست		همان[28] گنج و مردان[29] و بنیاد هست[30]
سه فرزند شایسته‌ی تاج و گاه[31]		اگر[32] - داستان را - بود گاه و گاه[33] (!)

۱- ل: کش؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲- و: نداندش ۳- و: بمن ٤- و: سرو ۵- پ: بپوی ٦- ف، لن، ق، لی، پ، ل۲: همیشه تن آباد بادت ز رنج (ق: گنج)؛ ل، س: همیشه تن آزاد بادت بگنج؛ ق۲، و (و نیز ل۳): خجسته بزی شاد بی درد و رنج؛ متن= آ، ب ۷- ل: پراکنده گنج و پراکنده رنج؛ س، لی، پ، آ، ل۲، ب: پراکنده رنج و پراکنده گنج؛ ق: بیاکنده گنج و پراکنده رنج؛ متن= ف، لن، ق۲، و (و نیز ل۳) ۸- پ: که اختر؛ ل۲: که زخر (!) ۹- ف: تویی؛ ق، لی: بزی؛ و (و نیز لن۲): بوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- ل۲: بی زبان (!) ۱۱- و: <و> ۱۲- ف، س- ب: < و >؛ متن= ل ۱۳- و: چیست ١٤- لی: عزیز؛ ل۲: نباشند نیز؛ و: بهین جوهری در جهان آدمیست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- س: چو پیوند فرزند فرزند نیست؛ آ: چو فرزند شیرین به پیوند نیست؛ ف، و (و نیز ل۳، لن۲) این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٦- ل، س، ب: پسندیده؛ آ: بسی دیده؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، و، ل۲: کسیست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- ف، و، ل۲: دو دیده بود مر مرا دیده شست (و: دیده ایست؛ ل۲: دیده سیست)؛ ل: سخن دانشی را از این در بسیست؛ س: سه فرزند او را سه دیده بس است؛ متن= لن، ق۲، لی، پ، آ، ب؛ ق۲این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ل۲این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که گر نه بر امید فرزندمی		بزن هیچ گونه نپیوندمی
دگر گونه گوید همی رهنمای		ازین در بسی دانش آرد بجای

۱۹- ل۲: گرانما تر از ۲۰- س، و، آ، ب: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ل- و: ز؛ متن= ف، آ، ل۲، ب ۲۲- لن، ق۲، پ: فرزند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- ل۲: نیاراستند ۲٤- لی: داشتم؛ ل۲: خواستند ۲۵- ف، س، ق۲، پ: نجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، ب (و نیز ل۳): بجوید؛ و (و نیز لن۲): بخواهد؛ متن= ق، لن، لی، ل۲ ٢٦- ل- پ، آ، ب: چو؛ ل۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف، و (و نیز ل۳، لن۲) ۲۷- ل (و نیز ل۳): خورم ۲۸- ل، ق: همم؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- لن، پ، و، ب: مردی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- ل- پ، ل۲، ب: نیروی دست؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل۳، لن۲)؛ در ل- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳)این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت زیر را افزوده‌اند:

مرا داد دادار فریاد بخش		بدیشان شب و روز من هست کش
		ق: بدیشان مرا شب چو روزست خوش
سپاسم ز یزدان که او داد دست		مرا بر چنین دستگاه و نشست
ز هر گونه چون بنگرم روزگار		مرا هست خود بخت آموزگار

۳۱- ق: سه شایستهٔ تاج و زیبای گاه؛ و: گرامی سه فرزند دارم چو ماه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- ل۲: دگر ۳۳- ل، س، ق۲، لی، پ، آ: کاه ماه؛ لن: که شاه؛ ق: شاه ماه؛ ل۲: کاه و ماه؛ و: سزاوار دیهیم و تخت و کلاه؛ ب: اگر آن نشان را بود کاه و ماه؛ (ل۳: اگر داستانها بود شاه یار؛ لن۲: کاه و شه)؛ متن= ف؛ در ل- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت افزوده‌اند (← ۸۵پ)

ز هر کام و هر خواسته بی نیاز   به هر آرزو دست ایشان[۱] دراز[۲]
مرین[۳] سه گرانمایه را در نهفت   بباید همی[۴] شاهزاده سه، جفت
ز کاراگهان آگهی یافتم   بدان[۵] آگهی تیز[۶] بشتافتم
کجا از پس پرده پوشیده روی   سه پاکیزه داری تو ای نامجوی
مران[۷] هر سه را نوز[۸] ناکرده نام   چو بشنیدم[۹] این شد دلم[۱۰] شادکام
که ما نیز نام سه فرّخ نژاد   چُن[۱۱] اندرخور آید[۱۲] نکردیم یاد
کنون این[۱۳] گرامی دو[۱۴] گونه گهر   بباید برآمیخت[۱۵] یك بادگر[۱۶]
سه پوشیده‌رخ را سه دیهیم جوی[۱۷]   سَزا را سَزا کار[۱۸] بی گفت و گوی[۱۹]
فِریدون پَیامم برین[۲۰] گونه داد   تو پاسخ گزار[۲۱] آنچ[۲۲] آیدت یاد[۲۳]

پَیامش چو بشنید شاه[۲۴] یمن   بپژمرد چون زآب گنده سمن[۲۵]
همی گفت[۲۶] اگر[۲۷] پیش بالین من   نبینم[۲۸] سه ماه[۲۹] جهان بین من
مرا روز روشن بود[۳۰] تاره[۳۱] شب   نباید[۳۲] گشادن به پاسخ[۳۳] دو لب
شتابش[۳۴] نباید به پاسخ کنون[۳۵]   مرا چند رازست با رهنمون
بریشان گشاده کنم[۳۶] راز من   به هر کار هستند[۳۷] انباز من

فرستاده را زود جایی[۳۸] گزید   پس آنگه به کار اندرون بنگرید

۱- **ل، ق**: دست گشته؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])   ۲- **ق**: در آز؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

سه پور گرانمایه دارم چو ماه   سزاوار دیهیم و تخت و کلاه (= ۸۶)

۳- **ل**[۲]: < این > (وزن نا درست است)   ٤- **ل**: کنون؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])   ۵- **ل- پ، آ، ل**[۲]**، ب**: بدین؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ٦- **ل**: سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ **ق**[۲]: نیز؛ **آ**: تیر؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۷- **ق**: بدان   ۸- **لی**: بور؛ **ق**: از ناز   ۹- **س، لن** (و نیز **ل**[۳]): چو بشنید   ۱۰- **ل**: دل شدم   ۱۱- **ل- ب**: چو؛ متن= **ف**   ۱۲- **ق**[۲]: آمد   ۱۳- **ب**: ای   ١٤- **آ**: سه   ۱۵- **لن، ق**[۲]**، لی، پ**: بر آمیخت باید؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ١٦- **ف، س، ق، و- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): با یکدیگر؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ**: ابا یکدیگر؛ متن= **ل**   ۱۷- **ق**: جو؛ **و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): سه پوشیده را با سه دیهیم جوی؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۱۸- **ل، و** (و نیز **لن**[۲]): سزا را سزاوار؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: سزا در سزا کار؛ **ل**[۲]: سزا در سزایند؛ متن= **ف، ق**   ۱۹- **ل**: بی گفت گوی؛ **ق**: بی گفت وگو   ۲۰- **ل- لی، ل**[۲]: بدین؛ **و**: ازین؛ متن= **ف، پ، آ، ب**   ۲۱- **ف**: گذار؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳])   ۲۲- **ق- ب**: آنچه؛ متن= **ف، ل، س، لن**   ۲۳- **و**: بایدت داد   ۲٤- **ق**: سرو   ۲۵- **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ**: چون آب گنده سمن؛ **ق**: چون ز آب گنده سمن؛ **ل**[۲]: چون ز آب گنده دهن؛ **ب**: چون شاخ کبك سمن؛ متن= **ف، ل، پ، و**   ۲٦- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: بدل گفت؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل**[۲]   ۲۷- **ل**: گر؛ **ق**: کز؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۲۸- **ل- ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: نبیند؛ **لی**: به بیند؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۲۹- **ل، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]: سه ماه این؛ متن= **ف، ق، و، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۳۰- **س، لن، ق**[۲]**- ب**: شود؛ متن= **ف، ل، ق**   ۳۱- **ف، لن، پ، و، آ، ب**: تار؛ **ق**[۲]**، لی**: تیره؛ **ل**[۲]: باز؛ متن= **ل، س، ق** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۳۲- **س، لن، ق، آ** (و نیز **ل**[۳]): بباید؛ **ل، ق**[۲]: بباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، لی، پ، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **لن**[۲])   ۳۳- **ف، ب**: به پاسخ گشادن؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۳٤- **ف- ق**[۲]**، پ، ل**[۲]**، ب**: شتابت؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): ستایش؛ **آ**: شتابم؛ متن= (**ل**[۳])   ۳۵- **لی**: بپاسخ شتابت نیاید کنون؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** این بیت با بیت سپسین و در **ل** با بیت ۱۰۰پ پس و پیش شده است، پیایی بیت های متن= **و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ۳٦- **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: گشاده برایشان (**لی**: بدیشان) بود؛ **و**: برایشان گشاده کند؛ متن= (**ل**[۳]**، لن**[۲])   ۳۷- **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: به هر نیك و بد باشد (**ف، ق**[۲]: بوده)؛ متن= **و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])؛ **ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** این بیت با بیت پیشین و در **ل** با بیت ۱۰۰پ پس و پیش شده است؛ پیایی بیتهای متن= **و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])؛ **ل، ق** بجای بیت ۱۰۰ بیت زیر را آورده‌اند:

سراینده را گفت کای نامجوی   زمان باید اندر چنین گفت گوی (**ق**: جست و جوی)

۳۸- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ**: فرستاده را جایگاهی؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ل، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]**، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **آ** از بیت ۹۹ تا ۱۰۵ در هم ریخته‌اند: ۱۰۰، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۵

بیامد[1] در[2] بار دادن ببست	به انبوه اندیشگان درنشست
فراوان کس از دشت نیزه‌وران	بر خویش خواند آزموده سران
نِهفته برون آورید از نِهفت	همه راز یك یك بدیشان[3] بگفت
که ما را به[4] گیتی ز فرزند خویش[5]	سه[6] شمع ست روشن ز[7] دیدار بیش[8]
فِریدون فرستاد[9] زی ما[10] پیام	بگسترد پیشم یکی خوب[11] دام
همی کرد خواهد ز چشمم[12] جدا	یکی راز[13] خواهم[14] زدن با شما
فرستاده گوید: چُنین گفت شاه	که ما را سه[15] شاهست[16] با تاج و گاه[17]
گِراینده[18] هر سه به پیوند من[19]	به سه روی پوشیده فرزند من[20]
اگر گویم آری و دل زان تهی	دروغ ایج کی درخورد[21] با مِهی
وگر آرزو را[22] رسانم[23] بدوی[24]	شود دل پر[25] آتش، پر از آب روی[26]
وگر سر بپیچم ز گفتار[27] اوی[28]	هراسان شود دل از آزار[29] اوی[30]
کسی کو بود شهریار زمین	نه بازیست با او[31] سگالید کین
شنید این سَخُن[32] مردم راهجوی[33]	که ضحّاك را زو چه آمد بروی[34]
ازین[35] در سَخُن هرچتان هست یاد[36]	سراسر بمن بر بباید[37] گشاد

جهان آزموده دلاورسران	گشادند یك یك به پاسخ زبان
که ما همگنان این[38] نبینیم رای	که هر باد را تو بجنبی ز جای
اگر شد فِریدون جهان[39] شهریار	نه ما[40] بندگانیم با گوشوار

۱- ل[2]: بباید **۲- ف**: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**)؛ در **ل**، **س**، **لن**، **ق[2]**، **لی**، **پ**، **ل[2]**، **ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیتهای متن= **ف**، **ق**، **و** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**) **۳- ل- ب** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**): همه رازها پیش ایشان؛ متن= **ف** **٤- س- ل[2]** (و نیز **ل[3]**، **لن**): ز؛ متن= **ف**، **ل**، **ب** **۵- ل**، **س**، **لن**، **ق[2]**، **لی**، **ب**: ز پیوند خویش؛ **ق**: سه شمعست بیش؛ **پ**، **آ**، **ل[2]**: و پیوند خویش؛ **و** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**): سه فرزند خویش؛ متن= **ف** **٦- ف**: ز؛ متن= **ل**، **س**، **لن**، **ق[2]- ب** **۷- ل**، **لن**، **ق[2]**، **لی**، **پ**: به؛ **س**: چو؛ متن= **ف**، **و**، **آ**، **ل[2]**، **ب** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**) **۸- س**: فرزند خویش؛ **آ**: پیوند بیش؛ **ق**: بدیدار روشن ز پیوند خویش **۹- لی**: فرستاده **۱۰- ل**، **س**، **لن**، **ق[2]**، **لی**، **پ**، **آ** (و نیز **ل[3]**): زی من؛ **ق**: نزدم؛ **ل[2]**، **ب**: زین من؛ متن= **ف**، **و** **۱۱- لی**: چرب **۱۲- و**: پیشم **۱۳- ل- ب** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**): رای؛ متن= **ف** **١٤- ل**: باید **۱۵- آ**: شه **١٦- ف**، **س**: ما هست؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**) **۱۷- ل**، **لن**، **پ**: زیبای گاه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مشورت کردن سرو یمن با مهتران و بزرگان عرب و پیوندی کردن او با افریدون **۱۸- لن**، **ق[2]**، **لی**، **و**، **ل[2]**، **ب** (و نیز **ل[3]**): گرایند؛ **آ** (و نیز **لن[2]**): گر آیند؛ متن= **ف**، **ل**، **س**، **ق**، **پ** **۱۹- پ**: گرایندهٔ مهر و پیوند تو **۲۰- پ**: تو **۲۱- ل**، **ق**: دروغم نه اندر خورد؛ **س**، **و**، **آ**، **ب**: دروغ ایچ نه اندر خورد (**و**: نه در خورد)؛ **لن**، **لی**، **پ**: دروغ آن نه اندر خورد؛ **ق[2]** (و نیز **ل[3]**): دروغ ایچ اندر خورد؛ **ل[2]**: دروغ آنچه نه در خورد؛ متن= **ف** **۲۲- ل- ق[2]**، **پ**، **و**، **آ**، **ل[2]**، **ب** (و نیز **ل[3]**): آرزوها؛ متن= **ف**، **لی** (و نیز **لن[2]**) **۲۳- ل- ب** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**): سپارم؛ متن= **ف** **٢٤- آ**: بدو **۲۵- ف**: ز **٢٦- آ**: رو؛ **لی**: پر از گفت و گوی؛ **س**: هراسان شود دل ز تیمار اوی (= ۱۱۲ب)؛ **ق[2]**: شود دلش پر آتش از آب روی؛ **و** (و نیز **لن[2]**): شود دلش پر آتش و گفت و گوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **س** ۱۱۱ب و ۱۱۲آ را انداخته و از ۱۱۱آ و ۱۱۲ب یك بیت ساخته است **۲۷- ل**، **لن**، **ق[2]**، **لی**، **پ**، **آ**، **ل[2]**، **ب**: فرمان؛ **ق**: پیمان؛ متن= **ف**، **و** (و نیز **ل[3]**) **۲۸- ل**، **آ**: او **۲۹- لن**، **لی**، **پ**، **آ**، **ل[2]**، **ب**: پیمان؛ **ل**، **ق**: بیك سو گرایم ز پیمان (**ق**: فرمان)؛ متن= **ف**، **و** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**) **۳۰- ل**، **آ**: او؛ **ق[2]**: که ضحاك را زو چه آمد بروی (= ۱۱۴ب) **۳۱- و** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**): بر نجست با وی **۳۲- ل**، **ق**: شنید ستم از؛ **پ**: شنید آن سخن؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۳۳- ق**: راه جو **٣٤- ق**: برو؛ **ق[2]**: هراسان شدند و پر از گفت و گوی (= ۱۱۲ب) **۳۵- ق[2]**: کزین **٣٦- ل**: هرچ دارید یاد **۳۷- ل[2]**: نباید؛ **ل[2]** پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان مر شاه یمن را **۳۸- ل**، **پ**: آن **۳۹- ف**، **س- پ**، **آ**، **ل[2]**، **ب**: چنین؛ متن= **ل**، **و** (و نیز **ل[3]**، **لن[2]**) **٤٠- س**: که ما؛ **لی**: ترا

سَخُن گفتن و بخشش[1] آیین ماست — عِنان و سِنان تافتن[2] دین ماست
به خنجر زمین را[3] میستان[4] کنیم — به نیزه هوا[5] را نیستان کنیم
سه فرزند اگر بر تو هست ارجمند — سر بدره بگشای[6] و لب را ببند[7]
وُگر چاره بی پاره[8] خواهی همی — بترسی ازین پادشاهی همی
ازو[9] آرزوهای پرمایه خواه[10] — که کردار آن را[11] نبینند راه[12]

چو بشنید از آن کاردانان[13] سَخُن — نه سر دید آنرا به[14] گیتی نه بن[15]
فرستاده‌ی شاه را پیش خواند — فراوان سَخُن ها[16] به چربی[17] براند
که من شهریار ترا کهترم — به هر چم[18] بفرمود فرمانبرم
بگویش که گر چه تو[19] هستی بلند — سه فرزند تو بر تو بر[20] ارجمند
پسر خود گرامی بود شاه را — بویژه[21] که زیبا بود گاه را
سَخُن هر چه[22] گفتی[23] پذیرم همی — ز دختر من[24] اندازه گیرم همی
که گر[25] پادشا دیده خواهد ز من — وگر دشت گردان و تخت یمن[26]
مرا خوار تر چون[27] سه فرزند خویش — نبینم[28] به هنگام بایست پیش
اگر[29] شاه را[30] این چُنین ست کام — نشاید زدن جز به فرمانش گام
به فرمان شاه این سه فرزند من[31] — برون آنگه آید ز دربند من[32]
کجا من ببینم سه شاه ترا — فروزنده‌ی تاج و گاه[33] ترا
به شادی بیایند نزدیک[34] من — شود روشن این[35] شهر تاریك من

۱- ل: کوشش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲- آ: داشتن؛ ل[۲]: یافتن ۳- آ (و نیز ل[۳]): شمرها؛ در لن این لت پاك شده است ۴- ل[۲]: می استان ۵- ق[۲]: زمین ۶- ق: بگشا ۷- ل: ز بند؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- ف: چاره باره؛ ل: چارهٔ کار؛ س، لن، لی، پ، آ، ل[۲]، ب: چارهٔ کرد؛ و: چارهٔ یاره؛ (ل[۳]: چارهٔ تازه؛ لن[۲]چارهٔ یار)؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ق (: چاره بی باره) ۹- و: از < و > (وزن نادرست است) ۱۰- ل- ق، لی- آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]: جوی؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل[۲] ۱۱- ل[۲]: < را > (وزن نادرست است) ۱۲- ل، س، لن، لی- آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): روی؛ ق: نبیند بروی؛ متن= ف، ل[۲] ۱۳- ل، ق: نامداران؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۴- ق: ز ۱۵- ف: نه سر دید کین را بنیز ونه بن؛ و: نه سر دید این کار را و نه بن؛ آ: نه سر دید پیدا مر آنرا نه بن؛ (ل[۳]: نه سر دید پیدا سخن را نه بن؛ لن[۲]: نه سر دید کین را و نه نیز بن)؛ متن= ل، س، لن، ق، لی، پ، ل[۲]، ب؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، پ: پاسخ دادن سرو شاه یمن جندل را؛ و: پاسخ دادن سرو شاه یمن پیغام شاه فریدون را ۱۶- پ: سخن را ۱۷- ل، لن- پ، ل[۲]: بخوبی؛ و بخوبی سخنها فراوان؛ آ: بخوبی فراوان سخنها؛ متن= ف، س، ب ۱۸- ل- ق، لی، ل[۲]، ب: بهرچ او؛ ق[۲]: بهر چون؛ پ: بهر چه او (وزن نادرست است)؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۹- ق: بگویش اگر چه تو؛ و: بگویش که هر چند؛ ل[۲]: بگویش که گر تو چه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- پ: سه فرزند تو بر تواست؛ ل[۲]: سه فرزند بر تو بود؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۱- ف: بخاصه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- ل، لن: هرچ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- س: گفتم؛ و: گویی ۲۴- ف: از اختر من؛ لن، ق[۲]، لی، پ: ز فرزند؛ و: ز دختر هم؛ متن= ل، س، ق، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۵- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): اگر؛ متن= ف ۲۶- س: وگر تخت گردان و دشت یمن ۲۷- و: کین ۲۸- پ: به بینم؛ در س لت دوم این بیت افتاده است ۲۹- ل، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب: پس از؛ در س این بیت افتاده است؛ متن= ف، ق، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳۰- ل[۲]: شا < ه را > (پاك شده است) ۳۱- در س این لت افتاده است ۳۲- ل، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): آید ز پیوند من؛ آ: آیند از پند من؛ س: برون آید آنگه ز در بند من؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ س ۱۳۱ب، ۱۳۲ و ۱۳۳آ را انداخته و از ۱۳۱آ و ۱۳۳ب یك بیت ساخته است ۳۳- ب: گاه و تاج ۳۴- ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب: بیایند شادان (ل: هر سه؛ لی: ایشان؛ ب: شاهان) بنزدیك؛ ق: فرستاد باید بنزدیك؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳۵- پ: آن

کنم[۱] شادمان دل به دیدارشان ببینم[۲] روان های بیدارشان
ببینم که‌شان دل[۳] پر از داد هست به زنهارشان دست گیرم به دست
پس آنگه سه روشن جهان بین من[۴] سپارم بدیشان[۵] به[۶] آیین من[۴]
که‌ت آید[۷] به دیدار ایشان نیاز فرستم سبکشان[۸] بر[۹] شاه باز

سراینده جندل چو پاسخ شنید ببوسید تختش[۱۰] چنان چون سَزید
پر از آفرین لب، ز ایوان اوی[۱۱] سُوی شهریار جهان[۱۲] کرد روی
بیامد چو نزد فِریدون رسید بگفت آن، کجا گفت و پاسخ شنید

سه فرزند را خواند شاه جهان نهفته برون آورید از نهان[۱۳]
ز پوییدن[۱۴] جندل و رای[۱۵] خویش سَخُن ها همه پاك بنهاد پیش
چُنین گفت کان[۱۶] شهریار یمن سر انجمن، سرو سایه فگن
چو[۱۷] نا سفته گوهر سه دخترش بود نبودش پسر، دختر افسرش بود
سروش ار بیابد چُن[۱۸] ایشان عروس دهد پیش هریك مگر خاك بوس[۱۹]
ز بهر شما از پدر خواستم سَخُن های بایسته آراستم[۲۰]
کنون تان بباید بر او[۲۱] شدن به هر[۲۲] بیش و کم[۲۳] رای فرّخ زدن
سراینده[۲۴] باشید و بسیار هوش به گفتار او برنهاده[۲۵] دو گوش
به چربی[۲۶] سِخُنهاش پاسخ دِهید چو پرسد سَخُن[۲۷]، رای فرّخ نِهید
ازیرا که پرورده‌ی پادشا نباید که باشد مگر[۲۸] پارسا
سَخُن گوی و[۲۹] روشن دل و پاك تن[۳۰] سَزای ستودن به هر انجمن[۳۱]

۱- ل- ق[۲]، پ- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): شود؛ متن= ف، لی ۲- آ: به بیند ۳- لی، و، ب: ببینم که دلشان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ف، س، لن، لی- ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن= ل، ق ٤- ف، ل، و، ل[۲]، ب: خویش؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= س، لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل[۳]) ۵- ف، س، لن، لی، پ، آ، ل[۲]: بدیشان سپارم؛ متن= ل، ق، و، ب ٦- ل، لن: بر؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ف، لن، لی- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن= ل، ق ۷- ل، ق، ب (و نیز ل[۳]): چو آید؛ ق[۲]، و (و نیز لن[۲]): گر آید؛ آ: کش آید؛ ل[۲]: چنـان بد؛ متن= ف، س، لن، لی، پ ۸- و (و نیز لن[۲]): سبکشان فرستم ۹-ل، و: سوی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۰- ق[۲] (و نیز ل[۳]): دستش؛ در ق[۲] پس از این بیت بیت ۱۴۳ آمده است ۱۱- آ: او (پساوند درست نیست) ۱۲- ل[۲]: سوی شاه ایرانیان ۱۳- در ق[۲] این بیت پس از بیت ۱۴۰ آمده است ١٤- ل- پ، آ، ل[۲]،ب: از آن رفتن؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]) ۱۵- ق[۲]: راز ١٦- ل-پ، آ- ب: کین؛ و: که؛ متن= ف (و نیز ل[۳]) ۱۷- پ: ز؛ ل[۲]: سه؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر آموختن شاه افریدون پسران را که به مهمانی شاه سرو یمن چگونه کنند و گویند ۱۸- ف- آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): چو؛ متن= ل[۲] ۱۹- س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب: مگر پیش هر سه دهد خاك بوس؛ و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): دهد بربر هر یکی خاك بوس؛ آ: زمین را دهد پیش آن هر سه بوس؛ متن= ف، ل، ق ۲۰- ب: پیراستم ۲۱- ق[۲]، لی (و نیز لن[۲]): کنون تان (لی: < تان > (وزن نادرست است)) بر او بباید ۲۲- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]: زهر؛ متن= ف، ل، ق، و، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۳- ق، ب: نیك و بد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲٤- ف: ستانیده (← ستاینده)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۵- لی: در نهاده ۲٦- ل، ق، ب: بخوبی؛ و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): چو پرسد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- و: بر او همه ۲۸- ل، ل[۲]: بجز؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ۲۹- ف: < و > ۳۰- ل- پ، ل[۲]، ب: پاك دین؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل[۳]) ۳۱- ل- پ، ل[۲]، ب: بکاری که پیش آیدش (لن، پ: آیدت) پیش بین (ق[۲]: پاك بین)؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل[۳])؛ در ل، ق، پ این بیت یکبار هم برابر ف پس از بیت ۱۵۶ (در ل، پ) و پس از بیت ۱۷۲ (در ق) آمده است

زبـان راسـتـی را برآراسـتـه[۱]   خرد ساخـتـه کرده بر خواسـتـه[۲]
[شـمـا هرچ[۳] گویم ز من بشـنـوید   اگـر کار بنـدید خرّم[۴] بوید[۵]]
یکـی ژرف بین ست شاه یمـن   که چون او نبـاشـد به هر انـجـمـن[۶]
نبـاید که گیرد[۷] شمـا را زبـون   بکـار آورد مرد بینـا[۸] فسـون
به روز نُخُـسـتـین یکـی بزمـگـاه[۹]   بسـازد، شمـا را دِهـد پیشـگـاه
سه خورشـیدرخ را چو باغ بهـار[۱۰]   بیارد پر از بوی و رنـگ[۱۱] و نگـار
نشـانـد بران[۱۲] تخـت شاهـنـشـهـی   سه خورشـیدرخ را چو سرو سهـی[۱۳]
به بالا و دیدار هر سه یکـی   کِه از مه[۱۴] ندانـنـد باز انـدکـی[۱۵]
از آن[۱۶] هر سه کهـتـر بود پیشـرو   مِهـین باز پس در[۱۷] میان ماه نو
نشـیـنـد کِهـین نزد مهـتـر پسـر   مِهـین[۱۸] ماه[۱۹] نزد کِهـین[۲۰] تاجـور
میانـین[۲۱] نشـیـنـد هم انـدر میان   بدان! کهت ز دانش نیاید زیان[۲۲]
بپـرسـد شمـا را کزین سه هَمـال   کدامـین[۲۳] شنـاسـید مهـتـر به سال
میانـین[۲۴] کدامـسـت و[۲۵] کهـتـر[۲۶] کدام   ببـاید برین[۲۷] گونـه‌تـان برد نام[۲۸]
بگـویید کان برتـرین کهـتـرسـت   مِهـین را نشـسـتـن نه انـدرخـورسـت
میانـین[۲۹] خود انـدر میانـسـت راسـت   برآمـد[۳۰] ترا[۳۱] کار[۳۲] و بیکـار کاسـت[۳۳]

۱- ل- ب (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بیاراسته؛ متن= **ف** **۲- ل، ق**: خرد خیره (→ چیره) کرده ابر خواسته؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب**: خرد داشته گنج بر (**ب**: پر) خواسته؛ **و**: خرد خواسته کرده بر خواسته؛ آ: خرد ساخته کرد بر خاسته؛ متن= **ف** **۳- س، ق- و، ل[۲]، ب**: هر چه؛ **ف، آ** این بیت را ندارند؛ متن= **ل، لن** **٤- ل**: خورم **۵- س- و، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): شوید؛ متن= **ل** **٦-** در **ل، پ** پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است؛ **س، لن، ق[۲]، لی، و، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت و **ل، پ** پس از آوردن بیت ۱۵۳ بیت زیر را افزوده‌اند:

همش گنج بسیاروهم لشکراست(**لی**: لشکرند(پساوندنادرست‌است))   همـش دانـش و رای و هـم افـسـرسـت

این بیت در **ف، ق، آ** نیست **۷- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): یابد؛ متن= **ف** **۸- ل- ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب**: دانا؛ **لی**: ناگهان یك؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل[۳]**) **۹- و**: رزم گاه **۱۰- و**: بسان بهار؛ **ق**: سه خورشید را همچو باغ بهار؛ **ل[۲]**: سه خورشید رخ چون سه باغ بهار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۱- ل**: بوی رنگ؛ **س، ق[۲]، و، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): رنگ و بوی؛ **ق**: بو و رنگ؛ متن= **ف، لن، لی، پ، ل[۲]، ب** **۱۲- ل**: < ان>؛ **لی**: بدان **۱۳- و**: بسان رهی؛ آ: سه مه چهره را همچو سروسهی **١٤- ف، س، ق**: کی از مه؛ **ب**: مه از که؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۵- لن**: ندانند که را یکی؛ آ: ندانید باز اندکی **١٦- س، ق، ق[۲]، لی، پ**: ازین؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۱۷-** مهین از پس اندر؛ **ل[۲]**: مهین باز پس تر؛ **ب**: مهین باز در پس؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۱۸- ق، و**: کهین **۱۹- ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب**: باز؛ متن= **ف، ق، و، آ** **۲۰- ق، و**: مهین **۲۱- ل- ق[۲]، پ- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): میانه؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۲۲- ف، لن، ق[۲]**: نیابد زبان (حرف چهارم واژهٔ یکم و حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارند)؛ **س**: نباید زبان (حرفهای دوم و چهارم واژهٔ یکم و حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارند)؛ **پ**: نیاید زبان (حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارد)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): بیابد نشان؛ **ل[۲]**: بیابد زبان (حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارد)؛ **ب** (و نیز **ل[۳]**): نیابد زیان؛ **ل، ق**: پس آنگه پدر برگشاید زبان؛ آ: شما را ز دانش نیاید زیان **۲۳- س**: کدامی؛ **لی** این بیت را ندارد **۲٤- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): میانه؛ متن= **ف** **۲۵- ق، آ**: <و> **۲٦- س، ق[۲]، و، ل[۲]**: مهتر؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۷- ق، لی، پ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بدین؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۸- ق**: گونه بر دست نام **۲۹- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): میانه؛ متن= **ف** **۳۰- لی**: بر آید **۳۱- و**: همه **۳۲- ل، ق**: کام؛ متن= ده دستنویس دیگر **۳۳- و**: خاست؛ **ل[۲]**: راست؛ **ف، ل** پس از این بیت افزوده‌اند:

برین گونـه رانـدند کار یمن (**ل**: بدین گونه رانید یکسر سخن)   ز خورشـید رویان چو سرو سمـن (**ل**: چون سرو بن)

ل پس از بیت بالا دو بیت دیگر هم افزوده است:

بـبـاشـیـد یـك بـادگـر هـم سـرای   نـبـایـد کـه بـاشـیـد از هـم جـدای
بـدیـن گـفـت هـای مـن ار بـگـروید   بکـار انـدرون شاد و خورم بوید (= ۱۵۵)

گرانمایه و پاك[۱] هر سه پسر — نهاده همه دل[۲] به گفت پدر
ز پیش فریدون برون آمدند — پر از دانش و پر فسون آمدند
بجز رای و دانش چه اندرخورد — پسر را که چونان[۳] پدر پرورد
برفتند و هر سه برآراستند[۴] — ابا خویشتن موبدان خواستند[۵]
کَشیدند[۶] با لَشکری چون سپهر — همه نامداران خورشیدچهر

چُن[۷] از آمدنشان شد آگاه سرو — بیاراست لَشکر چو پرّ[۸] تذرو
فرستادشان لَشکری گَشن پیش[۹] — چه بیگانه فرزانگان و چه خویش[۱۰]
شدند این[۱۱] سه پُرمایه اندر یمن[۱۲] — برون آمدند[۱۳] از یمن مرد و زن
همه[۱۴] گوهر و زعفران ریختند — همه[۱۵] مشك با می برآمیختند
همه یال اسپان پر از مشك و می — پراگنده دینار در[۱۶] زیر پی
یکی کاخ آراسته چون بهشت — همه سیم و زر اندرافگنده خشت[۱۷]
به دیبای رومی[۱۸] بیاراسته — چه مایه بدو اندرون خواسته[۱۹]
فرود آورید اندر آن[۲۰] کاخشان — چو شب روز شد کرد[۲۱] گستاخشان
سه دختر چُنان چون فرِیدون بگفت — سپهبد برون آورید از نهِفت
به دیدار هر سه[۲۲] چو تابنده ماه — نشایست کردن بدیشان[۲۳] نگاه
نشستند هر سه بدان[۲۴] هم نشان — که گفتش فرِیدون به گردنکشان[۲۵]
ازین[۲۶] سه گرانمایه پرسید مِه[۲۷] — کزین سه ستاره[۲۸] کدامست که[۲۹]
میانه کدامست و مهتر[۳۰] کدام — بباید برین[۳۱] گونه‌تان برد نام[۳۲]

۱-ل: گرانمایه آن پاك ۲-آ: نهاده دل وجان؛ متن= ف،و (ونیز لن[۲])؛ در ق پس از این بیت چند بیت درهم ریخته‌اند: ۱۶۹، (i)، ۱۷۱، ۱۷۰، (ii)، ۱۷۲، ۱۵۳، ۱۷۳ ۳-و: که‌چون او؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت دو بیت افزوده است که تنها در ق آمده است:

(i) سوی خانه رفتند هر سه چو باد — شب آمد بخفتند پیروز و شاد
(ii) چو خورشید زد عکس بر آسمان — پراکند بر لاژورد ارغوان (ق: زعفران)

در ق بیت (i) پس از بیت ۱۶۹ و بیت (ii) پس از بیت ۱۷۰ آمده است؛ برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۷۱ سرنویس دارند، لن، ق[۲]، لی، پ، ب: رفتن پسران فریدون بنزدیك سرو (ق[۲]، پ، ب: بنزد شاه یمن)؛ لی: رفتن پسران فریدون بیمن زن خواستن؛ و: فرستادن شاه فریدون پسران را بنزد سرو شاه یمن بدامادی؛ ل[۲] آمدن پسران فریدون نزد شاه یمن ۴-ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب: بیاراستند؛ متن= ف، ق، و، آ، (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۵-آ: بسی موبدان و ردان خواستند؛ ل[۲]: ابا موبدان خویشتن خواستند؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در ق پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است ۶-ف: برفتند؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۷-ف-آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): چو؛ متن= ل[۲] ۸-لن: بسان؛ پ: چو بر گل؛ آ: چو چشم؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ف، ق پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگاهی سرو یمن از آمدن فرزندان شاه افریدون و پذیره فرستادن لشکر را؛ ق: رسیدن پسران فریدون بیمن بطلب زنان خود ۹-آ: فرستاد لشکر کشانرا ز پیش ۱۰-ق: چه بیگانگان و چه فرزانه خویش ۱۱-لن، لی، پ، و، ب: آن؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، ل[۲] ۱۲-ب: گرانمایگان در یمن ۱۳-آ: آمده ۱۴-ل، و: همی، ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵-و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): همی؛ آ: همان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۶-آ: فشانده بسی سیم و زر ۱۷-ف، و: ز سیم و ز زر زیرش (و: اندر) افکنده خشت؛ ق: هم از زر و سیم اندر افکنده خشت؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن[۲]) ۱۸-ل[۲]: بدینار و دیبا؛ ل این بیت را ندارد ۱۹-ف: نهاده بدوی اندرون خواسته؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰-آ: اندرین؛ ل: فرود آوریدند بر؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۱-ق: شب و روز می کرد ۲۲-ل: بد < ید > ار هر سه (وزن نا درست است) ۲۳-ق، آ: در ایشان؛ ق[۲]: بریشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴-پ، و، آ، ب: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵-در لن این لت پاك شده است ۲۶-و، ب: از آن؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷-و: چه؛ (لن[۲]: شه)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ۲۸-ق[۲]: کزین سان ستاره ۲۹-ق، و: مه؛ (لن[۲]: مَه)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ۳۰-ف، ل، لن، ق، پ، آ، ل[۲] (و نیز لن[۲]): کهتر؛ متن= س، ق[۲]، لی، و، ب (و نیز ل[۳]) ۳۱-لی: بدین ۳۲-ل[۲]، ب: گونه تان (ل[۲]: گونتا < ن>) گفت نام؛ ل، ق: مباشید از این گفته در کار خام؛ متن= ف، س، لن، ق[۲]، پ، و، آ (و نیز لن[۲])؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

بگفتند از آن گونه[۱] کاموختند ‌‌‌‌‌‌‌‌ سبک[۲] چشم نیرنگ بردوختند
بدانست شاه گرانمایه زود ‌‌‌‌‌‌‌‌ کز آمیختن رنگ نایدش[۳] سود
چُنین گفت کاری[۴] همینست[۵]، زه! ‌‌‌‌‌‌‌‌ مِهین را به مِه داد و کِه را به کِه
شد آنگه[۶] که پیوسته شد کارشان ‌‌‌‌‌‌‌‌ بهم درکشیدند[۷] بازارشان
سه افسرور از[۸] پیش سه تاجور ‌‌‌‌‌‌‌‌ رخانشان پر از خوی ز شرم[۹] پدر
سُوی خانه رفتند با ناز و شرم[۱۰] ‌‌‌‌‌‌‌‌ پر از رنگ رخ[۱۱]، لب پر آوای[۱۲] نرم
بدانگه[۱۳] که می چیره[۱۴] شد بر[۱۵] خرد ‌‌‌‌‌‌‌‌ کجا خواب و آسایش[۱۶] اندرخورد
سبک بر سر آبگیر[۱۷] گلاب ‌‌‌‌‌‌‌‌ بفرمودشان ساختن[۱۸] جای خواب
به پالیز[۱۹] پیش[۲۰] گل افشان درخت ‌‌‌‌‌‌‌‌ بخفت این[۲۱] سه آزادهٔ[۲۲] نیکبخت
سر[۲۳] تازیان، شاه افسون گران ‌‌‌‌‌‌‌‌ یکی چاره اندیشه کرد اندر آن[۲۴]
برون آمد از گلشن خسرَوی[۲۵] ‌‌‌‌‌‌‌‌ بیاراست آرایش جادُوی[۲۶]
برآورد سرما و باد[۲۷] دمان ‌‌‌‌‌‌‌‌ بدان[۲۸] تا سرآید[۲۹] بریشان[۳۰] زمان
چُنان شد که بفسرد[۳۱] هامون و راغ ‌‌‌‌‌‌‌‌ بسر بر[۳۲] نیارست پرّید زاغ[۳۳]
سه فرزند آن شاه[۳۴] افسون گشای[۳۵] ‌‌‌‌‌‌‌‌ بجستند[۳۶] از آن[۳۷] سخت سرما ز جای
بدان[۳۸] ایزدی فرّو فرزانگی[۳۹] ‌‌‌‌‌‌‌‌ به افسون شاهان[۴۰] و مردانگی[۴۱]
بران[۴۲] بند جادو[۴۳] ببستند راه ‌‌‌‌‌‌‌‌ نکرد ایچ سرما بدیشان نگاه

۱- ل، ل۲: زان گونه؛ س: از آن کار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- پ: بیك ۳- ل۲ (و نیز لن۲): بایدش؛ ق این بیت را ندارد ۴- س، ق، ق۲، لی، پ، ل۲: آری؛ متن= ف، ل، لن، و، آ، ب ۵- س: چنین است ۶- ل- ب (و نیز ل۳، لن۲): بدانگه؛ متن= ف ۷- و: بهم بر شکستند؛ آ: بهم در شکستند؛ ل۲: بهم در کشیدند و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- ف (و نیز لن۲): سه افسروران؛ ل: سه افسر بُد از؛ لن، پ: سه افسرورا < ز >؛ ق۲: سه افسر دراز؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۹- س، ق۲، ب: پر از شرم و رنگ؛ لن، آ، ل۲: پر از رنگ و شرم؛ پ: پر آژنگ شرم؛ و: پر از شرم پیش؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۰- ف: پر آب گرم (نا خواناست)؛ س، ق، لی: پر ناز و شرم؛ لن: بر کرم (!) و شرم؛ ق۲، ل۲، ب: بر طرم (!) و شرم؛ پ: پر شرم و طرم (!)؛ متن= ل، و، آ (و نیز ل۳، لن۲) ۱۱- ق۲، پ: پر آژنگ رخ ۱۲- س، لن، پ، ل۲: آواز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ س پس از این بیت افزوده است:

سر تازیان سرو شاه یمن ‌‌‌‌‌‌‌‌ می آورد و میخواره کرد انجمن
برامش بیاراست و بگشاد لب ‌‌‌‌‌‌‌‌ همی خورد تا تیره تر گشت شب
سه پور فریدون سه داماد اوی ‌‌‌‌‌‌‌‌ نخوردند می جز همه یاد اوی

۱۳- ق۲: بر آنگه ۱۴- لی، پ، ل۲: خیره؛ آ: چهره؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- ا: پر؛ ل۲: < بر > (وزن نا درست است) ۱۶- لن: آرایش ۱۷- ل: آبگیری؛ لن، پ: آبگیرو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۸- ق۲: بفرمود بر ساختن ۱۹- ق۲: ببالین؛ ل۲: ببالید ۲۰- ل- لی، و، ل۲، ب: زیر؛ متن= ف، پ، آ (و نیز ل۳، لن۲) ۲۱- ق: بخفتن؛ و، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲): بخفت آن؛ آ: بخفتند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- آ: سه خسرو ۲۳- ق۲ (و نیز ل۳): شه ۲۴- ب: یکی چارهٔ کرد اندر نهان؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر جادوی ساختن شاه یمن بفرزندان افریدون و آگه شدن ایشان و دفع کردن آن ۲۵- و: خسرویی ۲۶- لی، پ، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲): جادویی (جز در و پساوند نادرست است): متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- پ: بادی؛ س: ابری و بادی ۲۸- و: همی؛ ل۲: بران ۲۹- س، لن، ق۲- ل۲ (و نیز ل۳، لن۲): سر آرد؛ ب: سرآرد؛ متن= ل، ق۲، و، آ، ل۲، (و نیز لن۲) ۳۰- ف، س، لن، ق، لی، پ (و نیز ل۳) بدیشان؛ ب: بریشان؛ متن= ف، ل، ق ۳۱- ل۲: بفشرد ۳۲- لن: < بر > (وزن نا درست است) ۳۳- ل۲: بسر بر نپرید بارند زاغ (!) ۳۴- ل، ق: سه فرزند شاه آن سه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳۵- ق۲: افسون گرای ۳۶- ف: نجستند؛ ل: نحستند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س- لی، و (و نیز لن۲): بجستند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳) ۳۷- ل: زان ۳۸- ل (و نیز ل۳): بران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۳۹- ب: مردانگی ۴۰- ق۲: شاهی ۴۱- ب: فرزانگی ۴۲- ف: بان؛ س، ق، ق۲، لی، آ (و نیز ل۳، لن۲): بدان؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ل، پ، و، ل۲، ب ۴۳- س: جادوان بر؛ ل۲: تند جادو

چو خورشید برزد سر از تیره[1] کوه بیامد سبک مرد افسون[2] پژوه[3]
بنزد سه داماد آزاد مرد که بیند[4] رخانشان شده[5] لاژورد[6]
فسرده به[7] سرما[8] و برگشته کار بمانده[9] سه دختر بدو یادگار[10]
چُنین[11] خواست کردن بدیشان[12] نگاه نه بر آرزو گشت خورشید و ماه
سه آزاده[13] را دید چون ماه نو نشسته بران[14] خسرَوْی گاه نو
بدانست کافسون نیاید[15] بکار نباید بدین[16] برد خود روزگار
نشستن گهی ساخت شاه یمن همه[17] نامداران شدند[18] انجمن
در گنج های کُهن کرد باز[19] گشاد آنک[20] یکچندگه بود راز
سه خورشیدرخ را چو باغ[21] بهشت که موبد[22] چُن[23] ایشان صنوبر نکشت
ابا تاج و با گنج نادیده رنج[24] مگر زلفشان دیده رنج شکنج
بیاورد[25] هر سه بدیشان سپُرد که سه ماه نو بود و سه شاه[26] گُرد
به پیش همه موبدان سرو گفت[27] که زیبا بود ماه را شاه[28] جفت
بدانید کین سه جهان بین من[29] سپردم بدیشان[30] به[31] آیین من[29]

۱- **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): تیغ؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** (و نیز **لن۲**) **۲- س، لن، ق۲، پ**: دانش؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۳- آ**: گروه **٤- ق**: ببیند **۵- س، ل۲**: همه؛ **ب**: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **٦- ف، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): لاجورد؛ متن= **ل، ق، و، ل۲** **۷- ل، آ**: ز؛ **ق**: سه؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۸- ق**: داماد **۹- س، لن، ق۲** (و نیز **ل۳**): بماند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**) **۱۰- آ**: سه دختر ورا بر کنار **۱۱- ل**: چنان؛ **ق**: چو او؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱۲- س، و**: بایشان **۱۳- و** (و نیز **ل۳، لن۲**) سه داماد؛ **آ**: سه شه زاده؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱٤- ف، ق، لی** (و نیز **ل۳**): بدان؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**) **۱۵- ل، آ**: نیامد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱٦- ل، س، ق۲**: برین؛ **ب**: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۷- ق**: ابا **۱۸- ل، ق**: نامداران آن؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۹- آ**: باز کرد (پساوند ندارد) **۲۰- ل**: آنچ؛ **ق، لی، پ، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): آنکه؛ **و، ب**: آنچه؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، ل۲** **۲۱- ق۲**: چو باد **۲۲- و** (و نیز **لن۲**): دهقان؛ **آ**: رضوان **۲۳- ل- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): چو؛ متن= **ف، ل۲** **۲٤- ف، آ**: ز آسیب ایام نادیده رنج؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) **۲۵- لن، ق۲، پ**: بیاورد و؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۲**) **۲٦- و**: شیر؛ **س**: سه چون ماه نو بود و سه شاه؛ **ل** پس از این بیت افزوده است:

چو از کار پیوند پر دخته شد دلش بر ترازوی غم سخته شد

ل پس از این بیت و **ف، س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از بیت ۲۱۳ سه بیت افزوده‌اند:

ز کینه به دل (**و**: ز تیماردل) گفت شاه یمن که بدزآفریدون نیامد (**ف، لی، ل۲**: نیاید؛ **لن، ق۲**: بیامد) بمن
ل، و: که ازآفریدون بدآمد (**و**: که بدازفریدون نیامد) بمن
بدازمن (**لن، پ**: بدازاین) که هرگز مبادم میان (←نشان) **ف، آ**: که ماده‌شدازنرّو(**آ**: این نرّه) تخم کیان
ل: که ماده‌شدورنجم آمدزیان
س، لن، لی، ل۲، ب: که ماده‌شدآن (**لی**: این) نیز(**لن**: تیره) تخم کیان
ق۲: که ماده‌شدم جفت تخم کیان
پ، و: که ماده‌شدآن تخم برز(**و**: ازتخم بی بر) کیان

کاساندان

به اختر کس آن دان(**ف**: <دان>؛ **و**: هرآنکس) که دخترش نیست چو (**ل۲**: که) دختر بود روشن اخترش نیست
لن، ق۲، لی، ل۲: به اختر(**ق۲**، باختر) کسی دان که دخترش نیست

این بیت ها در **ق** نیست، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند **۲۷- ق**: پس بگفت **۲۸- ف، لی، ب**: که زیبا بود شاه را ماه؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۲۹- ل**: خویش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۳۰- ل۲**: بایشان **۳۱- ل**: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر عروسی کردن شاه یمن دختران را و فرستادن ایشان به ایران زمین

بدان تا چو دیده بدارندشان   چو جان پیش دل برگمارندشان[1]

خروشید و[2] بار[3] عروسان[4] ببست   ابر[5] پشت شرزه[6] هیونان مست[7]
ز گوهر یمن گشت[8] افروخته   عَماری یك اندر دگر دوخته
[چو فرزند را باشد آیین و فر[9]   گرامی به دل بر چه ماده چه نر]
بسوی فِریدون[10] نهادند روی   جوانان بینادل[11] راهجوی[12]

گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران را به ناشناس[13]

چُن[14] از باز گردیدن این[15] سه شاه   شد آگه فِریدون[16] بیامد به راه
ز[17] دلشان همی خواست کآگه شود   ز[17] بدها گُمانیش کوته شود
بیامد[18] بسان[19] یکی اَژدَها   کزو شیر گفتی[20] نیابد رها
خروشان و جوشان به جوش[21] اندرون   همی از دهانش[22] آتش آمد برون
چو هر سه پسر را بنزدیك دید[23]   به گرد اندرون کوه[24] تاریك دید[25]
برانگیخت گرد و برآورد جوش[26]   جهان شد[27] از[28] آواز[29] او با خروش[30]

۱-ل- ب: بر نگارندشان ؛ متن= **ف** ؛ در **لن** این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است **۲-ف**(ونیز **ل[3]**) : چوخورشید ؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۳-ل[2]**: بارش **٤-ل-لی،و-ب**(ونیز **ل[3]،لن[2]**) : غربیان ؛ متن=**ف،پ** **۵-ل** : بر (وزن نادرست است) ؛**آ**: پران (←بران) **٦-ق[2]**: رەرو؛ **ل[2]**: ژرزه **۷-س،ق[2]**، **پ** : ببست ؛ متن= نه دستنویس دیگر ؛ در **لن** این بیت با بیت پیشین پس وپیش شده است **۸-ل[2]**: گشته ؛ **ل** : زهرگونه گوهر شد ؛ متن= ده دستنویس دیگر **۹-لن**، **ق[2]،لی،پ** : چوفرزند باشد بآیین وفر؛ **ل[2]** : چوفرزندراشد بآیین وفر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ؛ **ف،س،لن،ق[2]- ب**(ونیز **ل[3]،لن[2]**)پس از این بیت افزوده‌اند :

عماری و اشتر (**س، آ، ب**: استر) هیونان مست   چنان چون بود ساز وآیین ببست(**لن،پ** : ساز آیین پرست)

لن،لی،پ : عماری به پشت هیونان ببست(**لی** : مست)

ل، ق این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ؛ **ف، س، لن، ق[2]، پ، و، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**) پس از بیت بالا یك بیت دیگر هم افزوده‌اند :

ابامال(**ق[2]،پ** : چتر) وباخواسته شاهوار(**ف** : سازوار؛ **ق[2]،و،ب** : شهریار)   همیشه به کار اندرون نیك یار (→ بی کیار)

پ: گسی کردشان و بر آراست کار

این بیت در **ل، ق، لی، آ** نیست ، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۱۰-آ**: سوی آفریدون **۱۱- ل، ل[2]**: بینا دل و؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۲- ل**، **ق**: چاره جوی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) **۱۳- س**: پذیره شدن شاه فریدون پسران را و آزمودن ایشان ؛ **لن، ق[2]، پ، ب**: آزمودن فریدون پسران را(**پ**: پسران خود را) ؛ **ق**: رفتن فریدون بپذیره پسران و آزمودن ایشانرا ؛ **لی**: گفتار اندر آزمودن فریدون پسران را ؛ **و**: آزمودن شاه فریدون پسران را و نام نهادن ؛ **آ**: رفتن کاوه پیش فریدون ؛ **ل[2]** : رفتن فریدون براه پسران ؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= **ف** **١٤- ل، س، ق- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): چو؛ در **لن** آغاز این لت پاك شده است ؛ متن= **ف** **۱۵- ل، لی، پ، و، ب**: آن ؛ متن= **ف، س، لن، ق، ق[2]، ل[2]** **١٦- ب**: فریدون شد آگه **۱۷- ل[2]**: که؛ **ف، آ** پس از این بیت افزوده‌اند :

به افسون تن خود دگرگونه ساخت   بنزدیك آن (**آ**: این) هر سه‌آزاده تاخت

۱۸- ف،آ،ل[2]: خروشان ؛ در **لن** آغاز این لت پاك شده است ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]،لن[2]**) **۱۹- ل[2]**: وجوشان **۲۰-آ**: شرزه **۲۱- ق**: براه؛ **پ**: بخشم ؛ **آ**: ز تندی بجوش و خروش ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۲- ل**: همی از منش ؛ **و**: همی از دهان ؛ **آ**: ز کامش همی ؛ **ل[2]**: همی اژدهاش ؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۳- آ**: چو با هر سه شهزاده نزدیك کرد **٢٤- ل، ق**: روز؛ **آ**: بریشان جهان تنگ و؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) **۲۵- آ**: کرد **٢٦- و**: بر آمد بجوش **۲۷- س، پ، ل[2]، ب**: گشت ؛ متن= **ف- لی، و** **۲۸- ل، لی، و**: ز **۲۹- ب**: آوای؛ **آ**: از آواز او شد جهان **۳۰- س- ب** (و نیز **لن[2]**): پر خروش ؛ متن= **ف، ل** (و نیز **ل[3]**)؛ **ف، آ** پس از این بیت افزوده‌اند :

زمین را همی زد بدنبال چاك   بگردون همی (**آ**: ابر) برپراکند خاك

بیامد دمان[1] سوی[2] مهتر پسر   که او بود پُرمایه‌تر[3] تاجور
مهین[4] گفت با اژدها روی[5] جنگ   نبیند[6] خرد یافته[7] مرد سنگ
سبك پشت بنمود و بگریخت زوی[8]   پدر زی برادرش بنهاد روی
میانین[9] برادر چُن[10] او را[11] بدید   کمان را به زه کرد و اندرکشید
مرا[12] - گفت - اگر کارزارست کار   چه شیر دمنده چه جنگی سُوار[13]
چو کهتر پسر نزد ایشان رسید   خروشید کان اژدها را بدید[14]
بدو گفت کز پیش ما باز شو[15]   نهنگی تو بر راه شیران[16] مرو[17]
گرت نام شاه آفریدون به گوش   رسیده‌ست، هرگز بدینسان[18] مکوش[19]
که فرزند اوییم هر سه پسر   همه گرزداران پرخاشخر[20]
گر از راه بی راه یکسو شوی[21]   وگر برنهمت[22] افسر بدخوی[23]

فریدون فرّخ چو بشنید و دید[24]   هنرها بدانست و شد ناپدید
برفت و بیامد به دروازه[25] پیش   چنان چون سَزا بُد[26] بدآیین[27] خویش[28]
ابا کوس و با زنده[29] پیلان مست   همان[30] گرزهٔ گاوپیکر بدست
بزرگان لَشکر پس پشت اوی[31]   جهان آمده پاك[32] در مشت اوی[31]
چو دیدند پرمایگان[33] روی شاه   پیاده دوان[34] برگرفتند راه
برفتند و[35] بر خاك دادند بوس   فرو مانده[36] بر جای پیلان[37] کوس

۱- ف: دوان؛ در لن آغاز این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲- ل: نزد؛ ق (و نیز ل[۳]): پیش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن[۲]) ۳- ل- و، ل[۲]،ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): پر مایه و؛ متن= ف،آ ٤- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): پسر؛ متن= ف ۵- ف (و نیز لن[۲]): روز؛ ل: زوز (!)؛ ق: زور و؛ و: رور (نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ٦- ل- ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): نسازد؛ متن= ف، لی، آ ۷- ق: خرد ساخته؛ ل[۲]: خبر یافته ۸- ل، س، لن، ق، ب: ازوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): میانه؛ متن= ف ۱۰- ل- آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): چو؛ متن= ف، ل[۲] ۱۱- لی: آنرا؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مردی کردن پسران افریدون و مناظره کردن با پدر که او را اژدها پنداشتند ۱۲- س، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب: چنین؛ و: بدل؛ در لن آغاز این لت پاك شده است؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل[۳])
۱۳- آ: بر من چه پیل و چه شیر و چه مار؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو دید آفریدون (آ: آن فریدون) که گاه ستیز   شد آن مرد برنا چنان تند و تیز
نهان کرد ازو روی و شد ناپدید   چو کهتر برادرش پیشش (آ: برادر به پیشش) رسید
بدو (آ: برو) اژدها گشت باز آشکار   چو دید اژدها را نبرده سوار

در دستنویس های دیگر بجای این بیت ها بیت ۲۳۲ آمده است که در ف، آ نیست ۱٤- ف، آ این بیت را ندارند (← پ۳۱) ۱۵- ل، ق، ق[۲]، لی (و نیز ل[۳]): دور شو؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن[۲]) ۱٦- لن، لی، پ: نهنگی تو در پیش (لی: راه) شیران؛ ق[۲]: نهنگی بر شاه ایران؛ آ: نهنگی بدنبال شیران؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ل[۲]، ب ۱۷- ق: مشو (پساوند ندارد) ۱۸- س، ق[۲]، لی: با ما بدین سان؛ ب: با ما ازینسان؛ آ: هرگز بدیسان (!)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- ق[۲]، لی، و: بکوش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: پرخاش خور ۲۱- آ: تو دانی گر از راه یك سو شوی؛ ل[۲]: گر از < راه > بی راه یکسو شوی (وزن نادرست است) ۲۲- ل، ق (و نیز ل[۳]): وگرنه نهمت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن[۲]) ۲۳- س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ل[۲]، ب (و نیز لن[۲]): خسروی؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل[۳]) ۲٤- آ: چو دید و شنید ۲۵- س، و: بدر واره (حرف ششم نقطه ندارد)؛ لن، ق[۲]، پ (و نیز ل[۳]): پدروار؛ آ: زدروازه؛ ل[۲]: بدو راه؛ متن= ف، ل، ق، لی، ب (ونیز لن[۲]) ۲٦- و: چنان چون بباید ۲۷- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): بآیین؛ متن= ف ۲۸- آ (ونیز ل[۳]): وکیش ۲۹- ل، ق، بانای و؛ آ: پس پشت او کوس و؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۳۰- ق[۲]: همه ۳۱- ل، ق، آ: او؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- ق[۲]: یکی کابلی تیغ ۳۳- ق[۲]: پرمایگاه (وزن نادرست است) ۳٤- و: دمان ۳۵- لی: < و> ۳٦- س، لن، ق، ق[۲]، پ، آ، ل[۲] (ونیز ل[۳]): فرو ماند؛ متن= ف، ل، لی، و، ب (ونیز لن[۲]) ۳۷- ف، س، ق- ب (ونیز ل[۳]، لن[۲]): پیلان و؛ متن= ل، لن

پدر دست بگرفت و بنواختشان[1]   بر[2] اندازه‌بر پایها[3] ساختشان
چُن[4] آمد به کاخ[5] گرانمایه باز   به پیش جهان داور آمد[6] براز[7]
همی[8] آفرین کرد بر کردگار   کزو[9] دید نیك و بد روزگار
چوزان پس جهاندیدگان را بخواند[10]   به تخت گرانمایگی[11] برنشاند
چُنین[12] گفت کان[13] اَژدَهای دژم   کجا خواست گیتی بسوزد[14] به دم[15]
پدر بُد که جست از شما مردمی   چو بشناخت برگشت با خُرّمی[16]
کنون نامتان ساختستیم نغز   چُنان چون بباید[17] سَزاوار[18] مغز
تویی مهترین[19] سلم نام تو باد   به گیتی پراگنده کام تو باد
که جستی سلامت زچنگ[20] نهنگ   به گاه گریزش[21] نکردی درنگ
دلاور که نندیشد[22] از پیل[23] و شیر   تو[24] دیوانه خوانش مخوانش دِلیر
میانه کز آغاز تیزی[25] نُمود   از آتش مرو را[26] دلیری[27] فزود[28]
وُرا تور خوانیم[29] شیر دِلیر   کجا زَنده پیلش نیارد بزیر
هنر خود دِلیریست[30] بر جایگاه   که بددل نباشد سَزاوار[31] گاه
دگر کهترین[32]، مرد با سنگ و چنگ[33]   که هم با شتابست و هم با درنگ
ز خاك و ز آتش[34] میانه گزید   چُنان کز ره[35] هوشیاری[36] سَزید

۱- **ف** (ونیز **ل۳**): بزد دست و بگرفت و بنواختشان (وزن نادرست است)؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن۲**) ۲- **ل، لن، لی، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳**): به؛ متن= **ف، ق، ق۲، پ، و** (ونیز **لن۲**) ۳- **ف، ل، آ، ل۲**: نامها؛ **ق۲، و**: جایگه؛ **لی، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): پایگه؛ متن= **لن، ق، پ** ٤- **ل- ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): چو؛ متن= **ف** ۵- **ف**: بگاه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ٦- **ق، ل۲**: جهاندار آمد؛ **و**: جهان آفرین شد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- **ف، آ**: فراز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- **س، لن، پ، ل۲، ب**: بسی؛ **ق۲، لی** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** (ونیز **ل۳، لن۲**) ۹- **ف، آ**: وزو؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**)؛ **ل۲** پس از این بیت سرنویس دارد: نام نهادن فریدون پسران را و بر تخت نشاندن ۱۰- **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: وزان پس سه فرزند خود را بخواند؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۱- **ل، و، ل۲** (ونیز **ل۳، لن۲**): گرانمایگان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ف، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

وزیشان بپرسید فرزانه شاه   که ایدر شما را چه آمد براه
آ: که از بد چه آمد شما را براه
از آن اژدها یاد کردند زود   که ما را براه اندرون رخ نمود

۱۲- **ف، آ**: پدر؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۳- **ل۲**: که ١٤- **ف**: نسوزد؛ **ل، س، لن، ق۲، و**: سوزد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لی**: بدوزد؛ متن= **ق، پ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۵- **آ**: که گیتی همی سوخت از دود و دم ۱٦- **لن، پ**: چو بگذشت برخاست با مردمی (**پ**: با خرمی)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**؛ **ل۳**: خورمی) ۱۷- **لن**: ستاید؛ **لی**: بیابد؛ **پ**: بشاید؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن۲**) ۱۸- **ل، ق، و، آ**: بپاکیزه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۹- **ف، س، لن، ق۲، پ- ب**: مهتر و؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، ق** ۲۰- **ل، لن**: حنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق، پ، ل۲**: جنگ (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ **س، ق۲، لی، و، ب** (ونیز **لن۲**): کام؛ متن= **ف، آ** (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۱- **ق**: بجای گزندش ۲۲- **ف، ق۲، پ**: بندیشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لن**: بندیشد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۲۳- **لن، ق، ق۲، و، ب**: ببر؛ **پ** (ونیز **لن۲**): تیر؛ متن= **ف، ل، س، لی، آ، ل۲** (ونیز **ل۳**) ۲٤- **لن، ق۲، ب**: به ۲۵- **ل، ق، و** (ونیز **ل۳، لن۲**): تندی؛ **ق۲، لی**: شیری؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٦- **ل، و** (ونیز **لن۲**): از آن پس مرورا؛ **ق**: بگاه دلیری؛ **ق۲، لی**: بگاه درشتی؛ **آ**: بر آتش مراورا؛ متن= **ف، س، لن، پ، ل۲، ب** ۲۷- **ق**: درشتی ۲۸- **ق۲، لی**: نمود ۲۹- **لن، آ، ل۲**: خوانیم و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۰- **ف، ل** (و نیز **ل۳**): دلیرست؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **لن۲**) ۳۱- **لن، پ، ل۲**: خداوند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- **ف، لن- ب**: کهتر آن؛ متن= **ل** ۳۳- **و**: با فر و سنگ؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳٤- **س**: زآب و زآتش ۳۵- **ل**: چنانك از ره؛ **ق**: چنان کرزه (← کزره)؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٦- **س، لی، پ، آ، ل۲، ب**: هوشیاران؛ **و** (ونیز **ل۳**): هوشمندان؛ متن= **ف، ل، لن، ق**؛ در **ق** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

دلیر و جوان چون[۱] هُشیوار[۲] بود — به[۳] گیتی جز او را نباید[۴] ستود[۵]
کنون ایرج اندرخورد[۶] نام اوی[۷] — در[۸] مهتری[۹] باد فرجام اوی
بدان کو به[۱۰] آغاز شیری[۱۱] نُمود — به گاه درشتی دِلیری فزود[۱۲]
به نام پری چهرگان عرب[۱۳] — کنون برگشایم به شادی[۱۴] دو لب
زن سلم را کرد نام[۱۵] آرزوی[۱۶] — زن تور را ماه[۱۷] آزاده‌خوی[۱۸]
زن ایرج نیك پی[۱۹] را سَهی — کجا بُد به خوبی سُهیلش[۲۰] رهی
پس از اختر گردگردان[۲۱] سپهر — که[۲۲] اخترشناسان نُمودند چهر[۲۳]
نبشته[۲۴] بیاورد و بنهاد پیش — بدید[۲۵] اختر نامداران خویش
به سلم اندرون جست[۲۶] از[۲۷] اخترنشان — ستاره: زحل دید و، طالع: کمان[۲۸]
دگر طالع تور فرخنده: شیر، — خداوند: بهرام بَر خون دِلیر[۲۹]
چو کرد اختر فرّخ ایرج نگاه — حمل دید: طالع[۳۰]، خداوند: ماه
از[۳۱] اختر بدیشان[۳۲] نشانی نُمود[۳۳] — که آشوبش و جنگ بایست بود[۳۴]

گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران[۳۵]

۱-ل،لن،ق[۲]،لی،پ،آ،ل[۲]: جوان‌و؛ متن=ف،و،ب(ونیز لن[۲]) ۲-ب: هشیار(وزن نادرست است) ۳-لن،پ،و،ل[۲]،ب: ز؛ متن=ف،ل،س،ق[۲]،لی،آ ۴-لن: مرورا بباید؛ ق[۲]،لی،و،آ: جز او را نشاید؛ متن=ف،ل،س،پ،ل[۲]،ب ۵-لی: ستوه(پساوند ندارد)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۶-پ: اندرخور ۷-ل: تو؛ س،ق،آ،ل[۲]،ب: او؛ متن=ف،لن،ق[۲]،لی،پ،و ۸-ق،ق[۲]،لی: همه؛ متن=نه دستنویس دیگر(ونیز ل[۳]) ۹-ل[۲]،ب: بهتری؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۰-ل: ز؛ پ: نه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۱-ف: تیزی؛ ل: تندی؛ لن: سیری؛ متن=س،ق[۲]-ب(ونیز لن[۲]) ۱۲-س،لی،و،آ،ل[۲]،ب: نمود؛ ق[۲]: وزان پس مرا و را دلیری فزود؛ متن=ف،ل،لن،پ ۱۳-ل،لن،ق،پ،ل[۲]،ب: پری چهرگان روز و شب؛ متن=ف،س،ق[۲]،لی،و،آ(ونیز ل[۳]،لن[۲]) ۱۴-ق[۲]: برگشایم زایدر؛ لی: برگشاییم زیدر ۱۵-ل،س،ق،لی،آ: نام کرد؛ متن=هفت دستنویس دیگر(ونیز ل[۳]،لن[۲]) ۱۶-ق: آرزو ۱۷-ل،ق،ق[۲]: نام؛ متن=نه دستنویس دیگر(ونیز ل[۳]،لن[۲]) ۱۸-ق: آزاده‌خو؛ لی: آزادخوی ۱۹-س،ق[۲]،لی: پاك‌خو؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۰-س،لن،آ،ل[۲]،ب: کجا بد سهیلش بخوبی؛ متن=هفت دستنویس دیگر(ونیز ل[۳]،لن[۲]) ۲۱-آ: کردگار ۲۲-آ: کش ۲۳-ق: همی باز جستش ره کین و مهر ۲۴-ل،لن،و: نوشته؛ متن=نه دستنویس دیگر(ونیز ل[۳]،لن[۲]) ۲۵-ق: چنین ۲۶-س،لن،ق[۲]،پ،ل[۲]،ب: بود؛ لی: برد؛ متن=ف،ل،ق،و،آ ۲۷-ل،لن،پ: ز؛ ق،ق[۲]: <ز>؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۸-ل،و(ونیز ل[۳]،لن[۲]): سبب(ل: شب) مشتری بود و طالع کمان؛ س،لن،ق[۲]،لی،پ،ل[۲]،ب: نبودش مگر مشتری و(ق[۲]،لی: در) کمان؛ ق: تن مشتری دید و طالع کمان؛ متن=ف،آ ۲۹-ل-ب: خداوند خورشید(آ: خورشیدو) سعد(لی: شیر) دلیر؛ (ل[۳]: چو آید به خورشید سعد دلیر؛ لن[۲]: خداوند شمشیر و سعد دلیر)؛ متن=ف ۳۰-ل،ق،پ: کشف طالع آمد؛ س،لن،ق[۲]،لی،و،آ،ل[۲]،ب(ونیز ل[۳]،لن[۲]): کشف دید طالع؛ متن=ف ۳۱-ل،ق،لی،و: ز؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۳۲-ل،لن،ق،لی،و،ل[۲]: بریشان؛ متن=ف،س،ق[۲]،پ،آ،ب ۳۳-ل: نبود؛ ق: که دید؛ متن=ده دستنویس دیگر ۳۴-ل: که آشوب پیکار بایست بود؛ ق: بدانست کاشوبش و جنگ دید؛ و،آ،ل[۲]: که آشوبش جنگ بایست(و،آ: خواهست) بود؛ متن=ف،س،لن،ق[۲]،لی،پ،ب؛ و(ونیز ل[۳]،لن[۲] و ق در کناره) سه بیت(سه دستنویس دیگر چهار بیت) افزوده‌اند:

شد اندوهگین شاه چون آن بدید — یکی باد سرد از جگر برکشید
بر ایرج برآشفته دید او سپهر — نبد سازگاریش با او به مهر
به اندیشه و رای روشن روان — نگردد دگرگونه گفت این گمان

۳۵-ف: گفتار اندر بخش کردن افریدون جهان را بر پسران و دادن سلم را روم و تور ترکستان و ایرج ایران را؛ س،ق[۲]،لی: بخش کردن شاه(لی: قسمت کردن) فریدون زمین را بر پسران، لن،پ،ب: بخش کردن فریدون جهان را(لن،پ: را بر پسران)؛ آ: عجایب دیدن فریدون فرخ؛ ل[۲]: بخش کردن فریدون زمین بهر سه پسران؛ ل،ق،و سرنویس ندارند؛ متن=آغاز ف

نهفته چو بیرون کشید[1] از نِهان	به سه بخش[2] کرد آفریدون جهان
یکی روم و خاور، دگر[3] ترك[4] و[5] چین	سیم[6] دشت گردان و[7] ایران زمین
نُخُستین به سلم اندرون بنگرید	همی[8] روم و خاور مرو را سَزید[9]
بفرمود تا لَشکری برگزید[10]	گرازان سوی خاور اندرکَشید[11]
به تخت کَیان اندرآورد پای	همی خواندندیش[12] خاورخدای
دگر تور را داد توران زَمین[13]	وُرا کرد سالار ترکان و چین[14]
یکی لَشکری نامزد کرد شاه	کَشید آنگهی تور لَشکر براه
بیامد به تخت کیی[15] برنشست	کمر بر میان بست و بگشاد دست[16]
بزرگان برو[17] گوهر افشاندند	مِهان[18] پاك توران شهش خواندند
ازین دو[19] نیابت[20] به ایرج رسید	مرو را پدر شهر[21] ایران گزید
هم ایران و هم دشت[22] نیزه‌وران	همان[23] تخت شاهی و تاج سران[24]
بدو[25] داد کو[26] را سَزا بود تاج[27]	همان تیغ و مُهر و همان تخت عاج[28]
نشستند هر سه به آرام[29]، شاد	چُنان مرزبانان خسرو[30] نژاد
هرآن را[31] که بُد هوش و فرهنگ و رای	مرو را همی خواند[32] ایران خدای

برآمد برین[33] روزگاری دراز	زمانه به‌دل در[34] همی داشت راز
فِریدون فرزانه شد سالخَورد	به باغ بهار اندرآورد گَرد

۱- ف (ونیز ل[3]): نهفته برون آورید؛ س: نهفته چون بیرون کشید (وزن نادرست است)؛ آ: چو بیرون کشید این نهفت؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز لن[2]) ۲- س، ق[2]، لی: بهره؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- لن، پ، ل[2]: یکی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل[3]، لن[2]) ۴- ل[2]: تور ۵- ل: < و> ۶- ف، س، ق، ق[2]، پ، آ، ب (ونیز ل[3]): سوم؛ لن، لی، و: سیوم؛ متن= ل، ل[2] (ونیز لن[2]) ۷- لن- ل[2] (ونیز لن[2]): <و>؛ متن= ف، ل، س، ق، ب (ونیز ل[3]) ۸- ل- پ، آ، ل[2]، ب (ونیز لن[2]): همه؛ متن= ف، و (ونیز ل[3]) ۹- س، ق، ق[2]، لی، پ، ب: گزید؛ ل[2]: بدید؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن=ف،ل،و،آ(ونیزل[3]،لن[2]) ۱۰-ل: جنگجوی؛ ق[2]،پ،آ،ل[2]: برکشید؛ متن=ف،س،لن،ق،لی،و،ب(ونیزل[3]،لن[2]) ۱۱-ل: سوی مرزخوارزم بنهادروی؛ آ: کزان سوی خاورسراندرکشید؛ متن=ده‌دستنویس دیگر(ونیزل[3]) ۱۲-ل: خواندیدش؛ آ: خاندندیش ۱۳-ل: ترکان‌وچین ۱۴-ل: توران‌زمین؛ ق[2]: ترکان‌چین؛ آ: توران‌وچین؛ متن=نه‌دستنویس دیگر ۱۵-ف،و(ونیزلن[2]): شهی؛ س،لن،ق[2]،پ،ل[2]: مهی؛ لی: کیان؛ متن=ل، ق،آ،ب(ونیزل[2]) ۱۶-لی: لب(پساوندندارد) ۱۷-لی: بدو ۱۸-ل،ق،و،ب: همه؛ س،لن،ق[2]،لی،پ،آ،ل[2](ونیزل[3]): جهان؛ متن=ف ۱۹-س، لن، ق[2]، پ، ل[2]، ب: پس آنگه؛ لی: وزان پس؛ و: ازیشان؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۰- ق: میانه؛ لی، و (ونیز ل[3]، لن[2]): چو نوبت؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- ل، و: شاه؛ ق: تخت؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- و: شهر ۲۳- ل: هم از ۲۴- س: باج سران؛ لی: همان تیغ مهر و همان تخت عاج (لی ۲۸۵ب و۲۸۶آ را انداخته و از ۲۸۵آ و ۲۸۶ب یك بیت ساخته است که پساوند هم ندارد)؛ ل[2] پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ایرج به ایران زمین ۲۵- پ: برو ۲۶- ق: اورا ۲۷- ف: سزاوار تاج؛ س، ق[2]: سزادید تاج؛ لن، پ، ل[2]، ب: سزادید گاه؛ لی این لت را انداخته است (← پ۲۴)؛ متن= ل، ق، و، آ (ونیز ل[3]، لن[2]) ۲۸- ل: همان کرسی و مهر و آن تخت عاج؛ لن، پ، ل[2]: همان تیغ و مهر و نگین و کلاه؛ آ: همان تیغ و گرز و همان تخت عاج؛ متن= ف، س، ق، ق[2]، و، ب (ونیز ل[3]، لن[2]) ۲۹- ف، س، لن، لی، پ، آ، ب: به آرام و؛ متن= ل، ق، ق[2]، و، ل[2] (ونیز ل[3]) ۳۰- ل، ق، پ، و (ونیز ل[3]، لن[2]): فرخ؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در س، ق[2]، لی، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۱- س، ق[2]، لی، ب (ونیز ل[3]): مرآنرا؛ لن، و، ل[2]: مرورا؛ پ: کسی را؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، آ (ونیز لن[2]) ۳۲- س: مراورا چه خواندندی (وزن نادرست است)؛ لن، ق[2]، لی، و، ل[2]، ب (ونیز ل[3]، لن[2]): مرو را چه خواندند (و، ل[2]: خوانند)؛ متن= ف، پ، آ؛ در س، ق[2]، لی، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۳- لی: بدین ۳۴- س: بر

برین[۱] گونه گردد سراسر سَخُن   شود سست[۲] نیرو چو گردد کَهُن[۳]
چوآمد[۴] به کار اندرون تیرگی[۵]   گرفتند پُرمایگان چیرگی[۶]
بجنبید مر[۷] سلم را دل زجای   دگرگونه‌تر شد به آیین و رای
دلش گشت غرقه به آز[۸] اندرون   پُر اندیشه[۹] بنشست با رهنمون
نبودش پسندیده بخش پدر   که دادش[۱۰] به کهتر پسر تخت زر
به دل پر زکین شد[۱۱]، به رخ پر زچین   فرستاده فرستاد زی شاه چین[۱۲]
فرستاد نزد برادر پَیام   که جاوید زی، خرّم[۱۳] و شادکام
بگفت آنچش[۱۴] اندر دل[۱۵] اندیشه بود[۱۶]   فرستاده‌یی را برافگند زود[۱۷]:
بدان ای[۱۸] شهنشاه ترکان و چین[۱۹]   گسسته دل روشن از بهگزین[۲۰]
ز پیلی ژیان[۲۱] کرده گوشی پسند[۲۲]   منش[۲۳] پست و[۲۴] بالا چو سرو بلند
به بیداردل بنگر این داستان[۲۵]   کزین گونه نشنیدی از باستان[۲۶]
سه[۲۷] فرزند بودیم زیبای تخت[۲۸]   یکی کهتر از ما به‌آمد به بخت[۲۹]
اگر مهترم من به سال و خرد   زمانه به مهر من اندرخورد[۳۰]
گذشته ز من، تاج و تخت و کلاه   نزیبد مگر بر تو ای پادشاه[۳۱]
چو ایران و دشت یلان و یمن   به ایرج[۳۲] دهد، روم و خاور به من
سپارد ترا دشت[۳۳] ترکان و[۳۴] چین   که از ما[۳۵] سپهدار ایران زمین[۳۶]

۱- **لی**: بدین ۲- آ: پست ۳- **لن**: شود سست چون مرد گردد کهن (نیمه دوم این لت در **لن** ناخواناست و پایان آن پاك شده است)؛ در **ل**، **ق** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- **و**: درآمد ۵- **و**، آ (ونیز **لن**[۲]): خیرگی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۶- **ل**، **س**، **و**: حیرگی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لن**، **ق**[۲]، **ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]): خیرگی؛ متن= **ف**، **ق**، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** (ونیز **لن**[۲])؛ در **ل**، **ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- **ل**[۲]: می ۸- **لن**: دلش غرقه بد از اندرون (ناخوانا و وزن نادرست است)؛ **ل**[۲]: دلش غرقه بد آب اندرون (وزن نادرست است)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۹- **ل**، **ق**، **و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): باندیشه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **ل**، **ق**[۲]: داد او؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۱۱- **ق**: بد؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۱۲- **لی**: فرستاده شد زی سوی شاه چین؛ **ل**[۲]: فرستاد نامه زی شاه چین؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۳- **ل**: خورم؛ در **لن**، **پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **ف**: پیغام فرستادن سلم به تور و خواندن او را تا بمشورت نامه به افریدون نویسند؛ **لن** (چند بیت پایین تر): پیغام سلم بنزد تور برادرش؛ **ق**: گفتار در سبب عداوتی که میان ایران و توران افتاد؛ **پ**: پیغام سلم بنزدیك تور؛ **و**: پیغام سلم نزد تور و پاسخ دادن تور او را؛ **ل**[۲]: نامه نوشتن شاه به توران ۱٤- **ل**، **س**، **لن**: آنچ؛ **ق**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **و**، **ل**[۲]، **ب**: آنچه؛ متن= **ف**، آ ۱۵- **ق**: و برادر(!)؛ **ق**[۲]، **و**، **ل**[۲]: در دلش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱٦- **لن**: کرد ۱۷- **ق**[۲]، **لی**: هیونی بر آن (**لی**: بدان) سو برافکند زود؛ **و**: فرستاده مردی برافکند زود؛ **ل**[۲]: فرستاده را ره برافکند زود؛ در **لن** نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **لن**، **پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **س**، **ق**[۲]، **آ**، **ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بنزد برادر جهانگیر تور   که بود از دلش رای و اندیشه دور

۱۸- **لی**: بدانید ای (وزن نادرست است)؛ آ: که دان که ۱۹- **ل**: که ای شاه ترکان و سالار چین ۲۰- آ: از ترس و کین؛ **لی**، **پ**: هنرمند و روشن دل و پاك دین (**پ**: و برگزین)؛ در **لن** این لت پاك شده است؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- **ل**، **ق**: زپیل دمان؛ **لی**، **و**، **ل**[۲]، **ب**: زپیل ژیان ۲۲- **ل**، **ق**، **و**: گوشش پسند؛ **لن**، **پ**: زنیکی زیان کرده گویی پسند؛ آ: زگیتی بیك گوشه کرده پسند؛ متن= **ف**، **س**، **ق**[۲] ۲۳- **لن**، **ل**[۲]: تنش ۲٤- **پ**: < و> ۲۵- **ل**: کنون بشنو از من یکی داستان؛ **و**: برانداز دل بنگر این داستان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٦- **ق**[۲]: این باستان؛ **و**: از راستان؛ در **لن** این لت پاك شده است ۲۷- **س**: ز ۲۸- **لی**: با تاج و تخت ۲۹- **ل**، **و** (ونیز **ل**[۳]): از ما برآمد بتخت (پساوند ندارند)؛ **س**، **آ**: از ما مه آمد به بخت؛ **لی**: از ما سرآمد به بخت؛ **ب**: از مایه آمد به بخت (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ متن= **ف**، **لن**، **ق**، **ق**[۲]، **پ**، **ل**[۲] ۳۰- در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است ۳۱- **لی**: نیکخواه؛ در **س**- **ب** پس از این بیت بیت ۳۰۳ آمده است؛ پیایی بیت های متن= **ف**، **ل** ۳۲- **لی**: بایران ۳۳- **ل**: مرز؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۳٤- **ل**، **لن**: < و> ۳۵- **ل**، **س**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **ل**[۲]، **ب**: که از تو؛ **ق**: که ایرج؛ در **لن** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= **ف**، آ ۳٦- **ف**: ایران و چین؛ **و**: کناری فرستد زروی زمین

بدین بخشش اندر مرا پای نیست — به مغز پدرت[۱] اندرون رای نیست
سَزد گر بمانیم هر دو دژم — کزین سان پدر کرد بر ما ستم[۲]

هیون فرستاده[۳] بگذارد[۴] پای[۵] — بیامد بنزدیک[۶] توران خدای[۷]
به چربی[۸] شنیده[۹] همه یاد کرد — سر تور بی مغز پُر باد کرد
چو این راز بشنید[۱۰] تور دِلیر — برآشفت برگاه[۱۱] چون تند شیر[۱۲]
چُنین داد پاسخ که با[۱۳] شهریار — بگوی[۱۴]: این سَخُن همچُنین یاد دار
که ما را به گاه جوانی پدر — برین گونه[۱۵] بفریفت[۱۶] ای دادگر
درختیست این خود نشانده به دست — کجا آب[۱۷] او[۱۸] خون و بارش[۱۹] کبست
ترا با من اکنون بدین[۲۰] گفت وگوی[۲۱] — بباید بروی اندرآورد روی
زدن رای هُشیار و کردن نگاه — هیون برفگندن بنزدیک[۲۲] شاه
زبان آوری چرب گوی[۲۳] از میان[۲۴] — فرستاد نزدیک[۲۵] شاه جهان[۲۶]
بجای زبونی[۲۷] و جای فریب[۲۸] — نباید که یابد[۲۹] دلاور شکیب[۳۰]
نشاید[۳۱] درنگ اندرین[۳۲] کار هیچ — که خام[۳۳] آید آسایش[۳۴] اندر بسیج

۱- **ل، ق**: پدر؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])؛ **و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲] و **ق** درکناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی پرخرد مرد را برگزید — که هرکار را نغز و شایسته دید

۲- در **س- ب** این بیت پس از بیت ۲۹۹ آمده است؛ پیایی بیت های متن= **ف، ل** ۳- **س- پ، آ، ل**[۲]، **ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): هیونی فرستاد و؛ **و**: هیونی برافکند و؛ متن= **ف، ل** ۴- **ف، س- ب** (ونیز **ل**[۳]): بگزارد؛ متن= **ل** (ونیز **لن**[۲]) ۵- **لی**: آب (پساوند ندارد) ٦- **ل، ق**: زنزدیك؛ **و**: بیامد بر تور؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- **ف، ل، ق، آ** (ونیز **ل**[۳]): خاور خدای؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **لن**[۲])؛ **ف، ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد (**پ**: چوآمد) بزودی به توران زمین — بنزدسپهدار ترکان و(**ل**: < و>) چین

ل: چو آمد بر مرز توران زمین

این بیت در هشت دستنویس دیگر (ونیز در **ل**[۳]، **لن**[۲]) نیست ۸- **ل، لن** (به خطی نو)، **ق، ق**[۲]، **پ**: بخوبی؛ **و**: شنیده؛ متن= **ف، س، لی، آ، ل**[۲]، **ب** (**س** نخست **بخوبی** داشته است) ۹- **ق**[۲]: شنوده؛ **لی**: شنود (وزن نادرست است)؛ **و**: بخوبی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **ق**[۲]: بشنود؛ **ف، آ** این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، و، ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): ناگاه؛ **ل**[۲]: باگاه؛ متن= **ق** ۱۲- **ل**: برسان شیر؛ **ق، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): چون نرّه شیر؛ متن= **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، و، ب** ۱۳- **ف، ق**[۲]، **ب**: ای؛ **س**: با (نقطه ندارد)؛ (**ل**[۳]، **لن**[۲]: یا)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱٤- **ل، س، ق**[۲]، **لی، و، آ**: بگو؛ متن= **ف، لن، ق، پ، ل**[۲]، **ب** ۱۵- **ل، و، آ**: بدین گونه؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، ل**[۲]، **ب**: ازین گونه؛ متن= **ف، ق** ۱٦- **لی**: بفرفتی ۱۷- **ق**[۲]، **لی**: بار ۱۸- **ق**: وی ۱۹- **س، ق**[۲]، **لن، لی، پ، و**: برگش؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل**[۲]، **ب**؛ **ل**[۲] پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن سلم مر تور را و بهم رسیدن ۲۰- **ق**[۲]: ازین؛ **پ**: برین ۲۱- **ل، ق، ب**: گفت گوی؛ **آ**: گفت و گو؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- **ل**: هیونی فکندن بنزدیك؛ **س- ب**: هیونی برافکند نزدیك؛ متن= **ف**؛ در **ل** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۳- **ل**: چرب گو؛ **ق**: خوب گوی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٤- **س، ق**[۲]، **پ، آ، ب**: از مهان؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲۵- **ل، ق**: فرستاد باید به؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٦- **و** (ونیز **لن**[۲]): کیان؛ **لن- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت کز (**ل**[۲]: از) من (**و**: ما) بگو (**پ، ل**[۲]: بگوی) این پیام — که‌ای شاه بینادل نیکنام (**ق**[۲]، **لی، آ**: شادکام)

این بیت در **ف، ل، ق** نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- **س، لن، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب**: فزونی؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲۸- **س، ق**[۲]، **ب**: نهیب؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲۹- **ف، ق**: گردد؛ **ل**: بیند؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): باشد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]) ۳۰- **ف**: نشیب؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲])؛ در **س، لن، ق**[۲]، **لی، ل**[۲]، **ب** لت های این بیت پس وپیش شده‌اند ۳۱- **لی، پ، ل**[۲]، **ب**: نسازد؛ **و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): نباید؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، ق**[۲]، **آ** ۳۲- **ق**: اندران ۳۳- **ل، ق، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): کجا؛ **لن، لی، پ، ل**[۲]: که خوار؛ متن= **ف، س، ق**[۲]، **آ، ب** ۳٤- **و**: آسانی

فرستاده چون پاسخ آورد باز / بَرَهنه شد از روی، پوشیده راز[1]
برفت این[2] برادر ز روم، آن[3] ز چین / به زهر اندرآمیختند[4] انگبین
رسیدند پس یك بدیگر فراز[5] / سَخُن راندند آشکارا و راز
گزیدند پس موبدی تیزویر / سَخُن گوی[6] و بینادل[7] و یادگیر
ز بیگانه پردخت[8] کردند جای / سِگالش گرفتند[9] هر گونه رای
سَخُن سلم پیوند کرد ازنُخُست / ز شرم پدر دیدگان را بشست
فرستاده را گفت: ره برنورد[10] / نباید که یابد ترا باد و گرد[11]
چو آیی به کاخ فریدون فرود / نُخُستین ز هر دو پسر ده درود
پس آنگه[12] بگویش که ترس خدای / بباید که[13] باشد به هر دو سرای
جوان را بود روز پیری امید / نگردد سیه، موی ِ گشته سپید[14]
چه[15] سازی[16] درنگ اندرین جای[17] تنگ / شود تنگ[18] بر تو سرای درنگ
جهان مر ترا داد یزدان پاك / ز تابنده خورشید تا تیره خاك[19]
همی[20] بآرزو خواستی[21] رسم و راه / نکردی به فرمان یزدان نگاه
نجستی[22] جز از[23] کژّی و کاستی / نکردی[24] به بخش اندرون[25] راستی
سه فرزند بودت خردمند و گرد / بزرگ آمده[26] نیز[27] پیدا ز[28] خرد
ندیدی هنر با[29] یکی بیشتر / کجا دیگری زو فرو برد[30] سر
یکی را دم[31] اژدها ساختی / یکی را به ابراندر افراختی[32]

۱- **س، و، آ، ب** (ونیز **لن۲**): برهنه (**س**: گشاده) شد آن (**س**: از) روی پوشیده راز؛ متن= **ف، ل، ق، ل۲** ۲- **پ**: آن؛ **لن، ق۲** این بیت را ندارند ۳- **س، ب**: او؛ **پ**: این ٤- **ل، ق، پ- ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): آمیخته؛ متن= **ف، س، لی**؛ در **ل۲** لت های این بیت پس وپیش شده‌اند ۵- **لی**: رسیدند نزدیکی هم فراز؛ **ل۲**: رسیدند دیگر بهریك فراز؛ **لن، ق۲** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ل۲** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ٦- **ل۲**: سخن گو ۷- **ق۲، لی**: روشن دل؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**)؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر پیغام فرستادن سلم و تور بنزدیك شاه افریدون اندرحق ایرج و ملك ایران؛ **س**: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان بنزد فریدون؛ **لن، لی، پ، و، ل۲**: پیغام سلم و تور بنزد (**پ**: بنزدیك؛ **و**: نزد؛ **ل۲**: نزد پدر) فریدون (**ل۲**: افریدون)؛ **ق**: رسول فرستادن سلم و تور بنزد فریدون؛ **آ**: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال؛ **ب**: پیغام دادن سلم وتور فریدون را ۸- **ل، لن، ق** (ونیز **ل۳**): پردخته؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن۲**) ۹- **ف، ق۲**: گرفتند و؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۱۰- **ق**: رو در نورد؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۱- **آ**: آب و گرد؛ **ق**: نباید ترا زین سخن یاد کرد؛ **ف، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بـرو زود نـزد فـریـدون چـو بـاد / بـجـز راه رفـتـنـت کـاری مبـاد

این بیت در **ل، ق، و** (ونیز **ل۳، لن۲**): نیست ۱۲- **س، لی- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): و دیگر؛ متن= **ف، ل، لن، ق** ۱۳- **ف، ق۲، و**: نباید که؛ **آ**: پسندیده ۱٤- **پ**: سفید؛ **لی** این بیت را ندارد ۱۵- **ق۲، آ، ب**: چو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱٦- **و**: سازد ۱۷- **لن**: کار ۱۸- **ل، ق**: که شد تنگ؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۹- در **آ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۰- **س- پ، آ، ل۲، ب**: همه؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۱- **ل، آ**: ساختی؛ **ق۲**: خواسته؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۲- **لن، پ، آ، ل۲**: نکردی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **ل، ق، ق۲، لی، و، آ، ب** (و نیز **لن۲**): بجز؛ متن= **ف، س، لن، پ، ل۲** (و نیز **ل۳**) ۲٤- **پ، آ**: نجستی ۲۵- **ف، ل، ق، ق۲، لی، ل۲** (و نیز **ل۳**): به بخشش درون؛ متن= **س، لن، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن۲**) ۲٦- **ل، ق، ب**: بزرگ آمدت؛ **و**: بزرگت نبود؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- **لن، لی، پ، ب**: نیست؛ **و**: ایچ؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲، آ، ل۲** (در **ل** هر سه حرف واژه، در **س** حرف دوم و در **ل۲** حرف سوم آن نقطه ندارند) ۲۸- **ل، س، ق، ق۲، پ، آ، ل۲، ب**: بیدار (در **ل۲** حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، لن، لی، و** (و نیز **ل۳**) ۲۹- **پ**: یا؛ **ل۲**: تا؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۰- **ف، آ**: فرو برده؛ **ل۲**: فزون برد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳۱- **ق**: یکی را بدام؛ **ق۲** پس از این بیت سرنویس دارد: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان به پدر ۳۲- **س**: انداختی

یکـی تاج بر سر به بالین[1] تو   بدو[2] شاد گشتـه[3] جهـان بین تو
نه ما زو[4] به مام و پدر کمتـریم   که[5] بر تخت شاهـی نه انـدرخَـوریم
ایا[6] دادگـر شهـریار زمـین   برین[7] داد هرگـز مبـاد آفـرین
اگـر تاج از آن تارَك بی بهـا   شود دور[8] یابـد جهـان زو رهـا
سپـاری[9] بدو گوشـه یی[10] از جهـان   نشـینـد چو ما گشتـه از تو نهـان[11]
وگـرنـه سُواران[12] ترکـان و[13] چین   هم از روم گردان[14] جوینـده کین
فرازآورم لَشکـری گرزدار   از[15] ایران و ایرج برآرم دمـار

چو بشـنـید موبـد پَیام[16] درشت   زَمـین را ببـوسـید وبـنـمـود پشـت
بدانـسـان[17] به زین انـدرآورد پای   که از باد آتش بجـنـبـد ز جای
به درگـاه شاه آفـریدون رسـید   براَوردهیی دید سر ناپـدید[18]
به ابـر انـدرآورده[19] بالای اوی[20]   زَمـین کوه تا کوه پهـنـای اوی
نشـسـتـه بهدربـر[21] گران سایگـان[22]   به پردهٔنـدَرون[23] جای پُرمـایگـان[24]
به یك دسـت بر بسـتـه شیر و پلنـگ   به دسـت دگـر زَنـده پیلان جنـگ
ز چنـدان گرانـمـایه گرد دلـیر   خروشـی برآمـد چو آوای شیر
سپـهـریسـت پنـداشـت ایوان بجـای   پری[25] لَشکـری گردش انـدر بپـای[26]
برفـتـنـد بیدار کاراگـهـان   بگـفـتـنـد با شهـریار جهـان[27]
که آمـد فرسـتـادهیی نزد شاه   یکـی بَرمـنش[28] مرد بادسـتـگـاه
بفـرمـود تا پرده برداشـتـنـد   بر اسـپش ز درگـاه بگـذاشـتـنـد[29]
چو چشـمش به روی فِریدون رسـید[30]   همـه دیده و دل پر از شاه دید[31]

۱- و: بآیین ۲- ل، ق: برو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳- و: گشته روشن ٤- س، لی، ب: نه زوما؛ متن= نه دستنویس دیگر ٥- ل- ب (و نیز لن۲): نه؛ متن= ف (و نیز ل۳) ٦- ف: اما (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، پ: ابا؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۷- لن، پ، ل۲: بدین؛ ق۲، لی: بران؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ، ب ۸- ل، س، لن، لی، پ: دور و؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۹- ق۲: بسازی ۱۰- ل، ق: کشوری؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۱- ل، ق، و (و نیز لن۲): نشیند چو ما از تو خسته نهان؛ لن، لی، پ، ب: نشیند چو ما از تو گشته نهان؛ آ (و نیز ل۳): نشیند چو ما خسته اندر نهان؛ متن= ف، س، ق۲، ل۲ ۱۲- ل۲: سواران و ۱۳- ف، ل، ل۲: < و >؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ١٤- ل: مردان؛ ل۲ (و نیز ل۳): ترکان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۱۵- ل، ق، ل۲: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ١٦- ل۲: بنام ۱۷- ل، س، لن، ق۲، پ، ل۲: بران سان؛ متن= ف، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲) ۱۸- لن، لی، پ: براورده از دور ایوان بدید؛ ل۲: بر آورده ایوان سر < ش > ناپدید (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۱۹- لن، و، ب: اندر آورد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۰- ل، س، ق، ق۲، پ- ب: او: متن= ف، لن، لی (و نیز ل۳، لن۲)؛ ل۲ پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):

نشـد نامـش از ابـر بـر رفتـه تـر   کـه بـد نامـش از ابـر رفتـه تـر

۲۱- لی: نشستند بر در ۲۲- ل- و، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲): گرانمایگان؛ متن= ف، س، آ ۲۳- ل- ب: به پرده درون؛ متن= ف (و نیز س۲): به پرده اندرون (← ضحاک، بیت ۴۰) ٢٤- لن، پ: جای آزادگان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۵- ل: گران؛ س، آ، ب: بسی؛ لن: پر از؛ ق۲، لی: یکی؛ و: همی؛ متن= ف، ق، پ، ل۲ ٢٦- ل: گرد او بر بپای؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۷- ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سلم و تو < ر > بنزدیك افریدون و گزاردن پیغام ایشان ۲۸- ف، پ، و، آ، ب (و نیز لن۲): پر منش؛ س، ل۲: بر منش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ل، لن، ق، ق۲، لی ۲۹- س، لن، ق۲، لی، آ، ب: براند اسب و بر درش بگذاشتند؛ ل۲: باسب اندر از درش بگذاشتند؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل۳، لن۲) ۳۰- ف: فتاد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳۱- ف: یکی شاه دید او پر از فرّ و داد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲)

به بالا چو سرو و[۱] چو خورشید روی   چو کافور گِرد[۲] گل سرخ، موی[۳]
دو لب پر ز خنده، دو رخ پر ز شرم   کَیانی زبان پر ز گفتار نرم[۴]
فرستاده چون دید سَجده نمود   زمین را سراسر[۵] به بوسه پَسود[۶]
نشاندش همانگه فریدون ز پای[۷]   سَزاوار دادش[۸] یکی خوب جای[۹]
بپرسیدش از[۱۰] دو گرامی نُخُست   که هستند شادان دل و تندرست[۱۱]
دگر گفت کین زشت راه دراز[۱۲]   شدی رنجه اندر نشیب و فراز
فرستاده گفت: ای گرانمایه شاه   که بی تو مبیناد کس[۱۳] پیشگاه
ز هر کس که پرسی به کام تواند   همه پاك زنده به نام تواند
منم بنده‌یی شاه را ناسزا[۱۴]   چُنین بر تن خویش ناپادشا[۱۵]
پَیامی[۱۶] درشت آوریده به شاه   فرستنده پر خشم و من بی گناه
بگویم چو فرمایدم شهریار   پَیام جوانان ناهوشیار[۱۷]
بفرمود پس تا[۱۸] زبان برگشاد   شنیده سُخُن[۱۹] سر بسر[۲۰] کرد یاد
فرِیدون بدو[۲۱] پهن بگشاد گوش   چو بشنید مغزش برآمد بجوش
فرستاده را گفت کای هوشیار[۲۲]   نبایست پوزش ترا خود بکار[۲۳]
که من چشم خود همچُنین داشتم[۲۴]   همی[۲۵] بر دل خویش بگماشتم[۲۶]
بگوی[۲۷] آن دو ناباك[۲۸] بیهوده را   دو آهرمَن[۲۹] مغز پالوده را[۳۰]

۱- ل، س، لن، ق، آ، ل۲: ببالای سرو و؛ پ: ببالای سرو (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ق۲، لی، و، ب (و نیز ل۳، لن۲) ۲- ل، ق، ق۲، لی، و (و نیز ل۳، لن۲): کرده؛ س: کردان؛ متن= ف، لن، آ، ل۲، ب ۳- پ: چو کافور موی و چو گل سرخ روی ٤- ل، لی: گرم؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۵- و: سراسر زمین را ٦- ف- ب (و نیز ل۳، لن۲): بسود (حرف یکم یك نقطه دارد) ۷- ق، ق۲، لی، و، آ، ب: نشاندش فریدون همانگه (لی: همانگاه (وزن نادرست است)) ز پای؛ متن= ف، ل، لن، پ، ل۲ ۸- ل: کردش؛ ق۲، لی: دیدش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ل: بر خویش جای؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۰- ق: بپرسید از؛ ق۲: بپرسید از آن ۱۱- پ: دین درست ۱۲- ل: دگر گفت کز راه دور و دراز؛ لن، و، ب: دگر گفت کین دشت و (لن، ب: < و >) راه دراز؛ ق: دگر گفت کین راه زشت و دراز؛ متن= ف، س، ق۲، لی، پ، آ، ل۲؛ ل پس از این بیت افزوده است:

چه پیغام داری چه خواهش کنی   بگو آنچ باید ز راه منی

۱۳- ل: ابی تو مبیناد کس؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: مبیناد بی تو کسی؛ متن= ف، ق، و (و نیز ل۳، لن۲) ۱٤- و: پارسا؛ ل۲: باسزا؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۱۵- لن، ق۲، پ (و نیز لن۲): نا پارسا؛ س، ل۲: با پادشا؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱٦- لن، ق۲، پ، ل۲، ب: پیام؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- پ، ل۲: با هوشیار؛ ق۲ این بیت را ندارد ۱۸- ل۲: بفرمود تا پس ۱۹- لن، لی، پ: سخنها همه؛ و: شنیده همه؛ ل۲: سخن را همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- ق: در بدر ۲۱- و: همی؛ ل۲: برو ۲۲- لن، پ: پس شهریار؛ ق: ای هوشیار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- ف: ترا ترس و پوزش نباید بکار؛ ل، ق: بباید (ق: نباید) ترا پوزش اکنون بکار؛ لی: که پوزش ترا خود نباید بکار؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲٤- ل، و: که من چشم ازیشان چنین (و: همین) داشتم ۲۵- س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: همین؛ متن= ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل۳، لن۲) ۲٦- ل، و (و نیز لن۲): بگذاشتم؛ ق۲: بنگاشتم؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳)؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

که از گوهر بد نیاید بهی   مرا دل همی داد ازین (ل: داد این) آگهی

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۳٦۵ سرنویس دارند، ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه افریدون پسران را سلم و تور و باز گشتن بکشتن رسولان؛ ق: پاسخ فرستادن شاه فریدون پسران را؛ پ: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ و: پاسخ دادن شاه فریدون پیغام سلم و تور را؛ ل۲: پاسخ آوردن فریدون مر فرزندان را
۲۷- ل، ق، لی، و: بگو؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۸- آ، ب: نا پاك؛ لن: این دو < نا > باك (وزن نادرست است)؛ و: آن < دو > ناباك (وزن نادرست است)؛ ل۲: ای دو ناباك؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ ۲۹- ف- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): اهرمن (وزن نادرست است)؛ و: اهریمن؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل۲: وان دو اهرمن مغز پالوده را (وزن نادرست است)؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

انوشه[۱] که کردید[۲] گوهر پدید درود از شما[۳] خود بدینسان[۴] سَزید
ز پند من ار[۵] مغزتان شد تَهی همان[۶] از خردتان نماند[۷] آگهی
ندارید شرم و[۸] نه ترس از خدای[۹] شما را همانا جز اینست[۱۰] جای[۱۱]
مرا پیشتر قیرگون بود موی چو سرو سهی قد و چون ماه روی
سپهری که پشت مرا کرد کوز[۱۲] نشد پست[۱۳]، گردان بجایست[۱۴] نوز[۱۵]
خماند شما را همان[۱۶] روزگار نماند[۱۷] خمانیده[۱۸] هم پایدار[۱۹]
بدان برترین[۲۰] نام یزدان پاك به رخشنده خورشید و اَرمیده[۲۱] خاك
به تخت و کلاه و به خورشید[۲۲] و ماه که من بد نکردم شما را نگاه[۲۳]
یکی انجمن کردم[۲۴] از بخردان ستاره‌شناسان و هم موبدان
بسی روزگاران شده‌ست[۲۵] اندرین نکردیم بر باد[۲۶] بخشش[۲۷] زَمین
همه راستی خواستم[۲۸] زین سَخُن ز[۲۹] کژّی نه سر بود پیدا نه بُن[۳۰]
همه ترس یزدان بُد اندر نِهان[۳۱] همه راستی خواستم در جهان
چُن[۳۲] آباد دادند[۳۳] گیتی به من نجستم پراگندن انجمن[۳۴]
مگر همچُنان گفتم[۳۵] آباد تخت سپارم[۳۶] به سه دیده‌ی نیکبخت
شما را کنون گر[۳۷] دل از راه من[۳۸] به کژّی و تاری[۳۹] کشید اَهرِمَن[۴۰]

۱- **لن**: کانوشه ۲- **ل[۲]، ب**: کردند ۳- **ل[۲]**: درود شما ۴- **لی، ل[۲]**: برین سان؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس وپیش شده است ۵- **ل[۲]**: آن ۶- **ل**: همی ۷- **ل، لن، ق، پ**: نبود؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- **لن، پ**: ندارید ترس و؛ **ل[۲]**: ندارند ترس و؛ **ب**: ندارند شرم و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۹- **ل**: نه بیم خدای؛ **لن، پ، ل[۲]**: نه شرم از خدای؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۰- **ل، ق** (و نیز **ل[۳]**): همانا همینست؛ **لی**: همانا خرد نیست؛ متن= نه دستنویس دیگر(و نیز **لن[۲]**) ۱۱- **ل- آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): رای؛ متن= **ف، ل[۲]** ۱۲- **ل، لن، لی، پ، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): کوژ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- **لن، پ، ل[۲]، ب**: پست و؛ **لی**: سست؛ **و**: سست و؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق[۲]، آ** (و نیز **ل[۳]**) ۱٤- **ق**: بپایست؛ **ل[۲]**: بجانست؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۵- **ل**: نوژ؛ **لن**: انوز؛ **ق، ق[۲]، لی** (و نیز **لن[۲]**): هنوز؛ **ل[۲]**: توز؛ متن= **ف، س، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**) ۱٦- **ف**: حماند شما را همان (حرف یکم واژهٔ یکم نقطه ندارد)؛ **ل**: خماند شما را هم این؛ **س، لی، پ**: شما را چماند همان؛ **لن، آ، ل[۲]، ب**: شما را خماند همان؛ **ق[۲]**: شما را چه ماند همان؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): چماند شما را همان؛ (**ل[۳]**: نماید شما را همین)؛ متن= **ق** ۱۷- **ف**: نباشد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۸- **ف**: حماننده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **س**: حمانده (نقطه ندارد)؛ **لن، آ**: خماننده؛ **ق، لی، پ، و**: چماننده؛ **ق[۲]**: حمانیده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (**ل[۳]**: نماینده؛ **لن[۲]**: چمانیده)؛ متن= **ل[۲]، ب** ۱۹- **ل**: نماند برین گونه بس پایدار ۲۰- **لن**: برتری ۲۱- **ف**: وارمنده؛ **ل، ب**(و نیز **ل[۳]**): و بر تیره؛ **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]**: و تاریك؛ **ق**: و آرامیده (وزن نادرست است)؛ **پ**: و آرنده؛ **و**: با تیره؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- **لن، پ** (و نیز **لن[۲]**): بناهید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]**) ۲۳- **ل، پ، ل[۲]**: بگاه؛ **و**: نگاه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۲٤- **ق[۲]**: کرد ۲۵- **س، لی**: نشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق، و**: گذشت؛ **ق[۲]**: نشد؛ **آ، ب**: بشد؛ **ل[۲]**: شده؛ متن= **ف، ل، لن، پ** (و نیز **ل[۳]**) ۲٦- **ف**: نکردیم بر یاد؛ **ل**: نکردیم بر باد (حرف یکم واژهٔ سوم نقطه ندارد)؛ **س**: نکردیم بر داد و؛ **لن، ق، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: بکردیم بر داد (**ق[۲]، پ**: داد و)؛ **لی، ب** (و نیز **ل[۳]**): نکردم به بیداد؛ **و**: نکردیم خرداد؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۷- **و، ل[۲]**: بخش؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- **و**: همی خواستم راستی ۲۹- **ل، ق، آ**: به؛ **س، ب**: نه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- **لن، لی، پ، ل[۲]، ب**: نه سر بد مر این را نه بن؛ **ق[۲]**: نجستم پراکندن انجمن (= ۳۷۹ب)؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، آ** (و نیز **ل[۳]**) ۳۱- **ل** (و نیز **ل[۳]**): میان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]**)؛ در **ق[۲]** این بیت پس از بیت ۳۷۹ آمده است و در اینجا بجای بیت ۳۷۸ بیت ۳۸۰ را آورده است ۳۲- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): چو؛ متن= **ف** ۳۳- **پ**: دارند ۳٤- **ق[۲]**: ز کژی نه سر بود پیدا نه بن (= ۳۷۷ب)؛ در **ق[۲]** پس از این بیت بیت ۳۷۸ آمده است ۳۵- **ق**: مگر گفتم همچنان (وزن نادرست است) ۳٦- **ق[۲]**: بسازم؛ در **ق[۲]** این بیت پس از بیت ۳۷۷ آمده است ۳۷- **س**: کنون تان ۳۸- **آ**: رای من؛ **لن، پ**: شما را کنون از دل و رای من؛ **ق[۲]، لی**: شما را گر اکنون دل از راه من؛ **ل[۲]**: شما را کنون از دل راه من؛ متن= **ف، ل، ق، س، و، ب** ۳۹- **س، ق[۲]، آ**: بتاری و کژی؛ متن= نه دستنویس دیگر ٤۰- **ق**: کشد ز انجمن

بپرسید[1] تا کردگار بلند ‖ چُنین از شما کرد خواهد پسند
یکی داستان گویم ار بشنوید[2] : ‖ همان بر[3] که کارید[4] خود بدروید[5]
چُنین گفت با ما سَخُن[6] رهنمای ‖ جز اینست جاوید ما را سرای[7]
به تخت خرد[8] برنشست آزتان ‖ چرا شد چُنین دیو انبازتان
بترسم که در چنگ[9] این[10] اَژدَها ‖ روان یابد[11] از کالبدتان رها
مرا خود ز گیتی گه رفتن ست ‖ نه هنگام[12] تیزی و[13] آشفتن ست[14]
ولیکن چُنین گوید آن سالخَورد ‖ که بودش سه فرزند آزاد مرد
که چون آز گردد ز دلها تَهی ‖ همان[15] خاك[16] و هم[17] گنج[18] شاهنشهی
کسی کو برادر فروشد به خاك ‖ سَزد گر نخوانندش[19] از آب پاك
جهان چون شما دید و بیند بسی[20] ‖ نخواهد شدن رام با هر کسی
کنون[21] هر چه[22] دانید کز کردگار[23] ‖ بود رستگاری[24] به روز شمار
بپویید[25] و آن[26] توشه‌ی ره کنید ‖ بکوشید تا رنج کوته کنید

فرستاده بشنید گفتار اوی ‖ زَمین را ببوسید و[27] برگاشت روی
ز پیش فِریدون چُنان بازگشت ‖ تو[28] گفتی که با باد انباز گشت

فرستاده‌ی سلم چون گشت باز ‖ شهنشاه بنشست و بگشاد راز[29]
گرامی جهانجوی را پیش خواند ‖ همه بودنی[30] پیش او باز راند
وُرا[31] گفت کان[32] دو پسر جنگ جوی ‖ ز خاور سُوی ما نِهادند روی
ز[33] اختر چُنینَ ستَشان[34] بهره خَود ‖ که باشند شادان به کردار بد
دگرشان ز دو کشور آبشخورست[35] ‖ که آن بوم ها را درشتی برست

۱- **س**: برسید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ **لن، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): ببینید؛ **ق**: نترسید؛ **ق**[2]: بترسید؛ متن= **ف، ل، ل**[2] ۲- **ق**: بشنوی ۳- **لن**: بد ٤- **ق**: که کاری ۵- **س، ق**[2]، **لی، و، آ**: آن بدروید؛ **ق**: همان بدروی؛ متن= **ف، ل، لن، پ، ل**[2]، **ب** ٦- **ل**: ما را سخن؛ **س، لی**: با من سخن؛ **ق**: با ما یکی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **س، ق**[2]، **آ، ب**: که ما را جز اینست جاوید جای؛ **ل**[2]: چو این نیست جاوید ما را سرای؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **ل، ق**: کئی؛ **ل**[2]: هوا؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۹- **ف- ب**: جنگ (حرف یکم یك نقطه دارد) ۱۰- **پ**: آن ۱۱- **آ**: آید ۱۲- **لن**: پیری؛ **لن**: پیری؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۱٤- **لن**: بر آشفتنست ۱۵- **ل**: چه آن؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱٦- **ل**[2]: تاج ۱۷- **ل، ق، ق**[2] (ونیز **لن**[2]): آن؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]) ۱۸- **ل، ق**: تاج؛ **آ**: تخت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۱۹- **لی** (و نیز **ل**[3]): نخوانیمش؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]) ۲۰- **ل**: جهان چون شما زود بیند بسی؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ در **و** این بیت پس از بیت ۳۹۳ آمده است ۲۱- **ل**: کزین؛ **ق**[2] این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۲۲- **ل**: هرچ ۲۳- **لن، پ**: دانید کردن بکار (**پ**: ز کار) ۲٤- **لن**: زشتکاری؛ **ل**[2]: راست کاری ۲۵- **ل، س، لن، لی، پ، آ، ل**[2]، **ب**: بجویید؛ **ق**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۲٦- **پ**: این؛ در **و** پس از این بیت بیت ۳۹۱ آمده است؛ **لن** پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ نامه سلم و تور از شاه فریدون ۲۷- **لی**: <و> ۲۸- **ل، ق**: که؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2])؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **ق**: رای زدن فریدون با ایرج جهت سلم و تور؛ **و**: رای زدن شاه فریدون با ایرج در کار سلم و تور ۲۹- در **لن** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۰- **ل، ق**: همه گفتنی؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])؛ در **لن** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- **ق**: بدو ۳۲- **و**: آن ۳۳- **ل، لن، ق**[2]، **پ**: از؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۳٤- **لن، پ، ل**[2]: هستشان؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2]) ۳۵- **ق**[2]: آب و خورست؛ **س**: زاختر چنین کشور آبشخورست؛ **ل**[2]: دگر آنك دو کشور آبش خورست؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])

برادرت چندان برادر بود　　کجا مر ترا بر سر افسر بود
چو پژمرده شد روی رنگین تو　　نگردد کسی[1] گرد بالین تو
تو گر پیش شمشیر مهر آوری　　سرت گردد آسوده[2] از داوری
دو فرزند من کز[3] دو گوشه[4] جهان　　بدینسان[5] گشادند بر من[6] نهان[7]
گرت سر به کارست بسیچ[8] کار　　در گنج بگشای و[9] بربند بار[10]
تو گر چاشت را دست یازی به جام　　وگرنه خورند ای[11] پسر بر تو شام
نباید ز[12] گیتی ترا یار جُست[13]　　بی آزاری[14] و راستی یار تست[15]

نگه کرد پس ایرج نامور[16]　　بدان[17] مهربان[18] پاک[19] فرخ پدر
چنین داد پاسخ که ای شهریار　　نگه کن بدین[20] گردش روزگار
که چون باد بر ما همی بگذرد　　خردمند مردم چرا غم خورد
همی پژمراند رخ[21] ارغوان　　کند تیره دیدار[22] روشن روان
به[23] آغاز گنجست و فرجام رنج[24]　　پس از رنج[25]، رفتن زجای[26] سپنج
که[27] بستر زخاکست و بالین زخشت　　درختی چرا[28] باید امروز کشت
که هرچند چرخ[29] از برش بگذرد　　بُنش[30] خون خورد، بار کین آورد[31]
خداوند شمشیر و گاه[32] و نگین　　چو ما دید و بسیار[33] بیند زَمین[34]
از آن[35] تاجور نامداران[36] پیش　　ندیدند کین اندر آیین خویش
چو دستور باشد مرا شهریار　　به بد نگذرانم بدِ روزگار[37]
نباید مرا تاج و تخت و کلاه　　شوم پیش ایشان دوان بی سپاه[38]

۱- **ل، ق**: دگر؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　۲- **ل**: آشفته؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])؛ در **ل، ق، پ، ل**[2] این بیت پس از بیت ۴۲۴ نیز آمده است　۳- **لن، پ**: از　٤- **ل**: دوش؛ **و**: کشور؛ متن= ده دستنویس دیگر　۵- **ل، لن، ق**[2]، **پ، آ، ل**[2]، **ب**: برینسان؛ متن= **ف، س، ق، لی، و** (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　٦- **و، آ**: ما　۷- **ل، ق، آ** (ونیز **ل**[3]): زبان؛ **ق**[2]: روان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **لن**[2])　۸- **آ**: مبسیچ　۹- **ق**: <و>　۱۰- **و**: باز (پساوند ندارد)　۱۱- **آ**: خوردندی　۱۲- **آ**: به　۱۳- **ل، و**: یار کس؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر　١٤- **لن، پ**: که آزادی　۱۵- **ل، و**: یاربس؛ **لن، پ، آ**: کار تست؛ متن= **ف، س، ق**[2]، **لی، ل**[2]، **ب**　١٦- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ، ل**[2]، **ب**: پرهنر؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　۱۷- **ل**: بران؛ **ب**: مران؛ متن= ده دستنویس دیگر　۱۸- **و**: نامور　۱۹- **لن، پ**: شاه　۲۰- **پ**: برین　۲۱- **ل، ق**: گل؛ **س، ق**[2]، **لی**: گل و؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2])　۲۲- **لی**: دریای؛ در **و** از این بیت تا بیت ۴۱۵ درهم ریخته‌اند: ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۵　۲۳- **و**: در　۲٤- **آ**: بآغاز رنجست و فرجام گنج　۲۵- **آ**: گنج　۲٦- **لن**: رفتن سرای؛ **ق**[2]، **لی، پ، ب**: رفتن بجای؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، آ، ل**[2] (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　۲۷- **لن، ق، لی، پ، و، آ، ل**[2] (ونیز **ل**[3]): چو؛ متن= **ف، ل، س، ق**[2]، **ب** (ونیز **لن**[2])　۲۸- **ق**[2]: مرا　۲۹- **لن، پ**: روز　۳۰- **ف- پ** (ونیز **لن**[2]): تنش؛ **ل**[2]: برش؛ متن= **و، آ، ب** (و نیز **ل**[3])　۳۱- **لن، پ**: کینه بار آورد؛ **ل**[2]: برش خورد باز ارکین آورد(!)؛ متن= نه دستنویس دیگر　۳۲- **و**: تاج؛ **ف**: خداوند تیغ وکلاه؛ متن= ده دستنویس دیگر　۳۳- **س- آ، ب** (ونیز **لن**[2]): چو ما دید بسیار و؛ متن= **ف، ل، ل**[2] (ونیز **ل**[3])　۳٤- **ق، ب**: چنین　۳۵- **س، لن، ق**[2]، **پ، آ، ل**[2]، **ب**: که‌آن؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و** (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　۳٦- **س، لن، ق**[2]، **آ، ل**[2]، **ب**: شهریاران؛ **لی**: نامور تاجداران؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل**[3]، **لن**[2])　۳۷- **ف**: برو روزگار؛ **ق، و** (ونیز **لن**[2]): همی روزگار (**ل**[3]: یکی روزگار)؛ **س، لن، ق**[2]، **لی، پ، آ، ب**: همان نگذرانم (**پ**: بگذرانم) بید روزگار؛ **ل**[3]: شوم پیش ایشان دوان بی سپاه (= ۴۱۸ب)؛ متن= **ل**　۳۸- **س، ق**[2]، **لی، آ**: شوم پیش هر دو (**ق**[2]: <دو>، وزن نادرست است) دوان بی سپاه؛ **و**: همی پیش ایشان شوم بی سپاه؛ **ل**[2]: همان بگذارنم بید روزگار (= ۴۱۷ب)؛ **ل**[2] پس از این بیت سرنویس دارد: اجازت خواستن ایرج از افریدون؛ **ل- ب** (ونیز **ل**[3]، **لن**[2]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بگویم که ای نامداران من　　چنان چون گرامی تن و جان من

این بیت در **ف** نیست؛ **لی** این بیت را دوبار نوشته است؛ در **پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

بگـویم که[۱] از شهـریار[۲] زَمـین — مدارید خشـم[۳] و مجـویید کین
به گیتـی چه دارید[۴] چنـدین[۵] امید — نگـر تا چه بد کرد با جمّـشید[۶]
به فرجـام هم شد ز گیتـی بدر — بمـانـدش همـان[۷] تخت و تاج و کمـر[۸]
مرا با شمـا هم به فرجـام کار — ببـاید[۹] چَشیـدن همـان روزگـار[۱۰]
دل کینـهورشـان به دین[۱۱] آورم — سَزاوارتـر زانـك[۱۲] کین آورم[۱۳]

بدو گفـت شاه ای خردمـنـد پور — برادر همـی رزم جوید، تو سور[۱۴]
مرا[۱۵] این سَخُـن یاد باید گرفـت — ز مه روشـنـایی نبـاشـد[۱۶] شِگـفـت
ز تو پُرخـرد[۱۷] پاسـخ ایدون سَزید — دلـت مهـر و[۱۸] پیونـد ایشـان گزید
ولـیکـن چو جانـی شود بی بهـا[۱۹] — نِهـد بخـرد انـدر[۲۰] دم اَژدَهـا
چه پیش آیدش[۲۱] جز[۲۲] گزاینـده زهـر — کهش[۲۳] از آفـرینش چُنـین ست[۲۴] بهـر
ترا ای پسـر گر چُنـین ست رای — برآرای[۲۵] کار و بپـرداز جای
پرسـتـنـده چنـد از میان سپـاه — بفـرمـای کاینـد با تو به راه
ز درد دل اکـنـون یکـی نامـه من — نویسـم[۲۶] فرسـتـم بدان[۲۷] انـجـمـن
مگـر باز بینـم تن تو درسـت[۲۸] — که روشـن روانـم به دیدار تست

گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور[۲۹]

یکـی نامـه بنـبـشـت[۳۰] شاه زَمـین — به خاورخـدای[۳۱] و به سالار چین[۳۲]

۱- و: بهبیهوده؛ ل[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب ۲- پ: شهریاران ۳- لی: چشم؛ این بیت در ل، ق چنین است:

مـداریـد خشـم و مـداریـد کیـن — نه زیبـاسـت کیـن از خـداونـد دین

در پ بیت ۴۱۹ با بیت ۴۲۲پ پس و پیش شده است ٤- ل، ق، پ، ب: مدارید؛ لن: خداوند؛ متن= ف، س، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲] (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۵- و: اکنون ٦- لی: جام شید ۷- ف، لی، پ، آ، ل[۲]: نماندش همان؛ لن: نماندست آن؛ و: بماند از وی این؛ متن= ل، س، ق، ق[۲]، ب ۸- ل، لن، ق، لی- ب: تاج و تخت و کمر؛ متن= ف، س، ق[۲]؛ لی پس از این بیت افزوده است:

مـرا بـا شمـا هم بهفـرجام (=۴۲۲آ) بـدر — نماندش همان تاج و تـخـت و کـمـر (=۴۲۱ب)

۹- ل، ل[۲]: نباید ۱۰- ل، ق، لی، و: بد روزگار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل: بدام ۱۲- س، پ، آ، ل[۲]: زآنکه؛ متن= ف، لن- لی، و، ب ۱۳- ل: بدین کار پیروز نام آورم؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بـبـاشـیـم بـا یـکـدگـر شـادمـان — شـویـم ایـمـن از دشـمـن بدگـمـان
فـریـدون چـو بشـنـیـد شـد شـادمـان — دلـش شـادمـان شـد بـدیـدار او

۱٤- در ل، ق، پ، ل[۲] پس از این بیت بیت ۴۰۳ دوباره آمده است ۱۵- ل[۲]: من ۱٦- ل، ل[۲]: نباید ۱۷- لن، پ: پرهنر ۱۸- ل: < و> ۱۹- س، لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب: ولیکن چو جان و سر پربها (س، ب: بی بها)؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ق: نهد پرخرد در؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- و: آیدت ۲۲- ب: زین ۲۳- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب: که؛ و: کت؛ متن= ف، ل، ق ۲٤- ق[۲]، لی: جز این است ۲۵- ل: بیارای؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۲٦- ل[۲]: نهبینم (→ نبیسم) ۲۷- ل، ق: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- ل، لی، و، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): ترا تندرست؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- ف: گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور پسرانش را و فرستادن ایرج را بنزدیك ایشان؛ ل: نامه نوشتن فریدون بر پسران؛ لن: نامه فریدون بنزد سلم و تور؛ ق: نامه فریدون بپسران و رفتن ایرج نزد ایشان؛ پ: نامه نوشتن بسالار چین؛ و: نامهٔ شاه فریدون نزد پسران و رفتن ایرج برسولی؛ س، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب سرنویس ندارند؛ متن= آغاز ف ۳۰- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): بنوشت؛ متن= ف ۳۱- ق: خدا ۳۲- س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب: میان کیان چون (ق[۲]: بسان کیانی) درخشان (ل[۲]: درختان) نگین (=۴۳۶ب)؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل[۳]، لن[۲])

سر نامه کرد آفرین خدای کجا بود[1] و باشد همیشه بجای
دگر[2] گفت کین نامه‌ی پندمند بنزد دو خورشیدِ گشته بلند[3]
دو سنگی، دو جنگی[4]، دو شاه زمین، میان کَیان چون درخشان نگین[5]
ز[6] آنکس که هر گونه[7] دیده[8] جهان شده آشکارا برو بر[9] نِهان
گراینده‌ی[10] گرز و تیغ گران[11] فُروزنده‌ی نامدار افسران
نُماینده‌ی شب به روز سپید[12] گُشاینده‌ی گنج پیش امید[13]
همه[14] رنج ها گشته[15] آسان بروی[16] به راه رَوشن اندرآورده روی[17]
نخواهم همی خویشتن را کلاه نه آگنده گَنج و نه تخت[18] و نه گاه[19]
سه فرزند را خواهم آرام[20] و ناز از آن پس که بردیم[21] رنج دراز[22]
برادر کزو بودتان دل به درد[23] وُگر[24] چند هرگز نزد[25] بادسرد
دوان آمد از بهر آزارتان همان[26] آرزومند دیدارتان
بیفگند شاهی شما را گزید چُنان کز[27] ره نامداران[28] سَزید
ز تخت اندرآمد به زین برنشست[29] برفت و میان[30] بندگی را ببست
بدان[31] کو به سال از شما کهترست نوازیدن مهتر اندرخورست[32]
گرامیش دارید و نوشه[33] خورید چو پرورده شد تن[34]، روان پرورید
چُن[35] از بودنش بگذرد روز چند[36] فرستید بازِ[37] منش ارجمند[38]

۱- **ل، ق، پ**: هست؛ **س، لن، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[2]**) ۲- **ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]**): چنین؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[2]**) ۳- **ق**: فرزند من (پساوند ندارد) ٤- **ف**: دو جنگی دو سنگی؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۵- **ل**: بدخشان نگین؛ **س، لن، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: یکی شاه خاور یکی شاه چین؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ٦- **ل- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): از؛ متن= **ف** ۷- **ل، ق**: آن کوز هر گونه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۸- **و**: گرد ۹- **س، لن، ل[2]**: بدو بر؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۰- **لن، ق، و، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): گزارندهٔ؛ **پ**: گرازنده؛ متن= **ف، ل، س، ق[2]، لی، آ** ۱۱- **ل، س، لن، لی- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): تیغ و گرز گران؛ **ق[2]**: کن زو به تیغ گران؛ متن= **ف** ۱۲- **لن، ق[2]، لی**: سفید؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۳- **لن، پ**: گنج بیم و امید؛ **لی**: گنج پیش از امید؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]، لن[2]**)؛ **و** این بیت را دو بار نوشته است ١٤- **س، لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: کنون؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۵- **لن، ق[2]، لی، پ**: گشت؛ متن= **ف، ل، س، و، آ، ل[2]، ب** ١٦- **لن، پ**: بدوی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۷- **ف، ل، لن، پ، ل[2]**: بدو (**لن، ل[2]**: برو) روشنی اندر آورده روی؛ **س، ق[2]، لی، آ**: براه (**آ**: براه و) روش اندر آورده (**ق[2]**: آورد) روی؛ **و** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): بدو خلق گیتی در آورده روی؛ متن= **ب**؛ در **پ** پس از این بیت بیت ۴۴۲ امده است ۱۸- **ل، ق**: تاج؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۹- **س، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]**): و سپاه؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، و** (و نیز **لن[2]**) ۲۰- **س**: سه فرزند خواهیم آرام؛ **لی**: نه فرزند خواهم بآرام؛ **ق[2]** این بیت را ندارد ۲۱- **ل، ق**: دیدیم ۲۲- **و**: از آنپس که بستم در گنج باز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **پ** پس از این بیت بیت ۴۴۰ آمده است ۲۳- **س، لن، ق[2]- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): برادر کزو (**ل[2]**: که زو) بود دلتان بدرد؛ متن= **ف، ل، ق** ٢٤- **س، لن، لی، پ، ل[2]، ب**: اگر؛ متن= **ف، ل، ق، ق[2]، و، آ** ۲۵- **س، لن، ل[2]، ب**: چند بر کس نزد؛ **ق[2]، لی، پ، آ**: چه نزد بر کسی؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ٢٦- **ل**: که بود؛ **و**: همه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]**) ۲۷- **لن**: چنانك از ۲۸- **ف**: نامداری؛ **آ**: هوشیاران؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۲۹- **لی**: در نشست ۳۰- **پ**: بدینسان میان ۳۱- **و**: از آن ۳۲- **س، ق[2]، لی، آ، ب**: بمهر و نوازندگی در خورست؛ **لن، پ، ل[2]**: بمهر و نوازیدن اندر خورست؛ (**ل[3]**: نوازیدن از مهتران در خورست؛ **لن[2]**: نوازیدن از مهتر اندر خورست)؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۳۳- **ق[2]**: بوسه (نقطه ندارد)؛ **لی** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): توشه؛ **ل[2]**: بوشه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= نه دستنویس دیگر ٣٤- **و**: زو ۳۵- **ل، لن، ق، لی- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): چو؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** ٣٦- **لن**: از بودنش روز بگذشت چند؛ **ل[2]**: از بودنش روز کی روز چند؛ **ب**: از رفتنش بگذرد روز چند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۳۷- **ف** (و نیز **ل[3]**): بازی؛ **ل**: بازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لن، ق، پ، و، ل[2]، ب**: نزد؛ **آ**: سوی؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۸- **س**: فرستند نزدیك من ارجمند؛ **لی**: فرستید نزدیك من بی گزند؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند: **س**: رفتن ایرج با نامهٔ شاه فریدون بنزد سلم و تور؛ **لن، ب**: رفتن ایرج بنزد (**ب**: نزد) برادران؛ **ق[2]**: رفتن ایرج با نامهٔ پدر بنزد برادران؛ **لی**: نامهٔ فریدون بتور و سلم و فرستادن ایرج؛ **پ**: اندر صفت سلطنت ایرج؛ **ل[2]**؛ رفتن ایرج نزد برادران و نوازش کردن

نِهادند بر نامه‌بر مُهر شاه　　ز ایوان بر ایرج[1] گزین کرد راه
بشد با تنی چند برنا و پیر　　چُنان چون بود[2] راه را ناگزیر
چو تنگ اندرآمد به نزدیکشان　　نبود آگه از رای[3] تاریکشان
پذیره شدندش بر[4]آیین خویش　　سپه[5] سربسر باز بردند[6] پیش
چو دیدند روی برادر به مهر[7]　　یکی تازه‌تر برگشادند چهر
دو پرخاشجو با یکی[8] نیکخوی[9]　　گرفتند پرسش نه بر آرزوی
دو دل پر ز کینه[10]، یکی دل بجای　　برفتند هر سه به پرده‌سرای
به ایرج نگه کرد یکسر سپاه　　که او بُد سَزاوار تخت[11] و کلاه
بی آرامشان[12] شد دل از مهر[13] اوی[14]　　دل از مهر و[15] دیده پر از[16] چهر اوی[14]
سپاه[17] پراگنده شد جفت جفت　　همه نام ایرج شد[18] اندر نهفت
که اینَت[19] سَزاوار شاهنشهی　　جزین را[20] مبادا[21] کلاه مهی
به لَشکر نگه کرد سلم از کَران　　سرش گشت از آن کار لَشکر[22] گران
به لَشکرگه آمد دلی پر ز کین　　جگر پر ز خون[23]، ابروان پر ز چین
سراپرده پرداخت از[24] انجمن　　خود و تور بنشست با رای زن
سَخُن شد پژوهیده[25] از هر دری　　ز شاهی و از[26] شاه[27] هر کشوری
به تور از میان سَخُن سلم گفت　　که یك یك[28] سپاه از چه گشتند جفت
سپاه دو شاه از پذیره شدن　　دگر بود و دیگر به باز آمدن[29]

۱- **ف**: به ایران بایرج؛ **س، ق**[2]: بر ایوان بر ایرج؛ **لن**: بر ایران ایرج؛ **ق**: از ایران شه ایرج؛ **لی**: بر ایوان و ایرج؛ **پ**: بر ایران و ایرج؛ **و**: پس ایرج بر ایوان؛ **آ**: بر ایوان ایرج؛ **ل**[2]، **ب**: بر ایران بر ایرج؛ (**ل**[3]: بر ایرج سپرد و؛ **لن**[2]: ز ایران چو ایرج)؛ متن= **ل**؛ **ل** پس از این بیت شش بیت افزوده است که بیت ششم آن در **ق** هم آمده است:

برفت و بیامد سوی خان خویش　　بران تا کند هرچ باید ز پیش
چو بر روز شد تیره شب چیره دست　　برامد بکردار چرخ از جمست
بخفتند شادان دل و نیك بخت　　بدان تا دگر روز بندند رخت
برفتند یاران سوی خان خویش　　بدان تا بگویند هر کمّ و بیش
بگفتند هر کس همی هرچ خواست　　بدان تا نباشد فزون و نه کاست
چو بدرید شب چادر عنبری　　فروزنده شد گنبد چنبری

۲- **ل**[2]: که چون چون بود (!)　۳- **ف، ق، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): جان؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستویس دیگر　٤- **س- و، ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): به؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، آ**　۵- **آ**: بنه　٦- **ق**[2]: دادند؛ **ب**: رفتند؛ **لن**: سپه سر < بسر > باز بردند (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۷- **ق**: ز مهر　۸- **ل، و**: دو پرخاش جوی و یکی؛ متن= ده دستنویس دیگر　۹- **ق**[2]، **ل**[2]: نیك جوی؛ **و**: نیکحوی (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **ب**: نامجوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۰- **و**: کین و　۱۱- **ف**: تاج؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2])　۱۲- **آ، ل**[2]: بی آزرمشان؛ **ق، ق**[2] این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۳- **ل**[2]: بهر　١٤- **ل، س، پ، آ**: او؛ متن= **ف، لن، لی، و، ل**[2]، **ب**　۱۵- **آ**: < و>　١٦- **س، لن، لی، پ، ل**[2]، **ب**: دو دیده از؛ متن= **ف، ل، و، آ**　۱۷- **آ**: سپاهی　۱۸- **ف- ل**[2] (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): بُد؛ متن= **ب**　۱۹- **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن**[2]): که هست این؛ **لن، لی، ل**[2]: که اینست؛ **پ**: که این را؛ **ق**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **س، آ، ب** (و نیز **ل**[3])　۲۰- **و**: جز او را　۲۱- **ل، ق**: نزیبد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2])　۲۲- **ف**: از آن لشکر خود؛ **ل، ق**[2]: از کار لشکر؛ **ق**: از راز لشکر؛ **و، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): از آن کار یکسر؛ متن= **س، لن، لی، پ، آ، ل**[2]　۲۳- **ل**[2]: خون و　۲٤- **لن، پ**: بگذاشت بر؛ **ل**[2]: برداشت از؛ متن= نه دستنویس دیگر　۲۵- **ل، لن، ق، لی، آ**: پژوهنده؛ **س، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): سخن را پژوهید؛ **ق**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، پ، ل**[2]، **ب**　۲٦- **ل، ل**[2]: ز　۲۷- **ل، لن، ق، پ، و، ب** (و نیز **لن**[2]): تاج؛ **س**: باج و؛ **لی، آ، ل**[2] (و نیز **ل**[3]): تاج و؛ متن= **ف**　۲۸- **آ**: که یکدل　۲۹- در **س، لن، لی، پ، آ، ل**[2]، **ب** این بیت پس از بیت ۴۶۸ و در **و** (و نیز در **ل**[3]، **لن**[2]) پس از بیت ۴۶۷ آمده است؛ پیاپی بیت های متن= **ف، ل، ق**؛ **ق**[2] این بیت را ندارد

به هَنگامه‌ی بازگشتن ز راه / نکردی همانا[1] به لشکر نگاه

که چندان[2] کجا راه بگذاشتند / یکی چشم از ایرج نبرداشتند

از[3] ایران دل ما همی تیره[4] بود / بر[5] اندیشه اندیشگان[6] برفزود[7]

سپاه دو کشور چو کردم نگاه / ازین[8] پس جُزو را نخوانند شاه

اگر بیخ او نگسلانی ز جای / ز تخت[9] بلندت کَشد[10] زیر پای

برین[11] گونه از جای برخاستند / همه شب همی چاره آراستند

چو برداشت پرده ز پیش[12] آفتاب / سپیده برآمد[13]، بپالود خواب[14]

دو بیهوده را دل[15] بران[16] کار گرم / که دیده بشویند هر دو[17] ز شرم

برفتند هر دو گرازان[18] ز جای / نِهادند سر سوی[19] پرده‌سرای

چُن[20] از خیمه ایرج به ره بنگرید[21] / پر از مهر دل، پیش[22] ایشان دوید

برفتند با او[23] به خیمه درون / سَخُن بیشتر بر چرا رفت و چون

بدو گفت تور: ار[24] تو از ما کِهی[25] / چرا برنهادی کلاه مِهی

ترا باید ایران و تخت کیان[26] / مرا بر در ترک بسته[27] میان

برادر که کهتر ز[28] خاور به رنج / به‌سربر ترا افسر و زیر گنج

چُنین[29] بخششی کان جهانجوی کرد / همه نزد[30] کهتر پسر روی کرد

نه تاج کیی[31] مانم[32] اکنون، نه گاه / نه نام بزرگی، نه ایران، نه شاه[33]

چُن[34] از تور بشنید ایرج سَخُن / یکی پاکتر پاسخ[35] افگند بُن

۱- س، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب: همانا نکردی؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و؛ در و (و نیز ل۳، لن۲) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ق: خندان؛ در س، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب پس از این بیت بیت ۴۶۶ آمده است ۳- لی، آ: ز ٤- ف: دل ما همه تیره؛ ل: دلم خود بدو نیم؛ ق: دلم خود بدو تیره؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۵- ل: به؛ ق: از ٦- لن، لی، پ، ل۲ (و نیز لن۲): اندیشه ها؛ متن= ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل۳) ۷- ف: بران تیرگی تیرگی برفزود ۸- آ: ازان ۹- ل، س، لن: نخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل۲: بخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۰- س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: بلند اوفتی؛ و: بلندی شوی؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل۳) ۱۱- س، لی، و: بدین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ق: پرده زمین ۱۳- ق: بیامد؛ متن= ل، س، لن، ق۲- ب ١٤- لن، پ: بیامد جواب؛ آ: ببالید خواب؛ ف: سر کینه جویان در آمد ز خواب؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۵- لن، آ، ل۳: دو بیهوده دل را؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱٦- ل، ق، ق۲، لی، آ: بدان؛ لن: بدین؛ پ، و (و نیز لن۲): برین؛ متن= ف، س، ل۲، ب (و نیز ل۳) ۱۷- ق۲: نشویند هرگز؛ ب: بشویند هر سه ۱۸- ف، ل، ق، و: برفتند با شمع (ف: شمع و) یاران (ق، و: یازان)؛ (ل۳: برفتند با جمع تازان؛ لن۲: برفتند بی شرم تازان)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- لن: نهاده سران سوی ۲۰- ل- ب (و نیز ل۳، لن۲): چو؛ متن= ف ۲۱- ل، ق: از پرده ایرج برون بنگرید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۲- ل، ق: سوی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۳- ق: وی؛ ف پس از این بیت و دستنویس های دیگر چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر مناظره کردن سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بر دست تور برادرش؛ س، لی، و، ل۲: کشته شدن ایرج بر دست برادران (س: بر دست تور برادرش؛ لی: بر دست تور)؛ لن، پ، آ: کشتن (پ: کشته شدن) سلم و تور (آ: تور و سلم) ایرج را؛ ق: ماجرای سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بی گناه؛ ب: کشتن تور ایرج را؛ ل، ق سرنویس ندارند ٢٤- ل۲: تورو ۲۵- ق۲: بهی ٢٦- لن، ق۲، پ: مهان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- پ: بستن ۲۸- ل، ق، لی (و نیز ل۳، لن۲): به؛ ق۲، ب این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۹- لن، لی، پ: چنان؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- س، لن، لی، پ، آ، ب: سوی؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲ ۳۱- ل، ق: کیان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳۲- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: خواهم؛ متن= ف، ل، ق، و (ونیز ل۳، لن۲) ۳۳- ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: نه ایران سپاه؛ متن= ف، ق، و (و نیز ل۳، لن۲)؛ در س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب این بیت پس از بیت ۴۸۴ آمده است ٣٤- ف- آ، ب (و نیز ل۳، لن۲): چو؛ متن= ل۲ ۳۵- ف: یکی با گهر پاسخ؛ س، ق۲، لی، آ، ب: خوبتر پاسخ؛ و: نگر تا بپاسخ چه؛ متن= ل، لن، ق، پ، ل۲ (و نیز ل۳)

بدو گفت کای مهتر کامجوی[۱] — اگر کام دل یابی[۲] آرام جوی
من ایران نخواهم، نه خاور[۳]، نه چین، — نه[۴] شاهی، نه گسترده روی زمین
بزرگی که فرجام او[۵] بتّریست[۶] — بران[۷] برتری[۸] بر[۹] بباید گریست
سپهر بلند ار کشد زین تو — سرانجام خشت ست بالین تو
مرا تخت ایران اگر بود زیر — کنون گشتم از تاج و از تخت[۱۰] سیر
سپردم شما را کلاه و نگین — ترا زین پس از من مباد ایچ کین[۱۱]
مرا با شما نیست جنگ[۱۲] و نبرد — دلت خود نباید به من رنجه کرد[۱۳]
زمانه نخواهم از[۱۴] آزارتان — وگر[۱۵] دور مانم ز[۱۶] دیدارتان
جز از[۱۷] کهتری نیست آیین من — مباد آز و[۱۸] گردنکشی[۱۹] دین من

چو بشنید تور از برادر چُنین — به ابرو ز خشم[۲۰] اندرآورد چین[۲۱]
نیامدش گفتار[۲۲] ایرج پسند — نبُد راستی[۲۳] نزد[۲۴] او ارجمند
به[۲۵] کرسی به خشم[۲۶] اندرآورد پای — همی[۲۷] گفت و برجست[۲۸] هزمان[۲۹] ز جای
ز ناگه[۳۰] برآمد ز جای نشست — گرفت آن گران کرسی زر به دست[۳۱]
بزد بر سر خسرو تاجدار[۳۲] — ازو خواست ایرج[۳۳] به جان زینهار
نیایدت[۳۴] گفت[۳۵] ایچ[۳۶] ترس[۳۷] از[۳۸] خدای — نه شرم از[۳۹] پدر پس[۴۰] همینست رای
مکش مر مرا کهت سرانجام کار — بپیچاند از خون من کردگار[۴۱]
پسندی و همداستانی کنی — که جان داری و جان ستانی کنی[۴۲]
مکش مورکی را که روزی کَش ست[۴۳] — که او نیز جان دارد و جان خَوش ست[۴۴]

۱- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: نامجوی؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲- **ل- آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): خواهی؛ متن= **ف، ل[۲]**؛ در **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** پس از این بیت بیت ۴۸۲ آمده است و در **س** پس از ان بیت ۴۸۸ آمده است ۳- **ق[۲]**: نه روم و ۴- **ل[۲]**: ز ۵- **ق[۲]، لی**: ان ۶- **ل، لن، ق، لی، پ، ل[۲]**: تیره گیست؛ **و**: بدتریست؛ در **ق[۲]** پساوند پاک شده است؛ متن= **ف، س، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**) ۷- **س، ق[۲]، لی، پ**: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- **ف**: بتری؛ **ل، س، ق، ق[۲]، لی، آ**: مهتری؛ **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بدتری؛ متن= **لن، پ، ل[۲]، ب** ۹- **ل[۲]**: هم ۱۰- **ل، پ**: ز تخت؛ **ق**: از تخت و ز تاج؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **س** این بیت پس از بیت ۴۸۲ آمده است (← پ۲) ۱۱- **ل، ق**: بدین (**ق**: ازین) روی با من مدارید کین؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: مدارید با من شما نیز (**لن، پ، آ، ل[۲]**: هیچ) کین؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱۲- **ل، س، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): ننگ؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- **ل**: روان را نباید برین رنجه کرد؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: نباید بمن هیچ دل رنجه کرد؛ **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): دلت را نباید بدین رنجه کرد؛ متن= **ف، ق** ۱۴- **ل، س، لن، پ، و، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): به؛ **ق**: بر؛ **ق[۲]، لی** این بیت را ندارند؛ متن= **ف** ۱۵- **ل، ق**: اگر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۶- **آ**: به ۱۷- **لی**: بجز ۱۸- **ل**: <و> ۱۹- **س- پ، آ، ل[۲]، ب**: نباشد بجز (**س، ق[۲]، ل[۲]، ب**: جز از) مردمی (**ق[۲]**: مهتری)؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۲۰- **ق**: کین ۲۱- این بیت در **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** چنین است:

چو بشنید تور این (**ل[۲]**: آن) همه سربسر (**آ**: این سخن دربدر) — بگفتارش اندر نیاورد سر

متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن[۲]**) ۲۲- **س**: نیامدش ایران و ۲۳- **س، لن، پ، آ، ل[۲]**: نه آن آشتی؛ **ق[۲]، لی**: نه نیز آشتی؛ **ب**: نبد آشتی؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۲۴- **و**: پیش ۲۵- **ف، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): ز؛ متن= **ل، ق، و، ل[۲]** ۲۶- **ق**: کرسی زر؛ **و**: کرسی ز خشم ۲۷- **آ**: سخن ۲۸- **پ**: برگشت؛ **و**: می جست؛ متن= **ف- لی، آ، ب** ۲۹- **لی**: هردم؛ **ل[۲]**: وجست هر زمانی ۳۰- **ل- پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]**): یکایك؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**) ۳۱- **ل**: گرفت آن گرانمایه کرسی بدست؛ **ب** (و نیز **ل[۳]**): گرفت آن زمان کرسی زر بدست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- **و**: نامدار ۳۳- **پ**: خسرو ۳۴- **پ، ل[۲]**: نیامدت ۳۵- **ق[۲]**: <گفت> (وزن نا درست است) ۳۶- **ق**: هیچ ۳۷- **ل**: بیم ۳۸- **و**: <از> ۳۹- **ف**: <از>؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۴۰- **ل، س، لن، ق[۲]- آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): خود؛ متن= **ف، ق، ل[۲]، ب** ۴۱- در **س- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت بیت ۵۰۲ آمده است؛ در **و** بیت های میان ۴۹۹ تا ۵۰۵ در هم ریخته‌اند: ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۱، ۵۰۵ ۴۲- **ل** این بیت را ندارد ۴۳- **لن، پ**: مکش مورکی را که دانه کش است؛ **س، ق، ق[۲]، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): میازار موری که دانه کش است؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل[۲]** ۴۴- **لن، ق[۲]- آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): که جان دارد و جان شیرین خوش است؛ متن= **ف، س، ق، ل[۲]** (در **س** این بیت را تراشیده و به خطی نو نوشته‌اند)

مکن خویشتن را ز مردم کُشان	کزین[1] پس نیابی خود از من[2] نشان
بسنده کنم زین جهان گوشه‌یی	به کوشش فرازآورم توشه‌یی
به خون برادر چه بندی کمر	چه سوزی دل پیر گشته پدر
جهان خواستی، یافتی، خون مریز	مکن با جهاندار یزدان ستیز[3]
سَخُن چند بشنید و[4] پاسخ نداد	همان گفتنش آمد[5]، همان سردباد[6]
یکی خنجر از موزه بیرون کَشید[7]	سراپای او چادَر خون کَشید
بدان[8] تیز[9] زهر آبگون خنجرش	همی کرد چاك آن کَیانی[10] برش
فرود آمد از پای سرو سهی	گسست آن کمرگاه[11] شاهنشهی
دوان خون از آن[12] چهره‌ی ارغوان	شد آن نامور شهریار جوان[13]
جهانا بپروردیش در[14] کنار	وُزان[15] پس ندادی به جان زینهار[16]
نهانی ندانم[17] ترا دوست[18] کیست	برین[19] آشکارت بباید[20] گریست
تو نیز ای به خیره خَرِف گشته مرد[21]	ز بهر جهان دل پر از داغ و درد
چو شاهان[22] کشی بی گُنه[23] خیر خیر[24]	ازین[25] دو ستمگاره اندازه گیر
سر تاجور[26] زان تن[27] پیلوار	به خنجر جدا کرد و برگشت کار[28]
بیاگند مغزش به مشك وعبیر[29]	فرستاد نزد جهان بخش[30] پیر
چُنین[31] گفت کاینت[32] سر آن نیاز[33]	که تاج نیاگان بدو گشت باز
کنون خواه تاجش ده و خواه تخت	شد آن شاخ گستر[34] نیازی[35] درخت

۱- **ل**[2]: که زین **۲**- **ل، ق**: نیابی ز من خود؛ **پ**: نیابی تو از من؛ **و**: تو از من نیابی؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **س**- **ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) این بیت پس از بیت ۴۹۹ آمده است **۳**- **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند **٤**- **ل**[2]: <و>؛ **ل، ق**: سخن را چو بشنید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۵**- **ل، ق**: همان گفتن آمد؛ **س، ق**[2]، **لی، آ، ل**[2]، **ب**: همان خشم بودش؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل**[3]) **٦**- **لن، پ**: دلش بود پر خشم و سر پر ز باد **۷**- **ل، ق**: یکی خنجر آبگون بر کشید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۸**- **پ**: بران **۹**- **و**: تیره؛ **آ**: تیغ **۱۰**- **ق**[2]، **لی**: گرامی **۱۱**- **س، لن، لی، پ**: کمربند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **س** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده‌است **۱۲**- **ق**[2]: خون براز؛ **لی**: خون بدان **۱۳**- **ق**[2]، **آ، ل**[2] (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): جهان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **س** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **س، لن، ق**[2]- **ب** (و نیز **لن**[2]) پس از این بیت بیت ۵۱۵ آمده است؛ در **آ، ل**[2] بیت های میان ۵۱۰ تا ۵۱۷ در هم ریخته‌اند، **آ**: ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۷؛ **ل**[2]: ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۲، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷؛ پیاپی بیت های متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل**[3]) **١٤**- **ف، س، لن، پ** (و نیز **ل**[3]): بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۵**- **ل**: ازان **١٦**- **ل**[2]: بخنجر جدا کرد و برگشت کار (= ۵۱۵ب) **۱۷**- **ق**: ندانم نهانی **۱۸**- **ل**[2]: برادرت **۱۹**- **لن، ق، لی، پ**: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۰**- **ق**[2] (و نیز **ل**[3]): آشکارا بباید؛ **لی، آ**: آشکارات باید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]) **۲۱**- **ل**: به خیره گنه کرده مرد؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۲۲**- **لن، پ**: شاهی؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۲۳**- **پ**: بگیتی همی؛ **و**: کشد بی گنه **٢٤**- **ل، لن، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) خیره خیر؛ متن= **ف، ق**[2]، **ل**[2] **۲۵**- **ف، آ**: ازان؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۲۶**- **لی**: تاجدار **۲۷**- **لن، لی، پ، ل**[2]: از تن؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۸**- **ل**[2]: وزان پس ندادی بجان زینهار (= ۵۱۱ب)؛ در **س، لن، ق**[2]- **ب** (و نیز **لن**[2]) این بیت پس از بیت ۵۱۰ آمده است (← پ۱۳) **۲۹**- **ل**: و بقیر؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۳۰**- **س، ق**[2]، **لی، ب**: جهاندار؛ **و**: جهانجوی؛ **آ**: فریدون؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ل**[2] **۳۱**- **ل، ق، ق**[2]: بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۲**- **ق**: اینك، **ب**: کانت **۳۳**- **و**: آن سر بی نیاز؛ **ل**[2]؛ سرای نیاز؛ **ب**: سران بناز؛ متن= نه دستنویس دیگر **٣٤**- **ل، پ، و، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): سایه گستر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، لن، ق**[2]، **لی، آ، ل**[2] **۳۵**- **لی**: بپای؛ **پ، و**: کیانی؛ متن= هشت دستنویس دیگر

برفتند باز آن[۱] دو بیداد شوم   یکی سوی چین و[۲] یکی سوی روم
فریدون نهاده دو دیده به راه   سپاه و کلاه آرزومند شاه
چو هنگام برگشتن شاه بود   پدر زان سُخُن خود کی آگاه بود
همی شاه را تخت پیروزه[۳] ساخت   همی[۴] تاج را گوهر اندرنشاخت[۵]
پذیره شدن را بیاراستند[۶]   می[۷] و رود و رامشگران خواستند[۸]
تبیره ببردند و پیل از درش[۹]   ببستند آذین[۱۰] همه[۱۱] کشورش
بدین[۱۲] اندرون بود شاه و سپاه   یکی[۱۳] گرد تیره برآمد ز راه
هیونی برون آمد از تیره گرد[۱۴]   نشسته برو سوگواری[۱۵] بدرد
خروشی بزار و دلی سوگوار[۱۶]   یکی زر[۱۷] تابوتش اندر کنار
به تابوت زر اندرون پرنیان   نهاده سر ایرج اندر میان[۱۸]
ابا ناله و آه و با روی زرد   به پیش فریدون شد[۱۹] آن شوخ مرد[۲۰]
ز تابوت زر تخته[۲۱] برداشتند   که گفتار او خیره[۲۲] پنداشتند
ز تابوت چون[۲۳] پرنیان برکشید[۲۴]   سر ایرج آمد بریده پدید[۲۵]
بیفتاد ز[۲۶] اسپ آفریدون به خاک   سپه سربسر جامه کردند چاک[۲۷]
سیه شد رخان[۲۸] ، دیدگان شد سپید[۲۹]   که دیدن دگرگونه بود از امید[۳۰]
چو خسرو بران[۳۱] گونه آمد ز راه   چُنین بازگشت از پذیره سپاه[۳۲] :
دریده درفش و نگون کرده[۳۳] کوس   رخ نامداران به رنگ[۳۴] آبنوس
تبیره سیه کرده و روی پیل[۳۵]   پراگنده بر تازی اسپانش نیل

۱- **ف، لن، پ، ل[۲]، ب**: چو گشتند بازان (در **ف، لن** حرف یکم واژهٔ سوم نقطه ندارد)؛ **س**: چو گشتند یاد آن؛ **ق[۲]**: چو گشتند شادان؛ **آ**: چو گشتند تازان؛ (**ل[۳]، لن[۲]**: چو رفتند تازان)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ل، لی، و** (در **ل** حرف یکم واژهٔ دوم نقطه ندارد)   **۲- ف**: سوی توران؛ **ل**: سوی ترك و؛ **س، ق[۲]، پ، ل[۲]**: سوی چین شد؛ متن= **لن، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **ف، آ** در اینجا و **پ، و** چند بیت پایین تر سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر آگهی یافتن افریدون از کشتن تور و سلم ایرج را و زاری بر وی؛ **پ**: آگاهی یافتن فریدون از کشته شدن ایرج؛ **و**: آگاه شدن فریدون از کشته شدن ایرج؛ **آ**: اوردن سر ایرج پیش افریدون؛ **ل، لن، ق، ق[۲]، لی، ل[۲]، ب** سرنویس ندارند   **۳- لی**: فیروزه   **٤- ل[۲]**: همان   **۵- و** (و نیز **ل[۳]**): همی زر به پیروزه اندر نشاخت؛ **ب**: شد ان سایه گستر نیازی درخت (= ۵۱۸ب)؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ف** پس از این بیت و **آ** پس از بیت سپسین بیت زیر را افزوده‌اند:

به دیبا بیاراست گاه شهی   به گوهر کیانی کلاه مهی

٦- **ف**: بیاراستش؛ **ق**: براراستند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   **۷- و**: همی   **۸- ف**: خواستش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   **۹- س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب**: برش؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ**   **۱۰- ق، و** (و نیز **لن[۲]**): آیین؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]**)   **۱۱- ل، ق**: بهر؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   **۱۲- ل**: برین   **۱۳- لی**: که یك   **١٤- ل[۲]**: هیونی بر آمد ازین تیره گرد؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر   **۱۵- لن، لی، پ، ل[۲]**: بدو سوگواری؛ **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): برو بر سواری؛ متن= **ف، ل، س، ق، آ، ب**   **١٦- ل**: خروشی بر اورد دل سوگوار؛ **لن، لی، پ**: خروشی پر امد از آن سوگوار؛ **ق[۲]**: خروشان بزار و دلی سوگوار؛ **آ**: خروشان پر از درد و دل سوگوار؛ **ل[۲]**: خروشی نزار و دلی سوگوار؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، و، ب**   **۱۷- لی**: زرد   **۱۸- لی**: به پیش فریدون شد آن شوخ مرد (در **لی** ۵۲۸ب و ۵۲۹آ را انداخته و از ۵۲۸آ و ۵۲۹ب یك بیت ساخته است)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   **۱۹- ق[۲]**: < شد > (وزن نا درست است)   **۲۰- پ**: نیك مرد؛ **لی**: ۵۲۸آ + ۵۲۹ب (← پ ۱۷)   **۲۱- س**: پرده   **۲۲- ل**: خوار؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **لی** این بیت را دو بار نوشته است   **۲۳- ف**: یکی سنگ دل؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]**)   **۲٤- لی**: پرنیان کشید (وزن نادرست است)   **۲۵- س، ق[۲]، لی، آ، ب**: بریده سر ایرج آمد پدید؛ **و**: سر ایرج آمد از انجا پدید: متن= **ف، ل، ق، پ، ل[۲]**   **۲٦- و، ل[۲]، ب**: از؛ متن= نه دستنویس دیگر   **۲۷- و**: جامه را کرد چاك   **۲۸- ل، ق، ق[۲]، لی**: سیه شد رخ و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   **۲۹- لی، پ، و، ب**: سفید   **۳۰- ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بودش امید؛ متن= نه دستنویس دیگر   **۳۱- س**: ازان؛ **لن**: بدین؛ **پ**: برین؛ **و، ل[۲]**: بدان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر   **۳۲- آ**: جزین بازگشتند از ره سپاس(پساوند ندارد)   **۳۳- ل، س، ق[۲]، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): نگونسار؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   **۳٤- لن، پ**: شده   **۳۵- ل[۲]**: تبیره سیه کرده رویان پیل

پیاده سپهبد، پیاده سپاه، ... پر از خاک سر، برگرفتند راه
خروشیدن پهلَوانان به درد ... کَنان گوشت شاهان بران زادمرد[1]

برین[2] گونه گردد[3] به ما بر سپهر[4] ... بخواهد[5] ربودن چو بنمود چهر
مبر خود به مهر زمانه[6] گُمان ... نه[7] نیکو بود راستی در کمان[8]
چو دشمنش گیری نُمایدت مهر[9] ... وگر[10] دوست خوانی نبینیش چهر[11]
یکی پند گویم ترا من درست ... دل از مهر گیتی ببایدت شست[12]

سپه داغ دل، شاه با هوی هوی[13] ... سوی باغ ایرج نِهادند روی
به روزی کجا بار شاهان[14] بُدی ... وُرا[15] پیشتر جشنگاه آن[16] بُدی
فریدون سر شاه پور جوان[17] ... بیامد به بر بر گرفته[18] نوان
بدان[19] تخت شاهنشهی بنگرید ... سر شاه را نَز در تاج[20] دید
سر[21] حوض شاهان[22] و سرو سهی ... درخت گل افشان و بید[23] و[24] بهی
تَهی دید[25] از[26] آزادگان جشنگاه ... به کیوان برآورده[27] گرد سیاه[28]
همی سوخت باغ[29] و همی خست روی[30] ... همی ریخت اشک[31] و همی کند موی[32]
میان را به زنّار خونین ببست ... فگند آتش اندر سرای نشست[33]
گلستانش[34] برکند و سروان بسوخت ... بیکبارگی چشم شادی بدوخت
نِهاده سر ایرج اندر کنار ... سر خویش کرده سوی[35] کردگار
همی گفت کای[36] داور دادگر ... بدین بی گنه کشته[37] اندر نگر

۱- **ف**: کنان موی شاهان بران زادمرد؛ **ل**: کنان گوشت تن را بران رادمرد؛ **س، و، ل[2]، ب**: کنان گوشت بازو بران زادمرد (**ل[2]**: بدان دادمرد)؛ **لن، لی، پ**: کنان گوشت از بازوی (**لی**: بازو آزاده؛ **پ**: بازو آزاد) مرد؛ **ق**: کنان گوش شاهان ز آوای سرد؛ (**ل[3]، لن[2]**: کنان گوشت شاهان بران راد (**ل[3]**: داد) مرد)؛ **ق[2]** این بیت را ندارد ۲- **ق، لی**: بدین؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **ل[2]**: کرد (وزن نا درست است) ٤- **ل، ق**: همی این سپهر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **و**: نخواهد؛ در **س، لی، پ، آ، ل[2]، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیابی بیت های متن= **ف، ل، لن، ق، و** (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ٦- **و**: بمهر از زمانه؛ **ق[2]** این بیت راندارد ۷- **ل[2]**: که ۸- **ل**: نجوید کسی اشتی در کمان؛ نجوید کسی راستی از کمان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**)؛ در **س، لی، پ، آ، ل[2]، ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۹- **ق، ل[2]**: چهر؛ **ف، ق[2]** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- **آ**: ورش ۱۱- **ق**: مهر ۱۲- **ف** این بیت را ندارد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۳- **ف، ل، لن**: های هوی؛ **س، لی، پ، آ، ل[2]، ب** (و نیز **لن[2]**): های و هوی؛ متن= **ق، ق[2]، و** ١٤- **ل- ق[2]، پ- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): جشن شاهان؛ **لی**: بپادشاهان؛ متن= **ف** ۱۵- **ل، لن، پ** (و نیز **لن[2]**): وزان؛ **ق**: ازان؛ **لی**: کجا؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]**) ١٦- **ل**: بزمگاهان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۱۷- **س، ق[2]، لی، آ**: سر پادشاه جوان؛ **ل[2]**: سر تاجور را جوان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **ف، ل، ق[2]، ل[2]، ب**: به بر در گرفته؛ **س**: در آن جشن گه بر گرفته؛ متن= **لن، ق، لی، پ، و، آ** ۱۹- **ل، ق[2]، پ**: بران؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- **ق[2]**: سر شاه نه از در تاج؛ **لی**: سر شاه ایرج نه با تاج؛ **و**: سر شاه را از درگاه؛ **ب**: سر شاه را بر در تاج؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- **ل**: همان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۲۲- **لن، ق[2]، لی، پ**: شاهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- **آ**: بار ٢٤- **ل، ق[2]، آ**: <و>؛ در **ق** بجای بیت های ۵۴۶ و ۵۴۷ بیت زیر را افزوده‌اند:

همی کند و میراند از دیده خون ... همی گفت با داور رهنمون

۲۵- **ق**: گشت ٢٦- **لی**: ز ۲۷- **ق، پ، آ، ل[2]، ب**: بر آورد؛ متن= **ل، س، لن، ق[2]، لی** ۲۸- **ف، و** (و نیز **لن[2]**): سر شاه برگشته بی تن ز راه؛ **و** (و نیز **لن[2]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بنالید از آن نامور جشنگاه ... بکیوان براورد گرد سیاه

۲۹- **و**: کاخ ۳۰- **لن، پ، و**: کند موی؛ **ق**: کند روی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- **ف**: خون؛ **لن، پ، و** (و نیز **ل[3]**): آب؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۲- **لن، پ، و**: خست روی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۳- **ق[2]** این بیت را ندارد؛ در **و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **ق** این بیت را در کناره به این ریخت نیز افزوده‌اند:

بزنار خونین ببستش میان ... فگند آتش اندر همه خان و مان

۳٤- **ب**: گلستان؛ **ق[2]** این بیت را ندارد؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۵- **ل**: سر خویشتن کرد زی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۳٦- **ف**: ابا؛ **ق، ل[2]**: ای؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]**) ۳۷- **و**: خسته

به خنجر سرش خسته[۱] در پیش من — تنش خورده شیران آن انجمن
دل هر دو بیداد[۲] از آنسان[۳] بسوز — که هرگز[۴] نبینند جز تیره‌روز
به داغی[۵] جگرشان کنی آزده[۶] — که بخشایش آرد بریشان[۷] دده
همی خواهم ای[۸] روشن کردگار — که چندان زمان[۹] یابم از روزگار
که از تخم ایرج یکی نامور — ببینم برین کینه بسته[۱۰] کمر
چو دیدم چُنین، زان سپس[۱۱] شایدم — کجا[۱۲] خاك بالا بپیمایدم

برین[۱۳] گونه بگریست چندان بزار[۱۴] — همی[۱۵] تا گیا رُستش[۱۶] اندر کنار
زمین بستر و خاك بالین اوی[۱۷] — شده تیره روشن[۱۸] جهان بین اوی[۱۹]
در بار بسته، گشاده زبان — همی گفت: زار ای نَبَرده جوان[۲۰]
کس از تاجداران بدینسان[۲۱] نمرد — که تو مردی[۲۲] ای نامبُردار گُرد
سرت[۲۳] را بریده بزار اَهرمَن — تنت[۲۴] را شده کام شیران کفن
خروشی[۲۵] مُغانی[۲۶] و چشمی[۲۷] پر آب — ز هر دام و دد برده آرام و خواب
سراسر همه کشورش مرد و زن — بهر جای کرده یکی انجمن[۲۸]
همه دیده پر آب و دل پر ز خون — نشسته به تیمار مرگ[۲۹] اندرون
همه جامه کرده کبود و سیاه — نشسته به[۳۰] انبوه[۳۱] با[۳۲] سوگ[۳۳] شاه
چه مایه چُنین[۳۴] روز بگذاشتند — همی[۳۵] زندگی مرگ پنداشتند

۱- ل، ق: کنده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- ف: بدخواه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳- ف، لی: زانسان؛ متن= ده دستنویس دیگر ٤- ق: که هردو ۵- ف، ق، و، آ، ل[۲]: داغ؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ل، س، لن، لی، پ، ب ٦- پ: آژده (حرف دوم سه نقطه دارد) ۷- لن، ق، پ، آ، ل[۲]، ب: بدیشان؛ لی: بایشان؛ متن= ف، ل، س، و ۸- ل، ق، و: از؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- لی، پ، ل[۲] (و نیز ل[۳]): امان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- ف: ببینم برین کشته بسته؛ ل، ق: بباید برین (ق: بدین) کین ببندد؛ لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]: ببینم بدین (پ: ابر) کینه بسته؛ و: بباید ببندد برین کین؛ متن= س، آ، ب؛ س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو این بی گنه را بریدند سر — ببرد سر آن دو بیدادگر

۱۱- آ: سبب؛ ق: چو این دیده باشم همان ۱۲- ل: اگر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۳- لن، ق، لی، ل[۲]: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٤- ل[۲]: بگریست آن شاه زار ۱۵- ف: چنین؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ١٦- ق[۲]: تا که یارستش (← تاگیارستش) ۱۷- ل، س، آ، ل[۲]، ب: او ۱۸- ق[۲]: چشم ۱۹- ل، س، و، آ، ل[۲]، ب: او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای آن دو بیت زیر آمده است:

زمان تا زمان سر سوی آسمان — همی کرد و گفت ای خدای جهان
برفتند باز آن دو بیداد شوم — یکی سوی ترك و یکی سوی روم (= ۵۱۹)

۲۰- ل: همی گفت کای داور راستان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ۲۱- ق[۲]، پ: برین سان ۲۲- ل: که مردست این؛ ق[۲]، لی: که مردی تو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۳- ل: سرش؛ ق[۲] این بیت را ندارد؛ متن= ده‌دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ٢٤- ل: تنش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۵- لن- پ، آ، ل[۲]، ب: خروش؛ متن= ف، ل، س، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ٢٦- ل: بزاری؛ و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): بافغان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب: چشم؛ ق: دیده؛ متن= ف، ل، س، و، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲۸- آ این بیت را ندارد ۲۹- ل، ق: به تیمار و گرم؛ لن، پ، ل[۲]: به تیمار و درد؛ لی: به تیمار و سوگ؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق[۲]، و، ب (و نیز لن[۲]) ۳۰- س، لن، لی، ل[۲]: بر؛ ب: پر؛ ق[۲]، پ، آ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، و ۳۱- ل، س، لن، لی، و، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): اندوه؛ متن= ف، ق، ل[۲] ۳۲- ل: در؛ س، لن، ق، لی، ل[۲]، ب: بر؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳۳- ل[۲]: مرگ؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

سیه پوش گیتی همه مرد و زن — همان شاه فرزانه (ق: شاه بی دیده) و رای زن

٣٤- ق: برین؛ آ: بدین؛ ل[۲] این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- ل، لن، ق، پ، و (و نیز لن[۲]): همه؛ متن= ف، س، ق[۲]، لی، آ، ب (و نیز ل[۳])؛ در ب بیت ۵۷۱ یکبار هم پس از بیت ۵۶۹ آمده است

برآمد برین[۱] نیز یکچندگاه — شبستان ایرج نگه کرد شاه
یکی خوب چهره پرستنده[۲] دید — کجا نام او بود ماه‌آفرید
که ایرج برو[۳] مهر بسیار داشت — قضا را کنیزک ازو بار داشت
پریچهره را بچّه بُد درنهان — از آن شاد شد شهریار جهان[۴]
از آن خوبرخ[۵] شد دلش پر امید[۶] — به کین پسر داد دل را نُوید[۷]
چو هَنگامه‌ی زادن آمد پدید[۸] — یکی دختر آمد ز ماه‌آفرید
جهانی گرفتند پروردنش[۹] — برآمد به ناز و بزرگی[۱۰] تنش
مر آن ماه‌رخ[۱۱] را ز سر تا به پای — تو گفتی مگر ایرجستی بجای
چو برجست[۱۲] و آمدش هَنگام شوی — چو پروین شدش[۱۳] روی و[۱۴] چون قیر[۱۵] موی[۱۶]
نیا نام زد کرد شویش پشنگ — بدو داد و[۱۷] چندی برآمد درنگ[۱۸]
بدادش بدان[۱۹] نامبُردار شوی — چو[۲۰] یکچندگاهی برآمد بر اوی[۲۱]

گفتار اندر زادن منوچهر از مادر[۲۲]

یکی پور زاد آن هنرمند[۲۳] ماه[۲۴] — چگونه؟ سَزاوار تخت و کلاه[۲۵]

۱- لی: بدین؛ ل۲ این بیت را ندارد؛ س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲)پس از این بیت افزوده‌اند:
فریدون شبستان سراسر (لی: بریشان؛ پ: یکایك) بگشت — بران (لی: بدان) ماه رویان یکی (س، لی، پ، آ، ب: همی) برگذشت
س، ق۲، و: فریدون سراسر شبستان بگشت
این بیت در ف، ل، ق نیست ۲- ف: پسندیده؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۳- لی، پ: بدو ٤- ب این بیت را ندارد ۵- ق: خوبرو؛ ب این بیت را ندارد ٦- ل: پر نهیب؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۷- ل: به کین پسر بود دل نا شکیب؛ س، لی، آ: بنیکی بسی (س، آ: پسر) داد دل را نوید (لی: امید (لی پساوند ندارد))؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۸- پ، آ: چو هنگام زادن بیامد (پ: بر آمد) پدید؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:
شد امید کوتاه بسر شه دراز — بپروردش (لی: بپرورد) او را بشادی و ناز
این بیت در ف، ل، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲) نیست ۹- ق: جهانی گرفته بپروردنش ۱۰- ق۲: بناز و بزرگی بر آمد؛ ل۲: بر آمد بباز و بزرگی؛ و (و نیز ل۳، لن۲) پس از این بیت افزوده‌اند:
بدو بدنیا را همه آز و ناز — بمانده بدرد پسر در گداز
۱۱- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب: لاله رخ؛ ل۲: بران لاله رخ؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل۳، لن۲) ۱۲- و: پرورد ۱۳- و: بدش؛ آ: شده ۱٤- لی: <و> ۱۵- ل: مشك؛ متن= ف، س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲) ۱٦- لن: <موی>؛ ق: چو سروی شدش قد و خورشید روی ۱۷- لی، آ: <و>؛ متن ← ۱۸- ف: بدو داد دختر برآمد درنگ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲)؛ ف، ق پس از این بیت افزوده‌اند:
یکی مرد بود آن (ق: این) پشنگ دلیر — ز تخم فریدون یکی نرّه شیر
س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب بجای بیت بالا دو بیت زیر و و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲) تنها بیت دوم را افزوده‌اند:
پشنگ آنك (ق۲: آن؛ لی، پ، آ: آنکه) پور برادرش بود — نژاد از گرانمایه گوهرش بود
گوی بود از تخم (ل۲: که وی بود از نسل) جمشید شاه — سزاوار شاهی و تخت و کلاه
بنداری نیز دست کم بیت نخستین را داشته است: فزوّجها من ابن أخیه بَشنج؛ این دو بیت در ف، ل، ق نیست ۱۹- ق۲: بران؛ ل این بیت را ندارد ۲۰- لی: که ۲۱- لن، لی: بدوی؛ س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲) پس از این بیت بیتی افزوده‌اند که در لن، لی، پ، ل۲ لت های آن پس وپیش شده‌اند:
چو(پ: که)یکچند(ق۲: یکی چند)برگشت(لی،و،آ: بگذشت)چرخ کبود — بسر بر شگفتی نگر چون نمود
این بیت در ف، ل، ق نیست ۲۲- ف: گفتار اندر زادن منوچهر از مادر و آوردن پیش افریدون و باز یافتن افریدون چشمها؛ لن، ق۲: زادن منوچهر از مادر؛ ق: گفتار در مولود منوچهر شاه؛ س، لی: زادن منوچهر (س: شاه منوچهر) از مادر بفیروزی؛ پ: زادن منوچهر از مادرش که دختر ایرج بود و پسر فریدون؛ و: گفتار اندر زادن منوچهر شاه از مادر بفیروزی؛ آ: زاییدن منوچهر از مادر؛ ل۲: ولادت منوچهر شاه از مادر؛ ب: زادن منوچهر؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲۳- ل، ق: خردمند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲٤- س، پ: شاه ۲۵- لن، پ: سزاوار دیهیم و گاه

چُن[۱] از مادر مهربان[۲] شد جدا   سبک تاختندش بر پادشا[۳]
برنده بدو گفت[۴] کای[۵] تاجور   یکی شاد کن دل به[۶] ایرج نگر
جهان بخش را لب پر از خنده شد[۷]   تو گفتی[۸] مگر ایرجش زنده شد
گرفت[۹] آن گرانمایه را بر[۱۰] کنار   نیایش همی کرد با[۱۱] کردگار
همی گفت کین[۱۲] روز فرخنده باد   دل بدسگالان ما[۱۳] کنده باد
همان[۱۴] کز جهان آفرین کرد یاد   ببخشود[۱۵] و دیده بدو[۱۶] باز داد
فریدون چو روشن جهان را بدید   به چهر وی اندر[۱۷] سبک[۱۸] بنگرید
چُنین گفت کز پاك مام و پدر[۱۹]   یکی شاخ[۲۰] شایسته آمد به بر
مَی روشن آمد ز پُرمایه جام[۲۱]   مناچهره دارد[۲۲] منوچهر نام
چُنان پروریدش که باد هوا   برو[۲۳] برگذشتن[۲۴] ندیدی[۲۵] روا
پرستندهیی کهش به بر داشتی[۲۶]   زَمین را به پی[۲۷] هیچ نگذاشتی
به پای[۲۸] اندرش[۲۹] مُشك سارا بُدی   روان بر سرش چتر دیبا[۳۰] بُدی

چُنین[۳۱] تا برآمد برو[۳۲] سالیان   نیامدش ز اختر[۳۳] زمانی زیان

۱- ل- ب (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): چو؛ متن= **ف** **۲- ف، ل[۲]**: مادر آن مهربان؛ متن= ده دستنویس دیگر **۳- ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بنزد نیا؛ **پ**: سوی پادشا؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٤- ل**: بدو گفت موبد؛ **ق[۲]، پ**: برنده بدو گفت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۵- ف**: ایا؛ **ل**: کهای؛ **و، ل[۲]**: ای؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٦- پ**: بر؛ **لن**: یکی چشم بگشای و **۷- س، ق[۲]، آ، ل[۲]، ب**: گشت؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۸- ق[۲]**: گویی **۹- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): نهاد؛ متن= **ف** **۱۰- لی، پ**: در **۱۱- ق، و، آ**: بر؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزودهاند:

که ای کاشکی (**س، ب**: کاجکی) دیده بودی مرا   که یزدان رخ او نمودی مرا

این بیت در **ف، ل، ق، و، ل[۲]** (و نیز در **ل[۳]، لن[۲]**) نیست **۱۲- س، ق[۲]، لی، آ، ب**: بگفتا؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۳- و**: تو؛ در **س، ق[۲]، لی، آ، ب** این بیت پس از بیت ۵۸۸ آمده است؛ **ف** پس از بیت ۵۸۶ افزوده است:

ازین پیشتر دیدگان بر نکرد   بُدی چشم بر هم روان پر ز درد

۱٤- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ: ز بس؛ **ب**: ز پس؛ **ل[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]**) **۱۵- ق[۲]، لی**: ببخشید **۱٦- ق[۲]**: براو؛ **و**: ببخشودش ودیدگان **۱۷- س، لن، ق[۲]- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بچهر نو آمد؛ متن= **ف، ل، ق** **۱۸- ل**: یکی؛ **ق**: نکو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ در برخی ازدستنویس ها بیت های میان ۵۸۵ تا ۵۹۱ در هم ریختهاند، **س، ق[۲]، لی، آ، ب**: ۵۸۵، ۵۸۵پ، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸٦، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱؛ **ل[۲]**: ۵۸۵- ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱ **۱۹- و**: کز مام پاك و پدر **۲۰- و**: چو فرزند **۲۱- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ**: می روشن آورد و (**لی، آ**: < و>)پر مایه جام؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]، ب** **۲۲- ل**: مران چهره دارد؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: مرو را نهادش (**پ**: نهاده)؛ **ق**: پریچهره دارد؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): منوچهر دارد؛ متن= **ف** (و نیز **ل[۳]**)؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

جهان آفرین را ستایش گرفت   بداد و بنیکی فزایش گرفت
پس آنگه بگفتش که ای کردگار   چو دادی ز ایرج مرا یادگار
یقین دانم ای کردگار جهان   کزین پس بگردد بسی سالیان
بدین کودك آرام فرخنده کن   دل بد سگالان ماکنده کن

۲۳- لی: بدو **۲٤- ل، ق[۲]**: بر گذشتی؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۵- ل، ق[۲]**: نبودی؛ **و**: نکردی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲٦- ل[۲]**: پرستنده کیتی برداشتی (!) **۲۷- ق[۲]، لی**: زمی (**لی**: زمین) را پی او؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۸- ل**: بپا؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۹- ق[۲]**: اندرو؛ **لی، ل[۲]**: اندرون؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۰- و**: روان از برش چتر و دیبا؛ **ل[۲]**: روان بر سر خز و دیبا **۳۱- ل[۲]**: همین **۳۲- س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]**: برین؛ **لی**: بدین؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب** **۳۳- ق، پ، آ، ل[۲]**: نیامد ز اختر (**ق**: اخترش)؛ **ق[۲]، لی**: ز اختر نیامد؛ **و**: ز اخترش نامه؛ متن= **ف، ل، س، لن، ب**

هنرها که بُد پادشا را بکار[1]	بیاموختش نامور شهریار
چو چشم و[2] دل پادشا باز شد	سپه[3] نیز با او[4] هم آواز شد
نیا تخت زرّین[5] و گرز گران	بدو داد و[6] پیروزه[7] تاج سران[8]
کلید در گنج های کُهُن[9]	بدو داد جمله ز سر تا به بُن[10]
سراپردهٔ دیبه از رنگ رنگ[11]	بدوی[12] اندرون خیمه های پلنگ
چه[13] اسپان تازی به زرّین ستام	چه[13] شمشیر هندی به زرّین نیام
چه[14] از جوشن و ترگ و رومی زره	گشادند مر بندها را گره
کمان های چاچی و تیر خدنگ	سپرهای چینی و ژوپین جنگ
برین[15] گونه آراسته گنج ها	کَشیده به گِرد اندرون رنج ها[16]
سراسر سَزای منوچهر دید	دل خویش را زو[17] پُر از مهر دید
کلید در گنج آراسته	به گنجور او داد و آن خواسته[18]
همه پَهلوانان[19] لَشکرش را	همان[20] نامداران کشورش را
بفرمود تا پیش اوی[21] آمدند	همه با دل[22] کینه‌جوی[23] آمدند
زَبَرجد به تاجش برافشاندند	به شاهی برو آفرین خواندند
چو جشنی بُد این روزگار بزرگ[24]	شده در جهان میش پیدا ز گرگ[25]
سپهدار چون قارن کاویان[26]	سپه کَش چو شیروی[27] و[28] چون اندیان[29]
چو شد ساخته کار[30] لَشکر همه	برآمد سر[31] شهریار از رمه[32]

۱- ل: هنرها که آید شهان را بکار؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲- ق، و: < و > ۳- لن، لی، پ، ل۲: جهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴- ق: وی ۵- ل۲: شاهی ۶- ق۲، آ: <و> ۷- ل۲: پیرانه ۸- س، آ، ب: کیان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- س، ق۲، و، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲): گنج های گهر؛ لن، لی، پ، ل۲: گنج (ل۲: گنج و) زرّ و گهر؛ متن= ف، ل، ق ۱۰- س، ق۲، لی، آ، ب: همان تخت و دیهیم و تیغ (لی: تاج) و کمر؛ لن، پ: همان تخت و طوق و کلاه و کمر؛ و، ل۲: کلید در گنج طوق (ل۲: تاج) و کمر؛ متن= ف، ل، ق ۱۱- ل: سراپردهٔ دیبهٔ هفت رنگ؛ لن، پ، و: سراپرده از دیبهٔ رنگ رنگ؛ ب (و نیز ل۳): سراپردهٔ دیبهٔ رنگ رنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۱۲- ل- ب: بدو؛ متن= ف ۱۳- ق۲، ل۲: چو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۱۴- ق (و نیز لن۲): چو؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۱۵- س، لن، لی، و، آ، ل۲، ب: بدین؛ متن= ف، ل، ق، ق۲، پ ۱۶- ل، ق، و: که بودش (ق، و: کشیده) بگرد آمده (و: آمدن) رنج ها؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: بگرد آمده بر (پ: در) بسی رنج ها؛ (ل۳، لن۲: کشیده بگرد آمد از (لن۲: < از>) رنج ها)؛ متن= ف ۱۷- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: دل خویشتن زو؛ ق، و این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل (و نیز ل۳) ۱۸- ل، س، ق، ق۲، و، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲): داد با (ق۲، و: نا) خواسته؛ متن= ف، لن، لی، پ، ل۲ ۱۹- آ: پهلوان (وزن نا درست است) ۲۰- ل، س، لن، ق۲- آ، ب (و نیز ل۳، لن۲): همه؛ متن= ف، ق، ل۲ ۲۱- ل- ق۲، پ، آ، ل۲: او؛ متن= ف، س، لی، و، ب ۲۲- ل، س، لن، ق۲- آ، ب (و نیز لن۲): دلی؛ متن= ف، ق، ل۲ (و نیز ل۳) ۲۳- ل، ق، ق۲، پ: کینه جو؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- س: نه جشنی بد این خود به روزی بزرگ؛ لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲): به جشنی (و: به جشن) نو آیین (لن: به آیین؛ پ، ل۲: بآیین) و روزی (و: روز) بزرگ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل ۲۵- پ: میش همراه گرگ؛ و: شده میش پیدا ز درنده گرگ ۲۶- س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲) کاوگان (و: کاوه گان)؛ متن= ف، ل، ق ۲۷- ق۲: شیران؛ آ: شیر (وزن نادرست است) ۲۸- ق، پ: < و> ۲۹- س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب (و نیز ل۳): آوگان؛ آ: یاوگان؛ پ: چو شیروی شیر افکنان؛ متن= ف، ل، ق؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۰- و: ساز ۳۱- ل۲: بر ۳۲- ل، و (و نیز ل۳، لن۲): شهریار رمه؛ لی: شهریاران رمه؛ ل۲: شهریار از دمه؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند: لن: پیغام سلم و تور بنزد فریدون؛ ق (سه بیت پایین تر): رسول فرستادن سلم و تور بعذر خواهی نزد فریدون؛ و، پ: آگاه شدن سلم و تور از منوچهر (و: منوچهر شاه)؛ ل۲: آگاهی سلم و تور از کار منوچهر

به سلم و به تور آمد این آگهی   که شد روشن آن تاج[۱] شاهنشهی
دل هر دو بیداد شد پر نِهیب[۲]   که اختر[۳] همی رفت سوی نِشیب
نشستند هر دو پُر[۴] اندیشگان   شده[۵] تیره روز جفاپیشگان
یکایک بران رایشان شد[۶] درست   کزان[۷] رویشان[۸] چاره بایست[۹] جُست
که سوی فِریدون فرستند کس   به پوزش، کجا چاره این بود و بس
بجستند از آن انجمن هردوان   یکی پاك دل مرد چیره‌زبان[۱۰]
بدان مرد با هوش و[۱۱] بارای و سنگ[۱۲]   بگفتند با لابه و نام و ننگ[۱۳]
در گنج خاور گشادند باز   بدیدند[۱۴] هول[۱۵] نِشیب از[۱۶] فراز
ز گنج کَهُن[۱۷] تاج زر خواستند   همه[۱۸] پشت پیلان بیاراستند
به گردون ها بر چه[۱۹] مشك و عبیر   چه[۲۰] دینار و دیبا[۲۱] و خزّ و حریر
[ابا پیل گردون کش و[۲۲] رنگ و بوی[۲۳]   ز خاور به ایران نِهادند روی]
[هر آنکس که بُد بر درِ شهریار   یکایك[۲۴] فرستادشان[۲۵] یادگار[۲۶]]
چو پردخته شدشان[۲۷] دل از خواسته   فرستاده آمد برآراسته
چو دادند[۲۸] نزد فِریدون پیام   نُخُست از جهاندار بردند نام
که جاوید باد آفْریدون گُرد   که فرّ کیی[۲۹] ایزد[۳۰] او را سپرد
سرش سبز باد و تنش ارجمند[۳۱]   منش برگذشته ز چرخ بلند[۳۲]

۱- ل، لن، ق، پ، و (و نیز ل۳، لن۲): تخت؛ متن= ف، س، ق۲، لی، آ، ل۲، ب؛ ل- ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آگه شدند آن(ل۲: این) دو بیدادگر   ز حال منوچهر و کار (لن، پ: گاه؛ ق۲، لی: حال) پدر

این بیت در ف (و نیز در ل۳، لن۲) نیست ۲- ل، ق: دل هردو بیدادگر پر نهیب؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳- ل۲: که آخر ٤- ل، ق: در؛ و (و نیز ل۳، لن۲): به؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ف، پ، آ، ب: پر؛ س، ق۲، لی، ل۲: بر) ۵- س: شب؛ ل۲: که شد ٦- س: بران رای شدشان؛ ق، لی: بدان رایشان شد؛ ق۲: بدایشان همه شد؛ آ: برین رایشان شد؛ ل۲: مر ایشان همی شد؛ متن= ف، ل، لن، پ، و، ب ۷- لن، پ: کزین ۸- ق: دردشان؛ و: روی ۹- و: نبایست ۱۰- آ: روشن روان ۱۱- ق، ب: <و> ؛ پ، ل۲: با رای و و: بافر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- ل، س، لن، ق۲، لی، آ، ب: با رای و شرم؛ ق: هشیار رای؛ پ، ل۲: با هوش و شرم؛ و: با هوش و سنگ؛ متن= ف ۱۳- ل، س، لن، ق۲، پ، آ، ب: بگفتند با لابه بسیار گرم؛ ق: بگفتند با لابه و دلگشای؛ لی: سخنها بگفتند بسیار گرم؛ و (و نیز ل۳، لن۲): بگفتند هم ز آشتی هم ز جنگ؛ ل۲: بگفتند نالان به بسیار گرم؛ متن= ف ١٤- پ: چو دیدند ۱۵- آ: هول از ۱٦- ف، س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲): نشیب و؛ متن= ل، ق ۱۷- ل- لی، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): گهر؛ متن= ف، پ، و (و نیز لن۲) ۱۸- و: همی ۱۹- ل، ق (و نیز ل۳): چو؛ ف: چه زرّین طبق های؛ متن= نه‌دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۲۰- ل، ق، ق۲: چو؛ و: از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل- لی، و، آ، ب: دیبا و دینار؛ متن= ف، پ، ل۲ ۲۲- ل، ق: گردنکش و؛ س: ابا پیل و با گنج و با؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- آ: سرخ موی ٢٤-ل: ز هر یك؛ ق: بهر کس؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۵- ق: فرستاده بد ۲٦- س: شهریار (پساوند ندارد) ۲۷- لن، لی، و (و نیز ل۳، لن۲): پردخته شان شد؛ ق۲: پرداخته شد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگهی یافتن سلم و تور از زادن منوچهر و فرستادن پیغام بنزدیك پدر و پوزش خواستن؛ س: پیغام سلم و تور به نزد فریدون و پوزش خواستن؛ ق۲: نامه سلم و تور بنزد پدر و پوزش خواستن از کار ایرج؛ لی، آ: پیغام فرستادن سلم و تور بفریدون (آ: نزد فریدون)؛ پ: نامه سلم و تور بنزدیك فریدون؛ ب: پیغام سلم و تور نزد فریدون ۲۸- ل، ق، پ: بدادند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۹- ل، ق: همه فرهی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- ق۲: گیتی ۳۱- و: دلش ارجمند؛ پ: سرش سبز باد از تن ارجمند؛ ق۲ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- آ: ز چرخ بلندش مبادا گزند؛ در برخی از دستنویس ها بیت های میان ۶۲۷- ۶۳۴ در هم ریخته‌اند: ل: ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴ (۶۳۰ و ۶۳۱ را ندارد)؛ س: ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۲۹، ۶۳۴؛ لن، ق۲، لی، پ، آ: ۶۲۷ (ق۲ ۶۲۷ را ندارد)، ۶۳۰، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴؛ ب: ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۲۹، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴؛ پیایی بیت های متن= ف، ق، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲)

بگو کان[۱] دو[۲] بدخواه بیدادگر — پر از آب دیده ز شرم پدر
پشیمان شده، داغ دل، پُر گناه، — همی سوی پوزش نیابند[۳] راه
پیامی گزارم[۴] ز هر دو رهی — بدین[۵] بُرزدرگاه شاهنشهی[۶]
ازیرا که خود چشم[۷] ایشان[۸] نبود — که گفتارشان کس بیارد[۹] شُنود
چه گفتند دانندگان خرد[۱۰] — که هر کس[۱۱] که بد کرد کیفر برد
بماند[۱۲] به تیمار[۱۳] ، دل پر ز درد[۱۴] ، — چو ما ماندهایم[۱۵] ، ای[۱۶] شه زادمرد[۱۷]
نبشته[۱۸] چُنین بودمان از بُوش[۱۹] — به رسم بُوش[۲۰] اندرآمد[۲۱] روش
هِزبر[۲۲] جهان سوز و[۲۳] نر اژدَها — ز دام[۲۴] قضا هم نیابد رها
وُ دیگر که بی باك و ناپاك[۲۵] دیو — ببرّد ز دل[۲۶] ترس[۲۷] گیهان خدیو
به ما بر چُنان[۲۸] چیره[۲۹] شد رای اوی[۳۰] — که مغز دو فرزانه شد[۳۱] جای اوی[۳۲]
همی[۳۳] چشم داریم از آن تاجور[۳۴] — که بخشایش آرد به ما بر مگر
اگر چه بزرگست ما را گناه — به بی دانشی برنهد پیشگاه
وُ دیگر بهانه[۳۵] سپهر بلند — که گاهی پناهست و[۳۶] گاهی گزند
سیم[۳۷] : دیو کاندر میان چون نَوند — میان بسته دارد ز بهر گزند
اگر پادشا را سر از کین ما — شود[۳۸] پاك[۳۹] ، روشن شود دین ما
منوچهر را با سپاهی[۴۰] گران — فرستد بنزدیك خواهشگران
بدان تا چو بنده به[۴۱] پیشش بپای — بباشیم جاوید[۴۲] ، اینست رای

۱- **ل- پ، آ، ل۲، ب**: بدان کان؛ **و**: بگو آن؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳**)   ۲- **لن**: < دو>   ۳- **ل، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): نماینده، **س، لن، ق۲، ل۲، ب**: بجویند؛ متن= **ف، ق، لی، پ**   ٤- **ف**: گذارم؛ **ق**: رسانم؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**)   ۵- **ق**: برین   ٦- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: بر آیین (**لی**: بایین) درگاه شاهنشنی؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): بدین برز درگاه با فرهی؛ متن= **ف، ق، پ** (**ق**: برین)؛ در **س، لن، لی، پ، آ، ب** این بیت پس از بیت ۶۲۷ و در **ق۲** بجای بیت ۶۲۷ آمده است (← ۶۲۷پ)   ۷- **س، لن، ق۲، لی، آ**: ازیرا کجا چشم؛ **ق**: مگر شرم در چهر؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، پ، و، ل۲، ب**   ۸- **س**: ایران   ۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: تواند؛ **ق**: نیارد؛ **و**: که گفتار ایشان نشاید؛ متن= **ف**؛ در **ب** این بیت و بیت ۶۳۰ پس از بیت ۶۲۷ آمدهاند (← ۶۲۷پ)   ۱۰- **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): چه گفتند گفتند کای (**ل۲**: ای) پرخرد؛ متن= **ف، ل، ق، پ**   ۱۱- **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): هر آنکس که؛ متن= **ف، ل، ق، پ**   ۱۲- **لی**: نماند   ۱۳- **ل، س، پ، ل۲، ب**: به تیمار و؛ **ق**: ز تیمار؛ متن= **ف، لن، ق۲، لی، و، آ**   ١٤- **آ**: پر ز در (!)   ۱۵- **و**: چوماندیم ما   ١٦- **ق**: از   ۱۷- **ل، لن، ق، لی، پ**: رادمرد؛ **آ**: دادگر؛ **س، ق۲**: چو ما ماندهای شاه آزاد مرد؛ متن= **ف، ل۲، ب**   ۱۸- **ل، ق۲، پ، و، ب**: نوشته؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند؛ متن= **ف، س، لن، لی، آ، ل۲** (و نیز **ل۳**)   ۱۹- **ف**: بودشان از بوش؛ **آ**: بود ما را روش؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۰- **ق۲**، نوش   ۲۱- **ق۲، و، ل۲**: آید؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۲- **لی**: هژبر   ۲۳- **س، لن، ق۲، ب**: < و>   ٢٤- **ق۲، لی**: چنگ   ۲۵- **ل، ق، پ**: و دیگر که فرمان ناپاك (**پ**: بی باك)؛ **س، لن، ق۲، آ، ل۲، ب**: و دیگر که (**لن**: وگر آنك) ناپاك بی باك؛ **لی، و**: و دیگر که بی باك ناپاك؛ متن= **ف، لی، و** (**لی، و**: < و>)   ٢٦- **ل، پ**: ببرّد دل از؛ **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: بریده (**ل۲**: برنـده) دل از؛ **ق۲**: ببرد از دلم؛ **و** (و نیز **ل۳**): ببرد این دل از؛ متن= **ف**   ۲۷- **لی، و**: راه؛ **پ**: بیم؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۸- **ل، ق، ق۲، لی، پ، و**: چنین؛ متن= **ف، س، لن، آ، ل۲، ب**   ۲۹- **ل، س، لن، ق**: حیره (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق۲**: تیره؛ **لی، پ، و، آ، ل۲**: خیره؛ متن= **ف، ب**   ۳۰- **ف، س، ق۲، لی، و- ب**: او؛ **ل، ق**: بد؛ متن= **لن، پ**   ۳۱- **ل، ق۲، لی، و**: دو فرزند شد؛ **لن**: دو فرزند شه؛ متن= **ف، س، ق، پ، آ، ل۲، ب**   ۳۲- **ف، س، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: جای او؛ **ل، ق**: جای بد؛ **لن**: جایجوی؛ متن= **پ، و**   ۳۳- **لی**: همان   ٣٤- **لی**: نامور   ۳۵- **ق**: شناسد همی زین؛ **آ**: دگر آنکه گردان   ٣٦- **لی، ب**: < و>؛ **آ**: پناهست گاهی و؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۳۷- **ل، لی، و، آ، ب** (و نیز **لن۲**): سیوم؛ **س، ق۲** (و نیز **ل۳**): سوم؛ **لن**: همان؛ **ف** ناخواناست (سوم؟ سیوم؟ سیم؟)؛ **ق، ل۲** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزودهاند؛ متن= **پ**   ۳۸- **ق۲**: کند   ۳۹- **ل، پ**: پاك و؛ متن= ده دستنویس دیگر   ٤٠- **ق**: سپاه؛ **ل۲** این بیت را ندارد   ٤١- **ب**: ز   ٤٢- **ل، ق، ق۲، ب**: جاوید و؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر

مگر کان[۱] درختی که از[۲] کین بُرست   به آب دو دیده توانیم شست
بپوییم تا آب و رنجش[۳] دهیم   چو تازه شود[۴] تاج[۵] و گنجش دهیم

فرستاده آمد دلی پُر سَخُن   سَخُن را نه سر بود[۶] پیدا نه بُن
ابا پیل و با گنج و با خواسته   به درگاه شاه آمد آراسته[۷]
به شاه آفْرِیدون[۸] رسید آگهی   بفرمود تا تخت[۹] شاهنشهی
به دیبای چینی[۱۰] بیاراستند   کلاه کَیانی بپیراستند
نشست از بر تختِ پیروزه[۱۱] شاه   چو سرو سهی بر سرش[۱۲] گرد ماه[۱۳]
ابا تاج و با طوق و با گوشوار   چُنان چون بود درخور شهریار[۱۴]
خجسته منوچهر بر دست شاه   نشسته، نِهاده به سر بر کلاه[۱۵]
دو رویه بزرگان کشیده رده[۱۶]   سراپای یکسر به زر آزده[۱۷]
به زرّین عُمود و به زرّین سپر[۱۸]   زَمین کرده خورشیدگون سربسر
به درگاه ایوان[۱۹] کشیده رده[۲۰]   به طوق و به زنجیر زرّین دده[۲۱]
بیك دست بربسته شیر و پلنگ   بدست دگر زَنده‌پیلان جنگ[۲۲]

برون آمد از کاخ[۲۳] شاپور گُرد   فرستاده‌ی سلم[۲۴] را پیش بُرد
فرستاده چون دید درگاه شاه   پیاده دوان اندرآمد ز راه[۲۵]
چو نزدیك شاه آفْریدون[۲۶] رسید   سرِ تخت و تاج[۲۷] بلندش بدید
ز بالا فرو برد سر[۲۸] پیش اوی[۲۹]   همی بر زمین بر بمالید روی

۱- **ف**: آن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **۲- ل، ق، و، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): کزین؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳- ل، پ**: آب و رنجش؛ **ق**[۲]: بپوییم و تا رنج آبش؛ (**لن**[۲]: آب و رنگش)؛ **ق، و** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٤- آ**: چو پرورده شد **٥- ل**[۲]: آب **٦- س- ق**[۲]**، پ، و، آ، ب**: دید؛ متن= **ف، ل، لی، ل**[۲] **۷- ل** پس از این بیت افزوده است:

چو آمد فرستاده زی بارگاه   شدند آگه از نامدار سپاه

۸- ل (و نیز **ل**[۳]): بشاه فریدون؛ **پ**: چو نزد فریدون؛ متن= ده دستنویس دیگر **۹- س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ب**: تا کاخ؛ **ل**[۲]: با کاخ؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** **۱۰- ل، ق، پ**: رومی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۱- ل**: پیروز؛ **لی**: فیروزه **۱۲- ل، ق**: از برش؛ متن= **ف، س، لن، لی- ب** **۱۳- ق**[۲]: نشسته نهاده به سر بر کلاه (**ق**[۲] ۶۵۱ب، ۶۵۲ و ۶۵۳آ را انداخته و از ۶۵۱آ و ۶۵۳ب یك بیت ساخته است) **١٤- ق**[۲]این بیت را ندارد؛ در **پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۱۵- لی، پ، ل**[۲]: نشسته بسر بر نهاده کلاه؛ در **پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **ق**[۲] ۶۵۱ب، ۶۵۲ و ۶۵۳آ را انداخته و از ۶۵۱آ و ۶۵۳ب یك بیت ساخته است **١٦- ل**[۲]: درویه (← دورویه) کشیده بزرگان زده (← رده) **۱۷- لن، ق**[۲]**، لی، و، ل**[۲]: به طوق و به زنجیر زرین دده (= ۶۵۶ب)؛ **ق**: بزرگان سراسر بزر آزده؛ متن= **ف، ل، س، پ، آ، ب** (و نیز **ل**[۳])؛ در **ل، ق، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **لن، ق**[۲]**، لی، و** ۶۵۴ب و ۶۵۶آ را انداخته و از ۶۵۴آ و ۶۵۶ب یك بیت ساخته‌اند؛ **لن، ق**[۲]**، لی** بیت ۶۵۵ را هم انداخته‌اند **۱۸- ل، س، ق، پ، و، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): کمر؛ **لن، ق**[۲]**، لی** این بیت را ندارند؛ متن= **ف**؛ در **ل، ق، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۱۹- آ**: دو رویه غلامان؛ متن= **ف، س، ل**[۲]**،ب** (و نیز **ل**[۳]) **۲۰- ل**[۲]: زده؛ متن= **ف، س، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]) **۲۱- آ**: زده؛ **ل**[۲]**، ب**: سراپای یکسر به زر آزده (= ۶۵۴ب)؛ **ل، ق، پ** این بیت را ندارند؛ **لن، ق**[۲]**، لی،و** از ۶۵۴آ و ۶۵۶ب یك بیت ساخته‌اند (← پ۱۷)؛ متن= **ف، س** (و نیز **ل**[۳]) **۲۲- ق**: بیکسوی دیگر هزبران جنگ؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۳- ل**: برون شد ز درگاه؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **٢٤- ل**[۲]: شاه **۲۵- س، لن، ق**[۲]**، لی، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): براه؛ متن= **ف، ل، ق، پ، آ، ل**[۲] **٢٦- پ**: چو نزدیکی شه فریدون **۲۷- ل**: سر و تخت و تاج؛ **س، لی، آ، ل**[۲]: سر و تاج و تخت؛ **لن، ق**[۲]**، پ، ب** (و نیز **ل**[۳]): سر تاج و تخت؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن**[۲]) **۲۸- و**: فرو بود و در **۲۹- آ**: او (پساوند نادرست است)

گرانمایه شاه جهان کدخدای   به کرسیّ زرینش بر کرد جای[۱]
فرستاده بر شاه کرد آفرین   که ای نازش تاج و تخت[۲] و نگین
زَمین گلشن از پایه‌ی تخت[۳] تُست   هوا[۴] روشن از مایه‌ی بخت[۵] تُست
همه بنده‌ی[۶] خاك پای توییم   همه پاك زنده برای توییم
چو با آفرین[۷] شاه بگشاد چهر   فرستاده پیشش بگسترد مهر
پَیام دو خونی بگفتن گرفت   همه راستی ها نِهفتن گرفت[۸]
گشاده‌زبان مرد بسیارهوش   بدو داده شاه جهاندار گوش[۹]
ز کردار بد پوزش آراستن[۱۰]   منوچهر را نزد خود خواستن[۱۱]
میان بستن او را بسان رهی   سِپُردن بدو تاج و تخت مِهی[۱۲]
خریدن[۱۳] ازو باز خون پدر   به دیبا و دینار[۱۴] و تاج و کمر[۱۵]
فرستاده گفت و سپهبد شنید   مران بند[۱۶] را پاسخ آمد کلید[۱۷]

چو بشنید شاه جهان کدخدای   پَیام دو فرزند ناپاك رای[۱۸]
یکایك به مرد گرانمایه گفت   که خورشید را چون توانی نِهفت[۱۹]
نِهان[۲۰] دل آن دو مرد پلید   ز خورشید روشن تر آمد[۲۱] پدید
شنیدم[۲۲] همه هر چه[۲۳] گفتی سُخُن   نگه کن که پاسخ چه یابی ز بن[۲۴]
بگو[۲۵] آن دو بی شرم نباك[۲۶] را   دو بیداد و[۲۷] بد مهر و[۲۸] ناپاك[۲۹] را

۱- **ل**: بکرسی زرین ورا کرد جای؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ب**: بفرمود او را سزاوار جای؛ **ق، پ**: بکرسی زر پیش فرمود جای؛ متن= **ف، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **۲- س، ق**[۲]**، لی، آ**: تخت و گاه؛ **لن، ق، ب**: تخت و تاج؛ **ل**[۲]: تیغ و تاج؛ متن= **ف، ل، پ، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **۳- ق**: زمین روشن از مایهٔ بخت **٤- ل، ق، پ**: زمان؛ متن= نه دستنویس دیگر **۵- ق**: گلشن از پایهٔ تخت؛ **و**: روشن از فره و بخت **٦- ق، ق**[۲]**، لی، ل**[۲]: بنده و؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۷- س- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): بر آفرین؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۸-** در **ق** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۹- ل**[۲]: بدو داد هر دو جهاندار گوش؛ در **ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب** پس از بیت ۶۶۸ دو بیت زیر را، و **آ، ل**[۲] تنها بیت نخستین را افزوده‌اند:

بگفتش (**ل**[۲]: بگفتن) بدان شاه کشته پسر   پیام دو فرزند بیدادگر
که ما بندهٔ (**ق**[۲]: بندگان) خاك پای توایم   ستاده بتدبیر (**لی**: فرستاده تدبیر) ورای توایم

این دو بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) نیست **۱۰-** آ: آراستند **۱۱-** آ: خواستند **۱۲- و**: تاج شاهنشهی؛ **س، لن** این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۳- لی**: فریدون؛ آ: خریدند **١٤- ل، لن، ق، پ، آ، ل**[۲](و نیز **ل**[۳]): بدینار و دیبا؛ متن= **ف، س، ق**[۲]**، لی، و، ب** (و نیز **لن**[۲]) **۱۵- و** (و نیز **ل**[۳]): وگنج گهر **١٦- ف**: پند (حرف یکم با سه نقطه)؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ**: گفت؛ متن= **ل، ق، پ، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])؛ **۱۷- س**: پدید؛ دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند؛ **ف**: گفتار اندر پاسخ دادن شاه افریدون پیغام سلم و تور و فرستادن منوچهر را بجنگ ایشان؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]: پاسخ دادن (**س، لن**: فرستادن) فریدون (**س**: شاه فریدون) پسران را؛ **ق**: پاسخ دادن فریدون فرستاده را بخشم؛ **و**: پاسخ دادن فریدون پیغام پسران را؛ **آ**: پاسخ دادن فریدون سلم و تور را؛ **ب**: پاسخ فریدون پسر را؛ **ل** سرنویس ندارد **۱۸- ف**: بکرسی زرینش بر کرده جای (= ۶۶۲ب)؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۹- آ** این بیت را ندارد **۲۰- ف**: نهانی؛ **ق، آ** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۱- ل**[۲]: روشن بر آمد **۲۲- ف**: شنیده؛ متن= یازده دستنویس دیگر **۲۳- ل**: هرچ **٢٤- ف**: به بن؛ **لی**: ز من؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **۲۵- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]**، ب**: بگوی؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** **۲٦- س، و، ل**[۲]**، ب**: بی باك؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۷- س- آ، ب**: <و>؛ متن= **ف، ل** **۲۸- س- پ، آ**: <و>؛ **و**: بی مهر؛ **ب**: بدخواه؛ متن= **ف، ل** **۲۹- لن، ق**[۲]**، لی، آ**: بی باك؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، و، ب** (در **ل، س، ق** حرف سوم یك نقطه دارد)؛ **ل**[۲]: دو بیدادگر مرد نباك

که گفتار خیره نیرزد[۱] بچیز … ازین در سَخُن خود نرانیم نیز[۲]
اگر بر منوچهرتان مهر خاست … تن[۳] ایرج نامورتان کجاست
که کام دد و دام بودش[۴] نِهفت … سرش را[۵] یکی تنگ تابوت جفت
کنون چون ز ایرج[۶] بپرداختید … به کین[۷] منوچهر برساختید[۸]
نبینید رویش مگر[۹] با سپاه … ز پولاد بر سر نِهاده کلاه
ابا[۱۰] گرز و با کاویانی[۱۱] دِرفش … زَمین کرده[۱۲] از سُم[۱۳] اسپان[۱۴] بنفش
سپهدار چون قارن رزمخواه[۱۵] … چو شاپور[۱۶] نَستوه[۱۷] پشت سپاه[۱۸]
به یکدست بر یادخسرو[۱۹] بپای … چو شیروی شیراوزنش رهنمای[۲۰]
به دست دگر سرو شاه یمن[۲۱] … به پیش سپاه اندرون رای زن[۲۲]
درختی که از کین[۲۳] ایرج بُرست … به خون بار و برگش[۲۴] بخواهیم شست
از آن تا کنون کین او کس نخواست … که پشت زمانه ندیدیم راست
نه خوب آمدی[۲۵] با دو فرزند خویش … که من[۲۶] جنگ را کردمی دست پیش
کنون زان درختی که دشمن بکند … بَرومند شاخی[۲۷] برآمد بلند
بیاید کنون[۲۸] چون[۲۹] هِزبر ژیان[۳۰] … به کین پدر تنگ بسته میان[۳۱]
ابا نامداران لَشکر[۳۲] بهم … چو سام نریمان و[۳۳] کرشاسپ[۳۴] جم
سپاهی که از کوه تا کوه جای … بگیرند[۳۵] و کوبند گیتی[۳۶] به پای
وُ دیگر که[۳۷] گفتند[۳۸] باید که شاه … ز کین دل بشوید[۳۹] ، ببخشد[۴۰] گناه
که بر ما چُنین گشت گردان سپهر … خرد خیره[۴۱] شد، تیره[۴۲] شد جایِ مهر[۴۳]

۱- **ف**: نه ارزد؛ **ل۲**: ندارم؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- **ل، ق، پ، و**: چند رانیم نیز؛ **لی**: در نرانیم نیز؛ **ل۲**: خوار دارم بنیر؛ متن= **ف، س، لن، ق۲**، آ،ب ۳- **لی**: سر ٤- **ل۲**: توسن ۵- **پ**: با ٦- **لی**: کنون ز ایرج (وزن نادرست است)؛ **پ**: کنون خون ایرج؛ متن= ده دستنویس دیگر ۷- **لن**: بکار؛ **س، ق۲، لی، آ، ب**: بخون؛ **ل۲**: نگین؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ۸- **لن**: پرداختید؛ **ق**: برخاستید؛ **پ**: در ساختید، متن= نه دستنویس دیگر ۹- **ق**: ببینید رویش همی ۱۰- **ف**: بکف؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۱- **ب**: ابا کاویانی گرز (وزن نادرست است)
۱۲- **لن، ق۲، لی، آ، ب**: گشته؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل۲** ۱۳- **لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: نعل؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ١٤- **لی**: ایشان ۱۵- **ل**: رزم زن ١٦- **ل، ق، آ، ب**: شاپور و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **س، ق۲**، آ، **ب**: نستور؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ۱۸- **ل**: شمشیر زن؛ **لی** این بیت را دو بار نوشته است ۱۹- **ل، ق، پ**: بیکدست شیدوش جنگی؛ آ: بیکدست بر پیش خسرو؛ **س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف** ۲۰- **ل**: شیراوژن و رهنمای؛ **ق، پ**، آ: شیر اوژن رهنمای؛ متن= **ف** ۲۱- **ل، ق، پ، و** (و نیز **لن۲**): چو سام نریمان و سرو یمن؛ **س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): چو شاه تلیمان (**س**: نلمان؛ **لن**: نلیمان؛ **لی**: بلیمان) و سرو یمن؛ متن= **ف**،آ ۲۲- **و**: ناورن (!) ۲۳- **ق، ب**: خون ٢٤- **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: به خون برگ و بارش؛ متن= **ف، ق، و**؛ **س** این بیت را با بیت سپسین در هم آمیخته است:

درختی که از کین او کس نخواست … که پشت زمانه ندیدیم راست

۲۵- **و**: نه نیکو بدی؛ **ل۲**: تو خوب آمدی ٢٦- **ل**: کجا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۷- **لن**: یکی شاخ زیبا ۲۸- **لن**: همی ۲۹- **ق**،آ: خود ۳۰- **ل- لی**،آ، **ل۲، ب**: دمان؛ متن= **ف، پ، و** ۳۱- **ل۲**: بکین پدر جست کرده میان؛ در **ق۲** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۲- **س، لن، ق۲، لی، آ، ب**: ایران؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل۲** ۳۳- **لن**: < و> ٣٤- **لن- و، ب**: < و>؛ آ: گشتاسپ و؛ متن= **ف، ل، س، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳۵- **ف، ل**، بگیرند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳٦- **ق۲، لی**،آ: کیهان ۳۷- آ: دگر آنکه ۳۸- **ف، ل، س، ق۲**: گفتند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **لن، لی، پ، ب**: گفتید؛ متن= **ق، و**،آ، **ل۲** ۳۹- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: دل از کین بشوید (**س**: بپیچد؛ **ل۲**: ببخشد)؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ۴۰- **ل۲**: بشوید ٤١- **س، لن، ق۲**،آ، **ل۲**: تیره؛ **ق، و**: دور؛ متن= **ف، ل، لی، پ، ب** ٤٢- **س، لن، ق۲**،آ، **ل۲**: خیره؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ، ب** ٤٣- **و**: خرد دور بود و ببرید مهر

شنیدم[۱] همین[۲] پوزش نابکار[۳] ؛ چه گفت[۴] آن جهانجوی نابردبار[۵] :
که هر کس که تخم جفا را بکشت نه خوش روز بیند، نه خرّم[۶] بهشت
گر آمرزش آید[۷] ز یزدان پاك شما را ز خونِ برادر چه باك
هر آنکس که دارد[۸] روانش خرد گناه آن[۹] سِگالد که پوزش برد
ز روشن جهاندارتان نیست شرم[۱۰] سیه دل، زبان پر ز گفتار گرم[۱۱]
مکافات آن[۱۲] بد به هر دو جهان[۱۳] بیابید و این[۱۴] هم نماند نِهان[۱۵]
سدیگر[۱۶] فرستادن[۱۷] تخت عاج برین[۱۸] زَنده‌پیلان و[۱۹] پیروزه تاج
بدین بدره‌های کَهُن[۲۰] گونه گون نجوییم کین و[۲۱] بشوییم[۲۲] خون
سر تاجداران[۲۳] فروشم به زر که مه تخت بادا مه تاج و مه فر[۲۴]
سر بی‌بها را[۲۵] ستاند[۲۶] بها مگر بتّر از[۲۷] بچّه‌ی[۲۸] اَژدَها
که گوید که جان گرامی پسر بهایی کند[۲۹] پیر گشته پدر؟
بدین خواسته نیست ما را نیاز سَخُن چند گوییم چندین براز[۳۰]
پدر تا بود زنده با پیرسر بدین[۳۱] کین نخواهد گشادن کمر
پَیامت شنیدم تو پاسخ شنو یکایك بگوی[۳۲] و بزودی برو

فرستاده آن[۳۳] هول گفتار دید نشست منوچهر سالار دید
بپژمرد و برخاست لرزان ز جای همانگه به زین اندرآورد پای
همه بودنی ها به روشن روان بدید آن گرانمایه مرد جوان
که با تور و با سلم[۳۴] گردان سپهر نه بس دیر چین اندرآرد به چهر

بیامد بکردار باد دمان سری پُر ز پاسخ، دلی بر گُمان[۳۵]

۱- **ق**: شنیده ۲- **ل، ق، پ، و، آ**: همه؛ **س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب**: چنین؛ متن= **ف** ۳- **و**: بودن روزگار ٤- **ف، لی، ب**: که گفت؛ **ق**: بگفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۵- **لی**: با بردبار؛ **ل۲، ب**: نابردەبار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **آ** پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

بگو آن دو بیداد بدخواه را بگو آن دو خون ریز بد راه را

٦- **ل**: خورم ۷- **ف، ق۲، پ، و، ل۲**: آمد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **لی**: بیند ۹- **لی**: او ۱۰- **لن**: شرم نیست ۱۱- **ق، و، ب**: نرم؛ **لن**: بدل تان همی مهر و آزرم نیست؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- **ل، س، ق- و، ل۲، ب**: این؛ متن= **ف، لن، آ** ۱۳- **ل، پ**: سرای؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱٤- **ل۲**: وین ۱۵- **ل، پ**: بیابید از دادگر یك خدای؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱٦- **ل، ق۲، لی، و، آ**: سه دیگر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- **ق**: فرستادهٔ ۱۸- **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲**: بدین؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ب** ۱۹- **لی، آ**: <و> ۲۰- **ل، پ، و، ل۲، ب**: بدرهای گهر؛ **س، لن، ق۲، لی، آ**: بدرها گهر؛ **ق**: بدرها و گهر؛ متن= **ف** ۲۱- **ف**: بجوییم و کین را (حرف یکم واژهٔ یکم نقطه ندارد)؛ **آ**: بشوییم کین و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- **آ**: نجوییم ۲۳- **ل، ق**: تاجداری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٤- **ف**: که مه تخت بادا و مه تاج و فر (هم **مه** و هم **نه** میتوان خواند)؛ **ل**: که مه تاج بادا مه تخت و < مه > فر (وزن نا درست است)؛ **ق، آ، ب**: که مه تاج بادا مه تخت و مه فر؛ **لی، پ، و**: که مه تاج باد و مه تخت و مه فر؛ **ل۲**: که مه تاج بادا به تخت و کمر؛ متن= **س، لن، ق۲** ۲۵- **لی**: که خون پسر را ۲٦- **پ**: ستانم ۲۷- **ل، ق**: مگر ناسزا؛ **ق۲**: مگر بتّر آن؛ **و**: مگر بدتر از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- **لی**: تخمهٔ ۲۹- **پ**: بها میکند ۳۰- **ل، ق، پ** (و نیز **ل۳**): دراز؛ **س**: سخن چند خواهم بگفتن دراز؛ **لن، ق۲، لی، آ، ب**: سخن چند خواهیم گفتن دراز (**لن، ب**: براز)؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**) ۳۱- **ل- ب**: ازین؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳۲- **ل**: مگوی؛ **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: بگیر؛ **ق**: بگو؛ متن= **ف، پ، و** (و نیز **ل۳، لن**) ۳۳- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: کان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (و نیز **لن۲**) ۳٤- **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب**: که با سلم و با تور؛ متن= **ف، ل، ق، پ** ۳۵- **س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب**: بدگمان؛ متن=**ف، ل، ق، پ، و، آ**

به دیدار[1] چون خاور آمد پدید[2]   به هامون کشیده سراپرده دید
بیامد ز بالای[3] پرده‌سرای   به پردهٔ‌اندرون[4] بود خاورخدای
یکی خیمه‌ی پرنیان[5] ساخته   ستاره زده[6]، جای پرداخته[7]
دو شاه دو کشور نشسته براز   بگفتند کامد فرستاده باز
بیامد همانگاه سالار بار   فرستاده را[8] برد زی شهریار
نشستن‌گهی[9] نو بیاراستند   ز شاه نوآیین خبر خواستند
بجستند هر گونه‌یی[10] آگهی   ز دیهیم و ز[11] تخت[12] شاهنشهی
ز شاه آفریدون و[13] از[14] لَشکرش[15]   ز گردان جنگی و[13] از[16] کشورش[17]
وُ دیگر ز کردار گردان سپهر   که دارد همی با[18] منوچهر مهر؟
بزرگان کدامند و دستور کیست[19] ؟   چه مایه‌ستشان گنج[20] و گنجور کیست[19] ؟
عِنان‌دار چندند و سالار که؟   ز جنگاوران نامبُردار که[21] ؟

فرستاده گفت آنکه[22] روشن[23] بهار   ندیده‌ست، بیند درِ شهریار[24]
بهاریست خرّم، درانـدر بهشت[25]   همه خاك عنبر، همه زرّ[26] خشت
سپهر برین کاخ و[27] میدان[28] اوست   بهشت گزین[29] روی خندان اوست
به بالای ایوان[30] او راغ[31] نیست   به پهنای میدان[32] او باغ نیست
چو رفتم بنزدیك ایوان[33] فراز   سرش با ستاره همی گفت[34] راز
به یکدست پیل و به یکدست شیر   جهان را به بخت اندرآورده زیر[35]
ابر پشت پیلانش بر تخت زر   ز گوهر همه طوق شیران نر

۱- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: ز دیدار؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳**) ۲- **لی**: خاوران را بدید (پساوند ندارد)؛ **و** (و نیز **لن۲**): چو از راه خاور خور آمد پدید ۳- **ل، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): ببالای؛ **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: بدرگاه؛ **پ**: بنزدیك؛ متن= **ف، ق** ٤- **ل- ب**: به پرده درون؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**): به پرده اندرون (← **ضحاک**، بیت ۴۰) ۵- **ف**: خیمه از پرنیان؛ **لن**: خیمه بد پرنیان؛ **لی**: پردهٔ پرنیان؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ٦- **س، لن**: رده؛ **پ، و، ب**: ستاده رده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- **ق**: بر تاخته ۸- **ل۲**: < را > (وزن نا درست است) ۹- **س، لن، ق۲، لی، و**: نشستن گه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **و** پس از این بیت سرنویس دارد: باز آمدن فرستادهٔ سلم و تور از پیش فریدون ۱۰- **پ**: هر گونه را؛ **و**: هر گونه زان ۱۱- **س، لن، لی، ب**: و از؛ **ق۲**: و آن؛ **آ**: و وز؛ **و**: که جوید همی؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل۲** ۱۲- **ب**: تاج ۱۳- **آ**: <و> ١٤- **ل، ق، پ، ل۲**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- **و**: کشورش ١٦- **ف، ل، ق، ل۲**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **و**: لشکرش ۱۸- **س**: بر ۱۹- **پ**: که ۲۰- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: چه مایه شبستان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ در **ق، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- **س، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**:

سپهدارشان (**آ**: سپهداری) چند و سالار کیست   بجنگ اندرون (**ل۲**: ز جنگ آوران) نامبردار کیست

ق، پ، و (و نیز **ل۳، لن۲**):

عنان دارشان چند و سالار چند (**پ**: کیست)   ز جنگ آوران نامبردار چند (**پ**: کیست)

ل، لن، این بیت را ندارند؛ متن= **ف**؛ در **ق، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۲- **س، لن، ق، ق۲، ب**: آنك؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- **و**: خرم ٢٤- **ف**: ندیدست و بیند در شهریار؛ **ل، س، پ، و، ل۲، ب**: ندید (**ل**: ندید) او ببیند در (**ل۲**: رخ) شهریار؛ **لن، لی**: ندید و نبیند چنان شهریار؛ **ق**: ندید هست هست آن در شهریار؛ **ق۲، آ**: بدید او (**آ**: ار) ببیند در (**ق۲**: بر) شهریار؛ متن= **ف** پس از زدن حرف **و** ۲۵- **ل**: در اردیبهشت؛ **ق۲**: دل اندر بهشت؛ متن= ده دستنویس دیگر ٢٦- **آ**: همه خاك و عنبر همه زرّ و ۲۷- **پ**: <و> ۲۸- **ب**: ایوان ۲۹- **ل- لی، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): برین؛ متن= **ف، پ، آ** ۳۰- **س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب** (و نیز **لن۲**): میدان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، آ** (و نیز **ل۳**) ۳۱- **آ**: لاغ ۳۲- **س، لن، ق۲، لی، ل۲**: ایوان؛ **و** (و نیز **لن۲**): بکردار ایوان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، آ، ب** (و نیز **ل۲**) ۳۳- **ف**: میدان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۳٤- **ف**: کرد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۳۵- **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب**: جهانی به بخت (**ق۲، آ، ل۲**: به تخت) اندر آورده زیر (**لن، و**: آوریده بزیر؛ **لی**: پای (پساوند ندارد))؛ **پ**: جهان تخت او آوریده بزیر؛ متن= **ف، ل، ق**

تبیره‌زنان پیش پیلان بپای   ز هر سو[۱] خروشیدن کَرّه‌نای[۲]
تو گفتی که میدان بجوشد همی   زَمین باسمان[۳] برخروشد همی
خِرامان شدم پیش[۴] آن ارجمند   یکی تخت پیروزه دیدم بلند
نشسته برو شهریاری چو ماه   ز یاقوت رخشان به سر بر کلاه
چو کافور موی و چو گلبرگ[۵] روی   دل آزرم جوی[۶] و زبان گرم گوی[۷]
جهان را ازو دل به ترس و امید[۸]   تو گفتی[۹] مگر زنده شد جمّشید[۱۰]
منوچهر چون زاد[۱۱] سرو[۱۲] بلند   بکردار[۱۳] طهمورتِ[۱۴] دیوبند
نشسته برشاه بر دست راست   توگفتی[۱۵] زبان[۱۶] و دل پادشاست
به پیش اَندرش[۱۷] قارن رزم زن   بدست چپش سرو شاه یمن[۱۸]
چو شاه[۱۹] یمن سرو دستورشان[۲۰]   چو پیروز کرشاسپ[۲۱] گنجورشان[۲۲]
شمار در گنج ها ناپدید   کس اندر[۲۳] جهان آن[۲۴] بزرگی[۲۵] ندید
همه گِرد ایوان[۲۶] دو رویه سپاه   به زرّین عُمود و به زرّین کلاه
سپهدار چون قارن کاویان[۲۷]   به پیش سپاه اندرون اندیان[۲۸]
مبارز چو شیروی درّنده شیر   چو شاپور یل زَنده پیل دِلیر[۲۹]
چُنو بست[۳۰] بر کوهه‌ی پیل کوس   هوا گردد از گَرد[۳۱] چون آبنوس
گر آیند زی ما بجنگ آن[۳۲] گروه   شود کوه[۳۳] هامون و هامون چو کوه

۱-**س،لن،ق[۲]،لی،ب**: بهرسو؛ متن= هفت‌دستنویس دیگر **۲-ف،ل،س،لن**: کرّنای **۳-س،لن،ق[۲]،لی،آ**: زآسمان؛ متن= هفت‌دستنویس دیگر **٤-س، لن،ق[۲]،لی،آ،ب**: نزد؛ متن= **ف،ل،ق،پ،و،ل[۲]** **۵-ق[۲]**: گلزار **٦-ف،آ**: دلش رزم جوی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن[۲]**)؛ ←پ۱۸ **۷-ل،س،لن،ق، ق[۲]،پ،ب**: چرب گوی؛ **لی**: دگرگوی (وزن نادرست است)؛ **و**: نرم گوی؛ متن= **ف،آ،ل[۲]** **۸-ل**: بیم و امید؛ **ق**: جهان را ازو ترس بود و امید؛ **ق[۲]**: جهان را ازوهم بترس و امید؛ **آ**: جهان را ازو ترس و هم زو امید؛ متن= هشت‌دستنویس دیگر (ونیز **لن[۲]**) **۹-پ**: گویی **۱۰-ق**: زنده شدست جمشید (وزن نادرست است)؛ **لی**: زنده جام شید (وزن نادرست است) **۱۱-ل،س،ل[۲]** (ونیز **لن[۲]**): راد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]**) **۱۲-س،لن،ق[۲]،ل[۲]،ب**: سروی؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۳-ل، ق، پ**: نشسته‌چو؛ متن= نه‌دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) **١٤-ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): طهمورث؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، پ** **۱۵-ل، ق، پ**: گویی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) **١٦-ف، آ**: روان؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **س، لن، ق[۲]- ب** (ونیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز (**لن، لی**: از) آهنگران کاوهٔ پرهنر   به پیشش یکی رزم دیده پسر

این بیت در **ف، ل، ق** (ونیز **ل[۳]**) نیست **۱۷-ل، ق، ل[۲]**: اندرون؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ب**: کجا نام او؛ متن= **ف** **۱۸-س، لن، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب**: سپهدار بیدار (**و، ل[۲]**: سپهدار و بیدار و) لشکرشکن؛ متن= **ف، ل، ق، پ** (ونیز **ل[۳]**)؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **ف** پس از این بیت بیت های ۷۳۷، ۷۳۸ و ۷۳۹ دوباره آمده است و در ۷۳۷ب بجای **رزم**، **نرم** دارد **۱۹-س**: ماه **۲۰-س، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ب**: دستور شاه؛ **آ**: و دستور شاه؛ متن= **ف، ل، و، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۲۱-لن**: کرشاسف **۲۲-س- پ، آ، ب**: گنجور شاه؛ متن= **ف، ل، و، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۲۳-س، لن، ق[۲]، لی، آ، ب**: کسی در؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل[۲]** **٢٤-ق[۲]، لی، ب**: این **۲۵-لی، ل[۲]، ب**: شگفتی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) **٢٦-ل**: ایران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۲۷-ف، لن، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): آوگان؛ متن= **ل، ق، پ** **۲۸-ف، لن، لی، و، ل[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): آوگان؛ **ق[۲]**: کاوگان (پساوند ندارد)؛ **پ**: کاردان؛ **آ**: یاوگان؛ متن= **ل، ق**؛ در **س** بجای این بیت بیت ۷۳۷ دوباره آمده است **۲۹-آ** پس از این بیت افزوده است:

جهان پهلوان سام یل پیش رو   پس پشت او رزم جویان نو

۳۰-ل، ق، لی، ل[۲]: چو او بست؛ **پ**: چوبندند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۱-ق**: ابر؛ **پ**: رنگ **۳۲-ب**: این **۳۳-لن، ق[۲]، آ، ل[۲]، ب**: شود که چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر (**س**: نخست **شود که چو** داشته است)؛ **ف، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

سپاهست بیرون زچند (**آ**: حد) وشمار   دلیران جنگی هزاران هزار

همه دل پر از کین و پُرچین بَروی[۱] بجز[۲] جنگشان نیست چیز[۳] آرزوی[۴]

بریشان[۵] همه برشمرد آنچ[۶] دید سَخُن نیز کز[۷] آفْریدون شنید
دو مرد جفاپیشه را دل ز درد بپیچید و شد رویشان لاژورد[۸]
نشستند و جُستند هرگونه رای سَخُن را نه سر بود پیدا نه پای
به سلم بزرگ آنگهی تور گفت که آرام و شادی ببایَد[۹] نِهفت
نباید که آن[۱۰] بچّه‌ی نرّه شیر شود تیز دندان و گردد دِلیر
چُنان نامور[۱۱] بی هنر چون بود کِه‌ش آموزگار آفْریدون بود[۱۲]
نبیره چو شد[۱۳] رای زن با نیا از آنجایگه بردمَد کیمیا
ببایَد بسیچید ما را به جنگ شتاب آوریدن[۱۴] بجای درنگ

ز لَشکر سُواران برون تاختند[۱۵] ز چین و ز خاور سپه ساختند[۱۶]
فتاد اندرآن بوم و بر گفت وگوی جهانی[۱۷] بدیشان نِهادند روی
سپاهی که آنرا کرانه نبود بَد آن بُد که اختر[۱۸] جوانه نبود
دو لَشکر زخاور[۱۹] به ایران کشید به خَفتان و خود اندرون ناپدید[۲۰]
ابا زَنده‌پیلان و با خواسته دو خونی[۲۱] به کینه دل آراسته

گفتار اندر آمدن سلم و تور به جنگ آفریدون[۲۲]

سپه چون بنزدیك ایران کشید[۲۳] همانگه خبر بافریدون رسید[۲۴]

۱- ق، ل[۲]: برو ۲- س، لن، ق[۲]، لی، و- ب (ونیز ل[۳]، لن[۲]): جز از؛ متن= ف، ل، پ ۳- س: ایچ؛ لن، و: هیچ؛ ق[۲]: جز؛ آ: < چیز> (وزن نادرست است)؛ (ل[۳]: خود)؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز لن[۲]) ٤- ق، ل[۲]: آرزو ۵- آ: بدیشان ٦- لی- ب: آنچه؛ متن= ف- ق[۲] ۷- ق: سخن دیگر از ۸- ف، س، ق- پ، ل[۲]، ب (ونیز ل[۳]، لن[۲]): لاجورد؛ متن= ل، لن، و، آ ۹- ف، پ، آ، ل[۲] (ونیز لن[۲]): نباید؛ ل، س، و: بباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: شد اندر؛ متن= لن، ق، ق[۲]، ب (ونیز ل[۳]) ۱۰- ب: این؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- س: کزان پرهنر؛ آ: ازان پرهنر ۱۲- س، لن، ق[۲]، لی، و- ب (ونیز ل[۳]، لن[۲]): که آموزگارش (ل[۲]: امرزگارش) فریدون بود؛ متن= ف، ل، ق، پ ۱۳- ق: نبیره شده ١٤- ل[۲]: شتاب اندرآری ۱۵- لن: تاختن ١٦- لن: ساختن؛ و (ونیز لن[۲]): حشر ساختند ۱۷- س، لن، ق[۲]، لی، ب: سپاهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۸- ف، ل: دولت؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۹- ل، ق، و: زخاور دولشکر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- لی: وزیشان که و دشت شد ناپدید ۲۱- لی: دو خونین؛ لن این بیت را ندارد؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ف (پس از بیت ۷۶۳): گفتار اندر آمدن سلم و تور بجنگ افریدون و آگهی یافتن افریدون و فرستادن منوچهر را بجنگ؛ ل: رزم منوچهر با سلم و تور و کشتن ایشان؛ س: رفتن شاه منوچهر با قارن کاوه بجنگ سلم و تور؛ لن، ق، ق[۲]، لی، ل[۲]، ب (چند بیت پایین تر): رفتن منوچهر (لی: شاه منوچهر) بجنگ سلم و تور (ق: توربکین ایرج)؛ پ: فرستادن فریدون منوچهر را بجنگ سلم و تور؛ و (چند بیت پایین تر): لشکر کشیدن منوچهر شاه بجنگ سلم و تور؛ آ (چند بیت پایین تر): رزم کردن منوچهر با تور و سلم؛ متن= آغاز ف ۲۳- ق، آ: رسید؛ ل[۲]: رکشید (= ر< سید> + کشید)؛ لی: جیحون رسید؛ متن= ف، ل ٢٤- و، ل[۲] (ونیز لن[۲]): زی فریدون رسید؛ آ: خبر زو به شاه دلیران رسید؛ ب: وزیشان که و دشت شد ناپدید؛ متن= ف، ل، ق، لی؛ لن، ق[۲]، پ بجای بیت ۷۶۳ و س، آ، ب پس از بیت ۷۶۳ افزوده‌اند:

همانگه خبر بافریدون رسید که لشکر بدین (س، ق[۲]، آ: ازین) سوی جیحون رسید

ل[۲] پس از بیت ۷۶۳ افزوده است:

که لشکر زخاور بایران رسید وزایشان کُه و دشت شد ناپدید

در لی بیت ۷۶۳ با بیت پیشین پس وپیش شده است

بفرمود پس تا منوچهر شاه ‌‌ ز پهلو به هامون[1] گذارد سپاه
یکی داستان زد جهاندیده کی[2] ‌‌ که مرد جوان[3] چون بود[4] نیك پی
به دام آیدش ناسگالیده میش ‌‌ پلنگ از پس پشت و صیّاد پیش
شکیبایی و هوش[5] و رای و خرد ‌‌ هِزبر از بیابان[6] به دام آورد
وُ دیگر ز بَد[7] مردم بدکُنِش ‌‌ به فرجام روزی بپیچد تنِش[8]
به بادافره آنگه شتابیدمی ‌‌ که تفسیده[9] آهن بتابیدمی[10]

منوچهر گفت: ای سَزاوار[11] شاه ‌‌ کی آید به پیش تو کس[12] کینه‌خواه
مگر بد سِگالد برو روزگار[13] ‌‌ به جان و تن اندر خورد[14] زینهار
من اینك میان را به رومی زره ‌‌ ببندم که نگشایم از تن[15] گره
به کین جُستن از دشت آوردگاه ‌‌ برآرم به خورشید گرد سیاه
از آن انجمن کس ندارم به مرد ‌‌ کجا جُست یارند[16] با من نبرد

بفرمود تا قارن رزم جوی[17] ‌‌ ز پهلو به دشت اندرآورد روی
سراپرده‌ی شاه بیرون کَشید ‌‌ دِرفش همایون به هامون کَشید[18]
همی رفت لَشکر گروه‌ها گروه ‌‌ چو دریا بجوشید هامون و کوه
چُنان تیره شد روز روشن[19] ز گرد ‌‌ تو گفتی که خورشید شد لاژورد[20]
ز کشور[21] برآمد سراسر[22] خروش ‌‌ همی کرّ شد[23] مردم تیزگوش
خروشیدن تازی[24] اسپان ز دشت ‌‌ ز بانگ تبیره همی برگذشت

۱- **س، لن، ق۲، ب**: زپهلو به‌پهلو؛ **و**: زخانه بهامون؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- آ: سپهدارکی؛ **ل۲**: جهان دیدکی ۳- **لی**: دوان ٤- **ل**: شود؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۵- **پ**: شکیبا و باهوش ٦- **س- لی، و- ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): هزبر (**لی**: هژ بر)؛ متن= **ف، ل، پ** ۷- **ف**: دگر کزبد؛ **س، لن، ق۲، لی**، آ: و دیگر که بد؛ **پ**: و دیگر کجا؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ل، و، ل۲، ب** ۸- **لی**: ببیند تنش؛ **لن**: بپیچد بفرجام روزی تنش؛ **ق** پس از این بیت سه بیت افزوده است ← پ۱۰ ۹- **ل**: تفسیر(!)؛ این بیت در **س، لن، ق، ق۲، لی، ل۲، ب** نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، پ، و**، آ ۱۰- **پ**: نتابید می؛ **ل** پس از این بیت و **ق** پس از بیت ۷۶۸ افزوده‌اند:

چو لشکر منوچهر بر ساده دشت ‌‌ برون برد و آنجا بببد روز هشت
فریدونش هنگام رفتن بدید ‌‌ سخنها بدانش (**ق**: زدانش) بدو گسترید

ق پس از این دو بت یك بیت دیگر هم افزوده است:

که شاها نگه دار جان از بدان ‌‌ گه رزم بسگال با بخردان

۱۱- **س، لن، لی، ل۲، ب**: سرافراز؛ **و**: جهاندار؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، پ**، آ ۱۲- **ف**: که آید بپیش تو کس؛ **ل، ق، و**، آ (ونیز **ل۳، لن۲**): کی (**ق**: چو) آید کسی پیش تو؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: که آید بنزدیك تو؛ متن= **ف** (پس از تصحیح **که به کی**) ۱۳- **لن، ل۲**: بد روزگار؛ **س، ق، لی** (ونیز **ل۳، لن۲**): بدو روزگار؛ **ق۲**: به پروردگار؛ متن= **ف، ل، پ، و**، آ، **ب** ۱٤- **ل، ق**: بجان و تن خود خورد؛ **و** (ونیز **لن۲**): بجان و بتن درخورد؛ آ: خورد با تن و جان خود؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- **ف**: بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **س، لن، ق۲، و**: بن؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳**) ۱٦- **لن، لی**: خواهند؛ آ، **ل۲**: یابند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **س، لن، ق۲، لی، ب**: جنگجوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **ق**: رسید ۱۹- **و**: روی گیتی ۲۰- **ف، س- پ**، آ، **ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): لاجورد؛ متن= **ل، و** ۲۱- **لن، ق۲، لی، پ**: لشکر؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ۲۲- **لی**: سراسر برآمد ۲۳- **س، لن**: همی گشت کر؛ **لی، ب**: که کر گشت زان (**ب**: ازان)؛ **و**، آ (ونیز **ل۳، لن۲**): همی کر شدی؛ **ل۲**: همی کر شدند؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، پ** (در **ل** با خطی نو شد را به شده، و در **ق** شد را به شدی برگردانیده‌اند) ۲٤- **لی، ب**: پیل و؛ در آ پس از این بیت بیت ۷۸۳ آمده است

ز لَشکرگه پهلَوان تا دو میل ‌‌‌ کشیده دو رویه رده[۱] زنده پیل
از آن شست بر[۲] پشتشان تخت زر ‌‌‌ به زر[۳] اندرون چند گونه گهر
چو سیصد[۴] بُنه برنهادند[۵] بار ‌‌‌ چو سیصد[۴] همان[۶] ازدر کارزار
همه زیر بَرگُستوان اندرون ‌‌‌ نُبدشان جز از[۷] چشم از آهن[۸] برون
سراپرده‌ی شاه بیرون زدند ‌‌‌ ز تمّیشه لَشکر به هامون شدند[۹]
سپهدار چون قارن کینه‌دار[۱۰] ‌‌‌ سُواران جنگی چو سیصد هزار[۱۱]
همان[۱۲] نامداران[۱۳] جوشن وران ‌‌‌ برفتند با گرزهای گران
دِلیران و هر یك[۱۴] چو شیر[۱۵] ژیان ‌‌‌ همه بسته بر کین ایرج میان
به پیش اندرون کاویانی دِرفش ‌‌‌ به چنگ اندرون تیغ های بنفش
منوچهر با قارن رزم زن[۱۶] ‌‌‌ برون آمد از بیشه‌ی نارون
بیامد به پیش سپه برگذشت ‌‌‌ برآراست[۱۷] لَشکر بران[۱۸] پهن دشت
چپ لَشکرش را به کرشاسپ داد ‌‌‌ ابر میمنه سام یل با قباد
رده برکشیدند هر دو[۱۹] سپاه ‌‌‌ منوچهر با سرو[۲۰] در قلبگاه
همی تافت چون[۲۱] مه میان گروه ‌‌‌ نبود ایچ نیکوتر از آن گروه[۲۲]
سپه کَش[۲۳] چو قارن، مبارز چو سام ‌‌‌ سپه[۲۴] تیغ ها برکشید از نیام[۲۵]
طلایه به پیش اندرون با قباد[۲۶] ‌‌‌ کمین ور چو گرد[۲۷] تلیمان[۲۸] نژاد
یکی لَشکر آراسته چون عروس ‌‌‌ به شیران[۲۹] جنگی و[۳۰] آوای کوس
به سلم و به تور[۳۱] آگهی تاختند ‌‌‌ که کین آوران[۳۲] جنگ را ساختند[۳۳]

۱- **و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): صف ‌ **۲- س، لن، ق**[۲]، **لی، و، آ، ل**[۲]، **ب** (ونیز **لن**[۲]): ببست از بر؛ متن= **ف، ل، ق، پ** (ونیز **ل**[۳]؛ **ف، پ**: شصت) ‌ **۳- ق**: برو ‌ **٤- ل**[۲]: سیسد ‌ **۵- س**: برنهادند و ‌ **٦- و**: فزون؛ در **آ** این بیت پس از بیت ۷۸۰ آمده است ‌ **۷- ق**[۲]: براز؛ **پ، و**: بجز؛ **س، لن** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ‌ **۸- ل، ق، لی**: زاهن؛ **ق**[۲]، **ل**[۲]: چشم آهن؛ متن= **ف، پ، و، آ، ب** ‌ **۹- ق**[۲]، **ل**[۲]: زدند؛ **س، لن، ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ، ب** ‌ **۱۰- و**: نیزه‌دار؛ **آ، ل**[۲]: رزم دار؛ **س، لن، ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، ق**[۲]، **پ، ب** (ونیز **ل**[۳]) ‌ **۱۱- آ**: جهان پهلوان همچو سام سوار؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **آ** پس از این بیت افزوده است:

همه زیر خفتان و خود اندرون ‌‌‌ به پیش سپاه اندرون رهنمون

۱۲- ل، س، لن، و: همه؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب** ‌ **۱۳- س، لی- ب**: نامداران و؛ متن= **ف، ل، لن، ق**[۲] (ونیز **ل**[۳]) ‌ **۱٤- ل- ق**[۲]، **و- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): دلیران یکایك؛ **لی**: دلیران ایران؛ متن= **ف، پ** ‌ **۱۵- ف**: شیران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ‌ **۱٦- ل، ق، پ، و، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): پیل تن؛ متن= هفت دستنویس دیگر ‌ **۱۷- ل- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): بیاراست؛ متن= **ف** ‌ **۱۸- ق، لی، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]): بدان؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن**[۲]) ‌ **۱۹- ل**: برکشیده ز هر سو؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب**: برکشیدند یکسر؛ متن= **ف، ق، پ، و** (ونیز **ل**[۳]) ‌ **۲۰- آ**: با سلم؛ **ل**[۲]: چون شیر ‌ **۲۱- س، لن، ق**[۲]، **آ، ب**: همی رفت چون؛ **لی**: همی راند آن؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل**[۲] ‌ **۲۲- ل، ق، پ**: نبود ایچ (**پ**: نبد هیچ) پیدا زافراز کوه؛ **س، ق**[۲]، **لی، ب**: و یا مهر کاول (**س، ق**[۲]: کابل) برآید زکوه؛ **لن**: چو با مهر کاوّل برآمد زکوه؛ **و، ل**[۲]: وگر مهر کاوّل برآید زکوه؛ **آ**: و یا مهر کانك برآید زکوه؛ متن= **ف** ‌ **۲۳- س، لن، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب**: سپهبد؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ‌ **۲٤- ق، آ**: همه؛ **پ**: همی ‌ **۲۵- لن**: میان (پساوند ندارد)؛ **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل**[۳]): سپه (**ق**: همه؛ **پ**: همی) برکشیده حسام از نیام؛ متن= **س، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب** ‌ **۲٦- ل، ق، پ، و، آ**: چون قباد؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی، ب**: بدقباد؛ متن= **ف، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]) ‌ **۲۷- و** (ونیز **لن**[۲]): گرگ ‌ **۲۸- ف، س**: تلمان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **ل، لن، ل**[۲]: بلیمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق، آ**: بلیمان؛ **پ**: بلمان (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): نریمان؛ متن= **ق**[۲]، **لی، ب** (ونیز **ل**[۳])؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ‌ **۲۹- ل**[۲]: پیلان ‌ **۳۰- پ، لی**: بر؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ‌ **۳۱- ل، ق، پ، ل**[۲]: به تور و به سلم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ‌ **۳۲- ل، ق، پ**: که ایرانیان؛ **ل**[۲]: که جنگ آوران؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ‌ **۳۳- س، لن، لی**: جنگ برساختند؛ متن= نه دستنویس دیگر

زبیشه به هامون کشیدند صف　　زخون[1] جگر بر لب آورده کف

دوخونی همان[2] با سپاهی گران　　برفتند[3] آگنده از کین سران
کشیدند لَشکر به دشت نبرد　　الانان و دریا[4] پس پشت کرد
یکایك طلایه برون شد قباد[5]　　چو تور آگهی یافت آمد چو باد[6]
بدو گفت نزد منوچهر شو　　بگویش که ای بی پدر شاه نو
اگر دختر آمد از[7] ایرج نژاد[8]　　ترا تیغ و گوپال و جوشن که داد[9]
بدو گفتش: آری[10] گزارم[11] پَیام　　برین[12] سان که گفتی و بردی تو نام
ولیکن گر[13] اندیشه گردد دراز　　خرد با دل تو[14] نشیند براز
بدانی[15] که کاریت هول ست[16] پیش　　بترسی[17] ازین خام گفتار[18] خویش
اگر بر شما دام و دد روز و شب　　همی گریدی نیستی بس عجب
که از بیشه‌ی نارون تا به چین　　سُواران جنگ اند و مردان کین[19]
درِفشیدن[20] تیغ های بنفش[21]　　چو بینند با کاویانی دِرفش[22]
بدرّد دل و مغزتان از نِهیب　　بلندی ندانید باز از نِشیب[23]

قباد آمد آنگه بنزدیك شاه　　بگفت آنچ بشنید از آن رزمخواه[24]
منوچهر خندید و گفت آنگهی　　که چونین[25] نگوید مگر[26] ابلهی
سپاس از جهاندار[27] هر دو جهان[28]　　شناسنده‌ی آشکار و نهان
که داند که ایرج نیای من ست　　فریدون فرّخ گوای من ست
کنون چون[29] به جنگ اندرآریم سر　　شود آشکارا نژاد و گهر[30]
به زور[31] خداوند خورشید و ماه　　که چندان نمانم[32] وُرا[33] دستگاه

۱- **لی**: بخون　۲- **س، ق، لی**: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**)　۳- **ق[۲]**، آ: چو رفتند؛ **س، ق[۲]**، آ پس از این بیت افزوده‌اند:
دوخونی چنان با سپاهی (آ: سواری) چوگرد　　کشیدند لشکر بدشت نبرد
٤- **ل**: الانان دزرا؛ **س، لن، ق[۲]، لی**، آ این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ق، پ، و، ل[۲]، ب**　۵- **ل، پ، ل[۲]، ب**: طلایه بیامد قباد؛ **س، لن، ق[۲]، لی**، آ: طلایه برآمد قباد؛ متن= **ف، ق، و**　٦- **ل[۲]**: به پیش صف آمد زبان برگشاد؛ **ق، پ** پس از این بیت سرنویس دارند، **ق**: پیغام فرستادن تور به منوچهر به زبان قباد؛ **پ**: پیغام تور بدست قباد بنزد منوچهر　۷- **ل، س، لن، ق، لی- ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): ز؛ متن= **ف، ق[۲]**　۸- **ق، پ**: پدید　۹- **ل[۲]**: به پیش صف آمد زبان برگشاد　۱۰- **ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]، ب**: بدو گفت آری؛ **و** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): بدو گفت کاری؛ متن= **ف**　۱۱- **ل**: گذارم؛ **پ**: که آری　۱۲- **ل، پ، و**: بدین؛ **س، لن، ق[۲]، لی**، آ، **ل[۲]**: بدان؛ **ب**: بران؛ متن= **ف**؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند　۱۳- **س، لن، لی، پ**، آ، **ل[۲]، ب**: چو؛ **ق[۲]** این بیت راندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و** (ونیز**ل[۳]، لن[۲]**)　١٤- **ب**: او؛ **ل[۲]**: خردپاك باتو　۱۵ - آ: ندانی　١٦- **ق، پ**: صعبست؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**)　۱۷- **ل، ق**: بپیچی؛ **س، ل[۲]**: نترسی؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۸- **س، لن، ق[۲]**، آ: زشت کردار؛ **ق**: خام کردار؛ **لی**: زشت گفتار؛ متن= **ف، ل، پ، و، ل[۲]، ب**　۱۹- **لی، و، ل[۲]، ب**: شیران کین؛ **ق[۲]**: سواران جنگ آمد و شیرکین؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۲۰- **س**، آ، **ل[۲]**: درخشیدن؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**)　۲۱- **س**: کاویانی درفش　۲۲- **س**: با تیغ های بنفش　۲۳- **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند　٢٤- **ل**: از رزمخواه؛ **و**، آ: از آن رزمگاه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **س** پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن منوچهر تور را　۲۵- **لی**: چنین کس؛ آ: که چونان　٢٦- **لن**: سخن　۲۷- **س**: خداوند　۲۸- **و** (ونیز **لن[۲]**): سپاس از جهانبان خدای جهان　۲۹- **ل، س، لن، ق[۲]، پ، و**، آ: گر؛ متن= **ف، ق، لی، ل[۲]، ب**　۳۰- **س، لن، ق[۲]، لی، ب**: هنر؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۳۱- **لی**: بفرّ؛ **ق[۲]**: بروز؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر　۳۲- **ق[۲]**: نمایم؛ **ل[۲]**: بمانم　۳۳- **س**: ترا

که بر هم زنـد چشـم[1] زیر و زبـر[2] — ابـی تن[3] به لَشکـر نمـایمش[4] سر
بخـواهـم ازو کین فرّخ پدر — کنـم پادشـاهیش زیر و زبـر
بفـرمـود تا خوان بیاراسـتـنـد — نشـسـتـنـگـه رود و می خواسـتـنـد
بدانـگـه که روشـن جهـان[5] تیره‌گـشت — طلایه پراگـنـد[6] بر پهـن[7] دشـت
به پیش سپـه قارن رزم زن — ابـا رای زن[8] سرو شاه یمـن
خروشـی برآمـد ز پیش[9] سپاه — که ای نامـداران و شیران[10] شاه
بدانـید[11] کین جنـگ آهَـرمَـن ست[12] — همـان درد[13] کین ست و خون جستن ست[14]
میان بسـتـه دارید[15] و بیدار بید — همـه در پنـاه جهـانـدار بید
کسـی کو شود کشـتـه زین[16] رزمـگـاه — بهـشـتـی بود[17]، شسـتـه پاك از گنـاه[18]
هرآنـکس که از لشـکـر چین و روم[19] — بریزنـد خون و بگـیرنـد بوم[20]
همـه[21] نیك نامـیش[22] تا جاودان، — بمـانـد بدو[23] فرّهِ موبـدان
هم از شاه یابـید دیهـیم و تخـت — ز سالار زور و ز دادار بخـت[24]
چو پیدا شود پاك[25] روز سپـید — دو بهـره بپـیمـاید[26] از چرخ[27] شید
ببـنـدید یکـسـر میان یلی — ابـا گرز و با خنـجـر کابـلی
بدارید یکـسـر همـه جای خویش — یکـی از دگـر[28] پای منـهـید پیش
سران سپـه، مهـتـران دِلـیر — کشـیدنـد صف پیش سالار شیر[29]
به آواز[30] گفـتـنـد ما بنـده‌ییم — خود انـدر جهـان شاه را[31] زنـده‌ییم

۱- س، لن، لی: مژّه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- ل[2]: چشم را زیر و بر ۳- ل: برنده؛ ق، پ: بریده؛ آ (ونیز ل[3]): که بی تن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز لن[2]) ٤- س: نمایمت ۵- آ: هوا ٦- ق، ق[2]: پراگنده؛ پ: برافکند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- ل- ق[2]، و، آ، ب (ونیز لن[2]): برگرد؛ پ: بر کوه و؛ متن= ف، لی (ونیز ل[3]) ۸- آ: همی گفت ۹- ف: میان؛ ق: بپیش؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل[3]، لن[2]) ۱۰- ل: مردان؛ س، لن، ق[2]، لی، ب: گردان؛ متن= ف، ق، پ، و، ل[2] (ونیز ل[3]، لن[2])؛ در س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- ل، ق: بکوشید؛ س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب: بگفتند؛ متن= ف، پ، و ۱۲- و: رزم اهریمنست؛ آ: که رزم چنین جنگ اهرمنست ۱۳- ل، پ: درد و ۱٤- س، لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]، ب: همان روز جنگست و کین جستن است؛ (ل[3]: همان گردش و روز کین جستن است)؛ متن= ف، ل، ق، پ؛ در س، لن ق[2]، لی، ل[2]، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ق: باشید ١٦- و: در ۱۷- س، لن، ق[2]، ل[2]، ب: شود؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- و: پاك او از گناه؛ آ: پاك گشته گناه؛ ب: گشته پاك از گناه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹- س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب: روم و چین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۰- س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب: بریزند (ب: بریزید) خون اندرین دشت کین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۱- ل: همی؛ و: همان؛ آ: بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب: نامید؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۳- س، لن، لی: بمانید بر؛ و، آ: بماند همان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٢٤- ل[2]: زدیدار بخت؛ ف: چو هشیار باشید و بیدار بخت؛ س، لن، ق[2]، لی، ب: زسالار زرّ و (س: روز و؛ لی: رزم و) زدادار بخت؛ آ: زدادار هم باز بینید بخت؛ متن= ل، ق، پ، و ۲۵- س، لن، ق[2]- و، ل[2]، ب (ونیز ل[3]): چاك؛ متن= ف، ل، ق، آ ٢٦- ل[2]: ببندید ۲۷- ف: شیر؛ س، لن، ق[2]، پ، آ: روز؛ متن= ل، ق، لی، و، ل[2]، ب (ونیز ل[3]، لن[2]) ۲۸- ف: یك از دیگری؛ ق: یك از دیگران؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل[3]، لن[2]) ۲۹- س، لن، ق[2]، لی: از آنجا برفتند (ق[2]: از آنجای رفتند) برسان شیر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- ل، ق، پ: بسالار؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق[2]، و، آ، ل[2]، ب ۳۱- ق[2]: بهر تو؛ متن= هشت دستنویس دیگر

چو فرمان دهد ما[1] همیدون کنیم   زمین را ز[2] خون رود جیحون کنیم[3]

سُوی خیمه‌ی خویش باز آمدند   همه با سر[4] کینه‌ساز آمدند
سپیده چُن[5] از جای سر[6] بردمید   میان شب تیره اندرخمید[7]
منوچهر برخاست از قلبگاه[8]   ابا جوشن و تیغ[9] و رومی کلاه
سپه یکسره نعره برداشتند   سنان ها به ابر اندرافراشتند
پر از خشم سر، ابروان پر ز چین   همی برنَوَشتند روی[10] زمین
چپ و راست و[11] قلب و جناح سپاه   بیاراست یکسر چو بایست[12]، شاه
زَمین شد بکردار کشتی بر آب   تو گفتی سوی غرق[13] دارد شتاب
بزد مهره بر کوهه‌ی زَنده‌پیل   زَمین جُنب[14] جُنبان[15] چو دریای نیل
همان پیش پیلان تبیره‌زنان   خروشان و جوشان و پیلان دمان[16]
یکی بزمگاهست[17] گفتی بجای   ز شیپور و نالیدن کرّه‌نای[18]
برفتند از آن دشت یکسره چو کوه[19]   دِهاده برآمد ز هر دو گروه
بیابان چو دریای خون شد درست   تو گفتی که[20] روی زَمین لاله رُست[21]
پی زَنده‌پیلان به خون[22] اندرون   چُنان چون[23] ز بیجاده باشد ستون[24]
همه چیرگی[25] با منوچهر بود   کزو مغز[26] گیتی پر از مهر بود
چُنین[27] تا شب تیره سر درکشید[28]   درخشنده[29] خورشید شد ناپدید

زمانه بیکسان[30] ندارد درنگ   گهی شهد و نوش ست[31] و گاهی شرنگ

۱- ق، ب: دهدمان؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- ف: به؛ متن= ل، ق، ق۲، و، آ، ل۲، ب (ونیز ل۳، لن۲) ۳- پ: زمین را بخنجر چو جیحون کنیم؛ آ پس از این بیت افزوده است:

چو گفتند این سروران دلیر   ازان جای رفتند برسان شیر

٤- ل، پ: با سری؛ س، لن، ق۲، لی، آ، ب: با دلی؛ ق: بازبر؛ متن= ف، و، ل۲ (ونیز ل۳، لن۲) ۵- ل- ب: چو؛ متن= ف ٦- ل، ق، پ: از تیره شب؛ س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب (ونیز لن۲): از جای خود؛ متن= ف ۷- ف: جمید (حرف یکم هم در بالا و هم در زیر نقطه دارد)؛ ل: حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، لی، پ: چمید؛ ب: دمید؛ متن= س، لن، ق۲، و، آ، ل۲ ۸- س، لن، لی: آرامگاه؛ ق۲، آ، ب: رزمگاه؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل۲ ۹- لی: ترگ ۱۰- س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲: گفتی؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ب؛ در و پس از این بیت بیت ۸۴۲ آمده است ۱۱- ف، س، لن، لی، پ، آ، ب (ونیز لن۲): < و> ؛ متن= ل، ق، ق۲، و، ل۲ ۱۲- ل، ق، پ: چو بایست لشکر بیاراست؛ س، لن، ق۲، و، آ، ل۲، ب (ونیز لن۲): بیاراست لشکر چو بایست؛ متن= ف، لی ۱۳- ف، س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب (ونیز ل۳، لن۲): جنگ؛ ق: غرقه؛ آ: غرم؛ متن= ل، پ؛ در و این بیت پس از بیت ۸۳۹ آمده است ١٤- ل: جنب و؛ س، لن، ق۲، لی، و، آ، ب: گشت؛ متن= ف، ق، پ، ل۲ ۱۵- ق۲: چونان؛ آ: گویی؛ س، لن پس از این بیت سرنویس دارند، س: رزم شاه منوچهر با تور و کشته شدن تور؛ لن: کشته شدن تور بر دست منوچهر ١٦- ق۲: چو پیل دمان؛ ل۲: پیلان زنان؛ پ: خروشان سواران و پیلان دمان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- آ: رزمگاهست ۱۸- و: زشیپور و زناله کرّه‌نای؛ متن= ف- لن، ق۲- پ، آ- ب؛ ق این بیت را ندارد و بجای آن بیت زیر را افزوده است:

برفتند یکسر زجان آن گروه   سپهبد سپه را زهر سو پژوه

۱۹- ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: برفتند از جای (س: از آنجای) یکسر چو کوه؛ ق: وزان سو درآمد سپه همچو کوه؛ (ل۳: براندند از دشت یکسر چو کوه)؛ متن= ف، و (ونیز لن۲)؛ آ پس از این بیت افزوده است:

چنان چون درآمد سپاه از دوراه   همی رزم جستی سپاه از سپاه

۲۰- س، لن، ق۲، لی، و- ب (ونیز لن۲): ز؛ متن= ف، ل، ق، پ ۲۱- ق: شست ۲۲- س، لن، ق۲: خاك؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- لن: چو ٢٤- س، لن، ب: بر پاستون؛ ق۲: بر بیستون؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- ق: همان چیزکان ٢٦- لی: روی ۲۷- ب: چنان ۲۸- س: برکشید؛ و: تیره در سرکشید؛ ل۲: تیره رخ برکشید؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- و (ونیز لن۲): درفشنده ۳۰- ق: زیکسان ۳۱- لی، ب: گهی بهره شهدست؛ آ: گهی شهد نوشید؛ متن= نه دستنویس دیگر

دل سلم و تور[1] از غم آمد[2] به‌جوش   به راه شبیخون نهادند گوش
چو شب روز شد کس نیامد به جنگ   دو جنگی گرفتند ساز[3] درنگ
چُن[4] از روز رخشنده نیمی برفت   دل هر دو خونی[5] زکینه بتفت
به تدبیر یك بادگر[6] ساختند   همه رای[7] بیهوده انداختند
که چون شب بود[8] ما شبیخون کنیم   همه کوه و هامون[9] پر از خون کنیم[10]

چو آمد شب و روز شد در نِهان   سیاهی گرفتش سراسر جهان[11]
دو بیدادگر لَشکر آراستند   شبیخون همی بآرزو خواستند[12]
چو کاراگهان آگهی یافتند   دوان زی[13] منوچهر بشتافتند
شنیده به پیش[14] منوچهر شاه   بگفتند[15] تا برنشانند سپاه
منوچهر بشنید و[16] بگشاد گوش   سوی چاره شد مرد بسیار هوش
سپه را سراسر به قارن سپرد   کمین‌گاه بگزید سالار گرد
ببرد از سران[17] نامور سی هزار   دِلیران و مردان خنجرگزار[18]
کمین‌گاه را جای شایسته دید   سوارانش[19] جنگی و بایسته[20] دید

چو شب تیره شد تور با صدهزار   بیامد کمر بسته‌ی کارزار[21]
شبیخون سِگالیده و ساخته   سنان ها[22] به ابر اندرافراخته[23]
چُن[24] آمد سپه دید بر جای خویش   دِرفش فروزنده[25] بر پای خویش[26]

۱- **ل، ق- پ، آ، ب**: دل تور و سلم؛ متن= **ف، س، لن، و، ل[2]**   ۲- **ل**: اندر آمد؛ **لن- پ، آ**: آمد از غم؛ متن= **ف، س، و، ل[2]، ب**؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

بگفتند فردا نسازیم جنگ   که این مرد برناست و بس تیز چنگ
بفردا شبانگه شبیخون کنیم   بناگه زتن جانش بیرون کنیم

۳- **و**: راه؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

چو رفتند هرکس بارامگاه   پراندیشگان جان شاه و سپاه

٤- **ل، س، لن، ق[2]- ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): چو؛ متن= **ف**؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   ۵- **ل- ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): جنگی؛ متن= **ف**   ٦- **س، لن، ق[2]، پ- ب**: با یکدگر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، لی**   ۷- **س، آ، ب**: راه؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۸- **ل، س، لن، پ، و**: شود؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۹- **ل**: در ودشت هامون؛ **س، لن، ق[2]- آ، ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): همه دشت و (**ب**: < و>) هامون؛ متن= **ف، ل[2]**   ۱۰- **ل**: چو جیحون کنیم؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۱۱- **ف**: سراسر گرفتش سیاهی جهان؛ **ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن[3]، لن[2]**)   ۱۲- **ف، ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۱۳- **ف**: بسوی؛ **و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): دمان زی؛ متن= ده دستنویس دیگر   ١٤- **ل، ق، و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): رسیدند؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱۵- **ل**: نگفتند؛ در **ق[2]** پس از این بیت بیت ۸۵۸ دوباره آمده است   ١٦- **پ**: < و>   ۱۷- **س، لن، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب**: یلان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۱۸- **ل، ق، پ**: گردان خنجر گزار؛ **س، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب**: بیامد کمربسته کارزار (= ۸۶۵ب)؛ **لن**: بیامد همه شیرمردان کار؛ متن= **ف، و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۱۹- **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): سواران؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **س، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب**   ۲۰- **ق**: آهسته؛ **و** پس از این بیت سرنویس دارد: شبیخون کردن تور و کشته شدن بر دست منوچهر شاه   ۲۱- **س، لن، ق[2]، لی، آ، ب**: بیامد همه شیرمردان کار؛ **ل[2]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل[3]، لن[2]**)   ۲۲- **ف**: سرانشان؛ **پ**: سنان را؛ **و** (ونیز **لن[2]**): سران سر   ۲۳- **س، لن، ق[2]، لی، ل[2]، ب**: بپیوسته تیر وکمان آخته (**ق[2]**: ساخته)؛ **آ**: سرکینه گستر برافراخته؛ (**ل[3]**: سواران سنان ها برافراخته)؛ متن= **ل، ق**   ٢٤- **ل- ب** (ونیز **ل[3]، لن[2]**): چو؛ متن= **ف**   ۲۵- **س، لن، ق[2]**: **فریبنده**؛ **متن= نه دستنویس دیگر**   ٢٦- **ل- آ، ب** (ونیز **لن[2]**): پیش؛ متن= **ف، ل[2]** (ونیز **ل[3]**)

جز از جنـگ و پَیگـار چاره ندید　　　خروش[1] از میان سپـه برکشـید
ز گرد سواران هوا بسـت میغ　　　چو برق درخشـنـده[2] پولاد تیغ
هوا را تو گفـتـی همـی[3] برفـروخـت　　　چُن[4] الـمـاس روی زمـین را بسـوخت
به مغـز انـدرون بانـگ پولاد خاسـت　　　به ابـر انـدرون آتش و باد خاسـت[5]
برآورد شاه از کمـین گاه سر　　　نبُـد تور را از دو رویه گذر[6]
عِنـان را بپـیچـید و برگـاشـت روی　　　برآمـد ز لَشـکـر یکـی[7] های هوی[8]
دمـان از پس انـدر[9] منـوچـهـر شاه　　　رسـید انـدر آن[10] نامـور کینـه‌خـواه
یکـی نیزه انـداخـت بر[11] پشـت اوی[12]　　　نگـوسـار[13] شد خنـجـر از مشـت اوی[12]
ز زین برگـرفـتش بکـردار باد　　　بزد بر زَمـین داد مردی بداد
سرش را همـانـگـه ز تن باز[14] کرد　　　دد و دام را از تنش ساز[15] کرد
بیامـد به لَشـکـرگـه خویش باز　　　بدید آن نشـان نشـیب و فراز[16]

گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون[17]

به شاه آفـریدون یکـی نامـه کرد　　　ز نیك و بد روزگـار نبـرد[18]
نُخـسـت از[19] جهـان آفـرین کرد یاد　　　خداونـد خوبـی و پاکـی و داد
سپـاس از جهـانـدار فریاد رس　　　زسـخـتـی نگـیرد[20] جزو دسـت کس
دگـر آفـرین بر فریدون بُرز[21]　　　خداونـد تاج و خداونـد گرز[22]

۱- ل۲: سپاه　۲- آ: درفشنده؛ **ف** (ونیز **لن۲**) پس از بیت ۸۶۹ بیت زیر را افزوده‌اند؛ **و** پس از بیت ۸۶۹ نخست بیت ۸۷۱ و سپس بیت زیر را افزوده است:

چـو شـب روز شـد همـچـنـان جنـگـجـوی　　　دو لـشـکـر بـروي انـدر آورد روی

۳- پ: همه؛ **ل۲**: همین　**٤- ل- ب** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): چو؛ متن= **ف**　**۵-** در **و** این بیت پس از بیت ۸۶۹ آمده است؛ پیاپی بیت های **و**: ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۶۹پ، ۸۷۰، ۸۷۲　**٦- ق**: از گذرگه گذر　**۷- ق**: همان؛ **پ**، **ل۲**: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۸- س**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **آ**، **ل۲**، **ب**: های وهوی؛ **و**: هوی هوی؛ متن= **ف**، **ل**، **لن**، **ق**　**۹- ل**، **ق**: او؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۱۰- ق۲**: رسیدند از آن؛ **ق** پس از این بیت دو بیت و **لی** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

یـکـی بـانـگ بـرزد به بـیـدادگـــر　　　کـــه باش ای ستـمـکـار پـرخـاش خـر
ببـرّی سـر بـی گـنـاهـان چنـیـن　　　نـدانـی کـه جـویـد جهـان از تو کین

۱۱- ف، **و** (ونیز **لن۲**): یکی نیزه زد بر پس (**و**: < پس> ، وزن نادرست است)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳**)　**۱۲- ل**، **ق**، **ق۲**، **آ**، **ل۲**، **ب** (در لت یکم): او؛ متن= **ف**، **س**، **لن**، **لی**، **پ**، **و**، **ب** (در لت دوم)　**۱۳- ل- ب**= نگونسار؛ متن= **ف**　**١٤- س**، **لن**، **و** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): دور؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۱۵- س**، **لن**، **و** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): سور؛ متن= نه دستنویس دیگر　**١٦- ل**، **ق**: بدیدار آن لشکر سرفراز؛ **آ**: ندید از تنانشان یکی رزم ساز؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل۳**، **لن۲**)؛ در **و** (ونیز در **ل۳**، **لن۲**) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند　**۱۷- ف**: گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیك شاه افریدون و فرستادن سر تور با نامه بنزدیك او؛ **ل**: فتح نامه منوچهر بنزد شاه آفریدون؛ **س**، **لن**، **ق۲**، **لی**: نامه منوچهر بنزدیك (**س**، **ق۲**، **لی**: بنزد) فریدون (**س**: شاه فریدون) با سر تور؛ **ق**، **پ**: فتح نامه منوچهر به (**پ**: نزد) فریدون با سر تور؛ **و**: فتح نامهٔ منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛ **آ**، **ب**: نامهٔ منوچهر بنزد فریدون (**آ**: فریدون با سر تور)؛ **ل۲**: فرستادن منوچهر نامه نزد فریدون؛ متن= آغاز **ف**　**۱۸- ل**، **ق**: زمشك و زعنبر سر خامه کرد؛ **و**: زنیك و بد روزگار و نبرد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل۳**، **لن۲**)　**۱۹- پ**: آن؛ در **س- لی**، **و- ب** (ونیز در **لن۲**) بجای این بیت بیت زیر آمده است:

نخست آفـرین بر(**و**: <بر>؛ **ل۲**: از)جهـانـدارکرد　　　که بختی (**ق**، **و**، **آ**: بخت) چنـان خفتـه بیدار کرد

متن= **ف**، **ل**، **پ**　**۲۰- ل- ق۲**، **پ- ل۲** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): نگیرد به (**ل۲**: ز) سختی؛ **لی**، **ب**: بسختی نگیرد؛ متن= **ف**؛ در **ف** پس از بیت ۸۸۱ بیت ۱۰۲۸ آمده است؛ **س**، **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **آ**، **ل۲**، **ب** پس از بیت ۸۸۱ افزوده‌اند:

که او رهـنـمـایست وهـم (**لـن**، **آ**: واو) دلگشـای　　　کـه جـاویـد بـاشـد همـیشـه بجـای

این بیت در **ف**، **ل**، **ق**، **و** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): نیست　**۲۱- و** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): شاه　**۲۲- و** (ونیز **ل۳**، **لن۲**): گاه

همش داد و هم دین و هم[1] فرّهی   همش تاج[2] و هم تخت[3] شاهنشهی
همه راستی راست از بخت اوست[4]   همه فرّ و زیبایی از[5] تخت اوست[6]
رسیدم به خوبی[7] به توران زَمین   سپه برکشیدیم وجستیم کین
سه جنگ گران کرده شد در دو[8] روز   چه در شب چه با[9] هور گیتی فروز
ازیشان شبیخون و از ما کمین   کشیدیم[10] و جستیم هرگونه کین[11]
شنیدم که ساز شبیخون گرفت   زبیچارگی کار[12] افسون گرفت
کمین ساختم در[13] پس پشت اوی[14]   نماندم بجز باد در مشت اوی[15]
یکایك چو از جنگ برگاشت روی[16]   پی اندرگرفتم رسیدم بدوی[17]
به خَفتانش بر نیزه بگذاشتم   به باد اندر از زینش[18] برداشتم
بینداختم[19] چون یکی اَژدها   بریدم سرش زان[20] تن بی بها
چُنان چون سر ایرج شهریار   به تابوت زر اندرافگنده خوار[21]
فرستادم اینك بنزد نیا   بسازم کنون سلم را کیمیا[22]

به نامه درون این سَخُن کرد یاد[23]   هیونی برافگند چون تند باد[24]
فرستاده آمد رخی[25] پر ز شرم   دو چشم از[26] فِریدون پر از آب گرم

۱- س، لن، ق۲، لی: همش دادو دینست و هم؛ و (ونیز ل۳، لن۲): همش دادو دیهیم و هم؛ آ: همش دادو دین و همش؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل۲، ب ۲- س، لن، لی، و، آ، ل۲، ب (ونیز ل۳): نام؛ ق۲: کام؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳- س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب: گنج؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ (ونیز ل۳، لن۲) ٤- س، لی: اوی؛ ق۲، ل۲، ب: او؛ آ: تخت او؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۵- پ: همه سرفرازی بر؛ آ: همه فرّ زیبایی از ٦- س، لی: اوی؛ ق۲، ل۲، ب: او؛ آ: بخت اوی؛ متن= ف، ل، ق، پ، و؛ پ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

جهان شد بنویی ز داد آفرین   که گیتی نبد تا که بد همچنین
توای شاه با داد و با دانشی   ازین آمدن هم تو با رامشی

۷- آ: بفرّش رسیدم ۸- ل، ق، ق۲، لی، پ، و (ونیز ل۳، لن۲): سه؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن= ف، آ، ل۲، ب ۹- ل، ق، ق۲، لی، پ، ب (ونیز ل۳): در؛ متن= ف، و، آ، ل۲ (ونیز لن۲)؛ در و این بیت با بیت ۸۸۸ پس و پیش شده است ۱۰- پ: گشادیم ۱۱- و: بدین گونه پیوسته شد رزم و کین؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ل: نیز؛ س، لن، ق۲، لی، ب: ساز؛ ق: بندو؛ و، آ، ل۲ (ونیز لن۲): راه؛ متن= ف، پ؛ در و این بیت با بیت ۸۸۶ پس و پیش شده است ۱۳- ل، پ، و: از؛ متن= نه دستنویس دیگر ١٤- ف، ل، ق، ب: او؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل۳، لن۲) ۱۵- ف، ل، ق، ب: او؛ متن= پ، و، آ، ل۲ (ونیز ل۳، لن۲)؛ س، لن، ق۲، لی: پی اندر گرفتم رسیدم بدوی (۸۸۹ب و ۸۹۰آ را انداخته و از ۸۸۹آ و ۸۹۵ب یك بیت ساخته‌اند) ١٦- ق: رو؛ س، لن، ق۲، لی این لت را انداخته‌اند (← پ۱۵)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- ق: باو؛ پ: بروی ۱۸- ل: بنیرو از آن زینش؛ س، لی، و (ونیز ل۳، لن۲): چو باد از بر زینش؛ ق: بنیرو من از زینش؛ ق۲، آ: بباد اندر ازپیش؛ پ: زجای اندر از زین؛ متن= ف، لن، ل۲، ب ۱۹- س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: بیفکندمش؛ (ل۳: درانداختم)؛ متن= ف، ل، ق، پ (ونیز لن۲) ۲۰- ل، ق، پ: سرش از؛ ل۲: سرش راز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- لن، ق۲، لی، پ، و، ل۲: افکند خوار؛ ب: افکند نار؛ متن= ف، ل، س، ق، آ (ونیز ل۳، لن۲)؛ در ف- ب (ونیز در ل۳، لن۲) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س، لن، ق۲- ب (ونیز ل۳، لن۲) پس از بیت ۸۹۳ دو بیت زیر را افزوده‌اند؛ ق پس از بیت ۸۹۳ تنها بیت یکم را افزوده است، ولی بیت دوم را نیز در کناره افزوده‌اند:

برو بر (ل۲: بدو بر) نبخشود وشرمش نداشت   جهان آفرینم برو برگماشت
بریدم سرش همچنان کان او (لی، پ، و: اوی)   چو (پ: که) ویران کنم بوم وبرخان (لن: خوان؛ آ: جان) او (لی، پ: اوی)
و: چو بوم و برو خان ویران اوی

این دو بیت در ف، ل نیست و ق تنها بیت یکم را دارد ۲۲- در ف- ب (ونیز ل۳، لن۲) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های ۸۹۳ و ۸۹۴ تصحیح قیاسی است ۲۳- س، لن، ق۲، آ: چون همه یاد کرد؛ ق۲: این سخن یاد کرد؛ لی، ب: چون همی (ب: همه) کرد یاد؛ ل۲: سربسر یاد کرد؛ متن= ف، ل، پ، و ٢٤- ل، لی، ب: برسان باد؛ س، لن، ق۲، آ، ل۲: برسان گرد؛ ق: چون باد گرد؛ متن= ف، پ، و ۲۵- پ: شد بارخی؛ و: آمد دلی ۲٦- ق۲، آ: < از>

که چون برد خواهد سر شاه چین   بریده بر شاه ایران زمین[1]
که فرزند اگر سر بپیچد[2] ز دین   بشوید همان خون دل آب کین[3]
گنه بس گران بود[4] پوزش[5] نبرد   وُدیگر که[6] کین خواه نو[7] بود و[8] گرد

بیامد فرستاده‌ی شوخ[9] روی   سر تور بنهاد در پیش[10] اوی
فِریدون کی[11] بر منوچهر بر   همی[12] آفرین خواست[13] از دادگر

به سلم آگهی[14] رفت ازین[15] رزمگاه[16]   وُزان تیرگی کاندر[17] آمد به ماه[18]
پس ِ پشتش اندر یکی حِصن بود   برآورده سر تا به چرخ کبود
چُنان ساخت کاید بدان[19] حِصن باز   که دارد[20] زمانه[21] نشیب و فراز
همی این[22] سَخُن قارن[23] اندیشه کرد[24]   که برگاشت مر سلم روی از نبرد[25]
الانی[26] دژش باشد آرامگاه   سَزد گر بروبر[27] بگیریم[28] راه
که گر[29] حِصن و[30] دریا بود جای اوی[31]   کسی نگسلاند زُبن[32] پای اوی
یکی جای[33] دارد سر اندر سحاب   به[34] خارا[35] برآورده از قعر آب
نِهاده ز هر چیز گنجی[36] به جای[37]   برو نفکند[38] سایه پرّ[39] همای
مرا رفت باید بدین[40] کار[41] زود   رکاب[42] و عنان را[43] بباید بسود

دمان شد بنزد منوچهر شاه   بدو گفت کای نامور پیشگاه[44]

۱- **ل**[۲]: بر شهریار زمین   ۲- **س، لن، ق**[۲]**، لی، و- ب** (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): که فرزند هرچند پیچد؛ متن= **ف، ل، ق، پ**   ۳- **ل، ق**: پدر را بدو (**ق**: برو) مهرافزون زکین؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، ل**[۲]**، ب**: بسوزد بمرگش (**لن**: بمرگ) پدر همچنین (**ق**[۲]**، ل**[۲]**، ب**: دل همین)؛ **پ**: بشوید همی از خرد مهر و کین؛ **و** (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): نشوید همان (**ل**[۳]: بشوید همی) خون دل زآب کین؛ متن= **ف، آ**   ٤- **پ، آ، ل**[۲]**، ب**: بود و؛ **و**: گناهش گران بود؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق**[۲]**، لی**   ۵- **ل**: مهترش؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲])   ٦- **و**: دگر آنك   ۷- **ل**: او؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۸- **ل، پ، و**: <و>   ۹- **لی**: سرخ   ۱۰- **ق**: نزدیك   ۱۱- **ل- ق**: همی؛ **پ**: شه؛ **و**: یکی؛ متن= **ف، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**   ۱۲- **ل**: یکی؛ **لن**: بسی   ۱۳- **س، لن، لی**: خواند؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱٤- **ل**[۲]: آنگهی؛ **آ** این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی آنها را در کناره به خطی نزدیك به خط متن افزوده‌اند   ۱۵- **ق**[۲]**، و**: ازان؛ **لی**: زان   ۱٦- **و**: کینه‌خواه   ۱۷- **ب**: اندر   ۱۸- **س، ق، لی، پ**: براه؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **آ**   ۱۹- **ل**: بران؛ **ق**[۲]: پس پشتش اندر یکی (=۹۰۳آ)؛ **پ**: چنان خواست کاید بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **آ**   ۲۰- **ف، ل، ق**: گذارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **آ** (ونیز **لن**[۲])   ۲۱- **ف، و**: زمانی؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **آ** (ونیز **لن**[۲])   ۲۲- **ل**: هم این یك؛ **ق**: همین یك؛ **و**: همان یك؛ (**ل**[۳]: همان این)؛ متن= **ف**   ۲۳- **و** (ونیز **ل**[۳]): شاه؛ متن= **ف، ل، ق**   ۲٤- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ل**[۲]**، ب**: پس آنگه منوچهر از آن (**لی**: ازو) یاد کرد   ۲۵- **ل، ق، ق**[۲]**، ب**: که برگاشتش (**ق**: برگاشتست؛ **ق**[۲]: برگاردش) سلم روی از نبرد؛ **س، لن، لی، پ، و**: که گر سلم پیچید (**س، لن**: پیچد دو؛ **پ**: پیچیده؛ **و**: که پیچد همی سلم) روی از نبرد؛ **ل**[۲]: که برگاردش روی سلم از نبرد؛ (**لن**[۲]: که پردازد از سلم روز نبرد)؛ متن= **ف**؛ **پ** این بیت را بگونهٔ زیر هم نوشته و روی آن خط کشیده است:

همین یك سخن گفت و اندیشه کرد   که برگاشت پس سلم روی از نبرد

۲٦- **ل**: کالان؛ **ق، پ**: الانـان؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۷- **لن**: بدوبر؛ **ق**: بروما؛ **لی**: بدوگر؛ **پ**: سزد بروی ارما؛ متن= هشت دستنویسدیگر   ۲۸- **ل**[۲]: نگیریم؛   ۲۹- **و**: اگر   ۳۰- **ل، س، لن، ق**[۲]**- ب**: <و>؛ متن= **ف، ق**   ۳۱- **ف- ق**[۲]**، پ، ل**[۲]**، ب**: او؛ متن= **لی، و، آ**   ۳۲- **ل**[۲]: زتن   ۳۳- **ل، ق**: حصن؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۳٤- **لی، و**: ز   ۳۵- **ل، ق، پ**: چاره؛ **س، لن، ق**[۲]**، آ، ل**[۲]**، ب**: مرمر؛ متن= **ف، لی، و**   ۳٦- **ل**: زهر چیز گنجی نهاده؛ متن= یازده دستنویس دیگر   ۳۷- **آ**: بپای   ۳۸- **ل، ق، پ**: فکنده برو؛ **س**: برو نفکند (حرف یکم واژهٔ دوم نقطه ندارد)؛ **ق**[۲]**، لی، آ**: بدو نفکند؛ متن= **ف، لن، و، ل**[۲]**، ب**   ۳۹- **پ**: فرّ   ٤۰- **س، لن، ل**[۲]: بدان؛ **ب**: برین؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ٤۱- **ل- ق، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: چاره؛ **ق**[۲]: جاه؛ متن= **ف، و**   ٤۲- **لن، ق**[۲]: رکیب   ٤۳- **ق**: عنانم؛ در **و** این بیت پس از بیت های پ۴۲ آمده است   ٤٤- **ل- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= **ف**؛ **س، لن، ق**[۲]**- ب** (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) بجای این بیت دو بیت زیر را افزوده‌اند:

چو اندیشه کرد این (**آ، ب**: آن) بقارن بگفت   کجا بود آن (**و**: او) رازها در(**و**: را) نهفت
چوقارن شنیداین(**س،آ**: آن)سخنهاز(**آ**: سخنهای)شاه   چنین گفت کای مهتر نیکخواه(**لی،و،آ،ل**[۲]**،ب**: کینه‌خواه)

این دو بیت در **ف، ل، ق** نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند؛ در **و** پس از این بیت ها بیت ۹۱۰ آمده است

اگر شاه بیند، ز جنگاوران[1] به کهتر سپارد سپاهی گران
در چاره‌ی او بگیرم بدست کزین راه جنگست وزان راه جَست[2]
بباید[3] دِرفش همایون شاه هم انگشتری[4] تور با من براه
بخواهم کنون[5] چاره‌یی ساختن سپه را به حصن اندر انداختن
من و گرد کرشاسپ[6] و این[7] تیره‌شب برین راز[8] بر هیچ[9] مگشای لب

چو روی هوا گشت[10] چون آبنوس نهادند بر کوهه‌ی پیل کوس
همه نامداران پرخاشجوی ز خشکی به دریا نِهادند روی
سپه را به شیروی بسپرد و گفت که من[11] خویشتن را بخواهم نهفت
شوم سوی دزبان به پیغمبری[12] نُمایم بدو مُهر[13] انگشتری
چو در[14] دز شوم[15] برفرازم دِرفش درفشان کنم تیغ‌های بنفش
شما روی یکسر سوی دز[16] نِهید چو من برخروشم دَمید و دِهید[17]

سپه را بنزدیکی دز[18] بماند به شیروی شیراوزن[19] و[20] خود براند
بیامد چو نزدیکی دز رسید سَخُن گفت و[21] دزدار[22] مُهرش بدید
چُنین[23] گفت کز نزد تور آمدم نفرمود[24] تا یك زمان دم زدم
مرا گفت رو[25] پیش[26] دزبان بگوی که روز و شب آرام و خَوشّی[27] مجوی
تو با او به نیك و به بد یار باش نگهبان دز باش و هشیار[28] باش
گر آید[29] دِرفش منوچهر شاه سوی دز فرستد همی[30] با سپاه
شما بازدارید[31] و نیرو کنید مگر کان[32] سپاه وُرا بشکنید

۱- **و**: اگر بیند این شاه جنگاوران؛ **و** در اینجا سرنویس دارد: مکر کردن قارن کاوه و گرفتن حصار سلم ۲- **س، لن، ق، پ**: که هم راه (**س**: کنون جای؛ **لن**: کنون راه) جنگست و هم راه جست؛ **لی**: کزین رای جنگست و آن راه جست؛ **و**: کزو جای جنگست و زوجای جست؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق**۲**، آ، ل**۲**، ب** ۳- **ل**: همان با؛ متن= یازده دستنویس دیگر ٤- **ق**: همان انگشتری (وزن نادرست است)؛ **ق**۲**، پ**: هم انگشتر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **ل، و**: بباید کنون؛ **آ**: توانم مگر؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- **ل**: کشاسب(!) ۷- **ق**۲: ان؛ **لی، و، ل**۲: وین؛ **ب**: این؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **س**: برین راه؛ **لن، لی**: برین رای؛ **و**: ازین راز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **ل**: برباد ۱۰- **ل**۲: گشته ۱۱- **ل**۲: کمین ۱۲- **س، ق، ق**۲**، آ، ب**: پیغامبری (وزن نادرست است)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- **ف، س، لن، ق**۲**، لی، و**: مهرو؛ متن= **ل، ق، پ، آ، ل**۲**، ب**؛ **ل**۲ پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن قارن و گرفتن دز بفرّ منوچهر ١٤- **س- لی، و- ب**: بر؛ متن= **ف، ل، پ** ۱۵- **و، ب**: روم ۱٦- **ق، پ**: من ۱۷- **ف، ق**: که (**ق**: چو) پیش اندر آید دمید و دهید؛ **ل**: چنانك اندر آید خورید و دهید؛ **پ**: چوآیند خنجر کشید و دمید؛ **و**: چو پیش آمد اندر دمید و دهید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **س، لن، لی، پ**: بنزدیك دریا؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- **ل، س، لن، ق**۲**- ب**: شیراوژن (حرف ششم سه نقطه دارد) ۲۰- **پ**: < و> ۲۱- **ق**۲**، و، ب**: < و> ۲۲- **و، ب**: دزدار و ۲۳- **ق، پ**: بدو ۲٤- **ل، س، پ**: نفرمود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق**۲**، ل**۲: بفرمود؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- **ل، پ**: شو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲٦- **ق**۲**، ب**: نزد؛ **پ**: سوی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- **ل**: خوردن؛ **لن**: خوبی؛ **لی، ب**: خفتن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- **ل، ق- ب** (ونیز **ل**۳): بیدار؛ متن= **ف، س، لن** (ونیز **لن**۲)؛ در **ل** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۹- **ل، ق، پ، آ، ل**۲: کزایدر؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **ل**۳**، لن**۲) ۳۰- **س، لن، لی**: کسی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**۳**، لن**۲)؛ در **ل** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- **س، لن، ق**۲**، لی، و، آ، ب** (ونیز **ل**۳**، لن**۲): شمایار باشید؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، پ، و، ل**۲ ۳۲- **و**: آن

چو دزبان چُنین[1] گفت ها را شنید[2] — همان مُهر و[3] انگشتری را بدید
همانگه در دز گشادند باز — بدید[4] آشکارا، ندانست راز[5]
نگر تا سَخُن گوی دهقان چه گفت[6] — -که راز دل از دیدگان درنهفت-:[7]
مرا و ترا بندگی پیشه باد[8] — ابا پیشه‌مان[9] نیز اندیشه باد[8]
به نیك و به بد هرچه[10] شاید بُدن — بباید همه داستانها[11] زدن
چو دزدار با[12] قارن رزمجوی — یکایك براز اندرآورد[13] روی
به بیگانه بر مِهر خویشی نِهاد — بداد از گزافه سر و دز[14] بباد

چو شب روز شد قارن رزمخواه — دِرفشی برافراشت[15] چون گِرد ماه[16]
خروشید و بنمود یك یك نشان — به شیروی و[17] گُردان[18] گَردنکشان
چو شیروی دید آن دِرفش کیی[19] — به دز روی بنهاد مرد پیی[20] (!)
در حِصن بگرفت[21] و اندر نِهاد[22] — سران را ز خون بر سر افسر نِهاد
به یك دست قارن به یك دست شیر — به سر بر ز تیغ آتش[23] و آب زیر
چو خورشید بر تیغ گنبد کشید[24] — نه آیین دز بُد[25] نه دزبان پدید
نه دز بود گفتی[26] نه[27] کشتی بر آب — یکی دود دیدی[28] سر اندر سحاب
درخشیدن[29] آتش و باد خاست — خروش اسیران[30] و فریاد خاست

۱- **ق۲**: چنا< ن> ؛ آ: چنان ۲- **س، لن**: چو دزبان سخن را سراسر شنید؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- **ل، پ، ب**: < و> ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) ٤- **ف**: شنید؛ **ق**: بدین؛ متن= **ل، ق۲، پ- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۵- **س، لن، لی**: ندانست هیچ آشکارا ز راز ٦- **ق**: نگه کن که دهقان بخرد چه گفت ۷- **ل، ق**: که راز دل از کودك خود نهفت؛ **س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): که راز دل آن (**ب**: او) دید کو دل نهفت؛ متن= **ف** ۸- **و**: داد ۹- **س، لن**: مران پیشه‌مان؛ **لی**: باندیشه‌مان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **ل**: هرچ ۱۱- **ل، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): بباید همی داستانها؛ **ق، ق۲، لی، آ، ب**: همه (**ق**: بدان) داستانها بباید؛ متن= **ف، س، لن، ل۲** ۱۲- **ل، ق، و**: چو دز دار (**و**: دزبان) و چون؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- **ل، ق، ق۲، پ، و**: یکایك بروی (**و**: بدز) اندر آورد (**ل**: آورده)؛ **س، لن، لی**: یکایك ببالا نهادند؛ **ل۲**: یکایك براز ایدر آورد؛ متن= **ف، آ، ب**؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی بد سگال و یکی ساده دل — سپهبد به هر چاره آماده دل
همی جست آن روز تا شب زمان — بناگاه (← نه آگاه) دز دار ازان بدگمان (**ق**: بی گمان)

۱٤- **ق**: سروتن؛ **ق۲**از گزاف از سرد ز؛ **ل۲** پس از این بیت سرنویس دارد: تسلیم کردن دزبان دز را بقارن کاوه؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بنهاد شب رو براه گریز — براورد خورشید ازو رستخیز

۱۵- **ل**- آ، **ب**: بر افراخت؛ متن= **ف، ل۲** ١٦- **س، لن، لی**: بردز چو ماه؛ **پ**: چون روی ماه؛ آ: پیکر چو ماه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- **ل**: < و> ؛ **و**: به شیرو و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۸- **ق**: شیران و؛ **س، لی، و، آ، ب**: گردان و؛ متن= **ف، ل، لن، ق۲، پ، ل۲** ۱۹- **ل**: یلی؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): کیان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- **ل، ق**: به کین روی بنهاد با پر دلی (**ق**: از بد خوی)؛ **س**: همی روی بنمود مرغ پیی؛ **لن، ق۲، آ، ل۲، ب**: بپی روی بنهاد (**لن**: بنمود) مرد پیی؛ **لی**: بپوشید باهن بر پهلوی؛ **پ**: بدو روی بنهاد از پی پیی؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): همی روی بنهاد زی پهلوان؛ متن= **ف** ۲۱- آ: بگشاد ۲۲- **س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب**: و سر در نهاد؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و**، آ ۲۳- **ل**: به سر گرز و تیغ آتش؛ **ق**: بسر گرز گران آتش (وزن نادرست است)؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در **ف** پس از این بیت، بیت ۹۴۴ آمده است ۲٤- **ل، س، ق، ق۲، ب**: رسید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: نه دز بود پیدا؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ٢٦- **س، لن، ق۲**، آ: پیدا؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۷- **ف**: چه؛ **پ**: که؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۸- **لی**: بودی ۲۹- **ف**: درفشیدن؛ **س، لن**: درخشندگی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳۰- **ل، ق، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) سواران؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ف** این بیت پس از بیت ۹۴۱ آمده است و لت های آن هم پس و پیش شده‌اند

چو خورشید تابان ز گنبد[۱] بگشت همان[۲] دز نُمود و همان[۲] پهن[۳] دشت
بکشتند از ایشان ده‌ودو هزار[۴] همی دود[۵] آتش برآمد چو[۶] قار
همه روی دریا شده قیرگون[۷] همه روی صحرا شده رود خون[۸]

از آن[۹] جایگه قارن رزمخواه[۱۰] بیامد بنزد منوچهر شاه
به شاه نوآیین بگفت آنچ[۱۱] کرد وُزان[۱۲] گردش روزگار نبرد
برو بر[۱۳] منوچهر کرد آفرین که بی تو مباد اسپ و گوپال و زین[۱۴]
تو زیدر برفتی[۱۵] بیامد سپاه نوآیین یکی نامور کینه‌خواه
نبیره سپهدار[۱۶] ضحّاك بود شنیدم که کاکوی[۱۷] ناپاك[۱۸] بود
یکی تاختن کرد با صد هزار[۱۹] سُواران[۲۰] گردن کش[۲۱] نامدار[۲۲]
بکشت از دِلیران من[۲۳] چند مرد که بودند شیران روز نبرد
کنون سلم را رای[۲۴] جنگ آمده‌ست که یارش ز دزهوخت کَنگ[۲۵] آمده‌ست
یکی دیو جنگیش گویند هست گه رزم ناباك و[۲۶] با زوردست
هنوز اندر آورد نبسودمش[۲۷] به گرز دِلیران[۲۸] نپیمودمش[۲۹]
چو این بار کاید[۳۰] سوی ما به جنگ یکی[۳۱] برگرایم ببینمش سنگ[۳۲]

بدو گفت قارن که ای شهریار که آید به[۳۳] پیش تو در کارزار
اگر همنبرد تو باشد پلنگ بدرّد[۳۴] بدو[۳۵] پوست از یاد[۳۶] جنگ[۳۷]
کدامست کاکوی[۳۸] و کاکوی[۳۹] چیست[۴۰] هماورد تو در جهان مرد کیست

۱- ل- پ، آ، ل[۲]، ب: بالا؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۲- ل: چه آن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳- (ل[۳]: ساده)؛ متن= ف- ب (و نیز لن[۲]) ٤- ل: بکشتند ازیشان فزون از شمار؛ و: ز کشتی و زورق ده و دو هزار؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- پ: دوداز ٦- س، لن، ل[۲]: ز؛ آ: ازو دیده بر چرخ می شد چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- س، لن: تیره گون ۸- ل، س، لن، ق، پ، ل[۲]، ب: جوی خون؛ ق[۲]: تیره گون؛ آ: ز خون روی دریا شده لاله گون؛ متن= ف، لی، و ۹- س- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): وزان: متن= ف، ل ۱۰- ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب: کینه خواه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- ق- ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن ۱۲- س، لن، ق[۲]، آ، ل[۲]، ب: ازان؛ لی: ازین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۱۳- لی، آ: بدوبر ١٤- ق[۲]، آ، ب: که بی تو مبادا کلاه و نگین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- لی: توزایدر چورفتی؛ آ: چورفتی توزایدر ١٦- و: جهاندار ۱۷- ل، ق: کرکوی؛ س، لی، پ (و نیز ل[۳]، لن[۲]): کالوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف- لی، و، ل[۲]: ناباك؛ پ، آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): ناپاك ۱۹- و: سی هزار ۲۰- و: ز ترکان ۲۱- ل، پ، آ: گردنکش و ۲۲- ف: کینه دار؛ ق[۲]، لی، ل[۲]، ب: نیزه دار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، پ، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]): ما؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲٤- و: روز ۲۵- ف: که دلش از پی تور تنگ؛ ل، ق: چو (ق: که) کرکوی یارش بجنگ؛ لی، ل[۲]: که یارش (لی: که بازش) ز دز هوخ (لی: هوحه) کنك؛ (ل[۳]: هوش کنك؛ لن[۲]: هوك کنك)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٦- ف: < و>؛ ل، ق، و: کند رزم ناباك؛ س، لن: که با سهم پیلست و؛ لی: که در رزم ناباك؛ آ: گه رزم ناباك؛ ب: گه رزم ناپاك و؛ متن= ق[۲]، پ، ل[۲] ۲۷- لی: نشنودمش؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۸- و: بگاه دلیری ۲۹- ل[۲]: به پیمودمش ۳۰- ق[۲]: ارین بار کاهد؛ لی، ل[۲]، ب: از این بار کاید؛ و: گر این بار آید؛ آ: چو این بار آید؛ س، لن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، پ ۳۱- و: ورا ۳۲- آ: تنش را بسنگ ۳۳- ل[۲]: نه ۳٤- ق: بدری ۳۵- ل، س، لن، ق، پ- ب: برو؛ متن= ف، ق[۲]، لی ۳٦- ف، ل، و (و نیز ل[۳]): باد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، لی، آ، ل[۲]: هنگام؛ ق، ق[۲]، ب: باد؛ (لن[۲]: تاو)؛ متن= پ ۳۷- ف: چنگ؛ در س، لن، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب این بیت با بیت سپسین پس پیش شده است و در س، لن، آ، ل[۲]، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو برخاست آواز شیپور و نای بقلب اندرون شاه بگزید جای
چنین (س، لن: همی) گفت قارن بشاه جوان (آ، ب: جهان) چه بر (آ: ابر؛ ب: که بر) آشکارا چه اندر نهان

۳۸- ل، ق: کرکوی؛ س، لن، لی، پ: کالوی؛ متن= ف، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب ۳۹- ل: کرکوی؛ س، لی، پ: کالوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤۰- ق، ب: کیست (پساوند ندارند)؛ در س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

من اکنون به هوش دل و پاك مغز   یکی چاره سازم بدین[1] کار نغز
کزین پس سوی[2] ما ز دزهوخت کَنگ[3]   چو کاکوی[4] ماننده ناید[5] به جنگ

بگفتند و آوای[6] شیپور و[7] نای   برآمد ز دهلیز پرده‌سرای[8]
خروش[9] سُواران و آواز[10] کوس   هوا[11] قیرگون شد زمین[12] آبنوس
تو گفتی که الماس جان داردی   همان گرد تیره[13] زبان[14] داردی
دِهادِه خروش آمد و گیرگیر[15]   هوا دام کرگس شد از پرّ تیر[16]
فسرده[17] ز خون پنجه بر دست[18] تیغ   چکان قطره‌ی خون ز تاریك میغ
تو گفتی زمین موج خواهد زدن   وُزو[19] موج بر اوج خواهد زدن[20]
برون رفت کاکوی[21] و برزد[22] غریو   برآویخت با شاه چون نرّه دیو
تو گفتی دو پیل اند هر دو ژیان   گشاده برو دست و[23] بسته میان
یکی نیزه زد بر کمربند[24] شاه   بجنبید بر سرش رومی کلاه
زره با[25] کمربند[26] او بردرید   از[27] آهن تن پاکش[28] آمد پدید

۱- **ل، پ، ب**: برین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **و**: بر؛ **ق، ق۲** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **ف**: هوشکنك؛ **لی**: هوحه کنك؛ **ل۲** هوج کنك؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ٤- **ل**: کرکوی؛ **س، لی**: کالوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۵- **ل**: دیگر نیاید؛ **س، لن**: سرکش نیاید؛ **لی** (و نیز **ل۳**): بی مایه ناید؛ **و** (و نیز **لن۲**): ماند نیاید؛ **ل۲**: ما بنده ناید؛ متن= **ف، پ، آ، ب**؛ **ل، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از این بیت و **ق۲** پس از بیت ۹۶۹ افزوده‌اند:

چنین داد پاسخ بدو (**ق، ق۲، و**: بدو گفت پس نامور) شهریار   که‌دل‌رابدین‌کار(**ق**: زکرکوی؛ **ق۲**: به‌کاکوی؛ **و**: زکاکوی)رنجه‌مدار
تو خود رنجه گشتی بدین تاختن   سپه بردن و کینه را ساختن
کنون گاه رزم (**و**: جنگ) من آمد فراز   تو دم برزن ای گرد گردنفراز

این بیت ها در **ف، س، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب** نیست ٦- **س، لن، و**: بگفت این و آواز؛ **لی، آ**: بگفتند و (**لی**: ز) آواز؛ **ل۲**: بگفت و باوای؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، پ، ب** ۷- **ل، ق**: <و> ۸- **پ، آ**: بر آمد همیدون (**آ**: همانگه) ز پرده سرای؛ **و**: بر آمد ز پرده بهر دو سرای؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- **ق، ل۲**: ز جوش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۰- **ل-و**: آوای؛ متن= **ف، آ، ل۲، ب** ۱۱- **ل، ق، پ**: زمین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- **ل، ق، پ**: هوا؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- **ل، ق، پ**: گرز و نیزه؛ **ل۲، ب**: گرد نیزه؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ١٤- **لی، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): روان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۵- **ل- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): دار و گیر؛ متن= **ف، ل۲** ١٦- **ق**: از ابر تیر؛ **و**: و ابر تیر ۱۷- **ل**: فشرده ۱۸- **ل، س، پ، آ**: بر دست و؛ **لی**: و دست و؛ **و**: فسرده به پنجه درون دست و؛ **ل۲**: فسرده ز خون بود بر دست؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، ب** ۱۹- **ل، ق، و، ب**: وزان؛ **پ**: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- **و، آ**: شدن؛ **ل، ق** پس از بیت ۹۶۹ سه بیت زیر را و **و** تنها بیت نخستین را افزوده‌اند:

برآمیخته یك بدیگر سپاه   جهان گشت چون روی زنگی سیاه
هم آنگه دمان گرد کرکوی شیر   به پیش سپاه اندرآمد دلیر
چو شاه منوچهر او را بدید   بکردار ببر (**ق**: ابر) دمان بردمید

لی، آ، ب پس از بیت ۹۶۹ بیت زیر را و **ق۲** پس از بیت ۹۶۹ نخست سه بیت ۹۶۳پ را و سپس بیت زیر را افزوده‌اند:

میان دو صف شاه آزرمجوی   همان گرد کاکو (**لی**: کالو) بدو کرد روی
آ: همان گرد کوکویدو کرد اوی (!)

ل۲ پس از بیت ۹۶۹ سرنویس دارد: جنگ کاکوی نبیرهٔ ضحاك با منوچهر و کشته شدن ۲۱- **ل**: کرکوی؛ **س، پ**: کالوی؛ **لی**: کالو؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- **ل، پ، و**: برشد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **ق، ب**: <و>؛ **و**: بروتنگ؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- **ل، ق، ل۲**: کمرگاه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **و**: پس از این بیت افزوده است:

هم آنگه دمان گرد کاکوی شیر   بپیش سپاه اندرآمد دلیر (= ۹۶۹پ ۲)

۲۵- **ف** ناخواناست؛ **ل، ق، پ، و**: بر؛ **ق۲، آ**: تا؛ متن= **س، لن، لی، ل۲، ب** ٢٦- **و**: کمرگاه ۲۷- **و، آ، ب**: ز ۲۸- **ل، ق، پ**: آهن کمرگاهش؛ متن= نه دستنویس دیگر

یکی تیغ زد شاه بر گردنش — همه[۱] چاك شد جوشن[۲] اندر تنش
دو خونی[۳] برین[۴] گونه تا نیم روز — چو برگشته شد هور[۵] گیتی فروز
همی چون پلنگان برآویختند — همه[۶] خاك با خون برآمیختند[۷]
به خون غرفه شد کوه و دریا و دشت — از اندازه آویزش اندرگذشت[۸]
دل شاه از[۹] جنگ برگشت تنگ — بیفشرد[۱۰] ران و بیازید چنگ
کمربند کاکوی[۱۱] بگرفت خوار — ز زین برگسست[۱۲] آن تن پیلوار
بینداخت خسته بران[۱۳] گرم خاك — به شمشیر کردش[۱۴] برو سُفت[۱۵] چاك
شد آن مرد تازی به تیزی[۱۶] به باد — چُنان[۱۷] روز بد را ز مادر بزاد[۱۸]
چنو[۱۹] کشته شد پشت خاورخدای — شکسته شد و دیگر آمدش[۲۰] رای
تهی شد ز کینه سر کینه‌دار — گریزان همی رفت سوی حصار[۲۱]
پس اندر سپاه[۲۲] منوچهر شاه — دمان[۲۳] و دنان[۲۴] برگرفتند راه
چنان شد[۲۵] ز بس کشته و خسته[۲۶] دشت — که پوینده را راه دشوار گشت

۱- **پ**: همی ۲- **س، لن، ل[۲]**: جامه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب**: دو لشکر؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** ٤- **ف، ب**: بران؛ **لن، ق[۲]، لی، آ**: بدین؛ متن= **ل، س، ق، پ، و، ل[۲]** ۵- **ل، ق، پ، و**: که (**پ**: چو) سرگشته (**ق**: برگشته) شد هور؛ **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب**: که گشت از برش شاه (**ق[۲]، آ، ب**: هور)؛ متن= **ف** ٦- **ل، س، ق، پ، ب**: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- **پ**: بیامیختند ۸- در **ل، س، ق، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب** بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خوشید گردان (**س، ق[۲]، لی، آ**: تابان) ز گنبد بگشت — به خون شسته (**س، ل[۲]**: غرقه؛ **لی**: تشنه) شد کوه و دریا و دشت
ل، ق: به خون غرقه بد (**ق**: شد) کوه و هامون (**ق**: صحرا) و دشت

لن بجای بیت بالا و **س، ق[۲]، آ، ل[۲]، ب** پس از بیت بالا افزوده‌اند (در **س، ق[۲]** لت های آن پس و پیش شده‌اند):

همه(**س،لن**: همی)گشت(**ل[۲]**: گوشت)پرخون‌درو(**ق[۲]**: بدو؛**آ**: سر)کوه‌ودشت — از اندازه آویزش اندرگذشت

در **پ، و** بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خورشید بر چرخ گردان (**و**: تابان ز گنبد) بگشت — ز اندازه آویزش اندرگذشت

متن= **ف** ۹- **ل- ب** (و نیز **لن[۲]**): در (**ل[۳]**: بر)؛ متن= **ف** ۱۰- **ل، ق، و، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بیفشارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **س، لی، پ**: کالوی؛ **ق**: کرکوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- **ل، ق- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): برگرفت؛ متن= **ف، س، لن** ۱۳- **لی**: بدان؛ **ل[۲]**: دران ۱٤- **ل، ق، ق[۲]، ل[۲]، ب**: کرده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **ل، ق، پ، و، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): سینه؛ **لی**: دست؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، ل[۲]، ب** ۱٦- **ل، ق، پ**: ز تیزی؛ **ق[۲]**: چنان مرد تازی شیری؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **ل، ق، پ، و، آ**: جزان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **ل، ق، پ، و، آ**: نزاد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- **ق، پ**: چو او ۲۰- **لی**: افتاد؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر کشته شدن کالوی بر دست منوچهر و هزیمت شدن سلم و کشته شدن سلم بر دست منوچهر؛ **س، ق[۲]، پ، و** (چند بیت پایین تر): کشته شدن سلم بر دست منوچهر (**س، و**: منوچهر شاه)؛ **آ** (چند بیت پایین تر): رزم منوچهر با سلم و کشتن سلم؛ **ل[۲]**(چند بیت پایین تر): هزیمت کردن سلم و کشته شدن اوی ۲۱- **پ** پس از این بیت افزوده است:

چو نزدیکی ژرف دریا رسید — نشان یکی چوب کشتی ندید

۲۲- **ل[۲]**: سپاه و ۲۳- **آ**: دوان ۲٤- **ق[۲]**: دوان؛ در **ق** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند و پس از آن افزوده است:

چو شد سلم تا پیش دریا کنار — ندید ایچ کشتی و نه ره گذار

این بیت در هیچ یك از یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) نیست، ولی در ترجمهٔ **بنداری** جمله‌ای آمده است که نشان میدهد که او این بیت یا بیت ۹۸۳پ را داشته است: **فلما قرب من البحر لم یصادف إلا مرکب الحمام** ۲۵- **ق**: بد ۲٦- **ف**: خسته و کشته؛ **ق[۲]، لی**: خستگان روی؛ **ب**: کشتگان روی؛ متن= هشت دستنویس دیگر

پر از خشم و پر کینه سالار نو　　نشست از بر چرمه‌ی تیزرو
بیفگند[1] بَرگُستوان و بتاخت　　به گرد سیه[2] چرمه[3] اندرنشاخت[4]
رسید آنگهی تنگ در[5] شاه روم　　خروشید کای مرد بیداد[6] شوم
بکشتی برادر ز بهر کلاه　　کله یافتی چند پویی براه
کنون تاجت آوردم ای شاه و تخت[7]　　به بار آمد آن خسروانی درخت
ز تاج بزرگی گریزان مشو　　فریدونْت گاهی بیاراست نو[8]
درختی که پروردی[9] آمد ببار　　ببینی برش را کنون در[10] کنار
گرش[11] بار خارست خود کشته‌یی　　وگر پرنیانست خود رشته‌یی

همی تاخت اسپ اندرین[12] گفت و گوی[13]　　یکایك به تنگی رسید اندروی[14]
یکی تیغ زد بر سر و گردنش[15]　　به دو نیم[16] شد خسروانی تنش
بفرمود تا سرش برداشتند　　به نیزه به ابر اندرافراشتند[17]
بماندند لَشکر[18] شِگفت اندروی[19]　　از آن زور و آن بازوی جنگجوی[20]
همه لَشکر سلم همچون رَمه　　که بپراگنند روزگار دَمه[21]
برفتند بی دل[22] گروه‌ها گروه　　پراگنده در دشت و در غار و کوه[23]
یکی پرخرد مرد پاکیزه مغز　　که بودش زبان پر ز گفتار نغز
بگفتند تا زی[24] منوچهر شاه　　شود گرم و باشد زبان[25] سپاه
بگوید که[26] گفتند[27] ما کهتریم　　زَمین جز به فرمان تو[28] نسپَریم

۱- **ل، ق**: بر افکند؛ **لی، ب** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۲- **ف- ق**[۲]، **پ، و** (و نیز **لن**[۲]): سپه؛ متن= آ، ل[۲] (و نیز **ل**[۳])　۳- **ف، ل**[۲]: چهره (**ف** در بالا افزوده است: چرمه)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　٤- **ل، س، و**: نساخت؛ **ل**[۲]: نساخت؛ متن= **ف، لن، ق، ق**[۲]، **پ، آ**　۵- **ل**: تنگ بر؛ **ق**[۲]، **ب**: تند در؛ **و**: شاه در؛ متن= هشت دستنویس دیگر　٦- **ل، پ، آ**: بیداد و؛ متن= نه دستنویس دیگر　۷- **ف**: شوم بخت؛ **ق**[۲]: شاه تخت؛ متن= ده دستنویس دیگر　۸- **س** این بیت را ندارد　۹- **پ، و**: بنشاندی　۱۰- **ل، پ، و، ل**[۲]: بیابی (**و، ل**[۲]: ببینی) هم اکنون برش در؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی، آ**: ببینی برش (**لن**: سرش) هم کنون در (آ: بر)؛ **ق**: هم اکنون بیابی برش در؛ **ب**: ببینی کنون هم برش در؛ متن= **ف**؛ **ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو در گور تنگ استوارت کنند　　همه نیك و بد در کنارت کنند

۱۱- **ل، ق، و، ل**[۲]: اگر؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۲- **ف، و** (و نیز **لن**[۲]): اندران؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳])　۱۳- **ل، ق، لی**: گفت گوی؛ **و، آ**: گفت و گو؛ متن= هفت دستنویس دیگر　١٤- **آ**: اندرو؛ **س**: از آن زور و آن بازوی جنگجوی (= ۹۹۷ب)؛ **ق**[۲]، **لی، ل**[۲]: یکایك بتندی (**ل**[۲]: بنیکی) رسید اندروی (**ق**[۲]: رسیدند روی)؛ **و**: که ناگه بتنگی رسید اندر اوی؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ب**　۱۵- **ل، ق، پ، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): زود بر گردنش؛ **لن، ق**[۲]، **لی، آ، ل**[۲]، **ب**: بر برو گردنش؛ **س** این بیت را انداخته است؛ متن= **ف**　١٦- **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): نیمه؛ متن= **ف**　۱۷- **س** این بیت را انداخته است　۱۸- **ف**: شیران؛ **س** این لت را انداخته است؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　۱۹- **لی**: اندرو؛ **و**: پر از گفت و گوی؛ **آ**: بدو در شگفت؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۲۰- **لی**: جنگجو؛ **ل**: از آن زور و بازوی آن جنگجوی؛ **ق**[۲]: از آن برز بالای آن نامجوی؛ **و**: از آن زور و بالا و آن کفت اوی؛ **آ**: بدان زور و بازوی و آن یال و سفت؛ متن= **ف، س، لن، ق، پ، ل**[۲]؛ در **ق**[۲] این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **س** ۹۹۴ب، ۹۹۵، ۹۹۶ و ۹۹۷آ را انداخته و از ۹۹۴آ و ۹۹۷ب یك بیت ساخته است　۲۱- در **ق**[۲]این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است　۲۲- **ل، پ**: لشکر؛ **س، لن، ق**: یکسر؛ **ق**[۲]، **لی، ب**: بی ره؛ متن= **ف، و، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲])　۲۳- **ل**: در دشت < و > دریا و کوه؛ **س، لن، ق، لی، پ، و**: در (**ق**: بر) دشت و (**ق**: < و>) وادی (**س، لن، لی**: صحرا) و کوه؛ متن= **ف، ق**[۲]، **آ، ل**[۲]، **ب**　٢٤- **ل**[۲]: باری　۲۵- **ل**[۲]: زیان؛ **س، لن، لی**: شود زود و گوید پیام؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۲٦- **ق**: بیامد که؛ **آ**: بگویید　۲۷- **ل**[۲]: گفتند و　۲۸- **ل، و**: او؛ **ل**[۲]: شه؛ متن= نه دستنویس دیگر

گروهی خداوند بر[۱] چارپای / گروهی خداوند کِشت و سَرای[۲]
سپاهی بدین رزمگاه آمدیم[۳] / نه بر آرزو کینه‌خواه آمدیم[۴]
کنون سربسر شاه را[۵] بنده‌ییم / دل و جان به مهر وی آگنده‌ییم[۶]
گرش[۷] رای جنگست و خون ریختن / نداریم نیروی آویختن
سران یکسره[۸] پیش شاه آوریم / همانا همه[۹] بی‌گناه آوریم
برانَد[۱۰] هر آن کام کو را[۱۱] هواست / برین بی‌گنه[۱۲] جان ما پادشاست

بگفت این سُخُن مرد بسیار هوش / سپهدار خیره[۱۳] بدو داد گوش
چُنین داد پاسخ که من کام خویش / به خاك افگنم، برکشم[۱۴] نام خویش
هر آن چیز کان نز ره ایزدیست، / از آهَرمَنی گر ز دست بدیست[۱۵] ،
سراسر ز دیدار من دور باد / بدی را تن دیو، رنجور[۱۶] باد
شما گر همه کینه‌دار منید / وُگر[۱۷] دوستدارید[۱۸] و یار منید[۱۹]
چو پیروزگر دادمان دستگاه / گنه‌کار شد رَسته با[۲۰] بی‌گناه
کنون روزِ دادست[۲۱] ، بیداد شد / سران را سر از کشتن[۲۲] آزاد شد
همه مهر جویید و افسون کنید / ز تن آلت جنگ بیرون کنید[۲۳]

۱- **ق، پ**: خداوندهٔ ۲- **لی**: کشت و درای؛ **ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

نبدمان برین کینه گه دستگاه (**ق**: دست و پای) / ببایست رفتن به فرمان شاه (**ق**: و رای)

۳- **ب**: گروهی بدین رزمگاه امدند (پساوند ندارد) ٤- **س، ل[۲]، ب**: نه بر آرزو پیش (**س، ب**: نزد) شاه آمدیم؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- **س، لن، ق[۲]، لی**: کنون شاه را سر بسر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٦- **لی**: تو آکنده‌ایم؛ **ب**: وی افکنده‌ایم؛ **پ**: بفرمان و رایش سرافکنده‌ایم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- آ: گرت ۸- **س، لن، لی**: سرانرا همه؛ **ق**: سراسر سپه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **ل، ق**: بر او سر (**ق**: تن)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- **ف، ق، ق[۲]، و** (و نیز **لن[۲]**): برآید؛ آ: سراید؛ **ب**: براند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= **ل، س، لن، لی، پ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**) ۱۱- **ل[۲]**: کانرا ۱۲- **ف، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): برین گونه بر؛ **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]**: ازیرا که بر؛ متن= **ل، ق، پ، ب**؛ **ف، ل[۲]** پس از این بیت سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر آمدن لشکر سلم و تور بزنهار منوچهر و دادن منوچهر زنهارشان و نواختن ایشان؛ **ل[۲]**: پاسخ دادن منوچهر لشکریان توران را ۱۳- **ب**: چیره ۱٤- آ: بر کنم ۱۵- **ف، س، لن، ق[۲]، لی، ل[۲]**: همه راه اهرمنست (**ف**: اهرمنی) و بدیست؛ **ق، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): از (**پ**: ز) اهرمنی (**و**: اهریمنی) یا ز دست بدیست؛ (**ل[۳]**: از اهرمنی نز ره بخردیست)؛ متن= **ل** ۱٦- آ: مزدور ۱۷- **و**: اگر ۱۸- آ: دوستاران ۱۹- **و**: وگر دشمنید ۲۰- **لی**: یا؛ **و، ب**: و؛ **ل، ق، پ**: گنه کار پیدا شد از؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، آ، ل[۲]** ۲۱- **ل، ق**: دادست و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- **س، لن، ق[۲]، لی**: سرانرا ز کشتن سر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **س، لن، ق[۲]، لی، ل[۲]** پس از این بیت سه بیت و **و** تنها بیت سوم را افزوده‌اند:

خردمند باشید و پاکیزه تن (**لی**: دین) / همه شادمانی کنید انجمن
ق[۲]، لی، ل[۲]: وز آفت همه پاك بیرون فکن (**لی**: و بیرون ز کین)
بجایی کستان هست آباد بوم / اگر تور اگر چین اگر مرز روم
ق[۲]، لی، ل[۲]: اگر تور و (**لی، ل[۲]**: < و >)چین ست و گر مرز روم
بروشن روان بادتان جایگاه / همه نیکویی بادتان دستگاه

ق، پ پس از بیت ۱۰۱۶ پنج بیت افزوده‌اند (در **پ** بیت یکم و دوم پس و پیش شده‌اند):

بجایی که تان هست اباد بوم / اگر مرز چینست اگر بوم روم
پ: اگر تور اگر چین اگر مرز روم
خردمند باشید و پاکیزه تن / سزای ستایش بهر انجمن
بدان را ز بد دست کوته کنید / همه موبدان نز خود (**پ**: برخرد) ره کنید
همه نیکوی بادتان دستگاه (**پ**: پایگاه) / بروشن روان تو بده پایگاه (**پ**: بادتان جایگاه)
همه مهتران خوانند آفرین / بران نامبردار شاه زمین (**پ**: نامور مهتر راستین)

در **ب** نیز مانند همین بیت ها پس از بیت ۱۰۱۸ آمده است، ولی این بیت ها در **ف، ل، آ** نیست و در **و** نیز تنها یك بیت از آنها آمده است

خروشی برآمد ز پرده‌سرای[1]   که ای پهلوانان فرخنده رای
ازین پس بخیره[2] مریزید خون   که بخت جفا پیشگان شد نِگون[3]

از آن[4] پس همه جنگجویان کین[5]   یکایك نِهادند سر بر زَمین
همه آلت لشکر و ساز جنگ   ببردند نزدیك پور پشنگ[6]
ببردند[7] پیشش گروهها گروه   یکی توده کردند برسان کوه[8]
هم از[9] جوشن و ترگ و بَرگُستَوان   چه گوپال و چه[10] خنجر هندوان
سپهبد منوچهر بنواختشان   بر اندازه بر[11] جایگه[12] ساختشان
فرستاده‌یی را برون کرد گُرد[13]   سر شاه خاور مر او را سپرد

گفتار اندر نامه‌نوشتن منوچهر بنزد یک شاه آفریدون[14]

یکی نامه بنوشت نزد نیا   چه از جنگ و چه چاره و کیمیا[15]
نُخست آفرین کرد بر کردگار   دگر یاد کرد از شه نامدار
سپاس از جهاندار پیروزگر   کزویست نیرو و[16] هم زو هنر[17]
همه نیك و بد[18] زیر فرمان اوست   همه بندها[19] زیر پیمان[20] اوست
کنون بر فریدون ازو[21] آفرین   خردمند و بیدار شاه زمین

۱- **لن، لی**: در آن پهن جای ۲- **س، لی**: کسی را؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- آ: سرنگون؛ **ب** پس از این بیت پنج بیت افزوده است (← ۱۰۱۶پ):

بدان را ز بد دست کوته کنید   همه نیکویی سوی خود ره کنید
خردمند باشید و پاکیزه رای   ز پرخاش دور و خرد رهنمای
بجایی که ویران شد آن مرز و بوم   اگر تور و چین ست و گر مرز روم
همان کردن آباد آنجایگاه   بروشن روان و بفرمان شاه
بروشن روان بادتان جایگاه   همه نیکویی بادتان دستگاه

۴- **س، ق، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: وزان؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، و** ۵- **ل، ق، پ، و**: چین؛ **ق[۲]**: بکین؛ متن= **ف، س، لی، آ، ل[۲]، ب** ۶- در **آ** این بیت چنین آمده است:

همه آلت جنگ و ساز سپاه   ببردند نزدیك فرخنده شاه

۷- **ق، پ، آ، ب**: برفتند؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **پ**: یکی توده که دید برسان کوه؛ **ل[۲]**: یکی پشته کردند بر پشت کوه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- **س**: همه؛ **لن، ق[۲]، لی**: همه؛ **ق، پ، آ، ب**: چه از؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، و، ل[۲]** ۱۰- **لن**: چه کوپال چه؛ **لی**: ز کوپال و از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **ق**: به اندازه بر؛ **ل[۲]**: بر اندازه‌شان ۱۲- **ل، س، لن، ق[۲]- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): پایگه؛ متن= **ف، ق** ۱۳- **ل**: فرستاده‌یی را برافکند گرد؛ **س، ق[۲]**: فرستادهٔ پس برون کرد گرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱٤- **ف**: گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیك شاه افریدون و فرستادن سر سلم را بنزدیك او بجمازه؛ **ل**: نامه منوچهر پیش افریدون و سپری شدن؛ **س**: نامه فرستادن شاه منوچهر بنزد شاه فریدون با سر سلم؛ **لن، ق[۲]، لی**: نامه منوچهر بنزد فریدون با سر سلم؛ **ق، پ**: فتح نامه منوچهر به فریدون شاه (**پ**: < شاه>) با سر سلم؛ **و**: فتح نامهٔ منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛ **آ، ب**: نامه فرستادن (**ب**: < فرستادن>) منوچهر نزد فریدون؛ **ل[۲]**: بازگشتن منوچهر و فرستادن نزد فریدون؛ متن= آغاز **ف** ۱۵- **ل، ق، پ، و** (و نیز **ل[۳]**): پر از جنگ و پر (**و**: از) چاره و کیمیا؛ **لی، ب** (و نیز **لن[۲]**): چه از جنگ و از چاره و (**لن[۲]**: چارهٔ) کیمیا؛ **س، لن، ق[۲]، آ**: چه از چاره (**س**: چاره و) جنگ و از کیمیا؛ متن= **ف، ل[۲]** ۱٦- **ل**: < و> (وزن نادرست است)؛ **ق[۲]، آ**: کزو هست نیرو و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۷- **س، ل، و**: فرّ و هنر؛ **لی**: زو هم هنر؛ **آ**: زور و هنر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **ل، ق**: همه نیکویی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۹- **ل، ق، پ، و، ب**: دردها؛ **ل[۲]**: بندهها؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، لی، آ** ۲۰- **ل، ق، پ، ب**: درمان؛ **و**: بهر درمان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- **ب**: برز؛ **ل**: کنون ز آفریدون برو؛ **ق**: کنون از فریدون بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر

گشاینده‌ی بندهای[1] بدی   همش رای و هم فرّهِ ایزدی
به نیروی شاه آن[2] دو بند گران[3]   گشادیم بر[4] دست افسون گران[5]
سرانشان بریدم به شمشیر کین   بشستم به پولاد روی زَمین[6]
من اینک پس نامه برسان باد   بیایم کنم هر چه[7] رفته‌ست[8] یاد

سوی دز فرستاد[9] شیروی را   جهاندار[10] گُرد[11] جهانجوی را
بفرمود کان خواسته برگرای[12]   نگه کن همی[13] تا چه[14] یابی بجای[15]
به پیلان[16] گردونکش[17] آن خواسته   ببر تا درِ شاه ناکاسته[18]
بفرمود تا کوس رویین و نای[19]   برآمد ز دهلیز[20] پرده‌سرای
سپه را ز دریا به هامون کشید   ز چین دز سوی آفریدون[21] کشید
چُن[22] آمد بنزدیک تمّیشه باز[23]   نیا را به دیدار او بُد نیاز
برآمد ز در ناله‌ی کرّه‌نای   سراسر بجنبید لَشکر ز جای
همه[24] پشت پیلان به پیروزه تخت   بیاراست سالار پیروزبخت[25]
چه با[26] مهد زرّین به[27] دیبای چین   به گوهر بیاراسته[28] همچنین

۱- **ل۲**: گشاننده بندهای؛ **ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

کشیدیم کین از سواران چین   گشادیم بر جای ایشان کمین

۲- س: بنیروی او هر؛ **لن**: بپیروزی آن هر؛ **ب**: بفرمان شاه آن؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳- ل، ق، پ**: دو بیدادگر؛ متن= نه دستنویس دیگر **٤- و**: از **۵- ل، ق، پ**: که بودند خونی ز خون پدر؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **پ** پس از این بیت افزوده است:

بنیرو و زور جهان آفرین   که او ساخت هفت آسمان و زمین

٦- ل، ق، پ: بپولاد شستیم روی زمین؛ **ب**: به نیروی شاه جهان آفرین؛ در **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **و**؛ در **و** بجای این بیت بیت زیر آمده است:

بفرمان ایزد جهان آفرین   گشادیم کینه ز توران زمین

۷- ل: هرچ **۸- ف**: زو هست؛ متن= یازده دستنویس دیگر(و نیز **ل۳، لن۲**) **۹- و**: پس آنگه بفرمود **۱۰- ل، ق، پ**: جهاندیده؛ **س، لن، ق۲، لی**: چنان مرد؛ **ل۲**: جهانجوی؛ **ب** این را ندارد؛ متن= **ف، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱۱- ل، ق، پ، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): مرد؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، ل۲** **۱۲- و**: سوی دز شود خواسته برگرای **۱۳- ل، ق، پ، و**: همه؛ **س، ق۲، لی، آ، ل۲**: همان؛ **لن**: دران؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **١٤- ل**: هرچ؛ **ق، پ، و**: هرچه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۵- س، ل۲**: آید بجای؛ **لن**: آید برای؛ **ق۲، لی، آ**: آیدت رای؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** **١٦- ل**: به پیلان و **۱۷- ف، ل، ب**: گردنکش؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**) **۱۸- ل، ق، پ، و، آ، ب**: بدرگاه شاه آور (**ب**: آرم) آراسته؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، ل۲** **۱۹- ف، س، آ، ل۲**: کوس و روینه نای؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۰- ف**: دهلیز و؛ **آ**: درگاه؛ **ل**: زدند و فروهشت؛ **لن، ق۲، لی**: بیارند بر پیش؛ متن= **س، ق، پ، و، ل۲، ب** **۲۱- ل، پ**: زهامون سوی آفریدون؛ **لن**: زچین سوی شاه آفریدون؛ **ق**: زچین سر سوی آفریدون؛ **و**: زدز چین بسوی فریدون؛ **ل۲**: زچین دز بسوی فریدون؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، آ، ب**؛ **ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

سپاهی که بودند آنجا بهم   بیاورد یکسر همه بیش و کم
فراوان شتر (**پ**: هزار اشتر) بارکش را ببار   بیاوردیکسرزآوردگاه(**پ**: بیاوردویکسربیاراست‌کار)
از اسبان رومی و ترکی هزار   که بودند یکسر همه چون نگار
اسیران بسیار با خواسته   شده کار او یکسر آراسته
چنین هم برینسانش لشکر کشید   بنزد فریدون بدینسان چمید

۲۲- ل- ب: چو؛ متن= **ف** **۲۳- لن**: بنزدیکی بیشه باز؛ **ق**: بنزدیك شهرش فراز؛ **لی**: بنزدیك تهمیشه باز؛ متن= نه دستنویس دیگر **٢٤- لن**: همان **۲۵- س، لن، لی، ل۲**: بیداربخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٢٦- لن، پ**: همان؛ **ق۲، لی**: همه؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۷- س، و، ب**: چه؛ **ق۲، لی**: **و**؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۸- ف**: بیاراستش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**)

چه با گونه گونه درفشان درفش[1]	جهانی شده سرخ و زرد و بنفش
ز دریای گیلان چُن[2] ابر[3] سیاه	دُمادُم[4] به ساری[5] رسیده سپاه[6]
به زرّین ستام و به زرّین کمر[7]	به سیمین[8] رکیب[9] و به زرّین سپر[10]
ابا گنج و پیلان و با خواسته[11]	پذیره شدن را بیاراسته
همه گیل مردان[12] چو شیر یَله	ابا طوق زرّین و[13] مُشکین[14] کله
پس پشت شاه اندر ایرانیان	دِلیران و هریك چو شیر ژیان[15]
به پیش سپاه اندرون پیل و شیر	پس زَنده پیلان یلان دِلیر[16]
دِرفش فریدون[17] چو آمد پدید	سپاه منوچهر[18] صف برکشید
پیاده شد از اسپ سالار نو	درختی[19] نوآیین پُر[20] از بار نو
زَمین را ببوسید و کرد آفرین	برآن تاج و تخت[21] و کلاه و نگین
فریدونش فرمود[22] تا برنشست	ببوسید[23] و بستُرد رویش بدست[24]
پس آنگه سوی آسمان کرد روی	که ای دادگر داور[25] راست گوی
تو گفتی که من دادگر داورم	به سختی ستم دیده[26] را یاورم

۱- **لن، پ**: درفشان زهر گونه گونه درفش؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **ل- ب**: چو؛ متن= **ف** ۳- **لی**: ابری ٤- آ: یکایك ۵- **ف، س، لن، ق۲، پ، ل۲**: بشادی؛ متن= **ل، ق، لی، و، آ، ب** ٦- **ف**: رسیده بشاه؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲**: رسید (**ق۲**: کشید) آن سپاه؛ متن= **ل، ق، و، آ، ب**؛ در **س** پس از این بیت بیت های ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ آمده است؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

چو آمد بنزدیك شاهان فراز　　فریدون پذیره بیامد بساز

۷- **و**: لگام و بزرین سپر ۸- **لن، و، ب**: به زرین؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **س- پ، آ، ل۲**: رکاب؛ متن= **ف، و، ب** ۱۰- **لی**: وزبر جد سپر؛ **و**: بزرین کمر؛ **ل۲**: به سیمین سپر؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **س** این بیت پس از بیت ۱۰۴۶پ آمده است ۱۱- **ف**: ابا گنج بسیار و باخواسته؛ **پ**: ابا گنج و پیلان آراسته؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲**)؛ **ل** بجای این بیت و **لن، ق۲، لی، ل۲، ب** پس از این بیت و **س** پس از بیت ۱۰۴۸ افزوده‌اند:

چو آمد بنزدیك شاه وسپاه (**ل**: شاه آن سپاه)　　فریدون‌پیاده(**ل**: پذیره)بیامد(**ب**: فریدون‌بیامدپذیره)براه

۱۲- **ل**: بگردش سپاهی؛ **لن، ق، پ**: همان گیل مردان؛ **ب**: همه گیل مردم؛ **ل۲**: این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، و، آ** ۱۳- **ل**: همه شیرمردان؛ **لن، لی**: ابا طوق مشکین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٤- **لن، لی**: زرین ۱۵- **لن، پ**: یکایك بکردار شیر ژیان؛ در **س** پس از این بیت بیت ۱۰۴۶پ و سپس بیت های ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ آمده است ١٦- در **س** بیت های میان ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۹ درهم ریخته‌اند: ۱۰۴۴، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۶پ، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۹ ۱۷- **ل، ق**: درفش درفشان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۸- **لن**: منوچهر آنگاه؛ **ف، پ** پس از این بیت سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر رسیدن منوچهر بنزدیك شاه افریدون و پذیره شدن افریدون و نیایش کردن باری سبحانه و تعالی؛ **پ**: رسیدن منوچهر به ایران بفیروزی ۱۹- **ل، لن، ق، پ- ب**: درخت؛ متن= **ف، س، ق۲، لی** ۲۰- **لن، لی**: بد ۲۱- **لی، ب**: بدان تخت و تاج ۲۲- **لن، پ، آ**: فریدون بفرمود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- **ل، ق، پ، ب**: بپرسید؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲٤- **و، آ، ب**: بپسود دستش (آ: رویش) بدست؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد بگاه و(**ق۲**: بدرگه) فرستاد کس	بر سام نیرم که زودآی و (**لن**: < و>) بس
که سام آمده بد زهندوستان	بفریاد آن (**ب**: از) رزم جادوستان
بیاورد چندان زر و(**لی، آ، ب**: بیاوردبا خود بسی) خواسته	ابی (**پ**،آ: ابا)آنکه‌زو(**لن**،**ب**: آنك‌ازو)شاه‌بد(**ق۲**: بدشاه‌ازو)خواسته
که آنرا مهندس نداند شمار	چو او را (**ب**: آنرا) بدیدش جهان شهریار
سپردم بگفت این نبیره بتو (**لی**: بتوی)	که‌من‌رفتنی گشتم ای‌نیکخو(**لن**: شاه‌خو؛ **لی**: نیکخوی)
تو او را بهر کار شو یارور	چنان کن که از تو نماید (**لی، ب**: بماند) هنر

این بیت ها در **ف، ل، س، ق، و، ل۲** نیست ۲۵- **ب**: روشن ۲٦- **ف**: ستمکاره؛ متن= یازده دستنویس دیگر

همم داد دادی و هم[1] یاوری[2]   همم تاج دادی[3] هم انگشتری

بفرمود پس تا منوچهر شاه   نشست از بر تخت زر با کلاه
سپهدار شیروی و آن خواسته[4]   به درگاه شاه آمد آراسته
بفرمود تا خواسته پادشاه[5]   ببخشید یکسر همه بر سپاه

چُن[6] این کرده شد روز برگشت و[7] بخت   بپژمرد برگ کیانی درخت
فریدون بشد[8] نام او[9] ماند باز   برآمد چُنین[10] روزگاری[11] دراز

۱- **لن، ق**[2]**، پ، ل**[2]: دادی همم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **ل، س، ق، لی، و، ب**: داوری؛ متن= **ف، لن، ق**[2]**، پ، آ، ل**[2] ۳- آ: تاج دادی و (وزن نادرست است)؛ پس از این بیت تا پایان داستان بیت های افزوده فراوان است و پیایی بیت ها هم درهم ریخته است (← پ۱۱)؛ **ف** پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

i بدیدم نبیره جهاندار خویش   به مردی ورادی به آیین وکیش

لن، ق[2]**، لی، پ، آ، ب** پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده‌اند:

ii همه کام ها (**ق**[2]**، لی، ب**: کام دل) دادیم ای خدای   کنون‌مرمرابر(**ق**[2]**،لی،ب**: مرابرکنونی ؛آ: مرابرکنون‌بر)بدیگرسرای
ازین بیشتر اندرین جای تنگ   نخواهم که یابد (**ق**[2]**، لی، ب**: دارد) روانم درنگ

این دو بیت در ف، ل، س، ق، و، ل[2] نیست ٤- **ل، ق، و**: شیروی باخواسته؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **س، ق، ل**[2]: بفرمود پس تا منوچهر شاه (=۱۰۵۷آ)؛ **و**: بفرمود تا خواسته پاك شاه؛ متن= **ف**؛ در **ل** بجای این بیت، بیت ۱۰۵۷ دوبار آمده است؛ در **لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ب** این بیت چنین آمده است:

ببخشید آن خواسته بر سپاه   چوده روز بد مانده از مهرماه

و **ب** پس از این بیت بیت iii3 را افزوده است؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: اندرز کردن منوچهر را و سپردن پادشاهی بدوی ٦- **ل- ب**: چو؛ متن= **ف** ۷- **لن،آ**: < و> ؛ **پ**: چو کرده شد آن کار برگشت؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ل- ب** پس از این بیت بیت هایی افزوده‌اند که در زیر آورده میشود و سپس در پ۱۱ پیایی آنها در هریك از دستنویس ها تعیین میگردد:

iii فریدون فرزانه شد سالخورد   به باغ بهار اندر آورد گرد
کرانه گزیداز بر (**لن**: سرو؛ **پ**: سر) تاج وگاه   نهاده‌برخودسرهر(**س،آ،ل**[2]**،ب**: آن)سه‌شاه(**ق**[2]**،لی**: سران‌سه‌شاه)
لن، پ: ببالینش اندر منوچهر شاه
بدست خودش تاج بر سر نهاد   بسی پند و اندرزها کرد یاد
همی هر زمان زار بگریستی   بدشواری(**س،ب**: بدشخواری)اندر(**ل**: بدان‌شوربختی)همی‌زیستی
بنوحه درون هر زمانی بزار (**ل**[2]: نزار)   چنین گفت آن (**لن**: ابا؛ **پ**: با) نامور شهریار
لی، و- ب: چنین گفتی آن (آ: ای) نامور شهریار
که برگشت و تاریك شد روز من   ازین (**لن، آ، ب**: ازان) سه‌دلفروز دلسوزمن
بزاری چنین کشته‌درپیش من (درآ لت ها پیش وپیش شده‌اند)   بکینه‌بکام (**لن، پ**: شده‌هم بکام) بداندیش من
هم از بدخویی هم زکردار بد   بروی جوانان چنین بد رسد
نبردند فرمان من لاجرم   جهان‌گشت‌برهرسه‌برتاروتم(**ل**: سه‌تارودژم ؛آ: سه‌تن‌تاروکم)
ق: جهان گشت بریشان همی بر دژم
پرازخون‌دل‌وپر(**ق**: دل‌پر؛ **ق**[2]: دلش‌بد)زگریه(آ: کینه)دوروی(**ق**: دوجوی؛ **ق**[2]: دروی)
همان(**لن**: چنین؛ **ق**[2]: همی)تازمانه(**ل**[2]: زمانش)سرآمدبروی(**لن،ب**: بدوی)
ل، ق: چنین تا سرآمد برو گفت گوی (**ق**: برو نیز روی)

این بیت ها در **ف** نیست ۸- **ل،ق،و**: فریدون شدو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- **س،لن،ق**[2]**،لی،پ،و،ب**: نام ازو؛ متن= **ف،ل،ق،آ،ل**[2] ۱۰- **ل،ق،و،ب**: برین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **ل،ق**: روزگار؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ پیایی بیت های ۱۰۵۶- ۱۰۶۱ در دستنویس ها: **ف**: ۱۰۵۶، i، ۱۰۵۷- ۱۰۶۱ (بیت های ii و iii را اندارد)؛ **ل**: ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۷، ۱۰۶۰، iii2، iii4-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و ii و iii1 و iii3 و ۱۰۵۹ را اندارد)؛ **س**: ۱۰۵۶- ۱۰۶۰، iii2-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و ii و iii1 را اندارد)؛ **لن،پ**: ۱۰۵۶، ii، ۱۰۵۸، ۱۰۶۹، ۱۰۵۷، iii4، ۱۰۶۰، iii2-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و iii1 را اندارد)؛ **ق،و،ل**[2]: ۱۰۵۶- ۱۰۶۰، iii2، iii4-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و ii و iii1 و iii3 را اندارند)؛ **ق**[2]: ۱۰۵۶، ii2، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۵۷، iii3، ۱۰۶۰، iii2، iii4-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و iii1 را اندارد)؛ **لی،آ**: ۱۰۵۶، ii، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۵۷، iii3، ۱۰۶۰، iii2، iii4-10، ۱۰۶۱ (بیت های i و iii1 را اندارد)؛ پیایی بیت های متن= **ف** پس از بیرون گذاشتن بیت i، یا= **س** پس از بیرون گذاشتن بیت های iii2-10، یا= **ق،و،ل**[2] پس از بیرون گذاشتن بیت های iii2 و iii4-10

همه[1] نیکنامی به و[2] راستی که کرد ای پسر سود در[3] کاستی؟

منوچهر بنهاد تاج کیان به زنّار خونین ببستش میان[4]
بر[5] آیین شاهان یکی دخمه کرد چه از زرّ سرخ[6] و چه از لاژورد[7]
نهادند زیر اندرش تخت عاج[8] بیاویختند[9] از بر عاج تاج
به پدرود کردنش رفتند پیش چُنان چون بود رسم و[10] آیین و[11] کیش
در دَخمه بستند بر شهریار شد آن[12] ارجمند[13] از جهان زار و خوار[14]
جهانا سراسر فُسوسی[15] و باد به تو[16] نیست مرد خردمند شاد

۱- **ل- ب**: همان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **لی**: نیکنامی و به؛ **ب**: نیکنامی برو ۳- **ل، س، و، ل[2]، ب**: بر؛ **لن، پ**: که کردار بد بردهد؛ **لی**: که کرد ای پسر روی در؛ متن= **ف، ق[2]، آ** ٤- **ق**: ببسته میان؛ **لن، پ**: ببستش بزنار خونین میان؛ **ل[2]**: برآیین خویشش ببستند میان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۵- **لن، لی**: به ٦- **ف، آ**: چه از زرد و سرخ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۷- **ف، س، ق، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب**: لاجورد؛ متن= **ل، لن، پ، و** ۸- **ف**: ساج و عاج؛ **لن، ق[2]، لی، آ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **س، ق، و، ل[2]**: برآویختند؛ متن= **ف، ل، پ، ب** ۱۰- **ل، پ، ل[2]، ب**: < و> ؛ **لن، ق[2]، لی، آ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س، ق، و** ۱۱- **س، و**: < و> ؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل[2]، ب** ۱۲- **لی**: بشد ۱۳- **ق**: انجمن ١٤- **لن، ل[2]**: خوارو زار؛ **و**: شادخوار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **لن، لی، آ، ب** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **ق[2]، لی، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

i یکی هفته با سوك بد شهریار ازو شهر و بازارها سوگوار

۱۵- لی: فسونی ؛ **پ**: فسوست؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ١٦- **پ**: بدو؛ **لن** بجای این بیت و **ق[2]، لی، پ، آ، ب، ل[2]** پس از این بیت بیت های زیر را افزوده‌اند (**لن، پ** بیت های یکم و هفتم را ندارند؛ **ق[2]، لی، پ، آ، ب** بیت هفتم را ندارند؛ **لی** تنها بیت ششم و **ل[2]** تنها بیت هفتم را دارند):

ii بکردارهای تو چون بنگرم فسوس است و (**آ**: فسوس ازتو) بازی نماید برم
یکایك همی پروریشان (**لن، پ**: پروردشان) بناز چه کوتاه عمر و چه آن دراز
چون مر داده را باز خواهی (**لن، پ**: خواهد) ستد چه غم گر بود خاك آن گر بسد (**لن**: برسد(!))
اگر شهریاری وگر زیر دست چو از تو جهان این (**پ، آ**: آن) نفس را گسست
5 همه دردوخوشی او(**ب**: سختی تو)شدچوخواب(**لن،پ**: آب) بجاوید ماندن دلت را متاب
آ: نه‌جاویدماندد‌لت‌رابتاب
خنك آنك (**لی، پ**: آنکه) ازو نیکویی یادگار بماند (**ق[2]**: بداند) اگر بنده گر شهریار
جهانا مپرور چو خواهی درود چو می بدروی پروریدن چسود

این بیت ها در **ف، ل، س، ق، و** نیست؛ پیاپی بیت های ۱۰۶۴- ۱۰۶۸ در دستنویس ها، **ف، ل، س، ق، و**: ۱۰۶۴- ۱۰۶۸ (بیت های i و ii را ندارند)؛ **لن**: ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۷ ، ii2-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۸ و i و ii1 و ii7 را ندارد)؛ **ق[2]، آ**: ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۷ ، i ، ۱۰۶۸ ، ii1-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ii7 **را ندارد**)؛ **لی**: ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۷ ، i ، ۱۰۶۸ ، ii6 (بیت های ۱۰۶۵ ، ۱۰۶۶ و ii1-5,7 را ندارد)؛ **پ**: ۱۰۶۴- ۱۰۶۸ ، ii2-6 (بیت های i و ii1,7 را ندارد)؛ **ل[2]**: ۱۰۶۴- ۱۰۶۸ ، ii7 (بیت های i و ii1-6 را ندارد)؛ **ب**: ۱۰۶۴- ۱۰۶۸ ، i ، ii1-6 (بیت ii7 را ندارد)؛ پیاپی بیت های متن= **ف، ل، س، ق، و**

منوچهر

پادشاهی منوچهر صدو بیست سال بود[1]

منوچهر یك هفته با درد بود　　　دو چشمش پرآب و رخش[2] زرد بود
به هشتم بیامد منوچهر شاه[3]　　　بسر برنهاد آن کیانی کلاه[4]
همه[5] جادوی ها به افسون ببست　　　برو[6] سالیان انجمن شد دو شست[7]
همه پهلوانان روی زَمین　　　برو[8] یکسره خواندند آفرین
چو دیهیم شاهی بسر برنهاد　　　جهان را سراسر همه[9] مژده داد[10]:
به دادو دِهشن و[11] به مردانگی　　　به نیکی و پاکی[12] و فرزانگی
منم گفت بر تخت[13]، گَردان سپهر　　　هَمَم خشم[14] و جنگست و هم داد و مهر
زَمین بنده و چرخ یار منست　　　سر تاجداران شکار منست
هَمَم دین و هم فرِّه ایزدی[15]　　　هَمَم بخت نیکی و دست بدی[16]
شب تار جوینده‌ی کین منم　　　همان[17] آتشِ تیزِ بَرزین منم

۱- **ف**: گفتار اندر مردن شاه افریدون و نشستن منوچهر بپادشاهی و مدت پادشاهی او و صد بیست سال بود؛ متن= یازده دستنویس دیگر (**ل**، آ: صد بیست)؛ در **ف** و بیشتر دستنویس های دیگر سرنویس پس از بیت ۲ آمده است؛ **ل**[2] از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ را انداخته است　**۲- ب**: دورخ؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، ق، و**؛ در **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ل**[2] بجای این بیت بیت زیر آمده است:

پس آنگه یکی (**س، ل**[2]: آنگاه یك) هفته بگذاشتند　　　همه ماتم و سوگ او داشتند

۳- و: شاد　**٤- و**: کلاه کیانی بسر برنهاد　**۵- لن، لی**: در؛ **و** این بیت را ندارد　**٦- لن، ق**[2]**، لی**: بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر　**۷- ل**[2]: دو دست؛ آ: برو انجمن سالیان شد درست (پساوند ندارد)　**۸- لی**: بدو؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2])　**۹- لی**: بشاهی همه؛ **و** (ونیز **لن**[2]): سراسر همی؛ **ب**: همه سربسر؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[3]**، س**[2])　**۱۰**- آ: کرد یاد　**۱۱- ف** (ونیز **س**[2]): به داد و دهش و؛ **ل، و**: بداد و بآیین و؛ **س، لن، ق**[2]**، لی**، آ، **ب**: بداد و دهش هم؛ **ق، پ**: بداد و بدین و؛ **ل**[2]: بداد و ببخشش؛ متن تصحیح قیاسی است (که برابر است با **ف، س**[2] با افزودن یك نقطه)　**۱۲- و**: بپاکی و نیکی؛ **ف** ناخواناست؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ل، ق، و، ب** پس از این بیت یك بیت افزوده‌اند:

ل، ق: چنین گفت پس (**ق**: آن) رادپیروز شاه　　　که یزدان مرا داد (**ق**: که دادش مرا ایزد) این تاج و گاه
و، ب: چنین گفت با سربسر لشکرش　　　که‌ومه‌که‌بودند‌در(**ب**: همان‌پهلوانان‌هر)کشورش

۱۳- لی: تخت و؛ **و**: منم بر سر تخت　**١٤- و**: کین　**۱۵- ل، ق، پ، و، ل**[2]: ایزدیست؛ متن= هفت دستنویس دیگر　**١٦- ل، ق، و**: و هم بخردیست؛ **پ، ل**[2]: و دست بدیست؛ آ: همم تخت نیکی و هم دست بدی (وزن نادرست است)؛ **ب**: همم نیکبختی و هم بخردی؛ متن= **ف، س، لن، ق**[2]**، لی**　**۱۷- و**: بروز؛ در **ب** پس از این بیت بیت ۱۴ آمده است

خداوند شمشیر و زرّینه کفش[۱] فرازندهٔ کاویانی دِرفش
فروزندهٔ تیغ و بُرّنده میغ[۲] به کین[۳] اندرون جان ندارم دریغ
گه بزم[۴] دریا دو دست منست دَم آتش از برنشست[۵] منست
بدان را ز بد دست کوته کنم زَمین را به کین[۶] رنگ دیبه[۷] کنم
گراینده[۸] گرز و نُماینده تاج فزاینده‌ی[۹] داد[۱۰] بر تخت عاج
ابا این هنرها یکی بنده‌ام[۱۱] جهان آفرین را ستاینده‌ام[۱۲]
به راه فریدون فرّخ رویم نیامان کَهُن بود گر[۱۳] ما نویم
همه دست بر روی خندان[۱۴] زنیم همه داستان ها ز یزدان زنیم[۱۵]
کزو تاج و تخت ست[۱۶] و زومان[۱۷] سپاه بدومان امید و بدومان پناه[۱۸]
هرآنکس که در هفت کشور زَمین بگردد ز راه و بتابد[۱۹] ز دین
نماینده‌ی رنج، درویش را زبون داشتن مردم خویش را
برافراختن[۲۰] سر به[۲۱] بیشی و[۲۲] گنج به رنجور[۲۳] مردم نُماینده[۲۴] رنج
همه سربسر نزد من[۲۵] کافرند[۲۶] از[۲۷] آهَرمَن[۲۸] بدکُنش بتّرند[۲۹]
هر آن دین وری کو برین دین بود[۳۰] ز یزدان و از منش[۳۱] نفرین بود

۱- **س**: کوپال و کفش ۲- **ل، س، ق[۲]**، آ، **ل[۲]، ب**: فروزندهٔ گاه (**ل**: میغ) و برّنده تیغ؛ **لن، لی، پ**: فروزنده‌گاه (**پ**: میغ) و برآرنده تیغ؛ **ق، و** این بیت را ندارند؛ ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ (**س[۲]**: فروزندهٔ تیغ و برنده تیغ)؛ متن= **ف** ۳- **لن، لی، پ**: بجنگ؛ متن= **ف، ل، س، ق[۲]**، آ، **ل[۲]، ب** ٤- **ل، ق**: که برتر ز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- **لی، ل[۲]**: اندر نشست؛ در **ل، ق** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ٦- **لی**: به‌خون؛ **و**: همه ۷- **ف**: بوته؛ **ق**: پلنگان بدخو چو روبه؛ متن= **ل، س، لن، ق[۲]- ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)؛ در **ل، ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۱۰ آمده است ۸- **ل**: گرارنده؛ **لن، پ**: گرازنده؛ **ل[۲]**: گزارنده؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **ل[۲]**: فرازندهٔ ۱۰- **ف، س، لن، ق[۲]، پ**، آ، **ل[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): ملك؛ متن= **ل، ق، و**؛ در **ل[۲]** پس ا ز این بیت نخست بیت های ۱۸ و ۱۹ و سپس بیت های ۱۶ و ۱۷ آمده‌اند ۱۱- **ل[۲]**: بنده‌ایم ۱۲- **ل، لن، پ**، آ: پرستنده‌ام؛ **ل[۲]**: ستاینده‌ایم؛ **لی**: یکی بندهٔ آفریننده‌ام؛ متن= **ف، س، ق، ق[۲]، و، ب** ۱۳- **س، لن، لی، پ، و**، آ: بود اگر؛ **ب**: شد دگر؛ متن= **ف، ل، ق، ق[۲]، ل[۲]**؛ در **س، لن، ق[۲]، لی، پ**، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ١٤- **ل- پ**، آ، **ب** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**): گریان؛ **ل[۲]**: همه دست درکینه‌داران؛ متن= **ف، و** (ونیز **لن[۲]**) ۱۵- در **ف** این لت پاك شده است؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ در **س، لن، ق[۲]، لی، پ**، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ١٦- **لن، لی**: ازو تاج و تخت و؛ **ق[۲]**، آ: ازو تاج و تختست؛ **و**: کزویست تاج و؛ **ب**: کزو تخت و تاجست و؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، ل[۲]** ۱۷- **ل، س، لن، ق، ق[۲]، پ**، آ، **ب**: زویم (در **لن** وزن نادرست است)؛ **لی، و**: ازویم؛ متن= **ف، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) ۱۸- **ل**- آ، **ب**: ازویم (**ل، س، ق، ق[۲]، لی**: وزویم) سپاس و بدویم (**ل**: زویم) پناه؛ متن= **ف، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) ۱۹- **در ف** این واژه پاك شده است؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۰- **لن، ق[۲]، پ**، آ: برافراشتن؛ **ل[۲]**: سرافراختن؛ **ب**: برافراخته؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ۲۱- **ل، ق، و، ل[۲]**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- **س، لن، ق[۲]، پ**، آ: ز؛ **ق، لی، و، ل[۲]**؛ < و >؛ متن= **ف، ل، ب** ۲۳- **ل، ق، پ، و، ب**: به درویش؛ **لن**: بنحور؛ **لی**: ز گنجور؛ متن= **ف، س، ق[۲]**، آ، **ل[۲]** ٢٤- **و**: رسانیده ۲۵- **ل، س، لن، ق، ق[۲]، لی، و**، آ: همه نزد من سر بسر؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، پ، ل[۲]** ٢٦- **لن**: کافرند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ **س، لی**: کافرید؛ **و**: کافرست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۷- **ل**- آ: وز؛ متن= **ف، ل[۲]** ۲۸- **لی، و**: اهریمن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (: اهرمن) ۲۹- **س**، آ: برترند؛ **لن**: بدترند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ **ق**: بدترند؛ **لی**: بدترید؛ **و**: بدترست؛ متن= **ف، ل، ق[۲]، پ، ل[۲]** ۳۰- **ل**: هر آنکس که او جز برین دین بود؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: هر آن دین ور (**ق[۲]**: دینه ور؛ **پ**: دین وری) کو نه بر دین بود؛ **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): هر آنکو نه بامن برین دین بود؛ آ (و نیز **س[۲]**): هر آن دین ورکو برین دین بود؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل[۲]** (که به آ، **س[۲]** نزدیك است) ۳۱- **س**: ماش؛ **لی**: زمنش؛ آ: وزماش؛ **پ**: ز یزدانش و زماش؛ متن= هفت دستنویس دیگر

وُزان پس به شمشیر یازیم دست[۱] کنم سر بسر کشور از کشته[۲] پست
همه پهلوانان[۳] پاکیزه‌دین[۴] منوچهر را خواندند آفرین
که فرّخ نیای تو این دید راه[۵] ترا داد[۶] آیین[۷] تخت[۸] و کلاه
ترا باد جاوید تخت ردان[۹] همان تاج[۱۰] و هم فرّهٔ موبدان
دل ما یکایك به فرمان تست همه جان ما جای[۱۱] پیمان تست
جهان پهلوان سام بر پای خاست چُنین[۱۲] گفت کای خسرو[۱۳] داد و راست[۱۴]
ز شاهان مرا دیده بر دیدن ست[۱۵] ز تو داد و ز من[۱۶] پسندیدن ست[۱۷]
پدر بر پدر شاه ایران تویی گُزین سُواران[۱۸] و شیران تویی
دلت شادمان، بخت بیدار باد برین هَمْت ایزد[۱۹] نگهدار باد
تو از باستان[۲۰] یادگار منی به تخت کیی[۲۱] بر نگار[۲۲] منی
به بزم اندرون شید[۲۳] تابنده‌یی به رزم اندرون شیر[۲۴] پاینده‌یی[۲۵]
زَمین و زمان[۲۶] خاك پای تو باد همان[۲۷] تخت پیروزه جای تو باد
چو[۲۸] شستی به شمشیر هندی زمین به آرام بنشین و رامش گزین
ازین پس همه نوبت ماست رزم ترا جای تخت ست[۲۹] و بِگماز و بزم[۳۰]

۱- **ق**: یازم دو دست؛ **ق**[۲]: تازیم دست؛ **و**: وزانپس چو یازم بشمشیر دست؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: کینه؛ **ل، ق**: کشور و مرز (**ق**: مرد)؛ **و**: کنم کشورش سر بسر پاك؛ متن= **ف، ب** **۳- لن، پ**: همه نامداران **٤- ل، لن- لی، آ**: روی زمین؛ متن= **ف، س، و، ل[۲]، ب** **۵- ل، پ، آ**: ای نیکخواه؛ **لن**: این دید را (پساوند ندارد)؛ **ق**: ای پادشاه؛ **ق[۲]**: این دیده را؛ متن= **ف، س، لی، و، ل[۲]، ب** **٦- ل[۲]**: هست **۷- ل، ق**: شاهی و؛ **لن، ق[۲]، لی**: آیین و؛ متن= **ف، س، پ، و، آ، ل[۲]** **۸- ب**: ترا داد این تخت و تاج؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ** پس از این بیت افزوده‌اند (در آ لت ها پس و پیش شده‌اند):

ترا باد جاوید تخت و کلاه که شایستهٔ تاجی و فرّ و گاه

۹- آ: ترا باید جاوید تخت روان (وزن نادرست است) **۱۰- لن**: هوش؛ در **و** این بیت پس از بیت ۳۰ آمده است **۱۱- ل- پ، آ، ب**: زیر؛ متن= **ف، و، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) **۱۲- پ**: بدو **۱۳- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ**: داور؛ **و**: مهتر؛ متن= **ف، ل، ق، ل[۲]، ب** **۱٤- لن، ق، ق[۲]، لی، و، ل[۲]، ب**: داد راست؛ **آ**: دین و راست؛ متن= **ف، ل، س، پ**؛ در **و**، این بیت پس از بیت ۲۸ آمده است **۱۵- لن، و**: دیدسست (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **ق[۲]، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**): دیدتست؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): دیدنست **۱٦- ل، ق، پ، آ**: وزما؛ **س، لن، ق[۲]، لی، ل[۲]**: وازمن؛ متن= **ف، و، ب** **۱۷- س**: پرستیدنست؛ **لن، و**: پسندیدسست (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ **ق[۲]، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**): پسندیدتست؛ متن= **ف، ل، ق، لی** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): پسندیدنست **۱۸- لن، پ**: دلیران؛ **لی**: بزرگان؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۹- ل، ق**: ترا پاك یزدان؛ **س**: برین تخت یزدان؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: تن و جانت یزدان؛ **و**: بدین فرّت ایزد؛ متن= **ف، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**)؛ در **ل- آ، ب** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ پیابی لت های این بیت در متن= **ف، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**)؛ **ل[۲]** پس از این بیت افزوده است:

که تا سام از سیستان خاستست چو تو شاه گیتی نیاراستست

۲۰- لن: روشنی؛ **ق[۲]**: راستان؛ **ب**: راستی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۱- ق[۲]، ل[۲]**: کیان؛ **و، ب**: مهی؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۲- ل، ق، و، آ، ب**: بهار؛ **لی**: یادگار (پساوند ندارد)؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]** **۲۳- آ**: شیر؛ **ل[۲]**: ماه؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲٤- ل[۲]**: چرخ **۲۵- پ**: ماندهٔ؛ **آ**: تازندهٔ؛ **ب**: غرّندهٔ؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ل، س، ق، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب** لت های این بیت پس و بیش شده‌اند **۲٦- ب**: زمان و زمین؛ **لن** این بیت را ندارد **۲۷- س، ب**: همین **۲۸- ل، ق[۲]، لی، و، آ**: تو؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، ق، پ، ل[۲]، ب**؛ در **س** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۲۹- لن**: بزمست **۳۰- ل، ق، پ، آ**: شادی و بزم؛ **لی**: هنگام بزم؛ **ب**: بگماز بزم؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، و، ل[۲]**؛ **ل- آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

شوم گرد گیتی برآیم (**پ**: بر آرم؛ **آ**: نپویم) یکی ز دشمن ببند (**لی**: بدام) آورم اندکی

این بیت در **ف، س، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) نیست

مرا پهلوانی نیای تو داد　　دلم را خرد هوش و رای[۱] تو داد

پس[۲] از پیش تختش گرازید[۳] سام　　پسش پهلوانان نهادند گام

گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال[٤]

کنون پُر[۵] شگفتی یکی داستان　　بپیوندم از گفته‌ی باستان

نگه کن که مر سام را روزگار　　چه بازی نُمود ای[۶] پسر[۷] گوش دار

نبود ایچ[۸] فرزند مر سام را　　دلش بود جوینده‌ی کام را[۹]

نگاری بُد اندر شبستان اوی[۱۰]　　ز گلبرگ رخ داشت و ز مُشک موی[۱۱]

از آن ماهش[۱۲] اومید[۱۳] فرزند بود　　که خورشید چهره[۱۴] بَرومند بود

ز مادر جدا شد بدان[۱۵] چند روز　　نگاری چو خورشید گیتی فروز

به چهره نکو[۱۶] بود برسان[۱۷] شید　　ولیکن همه موی بودش سپید[۱۸]

پسر چون ز مادر برین[۱۹] گونه زاد　　نکردند یك هفته بر سام یاد[۲۰]

شبستان آن نامور پهلَوان　　همه پیش آن[۲۱] خُرد کودك نَوان

کسی سام یل را نیارَست گفت　　که فرزند پیر آمد از خوب جفت

یکی دایه بودش بکردار شیر　　برِ پهلَوان اندرآمد دلیر[۲۲]

۱- **لن، ق[۲]، پ، آ**: مهر و رای؛ **لی**: همان تخت فیروزه جای؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل- آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

برو(**لی**: بدو)کردنیز(**لن**: تیزکرد؛ **ق[۲]،پ**: نیزکرد)آفرین‌شهریار　　بسی دادش از هدیهٔ (**ل**: گوهر) شاهوار

ل: برو آفرین کرد پس شهریار

این بیت در **ف، س، ل[۲]** نیست　۲- **ل**: چو؛ متن= یازده دستنویس دیگر　۳- **ق، پ**: خرامید؛ **و**: گرایید؛ **ل[۲]**: گزارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ل- آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

خرامید و شد سوی آرامگاه　　همی گشت (**ل**: کرد) گیتی بآیین (**ق، لی**: بارام) و راه (**ق**: گاه)

این بیت در **ف، س، ل[۲]**(و نیز **س[۲]**)نیست　٤- **ف**: گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن پسرش از مادر و بینداختن سام زال را؛ **ل، لی**: داستان سام و (**لی**: با) زال و سیمرغ؛ **س**: زادن زال از مادر؛ **لن**: گفتار اندر زادن زال از مادر؛ **ق**: اندر مولود زال سام و کار او با سیمرغ؛ **ق[۲]، پ، ب**: داستان سام نریمان (**ب**: < نریمان>) با (**پ**: با پسرش) زال؛ **و**: داستان زال زر و زادن او و از مادر؛ آ: آغاز داستان؛ **ل[۲]**: داستان زال و پروردن سیمرغ او را؛ متن= آغاز **ف**　۵- **ق**: از؛ **س، لی** این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر　٦- **لن**: از　۷- **ف، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): عجب؛ متن= ده دستنویس دیگر　۸- **س، و**: نبد هیچ؛ **ق**: نبود هیچ؛ **ب**: نه می بود؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۹- **س- ب**: جویا (**ب**: جویان) دلارام را؛ **ل[۲]**: دلش را نبود ایچ آرام را؛ متن= **ف، ل**　۱۰- آ: او　۱۱- آ: مو؛ **لی**: و از مشك موی؛ **لن**: چو گلبرگ رخ هردو و ز مشك موی؛ **ل[۲]**: که از لاله رخ داشت و ز مشك موی؛ **ب**: ز برگ گلش روی و از مشك موی؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۲-**پ**: نامش　۱۳- **ل، س، لن، ق، لی- ب**: امّید؛ متن= **ف، ق[۲]**　١٤- **ف، ل، پ، و** (و نیز **لن[۲]**): خورشید چهر و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]**)؛ **ل، لن- آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز سام نریمان همو (**لی**: همی) بار داشت　　ز بار گران تنش (**ق[۲]، لی**: گرانش تن؛ **و**: گرانش دل) آزار داشت

این بیت در **ف، س، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)نیست　۱۵- **ل**: بران؛ **س، لی، و، آ، ل[۲]**: دران؛ متن= **ف، لن، ق، ق[۲]، پ، ب**؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۴۹ آمده است　١٦- **ل، لن، ق، پ، و، آ، ب**: چنان؛ **ق[۲]**: چنین؛ **س**: برخسارگان بود؛ متن= **ف، لی، ل[۲]**　۱۷- **ل، لن**: تابنده؛ متن= ده دستنویس دیگر　۱۸- **لی، و، ب**: سفید　۱۹- **ل، س، و**: بران؛ **لن، لی، آ**: بدین؛ **ق، ب**: بدان؛ **پ**: ز مادر پسر چون بدین؛ **ل[۲]**: پسر را چو مادر بدین؛ متن= **ف، ق[۲]**　۲۰- **لی**: مر سام یاد؛ **ق**: نکردند بر سام یك هفته یاد　۲۱- **ل[۲]**: این؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۴۶ آمده است　۲۲- **ل- پ، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آمد بر پهلوان مژده داد　　زبان برگشاد آفرین کرد یاد

این بیت در **ف، س، و، آ، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)نیست

که بر سام یل روز فرخنده باد — دل بدسگالان او[1] کنده باد
پس پرده اندر یل[2] نامجوی — یکی پاك پور آمد از[3] ماه‌روی
تنش نقره‌ی پاك[4] و رخ چون بهشت[5] — بروُ[6] بر نبینی یك اندام زشت
از آهو همان کِش سپیدست[7] موی — چُنین بود[8] بخش تو ای نامجوی[9]

فرود آمد از تخت سام سُوار — به پردهَ نْدرآمد[10] سُوی نوبهار
چو فرزند را دید مویش سَپیدْ[11] — ببود از جهان سربسر[12] نا امید
سوی آسمان سر برآورد راست — ابا کردگار او به پَیگار خاست[13]
که ای برتر از کژّی و کاستی[14] — بهی زان فزاید که تو خواستی
اگر من گناهی گران کرده‌ام — وگر کیش[15] آهَرمَن[16] آورده‌ام[17]
به پوزش[18] مگر کردگار جهان — به من بر ببخشاید اندر نِهان

۱- **س، ب**: تو؛ **ق، و**: وی؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن- پ، ب** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:
بداد آنچ از (**ق**: آنك ز؛ **ق، لی، ب**: آنچه ز) ایزد همی خواستی — کجا (**ق، ق**[۲]**، لی، ب**: همی) جان بدین (**ق**: بدان) خواهش آراستی
پ: بدادت خدای آنچه میخواستی
این بیت در **ف، ل، س، و، آ، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) نیست ۲- **ل، ق، و**: پس پردهٔ تو درای؛ **س**: پس پرده اندرت؛ **لن، ق**[۲]**، پ، آ**: پس پردهٔ تو ایا؛ **لی**: پس پردهٔ تو یکی؛ **ب**: ترا در پس پرده‌ای؛ متن= **ف، ل**[۲] ۳-**ل، لن، لی- ب**: یکی پور پاك آمد از (**لن، پ**: آمده؛ **و**: < از > (وزن نادرست است))؛ متن= **ف، س، ق، ق**[۲]؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:
یکی پهلوان بچهٔ شیر دل — نماید (**لی**: برآمد) بدین خردگی چیر دل
٤- **ل، ق**: نقرهٔ سیم؛ **و**: نقره سیم و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **ق**: رویش بهشت؛ **و**: رخش چون بهشت ٦- **لی**: بدو؛ در **لن** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷- **ب**: سفیدست ۸- **ب**: است ۹- **لن، پ**: بخشش ابا نامجوی؛ **و**: بهر تو ای نامجوی؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **لن** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **لن** پس از بیت ۵۴ و **ق، ق**[۲]**، لی، پ، ب** پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:
بدین بخششت (**ق**: گردشت) کرد باید پسند — مکن جان‌تو(**ق**[۲]**،لی،ب**: جانت)نسپاس(**لی،پ**: نشناس)ودل‌رانژند
ق: مکن نا سپاسی و دل در مبند
این بیت در **ف، ل، س، و، آ، ل**[۲]نیست ۱۰- **ل- ب**: به پرده در آمد؛ متن= **ف** (و نیز **س**[۲]): اندر آمد (← **ضحاک**، بیت ۴۰) ۱۱- **لی، و، ب**: سفید ۱۲- **لن، ق**[۲]**، لی، پ**: یکسره؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:
بترسید سخت از پی (**ق**: از ره؛ **و**: از بد) سرزنش — شد از راه دانش بدیگر منش
این بیت در **ف، ل، س، آ، ل**[۲] نیست ۱۳- **ف، ل**[۲]: ابا کرده کار پیکار خواست (وزن نادرست است)؛ **ل، س، ق، و، آ**: ز دادار (**ل**: داداور) آنگاه (**و**: داننده) فریاد خواست؛ **لی**: ازان کردهٔ خویش زنهار خواست؛ متن= **لن، ق**[۲]**، پ، ب** ١٤- آ: راستی ۱۵- **لن، پ**: دین ١٦- **لی، و**: اهریمن؛ متن= ده دستنویس دیگر (: اهرمن) ۱۷- **ف**: آزرده‌ام؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۸- **ل**[۲]: ببودش؛ **و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:
چو آگاهی آید بهر انجمن — که از پشت سام آمدست اهرمن
بروی مهان چون گشایم دو چشم — گه از سرزنش گه ز تیمار و خشم
نباشد بجز کامهٔ بد سگال — بود تازه هر چند بگذشت سال
اگر بخشش دادگر یك خدای — بدین چاره باشد مرا رهنمای
بماند مرا نام با آب روی — نباید روان داشت بر رخ دو جوی
و گرنه بجا مانم این انجمن — گریزان از این بچه اهرمن
شوم ناپدید از میان گروه — نه بیند مرا کس به هامون و کوه
ازین ننگ بدخواه تا جاودان — بود شاد و از من زند داستان
ازین زندگی مرگ خوشتر بسی — نخواهد که ماند بدینسان کسی
چو دشمن بود شاد و نالنده دوست — شود زندگی تلخ و مردن نکوست
سر افکنده مردم ز دد کمتر است — همان خاك او را بهین بسترست
ازین اهرمن ساز نا پاك تن — بدرّم همی پوست بر خویشتن
ندانم همی چارهٔ این مگر — بود بخشش داور دادگر
ببخشد برین بندهٔ پرگناه — بر آرد مر او را ازین ژرف چاه

بپیچد همی تیره جانم ز شرم — بجوشد همی در دلم[1] خون گرم
ازین بچّه چون بچّه‌ی اَهرمَن — سیه پیکر و موی سر چون سمن[2]
چو آیند و[3] پرسند[4] گردنکَشان — چه گویم[5] ازین بچّه‌ی بدنشان
چه گویم[6] که این بچّه‌ی دیو چیست[7] — پلنگ[8] دو رنگست گر بربریست[9]
ازین ننگ بگذارم ایران زَمین — نخوانم[10] برین بوم و بر[11] آفرین

بفرمود پس تاش[12] برداشتند — از آن[13] بوم و بر[14] دور بگذاشتند
بجایی که[15] سیمرغ را خانه بود — بدان[16] خانه آن[17] خرد[18] بیگانه بود
نهادند بر[19] کوه و گشتند باز — برآمد برین[20] روزگاری[21] دراز
چُنان[22] پهلوان زاده‌ی بی گناه — ندانست[23] رنگ سَپید[24] و[25] سیاه
پدر[26] مهر و پیوند بفگند خوار — جفا کرد با[27] کودك[28] شیرخوار
یکی داستان زد برین[29] شیر پیر[30] — کجا کرده بد بچّه را سیر شیر[31]

۱- **لن، ق۲، لی، پ**: تنم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **ق۲، و**: سیه چشم و مویش بسان (**و**: موي سرش چون) سمن؛ **ب**: همه موی و روی و سرش چون سمن؛ **لن، لی** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳- **س، ق، ق۲**، آ: <و> ٤- **س**: پرسنده ۵- **س، ق۲**: بپرسند؛ **لن، ق**: بترسند؛ **لی**: نشانها؛ **پ**، آ: چه گویند؛ **ل۲**: برسند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، ل، و، ب** ٦- **و**: بگویم ۷- **لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب**: کیست؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ**، آ ۸- **ل**: پلنگ و؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۹- **ف، ق، لی، و**، آ، **ب** (و نیز **س۲**): با بربریست (در **ف** حرف های یکم و پنجم و در **و** حرف های یکم و سوم و هفتم نقطه ندارند)؛ **ل**: وگرنه پریست؛ **لن، ق۲، پ** (و نیز **ل۳، لن۲**): یا خود پریست؛ متن= **س، ل۲**؛ **لن، ق۲، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بخندند بر من مهان جهان — بمن بر نبخشند اندر نهان
ق۲، ب: ازین بچه در آشکار و نهان

۱۰- **پ**: بخوانم ۱۱- **س، ب**: برین (**ب**: بدین) زاد و بوم؛ **لن، ق، ق۲، لی، پ، و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بگفت و بخشم او (**ق**: بخشمش؛ **ب**: ز خشمش) بتابید روی — همی کرد با بخت خود گفت و گوی
و: بگفت این بخشم و بتابید روی

این بیت در **ف، ل، س**، آ، **ل۲** نیست ۱۲- **س**: تاکه ۱۳- **ق، پ، و**، آ، **ب**: وزان ١٤- **ل۲**: بوم و در؛ **لن- و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی کوه بد نامش البرز کوه — بخورشید نزدیك و دور از گروه

۱۵- **لن، ق۲، لی، پ**: بدانجای؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٦- **ل**: بران؛ **لی**: چنان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۷- **لن، ق۲، لی، پ**: از؛ **ق، و**، آ: این؛ متن= **ف، ل، س، ل۲، ب** ۱۸- **لن، ق۲، لی، پ**: خلق؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- **ل۲**: در ۲۰- **لی**: بدین؛ **ل۲**: بران ۲۱- **ف**: روزگار؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۲- **ف**: چو آن؛ **ل۲**: جهان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- **س، و**: ندانسته ٢٤- **لی، و، ب**: سفید ۲۵- **ل، لن، ق، پ**، آ، **ب**: از؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، و، ل۲** ٢٦- **لن**: بدو ۲۷- **لن، ق۲، لی، ل۲، ب**: بر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۸- **ق۲**: کودکی؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

جهاندار یزدان جان آفرین — از آن کار بر سام بر خشم کین
به بیماری او را همی آزمود — یکی درد کش هیچ درمان نبود
پزشکان گشتی به سام انجمن — همی چاره سازید از مرد و زن
مگر به شود هیچ بهتر نشد — کسی سوی آن درد رهبر نشد
بدانست سام نریمان درست — که یزدان ورا زان گنه کرد سست
همان خرد کودك بدان جایگاه — شب و روز افکنده بد بی پناه
زمانی سرانگشت را می مزید — زمانی خروشیدن از بر کشید

۲۹- **لی**: بدین؛ **ق** این بیت را ندارد ۳۰- **لن، ق۲، پ**: نرّه شیر؛ **و**: پیر شیر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- **لن، پ، و**: شیر سیر؛ **ق۲**: از شیر سیر؛ **ل، س**: کجا بچه را کرده بد سیر شیر؛ **لی**: کجا داده بد بچه را سیر شیر؛ آ: که فرزند را کرده بد سیر شیر؛ متن= **ف، ل۲، ب**

که گر من ترا خون دل دادمی — سپاس ایچ[1] بر سرت ننهادمی[2]
که تو خود مرا ویژه خون دلی[3] — دلم بگسلد گر ز من بگسلی

چو سیمرغ را[4] بچّه شد[5] گرسنه — به پرواز برشد دمان از بنه[6]
یکی شیرخواره خروشنده[7] دید — زمین را چو[8] دریای جوشنده[9] دید
ز[10] خاراش گهواره و[11] دایه خاك — تن از جامه دور و لب[12] از شیر پاك
به گِرد اندرش تیره خاك نژند — بهسربرش خورشید گشته بلند
پلنگش بُدی کاجکی[13] مام و باب — مگر[14] سایه‌یی یافتی زآفتاب[15]

فرود آمد از ابر سیمرغ و[16] چنگ — بزد برگرفتش از آن گرم[17] سنگ
ببردش دمان تا به البرز کوه — که بودش بر آنجا[18] کُنام[19] گروه
سُوی بچّگان برد تا بشکرند[20] — بدان[21] ناله‌ی[22] زار او ننگرند[23]
ببخشود یزدان نیکی دِهش — همه[24] بودنی داشت اندر روش[25]
نگه کرد سیمرغ با[26] بچّگان — بدان[27] خُردِ خون از دو دیده چکان[28]
شِگفتی، بدوبر[29] فگندند[30] مهر — بماندند خیره در آن[31] خوبچهر
شکاری که[32] نازك تر آن[33] برگزید — بدو داد تا او به لب می مزید[34]
برین[35] گونه تا روزگاری دراز — برآورد و دارنده[36] بگشاد[37] راز

۱- لی، آ: آنچه؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- لی: بنهادمی ۳- ل، پ: که تو خود مرا دیده و هم دلی؛ لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]، ب: تو خود مر(ل[2]: که تو مر؛ ب: که خود تو) مرا زنده همچون (و، آ: جان و) دلی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، س؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سیمرغ بزال بگرفتن او را و بپیش بچگان بردن و پروردن زال را ٤- پ: با ۵- ل[2]: چو سیمرغ شد بچه را ٦- ق: پران از بنه؛ ق[2]، لی: بلند از بنه؛ لن: بر آمد از آن کوه سر یك تنه؛ پ: بیامد خود از کوه سر تا بنه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- آ: خروشیده ۸- لن، پ: زمین همچو ۹- آ: جوشیده ۱۰- ق: چو ۱۱- لن، ق[2]: <و> ۱۲- ل[2]: تن از جامه و دو لب ۱۳- ف- ق[2]، پ- ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]): کاشکی؛ متن= لی، ب ۱٤- لن، پ: که تا ۱۵- ف: سایه کردیش از آفتاب؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2])؛ لن- و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

خداوند مهری به سیمرغ داد — نکرد او (لی: نکردش) بخوردن از آن خرد یاد
پ: نکرد او بخورد از لب خرد یاد
و: که از خوردن او نکرد ایچ یاد

این بیت در ف، ل، س، آ، ل[2] نیست ۱٦- ل: <و> ۱۷- س: کوه؛ لن، پ: نرم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- ل، لن، ق[2]، لی، پ، آ: بدانجا؛ ق، و: در آنجا؛ ل[2]: نشست و؛ س این بیت را ندارد؛ متن= ف، ب ۱۹- ل، و، آ: کنام و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- س: نشکرند؛ آ: بشکرد؛ بشکرند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن این بیت را ندارد: متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل: بران ۲۲- ل: ناله و ۲۳- لن، پ، ل[2]: بنگرند؛ آ: بنگرد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٤- لن، ق[2]، لی: یکی؛ ق، پ، آ: کجا؛ و، ل[2]، ب: همی؛ متن= ف، ل، س ۲۵- ل، س، لن، ق[2]- و، ل[2]، ب (و نیز ل[3]): بوش (در ل روش داشته، آنرا به بوش برگردانده‌اند)؛ ق: رهش؛ (لن[2]، س[2]: برش)؛ متن= ف، آ ۲٦- آ، ب: تا ۲۷- ل: بران؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۸- ب: بدان خرد چون بگسلانند جان ۲۹- س، لن، ق[2]، پ، آ، ل[2]: برو؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ب ۳۰- ل: بیفکند؛ ل[2]، ب: گرفتند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۱- ل: بران؛ س، لن، ق[2]، لی، پ، ب: بدان؛ متن= ف، ق، و، آ، ل[2] ۳۲- پ، آ: ز؛ لن این بیت را ندارد ۳۳- ل: نازك ترین؛ آ: نازك بر آن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٤- ل، س، ق، ق[2]، لی، ل[2]، ب: که بی (ل[2]: کبی) شیر مهمان همی خون مزید؛ پ، و، آ: بدو داد تا از لبان می مزید (و: می مکید)؛ متن= ف؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بمردار خویشش همی پرورید — ابا بچگانش همی آرمید
مدار این تو از کار یزدان شگفت — فکنده نشد هر که او برگرفت

۳۵- لن، آ: بدان؛ لی، ب: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٦- ل، ل[2]: بر آورد داننده؛ س: بر آورده دارنده؛ لن، ق[2]: بر آورد دارنده؛ ق: بر آمد چو داننده؛ لی: بدان راز داننده؛ و: برو راز داننده؛ متن= ف، پ، آ، ب ۳۷- ل[2]: نگشاد

چُن آن[۱] کودكِ خُرد پُرمایه گشت — بران کوه‌بر کاروان‌ها[۲] گذشت
یکی مرد شد چون یکی زادسرو — برش کوهِ سیم و[۳] میانش چو غَرو
نشانش پراگنده شد در جهان — بد و نیك هرگز نماند نِهان

گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان[۴]

به سام نریمان رسید آگهی — از آن نامور[۵] پور با فرّهی
شبی از شبان[۶] داغ دل خفته بود — ز کار زمانه برآشفته بود
چُنان دید کز کشور هندوان[۷] — یکی مرد بر تازی اسپی[۸] دوان
[فراز[۹] آمدی تا بنزدیك سام — سُواری سرافراز و گرد و هُمام[۱۰]]
وُرا مژده دادی به[۱۱] فرزند اوی[۱۲] — بران[۱۳] بُرز[۱۴] شاخ بَرومند اوی[۱۲]
چو بیدار شد موبدان را بخواند — وُزین[۱۵] در سَخُن چند گونه براند
بدیشان[۱۶] بگفت آنچ[۱۷] در خواب دید — جز آن هر چه[۱۸] از کاردانان شنید
چه گویید گفت اندرین داستان — خردتان بدین[۱۹] هست همداستان

هر آنکس که بودند پیر و جوان — زبان برگشادند بر پهلَوان[۲۰]
که بر سنگ[۲۱] و بر خاك[۲۲] شیر و پلنگ — چه[۲۳] ماهی بدآب اندرون[۲۴] با[۲۵] نهنگ
همه بچّه را پرورانندهاند[۲۶] — ستایش به یزدان رسانندهاند[۲۷]

۱- **ف**: چنان؛ **ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): چو آن؛ **و** (و نیز **لن۲**): چو این؛ متن= (**س۲**) **۲- لن، لی، پ**: روزگاری؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **بنداری**: وكانت القوافل تعبر تحت ذلك الجبل **۳- ل، لی**: سیمین؛ متن= ده دستنویس دیگر **٤- ف**: گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان اندر حق زال پسرش و رفتن بطلب او؛ **س، لن، ق۲، لی**: بخواب (**لن، ق۲**: خواب) دیدن سام کنام سیمرغ را (**س**: کنام سیمرغ را با زال زر؛ **ق۲**: کنام مرغ با زال؛ **لی**: کنام سیمرغ با زال)؛ **ق**: خواب دیدن سام و تدارك نمودن حال زال؛ **پ**: خواب دیدن سام از حال پسر؛ **و، آ**: خواب دیدن سام نریمان (**و**: . . . و باز آوردن زال را از کوه)؛ **ل۲**: خبر یافتن سام از حال زال و خواب او؛ **ب**: بخواب دیدن سام سیمرغ؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف** **۵- ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲** (و نیز **س۲**): نیك پی؛ متن= **ف، ق، و، ب** (و نیز **ل۳، ل۲**) **٦- ل۲**: ز شبها شبی؛ **ق** از این بیت تا بیت ۱۰۳ را انداخته است **۷- ل، و، آ، ب**: چنان دید در خواب کز هندوان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۸- ل۲**: اسبان؛ **آ**: یکی مرد تازی اسبی (وزن نادرست است) **۹- ق۲**: براز؛ **ل، س، لن، ق، پ، آ، ب** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، لی، و، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) **۱۰- لی**: سرافراز گرد همام؛ **و، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): سرافراز و گردی (**و**: مردی) تمام؛ در **ق۲** لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= **ف** **۱۱- لی، پ**: ز **۱۲- ل، س، ق۲، آ، ل۲**: او؛ متن= **ف، لن، لی، پ، و، ب** **۱۳- لن، و، ل۲، ب**: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ق** **۱٤- لن**: شاد **۱۵- ل، و**: ازین؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ق** **۱٦- ل۲**: بایشان **۱۷- پ، و، آ، ل۲، ب**: آنچه؛ **لن، ق** این بیت را ندارند؛ در **ق۲** این بیت پاك شده است؛ متن= **ف، ل، س، لی** **۱۸- ل**: هرچ **۱۹- ل، لی، پ، و، آ**: برین؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، ل۲، ب**؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

که زنده‌ست آن (**پ**: این) خرد کودك هنوز — وگر (**لی، ب**: و یا) شد ز سرمای (**ب**: سرما و) مهر و تموز

این بیت در **ف، ل، ق، و، آ، ل۲** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست **۲۰- س، لن، ق۲، لی، ب** پس از این بیت و **و** پس از بیت ۱۰۱ افزوده‌اند (در **ق۲** لت یکم این بیت پاك شده است):

که هر کو به یزدان شود ناسپاس — نباشد بهرکار (**ب**: کاری (وزن نادرست است)) نیکی شناس

این بیت در **ف، ل، ق، پ، آ، ل۲** نیست **۲۱- ل**: کوه؛ **ل۲**: خاك؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ق** **۲۲- آ**: خاك و؛ **ل۲**: سنگ **۲۳- لی**: چو **۲٤- ف، لن، لی، پ، و، آ، ب**: به آب اندرون؛ **ل**: بدریا درون؛ متن= **س، ق۲، ل۲** **۲۵- آ**: تا **۲٦- ل، ق۲، آ، ل۲**: پرورانیده‌اند؛ **س، لن**: پرورانده‌اند (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، لی، پ، و، ب** **۲۷- ل، و، آ، ل۲**: رسانیده‌اند؛ **س، لن**: رسانده‌اند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ در **ق۲** این واژه پاك شده است؛ متن= **ف، لی، پ، ب**؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

پسر داد یزدان بینداختی — ز بی باکی ارجش نبشناختی

تو[1] پیمان نیکی دِهش بشکنی　　چُنان بی گنه بچّه را بفگنی
به یزدان کنون سوی پوزش گرای　　که اویست بر نیک و بد[2] رهنمای

چو شب تیره شد رای خواب آمدش　　کز[3] اندیشه‌ی دل[4] شتاب آمدش
چُنان[5] دید در خواب کز کوه هند　　درفشی برافراختندی[6] بلند[7]
غلامی پدید آمدی[8] خوبروی　　سپاهی گران از پسِ پشتِ اوی
به دست چپش بر یکی موبدی　　سُوی راستش نامور بخردی
یکی پیش سام آمدی زان[9] دو مرد　　گشادی زبان را[10] به گفتار سرد
که ای مرد ناباکِ[11] ناپاك رای　　دل و دیده شسته ز شرم خدای[12]
ترا دایه گر مرغ شایسته‌یی[13]　　پس این پهلوانی چه بایسته‌یی[14]
گر[15] آهوست بر مرد موی سپید[16]　　ترا ریش و سر[17] گشت چون خنگ بید[18]
پس از آفریننده بیزار شو　　که در تَنْت[19] هر روز رنگیست نو
پسر گر[20] بنزد پدر بود[21] خوار　　کنون هست پرورده‌ی کردگار
کزو[22] مهربان تر بدو[23] دایه نیست　　ترا خود به مهر اندرون مایه نیست

به خواب اندرون برخروشید سام　　چو شیر ژیان کاندر آید به دام[24]

۱- **ف**: چو؛ در **ق**۲ این بیت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ق** (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲)؛ **لن، ق**۲**، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز موی سپیدش (**لی، ب**: سفیدش) دل آری بتنگ　　تن روشن پاك ازآن (**ق**۲**،ب**: ازین؛ **لی**: زین؛ **پ**: را) نیست ننگ
نگر تا نگویی که او زنده نیست　　بیارای و بر جستنش بربایست (**لی، پ**: مه‌ایست)
که یزدان کسی را که دارد نگاه　　ز گرما و سرما نگردد تباه
ق۲**، لی، ب**: نگردد ز سرما و گرما تباه

این بیت در **ف، ل، س، ق، و،** آ، **ل**۲ نیست　۲- ل: بر نیکویی؛ **ق**۲**، لی**: نیکی ده و؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگربجز **ق**　**۳- ل، ق، و،** آ: از؛ **س**: وز؛ متن= **ف، ق**۲**، لی، ل**۲**، ب**　**٤- لن، پ**: گران شد سرش در؛ **لی، ل**۲**، ب**: کز اندیشه دل بر (**ل**۲: پر)　**۵- ل**۲: چنین　**٦- ل**: برافراشتندی؛ **ق، پ،** آ: برافراختی چون؛ متن= هشت دستنویس دیگر　**۷- س، لن، ق، ق**۲**، پ،** آ، **ب**: پرند؛ متن= **ف، ل، لی، و، ل**۲ (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲)　**۸- ل**: آمد (وزن نادرست است)؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: زاییدن زال از مادر　**۹- لی**: زین؛　**۱۰- ل- و، ل**۲**، ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲): زبان بر گشادی؛ متن= **ف،** آ　**۱۱- ل**: ناباك و؛ **س، لن، ق**۲**، لی، پ، ل**۲: بی باك؛ آ، **ب**: ناپاك؛ متن= **ف، ق، و**　**۱۲- س، لن، ق**۲**، لی، پ**: ز دیده بشستی تو شرم خدای؛ متن= هفت دستنویس دیگر　**۱۳- ل- و، ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲): شاید همی؛ آ: شایسته بود؛ **ل**۲: شایستدی؛ (**س**۲: شایستنی)؛ متن= **ف** (: شایسیئی)　**١٤- ل- و، ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲): باید همی؛ آ: بایسته بود؛ **ل**۲: بایستدی؛ (**س**۲: بایستنی)؛ متن= **ف** (: بایستنی (حرف ششم نقطه ندارد))　**۱۵- پ**: که　**١٦- لی، و، ب**: سفید　**۱۷- س، لن، ق**۲**، لی، ب**: موی سر؛ **و**: ریش چون؛ متن= **ف، ل، ق، پ،** آ، **ل**۲ (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲)　**۱۸- ف** (و نیز **س**۲): خنگ و بید؛ **ق، لی، و**: خشك بید؛ **پ،** آ: برگ بید؛ **ل**۲: حند بید (← خنگ بید)؛ (**لن**۲: مشك بید)؛ متن= **ل، س، لن، ق**۲**، ب** (و نیز **ل**۳)؛ **لن، ق**۲**، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

همان و همین (**ق**۲: همین بدهمان؛ **ب**: همین بدهمین) ایزدت هدیه داد　　همی (**لی**: چرا) کم کنی تو ببیداد داد

۱۹- س: در دینت (!)؛ **و**: بر تنت؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۲۰- ف**: چون؛ **لن، ق**۲**، لی، و، ب** (و نیز **ل**۳): کو؛ متن= **ل، س، ق، پ،** آ، **ل**۲ (و نیز **لن**۲، **س**۲)　**۲۱- س**: هست؛ **ق، لی، پ، و،** آ، **لن**۲**، ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲): بنزدیك تو بود؛ متن= **ف، ل، لن، ق**۲　**۲۲- ق**: که زو　**۲۳- ل، ق**: ترا؛ **س، ق**۲، آ، **لن**۲**، ب**: برو؛ **و**: ورا؛ متن= **ف، لن، لی، پ**　**٢٤- س، لن، ق، ق**۲**، لی، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بترسید ازآن خواب کز (**ق،ق**۲: وز) روزگار (**س،ق**: کردگار)　　نباید که بیند (**ق**: که دیگر ببیند) بدآموزگار (**س،ق**: روزگار؛ **لی**: کارزار)

چو بیدار شد بخردان[۱] را بخواند   سران[۲] سپه را همه برنشاند
بیامد دمان[۳] سوی آن[۴] کوهسار   که افگندگان را[۵] کند خواستار
سر اندر ثریا یکی کوه دید   که[۶] گفتی ستاره بخواهد کشید
نِشیمی ازو[۷] برکشیده بلند   که ناید ز کیوان بروبر[۸] گزند
فرو برده از شیز و[۹] صندل عمود   یك اندر دگر[۱۰] بافته[۱۱] چوب عود[۱۲]
بدان[۱۳] سنگ[۱۴] خارا نگه کرد سام   بدان[۱۵] هیبت مرغ و هول کنام
یکی کاخ بُد تارَك[۱۶] اندر سماك   نه از رنجِ دست[۱۷] و نه از آب و خاك[۱۸]
ابر[۱۹] آفریننده کرد آفرین[۲۰]   بمالید رخسارگان بر زَمین[۲۱]
کزانسان[۲۲] درو[۲۳] کوه و[۲۴] مرغ آفرید[۲۵]   ز خارا[۲۶] سر اندر ثریا کشید
بدانست کو دادگر[۲۷] داورست   توانا و از[۲۸] برتران برترست
ره برشدن جست و کی بود راه   دد و دام را بر چُنان جایگاه[۲۹]
همی گفت کای[۳۰] برتر از جایگاه[۳۱]   ز روشن گُمان[۳۲] و ز خورشید و ماه
گر این[۳۳] کودك از پاك پشت[۳۴] من ست   نه از تخم بدگوهر[۳۵] آهَرمَن ست[۳۶]

۱- **ب**: موبدان ۲- **ق، و**، آ: سراسر؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد ۳- **ل**[۲]: دوان ٤- **ف**: تا سوی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۵- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، و، ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]): که افکندهٔ خود؛ متن= **ف، ل، ق**، آ (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) ٦- **س، لن، پ، ل**[۲]: تو؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **لی، ب** پس از این بیت سرنویس دارند، **لی**: رفتن سام بکنام سیمرغ بطلب زال؛ **ب**: رفتن سام بطلب زال ۷- **ف**: بدو؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۸- **ف**: بدوبر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۹- **لن**: <و> ؛ **ق**[۲]، **لی**: شیر و؛ **پ**: شین و؛ **و**: چوب و؛ آ: شین؛ **ل**[۲]: شیر؛ متن= **ف، ل، س، ق، ب** ۱۰- **س**: یکی از دگر ۱۱- **ق، و**: ساخته؛ آ: تافته؛ **ل**[۲]: یافته ۱۲- **لن**: همچو عود؛ **ق**[۲]: چوب و عود؛ **لی**: یك اندر تافته چوب عمود (وزن نادرست است) ۱۳- **س، ق**[۲]: بران ١٤- **و**: کوه ۱۵- **ف**: بد از؛ **ق**[۲]: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ١٦- **لی**: یکی کاخ دیدش سر ۱۷- **ل، س، ق، لی، پ**، آ: دست رنج ؛ **لی، ق**[۲] این بیت را ندارند؛ متن= **ف، و، ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۱۸- **ل، پ**: سنگ و خاك؛ **ق**: سنگ خاك؛ **لی**: آب پاك؛ آ: دست خاك؛ متن= **ف، س، و، ل**[۲]، **ب**؛ **س، ق، لی، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

ستنبه (**لی**: نشسته) جوانی بکردار سام   بدیدش (**س**: بدیدی) که میگشت گرد (**ق**: که گشت او بگرد) کنام

۱۹- **ل، س، ق، ق**[۲]: بران؛ **لی، پ، ب**: بدان؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، و**، آ، **ل**[۲] ۲۰- **پ**: بدان آفریننده را کرد یاد (!) ۲۱- **لی**: بمالید چندی رخ اندر زمین ۲۲- **ل**: که زانسان؛ **لن، پ**: کزینسان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- **س، لن، ق**[۲]، **پ**: بران؛ **لی**: بدان؛ **ب**: در آن؛ متن= **ف، ل، و**، آ، **ل**[۲] ٢٤- **لن، ق**[۲]، **لی، ب**، آ، **ب**: <و> ۲۵- **ق**: کزانسان دد و مرغ و دام آفرید؛ (**س**[۲]: کزانسان دد و مرغ و کوه آفرید؛ **ل**[۳] نیز نخست برابر **س**[۲] بوده است، ولی آنرا برابر متن برگردانده‌اند) ٢٦- **ف**: ز هامون؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): بخارا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۲۷- **ف**: کو را یکی ؛ (**س**[۲]: کز دادگر)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۲۸- **لن، ق**[۲]: بر ۲۹- **ق**[۲]، **ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

نیایش کنان گرد بر کوه بر (**ب**: گرد آن کوه و در)   بر آمد که جایی ندید او کمر (**ب**: بیابد گذر)

۳۰- **س**: ای ۳۱- **ق**: برتر از جای و ز جایگاه (وزن نادرست است) ۳۲- **ل، ق**: مکان؛ **لن، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب**: روان؛ متن= **ف، س، ق**[۲]، **لی، و**؛ **لن، ق، ق**[۲]، **لی، پ، و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند (در **ق** لت ها پس و پیش شده‌اند):

بپوزش بر تو سر افکنده‌ام (**لی**: سرافکنده‌ایم)   ز ترس تو جانرا پراکنده‌ام (**لی**: پراکنده‌ایم)

برخی از دستنویس ها پس از این بیت و برخی پس از بیت ۱۲۸ و برخی پس از بیت ۱۲۹ بیت هایی افزوده‌اند و پیاپی بیت های میان ۱۲۷ تا ۱۳۰ در برخی از دستنویس ها در هم ریخته است (← ۱۲۹پ) ۳۳- **س**: آن ۳٤- **ل**، آ، **ب**: از پشت پاك؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- **و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): وارونه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **س**[۲]) ۳٦- **لی، و**: اهریمنست

ازین[۱] برشدن بنده را دست گیر — مرین[۲] بی گنه را تو اندرپذیر[۳]

چُنین گفت سیمرغ با پور سام — که ای دیده رنج[۴] نِشیم و کُنام
پدر سام یل پهلوان جهان — سرافرازتر[۵] کس میان مِهانْ
بدین کوه[۷] فرزند جوی آمده‌ست — ترا نزد او آب روی[۸] آمده‌ست
روا باشد اکنون که برادرمت — بی آزار نزدیك او آرمت[۹]

به سیمرغ بنگر[۱۰] که دستان چه گفت — که سیر آمده‌ستی[۱۱] همانا زجفت
نِشیم تو فرخنده[۱۲] گاه من ست — دو پرّ تو فرّ[۱۳] کلاه من ست

۱- لی: بدین **۲- ق، ق[۲]، و**: مران **۳- ل- پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): تو کن دلپذیر؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **س- و، ب** پس از این بیت بیت هایی افزوده‌اند:

i برحمت برافراز (**س**: بنیکی سرافراز) این بنده را — بمن بازده پور افکنده را
چو با داور این رازها گفته شد — نیایش همانا که پذرفته شد
نگه کرد سیمرغ ز (**و**: از) افراز کوه — بدانست چون سام دید و گروه (**ق**: چون دید سام و گروه)
که آن (**ب**: این) آمدنش از پی بچه بود — نه از بهر سیمرغ او رنجه بود (**ق**: و آن لجه بود)
زبان و دلش سود آنگه نمود — که شد آزموده ز چرخ کبود

برخی از دستنویس ها پس از این بیت ها یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، **لن، لی**: رفتن سام بکنام سیمرغ بطلب زال؛ **پ**: آمدن سام بکوه بطلب زال زر؛ **ب**: رفتن سام بطلب زال؛ پیاپی بیت های ۱۲۷- ۱۳۰ در دستنویس ها: **ف، ل، آ، ل[۲]** (و نیز: **لن[۲]، س[۲]**): ۱۲۷- ۱۳۰ (بیت های ۱۲۷پ و i را ندارند)؛ **س**: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، i1,3,4، ۱۳۰ (بیت های ۱۲۷پ و i2,5 را ندارد)؛ **لن، ق[۲]، پ**: ۱۲۷، ۱۲۷پ، ۱۲۹، i1، ۱۲۸، i2-4، ۱۳۰ (بیت i5 را ندارند)؛ **ق**: ۱۲۷، ۱۲۷پ، i1، ۱۲۸، ۱۲۹، i3-5 (بیت i2 را ندارد)؛ **لی، و، ب**: ۱۲۷، ۱۲۷پ، ۱۲۸، ۱۲۹، i1-4، ۱۳۰ (بیت i5 را ندارند)؛ پیاپی بیت های متن= **ف، ل، آ، ل[۲]** (و نیز: **لن[۲]، س[۲]**) **٤- ل[۲]**: رنج از؛ **س- پ، ب** (و نیز: **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ترا پروریده (**لی**: پرورنده) یکی دایه‌ام — همت (**لن**: همه) دایه هم نیك (**ق[۲]، لی، ب**: دایه و نیز) سرمایه‌ام
نهادم ترا نام دستان زند — که با تو پدر کرد دستان و بند
بدین نام چون بازگردی ز جای (**لن، ق**: بجای) — بگو(**ب**: نگر)تات‌خواندیل(**س**: خوانندهم؛ **ق**: خوانندای؛ **ب**: خواندبدین)رهنمای

این بیت ها در **ف، ل، و، آ، ل[۲]** (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) نیست **۵- س، ل[۲]**: سزاوار تر **٦- ب**: سرافراز بر مهتران و کهان؛ **ل[۲]** پس ازاین بیت سرنویس دارد: آوردن سیمرغ < زال > را نزدیك سام **۷- س**: ازین گونه؛ **ق، آ، ل[۲]**: بدین گونه؛ **و**: برین گونه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۸- ق**: آبرو؛ **آ**: آب و روی **۹- ق، و**: سام آرمت؛ **س، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند (در **س** پس از بیت یکم بیت ۱۳۱ دوباره آمده است؛ در **ق، ق[۲]، لی، ب** بیت چهارم پس از بیت یکم آمده است و در **پ** بیت های سوم و چهارم پس و پیش شده‌اند):

جوان چون ز سیمرغ بشنید این — پر از آب چشم و دل اندوهگین
اگر چند مردم ندیده بد اوی (**ق**: او) — زسیمرغ‌آمخته‌بد(**ق[۲]**: آموخته)گفت‌وگوی(**ق**: گفت‌وگو)
زبان و خرد بود و رای (**پ**:رایش) درست — بتن (**ق، ق[۲]، ب**: بدین) نیز یاری ز یزدان بجست
بر آواز (**ق**: بآواز) سیمرغ گفتی (**پ**: راندی) سخن — فراوان خرد بود و دانش کهن

این بیت ها در **ف، ل، و، آ، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) نیست **۱۰- ق، ل[۲]**: بشنو **۱۱- لن، پ**: مگر سیر گشتی؛ **ق، آ**: که سیر آمدی تو؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۲- ل، س، لن، ق[۲]، و- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): رخشنده؛ متن= **ف، ق، لی، پ** **۱۳- ب**: فرخ؛ **لن، ق، ق[۲]، لی، پ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

سپاس ازتودارم هم(**ق،ق[۲]**: پس؛ **لی**: **و**)ازکردگار — بمان تا گذارم برت روزگار
ق، ق[۲]، لی: که آسان شده از تو دشوار کار

چُنین داد پاسخ که گر تخت و گاه[۱]　　ببینی و رسم کیانی کلاه[۲]
مگر کین[۳] نِشیمت نیاید بکار　　یکی آزمایش کن از روزگار[۴]
ابا خویشتن بر یکی پرّ من　　همیشه همی باش در فرّ من[۵]
که در زیر پرّت بپروردهام[۶]　　ابا بچّگانت برآوردهام[۷]
گرت هیچ سختی بروی آورند　　گر[۸] از نیك و بد[۹] گفت و گوی آورند
بر آتش[۱۰] برافگن[۱۱] یکی پرّ من　　ببینی[۱۲] هم اندر زمان فرّ من[۱۳]
همانگه بیایم چو ابر[۱۴] سیاه　　بی آزارت آرم بدین[۱۵] جایگاه

دلش گشت[۱۶] پدرام و[۱۷] برداشتش　　گرازان به ابر[۱۸] اندرافراشتش
ز پروازش آورد پیش[۱۹] پدر　　رسیده به زیر برش[۲۰] موی سر
تنش[۲۱] پیلوار و دو رخ[۲۲] چون بهار[۲۳]　　پدر چون بدیدش بنالید زار
فرو برد سر پیش سیمرغ زود　　نیایش همی بافرین برفزود[۲۴]
سراپای[۲۵] کودك[۲۶] همه بنگرید[۲۷]　　همی[۲۸] تاج و تخت کیی را سَزید

۱- ف: که تخت و کلاه؛ **لن، ق۲، لی، پ** (و نیز **لن۲، س۲**): که گر تاج و گاه؛ **ل۲**: که آن تاج و گاه؛ متن= **ل، س، ق، و، آ، ب** (و نیز **ل۳**) **۲- ف**: رسم کیانی و گاه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۳- س**: مگر این؛ آ: نگر کین **٤- لی**: بهان تا گذارم برت روزگار؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از این بیت افزودهاند:

نه از دشمنی دور دارم ترا　　سوی پادشاهی گذارم (**س**: گزارم) ترا
ترا (**و**: کجا) بودن ایدر مرا درخورست　　ولیکن ترا آن ازین بهترست

این بیت ها در **ف، ل، ق، آ، ل۲** (و نیز **س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزودهاند **۵- ل، آ**: خجسته بود سایهٔ فرّ من؛ **س، لن، پ** (و نیز **لن۲**): همی باش در سایهٔفرّ من؛ **ق** (و نیز **ل۳**): ببینی هم اندر زمان فرّ من؛ **ق۲، و**: همیشه همی باش با فرّ من؛ **لی** (و نیز **س۲**): چو خواهی که بینی سبك فرّ من؛ **ل۲**: همی باش پیوسته در فرّ من؛ متن= **ف، ب** **٦- پ**: برآوردهام **۷- پ، ب**: بپروردهام (**پ** پساوند ندارد)؛ در **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ** این بیت پس از بیت ۱۴۱ آمده است **۸- ل، و، آ، ب**: ور **۹- لن، ق۲، لی، پ**: ز نیك و ز بد؛ **س، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزودهاند؛ متن= **ف، ل** **۱۰- لی، ب**: بآتش **۱۱- آ**: ابر آتش افکن **۱۲- و**: که بینی **۱۳- پ، آ**: برآرد همه کام تو فرّ من؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزودهاند؛ در **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ** این بیت پس از بیت ۱۳۹ آمده است **١٤- س، ق۲، لی، ب**: ابری؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۵- پ**: برین؛ **ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از این بیت افزودهاند:

فرامش مکن مهر دایه ز دل　　که در دل مرا مهر تو دلگسل

این بیت در **ف، س، و، آ، ل۲** (و نیز در **س۲**) نیست **١٦- س، لن، ق۲، پ، آ، ب**: کرد؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) **۱۷- ق**: <و>؛ **ب**: پس رام و **۱۸- آ**: ز بام **۱۹- ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ**: نزد؛ **و**: سوی؛ متن= **ف، س، ل۲، ب** **۲۰- پ، آ**: پی اش **۲۱- ل، ق**: تنی؛ **لن، ق۲، پ**: تن **۲۲- ل، آ**: و برخ؛ **لن، ق، پ**: و رخ؛ **و**: و رخش؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، ل۲، ب** **۲۳- س، ق۲، ب**: نگار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲٤**- در آلت های این بیت پس و پیش شدهاند؛ در **ل**، و پس از این بیت بیت ۱۵۰ آمده است؛ **لن، ق، ق۲، لی، پ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از این بیت افزودهاند:

که ای شاه مرغان ترا دادگر　　بدان (**لی**: ترا) دادنیرووزور (**ق، ق۲، ب**: ارج) وهنر
که فریاد (**لن**: بفریاد) بیچارگان (**ق**: بیچارهو) یاوری　　بنیکی بهر (**لی**: بهرنیکی بهر(!)) داوران (**ق**: داوری) داوری
ز تو بدسگالان همیشه نژند　　بمان همچنین جاودان زورمند

لن، ق۲، لی، پ یك بیت دیگر نیز افزودهاند:

هم (**ق۲**: پس) آنگاه سیمرغ برشد به کوه　　بمانده برو چشم سام و گروه

۲۵- و: سرو پای **۲٦- ل، س، ق، ب**: همی **۲۷- لن، ق۲، لی، پ**: پس آنگه سراپای کودك بدید؛ متن= **ف، آ، ل۲** **۲۸- لن، پ**: همان؛ آ: همه

بر و بازوی شیر و خورشید روی[۱]   دل پهلوان، دست شمشیر جوی
سیاهش مژه[۲] دیده‌ها[۳] قیرگون   چو بُسّد[۴] لب و رخ همانند[۵] خون
دل سام شد چون بهشت برین   بران پاك فرزند کرد آفرین[۶]
تنش را یکی پهلوانی قبای   بپوشید و ز[۷] کوه بگذارد[۸] پای
فرود آمد از کوه و بالای خواست   همان[۹] جامه‌ی خسروآرای خواست
سپه یکسره پیش سام[۱۰] آمدند   گشاده دل و شادکام[۱۱] آمدند
تبیره‌زنان پیش بردند پیل   برآمد یکی گرد چون کوه[۱۲] نیل
خروشیدن کوس با کرّه‌ٔ نای   همان زنگ زرّین و هندی درای
سُواران همه نعره برداشتند   بدان[۱۳] خرّمی راه بگذاشتند
به شادی به شهر اندرون آمدند   ابا پهلوانی فزون آمدند
یکایك[۱۴] به شاه آمد این[۱۵] آگهی   که سام آمد از کوه با فرّهی
بدان[۱۶] آگهی شد منوچهر شاد   بسی[۱۷] از جهان آفرین کرد یاد

۱- ل[۲]، ب: و چون شید روی **۲- ل- پ، آ، ب**: سیه مژّه و؛ **ل[۲]**: سیه مژگان؛ متن= **ف، و** (ونیز **ل[۳]**) **۳- لن- پ، آ**: دیدگان؛ **ل[۲]**: دیدهٔ؛ متن= **ف، ل، س، و، ب** (ونیز **ل[۳]**) **٤- لن، پ**: دو بسّد؛ **لی، ب**: چو پسته **۵- ل، س، ق، ق[۲]، لی، ب**: بمانند؛ **لن، پ**: بکردار؛ متن= **ف، و، آ، ل[۲]**؛ **س- و** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

جز از موی بروی (**لی، و**: موبروبر) نکوهش نبود   بدی(**و**: بد)دیگرش‌را(**س**: از؛ **لن**: دیگراورا؛ **پ**: دیگری‌را)پژوهش‌نبود

این بیت در **ف، ل، آ، ل[۲]، ب** (ونیز در **س[۲]**) نیست **٦-** در **ل، و** این بیت پس از بیت ۱۴۶ آمده است؛ **س- و، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بمن ای پسر گفت دل نرم کن   گذشته مکن یادودل (**و**: خون) گرم کن
منم کمترین بنده (**و**: منم بنده پاك) یزدان پرست   از آن (**ق، لی، ب**: ازین) پس که آوردمت باز دست
پذیرفته‌ام از (**لن، پ**: پذیرفتم اندر) خدای بزرگ   که دل بر (**ب**: با) تو هرگز ندارم سترگ
بجویم هوای تو از نیك و بد   ازین‌پس‌چه(**ب**: چو)خواهی توچونان(**ق**: چونین)سزد(**ب**: بود؛ **پ**: چنان‌می سزد)

این بیت در **ف، ل، آ، ل[۲]** (ونیز در **س[۲]**) نیست **۷- س، لن، لی- ب**: از؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق** **۸- ف- ب** (ونیز **لن[۲]، س[۲]**): بگزارد؛ متن تصحیح قیاسی است **۹- س، لن، پ**: یکی؛ **ق[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۰- آ**: او؛ **۱۱- آ**: تازه روی؛ در **ق[۲]** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

همی مرورا زال زر کرد نام   چو دستان ورا کرد سیمرغ نام

۱۲- ف، و (ونیز **لن[۲]**): گرد؛ **ل** (ونیز **ل[۳]**): مانند؛ **س، ل[۲]**: همرنگ: **ق**: چون آب؛ متن= **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** (ونیز **س[۲]**)؛ در **ق[۲]** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۱۳- ل، ق**: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ل، ق، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو اندر هوا شب علم برگشاد   شدآن روی (**ق**: ترك) رومیش زنگی نژاد
بران دشت و(**ل**: < و>) هامون فرودآمدند   بجستند ویکبار (**آ**: یکباره) دم برزدند
چو بر چرخ گردان درفشنده شید   یکی خیمه زد از حریر سپید

این بیت ها در نه دستنویس دیگر (ونیز در **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) نیست **١٤- س**: زکابل؛ **لن، ق[۲]، لی، پ** (ونیز **لن[۲]**): ززابل؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۵- ب**: آن؛ در **ق[۲]** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **١٦- س، ق[۲]، و**: ازان؛ **لی**: ازین؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۷- لن، لی، پ**: همی؛ در **ق[۲]** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **س**: آگاهی یافتن منوچهر از حال سام با زال؛ **لن**: رفتن نوذر بنزدیك سام بزابل؛ **ق**: آگاهی یافتن منوچهر از بازیافتن سام زال را و فرستادن نوذر تهنیت و طلب ایشان؛ **ق[۲]**: خبر یافتن منوچهر از کار سام و زال؛ **لی**: بازآمدن سام از کوه و آوردن زال؛ **پ**: آگاه شدن منوچهر از حال سام با زال زر و قصّه او؛ **و**: گفتار اندر طلب کردن منوچهر شاه زال زر را

بفرمود تا نوذر نامدار … شود تازنان[۱] پیش[۲] سام سُوار
کند آفرین کَیانی بروی[۳] … بران[۴] شادمانی که بگشاد[۵] روی
بفرمایدش تا سُوی شهریار … شود تا سَخُنها کند خواستار[۶]
ببیند یکی روی[۷] دستان سام … که بُد پرورانیده اندر کُنام[۸]
وُزانجا سُوی زاولستان[۹] شوذ[۱۰] … بر آیین خسروپرستان شوذ

چو نوذر بر[۱۱] سام نیرم رسید … که پور جهان پهلوان[۱۲] را بدید
فرود آمد از اسپ[۱۳] سام سُوار … گرفتند مر یکدیگررا کنار
ز شاه و ز گردان[۱۴] بپرسید سام … وُزیشان[۱۵] بدو داد[۱۶] نوذر پیام[۱۷]
چو بشنید پیغام شاه بزرگ … زمین را ببوسید سام سُترگ
دمان[۱۸] سوی درگاه بنهاد روی … چُنان کەش[۱۹] بفرمود دیهیم جوی

۱- **ل، ل**[۲] (ونیز **س**[۲]): تا زبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (**ل**[۳]: تازیان)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **لن**[۲]) ۲- **لن، پ، و**: سوی؛ در **ق** پس از این بیت بیت ۱۶۴ آمده است ۳- **ق، ق**[۲]**، لی، ب**: بدوی ٤- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب**: بدان؛ **ق**: ازان؛ **و**: بدین؛ متن= **ف، ل**، آ، **ل**[۲] ۵- **لی، پ، و**: بنمود ٦- **ل**[۲] این بیت را ندارد؛ در **ق، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **و** (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

که شاه کیان از جهان کردگار … همی خواست پنهان و هم آشکار
که بخشد جهان پهلوان را به مهر … یکی خوب فرزند با رای و چهر
که باشد پرستندهٔ تخت شاه … نگهبان کشور ستون سپاه
چنین است فرمان یزدان بداد … که گیتی نماند مگر بر نژاد
بویژه نژاد جهان پهلوان … که فرخنده‌مان باد تا جاودان
چو آگاهی آمد بشاه جهان … که مر سام را بچه آمد نهان
مر او را بیفکند و از کردگار … نترسید نز هول روز شمار
بسختی ز مرگ فریدون کرد … مگر این سخن را فزونتر کرد
مر این کرده را چاره بشناخت نیز … گمان برد کو را پرآمد قفیز
دگر باره چون مژده آمد یکی … که برخاست دستان فرخنده کی
سپاس از جهاندار دانست نیز … بدرویش بخشید بسیار چیز
بهر کشور این مژدهٔ دلفروز … رسید و شب انده آمد بروز
همی خواهد اکنون که باز از نخست … ببیند تن پهلوان را درست

۷- **و**: همان چهرهٔ خوب؛ **ل**[۲]: ببینم یکی روی ۸- **لی، ب**: بدیدار ایشان شود شادکام؛ در **ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **ب** این بیت هم بگونهٔ **لی** پیش از بیت ۱۶۲ آمده است و هم بگونهٔ متن پس از بیت ۱۶۲؛ **ب** پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن نوذر بدیدار زال ۹- **س، ق**[۲]**، ل**[۲]**، ب**: زابلستان؛ **ل**: وزینجا بسوی سیستان؛ **لن، پ**: وزان پس سوی زابلستان؛ متن= **ف، ق، و**، آ ۱۰- **س، لن، ق**[۲]**، پ**: شوند؛ در **ق** این بیت پس از بیت ۱۶۰ آمده است؛ **لی** این بیت را انداخته و بجای آن بیت های ۱۶۱ و ۱۶۲ را دوباره نوشته است ۱۱- **ب**: سوی ۱۲- **ل**: یکی نوجهان پهلوان؛ **س، ب**: یکی نوجوان پهلوان؛ **لن، ق**[۲]**، لی، ل**[۲]: کی نوجهان پهلوان؛ **پ**: گزین نوجهان پهلوان؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): کی نامور پهلوان؛ آ: گزین جهان پهلوان؛ متن= **ف، ق** (ونیز **س**[۲]) ۱۳- **ل**: باره؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ١٤- **س**: بزرگان؛ **ب**: لشکر ۱۵- **ل، ق، و**: ازیشان ١٦- **س**: داشت ۱۷- **ل**[۲]: پیاده شد از اسب و بگزارد گام ۱۸- **ل، لن، ق، ق**[۲]**، پ**: دوان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- **س**: چون؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ** (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

فراز یکی پیل نر (**ق**[۲]: بر) زال زر … نشاند و براندش سبک سوی در
لی: نشانده براندند نزدیك در

چُن[۱] آمد بنزدیکی شهرِ شاه[۲] — سپهبد پذیره شدش با سپاه[۳]
دِرفش منوچهر چون دید سام — پیاده شد از اسپ[۴] و بگذارد[۵] گام
منوچهر فرمود تا برنشست — مرآن[۶] پاك دل مرد[۷] خسرو[۸] پرست
سُوی تخت ایران[۹] نهادند روی — چه دیهیم دار و چه دیهیم جوی
منوچهر بر گاه بنشست شاد — کلاه بزرگی[۱۰] به سر برنهاد
به یك دست قارن به یك دست سام[۱۱] — نشستند روشن دل و شادکام
پس آراسته زال را پیش شاه — به زرّین عَمود و به زرّین کلاه
گُرازان بیاورد سالار بار — شِگفتی بماند اندرو[۱۲] شهریار
بدان[۱۳] بُرز بالا و آن[۱۴] خوب چهر — تو گفتی[۱۵] که آرام جان ست و مهر
چُنین گفت مر سام را شهریار — که از من تو این را به زنهار دار
به خیره میازارش از هیچ روی — به کس شادمانه مشو جز بدوی[۱۶]
که فرّ کَیان دارد و چنگ شیر — دل هوشمندان[۱۷] و آهنگ شیر[۱۸]

پس از کار سیمرغ و کوه بلند — وُزان[۱۹] تا چرا خوار گشت[۲۰] ارجمند

۱- **ل- ب**: چو؛ متن= **ف** ۲- **ل، لن، ق۲، لی، پ**: شهریار؛ آ: بنزدیك او شهریار؛ متن= **ف، س، ق، و، ل۲، ب** ۳- **ل**: ازکنار (← بی کیار؟)؛ **س**: بی سپاه؛ **لن، ق۲، لی، ب**: با نثار؛ آ: بی کنار (← بی کیار؟)؛ متن= **ف، ق، و، ل۲، ب** (ونیز **ل۳**)؛ **ل۲** پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام نزد منوچهر شاه ٤- **ل، ل۲**: باره؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- **ف، س- ب**: گزارد؛ متن= **ل** ٦- **ف، و**: چنان؛ **س، ل۲**: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **ل، ق، و**: گرد؛ **ب**: شاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- **لن، لی، پ، ل۲**: یزدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

بپرسید ازان درد و بیماریش — که بد شاه از آزار با زاریش
سپاسم ز یزدان که از پهلوان — جدا کرد آن گرم و رنج روان
بدو داد فرزند گم کرده را — وزو کرد خشنود آزرده را

ف پس از بیت ۱۷۲ سرنویس دارد: گفتار اندر رفتن سام با زال بنزدیك شاه منوچهر و پذیره شدن منوچهر ایشان را و نواختن زال زر ۹- **لن، ق۲، لی، پ**: تخت و ایوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- **لن**: کیانی کله را؛ **ق۲، لی، پ**: کلاه کیانی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **ل، ق**: بدیگر چو سام؛ **لن، ق۲، لی، پ**: بدیگرش سام؛ متن= **ف، س، و، آ، ل۲، ب** ۱۲- آ: اندران؛ **لن، ق۲، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگه منوچهر با سام گفت — که این را همانا کسی نیست جفت

۱۳- **ل، ل۲، ب**: بران؛ **لن، ق۲، لی**: بدین؛ **پ**: برین؛ متن= **ف، س، ق، و، آ** ۱٤- **ل**: بالای آن؛ **لی**: بالا بدین؛ **پ**: بالا واین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- **لن، ق۲، لی، پ**: گویی؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

ستاره‌شناس آنگهی شاه خواند — بپرسید و با وی نهانی براند
کزین پیرسر پهلوان جوان — ببینی بسی دشمنان بی روان
ترا ای شه از وی بسی فرهی — فزاید ز دادت بسی فربهی
نژادش نژاد ترا پرورند — همانرا ستاینده و سرورند

۱٦- **ب**: به کس شاد مشو تو الا بدوی؛ **لن، لی** این بیت را ندارند ۱۷- آ: هوشیاران ۱۸- **س، لن، ق۲، ب**: اورنگ و ویر؛ **لی**: آهنگ زیر؛ **پ**: اورنگ زیر؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل۲**؛ **لن، ق، ق۲، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

بیاموز او را ره و ساز رزم — همان شادکامی و آیین (**لی**: و) بزم
ندیدست جز مرغ و کوه و کنام — کجادانَد آیین ها راتمام (**ق**: آیین ورسم کرام)

۱۹- **ف**: بدان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۰- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ**: شد؛ متن= **ف، ق، و، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**)

یکایك همه سام با او[1] بگفت   ز خورد و ز جای و ز خفت و نهفت[2]
وُ زافگندن زال بگشاد راز   که چون گشت بر سر[3] سپهر از فراز
سرانجام گیتی ز سیمرغ و زال   پر از[4] داستان شد به[5] بسیار سالَ[6]

۱- ق، و: وی ۲- ل، ق، آ: هم از آشکارا هم اندر نهفت (ق: و هم از نهفت)؛ س، ق[2]، لی: ز خورد و ز خفت و ز جای نهفت؛ لن، پ: ز خواب و ز خورد و ز جای نهفت؛ (ل[3]: ز خورد و ز خفت و ز جفت و نهفت؛ س[2]: ز خورد و ز خواب و ز جای نهفت)؛ متن= ف، و، ل[2]، ب (و نیز لن[2]) ۳- ل، و: با او؛ ق، ل[2] این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤- و: یکی؛ آ: بران ۵- ل: گشت ٦- ل[2]: تو گفتی که هستند هر سه همال (= 5 ب)؛ همهٔ دستنویس ها پس از بیت ۱۸۵ بیت هایی افزوده‌اند و برخی از دستنویس ها باز برین بیت ها نیز بیت های دیگری افزوده‌اند. این افزوده های سپسین در میان چنگك نهاده شده‌اند:

[همی دید هر کس که آنجا گذشت   بران کوه بر کاروان برگذشت]
برفتم به فرمان گیهان خدای   به البرز کوه اندران صعب (ل: زشت) جای
یکی کوه دیدم سر اندر سحاب   سپهرست گفتی ز خارا (لن: جهانرا) بر آب
بدوبر(آ، ب: بروبر)نشیمی(ق،آ: نشیمن)چوکاخی(ق،لی،پ،آ، ب: کاخ)بلند
ز هرسو برو بسته راه گزند
بدوی(ق-آ، ب: بدو)اندرون‌بچهٔ(ق،لی: بچه‌و)مرغ‌وزال
توگفتی که‌هستند هرسه(س،لن،ق[2]،لی،پ،ب: دو)همال
همی بوی‌مهرآمد(آ: آید)ازباد(ف،لن،ق،ق[2]،پ،آ: یاد)اوی(ل،ق[2]،آ، ل[2]،ب: او)
ف،س: به‌دل‌راحت(س: شادی)آردهمه‌یاد(ف: باد)اوی
ل،لن،ل[2]: همه‌راحت(ل[2]: شادي)آمدهم(لن: آورد)ازباداو(لن: اوی)
ق،پ،و،آ، ب: همه‌راحت‌آرد(ق: آمد)همی‌باد(ب: یاد)اوی(آ، ب: او)
ق[2]: همه راحت آوردمی باد او
[نبد راه بر کوه از هیچ روی   دویدم(س،ق: بگشتم)بسی گرداو(لن: وی؛ ق: آن)پوی‌پوی]
[مرا بویهٔ (ب: پویهٔ) پور گم بوده خاست   بدلسوزگیِ جان همی رفت خواست (ب: راست)]
ابـاداورراست(لـن،ق[2]،لی،پ،ل[2]: پاك؛ آ: داد)گفتم(ق: گویم)براز   که ای چارهٔ خلقِ و خود (لـن: که ای داور پاك و هم) بی نیاز
ل، و، آ: که ای آفرینندهٔ بی نیاز
رسیده به هر جای برهان تو   نگردد فلك جز به فرمان تو
یکی بنده‌ام با (لن، ق[2]، و: من) دلی (ل، ق، پ، آ، ل[2]:تنی) پر گناه   به پیش (لن، ق[2]، پ: بنزد) خداوند خورشید و ماه
امیدم به بخشایش تست و (ل، ب: < و>) بس   به چیزی دگر نیستم دسترس
تو این بندهٔ مرغ پرورده را   به‌زاری‌وخواری(لن،ق[2]،لی،پ،و: بخواری‌وزاری)براورده‌را
همی چرم (ف، ل: پرّ) پوشد (و: ساید) بجای حریر   مزد گوشت هنگام پستان (ل[2]: مژ یده بود گوشت هنگام) شیر
[رسان باز من یا مرا راه کن   سوی او و این (لن، پ: بمن بر همه) رنج کوتاه کن]
به بد (و: به بی) مهری من روانم مسوز   به من باز بخش و (ب: بخشش) دلم برفروز
به فرمان یزدان چو این گفته شد   نیایش‌هماناکه‌پذرفته(ل،ل[2]،ب: همانگه‌پذیرفته؛ س،لن: همانگاه‌پذرفته)شد
بزدپرّ(لن،پ: بپرّید)سیمرغ‌و(لی: پرّسیمرغ)برشدبه‌ابر(ف: برابر؛ و: بلند)   همی (لي: همه) حلقه زد برسر مرد گبر
و: فرود آمد آنجا که بد سودمند
ز کوه اندر آمد چو ابر بهار   گرفته تن زال را در (ل: بر) کنار
[ز بویش جهان پاك پر (لن، پ: جهانی پر از) مشك شد   دو دیده مرا با دو لب خشك شد]
[زسهم‌وی(لـی: من)وبویهٔ(ب: پویهٔ)پورخویش   خرد در سرم پای نگرفت بیش]
به پیش من آورد چون دایه‌ای   که در (پ: از) مهر باشد ورا مایه‌ای
[زبانم برو بر ستایش گرفت   به سیمرغ بردم نماز ای شگفت]
[بمن ماند فرزند و خود بازگشت   ز فرمان یزدان نشاید (لـن: که شاید) گذشت
ق،ق[2]،ب: زیزدان‌وحکمش‌نشایدگذشت]
من آوردمش نزد شاه جهان   همه آشکارات (ل، ب: آشکاراش) کردم (ق: گفتم) نهان
س،لن،ق[2]-و: همه‌آشکارابکردم(و: نمودم)نهان

بیت 1تنهادرق آمده است؛ ل[2] ۱۸۵ب‌وبیت های2,3,4,5آرا انداخته‌واز۱۸۵ آو5ب‌یك بیت ساخته است؛ درب‌بیت‌های5و6پس‌وپیش شده‌اند؛ بیت7تنهادرس، لن،ق،ق[2]،پ،ب آمده است؛ بیت8تنهادرس،لن،ق[2]،لی،پ،ب آمده است؛ بیت15تنهادرلن،ق[2]،لی،پ،و،ب آمده است؛ بیت20تنهادرلن،ق[2]،لی،پ،ب آمده است؛ بیت21تنهادرق[2]،لی،پ،ب آمده است؛ بیت23تنهادرلن،ق،ق[2]،پ،ب آمده است؛ بیت24تنهادرلن،ق،ق[2]،پ،ب آمده است؛ لی‌بیت‌های6و10و11را نداردودرآن بیت‌های16و17پس‌وپیش شده‌اند؛ ل[2]پس ازبیت25سرنویس دارد: نوازش منوچهر سام‌وزال‌را

بفرمود پس شاه تا[۱] موبدان ستاره‌شناسان و هم[۲] بخردان

بجویند[۳] تا اختر زال چیست بران[۴] اختر و[۵] بخت سالار[۶] کیست

چو گیرد بلندی چه خواهد بُدن همان[۷] داستان از چه[۸] خواهد زدن

ستاره‌شناسان هم اندر زمان[۹] ز[۱۰] اختر گرفتند یك یك[۱۱] نشان

بگفتند با شاه دیهیم دار که شادان بزی تا بود روزگار[۱۲]

که او پهلوانی بود نامدار سرافراز و هشیار و گرد و سوار[۱۳]

چو بشنید شاه این سَخُن شاد شد دل پهلوان از غم آزاد شد

یکی خلعتی ساخت[۱۴] شاه زَمین که کردند هر کس برو[۱۵] آفرین

ز[۱۶] اسپان تازی به زرّین ستام ز شمشیر هندی به زرّین نیام

ز دیبا و[۱۷] خزّ و ز یاقوت و زر ز گستردنی های بسیار مر

غلامان رومی به دیبای روم همه پیکر از گوهر[۱۸] و زرّ بوم[۱۹]

زَبرجد طبق‌ها و[۲۰] پیروزه جام چه از زرّ سرخ و[۲۱] چه از سیم خام

پر از مشك و کافور و پر زعفران همه پیش بردند فرمانبران

همان جوشن و ترگ و برگُستوان[۲۲] همان نیزه و تیر و گرز و کمان[۲۳]

همان تخت پیروزه[۲۴] و تاج[۲۵] زر همان مُهر یاقوت[۲۶] و زرّین کمر

به مُهر[۲۷] منوچهر عهدی نبشت[۲۸] سراسر ستایش[۲۹] بسان بهشت

همه کاول[۳۰] و دنبر و مای[۳۱] و هند ز دریای چین[۳۲] تا به دریای سند

ز زاولستان[۳۳] تا بدان روی[۳۴] بُست به نوّیی نبشتند[۳۵] عهدی درست

۱- **س**: با (نقطه ندارد)؛ **لی**: بر؛ آ، **ب**: با؛ متن= **ف، ل، لن- و ۲- لن**: از؛ **ل**[۲] این بیت را انداخته و بجای آن بیت زیر را افزوده است:

پس آنگه منوچهر بنواختشان سوی زابلستان فرستادشان (پساوند ندارد)

۳- ل: که جویند **٤- لی**: بدان **٥**- آ: <و> ؛ **ل، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب** (و نیز **س**[۲]): از؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) **٦- س**: بیدار؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و درمتن بجای آن بیت زیر آمده است:

بگویند مر سام را ز اخترش که او برفرازد بگردون سرش

در **ل**[۲] از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ افتاده است **۷- س، ق**[۲]- آ: همه؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، لن، ب ۸- ف**: را چه؛ **س، لن، ق**[۲]: بر چه؛ **لی**: داستان ها باید؛ متن= **ل، پ، و**، آ، **ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **۹- س، لن، ق**[۲]**، پ**، آ، **ب**: همه هم زبان؛ **لی** (و نیز **س**[۲]): و هم موبدان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) **۱۰- ل**، آ: از **۱۱- ل، و**، آ (و نیز **لن**[۲]): پیدا؛ **ب** (و نیز **ل**[۳]): یکسر؛ **س، لن، ق**[۲]**، پ**: گرفتند پیدا ز (**ق**[۲]**، پ**: از) اختر؛ متن= **ف، لی** (و نیز **س**[۲]) **۱۲- س، ق، ق**[۲]**، ب** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **ق** بجای این بیت بیت زیر آمده است:

سزد کو بود مر جهان را پناه بگفتیم ازین پیشتر ما به شاه

۱۳- ق این بیت را ندارد **١٤**- آ: خواست؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب**: یکی خلعت آراست؛ متن= **ف، ل، س، ق، و ۱۵- ل، لن، لی، ب**: بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **١٦- س**- آ، **ب**: از؛ متن= **ف، ل، و**، **۱۷- ف**: ز دیبای؛ **ل، لی**: ز دینار و؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **۱۸- س، ق**[۲]**، لی، ب**: پیکرش گوهر؛ **لن**: گوهرش پیکر؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، پ، و**، آ **۱۹- لی**: زرّ روم (!)؛ آ: زر و بوم (!) **۲۰- پ**: طبقهای **۲۱- ل، ق**، آ: خشك و؛ **ب**: پخته؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، ل**[۲]**، س**[۲]) **۲۲- لی**: همان جوشن و تیغ و گرز گران؛ آ: همان گرز و کوپال و برکستوان **۲۳- ل، ق، و**: گرز گران؛ **لن، ق**[۲]**، پ**: تیغ و تیر و کمان ؛آ: تیر و تیغ بران؛ **ب**: تیغ و گرز گران؛ **لی**: همان ترگ و نیزه و برگستوان (وزن ندارد)؛ متن= **ف، س ٢٤- لی**: فیروزه **۲۵- س**: کاخ (!) **٢٦- لن**: زرین **۲۷- ل، لن، پ**، آ: وزان پس؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **۲۸- ق**: نوشت **۲۹- ق**، آ: همیدون **۳۰- ف- ب**: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۳۱- ل**: زابل و مای؛ **ق، و**، آ: شهر کشمیر؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **۳۲- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب**: روارو چنین؛ متن= **ف، ل، ق، و**، آ **۳۳- س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، و، ب**: زابلستان؛ متن= **ف، ل، ق**، آ **٣٤- س**: تا بدریای؛ **پ**: تا بران روی؛ آ: تا بدین روی؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] **۳۵- ل، و**: نوشتند؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]؛ در **و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

چو این عهـد و خلعـت بیاراسـتـنـد   پس اسـپ جهـان[1] پهـلوان خواسـتـنـد
چو این کرده شد[2] سام بر پای خاسـت   که ای مهـربـان[3] مهـتـر داد و راسـت
ز ماهـی به انـدیشـه[4] تا چرخ ماه   چو تو شاه ننـهـاد بر سر کلاه
به مهـر و به داد و به خوی و[5] خرد   زمـانـه همـی[6] از تو رامش برد
همـه گنـج گیتـی به چشـم تو خوار   مبـادا ز تو نام تو یادگـار[7]
فرود آمـد و تخـت را داد بوس   ببـسـت از بر[8] کوهـه‌ی پیل کوس
سُوی زاولـسـتـان[9] نهـادنـد روی   نِظاره بریشـان[10] همـه شهـر و کوی
چو آمـد به نزدیکـی نیمـروز   خبـر شد ز[11] سالار گیـتی فـروز
بیاراسـتـنـد سیسـتـان[12] چون بهـشـت   گِلش مشـك سارا بُد[13] و زرّ خشـت[14]
به سر[15] مشـك و دینـار برریخـتـنـد[16]   بسـی[17] زعـفـران و درم بیخـتـنـد[18]
یکـی شادمـانـی بُد انـدر جهـان   سراسـر میان کِهـان و مِهـان[19]
هر آنـجـا که بُد مهـتـری نامـجـوی   ز گیتـی سُوی سام بنـهـاد روی[20]
که فرخـنـده بادا پی این جوان[21]   برین[22] پاك دل[23] نامـور پهـلوان
چو بر پهـلوان آفـرین خوانـدنـد   ابـر زال بر زر برافـشـانـدنـد[24]
نشـسـت آنـگـهـی سام با رود و جام[25]   همـی داد چیز و همـی رانـد[26] کام
کسـی کو به خلعـت سَزاوار بود   خردمـنـد بود و جهـانـدار بود

۱- **ق**: ز دربارهٔ؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- **ب**: چنین گفت چون ۳- **س**: پهلوان؛ **لن، ق۲، پ**: بگفت ای (**ق۲**: این) گزین؛ **لی**: بگفت ای گو؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب** ٤- **ل**: بر اندیشه؛ **ق، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): بر اندیش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) ۵- **ق**: بخوبی؛ **س، ق۲**: به مهر و به رای و به خوی و؛ **لن**: به مهر و به خوی و برای و؛ **لی**: بخوی و بمهر و برای و؛ **پ**: بمهر و بخوبی برای و؛ متن= **ف، ل، و، آ، ب** ٦- **لی**: همی زمانه (وزن نادرست است) ۷- آ: نام بد یادگار؛ **ق**: زمین برخرد نامور شهریار (!) ۸- **س- و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ببستند بر؛ متن= **ف، ل، آ** ۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، ب**: زابلستان؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** ۱۰- **س- پ، آ**: بروبر؛ متن= **ف، ل، و، ب** ۱۱- **ل، و، آ**: به؛ **ب**: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲**؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

بیامد ابا خلعت و تاج و زر   ابا عهد و منشور و زرین کمر

۱۲- **ل، ق**: بیاراسته سیستان؛ **لن، لی، پ**: شبستان بیاراسته؛ (**ل۳**: بیاراست مر سیستان)؛ **ق۲**این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، و، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**؛ وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت **د** را پس از هجای بلند انداخت ← بیت ۱۳۷۳) ۱۳- **س، ق، و، آ**: شد ١٤- **و**: زرش خشت؛ آ: زر و خشت؛ **لن، لی، پ**: گلشن مشك شد نیز (**لی**: < نیز>) و زر گشت خشت؛ متن= **ف، ل، ب** ۱۵- **س، لن، لی، ب**: بسی؛ **و، ب**: همی؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، آ** ١٦- **س، لن، ق، ق۲، لی**: بر بیختند؛ **ب**: همی مشك با زر برآمیختند؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ** ۱۷- **ل، ق، و**: زبر؛ آ: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲** ۱۸- **س- لی، ب**: ریختند؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ**؛ در **ق۲** این بیت با بیت ۲۱۵ پس و پیش شده است ۱۹- **و**: میان کهان و میان مهان؛ در **س** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **ق۲** این بیت را ندارد ۲۰- در **ق۲** این بیت با بیت ۲۱۳ و در آ با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- **و**: باد این نو آیین جوان ۲۲- **ب**: بدین ۲۳- **لن**: باره در؛ **پ**: باره و؛ **ق۲، لی**: تازه دل؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲**؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ٢٤- **ل**: ابر زال زر < زر > برافشاندند (وزن نادرست است)؛ **س، ق، ق۲، آ، ب** (و نیز **س۲**): ابر زال زر زر برافشاندند؛ **لن، پ**: ابر زال زر گوهر افشاندند؛ **لی**: ابر زال < زر > گوهر افشاندند (وزن نادرست است)؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): ابر زال گوهر برافشاندند؛ متن= **ف** ۲۵- **ف**: با ژبر و کام (حرف دوم واژهٔ دوم نقطه ندارد و پساوند هم ندارد)؛ **ل، ق**: با زیب و جام؛ متن= آ ۲٦- **ف**: جست؛ متن= **ل، ق، آ**؛ **س، لن، ق۲- و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت را ندارند

بر اندازه‌شان[1] خلعت آراستند　　همی[2] پایه‌ی برتری[3] خواستند
جهان دیدگان را ز کشور[4] بخواند　　سَخُن های بایسته[5] چندی براند
چُنین گفت با نامور بخردان　　که ای پاك و[6] هشیار دل موبدان
چُنین ست فرمان هشیار[7] شاه　　که لَشکر همی راند باید به راه
سُوی گرگساران و مازندران　　همی راند[8] خواهم سپاهی گران
دل و جانم ایدر بماند همی　　مژه خون دل برفشاند همی
به گاه جوانی و کُنداوری　　یکی ساختم بیهده[9] داوری
پسر داد یزدان بینداختم　　ز بی دانشی ارج نشناختم
گرانمایه سیمرغ برداشتش　　همان آفریننده بگماشتش[10]
بپرورد تا شد[11] چو سرو[12] بلند　　مرا خوار بُد، مرغ را ارجمند
چو هنگام بخشایش آمد فراز　　جهاندار یزدان به من داد باز[13]
بدانید کین زینهار[14] من ست　　بنزد شما یادگار[15] من ست
گرامیش دارید و پندش دهید　　همه راه و رای[16] بلندش دهید[17]

سُوی زال کرد آنگهی سام روی　　که داد و دِهش گیر و فرجام جوی[18]
چُنان دان که زاولستان[19] خان[20] تُست　　جهان سربسر زیر فرمان تُست

۱- **لی**: باندازه‌شان　۲- **ل**- **پ**، آ: همه؛ متن= **ف**، **و**، **ب**　۳- **ل**، **لی**، آ: برترین؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲**؛ **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگاه سام از پی پور خویش　　هنرهای شاهان بیاورد پیش

این بیت در هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) نیست؛ **و** (و نیز **لن۲**) پس از بیت ۲۲۰ افزوده‌اند:

برفتند از پیش آن نامدار　　چو چندی برآمد برین روزگار

٤- **ب**: لشکر　۵- **ب**: شایسته　٦- **لن**، **ق۲**، **لی**: <و>　۷- **لن**، **پ**: بیدار؛ **ق**: پیروز　۸- **و**: برد؛ **ف**، **ل**، **ق**، **پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بمانم (**ل**، **ق**، **پ**: بماند) بنزد شما این پسر　　که همتای جان است و خون (**ل**: جفت) جگر

این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) نیست　۹- **ل**، **لن**- **پ**، آ: یکی بیهده ساختم؛ متن= **ف**، **س**، **و**، **ب**　۱۰- **لن**، **ق۲**: نگذاشتش؛ **لی**: نگهداشتش (وزن نادرست است)؛ **پ**: جهان آفرین خوار نگذاشتش؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲**　۱۱- **ل**، **ق**، **و**: اورا؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲**　۱۲- **لی**: سروی؛ **ب**: ابر؛ در **لن**، **لی**، **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند　۱۳- **لن**، **ق**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **ب** پس از این بیت و **س** پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

شما را سپردم به آموختن　　روانش از (**ق**: <از>) هنرها (**لی**، **ب**: خردها) برافروختن

لی، **پ**: روان از خردهاش افروختن

١٤- **س**، **لن**، **ق۲**، **لی**: یادگار؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**)　۱۵- **س**، **لن**، **ق۲**، **لی**: زینهار؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**)؛ در **لن** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **س** پس از این بیت افزوده است (← پ۱۳)　١٦- **س**، **لن**، **ق**، **ق۲**، **پ**: همه (**لن**، **پ**: همان) رای و راه؛ متن= **ف**، **ل**، **لی**، **و**، آ، **ب**　۱۷- **س**، **لی**، **پ**: نهید؛ در **لن** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **ق۲**، **لی**، **پ**، **ب** پس از این بیت، **لن** پیش از این بیت، **ق** پس از بیت ۲۳۴ و **و** پس از بیت ۲۳۶ افزوده‌اند:

که (**ق**: چو) من رفت خواهم بفرمان شاه　　سوی دشمنان با سران سپاه

۱۸- **ل** (و نیز **ل۳**): آرام جوی؛ **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**: فرمان بجوی؛ متن= **ف**، **س**، **ق**، **و**، آ، **ب** (و نیز **لن۲**، **س۲**)　۱۹- **س**، **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **ب**: زابلستان؛ متن= **ف**، **ل**، **ق**، **و**، آ　۲۰- آ: زان؛ **ب**: جان؛ **ق** پس از این بیت افزوده است (← پ۱۷)؛ **ف**، **پ** پس از این بیت سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر آنك سام زال را بسیستان بسپرد و خویشتن بجنگ مازندران رفت و وصیت کردن پدر؛ **پ**: دادن سام پادشاهی زابل را بزال

ترا خان و مان باید[۱] آبادتر[۲] … دل دوستداران به[۳] تو شادتر[۴]
کلید در گنج ها پیش تُست … دلم[۵] شاد و غمگین به کم بیش تُست
به سام آنگهی گفت زال جوان … که چون زیست خواهم من ایدر نوان[۶]
جدا[۷] پیشتر[۸] زین کجا داشتی[۹] … مدارم گر[۱۰] آمد گه آشتی
کسی با گنه گر ز مادر بزاد[۱۱] … من آنم، سَزد گر بمانم ز داد[۱۲]
گهی زیر چنگال مرغ اندرون … چمیدن به خاك و مزیدن ز خون[۱۳]
کنون دور ماندم[۱۴] ز پروردگار … چُنین پروراند همی[۱۵] روزگار[۱۶]
ز گل بهرهٔ من بجز[۱۷] خار نیست … بدین با جهاندار پیگار نیست

پدر[۱۸] گفت: پرداختن دل سَزاست[۱۹] … بپرداز و برگوی هرچت[۲۰] هواست
ستارهشُمر مرد اخترگرای … چُنین زد ترا[۲۱] زاختر[۲۲] نیك، رای
که ایدر ترا باشد آرامگاه … هم ایدر سپاه و هم ایدر کلاه[۲۳]
گذر نیست بر[۲۴] حکم[۲۵] گردان سپهر … هم ایدر بگسترد بایدت[۲۶] مهر
کنون گِرد خویش اندرآور گروه … سُواران و مردان دانش پژوه
بیاموز و بشنو ز هر دانشی … بیابی[۲۷] ز هر دانشی رامشی
ز خورد و ز بخشش میاسای هیچ … همه دانش و داد[۲۸] دادن بسیچ

۱- **ف**: باد؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ل**- آ (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   ۲- **ق**، آ: آباد کرد   ۳- **ل**: < به>   ٤- **ق**: دل دوستداران به خود شاد کرد؛ **لی، و**: دل دوستان بر تو بر (**و**: هر زمان) شادتر؛ آ: دل دوستان را همی شاد کرد؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]، **پ**   ۵- **ل**: دل؛ **لن، ق**[۲]، **لی، پ، و، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

دل روشنت هر چه باید بکار … بجای آر (**ق**[۲]، **و، ب**: بدانست) از بزم و از کارزار

و پس از بیت بالا یك بیت دیگر هم افزوده است:

همی بر تو بادا بآموختن … روان و خرد را برافروختن (= ۲۳۰پ)

پس از این بیت بیت ۲۳۲پ را آورده است   ٦- **لن**: بوان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق**[۲]: توان   ۷- **پ**، آ: چنان   ۸- در **ف** حرف یکم سه نقطه دارد   ۹- **ب**: جدایی که از من همیداشتی   ۱۰- **ل**- آ، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): که؛ متن= **ف**؛ در **لن، ق**[۲]، **لی، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است   ۱۱- **ف، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**: کسی بی گنه گر ز مادر بزاد؛ **ل، ق، و**، آ (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): کسی کو ز مادر گنه کارزاد؛ **ب**: کسی بی گنه چون ز مادر بزاد؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**(پس از تصحیح قیاسی **بی** به **با**)   ۱۲- **ف** (و نیز **ل**[۳]، **ل**[۲]): نمانم ز داد؛ **ل، و**: بمانم ز داد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لن، لی، پ**: بنالم بداد؛ **ق**[۲]، **ب**: بزارم ز داد؛ متن= **س، ق**، آ (و نیز **س**[۲])؛ در **لن، ق**[۲]، **لی، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است   ۱۳- **ل**- **ق**[۲]، **پ**، آ، **ب**: چریدن به (**ل**: ز) خون؛ **لی**: خزیدن بخار و مزیدن بخون؛ **و**: چمیدن ز خاك و چریدن ز خون؛ متن= **ف** (و نیز **س**[۲])؛ **لن، ق، ق**[۲]، **لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

کنامم نشست آمد و مرغ یار … بدانگه که بودم ز مرغان شمار

١٤- **لن، پ**: گشتم؛ **و**: مانم   ۱۵- **لن، ق**[۲]، **پ، ب**: مرا   ١٦- **ل، ق**، آ: کردگار؛ **لی**: چنینم همی پرورد روزگار؛ متن= **ف، س، و**   ۱۷- **پ، و**: جز از   ۱۸- **ل**- **و**، آ (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): بدو؛ متن= **ف، ب**   ۱۹- **س**: رواست   ۲۰- **لی**: آنچت   ۲۱- **لن، ق**[۲]، **لی**: چنین رای زد   ۲۲- **و**: ترا اختری   ۲۳- **ل**، آ، **ب**: هم ایدر بسیچی (**ب**: بسختی) سپاه و کلاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]   ۲٤- **لی، ب**: از   ۲۵- **س**: گشت؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   ۲٦- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**: ببایدت گسترد؛ متن= **ف، ل، ق، و**، آ، **ب**؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

و گر نیك دل گردی ای نامدار … سوی کابلستان یکی کن گذار
بنخچیر برگرد و بازآی زود … بدان تا نباید بدی آزمود

۲۷- **ل، ق، و**، آ: که یابی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲]   ۲۸- **ق**: داد و

بگفت این و برخاست آوای[1] کوس — هوا قیرگون شد زَمین آبنوس[2]
خروشیدن زنگ و هندی درای — برآمد ز دهلیز پرده‌سرای[3]
سپهبد سُوی جنگ بنهاد روی[4] — یکی لَشکری ساخته[5] جنگجوی[6]
بشد زال با او[7] دو منزل براه — بدان تا پدر چون گذارد[8] سپاه
پدر زال را تنگ[9] در بر گرفت — شِگفتی خروشیدن اندرگرفت
بفرمود تا بازگردد ز راه — شود شاد دل[10] باز[11] تخت و کلاه
بیامد[12] پُر اندیشه دستان سام — که تا[13] چون زیَد تا بود نیك نام[14]
نشست از بر نامور[15] تخت عاج — به سر برنهاد آن فروزنده[16] تاج
ابا یاره و گرزهٔ گاوسر — ابا طوق زرّین و زرّین کمر[17]
ز هر کشوری موبدی[18] را بخواند — پژوهید[19] هر چیز[20] و هر چیز راند[21]
ستاره‌شناسان و دین آوران — سُواران و گردان[22] و کین آوران
شب و روز بودند با او بهم — زدندی همی[23] رای بر بیش و کم
چُنان گشت زال[24] از بس آموختن — که گفتی ستاره‌ست[25] از[26] افروختن
به رای و به دانش به جایی رسید — که چون[27] خویشتن در جهان کس[28] ندید

۱- **لی**: آواز ۲- **لن، پ**: زمین آهنین شد هوا آبنوس ۳- **ف**: برآمد ز دهلیز با کرّنای؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل**[2] (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ٤- **س**: سوی جنگ بنهاد مر سام روی؛ **لن** این بیت را ندارد ۵- **ل، س، ق**- آ: یکی ساخته لشکری (**ل، لی**: لشکر)؛ **ب**: ابا لشکر ساخته؛ متن= **ف** (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) ٦- آ: نامجوی ۷- **ق، و**: وی ۸- (**لن**[2]: گزارد) ۹- **ل**: زود؛ **ق**: زار؛ آ، **ب**: باز؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[2]؛ **لن، ق**[2]، **لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

همی زال را دیده در خون نشاند (**لی**: کشید) — برخ بر همی خون دل برفشاند
لی: برخ بر ز آب مژه خون چکید

۱۰- **ل، س**: شادمان؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[2] ۱۱- **ل**- آ (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): سوی؛ متن= **ف، ب** ۱۲- **ق**[2]: برآمد ۱۳- **س**: که خود؛ **ب**: که می ١٤- **لن، لی، پ**: بی پدر شاد کام؛ **و**: کو بود نیکنام؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[2] ۱۵- **ق**: پایهٔ ١٦- **ل**، آ: دلفروز؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[2] ۱۷- **لن، لی، پ** بجای این بیت دو بیت زیر را افزوده‌اند:

ابا یاره و (**لی**: زره‌دار با) گرزهٔ گاوروی — همی بود آن گرد پرخاشجوی
ابا طوق زرین و زرّین کمر — کمر نیز کرده به درّ و گهر

ل[2]پس از بیت ۲۵۸ دوباره آغاز میگردد ۱۸- **ل، ق، ق**[2]، **لی، و**، آ، **ب**: موبدان؛ **ل**[2]: جهان پهلوان موبدان؛ متن= **ف، س، لن، پ** ۱۹- آ: پژوهید و ۲۰- **ل، س**: هر کار؛ **لن**- آ، **ب** (و نیز **لن**[2]): هر دین؛ متن= **ف** (و نیز **ل**[3]) ۲۱- **ق** (و نیز **ل**[3]): هر چیز خواند؛ **ب**: هر گفت راند؛ **ل**[2]: یکایك سخنهای دستان براند ۲۲- **ل**- آ (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): سواران جنگی؛ **ل**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ب** (و نیز **س**[2]) ۲۳- **س**: بهم؛ **ق**[2]، **لی، ب**: همه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- **ق**[2]: او ۲۵- **ل**[2]: چراغست ٢٦- **لی**: ز ۲۷- **س، لی**: جز ۲۸- آ، **ب**: در زمانه؛ **ق** پس از این بیت پنج بیت و **لن، ق**[2]، **لی، پ، و، ب** تنها بیت های یکم و دوم و چهارم را افزوده‌اند؛ در **ق** پس از بیت یکم بیت ۲۶۴ آمده است:

سواریش چونان (**ب**: چونین) بدی (**و**: بودی چنان) در جهان — کزو داستانها زدندی مهان
پ: بجایی رسانید کار جهان — **ق**: زدندی بدو داستان ها مهان
ز خوبیش خیره شده (**ق**[2]، **لی، ب**: شدی) مرد و زن — چو دیدی شدندی برو (**ق**: بدو) انجمن
ق: خطش چون ز گلبرگ بر گرد سر — شگفتی بر این داوری درنگر
هر آنکش ز نزدیك و از دور (**ق**[2]: ز دور و ز نزدیك) بود (**و**: دید) — گمان مشك بردند و کافور بود
و: همان مشك تر دید و کافور دید
ق: همی رست کافور بر جای مشك — ز گلبرگ تر بر ز کافور خشك

این بیت ها در **ف، ل، س**، آ، **ل**[2](و نیز در **لن**[2]، **س**[2]) نیست؛ **ل**[2] پس ازبیت ۲۶۳ بیت زیر را افزوده است:

جهان پهلوان سام نیرم برفت — سوی گرگساران خرامید تفت

چُنین هم[۱] همی گشت گردان سپهر   ابر زال و بر سام[۲] گسترد[۳] مهر

چُنان بُد که روزی[۴] چُنین[۵] کرد رای   که در پادشاهی بجنبد ز جای[۶]
برون رفت با ویژه گردان خویش   که با او یکی بودشان رای و کیش[۷]
سُوی کشور هندوان کرد رای[۸]   که در[۹] کاول[۱۰] و دنبر و مرغ و مای[۱۱]
بهر جای کاخی[۱۲] بیاراستی[۱۳]   می و[۱۴] رود و رامشگران خواستی[۱۵]
گشاده در گنج و افگنده رنج   بر آیین[۱۶] و رسم سرای سپنج
ز زوال[۱۷] به کاول[۱۸] رسید آن زمان   گرازان و خندان و دل[۱۹] شادمان[۲۰]

یکی پادشا بود مهراب نام[۲۱]   زبردست و[۲۲] با گنج و[۲۳] گسترده کام
به بالا به کردار آزاد[۲۴] سرو   به رخ چون بهار و به رفتن تذرو
دل بخردان داشت و مغز ردان   دو کتف[۲۵] یلان[۲۶] و هُش موبدان
چو آگه شد از کار دستان سام   ز کاول[۲۷] بیامد به هنگام بام[۲۸]
ابا گنج و اسپان آراسته   غلامان و هر گونه‌یی خواسته
ز[۲۹] دینار و یاقوت و مشك و عبیر[۳۰]   ز دیبای زربَفت و خزّ و حریر[۳۱]

۱- لن، پ، و، ل[۲]: بدینسان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲- ل- ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): ابر سام و بر زال؛ متن= **ف** (و نیز **ل[۳]**) **۳- ل- ق[۲]، پ، و، ل[۲]**: گسترده؛ متن= **ف، لی، آ، ب**؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، لی، ب**: داستان زال با مهراب (**لی**: مهراب شاه کابل)؛ **ق[۲]**: داستان زال سام با مهراب کابل؛ **پ**: داستان زال با رودابه دختر مهراب؛ **و**: گفتار اندر داستان زال و رودابه **٤- ل[۲]**: دستان **۵- ل- پ، ب**: چنان؛ متن= **ف، و، آ، ل[۲]** **٦- ل[۲]**لت دوم این بیت را انداخته و بجای آن ۲۶۷ب را آورده است **۷- ق، ب**: راز و کیش؛ **و**: کمّ و بیش؛ آ: دین و کیش؛ **ل[۲]** این بیت را انداخته است؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۸- لن**: روی؛ **ل[۲]**این لت را انداخته است **۹- س، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): در؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**: سوی؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل[۲]** **۱۰- ف- ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن= (**ل[۳]**) **۱۱- ل، ق، و**: شهر کشمیر و مای؛ **لن، لی**: دنبل ومرغ موی (**لی**: مرغ و مای)؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل[۲]**۲۶۵ب، ۲۶۶ و ۲۶۷آ را انداخته و از ۲۶۵آ و ۲۶۷ب یك بیت ساخته است؛ **ق** پس از بیت ۲۶۷ افزوده است:

بگردد ببیند شگفت جهان   بجوید بداند ز راز نهان

۱۲- ل- پ، آ، ل[۲]، ب (و نیز **س[۲]**): بهر جایگاهی؛ **و**: بهر جای گاهی؛ (**لن[۲]**: بهر جای کامی)؛ متن= **ف** (و نیز **ل[۳]**) **۱۳- ل، ق، ل[۲]**: بیاراستند؛ متن= نه دستنویس دیگر**١٤- ل**: <و> **۱۵- ل، ق، ل[۲]**: خواستند؛ متن= نه دستنویس دیگر **١٦- لی**: بایین **۱۷- س- پ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): زابل؛ متن= **ف، ل، و، آ** **۱۸- ف- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۱۹- لن، پ، و، ل[۲]**: خندان دل و **۲۰- ب**: گرازان و شادان و رامش کنان؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتاراندر داستان زال با شاه مهراب و دخترش و عاشق شدن زال بر سوداوه (!)؛ **س**: داستان زال با رودابه دختر مهراب کابل؛ **ق**: رسیدن زال به کابل و عاشق شدن او برودابه؛ آ: داستان زال با مهراب شاه کابلستان؛ **ف** پس از بیت ۲۷۰ افزوده است:

یکی پادشا بُد به کابل درون   هنرمند و بینا دل و رهنمون

۲۱- ف: گرانمایه و گرد و مهراب نام؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۲- ل، س**: <و> **۲۳- آ، ل[۲]**: <و> **٢٤- لن، پ، و**: آزاده **۲۵- س، و** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): کفت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]**) **٢٦- ب**: یلی؛ **لن، ق، ق[۲]، لی، پ، و** پس از این بیت افزوده‌اند (در **ق** بیت ها پس و پیش شده‌اند):

ز ضحاك تازی گهر داشتی   بکابل همه (**لن**: یکایك همان) بوم و بر داشتی
ق، ق[۲]: ز کابل همی بهر (**ق[۲]**: همه شهر و) بر داشتی
و: ز کابل همو بهره بر داشتی

همی داد هر سال با (**لن**: بر) سام ساو (**و**: همی سام را داد هر سال ساو)   که با او برزمش (**لی**: بجنگش) نبود ایچ (**ق**: نبد هیچ) تاو

۲۷- ل[۲]این بیت را ندارد؛ **ف- آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۲۸- ل** (و نیز **س[۲]**): شام؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۲۹- ل، ق، و**: به؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۰- آ**: خزّ و حریر **۳۱- ل**: چینی حریر؛ آ: مشك و عبیر؛ متن= نه دستنویس دیگر

یکی تاج پر گوهر شاهوار   یکی طوق زرّین زَبرجد نگار[۱]

چو آمد به دستان سام آگهی   که زیبا مهی آمد اندر بهی[۲]

پذیره شدش زال و بنواختش   به آیین[۳] یکی پایگه ساختش

سُوی تخت پیروزه بازآمدند   گشاده دل و بزم ساز آمدند[۴]

یکی پهلوانی نِهادند خوان   نشستند بر خوان دو فرّخ سران[۵]

گسارندهٔ می می آورد و جام[۶]   نگه کرد مهراب را پور سام[۷]

خوش آمد همانش[۸] دیدار اوی[۹]   دلش تیزتر گشت[۱۰] بر[۱۱] کار اوی

چو مهراب برخاست از خوان زال   نگه کرد زال[۱۲] اندران برز و یال[۱۳]

چُنین گفت با مهتران زال زر   که زیبندهتر زین که بندد کمر[۱۴]

یکی نامدار[۱۵] از میان[۱۶] مِهان   چُنین گفت با[۱۷] پهلَوان جهان

پس پردهٔ او[۱۸] یکی دخترست   که رویش زخورشید نیکو[۱۹]ترست

ز سر تا به پایش[۲۰] بکردار عاج   به رخ چون بهشت و به بالای[۲۱] ساج

بران سُفت[۲۲] سیمینْش[۲۳] مشکین کمند   سرش گشته چون حلقهٔ پای وند[۲۴]

۱- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

سران هرچه بد او ز (**س**: بد روی؛ **ب**: بود آن ز) کابل سپاه

و: بکابل درون هر چه بود از سپاه   بیاورد با خویشتن سوی راه

این بیت در **ف، ل، ق**، آ، **ل[۲]** (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) نیست ۲- **س، ق[۲]، پ، و**، آ، **ل[۲]**: مهی؛ **ق**: آمد از فرّهی؛ **لی**: اندر آمد مهی؛ **ل**: که مهراب آمد بدین فرّهی؛ متن= **ف، لن، ب** ۳- **لن**: نو آیین؛ **پ**: ز آیین؛ **ل[۲]**: بر آیین ٤- **ق** پس از این بیت افزوده است:

بلشکرگه زال آمد فرود   فرستاد او را نثار و درود

ابر زال او آفرین ها بخواند   همی این از آن آن ازین خیره ماند

تن هر دو بودند نیکی نمای   بنیرو و دانش هنرها بجای

۵- **ل، س، ق، ق[۲]، لی، و** (و نیز **لن[۲]**): که بنشست بر خوان (**ق، لی**: خان) او (**و**: ابا) فرّخان؛ **لن، پ**، آ، **ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): نشستند بر خوان او فرّخان؛ **ل[۲]**: نشستند بر خوان ابا مهتران؛ متن= **ف** ٦- **ب**: گسارندهٔ می بیاورد جام ۷- **ب**: همیخورد مهراب با پور سام؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

چو نیکو نگه کرد در چهر او   بجنبید اندر دلش مهر او

۸- **ل[۲]**: خوش آمدش فرخنده ۹- **س، ق[۲]، لی**، آ، **ل[۲]، ب**: او؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، و** ۱۰- **ق**: تیز برگشت؛ **ق[۲]**، آ: تیره تر گشت ۱۱- **س، لن، ل[۲]، ب**: در؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

از آن دانش و رای مهراب گرد   بگفت آنکه (**ق[۲]**: آنکس) این (**پ**: او) زاد هرگز نمرد

۱۲- **ل**: سام (!)؛ **ق**: نیك ۱۳- **ف**: برو یال (← برز و یال؟)؛ **س**: کفت و یال؛ **لن، ق[۲]، پ**، آ: کتف و یال؛ **لی**: فرّ و یال؛ **و**: برز یال؛ **ب**: سفت و یال؛ (**ل[۳]**: شاخ و یال)؛ متن= **ل، ق** (و نیز لن[۲]، س[۲])؛ در **ل[۲]** این بیت برابر متن، ولی بجای بیت ۲۹۵ آمده است ۱٤- **س- و، ب** (ونیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بچهر وبالای او (**ق**: این) مرد نیست   کسی (**ق**: کسش) گویی این (**لن،پ،و**: او) را (**س**: کس این را بگیتی) هم‌آورد نیست

این بیت در **ف، ل**، آ، **ل[۲]** (ونیز **لن[۲]، س[۲]**) نیست ۱۵- **و**: نامور ۱٦- **ب**: نژاد ۱۷- **ل، س، ق، ق[۲]، و- ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کای؛ **لی**: بدو گفت کای؛ متن= **ف، لن، پ** ۱۸- **ل[۲]، ب**: پرده او را ۱۹- **ل، ق، لی**، آ، **ب**: روشن؛ **و** (ونیز **لن[۲]**): تابان؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**) ۲۰- **لی**: میانش ۲۱- **ل، لن- پ**، آ، **ب** (ونیز **س[۲]**): به بالا چو؛ متن= **ف، س، و، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۲۲- **ف**: کفت؛ آ (ونیز **س[۲]**): کتف؛ **ل[۲]**: قد؛ (**ل[۳]**: سرو)؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن[۲]**) ۲۳- **لن، پ**: سیمین دو؛ **ق[۲]**: سیمین و؛ **و، ب**: سیمین ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٤- **ل- پ**، آ، **ل[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): پای بند؛ متن= **ف، و**

رخانش[۱] چو گلنار و[۲] لب ناردان　　ز سیمین برش رُسته دو نار دان!
دو چشمش بسان دو نرگس به باغ　　مژه تیرگی برده از پرّ زاغ
دو ابرو بسان کمان طراز　　برو توز[۳] پوشیده از مشك و ناز[۴]
بهشتست[۵] سرتاسر آراسته　　پر آرایش[۶] و دانش[۷] و خواسته

برآورد مر زال را دل[۸] به جوش　　چُنان شد کزو رفت آرام و هوش[۹]
شب آمد پر[۱۰] اندیشه بنشست زال[۱۱]　　به نادیده‌بر گشت بی خورد و هال[۱۲]

چو زد بر سر کوه[۱۳] بر تیغ شید　　چو یاقوت[۱۴] شد روی گیتی سپید[۱۵]
درِ بار بگشاد دستان سام　　برفتند گردان زرّین ستام[۱۶]
درِ پهلوان را بیاراستند　　چو بالای پرمایگان خواستند
برون رفت مهراب کاول[۱۷] خدای　　سُوی خانه‌ی[۱۸] زال زاول[۱۹] خدای
چو آمد بنزدیکی بارگاه　　خروش آمد از در که بگشای راه[۲۰]

۱- **س، لن، ق[۲]، پ**: دهانش　۲- **ق**: < و>　۳- **لن، پ**: مژّه؛ **لی**: توژ　٤- **ل، س، پ، و** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): مشك ناز؛ **ف** پس از این بیت چهار بیت افزوده است که بیت چهارم آن در **ق[۲]** نیز آمده است (← بیت ۴۵۳- ۴۵۶):

از آن گنبد سیم سر بر زمین　　فرو هشته بر گل کمند کمین
به مشك و به عنبر سرش تافته　　به یاقوت و زمرد بنش بافته
سر زلف و جعدش چو مشکین زره　　فکنده‌ست گویی گره بر گره
دو (**ق[۲]**: ده) انگشت برسان سیمین قلم　　برو کرده از غالیه صد رقم
ق[۲]: لبانش زلعلست گفتی رقم

۵- **س، لن، ق، لی، پ، و، آ**: بهشتیست؛ متن= **ف، ل، ق[۲]، ل[۲]، ب**　٦- **ق**: آرامش　۷- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: رامش؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ**؛ در **ل[۲]** این بیت چنین آمده است:

بهشتست از راستی سربسر　　پر از رامش و دانش و زیب و فر

ق پس از بیت ۲۹۳ افزوده است:

به پیش پدر دیدمش چند بار　　فرستاده بودم ز سام سوار

در **و** پس از بیت ۲۹۳ بیت ۲۹۴پ آمده است　۸- **و**: خون　۹- **لن، پ**: یکباره هوش؛ **ق[۲]**: چنان شد که گفتی ازو رفت هوش؛ **س- پ، ب** (ونیز **ل[۳]**) پس از این بیت و **و** پیش از این بیت افزوده‌اند:

که (**و**: چو) از نیکوی مرد (**ق**: باب) ایدون بود
بخوبی ازین(**لن**: نبینی کزین؛ **پ**: بنیکی ازین؛ **و**: بخوبی نگر)زاده‌خود(**پ**: خون)چون‌بود

لن، ق[۲]، پ پس از این سرنویس دارند: عاشق شدن زال بر رودابه (**پ**: . . . دختر مهراب)　۱۰- **لی**: در　۱۱- **ف، ق، ق[۲]**: زار؛ **لن**: از اندیشه ناسود زال؛ **پ**: از اندیشه زال سوار؛ متن= **ل، س، لی، و، آ، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)　۱۲- **ف، ق، ق[۲]، پ**: به نادیده بر شد چنین (**ق[۲]**: همی؛ **پ**: چنان) سوگوار؛ **س**: بنادیده شد بی دل و هوش و هال؛ **لن، لی**: بنادیده بر شد چنان در خیال (**لی**: ابی خورد و حال)؛ **و، آ، ب**: بنادیده بر (**و**: بنادیدهٔ) گشت بیخواب (**آ**: برخواب) و هال؛ در **ل[۲]** بجای این بیت بیت ۲۸۴ آمده است　۱۳- **ب**: چو بر زد سر از کوه　١٤- **ل[۲]**: بلّور　۱۵- **لی**: روی روز سفید؛ **لن، پ**: جهان شد بسان بلور سپید　١٦- **ل**: همه شادکام؛ **س، ق[۲]**: بزرین ستام؛ **لن، لی، پ**: بزرین نیام؛ **ق، ب**: زرین نیام؛ **و**: زرینه جام؛ متن= **ف، آ، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)　۱۷- **ف- ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است　۱۸- **س، لن، لی، پ**: خیمهٔ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)　۱۹- **ف- ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): زابل؛ متن تصحیح قیاسی است　۲۰- **ب**: از کاخ و بگشاد راه

بر[1] پهلوان اندرون رفت گُو   بسان درختی پر از بار نَو
دلِ زال شد شاد[2] و بنواختش   وُزان[3] انجمن سر برافراختش[4]
بپرسید[5] کز من چه خواهی[6] بخواه   ز تخت و ز مُهر و ز تیغ و کلاه[7]
بدو گفت مهراب کای پادشا   سرافراز و پیروز[8] و فرمان روا
مرا آرزو در زمانه یکیست   که آن آرزو بر تو دشخوار[9] نیست
که آیی[10] به شادی سُوی خان من   چو خورشید روشن کنی جان من
چُنین داد پاسخ که این رای نیست   به خان[11] تو اندر مرا جای[12] نیست
نباشد بدین[13] سام همداستان   همان شاه چون بشنود داستان
که ما می گساریم و مستان شویم   سُوی خانه ی بت‌پرستان شویم
جزین هرچه[14] گویی تو[15] پاسخ دهم[16]   به دیدار تو[17] رای[18] فرّخ نهم[19]
چو بشنید مهراب کرد آفرین   به دل[20] زال را خواند[21] ناپاك دین
خرامان برفت از بر تخت اوی[22]   همی[23] آفرین خواند بر بخت اوی[22]
چو دستان سام از پسش بنگرید   ستودش فراوان چُنان چون سَزید[24]
از آن[25] کو نه هم دین و هم راه بود   زبان از ستودنْش کوتاه بود
برو[26] هیچ کس چشم نگماشتند[27]   مرو را ز دیوانگان[28] داشتند[29]
چو روشن دل پهلوان را بدوی[30]   چُنان[31] گرم[32] دیدند و[33] با گفت و گوی[34]
مرو را ستودند یك یك مهان[35]   همان کز پس پرده بودش نهان[36]
ز[37] بالا و دیدار و آهستگی   ز بایستگی، هم ز شایستگی[38]
دل زال یکباره دیوانه گشت[39]   خرد دور شد عشق فرزانه[40] گشت[39]
سپهدار تازی[41] سر راستان[42]   برین بر بگوید[43] یکی داستان[44]
که تا زنده‌ام چرمه جفت من ست   خم چرخ گردان نهفت من ست[45]

۱- **لن، پ**: سوی؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:
نثار آورید او چو روز نخست   ز گوهر بسی اندران پایه جست
۲- **لی، پ**: دلش شاد شد زال ۳- **ل، ق، و، آ، ل**[2]: ازان؛ **ق**[2]: بدان؛ متن= **ف، س، لن، لی، پ، ب** ٤- **ق**: برافراشتش ۵- **ل**[2]**، ب**: بدوگفت
٦- **ل**: چه باید ۷- **لن**: ز تخت و ز تیغ و زمهر و کلاه؛ **ب**: ز تخت مهی و زتیغ وکلاه؛ در **ف** این بیت چنین آمده‌است:
بپرسید کز من چه خواهی بگوی   ز تخت بزرگی بهانه مجوی
۸- **و**: فیروز ۹- **ل- ب** (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]): دشوار؛ متن= **ف** ۱۰- **س، لن، ق**[2]**، لی، و** (و نیز **س**[2]): گر آیی (یا: گرایی)؛ (**ل**[3]: خرامی)؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]) ۱۱- **لن، ب**: خوان ۱۲- **ق**[2]: پای ۱۳- **آ، ل**[2]**، ب**: برین ١٤- **ل**: هرچ ۱۵- **ل**[2]: گویند ١٦- **ق**[2]**، لی، و، آ، ل**[2]**، ب**: دهیم؛ متن= **ف- ق، پ** ۱۷- **لن**: آن ۱۸- **ل**[2]: روز ۱۹- **ق**[2]**، لی، و، آ، ل**[2]**، ب**: نهیم؛ متن= **ف- ق، پ** ۲۰- **لی**: بدان ۲۱- **و**: گفت ۲۲- **ل، س، لن، ق**[2]**، پ، آ، ل**[2]**، ب**: او؛ متن= **ف، ق، لی، و** ۲۳- **ب**: همان ۲٤- **ق** این بیت و پنج بیت پس از آنرا انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند ۲۵- **ق**[2]: از این؛ **لی**: بدان ۲٦- **س**: بدو ۲۷- **ل**[2]: نگماشتی؛ **ب**: نگذاشتی ۲۸- **و** (و نیز **س**[2]): بیگانگان ۲۹- **ل**[2]**، ب**: داشتی ۳۰- **ل، س، ق**[2]**، و، آ، ل**[2]، بروی؛ متن= **ف، لن، لی، پ، ب** ۳۱- **ب**: چنین ۳۲- **لی**: شاد ۳۳- **ل، س، و**: < و> ۳٤- **ل**: گفت گوی؛ **و**: از آن گفت گوی؛ **ل**[2]: چنان گرم دیدندی و گفت و گوی (!)؛ متن= **ف، لن، ق**[2]**، پ، آ** ۳۵- **لی**: نهان ۳٦- **لن، لی، پ**: بزرگان و ناماوران جهان ۳۷- **ف**: به؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ق** (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]) ۳۸- **ق**[2]: ز شایستگی هم ز بایستگی ۳۹- **لی**: شد ٤۰- **ل**[2]: صبر بیگانه ٤۱- **ق**: گیتی ٤۲- **ل**[2]: یکی داستان ٤۳- **ل- پ، آ، ل**[2]**، ب** (ونیز **ل**[3]**، لن**[2]): بگوید برین بر؛ (**س**[2]: نکو زد برین بر)؛ متن= **ف، و** ٤٤- **ل**[2]: سر راستان ٤۵- **و** این بیت را ندارد

عروسم نباید که رعنا[1] شوم[2] — بنزد[3] خردمند کانا[4] شوم
از اندیشگان زال شد خسته دل — بر آن کار بنهاد پیوسته دل
همی بود پیچان دل از گفت وگوی[5] — مگر تیره گردِدْش[6] ازین آب روی[7]
همی گشت یکچند بر سر سپهر — دل زال زر تا سر آگند مهر[8]

چُنان بُد که مهراب روزی پگاه — برفت و بیامد[9] از آن[10] بارگاه
گذر کرد سوی شبستان خویش — همی گشت بر گردِ بستان خویش[11]
دو خورشید دید اندر[12] ایوان اوی[13] — چو سیندخت و رودابه‌ی ماهروی[14]
بیاراسته همچو باغ بهار — سراپای پر بوی و[15] رنگ و نگار[16]
شِگفتی به رودابه اندر بماند — همی نام یزدان[17] بروبر بخواند
یکی سرو دید از برش گِرد ماه — نهاده به مه بر ز عنبر کلاه[18]
به دیبا[19] و گوهر بیاراسته — بسان بهشتی پر از خواسته
بپرسید سیندخت مهراب را — ز خوشاب بگشاد[20] عنّاب را
که چون رفتی امروز و[21] چون آمدی — که کوتاه باد از تو دست بدی
چه مردی ست[22] این پیرسر[23] پور سام؟ — همی تخت کام[24] آیدش گر[25] کُنام[26]
خوی مردمی هیچ دارد همی؟ — پی نامداران سپارد همی؟
چُنین داد مهراب پاسخ بدوی — که ای سرو[27] سیمین بر خوب روی[28]
به گیتی در از پهلوانان گُرد — پی زال را کس نیارد سپُرد[29]

۱- ل۲: رسوا ۲- ل، و، آ (ونیز لن۲، س۲): شود؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل۳) ۳- ب: بپیش ٤- لن- و، ب: رسوا؛ ل۲: رعنا؛ متن= ف، ل، س، آ (ونیز ل۳، س۲) ۵- ل: همی بود پیچان و دل گفت گوی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ٦- ل، و، آ: گردد؛ ل۲: که تیره نگردد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- لن: این آرزوی؛ لی: زین آب روی؛ پ: از آن آبروی؛ ل۲: مگر آبروی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- س، و، ل۲: آکنده مهر؛ لن، لی، پ: دل زال آکنده یکسر به (پ: ز) مهر؛ ق۲: دل زال سرتاسر آکنده مهر؛ ب: دل زال در تابش افکند مهر؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل؛ و، ل۲ پس از این بیت سرنویس دارند؛ و: ستایش کردن مهراب زال را و عاشق شدن رودابه؛ ل۲: عاشق شدن زال بر دختر مهراب ۹- ق۲: بیامد برفت او؛ ل۲: خرامان بیامد؛ لن این بیت را ندارد ۱۰- ل: بران؛ س: زی آن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- لن، ق۲، لی، پ، و: دو (ق۲: چو) خورشید دید اندر ایوان (پ: < ایو> ان) خویش (= ۳۲۸آ)؛ در ب لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۲- ل، ق، ب: بود اندر؛ و: رخ بد در؛ متن= ف، س، ق۲، آ، ل۲ ۱۳- ق، آ، ل۲: او ١٤- ق، آ: ماهرو؛ در لن، لی، ب این بیت چنین آمده‌است:

یکی همچو رودابهٔ خوبچهر — یکی (ق۲: دگر) همچو سیندخت با رای و مهر

در ق۲ این بیت پس از بیت ۳۲۹ آمده است؛ س، ق پس از بیت ۳۲۸ افزوده‌اند:

یکی جفت او و یکی دخت اوی (ق: او) — بدین هر دو مهراب شد تازه روی (ق: رو)

۱۵- ل: < و> ١٦- س، و، ل۲: سراسر پر از بوی و رنگ و نگار؛ لن، لی، پ: سرای از همه رنگ و بوی و نگار؛ ق۲: سراسر پر از رنگ و بوی نگار؛ متن= ف، آ، ب؛ ق این بیت و سه بیت پس از آن را انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند؛ در ق۲ پس از این بیت بیت ۳۲۸پ آمده است ۱۷- س: بسی آفرین را؛ لن، ق۲، پ، ل۲: همی آفرین را؛ لی، و: جهان آفرین را؛ متن= ف، ل، آ، ب ۱۸- ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: نهاده زعنبر به سر بر کلاه؛ (س۲: نهاده به‌سر بر زعنبر کلاه)؛ متن= ف، و، ب (ونیز ل۳، لن۲) ۱۹- لن: بدینار؛ لی این بیت را ندارد ۲۰- ب: بگشاده ۲۱- لی، آ: < و> ۲۲- ل، ق، لی، و، آ: مردست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- لن، پ: آن پیرسر؛ ل۲: پیر سراین (وزن نادرست است) ۲٤- ل- ق، لی- آ، ب (ونیز لن۲، س۲): یاد؛ ل۲: باز؛ متن= ف (ونیز ل۳) ۲۵- ف، س، لن، ق، لی- ب (ونیز ل۳، لن۲، س۲): یا؛ متن= ل ۲٦- ق۲: بدیدن بهست از (← ار) بآواز ونام (= ۴۸۰ب) ۲۷- س: ماه ۲۸- ف: خوب گوی؛ ل، ق، پ، آ: ماه‌روی؛ (س۲: مشکبوی)؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۹- ف: پی زال کس را نیارد سپرد؛ ل، س، ق- و، ب: پی زال زر کس نیارد (ق۲: نباید) سپرد؛ لن، لی: پی زال را کس نیارد (لن: نشاید) سپرد (لی: شمرد)؛ متن= ل۲؛ ق پس از این بیت افزوده‌است:

نه کرشاسپ چون او نه سام دلیر — برزم ار گرانیست اینست چیر

چو دست و عِنانش بر[1] ایوان نگار نبینی و[2] بر زین چنو یك سُوار[3]
دل شیر نر دارد[4] و زور پیل دو دستش بکردار دریای نیل[5]
چو بر گاه باشد دُر افشان[6] بود چو در جنگ[7] باشد سرافشان بود[8]
رخش پژمراننده ی[9] ارغوان[10] جوان سال و بیدار و[11] دولت جوان[12]
به کین اندرون چون نهنگ[13] بلاست به زین اندرون تیز چنگ اَژدَهاست
نشاننده ی[14] خاك در کین به خون فشاننده ی خنجر آبگون
از آهو همان[15] کهش سپیدست[16] موی نگوید[17] سَخُن[18] مردم عیب جوی

چو بشنید رودابه آن[19] گفت و گوی[20] برافروخت و[21] گلنارگون کرد روی
دلش گشت پر آتش از[22] مهر زال ازو[23] دور شد رامش و خورد[24] و هال[25]
چو بگرفت جای خردْش[26] آرزوی[27] دگر شد به رای و به آیین و[28] خوی[29]

وُرا پنج ترك پرستنده بود پرستنده و مهربان بنده بود
بدان[30] بندگان خردمند[31] گفت که بگشاد خواهم نِهان[32] از نِهفت
شما یك به یك رازدار منید پرستنده و غمگسار[33] منید
بدانید هر پنج و[34] آگاه بید[35] همه ساله با بخت همراه بید[36]

۱- **لن، لی، پ، ل۲**: به؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **ل، ق**: نبینی نه؛ **ق۲، پ**: نبینند و؛ **لی، ل۲**: نبینند؛ **و، آ**: نبینی تو؛ متن= **ف، س، ب** ۳- **لن**: نبینند چو بر زین بود بر سوار؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ٤- **ل۲**: دل شیر دارد هم ۵- **لی**: نهنگان برآرد ز دریای نیل ٦- **ف**: گلفشان؛ **ب**: زر افشان؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۷- **س، لن، پ، ب**: رزم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **و**: شود؛ در **ق۲** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۹- **س**: پرورانندهٔ؛ **ل۲**: پژمرانیدهٔ؛ **لن، ق۲، لی، پ**: رخش سرخ مانندهٔ؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** ۱۰- **ب**: رخش ارغوانی و دولت جوان ۱۱- **س**: جوان سال و هم تخت و ۱۲- **ب**: روشن روان ۱۳- **ف**: پلنگ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ١٤- **ل۲**: فشانندهٔ؛ **لی، آ** این بیت را ندارند ۱۵- **و**: همین ١٦- **و، ب**: سفیدست ۱۷- **ل، س، ق**: بگوید؛ **لن، لی** (و نیز **ل۳، لن۲**): نجوید؛ **ق۲، و**: بجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ل۲، پ**: بجوید؛ **آ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ب** (و نیز **س۲**) ۱۸- **لی**: جزین؛ **و**: هنر؛ **ل- پ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

سپیدی مویش بزیبد (**لی، پ، ل۲**: نزیبد) همی تو گویی که دلها فریبد همی

این بیت در **ف، و، آ** (و نیز در **لن، س۲**) نیست ۱۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲**: این؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ب** ۲۰- **ل، ق**: گفت گوی ۲۱- **لی، آ**: < و> ۲۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ل۲، ب**: < از> ؛ متن= **ف، ل، ق، آ** ۲۳- **ق، ق۲، پ، و، آ**: وزو ٢٤- **ل، لن، ق، ق۲، پ، و آ**: دور شد خورد و آرام؛ متن= **ف، س، لی، ل۲، ب** ۲۵- **ف**: یال (← هال)؛ **ق، و**: حال (← هال)؛ **پ**: بال (← هال)؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **س، ق** پس از این بیت و **لن، ق۲، لی، پ، ب** پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

چه‌نیکو سخن گفت (**ق۲، ب**: گفتش) آن رای زن ز مردان مکن یاد در پیش زن
دل زن همان (**ق**: همه) دیو را هست جای ز گفتار باشند (**ب**: باشد چو) جوینده رای

این بیت ها در **ف، ل، و، آ، ل۲** (و نیز در **ل۳، لن۲، س۲**) نیست؛ **ف، ق۲، پ، ل۲** پس از این بیت سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر عاشق شدن سوداوه (!) بر زال و فرستادن کنیزکان را بنزدیك او به پیغام؛ **لن، ق۲، ل۲**: عاشق شدن رودابه بر زال (**لن**: زال زر)؛ **پ**: عاشق شدن رودابه دختر مهراب ۲٦- **ل، ق، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): خورش؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: خرد؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ۲۷- **س**: آرزو ۲۸- **ل**: <و>؛ **و**: بدین‌و؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: دگرگونه‌تر شد به آیین و؛ متن= **ف، ق، آ** ۲۹- **س**: خو؛ **لن، ق۲، لی، پ، ب** پس از این بیت دو بیت افزوده‌اند (← پ ۲۵) ۳۰- **س، لن، لی، پ**: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- **لی**: پرستنده ۳۲- **ق**: زبان ۳۳- **لی**: راز دار (پساوند ندارد) ۳٤- **و**: بدانید و هر پنج ۳۵- **ل، س، ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **لن۲**): آگه بوید؛ **لن**: آگه شوید؛ متن= **ف، لی، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) ۳٦- **ل، س، ق، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **لن۲**): همره بوید؛ **لن**: همره شوید؛ **ق۲**: پرستنده و بخت همره بوید؛ متن= **ف، لی، ب** (و نیز **ل۳، س۲**)

که من عاشقی ام چو[۱] بحر دمان   ازو[۲] برشده موج تا[۳] آسمان
پر از پور سام ست[۴] روشن دلم   به خواب اندر اندیشه زو نگسلم
همه خانه ی شرم پر مهر اوست[۵]   شب و روزم[۶] اندیشه ی چهر اوست[۷]
کنون این سَخُن را چه درمان کنید   چه خواهید[۸] و[۹] با من چه پیمان کنید
یکی چاره باید کنون[۱۰] ساختن   دل و جانم از رنج پرداختن[۱۱]

پرستندگان را شِگفت آمد آن   که بی کاری آمد[۱۲] ز دخت ردان[۱۳]
همه پاسخش را بیاراستند   چن[۱۴] آهَرمَن از جای برخاستند
که ای افسر بانوان جهان   سرافرازتر دختر اندر مِهان[۱۵]
ستوده ز[۱۶] هندوستان تا[۱۷] به چین   میان بتستان چو روشن نگین[۱۸]
به بالای تو بر[۱۹] چمن[۲۰] سرو نیست   چو رخسار تو تابش پرو نیست[۲۱]
نگار[۲۲] رخ تو ز قَنّوج، رای[۲۳]   فرستد همی سوی[۲۴] خاورخدای
ترا خود به دیده درون[۲۵] شرم نیست   پدر را بنزد تو آزرم نیست
که آنرا که بندازد[۲۶] از بر[۲۷] پدر   تو خواهی که گیری مرو را[۲۸] به بر
که[۲۹] پرورده ی مرغ باشد به کوه   نشانی شده در میان گروه
کس از مادران پیر[۳۰] هرگز نزاد   نه زان کس[۳۱] که زاید بیاید نژاد[۳۲]
چُنین سرخ دو[۳۳] بُسَد شیربوی[۳۴]   شِگفتی بود گر بود[۳۵] پیرجوی[۳۶]
جهانی سراسر پر از مهر تُست   بر[۳۷] ایوان ها صورت چهر تُست

۱- ل، ق: عاشقم همچو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- س، ل[۲]: وزو ۳- ق، پ: بر ٤- س، لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]: پر از مهر زالست؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۵- ب: اوی؛ ل، ق (و نیز ل[۳]، لن[۲]): همیشه دلم در غم مهر اوست؛ لن: دل وجانم یکسر پر از مهر اوست (وزن نادرست است)؛ لی، ل[۲] (و نیز س[۲]): همه جای شرمم پر از مهر اوست؛ پ: دل وجان و هوشم پر از مهر اوست؛ متن= ف، س، ق[۲]، و، آ ٦- ل، ق، ب: شب و روز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- ب: اوی؛ ف، ق، ق[۲] (و نیز ل[۳]، س[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

ندانـد کسی راز من جز شما   که هم مهربانید و هم پارسا

این بیت در نه دستنویس دیگر (و نیز در لن[۲]) نیست ۸- ل، س، ق، ق[۲]، آ: چگویید؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، و، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) ۹- ق، ل[۲]، ب: <و> ۱۰- س، ل[۲]: همی ۱۱- لن، پ، ب: از غم بپرداختن ۱۲- س- پ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]): که بدکاری آید؛ متن= ف، ل، و، آ (و نیز لن[۲]، س[۲]) ۱۳- س، لن، ق[۲]، لی، ل[۲]، ب: شهان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ١٤- ل- ب: چو؛ متن= ف ۱۵- ل، ق- ب: سرافراز بر (ق، ق[۲]، پ، ب: تر) دختران مهان (ل[۲]: شهان)؛ متن= ف، س، لن (و نیز س[۲]) ١٦- ق، و، آ: به ۱۷- ق، آ: و ۱۸- ف (و نیز لن[۲]): میان نیستان (← بتستان) چو روشن نگین؛ ل، س، ق: میان بتان در چو (س: همچو) روشن نگین؛ لن، لی، پ: میان بتان چون درخشان نگین؛ ق[۲]، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]): میان شبستان چو روشن نگین؛ متن= و ۱۹- لن- و، ل[۲]، ب: در؛ متن= ف، ل، س، آ ۲۰- ب: زمین ۲۱- ل، ق: برسمن غرو (ق: مرو) نیست؛ ل[۲]: بالش پرو نیست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- ق[۲]: نگارا؛ لی این بیت را ندارد ۲۳- ل: قنوج و رای؛ پ: قنوج و مای؛ متن= نه دستنویس دیگر ٢٤- پ: فرستند نزدیك ۲۵- و: به چشم اندرون ۲٦- لی: اندازد ۲۷- لن: بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تن؛ و: بن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- س: که برگیری او را؛ لن، ق[۲]، لی، پ: که او را بگیری؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۹- لی: چو ۳۰- ل، س، ل[۲]، لی: نیز؛ لن: مادر پیر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل: نه آنکس؛ س، ل[۲]: از آنکس؛ لن، ق[۲]، لی، پ، و (و نیز ل[۳]): وزانکس؛ (لن[۲]: ورآنکس)؛ متن= ف، ق، آ، ب (و نیز س[۲]) ۳۲- ف، س: نیاند نژاد (حرف های یکم و چهارم واژهٔ یکم نقطه ندارند)؛ ل، ق، آ: بباشد نژاد؛ لن، ق[۲]، پ (و نیز ل[۳]، س[۲]): نباشد نژاد؛ لی: نیایدش یاد؛ و: نباید نژاد؛ ل[۲]، ب: نیاید نژاد؛ (لن[۲]: نیابد نژاد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۳- ق: تازه دو؛ و: سرخ رو ۳٤- پ: سبزموی؛ لی: چنین سرخ رخساره و مشکبوی ۳۵- ل، ق، و، آ: شود؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٦- ل: پیر حوی (حرف یکم واژهٔ دوم نقطه ندارد)؛ س، ل[۲]: پیرخوی؛ ق[۲]: تیزخوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۷- ل، لن، لی، پ: به؛ متن= هشت دستنویس دیگر

ترا با چُنین روی[1] و بالای[2] و موی[3]   ز چرخ چهارم خود[4] آیدْت شوی[5]

چو رودابه گفتار ایشان شنید   چُن[6] از باد[7] آتش، دلش بردمید
بریشان[8] یکی بانگ برزد به خشم   بتابید روی و بخوابید[9] چشم
وُزان پس[10] بهخشم[11] و به روی[12] دژم   به ابرو ز خشم اندرآورد[13] خم[14]
چُنین گفت کین خام[15] گفتارتان[16]   شنیدن نه ارزد ز پیگارتان[17]
نه فغفور خواهم نه قیصر نه چین[18]   نه‌از[19] تاج داران ایران زمین
به بالای من پور سام‌ست زال   ابا بازوی شیر و[20] با بُرز و[21] یال
گرش پیر خوانی همی یا[22] جوان   مرا او بجای تن‌ست و روان[23]
پرستنده آگه شد[24] از راز[25] اوی[26]   چو بشنید دل[27] خسته آواز[28] اوی[26]
به آواز گفتند ما بنده‌ییم   به دل مهربان و پرستنده‌ییم
نگه کن کنون تا چه فرمان دِهی   نیاید ز فرمان تو جز بهی[29]

۱- **لی**: رای ۲- **س، لن، ق، پ، و، ب**: بالا؛ متن= **ف، ل، ق۲، لی، آ، ل۲** ۳- **ب**: خوی ٤- **س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، س۲**): خور؛ **ق**: همی (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، ل، پ، و، آ** (ونیز **لن۲**) ۵- **ل۲، ب**: آید بشوی ٦- **ل- ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): چو؛ متن= **ف** ۷- **ل۲**: پای (!) ۸- **ق**: بایشان ۹- **ق**: بتابید؛ در **پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت ۱۴پ آمده است ۱۰- **لن، لی، پ**: پس آنگه ۱۱- **س، پ، و، آ، ل۲**: بحشم (حرف دوم نقطه ندارد)؛ **لن، ق۲**: بچشم؛ **ب**: بروی؛ متن= **ف، ل، ق، لی** ۱۲- **ق**: بابرو؛ **ب**: بخشم ۱۳- **ق**: اورده ١٤- **پ**: غم؛ در **پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت زیر را افزوده است؛ **لی، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

وزانپس بکینه بتابید روی   ندید اندران گفت ها رنگ و بوی

۱۵- **و**: سخت ١٦- **ل، س، ق۲، پ، آ، ل۲** (ونیز **ل۳، س۲**): پیکارتان؛ متن= **ف، لن، ق، لی، و، ب** ۱۷- **ل، س، ق۲، پ، ل۲، آ** (ونیز **ل۳، س۲**): شنیدن نیرزید گفتارتان؛ **لن، ق، لی**: شنیدن نیرزید پیکارتان؛ **و**: نیرزد بدین خام گفتارتان؛ **ب**: شنیدم همان زشت کردارتان؛ متن= **ف**؛ **س- پ، ب** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند (**ق** بیت سوم را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند):

دل من چو شد بر ستاره تباه   چگونه توان شاد بودن به ماه
به‌گُل ننگردهرکه (**لن، ق، لی، ل۲**: آنك؛ **ب**: آنکه) اوگِل خورست (**پ**: خورد)
اگرچه گُل از گِل ستوده‌ترست (**پ**: برد)
کهرا سرکه داروبود بر(**ل۲، پ**: در) جگر   شود زانگبین درد او بیشتر

این بیت ها در **ف، ل، و، آ** (ونیز در **لن۲، س۲**) نیست ۱۸- **س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: نه قیصر بخواهم نه فغفور چین؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (ونیز **ل۳، س۲**) ۱۹- **لن**: نه آن ۲۰- **پ**: <و>؛ آ: ابا زور شیران و؛ **ب**: ابا روی چون شید و ۲۱- **ق**: <و>؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: کتف و؛ متن= **ف، ل، و، آ** ۲۲- **ل**: گر؛ **لن، پ**: خوانند یا نو؛ **لی**: خوانید گرنو؛ **و**: خواننده‌ای یا؛ **ل۲**: خوانی همین یا؛ متن= **ف، س، ق، ق۲، آ، ب** ۲۳- **لن، پ**: مرا هست آرام جان و روان؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند (بیت یکم تنها در **ق۲، ل۳** آمده است و **لی** تنها بیت سوم را دارد):

جز او هرگز اندر دل من مباد   ازو جز بر من میاباد باد
مرامهر او دل ندیده (**پ**: بدیده) گزید   همان(**ق۲، پ**: نه‌این؛ آ: که‌آن؛ **ب**: نه آن) دوستی ازشنیده گزید
لن: نه از دیدنی از شنیده گزید
برو (**لی**: بدو) مهربانم نه بر روی و موی   بسوی (**س**: زبهر) هنر گشتمش مهرجوی (**ق۲، لی**: جفت جوی)

این بیت ها در **ف، ل، ق، و** (ونیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنها را در کناره افزوده‌اند ٢٤- آ: پرستندگان آگه ۲۵- **ب**: کار ۲٦- **ل، س، ق، آ، ل۲، ب**: او؛ متن= **ف، لن، ق۲، لی، پ، و** ۲۷- **ق۲**: آن ۲۸- **ب**: گفتار ۲۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی گفت ازیشان که ای سروبن   نگر تا نداند کسی این (**ق۲**: زین) سخن

این بیت در **ف، ل، ق، و** (ونیز در **لن۲، س۲**) نیست

چو ما صدهـزاران فدای تو باد　　خرد زآفـرینش ردای[۱] تو باد
سیه نرگسـانـت پر از شرم باد　　رخـانـت پر از رنـگ و آزرم[۲] باد
اگـر جادوی باید آمـوختـن　　به بنـد و فسـون چشـم ها دوختـن
بپـرّیم با مرغ و آهـو شویم[۳]　　بپـوییم و در چاره جادو شویم[۴]
مگـر شاه را نزد ماه آوریم　　بنـزدیك او[۵] پایگـاه آوریم
لب سرخ[۶]، رودابـه پر خنـده کرد　　رخـان مُعَـصـفَـر سوی بنـده کرد
که این[۷] گفـتـه[۸] را گر شوی[۹] کاربـنـد　　درخـت[۱۰] بَرومـنـد کاری بلنـد
که هر روز[۱۱] یاقـوت بار آورد　　برش[۱۲] تازنـان[۱۳] در[۱۴] کنـار آورد

پرسـتـنـده برخـاسـت از پیش اوی[۱۵]　　سُوی[۱۶] چاره بیچـاره[۱۷] بنـهـاد روی[۱۸]
به دیبـای رومـی بیاراسـتـنـد　　سر زلـف بر گل بپـیراسـتـنـد[۱۹]
برفـتـنـد هر پنـج تا رودبـار　　ز هر بوی و رنـگـی چو خرّم بهـار[۲۰]
مه فوردین[۲۱] و[۲۲] سر سال بود　　لب رود[۲۳] لشـکـرگـه زال بود

۱- پ: داوی؛ **ب**: زدای؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): خرد را فزایش ردای؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **س**[۲])　**۲- ق، و**: رنگ آزرم؛ **ب**: رنگ و اورنگ (پساوند ندارد)؛ **لی، پ، ل**[۲] این بیت را ندارند　**۳- ل، ق، و**: جادو شویم؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): بپّریم و با مرغ (**لی**: مرغ و) جادو شویم؛ **ب**: بپریم تا مرغ و آهو شویم؛ متن= **ف**　**٤- ف**: بپوییم در چاه و جادو شویم؛ **ل- پ، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]**، س**[۲]): بپوییم (**لن، پ**: بتازیم) و در چاره آهو شویم؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): بپوییم در دشت و آهو شویم؛ **آ**: بپوییم و در چاه آهو شویم؛ **ب**: بکوشیم و در جای جادو شویم؛ متن تصحیح قیاسی است　**۵- ق**: وی؛ **ق**[۲]: تو؛ **و**: این؛ **لن، لی، ل**[۲] این بیت را ندارند　**٦- لن، پ**: لعل؛ **ف، ل، ق، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

پـرسـتـنـدگـان را چـنـین گفت مـاه　　کـه این اسـت روی و هم ایـن اسـت راه

این بیت در هشت دستنویس دیگر (ونیز در **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) نیست　**۷- ف**: مرین؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲])　**۸- لن، ق**[۲]**، لی**: بند؛ **پ**: بنده؛ متن= هفت دستنویس دیگر　**۹- س، لن، ق**[۲]**، پ**: بوی؛ **ل**[۲]: تویی؛ متن= **ف، ل، لی، و، آ، ب**　**۱۰- ل، لن، ق**[۲]**- ب** (و نیز **س**[۲]): درختی؛ متن= **ف، س** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])　**۱۱- ف**: هروز (!)؛ **ب**: مردزو (!)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲])　**۱۲- ق**[۲]: سرش؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): برو؛ (**ل**[۳]: گرش)　**۱۳- ل**: تازبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]): بار آن؛ **و**: بارتان؛ (**لن**[۲]: نازتان؛ **س**[۲]: آزتان)؛ متن= **ف**　**١٤- ل** (و نیز **س**[۲]): بر؛ **لن** پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام رودابه بنزدیك زال　**۱۵- ل، لی، آ**: او　**١٦- ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): بدان؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]: بران؛ متن= **ف**　**۱۷- ق**[۲]: چارهٔ کار　**۱۸- لی**: رو　**۱۹- ل، ق، ل**[۲] این بیت را ندارنـد، ولی در **ق** آنرا درمیان بیت ها افزوده‌اند؛ برخی از دست نویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لی**: داستان زال با کنیزکان رودابه؛ **پ**: رفتن کنیزان رودابه بدیدن زال زر؛ **ل**[۲]: رفتن دختران بر لب رود و آگاهی یافتن زال　**۲۰- ف**: رخان چون گلستان و گل در کنار (= ۳۹۳ ب)؛ **ق، و**: زهربوی و هر رنگ چون نو بهار؛ **ل، ل**[۲] این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **س، ق** پس از این بیت و **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** پس از بیت ۳۹۳ افزوده‌اند:

بگشتند (**ق**[۲]: بگفتند) و (**ق**: <و>) هر سو همی گل چدند　　سـراپـرده را چـون بـرابـر شدنـد

این بیت در **ف، ل، و** (و نیز در **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) نیست　**۲۱- س، لی**: فرودین؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر　**۲۲- ل**[۲]: بد　**۲۳- و**: رودو؛ **لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** پس از بیت افزوده‌اند:

از آن سوی رود آن (**ق**: از آن سو و زین سو) کنیزان بدند　　ز (**ق**: به) دستان همی داستان ها زدند (**ق**: سوی دستان شدند)

ق[۲] پس از این بیت افزوده‌است:

کـه چـون او بگـیتـی کـه بینـد سـوار　　عـنـان پـیـچ و اسـب افـکـن و نامـدار

این دو بیت در **ف، ل، س، و** (و نیز در **لن**[۲]**، س**[۲]) نیست

همی[1] گل چدند از لب رودبار[2]   رخان چون گلستان و گل در کنار[3]
نگه کرد دستان ز تخت بلند   بپرسید کین گل‌پرستان که‌اند
چُنین گفت گوینده با پهلوان   که از کاخ[4] مهراب سرو روان[5]
پرستندگان[6] را سُوی گلستان   فرستد همی ماه کاولستان[7]
بنزد پریچهرگان رفت زال[8]   کمان خواست از ترك و[9] بفراخت یال
پیاده همی شد ز بهر[10] شکار   خَشَنسار[11] بُد[12] اندر آن رودبار[13]
کمان تركِ گل‌رخ به زه برنهاد   به دست جهان[14] پهلوان درنهاد[15]
نگه کرد[16] تا مرغ برخاست زاب[17]   یکی[18] تیر بنداخت[19] اندر شتاب[20]
ز پروازش[21] آورد گردان فرود[22]   چکان خون و[23] وَشّی[24] شده آب رود[25]
پرستنده با ریدك پهلوان[26]   سَخُن گفت و بگشاد[27] شیرین زبان[28]
که این[29] شیربازو گَو پیلتن   چه مردست و[30] شاه کدام انجمن

۱- **ق**۲: یکی ۲- **ف**: برفتند هر پنج تا رودبار (= ۳۹۱آ)؛ **ل، ق، پ، آ**: همی گل بچیدند از رودبار؛ متن= **س، لن، لی، و، ل**۲**، ب** ۳- **ل**: برکنار؛ **ق**: رخ چون بهار؛ **ف**: بنزدیکشان نامور شهریار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق**۲**، لی، پ، آ، ل**۲**، ب** پس از این بیت بیت ۱۴پ را افزوده‌اند؛ **ف** بیت ۳۹۲ را انداخته است و بیت های ۳۹۱ و ۳۹۳ را چنین آورده است:

برفتند هر پنج تا رودبار   رخان چون گلستان و گل در کنار
برفتند هر پنج تا رودبار   بنزدیکشان نامور شهریار

٤- **لن، لی، پ**: که این آن ۵- **لن**- آ، **ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲): روشن روان؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، ل**۲ ٦- **س، ل**۲: فرستادگانرا؛ **ل** این بیت را ندارد ۷- **ف، س- ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ **لن، ق**۲**، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بشنید دستان دلش (**پ**: ازو) بردمید   ز بس مهر (آ: چاره) برجای بر نارمید (**پ**: می نارمید؛ **ق**۲: برجان برنارسید)
خرامید (**لی**: خرامیده؛ آ، **ب**: خرامنده) بابندهٔ پر شتاب   همی رفت دستان ازین (**ق**۲: از آن) روی (آ: سوی) آب
لن، پ: جهانجوی دستان از آن رود (**پ**: روی) آب

این بیت ها در **ف، ل، س، ق، و، ل**۲ (و نیز در **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) نیست ۸- **س، لن، ق**۲**، لی، پ، آ، ل**۲: چو زان سو (**لن، پ**: زانسان؛ **لی**: زان رو) پرستندگان دید زال؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** ۹- **لی**، آ: < و> ۱۰- **ل**: رفت چونان؛ **ق**: شد بعزم؛ **لی**: شد چو شیر؛ **و**: رفت بهر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **ل**: حسساز (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **س**: حس سار؛ **ق**: خسن سار؛ **لی**: چنین کار؛ **پ**: خسیسار؛ **ل**۲: حشسار (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، ق**۲**،و** آ**، ب** ۱۲- **ل، س، ق- ب**: دید؛ متن= **ف** ۱۳- **س، ق، و**: مرغزار؛ **ق**۲: جویبار؛ **لن**: همی دیدی آن مه رخانرانگار ١٤- **لن، لی، پ**: بدست چپ ۱۵- **ل**: برنهاد (پساوند ندارد) ١٦- **س، لن، ق**۲**، لی، پ**، آ، **ل**۲**، ب**: بزد بانك؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ۱۷- **لن**: از آب؛ **و**: زال ۱۸- **لن، ق**۲**، لی، پ، ل**۲: همی ۱۹- **س، ب**: انداخت؛ **و**: بگشاد ۲۰- **و**: زان برز یال ۲۱- **س، لن، ق**۲**، لی، پ، ل**۲: ز (**لن، پ**: از) افرازش؛ متن= **ف، ل، ق، و**، آ، **ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ۲۲- **لی**: بزیر (پساوند ندارد) ۲۳- **ل، س، ق، ق**۲**، پ، و**، آ: < و> ؛ متن= **ف، لن، لی، ل**۲ ٢٤- **لی**: روشن ۲۵- **ق**۲: شده زاب رود؛ **پ**: ازو آب رود؛ **و**: شد از ان آب رود (وزن نادرست است)؛ **ب**: چکان خون ازان مرغ شد روی رود؛ **ل- پ**، آ، **ل**۲**، ب** (و نیز **ل**۳) پس از این بیت افزوده‌اند:

به ترك آنگهی گفت زان (**لن، ق**۲**، پ، ب**: ازان) سوگذر   بیاور تو آن (**لن**: همان) مرغ افکنده پر (**ل، س، لن، ل**۲: سر)
به کشتی گذر کرد ترك سترك   خرامید (**ب**: خرامنده) نزد پرستنده ترك

این بیت ها در **ف، و** (و نیز در **لن**۲**، س**۲) نیست ٢٦- **لن**: ماه روی؛ **پ**: رودك ماه روی؛ **ل، ق**: پرستنده پرسید کای پهلوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- **ل، ق**: سخن گوی و بگشای ۲۸- **لن، پ**: سخن گفت زان پهلو نامجوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- **س، ل**۲: که‌ای ۳۰- **ق**، آ: < و>

که بگشاد ازین[۱] گونه تیر از کمان — چه سنجد به پیش اندرش[۲] بدگمان
ندیدیم زیبنده‌تر[۳] زین سُوار — به تیر و کمان بر چُنین کامگار[۴]
پری روی[۵] دندان به لب برنهادْ[۶] — مکن گفت[۷] ازین[۸] گونه از[۹] شاه یاد
شه نیمروزست[۱۰] فرزند سام — که دستانْش خوانند شاهان به نام
نگردد فلك بر چنو يك سوار[۱۱] — زمانه نبیند چنو نامدار[۱۲]
پرستنده با کودك[۱۳] ماه‌روی[۱۴] — بخندید و گفتش که[۱۵] چندین[۱۶] مگوی
که ماهی ست مهراب را در سرای — به يك[۱۷] سر ز شاه تو[۱۸] برتر به پای
به بالای ساج ست و[۱۹] هم رنگ عاج — یکی ایزدی بر سر از مشك تاج
دو نرگس دژمّ و دو ابرو به خم[۲۰] — ستون دو ابرو چو[۲۱] سیمین قلم[۲۲]
دهانش به تنگی[۲۳] دل مستمند — سر زلف چون[۲۴] حلقه‌ی پای وند[۲۵]
نفس را مگر بر لبش راه نیست — چنو در جهان نیز يك ماه نیست[۲۶]
بدین[۲۷] چاره تا آن لب لعل فام — کند[۲۸] آشنا با لب پور سام
[چُنین گفت با بندگان خوبچهر — که با ماه خوب ست رخشنده مهر[۲۹]]

۱- **ل، س، ق، و**: زین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **س، ب**: به پیشش؛ **و**: به پیش اندرون ۳- آ: ندیدم به بیننده به ٤- **ق**[۲]: سوگوار (!)؛ **ف**: زمانه نبیند چنو نامدار (= ۴۰۸ب)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۵- **لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]: سبك بنده؛ **ف** این بیت را انداخته است؛ متن= **ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ٦- **لن، پ**: لب را به دندان نهاد ۷- **لن**: مکن کن (!) ۸- **ق**، آ: زین ۹- **لن، ق**[۲]، **پ، ب**: بر؛ **ل**[۲]: با ۱۰- **ب**: نیمروزست و؛ **ف** این بیت را انداخته است ۱۱- **و**: چنین يك سوار؛ **ل، ق**: به گرد جهان گر بگردد سوار؛ **لن، پ**: بگرد جهان در چنو يك سوار؛ **ف** این لت را انداخته است؛ متن= **س، ق**[۲]، **لی**، آ، **ب** (و نیز **س**[۲]) ۱۲- **لن، پ**: دگر نامدار؛ **لی**: چنین نامدار؛ آ: چنو يك سوار (پساوند ندارد)؛ **ب**: یکی نامدار؛ **ل، ق**: ازین سان نبیند یکی نامدار؛ متن= **ف، س، ق**[۲]، **و، ل**[۲] (و نیز **س**[۲])؛ **ف** ۴۰۵ب، ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸آ را انداخته و از ۴۰۵آ و ۴۰۸ب يك بیت ساخته است ۱۳- **لن، پ**: ریدك؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ١٤- **س**: خوب روی ۱۵- **ب**: گفتا ١٦- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]: چونین؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])؛ **ل**[۲] پس از این بیت سرنویس دارد: مناظره کردن ریدك با دختران رودابه ۱۷- **س**: یکی ۱۸- آ: زماهست ۱۹- آ: <و>؛ **ب**: ساج و به ۲۰- **ف**: و ابروانش به خم؛ **ل**: و دو ابروی بخم (وزن نادرست است)؛ **س، ق**[۲]: بُد دو ابرو بخم؛ **لن، پ**: بر دو ابرو بخم؛ آ: بود و ابرو بخم؛ متن= **ق، لی، و، ب، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲۱- **لن، ق**[۲]، **لی، پ، ل**[۲]: دو بینی چو؛ آ: دو ابر <و> چو؛ **ب**: دو ابروش؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** ۲۲- **ل، س، ق، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]): تیغ درم؛ **ق**[۲]، **و**، آ (و نیز **لن**[۲]): تیغ دژم؛ **لی** (و نیز **ل**[۳]): تیغ قلم؛ متن= **ف، لن، پ، ب** ۲۳- **و**: دهان تنگ همچون ٢٤- آ: تا ۲۵- **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])پای بند؛ متن= **ف** (و نیز **لن**[۲]) ۲٦- **ل، ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

پرستندگان هر یکی آشکار — همی کرد وصف رخ آن نگار

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در **لن**[۲]، **س**[۲]) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **لن، لی، پ** بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده‌اند:

خرامان ز کابلستان آمدیم — بر شاه زابلستان آمدیم

۲۷- **ق**[۲]: بدان ۲۸- **لن، لی، پ**: کنیم؛ **ل**[۲]: کنید؛ **ف، پ** پس از این بیت دو بیت و **ق** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

سزا باشد و سخت درخور بود — که با زال رودابه همسر بود
چو بشنید از بندگان این غلام (**پ**: پیام) — رخش گشت ازین گفت ها لعل فام

این بیت ها در نه دستنویس دیگر (و نیز در **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) نیست؛ **ق**[۲]، آ، **ب** بجای بیت های بالا سه بیت زیر را و **لن، لی، ل**[۲] تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

به پیوستگی چون جهان (**لی**، آ: چنان) رای کرد — دل هر کسی مهر را جای کرد
چو خواهد گسستن نبایدش گفت — نبرد (آ، **ب**: ببرد) سبك جفت را او (**ب**: او را) ز جفت
گسستنش پیدا و بستن نهان — مه این و مه آن و (آ: مه این باد آن و) مه خوی جهان

این بیت ها در شش دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) نیست و تنها در **پ** بیت یکم پس از بیت ۴۱۹ آمده است ۲۹- **س، لن، ق**[۲]، **لی، و**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، پ**

[ولیکن به گفتن مرا[1] روی نیست بود کاب را ره بدین جوی نیست]
[دلاور که[2] پرهیز جوید ز جفت[3] بماند[4] به آسانی[5] اندر نهفت]
[بدان تاش دختر نباشد ز بُن نباید شنیدنْش ننگی سَخُن[6]]
[چُنین گفت مر جفت را باز نر چو بر خایه بنشست و گسترد[7] پر]
[کزین خایه[8] گر مایه[9] بیرون کنیم[10] ز پشت پدر خایه[11] بیرون کنیم[10]]

ازیشان چو برگشت خندان[12] غلام بپرسید ازو نامور پور سام
که با تو چه گفت آنك[13] خندان شدی شکفته رخ[14] و سیم دندان شدی
بگفت آنچ[15] بشنید با[16] پهلوان ز شادی دل پهلوان شد جوان
چُنین گفت با ریدك ماه‌روی[17] که رو مر[18] پرستندگان را بگوی
که از[19] گلستان یك زمان مگذرید مگر با گل از باغ گوهر برید
درم خواست و دینار و گوهر[20] ز گنج گرانمایه دیبای زربَفت پنج
بفرمود کین نزد ایشان برید کسی را مگویید و[21] پنهان برید
نباید[22] شدنشان[23] سُوی کاخ باز بدان[24] تا پَیامی فرستم براز
برفتند با[25] ماه رخسار پنج ابا گرم گفتار و دینار و[26] گنج
بدیشان سپردند گنجی گهر[27] پَیام[28] جهان پهلوان زال زر
پرستنده با ماه‌دیدار گفت[29] که هرگز نماند سَخُن در نهفت

۱- ل، ق، پ: مگر؛ متن= ف؛ س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) این بیت را ندارند ۲- آ، ق۲، ل۲: چو ۳- ق۲: پرهیز بینند جفت ٤- ف: بـاید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: بباید؛ ق، پ: نیاید؛ و: نیابد؛ ل۲: نماند؛ ب: نباشد؛ لن، لی این بیت را ندارند متن= س، ق۲، آ ۵- ب: بآسایش ٦- آ: ننگ سخن؛ ق: نباشد که راند بتنگی سخن؛ پ: بباید شنیدنش نیکی سخن؛ و: نباید شنیدن ز ننگش سخن؛ ل۲: نبایدش شنیدن ننگی سخن؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، ق۲، ب؛ پ پس از این بیت یك بیت افزوده است (← ۴۱۵پ) ۷- ل: بگشاد؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۸- ل: خانه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۹- ق: ماده؛ ۱۰- ل، ق۲، آ، ل۲: کنم؛ (ل۳، س۲: کنی)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۱۱- لن: مایه ۱۲- ب: گلرخ؛ ل، ق، ق۲، لی (و نیز ل۳) پس از این بیت افزوده‌اند:

که‌بودانك(ق۲: آنك؛ لی: آنکه)باتوهمی‌رازگفت(لی: گفت‌راز) ببـایدت با من همه باز گفت (لی: همی گفت باز)

۱۳- لی، پ، آ، ل۲: آنکه؛ و: او که؛ ل، ق، ق۲: که از گفت او شاد و؛ متن= ف، س، لن، ب ١٤- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: گشاده لب؛ متن= ف، ل، ق، و ۱۵- ق۲: آنك؛ لی، آ: آنکه؛ پ، و، ل۲، ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن، ق ١٦- ق۲: ازو ۱۷- ب: خوبروی ۱۸- ل: که زایدر؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: که رو آن؛ ق: که رورو؛ متن= ف، و، ب ۱۹- ق: کزین؛ در لن، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز در ل۳، لن۲) پس از این بیت بیت ۴۲۹ آمـده است ۲۰- لن، پ: با درّ و گوهر؛ ق۲، لی، آ، ب: با زرّ و گوهر؛ ل۲این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، ق، و ۲۱- ق، لی: < و > ؛ ل۲این بیت را ندارد ۲۲- ف، پ: بباید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۳- ف، لن، لی، پ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲): شدنتـان؛ متن= ل، س، ق، ق۲، و، آ (و نیز س۲) ٢٤- پ: بران؛ در لن، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز در ل۳، لن۲) این بیت پس از بیت ۴۲۶ آمده است ۲۵- ف، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: ازان (در ف به زی تصحیح شده است)؛ س، ق (و نیز س۲): زی؛ لن، ب: آن؛ (ل۳: سوی؛ لن۲: تا)؛ متن= ل، و ٢٦- ل، ق: < و > ؛ ق۲، ل۲: دیبا و؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ق۲ پس از این بیت سرنویس دارد: حال زال با کنیزکان رودابه ۲۷- س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: زرّ و گهر؛ متن= ف، ل، ق، لی، و ۲۸- و (و نیز لن۲): بنام ۲۹- ف: نگر تا خردمند دهقان چه گفت؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲)

مگر آنک[1] باشد میان دو تن — سه تن نانهان ست و چار انجمن[2]
بگو ای خردمند پاکیزه رای — سخن گر به رازست با ما سرای[3]

پرستنده گفتند[4] یك با دگر[5] — که آمد به دام اندرون شیر نر
کنون کام[6] رودابه و کام زال — بجای آید و[7] این بود خوب فال[8]

بیامد سیه چشم گنجور شاه — که بود[9] اندران کار دستور شاه
سخن هر چه[10] بشنید از آن[11] دلنواز — همی[12] گفت پیش سپهبد براز[13]
سپهبد[14] خرامید تا گلستان — به اومید[15] خورشید[16] کاولستان[17]
پری روی[18] گلرخ بتان طراز — برفتند و بردند پیشش نماز[19]
سپهبد بپرسید ازیشان[20] سُخُن — ز بالا و دیدار آن سروبُن[21]
ز گفتار و دیدار و رای و خرد — بدان تا به خوی وی اندرخورد[22]
بگویید با من[23] یکایك[24] سُخُن — به کژّی نگر[25] نفگنید ایچ بن[26]
اگر[27] راستی تان بود گفت و گوی — بنزدیك من تان بود آبروی
وگر هیچ کژّی گمانی[28] برم — به زیر پی پیلتان بسپَرم

۱- **ف، پ**، آ: آنکه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **ف**: که آن سر نهانی بود ز انجمن؛ **لن**: سه تن نانهان و چهار انجمن؛ **ب**: سه تن آشکارست و چار انجمن؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **ف** پس از این بیت دو بیت و **ل، ق، پ** تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

به پاسخ زبان را بیاراستند — وزو خلوت پهلوان خواستند
کنون باز رو پیش آن (**ف**: کنون پیش رو باش زی) پهلوان — بگو ای خردمند روشن روان

بیت یکم در هیچیك از یازده دستنویس دیگر (و نیز در **ل۳، لن۲، س۲**) و بیت دوم در هیچیك از هشت دستنویس دیگر (و نیز در **ل۳، لن۲، س۲**) نیست ۳- در **ف** این بیت چنین آمده است:

سخن هر چه رازست با ما سرای — اگر دلت دستور و پاکیزه رای

متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٤- **ق**: پرستندگان گفت ۵- **س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳**): با یکدگر؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **لن۲، س۲**) ٦- **ل**: کار؛ **س، و، ل۲** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **ل، ق۲، ب**: بجای آمد و؛ **لن**: بجای اندرین؛ **ق**: بجا آید و؛ **لی**: بجای آمد؛ **پ**: بجای آید این؛ متن= **ف**، آ ۸- **لن**: بود ای خوب فال؛ **لی**: این بود فرخنده فال؛ **پ**: هم بود خوب فال؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲**، آ، **ب** ۹- **لن، لی، پ**، آ: بد ۱۰- **ل، س**: هرچ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۱- **ل**: < آن> ؛ **لی**: از این؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۲- **ف**: همه؛ متن= **ل**- آ، **ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۳- **ل۲**: برفتند و بردند پیشش نماز (= ۴۴۰ب)؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

جهان پهلوان زال با کام و ناز — چو بشنید گفتار ریدك براز

ل، ق پس از بیت ۴۳۸ افزوده‌اند:

چو از ترك بشنید زاول (**ق**: زابل) خدای — بیامد سوی باغ کابل خدای

١٤- **ف**: ازان پس؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۵- **ل**: برامد (← بر امّید)؛ **س، ق، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): برامّید؛ **لن، پ**: بنزد؛ **ق۲، لی**، آ، **ل۲**: بنزدیك؛ متن= **ف** ١٦- **لن، پ**: کنیزان ۱۷- **ف- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- **ق**: پری روی و ۱۹- **ل۲**: همی گفت پیش سپهبد براز (= ۴۳۸ب) ۲۰- **ل، ق**: زیشان ۲۱- **ف، ب**: به کژّی نگر نفکنید ایچ بن (= ۴۴۳ب) ۲۲- **س**: بدان تا بخو با که اندر خورد؛ **لن، ق۲، لی**: بدان تا که با او که اندر خورد؛ **ق، پ**: بدان تا بخوبی چه (**پ**: که) اندر خورد؛ **و**: بدان نامجویی بدو در خورد؛ آ: بدان تا که تا او کی اندر خورد؛ **ل۲**: بدان تا کی او تا کی اندر خورد؛ **ب**: بدان تا بروی خود اندر خورد؛ **ف** این بیت را انداخته است؛ متن= **ل** ۲۳- **ق۲**: با او؛ **و**: گفتا ٢٤- **س**: سراسر؛ **ف** این لت را انداخته است ۲۵- **لن**: < نگر > (وزن نادرست است)؛ آ: مگر ٢٦- **ق**: نفکنی هیچ بن؛ **ل۲**: نفکنی ایچ بن؛ **ب**: ز بالا و دیدار آن سرو بن (= ۴۴۱ب)؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ف** ۴۴۱ب، ۴۴۲ و ۴۴۳آ را انداخته و از ۴۴۱آ و ۴۴۳ب یك بیت ساخته است ۲۷- **ب**: که گر ۲۸- **و**: نماید

رخ لاله رخ[۱] گشت چون سندروس   به پیش سپهبد زمین داد بوس
چُنین گفت کز مادر اندر[۲] جهان   نزاید کسی در[۳] میان مِهان
به دیدار سام و به بالای اوی[۴]   به پاکی دل و دانش و رای اوی[۵]
دگر چون تو ای پهلوان دلیر[۶]   بدین[۷] برز بالا[۸] و بازوی شیر[۹]
همی می چکد گویی از روی[۱۰] تو[۱۱]   عبیرست گویی[۱۲] مگر موی تو[۱۱]
سدیگر[۱۳] چو رودابه‌ی ماه‌روی[۱۴]   یکی سرو سیم ست[۱۵] با رنگ و بوی[۱۶]
ز سر تا به پایش گل ست و سمن   به[۱۷] سرو سهی بر، سهیل یمن[۱۸]
از آن[۱۹] گنبد سیم سر بر[۲۰] زَمین   فرو هشته برگِل[۲۱] کمند کمین[۲۲]
به مشك و به عنبر سرش تافته   به یاقوت و زُمُرُد بنش بافته[۲۳]
سر زلف[۲۴] جعدش چو مشکین زره[۲۵]   فگنده ست گویی گره بر گره
ده[۲۶] انگشت بر سان سیمین قلم   برو کرده از غالیه صد[۲۷] رقم
بت آرای چون او[۲۸] نبیند به چین   برو ماه و پروین کند[۲۹] آفرین
سپهبد پرستنده را گفت گرم[۳۰]   سَخُن های شیرین به آوای[۳۱] نرم[۳۲]
که اکنون چه چاره‌ست[۳۳] با من بگوی   یکی راه جستن[۳۴] بنزدیك اوی
که ما را دل و جان پر از مهر اوست   همه آرزو دیدن چهر اوست[۳۵]
پرستنده گفتا چه[۳۶] فرمان دهی   گزاریم[۳۷] تا کاخ سرو سهی[۳۸]
ز فرخنده رای جهان پهلَوان   ز دیدار و گفتار[۳۹] روشن روان
فریبیم و[۴۰] گوییم هر گونه‌یی[۴۱]   میان اندرون نیست وارونه‌یی[۴۲]
سر مشك بویش به دام آوریم   لبش زی لب پور سام آوریم

۱- و، ب: لاله گون **۲-** س، لن، ق۲، لی، ل۲: مادران؛ آ: مادر این؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ب** **۳-** ل، ق: کس اندر؛ متن= ده دستنویس دیگر **٤-** ل، س، لن، ق، آ، ل۲: او؛ متن= **ف، ق۲، لی، پ، و، ب** **۵-** ل، س، لن، ق، آ، ل۲: او؛ **ق۲**: آبروی؛ متن= **ف، لی، پ، و، ب** **٦-** ب: جهان **۷-** ق: برین؛ **ب**: بدان **۸-** ل: برز و بالا؛ آ: برز و بالای **۹-** ق: با زور شیر؛ **ب**: فرّمهان **۱۰-** ل۲: بوی **۱۱-** لن، پ: او **۱۲-** س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: یکسر؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و**؛ در **لن، پ** این بیت پس از بیت ۴۵۲ آمده است **۱۳-** ل، ق۲، لی، آ: سه دیگر **١٤-** ل، پ: خوب روی؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۵-** لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: سیمین؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** **١٦-** ق۲: باریك موی **۱۷-** لن، لی، پ، آ، ل۲: چو؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** **۱۸-** آ: سپهبد یمن (!)؛ **ق۲**: فکندست گویی ز گل بر سمن (پساوند ندارد)؛ در **لن، پ** این بیت پس از بیت ۴۵۰ آمده است **۱۹-** لی: بدان؛ آ: ازین **۲۰-** ق۲: تا؛ **ل۲**: و سرو **۲۱-** ف، لن (و نیز **س۲**): از گل (← بیت ۲۹۲پ)؛ **ق۲**باز از؛ (**ل۳**: یازان)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**) **۲۲-** ل، ق، پ: کمند از کمین؛ **س، لن، آ، ل۲**: کمند گزین؛ **ب**: کمند و کمین؛ متن= **ف، ق۲، لی، و**؛ در **ف** بیت های ۴۵۳- ۴۵۶ یکبار هم پس از بیت ۲۹۲ آمده‌اند **۲۳-** و: برش تافته؛ آ: برو بافته؛ **ق۲**: به لعل و زمرد سرش تافته؛ **پ**: بیاقوت و گوهر تنش بافته؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٢٤-** ف، س، پ: زلف و؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) **۲۵-** ق، آ: گره (پساوند ندارند) **۲٦-** پ، آ: دو (← بیت ۲۹۲پ) **۲۷-** ق: چند (وزن نادرست است)؛ **لی، و**: ده **۲۸-** لن: < او> (وزن نادرست است) **۲۹-** ل، ق۲، لی، پ، و، آ، ب: کنند؛ متن= **ف، س، لن، ق، ل۲** **۳۰-** ق: نرم **۳۱-** س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: آواز؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و** **۳۲-** ق: گرم **۳۳-** آ: سازست **٣٤-** آ: جستم **۳۵-** ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند **٣٦-** ل- لی، و- ب (و نیز **لن۲، س۲**): چو؛ متن= **ف، پ** **۳۷-** ف، ل، س، ق، و، ل۲، ب (و نیز **لن۲**): گذاریم؛ متن= **لن، ق۲، لی، پ، آ** (و نیز **س۲**) **۳۸-** لن: تا گاه شاهنشهی **۳۹-** ل: ز گفتار و دیدار؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر **٤٠-** ف: چو بینیم؛ **ق**: فزاییم و؛ **لی** (و نیز **س۲**): گزینیم و؛ **پ**: فرستیم و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **٤١-** س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲: هر گونه چیز؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **٤٢-** س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲: وارونه چیز؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)

خِرامـد[۱] مگـر پهـلوان با کمـنـد   بنـزدیك دیوار[۲] کاخِ بلنـد
کنـد حلقـه در[۳] گردن کنـگـره   شود شیر شاد[۴] از شَکـار بره

برفـتـنـد خوبـان و[۵] برگـشـت زال   شبـی دیر[۶]یاز آن به بالای سال[۷]

رسـیدنـد خوبـان به درگـاه[۸] کاخ   به دست انـدرون هر یك از گل دو[۹] شاخ
نگـه کرد دربـان برآراسـت[۱۰] جنـگ   زبـان کرد گسـتـاخ و دل کرد تنـگ
که بیگـه ز درگـاه بیرون شوید[۱۱]   شِگـفـت آیدم تا شمـا چون شوید
بتـان پاسـخش را بیاراسـتـنـد   به تنـگـی دل[۱۲] از جای برخـاسـتـنـد
که امـروز روز دگـرگـونـه نیسـت   به راه گُلان دیو وارونـه نیسـت
بهـار آمـد[۱۳] از گلسـتـان گل چنـیم   ز روی زَمـین شاخ سنـبـل چنـیم
نگـهـبـانِ در گفـت کامـروز کار   نبـاید گرفـتـن بدان هم شمـار[۱۴]
که زال سپـهـبـد به کاول[۱۵] نبـود[۱۶]   سراپـردهٔ شاه زاول[۱۷] نبـود[۱۸]
نبـیـنـید[۱۹] کز کاخ، کاول[۲۰] خدای   به زین انـدرآورد شبـگـیر[۲۱] پای
اگـرتـان ببـیـنـد چُنـین گل بدسـت   کنـد بر[۲۲] زَمـین تان همـانـگـاه پسـت[۲۳]

شدنـد انـدر ایوان بتـان طراز   نشـسـتـنـد با ماه و گفـتـنـد راز[۲۴]
نِهـادنـد دیبـا[۲۵] و گوهـر به پیش[۲۶]   بپـرسـید رودابـه از کمّ و بیش
که چون بودتـان کار با پور سام؟   به دیدن بهـسـت ار[۲۷] به[۲۸] آواز و نام[۲۹] ؟

۱- ق: چو آید ۲- لن، پ: ایوان و؛ لی: دیوار و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- ف: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ٤- ق، و: شاد شیر؛ ل۲: سیر شیر؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲ (و نیز ل۳) پس از این بیت افزوده‌اند:

ببین آنـگـهی (س: بدین آگـهی) تا خوش آید ترا   برین (ق۲، لی، ل۲: بدین) گفته رویش (لی، آ: رامش) فزاید ترا
لن، پ: بدل گفت و گویش (پ: و رامش) فزاید ترا

این بیت در ف، ل، ق، و، ب (و نیز لن۲، س۲) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۵- س: برفتند چون باد و؛ لن: برفتند ایشان و؛ ل۲: برفتند چونان و؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- لی، ل۲: دید؛ پ: < دیر > (وزن نادرست است) ۷- ق۲: یال؛ ل، ق، و، آ (و نیز لن۲): دلش گشت با ناز و (ل: با کام و) شادی همال؛ متن= ف، س، لن، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲): دیر یازان؛ س: دیر یاز آن ۸- و: بنزدیك ۹- لی: سه؛ ل۲پس از این بیت سرنویس دارد: باز گردیدن کنیزان از پیش زال ۱۰- ب: بیاراست ۱۱- لی: روید ۱۲- لن، لی، پ، آ: بدل تنگی؛ در ق۲آغاز این لت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- س، ل۲: آید ١٤- لن، پ، و: بران هم شمار؛ لی: چو دی بر شمار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- ف- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲): کابل؛ و: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱٦- لن، پ: درست؛ لی: شود؛ و: نبد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، س، ق، ق۲، لی، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲): زابل؛ و: کابل؛ متن= ف ۱۸- لی: بود؛ و: نبد؛ لن، پ: زمین پر ز خرگاه و پر لشکرست ۱۹- لی، آ: ببینید ۲۰- ف- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ل، س، ق، ق۲، لی، و، آ، ل۲: آرد بشبگیر؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ب ۲۲- ب: با ۲۳- ف: همانگه سبت (!)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ٢٤- ل، س، لن، ق، پ، ب (و نیز ل۳، س۲): نشستند و با ماه گفتند راز؛ ق۲، و، آ (و نیز لن۲): نشستند و گفتند با ماه راز؛ لی: نشستند و گفتند هر گونه راز؛ ل۲: نشستند با ماه گفتند راز؛ متن= ف؛ ق۲، لی، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳) پس از این بیت افزوده‌اند:

برافـروخـت رودابـه را دل بـه مـهـر   به (ق۲، آ: بر) آن تا ببیندش چهر (لی: کش ببیند بچهر)

این بیت در هفت دستنویس دیگر (و نیز در لن۲، س۲) نیست ۲۵- ف، س، ق۲، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): دینار؛ متن= ل، ق، لی، و (و نیز لن۲، س۲)؛ لن، پ این بیت را ندارند ۲٦- س، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: گوهرش پیش؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۷- ق: یا ۲۸- ق: به؛ و: ز ۲۹- ل، ق۲، و: آواز نام؛ ب: نباید که باشد همی کار خام؛ لن، پ این بیت را ندارند

پریچهره هر پنج بشتافتند   چو با ماه جای سَخُن یافتند[۱]
که مردی ست برسان سرو سهی   همش زیب و هم فرّ[۲] شاهنشهی
همش رنگ و هم بوی و هم قدّ و شاخ[۳]   سُواری میان لاغر و[۴] بر فراخ
دو چشمش چو دو نرگس قیرگون[۵]   لبانش چو بُسَّد[۶]، رخانش چو خون[۷]
کف و ساعدش چون کف شیر نر[۸]   هیون ران و موبددل[۹] و شاه‌فر[۱۰]
سراسر سپیدست[۱۱] مویش به رنگ[۱۲]   از[۱۳] آهو همین ست[۱۴] و این نیست ننگ[۱۵]
سرِ جعد[۱۶] آن پهلَوان جهان[۱۷]   چو سیمین زره بر گلِ ارغوان[۱۸]
که گویی همی خود[۱۹] چُنان بایدی   وگر نیستی مهر نفزایدی[۲۰]
به دیدار تو داده‌ییمش نُوید[۲۱]   ز ما بازگشته‌ست دل پر امید[۲۲]
کنون چاره‌ی کار مهمان بساز   بفرمای تا بر چه گردیم باز[۲۳]
چُنین گفت با بندگان سرویُن   که دیگر شده‌ستی[۲۴] به رای و سَخُن
همان زال کو مرغ پرورده بود   چُنان پیرسر بود و پژمرده بود
به دیدار شد چون[۲۵] گل ارغوان[۲۶]   سهی قد و دیبا[۲۷] رخ و پهلوان[۲۸]
رخ من به پیشش بیاراستید[۲۹]   به گفتار[۳۰] و زان پس[۳۱] بها خواستید[۳۲]
همی گفت و یك لب[۳۳] پراز خنده داشت   رخان همچو گلنار آگنده داشت
پرستنده با بانوی[۳۴] ماه‌روی   چُنین گفت کاکنون ره چاره جوی[۳۵]

۱- **لن- پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

که زال آن سوار جهان سربسر   نباشد (**ق**: نزاید) چنو کس بآیین و فر

این بیت در **ف، ل، س، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) نیست **۲- ف**: همش فرّ و هم زیب؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۳- ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): همش رنگ و بوی (**ق**: بو) و همش فرّ و شاخ؛ **س، ل[۲]**: همش بوی و هم رنگ و هم قد و شاخ؛ **لن، ق[۲]، پ، ب**: همش رنگ و بوی و همش (**ق[۲]**: بویست و هم) قد و شاخ؛ متن= **ف، لی، آ** (و نیز **س[۲]**) **۴- س- و، ب**: <و>؛ متن= **ف، ل، لن، آ، ل[۲]** **۵- لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: آبگون؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۶- لی**: پسته؛ **ب**: یاقوت **۷- ب**: رخ همچو خون **۸- ب**: همچو شیران نر **۹- ف**: هیون روان پر دل (وزن نادرست است)؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ**: هشیوار و موبد دل؛ متن= **ل، س، ق، و، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۰- لن**: پیر سر؛ **پ**: شیر بر **۱۱- لی، و، ب**: سفیدست **۱۲- لن، ق[۲]، پ، آ**: بسر **۱۳- س، ق[۲]، و، آ، ل[۲]**: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۴- پ**: همانست **۱۵- ف**: این است ننگ؛ **لن، ق[۲]، پ، آ**: این است (**ق[۲]**: هست) فر؛ **لی، ل[۲]**: وین نیست ننگ؛ متن= **ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۶- ف، س، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): سر و جعد؛ **لن**: بسر جعد؛ متن= **ل، ق، و، ب** (و نیز **ل[۳]**) **۱۷- س، و**: جوان **۱۸- ف، ق، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): گل و ارغوان؛ متن= **ل، س، لن** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۱۹- لن، ق[۲]، پ**: همی آن؛ **لی**: مگر هم؛ **ل[۲]**: همی هم؛ **ب**: که خود هم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، س، و، آ** **۲۰- ل[۲]**: به بیفزایدی (!) **۲۱- س، ق، ق[۲]**: امید؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۲- س، ق**: نوید؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**: که باز گشتن دلش پر امید (**ق[۲]**: نوید)؛ متن= **ف، ل، و، آ، ل[۲]، ب** **۲۳- ق[۲]**: راز **۲۴- ب**: که گشتید دیگر **۲۵- لن، ق[۲]، لی، پ، آ**: برخ شد کنون چون (**لی**: او)؛ **ب**: برخ شد کنون < چون > (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۶- ف، س، ق- ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): گل و ارغوان؛ متن= **ل، لن، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۲۷- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): زیبا؛ متن= **ف** (و نیز **لن[۲]**) **۲۸- ف**: ارغوان (پساوند ندارد)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۹- ل**: بیاراستی؛ **س، آ، ل[۲]**: بیاراستند؛ **ق**: برآراستی؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۰- لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: بگفتید؛ **آ**: بگفتند؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل[۲]** **۳۱- و**: و آنگه **۳۲- ل، ق**: خواستی؛ **س، آ، ل[۲]**: خواستند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۳- ل، ق، و**: لب را؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لی** پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن زال بدیدن رودابه **۳۴- لن، پ**: بانوی با؛ **و**: با نامور؛ **ق[۲]، ب**: چنین گفت پس بانوی؛ **س، ل[۲]** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، آ** **۳۵- ق[۲]، ب**: پرستندهٔ را که رو چاره جوی؛ در **لی** این بیت چنین آمده است:

چنین گفت پس بانو بانوان   پرستندهٔ را کزیدر دمان

س، ل[۲] بجای بیت ۴۹۶ و **ق[۲]، لی، ب** پس از آن افزوده‌اند:

بمژدهِ شما (**س**: بگفت از شما) یك سوي او شوید   بگوئید و گفتار او بشنوید
که کامت برآمد (**ب**: برآید) بیارای (**ق[۲]، لی**: برآرای) کار   بیا تا ببینی مهی پر نگار (**لی**: در کنار)
یکی رفت (**لی**: گفت) از آن (**س**: با) ریدك (**لی**: کودك) ماه روی   چنین گفت کاکنون ره (**ل[۲]**: یکی) چاره جوی (**لی**: پوی)

این بیت ها در هفت دستنویس دیگر (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) نیست، ولی در **ق** دو بیت نخستین را در کناره افزوده‌اند

که یزدان هرآنچت هوا بود داد — سرانجام این کار فرخنده باد[1]
یکی خانه بودش چو خرّم[2] بهار — ز چهر بزرگان بروبر نگار
به دیبای چینی بیاراستند[3] — طبق های زرّین بپیراستند[4]
عقیق و زبرجد[5] بروُ[6] ریختند — می و[7] مشك و[8] عنبر برآمیختند
بنفشه گل و نرگس[9] و ارغوان[10] — سمن شاخ و سنبل[11] به دیگر کران
همه زرّ و[12] پیروزه بُد جامشان — به روشن گلاب اندر آرامشان
از آن خانه‌ی دخت خورشیدروی — برآمد همی تا به خورشید بوی

چو خورشید تابنده شد ناپدید — در حجره[13] بستند و گم شد کَلید
پرستنده شد سوی[14] دستان سام — که شد[15] ساخته کار[16] بگذار[17] گام
سپهبد سُوی کاخ بنهاد روی — چُنان چون بود[18] مردم جفت‌جوی
برآمد سیه‌چشم گلرخ به بام — چو سرو سهی بر سرش ماه تام[19]
چُن[20] از دور دستانِ سام سُوار — بدید، آمد آن دختر نامدار
دو بیجاده بگشاد و[21] آواز داد — که شاد آمدی ای جوانمرد و راد[22]
درود جهان آفرین بر تو باد — خم چرخ گردان زمین تو باد[23] (!)
پرستنده خرّم دل و[24] شاد باد — چنانی سراپای کو[25] کرد یاد

۱- **س، لن، ق**[2]**، لی، پ**، آ، **ل**[2]**، ب** (و نیز **ل**[3]) پس از این بیت افزوده‌اند:

همی کار سازید روادبه زود — نهانی ز خویشان او (**ب**: و از) هر که بود

این بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز در **لن**[2]**، س**[2]) نیست **۲- ل**: خورم **۳- ق**: بیاراسته **٤- ق**: بپیراسته **۵- ل، ق، و**: زمرد؛ متن= نه دستنویس دیگر **٦- س، لن، ق**[2]**، لی، پ**، آ، **ل**[2]: فرو؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** **۷- و**: همی **۸- ل**: <و> **۹- ب**: لاله **۱۰- ق**[2]: زعفران **۱۱- س، ق**[2]: شاخ سنبل؛ **لن، پ**: همان سرخ سنبل؛ **لی**: سمن شاخ سنبل؛ آ: همه شاخ سنبل و سوسن؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ل، ق، و** (و نیز در **لن**[2]) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده‌است **۱۲- س**: همه روز؛ در **لن، پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **ل، ق، و** (و نیز در **لن**[2]) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۱۳- لی**: خانه **١٤- ف**: پیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]) **۱۵- پ**: < شد > (وزن نادرست است) **١٦- لن، ل**[2]: کارو؛ **ق**: زود **۱۷- ف، س**- آ، **ب** (و نیز **ل**[3]**، س**[2]): بگزار؛ **ل**[2]: بگزارد؛ (**لن**[2]: بگذارد)؛ متن= **ل**؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، **س**: رسیدن زال و روادبه در قصر مهراب بیکدیگر؛ **لن**: رسیدن زال سام به روادبه؛ **ق**: رفتن زال به خانهٔ روادبه و با یکدیگر عهد بستن؛ **ق**[2]**، پ، ب**: آمدن (**پ، ب**: رفتن) زال بنزد روادبه؛ **و**: گفتار اندر رفتن زال زر بنزد روادبه **۱۸- لی**: رود **۱۹-و**: چو سرو سهی سرش ماه تمام **۲۰- ل، س، ق- ب** (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]): چو، **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۲۱- ق**[2]: <و> **۲۲- ل- پ**، آ، **ل**[2]**، ب** (و نیز **ل**[3]**، س**[2]): جوانمرد شاد؛ (**لن**[2]: جوانمرد داد← جوانمرد و راد)؛ متن= **ف، و** **۲۳- ق**[2]**، ل**[2]**، ب** (و نیز **س**[2]): نگین تو باد (پساوند ندارد)؛ آ: بزین تو باد (پساوند ندارد)؛ **لن، و** (و نیز **لن**[2]) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، پ** (و نیز **ل**[3]) (پساوند ندارد) **٢٤- ق**، آ: شد و؛ **ف**: ز دولت همیشه دلت؛ **ل، لن** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]) **۲۵- لی**: او؛ **ق**[2] (و نیز **ل**[3])جهانی سراسر که او؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]**، س**[2])؛ در **ف** این بیت چنین آمده است:

ز دولت همیشه دلت شاد باد — چنانی سراپای کو کرد یاد

در **ق** این بیت در کناره چنین آمده است:

ز دولت همیشه دلت شاد باد — ترا در جهان بخشش و داد باد

پس شاید **ف** نخست داشته است:

ز دولت همیشه دلت شاد باد — ترا در جهان بخشش و داد باد
پرستنده خرّم دل و شاد باد — چنانی سراپای کو کرد یاد

ولی لت دوم و سوم را انداخته و از لت یکم و چهارم یك بیت ساخته است

پیاده بدینسان ز[1] پرده‌سرای / برنجیدت[2] این[3] خسروانی دو پای
سپهبد کزان گونه[4] آوا شنید / نگه کرد[5] خورشیدرخ را بدید
شده بام[6] از آن گوهر تابناك / بجای گُلش، سرخ[7] یاقوت، خاك
چُنین داد پاسخ که ای ماه‌چهر[8] / درودت ز من[9]، آفرین از سپهر
چه مایه شبان دیده اندر[10] سَماك / خروشان بُدم[11] پیش[12] یزدان پاك
همی خواستم تا خدای جهان / نُماید مرا[13] روی تو در[14] نهان
کنون شاد گشتم به آواز تو / بدین چرب[15] گفتار با ناز[16] تو
یکی چاره‌ی راه دیدار جوی / چه پرسی تو بر[17] باره و من به کوی
پری روی گفتِ سپهبد شنود[18] / ز سر[19] شَعر گلنار بگشاد زود[20]
کمندی گشاد او ز سرو بلند / که از[21] مشك از آن سان نپیچد کمند
خم اندر خم و مار بر مار بر[22] / بران غبغش[23] نار بر نار[24] بر[22]
بدو گفت[25] بریاز[26] و برکش میان / بِر شیر بگشای و چنگ کَیان
بگیر این[27] سیه گیسو از یکسوام / ز بهر تو باید[28] همی گیسوام
نگه کرد زال اندر آن ماه‌روی[29] / شگِفتی بماند اندر آن روی و موی[30]
چُنین داد پاسخ که این نیست[31] داد / چُنین[32] روز، خورشید روشن مباد
که من دست را خیره[33] در جان زنم / بدین[34] خسته‌دل، نوك[35] پیکان زنم

۱- لن: پیاده که آمد ز؛ ق۲: پیاده بیامد ز؛ و: پیاده بدین ساز و؛ آ، ل۲: پیاده بدینجا ز؛ ب: پیاده بدانجاز؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ ۲-و: نرنجیدت ۳- س، لی، آ: آن؛ در لن، ق۲، لی، آ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: خواستن زال سام رودابه را ٤- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: سپهبد چو از باره؛ ق: سپهبد کزین گونه؛ و (و نیز لن۲): سپهدار از آن گونه؛ ب (و نیز ل۳): سپهبد کزان باره؛ متن= ف، ل (و نیز س۲) ٥- ل، س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب: کرد و؛ متن= ف، ق، پ، آ ٦- ق۲: < نام> ۷- ف: بجای گلش سرخ و؛ ل، پ، و (و نیز لن۲): بجای گل سرخ؛ س، ب: به پیش رخش سرخ؛ لن، ق۲: بجای لبش سرخ؛ لی: ز رنگ رخش سرخ؛ و، ل۲: بجای رخش سرخ؛ (ل۳، س۲: ز عکس رخش سرخ)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند (= ل۳)؛ متن= ف پس از زدن حرف واو ۸- س، و: خوب چهر ۹- لی: درود از منت و؛ ل۲ پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن زال بکاخ رودابه و عهد کردن ۱۰- پ: دیده‌ام در ۱۱- و: شدم ۱۲- ق: نزد ۱۳- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: بمن؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ١٤- ل: چهرت اندر؛ س- ب (و نیز لن۲): رویت اندر؛ متن= ف (و نیز ل۲، س۲) ۱٥- ل، لن، ق، ق۲، و، آ، ب: خوب؛ متن= ف، س، لی، پ، ل۲ ١٦- ق۲: دمساز؛ ل۲: با یار (!) ۱۷- لی: از؛ لن: چه باشی < تو > بر (وزن نادرست است) ۱۸- ف: پری روی گفتار ازان سان شنود؛ ل، س، ق، ق۲، و، آ، ل۲: پری روی گفت و سپهبد شنود؛ لن: پریچهره گفت سپهبد شنید؛ لی: چو زین گونه گفت سپهبد شنید؛ پ: پریچهره گفت و سپهبد شنود؛ ب: پری روی گفت و سپهبد شنید (پساوند ندارد)؛ متن= (س۲) ۱۹- ل: سر؛ ق: سر از؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- لن: گلنار گون برکشید؛ پ: شبگون همی برگشود ۲۱- لی: که بر؛ و: کس از ۲۲- ب: بود ۲۳- لن: غبغب ٢٤- لن، لی، ل۲: ناز بر ناز (پساوند ندارد)؛ ق۲: نار در نار؛ و: تار بر تار؛ آ: تاره بر تار؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، ب؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲) پس از این بیت افزوده‌اند (س بیت دوم را ندارد):

فرو هشت گیسو از آن کنگره / بدل‌زال‌گفت(س: گفت‌زال)این(لی،ل۲: ای)کمندی(س،لن،ل۲: کمند)سره
پس از (ل۲: دگر) باره رودابه آواز داد / که ای پهلوان بچهٔ (لن، پ: زادهٔ) گرد زاد

این بیت ها در ف، ل، ق، و (و نیز س۲) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده‌اند ۲٥- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: کنون زود؛ متن= ف، ل، س، ق، و ٢٦- ل، س، لن: برباز (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ق: برناز؛ ق۲: بر تاز؛ پ: تریاز؛ آ: دریاب؛ ل۲: برتار؛ متن= ف، لی، و، ب ۲۷- ل۲: ای ۲۸- ق: بادا ۲۹- ب: گفت وگوی ۳۰- س، ل۲: رنگ و بوی؛ لن، ق۲، آ: گفت و گوی؛ ق: هر دو موی؛ لی: رو و موی؛ پ: شگفت آمدش آنچنان گفت وگوی؛ متن= ف، ل، و، ب؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (ونیز ل۳، لن۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسایید(س، ل۲: بساوید)مشکین کمندش ببوس / که بشنید آواز بوسش عروس

این بیت در ف، ل، ق، و (ونیز در س۲) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۳۱- و: اینست ۳۲- لن، پ: بدین ۳۳- لی: خیره را دست ٣٤- ل، س، لن، ق۲- ل۲ (ونیز لن۲، س۲): برین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، لی، ب (ونیز ل۳) ۳٥- ل، س، ق۲، پ، آ (ونیز لن۲): تیر؛ لن، و، ب (ونیز ل۳): تیز؛ لی: نیز؛ ل۲: تیرو؛ (س۲: نیز (حرف یکم نقطه ندارد))؛ متن= ف

کمند از رهی بستد و داد خم | بینداخت[۱] خوار و نزد[۲] هیچ[۳] دم[۴]
به حلقه درآمد سر کنگره | برآمد ز بُن تا به سر یکسره
چو بر بام آن باره‌ی شست یاز[۵] | برآمد[۶]، پری روی[۷] بردش نماز
گرفت آن زمان[۸] دست دستان به‌دست[۹] | برفتند هر دو بکردار مست[۱۰]
فرود آمد از بام[۱۱] کاخ بلند | به دست اندرون دستِ شاخ بلند
سُوی خانه‌ی زرنگار[۱۲] آمدند | بدان[۱۳] مجلس شاهوار آمدند
بهشتی بُد آراسته پر ز نور | پرستنده بر پای[۱۴] و در[۱۵] پیش حور
شِگفتی بماند اندرو[۱۶] زال زر | بدان روی و آن موی و بالای و فر[۱۷]
ابا یاره و طوق و با گوشوار | ز دیبا و[۱۸] گوهر چو باغ[۱۹] بهار
دو رخساره[۲۰] چون لاله اندر سمن | سرِ زلفِ جعدش[۲۱] شکن بر شکن[۲۲]
همان زال با فرّ شاهنشهی | نشسته بر ماه با فرّهی
حمایل یکی دشنه[۲۳] اندر برش | ز یاقوت رخشان سر و افسرش[۲۴]
همه[۲۵] بود بوس و کنار و نبید | مگر شیر کو گور[۲۶] را نشکرید[۲۷]
سپهبد چُنین گفت با ماه‌روی | که ای سرو سیمین، پر از رنگ و بوی[۲۸]
منوچهر چون[۲۹] بشنود داستان | نباشد بدین[۳۰] کار[۳۱] همداستان

۱- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): بیفکند؛ متن= **ف، و** ۲- **پ**: بزد ۳- **ل**: ایچ؛ **س، لن، ق، ق۲، آ، ل۲**: نیز؛ **پ، ب** (ونیز **لن۲**): تیز؛ **و**: تیر؛ متن= **ف، لی** (ونیز **ل۳، س۲**) ٤- **س** پس از این بیت افزوده است:

چنان اژدها بر که خاره بر | نتازد چو دستان بر آن باره بر

۵- **س، لن، لی، پ، آ، ل۲**: باره بنشست باز (**ل۲**: و باز)؛ **ق**: بارگه گشت باز؛ **و**: چو بر بام شد زال نیرنگ ساز؛ متن= **ف، ل، ق۲، ب** (**ب**: شصت) ٦- **س، لن، لی، پ، آ، ل۲**: بیامد؛ **ق، و**: درآمد؛ متن= **ف، ل، ب** ۷- **س، لن، ق، پ، و، ل۲**: پری روی و؛ **ق۲**: پری روی بنشست و ۸- **س**: آنگهی ۹- **لن**: دستان سام ۱۰- **لن**: بدل شادکام ۱۱- **ل۲**: بام و ۱۲- **ق۲**: بزمگاه ۱۳- **ل**: بران ١٤- **ق**: برپا؛ **لی**: در پای ۱۵- **ل، لن**: و بر؛ **پ**: <و> بر؛ آ، **ل۲، ب**: <و> در؛ متن= **ف، س، ق، ق۲، لی، و** ۱٦- **ب**: اندران؛ **ل، لن- ل۲** (ونیز **لن۲**): شگفت اندرو مانده بد؛ متن= **ف، س** (ونیز **ل۳، س۲**) ۱۷- **ب**: بالا و فر؛ **ل، و**: بران (**و**: بدان) موی و آن روی و بالا و فر؛ **س، ق۲، لی، آ، ل۲**: بدان روی (**لی**: رو) و بالا و آن موی و فر؛ **لن**: بدان روی و موی و بدان زیب و فر؛ **ق**: بدان رو و آن مو و بالا و فر؛ **پ**: بدان موی و آن روی و آن زیب و فر؛ متن= **ف** ۱۸- **ل، لن- و، ب** (ونیز **ل۳**): زدینار و؛ آ: زدیبای؛ متن= **ف، س، ل۲** (ونیز **لن۲، س۲**) ۱۹- **لن**: شاخ ۲۰- **لی، و**: رخسار ۲۱- **ف**: سر زلف و جعدش؛ **ل، لن- آ** (ونیز **ل۳، لن۲**): سر جعد زلفش؛ **س**: سرو جعد زلفش؛ **ل۲**: سرو جعد و زلفش؛ متن= **ب** (ونیز **س۲**) ۲۲- **پ**: سراسر شکن ۲۳- **ف**: چو باید یکی دیبه؛ (**ل۳**: حمایل یکی دست)؛ **س، ل۲** این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **لن۲**) ۲٤- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: زیاقوت سرخ افسری بر سرش؛ متن= **ف، ل، ق، و**؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند (**لن** بیت چهارم را ندارد و بیت یکم تنها در **ب** آمده است):

خردمند و بیدار هر دو جوان | دل افروز بودند و روشن روان
ز دیدنش رودابه می نارمید | بدزدیده در وی همی بنگرید
فروغ رخش راکه جان برفروخت (**ق۲**، آ، **ب**: راکه جان رافروخت؛ **لی**: جان بیفروختی) | درو (**ق۲**: وزو) بیش دیدو (**ق۲**، **لی**، **ب**: دیدی) دلش بیش سوخت (**لی**: سوختی)
از آن (**پ، ب**: بدان) شاخ و یال و از آن (**پ، ب**: بدان) فرّو برز | **ق۲، لی، ب**: که خاره چو خار (**ب**: خاك) آمدی زوبگرز
ق۲: از آن شاخ وآن یال وآن فرّوبرز | **پ، آ**: که خارا چو خار (آ: خاك) آمدی زوبگرز

۲۵- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (ونیز **لن۲**): همی؛ متن= **ف، و** (ونیز **ل۳**) ۲٦- **و**: گاو ۲۷- **لی، ل۲، ب**: بشکرید ۲۸- **ل**: سیمین بروررنگ بوی؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲**: سیمین برمشکبوی؛ **ق**: سیمین برخوب روی؛ **و**: سیمین بارنگ وموی؛ آ: سیمین برمشك روی؛ **ب**: سیمین پررنگ وبوی؛ متن= **ف** (ونیز **لن۲**) ۲۹- **ل، ق، و**: اگر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۰- **ل، ق**: برین؛ **لی**: بدان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۱- **لن، ق۲، لی، پ، آ**: نیز؛ متن= هفت دستنویس دیگر

همان سام[1] نیرم برآرد خروش — کف اندازد و بر من آید به جوش[2]
ولیکن سرمایه[3] جانست و تن — همه خوار گیرم بپوشم کفن
پذیرفتم از دادگر داورم — که هرگز ز پیمان تو نگذرم
شوم پیش یزدان ستایش[4] کنم — چو ایزد[5]پرستان نیایش[6] کنم
مگر کو[7] دل سام و شاه زَمین — بشوید[8] ز خشم و ز پیگار و کین
جهان آفرین بشنود گفت من — مگر کاشکارا[9] شود[10] جفت من
بدو گفت رودابه[11] من همچنین — پذیرفتم از داور داد و دین[12]
که بر من نباشد کسی پادشا — جهان آفرین بر زبانم گوا
جز از پهلوان جهان[13] زال زر — که با تخت و تاجست[14] و با زیب[15] و فر

همی هر زمان مهرشان[16] بیش بود — خرد دور بود[17]، آز در[18] پیش بود
چُنین تا سپیده[19] برآمد[20] ز جای — تبیره برآمد ز پرده‌سرای
پس آن ماه را شاه[21] پَدرود کرد — بر[22] خویش تار[23] و برش پود کرد
[سر میژه[24] کردند هر دو پر آب — زبان برگشادند[25] بر آفتاب]
ز[26] بالا کمند اندرافگند[27] زال — فرود آمد از کاخِ فرّخ هَمال

چو خورشید تابان برآمد ز کوه — برفتند گردان همه همگروه
بدیدند مر پهلوان را به گاه — وُزانجایگه برگرفتند راه

۱- **پ**: < سام> (وزن نادرست است) **۲- ل، ق**: ازین کار بر من شود او (**ق**: او بر من آید) بجوش؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **لن۲، س۲**) **۳- لن**: چو پرمایه؛ **پ**: که پرمایه **٤- ق، ق۲، لی، و، آ** (ونیز **ل۳، لن۲**): نیایش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **س۲**) **۵- لن، ق۲- ب** (ونیز **لن۲**): یزدان؛ متن= **ف، ل، س، ق** (ونیز **ل۳، س۲**) **٦- ل** (ونیز **لن۲**): نمـایش؛ **ق، ق۲، لی، و، آ** (ونیز **ل۳**): ستـایش؛ متن= **ف، س، لن، پ، ل۲، ب** (ونیز **س۲**) **۷- ب**: کان **۸- ب**: بشویم **۹- س، و**: آشکارا **۱۰- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب** (ونیز **لن۲**): شوی؛ **ق، ل۲** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ق۲** (ونیز **ل۳، س۲**) **۱۱- و**: روداوه **۱۲- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**): کیش و دین؛ **ق**: پاك بین؛ (**س**: هوش و دین)؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق۲** **۱۳- ل۲**: زمین **١٤- لن، پ**: که با تاج و گنجست؛ **ق، لی، آ**: که با تاج و تختست؛ **ق۲**: که با بخت و با تاج؛ متن= **ف، ل، س، و، ل۲، ب** **۱۵- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: نام؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** **١٦- ل، س، لن، ق، ق۲، پ، و، آ**: همـی مهـرشـان هر زمـان؛ متـن= **ف، لی، ل۲، ب** **۱۷- ل، س، ق۲، آ**: بُد؛ متـن= هشـت دسـتـنـویس دیگـر **۱۸- ل، ق، لی، پ، و، آ** (ونیز **ل۳، لن۲**): آرزو؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، ل۲، ب** (ونیز **س۲**)؛ **آ** این بیت را دوبـار نوشتـه است **۱۹- لی**: سفیده **۲۰- ب**: برآمد سپیده **۲۱- ل**: شید؛ (**ل۳**: زال)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **لن۲، س۲**) **۲۲- س، لن، پ، آ، ل۲، ب**: تن؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، لی، و** **۲۳- آ**: بار(!) **٢٤- س- ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): مژّه؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۲۵- پ**: برکشیدند؛ **س، لن، ق۲- ب** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

که ای فرّ گیتی یکی لخت نیز (**لی**: لحظه بر؛ **پ**: بخت نیز) — **س، لن**: یکایك ببایست پردخت نیز (**لن**: نبایستت آید بنیز)
لی،پ،و،آ، ل۲،ب: یکایك(**ل۲**: بکابل)نبایست‌آمدبنیز(**لی**: ببر؛ **پ**: بچیز)
نبایست آمد یکایك بنیز

مگر این (**لن، لی، پ، ل۲**: کین) دو مهرآزمای نژند — گسستندی (**لی**: گشادندی) از دل بدیدار (**آ**: به‌بیدار) بند
لن، پ: گسستندی از دل غم (**پ**: غم و) درد و بند

این بیت ها در **ف، ل، ق** (ونیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۲٦- و**: پس (وزن نادرست است) **۲۷- ق**: انداخت؛ **ل۲** پس از این بیت سرنویس دارد: باز گردیدن زال از نزد رودابه؛ **ف، ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد همانگه بجای نشست — زمی مانده مخمور وزبوسه (**ف**: باده) مست

این بیت در نه دستنویس دیگر (ونیز در **ل۳، لن۲، س۲**) نیست، ولی در ترجمهٔ **بنداری** جمله‌ای هست که با لت یکم این بیت سازگار است: فافترقا علی ذلك و جاء الی مخیمه

سپهبد فرستاد خواننده[۱] را | که خواند[۲] بزرگان داننده[۳] را
چو دستور[۴] فرزانه با موبدان | سرافراز گردان و[۵] فرّخ ردان
زبان تیز بگشاد دستان سام | لبی پر ز خنده دلی شادکام
نُخُست آفرین بر[۶] جهاندار کرد | که بخت چُنان خفته[۷] بیدار کرد
چُنین گفت کز داور داد و پاك[۸] | دل ما پر از ترس و اومید و باك[۹]
به بخشایش اومید[۱۰] و ترس از گناه[۱۱] | به فرمان ها ژرف کردن نگاه
ستودن مرو را چُنان چون توان | شب و روز بودن به پیشش نوان[۱۲]
خداوند گردنده خورشید و ماه | روان را به نیکی نُماینده راه
بدویست گیهان[۱۳] خرّم بپای | همو داد و داور[۱۴] به هر دو سرای
بهار آرد و[۱۵] تیرماه و خزان | برآرد پر از[۱۶] میوه دار و[۱۷] رزان
جوان داردش گاه با رنگ و بوی | گهش پیر بینی[۱۸] دژم کرده روی
ز فرمان و رایش کسی نگذرد | پی مور بی او زَمین نسپَرد[۱۹]
بدانگه که لوح آفرید و قلم | بزد بر همه بودنی ها رقم
جهان را فزایش[۲۰] ز جفت آفرید | که از یك فزونی[۲۱] نیامد[۲۲] پدید
یکی نیست جز داور کردگار[۲۳] | که او را نه انباز و نه جفت و یار[۲۴]
هرآنچ[۲۵] آفریدهَست جفت آمدند[۲۶] | گشاده ز راه[۲۷] نهفت آمدند[۲۸]
ز چرخ برین[۲۹] اندرآری[۳۰] سَخُن | سراسر هم اینست گیتی به[۳۱] بُن
زمانه به[۳۲] مردم شد آراسته | وُزو ارج[۳۳] گیرد[۳۴] همه[۳۵] خواسته

۱- **لن، پ**: جوینده ۲- **لن، پ**، آ: جوید ۳- **لن، پ**، آ: گوینده ۴- **ل** (ونیز **س**[۲]): دستور؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۵- **لی**: < و> ؛ **ل- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

به شادی بر پهلوان آمدند | خردمند و (**لی**: < و>) روشن روان آمدند

این بیت در **ف** (ونیز در **س**[۲]) نیست؛ **ف، و** در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر گفتن زال زر احوال خود با موبدان اندر خواستن رودابه را از پدر؛ **و**: سخن گفتن زال با موبدان و بزرگان ایران زمین ۶- **ل، ق، و، ل**[۲]: < بر> ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (ونیز **س**[۲]): دل موبد از خواب؛ **ق، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): که او را بهرکار؛ متن= **ف** ۸- **ل**: راد و پاك؛ **س، لن، لی، پ، ل**[۲]: پاك و داد؛ **ق، ب**: داد پاك؛ **و**: پاك راد؛ آ: پاك و راد؛ **ق**[۲]: گرد اوژن پاك زاد؛ متن= **ف** (ونیز **ل**[۳]) ۹- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، و**، آ، **ل**[۲]: امّید باد؛ **ب**: بادا و باك؛ **ل، ق**: دل ما بر امید (**ق**: امید و) ترس است و باك؛ متن= **ف** ۱۰- **ل، س، لی، و، ل**[۲]، **ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): امّید؛ متن= **ف** ۱۱- **ق**[۲]: به بخشایش اندر بترس از گناه (!)؛ آ: ببخایش آید زترس از گناه (!)؛ **لن، ق، پ** این بیت را ندارند ۱۲- **س، لن، ق، ق**[۲]، **پ**، آ، **ل**[۲] این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، لی، و، ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۱۳- **لن، پ**: گیتی ۱۴- **لن، ق**[۲]، **و**، آ، **ب** (ونیز **لن**[۲]): داد داور؛ **ل**[۲]: داد داد او؛ (**ل**[۳]: داد دارد)؛ متن= **ل، س، ق، لی، پ** (ونیز **س**[۲])؛ **ف** این بیت را ندارد ۱۵- **لن، پ**: آورد؛ **ق**: آمد و ۱۶- **لن**: < پراز> (وزن نادرست است)؛ **ق**[۲]، **پ**، آ، **ب**: بنو؛ **ل**[۲]: نواز؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۱۷- **ل**، آ، **ل**[۲]: < و> ؛ **س، لن، ق**[۲]، **پ، ب**: از؛ متن= **ف، ق، لی، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۱۸- **س، لن، پ**: دارد؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۰- **ق**[۲]، آ، **ل**[۲]، **ب**: جهان آفرینش؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ۲۱- **و**: فزایش ۲۲- **لی، ب**: نیاید ۲۳- **و**: کامکـار ۲۴- **و**: جفتست و یار؛ **ق، لی**: نه جفت و نه انبـاز و یار؛ **ل، لن، پ، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س، ق**[۲]، آ، **ل**[۲] ۲۵- **لی**، آ: هرآنچه (وزن نادرست است) ۲۶- **ق**[۲]، **لی**، آ، **ل**[۲]: آفرید؛ **و**: آمدست؛ **لن، پ**: جهان آفرین پاك جفت آفرید؛ **ل، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س، ق** ۲۷- **لن، پ، و**، آ، **ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): راز؛ متن= **ف، س، ق، ق**[۲]، **لی** (ونیز **س**[۲]) ۲۸- **لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]: آفرید؛ **و**: آمدست؛ متن= **ف، س، ق** ۲۹- **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (ونیز **س**[۲]): بلند؛ متن= **ف، ق، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۳۰- **ل، ب**: اندر آمد؛ **س، پ**: اندر آرم؛ **و** (ونیز **ل**[۳]) اندر آراین؛ (**لن**[۲]: اندر ازین؛ **س**[۲]: اندر آید)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- **ل، س، ق، لی، و**، آ، **ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): ز؛ **ل**[۲]: نه (→ به)؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]، **پ** (ونیز **س**[۲]) ۳۲- **و، ب**: ز ۳۳- **لی**: اوج ۳۴- **ب**: دارد ۳۵- **ل، س، لن، ق**، آ: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر

اگر[1] نیستی جفتی[2] اندر جهان   بماندی توانایی اندر نِهان
وُدیگر که بی مایه[3]، دین خدای   ندیدیم، مرد[4] جوان را، بجای[5]
بویژه[6] که باشد ز تخم بزرگ   چو[7] بی جفت باشد[8] نماند[9] سُتُرگ
چه[10] نیکوتر از پهلوان جوان   که گردد ز[11] فرزند روشن روان
چو هنگام رفتن فرازآیدش   به فرزند نوروز بازآیدش
به[12] گیتی بماند به[13] فرزند نام   که این پور زال ست و آن[14] پور سام
بدو گردد آراسته تاج و تخت   ازو[15] رفته[16] نام[17] و بدین مانده[18] بخت
کنون این[19] همه داستان من ست   گل و نرگس و[20] بوستان من ست
دل ازمن رمیدهَست و برده خرد[21]   شما بنگرید این[22] چه درمان برد[23]
نگفتم من این تا نگشتم غمی[24]   بهمغز و[25] خرد درنیامد کمی[26]
همه کاخ مهراب مهر من ست   زَمینش چو گردان سپهر من ست[27]
دلم گشت با دخت سیندخت[28] رام   چه گویید؟ باشد[29] بدین[30] رام سام؟[31]
شود تیز، گویی[32] منوچهر شاه؟   جوانی گمانی برد[33] گر[34] گناه؟
چه مهتر چه کهتر[35] چو شد[36] جفت جوی[37]   سُوی دین[38] و آیین نهادهست روی[39]
بدین در خردمند را جنگ نیست   که هم راه دین ست و هم ننگ نیست[40]

۱- **ب**: که گر ۲- **ل، ق، ق۲، لی، و، آ، ل۲**: جفت؛ متن= **ف، س، لن، پ، ب** ۳- **ل، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): که مایه ز؛ **س**: که بی ماده؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: که بی جفت؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آن را در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف** ٤- **ل**: ندیدم که‌ماندی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۵- **ق۲** (و نیز **ل۳**) بپای ٦- **لن، پ**: و دیگر؛ **لی** این بیت را ندارد ۷- **ق۲، و، آ، ل۲**: که متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **ق**: ماند ۹- **ل، س، ق۲، پ، آ، ل۲** (و نیز **س۲**): بماند؛ **ق** (و نیز **ل۳، لن۲**): نباشد؛ متن= **ف، لن، و، ب** ۱۰- **ب**: که ۱۱- **ل، لن، پ**: به؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۲- **ل**: ز؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۳- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): ز؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ل۲** (و نیز **ل۳**)؛ در **ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱٤- **لن**: این ۱۵- **ف**: ازین؛ **س، لن، پ- ب** (و نیز **س۲**): از آن؛ **ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ل، ق۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱٦- **س، لن، ق۲، پ، ل۲**: رفت؛ متن= **ف، ل، و، آ، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۷- **ب**: تخت ۱۸- **س، لن، ق۲، پ، ل۲**: ماند؛ متن= **ف، ل، و، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ در **ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- **پ**: آن ۲۰- **ل، س، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): < و > ؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، پ** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **ل، ق** (و نیز **ل۳، س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

گزید این دلم دخت مهراب را   ز دیده ببستم ره خواب را
ق۲، ل۳، س۲: ببارم ز دیده ز دل (**ل۳، س۲**: به‌مهر) آب را

۲۱- **لی**: هوش و خرد؛ **پ، آ**: رفته خرد؛ **ل، ق**: که از من رمیدست صبر و خرد؛ **و** این بیت راندارد؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، ل۲، ب** ۲۲- **ل، س، لن، ق، ق۲، پ، آ، ل۲**: بگویید کین را؛ **لی**: کنون بنگرید آن؛ **ب** (و نیز **ل۳**): ببینید کین را؛ (**س۲**: کنون بنگری آن)؛ متن= **ف** ۲۳- **ل**: چه اندر خورد؛ **پ**: که درمان برد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۲٤- **لن**: غمین ۲۵- **ف**: < و > ؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۲٦- **لن**: کمین ۲۷- **و** این بیت را ندارد (**و، لن۲** این بیت را بجای بیت ۵۸۴ گرفته‌اند و پس از نوشتن آن بیت بیت های ۵۸۵- ۵۸۷ را انداخته‌اند) ۲۸- **لی**: مهراب ۲۹- **ل**: چه گوینده باشد؛ **آ**: چه گویند باشد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- **و**: ازین ۳۱- **لی**: سام رام (پساوند ندارد) ۳۲- **لن، ق۲، لی، پ، آ**: شود رام گویی؛ **و**: همان هم چه گوید؛ **ب**: و گر بشنود زی؛ متن= **ف، ل، س، ق، ل۲** ۳۳- **ل۲**: گمان بردهٔ ۳٤- **ف، س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): یا؛ متن= **ل** ۳۵- **لن، پ**: چه کهتر چه مهتر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳٦- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: بود؛ **و، ب**: که شد؛ متن= **ف، ل، س** ۳۷- **پ**: چاره‌جوی (!) ۳۸- **ق۲**: < دین > (وزن نادرست است) ۳۹- **لن، پ**: نهاده دوروی؛ **ب**: نهادند روی ٤۰- **ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند

چه گوید کنون[۱] موبد پیش بین؟   چه رانند[۲] فرزانگان[۳] اندرین؟

ببستند لب موبدان و ردان   سخن بسته شد بر لب[۴] بخردان[۵]
که ضحّاك مهراب را[۶] بُد نیا   دل شاه ازیشان پر از[۷] کیمیا
گشاده، سخن کس نیارَست گفت   که نشنید کس نوش با زهر[۸] جفت
چو نشنید[۹] ازیشان[۱۰] سپهبد سَخُن   بجوشید و[۱۱] رای نو[۱۲] افگند بُن
که دانم ازین چون[۱۳] پژوهش کنید   بدین[۱۴] رای[۱۵] بر من[۱۶] نکوهش کنید
ولیکن[۱۷] هرآن کو گزینند منش[۱۸]   بباید[۱۹] شنیدش[۲۰] بسی سرزنش
مرا گر برین ره[۲۱] نمایش کنید   وُزین بند راه[۲۲] گشایش کنید
بجای شما آن کنم در نِهان[۲۳]   که با کهتران[۲۴] کس نکرد از مِهان

همه موبدان پاسخ آراستند   همه کام و آرام او خواستند
که ما مر ترا یك بیك[۲۵] بندهییم   نه از بس شِگفتی سرافگندهییم[۲۶]
که بودەَست[۲۷] ازین[۲۸] کمتر و بیشتر   به زن[۲۹] پادشا را نکاهد هنر[۳۰]
ابا[۳۱] آنك مهراب ازین[۳۲] پایه[۳۳] نیست   بزرگست و گرد و سبك مایه[۳۴] نیست
همان ست[۳۵] کز گوهر اَژدَهاست   وگر[۳۶] چند بر تازیان پادشاست

۱- **لی**: بدین ۲- **ل، ب**: دانید؛ **س، لی، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**): دانند؛ **لن، ق، پ** (و نیز **ل[۳]**): گویند؛ **ق[۲]** (و نیز **س[۲]**): بینند؛ متن= **ف، آ** ۳- **ق[۲]**: بینندگان ٤- **ل**: دل؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۵- **ف**: موبدان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]** ، **لن[۲]، س[۲]**) ٦- **ل[۲]، ب**: که مهراب ضحاك را (!) ۷- **س**: بران؛ **لن، پ**: وزیشان دل شاه پر؛ **ل[۲]** پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان زال را و پند دادن ۸- **ل**: نیش؛ آ: زهر با نوش؛ **ل[۲]**: نوشه بازهر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- **ف، س، ق، پ، آ، ل[۲]** (ونیز **لن[۲]**): بشنید؛ **ل، لی** (ونیز **س[۲]**): شنید (حرف یکم نقطه‌ندارد)؛ متن= **لن، ق[۲]، و، ب** (ونیز **ل[۳]**) ۱۰-**س**: زیشان ۱۱- آ: <و> ۱۲- **لی**: اندیشه ۱۳- **س**: که زین چون؛ **لن، ق[۲]، پ**: که چون این؛ **ق، و، ل[۲]، ب** (ونیزل[۳]، **لن[۲]**): کزین چون؛ **لی** (ونیز **س[۲]**): کزین پس؛ آ: که‌چون آن؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** ١٤- **س، ق، لی، و**: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **ق[۲]**: کار؛ **و**: راه ١٦- **پ**: من بر؛ آ: با من ۱۷- **س**: و دیگر ۱۸- **ل، لن، ق، ق[۲]، لی**: بود بر منش؛ **پ، و، آ، ب** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**): بود پرمنش؛ متن= **ف، س، ل[۲]** (ونیز **س[۲]**) ۱۹- **و**: نباید ۲۰- **ل- لی، ل[۲]**: شنیدن؛ متن= **ف، پ، و، آ، ب** ۲۱- **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: بدین ره؛ **ل**: مرا اندرین گر؛ متن= **ف، س، ق، و، ب** ۲۲- **ق**: برین ننگ را هم؛ **ق[۲]**: درین بند راه؛ **لی**: بدین بند راه؛ **و**: مراین بند را هم؛ **ل[۲]**: وزین بند را هم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- **ل، لن- ب** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**): جهان؛ متن= **ف، س** (ونیز **لن[۲]**) ٢٤- **لی**: کجا با کهان؛ **پ**: که از مهتران؛ **ل، لن، ق، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

زخوبی واز(**ل**: ز)نیکی و(**ق،ق[۲]**: ونیکی واز؛ **پ**: وازنیکویی ؛ **ل[۲]**: ونیکی وز)راستی
زبد ناورم بر(**لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: در)شما کاستی

این بیت در **ف، س، لی، و** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) نیست ۲۵- **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: سربسر؛ **س، ب**: که ما یك بیك مر ترا؛ **لی**: که ماها ترا سربسر؛ متن= **ف، ل، ق، و** ٢٦- **س، ق، و** (ونیز **لن[۲]**): فرو مانده‌ایم؛ **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: درین بس شگفتی فرو مانده‌ایم؛ **ب**: به‌پیش ازشگفتی سرافکنده‌ایم؛ متن= **ف،ل، لی** (ونیز **ل[۳]**)؛ **ف** پس ازاین بیت افزوده است:

بدین رایت ای پهلوان جهان   نکوهش ندیدند فرخ مهان

این بیت در یازده دستنویس دیگر (ونیز در **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) نیست ۲۷- **ل[۲]**: که تو دست ۲۸- **س**: زین ۲۹- **لن، ق، لی، پ، آ** (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): بدین؛ **ق[۲]، و**: برین؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= متن= **ف، س، ل[۲]، ب** ۳۰- **و**: نباشد گهر ۳۱- **ف**: ویا؛ **لی**: که با؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۳۲- **س**: زین؛ آ: از آن ۳۳- **ق[۲]، پ، آ**: مایه (**ق[۲]، آ** پساوند ندارند)؛ (**س[۲]**: خانه= خایه؟، خانه؟)؛ متن= نه دستنویس دیگر ٣٤- **پ**: پایه؛ **و**: گردست بر مایه (!) ۳۵- **ل**: بد آنست؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ٣٦- **لن، پ**: اگر

اگـر شاه را بد نگـردد گمـان[۱]   نبـاشـد[۲] ازو[۳] ننـگ بر دودمـان[۴]
یکـی نامـه باید سُوی پهـلَوان   چُنـان چون تو دانـی به[۵] روشـن روان
ترا خود خرد[۶] زانِ ما بیشـتـر   روان و گُمـانـت بهانـدیشـتـر[۷]
مگـر کو[۸] یکـی نامـه نزدیك شاه   فرسـتـد[۹] کنـد رای او را نگـاه
منـوچـهـر هم رای[۱۰] سام سُوار   نه بردارد[۱۱] از ره بدین مایه کار

گفتار اندر نامه نبشتن زال بنزدیک پدرش سام[۱۲]

سپـهـبـد نبـیسنـده[۱۳] را پیش خوانـد   دل آگـنـده بودش همـه برفـشـانـد
یکـی نامـه فرمـود نزدیك سام   سراسـر نُوید و درود[۱۴] و پَیام[۱۵]
ز خط[۱۶] نُخُـسـت آفـرین گسـتـرید   بران[۱۷] دادگـر کافـرین[۱۸] آفـرید[۱۹]
ازو دید[۲۰] شادی و زو جُـسـت[۲۱] زور   خداونـد ناهـید و کیوان[۲۲] و هور
خداونـد هسـت و خداونـد نیسـت   همـه بنـدگـانـیم و[۲۳] ایزد یکـیسـت
ازو باد بر سام نیرم درود   خداونـد گوپـال و شمـشـیر[۲۴] و خود
چمـانـنـدهی[۲۵] دیزه هنـگـام گرد   چرانـنـدهی کرگس انـدر نبـرد
فزاینـدهی بادِ آوردگـاه   فشـانـنـدهی[۲۶] تیغ[۲۷] از[۲۸] ابـر سیاه
گراینـدهی تاج و زرّین کمـر   نشـانـنـدهی[۲۹] شاه[۳۰] بر تخـت زر

۱- ق۲: زمان؛ ق: اگر پادشه بد ندارد گمان ۲- ق۲، و: نیاید؛ ب: ندارد ۳- ق۲: جز از؛ لی: ازین ٤- ف: ننگ هر دودمان؛ ق۲: نیك و بد هر زمان؛ ب: ننگ و با دودمان؛ لن، پ، آ، ل۲ این بیت را ندارند؛ متن= ل، س، ق، لی، و (ونیز ل۳، لن۲، س۲)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

مـرادت بـدیـن کـار گـردد تـمـام   بـدیـن آرزو بـاشـدت نـام و کـام

این بیت دریازده دستنویس دیگر (ونیز در ل۳، لن۲، س۲) نیست ۵- س: بودرای؛ لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: توانی به؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ٦- ق۲: هنر ۷- س، آ: بداندیش تر؛ ق، ب: بر اندیش تر؛ ق۲، ل۲: باندیش تر؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، لن، پ، و ۸- و: او ۹- لن، پ: نویسد ۱۰- ب: راه ۱۱- س: نگرداند ۱۲- ف: گفتار اندر نامه نوشتن زال بنزدیك سام نریمان اندر احوال رودابه و مهراب؛ ل: نامهٔ زال بنزدیك سام و آگاه شدن؛ س: نامه فرستادن زال بنزد پدرش سام نریمان؛ لن، و: نامهٔ زال بنزدیك سام (و: سام نریمان)؛ ق: نامهٔ زال نزد سام جهت دختر مهراب؛ ق۲: نامهٔ زال بنزد پدرش سام؛ لی: نامهٔ زال بنزد سام از کار رودابه؛ پ: نامهٔ زال سام و احوال نمودن؛ و: نامه نوشتن زال زر نزد سام نریمان؛ ل۲: نامه نوشتن زال نزد سام جهت رودابه؛ ب: نامهٔ زال نزد سام؛ متن= آغاز ف ۱۳- ل- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): نویسنده؛ متن= ف ١٤- س، و، آ، ب: درود و نوید ۱۵- ل، س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲ (و نیز س۲): خرام؛ ق، لی: سلام؛ متن= ف، و، ب (و نیز ل۳، لن۲) ١٦- س: بخط بر؛ لن، ق۲، لی، پ، آ: بخط از؛ ب: ز خطش؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲ ۱۷- ل، ق، ق۲، لی، پ، ل۲، ب: بدان؛ متن= ف، س، لن، و، آ ۱۸- ل: کوجهان؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲: کو زمین؛ متن= ف، ق، و، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۱۹- س، لن، ق۲، آ، ل۲: گسترید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲): ازویست؛ و، ل۲: ازوجست؛ (س۲: کزویست)؛ ق این بیت راندارد؛ متن= ف، س ۲۱- ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): و زویست؛ متن= ف، و، ل۲ ۲۲- ل، س، ق۲، لی: کیوان و (لی: <و>) ناهید؛ لن، پ: ناهید و بهرام؛ متن= ف، و، آ، ل۲، ب ۲۳- ق، لی: <و> ٢٤- ق۲، لی، و، ل۲، ب: شمشیر و کوپال؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- ق، آ: جهانندهٔ؛ در ق۲ این بیت پس از بیت ۶۱۹ آمده است ٢٦- س: نمایندهٔ ۲۷- ف: میغ (!)؛ ل (و نیز ل۳، س۲): خون؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن۲) ۲۸- ق، لی: ز ۲۹- س: نمایندهٔ ۳۰- ل: زال؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز لن۲، س۲)؛ در ق۲ این بیت پس از بیت ۶۱۷ آمده است

به‌مردی هنر در هنر[1] ساخته   خرد[2] از هنرها[3] برافراخته
من[4] او را بسان یکی بنده‌ام   به مهرش روان و دل آگنده‌ام
ز مادر بزادم[5] بدانسان[6] که دید   ز گردون به‌من بر[7] ستم ها رسید
پدر بود در ناز و خزّ[8] و پرند   مرا برده[9] سیمرغ بر[10] کوه هند
نیازم بدان[11] کو شکار آورد   ابا بچّگان[12] در شمار آورد
همی پوست از باد[13] برمن بسوخت   زمان تا زمان خاك چشمم[14] بدوخت
همی خواندندی مرا[15] پور سام   به[16] اورنگ بر[17] سام و من[18] بر[19] کُنام
چو یزدان چُنین راند اندر بُوش[20]   برین[21] گونه پیش آوریدم روش[22]
کس از داد[23] یزدان نیابد[24] گریغ   اگر خود بپرّد[25] برآید به میغ[26]
سنان ار[27] به دندان بخاید دِلیر   بدرّد از آواز او چرم شیر
گرفتار[28] فرمان یزدان بود   وُگر[29] چند دندانْش سندان[30] بود
یکی کار پیش آمدم دل شکن   که نتوان ستودنْش[31] بر انجمن
پدر گر دِلیرست و نر اژدهاست   اگر بشنود راز[32] کهتَر[33] رواست
من از دخت مهراب گریان شدم   چو بر آتش تیز بریان شدم
ستاره شب تیره[34] یار من ست   من آنم که دریا[35] کنار من ست
به رنجی رسیده‌ستم از خویشتن   که برمن بگرید همی[36] انجمن

۱- **و**: گهر   ۲- **س**: خردش؛ **لن، لی، پ**، آ، **ل**[2]، **ب**: سرش؛ **ق**[2]: هنرش؛ متن= **ف، ل، ق، و**   ۳- **ق**[2]: از هنر سر؛ **و**: زین هنرها؛ **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ، **ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو سام نریمان گه (**س**: که در) کارزار   به مردی (**س**: نبود و) نه هست و نه باشد سوار

این بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره‌افزوده‌اند   ٤- **ل**[2]: مر   ۵- **ل**[2]: نزادم (!)   ٦- **ل، س، ق**[2]: برانسان؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۷- **لی**: به من چه؛ **ب**: به سربر   ۸- **و**: در خز و ناز؛ **ق**[2]: پدر در بر بار وخزّ؛ **ب**: برهنه تن من ز خزّ؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۹- **ب**: برد   ۱۰- **س، لن، پ، ل**[2]: در؛ **ب**: تا؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ف، ق، ق**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]) پس از این بیت افزوده‌اند:

مرا خورد خون بود بر جای شیر   درآن(**ف**: بران) آشیانه بسان اسیر(**ق**: بدم ناگزیر)
امیدم به سیمرغ مانده مدام (**ق**[2]: بدام)   به دل (**ق، ق**[2]: دلی) مستمند و به رخ (**ق، ق**[2]: ورخی) زردفام

این بیت ها در هشت دستنویس دیگر (و نیز در **لن**[2]، **س**[2]) نیست   ۱۱- **ب**: بدو   ۱۲- **ل، س، لن، ق**[2]، **پ**، آ، **ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]، **س**[2]): بچه‌ام؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، لی، و** (و نیز **لن**[2])؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده‌است   ۱۳- **لی**: از نار (!)؛ آ: برباد   ١٤- **س**: چشم خاکم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده‌است   ۱۵- **ل**[2]: همی خواندی مرمرا   ۱۶- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ: بر؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[2]، **ب**   ۱۷- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ، **ب**: بُد؛ **ل**[2]: < بر > (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، ل، ق**   ۱۸- **پ**: < من > (وزن نادرست است)   ۱۹- **ل، ب**: در؛ **و**: مرا نام بر سام و جایم   ۲۰- **ف، ق**: روش؛ **س**: چنین داشتم در بوش؛ **و**: چنین راندم اندر بوش؛ **ل**[2]: چنین بود اندر بوش؛ (**ل**[3]: چنین خواست اندر بوش)؛ متن= **ل، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ، **ب** (و نیز **لن**[2]، **س**[2])   ۲۱- **لی**، آ: بدین؛ **ل**[2]: بران؛ **ب**: بدین   ۲۲- **ف، ل**[2]، **ب**: دهش؛ آ: آوریدم روش؛ **ل، ق**: بران بود (**ق**: برانست) چرخ روان را روش (**ق** پساوند ندارد)؛ **لن، ق**[2]، **پ**: برسم بوش اندر آید (**پ**: آمد) روش؛ متن= **س، لی، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2])   ۲۳- **لن، پ**: از حکم؛ **ق**[2]: < از > داد (وزن نادرست است)   ٢٤- **لن، پ، ل**[2]: نشاید   ۲۵- **ل، س، ق، ق**[2]، **لی، ل**[2]، **پ** (و نیز **ل**[3]): اگر (**ل**: وگر) چه بپرد؛ **لن، پ**: اگر داستان را؛ متن= **ف** (و نیز **س**[2])   ٢٦- **و** (و نیز **لن**[2]): نه سوزنده آتش نه بارنده میغ؛ آ: اگر چه برآید بپّرد به میغ   ۲۷- **ل، لن، ق**[2]، **پ- ب**: گر؛ **لی**: را؛ متن= **ف، س، ق**   ۲۸- **ق**[2]: نماند چو   ۲۹- **لن، پ، ل**[2]: اگر   ۳۰- **س، لی**: سندانش دندان   ۳۱- **س**: گشادنش؛ **ق**[2]: نمودنش؛ **ق**: که پیران ستودند؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۳۲- **لن، ق، لی، پ**، آ: گفت؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۳۳- **ل، س، و**: بنده؛ **ق**: چاکر؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ٣٤- **لن**: شب تار؛ **ق**[2]، **پ**، آ، **ل**[2]: شب وروز؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۳۵- **ق**: گشاده چو دریا؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند   ٣٦- **ق**[2]: بزار

اگرچه دلم دید چندین ستم	نخواهم[۱] زدن جز به فرمانْت[۲] دم
چه فرماید اکنون جهان پهلوان	گشایم[۳] ازین رنج و[۴] سختی روان[۵]
سپهبد شنید آنك[۶] موبد چه گفت[۷]	که گوهر گشاده کنید[۸] از نهفت
ز پیمان نگردد سپهبد پدر	بدین کار دستور باشد مگر[۹]
که من دخت مهراب را جفت خویش	کنم راستی را به آیین و کیش[۱۰]
به[۱۱] پیمان چُنین رفت[۱۲] پیش گروه	چو بازآوریدم ز[۱۳] البرزکوه
که هیچ آرزو بر دلت نگسلم[۱۴]	کنون اندرین ست بسته دلم[۱۵]

سُواری بکردار آذرگشسپ	ز کاول[۱۶] سُوی[۱۷] سام[۱۸] شد بر سه[۱۹] اسپ
بفرمود[۲۰] گفت: ار بماند یکی	نباید ترا دم زدن[۲۱] اندکی
به دیگر پلنگ اندرآی و بَرو[۲۲]	بدینسان همی تاز تا[۲۳] پیش گَوْ
فرستاده از[۲۴] پیش او[۲۵] باد[۲۶] گشت	به زیر[۲۷] اندرش چرمه پولاد[۲۸] گشت
چو نزدیکی گرگساران رسید	یکایك ز دورش سپهبد بدید
همی گشت گرد یکی کوهسار	چمانده[۲۹] یوز[۳۰] و رمنده[۳۱] شکار
چُنین گفت با غمگساران خویش	بدان کاردیده سُواران خویش
که آمد سُواری دمان[۳۲] کاولی[۳۳]	همان[۳۴] چرمه‌یی زیر او[۳۵] زاولی[۳۶]

۱- ل: نیارم؛ **س، لن، ق۲، لی، ل۲**: نخواهد؛ متن= **ف، ق، پ، و، آ، ب** **۲- ل، س، لی، و**: بفرمانش؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۳- س**: گشاید؛ **لن، پ**: رهانم؛ **ب**: گشادیم؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٤- لی**: <و>؛ **لن، پ**: دردو **۵- ق، ق۲، لی، آ**: میان؛ **ب**: زیان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٦- ل، ق۲**: آنچ؛ **ق، لی**: آنکه؛ **آ، ل۲، ب**: آنچه؛ **لن، پ، و** (← ۶۴۲پ) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س** (ونیز **س۲**) **۷- ل، ق، ب**: بگفت؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، آ، ل۲** **۸- ل، س**: کنند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **لی، آ، ل۲، ب**: کنند؛ متن= **ف، ق، ق۲** (ونیز **س۲**) **۹- لن، پ**: بدین کار دشوار با من مگر؛ **و** این بیت را ندارد (← ۶۴۲پ) **۱۰- ف**: به‌آیین پیش؛ **آ**: به‌آیین خویش؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت و **و** پس از بیت ۶۳۷ افزوده‌اند:

پدر یاد دارد که چون مرمرا بدو (آ: بوی) بازداد ایزد داورا

این بیت در **ف، ل، س، ق** (ونیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۱۱- آ**: ز **۱۲- لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ل۲، ب**: گفت؛ متن= **ف، ل، س، ق** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۳- لن، لی**: از؛ **آ**: به **١٤- ق**: نشکنم **۱۵- ق**: تنم؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

نبیسنده چون نامه پیشش بخواند سپهبد بران نامه گوهر فشاند

و پس از بیت ۶۴۲ افزوده است:

دل من نگردد ز گفت پدر بدین کار دستور باشد مگر (← ۶۳۹)
چو موبد شنید و سپهبد بگفت که گوهر گشاده کند از نهفت (← ۶۳۸)

١٦- ف- ب (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۱۷- لن، پ، ب**: بر **۱۸- لی، و**: شام **۱۹- و**: دو **۲۰- ل، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب**: بفرمود و؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، ق۲، و** **۲۱- و**: کشید **۲۲- ل** (ونیز **ل۳**): بدیگر تو پای اندر آور برو؛ **س**: بدیگر تو زود اندر آی و برو؛ **لن، پ**: بدیگر سبك برنشین و برو؛ **ق۲، لی، آ، ب**: بدیگر سبك اندرآی و برو؛ **و**: بدیگر دوپا اندر ار و برو؛ (**س۲**: بزین پلنگ اندرآی و برو)؛ **ق، ل۲** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند **۲۳- ل، ق۲، ب**: برین سان همی تازتا؛ **س**: همی تاز ازین گونه تا؛ **پ**: بدینسان همی تازنان؛ **و**: شتابان همی تازتا؛ متن= **ف، لن، ق۲، آ** **۲٤- س، لن، ق۲، لی، آ، ل۲** (ونیز **س۲**): در؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، پ، و، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**) **۲۵- و**: وی **٢٦- ف، ل** (ونیز **ل۳، لن۲**): باز (**ل، ل۳، لن۲** پساوند ندارند)؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **س۲**) **۲۷- ل۲**: به زین **۲۸- ف**: چون باز؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۲۹- آ، ب**: جهاننده؛ **ل۲**: چمانیده **۳۰- س، لی**: بود؛ **لن، و**: بور؛ **ل۲**: بور (نقطه ندارد) متن= هفت دستنویس دیگر **۳۱- س**: از امید؛ **لی**: آزمند؛ **آ**: و رماننده (وزن نادرست است)؛ **ل۲**: و رمانده؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۳۲- لن، پ**: که آمد فرستادهٔ **۳۳- ف، ل، لن- ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلی؛ **س**: زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است **۳٤- ل، س، ق، و، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): چمان؛ متن= **ف، ق۲، لی، آ، ل۲** **۳۵- س**: زیر او چرمهٔ؛ **ق۲**: چرمهٔ زین او؛ **لی**: چرمه زیر او؛ **و**: چرمهٔ زیر وی؛ **آ**: چرمه را پیش او؛ **ل۲**: چرمه‌ای پیش او؛ **لن، پ**: بزیر اندرش چرمهٔ؛ متن= **ف، ل، ق، ب** **۳٦- ف، ل، لن- پ، آ، ل۲، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلی؛ **س، و**: کابلی (**و** پساوند ندارد)؛ متن تصحیح قیاسی است

فرستاده‌ی زال باشد درست   ازو آگهی جست باید نُخُست
ز دستان و ایران و از[۱] شهریار   همه[۲] کرد باید سَخُن[۳] خواستار
هم[۴] اندر زمان پیش او شد سُوار[۵]   به دست اندرون نامه‌ی نامدار[۶]
فرود آمد و خاك را بوسه داد[۷]   بسی[۸] از جهان آفرین کرد یاد[۹]
بپرسید[۱۰] و بستد ازو نامه سام   فرستاده گفت آنچ[۱۱] بود از پَیام[۱۲]
سپهدار بگشاد از آن[۱۳] نامه بند   فرود آمد از تیغِ[۱۴] کوهِ بلند
سَخُن های دستان یکایك[۱۵] بخواند   بپژمرد بر جای و[۱۶] خیره[۱۷] بماند
پسندش نیامد چُنان آرزوی[۱۸]   دگرگونه بایستش[۱۹] او را به خوی[۲۰]
چُنین داد پاسخ که آمد پدید   سَخُن هرچه[۲۱] از گوهر بد[۲۲] سَزید[۲۳]
چو مرغ ژیان باشد آموزگار   چُنین کام دل[۲۴] جوید از روزگار
ز نخچیر کامد سُوی خانه باز[۲۵]   به دلش اندر اندیشه آمد دراز[۲۶]
همی گفت: اگر گویم این نیست رای   مکن داوری، سوی دانش گرای[۲۷]
دلِ[۲۸] شهریاران[۲۹] سر[۳۰] انجمن   شود[۳۱] خام گفتار و پیمان شکن[۳۲]
وُگر گویم آری و کامت رواست   بپرداز دل را بدانچت[۳۳] هواست
ازین[۳۴] مرغ پرورده، وان[۳۵] دیوزاد   چگونه برآید، چه گویی[۳۶]، نژاد؟
سرش گشت از[۳۷] اندیشه‌ی[۳۸] دل گران   بخفت و برآسوده[۳۹] گشت اندران[۴۰]

۱- **ل، ق[۲]، ل[۲]**: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: همی؛ متن= **ف، ل، ق، ل[۲]** (ونیز **س[۲]**) ۳- **ق**: همی(!)؛ **و**: سخن کرد باید همه ٤- **لی**: چو ۵- **و**: دوان ٦- **و**: پهلوان؛ **آ**: شهریار؛ **و** پس از این بیت سرنویس دارد: پژوهش کردن سام نریمان اختر زال زر را ۷- **ل، س** (ونیز **س[۲]**): بوس داد؛ **ق**: داد بوس؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۸- **ف**: همی ۹- **ق**: همی بود اندر سخن چاپلوس؛ **و** (ونیز **لن[۲]**): فراوان برو آفرین کرد یاد؛ (**ل[۳]**: که بس آفرین بر جهان دار کرد)؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **س[۲]**) ۱۰- **لی**: ببوسید ۱۱- **و، ل[۲]**: آنچه ۱۲- **ل[۲]**: بودش پیام؛ **ب**: فرستاده گفتش یکایك پیام؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- **ل، ق، ب**: < آن >؛ **لن، پ**: زآن؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٤- **و**: پیش؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- **ل، ق، و**: سراسر؛ متن= نه دستنویس دیگر ١٦- **ق**: برجا و؛ **س، لی، و، ل[۲]، ب**: بپژمرد و بر جای؛ متن= **ف، ل، لن، ق[۲]، پ، آ** ۱۷- **ق[۲]، ل[۲]**: خامش؛ **آ**: حیران ۱۸- **س**: آرزو ۱۹- **و**: میخواست؛ **ب**: بایست ۲۰- **س**: خو ۲۱- **ل**: هرچ ۲۲- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: او؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** ۲۳- **ب**: رسید ٢٤- **لی**: چنین آرزو ۲۵- **ب**: زنخچیرگه بازگشت او بساز ٢٦- **پ، ل[۲]**: فراز؛ **لن**: اندیشه‌های دراز ۲۷- **ب**: دژم گردد و دل بپیچد زجای؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است ۲۸- **ل، ق**: سوی؛ **لی، و**: بر؛ متن= **ف، س، ق[۲]، ب** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**) ۲۹- **س، ق**: شهریار و؛ **ق[۲]، ب**: شهریار آن؛ **و**: نامداران؛ متن= **ف، ل، ق[۲]، لی، ب** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**) ۳۰- **ق**: سوی؛ **و**: این؛ متن= **ف، ل، س، ق[۲]، لی، ب** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**)؛ **لن، پ، آ، ل[۲]**: بر دادگر نیز و بر (**آ**: وز) ۳۱- **و، ق، لی** (ونیز **س[۲]**): شوم؛ متن= **ف، ل، س، ب** (ونیز **ل[۳]**) ۳۲- **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: نباشد پسندیده پیمان شکن؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

که پیمان شکستی بگشتی ز راه   نجستی تو آزرم فرزند شاه

۳۳- **ب**: برانکت ٣٤- **لی، آ**: ازآن ۳۵- **لن، لی، پ، آ** (و نیز **س[۲]**): مرغ پرورد و آن (**لی**: و این)؛ **ق، و، ل[۲]**: مرغ پروردۀ؛ متن= **ف، ل، س، ق[۲]، ب** ۳٦- **لن، پ**: همانا؛ **آ**: نگویی؛ **ل، ق، و**: چگویی (**ق**: چگویم؛ **و**: ندانم) چگونه برآید؛ **ق[۲]**: چه زاید فزونی ندانم؛ **لی**: چگونه بزاید چه باشد؛ **ل[۲]**: چگونه نزاید چگویی؛ **ب**: چگونه بزاید بنیکی؛ (**ل[۳]= ل**؛ **لن[۲]**: ندانم چگونه برآید؛ **س[۲]**: چگوید (← چگونه) برآید چه گویی= **ف**)؛ متن= **ف، س** ۳۷- **س، لن**: ز؛ **ب**: پر (در بالا افزوده است: ز) ۳۸- **ب**: اندیشه و ۳۹- **ل**: نه آسوده؛ **س**: بیاسود و (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق، پ، آ**: برآسود و؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٤۰- **ق[۲]**: از روان

سَخُن هرچه[1] بر بنده دشخوارتر[2] — دلش[3] خسته‌تر زان و تن[4] زارتر
گشاده‌تر آن باشد اندر نهان[5] — که[6] فرمان دهد کردگار جهان[7]

چو برخاست از خواب، با موبدان[8] — یکی انجمن کرد[9] با بخردان[10]
گشاد این[11] سخن بر ستاره شُمَر — که فرجام این بر چه یابد گذر[12]
دو گوهر چو آب و چو آتش بهم[13] — برآمیختن باشد از بُن[14] ستم
همانا که باشد به روز شمار — فریدون و ضحّاک را کارزار
از[15] اختر بجویید[16] و پاسخ[17] دهید — سر خامه بر بخش[18] فرّخ نهید
ستاره‌شناسان به روز دراز[19] — همی زآسمان[20] باز جستند راز[21]
بدیدند و با خنده پیش آمدند — که دو دشمن از بخش[22]، خویش آمدند
به سام نریمان ستاره شُمَر — چُنین گفت کای گرد زرّین کمر
ترا مژده از دخت مهراب و زال — که گردند[23] هر دو دو فرّخ[24] هَمال
ازین دو هنرمند، پیلی ژیان — بیاید ببندد به مردی میان
جهانی بپای اندرآرد به تیغ[25] — نهد تخت شاه از بر پشت[26] میغ
ببرّد پی بدسگالان ز خاک — به روی زمین بر نماند[27] مَغاک
نه سگسار ماند نه مازندران[28] — زَمین را بشوید[29] به گرز گران
به خواب اندرآرد[30] سر دردمند[31] — ببندد[32] در جنگ و[33] راه گزند
بدو[34] باشد ایرانیان را امید — ازو[35] پهلوان را[36] خرام و نُوید[37]
پی[38] باره‌یی کو[39] چماند[40] به جنگ — بمالد[41] برو[42] روی جنگی پلنگ[43]

۱- **ل**: هرچ ۲- **ل- ق**[۲]، **پ- ب** (و نیز **س**[۲]): دشوارتر؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** (و نیز **لن**[۲]) ۳- **پ**: تنش ۴- **پ**: ودل؛ **ل**[۲]: بتن ۵- **ق**[۲]: گشاده زبان باشد اندر نهان؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): گشاده شود هرچه باشد نهان؛ **لی** این بیت را ندارد ٦- **ل، لن، ق، ق**[۲]، **پ- ب** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): چو؛ متن= **ف، س** ۷- **ق**[۲]: زبان ۸- **و** (و نیز **لن**[۲]): چو از خواب برخاست از موبدان ۹- **ل، ق، آ** (و نیز **س**[۲]): ساخت؛ متن= **ف، س، لن، لی، پ، و، ل**[۲]، **ب** (و نیز **لن**[۲]) ۱۰- **لن، پ** (و نیز **لن**[۲]): از بخردان؛ **و**: واز بخردان؛ **ق**[۲]: سخن گفت بر بیش و کم اندران؛ **لی** پس از این بیت سرنویس دارد: باز گفتن ستاره شناسان از طالع رستم ۱۱- **ل، ق، ق**[۲]، **لی، و، ل**[۲]: آن؛ آ: گشادن؛ متن= **ف، س، لن، پ، ب** ۱۲- **ل، ق** (و نیز **ل**[۳]): باشد گذر؛ **لن، ق**[۲]، **پ، آ، ل**[۲]، **ب**: آید بسر؛ **لی** (و نیز **س**[۲]): باشد نگر؛ **و**: برکه دارد گذر؛ **س**: که فرجام خود برچه آید بسر؛ متن= **ف** ۱۳- **ق، و**: کجا گوهر آب و آتش بهم ۱٤- **پ**: تن (!)؛ **و**: من (!) ۱۵- **و**: ز ۱٦- **ل**: بخوانید؛ **ق**[۲]: بجویند؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۷- **لن، پ**: فرمان ۱۸- **لی**: نقش؛ **ل**: همه کار و کردار؛ **ق**: سرانجام این کار؛ **و**: بفرجام بر بخش؛ **ب**: سرنامه بربخش؛ متن= هفت دشتنویس دیگر ۱۹- **ق**: شمار (!) ۲۰- **ب**: باسمان ۲۱- **ق**: همی باز جستند از چرخ کار ۲۲- **ل، لی**: بخت؛ **لن، پ**: چو شادان دل از بخت؛ **ق**: سرانجام دشمن به؛ **ق**[۲]، **ل**[۲]، **ب**: همه شاد از بخت؛ آ: همی شاد از بخت؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **لن**[۲]) ۲۳- **ل، لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ**: که باشند؛ **و**: چو کردند؛ متن= **ف، س، ق، ل**[۲]، **ب** ۲٤- **ل، س، ق**: هردو بشادی؛ **و**: آن هردو فرّخ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- **ل، ق، و**: جهان زیر پا اندر آرد به تیغ؛ **ب**: جهانی بمردی بگیرد بتیغ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲٦- **لن، پ**: تند؛ **ق**: رخت؛ **ق**[۲]، **ل**[۲]: تخت؛ آ: از بن تخت؛ **لی**: شاهان ابر پشت؛ متن= **ف، ل، س، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۲۷- **ب**: نجوید ۲۸- **ق**[۲]: همه گرگساران و مازندران ۲۹- آ: بشورد؛ **ب**: بکوبد ۳۰- آ: آمد؛ **ب**: آید ۳۱- **و**: ارجمند ۳۲- آ: نه بندد ۳۳- **ق**[۲]: در چاره؛ **و**: در رنج و ۳٤- آ: برو ۳۵- **لن، ق، پ، و**: وزو ۳٦- **ل**: با؛ **لن، پ**: پهلوانان؛ **ل**[۲]: < را> (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، س، ق، ق**[۲]، آ، **ب** ۳۷- **لی**: نهد تخت شاه از بر تخت شید؛ **و**: وزو گوش شاهان شود پر نوید ۳۸- **ق، و**: یکی ۳۹- **و، آ، ب**: چرمهٔ کو؛ **ل**[۲]: بارهٔ او ٤۰- **ب**: جهاند ٤۱- **س**: نیارد؛ **لن، پ، ل**[۲]: بماند؛ **ق**[۲]: نماند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٤۲- **س، ق، لی**: بدو؛ **ب**: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤۳- **ق**[۲]: نهنگ

خُنُک پادشاهی[۱] که هنگام اوی[۲]   زمانه به شاهی[۳] برد نام اوی[۲]
چو بشنید گفتار اخترشناس   بخندید و پذرفت ازیشان[۴] سپاس[۵]
ببخشیدشان بی کران زرّ و سیم[۶]   چو آرامش آمد به هنگام بیم[۷]

فرستاده‌ی زال را[۸] پیش خواند   ز هرگونه با او[۹] سَخُن ها براند
بگفتش که[۱۰] با او[۱۱] به‌چربی[۱۲] بگوی   که این آرزو را نبُد هیچ[۱۳] روی
ولیکن چو پیمان چُنین[۱۴] بُد نُخُست   بهانه نشاید به بیداد جست
من اینک به شبگیر ازین رزمگاه   سُوی شهر ایران[۱۵] گذارم[۱۶] سپاه
فرستاده را داد چندی درم   بدو گفت: خیره مزن هیچ دم[۱۷]
ببستند از آن گرگساران هزار   پیاده به خواری[۱۸] کشیدند زار[۱۹]
دو بهره چو از تیره شب درگذشت[۲۰]   خروش سُواران[۲۱] برآمد ز دشت[۲۲]
همان ناله‌ی کوس با کرّه‌نای   برآمد ز دهلیز پرده‌سرای[۲۳]
سپهبد سُوی شهر[۲۴] ایران کشید   سپه را بنزد دلیران[۲۵] کشید
فرستاده آمد دمان سوی[۲۶] زال   ابا بخت[۲۷] پیروز و[۲۸] فرخنده فال

۱- **ف**: پادشایی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲- **ل، س، ق- پ، آ، ل۲، ب**: او؛ متن= **ف، لن، و** ۳- **پ**: بشادی ٤- **لن، لی، پ**: زیشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **س**: هراس (!) ٦- **ل**: سیم و زر؛ **لی**: زرسیم؛ متن= ده دستنویس دیگر ۷- **ل**: شر؛ **لن، پ**: چو سور آمد او را به هنگام بیم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- **س**: فرستاده را زود در ۹- **ق**: وی؛ **ل۲** پس از این بیت سرنویس دارد: باز فرستادن رسول را بخوبی و عزیمت سام ۱۰- **ل**: بدو گفت با؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۱- **ق، لی**: وی ۱۲- **ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: بخوبی؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۳- **ق۲**: نماند ایچ ١٤- **س، ق۲، آ، ل۲**: برین؛ **لن، لی، پ، ب**: بدین؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۱۵- **ق**: شهریارم ١٦- **ل**: گزارم؛ **لن، پ**: برانم؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تا چه فرمایدم (**لن، پ**: فرمان دهد) شهریار   چه‌آردش(**لن،پ**: آیدش؛ **ق۲،لی**: آرد)ازین‌کام‌تو(**لی،ب**: او)کامکار

این بیت در **ف، ل، س، ق** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۷- **ف**: چنین گفت کورا مگردان دژم؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

گسی کردش و خود براه (**آ**: بره) ایستاد   سپاه و سپهبد از آن کار شاد

این بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۸- **ل، لن، ق۲، لی- ل۲**: بزاری؛ متن= **ف، س، ق، ب** ۱۹- **ل، س، لن، ق۲- ل۲**: خوار؛ متن= **ف، ق، ب** ۲۰- **ق**: برگذشت؛ **و**: دو بهره ز تیره شب اندر گذشت ۲۱- **ب**: تبیره ۲۲- **ق۲**: بیامد ز دشت؛ **ل**: خروشان و جوشان ببد کوه و دشت؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ٢٤- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: سپهبد بنزدیك؛ **ق**: سپهبد سپه سوی؛ **و**: سپه را سوی مرز؛ **ب**: سپهدار نزدیك دستان؛ متن= **ف، ل، س** (و نیز **س۲**) ۲۵- **لن، ق۲، پ، آ، ل۲**: دهستان؛ **ق**: سپه را بنیرنگ و دستان؛ **لی** (و نیز **س۲**): سپه را بنزدیك دستان؛ **و**: بنزدیك شاه دلیران؛ **ب**: سپهدار نزدیك دستان؛ متن= **ف، ل، س** (و نیز **لن۲**) ٢٦- **ل، س، ق**: دوان سوی؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: بنزدیك؛ **و**: دوان نزد؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ۲۷- **پ، ب**: تخت (!) ۲۸- **ق۲**: <و>؛ **س**: پیروزه؛ **لن، پ، و، ل۲**: فیروزه و؛ **ب**: فیروزه؛ متن= **ف، ل، ق، لی،آ**؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آمد بدو داد پیغام سام (**ق۲**: زود)   همه حال ها گفت با او (**لی، آ**: وی) تمام (**ق۲**: زود وی را نمود)

ب پس از بیت ۶۹۷ افزوده است:

بگفت آن کجا سام یل گفته بود   از اوّل که بر زال آشفته بود
چو پیغام ها زال را باز گفت   بشادی رخ زال زو برشکفت

گرفت آفرین زال بر کردگار   براَن[1] بخشش و شادمان روزگار[2]
درم داد و دینار درویش را   نوازنده شد[3] مردم خویش را

میان سپهدار با سروبُن[4]   زنی بود گویا و[5] شیرین سَخُن
پیام آوریدی سُوی پهلَوان   هم از پهلَوان سوی سرو روان[6]
سپهدار دستان مرو را بخواند   سَخُن هر چه[7] بشنید با او[8] براند
بدو گفت: نزدیك رودابه شوْ[9]   بگویش که ای نیکدل ماه نو
سَخُن چون ز تنگی به سختی[10] رسید   فراخیش را زود بینی کَلید
فرستاده بازآمد از پیش سام   ابا شادمانی و فرّخ پَیام[11]
بسی گفت و جوشید و زد[12] داستان   سرانجام هم گشت همداستان[13]
سبك پاسخ نامه زن[14] را سپرد   زن از پیش او بازگشت و ببرد[15]
بنزدیك رودابه آمد چو باد   بدین[16] شادمانی وُرا مژده داد
پری روی بر زن درم برفشاند   به کرسیّ زرپیکرش برنشاند[17]

۱- ب: بدان **۲-ل، س**: بران بخشش و (**ل**: < و>) گردش روزگار؛ **و** (و نیز **لن۲**): از آن شادمان بخشش روزگار؛ متن= **ف، ق** (و نیز **س۲**)؛ این بیت در **لن، پ** چنین آمده است:

چو بشنید دستان سام سوار   از آن گشت بر (**پ**: پر) شادمان روزگار

این بیت در **ق۲، لی، آ، ل۲** چنین آمده است:

چو بشنید آن (**لی**: ازو؛ آ: از) زال سام سوار   برو (آ: ازو) گشت بس شادمان روزگار
ل۲: چنان بخشش شادمان روزگار

۳- پ: نوازنده و؛ **ف** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت سه بیت و **ق۲**تنها بیت یکم را افزوده‌اند که در هیچیك از ده دستنویس دیگر (و نیز در **لن۲، س۲**)نیست:

بسی آفرین بر سپهدار سام   بخواند از پی (**ل۳**: بکرده ازان) خوب دادن پیام
ق۲: بسی داد با آن درود و پیام
نه شب خواب کرد و نه روز آرمید   نه می خورد و نه نیز رامش گزید
دلش گشته بود (**ل۳**: دل زال گشت) آرزومند جفت   همه هر چه گفتش (**ل۳**: گفتی) ز رودابه گفت

بجز **ل** دیگر دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: پیغام فرستادن زال به رودابه بدست آن زن که میان ایشان بود بدان که سام اجازت داده است؛ **س، لن، ق۲، لی**: آگاهی (**ق۲، لی**: خبر) یافتن سیندخت از کار رودابه با (**ق۲، لی**: و) زال سام؛ **ق**: خبر فرستادن زال زر برودابه از رضای سام و آگاه شدن سیندخت از حال رودابه و زال؛ **پ**: باز آمدن فرستادهٔ زال از پیش سام؛ **و**: آگاه شدن سیندخت از حال رودابه و دستان سام؛ آ: خبر یافتن سیم دخ از کار رودابه؛ **ل۲، ب**: آگاهی سیندخت از کار رودابه **٤- لن، و، ب**: و آن سرو بن؛ **پ**: و آن انجمن (!)؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۵- ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): گوینده؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲، س۲**) **٦- لن، پ**: روشن روان؛ **و**: سرو جوان؛ **ق۲**: پهلوانان سوی سرو بن (پساوند ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۷- ل**: هرچ **۸- لی**: وی **۹- ل، ق** (و نیز **لن۲، س۲**): رو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) **۱۰- س**: بتنگی و سختی؛ **لن، ق۲، آ، ل۲** (و نیز **ل۳**): ز سختی بتنگی؛ **و** (و نیز **لن۲**): بسختی و تنگی؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ، ب** (و نیز **س۲**) **۱۱- و**: زبانی پر از خوب فرخ پیام **۱۲- ل، ق**: بشنید و زد؛ **ب**: چندی زدش؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۳- ق۲، لی، ب**: هم (**لی**: این؛ **ب**: را) گشت همداستان؛ **و** (و نیز **لن۲**): گشتست همداستان؛ **ف**: بسی داد با این درود و پیام (= ۷۱۳ب)؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) **١٤- ب**: او **۱۵- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: رفت و نامه (**لن**: پاسخ) ببرد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **١٦- لن، پ**: ازان؛ **ب**: بدان **۱۷- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدادش بدان (**ل۲**: بران) دایهٔ چاره‌گر   یکی دست جامه بدان مژده بر
لن، پ: پس آنگه بداد او بدان چاره بر (**پ**: گر)

این بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در میان سطرها افزوده‌اند

یکی شاره[۱] سربند پیش آورید — شده[۲] تار و پود اندرو ناپدید[۳]
همه پیکرش سرخ[۴] یاقوت و[۵] زر — شده زر همه[۶] ناپدید از گهر
یکی جفت پُرمایه انگشتری — فروزنده چون بر فلك مشتری
فرستاد نزدیك دستان سام — بسی[۷] داد[۸] با آن[۹] درود و پیام[۱۰]
زن از حجره بمْیان[۱۱] ایوان رسید — نگه کرد سیندخت[۱۲] او را بدید
زن از بیم او گشت[۱۳] چون سَندَروس — بترسید و[۱۴] روی زَمین داد بوس
پر اندیشه شد[۱۵] جان سیندخت ازوی[۱۶] — به آواز گفت: از کجایی بگوی[۱۷]
زمان تا زمان پیش من بگذری — به حجره[۱۸] درآیی به من ننگری
دل روشنم بر تو شد[۱۹] بدگُمان — نگویی[۲۰] مرا تا[۲۱] زهی گر[۲۲] کمان[۲۳]
بدو گفت زن: من یکی[۲۴] چاره جوی — همی نان[۲۵] فرازآرم از چند روی
بدین[۲۶] حجره رودابه پیرایه خواست — همان[۲۷] گوهران گرانمایه خواست[۲۸]
بیاوردمش افسری زرنگار[۲۹] — یکی حلقه[۳۰] پر گوهر شاهوار
بدو[۳۱] گفت سیندخت: بنماییم[۳۲] — دل[۳۳] بسته[۳۴] زاندیشه[۳۵] بگشاییم[۳۶]
سپردم به رودابه ـ گفت[۳۷] ـ این[۳۸] دو چیز — فزون خواست، اکنون[۳۹] بیارمْش نیز[۴۰]

۱- **س،لن**: ساره؛ **ق**[۲]: شاه؛ **لی،پ**: ساده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- **پ**: همه ۳- **و**: شده تار و پودش بزر ناپدید ۴- **ف،ل،آ، ل**[۲](ونیز **س**[۲]): سرخ و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]) ۵- **ل**: <و> ۶- **ف**: شده پیکرش؛ **س،لن،پ**: همه زر شده؛ (**س**[۲]: شده زرد رو← شده زر همه)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]) ۷- **ب**: همی؛ (**س**[۲]: همش) ۸- **ل**[۲]: بود ۹- **ل،ب**(ونیز **س**[۲]): این؛ **لن،پ،آ، ل**[۲]: او؛ متن= **س،ق،ق**[۲]**،لی،و**(ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۱۰- **ف**: اباشادمانی وفرخ پیام (=۷۰۵ب) ۱۱- **ل،ق**: آنگه؛ **لن،ب،آ، ل**[۲]: رفت و به؛ **ق**[۲]: چون پیش؛ **و**: چون نزد؛ **ب**: چون سوی؛ **لی**: از آن حجره رفت و به؛ متن= **ف،س** ۱۲- **س،لن،و،ب**: سیندخت و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- **ل،ق،لی،ل**[۲](ونیز **س**[۲]): بیم برگشت؛ **لن،ق**[۲]**،آ**: پیش برگشت؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف،س،و،ب**(ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]) ۱۴- **ق**: <و>؛ در **لن،لی،آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در **لن** پس از این بیت و در **ق**[۲] بجای بیت سپسین بیت زیر آمده است:

بدو گفت سیندخت کای زن بگوی — سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی

۱۵- آ: بد ۱۶- **ق**: ازو؛ **پ**: سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی ۱۷- **ق**: بگو؛ در **ق**[۲] بجای این بیت بیت ۷۱۵پ آمده است؛ در **لن، لی، پ، آ** لت های این بیت با یکدیگر پس و پیش شده‌اند؛ در **لن، لی، آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- **ق**[۲]: خانه ۱۹- **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: شد به تو؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل**[۲] ۲۰- **ل، لن**: بگویی ۲۱- **ب**: تو ۲۲- **ف، لن، ق، ق**[۲]**، لی، و، ب**: یا؛ **ل**[۲]: تا؛ متن= **ل** ۲۳- **س**: نگویی مرا نام خود بانشان؛ **پ**: نگویی بمن تا رهی از کمان؛ آ: نگویی مرا زهی با کمان (!)؛ در آ لت های این بیت با یکدیگر پس و پیش شده‌اند ۲۴- **ق، لی**: هستم یکی؛ **و**: هستم زنی ۲۵- **ق**[۲]**، ل**[۲]: همی تان (← همی نان)؛ **ف، لی** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز من جامه خرّند و هم گوهران — روم من سوی خانهٔ مهتران

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) نیست، ولی در **ق** آنرا در میان سطرها افزوده‌اند؛ **لی** پس از بیت بالا و **س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب** بجای آن بیت زیر را افزوده‌اند:

فروشم زمردم (**لن**: زمرد؛ **لی**: زمردی) بود مایه‌ها (**ق**[۲]: یابها) — بهایی ز جامه ز (**ل**[۲]: بهایی بود جامه) پیرایه‌ها (**ب**: پیراهنا)

این بیت در **ف، ل، ق، و** (و نیز در **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) نیست ۲۶- **ب**: بدان ۲۷- **ل**: هم از؛ **ق**: همه ۲۸- **لن، پ**: بدو دادم اکنون همینست راست؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- **ل**: بر کنار؛ **ق، و**: پر نگار؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- **ق**[۲]: حقه ۳۱- **لن، پ**: بزن ۳۲- **ف، س، لی، پ، آ**: ننماییم **ل، ق، ق**[۲]**، ل**[۲]: ننماییم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **و، ب** (و نیز **لن**[۲]): بنمای زود؛ متن= **لن** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۳۳- **لن، پ**: در ۳۴- **ل**[۲]: بنده ۳۵- **ق**: از بند ۳۶- **ف، س، ق، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]: نگشاییم؛ **ل، لن**: نگشاییم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **و، ب** (و نیز **لن**[۲]): بگشای زود؛ متن= (**ل**[۳]**، س**[۲]) ۳۷- **لن، پ**: سپردم بدو گفت زن؛ **ق**[۲]**، لی**: سپردم بدو دایه (← برودابه) گفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۸- **لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: آن ۳۹- **س**: دیگر؛ **لن، پ**: کاکنون ۴۰- **لن، پ**: بیاور بنیز

بها[1] گفت بگذار بر چشم من — یکی آب زن بر سر[2] خشم من
درم - گفت - فردا دهد[3] ماه‌روی — بها[4] تا نیابم تو از من مجوی
همی[5] کژّ دانست[6] گفتار اوی[7] — بیاراست دل را به[8] پیگار[9] اوی
بیامد بجستش بر و آستی[10] — همی جست ازو کژّی و کاستی[11]
چُن آن[12] جامه‌های گرانمایه دید — هم از دست رودابه[13] پیرایه دید
در کاخ بر خویشتن[14] بربست — از[15] اندیشگان شد بکردار مست
بفرمود تا دخترش رفت پیش — همی دست برزد به رخسار خویش
دو گل[16] را به دو نرگس خواب دار[17] — همی شست تا شد گلان[18] آب دار[19]
به رودابه[20] گفت ای سرافراز[21] ماه[22] — گزین کردی از ناز[23] بر گاه چاه[24]

۱- **س**: بدو ۲- **لی**: بر سرو؛ **ل**: یکی برزن آتش برین (!)؛ **لن، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب**: یکی آب برزن برین؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **لن[2]، س[2]**)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳- **س، لن، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب**: دهم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، لی، و** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) ٤- آ: کجا ۵- **س، ق، و**: همه ٦- آ: بدانست؛ **لی**: بدانست کژ جمله ۷- **ل، ق[2]، لی، ل[2]، ب**: او؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- آ: ز ۹- **لی**: تیمار (!) ۱۰- **لی، آ**: برو راستی ۱۱- **ف**: که پیدا کند کژی و راستی؛ **س**: ندید اندران پیرزن راستی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**)؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت و **ق[2]** پس از بیت ۷۲۸ و **س، لی** پس از بیت ۷۲۹ بیت زیر را افزوده‌اند:

به خشم اندرون شد از آن زن غمی — به خواری کشیدش بروی (**س، ق[2]**: همی بر) زمی

۱۲- **ل، لن، ق، ق[2]، پ- ب** (و نیز **ل[3]، ل[2]، س[2]**): چو آن؛ **س**: همان؛ **لی**: مران؛ متن= **ف** ۱۳- **ق**: او دانه (→ رودابه)؛ در **س** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **ق[2]** (و نیز **ل[3]، س[2]**) پس از این بیت افزوده‌اند (**ق** همین بیت ها را در میان سطرها افزوده است؛ **س[2]** بیت دوم را ندارد؛ **ل، ق، پ** بیت دوم را پس از بیت ۷۲۷ و **س، لی** پس از بیت ۷۲۹ آورده‌اند):

برآشفت و گیسوی او را بدست — گرفت و بروی اندرآورد پست
به خشم اندرون شد از آن زن غمی — بخواری کشیدش همی بر زمی
کشانش همی برد و مویش کنان — بخشم از بر و سر دو دستش زنان

ب پس از بیت ۷۲۸ افزوده است:

برآشفت و گیسوی او را بدست — گرفت و بروی اندرافکند پست
زدش بر زمین کند مویش ز سر — ز خانه برون کرد او را بدر
کشانش همی برد و مویش کنان — به خون شسته شد آن رخش همچنان
همیخواست زنهار از آن ماه‌روی — رها کردش از دست بر آب روی
وزانجا بکاخ اندرآمد دژم — همی بود با درد و اندوه و غم

١٤- **س**: بر پیرزن ۱۵- **ق[2]**: ز؛ **س، لی** پس از این بیت بیت ۷۲۷پ را افزوده‌اند، و **لی** پس از آن دو بیت دیگر هم افزوده است:

بیفکند و او را هم آنجا ببست — همی کوفت پای و همیزد بدست
و زآنجا بکاخ اندرآمد دژم — همی بود با درد و اندوه و غم

و پس از بیت ۷۲۹ افزوده است:

کشید آن زن چاره‌گر را بموی — کشیده همیدون فکندش بروی

١٦- **لی**: دو رخ ۱۷- **س، لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]**: آبدار (**س، لی، آ** پساوند ندارند)؛ **پ**: تابدار؛ متن= **ف، ل، ق، ب** ۱۸- **ق**: گلاب (→ گلان) ۱۹- **لن**: چون نگار؛ **ق[2]**: تابدار؛ **ل[2]**: خوابدار؛ **و**: همی شست پژمرده آن لاله‌زار ۲۰- **ل[2]**: بدو دایه (→ برودابه) ۲۱- **لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]**: گرانمایه؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** ۲۲- **س**: شاه (!) ۲۳- آ: از باد ٢٤- **ق**: نا کام و جاه؛ **لی**: چرا برگزیدی تو بر گاه چاه؛ **ب**: گزین کرده از تاج و ز تخت چاه

چه ماند از نکو داشتن در جهان[۱]   که ننمودمت آشکار[۲] و نهان
ستمگر چرا گشتی ای ماه‌روی   همه رازها[۳] پیش[۴] مادر بگوی
که این زن ز پیش[۵] که آید همی   بنزدت ز بهر[۶] چه آید[۷] همی
سَخُن بر چه سانست و این[۸] مرد کیست   که زیبای سربند و انگشتریست
ز گنج بزرگ افسر تازیان   به ما ماند بسیار سود و زیان
بدین نام بد[۹] داد خواهی به باد   چو من زاده‌ام دخت، هرگز که زاد[۱۰]
زَمین دید[۱۱] رودابه و پشت پای[۱۲]   فرو ماند از شرم[۱۳] مادر بجای
فرو ریخت از دیدگان[۱۴] آب مهر   به خون دو[۱۵] نرگس[۱۶] بیاراست[۱۷] چهر
به مادر چُنین گفت کای پر خرد   همی مهر جان مرا بشکرد
مرا مام فرّخ[۱۸] نزادی زُبن   نرفتی ز من نیك یا بد سَخُن[۱۹]
سپهدار دستان[۲۰] به کاول[۲۱] بماند   چُنین[۲۲] مهر اویم[۲۳] بر[۲۴] آتش نشاند[۲۵]
چُنان تنگ شد بر دلم بر[۲۶] جهان   که گریان شدم ز[۲۷] آشکار و نهان
نخواهم بُدن[۲۸] زنده[۲۹] بی روی او   جهانم نه ارزد[۳۰] به یك موی او
بدان ! کو مرا دید و با من نشست   به پیمان گرفتیم دستش[۳۱] بدست
فرستاده شد نزد سام بزرگ[۳۲]   فرستاد پاسخ به زال سُتُرگ[۳۳]
زمانی بپیچید و[۳۴] دستور بود   سَخُن های بایسته[۳۵] گفت و شُنود[۳۶]
فرستاده را داد[۳۷] بسیار چیز   شنیدم همه پاسخ نامه[۳۸] نیز
بدست همین زن[۳۹] که کندیش موی   زدی بر زَمین و[۴۰] کشیدی بروی

۱- ل۲: نکو داشت اندر جهان ۲- س: ز آشکار؛ ق۲: که ننمودت این آشکار؛ لی، آ، ب: که آن نیستت آشکار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳- لن: همه حالها ٤- ق: نزد ۵- ق: نزد ٦- ل، ق، ب: به پیشت ز بهر؛ س: بنزدیك تو بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- س، لن، لی: باید؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- لن: و آن؛ ل۲: وین ۹- س: ببد نام خود؛ و: بدین نام بر؛ ل۲: بدین نام خود؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق، و (و نیز لن۲): هرگز مباد؛ آ (و نیز س۲): هرگز مزاد؛ (ل۳: کس را مباد)؛ متن= ف، س، ق۲، لی، ل۲، ب ۱۱- لی: داد (!) ۱۲- ل۲: بر بست پای (!) ۱۳- ل، ق: خشم؛ متن= ده دستنویس دیگر ١٤- ل۲: مژگان ۱۵- ف: به خون از دو؛ ق۲ پاك شده است؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ١٦- لی: دیده ۱۷- و: بپالود ۱۸- س: مام گر خود؛ لی: مادر ارخود؛ و: مرا کاش مادر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹- ب: نیك و بد با سخن؛ ل۲: نرفتی و من نیك باید سخن (!) ۲۰- لن، پ: زابل ۲۱- ف- ق، لی- آ، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابل؛ ل۲: یکایك (← بکابل)؛ درق۲ این لت پاك شده است؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- لی: همی؛ و: مرا ۲۳- و: آن یل ۲٤- لی، ب: به ۲۵- ف: فشاند؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ٢٦- ق۲، و: بر دل من؛ لی: بر دلم این؛ ب: این دلم در؛ لن، ق، آ، ل۲ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، پ ۲۷- ل: < ز > ؛ س: به؛ متن= ف، ق۲، لی، پ، و، ب ۲۸- لی، و: شدن ۲۹- لی: شاد؛ ل۲: دیده ۳۰- ل، س، لن، ق۲- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): نیرزد؛ متن= ف، س؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند ۳۱- لن: گرفتیم دستان؛ ق، ق۲: گرفتم دو دستش؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ف، و (و نیز لن۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

بگفتیم چیزی که بایست گفت   نباشد مرا جز مگر زال جفت

س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده‌اند (در ل۲ این بیت پیش از بیت ۷۴۶ آمده است):

جز از دیدنی چیز دیگر نرفت   میان من و او خود (س: بر؛ لی: چو؛ ل۲: به) آتش بتفت

این بیت ها در ل، ق (و نیز ل۳، س۲) نیست ۳۲- و، ب: سترگ ۳۳- و: بزرگ؛ ب: فرستاد هم نزد شاه بزرگ ۳٤- ق، آ: < و > ۳۵- و، ب: شایسته ۳٦- پ: شنید (پساوند ندارد) ۳۷- لن: دید ۳۸- ل، س، لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲): سام؛ متن= ف، ق، لی، و (و نیز لن۲) ۳۹- ق۲: مرد همین زد (!)؛ ب: بدست این همین زن (وزن نادرست است) ٤٠- لن: بر زمینش؛ در لن، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

فرستاده آرنده‌ی نامه بود   مرا[۱] پاسخ نامه آن[۲] جامه بود
فروماند سیندخت از آن[۳] گفت اوی[۴]   پسند آمدش زال را[۵] جفت اوی[۶]
چُنین داد پاسخ که این خُرد نیست   چو دستان ز پرمایگان گرد نیست
بزرگست و[۷] پور جهان پهلَوان   همش نام و[۸] هم رای و[۹] روشن روان
هنرها همه هست و[۱۰] آهو یکی   که گردد هنر پیش او اندکی
شود شاه گیتی[۱۱] ازین[۱۲] خشمناك   ز کاول[۱۳] برآرد[۱۴] به خورشید خاك
نخواهد که از[۱۵] تخم ما بر زَمین   کسی پای خوار[۱۶] اندرآرد به زین
رها کرد زن را و بنواختش   چُنان کرد پیدا[۱۷] که نشناختش[۱۸]
چُنان دید[۱۹] دخترش را[۲۰] در نهان   کجا[۲۱] نشنود پند کس[۲۲] در جهان
بیامد[۲۳] به[۲۴] تیمار و[۲۵] تنها[۲۶] بخفت[۲۷]   همی پوست بر تنْش گفتی بکَفت[۲۸]

بیامد[۲۹] ز درگاه مهراب شاد   کزو کرده بُد[۳۰] زال بسیار یاد
گرانمایه سیندخت را خفته دید   رخش پژمریده، دل آشفته دید
بپرسید و[۳۱] گفتش[۳۲] چه بودت[۳۳] بگوی   چرا پژمریدی[۳۴] چو گلبرگ[۳۵] روی

۱- **لن، لی، پ**: همان؛ **ق**[۲]، آ: مران؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲- ل، س، ق- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): این؛ متن= **ف، لن** **۳- ل**: زان؛ **لن، ق**[۲]، **لی، پ، و**، آ: ازین؛ متن= **ف، س، ق، ل**[۲]، **ب** **٤- ف**: گفت اوی؛ **ل، لی** (و نیز **س**[۲]): گفت گوی؛ **س، لن، ق**[۲]**- ب** (و نیز **لن**[۲]): گفت و گوی؛ **ق**: گفتگو؛ متن= (**ل**[۳]) **۵- ف، و** (و نیز **لن**[۲]): زر؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) **٦- ف، ق**، آ: او (در آ پساوید نادرست است)؛ **ق**[۲]: گفت و گوی (پساوند ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **۷- ل، لن، و**، آ: <و>؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۸- لی**: هشیوار و؛ **ل**[۲]: همش رای و **۹- ل، س، لن، ق**[۲]، **پ، و**، آ: <و>؛ **ل**[۲]: هم نام؛ متن= **ف، ق، لی، ب** **۱۰- لن، ق**: <و> **۱۱- پ**: ایران **۱۲- ل- پ**، آ، **ل**[۲] (و نیز **س**[۲]): بدین؛ متن= **ف، و، ب** (و نیز **لن**[۲]) **۱۳- ف- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): کابل؛ متن= تصحیح قیاسی است **١٤- پ**: برآید؛ **ب**: بر آرد ز کابل **۱۵- ف**: کس؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **١٦- س، ب**: کسی خوار پای؛ **لی** پس از این بیت و **ب** پس از بیت ۷۵۹ افزوده‌اند:

بزن گفت کای زیرك هوشیار   چنان کن (**ب**: بپاکی) همیشه لبت بسته دار
مبادا لب تو بگفتار چاك   سخن را هم اینجا (**ب**: سخن هم در آنجا) فرو کن بخاك
لَطَف کرد بسیار کردش گسی   برفت از برش نیز (**ب**: تیزو) نامد بسی

۱۷- آ: پید <ا> **۱۸- ل**[۲]: بشناختش؛ **ف، و** (و نیز **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تا ببد نامشان در جهان   نداند کسی را زمان در نهان
و، لن[۲]: کسی نشنود راز ماند نهان (**لن**[۲]: آشکار و نهان)

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در **ل**[۳]، **س**[۲]) نیست **۱۹- ف**: چنین گفت؛ **و** (و نیز **لن**[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) **۲۰- ل** (و نیز **ل**[۳]): رودابه را؛ **ب**: آن دخترش؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **س**[۲]) **۲۱- ق**: که او **۲۲- ف**: بشنود این کسی؛ **س، لن، ق**[۲]، آ: پند کس نشنود؛ متن= **ل، ق، لی، پ، ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])؛ **ب** پس از این بیت بیت های پ۱۶ را افزوده است **۲۳- و**: شب آمد **٢٤- ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): ز؛ متن= **ف** **۲۵- س- و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): <و>؛ متن= **ف، ل**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **س**[۲]) **۲۶- ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): گریان؛ متن= **ف** **۲۷- ف**: بخوفت **۲۸- ب**: گویی بکفت؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): از آن نیك و بد چیز با کس نگفت **۲۹- ل**: چو آمد؛ (**ل**[۳]: در آمد)؛ متن= یازده دستویس دیگر (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) **۳۰- ل، ق**: همی کرد از؛ **لن، ق**[۲]، **پ**، آ (و نیز **لن**[۲]): ازو کرده بد؛ متن= **ف، س، لی، و، ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: آگاه شدن مهراب از کار دخترش **۳۱- ق**: <و> **۳۲- ل، ق**: گفتا؛ **لی**: چو آمد بگفتا؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۳- پ**: دیدی **۳٤- ل، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): پژمرید آن؛ **س- پ**، آ، **ل**[۲]، **ب**: پژمریدت؛ متن= **ف** **۳۵- لن**: چو گلنار؛ آ: ز گلبرگ؛ **س** پس از این بیت افزوده است:

بترسید کز راز دختر بشوی   بگوید مر او را بد آید بروی

چُنین داد پاسخ به مهراب باز[1] … که اندیشه اندر[2] دلم شد دراز
ازین[3] کاخ[4] آباد و این خواسته … وُزین تازی اسپان آراسته
وُزین[5] ریدکان[6] سپهبدپرست … وُزین[7] باغ[8] و این[9] خسروانی[10] نشست
وُزین چهره و[11] سرو بالای ما[12] … وُزین نام[13] و این دانش و رای ما
بدین آبداری و این راستی … زمان تا زمان آیدش[14] کاستی
به ناکام باید به دشمن سپرد … همه رنج ما باد باید شمرد
یکی تنگ صندوق[15] ازین بهر[16] ماست[17] … درختی که تریاك[18] او[19] زهر ماست
بکشتیم و دادیم آبش به رنج … بیاویختیم از برش[20] تاج و گنج
چو برشد به خورشید و شد سایه‌دار[21] … به خاك اندرآمد[22] سر مایه‌دار[23]
برینست[24] انجام و فرجام[25] ما … ندانم[26] کجا باشد[27] آرام ما
به سیندخت مهراب گفت این سَخُن … نو آوردی و نو نگردد کَهُن
سرای سپنجی برینسان[28] بود … خرد یافته زو هراسان بود[29]
یکی اندرآید دگر بگذرد … گذر نی[30] که چرخش همی بسپَرد[31]
به تنگی دل و غم[32]، نگردد دگر … بدین[33] نیست پَیگار[34] با[35] دادگر
بدو گفت سیندخت کین[36] داستان … به روی دگر برنهد راستان[37]

۱- **س، و**: چنین پاسخش داد سیندخت باز؛ **لن، ق۲**، آ، **ل۲، ب**: چنین داد پاسخش سیندخت باز؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ** ۲- **س، و**: که اندیشه‌ای در ۳- **و**: کزین ٤- **لن، ق۲، لی**، آ، **ل۲**: گنج؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ازین (**ق۲، لی**: وزین) کاخ (**پ**: گنج) آباد و این بوستان (**ق۲**: خواسته) … وزین (**لن، ل۲**: ازین) کامکاری دل (آ: بر) دوستان (**ق۲**: دل آراسته)

این بیت در **ف، ل، س، ق، و، ب** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند ۵- **ل، ق، پ، ب**: ازین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٦- **ل، ل۲، ب**: بندگان؛ **لی**، آ: دیدگان؛ **پ**: زندگانی؛ **و**: زندگان؛ متن= **ف، س، لن، ق، ق۲** ۷- **ل**: ازین؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۸- **ب**: تاج ۹- **و**: وزین ۱۰- **س**: جایگاه؛ **س، ل۲** در اینجا سرنویس دارند، **س**: آگاهی یافتن مهراب از حال رودابه با زال سام نریمان؛ **ل۲**: اندر گفتن سیندخت حال رودابه ۱۱- **ف**: چهرهٔ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۲- **ب**: تو ۱۳- **ب**: کام ۱٤- **ل** (و نیز **س۲**): آورد؛ **ق۲، ب**: آیدت؛ **لی**: آیدم؛ **ل۲**: آمدش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۵- **ل، ق، و** (و نیز **لن۲**): تابوت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۱٦- **ق۲، لی، ل۲**: از بهر ۱۷- **ل۲**: ما ۱۸- آ: تریاق ۱۹- **ق، لی، ب**: آن ۲۰- **ف**: ز ما یافت اندر جهان؛ **لن، ق۲، لی، پ** (و نیز **ل۳**): برآویختیم از برش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۱- **لن، پ**: مایه دار ۲۲- آ، **ل۲**: آید؛ ۲۳- **لن، پ**: سر سایه دار؛ **ل۲**: همی مایه دار؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲٤- **لن، پ، و**: بدین است؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۵- **ل، لن، پ، و**: فرجام و انجام؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٦- **ل**: بدان تا؛ در **و** آغاز این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۷- **ل۲**: که باشند ۲۸- **ل، س، ق، لی، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): بدینسان؛ **و** (و نیز **لن۲**): ازینسان؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ**، آ (و نیز **س۲**) ۲۹- **ف**: گذر نی که چرخش همی بسپرد (= ۷۷٦ب)؛ **لی**: یکی خوار و دیگر تن آسان بود؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳۰- **لن، پ**: گذر بین؛ **ق**: گذر نه؛ آ: گزندی؛ **ب**: یکی نه؛ متن= **ل، س، ق۲، لی، و، ل۲** ۳۱- **لن، ق۲، لی، و**، آ: بشکرد؛ **پ**: که چرخ فلك بسپرد؛ **ب**: که چرخش همی نشکرد؛ متن= **ل، س، ق، ل۲**؛ **ف**: خرد یافته زو هراسان بود (= ۷۷۵ب)؛ در **ف** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۲- **ل**: بشادی و انده؛ **لن، پ**: بتنگی دلم غم؛ **ق۲**: بتنگی دلت غم؛ **لی، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بتنگی دل غم؛ آ: بتنگ دلم غم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، ل۲، ب** ۳۳- **ل، ق۲، لی، پ**، آ: برین؛ متن= **ف، س، لن، و، ل۲، ب** ۳٤- **س، لن، ق۲، لی، پ**، آ: بیداد؛ متن= **ف، ل، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳۵- **ق۲**: بر؛ در **ف** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳٦- **ل**: این؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۷- **ل، ق**: باستان؛ **لن، ق۲**: چنین دان و این کارهای چنان؛ **لی**: چنین دان و این رازها در نهان؛ **و** (و نیز **لن۲**): بروی دگر برنه از باستان؛ آ: چنین داد وین کارها در جهان؛ متن= **ف، س، پ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **پ، ل۲** پس از این بیت افزوده‌اند:

چگونه توان کرد از تو نهان … چنین راز و این کارها در جهان

خردیافته موبد[۱] نیك بخت — به فرزند زد داستان درخت
زدم داستان تا[۲] ز راه خرد — سپهبد به گفتار من[۳] بنگرد[۴]
فرو برد[۵] و[۶] سرو سهی[۷] داد خم — به نرگس[۸] گل سرخ را داد نم
که[۹] گردون بسر بر چُنان[۱۰] نگذرد[۱۱] — که ما را همی باید ای پر خرد
چُنان دان که رودابه[۱۲] را[۱۳] پور سام — نهانی نهادست هرگونه دام[۱۴]
ببردست روشن دل او[۱۵] ز راه — یکی[۱۶] چاره‌مان[۱۷] کرد باید نگاه[۱۸]
بسی[۱۹] دادمش پند و[۲۰] سودش[۲۱] نکرد — دلش خیره[۲۲] بینم همی، روی زرد[۲۳]
چو بشنید مهراب بر پای جست — نهاد از بر دست شمشیر دست[۲۴]
تنش گشت لرزان و رخ لاژورد[۲۵] — پر از خون جگر، لب پر از باد سرد
همی گفت رودابه را[۲۶] رود خون — بروی زَمین برکنم هم کنون[۲۷]
چُن آن[۲۸] دید سیندخت بر پای جست — کمر کرد بر گِردگاهش[۲۹] دو دست
چُنین[۳۰] گفت کز کهتر اکنون[۳۱] یکی — سَخُن بشنو و گوش[۳۲] دار اندکی
وُزان[۳۳] پس همان کن که رای آیدت — روان را خرد[۳۴] رهنمای آیدت
بپیچید و انداخت[۳۵] او را بدست[۳۶] — خروشی برآورد چون پیل مست
مرا[۳۷] ـ گفت ـ چون دختر آمد پدید — ببایستش اندر زمان[۳۸] سر برید
نکشتم نرفتم[۳۹] به[۴۰] راه نیا — کنون ساخت بر من چُنین کیمیا
پسر کو ز راه پدر[۴۱] بگذرد — دِلیرش ز پشت پدر نشمرد[۴۲]
یکی داستان زد برین بر[۴۳] پلنگ — بدانگه که در جنگ شد تیز چنگ

۱- و، ب (و نیز **لن۲، س۲**): مردم **۲- و**: داستانی **۳- لی**: بگفتارها **٤- ف، ل۲، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): ننگرد؛ **ل، لن، و**: ننگرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق۲**: بشکرد (!) متن= **س، ق، لی، پ، آ** (و نیز **ل۳**)؛ **ق۲** پس از این بیت سرنویس دارد: خبر یافتن مهراب از کار رودابه و زال **۵- ف، ق، ق۲، پ، و**: فرو بود؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **٦- ل، لی، آ**: < و > ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۷- لی**: سرو را (وزن نادرست است) **۸- ل**: سرشك؛ **ق**: سرشکش؛ **س**: ز نرگس؛ متن= نه دستنویس دیگر **۹- آ**: که گر (وزن نادرست است) **۱۰- لن، پ**: نه بر ما چنان؛ **ب**: بسر همچنان **۱۱- س، لن، ق۲، پ، ب**: بگذرد؛ **لی، آ، ل۲**: نگذرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، ل، ق، و** **۱۲- ق۲**: مهراب (!) **۱۳- ل۲**: با **١٤- آ**: نام (!) **۱۵- ل، س**: دلش را؛ **ق**: دل او را؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱٦- و**: کنون **۱۷- لی، ب**: چاره‌ای **۱۸- پ**: براه (پساوند ندارد) **۱۹- پ**: همی **۲۰- س، ق، ق۲، لی، آ**: < و > ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۱- س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): سودی؛ متن= **ف، ل** **۲۲- ق**: تیره **۲۳- لن، پ**: دو رخساره زرد؛ **ل۲**: هم روی زرد (وزن نادرست است)؛ **لن، لی، ب** پس از این بیت سرنویس دارند، **لن**: خشم نمودن مهراب برودابه؛ **لی**: خبر یافتن مهراب از کار زال و رودابه؛ **ب**: آگاهی مهراب از کار رودابه **۲٤- آ**: راست (!)؛ **لن، پ**: قبضهٔ تیغ دست؛ **ل۲**: دسته شمشیر دست؛ **ق۲**: کمر کرد بر گردگاهش دو دست (= ۷۸۹ب)؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۵- ف، س، ق۲، لی، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): لاجورد؛ متن= **ل، ق، پ، و**؛ **لن** این بیت را ندارد **۲٦- و**: ز رودابه گفتا یکی؛ **ل۲**: همی رفت رودابه را **۲۷- س**: رهنمون؛ **آ**: من کنون؛ **و**: بر برانم کنون؛ **لن، پ**: بریزم بروی زمین هم کنون؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۸- ف، ل، لی، و، آ** (و نیز **لن۲**): چو آن؛ **س، ق**: چنان (= چن آن)؛ **لن، پ، ب** (و نیز **ل۳**): چو این؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ل۲** **۲۹- س، لن، لی، پ، و، ل۲، ب**: گرده گاهش؛ متن= **ف، ل، ق، آ** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۳۰- و**: ورا **۳۱- س**: کاکنون ز کهتر **۳۲- ق**: هوش **۳۳- ل** (و نیز **ل۳**): ازان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) **۳٤- ل، ق، ق۲، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **لن۲**): روان و خرد؛ **س**: خرد را روان؛ **لن، لی، پ**: بران (**لی**: بدان) رو که دل؛ (**س۲**: روان را برین)؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳**) **۳۵- ل، ق**: بنداخت؛ متن= ده دستنویس دیگر **۳٦- لن، لی، پ**: ز دست؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۷- لن، لی، پ**: همی؛ **و، ل۲، ب**: ورا؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲، آ** **۳۸- لن، ق۲، پ، آ، ل۲**: ببایستمش (**ق۲**: ببایستیش) در زمان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۹- ل، آ**: بگشتم؛ **س، ق۲**: برفتم؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **٤۰- ل، س، آ**: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر **٤۱- ق۲**: خرد؛ **لی**: پسر گر ز رای پدر **٤۲- لی**: دلیرش ز رای پدر نشمر (!) **٤۳- ق، لی**: بدین بر؛ **ل۲**: بمن بر؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر

مرا[1] کارزارست گفت آرزوی[2] / پدرْم از نیا خود همین[3] داشت خوی[4]
نشان پدر باید اندر پسر / روا باشد ار کمتر آرد[5] هنر
همم[6] بیم جانست وهم[7] جای ننگ[8] / چرا بازداری[9] سرم[10] را ز جنگ
اگر سام یل با[11] منوچهر شاه / بیابند[12] بر ما یکی[13] دستگاه
ز کاول[14] برآید به خورشید دود / نه آباد ماند نه[15] کشت و درود
چُنین گفت سیندخت با مرزبان[16] / کزین[17] در مگردان به خیره زبان[18]
کزین آگهی یافت سام سُوار / به دل[19] ترس و تیمار چندین[20] مدار
وی از گرگساران بدین[21] گشت باز / گشاده شدهَست این سَخن، نیست راز[22]
چُنین[23] گفت مهراب کای[24] ماه روی / سَخُن هیچ با من[25] به کژّی مگوی
چُنین خود[26] کی[27] اندرخورد با خرد / که مر[28] خاك را باد فرمان برد
مرا دل بدین نیستی[29] دردمند[30] / اگر ایمنی یابمی از[31] گزند
که باشد که پیوند سام سُوار / نخواهد، ز[32] اهواز تا[33] قندهار[34]
بدو گفت سیندخت کای سرفراز / به گفتار کژّی مبادم[35] نیاز
گزند تو پیدا[36] گزند من ست / دل دردمند تو بند من ست
چُنین ست و این نزد من[37] شد درست / همین بُد گمانی مرا از نُخُست[38]
اگر باشد این نیست کاری[39] شِگفت / کزان بر دل اندیشه[40] باید گرفت

۱- **س**: ترا؛ **ل، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- **س**: آرزو ۳- **لن**: نیاام همین؛ **ق۲- ب**: نیا همچنین ٤- **س**: برزم ار نیا همچنین کرد خوی؛ (**ل۳**: پدر از نیا خود همین داشت خوی)؛ متن= **ف** ۵- **ل، ق**: آید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ٦- **و**: مرا ۷- **لی**: جان و همم ۸- آ: تنگ (!) ۹- **ب**: بازپیچی ۱۰- **ق**: دلم ۱۱- **ل۲**: یا؛ **لی**: یل را با (وزن نادرست است) ۱۲- **ل۲**: بیابد ۱۳- **ل**: برین؛ **ق**: بدین؛ **ب**: چنین؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ١٤- **ف- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): ز کابل؛ (**س۲**: یکایك)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- **لن، لی، پ**: نماند برین بوم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱٦- **لن، لی، پ**: کای پهلوان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۷- **لن، لی، پ**: ازین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- **ق۲، لی**: کزین دو (**لی**: ازین در) بخیره مگردان زبان ۱۹- آ: بدین ۲۰- **ل، ق**: تیمار و سختی؛ **س، ق۲، ب**: تیمار و تنگی؛ آ: تیمار ننگی؛ **ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): تیمار و ننگی؛ متن= **ف، لن، لی، پ، و** (و نیز **لن۲**)؛ **ق۲** پس از این بیت افزوده است:

چنین گفته بد سام با زال زر / کزین کار تیمار و انده مخور

۲۱- **لن، پ**: بدان؛ آ: برین؛ **ل۲**: چنین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- **لی**: جز براز ۲۳- **ق۲**: بدو ۲٤- **ب**: با ۲۵ **ق۲**: سخن هر چه یابی ۲٦- **س**: چنان کو؛ **لن** این بیت را ندارد ۲۷- **ق۲**: که ۲۸- **ب**: که می ۲۹- **ب**: برین نیستی؛ **لن، ق۲- ل۲** (و نیز **لن۲**): مرا نیستی دل بدین؛ متن= **ف، ل، س، ق** (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۰- **ق**: مستمند ۳۱- **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲**: یافتی از؛ **و**: یابم از هر؛ **ب**: اگر هستمی ایمنی از؛ متن= **ف، ل، س، ق** (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **لن، ق۲، لی، پ**،آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز زال گرانمایه داماد به / نباشد همی (**لی**: نیامد همان) از کهان و ز مه
ق۲، آ، **ل۲، ب**: نباشد همی دانم (**ل۲**: داند) از که و مه

این بیت در **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) نیست ۳۲- **س، ق**: از ۳۳- **لی**: قنوج تا؛ **و**: تاتار تا؛ آ: ابراز یا (!) ۳٤- **ق۲**: بدل ترس و تیمار و تنگی مدار (= ۸۰۳ب)؛ **ل۲**: نخواهد هرا را مانند بهار (!)؛ متن= **ف، ل، لن، پ، ب** ۳۵- **س**: کژم مبادا؛ **ل۲**: کژی مبادت ۳٦- **ق**: ایدر ۳۷- **س، لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ب** (و نیز **ل۳، س۲**): این بر دلم؛ **و** (و نیز **لن۲**): این مرمرا؛ **ل۲**: این را دلم؛ متن= **ف، ل، ق** ۳۸- **لی**: همین بد گمان مرا در نخست؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

کزان (**لن، پ**: کزین) گونه دیدی مرا دردناك / بغم خفته شادی ز دل رفته پاك

۳۹- **ق** (و نیز **لن۲**): کار؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ: اگر نیستی باز (**ق۲**: باد؛ **لی**: یاد) کاری؛ **ل۲**: اگر باشدی نیست کاری؛ **ب**: اگر باشد اینست کاری؛ متن= **ف، ل، س، و** (و نیز **ل۳، س۲**) ٤۰- **ل، س، لن، ق، ق۲، ب** (و نیز **س۲**): که چندین بد اندیشه؛ **لی**: کزان برتر اندیشه؛ **پ، ل۲** (و نیز **ل۳**): که چندین باندیشه؛ **و** (و نیز **لن۲**): که چندینت اندیشه؛ آ: که چندین بد اندیش؛ متن= **ف**

فریدون به[۱] سرو یمن[۲] گشت شاه جهانجوی دستان[۳] همین جست[۴] راه
که بی آتش از آب و از باد و خاك[۵] نشد تیره روی زمین تابناك[۶]
هر آنگه که بیگانه شد[۷] خویش تو شود[۸] تیره[۹] رای[۱۰] بداندیش تو

سپرده به سیندخت مهراب گوش[۱۱] دلی[۱۲] پر ز کینه، سری[۱۳] پر ز جوش[۱۴]
به سیندخت فرمود پس نامدار[۱۵] که رودابه را خیز پیش[۱۶] من آر
بترسید سیندخت از آن[۱۷] تیزمرد[۱۸] که او را ز درد[۱۹] اندرآرد به گَرد
بدو گفت: پیمانْت خواهم نُخُست که او را سپاری به من تندرست[۲۰]
وُزان[۲۱] چون بهشت برین گلستان نگردد تهی روی[۲۲] کاولستان[۲۳]
یکی سخت پیمان سِتَد زو نُخُست[۲۴] به چاره دلش را ز[۲۵] کینه بشست
زبان داد سیندخت را نامجوی که رودابه را بد نیارد بروی[۲۶]
بدو گفت: بنگر[۲۷] که شاه زمین سر[۲۸] از ما کُند زین سَخُن[۲۹] پر ز کین
نماند[۳۰] بر و بوم و نه مام و باب شود پست[۳۱] رودابه با رود آب[۳۲]
چو بشنید سیندخت سر[۳۳] پیش اوی[۳۴] فرو برد و بر خاك[۳۵] بنهاد[۳۶] روی[۳۷]
بر دختر آمد پر از خنده لب گشاده رخ[۳۸] روزگون زیر[۳۹] شب

۱- آ: و ۲- ق: چمن (!) ۳- ق: چنان تاجور خود ٤- ل، ق، و (و نیز لن۲): همین دید؛ س، ل۲: همی جست؛ لن، ق۲، پ، آ: همینست؛ متن= ف، لی، ب (و نیز ل۳، س۲) ۵- س، ق۲، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): که (س: نه) از آتش و آب و از باد و خاك؛ لن، لی، پ: که از آتش و باد و از آب و خاك؛ و: که بی آتش و باد و بی آب و خاك؛ (لن۲: که بی آتش و آب و بی باد و خاك)؛ ل، ق این بیت راندارند؛ متن= ف (و نیز س۲: ز باد) ٦- لن: زیر خاك؛ ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: بشد تیره روی رخشناك (ق۲: خشمناك؛ پ: بر مغاك؛ ل۲: وحشناك)؛ متن= ف، س، و (و نیز لن۲، س۲)؛ و پس از این بیت افزوده است:

بیاورد آن پاسخ نامه پیش ورا گفت خوش کن بدین رای خویش

۷- آ: هم آنگه نه بیگانه بد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۸- پ: بود؛ آ: بشد ۹- س: خیره ۱۰- لن، ق۲، لی، پ: روی؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در ف، س (و نیز ل۳، س۲) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- لن، لی، پ: بسیندخت مهراب بسپرد (لی: بگشاد) گوش؛ ق۲، آ، ل۲: بسیندخت بسپرد مهراب گوش؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق، و، ب ۱۲- س، ب: سری ۱۳- س، ب: دلی ١٤- و: پر خروش؛ در ف، س (و نیز ل۳، س۲) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های ۸۱۵ و ۸۱۶ = لن، ق۲- ب (و نیز لن۲) ۱۵- و: چنین گفت سیندخت را نامدار ١٦- لن، پ: خیز نزد؛ ق۲، ل۲: خیز و پیش؛ و: تیز پیش؛ ب: رو بنزد؛ س: که رو ماه رخ را بنزد؛ متن= ف، ل، ق، لی، آ؛ ل۲ پس از این بیت سرنویس دارد: اندر پیمان ستدن سیندخت و آوردن رودابه ۱۷- ق: < آن> ؛ لی: زان ۱۸- ق۲: شیرمرد؛ ل۲: پیرمرد ۱۹- لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: ز باد؛ لی: که رودابه را؛ متن= ف، ل، س، ق، و؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- پ: به من بر درست؛ ل: به چاره دلش را ز کینه بشست (= ۸۲۱ب)؛ آ: وزان پس سپاری بمن تندرست؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ب: وزین ۲۲- ق: باغ؛ و: کاخ؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- ف، س، لن، ق، ق۲، پ- ب (و نیز ل۳، لن۲): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ٢٤- ل این لت را انداخته است؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲) ۲۵- آ: به؛ ل (و نیز س۲) ۸۱۹ب، ۸۲۰، ۸۲۱آ را انداخته‌اند و از ۸۱۹آ و ۸۲۱ب یك بیت ساخته‌اند ۲٦- ل۲: بدوی؛ لی این بیت را ندارد ۲۷- آ: منگر؛ و: بدل گفت ترسم ۲۸- ل: دل؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۹- لی: سپس ۳۰- ل: نه ماند ۳۱- س: خون ۳۲- ف (و نیز س۲) رودابه و (س۲: بر) خان خراب؛ س، و (و نیز ل۳، س۲): رودابه و رود آب؛ ق۲: رودابهٔ رود آب؛ لن، لی، پ، آ، ل۲، ب این بیت را ندارند؛ متن= ل، ق ۳۳- ق: در؛ و: بر ۳٤- ق، آ: او (در آ پساوند درست نیست) ۳۵- ق۲: خاك و ۳٦- ف: مالید؛ لن، لی، ل۲ (و نیز س۲) این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲ ۳۷- ق: رو؛ ف پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین گفت کای نامور دادخواه گمانی مبر جز بآیین و راه

۳۸- ف، ق، و، آ (و نیز لن۲، س۲): رخ و؛ ل۲ این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۳۹- س: کرد (یا: گِرد)؛ ق: پیش؛ و (و نیز لن۲): روز کم زیر

همی مژده دادش که جنگی پلنگ　　ز گور ژیان کرد[۱] کوتاه چنگ
کنون[۲] زود پیرایه بگشای و رو[۳]　　به[۴] پیش پدر رو[۵] بزاری بنو[۶]
بدو گفت رودابه: پیرایه چیست　　بجای سر مایه بی مایه کیست[۷]
روان مرا پور سام ست جفت　　چرا[۸] آشکارا بباید[۹] نهفت
به پیش پدر شد چو خورشید شرق[۱۰]　　به[۱۱] یاقوت و زر اندرون[۱۲] گشته غرق
بهشتی بُد آراسته پر[۱۳] نگار　　چو خورشید تابان به خرّم[۱۴] بهار
پدر چون وُرا دید خیره بماند[۱۵]　　جهان آفرین را نهانی[۱۶] بخواند
بدو گفت کای[۱۷] شسته مغز از خرد　　ز پرگوهران این کی[۱۸] اندرخورد
که با اَهرمَن جفت گیرد[۱۹] پری　　که مه تاج بادت[۲۰] مه انگشتری
گر[۲۱] از دشتِ[۲۲] قحطان[۲۳] سگ[۲۴] مارگیر[۲۵]　　شود مغ ببایدش[۲۶] کشتن[۲۷] به تیر
سیه میژه[۲۸] بر[۲۹] نرگسان[۳۰] دژم　　فروخوابنید و نزد هیچ دم
پدر دل[۳۱] پر از خشم[۳۲] و سر[۳۳] پر ز جنگ　　همی[۳۴] رفت[۳۵] غرّان بسان پلنگ
سُوی خانه شد دختر دل شده[۳۶]　　رخان مُعَصفَر به زر[۳۷] آژده[۳۸]
به یزدان گرفتند هر دو پناه　　هم این[۳۹] دلشده ماه[۴۰] و هم پیشگاه[۴۱]

۱- و: کرده　۲- لی: برو　۳- ق: بگشا و رو؛ و: بگشا ز روی　۴- لن، پ: ز　۵- ل، س، لن، ق[۲]- ل[۲] (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): شو؛ ق: در؛ متن= ف، ب　٦- ق: برو؛ و: بنوی؛ آ: و نو　۷- ل، س، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲] (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): چیست؛ متن= ف، لن، ق، پ، ب　۸- لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب: مرا؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])　۹- لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب: نباید؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])　۱۰- ق: چو یاقوت و برق (!)　۱۱- س: چه　۱۲- س: اندرو　۱۳- س: چون　١٤- ف، و (و نیز لن[۲]): بوقت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، س[۲])؛ در ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲] این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است　۱۵- س، ب: پدر چون بدیدش ازاو خیره ماند (ب: بخیره بماند)　١٦- لن، لی، پ: فراوان؛ ب: بران برتری نام یزدان؛ در ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲] این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است　۱۷- س، ق، پ، آ: ای؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۱۸- ف: <ز> پر گوهران این کی (وزن نادرست است)؛ س: بدین گوهر ما کی؛ لن، ق، ق[۲]، پ، و، آ، ل[۲] (و نیز لن[۲]، س[۲]): به (ق: ز) بد گوهران این کی (لن: که؛ پ: آنکه)؛ لی: بر گوهران این کی؛ ب: ببین کین بگوهر کی؛ (ل[۳]: بدین گوهران این کی)؛ متن= ل　۱۹- س: باشد؛ لن، لی، و، ب: گردد؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۲۰- ل، لن، لی، پ، و: بادا؛ ق[۲]: بادو؛ متن= ف، س، ق، آ، ل[۲]، ب　۲۱- آ، ل[۲]: که　۲۲- ف، لن، لی، پ (و نیز س[۲]): دست؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= س، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲])　۲۳- آ: قحتان　٢٤- ق[۲]، و، ل[۲]، ب: سگی؛ لی، پ (و نیز ل[۳]): یکی؛ متن= ف، س، لن، آ (و نیز لن[۲]، س[۲])　۲۵- ق[۲]: یادگیر　٢٦- ق[۲]: بباید (وزن نادرست است)؛ آ: نبایدش　۲۷- ل[۲]: زد (وزن نادرست است)؛ ف (و نیز ل[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

به پیش اندرافکند رودابه سر　　رخ از شرم پر خون و دل پر فِکَر
ل[۳]: رخ از شرم گلنار و پر خون جگر

ل، ق بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده‌اند:

چو بشنید رودابه (ق: چو رودابه بشنید) آن گفت گوی　　دژم گشت و چون زعفران کرد روی

لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲] بجای بیت های بالا بیت زیر را افزوده‌اند:

چو بشنید رودابه پاسخ بتوخت (آ: سبوخت؛ ل[۲]: نیوخت)　　ز شرم پدر روی را برفروخت

ب (و نیز ل[۳]) بجای بیت های بالا (ل[۳] پیش از بیت نخستین) بیت زیر را افزوده‌اند:

چو رودابه این از پدر بشنوید　　دلش گشت پر خون و رخ شنبلید

هیچیك از این بیت ها در س، و (و نیز در لن[۲]، س[۲]) نیست　۲۸- ل، س، ق، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب: مژّه؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف　۲۹- ل: و　۳۰- ق: دیدگان؛ ب: نرگسان شد　۳۱- ب: سر　۳۲- س: خون　۳۳- ب: دل　٣٤- س، و: برون　۳۵- لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]: گشت؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب　٣٦- آ، ل[۲]: دل زده؛ ب: سوی خانهٔ خویش شد دل شده　۳۷- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب: به خون؛ متن= ف، ل، ق، و، ل[۲] (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])　۳۸- (لن[۲]: آژده)　۳۹- لن، لی، و، آ، ب: همان؛ ق[۲]، پ: هم آن؛ متن= ف، ل، س، ق، ل[۲]　٤٠- لن: نام؛ لی: دخت؛ پ: مام　٤١- لی: با دستگاه

گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهراب[1]

پس[2] آگاهی آمد به شاه بزرگ ز مهراب و دستان و[3] سام سُتُرگ
ز پیوند مهراب وُ زِ[4] مهر[5] زال وُزان ناهَمالان گشته هَمال[6]
سَخُن[7] رفت هر گونه با موبدان به پیش سرافراز شاه ردان
چُنین گفت با بخردان[8] شهریار که بر ما شود زین دُژم روزگار
چو ایران[9] ز چنگال شیر و پلنگ برون آوریدم به رای و به جنگ[10]
نباید[11] که بر خیره بر[12] عشق[13] زال هَمال[14] سرافگنده گردد هَمال[15]
چُن[16] از دخت مهراب وُ زِ[17] پور سام برآید یکی تیغ تیز[18] از نیام
بیکسو نه[19] از گوهر ما بود چو[20] تِریاك[21] با زهر همتا بود؟
اگر[22] تاب گیرد سُوی مادرش ز گفت بد آگنده[23] گردد سرش
کند[24] شهر ایران پر آشوب و رنج[25] بدو باز گردد مگر تاج و گنج[26]
همه موبدان آفرین خواندند وُرا خسرو[27] پاك دین خواندند
بگفتند کز ما تو داناتری به بایست هابر تواناتری
همان کن کجا[28] با[29] خرد[30] درخورد دل اژدَها را خرد بشکرد

۱- **ف**: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهراب و خواندن سام را؛ **س، لن، لی، ب**: آگاهی (**لی**: خبر) یافتن (**ب**: < یافتن >) منوچهر از کار زال (**س، لی**: . . . و رودابه)؛ **ق**: آگاه شدن منوچهر از حال زال و دختر مهراب؛ **ق۲**: آگاهی یافتن منوچهر از عشق زال با رودابه؛ **پ**: آگاه شدن منوچهر از حال زال و رودابه؛ **و**: آگاه شدن منوچهر شاه از داستان دستان و رودابه؛ آ: خبر یافتن منوچهر از حال رودابه و زال؛ **ل۲**: آگاهی یافتن منوچهر از عشق رودابه؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف** ۲- **ب**: چو ۳- **ل، ق**: < و >؛ **لن، لی، پ**: ز دستان و مهراب و؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٤- **س، لن، لی**، آ، **ل۲**: از؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، پ، و** ۵- **لی**: عشق؛ آ: کار ٦- **س**، آ: وزان با همالند یا نا همال؛ **لن**: وزان نا همالیده با آن همال؛ **ق۲، پ، ل۲**: وزان نا همالیدهٔ ناهمال؛ **لی**: وزان نا همالان ابا نا همال؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن۲**)؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **س، و** پس از این بیت افزوده‌اند:

س: منوچهر از آن کار پر درد شد ز مهراب و دستان پر از درد شد
و: منوچهر ازین کار شد پر ز درد ز مهراب و دستان بدل درد خورد

۷- **پ**: همی؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- **و**: موبدان ۹- **ل۲**: که ایزد (!) ۱۰- **ب**: برون آوریدیم از تیز چنگ؛ **ل، لن، ق، ق۲، پ، و**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

فریدون ز ضحاك گیتی بشست بترسم(**ق**: نخواهم)که‌آید(**ق۲**: بترسیدکامد)ازآن‌تخم(آ: تخم‌و)رست

این بیت در **ف، س، لی** (و نیز **س۲**) نیست ۱۱- **ل**: بباید؛ **ب**: نباشد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۲- **س، لن، ق۲، لی، پ**، آ: از؛ **و، ل۲**: در؛ **ب**: که خیره شود؛ متن= **ف، ل، ق** ۱۳- **س**: کرد ١٤- **لی**: نهال ۱۵- آ: بمال ١٦- **س- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**): چو؛ **ب**: که؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ۱۷- **س، لن، ق۲، لی، و**، آ، **ل۲، ب**: از؛ متن= **ف، ق، پ** (و نیز **ل۳، س۲**) ۱۸- **ق**: نو؛ **و**: کین ۱۹- **و**: نه پیوند ۲۰- **ف، ق**: که؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۲۱- آ: تریاق ۲۲- **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲**: وگر؛ متن= **ف، ل، س، و، ب** ۲۳- **ل، لی** (و نیز **ل۳**): ز گفت پراکنده؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ٢٤- **س**: شود؛ **لی**: کنون ۲۵- **س، ق، و**: جنگ ٢٦- **س، و**: نام و ننگ؛ **ق۲، ل۲**: سرو تاج و گنج؛ آ: سر تاج و گنج؛ **لن، لی، پ**: اگر باز گردد بدو (**پ**: برو) تاج و گنج؛ **ق**: بدو باز گردد دل شیر و چنگ پلنگ (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، ل، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۷- **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲**: موبد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۸- **ل**: همانا سخن؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۹- **لن، ق۲، لی، پ**: از؛ آ: کز؛ **ب**: در؛ متن= **ف، ل، س، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳۰- **پ**: خود؛ **ق۲** (و نیز **ل۳** و **ق** در کناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بشنید ازیشان گرانمایه شاه سرانجام آنرا همی جست راه

بفرمود تا نوذرش رفت پیش[1] ... ابا ویژگان و بزرگان خویش
بدو گفت: رو پیش سام سُوار ... بپرسش که چون آمد از کارزار[2]
چو دیدی بگویش گزین[3] سو گرای ... ز نزدیك ما کن سُوی خانه رای[4]
[همانگاه برخاست فرزند شاه ... ابا ویژگان سر نهادش[5] به راه]
[سُوی سام نیرم نهادند روی ... ابا زَنده پیلان پرخاشجوی[6]]
[چو زین کار سام یل آگاه شد ... پذیره سُوی پور کی شاه شد[7]]
همه نامداران[8] پذیره شدند ... ابا[9] زَنده پیل و تبیره شدند
رسیدند پس پیش[10] سام سُوار ... بزرگان و کی[11] نوذر نامدار
پَیام پدر شاه نوذر بداد ... به دیدار او سام یل گشت شاد
چُنین داد پاسخ که فرمان کنم[12] ... ز[13] دیدار او رامش[14] جان کنم
نهادند خوان[15] و گرفتند جام ... نُخُست از منوچهر بردند نام
به شادی برآمد[16] شب دیریاز ... چو خورشید رخشنده[17] بگشاد راز[18]
خروش تبیره برآمد ز در ... هیون تگاور[19] برآورد پر[20]
سُوی بارگاه منوچهر شاه ... به فرمان او[21] برگرفتند راه
منوچهر چون یافت زو[22] آگهی ... بیاراست دیهیم[23] شاهنشهی
ز ساری و آمل برآمد خروش ... چو دریای جوشان برآورد جوش[24]

۱- **ل، س، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): نوذر آمدش پیش؛ **لن، ق، ق۲، لی، پ، و،** آ (و نیز **ل۳، لن۲**): نوذر آمد (**پ**، آ: آید) بپیش؛ متن= **ف** ۲- **س**: بزرگان و کی نوذر نامدار (= ۸۶۱ب)؛ **لی**: بزرگان ابا نوذر نامدار (= ۸۶۱ب) ۳- **ب**: بدین ٤- **و**: بنزدیك ما کن تو از خانه رای؛ آ: ز نزدیك ما شو سوی خانه جای؛ **ب**: بنزدیك ما کن سوی کاخ رای؛ **س** این بیت را ندارد؛ **لن، ق۲، لی، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو نوذر برون شد ز (**ق۲**: بیامد به) پیش پدر ... بر (**ق۲، لی**: سوی) پهلوان زود بنهاد سر

ق پس از بیت ۸۵۶ بیت ۸۵۹پ را افزوده است ۵- **ل**: نهاده؛ **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف** ٦- **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل** ۷- **س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق؛ ل** پس از این بیت و **ق** پس از بیت ۸۵۶ افزوده‌اند:

ز پیش پدر نوذر نامدار ... بیامد بنزدیك سام سوار

۸- **لن، لی، پ**: پهلوانان؛ **س، ق** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **و**: چه با ۱۰- **و**: رسیدند نزدیك؛ **س** این لت را انداخته است؛ **ق** این بیت را ندارد ۱۱- **لن، ق۲، لی، پ، و،** آ، **ب**: بزرگان با؛ **ل۲**: بزرگان ابا؛ متن= **ف، ل، س** (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **س** ۸۵۵ب تا ۸۶۱آ را انداخته و از ۸۵۵آ و ۸۶۱ب یك بیت ساخته است ۱۲- **ب**: برم ۱۳- **ل، لی، و**: به ١٤- **ل**: دیدارش آرامش؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲، لی، پ،** آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدند (**ق۲**: بدید؛ **لی، ب**: ببود) اندران (**ل۲**: نبودند آن) روز مهمان سام ... بدیدار سام آن گره (**ق۲، لی**: گو) شادکام

این بیت در **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) نیست ۱۵- **ل۲**: خان؛ **ل** پس از این بیت دو بیت زیر را ، **لن، ق۲، لی، پ،** آ، **ل۲**، ب (و نیز **ل۳**) تنها بیت یکم را ، و **ق** تنها بیت دوم (و بیت یکم را در کناره) افزوده‌اند:

پس از نوذر و سام (**لی**: نوذر شاه) و هر مهتری ... گرفتند شادی ز هر (**ب**: بهر) کشوری
چو بگشاد زیور بگیتی سپهر ... بپوشید رخشنده دیدار مهر

این بیت ها در **ف، س، و** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست ١٦- **س**: شب آمد؛ **لن، لی**: در آمد؛ **ق، ل۲، ب**: سر آمد؛ متن= **ف، ل، ق۲، پ، و،** آ ۱۷- **س**: چو رخشنده خورشید ۱۸- **لن۲**: < راز> ؛ **ق۲**: گشت از فراز ۱۹- **ل، ق، و،** آ، **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**): دلاور؛ **ق۲**، بسوی دلاور؛ **لن، لی، پ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س، ب** (و نیز **س۲**) ۲۰- آ: سر ۲۱- **و**: وی ۲۲- **لن، لی**: زان؛ **ب**: ازو ۲۳- **لن، لی، پ**: ایوان ۲٤- **لن، پ، ب**: برآمد بجوش؛ **و**: درآمد بجوش؛ **ل، ق**: چو دریای سبز اندرآمد بجوش؛ **س**: چو دریای بروان برآمد بجوش؛ **لی** (و نیز **س۲**): چو دریای عمان براورد جوش؛ متن= **ف، ق۲،** آ، **ل۲**

ببستند آذین و[۱] ژوپین وران[۲] برفتند با خشت های گران[۳]
سپاهی که از کوه تا کوه مرد[۴] سپر در سپر بافته[۵] سرخ و زرد[۶]
ابا کوس و[۷] با نای رویین و[۸] سنج[۹] ابا تازی اسپان و پیلان و گنج[۱۰]
ازین[۱۱] گونه لشکر[۱۲] پذیره شدند همه[۱۳] با درفش و تبیره شدند
چُن[۱۴] آمد بنزدیك آن[۱۵] بارگاه پیاده شد و راه بگشاد[۱۶] شاه
چو شاه جهاندار بنمود[۱۷] روی زَمین را ببوسید و[۱۸] شد پیش[۱۹] اوی
منوچهر برخاست از تخت عاج ز یاقوت رخشنده[۲۰] بر سرش تاج
بر خویش بر تخت بنشاختش چُنان چون سَزا بود بنواختش[۲۱]
وُزان[۲۲] گرگساران[۲۳] جنگاوران وُزان نرّه دیوان مازندران
بپرسید و بسیار تیمار[۲۴] خَورد سپهبد سَخُن[۲۵] یك بیك[۲۶] یاد کرد
کانوشه[۲۷] زی ای[۲۸] شاه و جاویدمان[۲۹] ز جان[۳۰] تو کوته بد بدگمان[۳۱]
برفتم بدان[۳۲] شهر دیوان نر نه[۳۳] دیوان، چه[۳۴] شیران جنگی ببر[۳۵]
که از تازی اسپان[۳۶] تگاورترند ز گردان ایران دلاورترند[۳۷]
سپاهی که سگسار خوانندشان پلنگان جنگی[۳۸] گمانندشان[۳۹]
ز من[۴۰] چون بدیشان رسید آگهی از[۴۱] آواز من مغزشان شد تهی
به شهر اندرون نعره برداشتند وُزانپس[۴۲] همه شهر بگذاشتند
همه پیش من[۴۳] جنگجوی آمدند چُنان[۴۴] خیره و پوی پوی آمدند[۴۵]

۱- **ل، ق**: ببستند آیین؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ: برفتند آنگاه؛ **ل۲**: برفتند از گاه؛ متن= **ف، س، و، ب** ۲- **ب**: جوشن وران ۳- **لن، لی، پ**، آ، **ل۲**: ابا جوشن و خشت های (**ل۲**: گرزهای) گران؛ **ق۲**: ابا خشت و با گرزهای گران؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** ٤- **س**: بود ۵- **ل، ب**: ساخته؛ **ل۲**: یافته؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٦- **س**: تار و پود ۷- **ق**: <و> ۸- **و**: <و>؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲، ب**: نای و (**ق۲**: <و>) روئینه؛ **س**: ابا کوس رویین و با نای و؛ متن= **ف، ل** ۹- **ف، س، لن، ق، لی- ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**): صنج؛ **ب**: زنگ؛ متن= **ل، ق۲** (و نیز **ل۳**) ۱۰- **ب**: پیلان جنگ ۱۱- **س**: برین؛ **ل۲**: ازان؛ متن← ۱۲- **لن، پ**: سپه یکسراندر؛ **لی**: همه یکسره در؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، و**، آ، **ب** ۱۳- **ل، ق**: بسی؛ **لن**، آ: مهان؛ **لی**: چنان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱٤- **ل، س، ق، لی، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): چو؛ **لن، ق۲، پ**، آ، **ل۲** این بیت را ندارند؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ۱۵- **ل، ق، ب**: بنزدیکی؛ متن= **ف، س، لی، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱٦- **ق**: برگشادند ۱۷- **ل، ق**: بگشاد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۸- **لی**: <و> ۱۹- **ب**: نزد ۲۰- **لی**: ز یاقوت و پیروزه ۲۱- **لی**: بپرسید بسیار و بنواختش؛ در **لی** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۲- **لن، پ**: ازان ۲۳- **ف، س- ق۲، پ- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): گرگساران و؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ل** ۲٤- **لن، ق، ق۲، پ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): بپرسید بسیار و تیمار؛ **و**: فراوان بپرسید و تیمار؛ **ب**: بپرسید و تیمار بسیار؛ **لی** این بیت راندارد؛ متن= **ف، ل، س**، آ ۲۵- **لن، پ**: همه؛ **و**: برو ۲٦- **ل۲**: سر بسر ۲۷- **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): که نوشه؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲**: که شادان؛ متن= **ب** (و نیز **س۲**) ۲۸- **ل۲**: بزی (وزن نادرست است) ۲۹- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، و**، آ (و نیز **لن۲، س۲**): شاه تا جاودان؛ متن= **ف، ق، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) ۳۰- **ب**: ز تاج ۳۱- **و** (و نیز **لن۲**): تو شادان دل بخردان ۳۲- **ق، ل۲**: بران ۳۳- **لن، لی، پ، و** (و نیز **س۲**): چه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ۳٤- **ل- ق۲، پ- ب** (و نیز **ل۳، س۲**): که؛ متن= **ف، لی** ۳۵- **ق**: سپر؛ **لن، پ**: پرخاشخر؛ **لی**: شیران نر (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (در **ف، ل، س، ق۲، ل۲** حرف دوم با یك نقطه است) ۳٦- **لن، لی، پ**: ز (**لی**: از) اسبان تازی ۳۷- **ف**: زکاور ترند (!)؛ آ: رك آورترند (!)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **س** پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن سام نریمان بدرگاه شاه منوچهر ۳۸- **س**: گیتی ۳۹- **ل**: نمایندشان؛ آ، **ب**: همانندشان؛ (**ل۳**: بمانندشان؛ **لن۲**: شمارندشان)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) ٤۰- **ل**: زمین (!)؛ متن= یازده دستنویس دیگر ٤۱- **پ، ب**: وز؛ آ: ز ٤۲- **ل**: ازانپس؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ در **ل۲** پس از این بیت بیت ۸۷۱ دوباره آمده است ٤۳- **ف**: چنان پیش من؛ **لن، ق۲، لی، پ**: به پیشم همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٤٤- **س**: زبان؛ **لی**: چنین ٤۵- **ب**: خیره با های و هوی آمدند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

سپه جُنب جُنبان[1] شد و روز تار[2] — پس اندر فراز[3] آمد و پیش غار
زَمین نیز جنبان شد از لَشکرم[4] — ندیدم که تیمار آن چون[5] خَورم
نبیره جهاندار سلم سُتُرگ[6] — به پیش سپاه اندرآمد چو گرگ[7]
جهانجوی را نام کاکوی[8] بود — یکی سرو بالای مه‌روی بود[9]
به[10] مادر هم[11] از تخم[12] ضحّاك بود — سر سروران[13] پیش او خاك بود[14]
سپاهش[15] بکردار مور و ملخ — نبُد دشت پیدا، نه کوه و نه شخ[16]
چو برخاست زان[17] لشکر گَشْن گَرد[18] — رخ نامداران ما گشت زرد
من این[19] گرز یکزخم[20] برداشتم — سپه را[21] همانجای بگذاشتم
خروشی خروشیدم[22] از پشت زین — که چون[23] آسیا شد بریشان[24] زمین
دل آمد[25] سپه را همه[26] باز جای — سراسر سُوی[27] رزم کردند رای
چو بشنید کاکوی[28] آواز[29] من — چُنان[30] زخم گوپال سرباز[31] من
بیامد بنزدیك من جنگ[32] ساز — چو پیل[33] ژیان[34] با کمندی[35] دراز

۱- **ل، ق۲**: جنب و جنبان؛ **ب**: زمین تیره جنبان؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲- و**: کوهسار؛ **ل۲**: رودبار **۳- و**: پدید؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **٤- س**: سپه جنب جنبان شد از لشکرم؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: برافتاد (**لن، پ**: درافتاد) ترس اندرین (**پ**: ترسی در آن) لشکرم؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن۲**) **۵- ل۲**: خون؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

دو سیصد (**لی، ل۲، ب**: همین صد؛ آ: همان صد) منی گرز برداشتم — سپاهم (**لی**: سپاهی) بدان مرز بگذاشتم (**لی**: نگذاشتم)
همی رفتم و کوفتم مغزشان — **لن**: تهی کردم آن پتك بر مغزشان
ق۲، آ، ل۲، ب: تهی گشت آن (آ: < گشت آن >) هیبت نغزشان
لی، پ: تهی کردم آن پیکر نغزشان

این بیت ها در **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) نیست **٦- ل، ق**: بزرگ؛ متن= ده دستنویس دیگر **۷- ق**: سترگ؛ **ب**: بزرگ؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳**): بپیش اندرآمد بکردار گرگ؛ متن= **ف، ل، س، و** (و نیز **لن۲**) **۸- س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): کرکوی؛ **ل** (و نیز **س۲**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن۲**) **۹- ق**: بد روی بود؛ **س**: یکی برز بالا و بد روی بود؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: یکی سرو بالا نکو روی (**لی**: جهانجوی) بود؛ **و** (و نیز **لن۲**): ستمکاره بود و جفاجوی بود؛ **ب** لت دوم این بیت را انداخته است؛ متن= **ف** **۱۰**- آ: ز **۱۱- ق۲**، آ: وی **۱۲- و**: به مادر ز پیوند؛ **ب** این لت را انداخته است **۱۳- لن، لی، پ، آ، ل۲، ب**: سر سرکشان؛ متن= **ف، س، و** **١٤- ب**: پیش اوگوی بود؛ **ق۲**: شنیدم که کاکوی ناباك بود؛ **ل** (و نیز **س۲**) این بیت را ندارند؛ **ب** ۸۹۰ب و ۸۹۱آ را انداخته و از ۸۹۰آ و ۸۹۱ب یك بیت ساخته است؛ **ق۲** پس از بیت ۸۹۱ افزوده است:

دلیر و سبکسار و ناباك بود — سر سرکشان پیش او خاك بود

۱۵- ل، س (و نیز **ل۳**): سپاهی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) **١٦- ف**: نبد دشت پیدا و نه کوه و شخ؛ **س، لن، پ، و، ل۲، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): نبد دشت پیدا نه خاك (**لن، پ**: ریگ؛ **ل۲، ب**: خار) و نه شخ؛ **ق، ق۲**، آ: نبد کوه پیدا نه دشت (**ق۲**: دریا؛ آ: خار) و نه شخ؛ متن= **ل، لی** (و نیز **ل۳**) **۱۷- س، لن، لی، پ، ل۲، ب**: از؛ متن ← **۱۸- ق۲**: چو از لشکر گشن برخاست گرد؛ متن= **ل، ق، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **ف** این بیت را ندارد و بجای آن بیت ۸۹۸ را آورده است و پس از آن سرنویس دارد: گفتار اندر شراب خوردن سام نریمان با شاه منوچهر و گفتن داستانها و مردی که کرده بود **۱۹- ف، س، ق، ق۲، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): آن؛ متن= **ل، لن، لی، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۲۰- ب**: یك لخت **۲۱- ق۲، ل۲**: سپاهم **۲۲- لن، ق۲، پ**، آ، **ب**: چنان برخروشیدم؛ **ق**: یکی برخروشیدم؛ متن= **ف، ل، س، لی، و، ل۲** **۲۳- س**: کجا **٢٤- لی**: بدیشان؛ **ل۲**: بران (وزن نادرست است) **۲۵- ل۲**: در آمد **٢٦- لن، ق۲، پ**، آ: ازان؛ **ب**: سپاه مرا؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۷- س**: همه **۲۸- س، لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): کرکوی؛ (**س۲**: کالوی)؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن۲**) **۲۹- ق**: کوپال **۳۰- س، ق**: همان **۳۱- ق**: گرز یك زخم خوش فال **۳۲- لن، ق۲، لی، پ، و**، آ، **ل۲**: رزم؛ متن= **ف، ل، س، ق، ب** **۳۳- و، ل۲**: پیلی **٣٤- لن، لی، پ**: دمان **۳۵- ل- پ، ب**: کمند؛ متن= **ف، و**، آ، **ل۲**؛ در **ف** این بیت پس از بیت ۸۹۲ آمده است؛ پیاپی بیت های متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ در **ق۲** پس از بیت ۸۹۸ بیت ۹۰۴ آمده است

مرا خواست کارد به خمّ کمند   چو دیدم خمیدم[1] ز راه گزند
کمان[2] کیانی گرفتم به چنگ   به پیکان پولاد و تیر خدنگ[3]
عقاب[4] تگاور[5] برانگیختم   چُن[6] آتش بروبر همی ریختم[7]
گُمانم چُنان بُد به[8] سندان سرش   که شد[9] دوخته مغز[10] با[11] مغفرش
نگه کردم[12] از گرد[13] چون پیل مست   برآمد[14] یکی تیغ هندی به دست
چُنان آمدم شهریارا گُمان   کزو کوه زنهار خواهد به جان[15]
وی اندر شتاب و من اندر درنگ   همی جستمش تا کی آید به چنگ[16]
چُن[17] آمد گه مرد جنگی فراز[18]   من از چرمه چنگال کردم دراز
گرفتم کمربند مرد دِلیر   ز زین برگسستم[19] بکردار شیر
زدم بر زمین بر[20] چو پیل[21] ژیان[22]   پر آهن بر و دست و گُردی میان[23]
چو افگنده شد، شاه! از آن[24] گونه خوار   سپه روی برگاشت از کارزار
نشیب و فراز و بیابان و کوه   بهر سو شدند انجمن[25] همگروه[26]
سُوار و پیاده دەودو هزار   فگنده پدید آمد اندر شمار[27]
سپاهی و شهری و جنگی[28] سُوار   همانا که بودند[29] سیصد هزار
چه سنجد بداندیش با بخت تو   ز پیش[30] پرستندەی تخت تو

چو بشنید گفتارِ سالار[31]، شاه،   برافراخت با ماه[32] فرّخ کلاه

۱- ق، ق[2]، ب: چمیدم؛ و: حمیدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ، ل[2]: خمیده؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، لی ۲- ل[2]: کمانی ۳- آ: به پیکان تیر و بزین خدنگ؛ لن، پ این بیت را ندارند ٤- ق: عنان ۵- لی: دلاور ٦- ف، ل، س، ق، ق[2]، لی، و- ب (و نیز ل[3]، لن[2]): چو؛ متن= (س[2]) ۷- ل: بدوبر تبر ریختم؛ ق: بدوبر همی ریختم؛ ق[2]، و، آ، ب (و نیز لن[2]): برو تیر می ریختم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، س، لی، ل[2] (و نیز س[2]) ۸- ل، س، ق، ق[2]، و (و نیز لن[2]، س[2]): که؛ لی: ز؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، آ، ل[2]، ب (و نیز ل[3]) ۹- ق: بشد؛ و: شود ۱۰- و: ترك ۱۱- ق[2]: بر ۱۲- ق[2]: کرد ۱۳- ف، ق[2]، و، ل[2]، ب (و نیز ل[3]، لن[2]): آن گُرد؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ل، س، ق، لی، آ ١٤- س، ق، ق[2]، و (و نیز لن[2]) بیامد؛ متن= ف، ل، لی، آ، ل[2]، ب (و نیز ل[3]، س[2]) ۱۵- لن، پ این بیت را ندارند؛ در ق[2] این بیت پس از بیت ۸۹۸ آمده است ١٦- لن، پ این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]، ب (و نیز ل[3]، لن[2]): چو؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف (و نیز س[2]) ۱۸- ل: آمد بنزديك من سرفراز؛ س، ل[2]: آمد بر مرد جنگی فراز؛ ق: آمد بنزدیکی من فراز؛ ق[2]، آ، ب (و نیز ل[3]): آمد برم مرد جنگی فراز؛ لی: آمد گه مرد سنگی فراز؛ و (و نیز لن[2]): آمد بنزديك ما رزمساز؛ متن= ف (و نیز س[2]) ۱۹- س، لن، ق، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب (و نیز ل[3]): برگرفتم؛ لی: درگسستم؛ متن= ف، ل، و (و نیز لن[2]، س[2]) ۲۰- لن، لی، پ: بخاکش فکندم؛ ب (و نیز ل[3]، س[2]): زدم بر زمینش ۲۱- س: پیلی؛ ق[2]: شیر؛ ل[2]: همچو پیلی ۲۲- لن، پ: دمان ۲۳- ل، ق: بدین آهنین دست و گردی میان؛ س: چو آهن برو دست و گردی میان؛ لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]: زدم تیغ هندی ورا بر میان (آ: نیام)؛ و (و نیز لن[2]): پر آهن برو دست و پا و میان؛ ب: یکی تیغ هندی زدم بر میان؛ (ل[3]: باهرمنی دست گردی میان؛ س[2]: یکی تیغ تیزش زدم بر میان)؛ متن= ف ٢٤- ل، ق: زین؛ لی، و: ازین؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق: بهر سو شده مردمان؛ ل[2]: بهر سوی شد انجمن؛ (ل[3]: هزیمت شدند انجمن)؛ ف، لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= س، ق[2]، لی، و، آ، ب (و نیز لن[2]، س[2]) ٢٦- آ: با گروه؛ ب (و نیز س[2]): هر گروه ۲۷- ل[2]: آمد از بد شمار (!)؛ لن، لی، پ: فکنده برآمد در آنجا شمار؛ ق[2]، آ، ب: فکنده بدانجا برآمد شمار؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۲۸- س، لن، پ، آ، ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]): سپاهی و جنگی و شهری؛ ق: سواری و جنگی و شهری؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق[2]، لی، و، ب (و نیز س[2]) ۲۹- و: همانا فزون بود ۳۰- س، ق، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]، ب (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]): به پیش؛ لن، پ: بجنگ؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف ۳۱- آ: سالار گفتار ۳۲- ف: پر مایه؛ ل، س: با ماه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، لی، پ، ب: بر ماه؛ و، ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]): تا ماه؛ متن= ق[2]، آ (و نیز س[2])؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو روز از شب آمد به کوشش ستوه   ستوهی گرفته (ق: ستوهی شده بر) فرو شد به کوه

می و مجلس[۱] آراست و شد[۲] شادمان　　جهان پاك دید از بد بدگُمان
به بَگماز[۳] کوتاه کردند شب[۴]　　به یاد[۵] سپهبد گشادند لب[۶]

چو شب روز شد پرده‌ی[۷] بارگاه　　گشادند و دادند زی[۸] شاه راه
بیامد سپهدار سام سُتُرگ　　بنزد منوچهر شاه بزرگ[۹]
چُنین[۱۰] گفت با سام شاه جهان　　کز ایدر برو با گزیده[۱۱] مِهان
به هندوستان آتش اندرفروز[۱۲]　　همه کاخ مهراب و[۱۳] کاول[۱۴] بسوز
نباید که او یابد از تو[۱۵] رها　　که او مانْد[۱۶] از تخمه‌ی[۱۷] اَژدَها
زمان تا زمان زو برآید خروش　　شود رام[۱۸] گیتی پُر از جنگ و[۱۹] جوش
هرآنکس که پیوسته‌ی او بُوند[۲۰]　　بزرگان که در بسته‌ی[۲۱] او بُوند[۲۰]
سر از تن جدا کن زَمین را بشوی　　ز پیوند[۲۲] ضحّاك و خویشان اوی
چُنین[۲۳] داد پاسخ که ایدون کنم　　که کین از[۲۴] دل شاه بیرون کنم
ببوسید تخت و بمالید روی　　بران[۲۵] نامور[۲۶] مُهر و[۲۷] انگشت اوی
سُوی خانه بنهاد سر[۲۸] با سپاه　　بران[۲۹] بادپایان جوینده[۳۰] راه

گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال[۳۱]

۱-**و**: می ورامش　۲-**ق**،**ق**[۲]،**لی**: آراست شد؛ **ل**[۲]: آراسته؛ در **س** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است　۳-**لی**: بیکبار؛ **و**: بگفتار؛ آ: بیك جمع؛ **ل**[۲]: بیکماه؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]،**س**[۲])　٤-**لن**: دست(!)؛ **ل**[۲]: راه　۵-آ: بباده　٦-**لن**: بشستند دست(!)؛ **ق**[۲]،**لی**،آ: گشاده دولب؛ **ل**[۲]: گشادند وشاه؛ متن= **ف**،**ل**،**س**،**پ**،**و**،**ب**؛ در **س** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است　۷-**ف**: پرده از؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲])　۸-**ق**: دادن بر　۹-**لن**،**ق**[۲]،**پ**،**و**،آ، **ل**[۲]،**ب** (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بشاه آفرین کرد آن بی همال　　همی خواست گفتن ز مهراب و زال
که شاه جهان پیشتر برگرفت　　سخن را بروی دژم درگرفت

این بیت‌ها در **ف**،**ل**،**س**،**ق**،**لی** (ونیز **لن**[۲]،**س**[۲]) نیست　۱۰-آ: چنان　۱۱-**س**: گروه　۱۲-**لی**،**و**: آتشی برفروز؛ آ: اندرآتش فروز؛ **ل**[۲]: بربرآتش فروز　۱۳-**س**-**ب** (ونیز **لن**[۲]): <و>؛ متن= **ف**، **ل** (ونیز **ل**[۳]،**س**[۲])　١٤-**ف**-**ب** (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲]): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است　۱۵-**ل**،**لن**-**ب** (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]): ازبد؛ متن= **ف**،**س** (ونیز **س**[۲])　١٦-آ، **ل**[۲]: مانده　۱۷-**لن**: بچهٔ؛ **ب**: تخم آن　۱۸-**ب**: جمله　۱۹-**ل**: <و>　۲۰-**ل**،**لن**،**ق**[۲]،**لی**،**و**،آ، **ل**[۲]،**ب** (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲]): بود؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند؛ متن= **ف**،**س**،**پ**　۲۱-**ل**: که دردستهٔ؛ **س**: که هم بستهٔ؛ **ب** (و نیز **س**[۲]): کجا بستهٔ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲])　۲۲-**و**: زمردان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده‌اند؛ **لن**،**ق**[۲]-**ب** (ونیز **ل**[۳]،**لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدوشاه چون خشم و تیزی (**ق**[۲]،آ، **ب**: نیرو؛ **پ**: تندی) نمود　　نیارست آنگه (**و**: از آنپس) سخن برفزود

این بیت در **ف**، **ل**، **س**، **ق** (و نیز **س**[۲]) نیست　۲۳- آ: بدو　۲٤- **و**: که از کین　۲۵- **ق**: بدان　۲٦- **ب**: مهربان　۲۷- **ل**، **لن**، **پ**: <و>؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])　۲۸- **و**: رخ　۲۹- **ل**، **ق**، **لی**، **ب**: بدان؛ آ: مران؛ متن= هفت دستنویس دیگر　۳۰- **ق**، **و**: کوبنده؛ **لی**، **ب**: پوینده؛ متن= هشت دستنویس دیگر　۳۱- **ف**: گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال زر و نواختن او را؛ **لن**: رفتن زال بنزدیك سام پدرش؛ **ق**[۲]، **ب**: آمدن زال بنزد سام (**ق**[۲]: . . . و اجازت خواستن)؛ **لی**: رفتن سام نریمان بجنگ مهراب؛ **پ**: آمدن زال بنزد سام پدرش؛ **و**: فرستادن منوچهر شاه سام را بجنگ مهراب؛ **ل**، **س**، **ق**، **ل**[۲]، آ سرنویس ندارند؛ متن= آغاز **ف**

به[۱] مهراب و دستان رسید[۲] این[۳] سَخُن   که شاه و سپهبد فگندند[۴] بُن
خروشان ز کاول همی[۵] رفت زال   فرو هشته[۶] لفج و برآورده یال
همی گفت اگر[۷] اژدهای دژم   بیاید[۸] که گیتی بسوزد به دم
چو کاولستان[۹] را بخواهد[۱۰] پسود[۱۱]   نُخُستین سر من بباید درود
به پیش پدر شد پر از خون جگر[۱۲]   پر اندیشه دل، پر ز گفتار سر
چُن[۱۳] آگاهی آمد به سام دِلیر   که آمد ز ره بچّه‌ی نرّه شیر
همه لَشکر از جای برخاستند   دِرفش فریدون[۱۴] بپیراستند[۱۵]
پذیره شدن را چَپیره شدند[۱۶]   سپاه و سپهبد پذیره[۱۷] شدند
همه پشت پیلان به رنگین[۱۸] دِرفش   بیاراسته سرخ و زرد و بنفش
چو دستان پدید آمد از دور، سام   برانگیخت بالای زرّین ستام[۱۹]
چو روی پدر دید دستان سام   پیاده شد[۲۰] از اسپ و بگذارد گام[۲۱]
بزرگان پیاده شدند[۲۲] از دو روی   چه سالار خواه[۲۳] و چه دیهیم[۲۴] جوی
زَمین را ببوسید زال دِلیر   سَخُن گفت با او[۲۵] پدر نیز دیر[۲۶]
نشست از بر تازی اسپی[۲۷] سمند   چو زرّین[۲۸] درخشنده کوهی[۲۹] بلند
بزرگان همه پیش اوی[۳۰] آمدند   به تیمار و با[۳۱] گفت و گوی[۳۲] آمدند

۱- ق[۲]: ز ۲- ق[۲]: نهند ۳- آ: آن ٤- ق[۲]، آ، ل[۲]، ب: چه افکند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ لن، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

برآمد همه شهر کابل بجوش   وزایوان مهراب برشد (لی: کابل برآمد) خروش
چو سیندخت و مهراب و رودابه نیز   بنومید گشتند از جان (ل[۲]: خان) و چیز

این بیت ها در ف، ل، س، ق (و نیز س[۲]) نیست ۵- س، ق[۲]، پ: برون؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- لی: فرود برده (وزن نادرست است) ۷- ل[۲]: از ۸- آ: بیامد؛ ل[۲]: نباید؛ لن، پ این بیت را ندارند ۹- ف، ل، س، ق، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): کابلستان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- و: بباید ۱۱- لی: ستود؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]؛ در س[۲] حرف یکم سه نقطه دارد) ۱۲- ب: همی رفت پیش پدر خون جگر؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۳- ف- ب (و نیز ل[۳]): چو؛ متن= (س[۲]) ١٤- لی: درفش و تبیره ۱۵- ل- ق، پ- ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): بیاراستند؛ (ل[۳]: برآراستند)؛ متن= ف، ق[۲]، لی ١٦- ف، ل، ق (و نیز ل[۳]): تبیره زدند؛ س: خسره زدند (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ آ: جنیره زدند؛ ل[۲]: حنیره شدند؛ (س[۲]: حپنره شدند)؛ لن، ق[۲]، لی، پ: با تبیره شدند؛ و (و نیز لن[۲]): ابا نای و کوس و تبیره شدند؛ ب: بزرگان سامش پذیره شدند؛ متن تصحیح قیاسی است (که به س، آ، ل[۲] و بیشتر به س[۲] نزدیك است) ۱۷- ب: خبیره؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۸- لن، ق[۲]، لی، ل[۲]: برنگ؛ و: بزرین؛ آ: بزنگ و؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، ب؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- لن: لگام؛ ب: پذیره شد و تیز بگزارد گام (= ۹۳۸ب)؛ متن= ف، ق[۲]، پ، آ، ل[۲] (← پ۳۰) ۲۰- ق[۲]: فرودآمد ۲۱- ف: زرّین لگام؛ لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]: بگزارد گام؛ ب: برانگیخت بالای زرّین ستام (= ۹۳۷ب)؛ ل، س، ق، لی، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) از بیت های ۹۳۷ و ۹۳۸ یك بیت ساخته‌اند:

چو دستان پدید آمد از دور سام   پیاده شد از باره بگزارد (ل: از اسب بگزارد) گام
و (و نیز لن[۲]): همان نامداران به زرین نیام

۲۲- لی: پیاده بزرگان شدند ۲۳- لی: خوار ٢٤- ل، س، لن، ق، پ، و، آ، ل[۲] (و نیز لن[۲]، س[۲]): سالار؛ ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق[۲]، لی (و نیز ل[۳])؛ آ در اینجا سرنویس دارد: آمدن زال نزد پدر ۲۵- لن، لی: وی ۲٦- لن: ز مهراب شیر؛ لی: همی زال دیر؛ و: پدر نیز با او سخن راند دیر ۲۷- ل، ق[۲]، لی، ل[۲] (و نیز لن[۲]): تازی اسب؛ س: بادپایی؛ پ، و، آ: اسب تازی؛ متن= ف، لن، ق، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۲۸- و: چو در زین؛ آ: چو زین (وزن نادرست است) ۲۹- لن، ق، ق[۲]، و، آ، ل[۲] (و نیز لن[۲]): کوه؛ متن= ف، ل، س، لی، پ، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۳۰- ق، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]: او؛ متن= ف، ل، س، لن، و، ب ۳۱- ق، ق[۲]، لی: به تیمار با؛ ل[۲]: به تیمار و < با > (وزن نادرست است) ۳۲- ل: گفت گوی؛ ق، ق[۲]، پ، آ: گفت و گو؛ متن= هفت دستنویس دیگر

که آزرده گشته‌ست بر[۱] تو پدر   ره[۲] پوزش آر و[۳] مکش[۴] هیچ سر
چُنین داد پاسخ کزین[۵] باك نیست   مرا نیز بر جای خون[۶] خاك نیست
پدر گر به مغز اندرآرد خرد   همانا سَخُن بر سَخُن نگذرد[۷]
نگر تا گشاید زبان را به خشم[۸]   من از شرمش آب اندرآرم به چشم[۹]

چُنین تا به درگاه سام آمدند   گشاده‌دل و شادکام آمدند
فرود آمد از اسپ سام سُوار   هم اندر زمان زال را داد بار
چو زال اندرآمد به پیش پدر   زَمین را ببوسید و گسترد پر[۱۰]
یکی آفرین کرد بر سام گرد   وُزآب دو دیده[۱۱] همی[۱۲] گِل سِپُرد[۱۳]
که بیدار دل پهلَوان شاد باد[۱۴]   روانش گرایندهٔ[۱۵] داد باد
ز تیغ تو الماس بریان[۱۶] شود   زَمین روز[۱۷] جنگ تو[۱۸] گریان[۱۹] شود
کجا دیزه‌ی[۲۰] تو جهد[۲۱] روز جنگ   شتاب آید اندر[۲۲] سپاه[۲۳] درنگ
سپهری کجا[۲۴] باد گرز تو دید   بماند[۲۵] ، ستاره نیارد کشید
زَمین نسپَرد شیر[۲۶] با داد[۲۷] تو   روان و[۲۸] خرد گشت[۲۹] بنیاد تو
مگر من که از داد[۳۰] بی بهره‌ام   وگر[۳۱] چه به[۳۲] پیوند[۳۳] تو شهره‌ام
یکی مرغ پرورده‌ام خاك خَورد[۳۴]   ز گیتی[۳۵] مرا نیست با کس نبرد[۳۶]

۱- **س، ق، لی، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): از؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): یکی؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**) ۳- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): آور؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**) ٤- **ق۲**: مکن؛ **ل۲**: مگر ۵- **ل**: که این؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٦- **ق۲**: خود (← خون)؛ **آ**: چون (← خون)؛ **ل**: سرانجام اخربجز؛ **س**: مرا بر زمین جای جز؛ **لن، پ**: مرا نیز هم جای جز؛ **ق**: مرا جای اخربجز؛ **لی**: نهالی مرا نیز جز؛ **و** (و نیز **لن۲، س۲**): مرا جای فرجام جز؛ (**ل۳**: مرا نیز خود جای جز)؛ متن= **ف، ل۲، ب** ۷- **لی**: گسترد ۸- **ل، آ**: وگر بر گشاید زبان را بخشم؛ **لن، لی، پ**: نگر تا زبانرا گشاید بمهر؛ **ق۲، ل۲**: نگر تا زبان را گشاید بخشم؛ **و** (و نیز **لن۲**): اگر بر گشاید زبان را بمهر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، ب** (و نیز **ل۳، س۲**؛ **ب**: مگر) ۹- **و** (و نیز **لن۲**): بچهر؛ **لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: بس از شرم (**ب**: خشم) آب اندر آرد بچشم (**لن، لی، پ**: آرم بچهر)؛ متن= **ف، ل، س، آ** (و نیز **ل۳، س۲**) ۱۰- **ف، ل، س، لن، ق۲، پ**: بر (=پر)؛ **ق، لی** (و نیز **س۲**): فر؛ **و، ب** (و نیز **لن۲**): برداشت سر؛ **ل۲**: بسپرد بر؛ متن= **آ** (و نیز **ل۳**) ۱۱- **ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، و** (و نیز **لن۲**): نرگس؛ متن= **ف، س، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) ۱۲- **و**: همه ۱۳- **ل- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): سترد؛ متن= **ف**؛ **ل۲**: وزان نرگسان هردو می گل سپرد ۱٤- **ب**: باش ۱۵- **لن، ق۲، لی، پ، آ**: پرستندهٔ؛ **و، ل۲** (و نیز **لن۲**): گشایندهٔ (**ل۳**: گزارندهٔ)؛ متن= **ف، ل، س، ق، ب** (و نیز **س۲**) ۱٦- **لن، ق۲**: گریان (**لن** پساوند ندارد) ۱۷- **لی**: زیر ۱۸- **ل، ق، پ** (و نیز **ل۳، لن۲**): از تو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) ۱۹- **ق۲**: بریان ۲۰- **و**: چرمهٔ ۲۱- **ل، س، لن، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**): چمد؛ متن= **ف، ق، ق۲، لی، ب** ۲۲- **لن، پ، و، آ**: شتاب اندر آرد (**و**: آید)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **و**: بمغز ۲٤- **ل۲**: سپهر از کجا ۲۵- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: همانا؛ **ل۲**: سپاه ار (!)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲٦- **لن، لی، پ**: زمین سر بسر سبز؛ **و**: رمه نسپرد شیر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- **ب**: یاد ۲۸- **ف** (و نیز **ل۳**): < و > (**ل۳** این حرف را داشته، ولی پاك شده است)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۹- **ل، ق، لی، ب** (و نیز **س۲**): گشته؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**) پس ازاین بیت افزوده‌اند:

همه مردم از داد تو شادمان   ز تو داد یابد زمین و زمان
لی: ز تو دور بادا بد بد گمان

و (و نیز **لن۲**) بجای این بیت افزوده‌اند:

ز انصاف و دادت جهان بهره‌مند   ستم را ز دست تو بر پای بند

این بیت ها در **ف، س، ل۲** (و نیز **س۲**) نیست ۳۰- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: مگر من ز داد (**لی**: مهر) تو؛ **ل۲** (و نیز **لن۲**): شگفتی ز داد تو؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۱- **لن، لی، پ، ل۲**: اگر ۳۲- **لن، پ، و، ل۲**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۳- **ل، ق**: پیمان؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳٤- **س**: سالخورد ۳۵- **ل، س، لن، لی، پ، و، ل۲** (ونیز **ل۳، لن۲**): بگیتی؛ متن= **ف، ق، ق۲، آ، ب** (و نیز **س۲**) ۳٦- **لن، پ**: کسی نیستم همنبرد؛ **ق۲، آ، ب**: مرا نیست کس همنبرد؛ **لی**: ندارم کسی هم بمرد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل۲** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**)

ندانـم همـی خویشـتـن را گـنـاه　　که بر من کسـی را بدان[۱] هسـت راه
مگـر[۲] آنـك[۳] سام[۴] یلسـتـم پدر　　دگـر هسـت[۵] با این[۶] نژادم هنـر[۷]
ز مادر بزادم بینـداخـتـی　　به کوه انـدرم[۸] جایگـه[۹] ساخـتـی
[نـه گهـواره دیدم نه پسـتـان نه شهـر[۱۰]　　نه از هیچ خوشـی[۱۱] مرا بود بهـر[۱۲]]
[بـبـردی به کوهـی بیفـگـنـدیم　　دل از ناز و آرام برکـنـدیم[۱۳]]
فگـنـدی[۱۴] به تیمـار زاینـده[۱۵] را　　به[۱۶] آتش سپـردی فزاینـده[۱۷] را
ترا با جهـان آفـرین ست[۱۸] جنـگ　　که از چه سیاه و سپـیدسـت[۱۹] رنـگ
[کـنـون کـم جهـان آفـرین پرورید　　به مهـر[۲۰] خدایی به من بنـگـرید[۲۱]]
هنـرهـسـت و[۲۲] مردی[۲۳] و تیغ یلی　　یکـی یار چون مهـتـر[۲۴] کاولـی[۲۵]
ابـا گنـج[۲۶] و با تخـت[۲۷] و گرز گران　　ابـا رای و با داد و تاج سران[۲۸]
نشـسـتـم به کاول[۲۹] به فرمـان تو　　نگـه داشـتـم راه[۳۰] و پیمـان[۳۱] تو

۱- ل، لی (و نیز ل[۳]): بران؛ متن= ف، ق؛ این بیت در هشت دستنـویس دیگـر (و نیز در لن[۲]، س[۲]) نیست ۲- س: مرا؛ ل[۲]: وگـر ۳- لی، پ، آ: آنکـه ٤- لی: < سام > (وزن نادرست است) ۵- لن، ق[۲]، پ، ل[۲]: وگر نیست؛ لی: اگر نیست؛ ب: وگر هست؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ ٦- آ: با کین ۷- س، ق[۲]، آ، ل[۲]: گهر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- س، ق، لی، ب: اندرون؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- لی: جای من ۱۰- لن، ق[۲]، پ، آ، ب: نه پستان شیر؛ لی: نه پستان و شیر؛ (ل[۳]: نه پستان نه شیر)؛ ل، س، ق، و، ل[۲] (و نیز لن[۲]، س[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= ف ۱۱- لی: هوشی ۱۲- لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب (و نیز ل[۳]): ویر؛ متن= ف ۱۳- ل، س، ق، و، ل[۲] (و نیز لن[۲]، س[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]) ١٤- س، و: سپردی؛ لن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- ف، ل: باینده را (!) (در ل حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق[۲]: این بنده را؛ پ: زاینده‌ام؛ و: وغم بنده را؛ متن= س، لی، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۱٦- و: بر ۱۷- ف: توزاینده را؛ لی: تن بنده را؛ پ: فزاینده‌ام؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])؛ در ق[۲]، لی، پ، آ، ب این بیت پس از بیت ۹۶۰ آمده است ۱۸- لن، پ، آ، ل[۲]: نیست؛ ق[۲]، و: بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، س، لی، ب ۱۹- ب: سفیدست؛ لن، ق[۲]، لی، پ: سپید و سیاهست؛ متن= ف، ل، س، و، آ، ل[۲]؛ در و پس از این بیت بیت ۹۶۶ آمده است؛ ف پس از بیت ۹۶۴ و و (و نیز لن[۲]) پس از بیت ۹۶۶ افزوده‌اند:

وگرنـه بـه چهـر از کسـی کـم نـیـم　　سـزای غـم و رنـج و مـاتـم نـیـم

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل[۳]، س[۲]) نیست ۲۰- ل، ق، پ، آ: بچشم؛ س، لن، ق[۲]، لی، و، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) این بیت را ندارنـد؛ متن= ف ۲۱- ل: ننگـرید (!) ۲۲- ق: < و> ۲۳- لن، پ: هنـرهای مردی؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲٤- و: یکی پر هنر مهتر؛ ل[۲]: یکی باره چون مهتر ۲۵- ف، س، ق، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): کابلی؛ لن، پ: زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲٦- لن، ق، پ، و: تاج؛ ق[۲]، آ: تخت؛ لی، ل[۲] این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، ب ۲۷- ق[۲]، آ: گنج ۲۸- ف: ابارای و با تخت وتاج سران؛ ل: ابا رای وبا تاج و تخت سران (حرف یکم واژهٔ هفتم نقطه ندارد)؛ س: ابارای و با تاج گوهر سران؛ لن، ق[۲]، پ: ابارای و با تاج داران سرای؛ ق: ابا داد و رای و ابا بخردان؛ و: ابارای و با داد و هوش سران؛ ب: ابارای و با مهر و تاج سران؛ متن= آ؛ ف، و (و نیز لن[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو زایدر برفتـی (و، لن[۲]: نشستم بکـابـل) بفـرخنـده روز　　سـپـردی مـرا کـشـور نـیـمـروز

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل[۳]، س[۲]) نیست ۲۹- لن، پ، آ، ل[۲]: یکایك؛ ف، ل، س، ق، ق[۲]، و، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): کابل؛ لی این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل، س، لن، ق[۲]، پ، و، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): رای؛ متن= ف، ق، آ، ل[۲] (و نیز س[۲]) ۳۱- ف (و نیز س[۲]): فرمان (پساوند ندارند)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲])؛ ل[۲] پس از این بیت تا بیت ۱۰۴۱ را انداخته است؛ ف پس از بیت ۹۶۸ دو بیت افزوده است که تنها بیت یکم آن در ق آمده است:

چه کرد از گنـاه و چه دیدی ازوی (ق: ازو)　　که نزدش به کینـه نهـادی تو روی (ق: رو)
دگـر آنـکـه گـفـتـی کـه بـر کـام تـو　　کـنـم شـهـره انـدر جـهـان نـام تـو

که چون[۱] کینه جویی بکارآیمت[۲] — درختی که کشتی[۳] به بار آیمت[۴]
ز مازنداران هدیه این ساختی — هم از گرگساران بدین تاختی
که ویران کنی خان آباد من؟ — چُنین داد خواهی همی[۵] دادمن؟
من اینك به پیش[۶] تو استادهام[۷] — تن بنده[۸] خشم ترا دادهام
به ارّه میانم به دو نیم کُن — ز کاول[۹] مپیمای با من[۱۰] سَخُن

سپهبد چو بشنید گفتار زال — برافراخت[۱۱] گوش و فرو[۱۲] برد یال
بدو گفت آری همینست[۱۳] راست — زبانت بدین[۱۴] راستی پادشاست[۱۵]
همه کار من با[۱۶] تو بیداد بود — دل دشمنان بر تو بر شاد بود
ز من[۱۷] آرزو خود همین خواستی — به تنگی دل[۱۸] از جای برخاستی
مشو تیز[۱۹] تا[۲۰] چارهٔ کار تو — بسازم کنون[۲۱] تیز[۲۲] بازار تو
یکی نامه فرمایم اکنون[۲۳] بهشاه — فرستم بدست تو ای[۲۴] نیکخواه
سَخُن هرچه[۲۵] باید[۲۶] به یاد آورم[۲۷] — روان و دلش[۲۸] سوی داد آورم[۲۷]
اگر یار باشد جهاندار ما[۲۹] — به کام تو گردد[۳۰] همه کار ما[۲۹]

۱- **ل، و** (و نیز **لن**[۲]): که گر؛ متن= **ف، س** (و نیز **س**[۲]) ۲- **ف، ل**: نیازارمت؛ **س**: سازمت (نقطه ندارد)؛ متن= **و** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲])؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب**: نگفتی (**لی**: تو گفتی) که هرگز نیازارمت؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در میان سطرها افزوده‌اند ۳- **س، ق**[۲]**، و** (و نیز **لن**[۲]): کاری؛ متن= **ف، ل، لن، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ٤- **ف، ل، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): به بار آرمت؛ **س**: بپیرایمت؛ متن= **لی، و** (و نیز **لن**[۲])؛ **ف، و** (و نیز **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بوم پهلوان را غلام و رهی — به کاری اگر هیچ فرمان دهی

۵- **لی**: < همی > (وزن نادرست است) ٦- **لن، لی، پ**: بنزد ۷- **ف**: ایستاده‌ام (وزن نادرست است) ۸- **لن، ق**[۲]**، پ، ب**: تن زنده؛ **و**: دل و دیده؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، آ** ۹- **ف**- آ، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- **و**: دیگر؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، پ** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بکن هر چه خواهی که پیمان (**ب**: فرمان) تراست — بکابل گزندی بود آن مراست (آ، **ب**: مرمراست)
ق[۲]: یکایك گزیدی تو جان مراست
لی: زبانم بدین راستی بر گواست (= ۹۷۵ب)

۱۱- **س، ب**: بیفراخت؛ **ق، و**: برافراخت؛ **لی** این بیت را انداخته است؛ متن= **ف، ل، لن، ق**[۲]**، پ، آ** ۱۲- **لی**: برو؛ آ: نزد ۱۳- **ل**: کاری چنینست؛ **لی** این لت را انداخته است؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ١٤- **ل، ق، و**: زبان تو بر؛ **س**، آ: زبانت برین؛ **لی**: زبانم بدین؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، پ، ب** ۱۵- **ف، ل، ق، ق**[۲]**، لی، و، آ، ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): راستی برگواست؛ متن= **س، لن، پ** ١٦- **لن، پ**: بر ۱۷- **و**: زما ۱۸- **لی، و**: بدل تنگی ۱۹- **لن، پ**: تند؛ **ق**[۲]: تیره؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] ۲۰- **لی**: با ۲۱- **س، و**، آ، **ب**: کنم؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] ۲۲- **پ**: نیز ۲۳- **س**: خواهم نبشتن؛ **ق**: بنویسم اکنون ٢٤- **ل، س، و** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): یکی؛ **لی** (ونیز **س**[۲]): بدست تو ای پرهنر؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] ۲۵- **ل**: هرچ ۲٦- **لن، پ**: باشد؛ **ق**: گوید ۲۷- **س، لن، لی، پ**: آوریم؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] ۲۸- **ف**: مگر کان دلش؛ **ب**: زبان و دلش؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲۹- **ب**: مان ۳۰- **لی**: باشد؛ **ل، لن- پ**، آ، **ب** (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

ببازو کند شیر همواره کار — هرآنجاکه اوشد(**ق**: اورا)بباید(**ق**[۲]،آ: نیاید؛ **لی**: بیاید؛ **پ**: بیامد؛ **ب**: نیابد)شکار
ل: هرآنجایگه کو بباید شکار

این بیت در **ف، س، و، ل**[۲] (ونیز **لن**[۲]، **س**[۲]) نیست

گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان بنزدیک شاه منوچهر[1]

نبیسنده[2] را پیش بنشاندند   ز هر در سَخُن ها همی راندند[3]
سرِ نامه کرد آفرین خدای   کجا هست[4] و باشد همیشه بجای
ازویست نیك و بد و هست و نیست[5]   همه بندگانیم و ایزد یکیست
هرآن چیز کو خواست اندر[6] بُوِش   برآنست[7] چرخ روان را روش[8]
خداوند کیوان و خورشید[9] و ماه   وُزو[10] آفرین بر منوچهر شاه
به رزم اندرون زهر[11] تریاك سوز   به بزم اندرون ماه[12] گیتی فروز
گراینده[13] گرز و گشاینده شهر[14]   ز[15] شادی به هرکس رساننده بهر
کَشنده[16] دِرفش فریدون به جنگ   کُشنده سرافراز جنگی پلنگ[17]
ز باد[18] دبوس[19] تو کوه بلند   شود خاكِ نعلِ سرافشان[20] سمند
همان[21] از دل پاك و[22] پاکیزه کیش   به آبشخور آری[23] همه[24] گرگ و میش
یکی بنده‌ام من[25] رسیده بجای   به[26] مردی به شست[27] اندرآورده پای
همی[28] گرد کافور گیرد سرم   چُنین داد[29] خورشید و ماه افسرم
ببستم میان را یکی[30] بنده‌وار[31]   ابا جادوان[32] ساختم کارزار
عِنان پیچ و اسپ افگن[33] و گرزدار[34]   چو من کس ندیدی به گیتی[35] سُوار

۱- ف: گفتار اندر نامه فرستادن سام بنزدیك شاه منوچهر و فرستادن زال را بخدمت؛ ل: نامهٔ سام نزد شاه منوچهر؛ س، پ: نامهٔ سام بنزد منوچهر ورفتن زال با نامه بنزد شاه منوچهر (پ: زال برسولی)؛ لن: نامهٔ سام بنزدیك منوچهر؛ ق: نامهٔ سام بشاه منوچهر ورفتن زال زر؛ ق[2]: نامهٔ سام بنزد منوچهر و فرستادن با زال؛ لی: نامهٔ سام نریمان بمنوچهر از حال زال؛ و، ب: نامهٔ سام نزد منوچهر (و: منوچهر شاه ورفتن زال زر برسولی)؛ آ: فرستادن سام زال را بنزد منوچهر؛ متن= آغاز ف ۲-ل-آ، ب(ونیزل[3]، لن[2]): نویسنده؛ متن=ف(ونیزس[2]) ۳-ف: بروخواندند؛ و: همی راندم (پساوند نادرست است)؛ متن=نه دستنویس دیگر بجزل[2](ونیزل[3]،لن[2]،س[2]) ٤-لن، لی،پ،آ: بود؛ متن=هفت دستنویس دیگر بجزل[2] ۵-ل: بدویست نیست؛ س: خداوند هست وخداوند نیست؛ لی،ب: ازویست هست وازویست نیست؛ (ل[3]: ازویست پیدا همه هست و نیست)؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجزل[2] (ونیزلن[2]،س[2]) ٦-ل،س،ق،لی،و،آ(ونیزل[3]،لن[2]،س[2]): ساخت اندر؛ لن،ق[2]،پ: ساختست از؛ متن=ف،ب ۷-لن،ق،پ: بدانست؛ و: هموداد ۸-پ: روان روش؛ لی: برسم بوش اندر آمد روش ۹-لی: بهرام ۱۰-لن،لی،پ: ازو ۱۱-ف: دهر(!)؛ متن=ده دستنویس دیگر بجزل[2](ونیزل[3]،لن[2]) ۱۲-و: هور ۱۳-لن،ق[2]،پ: گرازنده ١٤-لن: مهر؛ پ: دهر ۱۵-ل: به ۱٦-لی،آ: کشیده ۱۷-لن،ق[2]،پ: گیتی نهنگ؛ س،آ: جنگی نهنگ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن=ف،ل،لی،و،ب ۱۸-لن،لی،پ: ززخم ۱۹-ل،لن،ق[2]،لی،پ(ونیزل[3]): عمود؛ س: سنان؛ و(ونیزلن[2]): سمند؛ متن=ف،آ، ب(ونیزس[2]) ۲۰-لی: سرانشان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا درمیان سطرها افزوده‌اند؛ درس این بیت با بیت سپسین پس وپیش شده است ۲۱-ل: همی؛ ب: جهان ۲۲-ق[2]،لی: <و>؛ س: ازدل وداد؛ و: ازدل ودادو؛ ب: ازدلش پاك و؛ متن=ف،ل،لن،پ،آ ۲۳-ل،س،لن،ق[2]،پ: آرد؛ و: آید؛ متن=ف،لی،آ، ب ٢٤-ل،س،لن،ق[2]-آ، ب(ونیزل[3]،لن[2]،س[2]): همی؛ متن=ف؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در میان سطرها افزوده‌اند؛ درس این بیت با بیت پیشین پس وپیش شده است ۲۵-ل: یکی بنده هستم؛ متن=ده دستنویس دیگر بجزل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۲٦- س: ز ۲۷- ف، لی (و نیز ل[3]، س[2]): بمردی به اسب؛ لن، پ: بدو بار شست (لن: هشت)؛ ق[2]، آ: بدو شست سال؛ ب: بدو سال شصت؛ (لن[2]: بمردی نشست ← بشست)؛ متن= ل، س، ق، و؛ بنداری: أنی قد طعنت فی السن و تلفعت برداء الشیب ۲۸- آ: همان ۲۹- ل: کرد؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۳۰- س، ق[2]، لی، پ، و، آ، ب (و نیز س[2]): میان یلی؛ لن (و نیز لن[2]): میان یکی؛ متن= ف، ل، ق (و نیز ل[3]) ۳۱- س، آ، ب: مردوار؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۳۲- ق[2]: جاوِدان؛ پ: جادویان ۳۳- س: مردافکن؛ لن، لی، پ: گرد افکن؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل[2] ۳٤- لی: نامدار؛ و: نیزه‌دار ۳۵- لن، لی، پ، و: نبیند به گیتی؛ ق، ق[2]: بگیتی چو من کس نبیند (ق[2]: ندیدی)؛ متن= ف، ل، س، آ، ب؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و پس از این بیت (و نیز لن[2]) افزوده است:

بسی گاه شد تا ز گردنکشان   بگیتی منم در زمانه نشان (= ۹۹۷)
نه هنگام کین داشت کس پای من   نه بگرفت کس در جهان جای من
اگر رانم از مردی خود سخن   به عمری نیاید ز سر تا به بن

بشد[۱] آب گردان مازندران — چو من دست بردم به گرز گران
ز من گر نبودی به گیتی نشان — برآورده گردن ز گردن کشان[۲]
چُنان[۳] اَژدَها کو[۴] زِ[۵] رود[۶] کَشَف — برون[۷] آمد و کرد گیتی[۸] چو کف
زَمین شهر تا شهر پهنای[۹] او — همان[۱۰] کوه تا کوه بالای[۱۱] او
جهان[۱۲] را ازو بود دل پر[۱۳] هراس — همی داشتندی شب و روز پاس
هوا پاك دیدم ز پرّندگان — همان روی کشور[۱۴] ز درّندگان[۱۵]
ز تفّش همی پرّ کرگس بسوخت — زَمین زیر زهرش همی برفروخت
نهنگ دژم برکشیدی از[۱۶] آب — همان از هوا درکشیدی عقاب[۱۷]
زَمین گشت بی مردم و چارپای — جهانی مرو را[۱۸] سپردند جای
چو دیدم که اندر جهان کس نبود — که با او[۱۹] همی دست یارست سوَد[۲۰]
به زور جهاندار یزدان پاك — بیفگندم[۲۱] از دل همه[۲۲] ترس و باك
میان را ببستم به نام بلند — نشستم بران پیل[۲۳] پَیکر سمند
به زین[۲۴] اندرون گرزهٔ گاوسر — به بازو کمان و به گردن سپر
برفتم بسان نهنگ[۲۵] دژم — مرا تیز چنگ و[۲۶] وُرا تیز دم
مرا کرد پدرود هرکو[۲۷] شنید[۲۸] — که بر اَژدَها گرز خواهم کشید
رسیدمش و دیدم[۲۹] چو کوهی[۳۰] بلند — کشان موی سر[۳۱] بر زَمین چون کمند[۳۲]
زبانش بسان درختی سیاه — زفر بازکرده فگنده به راه
چو دو آبگیرش پر از خون دو چشم — مرا دید و[۳۳] غرّید و[۳۴] آمد به خشم
گُمانی چُنان بودم[۳۵] ای شهریار — که دارد[۳۶] مرا[۳۷] آتش[۳۸] اندر کنار

۱- **و**: برفت؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- **ل** این بیت را ندارد؛ در **و** (و نیز **لن**[۲]) این بیت به گونه‌ای دیگر آمده است (← پ۱۵)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])؛ **ف** پس از این بیت یك بیت افزوده است که تنها در **و** (و نیز **لن**[۲]) آمده است (← پ۱۵، بیت سوم) ۳- **س**: جزان؛ **لن، ق**[۲]**، پ**: چو آن؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، آ، ب** ۴- **س**: کس ۵- **ل، س، ق، لی، ب**: به؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، پ، و، آ** ۶- **ق**[۲]**، لی، و**: کوه ۷- **س، ب**: پدید؛ **آ**: همی ۸- **ب**: دریا ۹- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن**[۲]): بالای؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۱۰- **آ**: هم از ۱۱- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن**[۲]): پهنای؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۱۲- **ق**[۲]: هوا ۱۳- **س، و**: در ۱۴- **ل، لن- و، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): گیتی؛ متن= **ف، س، آ** (و نیز **س**[۲]) ۱۵- **و**: پویندگان ۱۶- **ل، س، لن، ق**[۲]**، لی، و، آ، ب**: ز؛ متن= **ف، ق، پ** ۱۷- **ل، و** (و نیز **لن**[۲]): به دم درکشیدی ز گردون عقاب؛ **س، لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]): همان از هوا تیز (**لی، ب**: نیز) پرّان عقاب؛ (**س**[۲]: فرود آوریدی ز گردون عقاب)؛ متن= **ف** ۱۸- **ل، ق**: همه یکسر او را؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، ب** (و نیز **ل**[۳]): جهان جمله او را؛ **و**: که از بیم او را؛ (**لن**[۲]: که از بیمش او)؛ متن= **ف، س، آ** (و نیز **س**[۲]) ۱۹- **لی**: وی ۲۰- **ق، و**: یارد بسود؛ **ق**[۲]: که یارست با او نبرد آزمود ۲۱- **و**: برون کردم ۲۲- **لی**: همی ۲۳- **لن**: بر پیل؛ **لی**: بدین پاك ۲۴- **س**: بچنگ؛ **ق**[۲]: بزیر ۲۵- **ب**: پلنگ ۲۶- **ل، لی، پ، ب**: <و> (وزن نادرست است)؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۷- **لن، ق**[۲]**، لی، پ**: هرکان؛ **و**: هرکس؛ (**ل**[۳]: هرکم؛ **لن**[۲]: هرك این)؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ب** ۲۸- **ف** (و نیز **ل**[۳]): بدید؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] (و نیز **لن**[۲])؛ در **آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۹- **ل، ق**: ز سر تا به دمش؛ **ق**[۲]: رسیدمش دیدم؛ **لی**: رسیدم بدیدم؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، پ، و، آ، ب** ۳۰- **ل، لن، ق، پ، آ**: کوه؛ متن= **ف، ق**[۲]**، لی، و، ب** ۳۱- **ب**: خود ۳۲- **ق**: کشان برزمین موی همچون کمند ۳۳- **ل، س، پ**: <و>؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل**[۲] ۳۴- **س، لن**: غرنده ۳۵- **ل- آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): بردم؛ متن= **ف** ۳۶- **س**: بارد ۳۷- **لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، ب** (و نیز **ل**[۳]): مگر؛ متن= **ف، ل، س، و، آ** (و نیز **لن**[۲]) ۳۸- **و** (و نیز **لن**[۲]): دوزخ

جهان پیش چشمم چو دریا نُمود   به ابر سیه برشده تیره دود
ز بانگش بلرزید روی زَمین   ز زهرش جهان[1] شد چو دریای چین[2]
برو[3] برزدم بانگ برسان[4] شیر   چُنان چون بود کار مرد دِلیر
یکی تیر الماس پیکان خدنگ   به چرخ اندرون راندَمَش[5] بی درنگ
چو شد دوخته یك کران[6] دهانش   بماند ای[7] شِگفتی به[8] بیرون زبانش[9]
هم اندر زمان دیگری همچُنان[10]   زدم بر دهانش[11] بپیچید ازآن
سدیگر[12] زدم بر میان زفرش[13]   برآمد همی جوش[14] خون از جگرش
چو تنگ اندرآورد با من زَمین   برآهختم[15] این[16] گاوسر گرز کین[17]
به نیروی یزدان گیهان خدای[18]   برانگیختم پیلتن را ز جای[19]
زدم بر سرش گرزهٔ گاوچهر   برو[20] کوه بارید گفتی سپهر
شکستم سرش[21] چون سر[22] زَنده پیل   فرو ریخت زو[23] زهر چون آب[24] نیل
به زخمی چنان شد که دیگر نخاست[25]   ز مغزش زَمین گشت با کوه راست
کَشَف رود پر خون و[26] زرداب گشت[27]   زَمین جای آرامش و خواب گشت[28]
جهانی برآن[29] جنگ نظّاره بود   که آن اژدَها زشت[30] پتیاره بود
مرا سام یکزخم ازآن خواندند   جهان[31] زرّ و گوهر برافشاندند[32]
کزو[33] بازگشتم تن روشنم   بَرَهنه بُد[34] از[35] نامور جوشنم
فرو ریخت از باره[36] بَرگُستَوان   وُزین هست[37] هرچند رانم زبان[38]

۱- **ل، لن، ق، ق۲، پ، و، آ**: زمین؛ متن= **ف، س، ب**   ۲- **لی**: ز زهرش چو دریا شده مرزچین   ۳- **ف، لی**: بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**)   ٤- **و**: مانند   ۵- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): راندم؛ **ق**: رزم را؛ متن= **ف**؛ **ف، و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

زدم بر یکی نیمه تیفوز (**و**: بیفوز؛ **لن۲**: بی فوز) اوی   بدان زخم تاریك شد روز اوی

لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز **ل۳**) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

بسوی زفر (**لن**: بسوری فرو) کردم آن تیر رام   بدان تا بدوزم (**ق**: بسوزد) زبانش بکام

ل، س هیچیك ازاین بیت ها را ندارند   ٦- **ل**: کنار از؛ **س، لن، ق۲، لی، ب، آ** (و نیز **ل۳**): کران از؛ **ق، و** (و نیز **لن۲**): کنار؛ متن= **ف، ب**   ۷- **ل- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): از؛ متن= **ف**   ۸- **ق**: ز   ۹- **و** (و نیز **لن۲**): سرین و میانش (!)   ۱۰- **ق**: دیگری را چنان   ۱۱- **و**: زدم بر دگر سو   ۱۲- **ل، ق۲، لی، آ**: سه دیگر   ۱۳- **آ**: ربرش (!)   ١٤- **آ**: موج   ۱۵- **ق**: برانگیختم (وزن نادرست است)؛ **ب**: براوردم   ١٦- **لن، ق۲، لی، پ**: آن؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**)   ۱۷- **لی**: گاو پیکر ز زین؛ **ف** این بیت را دوبار نوشته است   ۱۸- **س، ب**: کیهان خدیو   ۱۹- **س**: باره برسان دیو؛ **لی**: پیل پیکر ز جای؛ **ب**: باره را همچو دیو   ۲۰- **ق**: ابر   ۲۱- **س**: تنش   ۲۲- **ل، س**: تن؛ **لی**: < سر> (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ل۲**   ۲۳- **لن، ق۲، ب**: ازو   ٢٤- **ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ**: رود؛ متن= **ف، ق۲، ب**   ۲۵- **س، آ**: نخواست   ۲٦- **آ**: <و>   ۲۷- **و**: زهراب گشت؛ **س**: کشف رود چون خون و خوناب گشت؛ **لن، لی، پ**: کشف رود چون رود زرداب شد (**لی**: گشت)؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، ب**   ۲۸- **لن، پ**: شد؛ **ل، لن- پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه (**لی**: همان) کوهساران پر از مرد و زن   همی (**آ**: همه) آفرین خواندندی بمن

این بیت در **ف، س، و** (و نیز **لن۲**)نیست   ۲۹- **س**: برین؛ **لی**: بدان   ۳۰- **لن، پ، ب**: سخت   ۳۱- **ق**: همان؛ **و**: مهان   ۳۲- **لن، ق۲، لی، پ**: جهانی بمن (**ق۲**: برو) گوهر افشاندند؛ متن= **ف، ل، س، آ، ب**   ۳۳- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**): چو زو؛ **ق**: ازو؛ متن= **ف، ل، س، و** (و نیز **لن۲**)   ٣٤- **ف**: پدید آمد؛ **س- آ، ب** (و نیز **لن۲**): برهنه شد؛ متن= **ل** (و نیز **ل۳**)   ۳۵- **لی**: آن   ۳٦- **ق۲**: بار (!)   ۳۷- **لن، پ**: وزوهست؛ **ق۲**: کنون هست؛ **لی**: وزان هست؛ **ب**: وزینست؛ متن= **ف، ل، س، ق، آ**   ۳۸- **ف**: زبان (حرف دوم هم یك نقطه در بالا دارد و هم یك نقطه در زیر)؛ **س، لن**: زبان (حرف دوم نقطه ندارد)؛ **آ**: سخن (پساوند ندارد)؛ **ق۲**: هرچ اندرانم زیان؛ متن= **ل، ق، لی، پ، ب**؛ **و**: شد از دود زهرش تنم ناتوان

بران بوم تا سالیان بَر نبود … جز از سوخته خار و[۱] خاور نبود
چُنین و جزین[۲] هرچه بودیم[۳] رای … سران را[۴] سر آوردمی زیر پای
کجا من چمانیدمی[۵] چارپای[۶] … بپرداختی شیر درّنده جای
کنون چند سالست[۷] تا[۸] پشت زین … مرا تخت گاهست[۹] و اسپم زَمینْ[۱۰]
همه گرگساران و مازندران … برو[۱۱] راست کردم به گرزگران
نکردم زمانی بروبوم یاد … ترا خواستم راد و[۱۲] پیروز و شاد
کنون آن[۱۳] برافراخته یال من … همان زخم کوبنده گوپال من
بران[۱۴] هم که بودم[۱۵] نماند[۱۶] همی … برو گِردگاهم[۱۷] خماند[۱۸] همی
کمندی بیانداخت از دست شست … زمانه مرا باشگونه[۱۹] ببست
سپردیم نوبت کنون زال را[۲۰] … که شاید[۲۱] کمربند و[۲۲] گوپال را
یکی آرزو دارد اندر نهان … بیاید بخواهد ز شاه جهان
یکی آرزو کان به یزدان نکوست … کجا[۲۳] نیکویی زیر فرمان[۲۴] اوست
نکردیم بی رای[۲۵] شاه بزرگ … که بنده نباید که باشد سُتُرگ

۱- **لن**: خاك و؛ آ: خاك؛ **ب**: خان و؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ل[۲]**؛ **س، ق[۲]**، آ، **ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت ، **ق** بجای این بیت، و **لن، لی، پ** پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

ازان (**س،ب**: گراز؛ آ: وران) جنگ‌دیوان بگویمت (**لن،ق،ق[۲]،لی**: نگویمت) باز … ز پیکار (**ق[۲]**: ز بیداد) آن نامه گردد دراز (**ق[۲]**: براز)

این بیت در **ف، ل، و** (و نیز **لن[۲]**) نیست ۲- **ق[۲]**: جزان ۳- **لی**: دیدیم ٤- **ل**: سراسر؛ متن= **ف، س، ق[۲]، لی، و**، آ، **ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **لی** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **لن، پ** این بیت چنین آمده است (و پس از آن بیت پ ۱ را افزوده‌اند):

سرانرا سر آوردمی زیر پای … کجا من چمانیدمی چارپای (= ۱۰۳۴ب)

۵- جهانیدمی؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): چرانیدمی ٦- **ل** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بادپای؛ متن= **ف، س، ق[۲]، لی، و**، آ، **ب**؛ در **لی** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **لن، لی، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در **لن، پ** این بیت چنین آمده است:

نپرداختی شیر درّنده جای … چنین و جزین هرچه بودیم رای (= ۱۰۳۳آ)

ف پس از این بیت ۱۰۳۴ و **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از بیت ۱۰۳۵ افزوده‌اند:

در آباد و ویران نماندست جای … که آنرا نه من یاد (**و، لن[۲]**: باز) کردم بپای

۷- **و**: گاهست ۸- **ف**: بر؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۹- **ف** (و نیز **ل[۳]**): تخت وگاهست؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز **ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**) ۱۰- **لن، لی، پ**، آ، **ب**: وجایم همین؛ **ق[۲]**: و بالین زمین؛ متن= **ف، ل، س، ق، و**؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین و در **و** با بیت پ۶ پس و پیش شده است؛ در **لن، پ** پس از این بیت پ۶ آمده است ۱۱- **لن، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ب**: بتو؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): ترا؛ (**ل[۳]**: بدو)؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س** ۱۲- **لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: نیز؛ **و**: شاه و؛ متن= **ف، ل، س، ق**، آ؛ در **لی** پس از این بیت بیت ۱۰۴۱ آمده است ۱۳- **ل،ق،ق[۲]،لی،و**،آ: این؛ متن=**ف،س،لن،پ،ب** ۱٤- **ل،ق**: بدان؛ متن=نه‌دستنویس دیگربجز **ل[۲]** ۱۵- **ل،س،ق[۲]**،آ: بودی؛ **لن،لی،پ**: بود او؛ متن= **ف، ق، و، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ۱٦- آ: نماندی ۱۷- **س، ق[۲]، لی، پ، ب**: گرده‌گاهم؛ متن= **ف، ل، لن، ق**، آ ۱۸- **ل، لن، ق، ق[۲]، لی، پ**: چماند؛ **س**: حماند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: خماندی؛ متن= **ف، ب** (و نیز **ل[۳]**)؛ **و**: تك روزگارم چماند ۱۹- **س- پ**، آ، **ب** (و نیز **ل[۳]**): بازگونه؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **لن[۲]**) ۲۰- **و**: سپردم کنون جای خود زال را ۲۱- **س، لن**: که ساید؛ **و**، آ: کشاید (= که شاید) ۲۲- آ: <و>؛ در **لی** این بیت پس از بیت ۱۰۳۷ آمده است؛ **لن، ق[۲]، پ**، آ (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت و **لی** پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

چو من کردم او دشمنان کم کند … هنرهای او جای خرّم (**ق[۲]**: دل بخرم؛ آ: دلت خرم) کند

ل[۲] پس از بیت ۱۰۴۱ دوباره آغاز میگردد؛ در **س** بیت های میان ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ درهم ریخته‌اند ۲۳- **ل**: که گر ۲٤- **لن، ق[۲]، لی، پ**: پیمان؛ متن= **ف، ل، س، و**، آ، **ل[۲]**، **ب**؛ در **ق** این بیت چنین آمده است:

که آن ارزو بر به یزدان نکوست … کنون بنگری زیر فرمان اوست

ف، و (و نیز **لن[۲]**) پس از بیت ۱۰۴۳ افزوده‌اند:

ازین آرزو گرچه خیزد بداد … زما اهل و پیوند (**و، لن[۲]**: ره اصل پیوند) و نسل و نژاد

۲۵- **ل[۲]**: راه؛ **لن** این بیت را ندارد؛ **ل[۲]** پس از این بیت افزوده است:

یکی نامه بنوشت سام سوار … که شاها پسر داردم خواستار

و پس از آن سرنویس دارد: نامهٔ سام بمنوچهر و رفتن زال

همانا که با[1] زال پیمان من   شنیده‌َست شاه جهانبان من
به پیش من آمد پر از خون رخان[2]   همی چاك چاك آمدش زاستخوان[3]
مرا گفت بر دار آمل[4] کنی   سَزاتر[5] که[6] آهنگ کاول[7] کنی
چو پرورده‌ی مرغ باشد به کوه   فگنده به دور از میان گروه[8]
چُنان ماه بیند به کاولستان[9]   چو سرو سهی بر سرش گلستان[10]
چو دیوانه گردد[11] نباشد شگِفت   ازو شاه را کین نباید گرفت
کنون رنج[12] مهرش به جایی رسید   که بخشایش آرد هرآنکش بدید[13]
ز بس رنج[14] کو دید[15] بر بی گناه   چُنان رفت پیمان[16] که بشنید شاه[17]
گُسی کردمش[18] با دلی[19] مستمند   چُن[20] آمد[21] بنزدیك تخت بلند[22]
همان[23] کن که با[24] مهتری درخورد   ترا خود نیاموخت[25] باید خرد

۱- **س**: همانا ابا؛ **ف، و** پس از این بیت پنج بیت (و **لن**۲ تنها سه بیت نخستین را)افزوده‌اند:

که هر آرزو کان گو سرفراز   کند دارم آنرا بدو دست باز
بر من سوی گرگساران پیام   فرستاد از بهر این آز و کام (**و**: ریزه کام؛ **لن**۲: زیر کام)
ز مازندران من بدین کار باز   کشیدم بر شاه گردنفراز
ندیدم (**و**: بریدم) بدین آرزو راه را   ندادم ز شرم آگهی شاه را
چو برگشتم از درگه شهریار   به ره زال را خسته و سوگوار

لن، ق۲**، لی، پ**، آ، **ب** پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

که با او بکردم میان گروه   چو باز آوریدم ز (**لی**: آوریدمش از) البرز کوه
ق۲، آ: چو آوردم او را ز البرز کوه

لن، ق۲**، لی، پ**، آ، **ب** پس از بیت بالا و **ل، ق، ل**۲ (و نیز **ل**۳ پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

که ازرای اوسرنپیچم بهیچ (**ل**: نپیچیم هیچ؛ **ق**۲: نپیچم همی)   درین روزها کردزی ما (آ، **ل**۲**،ب**: من) بسیچ (**ق**۲: گربسیچم همی)
لی،پ: درین (**پ**: ازین) روزکردش سوی من (**لن**: <من>) بسیچ
لی: درین روز کرد او سوی تو بسیچ

این بیت در **ف، س، و** (و نیز **لن**۲) نیست **۲- ف، لن، ق**۲**، لی، پ، ل**۲: خون و خاك؛ متن= **ل، س، ق، و**، آ، **ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲) **۳- لی**: ز آسمان چاك چاك؛ **لن، ق**۲**، پ، ل**۲: همی آمدش زاستخوان چاك چاك؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲)؛ در **ف** لت دوم را چنین تصحیح کرده‌اند: همی آمدش ز استخوان چاك چاك **٤- ل**۲: کابل **۵-** آ: سرانرا (← سزاتر)؛ **ب**: از آن به **٦- س**: چو **۷-ف، ل، س، ق، ق**۲**، پ**، آ، **ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): کابل؛ **ل**۲: آمل؛ متن تصحیح قیاسی است **۸- ل، ق**: نشانی شده در میان گروه؛ **ل**۲: فکنده من او از میان گروه؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲)؛ پیاپی بیت های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ در **س**: ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۸ **۹- ف- ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است **۱۰- ف**: بوستان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲) **۱۱- لن، ق**۲**، پ، ب**: باشد **۱۲- ل**: رنج و؛ متن = یازده دستنویس دیگر **۱۳- س**: هرآنکس بدید؛ **و**: هرآنکس که دید؛ آ: ورا هرکه دید؛ **ب**: آورد هرکش بدید؛ متن= هشت دستنویس دیگر **١٤- ل- ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): درد؛ متن= **ف ۱۵- لن، ق**۲**، لی، پ**، آ، **ل**۲: خورد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲) **١٦- ق**: آن هم **۱۷- و** (و نیز **لن**۲): مرا روز از اندوه او شد سیاه؛ در **ف** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۱۸- و، ب**: فرستادمش **۱۹- س- لی، ل**۲**، ب** (و نیز **ل**۳): دل شده؛ **پ**: با دل؛ متن= **ف، ل، و**، آ (و نیز **لن**۲) **۲۰- ل- ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): چو؛ متن= **ف ۲۱- ل- و، ب** (و نیز **لن**۲): آید؛ متن= **ف**، آ، **ل**۲ (و نیز **ل**۳) **۲۲- و** (و نیز **لن**۲): بدان بارگاه بلند **۲۳- ق**: تو آن **۲٤-** آ: از **۲۵- ف، لن، ق**۲**، پ، ل**۲**، ب**: نیامخت؛ متن= **ل، س، ق، لی، و**، آ (و نیز **ل**۳**، لن**۲)؛ **لن** پس از این بیت یك بیت و **ق- ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲) دو بیت افزوده‌اند:

بگیتی مرا خود همینست و بس   چه اندهگسار و چه فریادرس
ز سام نریمان بشاه جهان   هزار (**ل**۲: هم از) آفرین بادو هم بر مهان (**ق**: در هر زمان)

این بیت‌ها در **ف، ل، س**، و بیت دوم در **لن** نیست

چو نامه نبشتند[۱] و شد رای راست　　ستد زود[۲] دستان و[۳] بر پای خاست
بیامد به زین اندرآورد پای　　برآمد خروشیدن کرّه‌نای[۴]

چو در کاول[۵] این داستان فاش گشت　　سر مرزبان پر ز پرخاش[۷] گشت[۶]
براشفت و[۸] سیندخت را پیش خواند　　همه[۹] خشم رودابه بر وی[۱۰] براند
چُنین[۱۱] گفت کاکنون جزین رای نیست[۱۲]　　که[۱۳] با شاه گیتی مرا پای نیست[۱۴]
که آرمت[۱۵] با دخت ناپاك تن　　کُشم زارتان بر سر انجمن
مگر شاه ایران ازین[۱۶] خشم[۱۷] و کین　　برآساید و رام[۱۸] گردد برین[۱۹]
چو بشنید سیندخت[۲۰] بنشست پست[۲۱]　　دل چاره‌جوی اندر اندیشه بست[۲۲]

۱- **ل، لن، ق، لی، و، آ**: نوشتند؛ متن= **ف، س، ق۲، پ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)　۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، ل۲، ب**: دست؛ **و**: نامه؛ متن= **ف، ل، ق، آ**　۳- **لی**: < و >؛ **پ** پس از این بیت سه بیت و **ل، ق** تنها بیت های یکم و سوم را افزوده‌اند:

چو خورشید سر سوی خاور نهاد　　بخفت و بیاسود تا بامداد
ق، پ: شب از تیرگی تاج بر سر نهاد
بخفت و بیاسود تا بامداد　　از اندیشه بر دل نیامدش یاد
چو آن جامهٔ سوده بفکند شب　　سپیده بخندید و بگشاد لب

٤- **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بسوی شهنشاه بنهاد روی　　ابا نامهٔ سام آزاده خوی (**پ**: بابك دادجوی)

و پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

ز زاولستان رخ بایران نهاد　　دلی پر ز انده سری پر ز باد

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۰۵۶ سرنویس دارند؛ **ف**: گفتار اندر رسیدن زال بنزدیك شاه منوچهر و دیدن شاه او را و پسندیدنش (و پس از آن افزوده است:) گفتار اندر ترتیب دادن آنك سیندخت را برسولی بنزدیك سام فرستد شاه کابل مهراب؛ **س، لی**: خشم گرفتن مهراب بر سین دخت (**س**: . . . از بهر رودابه)؛ **لن**: رفتن سین دخت بنزدیك سام با خواسته؛ **ق۲**: خبر یافتن مهراب کابل از خشم منوچهر؛ **پ**: آگاه شدن مهراب از کار منوچهر؛ **و**: رفتن سین دخت نزد سام نریمان؛ **آ**: آمدن سیمدخ بنزدیك سام؛ **ب**: آغاز داستان　۵- **ف- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ **و**: بکابل چو؛ (**لن۲**: یکایك چو)　٦- **ب**: شد　۷- **لی، و**: فرخاش　۸- **لی**: < و >　۹- **ل**: همی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)　۱۰- **ل** (و نیز **ل۳، س۲**): با او؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**)　۱۱- **لن، ق۲، پ- ب** (و نیز **لن۲**): بدو؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، س، ق، لی** (و نیز **ل۳، س۲**)　۱۲- **و**: نیست رای　۱۳- **س، لی، و، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): چو　١٤- **و**: نیست پای　۱۵- **س، لی، و**: بیارمت　١٦- **لن، پ**: ازان؛ **ق۲**: زمن　۱۷- **لی**: جنگ　۱۸- **س**: برآساید آرام؛ **لن، پ**: بیاساید و رام　۱۹- **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زمین؛ متن= **ف**؛ **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

به (**پ**: ز) کابل (**آ، ب**: یکایك) که با سام یارد چخید　　که خواهد از آن (**لن، پ**: همی) زخم گرزش چشید
ل، لی، ب: از آن (**لی**: مران) زخم گرزش که یارد چشید

این بیت در **ف، س، ق، و** (و نیز در **لن۲، س۲**) نیست، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند　۲۰- **پ**: چو سیندخت بشنید　۲۱- **ق۲، آ، ل۲**: پیشش نشست　۲۲- **ق**: اندران کار بست؛ **ف، و، ب** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه روز تا شب در (**ب**: و آنشب به) اندیشه بود　　دلش از بس اندیشه چون بیشه بود
ب: ز مهراب را دل پر اندیشه بود

و (و نیز **لن۲**) پس از بیت بالا دو بیت و **ب** یك بیت افزوده‌اند:

دگر روز چون خور برآمد (**ب**: هور برشد) بلند　　جهان سربسر گشت (**ب**: گشت یکسر) ازو ارجمند
بر گرد مهراب شد چاره‌جوی　　پر از چاره دل لب پر از گفت و گوی

ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲ (و نیز **ل۳**) بجای بیت های بالا و **ب** پس از بیت های بالا افزوده‌اند:

یکی چاره آورد از دل بجای (**ل۲**: که چاره بدل آورد او بجای)　　که بد ژرف بین او به تدبیر و رای (**ل، ق**: و فزاینده رای)
ق۲، ب: که او ژرف بین بد به تدبیر و رای

س (و نیز **س۲**) هیچیك از بیت های بالا را ندارند

وُزان پس دوان[۱] دست کرده به کش   بیامد بر شاه خورشیدفش[۲]
بدو گفت بشنو ز من یك سَخُن[۳]   چو دیگر یَکی[۴] کامت[۵] آید بکن[۶]
ترا خواسته گر ز بهر تن ست[۷]   ببخش و بدان[۸] کین شب آبستن ست
اگر چند باشد[۹] شب[۱۰] دیریاز   برو[۱۱] تیرگی هم نماند دراز
شود روز، چون چشمه رخشان شود،   زمین[۱۲] چون نگین بدخشان شود
بدو گفت مهراب کز باستان   مزن در میان یلان داستان
بگوی[۱۳] آنچ[۱۴] دانی و جان را بکوش[۱۵]   وگر[۱۶] چادَر خون به تن بر[۱۷] بپوش
بدو گفت سیندخت کای سرفراز   بود کهت به خونم نیاید[۱۸] نیاز
مرا رفت باید همی[۱۹] پیش[۲۰] سام   کشیدن مرین[۲۱] تیغ را از نیام[۲۲]
ز من جان و رنج[۲۳] و ز تو خواسته   سپردن به من[۲۴] گنج آراسته
بدو گفت مهراب کاینك[۲۵] کَلید   غم گنج هرگز نباید کشید
پرستنده و اسپ و تخت[۲۶] و کلاه   بیارای[۲۷] و با خویشتن بر به راه[۲۸]
مگر[۲۹] شهر کاول[۳۰] نسوزد[۳۱] به[۳۲] ما   چو پژمرده شد برفروزد به ما
چُنین گفت سیندخت کای[۳۳] نامدار   بجای[۳۴] روان، خواسته خواردار
نباید که چون من شوم[۳۵] چاره‌جوی   تو رودابه را سختی آری بروی

۱- **س، ق**[۲]: روان؛ **ب**: < دوان > (وزن نادرست است)   ۲- **لی**: وش؛ در **و** (و نیز در **لن**[۲]) این بیت چنین آمده است:

چنین گفت کای شاه خورشید فش   همه شربت بی مرادی مچش

۳- **و** (و نیز **لن**[۲]): ز من بشنو از ابتدا یك سخن   ٤- **ق**: وزانپس کجا   ۵- **ق**[۲]: رایت (یا: راست)   ٦- **لی**: پس آنگه هرآنچت مرادست کن؛ **و**: وزانپس هرآنچت بباید بکن   ۷- **ق**: زنست؛ **ق**[۲]، آ: منست   ۸- **ل** (و نیز **س**[۲]): ببین و بدان؛ **س**: بدان و بده؛ **ق**: بده تو بدان؛ **لی**: مدار اندوهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲])   ۹- **س، ق**[۲]، **لن**: باشی   ۱۰- **س، ق**[۲]، **ل**[۲]: شبی   ۱۱- آ: بدو   ۱۲- **ل، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]): جهان؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **لن**[۲]، **س**)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند   ۱۳- **ق، و**: بگو   ١٤- **ق، ق**[۲]، **پ، و**، آ، **ل**[۲]، **ب**: آنچه؛ متن= **ف، ل، س، لن، لی**   ۱۵- **لی**: بجای آرهوش   ١٦- **لی، ل**[۲]: و یا؛ **پ**: اگر   ۱۷- **س**: به سربر؛ **ق، لی**، آ، **ل**[۲]: به تن در؛ **و**: خاك و خون را به تن در؛ متن= **ف، ل، لن، ق**[۲]، **پ، ب**   ۱۸- **ق**[۲]: < نیاید > (پاك شده است)؛ **ل**[۲]: نباشد؛ **س، لن، لی، پ**: بود کت نیاید (**پ**: بیاید) بچیزی (**س**: بخونم)؛ متن= **ف، ل، ق، و**، آ، **ب**   ۱۹- **لی، ب**: همی رفت باید   ۲۰- **ل**: بنزدیك؛ متن= یازده دستنویس دیگر   ۲۱- آ: ز بن   ۲۲- **ل**: زبان برگشایم چو تیغ از نیام؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ل- پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند (در **ل، ق** وزن در لت دوم نادرست است):

بگویم بدوآنچ(**پ**،آ، **ل**[۲]،**ب**: آنچه)گفتن‌سزد(**ق**: آنچه‌بایستمی)   خرد خام گفتارها (**لن، لی**: گفتار او؛ **ل**: گفتها) را پزد
ق: سخنهای نیکو < که > بایستمی

این بیت در **ف، س، و** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) نیست   ۲۳- **ل، س، لن، ق**[۲]، **پ**، آ، **ل**[۲]: ز من رنج جان؛ **ق**: ز من رنج و جان؛ متن= **ف، لی، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   ۲٤- **ق**[۲]: تو (!)   ۲۵- **ل**: بستان؛ **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ب**: کاینت؛ (**لن**[۲]: کانك)؛ متن= **ف، ق، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])   ۲٦- **لن، لی، پ**، آ: تخت و اسب؛ **و**: اسب و گنج؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، ل**[۲]، **ب**   ۲۷- **ل، ق**: بیفروز؛ **و**: برآرای   ۲۸- **س**: ببر آنچ خواهی و بر ساز راه   ۲۹- **ل**[۲]: همه   ۳۰- **ف- ق، لی- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است   ۳۱- **پ**: بسوزد   ۳۲- **ق**: ز (ردیف نادرست است)؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ در **لن، لی، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است   ۳۳- **س، لن، لی، پ**، آ، **ل**[۲]: با؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب**   ۳٤- **لن، پ**: بخواهی؛ در **لن، لی، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است   ۳۵- **ق**: شدم

مرا در جهان انده[1] جان اوست[2]   کنون با توام روز[3] پیمان اوست[4]
یکی سخت پیمان سِتَد زو[5] نُخُست   پس آنگه به جلدی[6] ره[7] چاره جست

بیاراست تن را به دیبای زر[8]   به درّ[9] و به[10] یاقوت پرمایه سر[11]
پس[12] از گنج خضرا ز[13] بهر نثار   برون[14] ریخت[15] دینار چون سی هزار[16]
ده[17] اسپ گرانمایه با ساز زر   پرستنده پنجه به زرّین کمر[18]
به سیمین[19] ستام آوریدند سی   ز[20] اسپان تازی و از[21] پارسی
ابا طوق زرّین پرستنده شست[22]   یکی جام مر[23] هریکی را به دست
پر از مشك و کافور و یاقوت[24] و زر   یکی پر ز گوهر[25]، یکی پر شکر[26]
چهل تخت[27] دیبای پیکر[28] به زر   طرازش[29] همه گونه‌گونه گوهر
به زرّین و سیمین دو صد[30] تیغ هند   چه زو سی[31] به زهرآب داده پرند
صد اشتر همه ماده و[32] سرخ موی   صد استر همه بارکش، راه‌جوی
یکی تاج پر گوهر شاهوار   ابا یاره و طوق و با گوشوار[33]

۱- **لی، پ**: چارهٔ ۲- **ل**: تست؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳- **ف**: کنم با توام زود (در بالا **کنم** را به **کنون** تصحیح کرده است)؛ **لن، ق۲- ل۲** (و نیز **لن۲**): کنون با تو امروز؛ متن= **س، ق، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) ٤- **ل**: یکی سخت پیمانت خواهم درست؛ **لن، ق۲، لی، پ،آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ندارم همی انده خویشتن   ازویست (**ل۲**: کزویست) این درد و اندوه من

۵- آ: از؛ **لن**: زو ستد (وزن نادرست است) ٦- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲**: بمردی؛ **ق**: بزودی؛ **و**: بدانش؛ متن= **ف، ب** ۷- **ق**: در؛ **ب** در اینجا سرنویس دارد: آمدن سین دخت نزد سام ۸- **ف، ق**: دیبای و زر؛ **لن، پ**: دیبا و زر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **ق، لی، و**: به زرّ ۱۰- **و**: ز ۱۱- **لن، و**: تر؛ **لی، ب**: در؛ **پ، آ**: بر؛ **ل۲**: ولعل وگوهر؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل۳**)؛ **س، ق۲**: پرستنده پنجه به زرّین کمر (= ۱۰۸۲ب) ۱۲- آ: من ۱۳- **ل** (و نیز **ل۳**): گنج زرّش ز؛ **س**: گنج چینی ز؛ **لن، لی، پ، آ، ل۲، ب**: گنج مهراب؛ **ق**: نقد گنجی ز؛ **و** (و نیز **لن۲**): خانهٔ گنج؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ١٤- **ل**: برو؛ **ق، و**: فرو؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- **لن، لی، پ**: کرد؛ آ: آخت ۱٦- **لن، لی، پ، ل۲**: سیصد هزار؛ آ: زین بدرها سی هزار؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب**؛ **بنداری**: وأخرجت ثلاثین ألف دینار برسم النثار؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۷- **ل، ق، لی** (و نیز **ل۳، س۲**): صد؛ **لن، پ**: دو؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **لن۲**)؛ **بنداری**: وعشرة من الخیول المذکورة ۱۸- **س**: پرستنده پنجاه با زیب و فر؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- **ل**: بزرّین؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- **س، و**: از ۲۱- **ل**: ز ۲۲- **لی، آ**: شصت ۲۳- **ل**: می؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: زر؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، س، و** ۲٤- **س، لن، ل۲، ب**: یاقوت و کافور؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- **س**: برححسه (نقطه ندارد)؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: پر شراب و (**لی**: < و >)؛ **ل۲**: پر ز عنبر؛ متن= **ف** ۲٦- **لن، لی، پ**: پرگهر؛ متن= **ف، س، ق۲، آ، ل۲، ب**؛ **ل**: ز پیروزهٔ چند و چندی گهر؛ **و** (و نیز **لن۲**): طرازش همه گونه‌گونه گهر (= ۱۰۸٦ب) ۲۷- **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: جامه؛ **س، ق، ل۲**: رزمه؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ۲۸- **لن، ق۲، پ، آ، ب**: نیکو؛ **لی**: رومی؛ متن= **ف، ل، س، ق، ل۲** ۲۹- آ: هزارش؛ در **لی** این بیت پس از بیت ۱۰۸۹ آمده است؛ **و** (و نیز **لن۲**) ۱۰۸۵ب و ۱۰۸٦آ را انداخته و از ۱۰۸۵آ و ۱۰۸٦ب یك بیت ساخته‌اند ۳۰- **ف، ق، و** (و نیز **لن۲**): به زرّینه قبضه دوصد؛ **س**: بزرّین نیام بود صد (وزن نادرست است)؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ل** (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۱- **ل، ق**: جزان سی؛ **س**: چو < ز > و سی؛ **و**: ازآن سی؛ متن= **ف** ۳۲- **ل، ق**: مادهٔ؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، س، و**؛ **بنداری** نیز این بیت و بیت پیشین را دارد: ومائة قطعة من السیوف الهندیة والصوارم المشرفیة، ومائة ناقة حمر... ۳۳- **ل، ق، ق۲، لی، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): ابا طوق و بایاره و گوشوار؛ **س**: همان طوق و هم یاره و گوشوار؛ متن= **ف، لن، پ، و** (و نیز **لن۲**)؛ در **لی** پس از این بیت بیت ۱۰۸٦ آمده است

بسان سپهری یکی تخت زر[۱] | برو بافته[۲] چند گونه گوهر[۳]
بهرش[۴] خسروی بیست پهنای او[۵] | چو[۶] سیصد فزون بود بالای او[۷]
وُزان زَنده پیلان جنگی[۸] چهار[۹] | همه جامه و[۱۰] فرش کردند بار
چو برساخت کار[۱۱] اندرآمد به اسپ | چو گردی[۱۲] به کردار آذرگشسپ[۱۳]
بیامد گرازان به[۱۴] درگاه سام | نه آواز داد[۱۵] و نه برگفت نام
به کار آگهان گفت تا[۱۶] ناگهان | بگویند[۱۷] با سرفراز[۱۸] جهان[۱۹]
که آمد فرستاده‌یی کاولی[۲۰] | بنزد سپهبد یل[۲۱] زاولی[۲۲]
ز مهراب گرد آوریده پَیام | بنزد سپهبد جهانگیر[۲۳] سام
بیامد[۲۴] بر سامِ یل پرده‌دار | بگفت و بفرمود تا داد بار[۲۵]
فرود آمد از اسپ سیندخت و[۲۶] رفت | به پیش سپهبد خِرامید[۲۷] تَفت
زَمین را ببوسید و کرد آفرین | ابر شاه و بر پهلَوان زَمین
نثار و پرستنده و اسپ و پیل | رده[۲۸] برکشیده ز در تا دو میل[۲۹]
یکایک همه پیش سام آورید | سر پهلَوان خیره شد کان[۳۰] بدید
پُر اندیشه بنشست برسان مست | به کَش کرده دست و سرافگنده پست
که‌جایی کجا مایه چندین بود | فرستادن زن چه آیین بود

۱- ق[۲]: طوق زر؛ ق: بساطی بسان سپهری بزر ۲- ل (و نیز س[۲]): برو ساخته؛ س: درو ساخته؛ لن، پ: نشانده درو؛ ق[۲]، آ، ب: درو بافته؛ ل[۲]: درو یافته؛ (ل[۳]: بدو بافته)؛ متن= ف، ق ۳- (س[۲]: اندگونه گهر)؛ و (و نیز لن[۲]): برو کرده ترکیب بی مرگهر؛ لی از این بیت و بیت سپسین یك بیت ساخته است:

نشانده درو چند گونه گوهر | رسن خسروی شصت پهنای زر

٤- س، لن، ق[۲]، پ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]): رش؛ ف، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ل، آ ۵- ب: شست بالای او؛ و (و نیز لن[۲]): که صد گز فزون بود بالای اوی ٦- پ: ز ۷- ب: پهنای او؛ س (و نیز ل[۳]): سوار سرافراز بالای او؛ و (و نیز لن[۲]): مگر شست گز بود پهنای اوی ۸- ل- ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب (و نیز س[۲]): هندی؛ متن= ف، لی، و (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۹- لی: هزار؛ بنداری: و أربعة من الفیلة الهائلة ۱۰- و: جامهٔ؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ق، ق[۲]: رفتن (ق[۲]: آمدن) سین دخت برسولی نزد سام نریمان (ق[۲]: < نریمان>)؛ ل[۲]: آمدن سین دخت نزد سام با خواسته ۱۱- لن، لی، پ: چو پردخت گنج؛ ق[۲]، آ، ب: چو پردخت (ب: پرداخت) کار؛ ل[۲]: چو بر نخت (!) کار؛ متن= ف (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۱۲- و: گردان؛ در ل، س، ق این بیت چنین آمده است:

چو شد ساخته کار خود برنشست | چو گردی بمردی میان را ببست
س: عنان سست کرد آنگهی او بدست

۱۳- ف، ل، ق، ق[۲] (و نیز ل[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی ترك رومی بسر برنهاد | یکی باره‌یی زیرش اندر چو باد (ق[۲]: اندرنهاد)
ل، ق: یکی باره زیراندرش همچو باد

۱٤- لی: خرامان ز ۱۵- س: گفت ۱٦- لن، پ: از؛ لی: کز؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) ۱۷- لن، لی، پ: بگوئید ۱۸- لن، لی، پ، و: با پهلوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- ف: مهان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) ۲۰- ف- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): کابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ق[۲]: یکی؛ (ل[۳]: گو)؛ و (و نیز لن[۲]): چمان چرمهٔ زیر او ۲۲- ف- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳- ف: جهاندار؛ و (و نیز لن[۲]): بنزد جهانگیر فرخنده؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۲٤- ل[۲]: درآمد ۲۵- و: پرده‌دار (پساوند ندارد) ۲٦- ل: <و> ۲۷- ل، ق، لی، پ: خرامید و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل[۲]: زده ۲۹- لی: چو دریای نیل؛ و: زره تا دو میل؛ لی پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سیندخت نزد سام برسولی ۳۰- آ: چون

گرین[۱] خواسته زو[۲] پذیرم همه[۳]   ز من گردد آشفته[۴] شاه رمه[۵]
وگر[۶] بازگردانم از پیش، زال   برآرد بکردار سیمرغ یال[۷]
[برآورد سر گفت کین[۸] خواسته   غلامان و پیلان آراسته]
شوید[۹] این[۱۰] به گنجور دستان دهید   به‌نام[۱۱] بت[۱۲] کاولستان[۱۳] دهید[۱۴]
پری روی[۱۵] سیندخت بر[۱۶] پیش سام   زبان کرد گویا و دل[۱۷] شادکام
سه بت‌روی با او بیکجا بُدند   سمن پیکر[۱۸] و سروبالا بُدند
گرفته یکی[۱۹] جام هریك به بر[۲۰]   پُر از سرخ[۲۱] یاقوت و دُرّ و گهر[۲۲]
به پیش[۲۳] سپهبد فروریختند   همه یك به دیگر برآمیختند
چو با پهلَوان کار برساختند   ز بیگانه خانه بپرداختند
چُنین گفت سیندخت با پهلَوان   که با رای[۲۴] تو پیر گردد جوان[۲۵]
بزرگان ز[۲۶] تو دانش آموختند   به تو تیره گیهان[۲۷] بیفروختند[۲۸]
به مهر[۲۹] تو شد بسته[۳۰] دست بدی   به[۳۱] گرزت گشاده ره ایزدی
گنه‌کار اگر بود[۳۲] مهراب بود   ز خون دلش میژه[۳۳] سیراب[۳۴] بود
سرِ بی‌گناهان کاول[۳۵] چه کرد   کجا اندرآورد باید به گرد
پرستنده‌ی[۳۶] خاك پای توانند   همه شهر[۳۷] زنده برای توانند
ازآن[۳۸] ترس کو هوش و زور آفرید[۳۹]   درخشنده ناهید و هور آفرید[۴۰]

۱- **لن، پ**: اگر؛ آ: کزین **۲- ب**: زین **۳-** آ: بدیدم همی **۴- ل- و، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): آزرده؛ متن= **ف** (و نیز **ل[۳]**) **۵- لی، پ** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): شاه و رمه؛ آ: ازآن بر دل شاه باشد غمی **۶- پ**: اگر **۷- س، ق، ق[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): بال؛ **و**: نال (نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]**)؛ **لن، لی** در اینجا سرنویس دارند: دلخوشی دادن سام سیندخت را **۸- لی**: این؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **ل، س، لن، ق، ق[۲]، پ**، آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) این بیت را ندارند **۹- ل**: روید؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۰- لن- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): و؛ متن= **ف، ل، س** **۱۱- ف، پ، و** (و نیز **لن[۲]**): پیام؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۲- ل، لن، ق، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]**(و نیز **ل[۳]، س[۲]**): مه؛ متن= **ف، س، و، ب** (و نیز **لن[۲]**) **۱۳- ف- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است **۱۴- س، لن، ق، ق[۲]، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): نهید؛ متن= **ف، ل، لی، پ، و**، آ (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۱۵- لن، ق[۲]- ب**: پری چهره؛ متن= **ف، ل، س، ق** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۶- لن- پ**، آ، **ل[۲]، ب**: در؛ متن= **ف، ل، س، و** **۱۷- و**، آ: گویا دل و؛ **ل، لن- پ**، آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آن هدیهٔ او (**ل**: هدیه‌هارا پذیرفته دید   رسیده بهی و بدی رفته دید

این بیت در **ف، س، و** (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) نیست **۱۸- ق**: پری پیکر **۱۹- س**: گرفتند یك **۲۰- ل، ق** (و نیز **ل[۳]**): بدست؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): بکف؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): ز زر؛ متن= **ف** **۲۱- و**: لعل و **۲۲- س**: در و صدف؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]، ب**: در پیش صف؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **ل، ق** (و نیز **ل[۳]**): بفرمود کامد بجای نشست؛ در **ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۲۳- لن، لی، پ**: بنزد؛ در **ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۲۴- و**: فرّ **۲۵- ل[۲]**: سر پهلوانان و پشت گوان (= ۱۱۲۶ب)؛ **ب**: که ای تاج و تخت و خرد را روان؛ آ این بیت را ندارد **۲۶- ق[۲]**: < ز > **۲۷- ل، ق، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): به تو تیرگی ها؛ **س**: به فرّ تو کیهان؛ **لن، ق[۲]، پ، ب**: به تو تیره گیتی؛ **ل[۲]**؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۲۸- ل، لن- پ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): برافروختند؛ متن= **ف، س، و** **۲۹- لی**: به زور؛ آ: به بند **۳۰- ب**: شسته **۳۱- ق**: ز؛ در **س** پس از این بیت بیت ۱۱۲۰ آمده است **۳۲- ل، ق، ل[۲]**: گر بود؛ **ق[۲]**، آ، **ب**: اگر چه که؛ **و**: اگر باب (!)؛ متن= **ف، لن، س، لی، پ** **۳۳- ل، ق، ق[۲]**: دیده؛ **س**: چشم؛ **لن، لی، پ، و**، آ، **ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): مژه؛ **ب**: ز خون مژه دلش؛ متن= **ف** (حرف دوم نقطه ندارد) **۳۴- لن، ق، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**): پرآب؛ **ب**: خوناب؛ متن= **ف، ل، س، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۳۵- ف- و، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ آ: بکابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۳۶- پ- ب**: پرستنده و؛ متن= **ف- لی** **۳۷- و**: همه ساله؛ در **لن، لی، پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۳۸- لی، ب**: ازاو **۳۹- ق، لی**: زور و هوش آفرید **۴۰- پ**: آفرین (ردیف نادرست است)؛ در **س** این بیت پس از بیت ۱۱۱۶ آمده است

نیاید چُنین کارش[۱] از تو پسند / میان را به خون برهمن مبند[۲]
بدو سام یل گفت: با من بگوی / هرآنچت[۳] بپرسم بهانه مجوی
تو مهراب را کهتری[۴] گر[۵] هَمال / مران[۶] دخت او را کجا دید زال
به روی و به موی و به خوی و خرد[۷] / به من گوی[۸] تا با که اندرخورد
ز بالا و دیدار و فرهنگ اوی[۹] / برانسان[۱۰] که دیدی[۱۱] یکایك بگوی[۱۲]
بدو گفت سیندخت کای پهلَوان[۱۳] / سر پهلَوانان و پشت گَوان[۱۴]
یکی سخت پیمانْت خواهم نُخُست / که لرزان شود[۱۵] زو بر و بوم و رُست
که از تو نیاید به جانم گزند / نه‌آنکس[۱۶] که برمن بود ارجمند[۱۷]
مرا کاخ و ایوان[۱۸] آباد هست / همان گنج و خویشان و بنیاد هست[۱۹]
چو ایمن شوم[۲۰]، هر چه گفتی[۲۱]: بگوی / بگویم، بجویم[۲۲] بدین[۲۳] آب روی[۲۴]
نهفته همه گنج کاولستان[۲۵] / بکوشم رسانم به زاولستان[۲۶]
گرفت آن زمان سام دستش بدست / وُرا نیك بنواخت و[۲۷] پیمان ببست
چو بشنید سیندخت سوگند[۲۸] اوی[۲۹] / همان راست گفتار و پیوند[۳۰] اوی
زَمین را ببوسید و بر پای خاست / بگفت آنچ[۳۱] اندر نِهان بود راست
که من خویش ضحّاکم ای پهلَوان / زن گرد مهراب روشن روان
همان[۳۲] مام[۳۳] رودابه‌ی ماه‌روی / که دستان همی جان[۳۴] فشاند بروی[۳۵]
همه دودمان پیش[۳۶] یزدان پاك[۳۷] / شب تیره تا برکشد روز چاك[۳۸]
همی برتوبر خواندیم آفرین[۳۹] / همان بر جهاندار شاه زَمین
کنون آمدم تا هوای تو[۴۰] چیست / ز[۴۱] کاول[۴۲] ترا دشمن و دوست کیست

۱- **س، لن، لی، پ، و**: کار؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ۲- **ل، س، ق، ق۲، پ**: به خون ریختن در مبند (**ق۲** نخست برابر متن بوده است)؛ **ل۲**: میان بخون برهمن بر مبند (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، لن، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳- **ل، ق**: از آن کت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٤- **س**: مهتری ۵- **ف، س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): یا؛ متن= **ل** ٦- **پ**: مرا ۷- **ق**: بخوبی خرد ۸- **ف**: به من گو که؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۹- **لی، ل۲**: او؛ آ: و روی ۱۰- **س، ق، لی**: بدانسان ۱۱- **ق، ق۲، لی**: دانی ۱۲- **لی**: بگو؛ **ل۲**: بکابل بگو ۱۳- آ: نیك نام ١٤- آ: بزی همچنین جاودان شادکام ۱۵- **لن، پ، آ**: بود ١٦- **ف**: نه از کس؛ متن= **ل، لن- ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ۱۷- آ: انجمن (پساوند ندارد)؛ **س**: نه زانان کجا بندگان تواند ۱۸- **ل۲**: مرا کاخ ویران و (!) ۱۹- **لن، لی، ب**: خویشان با زور دست؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۰- **ف**: شدم؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۱- **ل، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**): گویی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ۲۲- **پ**: نجویم ۲۳- **ق، ق۲**: بدان؛ **و**: برین ۲٤- آ، **ل۲**: آب و روی ۲۵- **ف- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲٦- **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلستان؛ متن= **ف** ۲۷- **لن، ق۲- ب**: همان (**ق۲، و، آ، ل۲**: همه) عهد و سوگند و؛ متن= **ف، ل، س، ق** (و نیز **س۲**) ۲۸- **ب**: پیمان (پساوند ندارد) ۲۹- **ل- لی، آ، ل۲، ب**: او؛ متن= **ف، پ، و** ۳۰- **ب**: سوگند؛ **ق۲**: همان راست پیوندو پیمان ۳۱- **لن، ق۲، ل۲، ب**: آنك؛ **ق، و**: آنچه؛ **پ، آ**: آنکه؛ متن= **ف، ل، س، لی**؛ **ل۲** در اینجا سرنویس دارد: عهد کردن سین دخت با سام ۳۲- **ق، و**: منم ۳۳- **پ**: نام (!)؛ **ل۲**: سام(!) ۳٤- **ف**: خون؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)

۳۵- **ل، ق، لی**: بدوی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳٦- **لن، ق۲، پ، آ، ب**: نزد؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، ل۲** ۳۷- **لی**: بپای ۳۸-**ق۲**: خاك؛ **لی**: شب تیره بودیم یکسر بجای ۳۹- **لن، لی، پ**: همه بر تو خوانیم و زال آفرین؛ آ: همه بر تو خواندیم می آفرین؛ **ل۲**: همی بر تو خوانند می آفرین؛ **ب**: همه بر تو میخواندیم آفرین؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲** ٤۰- **ق۲**: <تو> (وزن نادرست است) ٤۱- **ق۲، لی، پ، و**: به؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤۲- **ف- ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است

اگـر ما گنـه‌کـار و بدگـوهـریم   بدین پادشـاهـی نه انـدرخَـوریم[1]
من اینـك به پیش توام مسـتـمـنـد[2]   بکش کُشـتـنـی را و بنـدی ببـنـد[3]
دل بی‌گنـاهـان کاول[4] مسـوز   که بس تیره روز[5] انـدرآید بروز
سَخُـن ها چو بشـنـید ازو[6] پهـلَوان   زنـی دید بارای و[7] روشـن روان
به رخ چون بهـار و به بالا چو سرو[8]   میانش چو[9] غرو و[10] به رفـتـن تذرو
چُنـین داد پاسـخ که پیمـان من   درسـتـسـت[11] اگـر نگسـلد[12] جان من
تو با[13] کاول و[14] هرکـه پیونـد تُسـت   بمـانـید شـادان دل و تـنـدرسـت
بدین[15] نیز همـداسـتـانـم که زال   به[16] گیتـی چو رودابـه خواهـد[17] هَمـال
شمـا گرچـه از گوهـری[18] دیگـرید   همـان تاج و اورنـگ را درخَـورید
چُنـین ست گیتی و زین[19] ننـگ نیست   ابـا[20] کردگـار جهـان جنـگ نیسـت
یکـی بر[21] فراز و یکـی در نِشیب   یکـی با[22] فزونـی[23] یکـی با[24] نِهـیب
یکـی از فزایش[25] دل[26] آراسـتـه   ز کمّـی[27] دل دیگـری کاسـتـه

۱- ق۲ پس از این بیت افزوده است:

مـن اینـك بـه پیـش تـو اسـتـاده‌ام   سـرم را بـفـرمـانـت بـنـهـاده‌ام

لی پس از بیت ۱۱۴۰ افزوده است:

سـر بـی‌گـنـاهـان کـابـل چـکـرد   که از جان ایشـان برآری تو گرد (= ۱۱۱۸)

۲- س: تو دل مستمند؛ ق۲: به پیش تو استاده‌ام مستمند؛ (ق۲ از بیت ۱۱۴۱ دو بیت ساخته است، ← پ۱) ۳- ل، ق (و نیز س۲): بکش گرکشی (ق: کشتنی) ور ببندی ببند؛ س، لن، ق۲- ب (و نیز لن۲): بکش کشتنی بستنی را ببند؛ متن= ف (و نیز ل۳) ٤- ف- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- ل، ق (و نیز س۲): کجا تیره روز؛ س: که بس تیرگی؛ لن، پ: کزین تیرگی؛ ق۲، لی، آ، ب: کزان تیرگی؛ و (و نیز لن۲): که بس زود روز؛ ل۲: که بس تیره شب؛ (ل۳: کجا تیرگی)؛ متن= ف ٦- لن: زو ۷- س، لن، ق، لی، پ، و، ل۲، ب (و نیز لن۲): <و>؛ متن= ف، ل، ق۲، آ (و نیز ل۳، س۲) ۸- س، و: ببالای سرو ۹- لن، لی، پ: میانی چو؛ ق۲، و، آ، ل۲، ب: میان همچو؛ متن= ف، ل، س، ق ۱۰- ق۲: <و> ۱۱- لی: همانست ۱۲- س، پ: نگسلد (نقطه ندارد)؛ لن، ق، ق۲، لی، و، آ (و نیز ل۳، لن۲، س۲): بگسلد؛ متن= ف، ل، ل۲، ب ۱۳- س: ترا ١٤- لن: کابلی؛ ف، ل، س، ق- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابل و؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- لن، ق۲، لی، پ، ب: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٦- ل، س، ق، ق۲، آ، ب (و نیز س۲): ز؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲) ۱۷- ل، لن، ق۲، لی، پ (و نیز ل۳، س۲): جوید؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ل۲، ب (و نیز لن۲) ۱۸- س، آ، ل۲: گوهر ۱۹- ق، ق۲: و این ۲۰- و: که با؛ ل، ق، ق۲ (و نیز ل۳) پس از این بیت افزوده‌اند:

چـنـان آفـریـنـد کـه آیـدش رای   نمانیم (ق: بماندیم؛ ق۲: نماندیم) و ماندیم با های های (ق: هوی و های)

۲۱- س: با؛ لن، ق، لی، پ، ل۲، ب: در؛ متن= ف، ل، ق۲، و، آ ۲۲- ف: را؛ ق: در؛ متن= ل، س، لن، لی، پ، و، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۳- ق۲: یکی شادمانی؛ آ: یکی شادمان و ۲٤- ف: را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۵- لن، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): فزونی؛ س، ق، ق۲ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، و (و نیز لن۲، س۲) ٢٦- ل، و (و نیز لن۲): شد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، س۲) ۲۷- لی: ز تنگی؛ لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

سرانجـام هردو بخـاك انـدر است (لی، آ: اندرند)   که‌هرگوهری‌کشتهٔ(ق۲: کشت وی؛ آ: کشته‌زی؛ ل۲، ب: کشت زی)گوهرست

لی: که هر گوهر از گونهٔ دیگرند

این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن۲) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ق پس از بیت ۱۱۵۱ و ق۲ (و نیز ل۳) پس از بیت بالا افزوده‌اند:

بکـوشـم چنـین از (ق۲: کنـون کز) پی کار تو   وزیـن لابـه و نـالـهٔ زار تـو

یکی نامه با لابه و[۱] دردمند نبشتم[۲] بنزدیک[۳] شاه بلند
بنزد منوچهر شد زال زر چُنان شد که گفتی[۴] برآورد پر
به زین اندرآمد که زین را ندید همان نعل اسپش زَمین را ندید[۵]
بدین[۶] زال را شاه پاسخ دهد چو خندان شود، رای[۷] فرّخ نهد
که پرورده‌ی مرغ بی دل شدهَست از[۸] آب مژه پای در[۹] گِل شدهَست
عروس ار[۱۰] به مهراندرون همچنوست[۱۱] سَزد گر برآیند هر دو ز پوست[۱۲]
یکی روی آن[۱۳] بچّه‌ی اَژدَها مرا[۱۴] نیز بنمای[۱۵] و بستان بها
بدو گفت سیندخت: اگر[۱۶] پهلَوان کند بنده را شاد و روشن روان
چماند[۱۷] به کاخ من اندر سمند سرم برشود بآسمان[۱۸] بلند
به کاول[۱۹] چنو[۲۰] شهریار آوریم همه پیش او[۲۱] جان نثار آوریم
لب سام سیندخت پر خنده دید[۲۲] همه[۲۳] بیخ[۲۴] کین از دلش کنده دید[۲۲]
نوندی[۲۵] دلاور[۲۶] بکردار باد برافگند و مهراب را مژده داد[۲۷]
کز[۲۸] اندیشه‌ی بد مکن یاد هیچ[۲۹] دلت شاد کن، کار مهمان بسیچ[۳۰]
من اینک پس نامه اندر دمان بیایم، نجویم[۳۱] به ره بر زمان

دوم[۳۲] روز چون چشمه‌ی آفتاب بجنبید[۳۳] و بیدار شد سر ز خواب
گرانمایه سیندخت بنهاد روی به درگاه[۳۴] سالار دیهیم جوی

۱- **لی، پ**: لابهٔ؛ **و**: یکی نامهٔ کرده‌ام **۲- ل، لن، ق، لی، پ، آ**: نوشتم؛ **و**: بنزد؛ متن= **ف، س، ق[۲]، ل[۲]، ب** **۳- و**: منوچهر **٤- پ**: گویی؛ **ل[۲]**: چنان رفت گفتی **۵- لن، لی، پ** این بیت را ندارند **٦- لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: برین؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ب** **۷- ل[۲]**: راه **۸- آ**: ز **۹- ف**: پر (حرف یکم با یك نقطه، ولی به پیش است)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۰- س**: عروسش **۱۱- ل** (و نیز **ل[۳]**): همچو تست؛ **لن، ق، لی، پ، و، ب**: همچو اوست؛ **ق[۲]**: همچو تست (پساوند نادرست است)؛ متن= **ف، س، آ، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) **۱۲- ل** (و نیز **ل[۳]**): سزد گر بمانید هردو درست؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): سزد گر برآییم هر دو ز پوست؛ آ: سزد گر برانند هر دو ز دوست؛ **ب**: سزد گر برآیند ز پوست (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س[۲]**) **۱۳- پ**: از آن **۱٤- ق[۲]**: مران **۱۵- ف، ب**: بنما؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت دو بیت، و **ق[۲]** (و نیز **ل[۳]**) تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

که بالا چنین باید و روی و موی همان هم برآوردهٔ تو بخوی
مگر دیدن او پسند آیدم که دیدار او سودمند آیدم

۱٦- ل، ق، گر؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۷- لی، پ، آ**: جهاند **۱۸- لی، ل[۲]**: زآسمان؛ **و**: سرم برفرازد بچرخ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۹- لن، ق[۲]** (و نیز **س[۲]**): یکایك؛ **ف، ل، س، ق، لی- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): به کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۲۰- لی**: چو تو **۲۱- لن، لی، پ**: تو؛ **ق**: وی؛ در **ق[۲]** این بیت چنین آمده است:

یکایك همه جان نثار آوریم درخت پرستش ببار آوریم

لن، ق[۲]، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بخنده بدو گفت سام دلیر کز اندیشه دل را مکن هیچ خیر (**ق[۲]**: تیر؛ **لی، پ**: سیر؛ **ب**: پیر)
برآید بکام تو این (**ق[۲]، ب**: تو بر) کار زود چو بشنید سین دخت پوزش (**ق[۲]، ب**: خدمت) نمود
بیامد از آنجایگه شادکام (**ق[۲]، ب**: شادمان) رخ از خرّمی گشته یاقوت فام
ق[۲]، ب: بچهره شده چو گل و (**ب**: < و >) ارغوان

۲۲- ق[۲]: بود **۲۳- س، لن، پ**: همان؛ آ: همین؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲٤- ل، ق**: تخم؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **لن، لی** در اینجا سرنویس دارند، **لن**: مژده دادن سین دخت مهراب را؛ **لی**: مژده فرستادن سین دخت بمهراب کابل **۲۵- ل[۲]**: نویدی **۲٦- س**: تکاور **۲۷- ب**: نیایم کنم هر چه او گفت یاد (!)؛ **پ** این بیت را ندارد **۲۸- و**: که **۲۹- لی**: هیچ یاد (پساوند ندارد)؛ **س، لن، پ**: کز اندیشه دل را مکن رنجه هیچ (**لن**: هیچ یاد؛ **پ**: یاد هیچ)؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، ق[۲]، آ، ل[۲]** **۳۰- پ**: ساز مهمان بسیچ؛ **لن**: دلت شاد گردان بدین روز شاد **۳۱- ل[۲]**: بجویم؛ **ب** این بیت را ندارد **۳۲- و**: دگر **۳۳- لن، لی، پ**: بخندید؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳٤- لن، لی، پ، و**: بنزدیك؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

ز شادی جهان بر دلش چون بهشت شده کارهایش همه خوب زشت

روارو برآمد ز درگاه سام — مه[۱] بانوان خواندندش به نام
بیامد بر سام[۲] و بردش نماز — سَخُن گفت با او[۳] زمانی دراز
به دستوری بازگشتن بجای[۴] — شدن شادمان پیش[۵] کاول[۶] خدای
دگر ساختن کار مهمان نو[۷] — نُمودن به داماد پیمان نو[۸]
وُرا[۹] سام یل گفت: برگرد و رَوْ — بگوی[۱۰] آنچ[۱۱] دیدی[۱۲] به مهراب گُوْ
سَزاوار او خلعت آراستند — ز گنج آنچ[۱۳] پرمایه‌تر خواستند
به کاول[۱۴] دگر[۱۵] سام را[۱۶] هرچه[۱۷] بود — ز کاخ و ز باغ[۱۸] و ز کشت و درود
دگر چارپایان دوشیدنی — ز گستردنی هم[۱۹] ز پوشیدنی
به سیندخت بخشید[۲۰] و دستش بدست — گرفت و یکی سخت[۲۱] پیمان ببست
پذیرفت[۲۲] مر دخت او زال را[۲۳] — خداوند ژوپین و گوپال را[۲۴]
سرافراز گردی و مردی دویست[۲۵] — بدو داد و[۲۶] گفتش[۲۷] که اکنون[۲۸] مه‌ایست
به کاول[۲۹] بباش[۳۰] و به شادی بمان — ازین پس مترس از بد بدگُمان
شکفته شد آن روی پژمرده[۳۱] ماه — به نیك اختری برگرفتند راه

گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال[۳۲]

۱- **ق[۲]، پ، ب**: همه؛ در **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۲- و**: بدستان (!) **۳- ق**: وی **٤- و**: زجای **۵- ل**: سوی؛ **ق**: نزد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **٦- ف- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۷- ق[۲]، پ، آ**: پیمان تو؛ **ل[۲]، ب**: پیمان نو؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، س، لن، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۸- ق[۲]**: مهمان تو؛ **ل[۲]، ب**: مهمان نو؛ **لن، پ**: ببودن بنزدیك مهمان نو (**پ**: تو)؛ آ: نمودن بدان ماه مهمان تو؛ متن= **ف، ل، س، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۹- ب**: مرا **۱۰- ل، لن، ق، پ، و**: بگو؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۱- ق[۲]، لی، پ، و، آ، ل[۲]، ب**: آنچه؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق** **۱۲- آ**: گفتی **۱۳- ق، ق[۲]، پ، و، آ، ل[۲]، ب**: آنچه؛ متن= **ف، ل، س، لن، لی**؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

هم از بهر مهراب و (**لن، ق[۲]، لی**: < و >) سین دخت باز — هم از بهر رودابهٔ مهر ساز

این بیت در **ف، ل، س، ق، و** (و نیز در **لن[۲]**) نیست **١٤- ف، س- ب** (و نیز **لن[۲]**): بکابل؛ **ل** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): یکایك؛ متن تصحیح قیاسی است **۱۵- ل**: در **١٦- لن، پ**: یل **۱۷- ل، س، لن**: هرچ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۸- و، آ**: ز باغ و زکاخ **۱۹- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: و؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۰- س، لی، پ، ل[۲]، ب**: < و >؛ **لن**: فرمود؛ متن= **ف، ل، ق، ق[۲]، و، آ** **۲۱- ل، لن، پ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): نیز؛ **ق**: عهدو؛ **ق[۲]، لی، و** (و نیز **لن[۲]**): تازه؛ متن= **ف، س، آ** **۲۲- س، لن، لی، پ**: بپذرفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۳- ل** (و نیز **ل[۳]**): او را بزال؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **٢٤- ل**: که باشند هر دو بشادی همال؛ **س، لن، ق، لی- ب** (و نیز **س[۲]**): بزین اندر افکند کوپال را؛ **ق[۲]**: خداوند شمشیر و کوپال را؛ (**ل[۳]**: که با زال رودابه باشد همال؛ **لن[۲]**: بدین در فکندند کوپال را)؛ متن= **ف** **۲۵- ل[۲]**: سرافراز گردان سرکش دویست **٢٦- لی**: < و > **۲۷- لن، لی**: گفتا **۲۸- ل، ق** (و نیز **س[۲]**): ایدر؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۲۹- ف- ق، لی- ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بکابل؛ **ق[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): یکایك؛ متن تصحیح قیاسی است **۳۰- آ**: بران **۳۱- و**: روی پوشیده؛ **ل، ق** پس از این بیت دو بیت و **لی، پ** تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

بشد مادر دختر پاك تن — خنك مادر دختر نیك زن
کنون گوش کن رفتن (**لی**: رفتن و) کار زال — که شد زی منوچهر فرخنده فال

۳۲- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال و فرستادن لشکر را پذیرهٔ او و نواختن او را؛ **س، ق[۲]، ل[۲]، ب**: رسیدن (**ب**: آمدن) زال نزد (**ق[۲]، ب**: بنزد) منوچهر (**ل[۲]**: و اجازت او)؛ **لن**: آگاهی یافتن منوچهر از رسیدن زال سام؛ **ق**: رسیدن زال ببارگاه منوچهر شاه با نامهٔ سام؛ **لی**: رسیدن زال بدرگاه منوچهر؛ **پ**: آمدن زال با نامهٔ سام بنزد منوچهر؛ **و**: گفتار اندر نواختن منوچهر شاه زال زر را؛ آ: رسیدن زال بنزدیك شاه منوچهر؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف**

پس آگاهی آمد سُوی شهریار   که آمد ز ره زالِ سامِ سُوار
پذیره شدندش همه سرکشان   که بودند در پادشاهی نشان
چُن آمد[1] بنزدیکی بارگاه[2]   سبک نزد شاهش[3] گشادند راه
چو نزدیك شاه اندرآمد زَمین   ببوسید و[4] بر شاه کرد آفرین
زمانی همی داشت بر خاك روی   بدو داده[5] دل شاه[6] آزرمجوی[7]
بفرمود تا رویش از خاك[8] خشك   ببردند شادان سُوی گَردِ مشك[9]
بیامد بر تخت شاه ارجمند   بپرسید ازو شهریار بلند
که چون بودی ای پهلوان زاده مرد[10]   بدین[11] راه دشخوار[12] با باد و گرد[13]
به فرّ تو[14] گفتا همه بهتریست[15]   ابا تو همه رنج رامشگریست[16]
ازو بستَد آن نامه‌ی پهلوان   بخندید و شد شاد و روشن روان
چو برخواند پاسخ چُنین داد باز   که رنجم[17] فزودی به دل بر دراز[18]
ولیکن بدین نامه‌ی دلپذیر   که بنبشت[19] با[20] درد دل سام پیر
اگرچه مرا هست دل زین دژم[21]   برآنم[22] نه‌اندیشم[23] از بیش و کم
بسازم برآرم[24] همه کام[25] تو   گر[26] اینست آرام و فرجام[27] تو

ببردند خوالیگران خوان زر   شهنشاه بنشست با زال زر[28]
بفرمود تا نامداران همه   نشستند بر خوان شاه رمه[29]

۱- **ل- لی، و،** آ، **ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): چو آمد؛ **پ**: برآمد؛ متن= **ف** (و نیز **س**[2]) **۲- لن، ق**[2]، **پ،** آ، **ب**: پادشاه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳- س**: راهش **٤- لی**: < و> **۵- ل، س، لن، ق، پ** (و نیز **ل**[3]): داد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) **٦- ل**[2]: چو (وزن نادرست است) **۷- ف**: آرامجوی؛ (**س**[2]: آزاده خوی)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2])؛ **ف، و** (و نیز **لن**[2]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو زان سان همی بود افتاده دیر   دلش از نیایش نمی‌گشت سیر

۸- **لی**: خار **۹- ل، ق** (و نیز **ل**[3]): ستردند و بروی پراکند (**ل**[3]: فشاندند) مشك؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) **۱۰- ل**: پهلو رادمرد؛ **ق**: پهلوان رادمرد؛ **ب** (و نیز **لن**[2]): پهلوان زادمرد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۱۱- لن، لی**: ازآن؛ **ق**: برین؛ **پ**: ازین؛ آ، **ل**[2]: درین؛ متن= **ف، ل، س، ق**[2]، **و، ب** **۱۲- ل- ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): دشوار؛ متن= **ف** **۱۳- ق**: پر باد و گرد؛ **ل**[2]: بباد و بگرد (وزن نادرست است) **١٤- ل**[2]: بفرمود **۱۵-** (**ل**[3]: همه ره‌گذار) **١٦- ل، ق**: همه روزمان بزم و رامشگریست؛ (**ل**[3]: ز خوشی تو گویی که بد چون بهار)؛ متن= **لن، ق**[2]، **لی، پ،** آ، **ل**[2]، **ب** (و نیز **س**[2])؛ **ف، س، و** (و نیز **لن**[2]) این بیت را ندارند، ولی **بنداری** نیز آنرا داشته است: فقال کل تعب یفضی الی لقائك فهو راحة و سرور، و کل عناء یقع فی الطریق الیك فهو مسرة و حبور **۱۷- ل، س، لی، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): رنجی؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۸- لن، لی، پ**: بدل در (**لی**: بر) فراز؛ **ق**[2]: بران بردراز؛ **ب**: بدل در دراز؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۹- ل- لی، و- ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): بنوشت؛ متن= **ف، پ** **۲۰- لی**: از **۲۱- ل، ق**: ازین دل دژم؛ **س**: اگر چه دلم هست ازین خود نژند (پساوند ندارد)؛ **لن، لی، پ**: اگر چه دلم گشت ازین بس دژم؛ **ق**[2]، آ، **ل**[2]، **ب**: اگر چه دلم هست ازین (**ق**[2]: ازآن؛ **ل**[2]: زین) بس (**ل**[2]: پس) دژم؛ **و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): اگر چه دلم هست ازین در دژم؛ متن= **ف** **۲۲- لی**: برآرم؛ **و**: ز بهرش **۲۳- ل، ق** (و نیز **ل**[3]): که نندیشم؛ **لن،** آ: براندیشه؛ **ق**[2]: نه اندیشه؛ **و، ب** (و نیز **لن**[2]): نیندیشم؛ متن= **ف، س، لی، پ، ل**[2] (و نیز **س**[2]) **٢٤- لن، ق**[2]، **لی، پ،** آ، **ل**[2]، **ب**: برآرم بسازم؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) **۲۵- ق**[2]: کار **٢٦- لن، ق، ق**[2]، **لی، و،** آ، **ل**[2]، **ب**: که؛ متن= **ف، ل، س، پ** **۲۷- ل، ق** (و نیز **س**[2]): فرجام آرام؛ **س**: فرجام و آرام؛ **لن، پ، ل**[2]، **ب**: انجام و فرجام؛ **ق**[2]: انجام و فرخار؛ **لی**: آغاز و انجام؛ آ (و نیز **ل**[3]): فرجام و انجام؛ **و**: که فرجام از اینست آرام؛ متن= **ف**؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

تو یکچند اندر (**ق**: نزدم) بشادی (**پ**: میباش نزدم) بپای   که تا من بکارت زنم نیك رای

۲۸- لن، لی، پ: با زیب و فر **۲۹- ف**: نشستند با شاه بر خوان همه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2])

چو از خوان[۱] خسرو بپرداختند   به تخت[۲] دگر جای می ساختند[۳]
چو می[۴] خورده شد نامور پور سام   نشست از بر اسپ[۵] زرّین ستام
برفت و بپیمود بالای شب   پر اندیشه دل، پر ز گفتار لب[۶]
بیامد به شبگیر بسته کمر[۷]   به پیش[۸] منوچهر پیروزگر[۹]
برو[۱۰] آفرین کرد شاه جهان   چو برگشت[۱۱] بستودش[۱۲] اندر نهان
بفرمود تا موبدان و ردان   ستاره‌شناسان و هم بخردان
کنند[۱۳] انجمن پیش تخت بلند   به کار[۱۴] سپهری پژوهش کنند
برفتند و بردند رنج دراز   که تا[۱۵] با ستاره چه یابند راز[۱۶]
سه روز اندران[۱۷] کارشان شد[۱۸] درنگ   برفتند با زیج رومی[۱۹] به چنگ[۲۰]
چهارم برفتند زی شهریار[۲۱]   که کردیم با چرخ گردان شمار
چُنین[۲۲] آمد از داد[۲۳] اختر پدید   که این آب، روشن بخواهد دوید[۲۴]
ازین دخت مهراب و ز پور[۲۵] سام   گوی بَرمنش[۲۶] زاید و[۲۷] نیك نام[۲۸]
بود زندگانیش بسیار مر   همش زَهره[۲۹] باشد، همش زور[۳۰] و فر
همش برز[۳۱] باشد، همش تیغ[۳۲] و یال   به رزم و به بزمش[۳۳] نباشد هَمال
کجا باره‌ی او کند موی تر   شود خشك هم‌رزم او را جگر
عقاب از بر ترگ او نگذرد   سران جهان را به کس نشمرد

۱- آ: خان   ۲- آ: تختی   ۳- **س، لن، ق۲**: جای برساختند   ٤- **لی**: نان   ۵- **لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ببردند (**آ**: بیاورد) بالای؛ متن= **ف، ل، س، ق**   ٦- **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **ل** پس از این بیت و **ق** بجای این بیت افزوده‌اند:

چو شنگرف بر تختهٔ سیم فام   بگسترد خورشید رخشنده (**ق**: جسته ز) دام

۷- **لی**: میان   ۸- **س، لی**: بنزد   ۹- **لن، پ**: با زیب و فر؛ **لی**: شاه جهان؛ در **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است   ۱۰- **لی**: بدو   ۱۱- **و**: بنشست   ۱۲-**ل۲**: بشنودش (!)؛ در **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی پیت های متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**)   ۱۳- **ل۲**: کند   ١٤- **س، لن، ق، ق۲، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): زکار؛ **لی**: زراز؛ متن= **ل، و** (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ **ف** این بیت را ندارد؛ **بنداری**: فأمر بجمع العلماء و الحکماء و من تبحر من المنجمین، وأمرهم بالبحث فی طالع زال، والتنقیب عن سرالفلك فی أمره. . .   ۱۵- **ق**: از   ١٦- **ل، لن**: دارند راز؛ **لی**: دارد براز؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱۷- **ف**: اندرین؛ متن= **ل، لن- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)   ۱۸- **لی**: < شد > (وزن نادرست است)؛ **ق**: کار شدشان؛ **س**: چو سه روزشان اندران شد   ۱۹- **لن، پ**: هندی   ۲۰- آ: برفتند با رنج و غم سوی جنگ   ۲۱- **ل، س، لن، ق، لی- ب** (و نیز **ل۳، س۲**): زبان برگشادند بر (**ل۲، ب**: با) شهریار؛ **ق۲**: چنین یاد کردند بر شهریار؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**)   ۲۲- **لی**: چنان   ۲۳- **لن، لی، پ، آ**: رای؛ **ق**: سیر؛ **ق۲، ب** (و نیز **ل۳**): راه؛ **و** (و نیز **لن۲**): چرخ و؛ **ل۲**: راز؛ متن= **ف، ل، س** (و نیز **س۲**)   ۲٤- **لن**: نباشد پلید؛ **ق**: بخواهد دمید؛ **پ، آ**: بخواهد برید؛ **و**: بخواهد دوید؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۲۵- **ف**: و دستان؛ **س، لن، ق۲، لی، آ، ب** (و نیز **لن۲**): و از پور؛ (**س۲**: با پور)؛ متن= **ل، ق، پ، و، ل۲** (و نیز **ل۳**)   ٢٦- **ف، پ، آ**: پرمنش (در **ف** حرف یکم با یك نقطه، ولی به پیش)   ۲۷- **س، لن، ق، لی، ل۲**: < و > (وزن نادرست است)؛ **و**: آید < و > (وزن نادرست است)   ۲۸- **ق۲، ب**: برآید یکی تیغ تیز از نیام؛ آ پس از این بیت یك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰پ)؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

یکی شیر ازین زال پیدا شود   ز مردی سرش بر ثریا شود

۲۹- **ل، س، لن، ق، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): زور؛ **ق۲** (و نیز **س۲**): هوش؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف**   ۳۰- **ل**: برز؛ **س**: تاج؛ **ق، و، آ، ل۲، ب**: هوش؛ **ق۲** (و نیز **س۲**): زور؛ (**ل۳**: نام)؛ **لن، لی**: هم آیین؛ متن= **ف**؛ **ب** پس از این بیت یك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰پ)   ۳۱- **س**: گرز؛ **لن، ق۲، پ، آ، ب**: زهره؛ **لی، ل۲**: زور؛ متن= **ف، ل، ق، و**   ۳۲- **ل، ق**: شاخ؛ **لی**: فرّ؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۳۳- **ق**: ببزم و برزمش؛ **ق۲** پس از این بیت، آ پس از بیت ۱۲۰۸ و **ب** پس از بیت ۱۲۰۹ افزوده‌اند:

پدیدار گردد یکی (**آ، ب**: یلی) زورمند   که نبود چنو زیر چرخ بلند

یکی برزبالا بود فَرّمند[1]   همه[2] شیر گیرد به خَمّ کمند
بر[3] آتش یکی گور بریان کند   هوا را به شمشیر گریان کند
کمربستهٔ شهریاران بود   به ایران پناه سُواران بود[4]
چُنین گفت پس شاه گردن فراز[5]   کزین[6] هرچه[7] گفتید دارید راز[8]
بخواند آن زمان زال را شهریار   کزو خواست کردن سَخُن خواستار[9]
بدان تا بپرسند ازو چند چیز   سَخُن های پوشیده[10] در پرده نیز[11]

گفتار اندر سخن پرسیدن موبدان از زال[12]

نشستند بیداردل بخردان[13]   همان زال با نامور موبدان[14]
بپرسید مر زال را[15] موبدی   ازآن پیش بین تیزهش بخردی[16]
که از[17] دەودو تاه[18] سرو سهی[19]   که رُستەست شاداب[20] با فرّهی
از آن هریکی برزده[21] شاخ سی   نگردد کم و بیش بر[22] پارسی
دگر موبدی گفت کای[23] سرفراز   دو اسپ گرانمایه و[24] تیزتاز
یکی زو[25] بکردار دریای قار   یکی[26] چون بلور سپید[27] آبدار
به رنج اند و[28] هردو شتابنده‌اند[29]   همان[30] یکدگر را نیابنده‌اند[31]

۱- **س، ق، لی، و**: زورمند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **ل** (و نیز **ل**[3]): همي؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) ۳- **لی**: به؛ در **ل، ق، و** (و نیز **لن**[2]) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ٤- در **لن** این بیت چنین امده است:

پرستندهٔ تخت ایران بود   اگر چند با زور شیران بود

۵- **س**: گردن کشان؛ **ف**: چنین گفت با موبدان سرفراز؛ **لن، لی، آ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ٦- **ق**[2]، **ب**: که این ۷- **ل، س**: هرچ؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ۸- **س**: دارد نشان ۹- **لن، آ** این بیت را ندارند ۱۰- **لن، پ**: پاکیزه؛ **ق**[2]، **ب**: بنهفته؛ **لی**: بدرفته؛ آ: بیهوده؛ **ل، ق** (و نیز **ل**[3]، **س**[2]): نهفته سخنهای؛ متن= **ف، س، و، ل**[2] (و نیز **لن**[2]) ۱۱- **ل** (و نیز **ل**[3]): دیرینه نیز؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]، **س**[2])؛ **ف** این بیت را دوبار نوشته است؛ در **لن، ق**[2]، **لی، پ، آ، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- **ف**: گفتار اندر پرسیدن موبدان مسل ها (!) از زال زر اندر حکمت و کار این جهان و آن جهان؛ **س، پ**: پژوهش کردن موبدان از زال (**س**: . . . و پاسخ دادن زال موبدان را)؛ **لن**: سؤال کردن موبدان از زال زر؛ **ق، ب**: سؤال موبدان از زال (**ق**: . . . پیش منوچهر شاه)؛ **ق**[2]: در سخنها که موبدان از زال پرسیدند؛ **لی**: پرسیدن زال بخردان را؛ **ل**[2]: سؤال کردن موبدان از زال و جواب او؛ **ل، آ** سرنویس ندارند؛ متن= **و** ۱۳- **لن، ق**[2]، **پ، آ، ب**: موبدان؛ **ل**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ١٤- **ق**[2]، **آ، ب**: بخردان؛ **لن، پ**: ازآن (**پ**: ازین) تیزهش نامور بخردان؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و**؛ در **لن، ق**[2]، **لی، پ، آ، ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- **لن، پ**: بپرسید از زال زر ١٦- **ل- ب**: ازین تیزهش راه بین (**لن، آ**: راه‌بر؛ **لی**: رای بر؛ **و**: نامور) بخردی؛ متن= **ف** ۱۷- **س، ق، و، آ، ل**[2]، **ب**: که آن؛ متن= **ف، ل** ۱۸- **ل، س، ق، و** (و نیز **لن**[2]): تای؛ آ: تازه؛ **ب**: تاز؛ **ل**[2]: ده و < دو > بای؛ متن= **ف** (و نیز **ل**[3]، **س**[2]) ۱۹- **لن، پ**: که دیدم ده و دو درخت سهی؛ **ق**[2]، **لی**: که چیست آن ده و دو ز سرو سهی ۲۰- **س**: که گشتست شاداب؛ **لی**: که تازست و شاداب و؛ **و**: که شاداب رستند و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- **لن، لی، پ، ل**[2]: ازآن (**لی**: ازو) برزده هر یکی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- **ل، ق، پ** (و نیز **ل**[3]): در؛ **و** (و نیز **لن**[2]): از؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س**[2])؛ **ف** پس از این بیت و **و** (و نیز **لن**[2]) پس از بیت ۱۲۲۵ افزوده‌اند:

کجا رسته‌اند از کدامین چمن   بگو گر ازان آگهی همچو من

در **و** (و نیز در **لن**[2]) بیت های میان ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۶ در هم ریخته‌اند: ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۲پ، ۱۲۲۳، ۱۲۲۶ ۲۳- **ق**: ای ۲٤- **س- آ، ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): گرانمایهٔ؛ متن= **ف، ل، آ** ۲۵- **لی، پ**: زان ۲٦- **و**: دگر ۲۷- **و**: سفید ۲۸- **لن، آ، ل**[2]: بجنبد؛ **ق**[2]: نجنبند و؛ **پ، ب**: بجنبند و؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق** ۲۹- **س، لن، پ، ل**[2]: شتابند می؛ آ: شتابندهٔ؛ (**ل**[3]، **س**[2]: شتابند همی)؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[2]، **ب**؛ **و** (و نیز **لن**[2]): شتابنده هردو برنج اندرند ۳۰- **ق**: همی ۳۱- **لن، پ، ل**[2]: نیابند می؛ آ: نیابندهٔ؛ (**ل**[3]، **س**[2]: نیابند همی)؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[2]، **ب**؛ **س**: تك یکدگر در نیابند می؛ **و** (و نیز **لن**[2]): همه ساله بر ضد یکدیگرند

سدیگـر[1] چُنـین گفـت[2] کان سی سُوار — کجـا بگـذرانـنـد بر شهـریار[3]
یکـی کم شود باز چون بشـمـرنـد[4] — همـان سی بود[5] راست[6] چون بنگـرنـد[7]
دگـر گفـت کان برکـشـیده دو سرو[8] — ز[9] دریای بامـوج[10] برسـان غرو
یکـی مُرغ دارد بریشـان[11] کُنـام — نِشـیمش به بامـین بود گه به شام[12]
ازین چون[13] بپـرّد شود[14] برگ[15] خشـك — بران[16] برنـشـینـد دهـد بوی مشـك
ازین[17] دو همـیشـه یکـی آبـدار[18] — یکـی[19] پژمـریده شده[20] سوگـوار
به پنـجـم چُنـین گفـت[21] کان مرغـزار — که باشـد پر از رنـگ و بوی و نگـار[22]
گیاهـا ز هرگـونـه‌یی[23] ترّ و خشـك — که آید ازو[24] بوی کافـور و مشـك
بیاید یکـی مرد با داس تیز — تو گویی که دارد به دل در ستـیز[25]
که با ترّ و خشـکش همـه بدرود[26] — زمـانـی نیاسـاید و نغـنـود[27]
بپـرسـید دیگـر که[28] بر کوهـسـار — یکـی شارسـتـان[29] یافـتـم اسـتـوار

۱- ل، ق۲، لی: سه دیگر ۲- لن: <گفت> (وزن نادرست است) ۳- ف: کدامند جاوید ناهاموار؛ (س۲: با شهریار؛ ل۳: کجا برگذارند بر شهریار)؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن۲)؛ **بنداری**: وسأله آخر عن ثلاثين فارسا يعرضون على السلطان ٤- ل، لن، ق، پ: بشمری؛ ق۲، آ، ب: بشمرد؛ لی: بنگری؛ متن= ف، س، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۵- س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب: شود؛ متن= ف، ل، ق، پ، آ ٦- ل، س، ق، ق۲، لی، پ (و نیز ل۳، س۲): باز؛ متن= ف، لن، و، آ، ل۲، ب (و نیز لن۲) ۷- ل، لن، ق، پ: بنگری؛ ق۲، آ، ب: بنگرد؛ لی: بشمری؛ متن= ف، س، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۸- ف، و (و نیز لن۲): چهارم چنین (لن۲: همان) گفت کان هر دو سرو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، س۲) ۹- لن، لی، پ: دو ۱۰- و (و نیز ل۳، لن۲): پر موج؛ ف: ز دریا برآیند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز س۲)؛ **بنداری**: وسأله آخر و قال شجرتان من بواسق الأشجار، ثابتتان فی البحر الزخار؛ در ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳ و **بنداری**) پرسش چهارم (بیت های ۱۲۲۸- ۱۲۳۱) با پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲- ۱۲۳۵) پس و پیش شده‌اند؛ س پرسش پنجم را انداخته است؛ (در س۲ پس از پرسش چهارم نخست پرسش ششم و سپس پرسش پنجم آمده است)؛ پیاپی بیت های متن= ف، و (و نیز لن۲) ۱۱- لن، لی، پ: بروبر؛ و: برایشان یکی مرغ دارد ۱۲- ف: نشیم این به بامین بود و آن به شام؛ س: نشیمن بمغرب بود گه بشام؛ لن، لی، ق۲، ل۲، ب: نشیم این (ق۲: آن) به شامی (ل۲، ب: بامی) بود آن به بام (ل۲، ب: شام)؛ پ: نشیمن به شامش بود گه به بام؛ و (و نیز لن۲): نشستن به بام این بود آن بشام؛ (ل۳: نشیم این نشانی بود آن ببام؛ س۲: نشیمن ببامی بود تا بشام)؛ متن= ل، ق، آ؛ **بنداری**: على كل واحدة منهما وكرلطائر يصبح على إحداهما و يمسى على الأخرى ۱۳- ق: سو ۱٤- آ: بود ۱۵- ق: چوب ۱٦- ق: بدان ۱۷- لن، لی، پ: ازآن ۱۸- و: یکی زین دو باشد مدام آبدار ۱۹- س: دگر ۲۰- ف، ق۲، و (و نیز لن۲، س۲): شود؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۲۱- ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): چهارم چنین گفت؛ و (و نیز لن۲): ششم گفت برگوی؛ متن= ف ۲۲- ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳): که بینی پراز (ل۲: ترا) سبزه و پر نگار (لن، ق۲، لی، پ، آ، ب): جویبار؛ و (و نیز لن۲): کدامست پر بوی و رنگ و نگار؛ (س۲: که باشد پر از بوی و رنگ و نگار)؛ متن= ف؛ در ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳ و **بنداری**) پرسش چهارم با پرسش پنجم پس و پیش شده‌اند (← پ۱۰)؛ س پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲- ۱۲۳۵) را انداخته است؛ در و (و نیز لن۲، س۲) پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲- ۱۲۳۵) با پرسش ششم (بیت های ۱۲۳٦- ۱۲۴۱) پس و پیش شده‌اند ۲۳- و (و نیز لن۲): گیاها بدو اندرون؛ متن= ف (و نیز س۲) ۲٤- و (و نیز لن۲): ازآن؛ متن= ف (و نیز س۲)؛ ل- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳) این بیت را ندارند ۲۵- در ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳) این بیت چنین آمده است:

یکـی مرد (آ: پیر) با تیز داسـی بزرگ — سـوی مـرغـزار انـدرآیـد سـترگ

متن= ف، و (و نیز لن۲، س۲)؛ **بنداری**: ثم ینحی علیها ذو منجل یُنزل بساحتها مکروه‌الخطب ۲٦- ل، ق: همی بدرود آن گیا خشك و تر؛ لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: همه (ب: همی) تر و خشکش همی (پ: بهم؛ آ، ب: همه) بدرود؛ لی: گیای تر و خشك می بدرود؛ و: همه ترّ و خشك آن گیا بدرود؛ متن= ف ۲۷- ل، ق: نه بردارد او هیچ از آن (ق: زین) کارسر؛ لن، ق۲، لی، پ، آ، ب: وگر (لن، پ: اگر) لابه سازی سخن نشنود؛ ل۲: ز کس زاری و لابه‌شان نشنود؛ متن= ف، و (و نیز لن۲، س۲)؛ در و، ل۲ (و نیز لن۲) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۸- ف: ششم کس چنین گفت؛ و (و نیز لن۲): بپرسید پنجم که بر (← پ۲۲)؛ (ل۳: بپرسید ششم که بر)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز س۲) ۲۹- س، لن، ق، لی، پ، ب: شارسان؛ ل۲: سازشان؛ متن= ف، ل، ق۲، و، آ؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: سؤال کردن موبدان از زال زر

خرامنده شد مردم شارستان[۱]   گرفتند[۲] هامون یکی خارستان[۳]
بناها کشیدند سر تا به ماه   پرستنده گشتند و[۴] هم پیشگاه
وُزان[۵] شارستانشان[۶] به دل نگذرد   کس[۷] از یاد کردن[۸] سَخُن نشمرد
یکی بومهین خیزد[۹] از ناگهان   بر و بومشان پاك گردد نهان
بدان[۱۰] شارستانشان[۱۱] نیاز آورد[۱۲]   هم اندیشگان[۱۳] دراز آورد

به پردهٔ نْدَرُست[۱۴] این سَخُن ها بجوی[۱۵]   به پیش ردان آشکارا بگوی[۱۶]
گرین رازها آشکارا کنی   ز خاك سیه مشك سارا کنی

زمانی پر اندیشه شد[۱۷] زال زر   برآورد یال[۱۸] و بگسترد پر[۱۹]
وُزان[۲۰] پس به پاسخ زبان برگشاد[۲۱]   همه پرسش[۲۲] موبدان کرد یاد
نُخُست از[۲۳] دهودو درخت بلند   که هریك همی شاخ سی برکشند[۲۴]
به سالی دهودو بود ماه نو   چو شاهی[۲۵] نوآیین ابر[۲۶] گاه نو
به سی روز[۲۷] مه را سرآید شمار   برین سان[۲۸] بود گردش روزگار[۲۹]
دو اسپ دونده سپید و سیاه   که مر یکدگر را نیابند راه

۱- **ل، س، ق، پ**: خرامند (**س**: چوآیند؛ **پ**: خرامنده) مردم از آن شارستان (**ق**: شارسان)؛ **لن، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]**): خردمند مردم از آن شارستان (**لی، ب**: شارسان؛ **ل[۲]**: سارشان)؛ (**س[۲]**: خرامند مردم در آن شارستان)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف**   ۲- **س**: بگیرند؛ **ق**: گراید به (یا: گر آید به)؛ (**ل[۳]**: گزیند ز)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **س[۲]**)   ۳- **ق، لی، ب**: خارسان   ٤- **ق، لی**: < و > ؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند   ۵- **لن**: ازآن؛ **لی**: بدان؛ **پ**: ازین   ٦- **ق، پ، ل[۲]، ب**: شارسانشان؛ **لی**: شارسان (وزن نادرست است)؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۷- آ: کز   ۸- **س**: یاد کردش   ۹- **ف**: یکی گرد خیزد که؛ **س**: یکی بر نمی خیزد؛ **لن، و**: یکی نو مهین خیزد؛ **ق، ق[۲]، آ، ل[۲]**: یکی نو مهی خیزد؛ **لی، پ**: یکی برهمن خیزد؛ **ب**: یکی بومهی خیزد؛ (**ل[۳]**: یکی نو بهی خیزد؛ **لن[۲]**: یکی مردمی خیزد)؛ متن= **ل** (و نیز **س[۲]**: بومهن)   ۱۰- **پ**: ازین؛ **ل[۲]، ب**: بران   ۱۱- **ل[۲]، ب**: شارسانشان   ۱۲- **لن، لی**: بدان شارستان (**لی**: شارسان) بناز آورد (وزن نادرست است)   ۱۳- **ق**: اندیشه ایشان؛ **ق[۲]**: اندیشگان را؛ **لی**: اندیشه‌های؛ در **و** (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) پس از این بیت پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲- ۱۲۳۵) آمده است   ١٤- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) به پرده درست؛ (**س[۲]**: به پرده درون)؛ متن= **ف**: اندرست (← **ضحاک**، بیت ۴۰)   ۱۵- **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ب**: بازجوی؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل[۲]**   ١٦- **ق[۲]، لی**: این سخن بازگوی   ۱۷- **ق[۲]**: پر اندیشه بد؛ **و**: در اندیشه شد؛ آ: بداندیشهٔ   ۱۸- **ق، ق[۲]**: بال   ۱۹- **ل، ق، و، ل[۲]**: فر؛ **س، لن، ق[۲]، لی** (و نیز **س[۲]**): بر؛ متن= **ف، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر جواب دادن زال مسلها (!) را و آفرین خواندن شاه منوچهر برو؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**: پاسخ دادن زال موبدان را (**لی**: . . . نزدیك شاه)؛ **و**: پاسخ دادن زال زر سؤال موبدانرا؛ آ: پاسخ دادن موبدان زال زر را (!)؛ **ل[۲]، ب**: پاسخ دادن زال (**ل[۲]**: . . . سخنان موبدان نزد منوچهر)   ۲۰- **ل، پ**: ازان پس؛ **ق[۲]**: وزیشان؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۱- **لن، پ، آ، ل[۲]، ب**: زبان را به پاسخ گشاد؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۲۲- آ: برسوی (!)   ۲۳- **س، ق، و**: آن   ٢٤- **س**: سی گسترند؛ **لن، پ، و**: برسی کشند؛ **ل[۲]**: سی بر کنند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در **ل[۲]** این بیت پس از بیت ۱۲۴۸ آمده است   ۲۵- **ل، س، لن، ق، لی، پ، و**: شاه؛ **ق[۲]، آ، ل[۲]، ب**: شاخ؛ متن= **ف**   ٢٦- آ: بود   ۲۷- **ل، لی، ل[۲]**: روز و   ۲۸- **ل، ق، لی، و**: بدین سان؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۹- **لی**: < رو> زگار؛ در **ل[۲]** پس از این بیت بیت ۱۲۴۶ آمده است

بدین سان شب و روز دان ای شِگِفت   کز اینجا شِگِفتی توانی گرفت[1]
سُواران هشیار گر دررسی   که او بیست و نه باشد و گاه سی
شمار مه نو بدین گونه دان   چُنین کرد پیدا خدای جهان[2]
کنون از[3] نیام این[4] سَخُن برکشیم[5]   دوبن[6] سرو کان مرغ دارد نِشیم[7]
ز برج بره تا ترازو جهان   همه[8] تیرگی[9] دارد اندر نهان
چو روی از ترازو به کژدم نهاد   جهان را دگرگونه گردد نهاد[10]

۱- پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹- ۱۲۵۰) در **ل**، **ق** (و نیز در **ل**[۳]، **س**[۲]) چنین آمده است:

دگر (**ل**[۳]: دوم) آنك' از اسب دادی نشان   به پیش شهنشاه گردنکشان
(**س**[۲]: دو تا اسب گفتی دونده براه   یکی زو سپیدست و دیگر سیاه)
دوان هر دوان از پس یکدگر   که تا این بیابد مران را مگر
ل: همی این نیابد مران را نگر
نیابد(**ق**: نیابند)اگر(**س**[۲]: وگر)چه‌شتابد(**ق**: شتابند)همی   رخ از یکدگر برنتابد (**ق**: برنتابند) همی
تو این داستان را شب و روز دان   همان شید را گیتی افروز دان
که چون سر ز برج بره برزند   وگر (**س**[۲]: دل) گاو را پنجه بر سر زند
جهان زو شود همچو دریای زرد   بپوشدشان(**ل**[۳]: بپوشندشان ؛ **س**[۲]: بپوشدشب‌آن)چادرلاجورد(**ل**: لاژورد)
شب و روز باشد بدینسان درست   که یکدیگران را بخواهند جست
س[۲]: چو خورشید پنهان کند روی خویش   جهان باز گردد شب آید بپیش

پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹- ۱۲۵۰) در **س**، **لن**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** چنین آمده است (**س** بیت های چهارم و پنجم و آ، **ل**[۲]بیت سوم را ندارند):

کنون آنك(**لی**: آنچ ؛ **پ**،آ: آنکه ؛ س: دوگانه که)گفتی زکاردواسب   فروزان (**س**: درفشان) بکردار آذرگشسب
سپیدوسیاهست(**س**: سیاه‌اند)هردوزمان(**س**: دوان ؛ **لی**: هرروزمان)   پس یکدگر تیز (**ل**[۲]: بین) هر (**ب**: رو) دو دوان (**ق**[۲]: زمان)
س: برنج ازتك یکدگر هردوان
شب‌وروزباشند(**لن**،**پ**: برانسان که‌گفتید ؛ **ق**[۲]،**لی**: برینسان که‌بینی تو)هردوبهم   یکی در وجود و یکی در عدم
شب و روز باشد که می بگذرد   دم چرخ بر ما (**ق**[۲]، **لی**، آ، **ل**[۲]، **ب**: تو) همی بشمرد
نیابند مر یك دگر را بتك   دوان همچو نخجیر از پیش سگ

و (و نیز **لن**[۲]) بیت های ۱۲۴۹ و ۱۲۵۰ و هیچیك از بیت های بالا را ندارند؛ متن= **ف**   **۲**- پاسخ سوم بیت های (۱۲۵۱ و ۱۲۵۲) در **ل**، **س**، **لن**، **ق**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** چنین آمده است (**س**، **لن**، **ق**[۲]، آ، **ل**[۲]، **ب** بیت سوم را ندارند):

سدیگر(**لن**،**پ**: ودیگر) ؛ که‌گفتی ازآن(**ل**،**س**: که‌آن ؛ **ل**[۲]: ازین)سی سوار   کجا برگذشتند (**ق**[۲]، **لی**: بگذرانند) بر شهریار
ازآن‌سی سواران(**ل**: سوارار)یکی کم‌شود(**لی**: بود)   به‌گاه(**س**،**ق**[۲]،**لی**،آ، **ل**[۲]،**ب**: بوقت)شمردن‌همان‌سی بود(**لن**،**ق**،**لی**: شود)
شمار مه نو برین (**ق**: بدین) گونه دان   کزین (**ق**، **پ**: چنین) کرد پیدا (**پ**: فرمان) خدای جهان
نگفتی سخن جز ز (**ل**: به) نقصان ماه   که‌یك‌شب(**ل**[۲]: که‌یکی)کم‌آیدهمی گاه‌گاه(**لی**: همان گاه)

و (و نیز **لن**[۲]) بیت های ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ و هیچیك از بیت های بالا را ندارند؛ متن= **ف**   **۳**- **لن**: زان   **٤**- **لن**، آ، **ل**[۲]، **ب**: آن؛ **ق**[۲]: < این>   **۵**- **ق**: کنون این سخن از دهن برکشیم   **٦**- **ق**: درآن؛ **لی**: وزان   **۷**- **و**: ز مرغی که دو سرو دارد نشیم   **۸**- **س**، **لن**، **ق**[۲]، **پ**، آ، **ل**[۲]، **ب**: همی؛ **لی**: همان؛ متن= **ف**، **ل**، **ق**، **و**   **۹**- **ف**: روشنی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   **۱۰**- **ل**- **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= **ف**

چُنـین تا ز گردش[۱] به ماهی شود   پر از[۲] تیرگی و[۳] سیاهی شود
دو سروان[۴] دو بازوی[۵] چرخ بلند   کزو نیمه شاداب و نیمی گزند[۶]
برو[۷] مرغ پرّان تو[۸] خورشید دان   جهان را ازو[۹] ترس[۱۰] و اومید[۱۱] دان
دگر شارستان بر سر[۱۲] کوهسار   سرای درنگست و جای شمار[۱۳]
همین[۱۴] خارستان[۱۵] چون[۱۶] سرای سِپنج   که هم[۱۷] ناز و گنج ست[۱۸] و هم درد و رنج[۱۹]
همی دم زدن بر تو بر بشمرد[۲۰]   همو پروراند[۲۱]، همو بسپَرد[۲۲]
برآید[۲۳] یکی باد با زلزله   ز گیتی[۲۴] برآرد[۲۵] خروش و خَلَه[۲۶]
همه رنج ما مانده با[۲۷] خارستان[۲۸]   گذر کرد باید سوی[۲۹] شارستان[۳۰]
کسی دیگر از رنج ما[۳۱] برخورد   نپاید[۳۲] بدو[۳۳] نیز هم بگذرد[۳۴]

۱- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، **ب**: چو زو (**س، پ**: زین) باز گردد؛ **ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): چنین باز گردد؛ (**ل[۳]**: چنین تا بگردد)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق** **۲- س، لن، ق[۲]، لی، پ،** آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): بدان؛ متن= **ف، ل، ق** **۳-** آ: رو؛ **بنداری** (بیت های ۱۲۵۳- ۱۲۵۶): وأما الشجرتان اللتان علیهما معشش الطائر فان العالم من وقت حلول الشمش فی برج الحمل الی أن تبلغ المیزان یتبرج کالخریدة المعطار، فی حلی الریاحین و حلل الأزهار. و من حین حلولها العقرب الی أن تحل الحوت یقبع بین أسحاق الحداد، وأطمار السواد **٤- لن**: دو سرو از؛ **ق**: دو سرو **۵- لی**: دو بالای؛ **ب**: دو بازو دو **٦- ل**: نژند؛ **س**: که یك نیم شادست و نیمی گزند؛ **لن، پ، و**: کزو نیم شادی (**و**: شاداب) و نیمی (**لن**: بیم) گزند؛ **ق[۲]**، آ: کزوییم شاد و ازو با (آ: وزو هم) گزند؛ **لی**: کزوییم شادان و زو مستمند؛ **ل[۲]**: کزو روزی شادی و روزی نژند؛ **ب**: کزوییم شاد < ان> وزو باگزند؛ متن= **ف، ق** (و نیز **س[۲]**) **۷- لی**: مران؛ **و**: همان **۸- ل، لن، ق،** آ، **ل[۲]**: چو؛ **و**: پرنده؛ **پ**: دو مرغ پران ماه و؛ متن= **ف، س، ق[۲]، لی، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۹- لن، پ،** آ، **ب**: بدو؛ **ل[۲]**: برو؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۰- ل- ب** (و نیز **لن[۲]**): بیم؛ متن= **ف** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۱- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): امّید؛ متن= **ف**؛ **ف، و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند (**ف** بیت های چهارم و پنجم را ندارد):

دگر آن دو اسب سیاه و سپید (**و**: سفید)   کزایشان جهان راست بیم و امید
شب و روز گیتی ست کان می برد   یکی اندر آید یکی بگذرد
همان سی سوارست سی روز ماه   که ناقص شود زان یکی گاه‌گاه
چو اعداد دهرش منظم (**لن[۲]**: معظم) شود   نه در وی (**لن[۲]**: دردی) فزاید نه زان کم شود
چو گردون بپیمود گیتی فروز   چه حاصل شود؟ سیصد و شصت روز

۱۲-ف، و (و نیز **لن[۲]**): شارستانی که بر؛ **لن**: شارستان از بر؛ **ق، لی، پ**: شارسان از بر؛ **ق[۲]**، آ، **ل[۲]، ب**: شارستان ابر؛ متن= **ل، س** (و نیز **س[۲]**) **۱۳- ف- و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): قرار؛ **بنداری**: وأما البلدة الطیبة فهی دارالقرار و منزل الأبرار؛ متن= آ، **ل[۲]، ب** **١٤- لن**، آ، **ب**: بهین؛ **ق[۲]، لی**: چنین؛ **و**: همان؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، ل[۲]** **۱۵- س، ق[۲]**، آ: شارستان؛ **لن، لی، پ، ب**: شارسان؛ **ق**: خارسان؛ **ل[۲]**: شارشان (!)؛ متن= **ف، ل، و** **١٦- لن، ق[۲]، پ، و،** آ، **ل[۲]**: این؛ **لی**: < چون> ؛ **ب**: زین؛ متن= **ف، ل، س، ق** **۱۷- ل، ق**: کزو؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۸- ق**: بارجنگست (!) **۱۹- پ**: که هم نازو دردست و هم رنج و گنج **۲۰- ق**: بر تو هم بشمرد؛ **ب**: برتو می بشمرد **۲۱- ل، ق، ق[۲]، لی** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): برفرازد؛ **و**، آ، **ل[۲]، ب**: برفزاید؛ متن= **ف، س** **۲۲- ل، ق، ق[۲]، لی، و،** آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بشکرد؛ **س**: بدرود؛ متن= **ف** (و نیز **س[۲]**)؛ **لن، پ**: بماند (**پ**: نماند) برو نیز و هم بگذرد (= ۱۲۶۴ب)؛ در **لن، پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۲۳- س، ق، و**: برآرد؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲٤- ف، و، ب**: ز کشتی؛ **ق[۲]**: برآرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۵- ل، لن، ق، پ، ب**: برآید؛ **ق[۲]**: زکشتی؛ متن= **ف، س، لی، و**، آ، **ل[۲]** **٢٦- ل، و** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): خروش خله؛ **لن، ق**: خروش وله؛ (**لن[۲]**: خروش ویله)؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۷- ل**: ماندزی؛ **س، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): ماند با؛ **ل[۲]**: ماند بر؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۸- ق، لی، پ، ب**: خارسان؛ **ل[۲]**: خارشان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۹- و**: بدان **۳۰- ق، لی، پ، ب**: شارسان؛ **ل[۲]**: شارشان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۱- ف**: تو؛ **ل**: او؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۳۲- ق، لی**: نماند **۳۳- ل، ق[۲]، لی، و،** آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]**): برو؛ متن= **ف، ق** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۳٤- لن، پ**: همو برفزاید همو بشکرد (= ۱۲۶۱ب)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

همان مرغزار نزه عالمست   که چون باز بینی خوش و خرمست
گیا خشك و تر جانور (**لن[۲]**: گیا) گونه‌گون   ز هر جنس و نوعش ز جنسش فزون

ف پس از بیت ۱۲۶۴ و **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از دو بیت بالا پاسخ ششم (بیت های ۱۲۷۰- ۱۲۷۵) را آورده‌اند و سپس بیت های ۱۲۶۵- ۱۲۶۹ را؛ پیاپی بیت های متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]، بنداری**)

چُنـین رفـت از[۱] آغـاز یکسـر سَخُـن — همـین باشـد و نو[۲] نگـردد کَهُـن
اگـر توشـه‌مـان[۳] نیك نامـی بود — روان ها[۴] بدان سر[۵] گرامـی بود
وُگـر[۶] آز برزیم[۷] و[۸] پیچـان شویم — پدید آید آنگـه[۹] که بی جان شویم
گر[۱۰] ایوان ما[۱۱] سر[۱۲] به کیوان بَرَسـت[۱۳] — ازین[۱۴] بهـره‌ی ما یکـی چادَرسـت
که بر روی پوشـند و بر سرش خاك[۱۵] — همـه جای بیم[۱۶] ست و تیمـار[۱۷] و باك
بیابـان و آن مرد با تیزداس — کجـا[۱۸] خشـك و تر زو دل انـدر هراس[۱۹]
تر و خشـك یکسـان همـی بدرود — وُگـر[۲۰] لابـه سازی[۲۱] سَخُـن[۲۲] نشـنـود
دروگـر زمـان ست[۲۳] و ما چون گیا — همـانش نبیره، همـانش نیا
به پیر و جوان یك بیك ننگـرد — شکـاری که[۲۴] پیش آیدش بشـکـرد
جهـان را چُنـین ست ساز و نِهـاد — که جز مرگ را کس ز مادر نزاد

۱ آ: < از> ؛ **ل۲**: ز **۲- لن، ق۲، لی، پ، و،** آ، **ل۲، ب** (و نیز **لن۲**): این؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل۳، س۲**) **۳- س**: پیشـه‌مان **٤- لن، لی**: روان را؛ **پ،** آ: روان مان؛ **ل۲**: بران سر **۵- ل، لن، پ**: بران سر؛ آ: بران سو؛ **ل۲**: روان مان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **٦- ق۲، لی، ل۲، ب**: اگر؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۷- ف، س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ورزیم؛ متن= **ل** **۸- س، لی، و،** آ: < و> ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۹- ق**: پدید آنگه آید **۱۰- لن**: کز؛ **و**: که **۱۱- ف**: ایوانت را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۲- و**: گر **۱۳- لی، پ**: درست **١٤- س، پ، و** (و نیز **لن۲**): ازآن؛ **لن، ق، ق۲،لی،** آ، **ب** (و نیز **ل۳، س۲**): ازو؛ متن= **ف، ل، ل۲** **۱۵- ل**: چو پوشند بر روی ما خون و خاك؛ **س، لن، ق۲، پ،** آ، **ل۲، ب**: که (**لن، پ**: چو) پوشند (**لن، پ،** آ، **ل۲**: پوشید) برروی و بر سرش خاك؛ **ق**: که پوشد سر و روی بر خشت و خاك؛ **لی**: چو پوشید بر روی تو گرد و خاك؛ **و**: که برروی پوشند و ز برش خاك؛ متن= **ف** **١٦-س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، س۲**): ترس؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **لن۲**) **۱۷- لی**: امّید؛ **و**: اندوه؛ **و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

چـو کشتـی شناسای رب العباد — ز مبداء خـود آگـهی وز معـاد
بتحقیق اشیا شوی بهره‌مند — کـه اجناس خوانـنـد و انواع چنـد
اگـر حاصلـست این قـدر مایـه‌ات — بریـن چـرخ باشـد کـهن پایـه‌ات
چـو زیـن تـنگـنای گـلوگیر خـاك — رسـد روح پاکـت بـفردوس پـاك
سـوی بارگـاه بـلـنـدان رسـی — بـدان حضـرت ارجـمـنـدان رسـی
ولـی زنـده بـر چـرخ نـتوان گـذشـت — بـمـرگ آن ره پـاك بـتوان نـوشـت

و پس از این بیت ها بیت های ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ را آورده است **۱۸- س، لی**: گیا؛ **ل۲**: که با **۱۹- ق۲،** آ: گیایی تر و خشك ازو در هراس؛ **پ**: تر و خشك را زو دل اندر هراس؛ **ب**: گیاه تر و خشك ازو بر هراس؛ در **ف** بیت های ۱۲۷۰- ۱۲۷۵ پس از بیت ۱۲۶۴ و در **و** (و نیز **لن۲**) پس از دو بیت ۱۲۶۴پ به گونهٔ زیر آمده‌اند:

فـنـا چیـسـت آن مـردم داس دار — کـه باشـد تـرا روز و شـب پـاس دار
بـمـهـر کـسـی هـیـچ گـون نـنـگـرد — چـو وقـت انـدرآیـد همـه بـدرود
نـه روبـاه برهـد ز داسـش نـه شیـر — چـه بـدـدل بـنـزدیك او چـه دلیـر
چنـیـن رفـت از آغـاز یـکـسـر سـخـن — چنـین باشـد و این نگـردد کهـن (= ۱۲۶۵)
درو چـون زمـانـسـت و مـا چـون گـیـا — همـانش نبیره همـانش نیا (= ۱۲۷۲)
تـر و خـشـك یـكـسـان هـمـی بـدرود — وگـر لابـه سازی سخـن نشـنـود (= ۱۲۷۱)
بـنـیـروی چـون بـگـذرد چـرخ پـیـر — همـی خلـق را بشـکـرد نـاگـزیـر
نـبـاشـد بـجـز دانـشـت پـای مـرد — همـی تا توانـی ز دانش مگـرد (=۱۲۷۳پ)

۲۰- آ، **ل۲، ب**: اگر **۲۱- س**: سازد **۲۲- ل۲، ب**: همی **۲۳- ف**: فرشته است جان گیر؛ **لن، ق۲، پ، ل۲، ب**: دروگر جهانست؛ **و** (و نیز **لن۲**): درو چون زمانست؛ آ: درون گر جهانست؛ (**ل۳**: درنگ زمانست)؛ متن= **ل، س، ق، لی** (و نیز **س۲**) **٢٤- ل۲**: چو؛ **لن** این بیت را ندارد؛ **ف** پس از این بیت و **و** (و نیز **لن۲**)در پایان بیت های ۱۲۷۰پ افزوده‌اند:

نـبـاشـد بـجـز دانـشـت پـای مـرد — هـمـی تـا تـوانی ز دانـش مـگـرد

ازین در درآید[1] بدان[2] بگذرد | زمانه برو[3] دم همی بشمرد[4]
چو زال این سُخُن ها بکرد آشکار | ازو شادمان شد دل شهریار[5]
به[6] شادی یکی انجمن برشِکُفت[7] | شهنشاه گیتی زهازه بگفت[8]
یکی جشن‌گاهی بیاراست شاه | چُنان چون شب چارده چرخ ماه[9]
کشیدند می تا جهان تیره گشت[10] | سر می‌گساران ز می خیره گشت
خروشیدن مرد بالای خواه[11] | یکایک برآمد ز درگاه شاه
برفتند[12] گردان همه شاد و مست | گرفته یکی دست هریك[13] بدست
چو برزد زبانه[14] ز کوه آفتاب | سر نامداران برآمد[15] ز خواب
بیامد[16] کمربسته زال دِلیر | به[17] پیش شهنشاه چون نرّه شیر[18]
به دستوری بازگشتن ز در[19] | شدن نزد[20] سالار فرّخ پدر
به شاه جهان گفت کای[21] نیك خوی[22] | مرا چهر سام آمده‌ست آرزوی[23]
چو بوسیدم[24] این پایه‌ی تخت عاج | دلم گشت روشن بدین[25] برز و تاج[26]
بدو گفت شاه[27]: ای جوانمرد گرد[28] | یك امروز نیزت بباید شمرد[29]
ترا بویه‌ی[30] دخت مهراب خاست | دلت را هُش سام و کاول کجاست[31]
بفرمود تا سنج[32] و[33] هندی درای | به میدان گذارند[34] با[35] کرّه‌نای

۱- **س**: بیاید؛ آ: درد زاید (!) **۲- س، ق[2]**: از آن؛ **لن، لی، پ**: وزان؛ **ل[2]**: بران؛ **ب**: بدین؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ** **۳- لی**: بدو **٤- لن، ق**: زمانه دم ما همی بشمرد (**ق**: بشکرد)؛ **ق[2]**: وگر لابه سازی سخن نشنود (= ۱۲۷۱ب) **۵- س، لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، پ**؛ **ل، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو این گفته شد نامهٔ سام خواند | نوشته نویسنده چون باز راند
پ: نبشته همی بر زبانش براند
برو (**پ**: بدو) اندرون چند گونه سخن | منوچهر برخواند سر تا ببن

٦- س: ز **۷- لن، لی، پ، ب**: در شکفت؛ **ق[2]**: در نهفت؛ **و**: همه انجمن ماند ازو در شگفت؛ متن= **ف، ل، س، ق، آ، ل[2]** **۸- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): گرفت؛ متن= **ف، ق[2]** (و نیز **س[2]**) **۹- ق[2]، لی، آ**: چرخ و ماه **۱۰- لن، لی، پ**: شد **۱۱- ل** (و نیز **لن[2]**): بالای گاه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، س[2]**) **۱۲- ل[2]**: گرفتند **۱۳- ل، لن، ق، ق[2]، لی، پ، و** (و نیز **س[2]**): دست دیگر؛ **ب**: دست هرکس؛ (**ل[3]**: دستهٔ گل)؛ متن= **ف، س، آ، ل[2]** **١٤- ل، ق**: زمانه؛ **ل[2]** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) **۱۵- لن، پ، و**: درآمد **١٦- لی**: گرفته **۱۷- آ، ب**: ز **۱۸- ق[2]**: برسان شیر؛ **لی**: به پیش شه آمد به کردار شیر؛ **ل[2]** این بیت را ندارد **۱۹- لن، ق[2]، لی، آ، ب**: بدر؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۰- لن، ق[2]، لی، آ، ل[2]، ب**: سوی؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، و**؛ **ق** در اینجا سرنویس دارد: دستوری طلبیدن زال از شاه منوچهر و هنر نمودن **۲۱- س، ل[2]**: ای **۲۲- ل[2]**: نیکخو **۲۳- ل[2]**: آرزو **٢٤- ل، لن، ق[2]- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**): ببوسیدم؛ **س**: پرستیدم؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف** **۲۵- ل**: برین؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) **۲٦- س** (و نیز **س[2]**): برز تاج؛ **لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]**: فرّ و تاج؛ **و** (و نیز **لن[2]**): نور تاج؛ (**ل[3]**: تخت و تاج)؛ متن= **ف، ل**؛ (**س[2]** پس از این بیت افزوده است):

چو فرمان دهد شاه پیروزگر | یکی بازگردم به پیش پدر

۲۷- آ، ل[2]، ب: بدو شاه گفت **۲۸- لن**: راد **۲۹- ل، س، ق، لی، پ** (و نیز **ل[3]، س[2]**): سپرد؛ **لن**: یك امروز دیگر برم شاد باش؛ متن= **ف، ق[2]، و، آ، ل[2]، ب** (و نیز **لن[2]**) **۳۰- پ، و، ب**: پویهٔ؛ آ: پایهٔ **۳۱- ف**: سام و کابل کجاست؛ **ل، ق**: سام زابل کجاست؛ **و** (و نیز **لن[2]**): سام نیرم کجاست؛ (**س[2]**: سام و زاول کجاست)؛ **س**: ز سام و ز زابل بهانه چراست؛ **لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: دلت خواهش سام نیرم کجاست؛ (**ل[3]**: دلت راهش و کام کابل کجاست)؛ متن تصحیح قیاسی است **۳۲- ف**: پیل؛ **س- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**): صنج؛ متن= **ل** **۳۳- لی**: <و> **۳٤- لن، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]، ب**: درآرند؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** **۳۵- ل[2]**: ابا

ابا نیزه و گرز و تیر و کمان[1]   برفتند گردان همه[2] شادمان
کمان ها گرفتند و تیر خدنگ   نشانه نهادند[3] چون روز جنگ[4]
بتابید[5] هریك به چیزی عِنان[6]   به گرز و به تیر و به تیغ و کمان[7]
درختی گَشَن[8] بُد به میدان شاه   گذشته برو[9] سال بسیار و ماه[10]
کمان را بمالید دستان سام   برانگیخت اسپ و برآورد نام[11]
بزد بر میان درخت سهی   گذاره شد آن تیر شاهنشهی[12]
هم اندر تگ اسپ یك[13] چوبه تیر   بینداخت و بگذاشت بر نرد شیر[14]
سپر برگرفتند ژوپین وران   بگشتند با خشت های[15] گران
سپر خواست از ریدك تُرك زال[16]   برانگیخت اسپ و برآورد یال[17]
کمان را بیفگند[18] و ژوپین گرفت   به ژوپین بهکار[19] نوآیین گرفت
بزد بر سه تا اسپر گیل وار[20]   گشاده[21] به دیگر سُو افگند[22] خوار
به گردن کشان گفت شاه جهان   که با او[23] که جوید نبرد از مهان[24]
یکی[25] برگراییدش[26] اندر نبرد   که از تیر و ژوپین برآورد گرد
همه برکشیدند[27] گردان سِلیخ[28]   به دل خشمناك و زبان پر مَزیح[29]
به آورد رفتند پیچان عِنان   ابا نیزه و[30] آب داده سِنان
چُنان شد که مرد اندرآمد به مرد   برانگیخت زال اسپ و برخاست گرد[31]
نگه کرد تا کیست زیشان[32] سوار   عِنان پیچ و گردن کش[33] و نامدار

۱- **ق**: ابا نیزه و تیر و گرز گران **۲- و**: بدل؛ در **و** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۳- س**: نهادند برجاس **٤- و**: مردان جنگ **۵- ل، س، لن، ق، پ،** آ، **ل**[2] (و نیز **ل**[3]): بپیچید؛ **ق**[2]، **لی** (و نیز **س**[2]) این بیت را ندارنـد؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن**[2]) **٦- ل**[2]: عیان؛ **ب**: بچیزی بپیچید هریك عنان **۷- ل، س، لن، ق، پ،** آ، **ل**[2]، **ب**: بگرز و به تیغ و به تیر و سنان؛ **و**: به گرز و < به > نیزه < به > تیر وکمان (وزن نادرست است)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر هنرها نمودن زال بنزدیك شاه منوچهر بتیر وکمان و گوی باختن؛ **لن، ق**[2]، **لی**: هنر نمودن زال بنزد (**لی**: در میدان) منوچهر؛ **پ**: آزمودن منوچهر زال را؛ **ب**: هنر نمودن زال **۸- ق، و**: کهن **۹- ق، لی، پ**: بدو **۱۰- ف، س، لن، ق،** آ، **ل**[2]: سال و بسیار ماه؛ متن= **ل، ق**[2]، **لی، پ، ب** (و نیز **س**[2])؛ **و** (و نیز **لن**[2]): فراوان گذشته برو سال و ماه **۱۱- ف**: برانگیخت اسب از میان کرام (!)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) **۱۲- لن، لی، پ**: تیر با فرّهی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۳-** آ: هر **١٤- ف، ل** (و نیز **ل**[3]): بر نرّه شیر (**ف، ل**[3] نخست داشته‌اند: بر نرد شیر)؛ **ق**: بر تیر تیر؛ **و**: بر بردسر (نقطه ندارد= بر نرد شیر)؛ **ل**[2]: بگذشت بر برد و شیر (حرف یکم واژهٔ سوم نقطه ندارد)؛ **ب**: بگذشت بر اسب تیر؛ **س**: بینداخت آن پهلو شیر گیر؛ **ق**[2]: بینداخت بگذشت و شد بر اثیر؛ **لی**: بینداخت بر چرخ شد براثیر؛ آ: بینداخت و بگشاد و شد سراثیر؛ (**لن**[2]: بگذشت چون نرّه شیر؛ **س**[2]: بگذشت بر نرد و خیر)؛ **بنداری**: ثم أتبعها بأخری راکضا فرسه فنفذت فیها کمثل الأولی **۱۵- و**: گرزهای **١٦- و**: ترك زاد؛ **ق**: سپر خواست از ترك آن شیر زال **۱۷- ف**: بال؛ **س، لن، ق**[2]، **لی**: نال (نقطه ندارد)؛ **و**: یاد؛ متن= **ل، ق، پ،** آ، **ل**[2]، **ب** (و نیز **ل**[3]، **س**[2]) **۱۸- ل، لن، ق**: بینداخت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **س**[2]) **۱۹- ف**: ز کار (یا: نگار)؛ **ل، و** (و نیز **س**[2]): نکار (نقطه ندارد)؛ **س**: شکار؛ **لن، ق**[2]، **لی، پ،** آ، **ل**[2]، **ب**: شکار؛ (**ل**[3]: نگاری)؛ متن= **ق** **۲۰- ل، و** (و نیز **ل**[3]): بزد خشت بر سه سپر گیل وار؛ **س**: بزد بر سه اسیر گیلی سوار (!)؛ **لن، ق، ق**[2]، **لی،** آ، **ل**[2]، **ب**: بزد خشت بر سه سپر نامدار (**ق**: شد گذار)؛ متن= **ف، پ** (و نیز **س**[2]) **۲۱- لی**: گذشت و **۲۲- لن**: سوی افکند؛ **ق**[2]: سرافکند؛ **و**: بسوی دگر برد **۲۳- ق، ل**[2]: وی **٢٤-** آ: از کران **۲۵- لن**: همی **٢٦- ل**[2]: برگرانید **۲۷- لن، پ**: بخود راست کردند؛ **و**: همه برگرفتند؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۸- ف، س، ق، لی،** آ (و نیز **س**[2]): سلاح؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]) **۲۹- ف، س، ق، ق**[2]، آ (و نیز **ل**[3]، **س**[2]): مزاح؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]؛ در **ق**[2]، **لی، ل**[3] پساوند نادرست است) **۳۰- لی، پ، ل**[2]: نیزهٔ؛ متن= نه دستنویس دیگر **۳۱- لی**: اسپ و براورد گرد (وزن نادرست است)؛ **ل**[2]: که از تیر و زوبین برانگیخت گرد (= ۱۳۰۲ب)؛ **ب**: برانگیخت زال و برون خاست گرد؛ در **لن، لی، پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **۳۲- ق، ب**: ازیشان **۳۳- س، لی**: اسب افکن؛ **لن** پس از این بیت دو بیت و **لی، پ** تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۳۰۹ افزوده‌اند:

سبك زال جنگی برو حمله برد   ز پیشش گریزان شد آن مرد گرد
منوچهر گفت این (**پ**: ای) دلاور جوان   بماناد همواره (**پ**: بمانی همه روزه) روشن روان

ز گرد اندرآمد بسان نهنگ[۱] — گرفتش[۲] کمربند[۳] او را به چنگ[۴]
چُنان خوارش از پشت زین برگرفت — که شاه و سپه ماند زو در شِگفت[۵]
به آواز گفتند گردن کشان — که مردم نبیند کسی زین نشان[۶]
هرآنکس که با او[۷] بجوید نبرد[۸] — کند جامه مادر[۹] برو[۱۰] لاژورد[۱۱]
ز شیران[۱۲] نزاید[۱۳] چُنین[۱۴] نیز[۱۵] گرد — چه گرد؟ از[۱۶] نهنگانْش باید شمرد
خُنُک سام یل کِش[۱۷] چُنین یادگار[۱۸] — بماند[۱۹] به گیتی دِلیر و سُوار[۲۰]
برو[۲۱] آفرین کرد شاه بزرگ — همان[۲۲] نامور مهترانِ سُتُرگ[۲۳]
بزرگان سُوی کاخ شاه آمدند — کمربسته و با کلاه آمدند
یکی خِلعت آراست شاه جهان — کزان خیره گشتند یکسر مِهان[۲۴]
چه از تاج پرمایه و تخت زر — چه از یاره[۲۵] و طوق و[۲۶] زرّین کمر
همان[۲۷] جامه‌های گرانمایه نیز — پرستنده و اسپ و بسیار[۲۸] چیز

پس آن نامه‌ی سام[۲۹] پاسخ نبشت[۳۰] — شِگِفتی سَخُن های فرّخ نبشت[۳۱]
که ای نامور پهلَوان دلیر — بهر کار پیروز برسان[۳۲] شیر
نبیند چو تو نیز[۳۳] گردان سپهر — به رزم و به بزم[۳۴] و به رای و به چهر

۱- **ق[۲]، لی، و**، آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): پلنگ؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ** ۲- **ق، پ**: گرفت آن ۳- **ب**: کمرگاه ٤- **ف**: او بی درنگ؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۵- **ل، س**: ماند اندر شگفت؛ **ق، ق[۲]، پ، و، ب**: ماند ازو در شگفت؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لی**، آ، **ل[۲]** ٦- **لن** این بیت را ندارد؛ **لی، پ** پس از این بیت یك بیت افزوده‌اند (← ۱۳۰۶پ) ۷- **پ**: تو ۸- **ل، ق**: هرآنکس که جویند با او (**ق**: وی) نبرد؛ **و**: هرآنکس که جوید ز دستان نبرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **ق**: جامهٔ تن؛ **ل[۲]**: جامهٔ ما ۱۰- **لن، ق، ق[۲]، لی، ب**: بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- **ف، س، ق، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): لاجورد؛ متن= **ل، لن، و** ۱۲- **و**: گردان ۱۳- **س**: نباشد؛ آ: برآید ۱٤- **و**: چو او؛ آ: چنان؛ **ل[۲]**: چنو ۱۵- **ق، پ**: مرد؛ **لی**: تیز ۱٦- **لن**: ز تخم؛ آ: که گرد از ۱۷- **لن، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): کین ۱۸- **ق**: نامدار ۱۹- **ل[۲]**: بماند و ۲۰- **ق**: ازو یادگار؛ **ل[۲]**: دلیری سوار؛ **ف، س، و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند؛ **بنداری**: فلیهن ساما أن یخلفه هذاالبطل الجسور و اللیت الهصور ۲۱- **لی**: بدو ۲۲- **لی**: چنان ۲۳- **لن، پ**: همان (**پ**: همه) پهلوانان (**پ**: پهلوانان و) گرد و سترگ ۲٤- **ل، ق**: که گشتند ازآن خیره یکسر مهان؛ **س، ب** (و نیز **س[۲]**): که گشتند خیره مهان و (**ب، س[۲]**: ز رایش) مهان؛ **لن، ق[۲]، لی، پ**، آ، **ل[۲]**: کزو (**ل[۲]**: کزان) خیره ماندند یکسر مهان؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): چنان چون بباید سزای مهان؛ متن= **ف** ۲۵- **ف**: باره؛ **ل**: ناره (نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲٦- آ: < و> ۲۷- **لن، پ**: چه از؛ **و**: همه ۲۸- **ل، لن- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): هر گونه؛ متن= **ف، س**؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

به زال سپهبد سپرد آن زمان — همه (**پ**: همان) چیزها از کران تا کران

لی پس از بیت ۱۳۱۷ افزوده است:

به دستان فرخ سپرد آن تمام — زمین را ببوسید دستان سام

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، پ، ب**: پاسخ نامهٔ سام از شاه (**ب**: < شاه>) منوچهر؛ **و**: پاسخ نامهٔ سام نریمان از نزد منوچهر شاه ۲۹- **س، لی**: نامه را شاه؛ **ق** از این بیت تا بیت ۱۳۲٦ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۰- **ل، لن، و، ب**: نوشت؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- **ل، لن، لی، و، ب**: نوشت (در **لی** پساوند نادرست است)؛ متن= **ف، س، ق[۲]، پ**، آ، **ل[۲]** ۳۲- **لن**: فیروز برسان؛ **و**: پیروزگر همچو؛ آ: فیروز و برکار؛ **س، ق** این بیت را ندارند؛ **لن، پ** پس از این بیت و **لی** پس از بیت ۱۳۲۳ افزوده‌اند:

چو آمد برم نامهٔ پهلوان — شنیدم من آنرا (**لی**: مر آن را) بروشن روان

۳۳- **ف**: نبینند چون تیز؛ **پ، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): نبیند چنو (**و، لن[۲]**: چو او) نیز؛ متن= **ل، ق[۲]** (و نیز **ل[۳]**) ۳٤- **ف، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): ببزم و برزم؛ متن= **ل، ق[۲]، پ** (و نیز **ل[۳]**)؛ **س، لن، ق، لی**، آ، **ل[۲]، ب** این بیت را ندارند؛ در **ف، و** (و نیز در **لن[۲]، س[۲]**) این بیت پس از بیت ۱۳۲۲ آمده است

همان پور فرخنده، زال[۱] سُوار — کزو[۲] مانـد انـدر جهـان یادگـار
رسید و بدانستم از کام او[۳] — همـان خواهش و رای و آرام او[۴]
سَخُن هر چه زو سام را کام بود[۵] — همـان زال را رای و آرام بود
همـه آرزوهـا سپـردم بدوی — بسـی روز فرّخ[۶] شمـردم بدوی[۷]
ز شیری که باشـد شکـارش پلنـگ — چه زاید[۸] جزاز[۹] شیر شرزه به جنـگ[۱۰]
گُسـی کردمش با دلـی شادمـان — کزو دور بادا بدِ بدگُمـان[۱۱]

برون رفـت با فرّخـی[۱۲] زال زر — ز گردان لَشـکـر برآورده سر[۱۳]
نونـدی برافـگـنـد نزدیك[۱۴] سام — که برگـشـتـم از شاه، دل شادکـام
ابـا خِلعـت خسـروانـی و تاج[۱۵] — همـان یاره[۱۶] و طوق و هم[۱۷] تخـت عاج[۱۸]
چُنـان شاد شد زان سَخُـن[۱۹] پهـلَوان — که با پیرسـر[۲۰] شد به نوّی جوان
سُواری به کاول[۲۱] برافـگـنـد زود — به مهـراب گفـت آن کجـا رفـتـه بود
نوازیدن شهـریار جهـان — وُزان شادمـانـی[۲۲] که رفـت از مِهـان[۲۳]
من اینـك[۲۴] چو[۲۵] دسـتـان بر من رسـد[۲۶] — گذاریم[۲۷] هردو[۲۸] چُنـان چون سَزَد[۲۹]

فرسـتـاده تازان به کاول[۳۰] رسـید — خروشـی برآمـد چُنـان چون سَزید

۱- ق۲: سام ۲- ق۲: وزو ۳- ق۲: کار تو؛ (ل۳: کام تو)؛ متن=ل ٤-ق۲: آزار تو؛ (ل۳: آرام تو)؛ متن= ل؛ س، لن، ق، لی، آ، ل۲، ب بیت های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ را ندارند و ف، پ، و (و نیز لن۲، س۲) از آنها یك بیت ساخته‌اند:

رسید و بدانستم (پ: ندانستم) از روی کار (ف: آن روزگـار) — کزو مانـد (و: مانـدی) انـدر جهـان یادگـار
س۲: سخن ها که گفتی تو ای نامدار

پیایی بیت های متن= ل، ق۲ (و نیز ل۳) ۵- ل: برآمد هر آنچ آن ترا کام بود؛ س: که اینك هرآنچ ترا کام بود (وزن نادرست است)؛ لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: بکردم (لن: بدادم؛ آ، ل۲: که اینت) هر آنچیز کت کام بود؛ و (و نیز لن۲): هرآن چیز کان (لن۲: کو) مر ترا کام بود؛ ق، پ (و نیز ل۳) این بیت را ندارند؛ متن= ف (و نیز س۲؛ ف: هر چه ازو)؛ لی پس از این بیت ۱۳۳۶پ را افزوده است ٦- ق۲، لی، ل۲، ب: خرّم؛ متن= ف، ل، س (و نیز ل۳، س۲) ۷- و: بسی پند فرخ شمردم براوی؛ آ: که نیکی بجای خود آید بکوی (!)؛ لن، ق، پ این بیت را ندارند ۸- ل: چه آید؛ ل۲: جزآید؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۹- و: بجز ۱۰- لن، پ: نهنگ ۱۱- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل۲، ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق۲، و (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۱۲- ل۲: فرهی ۱۳- و، آ: براَورد سر؛ پ، ق این بیت را ندارند ١٤- ف: دستان؛ (ل۳: برسوی)؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن۲، س۲)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ق۲، لی: باز آمدن زال بنزد (لی: از پیش) سام (س: سام نریمان و داماد شدن)؛ ل۲: آمدن دستان به سیستان نزد سام بشادی ۱۵- س: ابا خلعت و خسروانیم تاج ١٦- ف، ق: باره؛ س، ق۲، و: ناره (نقطه ندارد)؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ل، لن، لی، آ، ل۲، ب (و نیز لن۲، س۲) ۱۷- و (و نیز لن۲، س۲): با ۱۸- لی: تخت و عاج؛ ق پس از این بیت افزوده است:

سبـك نـزدت آیـم کـنـون بـر شـتـاب — ایـا مـهـربـان نـامـبـردار بـاب

۱۹- ق: خبـر ۲۰- لن: < سر > (وزن نادرست است)؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- ف- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابـل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- ق۲، لی، ل۲، آ، ب: از آن (ق۲: بران؛ لی: بدان) گونه شادی؛ متن← ۲۳- ق: که دید از مهان؛ لی: که بد در نهان؛ آ: گرفت از مهان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، و ٢٤- لی: هم اکنون ۲۵- س: که ٢٦- ق۲، آ: رسید ۲۷- س، ق۲: گزاریم؛ ق، و: بیاییم؛ لی: گراییم؛ ب: گرازیم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، آ، ل۲ ۲۸- س: ازآن سو ۲۹- ق۲، آ: سزید؛ آ در اینجا سرنویس دارد: آمدن زال بکابلستان ۳۰- ف، ل، س، ق، ق۲، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند

چُنان شاد شد شاه کاولستان[1] ... ز پیوند خورشید[2] زاولستان[3]
که[4] گفتی[5] همی[6] جان برافشاندند ... ز هر جای رامشگران خواندند
چو[7] مهراب شد شاد و روشن روان ... لبش گشت خندان و دل شادمان[8]
گرانمایه سیندخت را پیش خواند ... بسی[9] چرب[10] گفتار با او[11] براند
بدو[12] گفت کای[13] جفت[14] فرخنده‌رای ... بیفروخت[15] از رایت[16] این[17] تیره‌جای[18]
به شاخی زدی دست کاندر زمین[19] ... برو[20] شهریاران کنند آفرین
چُنان[21] هم کجا[22] ساختی از نُخُست[23] ... بباید مرین[24] را سرانجام جُست
همه گنج پیش تو آراسته ست ... اگر تخت و تاج ست[25] اگر[26] خواسته‌ست
چو بشنید سیندخت ازو گشت[27] باز ... بر[28] دختر[29] آمد سراینده راز[30]
همی[31] مژده دادش به دیدار زال[32] ... که تو یافتی چونک باید هَمال[33]

۱- ف- ب (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است **۲- لن، پ**: سالار **۳- ل- ق، لی- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلستان؛ **ق۲**: کابلستان (پساوند ندارد)؛ متن= **ف**؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

که بیجان شده بازیابد روان ... و یا پیرسر مرد گردد جوان

لی: لبش گشت خندان و دل شادمان (= ۱۳۳۷ب)

ق۲ پس از بیت بالا یك بیت دیگر هم افزوده است:

همه شهر کابل از آن شادمان ... تو گفتی که گشتند از سر جوان

٤- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: تو؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۵- ق**: گویی **٦- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): همه؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **ل، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بشادی زدند آنگهی دست زود ... کز اندوه و غم هرکسی رسته بود

۷- ل: که؛ **لی، و** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) **۸- ق۲، آ، ل۲، ب**: دل (**ق۲**: رخ) شد جوان؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، پ** (و نیز **ل۳، س۲**) **۹- لن، پ، آ، ل۲، ب**: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۰- ل، ق، ق۲، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): خوب؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) **۱۱- لی**: وی **۱۲- و**: چنین **۱۳- س، آ، ل۲، ب**: ای **١٤- و**: ماه **۱۵- س**: برافروخت **۱٦- س، ل۲**: از جانت؛ **لی**: از جایت؛ **و**: رای تو؛ متن= **ف، ل، لن، ق۲، پ، آ، ب** **۱۷- ل۲**: آن **۱۸- ل، لی، ل۲**: رای (پساوند ندارند)؛ **ق**: رایت از این تیره جای **۱۹- لی**: جهان (پساوند نادرست است) **۲۰- ق**: بدو؛ **ب**: بران **۲۱- ل، س، ق، ق۲، و، آ، ل۲**: چنین؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، لی، پ** (و نیز **س۲**) **۲۲- ل**: هر کجا؛ **س**: هم که این؛ **ق**: همچنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) **۲۳- ف**: از نهفت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**؛ در **ف** به **از نخست** تصحیح کرده است) **٢٤- ل** (و نیز **ل۳، س۲**): مران؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**) **۲۵- ل، س، ق**: اگر تخت عاجست؛ **لن، پ**: اگر تاج اگر تخت؛ **و، ل۲** (و نیز **ل۳**): اگر تاج و تختست؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق۲، لی، آ** (و نیز **لن۲، س۲**) **۲٦- س، ق۲، لی، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): وگر؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) **۲۷- ل**: برگشت؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۲۸- ق**: سوی؛ **ق۲**: پس **۲۹- ل۲**: دخت **۳۰- لی**: باز (پساوند ندارد)؛ **آ**: ناز **۳۱- س**: همان **۳۲- آ**: سراینده زال **۳۳- ل**: که دیدی چنان چون بباید همال؛ **س، ق**: چنان یافتی تو که باید همال؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): که چون یافتی تو که یابد همال؟؛ **و** (و نیز **لن۲**): که چون خواستی یافتی تو (**لن۲**: زو) همال؛ (**ل۳**: که خود یافتی چون که باید همال)؛ متن= **ف**؛ در **ل۲** پس از این بیت بیت ۱۳۴۷ آمده است

زن و[1] مرد را از بلندی منش … نیابد به گیتی ز کس سرزنش[2]
سُوی کام دل تیز[3] بشتافتی … کنون هرچه[4] جستی همه[5] یافتی
بدو گفت رودابه: ای[6] شاه[7] زن … سَزای ستایش بهر انجمن
من از خاك پای تو بالین کنم … ز فرمانت[8] آرایش دین کنم
ز تو[9] چشم آهَرمَنان[10] دور باد … دل و جان[11] تو خانه‌ی سور باد
چو بشنید سیندخت گفتار اوی[12] … به[13] آرایش کاخ بنهاد روی[14]
بیاراست ایوان ها چون بهشت[15] … گلاب و می و مشك و[16] عنبر سرشت[17]
بساطی بیفگند پیکر به زر … زَبرجد برو بافته سربسر
دِگر[18] پیکرش درّ خوشاب بود … که هر دانه‌یی قطره‌یی[19] آب بود
یك[20] ایوان همه[21] تخت زرّین نهاد … به آیین و آرایش چین[22] نهاد
همه پیکرش[23] گوهر آگنده بود … میان گهر نقشها کنده بود
ز یاقوت مر تخت را پایه بود[24] … که تخت کیان بود و پرمایه بود[24]
بیاراست[25] رودابه را[26] چون بهشت[27] … به خورشید بر جادوی ها نبشت[28]
نشست اندران[29] خانه‌ی زرنگار … کسی را بر او[30] ندادند بار

۱- **لن**: برین؛ **پ**: مرین؛ آ، **ل**۲، **ب**: بزن؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- **ل، ق، ق**۲**، لی، و**، آ، **ل**۲**، ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): سزد گر فرازد (**ق، ل**۳: برآرد؛ **ق**۲، آ، **ل**۲**، ب**: فرازی؛ **لی، و، لن**۲: برآید) سر از سرزنش (آ: گردنش)؛ **س**: بکام دل آمد ابی سرزنش؛ **لن، پ**: سزد گر برافرازی از سرزنش؛ (**س**۲: برآید به آخر سر از سرزنش)؛ متن= **ف** ۳- **لن، ق**۲**، پ**، آ، **ل**۲**، ب**: زود؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ٤- **ل**: هرچ؛ **س**: آنچ؛ **ق**۲**، لی**: آنچه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ۵- **ل**: همی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ٦- **ق**: کی؛ **لی**: کای ۷- **لن، ق**۲**، لی، پ**، آ، **ل**۲، **ب**: شاد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و**؛ در **ل**۲ این بیت پس از بیت ۱۳۴۴ آمده است ۸- **س، و** (و نیز **لن**۲): سزاتر که (**س**: چو)؛ **لن، ق**۲**، لی، پ**، آ، **ل**۲**، ب**: بفرمانت؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل**۳**، س**۲)؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

بکام تو گردد همه کار ما … سرآمد همان تیز بازار ما

۹- **لن**: من ۱۰- **ف، ل، س، لن، ق**۲**، لی، پ، ل**۲**، ب** (و نیز **ل**۳**، لن**۲): اهرمنان؛ **و**: اهریمنان؛ (**س**۲: اهرمنا)؛ متن= **ق**، آ ۱۱- **ق**: چشم؛ **ق** در اینجا سرنویس دارد: گفتار در ترتیب عروسی رودابه و رسیدن زال از نزد منوچهر و آمدن سام و زال بکابل ۱۲- **ق**، آ: او ۱۳- **ل**: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳**، لن**۲**، س**۲) ١٤- **ق**: رو؛ **ل** پس از این بیت دو بیت و **ق** تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

چهل بوستان کرد از خرّمی … بهشت برین کرد روی زمی
بهار نو آورد در بوستان … که شادان شدندی ازو دوستان

۱۵- **لن، پ**: ایوان چو خرم بهشت ١٦- **لی، و**: <و> ۱۷- **لن، پ، ل**۲: می و (**ل**۲: همی) مشك و عنبر بهم در سرشت؛ **ق**۲: بخورشید بر جادوی ها نبشت (= ۱۳۵۷ب) ۱۸- **لی**: همه ۱۹- **ق**۲: زادهٔ ۲۰- **لن، ق**۲**، لی، پ، ب**: در؛ آ: که؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل**۲ ۲۱- **س، و**: پراز؛ **لن، پ**: یکی؛ **ق**۲**، لی، ب**: همی؛ آ، **ل**۲: بران؛ متن= **ف، ل، ق** ۲۲- **لی**: آیین (پساوند ندارد) ۲۳- **لی**: گوهرش؛ **و** این بیت را ندارد ۲٤- **س**: کرد؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

یك ایوان همه جامهٔ (**ق**: جامه و) رود و می … بیاورده از پارس و اهواز و ری

۲۵- **ق**: بیاورد ۲٦- **لی**: <را> ۲۷- **ل**: نگار؛ **ق**: بهار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- **و**، آ، **ب**: نوشت؛ **ل، ق**: پر از جامه و رنگ و بوی بهار (**ق**: و بهار)؛ **لن، پ**: برو بربسی جادوی ها نوشت (**پ**: نبشت)؛ **ق**۲: گلاب و می و مشك و عنبر سرشت (= ۱۳۵۱ب)؛ متن= **ف، س، لی، ل**۲؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

گلی دیگرش بر سر گل نهاد … به گیسو درش مشك و سنبل نهاد

۲۹- **لن، پ**: نشاندش درآن؛ **لی**: نشاند اندران؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- **ل**۲: وی

همه کاولستان[۱] شد آراسته[۲]   پر از رنگ و بوی و[۳] پر از خواسته[۴]
همه[۵] پشت پیلان بیاراستند[۶]   به دیبای رومی و می خواستند[۷]
نشستند بر پیل رامشگران   نهادند بر سر[۸] ز زر[۹] افسران
پذیره شدن را بیاراستند   زکاول[۱۰] پرستندگان خواستند[۱۱]
کجا برفشانند[۱۲] مشك و عبیر   همان[۱۳] گسترانند[۱۴] خزّ و حریر
فشانند[۱۵] برسر همی[۱۶] مشك و زر   کنند[۱۷] از گلاب و ز می[۱۸] خاك[۱۹] تر

همی راند[۲۰] دستان گرفته شتاب   چو پرّنده مرغان و[۲۱] کشتی بر[۲۲] آب
[همه ره[۲۳] چو آتش همی راند زال   نه خورد و نه خواب و نه آرام و[۲۴] هال]
کسی را نبُد زآمدنْش[۲۵] آگهی   پذیره نرفتند با[۲۶] فرّهی
خروشی برآمد ز پرده‌سرای   که آمد ز ره[۲۷] زال فرخنده‌رای
پذیره شدش سام یل شادمان   همی داشت اندر برش یك زمان[۲۸]
چو شد زو رها زال[۲۹] ، بوسید خاك   بگفت آن کجا[۳۰] دید و بشنید پاك
نشست از بر تخت پرمایه سام   ابا زال خرّم[۳۱] دل و شادکام
سَخُن های سیندخت گفتن گرفت   چو شد لبْش خندان[۳۲] نهفتن گرفت

۱- ف- آ، **ب** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**): کابلستان؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است **۲- ل**: بیاراسته؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) **۳- ق۲**: < و> **٤- س**: پر از رنگ و بوی و پر خواسته **۵- ل، ق**: همان؛ متن= ده دستنویس دیگر **٦- آ، ب**: برآراستند **۷- ف، لن، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): ز کابل (**لن، پ، ب**: یکایك؛ آ: بکابل) پرستندگان خواستند (= ۱۳۶۲ب)؛ **ق۲**: بشادی همه مشك و می خواستند؛ متن= **ل، س، ق، لی، و** (و نیز **لن۲**)؛ **بنداری**: و جللواظهور الفیلة بالحریر و الدیباج **۸- ل، لن**: نهاده بسر بر؛ **ق۲، لی**، این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۹- پ**: همه؛ آ، **ل۲، ب**: بزرگ؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، و** **۱۰-** متن تصحیح قیاسی است **۱۱- لن، پ، آ، ل۲، ب**: نثارش همه مشك و زر خواستند؛ **ف** (← پ۷)، **ل، ق۲، لی** این بیت را ندارند؛ متن= **س، ق، و** (و نیز **ل۳**، **لن۲**)؛ **ق** پس از این بیت و **ق۲** پس از بیت ۱۳۶۴ افزوده‌اند:

دگر سو دمان زال و یاران اوی (**ق**: او)   سوی زابلستان نهادند روی (**ق**: او)

۱۲- ف، ل، پ، و، آ، ل۲، ب (و نیز **ل۳**، **لن۲**): برفشاندند؛ **لن، ق، ق۲، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **س** (و نیز **س۲**) **۱۳- ل، س، و، آ، ل۲، ب**: همی؛ متن= **ف، پ** **١٤- ل، پ، آ، ل۲، ب**: گسترانند؛ **و**: گستریدند؛ متن= **ف، س** (و نیز **س۲**) **۱۵- ف، ل، ق۲، لی، پ، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**): فشاندند؛ **لن، ق** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **س** **١٦- ل، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: همه؛ متن= **ف، س، و** **۱۷- ل، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): که شد؛ **و**: همان؛ متن= **ف، س** (و نیز **ل۳**) **۱۸- ق۲، لی، آ، ل۲، ب**: آن همه؛ متن= **ف، ل، س، پ، و** **۱۹- لی**: آب؛ **ق۲** پس از این بیت یك بیت افزوده است (← پ۱۱) **۲۰- لی**: رفت **۲۱- ل، ق، پ** (و نیز **ل۳**): مرغ و چو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**، **س۲**) **۲۲- لی**: در **۲۳- ف** (و نیز **س۲**): وزین سو؛ متن= **ل، ق۲** (و نیز **ل۳**) **٢٤- ق۲**: < و>؛ **س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست: قال فانصرف زال من حضرة الملك منوچهر یسوق مستعجلا کالطیر فی الهواء، والسفینة علی وجه الماء. فلم یشعر به أحد حتی طلع علی أبیه (= ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷) **۲۵- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: کسی را که بد ز آمدن؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) **٢٦- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: برفتند با؛ **س**: که رفتی پذیره‌ش ابا؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر رسیدن زال بنزدیك پدر و دامادی کردن اوی با دختر شاه کابل؛ **لن**: رسیدن زال بنزد سام بفیروزی؛ **لی، پ**: رسیدن زال بنزدیك سام؛ **ب**: باز آمدن زال نزد منوچهر **۲۷- ل۲**: در **۲۸- ف**: چو دیدش به بر داشتش یك زمان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) **۲۹- ل**: فرود آمد از باره؛ (**ل۳**: چو شد زو جدا زال)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**، **س۲**) **۳۰- لن**: آنك او **۳۱- ل**: خورم **۳۲- ل، ق**: لبش گشت خندان؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: چو خندان شد آنگه؛ متن= **ف، س، و، ل۲** (و نیز **لن۲**، **س۲**)؛ در **ق۲، لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

چُنین[۱] گفت کامد ز کاول[۲] پیام — پیَمبر[۳] زنی بود سیندخت نام[۴]
ز من خواست پیمان و[۵] دادم زبان[۶] — که هرگز نباشم برو[۷] بدگُمان
زهر چیز کز من به خوبی بخواست — سَخُن ها برآن[۸] برنهادیم راست[۹]
نُخُست آنك[۱۰] با[۱۱] شاه[۱۲] زاولستان[۱۳] — شود جفت خورشید[۱۴] کاولستان[۱۵]
دگر آنك زی او به مهمان شویم — بران[۱۶] دردها پاك درمان شویم
فرستادهیی آمد از نزد اوی[۱۷] — که شد ساخته[۱۸] کار فرزند اوی[۱۹]
کنون چیست پاسخ فرستاده را — چه گوییم مهراب[۲۰] آزاده را
ز شادی چُنان تازه شد[۲۱] زال سام — که رنگش سراپای شد لعل فام[۲۲]
چُنین داد پاسخ که ای پهلَوان — گر ایدونك[۲۳] بینی به روشنروان
سپه بگذرد ما ز پس تر رویم[۲۴] — بگوییم بسیار و هم بشنویم[۲۵]
به دستان نگه کرد فرخنده[۲۶] سام — بدانست کو را درین[۲۷] چیست کام
سَخُن هرچه[۲۸] از دخت[۲۹] مهراب نیست — شب تیره مر زال را خواب نیست[۳۰]

بفرمود تا زنگ[۳۱] و[۳۲] هندی درای — زدند و گشادند پردهسرای

۱- **و**: همی **۲- ف- ق، لی- ب** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): کابل؛ **ق**[۲]: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است **۳- ف**، آ، **ل**[۲]: پیامبر (وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت **م** را پس از هجای بلند انداخت← بیت ۲۱۲) **٤- س**: که رنگش سراپای شد لعل فام (= ۱۳۸۰ب)؛ در **س** پس از این بیت بیت ۱۳۸۱ آمده است؛ در **ق**[۲]، **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۵- لی**: <و> **٦- س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، ل**[۲]، **ب**: زمان؛ متن= **ف، ل، ق، و**، آ **۷- ل، ق، لی، پ، ل**[۲]، **ب**: بدو؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]، **و**، آ **۸- ق**[۲]، **پ**: برو؛ **لی**: بدان؛ **س** این بیت را ندارد **۹- پ**: برنهـادم براست **۱۰- پ، و**، آ، **ل**[۲]: آنکه **۱۱- ق**[۲]، **ب**: تا **۱۲- ل، لی، و**: ماه؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۳- ل، ق**[۲]، **لی، و**: کابلستان (**و** پساوند ندارد)؛ **لن، ق، پ**، آ، **ب**: زابلستان؛ متن= **ف، ل**[۲] **١٤- لن، پ**: هم ماه؛ **ق**[۲]، آ، **ب**: با ماه؛ **لی**: با شاه؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **۱۵- ف، لن، ق، ق**[۲]، **پ- ب** (و نیز **س**[۲]): کابلستان؛ **ل، لی** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است **١٦-** آ: بدان؛ **ف، س، و** (و نیز **لن**[۲]) این بیت را ندارند **۱۷- ق**، آ، **ل**[۲]، **ب**: او **۱۸- ل**: که پردخته شد؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **۱۹- ف** (و نیز **لن**[۲]): کار فرزند اوی (پساوند ندارند)؛ **لن، پ**: کار را رنگ و بوی؛ **ق**[۲]، **لی**: کار پیوند جوی؛ **و**: کار اورمزد اوی (!)؛ آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **س**[۲]): کار پیوند او (پساوند ندارند)؛ متن= **ل، ق**، (**ق**: او) **۲۰- ل**[۲]: چه گویم بمهراب؛ **س** این بیت را ندارد **۲۱- ل، ق، پ**: چنان شد دل؛ **لن، و**: چنان شاد شد؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۲- س**: پیامبر زنی بود سین دخت نام (= ۱۳۷۳ب)؛ **لن، ق**[۲]، آ، **ب**: بدانست کو را از آن (آ، **ب**: ازین) چیست کام (= ۱۳۸۳ب)؛ در **س** ۱۳۷۳ب و ۱۳۸۰ب پس و پیش شدهاند و بیت های میان این دو بیت بجز بیت ۱۳۷۴ افتادهاند **۲۳- پ**: ایدونکه؛ **لن، لی**، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ در **س** این بیت پس از بیت ۱۳۷۳ آمده است **٢٤- ل، س، ق، و** (و نیز **لن**[۲]): سپه رانی و ما به کابل (**و، لن**[۲]: ما نخستین) شویم؛ **ق**[۲]: سپه رانی و بار بستر (← ماز پستر) شویم؛ **پ**: ز پیش سپه ما بیکسو شویم؛ **ل**[۲]: سپه را سراسر پذیره شویم؛ (**ل**[۳]: سپه رانی و ما ز ایدر رویم؛ **س**[۲]: سپهرانی و ما ز پس تر شویم)؛ **لن، لی**، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف** **۲۵- ل، س، ق، پ، و، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): بگوییم و (**ل، ق**: <و>) زین در سخن بشنویم؛ **ق**[۲]: بگوییم درآن سر سخن بشنویم؛ (**ل**[۳]: بگوییم و گفتارشان بشنویم)؛ متن= **ف** **٢٦- س، ق، پ، و، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]): و خنـدید؛ **لن**، آ، **ب** لت یکم این بیت را ندارنـد، **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **۲۷- ل، ق**: ازین؛ **س**: زبن؛ **لن، ق**[۲]، **پ، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): ازآن؛ متن= **ف**؛ **لن**، آ، **ب** ۱۳۸۰ب، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳آ را انداخته و از ۱۳۸۰آ و ۱۳۸۳ب یك بیت ساختهاند؛ **ف، و** (و نیز **لن**[۲]) پس از بیت ۱۳۸۳ افزودهاند:

ورا داد پاسخ به شیرین زبان — که ای نامور نیك پی پهلوان

۲۸- ل، لن: هرچ؛ متن= ده دستنویس دیگر **۲۹-** آ: از بهر **۳۰- ل، س**: بنزدیك زال آن جز از خواب نیست؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **۳۱- ل**[۲]: صنج **۳۲- لن، ق**[۲]: <و>

هیونی برافگنـد و[1] گردی[2] دِلیر	بدان تا شود نزد[3] مهراب شیر
بگوید که آمد[4] سپهبد زٰ[5] راه	ابا زال و پیلان[6] و چندی[7] سپاه
بزد نای مهراب و[8] بربست کوس[9]	بیاراست لَشکر چو چشم خروس
ابا زَنده پیلان و رامشگران	زَمین شد بهشت از کران تا کران
ز بس گونه‌گون پرنیانی دِرفش	چه سرخ و سپید[10] و چه زرد[11] و بنفش
چه آوای[12] نای و چه آوای[13] چنگ[14]	خروشیدن بوق[15] و آوای زنگ[16]
تو گفتی مگر روز انجامش ست	یکی رستخیزست گر رامش[17] ست
همی رفت ازین گونه تا پیش[18] سام	فرود آمد از اسپ و بگذارد[19] گام
گرفتش جهان‌پهلَوان در کنار	بپرسیدش از گردش روزگار
شه کاولستان[20] گرفت آفرین	چه[21] بر سام و بر زال زر[22] همچنین[23]
نشست از بر باره‌ی تیزرو	چُن[24] از[25] کوه[26] سر برکشد[27] ماه‌نو
یکی تاج زرّین، نگارش[28] گهر،	نهاد از[29] بر تارَك زال زر
به کاول[30] رسیدند خندان و شاد	سَخُن های دیرینه کردند یاد
همه شهر از[31] آواز[32] هندی درای	ز نالیدن بربط و چنگ و نای[33]
تو گفتی دد و دام رامشگرست	زمانه بر[34] آرایشی[35] دیگرست

۱- ل- ب (و نیز س۲): < و> ؛ متن= ف (و نیز ل۳، لن۲) ۲- ل: گردو؛ س، ق۲، و: مردی؛ لن، ق، پ، آ، ل۲، ب (و نیز لن۲، س۲): مرد؛ لی: زال؛ متن= ف (و نیز ل۳) ۳- ل: پیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ٤- آ: بگویند کامد ۵- ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: به؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، و ٦- ل: ابا زال با پیل؛ ق، پ: ابا زنده پیلان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- ق: چندین؛ لی، آ، ل۲: چندان؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ل۲ پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن مهراب بدیدن سام و زال؛ ل پس از این بیت بیت های ۱۳۳۴- ۱۳۳۶ و ق، پ بیت ۱۳۳۴ را دوباره آورده‌اند؛ لن، ق۲، لی پس از این بیت دو بیت و پ پس از افزودن بیت ۱۳۳۴ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

فرستاده آمد به مهراب زود	سراسر بگفت آنچ دید و شنود
چو بشنید مهراب شد شادمان	رخش گشت چون لاله و ارغوان

ق۲، لی: رخش (لی: برخ) گشت همچون گل و ارغوان

۸- چو بشنید مهراب؛ لن، ق۲، لی، پ (و نیز ل۳): بزد نای روئین و؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز لن۲، س۲) ۹- ق۲: برپشت؛ آ: زد زود ۱۰- س: سیاه؛ لن: چه سبز؛ لی: چه زرد؛ و، ب: سفید؛ متن← ۱۱- س: سپید؛ لی، پ: چه سبز؛ متن= ف، ل، ق، ق۲، آ، ل۲ ۱۲- س، لن، لی، پ، ب: آواز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، لی، پ، و، ب: آواز؛ متن= ف، ل، ق، ق۲، آ، ل۲ ١٤- س: کوس ۱۵- ق: نای ١٦- لی: کوس (پساوند ندارد)؛ س: خروشان شده همچو چشم خروس (!) ۱۷- ف: و یا رامش؛ س، ق، لی (و نیز ل۳): < و> یا رامش؛ لن، ق۲، پ، آ، ل۲، ب: و آرامش؛ (س۲: و با رامش)؛ و: نه هنگام شادی و آرامش؛ متن= ل ۱۸- ق: نزد ۱۹- ف، س- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): بگزارد؛ متن= ل ۲۰- ف- ق، لی- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): کابلستان؛ ق۲: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ق: ابر ۲۲- س، ق۲، ب: بر؛ آ: یل؛ ل۲: را؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- آ: آفرین (پساوند ندارد)؛ لن، لی پس از این بیت افزوده‌اند:

برایشان برافشاند مشك و عبیر	همی گسترانید خز و حریر

۲٤- ل- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): چو؛ متن= ف ۲۵- ل۲: آن ٢٦- و: چرخ ۲۷- لن، لی، پ، و (و نیز لن۲، س۲): برزند؛ ق۲، آ، ب: برزدش؛ متن= ف، ل، س، ق، ل۲ (و نیز ل۳) ۲۸- ق۲: بکارش ۲۹- لن، پ (و نیز ل۳): نهادند؛ در س، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ف این بیت را ندارد ۳۰- ل- ب (و نیز ل۳، لن۲) به کابل؛ (س۲: یکایك)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف این بیت را ندارد ۳۱- ل، ق: ز؛ لی، آ: < از> ؛ ل۲: همه زخم؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق۲، پ، و، ب ۳۲- ق، ق۲، پ، آ، ل۲: آوای؛ متن= ف، ل، س، لی، و، ب ۳۳- ق۲، لی: زنالیدن چنگ و بربط سرای ۳٤- ل، س، ق۲، و، آ، ل۲، ب: به؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، لی، پ ۳۵- لی: از آتشی؛ پ، و، ل۲: آرایش؛ متن= هفت دستنویس دیگر

پُش[۱] و یال اسپ از[۲] کران تا کران ... براندوده مشك و می و زعفران[۳]
همه[۴] روی[۵] پیلان پر از کوس و بوق[۶] ... براندوده از مشك و عنبر خَلوق[۷]
برون رفت سیندخت با بندگان ... میان بسته سیصد[۸] پرستندگان
مرآن[۹] هر یکی را یکی جام زر ... بدست اندرون پر ز[۱۰] مشك و گهر[۱۱]
همه[۱۲] سام را آفرین خواندند[۱۳] ... پس آن[۱۴] جام گوهر برافشاندند[۱۵]
بدان[۱۶] جشن هرکس که آمد فراز ... شد از خواسته یك بیك[۱۷] بی نیاز
بخندید و[۱۸] سیندخت را سام گفت[۱۹] ... که رودابه را چند خواهی نهفت
بدو گفت سیندخت: هدیه کجاست ... اگر دیدن آفتابت هواست[۲۰]
چُنین داد پاسخ به سیندخت سام ... که از من بخواه آنچ[۲۱] آیدْت کام[۲۲]
برفتند تا[۲۳] خانه‌ی زرنگار ... کجا اندرو[۲۴] بود خرّم بهار
نگه کرد سام اندران ماه‌روی ... یکایك شِگِفتی بماند اندروی[۲۵]
ندانست کِش چون ستاید همی ... برو چشم را چون گشاید همی[۲۶]
بفرمود تا رفت مهراب پیش ... ببستند بندی[۲۷] به[۲۸] آیین و کیش[۲۹]

۱- ل، لن- و، ب: بش (حرف یکم یك نقطه دارد)؛ س: بش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ف، آ، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲) ۲- ل، ق، پ، و (و نیز ل۳، لن۲): اسبان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز س۲) ۳- ل، ق، پ: براندوده بر (ق، پ: از) مشك و بر (ق: تا؛ پ: از) زعفران؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، ق۲: داماد شدن زال با روادبه (لن: در کابل)؛ پ: آمدن سام با زال به کابل و داماد شدن؛ ب: به زنی کردن زال روداب ۴- س، و: همان؛ ل، آ این بیت را ندارند ۵- لن، ق، ق۲، لی، پ، ب: پشت؛ متن= ف، س، و، ل۲ ۶- ق۲: بوق و کوس ۷- ق۲: خلوس ۸- لن: چندی؛ پ: چندین؛ ق۲: باصد؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲)؛ بنداری: و خرجت سین دخت و معها ثلثمائة وصیفة ۹- لن، ق۲، پ، ب: به کف؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- س: اندرون بود ۱۱- لن، ق۲، پ، ب: معطر مرصع ز (پ: به) درّ (ق۲، ب: مشك) و گهر؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل۲؛ در ل۲ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۲- و: همی ۱۳- آ، ب: آفرین خوان شدند ۱۴- و: از ۱۵- لن، ق۲، پ: وزان جامها گوهر افشاندند؛ آ، ب: وزان جامها گوهر افشان شدند؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، ل۲ ۱۶- لن، آ: بران ۱۷- و: جاودان ۱۸- ل، س، ق، ق۲، آ، ل۲: <و>؛ متن= ف، و، ب ۱۹- لن: پس آنگه سپهبد به سین دخت گفت؛ لی: به سین دخت پس پهلوان سام گفت؛ پ: به سین دخت آنگه سپهبد بگفت؛ لی پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت سین دخت کای پهلوان ... همان ره نمایش بده این زمان

۲۰- در لی این بیت پس از بیت ۱۴۰۹پ آمده است ۲۱- ق، ق۲، لی، پ، و، آ، ل۲، ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن ۲۲- لن، ق۲، لی، پ، آ، ب: داری تو کام؛ ل۲: هستت ز کام؛ متن= ف، ل، س، ق، و؛ لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

زبنده زتخت و زتاج و زشهر (پ، ل۲: و کمر) ... مرا هرچه باشد شماراست بهر (پ: بر)

ق۲، لی، آ، ب (و نیز س۲):

زبنده زتاج و زتخت (لی: تیغ) و زشهر (ب: گهر) ... مرا هر چه باشد شماراست بهر (ب: زز سیم و ز زر)
ق: زگنج و زتاج و ز پرمایه شهر

این بیت در ف، ل، س، و (و نیز لن۲) نیست؛ بنداری: فلاطفها سام و قال: کل ما أملکه من صامت و ناطق نثار لقدمك وفدإ لخدمك؛ در لی پس از بیت بالا بیت ۱۴۰۸ آمده است ۲۳- لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب: زی؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۴- پ: اندرون ۲۵- لن، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

نشاندند بر پهلوش زال زر ... چو خورشید رخشنده با زیب و فر

۲۶- لن این بیت را ندارد ۲۷- ل (و نیز س۲): عقدی؛ لن، لی، پ: عهدی؛ و (و نیز لن۲): کاوین؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل۳) ۲۸- ل، ق، ق۲: بر؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ۲۹- س، و (و نیز لن۲): آیین خویش؛ ق: آیین کیش؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، س۲)؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۴۱۵ آمده است

به یك تخـتـشـان شاد بنـشـانـدنـد عقـیق و زَبـرجـد برافـشـانـدنـد[۱]
سر ماه با افسـر نامـدار[۲] سر شاه[۳] با تاج گوهـرنـگـار[۴]
بیاورد پس دفـتـر[۵] خواستـهٔ[۶] همـه[۷] نُسـخَـتِ[۸] گنـج آراستـهٔ[۹]
برو خوانـد از[۱۰] گنـج ها هر چه[۱۱] بود که گوش آن نیارسـت گفـتـن[۱۲] شنـود[۱۳]
برفـتـنـد از آنـجـا بجـای نشـسـت بـبـودنـد یك هفـتـه با می به دسـت
وُزایوان[۱۴] سُوی کاخ[۱۵] رفـتـنـد باز سه هفـتـه به شادی گرفـتـنـد ساز[۱۶]
بزرگـان کشـورْش با[۱۷] دسـت بنـد کشـیدنـد[۱۸] بر[۱۹] پیش کاخ[۲۰] بلنـد
سر ماه سام نریمـان برفـت سُوی سیسـتـان[۲۱] روی بنـهـاد[۲۲] تفت
ابـا زال و با لَشـکـر و پیل و کوس زمـانـه رکـاب[۲۳] وُرا داد بوس

۱- لی این بیت را ندارد ۲- لن، لی، آ: زرنگار؛ ق۲، ل۲، ب: پرنگار؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و ۳- س: شاخ ٤- لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب: با (ق۲، لی: بر) گوهر شاهوار؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۴۱۳ آمده است؛ لی، ل۲ پس از این بیت سرنویس دارند، لی: رفتن مهراب به پیش رستم (!)؛ ل۲: عقد بستن رودابه و زال و عرس (→ عروسی) ایشان؛ ب پس از این بیت چهارده بیت افزوده است:

چـو زال گرانـمـایـه او را بـدیـد بـخـنـدیـد و لـب را بـه دنـدان گـزیـد
همـی گـفـت بـا خـود مـگـر ایـن پـریـسـت کـدامـیـن پـری کـو بـدیـن دلـبـریـسـت
هـمـان نـیـز رودابـهٔ مـهـرجـوی نـهـانـی هـمـی دیـد دیـدار اوی
وزانـپـس مـران خـانـه پـرداخـتـنـد چـو رودابـه و زال بـنـشـاخـتـنـد
پـس آنـگـاه دسـتـان پـاکـیـزه‌روی ابـا او درآمـد ابـر گـفـت‌وگـوی
چـو نـسـریـن و گـل درهـم آویـخـتـنـد مـی و شـیـر در یـك قـدح ریـخـتـنـد
چـو شـکـر لـبـانـش یـکـی بـرمـزیـد بـه گـوهـر دو مـرجـانـش انـدر گـزیـد
چـو پـرگـار بـر مـرکـز دل نـهـاد مـران مـهـربـان را گـره بـرگـشـاد
عـقـیـقـیـن شـد از زخـم پـرکـار شـاه چـو شـد کـهـربـا رنـگ رخـسـار شـاه
چو در نـقـطـهٔ جان گـهـر کار کرد دو جـان شـد یـکـی چـهـر دیـدار کـرد
مـه نـو درآمـد بـه چـرخ هـنـر زمـیـن شـد برومـنـد و کـان پـر گـهـر
چـو شـد روز دسـتـان سـر و تـن بـشـسـت ز بـهـر نـیـایـش یـکـی جـای جـسـت
ز جـای نـیـایـش سـوی مـاه شـد بـنـزدیـك آن تـخـت و آن گـاه شـد
پـس آنـگـاه مـهـراب فـرخ نـهـاد بـیـامـد بـنـزدیـك دسـتـان راد

۵- ل، لی: دفترو ٦- آ: آراسته ۷- لن، ق۲- ب: همان؛ ق: یکی؛ متن= ف، ل، س ۸- لن، ق۲، لی، پ، ب: نسخهٔ؛ ق: نسخه از؛ متن= ف، ل، س، و، آ، ل۲ ۹- آ: پرخواسته ۱۰- س، لن، لی، پ، و، ل۲، ب: آن؛ آ: بر؛ ق۲: خواندند؛ متن= ف، ل، ق ۱۱- ل، لن: هرچ؛ متن= ده دستـنـویس دیگـر ۱۲- ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل۳): گفـتـی؛ و: گفـت و؛ ل۲: کورا؛ متـن= ف، س (و نیز لن۲، س۲)
۱۳- ق: چه تاج و چه از گوهر نابسود؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چـو سـام آن چـنـان دیـد خـیـره بـمـانـد بـران خـواسـتـه نـام یـزدان بـخـوانـد

١٤- س: وزآنجا ١٥- ل، ق: باغ؛ متن= ده دستنویس دیگر ١٦- آ: ناز؛ لی: بشادی گرفتند یکهفته ساز ١٧- س: لشکرش با؛ ق۲: که بودند؛ آ، ل۲، ب: لشکرابا؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ١٨- ف، ق۲: برفتند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ١٩- س،، و (و نیز ل۳، لن۲، س۲): صف؛ ق۲: تا؛ آ، ب: در؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل۲ ٢٠- ل، ق: گاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲) ٢١- ق۲: شهر خود ٢٢- ل، پ: بنهاد و؛ در ق۲ پس از این بیت بیت ۱۴۲۸ آمده است؛ لن، لی- ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

از آن پس که او رفـتـه بد زال باز (لـی: زر) بشادی‌گرفتند(لی: ببودند؛ پ: بیاراست)یکهفته‌ساز(لی: در؛ آ: ناز)
لن: سه‌هفته‌بشادی‌گرفتندساز(=۱۴۱۹ب)

این بیت در ف، ل، ق نیست ٢٣- و: رکیب؛ متن= ف، ل، ق (و نیز لن۲)؛ س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، س۲) این بیت را ندارند

عَماری و[۱] پالان و[۲] هودَج بساخت یکی مهد تا ماه را درنشاخت[۳]
چو سینـدخت و[۴] مهراب و پیوند خویش سُوی[۵] سیستان ره گرفتند[۶] پیش
برفتند شادان دل و خوش مَنِش پر از آفرین لب ز نیکی دِهِش[۷]
رسیدند پیروز[۸] در[۹] نیمروز چنان[۱۰] شاد و خندان و گیتی فروز
سپرد آن زمان پادشاهی[۱۱] به زال برون برد[۱۲] لَشکر به فرخنده فال
سُوی گرگساران شد و[۱۳] باختر دِرفش خجسته برافراشت[۱۴] سر[۱۵]
شوم[۱۶] گفت کان پادشاهی جداست[۱۷] دل و دیده با ما ندارند[۱۸] راست
بترسم از[۱۹] آشوب بدگوهران بویژه ز گردان[۲۰] مازندران[۲۱]
بشد سام یك زخم[۲۲] و[۲۳] بنشست زال می و[۲۴] مجلس آراست و بفراشت یال[۲۵]

۱- **پ**: ز ۲- **ف، لی، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): بالای؛ **ل**: بالای و؛ **ق**: بالا و؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= **س، لن، ق۲**، آ، **ل۲** (و نیز **س۲**) ۳- **ف**: یکی مهد روادبه را درنشاخت؛ **لی**: یکی مهد با شاه اندر نشاخت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٤- **ق**: < و > ۵- **لن، پ**: ره ٦- **ل**: روی کردند؛ **لن**: برگرفتند؛ **ق**: راه کردند؛ **پ**: راگرفتند؛ **ل۲**: زابلستان گرفتند؛ متن= **ق۲، لی**، آ (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **ف، س، و، ب** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** آمده است: ثم عزم سام علی الارتحال خارجا نحو سجستان. فتوجه الیها و أمر زال بإعداد العماریات و تهیئة المهود و الهوادج، و اتبعه مستصحبا صاحبته و مهراب و زوجته، وارتحلوا من سبحستان جمیعا قاصدین قصد نیم روز فقدموها ۷- **ل، لن، و**: کنش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- **لن، پ**، آ: فیروز ۹- **ل، ق**: تا؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **لن، پ**: همه؛ **بنداری** پس از این بیت افزوده است: وأقام سام بضیافتهم ثلاثة أیام. ثم استأذن مهراب و رحل راجعا الی کابل خطة ملکه و مقرّ عزه. وأقامت سین دخت عند ابنتها. اصل این ترجمه در هیچیك از دستنویس های ما نیست، ولی در برخی از دستنویس های دیگر، از آن میان در دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سدهٔ نهم هجری و نیز در کنارهٔ **ل۳** آمده است:

یکی سور پس (**ل۳**: یکی بزم سام) آنگهی ساز کرد سه روز اندران سور مهراب خورد (**ل۳**: بزم بگماز کرد)
پس آنگاه سیندخت آنجا بماند خود و لشکرش سوی کابل براند
چو زال گرانمایهٔ نیك نام به کام دل خویشتن دید سام

۱۱- **لن**: آنگهی پادشاهی؛ **پ**: آنگهی سام شاهی؛ آ، **ل۲، ب**: آن زمان سام شاهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- **س**: کرد ۱۳- **س، ل۲**: گرگساران سوی؛ **لن، پ، و**: گرگسار و سوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱٤- **ل، لن- پ**، آ، **ل۲، ب**: برافراخت؛ **س**: برافراخته؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): برآورد؛ متن= **ف** ۱۵- **لن**: بر؛ در **ق۲** این بیت پس از بیت ۱۴۲۱ آمده است ۱٦- **ق۲**: سپه ۱۷- **ل، لن، ق، لی، پ**: مراست؛ **س**: خداست؛ **ق۲** (و نیز **س۲**): چراست؛ آ: کراست؛ متن= **ف، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۱۸- آ: بانامدارند؛ **ل۲**: با ما بدارید؛ **ل، لن، ق، لی، پ**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

منوچهرمنشور آن شهربر (**لن، ق۲، لی، پ**: بوم‌ویر؛ **ب**: شهرویر) مرا داد و گفتا همی (**ل۲**: همه) دار و خور

این بیت در **ف، س، ق۲، و** (و نیز **لن۲، س۲**) نیست ۱۹- **ل، ق، ق۲، و**، آ، **ل۲، ب**: ز؛ متن= **ف، س، لن، لی، پ** ۲۰- **لن، لی، پ**: دیوان؛ متن ← ۲۱- **ق۲**: بویژه ز کردار نام آوران؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن، لی، پ**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ترادادم ای زال این تخت گاه (**پ**: تخت‌وگاه؛ آ، **ل۲، ب**: جایگاه) همین پادشاهی و فرّخ کلاه (آ، **ب**: وهم تخت‌وگاه؛ **ل۲**: وهم تاج‌وگاه)

۲۲- **ل۲**: لخت ۲۳- **ق۲**، آ، **ل۲**: < و > ۲٤- **س**: همی ۲۵- **ل، س، ق، ق۲، لی، و، ل۲**: و بفراخت یال؛ آ: و فرخنده یال؛ **ب**: و فرخنده فال؛ متن= **ف**؛ **لن، پ**: بیاراست مجلس به فرخنده فال؛ **ف، و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

نشست از بر تخت زاول (**لن۲**: زابل) به داد به شاهنشهی تاج بر سر نهاد

و (و نیز **لن۲**) پس از بیت بالا افزوده‌اند:

همه کابل و زابل و نیمروز به شاهی دستان گیتی فروز
چو خلد برین خرم و تازه شد ز دادش به عالم در آوازه شد
هنرپروران جهان سربسر به درگاه دستان نهادند سر
ز دانش بنزدش فروزنده جاه برش یافتند از هنر (**لن۲**: از هنر یافتند) پایگاه
گرانمایه دستان خسرونژاد ز پیوند روادبه بُد سخت شاد
چنان شیفته بود بر چهر اوی (**لن۲**: او) که جانش نبد تازه بی مهر اوی (**لن۲**: او)

ق، پ پس از بیت ۱۴۳۱ افزوده‌اند:

چو روادبه بنشست با زال زر بسر برنهادش یکی تاج زر

گفتار اندر زادن رستم از مادر به فیروزی[1]

بسی برنیامد برین[2] روزگار   که با زادسرو[3] اندرآمد نهار[4]
شکم کرد[5] فربی[6] و تن[7] شد گران[8]   شد آن ارغوانی رخش زعفران
بدو گفت مادر[9] که ای جان[10] مام   چه بودت که گشتی چنین[11] زردفام
چنین داد پاسخ که من روز و شب   همی برگشایم به فریاد لب[12]
همانا[13] زمان آمدستم فراز   وزین[14] بار بردن نیابم جواز
تو گویی[15] بسنگستم آگنده[16] پوست   وگر[17] زآهنست[18] اینك بمیان اوست[19]
چنین تا گه زادن آمد فراز   به[20] خواب و به[20] آرام بودش نیاز
چنان بُد[21] که یك روز زو رفت هوش[22]   از[23] ایوان دستان برآمد خروش
خبر شد به[24] سیندخت و[25] بشخود روی   بکند آن سیه گیسوی مشك بوی
یکایك به دستان رسید آگهی[26]   که پژمرده شد برگ سرو سهی

۱- **ف**: گفتار اندر آنك شکم مادر رستم بشکافتند و رستم از آن بیرون کشیدند به گفت سیمرغ ؛ **ل، ق**: گفتار اندر (**ق**: در) مولود رستم زال (**ق**: زال سام) ؛ **س، ق۲**: زادن رستم زال از مادر (**س**: بفیروزی) ؛ آ: اندر زادن رستم زال از مادر؛ **ل۲**: ولادت رستم از دختر مهراب و آمدن سیمرغ ؛ **ب**: گفتار اندر ولادت رستم ؛ متن= **و** (که با بیشتر دستنویس ها میخواند) **۲- ق**: بدان ؛ **لی**: بدین **۳- ل، لی**: که آزاد سرو؛ **س**: بران زاد سرو؛ **ق، پ** (و نیز **ل۳**): که آزاده سرو؛ **و** (و نیز **لن۲**) که تا زاد سرو؛ متن= **ف، لن، ق۲**، آ، **ل۲**، **ب** (و نیز **س۲**) **٤- ل، ق، لی، پ، و** (و نیز **ل۳**، **لن۲**): ببار؛ **س، ق۲**، آ، **ل۲**، **ب** (و نیز **س۲**): بهار؛ **لن**: بهار (نقطه ندارد) ؛ متن= **ف** ؛ **ل، لن- پ**، آ، **ل۲**، **ب** (و نیز **ل۳**، **س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند :

بهـار دلفـروز پـژمـرده شـد   دلش‌راغم‌ورنج‌بسپرده(**ق**: آزرده؛ **ق۲**،آ: بسترده؛ **لی**: بشمرده)شد

ف، س، و (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند؛ **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ل۲**، **ب** (و نیز **ل۳**، **س۲**) پس از بیت بالا افزوده‌اند :

ز بس بار کو داشـت در (**ق۲**، **ل۲**: از) انـدرون   **لن، پ**، آ: همـی رانـد سین دخـت (آ: رودابـه) از دیده خون
ق۲،**لی**،**ل۲**،**ب**: همی‌راندرودابه‌چون‌دیده(**ل۲**: جوی ؛ **ب**: جویی ز)خون

ف، ل، س، ق، و (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند **۵- ل، لن، ق، ق۲، لی، و**، آ، **ل۲**، **ب**: گشت؛ متن= **ف، س** (و نیز **س۲**) **٦- ل، لن، ق۲، لی**، آ: فربه ؛ متن= **ف، س، ق، و، ل۲**، **ب** (و نیز **لن۲**، **س۲**) **۷- لن**، آ: تنش **۸- پ**: شکم سخت شد فربه و تن گران **۹- ق۲**: سیندخت **۱۰- س، ق۲**، **ل۲**: ناز؛ **لن**، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ، و** **۱۱- و**: که ایدون شدی ؛ در **ق۲** بیت های ۱۴۳۴ ، ۱۴۳۵ ، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶پ پس از بیت ۱۴۴۰ آمده‌اند **۱۲- لن**، آ، **ب** این بیت را ندارند؛ **ف، و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند :

چنان‌گشته(**ف**: گشت)بی آب(**لن۲**: زور)و(**ف**: <و>)پژمرده‌ام   تو (**و**: که) گویی که من زنـده‌یی مرده‌ام

۱۳- ل۲: همان تا **١٤- ق**: کزین ؛ **لن**، آ، **ب** این بیت را ندارند ؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ق۲** پس از این بیت افزوده است :

فـرود آمـد آن زنـدگـانـی زال   چـو بنشـسـت بـا خویش بگـرفـت یـال

۱۵- لن، ق۲، پ، آ، **ب**: گفتی ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **١٦- ف**: بسنگم درآکنده ؛ **لن، ق۲، پ، ب**: بسنگستش آکنده ؛ آ: ز سنگست آکنده ؛ متن= **ل، س، ق، لی، و، ل۲** (و نیز **س۲**) **۱۷- ف، لن، لی، پ، و** (و نیز **لن۲**، **س۲**): و یا ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۸- ف، ل، و**، آ (و نیز **لن۲**): < ز > آهنست ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) **۱۹- ل، ق**: آنك نیز (**ق**: < نیز>) اندروست ؛ **لن، ق۲، لی، پ** (و نیز **س۲**): آنك (**لی**: آنچه ؛ **پ**: آنکه ؛ **س۲**: آنچ) بوده دروست ؛ **و** (و نیز **لن۲**): اینکه در جوف اوست ؛ آ: آنکه بچّه دروست ؛ **ب**: آنك بود اندروست ؛ متن= **ف، س، ل۲** (**ل۲**: آنکه) ؛ در **لن، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۲۰-ل۲**: نه ؛ در **لن، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۲۱- ف، لن، ق۲، پ، و، ب** (و نیز **لن۲**): شد ؛ **ل۲**: تا ؛ متن= **ل، س، ق، لی**، آ، (و نیز **ل۳**، **س۲**) **۲۲- ف**: کزو رفت یك روز هوش ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**؛ **س، لن، ق۲- ب**: ازو) **۲۳- ل، ق، ق۲، و**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن** پس از این بیت سرنویس دارد: طلب کردن زال سیمرغ را **٢٤- ل، س، ق، پ، و** (و نیز **لن۲**، **س۲**): خروشید؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) **۲۵- ق۲، لی**، آ، **ل۲**، **ب**: < و> ؛ در **ق۲** پس از این بیت بیت های ۱۴۳۴ ، ۱۴۳۵ ، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶پ آمده‌اند **۲٦- پ**: بکابل به مهراب شد آگهی

به بالین رودابه شد زال زر   پر از آب رخسار و خسته جگر
چو زان[۱] پرّ سیمرغش آمد بیاد[۲]   بخندید و سیندخت را مژده داد
یکی مِجمر آورد و[۳] آتش فروخت   وُزان پرّ سیمرغ لختی بسوخت
هم اندر[۴] زمان تیره‌گون[۵] شد هوا   پدید[۶] آمد آن مرغ فرمان روا
چُن[۷] ابری که بارانْش مرجان بود   چه[۸] مرجان که آرایش جان بود
ستودش فراوان و بردش نماز   برو کرد زال[۹] آفرین[۱۰] دراز
چُنین[۱۱] گفت با زال[۱۲] کین غم چراست   به چشم هِزبر[۱۳] اندرون نم چراست
کزین[۱۴] سرو سیمین بر[۱۵] ماه‌روی   یکی شیر باشد[۱۶] ترا نامجوی[۱۷]
که خاك پی او ببوسد هِزبر[۱۸]   نیارد به سربر گذشتنْش ابر[۱۹]
وُز[۲۰] آواز او چرم جنگی پلنگ[۲۱]   شود چاك چاك و بخاید دو چنگ[۲۲]
هرآن گُرد کاواز[۲۳] گوپال اوی[۲۴]   ببیند برو بازوی و یال[۲۵] اوی
از[۲۶] آواز او[۲۷] اندرآید ز پای[۲۸]   دل مرد جنگی برآید ز جای[۲۹]
بجای[۳۰] خرد سام سنگی[۳۱] بود   به خشم[۳۲] اندرون شیر جنگی[۳۳] بود
به بالای سرو و[۳۴] به نیروی پیل   به‌آورد خشت[۳۵] افگند بر دو میل
نیاید[۳۶] به گیتی ز راه زهِش[۳۷]   به فرمان دادار[۳۸] نیکی دِهِش
بیاور یکی خنجر[۳۹] آبگون   یکی مرد بینادل[۴۰] پُرفسون
نُخُستین به می ماه را مست کن   ز دل بیم و اندیشه را پست کن
تو منگر[۴۱] که بینادل افسون کند   به صندوق تا[۴۲] شیر[۴۳] بیرون کند

۱- **ل، ق، پ**: همان؛ **س، ق[۲]، لی، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): چو آن؛ **لن، ل[۲]**: چواز؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): ازآن؛ متن= **ف** ۲- **ل[۲]**: سیمرغ آمدش یاد ۳- **ق**: < و> ٤- **پ**: همان در ۵- **ب**: قیرگون ٦- **لن، ق[۲]، پ، ل[۲]، ب**: بزیر؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)؛ **لی، پ** در اینجا سرنویس دارند، **لی**: آمدن سیمرغ و افسون کردن بر رودابه؛ **پ**: آمدن سیمرغ بنزدیك زال زر ۷- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): چو؛ متن= **ف** ۸- **لی**: که؛ **ق[۲]** پس از این بیت بیت ۱۴۳۶پ را دوباره آورده است ۹- **لی**: بدو زال کرد ۱۰- **لن، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): آفرینی؛ متن= **ل، ق، ق[۲]، لی** (و نیز **ل[۳]**)؛ **ف، س، و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند؛ **بنداری**: و لمادنت خرّ زال ساجدا یقبل الأرض و یذری الدمع ۱۱- **ق[۲]، لی**: بدو ۱۲- **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: سیمرغ؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۱۳- **لی، ب**: هژبر ١٤- **س، لن**: ازآن؛ **لی، ل[۲]، ب**: ازین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **ق[۲]، آ، ل[۲]، ب**: تن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٦- **س**: پور باشد؛ **ق[۲]، لی، آ**: کودك آید؛ متن= ← ۱۷- **و**: گو و نامجوی؛ **ل، ق**: یکی نرّه شیر آید و (**ق**: ای) نامجوی؛ متن= **ف، لن، پ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**) ۱۸- **لی، ب**: هژبر ۱۹- **ل، س، ق- ب** (و نیز **س[۲]**): نیارد گذشتن بسر برش (**ق[۲]**: همی نیز؛ **ب**: بسر نیز) ابر؛ متن= **ف، لن** ۲۰- **ل، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، و**: از؛ **س**: ز؛ متن= **ف، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**) ۲۱- **ف**: استخوان پلنگ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲۲- **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب**: بچنگ؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲۳- **س، و**: هرآن بارهٔ دزکه؛ **ق، ب**: هرآن گرد کو گرد (**ب**: زخم)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٢٤- **ل، س، لن، ق، لی، آ، ل[۲]، ب**: او؛ متن= **ف، ق[۲]، پ، و** ۲۵- **س، ق، ق[۲]، ب**: بازو و یال؛ **لن، لی**: بازو < و> یال؛ **و**: بیاید ببیند پر و بال؛ متن= **ف، ل، پ، آ، ل[۲]** ۲٦- **لن، ق[۲]، لی، آ، ب**: به؛ **ق**: ز؛ متن= **ف، ل، س، پ، ل[۲]** ۲۷- **و**: هم اندر زمان ۲۸- **س**: به پای؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: ز جای (**ل[۲]** پساوند ندارد)؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۹- **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: پولاد خای؛ **و**: نماند بجای؛ متن= **ف، ل، س، ق، ل[۲]** ۳۰- **س، پ**: بگاه؛ **آ**: بهوش و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۱- **لی**: جنگ جنگی (!) ۳۲- **لی**: به جنگ؛ **و**: به چشم ۳۳- **لی**: سنگی ٣٤- **ل**: < و> (وزن نادرست است) ۳۵- **ل**: باواز اسب؛ **س**: بآورد اسب؛ **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب**: بانگشت خشت؛ **ق**: باورد مرد؛ متن= **ف، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ٣٦- **لی**: بیاید ۳۷- **ق[۲]، لی، و**: رهش؛ **آ**: دهش؛ **ل[۲]**: و رهش؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۸- **ل، ق**: دارای؛ **لی**: داداد؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تاش (**ل[۲]**: بدانش که؛ **ب**: بدان باش) بیشی بود خرمی   بدین (**ل[۲]**: بسر) آدمی (**لی، ب**: آمدن) از ره مردمی

ف، ل، س، و (ز نیز **لن[۲]، س[۲]**) این بیت را ندارند ۳۹- **ق[۲]، آ، ب**: خنجری ٤٠- **ل**: بینادل و ٤١- **ل**: ننگر؛ **ق، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): بنگر؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) ٤٢- **ل[۲]**: با ٤٣- **آ**: بچّه

بکافد[۱] تهی‌گاه سرو سهی   نباشد مرو را ز درد آگهی
وُزان پس بدوز آن[۲] کجا کرد چاك   ز دل[۳] دور کن ترس و تیمار[۴] و باك
گیایی[۵] که گویمت[۶] با شیر و مشك   بکوب و بکن هر سه در[۷] سایه خشك
بسای[۸] و بیالای[۹] برخستگیش   ببینی همان روز پیوستگیش[۱۰]
برو[۱۱] مال ازآن پس یکی پرّ من   خجسته بود سایه‌ی[۱۲] فرّ من
ترا زین سَخُن شاد باید بُدن   به پیش[۱۳] جهاندار باید شدن
که او دادت[۱۴] این خسروانی درخت   که هر روز نو[۱۵] بشکفانَدْت[۱۶] بخت
بدین[۱۷] کار دل هیچ غمگین مدار   که شاخ برومندت[۱۸] آمد به بار
بگفت و یکی پر ز بازو[۱۹] بکند   فگند و بپرواز برشد بلند[۲۰]
بشد زال و آن پرّ او برگرفت   برفت و بکرد[۲۱] آنچ[۲۲] گفت ای شِگفت
بدان[۲۳] کار نَظّاره بُد[۲۴] یك جهان   همه دیده پر[۲۵] خون و خسته روان[۲۶]
فرو[۲۷] ریخت از میژه[۲۸] سیندخت خون[۲۹]   که کودك ز پهلو کی آید[۳۰] برون

بیامد یکی موبدی چرب دست   مرآن ماه‌رخ را به می مست کرد
بکافید[۳۱] بی رنج پهلوی ماه[۳۲]   بتابید مر[۳۳] بچّه را سر ز راه
چُنان بی‌گزندش برون آورید   که کس در جهان آن[۳۴] شِگفتی ندید
یکی بچّه بُد چون گَوی[۳۵] شیرفَش   به بالا بلند و به دیدار گش
شِگفت اندرو مانده بُد[۳۶] مرد و زن   که نشنید کس بچّه‌ی پیل‌تن

۱- **ف، لی**: بکاود؛ **آ، ب**: شکافد؛ (**لن**[۲]: بکابد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])؛ **لن، لی، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

وزو بچّهٔ شیر بیرون کشد   همه پهلوی ماه در خون کشد

بنداری: ثم یشق الحکیم بتلك الحدیدة خاصرتها و یستخرج منهاالولد ۲- **لی، ل**[۲]: بدوزد ۳- **ل**: تن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ٤- **لن، پ، و**: اندوه ۵- **س، لن، ق**[۲]، **و، آ، ل**[۲]، **ب**: گیاهی؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ** ٦- **لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ، ل**[۲]، **ب**: گویم تو؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۷- **ق**: هر سه بر؛ **آ**: جمله در ۸- **ل**: بساو؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۹- **ف**: ببالای (یك نقطه دارد)؛ **ل، ق**: برآلای؛ **ق**[۲]، **آ، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]): ببالای؛ **پ**: برآلا برآن؛ **و، ب**: بپالای؛ متن= **س، لن، لی** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۱۰- **لن، ق**[۲]، **آ، ب، ل**[۲]: هم اندر زمان بستگیش (**آ، ل**[۲]: رستگیش)؛ **لی** (و نیز **س**[۲]): همان گاه پیوستگیش؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، و** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) ۱۱- **ل**: بدو؛ **لن، ق**[۲]، **پ، آ، ل**[۲]، **ب**: بران؛ متن= **ف، س، ق، لی، و** ۱۲- **ل**[۲]: سایه و ۱۳- **لن، پ، آ، ب**: بنزد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱٤- **پ**: داد ۱۵- **لن**: گل ۱٦- **ل، لن، ق، پ**: بشکفاندش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **س، آ**: برین ۱۸- **و**: برومندی؛ **ل**[۲]: برومند؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **پ** پس از این بیت و **ب** پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

مرو را همی نام رستم کنید   ز شادی روان (**ب**: رخان) را ابی غم (**ب**: نم) کنید

۱۹- **ل**: بازوی؛ **و**: بگفت این و از بال پرّی ۲۰- **ق**: بیفکند و پرواز برشد بلند؛ **و**: بدو داد و برشد به ابر بلند ۲۱- **ق**[۲]: بگفت ۲۲- **ق، لی، پ، و، آ، ب**: آنچه؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق**[۲]، **ل**[۲] ۲۳- **س، لن، آ، ب**: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲٤- **ل، ق، لی، آ**: شد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- **ل**: همه دل پر از؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲٦- **لی**: کهان و مهان ۲۷- **لی**: همی ۲۸- **س، لی، و، آ** (و نیز **لن**[۲]): دیده؛ **لن، پ، ل**[۲]، **ب** (و نیز **س**[۲]): مژّه؛ متن= **ف** ۲۹- **ل، ق، ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]): فرو ریخت سین دخت از مژّه (**ق**[۲]، **ل**[۳]: دیده) خون ۳۰- **ق**[۲]: که آرد؛ **ل**[۲]: کی آرد؛ **لی**: که کودك کی آید ز پهلو؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن**: زادن رستم از مادر؛ **لی**: زادن رستم از مادر به فیروزی؛ **پ**: زادن رستم از مادرش رودابه؛ **ل**[۲]: بیرون آوردن رستم از شکم مادر ۳۱- **لی، آ، پ**: بکاوید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۳۲- **ق**: بکافید نخ نخ ز پهلوی ماه ۳۳- **و**: پس ۳٤- **ل، لن، لی، پ**: این؛ **ق**: زان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- **ف، آ** (و نیز **لن**[۲]): گو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۳٦- **پ**: شد

شبان روز مادر ز می[۱] خفته بود — ز می[۱] خفته[۲] و دل ز هُش[۳] رفته بود
همان[۴] درزگاهش[۵] فرودوختند — به دارو همه درز[۶] بسپوختند
چو از خواب بیدار شد سروبُن — به سیندخت بگشاد لب بر سَخُن[۷]
برو[۸] زرّ[۹] و گوهر برافشاندند — ابر کردگار آفرین خواندند
مران بچّه را پیش[۱۰] او تاختند — بسان سپهری برافراختند[۱۱]
بخندید از آن بچّه سرو سهی[۱۲] — بدید اندرو[۱۳] فرّ شاهنشهی[۱۴]
[برستم بگفتا غم آمد بسر — نهادند رُستمْش نام پسر[۱۵]]
یکی کودکی دوختند[۱۶] از حریر — به بالای آن شیر[۱۷] ناخورده شیر
درون اندرآگنده[۱۸] موی سمور — به رخ برنگاریده[۱۹] ناهید و هور
به بازوش بر اَژدَهای دِلیر — به چنگ اندرش[۲۰] داده چنگال شیر
به زیر کَش اندر نگار سِنان[۲۱] — به یك دست گوپال و دیگر عِنان
نشاندندش[۲۲] آنگه بر[۲۳] اسپ[۲۴] سمند — به گِرد اندرش[۲۵] چاکران نیز چند[۲۶]
هیون[۲۷] تگاور برانگیختند — به فرمانبران بر[۲۸] درم ریختند
مران[۲۹] صورت رستم گرزدار[۳۰] — ببردند نزدیك سام سُوار
یکی جشن کردند در[۳۱] گلستان[۳۲] — ز زاولستان[۳۳] تا[۳۴] به کاولستان[۳۵]

۱- آ: زمین ۲- **لن، پ**: خسته ۳- **ل، ق**: و هوش ازو؛ **س، و**: بود و ز هش؛ متن= هششت دستنویس دیگر؛ در **ل، ق، پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ٤- **لی**: مران ۵- **ق**: درزهایش؛ **لی**: زخم گاهش ٦- **ل، ق**: درد؛ **لی**: دارو (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، پ، و** (و نیز **لن**[۲])؛ **س، لن، ق**[۲]**، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) این بیت را ندارند؛ در **ل، ق، پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- **ف**: در لب سخن؛ **س، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: لب در سخن؛ متن= **ل، لن، ق، پ، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ۸- **لی**: بدو ۹- **ل، ق**: درّ؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲])؛ **بنداری**: ثم أفاقت بعد ذلك فنثرواعليها الذهب و الجوهر ۱۰- آ: نزد ۱۱- آ: برانداختند؛ **لی** (و نیز **س**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بیك روزه گفتی که یکساله بود — یکی تودهٔ سوسن و لاله بود

۱۲- **لن**: سروبن ۱۳- **لی، آ، ب**: پدید آمده؛ **ل**[۲]: پدید آمد آن؛ متن ← ١٤- **لن**: بگفتند ازآن بچّه چندی سخن؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

پدر چون بدیدار او کام (**ق**: رام) کرد — مر او را سبك رستمش نام کرد

۱۵- **ف- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) این بیت را ندارند؛ متن= (**س**[۲])؛ این بیت در برخی از دستنویس های دیگر، از آن میان در دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سدهٔ نهم هجری و در کنارهٔ **ل**[۳] (و در چاپ مول ۱۷۰۶/۷) و نیز در ترجمهٔ **بنداری** آمده است: فلما رأته تبسمت ضاحكة و قالت برُستَم أی قد خلصت. فسمی الصبی رُستَم ١٦- **ل**: دوخته؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۷- **ل، س، لی، و، آ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]): سیر؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]) ۱۸- **ف**: درون اندرآکند؛ **ل، ق**: درون وی آکنده؛ **س**: بدو اندر افکند؛ **لن، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: درو (**ل**[۲]: درآن) اندر آکنده (**ق**[۲]**، لی**: آکند)؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): درونش بیاکنده؛ (**ل**[۳]**، س**[۲]: بدو اندر آکنده)؛ متن= **پ** ۱۹- **ق**[۲]**، آ**: برخ برنگارید؛ **لی**: برخ برنگارنده؛ **ب**: برو برنگاریده؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: اندرون؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ۲۱- **ل**: نگاری ستان؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **س**[۲])): گرفته سنان؛ **ق**: سواری سنان؛ (**لن**[۲]: نشانده سنان)؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **ل**[۳]) ۲۲- **لی**: نشاندند؛ **ل**[۲]: نشانیدش ۲۳- **لی**: به ٢٤- **لن، پ**: اسبی ۲۵- **لی**: اندرون ۲٦- **ق**[۲]: تای چند؛ **ف، س، و** (و نیز **لن**[۲]) این بیت را ندارند؛ **بنداری**: فرس أركبوه عليه محفوفا بخدم مكنوفا بخول و حشم؛ **ل، ق** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو شد کار یکسر همه ساخته — چنان چون ببایست پرداخته

۲۷- **ف، پ، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): هیونی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **س**[۲]) ۲۸- **لن**: بفرمان یزدان؛ **و**: بفرمان بروبر؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: فرستادن زال نمودار رستم را به سام ۲۹- **ل**: پس آن؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- **و**: نامدار؛ در **پ** پس از این بیت بیت ۱۴۹۲ آمده است ۳۱- **ق**: بر؛ **ل**[۲]: <در> ۳۲- **س**: سیستان؛ **ل**[۲]: زابلستان ۳۳- **لن، و، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): زابلستان؛ **ق**[۲]**، لی**: کابلستان؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق** ٣٤- **ل**: و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۵- **ف- ق، و- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): کابلستان؛ **ق**[۲]**، لی**: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است

همه دشت[1] پر[2] باده و نای بود		به هر کُنج صد مجلس آرای بود
[به کاول[3] درون گشت مهراب شاد		به مژده به درویش[4] دینار داد]
به زاولستان[5] از کران تا کران		نشسته[6] به هرجای رامشگران
نبُد کهتر از مهتران[7] بر فرود[8]		نشسته، چُنان چون بود[9] تار و پود
پس آن[10] پیکر رستم شیرخوار[11]		ببردند نزدیک سام سُوار[12]
ابر سام یل موی بر پای خاست		مرا مانَد این پرنیان ـ گفت ـ راست[13]
اگر نیم ازین پیکر آید تنش		سرش ابر ساید، زَمین دامنش[14]
وُزان پس فرستاده را پیش خواست[15]		درم ریخت[16] تا بر سرش گشت[17] راست
به[18] شادی برآمد ز درگاه کوس		بیاراست میدان چو چشم خروس
می آورد و رامشگران را بخواند		به خواهندگان[19] بر درم برفشاند[20]
بیاراست جشنی[21] که[22] خورشید و ماه		نظاره شدند[23] اندرآن[24] بزمگاه[25]
پس آن نامه‌ی زال[26] پاسخ نبشت[27]		روان را بدان پاسخ اندر سرشت[28]
نُخُست آفرین کرد بر کردگار		بدان[29] شادمان گردش روزگار
ستودن گرفت آنگهی زال را		خداوند شمشیر و گوپال را
پس آمد بران[30] پیکر پرنیان		که یال یلان داشت و فرّ کیان[31]

۱- **لن**: دست ۲- **لن، ق۲، لی، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): با؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳**) ۳- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ٤- (**س۲**: به مژده یکی گنج)؛ **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند؛ **بنداری**: و بلغ الخبر الی مهراب فاستهز الطرب أعطافه، وكساه السرور أفوافه ۵- **س، لن، ق۲، لی، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): زابلستان؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، آ** ٦- **لن**: نشستند ۷- **ف**: نبد مهتر از که بسی؛ **لن**: نبد کهتر و مهتران؛ **و**: نبد مهتر از کهتران؛ **س، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ۸- **ل، ق، و، ب** (و نیز **لن۲**): برفزود؛ **آ** (و نیز **س۲**): بس فرود؛ **ل۲**: پس فزود؛ متن= **ف، لن، ق۲، لی** ۹- **ق**: چنان بود چون؛ **لی**: بهم در نشستند چون؛ **و**: نشسته بیکجای چون؛ **آ، ب** (و نیز **س۲**): نشسته چنان جفت با؛ **ل۲**: نشسته چنان همچنان؛ متن= **ف، ل، لن، ق۲** ۱۰- **س**: مران؛ **لن، پ**: چوآن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- **لن، پ**: گرزدار ۱۲- **لن، پ**: بدیدش جهانگیر سام سوار؛ **ق۲**: چو دیدش جهان پهلوان سوار؛ **لی**: بر سام بردند کرده نگار؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ب** پس از این بیت بیت ۱۴۹۱ دوباره آمده است؛ **ق، لی** پس از این بیت افزوده‌اند:

فرستاده بنهاد در پیش سام		نگه کرد خرم شد و شادکام

۱۳- **و**: مرا گفت ماند سراپای راست؛ **ل۲**: عجب مانده بر نام و برگفت راست ١٤- **ل۲** این بیت را ندارد ۱۵- **لن، ق۲، لی، آ، ب**: خواند ١٦- **س، ل۲**: خواست؛ متن= **ف، ل، ق، پ** ۱۷- **س**: کرد؛ **و**: درم بر سرش ریخت تا گشت؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل۲**؛ **لن، ق۲، لی، آ، ب** لت دوم این بیت را انداخته‌اند ۱۸- **س، و**: ز؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل۲**؛ **لن، ق۲، لی، آ، ب** این بیت را ندارند؛ **پ، ل۲** پس از این بیت افزوده‌اند (در **ل۲** لت ها پس و پیش شده‌اند):

در آن شهر سگسار و مازنداران		نشاند او بهرجای رامشگران (= ۱۴۹۴ب)
ل۲: بفرمود آوین کران تا کران

۱۹- **آ**: به آیندگان ۲۰- **و**: به درویش خواهنده زر برفشاند؛ **لن، ق۲، لی، آ، ب** ۱۴۹۹ب، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱آ را انداخته‌اند و از ۱۴۹۹آ و ۱۰۵۱ب یك بیت ساخته‌اند ۲۱- **س**: بزمی ۲۲- **ل، ق**: چو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- **س**: بنظّاره شد ٢٤- **ل**: اندرین؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۵- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): جشنگاه؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ٢٦- **ل، و**: نامه را سام؛ **ق**: نامه را زود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- **ل، لن، لی، و، آ، ب**: نوشت؛ متن= **ف، س، ق، ق۲، پ، ل۲** ۲۸- **ل- ق، پ- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بیاراست چون مرغزار بهشت؛ **ق۲، لی**: شگفتی سخن های فرّخ نبشت؛ متن= **ف** ۲۹- **ل- ق۲، و- ب** (و نیز **لن۲، س۲**): بران؛ متن= **ف، لی، پ** (و نیز **ل۳**)؛ **پ، و** در اینجا سرنویس دارند، **پ**: پاسخ نامهٔ زال از سام؛ **و**: پاسخ دادن سام نریمان نامهٔ زال زر را ۳۰- **ف**: برین؛ **س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): بدان؛ متن= **ل، ق۲، ل۲** (و نیز **س۲**) ۳۱- **ق۲، لی**: و (**لی**: < و >) گرز گران

بفرمود کین[۱] را چُنان[۲] ارجمند ‌‌ ‌ بدارید کز دم نیابد گزند
نیایش همی کردم[۳] اندر نهان ‌ ‌ چُنین جستم از[۴] کردگار جهان[۵]
که زنده ببیند[۶] جهان بین من ‌ ‌ ز تخم تو گردی[۷] بر آیین[۸] من
کنون شد مرا و ترا پشت راست[۹] ‌ ‌ نباید جز از[۱۰] زندگانیش خواست

فرستاده آمد چو باد دمان[۱۱] ‌ ‌ بر زال روشن دل و شادمان[۱۲]
چو بشنید[۱۳] زال آن[۱۴] سَخُن های نغز ‌ ‌ که[۱۵] روشن روان اندرآمد به مغز[۱۶]
به شادیش بر شادمانی فزود ‌ ‌ برافراخت گردن به چرخ کبود

گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم[۱۷]

همی گشت ازین گونه برسر[۱۸] جهان ‌ ‌ بَرَهنه شد آن[۱۹] روزگار نهان[۲۰]
به رستم همی داد ده دایه شیر ‌ ‌ که نیروی مردست[۲۱] سرمایه شیر
چُن از[۲۲] شیر آمد سُوی خوردنی ‌ ‌ شد از ماز[۲۳] و ز[۲۴] گوشت[۲۵] با برتنی[۲۶]
بُدی پنج مرده[۲۷] مرو را خورش ‌ ‌ بماندند مردم[۲۸] ازآن پرورش[۲۹]
چو رستم بپیمود[۳۰] بالای هشت ‌ ‌ بسان یکی سرو آزاد گشت
چُنان شد که رخشان ستاره بود[۳۱] ‌ ‌ جهان[۳۲] بر ستاره نِظاره بود

۱- **لن، ق، ق۲، آ، ب**: کو؛ **پ**: کان؛ متن= **ف، ل، س، لی، و، ل۲** ۲- **ل، لی**: چنین؛ **ق**: چو جان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- **ق۲**: کرد ٤- **ل، س** (و نیز **ل۳، س۲**): همی جستم از؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: شب و روز با (**ب**: بر)؛ **ق**: همی خواستم از (وزن نادرست است)؛ **و** (و نیز **لن۲**): ازین بخشش؛ متن= **ف** ۵- **ب**: آشکار و نهان ٦- **لن، ق۲، ل۲، ب**: که دیده ببیند؛ **پ**: که روزی ببیند؛ **و**: مگر زنده بیند؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، آ** ۷- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: پوری؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۸- **ف**: نو آیین؛ **ل، لن، ق، لی، پ، ل۲** (و نیز **ل۳**): بآیین؛ متن= **س، ق۲، و، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: کنون شد مراد من از بخت راست؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۰- **و، آ**: بجز؛ **ب**: مگر ۱۱- **ق۲، آ، ل۲**: باد بران (← بزان)؛ **ب**: باز (← باد) بزان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- **ل**: شادکام (پساوند ندارد) ۱۳- **و**: چو برخواند ۱٤- **ل، لن، ق، پ**: این؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- **ل، ق** (و نیز **س۲**): به ۱٦- **ل، ق** (و نیز **س۲**) اندر آورد مغز؛ **س**: اندر آن بود مغز؛ **ق۲، و، آ، ل۲، ب**: اندر آرد بمغز؛ **لی** (و نیز **لن۲**): اندر آید بمغز؛ متن= **ف**؛ **لن، پ**: دلش گشت خرم گو پاك مغز ۱۷- **ف**: گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیك رستم و دیدن او را و نواختن زال زر و رستم؛ **لن، لی، پ، و**: آمدن سام به زابل (**لی، و**: سام نریمان) به دیدن رستم (**و**: رستم دستان)؛ **ق، ق۲، ل۲**: رسیدن (**ل۲**: آمدن) سام به دیدن رستم (**ق**: و استقبال کردن زال و مهراب و رستم دستان)؛ **آ**: استقبال کردن رستم زال را؛ **ب**: آمدن سام بنزد رستم)؛ متن= آغاز **ف** ۱۸- **ل، ق**: چندی بسربر؛ **لن، ق۲، پ، آ، ب**: از آن گونه برسر؛ **و**: چندی برین بر؛ **ل۲**زین گونه برسر؛ متن= **ف، س، لی** ۱۹- **ل۲**: از ۲۰- **لی**: کهان؛ **پ**: مهان؛ **و**: گهی آشکارا و گاهی نهان ۲۱- **لن، لی، و، ب** (و نیز **ل۳**): مردست و؛ متن= **ل، ق۲، پ، آ، ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **ف، س، ق** این بیت و دو بیت سپسین را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **بنداری**: و کانت له عشر مرضعات یمتص نخب ألبها نهن حتی ترعرع؛ در **ل** این بیت و دو بیت سپسین پس از بیت ۱۵۱۹ آمده‌اند ۲۲- **ل، لن، ق۲- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): چواز؛ متن= **ل۲** ۲۳- **لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): نان؛ متن= **ل** ۲٤- **پ، و، آ**: از ۲۵- **ب**: از گوشت و از نان ۲٦- **ل**: افزودنی؛ **لن** (و نیز **لن۲**): نابرتنی؛ **ق۲، پ، ل۲، ب**: ناسی (نقطه ندارد)؛ **و**: پاترتنی؛ **آ**: بررستنی؛ (**ل۳**: پروردنی)؛ متن= **لی** (و نیز **س۲**)؛ **ف، س، ق** این بیت را ندارند ۲۷- **لن**: برّه ۲۸- **ل۲**: مردان ۲۹- **لن، پ**: بدین گونه بودی ورا پرورش؛ **ف، س، ق، و** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند ۳۰- **و**: همانگه که پیمود ۳۱- **ف**: ببود؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: شود؛ (**ل۳**: نمود)؛ متن= **ل، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) ۳۲- **لی**: همان؛ در **ل** پس از این بیت بیت های ۱۵۱۵- ۱۵۱۷ آمده‌اند

تو گفتی که سام یلستی بجای — به بالا[۱] و دیدار و فرهنگ[۲] و رای
چو[۳] آگاهی آمد به سام دِلیر — که شد پور دستان همانند[۴] شیر
کس اندر جهان کودك[۵] نارسید — بدان[۶] شیرمردی و گردی ندید
بجنبید مر سام را دل ز جای — به دیدار آن کودك آمدْش رای
سپه را به سالار لَشکر سپرد — برفت و جهان دیدگان را ببرد
چو مهرش سُوی پور دستان کشید — سپه را سُوی زاولستان[۷] کشید
چو زال آگهی یافت[۸] بربست کوس — ز لَشکر زمین گشت چون آبنوس
خود و گرد مهراب و کاول[۹] خدای — پذیره شدن را نهادند رای[۱۰]
بزد مهره در[۱۱] جام و[۱۲] برخاست غَو[۱۳] — برآمد ز هر دو سپه[۱۴] دار و رَوْ
یکی لَشکری[۱۵] کوه تا کوه مرد — زَمین قیرگون و[۱۶] هوا لاژورد[۱۷]
خروشیدن تازی اسپان و پیل — همی رفت[۱۸] آواز تا[۱۹] پنج[۲۰] میل
یکی زَندهپیلی بیاراستند — برو تخت زرّین بپیراستند[۲۱]
نشست از بر تخت بر[۲۲] پور زال — ابا قدّ چون سرو[۲۳] و با کتف[۲۴] و یال[۲۵]
به سر برش[۲۶] تاج و کمر بر میان — سپر پیش و در دست گرز گرانْ[۲۷]
چُن[۲۸] از دور سام یل آمد پدید[۲۹] — سپه بر[۳۰] دو رویه رده برکشید[۳۱]

۱- **ف**: بالای؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲- **لن، پ**: فرهنگ و دیدار ۳- **ق**: پس ٤- **لن، ق**[۲]**، لی، ب**: بکردار؛ **ل**[۲]: بمانند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- **پ**: کودکی ٦- **ل، لن، پ، و**: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **و** (و نیز **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

بجز پیل او را نبرتافتی — که اسپ از نشستن شکن یافتی

بنداری: وکان لایحمله مرکوب غیر الفیل لضخامة جثته و عبالة أکتافه؛ در **و** پس از این بیت بیت ۱۵۲۵ آمده است ۷- **س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): زابلستان؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **س**[۲])؛ **لی** این بیت را ندارد؛ در **و** این بیت پس از بیت ۱۵۲۲پ آمده است ۸- **س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: چو دستان شد آگاه؛ (**س**[۲]چو دستان بدانست)؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲])؛ **لی** این بیت را ندارد ۹- **ف- ق**[۲]**، پ- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): کابل؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- **ل، ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]): پای؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) ۱۱- **ب**: بر ۱۲- **س**: بزد مهره و ز دشت ۱۳- **ق**[۲]: غو ١٤- **س، لن، ق**[۲]**، پ، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **لن**[۲]): ز هرسو (**لن، پ**: جا) دم و؛ **لی، آ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]): ز هر سو ده و؛ متن= **ف، ل، ق** ۱۵- **ل، ق**: لشکر از؛ متن= ده دستنویس دیگر ١٦- **س**: شد؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۱۷- **ف، س، ق** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): لاجورد؛ متن= **ل، و**؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **س**[۲]): سپر در سپر بافته سرخ و زرد؛ **ل** پس از این بیت افزوده‌است:

سوی سیستان سام بنهاد روی — ابا این چنین لشکر و رنگ و بوی
چو این مژده بشنید زال دلیر — بزد نای رویین و ناسود دیر

۱۸- **و**: برشد ۱۹- **س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: بر؛ **لی**: در؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۰- **ل، ق، ق**[۲]**، لی، و**: چند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- **آ** پس از این بیت افزوده است:

ابر تخت زرین زبرجد نگار — نشسته بران رستم نامدار
برخ همچو خورشید و ببالا چو سرو (!) — برفتند مانند کبك و تذرو

۲۲- **لن، لی، پ، و**: زر؛ **آ**: نشسته ابر تخت بر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- **ل** (و نیز **س**[۲]): ابا بازوی شیر و؛ **س، ق**[۲]**- ب**: ابا (**و**: بدان) قامت سرو و (**ق**[۲]**، لی، آ، ب**: < و >)؛ متن= **ف، ق** (و نیز **ل**[۳]) ۲٤- **ف، س** (و نیز **س**[۲]): کفت؛ **ب**: برز؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]) ۲۵- **لن**: بزرگان که بودند بسیار سال (= ۱۵۳۵ب) ۲٦- **لن، ق**[۲]**، لی، آ، ب**: ابر سرش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ۲۷- **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب**: تیر و کمان؛ **بنداری**: فی یده قوس و نشاب؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ۲۸- **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): چو؛ متن= **ف** ۲۹- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **س**[۲]): او را بدید؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) ۳۰- **لن، پ، آ، ل**[۲]: را؛ **ب**: از؛ متن ← ۳۱- **ق**[۲]: نگه کرد با تاج و تختش بدید (پساوند ندارد)؛ **لی**: همان اسب و گرز گران را بدید (پساوند ندارد)؛ متن= **ف، ل، س، ق، و**؛ در **لی** پس از این بیت بیت ۱۵۳۹ آمده است

فرود آمد از اسپ[1] مهراب و زال[2]   جوانان و گردان[3] بسیار سال[4]
یکایك نهادند سر بر زَمین   ابر سام یل خواندند آفرین[5]
چو گل چهره‌ی سام یل بشکفید[6]   چو بر پیل بر[7] بچّه‌ی شیر دید[8]
چُنان همْش بر پیل پیش آورید[9]   نگه کرد تا[10] تاج و تختش[11] بدید
یکی[12] آفرین کرد سام دِلیر   که تهما[13] ، هِزبرا[14] ، بزی شاد و دیر[15]
ببوسید رستمْش[16] تخت ای شِگفت   نیا را یکی نو ستایش[17] گرفت
که ای پهلوان جهان شاد باش   چو[18] شاخ توام من، تو بنیاد باش[19]
یکی بنده‌ام، نامور[20] سام را   نشایم[21] خور و خواب و آرام را
همه[22] پشت[23] زین خواهم و درع و خود   همه[22] تیر ناوك[24] فرستم درود[25]
به چهر تو ماند همی چهره‌ام   چُنان چون تو[26] باشد مگر[27] زَهره‌ام
وُزان[28] پس فرود آمد[29] از[30] پیل مست   سپهدار بگرفت دستش بدست

۱- **ل**: باره؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲- **لن**: در حال زال ۳- **ل، س، ق، لی- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بزرگان که بودند؛ متن= **ف، ق۲** ٤- **ق۲**: با فرّ و یال؛ **لن**: ابا قامت سرو با سفت و یال (= ۱۵۳۲ب)؛ **لن** پس از این بیت افزوده است:

چو از دور سام یل او را بدید (=۱۵۳۳آ)   فرو رفت و لب را به دندان گزید

۵- **و**: گرفتند بر سام یل آفرین ٦- **لن، لی، پ، آ، ل۲، ب**: برشگفت ۷- **و**: نر ۸- **لن، لی، پ، آ، ل۲، ب**: چو (آ: که) فرزند را (آ: او) دید با یال و سفت؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲**؛ در **س** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **ق۲** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **لن، لی، پ، آ، ل۲، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بر پیل بر بچّه‌ی شیر دید (=۱۵۳۷ب)   بخندید و شادان دلش بردمید

آ، ل۲، ب: چو گل (آ: دل و) چهرهٔ سام یل بشکفید (=۱۵۳۷آ)

۹- **لن، لی، پ، ب**: چنانش همی پیش پیل آورید؛ **ق۲**: چنانش ابر پیل پیش آورید؛ **آ**: عنان راسوی پیل گرد آورید؛ **ل۲**: چنان همش بر پشت پیل آورید؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) ۱۰- **ق**: چون؛ **لی، و، ب**: و با؛ **پ، آ**: با؛ **ل۲**: با (نقطه ندارد)؛ متن= **ف، ل، س، لن** (و نیز **س۲**) ۱۱- **ل، ب**: تخت و تاجش؛ **ق۲**: نگه کرد تاج و سریرش؛ در **ق۲** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۲- **لن**: برو؛ پ: بدو؛ **ل۲** این بیت را ندارد ۱۳- **لی**: شیرا ١٤- **لی، ب**: هژبرا ۱۵- **ل، س**: شاد دیر؛ متن= **ف، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب**؛ **ق۲**: نترسید از آوادن (→ آواز آن) نرّه شیر؛ در **لی** این بیت پس از بیت ۱۵۳۴ آمده است؛ **ق۲** پس از این بیت افزوده است:

نماز نیا برد و بر پای ساخت   ببوسید مر سام را دست راست

١٦- **س**: بپرسید رستم ز ۱۷- **لن، پ**: نیایش؛ **ب**: پرستش؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین گفت با پهلوان پور زال   چو دیدش ابر (**لی**: ابا) پیل (**لی، آ**: پیل و) با فرّ (**ق۲، لی**: کتف) و یال

۱۸- **و**: که ۱۹- **س**: چو شاخ برومند بنیاد باش ۲۰- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: پهلوان؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۱- **ق۲**: نخواهم؛ **لی**: فشانم؛ در **ق** پس از این بیت بیت ۱۵۴۳پ آمده است ۲۲- **ل**: همی ۲۳- **لی**: اسب و ٢٤- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: تیر و ناوك؛ متن= **ف، ق، و** ۲۵- **ف**: چو دود؛ **ق۲** پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت، **ق** پس از بیت پیشین (و **س۲** پس از بیت سپسین) افزوده‌اند:

سر دشمنان را سپارم بپای   بفرمان دادار برتر خدای

این بیت در **ف، ل، س، و** (و نیز **لن۲**) نیست ٢٦- **ل، س، لی، پ** (و نیز **س۲**): چو آن تو؛ **لن، ق، آ، ب**: چنان تو؛ **ل۲**: چن آن تو؛ متن= **ف، ق۲، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۲۷- **ق، و**: دل و؛ آ: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- **ل**: ازان؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۹- **پ**: < آمد> (وزن نادرست است) ۳۰- **ق۲**: < از> (وزن نادرست است)

همی بر سر و چشم او داد بوس ‌‌ ‌‌ فرو[۱] مانـد بر جای پیلان و[۲] کوس
به گورابـه انـدرنـهـادنـد[۳] روی ‌‌ ‌‌ همـه[۴] راه شادان و با[۵] گفـت وگـوی[۶]
همـه کاخ ها تخـت زرّین نهـاد ‌‌ ‌‌ نشـسـتـنـد[۷] و خوردنـدو بودنـد[۸] شاد
برآمـد برین بر یکـی[۹] ماهـیان[۱۰] ‌‌ ‌‌ به رنـجـی نبـسـتـنـد هرگـز[۱۱] میان
همـی خورد هرکس به آوای رود[۱۲] ‌‌ ‌‌ همـی گفـت هریك[۱۳] بهنـوبـت[۱۴] سرود[۱۵]
به یك گوشـهی تخت دسـتـان نشست ‌‌ ‌‌ دگـر گوشـه[۱۶] رستم عَمـودی[۱۷] به دست[۱۸]
به پیش انـدرون سام گیهـان گشـای[۱۹] ‌‌ ‌‌ فروهـشـتـه از تاج فرّ همـای[۲۰]
به[۲۱] رستـم همـی[۲۲] از[۲۳] شِگفتی بمـانـد ‌‌ ‌‌ برو[۲۴] هر زمـان نام یزدان بخـوانـد
بران[۲۵] بازو و یال[۲۶] و آن سُفـت[۲۷] و شاخ ‌‌ ‌‌ میان چون قلم، سینـه و بر فراخ
به زال آنـگـهـی گفـت تا[۲۸] صد[۲۹] نژاد ‌‌ ‌‌ بپـرسـی[۳۰] ندارد کـسـی این به یاد[۳۱]
که کودك ز پهـلو برون آورنـد ‌‌ ‌‌ بدین مُنـکَـری چاره[۳۲] چون آورنـد
[بـه سیمـرغ بادا هزار آفـرین ‌‌ ‌‌ که[۳۳] ایزد وُرا[۳۴] ره نمـود انـدرین]
بدین خوب رویی و این[۳۵] قدّ[۳۶] و یال ‌‌ ‌‌ به گیتـی ندارد کس این را[۳۷] همـال

۱- **ق، ق۲، و**، آ: فرو مانـده؛ **ل۲**: فراوان ز؛ متن= هفت دستنـویس دیگـر ۲- آ: <و> ؛ **ل، ق، ل۲**: پیلان و (**ق**: از) آوای؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- **ل**: سوی کاخ از آن پس نهادند؛ **ق** (و نیز **ل۳**): پس آنگه به ایوان نهادند؛ **و**: سپه سوی زابل نهادند؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س۲**)؛ **بنداری**: ثم توجهوا جمیعا نحو کورابَذ ٤- **ب**: همان ۵- **لن، ق۲، پ**، آ، **ل۲، ب**: و پر؛ **ق**: < و > با؛ متن= **ف، ل، س، و** ٦- **ل، ق**: گفت گوی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- **س**: نهادند ۸- آ: بودند و خوردند؛ **ب**: خوردند و گشتند ۹- **ف**: برین بر چو یك؛ **س**: برین تابیك؛ **ق**،آ، **ل۲**،**ب**: برین تایکی؛ **و** (ونیز**لن۲**): برین کارها؛ (**ل۳**: برین هم برآمدیکی؛ **س۲**: برین گونه یك)؛ متن=**ل،لن،ق،لی،پ** ۱۰-**لی**: سالـیان ۱۱-**پ**: یکتن؛ **و**: روزی؛ **ل۲**: هریك؛ متن=نه‌دستنـویس‌دیگـر ۱۲-**ف**،**ق**: همی خوردومی رانـدآوای(**ق**: ازآوای)رود؛ **ل**: بخـوردنـدباده به‌آوای‌رود؛ **و**(ونیز**لن۲**): همی خوردباده‌برآوای؛ **س** این‌بیت‌راندارد؛ متن=هفت‌دستنویس‌دیگر(ونیز**س۲**؛ **لی**،**ب**: بآواز) ۱۳-**لن**،**ق۲**-**ب**: هرکس؛ متن=**ف**، **ل**،**ق**(ونیز**ل۳**) ١٤-**لن**،**ق۲**،**لی**،**پ**،آ، **ل۲**،**ب**: بشادی؛ **و**(ونیز**لن۲**): کیانی؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**(ونیز**ل۳**،**س۲**) ۱۵-**ق۲**،آ، **ب**: درود ١٦-**س**: دگردست؛ **ق**: بیك گوشـه ۱۷- **ل**: رستمش گرزی؛ **ق**: رستم گرزی (وزن نادرست است)؛ آ: رستم کمـانی؛ **ل۲**: رستم چو گرزی؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، ب** ۱۸- **و** (و نیز **لن۲**): بدست دگر رستم شه پرست؛ **لن، پ** این بیت را ندارند ۱۹- **ق۲**، **لی**، **و**، آ، **ل۲**، **ب**: گیتی گشای (آ: گشا)؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، س، ق** ۲۰- آ: هما ۲۱- **ل، ق، و**: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- **لن، پ**: نیا ۲۳- **ل، ق، لی، و**: در؛ متن= هشت دستـنـویس دیگـر ٢٤- **ب**: بروبـر (وزن نادرسـت اسـت) ۲۵- **لن، لی، پ، ل۲، ب**: بدان؛ متـن= هفـت دسـتـنـویس دیگـر ۲٦- **ل**: بازوی و یال؛ **و**: بازوی و زور؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- **ل، ق، ل۲، ب**: پشت؛ **س** (و نیز **س۲**): کفت؛ **لن، پ**: قد؛ **ق۲، لی**، آ (و نیز **ل۳**): کتف؛ **و**: یال؛ متن= **ف**؛ **ل، لن- پ**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

دورانش چو ران هیونـان (**ق**: هیونـی؛ **لی**، آ: هیون) ستبـر ‌‌ ‌‌ دل شیر و (**ق**: <و>) نیروی ببر و هزبر (**لی**: هژبر)

ل: دل شیر نر دارد و زور ببر

ف، س، و (و نیز **ل۳، لن۲**) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست ۲۸- **س، ق**: گر؛ **ل۲**: با ۲۹- **س**: هر ۳۰- **لن، پ**: بنویی (← بپویی؟) ۳۱- **س، ق**: ندارد کس این را بیاد؛ **لن، پ، ل۲**: کس این را ندارد بیاد؛ **ق۲، لی، ب**: کسی این (**ب**: آن) ندارد بیاد؛ آ: کس آنرا ندارند یاد؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ **ل** این بیت و بیت سپسین را ندارد؛ در **ل، پ** این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۱۵۵۹ آمده‌اند ۳۲- **س، لن، ق، لی، پ** (و نیز **ل۳، س۲**): بدین (**لی**: بدان) نیکویی چاره؛ **و**: بدین منکر این چاره؛ آ: برین پیکری چاره؛ **لن۲**: برین پیکرش چاره)؛ متن= **ف، ق۲، ل۲، ب** (**ل۲**: بدان)؛ **ل** این بیت و بیت پیشین را ندارد، ولی هر دو بیت در ترجمهٔ **بنداری** هست: و یقول لزال لوسایلت مائة من القرون لم تسمع بولد استخرج عن خاصرة أمه کما استخرج هذا ۳۳- **ق**: ز ۳٤- **ق**: که او؛ **ق۲، لی**: بدو؛ آ: باو؛ **ل۲**: پس از ایزد او؛ متن= **لن، پ، ب**؛ **ف، ل، س، و** (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** نیز هست: و طفق یشکر العنقاء و یحمد الله عزوجل إذ ألهمها صنیعها ذلك؛ در **لن، پ** این بیت پس از بیت ۱۵۵۹ آمده است ۳۵- **لن، ل۲**: خوب رویی بدین؛ **ق۲، لی، و**، آ، **ب**: خوب روی و بدین؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** ۳٦- **ل، لن- پ**، آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): فرّ؛ **و**: کفت؛ متن= **ف، س** ۳۷- **س، ق۲**: کس اورا؛ **لن، ق، پ**، آ، **ل۲، ب**: کسی را؛ **ل**: ندارد کس از پهلوانان؛ **لی**: بگیتی کس او را نباشد؛ **و**: بگیتی نباشد کس او را؛ متن= **ف**

بدین شادمانی[۱] کنون می خوریم   به می[۲] جان اندوه[۳] را بشکریم[۴]
که گیتی سپنج ست[۵] پُرآی[۶] و رَوْ   کُهُن شد یکی دیگر آرند نَوْ[۷]

به می دست بردند و مستان شدند   ز رستم سُوی یاد دستان شدند[۸]
همی خورد مهراب چندان نبید   که جز[۹] خویشتن در جهان کس ندید[۱۰]
همی گفت نندیشم از زال زر   نه از سام و نز[۱۱] شاه با تاج و فرّ[۱۲]
من و رستم و اسپ[۱۳] شبدیز و تیغ   نیارد برو[۱۴] سایه گسترد میغ
کنم زنده آیین ضحّاك را   به پی[۱۵] مشك سارا کنم[۱۶] خاك را
پر از خنده گشته لب[۱۷] زال و[۱۸] سام   ز گفتار مهراب دل شادکام
سر ماه[۱۹] نو هرمز مهرماه[۲۰]   بشد سام و بر تخت بگزید راه[۲۱]
چُنین گفت مر زال را کای[۲۲] پسر   نگر تا نباشی بجز[۲۳] دادگر
به فرمان شاهان دل آراسته   خرد را گزین کرده بر خواسته
همه ساله بسته[۲۴] دو دست ازبدی[۲۵]   همه روز جُسته ره ایزدی
چُنان دان که بر کس نماند جهان[۲۶]   یکی بایدت[۲۷] آشکار و نهان
برین[۲۸] پند من باش و مگذر ازین   بجز بر ره راست مسپَر زَمین

۱- **ف**: شادکامی ؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳، **س**۲) **۲- پ**: همان؛ متن← **۳- ق**۲، **لی**، **و**: اندیشه؛ متن← **٤- س**: به می انده از جان خود بشکریم ؛ **ق**: به می دل ز اندوه را بشکریم ؛ متن= **ف**، **ل**، **لن**، آ، **ل**۲، **ب** ؛ در **لن**، **پ** پس از این بیت بیت ۱۵۵۷ و پس از آن بیت های ۱۵۵۵ و ۱۵۵۶ آمده‌اند **۵- لن**، **پ**: سپنجست گیتی **٦- ف**، **ل**، **لی** (و نیز **ل**۳): بر رای؛ **لن**، **ق**، **پ** (و نیز **لن**۲): برآرای؛ متن= **س**، **ق**۲، **و**، آ، **ل**۲، **ب** (و نیز **س**۲؛ در **و**، آ حرف یکم سه نقطه دارد) **۷- لن**، **پ**: آردبنو **۸- ق**۲، **لی**: زیاد سپهبد به دستان شدند **۹- ل**، **ق**، **و**: که چون؛ **لن**: جزاز؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۰- ل**، **س**، **ق** (و نیز **ل**۳): خویشتن کس به گیتی ندید؛ **لن**، **ق**۲، **لی**، **پ**، آ، **ل**۲، **ب** (و نیز **س**۲): خویشتن را به گیتی ندید؛ متن= **ف**، **و** **۱۱- لن**، **ق**۲، **لی**، **پ**، **ل**۲، **ب**: واز؛ **ق**: < و > نه از؛ آ: و نه از؛ متن= **ف**، **ل**، **س** **۱۲- ل**: با تاج زر؛ **ق**: با داد و فر؛ متن= **ف**، **س**، **لن**- **پ**، آ، **ل**۲، **ب**؛ **و**: نه از سام یل نز شه تاجور **۱۳- س**: گرزو؛ **لی**، **و**: اسب و؛ متن= نه دستنویس دیگر **١٤- لن**، **ق**۲، **لی**، **پ**، آ، **ب**: بدو؛ متن= **ف**، **ل**، **س**، **ق**، **و**، **ل**۲؛ **و** (و نیز **لن**۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز بازوی او تازه شد زور من   همان اختر عالم افروز من
که دارد به گیتی درون پای اوی   همان چهرهٔ گیتی آرای اوی

۱۵- ل: بوی؛ **ق**: بمی ؛ **لی**: < به > پی ؛ **پ**: همی ؛ **و**: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **١٦- ل**: دهم ؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ **لن**، **ق**۲، **لی**، **پ**، آ، **ل**۲، **ب** (و نیز **س**۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسازم کنون من (آ، **ل**۲: هم اکنون) زبهرش سلیح (**پ**، آ: سلاح)   همی (**ق**۲: بهر) گفت چونین ز بهر (**لی**: زراه) مزیح (**ق**۲، **پ**، آ: مزاح)

ف، **ل**، **س**، **ق**، **و** (و نیز **ل**۳، **لن**۲) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست **۱۷- ق**: لب **۱۸- س**: <و> **۱۹- ل**، **س**، **ق**: سال؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۰- ل**، **ق**، **لی**: هرمز و مهرماه؛ **س**: هرمز فرودین ؛ **لن**، **پ**، **ل**۲، **ب**: هرمز از مهر (**پ**: مهرو) ماه؛ متن= **ف**، **و**، آ (و نیز **لن**۲، **س**۲)؛ **ق**۲: سرماه سام نریمان ز گاه **۲۱- ل**، **لن**- **ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲): بران (**پ**: بدان) تخت فرخنده (**س**۲: پیروزه) بگزید راه؛ **س**: بشادی نشسته بدید این چنین؛ متن= **ف**؛ **لن**، **ق**۲، **لی**، **پ**، آ، **ل**۲، **ب** (و نیز **ل**۳، **س**۲) پس از این بیت دو بیت و **س** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

بسازید سام و برون شد بدر   یکی منزلی زال شد با پدر
همی رفت بر پیل رستم دژم   به بدرود کردن نیارا بهم (**پ**: نیا نیز هم)

ف، **ل**، **ق**، **و** (و نیز **لن**۲) این دو بیت را و **س** بیت دوم را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** آمده‌اند: ثم عزم سام علی الرحیل فارتحل و خرج فی رکابه رستم و أبوه برسم الوداع مرحلتین **۲۲- ق**: ای **۲۳- ل**، **س**، **لن**، **ق**۲- **ب** (و نیز **ل**۳، **س**۲): جز از؛ متن= **ف**، **ق** (و نیز **لن**۲) **٢٤- س**، **لن**، **ق**، **پ**، **و**، آ، **ل**۲: شسته ؛ متن← **۲۵- ل**: همه ساله بر بسته دست بدی ؛ متن= **ف**، **ق**۲، **لی**، **ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲) **۲٦- س**: جهان دانك بر کس نماند چنان **۲۷- ق**: یکی دان همه؛ **و** این بیت را ندارد **۲۸-** آ: بدین؛ **و** این بیت را ندارد

که من[۱] در دل ایدون گمانم همی   که آمد[۲] به تنگی[۳] زمانم[۴] همی
دو فرزند را کرد پَدرود و گفت[۵]   که این پندها[۶] را نشاید[۷] نِهفت

برآمد ز درگاه زخم[۸] دَرای[۹]   ز پیلان[۱۰] خروشیدن کرّه‌نای[۱۱]
سپهبد سُوی باختر کرد روی   زبان گرم گوی[۱۲] و دل آزرم جوی
برفتند با او دو فرزند اوی[۱۳]   پر از آب رخ، دل پر از پند اوی[۱۴]
سه[۱۵] منزل برفتند و[۱۶] گشتند باز   کشید آن سپهبد به راه دراز[۱۷]

گفتار اندر اندرز کردن منوچهر نوذر را[۱۸]

منوچهر را[۱۹] سال شد بر دو شست[۲۰]   ز گیتی همی بار رفتن ببست

۱- **ق**[۲]، **لی**: مرا ۲- **ف، پ، و** (و نیز **لن**[۲]): آید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۳- **ل**[۲]: بنیکی ٤- **ق**[۲]: زمانم به تنگی (پساوند ندارد) ۵- **ل**[۲]: دو فرزند بدرود کرد و بگفت ٦- **لن، لی، پ، آ**: پند ما؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **ل- ق**[۲]، **پ، و، ل**[۲]، **ب**: نباید؛ **آ**: بباید؛ متن= **ف، لی** ۸- **لن، لی، پ**: زابل؛ **آ**: بانگ؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق**[۲]، **ل**[۲]، **ب** ۹- **و**: همانگه برآمدز پرده سرای ۱۰- **ق**[۲]: ز میدان ۱۱- **ف، ل، س**: کرّنای؛ **لی**: برآمد همانگه سپهبد ز جای ۱۲- **لن، لی، پ**: چرب گوی؛ **ق**[۲]: کینه گوی؛ **ب**: کینه جوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- **ل، لن، ق، ل**[۲]، **ب**: او؛ **س**: را؛ متن= **ف، ق**[۲]، **لی، پ، و، آ** ١٤- **ل، لن، ق، ل**[۲]، **ب**: او؛ **س**: را؛ **ق**[۲]، **لی**: پر از درد بد دل (**لی**: دل بد) پر از آب روی؛ متن= **ف، پ، و، آ** ۱۵- **ل**: دو؛ **بنداری**: فشیعاه مرحلتین أخریین و رجعا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ١٦- **ل**: <و> ۱۷- **ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): به تنگی فراز؛ **ل، لن، ق، ق**[۲]، **لی، پ، و، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) پس از این بیت دو روایت الحاقی به نام های: **کشتن رستم پیل سپید را**، و: **رفتن رستم به کوه سپند** افزوده‌اند؛ این دو روایت در **ف، س، آ، ل**[۲] (و نیز در **س**[۲]) نیست و در ترجمهٔ **بنداری** نیز نیامده‌اند؛ همچنین دستنویس بی تاریخ انستیتوی شرق شناسی کاما از سدهٔ هشتم هجری، دستنویس طوپقاپوسرای، مورخ ۸۰۳ هجری (به نشان H. 1515)، دستنویس کتابخانهٔ دانشگاه استانبول (به نشان Fy 1407)، دستنویس طوپقاپوسرای، مورخ ۸۹۱ هجری (به نشان H. 1056) و دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سدهٔ نهم هجری (به نشان S. 822) نیز این دو روایت را ندارند؛ تصحیح این دو روایت تنها بر اساس **ل، لن، ق، ب** انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد:

وزان روی زال سپهبد به (**ق**: ز) راه   سوی سیستان باز برد آن سپاه
شب و روز با رستم شیرمرد   همی کرد شادی و هم (**لن**: همی) باده خورد

کشتن رستم زال پیل سپید را

چنان بُد که یکروز با دوستان (**ق**: در بوستان)   همی باده خوردند در بوستان (**ق**: با دوستان)
خروشنده گشته دل (**ب**: همی) زیر و بم   شده شادمان نامداران بهم ←

۱۸- **ف**: گفتار اندر وصیت کردن شاه منوچهر و ولی عهد کردن نوذر پسرش را و بیرون رفتن ازین جهان؛ **س**: اندرز منوچهر نوذر را؛ **ق**: وصیت شاه منوچهر نوذر پسرش را؛ **ق**[۲]، **پ، آ، ب**: اندرز کردن منوچهر نوذر را (**پ**: پسرش را)؛ **لی**: آغاز داستان منوچهر (!)؛ **و**: انجام روزگار منوچهر شاه و سپردن پادشاهی به نوذر؛ **ل**[۲]: اندرز کردن شاه منوچهر لشکر و پسر را ۱۹- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ، ب**: چون؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۰- **لی، ب**: شصت؛ در **لن** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

ستاره‌شناسان بر او شدند | همی زآسمان داستان ها زدند[1]
ندیدند[2] روزش کشیدن دراز | ز گیتی همی گشت بایست باز
بدادند از آن[3] روز[4] تلخ آگهی | که شد تیره آن تخت[5] شاهنشهی

۱- در **لن** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- **ق**[۲]: بدیدند؛ **لن** این بیت را ندارد ۳- **و**: بدادندش از ۴- **ب**: تلخیش ۵- **ق**: این تخت؛ **ق**[۲]، آ، **ل**[۲]، **ب**: آن فرّ؛ **س**، **لن**، **لی**، **پ**، **و**: که تیره شود (**س**: شد آن) فرّ؛ متن= **ف**، **ل**

← می لعل گون در (**لن**: را) به جام بلور | بخوردند تا در سر افتاد شور
چنین گفت فرزند را زال زر | که ای نامور پور خورشیدفر
دلیرانت را خلعت و باره ساز | کسی را که باشند (**ل**: هستند) گردنفراز
ببخشید رستم بسی (**لن**: زر و) خواسته | ز خوبان و (**لن**: بسی تازی) اسپان آراسته
وُزان پس پراگنده شد (**ب**: گشت) انجمن | بسی خُواسته یافته تن بتن
سپهبد بسوی شبستان خویش | بیامد برانسان (**ق**، **ب**: بدانسان) که بُد رسم (**لن**: که آیین) و کیش
تهمتن همیدون سرش پر شتاب (**ق**: ز تاب) | بیامد گرازان سوی جای (**لن**، **ق**: جامه) خواب
بخفت و به خواب اندرآمد سرش | برآمد خروشیدنی از درش (**ل**: خروشیدن از کشورش)
ق، **ب**: خروشیدن آمد همی از (**ق**: مردم آمد) درش
که پیل سپید (**لن**: سفید) سپهبد ز بند | رها گشت و آمد به مردم گزند
وزو کوی و برزن به جوش آمدست | ز مستی چنین سخت کوش آمدست (**لن**، **ب** ندارند)
تهمتن ز خواب اندرآمد چو باد | ز مردم بپرسید و کردند یاد (**لن**، **ب** ندارند)
چو زان گونه گفتارش آمد به گوش | دلیری و گردی (**لن**: تندی)برو (**ق**: بدو) کرد جوش
دوان رفت (**لن**، **ب**: گشت) و گرز نیا برگرفت | برون آمد و راه (**لن**، **ب**: آمدن را ره) اندر گرفت
کسانی که بودند بر درگهش | همی (**ل**: همه) بسته کردند بروی رهش (در **لن** پس از بیت 15)
که از بیم اسپهبد نامور | چگونه گشاییم پیش تو در
شب تیره و پیل جسته ز بند | تو بیرون شوی کی بود این پسند
تهمتن شد آشفته از گفتنش | یکی مشت زد بر سر (**ل**: بر) و گردنش
برانسان (**ب**: بدانسان) که شد سرش مانند گوی | سوی دیگران اندرآورد روی
رمیدند از (**لن**، **ق**: ازآن) پهلو نامور | دلاور بیامد بنزدیك در
بزد گرز و بشکست زنجیر و بند | چنین زخم ازآن نامور بد پسند
برون آمد از در بکردار باد | بدست اندرش (**لن**: به گردن برش) گرز و سر پر ز باد (**ق**، **ب**: داد)
همی رفت تازان (**ق**: یازان) سوی زنده پیل | خروشنده مانند دریای نیل
نگه کرد کوهی خروشنده دید | زمین زیر او پاك (**لن**، **ب**: دیگ) جوشنده دید
رمان دید ازو نامداران خویش | برانسان (**ب**: بدانسان) که بیند رخ گرگ میش (**ق** ندارد)
تهمتن یکی نعره زد همچو شیر | نترسید و آمد بر او دلیر
چو پیل دمنده مر او را بدید | بکردار کوهی بر او (**ق**: براوبر) دوید
براورد خرطوم پیل ژیان | بدان تا به پهلو (**لن**، **ب**: رستم) رساند زیان
تهمتن یکی گرز زد بر سرش | که خم گشت بالای کُه پیکرش
بلرزید بر خود کُه بیستون | به زخمی بیفتاد خوار و زبون (**ق**: نگون)
بیفتاد پیل دمنده ز پای | تهمتن بیامد سبك باز جای (**لن** ندارد)
بخفت و چو خورشید از خاوران | برآمد بسان رخ دلبران (**ق** ندارد)
به زال آگهی شد که رستم چه کرد | زپیل دمنده برآورد گرد ←

گه رفتن آمد به دیگر سرای   مگر نزد[1] یزدان به آیدت[2] جای

نگر تا چه باید کنون ساختن   نباید که مرگ آورد[3] تاختن

سَخُن چون ز داننده بشنید شاه   به رسم دگرگون بیاراست گاه

همه موبدان و ردان را بخواند   همه راز دل پیش ایشان براند

۱- **لن، پ، ل**[۲]: پیش ۲- **ف**: آمدش؛ **ل**: آیدش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۳- **و**: آردت؛ **ل** (و نیز **ل**[۳]) پس از این بیت افزوده‌اند:

تو ناساخته کار رفتن کنی   بدستت زبر گل (**ل**[۳]: تنت زیر گل در) نهفتن کنی

← بیك گرز بشکست گردنش را   به خاك اندرافگند مر تنش را

سپهبد چو بشنید زیشان (**ق، ب**: ازیشان) سخن   که چون بود ز آغاز (**لن، ق**: از آغاز) کردار و (**ل، لن**: < و >) بن

ب: که چون بود کردار از آغاز و بن

به گفتا دریغا چنان (**ب**: ازآن) زنده پیل   که بودی خروشان چو دریای نیل

بسا رزمگاها که آن پیل مست   به حمله همه پاك بر هم شکست

اگر چند در رزم پیروزگر   بدی، به ازو (**ل**: زوی) رستم نامور (**لن**: زال زر)

بفرمود تا رستم آمد برش   ببوسید با دست یال و برش (در **لن** پس از بیت 43)

بدو گفت کای بچّهٔ نرّه شیر (**لن**: شیرنر)   برآورده چنگال و گشته دلیر (**لن**: گسترده پر)

بدین کودکی نیست همتای تو   به فرّ و به مردی و بالای تو

کنون پیشتر زآنك آواز (**لن**: بالای) تو   برآید وزان (**ب**: وزو) بگسلد ساز (**لن**: رای) تو

به خون نریمان میان را ببند   برو تازیان تا به کوه سپند

رفتن رستم به کوه سپند به خون خواستن نریمان

یکی کوه بینی سر اندر سحاب   که بر وی نپرند پرّان عقاب

چهارست فرسنگ بالای کوه (**لن**: او)   پر از سبزه و آب و دور از گروه

لن: همیدون چهارست پهنای او

همیدون چهارست پهناش بر (**ب**: فرسنگ سر؛ **لن**: پر از سبزه و آب و دیبا و زر)   بسی اندرو مردم و جانور

درختان بسیار با کشت و رز (در **لن** لت ها پس و پیش شده‌اند)   کسی خود ندیدست ازآن گونه (**ب**: از کوه) مرز

ز هر پیشه کار و ز (**ل**: کامروز؛ **ق**: امروز) هر میوه‌دار   درو آفریدست پروردگار

یکی راه (**ق**: را) بر (**ب**: در) وی دزی (**لن، ق، ب**: دری) ساخته   بسان سپهری برافراخته

نریمان که گوی از دلیران ببرد (**ق**: دلیر سواران نریمان گرد)   به فرمان شاه (**لن**: شه) آفریدون گرد (**ق**: به فرمان کی شاه لشکر ببرد)

به سوی حصار دز آورد رای (**ل**: روی؛ **لن**: اندرآورد پای)   وزان رای (**لن**: درآن راه) ازو (**ل**: او؛ **ب**: ازآن) گشت پردخته جای (**ل**: اوی)

شب و روز بودی به رزم اندرون   همیدون گهی چاره گاهی (**لن**: چاره و گه) فسون

بماند اندران رزم سالی فزون   سپاه اندرون و سپهبد برون (**ل** ندارد)

سرانجام سنگی بینداختند   جهان را ز پهلو بپرداختند

سپه بی سپهدار گشتند باز   هزیمت بر شاه گردن فراز

چو آگاهی آمد به سام (**لن**: شاه) دلیر   که شیر دلاوَر شد از بیشه سیر

خروشید بسیار و زاری نمود   همی هر زمان ناله‌یی برفزود

یکی هفته بودند (**لن**: بیك هفته می بود؛ **ب**: یکی هفته‌یی بود) باسوگ و درد   سر هفته پهلو سپه گرد کرد

به سوی حصار (**لن**: حصارو) دز اندرکشید   بیابان و باره (**ق**: سراسر) سپه گسترید (**ب** ندارد)

نشست اندران جا بسی سال و ماه   سوی بارهٔ دز ندانست (**ق**: ندیدست) راه

ز دروازهٔ دز یکی تن برون   نیامد برون و نشد (**لن**: نیامد همیدون نرفت) اندرون

که حاجت نبدشان به یك پرّ کاه   اگر چند در (**لن، ب**: ره) بسته بُد (**لن**: شد) سال و ماه

سرانجام نومید برگشت سام   ز خون پدر نارسیده به کام ←

بفرمود تا نوذر آمدْش پیش[۱] 		وُرا پندها داد از[۲] اندازه بیش
که این تخت[۳] شاهی فسوست و باد 		برو[۴] جاودان دل نباید نهاد
مرا بر صد و بیست[۵] شد سالیان 		به رنج و به سختی ببستم[۶] میان
بسی شادی و کام[۷] دل راندم[۸] 		به رزم اندرون دشمنان ماندم[۹]

۱- لن، ق، لی، پ: نوذر آمد به پیش؛ و: نوذرش رفت پیش؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- ل، لی: ز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳- لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب: تاج؛ متن= ف، ل، س، ق، و ٤- لن، لی، پ، ل[۲]، ب: بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- لن: صد و شصت؛ آ: صد و هشت ٦- ق[۲]: نبندم؛ لی، ل[۲]: ببسته ۷- ق: خرمی کام ۸- ق، لی، ل[۲] (و نیز ل[۳]، س[۲]): خواندم؛ متن= ل، لن، ق[۲]، پ، و، آ، ب ۹- لن، لی، پ: خواندم؛ ق، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]): راندم؛ متن= ل؛ ف، س (و نیز لن[۲]) این بیت و سه بیت سپسین را ندارند (← ۱۵۹۳پ)

← کنون‌ای‌پسرگاه‌آنست‌چون(ب: نون؛ لن: ترای‌پسرگاه‌آمدکنون) 		که سازم یکی چاره‌یی پر فسون
روی (ب: شوی) شاددل با یکی کاروان 		بدانسان (ل: برانسان) که نشاسدت ساروان (ق: کاردان)
تن خود به کوه سپند افگنی 		بن (لن: بر) و بیخ آن بدرگان (ق: ایشان ز بن) برکنی
که اکنون نداند کسی نام تو 		ز رفتن برآید مگر کام تو
بدو گفت رستم که فرمان کنم 		مرین درد را زود درمان کنم
بدو گفت زال ای پسر گوش گیر (لن: هوش دار) 		سخن هرچ گویم همه (ق: زمن) درپذیر
		لن، ب: هرانچت بگویم ز من گوش دار (ب: درپذیر)
برآری تن (ق: برآری تنت) چون تن ساروان 		شتر خواه از دشت یك (لن: صد) کاروان
به بار شتر در (لن: به پشت شتر بر) نمك دار و بس 		چنان رو که نشناسدت هیچ کس
که بار نمك هست آنجا عزیز 		به قیمت از آن به ندارند چیز
چو باشد حصاری گران بر درش 		بود بی نمك شان خور و پرورش
چو بینند بار نمك ناگهان 		پذیره شوندت سراسر مهان (ق ندارد)
		لن، ب: پذیره دوندت کهان و مهان
چو بشنید رستم برآراست کار 		چنان چون بود درخور کارزار (ق ندارد)
		لن،ب: برانسان(ب: بدانسان)که‌بُددرخورکارزار
به بار نمك در (ب: بر) نهان کرد (ل: دار) گرز 		برافراخته پهلوی یال و برز
ز خویشان تنی چند با خود ببرد 		کسانی که بودند هشیار و گرد
به بار شتر در سلیح گوان 		نهان کرد آن (ل: پس) نامور پهلوان
لب از چارهٔ خویش در خندخند 		چنین تا بنزدیك (لن: تازنان تا به) کوه سپند
رسید و ز که دیده‌بانش بدید 		بنزدیك سالار مهتر دوید
بدو گفت کامد یکی کاروان 		بنزدیك دز با بسی (ب: یکی) ساروان (لن ندارد)
گمانم که باشد نمك بارشان 		اگر پرسدی (ق: بررسد) مهتر از کارشان (لن، ب ندارند)
فرستاد مهتر یکی را دوان 		بنزدیکی مهتر کاروان (لن، ب ندارند)
بدو گفت بنگر تا چیست بار 		بیاور (ق، ب: بیاور) مرا آگهی ده ز کار (لن ندارد)
فرود آمد از دز فرستاده مرد 		بر رستم آمد بکردار گرد (لن ندارد)
بدو گفت کای مهتر کاروان 		مرا آگهی ده ز بار نهان (ب: گران)
بدان تا بنزدیك مهتر شوم (لن: شویم؛ ب: رویم) 		بگویم چنان چون ز تو بشنوم
		لن،ق،ب: بگوییم (ق: بگویمش) وگفتار اوبشنویم (ق: بشنوم؛ ب: گفتارو بی‌غم‌شویم)
به پاسخ چنین گفت رستم بدوی 		که رو نزد آن مهتر نامجوی
چنین(لن،ب: همین)گویش ازگفت‌ما(لن،ق،ب: گفت ها)یك‌بیك 		که در بارشان ست (ق: هست) یکسر نمك
فرستاده برگشت و آمد فراز 		بنزدیك آن مهتر سرفراز (ق: رزمساز)
یکی کاروانست گفتا تمام 		نمك بارشان ست (لن، ب: دارند) ای نیکنام
چو بشنید مهتر برآمد ز جای 		لبش گشت خندان و شادی (ل: نیکی) فزای
بفرمود تا در (لن: بر) گشادند باز 		بدان تا شود کاروان برفراز (ب: سرفراز)
چو آگاه شد رستم جنگجوی 		زپستی ببالا نهادند روی (لن، ب ندارند)
چو آمد بنزدیك دروازه تنگ 		پذیره شدندش همه (ق: همی) بی درنگ (لن، ب ندارند)
چو رستم بنزدیك مهتر رسید 		زمین بوس کرد آفرین گسترید
ز بار نمك برد پیشش بسی 		همی(ق: بسی)آفرین‌خواندند(لن،ق: خواندبر؛ ب: خواندش)هرکسی
بدو گفت مهتر که جاوید باش 		چو تابنده ماه و چو خورشید باش←

به فرّ فریدون ببستم میان — به[۱] پندش مرا سود شد هر زیان[۲]
بجستم ز سلم و ز تور[۳] سُتُرگ — همان کین ایرج نیای بزرگ
جهان ویژه[۴] کردم ز پتیاره‌ها[۵] — بسی شهر کردم بسی باره‌ها[۶]
چُنانم که گویی ندیدم[۷] جهان — شمار گذشته شد اندر[۸] نهان

۱- **لی**: ز ۲- **ق، لی، ل۲**: هر زمان؛ در **ل، ق** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- **لی، پ،** آ: ز تور و ز سلم؛ در **ل، ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ٤- **ل۲**: تیره ۵- **ل، لن- ب** (و نیز **ل۳**): تیمارها؛ متن= (**س۲**: پتیارها) ٦- **ل، لن- ب** (و نیز **ل۳، س۲**): بارها؛ **ف، س** (و نیز **لن۲**) این بیت و سه بیت پیشین را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** آمده‌اند: فإنی قد نیفت علی المائة والعشرین أعالج الخطوب، و أمارس الحروب. و نالتنی سعادة الملك أفریدون، و توصلت إلی أن أدرکت ثار إیرج و انتقمت له من سلم و تور، و طهرت العالم من العبث و الفساد، و شیدت الدور و القصور، و عمرت المدن و البلاد ۷- **ق۲**: ندیده ۸- **ف**: چه دارم؛ **ق**: که شد در؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)

← پذیرفتم و نیز دارم سپاس — ایا نیك دل پور نیکی شناس (**ل** ندارد)
درامد به بازار مرد جوان — بیاورد با خویشتن کاروان (**لن**: ساروان)
ز هرسر برو (**ب**: بدو) گرد شد انجمن — چه از کودك خرد و چه مرد و زن
لن، ق: چه از خرد کودك چه از مرد و زن
یکی داد جامه، یکی زرّ و سیم — خریدند و بردند بی ترس و بیم
چو شب تیره شد رستم تیز چنگ — برآراست (**ق**: بیاراست) با نامداران جنگ
سوی مهتر باره آورد روی (**ل، ق**: چو مهتر به باره (**ق**: باده) در آورد روی)
پس او (**ق، ب**: وی) دلیران پرخاشجوی
چو آگاه شد کوتوال حصار — برآویخت با رستم نامدار
تهمتن یکی گرز زد بر سرش — که زیر زمین شد سر و مغفرش (**لن**: تو گفتی سرش)
همه مردم دز خبر یافتند — سوی رزم بدخواه بشتافتند
شب تیره و تیغ رخشان شده — زمین همچو لعل بدخشان شده
ز بس داروگیر و ز بس موج خون — تو گفتی شفق زآسمان شد نگون
تهمتن به گرز و به تیغ کمند — سران دلیران سراسر بکند
چو خورشید از پرده بالا (**ق**: پرده ببالا) گرفت — جهان از ثری تا ثریا گرفت
به دز بر (**ق**: در) یکی تن نبد زان گروه — چه کشته، چه از رزم گشته ستوه
دلیران بهر گوشه بشتافتند — بکشتند مر هر که را یافتند
تهمتن یکی خانه از خاره سنگ — برآورده دید اندران جای تنگ
یکی در ز آهن برو ساخته — مهندس برآن گونه پرداخته
بزدگرزوافکند(**لن،ب**: بفکند)درراز‌جای(**ق**: پس آن‌گرزبرداشت‌حالی زجای)
پس آنگه(**ق**: بیامد)سوی‌خانه‌بگذارد(**لن،ق،ب**: بگزارد)پای
یکی گنبد از ماه (**ق**: یکی کنده از قعر) بفراشته — به دینار سرتاسر انباشته (**ب**: آراسته)
فرو ماند رستم چو زان گونه دید — ز راه شگفتی لب اندر گزید
چنین گفت با نامور سرکشان — که زین گونه هرگز که دارد نشان
همانا به کام اندرون زر نماند — به دریا درون نیز گوهر نماند
کزینسان همی زر (**لن، ب**: زو) برآورده‌اند — درین (**لن**: بدان) جایگه در بگسترده‌اند

نامه‌نوشتن رستم به دستان سام

یکی نامه بنوشت نزد پدر — ز کار و زکردار خود دربه‌در (**لن، ق، ب**: سربسر)
نخست آفرین بر (**ب**: < بر>) خداوند هور — خداوند مار (**لن**: ماه) و خداوند مور (**لن**: هور)
خداوندخورشید(**لن**: ناهید؛ **ب**: بهرام)وناهید(**لن**: بهرام)ومهر — خداوند این برکشیده سپهر
ازو (**لن، ب**: وزو) آفرین بر سپهدار زال — یل زابلی مهتر (**لن، ب**: پهلو) بی همال
پناه گوان، پشت ایرانیان — فروزندهٔ اختر کاویان (**لن** ندارد)
نشاننده شاه و ستاننده گاه (**ق**: نشانندهٔ شاه بر تخت و گاه) — روان گشته فرمانش چون هور و ماه
به فرمان رسیدم به کوه سپند — چه (**ل**: چو) کوهی بسان سپهر (**لن، ق**: سپهری) بلند
به پایان آن که فرود امدم — همانگه ز مهتر درود امدم
به فرمان مهتر برآراستم — برآمد برانسان که من خواستم (**لن** ندارد)
شب تیره با نامداران جنگ — به دز در یکی را ندادم درنگ
چه کشته، چه خسته، چه بگریخته — ز تن ساز کینه فروریخته ←

نیرزد[1] همی[2] زندگانی به مرگ[3]   درختی که زهر آورد[4] بار و برگ
ازآن[5] پس که بردم بسی درد و رنج   سپردم ترا تخت[6] شاهی و گنج
چُنان چون[7] فریدون مرا داده بود   ترا دادم این تاج شاه‌آزمود
چُنان[8] دان که خوردی و بر تو گذشت   به خوشتر زمان باز بایذْت گشت[9]

۱- **لن، پ، ل**[۲]: نه ارزد ۲- **لن، ق**[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲]**، ب**: همه؛ متن= **ف، ل، ق، لی** ۳- **ل، لن- پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]): زندگانیش مرگ؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن**[۲])؛ **س**: مثل زندگانی ابا روز مرگ ٤- **لن، پ**: تلخ اورد؛ **و**: زهرش بود؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **س**[۲]) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۵- **لن، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: وزان؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، و** ٦- **ل**[۲]: تاج ۷- **لن**، هم؛ در **ل، ق** این بیت پس از بیت سپسین امده است؛ **ف، س** (و نیز **لن**[۲]) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: و إنی مسلم إلیك التاج و التخت كما سلمهما إلّی أفریدون ۸- **لن**: جهان ۹- آ: رست (!)؛ **لن**: بخورد زمان باز بایدت گشت؛ در **ل، ق** پس از این بیت بیت پیشین آمده است

← همانا ز (**لن**: که) خروار پانصد (**ق، ب**: سیصد) هزار   بود نقرهٔ ناب (**ب**: خام) و زرّ عیار
ز پوشیدنی و ز گستردنی   ز هر چیز کان باشد آوردنی
همانا نداند شمارش (**لن**: شمارش نداند) کسی   ز ماه و ز روز ار شمارد بسی (**لن**: کسی)
کنون تا چه فرمان دهد پهلوان   که فرخنده تن باد و روشن روان (**لن** ندارد)
فرستاده آمد چو باد دمان   رسانید نامه برِ پهلوان
چو برخواند نامه سپهدار گفت (**لن، ب**: سپهبد چو نامه فرو خواند گفت)   که با نامور آفرین باد جفت
ز شادی چنان شد دل (**ل**: شاد شد) پهلوان   تو گفتی که خواهد شد از سر جوان

پاسخ‌نامهٔ‌رستم‌از‌زال‌زر

یکی پاسخ نامه افکند بن   بگفته درو در فراوان سخن
سر نامه بود آفرین خدای   دگر گفت کان نامهٔ دلگشای
به پیروزی و خرّمی خواندم (**لن، ب**: به پیروز بختی فرو خواندم)   ز شادی برو جان برافشاندم
ز تو پور شایسته زینسان (**لن، ب**: چونین) سزد   سزد زانك هستی هشیوار (**لن**: سزاوار؛ **ق**: تو هشیار) مرد
روان نریمان برافروختی   چو دشمنش را جان و تن سوختی
لن، ب: همه دشمنان ورا سوختی
چو نامه بخوانی سبك برنشین   که بی روی تو هستم اندوه‌گین (در **لن** پس از بیت 149)
ز اشتر همانا هزاران هزار   بنزدت فرستادم از بهر بار
شتر بارکن زانك (**ق**: زانچ) باشد گزین   پس آنگه به دز درزن (**لن**: برزن) آتش به (**ق، ب**: ز) کین
چو نامه بنزد تهمتن رسید   فرو خواند و (**ق**: < و >) زو شادمانی گزید
ز هر چیز کان بود شایسته تر   ز مهر و ز تیغ و کلاه و کمر
هم از لؤلؤ و گوهر شاهوار   هم از دیبهٔ چین سراسر نگار
گزید و فرستاد زی پهلوان   همی شد به راه اندرون کاروان
به کوه سپند آتش اندرفکند   که دودش برآمد به چرخ بلند
وزان جای برگشت دل شادمان   نهاده سر خویش زی آسمان (**ب**: پهلوان)
لن: همی شد به ره بر چو باد دمان
چو آگاه شد پهلو نیم روز   که آمد سپهدار گیتی فروز
پذیره شدن را چو برخاستند (**لن**: بیاراستند)   همه کوی (**ب**: شهر) و برزن بیاراستند (**لن**: بپیراستند)
برآمد خروشیدن کرّه‌نای (**ل**: کرّنای)   همان سنج (**لن، ق، ب**: صنج) با بوق و هندی درای
همی شد به راه اندرون زال زر   شتابان به دیدار فرّخ پسر (**لن** ندارد)
تهمتن چو روی سپهبد بدید   فرود آمد و آفرین گسترید (**لن** ندارد)
سپهدار فرزند خود را کنار   گرفت و بفرمود کردن نثار (در **لن** پس از بیت 166)
وزانجا به ایوان دستان سام   بیامد سپهدار جوینده کام
بنزدیك رودابه آمد پسر   به خدمت نهاد از بر خاك سر
ببوسید مادر دو یال و برش   همی آفرین خواند بر پیکرش
به مژده بنزدیك سام سوار   فرستاد نامه یل نامدار←

نشانی که ماند[۱] همی از تو باز   برآید برو[۲] روزگاری[۳] دراز
نباید[۴] که‌باشد جزاز[۵] آفرین   که پاکی نژاد آورد پاك دین[۶]
نگر تا نتابی[۷] ز دین خدای   که دین خدای آورد پاك رای[۸]
تو هرگز مگرد از[۹] ره ایزدی   که نیکی ازویست و[۱۰] هم زو بدی

۱- **لن، ق[۲]، ل[۲]، ب**: نشانی نماند؛ آ: نشانی بماند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- **پ**: برآن ۳- **ل، س، ق، لی، و**: روزگار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٤- **ق[۲]**: نشاید ۵- **و، ل[۲]**: بجز ٦- **پ**: به کزین (!)؛ **لن**: که ناگه نژاد آورد یاکزین (!) ۷- **لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: نپیچی ؛ آ: نگردی؛ متن= **ل، ق، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**)؛ **ف، س** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** نیز نیست ۸- **ف، س** (و نیز لن[۲]) پس از بیت پیشین و **ل، لن- ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند (**ف، س، لن[۲]** بیت دوم را ندارند؛ در **ل، ق** بیت دوم و سوم پس و پیش شده‌اند):

کنون نو شود در جهان داوری   چو (**لی**: که) موسی بیاید به پیغمبری (**و**: پیغامبری)
پدیدآیدآنك(**لن،ق[۲]،لی،آ، ب**: آنگه؛ **پ**: اکنون)به(**ق،پ**: **ز**)خاورزمین
ل،لی،و،ب: نگـرتانتـازی(**ل**: نتـابی)براو(**لی**: ابروی)به‌کین
لن، پ: نگر تا نیازی بدو در بکین
ق،آ، ل[۲]: نگرتانتابی‌بروسرزکین(آ: به‌رای‌ویه‌کین؛ **ل[۲]**: برویرنگین)
ق[۲]: نگر تا براو نیازی به کین
بدویگرو(**ف**: تویگروکه؛ **لن،پ**: بران‌بگرو)آن(**لی،و**: ار)دین‌یزدان‌بود
ف،ل،س،ق،و: نگه‌کن‌زسرتاچه‌پیمان(**س،ق،و**: فرمان)بود
لن،ق[۲]،لی،پ،آ، ل[۲]،ب: نگه‌کن که‌از(**لی**: آن)سرچه‌پیمان(**ق[۲]،آ، ب**: فرمان)بود

جز بیت دوم که در **ف، س** (و نیز **لن[۲]**) نیست، این بیت ها در همهٔ دستنویس های ما آمده‌اند و در ترجمهٔ **بنداری** نیز هست: وستتجدّد عن قلیل نبوّة فیبعث الله عزوجل موسی نبیا بناحیة المغرب. فصدّقه و آمن به ولاتحیدن عن طاعته. و تنکب سبیل مخالفته ۹- **ل، لن- پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): تو مگذار هرگز؛ **س**: تو هرگز مگردان؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**) ۱۰- **ل**: <و>

← به نامه درون سربسر نیك و بد   نموده بُد آن پهلو پر خرد (**ل**: برآن پهلوان خرد)
همی داد (**لن**: فرستاد؛ **ق**: داشت) با نامه هدیه بسی   بنزد سپه‌دار کردش گسی
چو نامه برِ سام نیرم رسید   ز شادی رخش همچو گل بشکفید
ل: رخانش ز شادی همی بشکفید
بیاراست بزمی چو خرّم بهار   ز بس شادمانی گو نامدار
فرستاده را خلعت و یاره (**ق**: باره) داد   ز رستم همی داستان کرد یاد
نوشت آنگهی پاسخ نامه باز   بنزدیك فرزند گردن فراز
به نامه درون گفت کز نرّه (**ل**: شرزه) شیر   نباشد شگفتی که باشد دلیر
همان بچهٔ شیر ناخورده شیر   ستاند یکی موبدی (**ب**: همی موبد) تیزویر (**لن** ندارد)
مراورا درآرد میان گروه   چو دندان برآرد شود زو ستوه (در **ق** در کناره)
ابی آنك دیدست پستان مام   به خوی پدر بازگردد تمام (در **ق** در کناره)
عجب نیست از رستم نامور   که دارد دلیری چو دستان پدر
که (**لن**: به) هنگام گردی و کنداوری   ازو(**لن**: همی؛ **ق،ب**: زوی)شیرخواهدهمی(**لن**: ازو)یاوری
چو نامه به مهر اندرآورد گرد   فرستاده را خواند و او را سپرد
فرستاده آمد بر زال زر   ابا خلعت و نامهٔ نامور
وزو شادمان شد دل پهلوان   ز کردار آن (**ق**: ازآن کردهٔ) نورسیده جوان (**لن** ندارد)
جهان زو پر امید شد یکسره   ز روی زمین تا به برج بره
کنون از منوچهر گویم سخن (**ب**: دگر)   وزان شاه پر مهر گویم سخن (**ل، ق** ندارند)
ب: وزان شاه آزاده گویم خبر
چه اندرز کردش (**ب**: کرد او) پسر را نگر   به هنگام رفتن سوی (**ب**: شه) دادگر (**ل، ق** ندارند)

وُزان[1] پس بیاید ز ترکان[2] سپاه — نهند از بر تخت ایران کلاه
ترا کارهای درشتست[3] پیش — گهی گرگ باید بُدن[4] گاه میش
بگفت و فرود آمد آبش به روی — همی زار بگریست نوذر بر اوی
[بی آنکش بدی هیچ[5] بیماریی[6] — نه[7] از دردها هیچ[8] آزاریی]
دو چشم کَیانی بهم برنهاد — بپژمرد و برزد یکی سردباد
شد آن نامور پرهنر[9] شهریار — به گیتی سَخُن ماند[10] ازو[11] یادگار

۱- **ل، و**: ازان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- **لن، پ**: ز ترکان بیاید ۳- **س**: بزرگست؛ **لن، ق**[۲]**، پ**، آ، **ل**[۲]**، ب**: درازست؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ٤- **ب**: بدو؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، و**، آ، **ب** (و نیز **س**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند (**لی** بیت سوم را ندارد):

گزند تو آید ز پور پشنگ — ز توران شود کارها بر تو تنگ
بجوی ای پسر چون رسد (**لی، پ**: شود) داوری — ز سام و ز زال (**ق**[۲]: ز زال و زسام) آنگهی (**لی**: ای پسر) یاوری
وزین نو درختی که از پشت (**ق**[۲]**، و**، آ، **ب**: بیخ) زال — برآمد کنون برکشد (آ: ببرآمد اکنون کشد) شاخ و یال
ازو شهر توران شود بی (**و**: پر) هنر — به کین تو آید همان کینه‌ور

ف، ل، س، ق، ل[۲] (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) این بیت ها را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: وستلقی من ابن بشنك معضلة لاتبقي و لاتذر، و ذاهية يضيق بها عليك المورد والمصدر. فأذا أناخ عليك الزمان بكلكله فاستعن بسام و ولده. واعلم أن هذا الغصن الذى تفرّع الآن من دوحة زال سيدوّخ بلاد الترك و يتوغل ديارهم، و يطلب بثارك و ينتقم لك ۵- **لن، پ**: ابی آنك بودیش؛ **ق**[۲]**، لی، و**، آ، **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]): ابی آنك بد هیچ (**ل**[۲]: ایچ)؛ **ب**: ابی آنك بدش ایچ؛ متن= **ل، ق** ٦- **ل**: تیماریی ۷- **ق**[۲]**، لی**: هم ۸- **ل**[۲]: ایچ؛ **ف، س** (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: فتنفس منوچهر و غمض عینیه، و فاضت نفسه من غیر مرض و لاوصب ۹- **لن، لی، پ**: شد آن پر (**لن**: با) هنر نامور؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **پ**: گشت ۱۱- **ل، لن**: زو؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز کار منوچهر پرداختم — ز (**ق**: به) کردار نوذر سخن ساختم

نوذر

پادشاهی نوذر هفت سال بود[۱]

چو سوگ پدر شاه نوذر بداشت   ز[۲] کیوان کلاه کیی برفراشت
به تخت منوچهر بر بار[۳] داد   بخواند انجمن را و دینار داد[۴]
برین[۵] برنیامد بسی روزگار   که بیدادگر شد سر شهریار
ز[۶]گیتی برآمد ز[۷] هرجای عَو[۸]   جهان را کُهن شد سر[۹] از[۱۰] شاه نَو
چُن[۱۱] او رسم های پدر درنَوشت[۱۲]   ابا موبدان و ردان شد درشت[۱۳]
همه[۱۴] مردمی نزد او خوار گشت[۱۵]   دلش بر ره[۱۶] گنج و[۱۷] دینار گشت[۱۵]
کدیور[۱۸] یکایک سپاهی شدند   دِلیران سَزاوار[۱۹] شاهی شدند
چُن[۲۰] از روی گیتی[۲۱] برآمد خروش   جهانی[۲۲] سراسر برآمد[۲۳] به جوش[۲۴]
بترسید بیدادگر شهریار   فرستاد کس نزد سام سُوار[۲۵]

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی نوذر پسر منوچهر دوازده سال و هفت ماه بود و بیرون آمدن لشکر براو؛ **ل**: پادشاهی نوذر دو سال و نیم بود؛ **س، آ**: پادشاهی نوذر پسر منوچهر هفت سال (**آ**: هفت سال و هفت ماه) بود؛ **پ**: پادشاهی نوذر هشت سال؛ **و**: پادشاهی نوذر هفت سال یازده روز بود؛ **ل۲**: پادشاهی نوذر بن منوچهر هفت سال بود؛ متن= **لن، ق، ق۲، لی، ب**؛ در **ب** از بیت ۲۱۴ تا ۳۶۱ افتاده است ۲- **ق، لی، و**: به ۳- **ل۲**: بر باد و؛ **ب**: بر یاد ٤- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): سپه را درم داد و دینار داد؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ٥- **لی**: بدین ٦- **لن، لی، پ**: به ۷- **ل، س، لی، و، ل۲، ب**: به؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، پ، آ** ۸- **ق۲، ل۲، ب**: غو ۹- **لن، ق۲، لی، پ، ب**: جهان کهن شد پر ۱۰- **ق، آ**: < از > ۱۱- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ**: چو؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، و، ل۲، ب** (و نیز **س۲**) ۱۲- **ف**: برنوشت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۳- **ل**: شد بدشت؛ **لن**: گشت زشت؛ **ق۲**: شد گشت (وزن نادرست است)؛ **و** (و نیز **لن۲**): تیز گشت؛ **ب**: تند گشت؛ متن= **ف، س، لی، پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) ١٤- **ل** (و نیز **ل۳**): همی؛ **س، لن، ق۲- ب** (و نیز **لن۲، س۲**): ره؛ متن= **ف، ق** ۱۵- **ل، لن- آ، ب**: شد؛ متن= **ف، س، ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**) ١٦- **ل، س، لن، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بردهٔ؛ **ق، ق۲، لی، پ، آ، ب**: بندهٔ؛ متن= **ف، ل۲** ۱۷- **ل، س، پ**: < و >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- **ق**: گزیده ۱۹- **س، لن، ق۲، ل۲، ب**: براّواز؛ **آ**: برآزار؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

نبرد او بداد و دهش هیچ راه   همه خورد و خفتن بدی کار شاه

۲۰- **ل- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): چو؛ متن= **ف، ل۲** ۲۱- **ل- پ، آ، ل۲، ب**: کشور؛ **و**: از کشور وی؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳**) ۲۲- **ل۲**: جهان را؛ متن ← ۲۳- **س**: برآمد سراسر؛ متن ← ٢٤- **ف**: جهان شد سراسر پر از جنگ و جوش؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۵- **ل، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

به سگسار و مازندران بود سام   فرستاد نوذر براو (**ل۲**: به پیشش) پیام
لن، ق۲، پ، آ، ب: نخست از جهان آفرین بردنام (= ۱۱ب)
لی: نبشت و فرستاد نزدیك سام (= ۱۱آ)

ف، س، و (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: فکتب الی سام، و کان بسکسار مازندران؛ **ل** پس از این بیت سرنویس دارد: نامه نوشتن نوذر بنزدیك سام

یکی نامه با لابه و دردمند / نبشتند[1] ازآن[2] شهریار بلند[3]
نبشت و[4] فرستاد نزدیك سام[5] / نُخُست از جهان آفرین برد نام
خداوند کیوان[6] و بهرام[7] و هور / که هست آفریننده‌ی پیل و مور
نه[8] دشخواری[9] از چیز[10] برترمنش[11] / نه آسانی آید ز اندك بوش[12]
همه با توانایی او یکیست / بزرگست و[13] بسیار و گر[14] اندکیست
کنون از[15] خداوند خورشید و ماه / درودِ روانِ[16] منوچهر شاه
مران[17] پهلَوان جهان دیده را[18] / سرافراز گرد[19] پسندیده را[18]
که تا[20] شاه مژگان[21] بهم برنهاد / ز سام نریمان همی کرد[22] یاد
هم ایدر[23] مرا پشت گرمی بدوست[24] / که هم پهلَوان ست و هم شاه‌دوست[25]
نگهبان کشور به هنگام[26] شاه / وُزو گشت[27] رخشنده تخت و کلاه[28]
کنون پادشاهی پر آشوب گشت / سَخُن ها از[29] اندازه اندرگذشت
اگر برنگیری تو آن[30] گرز کین / ازین تخت[31] پردخت ماند[32] زَمین

چو نامه برِ سام نیرم رسید / یکی باد سرد از جگر برکشید

۱- ل، و: نوشتند؛ **س**: نویسنده؛ متن= **ف، ق، لی** **۲- ل، س، ق، لی**: از < آن> ؛ متن= **ف، و** **۳- ل[2]**: ببستند از شهریاری بلند؛ **لن، ق[2]، پ، آ، ب** این بیت را انداخته‌اند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **٤- ل**: نوشت و؛ **و**: نوشته؛ متن= **ف، س، ق، ل[2]** **۵- لی**: فرستاد نوذر سوی او پیام؛ **لن، ق[2]، پ، آ، ب** لت یکم این بیت را انداخته‌اند؛ در **لی** لت های این بیت با هم و خود بیت با بیت پیشین پس و پیش شده‌اند **٦- لن، ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب**: ناهید؛ **لی، و**: بهرام؛ متن= **ف، ل، س، ق** **۷- لی، و**: کیوان؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

خداوند عقل و خداوند جان / خداوند گردنده هفت آسمان

۸- ل، پ: به **۹- ل، س، لن، ق[2]، پ، آ، و، ل[2]، ب**: دشواری؛ **ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف** (و نیز **لن[2]**) **۱۰- س، ق[2]، ل[2]**: چیزو؛ **لن، پ**: آسان و **۱۱- و**: بر پرورش **۱۲- ل**: نه آسانی از اندك و سرزنش؛ **س، ب** (و نیز **ل[3]، س[2]**): نه آسانی از (**ب**: < از>) اندك اندر بوش؛ **لن، پ**: نه آسانی اندك بود بر بوش؛ **و** (و نیز **لن[2]**) نه آسانی از رنج اندربوش؛ **آ**: نه آسانی آید گرآید برش؛ **ل[2]**: نه آسانی اندکی در بوش؛ متن= **ف، ق[2]**؛ **ل[2]** پس از این بیت سرنویس دارد: نامهٔ نوذر بنزد سام و آمدن وی **۱۳- س، لن، پ، و، ل[2]**: < و> ؛ **ل**: اگر هست؛ **ق، لی** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ق[2]، آ، ب** **١٤- س**: < و> گر؛ **ق[2]، و، ل[2]، ب**: < و> یا؛ **پ**: اگر؛ متن= **ف، ل، لن، آ** **۱۵- لن**: آن **١٦- ل، ق، لی** (و نیز **ل[3]**): ثنا بر روان؛ **س، لن، ق[2]، پ- ب** (و نیز **لن[2]**): درودی بجان؛ (**س[2]**: درود روان بر)؛ متن= **ف**؛ **ل، ق، ب** (و نیز **ل[3]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ابر سام یل باد چندان درود / که آید (**ب**: بارد) همی زابر باران فرود

۱۷- لن، ق[2]، پ، ب: بدان؛ **و**: جهان؛ **آ**: بران؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، س، لی، ل[2]** **۱۸- آ**: باد **۱۹- ف**: سزاوار و گردو؛ **ل[2]** (و نیز **لن[2]**): سر افراز و گرد؛ **ب**: سرافراز گرد و؛ (**س[2]**: سرافراز و گردو)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]**)؛ در **و** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **ل، ق** (و نیز **ل[3]**) پس از این بیت افزوده‌اند (در **ق** بیت یکم در کناره آمده است):

همیشه دل و هوش آباد باد / روانش ز هر درد آزاد باد
شناسد مگر پهلوان جهان / سخن ها هم از آشکار و نهان

۲۰- ف: که آن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) **۲۱- و**: دیده **۲۲- ل**: بسی کرد؛ **لی**: نکردیم؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۲۳- ل** (و نیز **ل[3]**): همیدون؛ **ق**: همیشه؛ (**س[2]**: هم اندر← هم ایدر)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[2]**) **٢٤- و**: ازوست **۲۵- س، ل[2]**: شاه جوست **۲٦- و**: بفرمان **۲۷- ل**: ازویست؛ **ق**: ازوگشت؛ **پ، و**: وزوگشته؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۸- ل، ق** (و نیز **ل[3]**): فرّخ کلاه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[2]، س[2]**) **۲۹- ل، س، لی، و، آ**: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۰- ل، س، ق، ق[2]، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**): برنگیرد وی آن (**و، لن[2]**: همی)؛ متن= **ف، لن، پ، ل[2]** **۳۱- و**: تخمه **۳۲- ق، ل[2]**: پردخته گردد؛ **پ**: پردخت باید

به شبگیر هنگام بانگ خروس   برآمد خروشیدن بوق و کوس[۱]
یکی لَشکری راند[۲] از گرگسار   که دریای سبز[۳] اندرو[۴] گشت خوار
چو نزدیك ایران کشید[۵] آن سپاه   پذیره شدندش بزرگان به راه[۶]
چو ایرانیان آگهی یافتند   سُوی پهلَوان تیز[۷] بشتافتند
پیاده همی[۸] پیش سام دِلیر   برفتند و گفتند هرگونه دیر[۹]
ز بیدادی نوذر تاجور   که بر خیره گم کرد راه پدر
جهان گشت ویران[۱۰] ز کردار اوی[۱۱]   غُنوده شد آن بخت بیدار اوی[۱۱]
نگردد همی بر ره[۱۲] بخردی   ازو دور شد فرّهِ ایزدی
چه باشد اگر سام یل پهلوان   نشیند برین[۱۳] تخت روشن روان[۱۴]
جهان گردد آباد با[۱۵] داد[۱۶] اوی[۱۷]   مروراست[۱۸] ایران و بنیاد[۱۹] اوی[۱۷]
همه[۲۰] بنده باشیم و فرمان[۲۱] کنیم   روان ها[۲۲] به مهرش[۲۳] گروگان کنیم
بدیشان[۲۴] چُنین گفت سام سُوار   که این کی پسندد ز من[۲۵] کردگار
که چون نوذری از نژاد کیان   به تخت کیی بر کمر بر میان
به شاهی مرا تاج[۲۶] باید بسود[۲۷]   مُحال ست و این کس نیارد شُنود[۲۸]
خود این گفت یارد کس اندر جهان؟   چُنین زَهره دارد کس اندر نهان[۲۹] ؟
اگر دختری از منوچهر شاه   برین[۳۰] تخت زر برشدی[۳۱] با کلاه

۱- و (و نیز **لن[۲]**): نای و کوس؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): ز درگاه برخاست آوای (**س، لی**: آواز) کوس؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل[۳]**)؛ **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر نامه نبشتن ایرانیان بنزدیك سام و آمدن سام بنزدیك نوذر و پند دادن او را **۲- ق**: ساخت **۳- لن**: قار **٤- س**: اندران **۵- ل، ق، لی، پ**: رسید؛ متن= **ف، س، و، ل[۲]** **٦- و، ل[۲]**: بزرگان شاه؛ **س، لی**: بزرگان پذیره شدندش براه؛ متن= **ف، ل، ق، پ**؛ **لن، ق[۲]، آ، ب** این بیت را ندارند؛ در **ل[۲]** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۷- لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: سام؛ متن= **ف، ل[۲]**؛ **ل، س، ق، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) این بیت را ندارند **۸- ل، س، لن، ق، ق[۲]، پ، و، ل[۲]، ب**: همه؛ متن= **ف، لی، آ** **۹- ق**: بگفتند با وی ز هر گونه دیر؛ در **ل[۲]** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: پس از این بیت افزوده‌اند:

ز کردار (**ب**: گفتار) نوذر بگفتند چند   ابا نامور پهلوان بلند

پ پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام بدرگاه نوذر **۱۰- س، لی**: خیره **۱۱- ل- ب**: او؛ متن= **ف** **۱۲- ل، ق**: بگردد (**ق**: نگردد) همی از ره؛ **س**: نگردد همی برخوی؛ **لی** (و نیز **ل[۳]**): نگردد همی گرد او؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز رسم پدر سر بیك سو نهاد   به پیشش یکی گشت بیداد و داد

۱۳- ق: بدین؛ **ق[۲]، ل[۲]**: بران **١٤- و** (و نیز **لن[۲]**): انوشه روان؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۵- س- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): از؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= **ل** **١٦- لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: بخت؛ متن= **ل، س، ق، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۷- ل، س، ق، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب**: او؛ **لن، پ**: نو؛ متن= **و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) **۱۸- ل**: برویست؛ **ق** (و نیز **ل[۳]**): بدویست؛ **ل[۲]**: که اویست از؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۱۹- لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: وآن تخت؛ متن= **ل، س، ق، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۰- ل، ق**: که ما؛ **پ**: همان؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۱- لی**: پیمان **۲۲- س، لی**: زبان ها؛ **پ، ب**: روان را؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۳- س، لن، لی**: مهرت؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲٤- ق[۲]**: بریشان **۲۵- لن، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ب**: ما؛ متن= **ف، ل، س، ق، ل[۲]** **۲٦- ف**: دست؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): تخت؛ **ب**: شاه (!)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۲۷- و**: پسود (با سه نقطه) **۲۸- س، لی**: محالیست کین کار شاید ستود (**لی**: کس نیارد شنود)؛ **ق**: محالست و کس این نیارد شنود؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۹- س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): کسی از مهان؛ **آ**: کسی از جهان (پساوند ندارد)؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **س[۲]**) **۳۰- ل، س، لی، و**: بران؛ **ق**: بدان؛ **ق[۲]، پ**: بدین؛ متن= **ف، لن، آ، ل[۲]، ب** **۳۱- ل، س، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): زرّین شدی؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: زرّین بدی؛ **ق، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): زرّین بود؛ متن= **ف**؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

نبودی بجز بندگی پیشه‌ام   ز شاهی نبودی خود اندیشه‌ام

نبودی جز از[1] خاك بالین من   بدو[2] شاد گشته[3] جهان بین من
دلش گر ز راه پدر گشت باز   برین[4] برنیامد زمانی دراز[5]
هنوز آهنی[6] نیست زنگارخَورد   که رخشنده دشخوار[7] شایدش کرد[8]
من آن[9] ایزدی فرّ[10] بازآورم   جهان را به مهرش نیاز آورم
شما زین[11] گذشته پشیمان شوید   به نوّی ز سر[12] باز پیمان شوید
گر آمرزش کردگار سپهر   نیابید[13] و ز[14] نوذرِ شاه مهر[15]
بدین[16] گیتی اندر بود خشم شاه   به برگشتنِ آتش[17] بود جایگاه
بزرگان ز گفته[18] پشیمان شدند   به نوّی[19] ز سر[20] باز پیمان شدند
به فرّخ پی نامور پهلوان[21]   جهان سربسر شد به نوّی جوان[22]
[چو آمد به درگاه سام سُوار   پذیره شدش نوذر شهریار[23]]
به پوزش[24] همه[25] پیش[26] نوذر شدند[27]   به جان[28] و به دل ویژه کهتر شدند[29]
برافروخت نوذر ز تخت مِهی   نشست اندر آرام با فرّهی[30]
[جهان پهلوان[31] پیش نوذر بپای   پرستنده او بود و هم رهنمای[32]]

۱- لن، ق[۲]، پ، و، آ، ب: بجز؛ **و**: به پیشش بدی؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، ل[۲]** **۲- و**: وزو؛ **ل[۲]**: برو **۳- ل**: شاد بودی؛ س، لی، آ: گشته روشن؛ **ق، پ، و**: شاد گشتی؛ متن= **ف، لن، ق[۲]، ل[۲]، ب** **٤- ق**: بدین **۵- لی**: نیامد برو روزگاری دراز؛ **پ** این بیت را ندارد **٦- ل[۲]**: آهنش **۷- ل- آ** (و نیز **ل[۳]**): دشوار؛ متن= **ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۸- ف**: که دشخوار باشد زدودنش گرد **۹- ل، و، ل[۲]**: این؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۰- آ، ل[۲]**: فرّه؛ **و**: فرّ برگشته؛ **پ** بجای این بیت افزوده است:

بگوییم بسیار و پندش دهیم   به پند اختر سودمندش دهیم

۱۱- ل، ق، ل[۲]: بر؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۲- ب**: بسر؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

که نپسندد این از شما کردگار   بیابید از مالش روزگار

۱۳- ل، س، پ، ب: بتابید؛ **لن، آ**: بیابید؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ق[۲]، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **١٤- ل، س، ق[۲]، پ، آ**: < و> از؛ **لن، و، ل[۲]، ب**: و از؛ متن= **ف، لی** **۱۵- لی**: نوذر پاك مهر؛ **ل[۲]**: شاه نوذر نه مهر **١٦- پ**: بدان **۱۷- لن، ب**: آگه؛ **لی**: بدان گیتی آتش؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۸- ل**: کرده؛ **لن، ق[۲]، پ، آ**: گفتن؛ **ب**: ز گفتن بزرگان؛ متن= **ف، س، ق، لی، و، ل[۲]** **۱۹- ل، ق، ل[۲]**: یکایك؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۰- آ، ب**: دگر **۲۱- س، لی**: پهلوان جهان **۲۲- س، لی**: جهان شد بنوبی سراسر جوان؛ **لن، ق[۲]، آ، ب**: جهان شد سراسر بنوبی جوان؛ **پ**: جهان شد بنوذر سراسر جوان؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]**؛ در **ل، ق** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۲۳- ق**: تاجدار؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) این بیت را ندارند؛ در **ل، ق** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **ف، و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بیاورد و بر تخت خویشش نشاند   بسی آفرین کیانی بخواند
سخن کرد نوذر برو (**و**: بدو) آشکار   که لشکر چه کردند و چون بود کار

و (و نیز **لن[۲]**) پس از بیت های بالا افزوده‌اند:

جهان پهلوان گفت ای شهریار   همیشه جهان را به شادی گذار
اگر شاه آزرده گشت از سپاه   ببخشای هر چندشان بُد گناه

٢٤- آ: بنوی **۲۵- ل، ق** (و نیز **ل[۳]**): مهان؛ **ل[۲]**: نهان؛ **ف** این بیت را ندارد متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۲٦- لی**: نزد **۲۷- ل[۲]**: پیش او آمدند **۲۸- س، لی**: به رای **۲۹- س، لن، ق[۲]، لی، ب**: بار دیگر شدند؛ **پ**: یار دیگر شدند؛ آ: باز چاکر شدند؛ (**س[۲]**: باز دیگر شدند)؛ متن= **ل، ق، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **ل[۲]**: بخوبی و با گفت و گوی آمدند **۳۰- ف** این بیت را ندارد؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

برآمد برین روز و خوردند می   ز شادی و رامش نهادند پی
ببودند با بزم و رامش سه روز   چهارم چو بفروخت گیتی فروز

۳۱- ف: جهان آفرین؛ متن= **ل، ق** **۳۲- ف، ق**: ببازید (**ق**: بسازید) و دادش بر (**ق**: ابر) تخت جای؛ متن= **ل**؛ **س، لن، ق[۲]- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) این بیت را ندارند

[بـه نوذر در پنـدهـا برگـشـاد[۱]   سَخُـن های نیکـو همـی کرد یاد[۲]]
[ز گرد آفـریدون[۳] و هوشـنـگ شاه   همـان از منـوچـهـر زیبـای گاه]
[کـه گیهـان[۴] به داد و دهش داشـتـنـد   به بیداد بر، چشـم نگـمـاشـتـنـد]
[دل او ز کژّی به راه[۵] آورید   چُنـان کرد نوذر که او رای دید]
[دل مهـتـران را بروُ[۶] نرم[۷] کرد   همـه داد و بنـیاد آزرم[۸] کرد]
[چـو شد گفـتـه آن بودنـی ها همـه[۹]   به گردن کشـان و به شاه رمـه]
جهـان پهـلوان پیش نوذر[۱۰] بپـای   به دسـتـوری بازگـشـتـن بجـای
برون رفـت با خلعـت نوذری   چه تخـت و چه تاج و چه انـگـشـتـری[۱۱]
غلامـان و اسـپـان زرّین[۱۲] ستـام   پر از گوهـر سرخ، زرّین دو[۱۳] جام

گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر[۱۴]

برین[۱۵] نیز بگـذشـت چنـدی سپـهـر   نه با[۱۶] نوذر آرام[۱۷] بودش نه مهـر[۱۸]
وُزان پس[۱۹] ز مرگ منـوچـهـرشـاه   بشـد آگـهـی تا به توران سپـاه
ز نارفـتـن[۲۰] کار نوذر همـان   یکـایك بگـفـتـنـد با بدگـمـان
چو بشـنـید سالار ترکـان پشـنـگ   چُنان[۲۱] خواست[۲۲] کاید به ایران[۲۳] به جنگ
همـی[۲۴] یاد کرد[۲۵] از پدر[۲۶] زادشـم[۲۷]   هم از تور[۲۸] برزد یکـی تیزدم

۱- **ل[۲]**: برگشود   ۲- **ل**: بسی کرد یاد؛ **ل[۲]**: که دانش فزود؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) بیت های ۵۲-۵۷ را ندارند؛ در **ل[۲]** بیت های ۵۲- ۵۷ پس از بیت ۵۸ آمده‌اند   ۳- **ل، و** (و نیز **لن[۲]**): زگرد فریدون؛ **ل[۲]**: ز فرّخ فریدون؛ متن= **ف، ق**   ٤- **ل، ق، و، ل[۲]**: گیتی؛ متن= **ف** (و نیز **لن[۲]**)   ۵- **ل، ق**: بداد؛ **ل[۲]**: بجای؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)   ٦- **ل، ق، ل[۲]**: بدو؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)   ۷- **ق**: رام   ۸- **ق**: بنیاد و آرام؛ **ل[۲]**: بیداد بازرم   ۹- **ل، ق، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**): چو گفته شد از گفتنی ها (**و، لن[۲]**: این بودنی ها؛ **ل[۲]**: این گفتها را) همه؛ متن= **ف**؛ بیت های ۵۲- ۵۷ در **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** (و نیز در **ل[۳]، س[۲]**) نیست و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیامده‌اند: فلما سمعوا ذلك منه ندموا على مابدر منهم من المخالفة، و رجعوا الى مسلك الطواعية. فاستتبت الأمور بيمن نقيبته، و عادت الى أُحسن ما كانت عليه من قبل. و بادرت الأمرا و القوّاد الى خدمة الملك نوذر، و أهووا الى الأرض و سألوه العفو و الصفح. ثم إن ساما لما أصلح الفاسد، و لم الشعث أستأذن الملك فى عوده الى مستقرّه. . . ؛ **ل[۲]** پس از بیت ۵۷ افزوده است:

بـفـرمـود تـا خـلـعـت آراسـتـنـد   ز گـنـج آنـچ پرمایه‌تر خـواسـتـنـد

۱۰- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب** (و نیز **س[۲]**): پیش او بر؛ **و، آ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): پیش او در؛ متن= **ف**؛ **ل، ق** این بیت را ندارند؛ در **ل[۲]** پس از این بیت بیت های ۵۲- ۵۷ آمده‌اند   ۱۱- **س**: چه تاج و چه تخت و چه انگشتری؛ **لن، لی، پ، آ**: چه با تاج و تخت و چه انگشتری؛ **ق[۲]**: چه با تاج و با تخت و انگشتری؛ **و**: ز تخت و ز تاج و ز انگشتری؛ **ل[۲]، ب**: ابا تاج و با تخت و انگشتری؛ متن= **ف، ل، ق** (و نیز **ل[۳]**)   ۱۲- **ل[۲]**: بزرّین   ۱۳- **ل، ق، آ**: سه؛ **س** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ١٤- **ف**: گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ پسر توران از مرگ منوچهر و به پادشاهی نشستن نوذر بجای او؛ **س**: آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر وکار نوذر؛ **لن**: آگاهی یافتن پشنگ از کار منوچهر؛ **ق**: رای زدن پشنگ پدر افراسیاب با تورانیان و فرستادن افراسیاب و لشکر به ایران به جنگ شاه نوذر؛ **ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب**: خبر یافتن (**ل[۲]**: آگهی ؛ **ب**: آگاهی) پشنگ از مرگ منوچهر؛ **و**: آگاه شدن پشنگ از وفات منوچهر؛ **پ**: آگاهی یافتن پشنگ مرگ منوچهر را ؛ **ل** سرنویس ندارد؛ متن= آغاز **ف**   ۱۵- **لی، ب**: بدین   ١٦- **لن، پ**: ابا   ۱۷- **ق، و**: آزرم   ۱۸- **پ**: به مهر؛ **ل[۲]**: نه بود و نه آرام بود و نه مهر (!)؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

چـو بگـذشـت از شـاهـیـش هـفـت سـال   شکست انـدر آمد به فرّخ همال (**ق[۲]**: به فرّ و بحال)

۱۹- **ل- پ، آ، ب**: پس آنگه؛ متن= **ف، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)   ۲۰- **لن، لی، پ**: وزان رفتن؛ **ل[۲]**: براشفتن؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۱- **ق**: همی   ۲۲- **ف**: ساخت؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)   ۲۳- **لی، و**: به توران (!)   ٢٤- **ل، ق**: یکی؛ **س، لی، و، ل[۲]، ب**: بسی؛ متن= **ف، لن، ق[۲]، پ، آ**   ۲۵- **س، پ**: کرد یاد   ۲٦- **ل، لی، ل[۲]**: نیا؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲۷- **ل، و**: رادشم؛ **پ**: یادشم؛ **ل[۲]**: زاده‌شم؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۸- **آ**: همی تور

ز کار[۱] منوچهر و از[۲] لَشکرش[۳] — ز گردان و[۴] سالار و از[۵] کشورش[۶]
همه نامداران لَشکرْش را[۷] — بخواند و[۸] بزرگان کشورْش[۹] را
چُن[۱۰] اخواست[۱۱] و کرسیوز[۱۲] و بارمان — چو گُلباد[۱۳] جنگی هِزبر[۱۴] دمان
سپهبدْش[۱۵] چون ویسه‌ی تیزچنگ — که سالار بُد بر سپاه پشنگ
جهان پهلوان پورش[۱۶] افراسیاب — بخواندش[۱۷] درنگی[۱۸] و آمد[۱۹] شتاب
سَخُن راند از سلم و از تور گفت[۲۰] — که کین زیر دامن[۲۱] نشاید نهفت
سری[۲۲] را کجا مغز جوشیده[۲۳] نیست — بروبر چُنین[۲۴] کار پوشیده نیست
که با ما چه کردند ایرانیان — بدی را ببستند یك یك[۲۵] میان
کنون روز تیزی[۲۶] و کین جستن ست — رخ از خون دیده گه شستن ست

ز گفت پدر مغز[۲۷] افراسیاب — برآمد از[۲۸] آرام و ز[۲۹] خورد و خواب[۳۰]
به پیش پدر شد گشاده‌زبان — دل آگنده از[۳۱] کین، کمر بر میان[۳۲]
که شایسته‌ی جنگ شیران منم — هماورد سالار ایران منم
اگر زادشم تیغ برداشتی — جهانی[۳۳] به کرشاسپ[۳۴] نگذاشتی
میان گر[۳۵] ببستی به کین آوری — به ایران نکردی[۳۶] کسی[۳۷] داوری[۳۸]

۱- **س**: گاه ۲- **ل، ق، پ، و**: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- **س، لی**: کشورش ٤- **ف، ل، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب**: < و> ؛ متن= **س، لن، ق، لی، پ** ۵- **ل، پ**: ز؛ **ق**: < و> آن؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- **س، لی**: لشکرش ۷- **ل، ق، پ، آ، ب**: کشورش را؛ **لن**: ز گردان و سالار و لشکرش را؛ **ف، ق[۲]** این بیت را انداخته‌اند؛ متن= **س، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۸- **ل، لن**: بخواند آن؛ **ق**: بخواند او؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) ۹- **ل، ق، پ، آ، ب**: لشکرش؛ متن= **س، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۱۰- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): چو؛ متن= **ف** ۱۱- **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): ارجاسپ؛ **س، ق[۲]**: اخواشت؛ **لن**: آخواست؛ **لی**: احواس؛ **ل[۲]**: اغریر؛ متن= **پ، آ، ب** (و نیز **س[۲]، بنداری**) ۱۲- (**لن[۲]**: کرشیوز) ۱۳- **س**: اناز (!)؛ **لی**: هومان ١٤- **لی، ب**: هژ بر؛ **بنداری**: فأحضر أمراءه و قوّاده و أعیان دولته و خواصه، مثل اخواست و کرسیوز و بارمان و کلباد، و دعا بزعیم عسکره و قائد جیشه ویسه (= ۶۷- ۶۹) ۱۵- **و، آ، ل[۲]**: سپهدار ١٦- **ل، ق**: بود؛ **لن، لی، پ، آ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): بودش؛ **ب**: پور؛ متن= **ق[۲]** ۱۷- **ق**: نکردی ۱۸- **لی**: بنزدیك ۱۹- **ق**: همی در؛ **ف، س، و** (و نیز **لن[۲]**) این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: و أحضر ابنه أفراسیاب، و کان بهلوان دولته ۲۰- **ل- پ، ب**: سخن راند (**لی**: گفت و) از تور و از (**ل، ق، پ**: ز) سلم (**پ**: سلم و) گفت؛ متن= **ف، و، آ، ل[۲]** ۲۱- **لن، ق[۲]، پ، ب**: که این کین ز یزدان؛ **آ**: که این کین ایران؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲۲- **ل، ق**: کسی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- **ل، س، ق[۲]**: حوشیده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **پ، آ**: جوشنده (پساوند ندارد)؛ **و**: خوشیده؛ **ق**: که مغزش بجوشیده؛ متن= **ف، لن، لی، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ٢٤- **س، لن، لی، پ**: چنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- **س**: هریك؛ **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، و**: یکسر؛ متن= **ف، ل، ق، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)؛ **ل[۲]**: ببستند یك یك کمر بر ٢٦- **ل**: تندی؛ **لن، ق[۲]، آ، ب**: جنگست؛ **پ**: کنون نوبت جنگ؛ متن= **ف، س، ق، لی، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲۷- **لن، پ**: شاه؛ **ب**: جان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- **ل، لن، ق، لی، پ، آ، و**: ز؛ متن= **ف، س، ق[۲]، ب** ۲۹- **س، لن، ق[۲]، لی، آ، و، ب**: از؛ متن= **ف، ل، ق، پ** ۳۰- **ل[۲]**: بجوشید و آمد دلش بر شتاب؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

چه آمد ازیشان به تور سترگ — بران نامور سلم شاه بزرگ
کنون برد باید به ایران سپاه — بجستن برین کینه بر نام و گاه
چو بشنید افراسیاب این سخن — دلش گشت پر درد روز کهن

۳۱- **ل**: بر؛ متن← ۳۲- **ف**: به کین نیا تنگ بسته میان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۳۳- **ق، لی، آ**: جهان را ٣٤- **س**: مگر راست (← بکرشاسب)؛ **لن، ق[۲]، لی، و، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): چنین خوار؛ **ل[۲]**: به کرشاب(← به کرشاسب)؛ (**ل[۳]**: بتوراب؛ **س[۲]**: بکرشاسف)؛ متن= **ف، ل، ق؛ پ**: چنین مر جهان خوار ۳۵- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): را؛ متن= **ف** ٣٦- **ق[۲]**: نکردی به ایران؛ **لی**: به ایران بکردی؛ **ل[۲]**: ز ایران ندیدی ۳۷- **ل، لن، ق، ق[۲]، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): مگر؛ **پ**: همی؛ **ل[۲]**: چنان؛ متن= **ف، س** (و نیز **لن[۲]**) ۳۸- **ل- پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**): سروری؛ متن= **ف، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**)

کنون هرچه[1] مانید بود[2] از نیا ‌ ‌ ز کین جستن و جنگ و از کیمیا[3]
گشادنْش بر تیغ تیز من ست ‌ ‌ گه شورش و[4] رستخیز من ست

به مغز پشنگ اندرآمد شتاب ‌ ‌ چو دید[5] آن سهی قدّ افراسیاب
برو بازوی شیر و هم زور[6] پیل ‌ ‌ وُزو[7] سایه گسترده[8] بر چند میل
زبانش بکردار بُرّنده تیغ ‌ ‌ چو دریا دل و کف چو بارنده میغ[9]
بفرمود تا برکشد تیغ جنگ ‌ ‌ به ایران شود با سپاه پشنگ[10]
سپهبد چو شایسته بیند پسر[11] ‌ ‌ سزد گر برآرد به خورشید سر
پس از[12] مرگ باشد سر او[13] بجای ‌ ‌ ازیرا[14] پسر[15] نام زد رهنمای[16]
ز[17] پیش پشنگ آمد افراسیاب ‌ ‌ سری[18] پر ز کینه[19] دلی[20] پر شتاب

چو شد ساخته کار جنگ آزمای[21] ‌ ‌ به کاخ[22] آمد[23] اغریرث[24] رهنمای
به پیش پدر شد پر اندیشه دل ‌ ‌ که اندیشه دارد همه[25] پیشه دل[26]
چُنین[27] گفت کای[28] کاردیده[29] پدر ‌ ‌ ز ترکان به مردی برآورده سر
منوچهر از ایران اگر[30] کم شده‌ست ‌ ‌ سپه را سپر[31] سام نیرم شده‌ست
چو کرشاسپ[32] و[33] چون قارن رزم زن ‌ ‌ جزین[34] نامداران[35] آن[36] انجمن
تو دانی که بر[37] تور و سلم[38] سُتُرگ ‌ ‌ چه آمد ازآن تیغ زن[39] پیر[40] گرگ
نیا[41] زادشم[42] شاه توران سپاه ‌ ‌ که ترگش همی سود بر چرخ ماه[43]
ازین در سَخُن هیچ گونه[44] نراند ‌ ‌ به[45] آرام بر نامه‌ی کین نخواند[46]

۱- ل: هرك؛ س: هرچ؛ ق، ق[2]: هرکه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- ل، لن، ب: مانده بود؛ س، و (و نیز لن[2]): مانند بود؛ ق: مانیده بود؛ ق[2]، پ (و نیز ل[3]): مانده بود؛ لی: مان بنده بود؛ آ: نانیده بود؛ ل[2]: پاینده بود؛ (س[2]: مان بود)؛ متن= ف ۳- پ: ز کیمیا؛ ل: چاره و کیمیا ٤- ف: که در کشورش ؛ ل: که در شورش و؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۵- و: بدید ٦- ف: هم قدّ؛ آ، ب: هم رنگ؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۷- ل[2]: ازو ۸- لن، ق[2]، پ، آ، ب: افکنده؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۹- آ این بیت را ندارد ۱۰- ل[2]: پلنگ؛ آ این بیت را ندارد ۱۱- س: پدر؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- س، لی، پ، و: < از> ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- لن، ق[2]، پ، آ، ب: مرورا؛ لی: پسررا؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ل[2] (و نیز لن[2]، س[2]) ١٤- لن: ازین از ۱۵- ل[2]: پس از (!)١٦- ب: شهریار (پساوند ندارد)؛ پ: همی نام او را بدارد بپای ۱۷- لی، پ، آ، ل[2]: به ۱۸- ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب: دلی؛ متن= ف، س، ق، لی ۱۹- ل[2]: کین و ۲۰- ق[2]، پ، آ، ل[2]، ب: سری؛ متن= ف، س، ق، لی؛ ل، لن، و این بیت را ندارند ۲۱- ل[2]: رزم آزمای ۲۲- ق[2]، آ، ب: بکار ۲۳- ل[2]: اندر ۲٤- س: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق[2]، لی، و، آ، ل[2] (و نیز لن[2]، بنداری): اغریرث؛ متن= ف، ق، پ، ب (و نیز ل[3]، س[2])؛ ل، لن این بیت را ندارند ۲۵- ل، ق: مرا؛ لن، ق[2]، پ: همی؛ متن= ف، س، لی، و، آ، ب ٢٦- ل[2]: نکورای بودی همیشه بدل ۲۷- لن، ق[2]، پ، آ، ب: بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۸- آ: ای ۲۹- آ، ب: دهر دیده ۳۰- لن: ازیشان مگر ۳۱- ف: سپه را سر (یا: سپر)؛ ل، ق، آ: سپهدار چون؛ لن، لی، پ، ب: سپه را سرش؛ ق[2]: سپهبد سپه؛ و (و نیز لن[2]): پناه سپه؛ ل[2]: سپه‌دارشان؛ متن= س (و نیز ل[3]، س[2]) ۳۲- پ، ل[2]: چو کشواد؛ (ل[3]: همان زال)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن[2]، س[2]، بنداری؛ س[2]: کرشاسف) ۳۳- لن، ق، لی، ل[2]: < و> ۳٤- لن، ق[2]، پ، ب: چنین ۳۵- ف: تیغ داران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2])؛ بنداری: ومعه قارن وکشتاسب الی غیرهما من هؤلاء الأمراء الکبار ۳٦- ق[2]: این ۳۷- ل، ل[2]: با ۳۸- ل، لن، ق، پ، آ، ل[2]: سلم و تور؛ متن= ف، س، ق[2]، لی، و، ب ۳۹- آ: تیغ سر؛ ب: پیر سر؛ ق: چه آمد تو دانی ازآن ٤٠- آ، ب: تیز ٤١- لن، پ: نه از ٤٢- ل[2]: زادشم ٤٣- ل، ق[2]، لی، پ، آ، ل[2]: چرخ و ماه؛ متن= ف، س، لن، ق، و، ب ٤٤- ل[2]: ایچ باکس ٤٥- س، لن، ق[2]، لی، پ، و، آ، ب: بر؛ متن= ف، ل، ق، ل[2] ٤٦- ق: بارام هم کینه نامه نخواند

اگر[۱] ما نشوریم[۲] بهتر بود ‌‌‌ ‌ کزین[۳] جنبش[۴] آشوب[۵] خاور[۶] بود

پسر را چُنین داد پاسخ پشنگ[۷] ‌ که افراسیاب آن دلاور نهنگ
یکی نرّه شیرست[۸] روز شکار[۹] ‌ یکی پیل جنگی گه کارزار[۱۰]
نبیره که کین نیا را نجست ‌ سَزد گر نباشد نژادش[۱۱] درست
ترا نیز با او بباید شدن ‌ بهر نیك و بد[۱۲] رای فرّخ[۱۳] زدن
چو از دامن ابر چین[۱۴] کم شود ‌ بیابان سراسر[۱۵] پر از نم شود
چراگاه اسپان شود کوه و دشت ‌ گیاها ز یال یلان[۱۶] برگذشت[۱۷]
جهان سربسر سبز گردد ز خوید[۱۸] ‌ به هامون سراپرده باید کشید
دل[۱۹] شاد[۲۰] بر سبزه و گل برید[۲۱] ‌ سپه را همه سوی آمل برید[۲۲]
دهستان و گرگان همه زیر نعل[۲۳] ‌ بکوبید[۲۴] و ز[۲۵] خون کنید آب لعل
منوچهر از آنجایگه جنگ جوی ‌ به کینه سُوی تور بنهاد روی[۲۶]
سپه را جزین[۲۷] نیست زایران پناه ‌ از آن روی جُنبید مُهر و کلاه[۲۸]

۱- ل۲: که گر ۲- لن: بسازیم؛ ق۲: بشوریم ۳- ل: که زین، ل۲: کزان ٤- ق، ق۲، پ، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲): شورش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز س۲) ۵- لن، آ، ب: آرام ٦- ل، س، ق، لی، پ، و (و نیز لن۲، س۲): کشور؛ ل۲ (و نیز ل۳): لشکر؛ متن= ف، لن، ق۲، آ، ب ۷- لن، ق۲، پ، آ، ب: چنین داد پاسخ پسر را پشنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- س، ق۲، ب: شیر نرَست؛ لن، پ: شیر شرزه‌ست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- لن، ق۲، پ، ب: آن نامدار؛ آ: افراسیاب ۱۰- آ: که پیلش نیارد در آورد تاب ۱۱- ل، پ: نخوانی نژادش؛ ق۲: نژادش نباشد؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ل، لن، ق، پ، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲): بیش و کم؛ متن= ف، س، ق۲، لی (و نیز س۲) ۱۳- ب: باید ١٤- ق۲: کین؛ ق: چو برف از سر کوه‌ها ۱۵- ل، س، لن، ق، ق۲، پ، و، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): ز باران؛ متن= ف، لی، ل۲ ١٦- س: کیان؛ متن← ۱۷- لن: در گذشت؛ ل، ق، پ: ترا ز آب جیحون بباید گذشت؛ ل۲ (و نیز ل۳): پراکنده لشکر تواند گذشت؛ متن= ف، ق۲، لی، و، آ، ب (و نیز لن۲، س۲) ۱۸- ل۲: <ز> خوید؛ لن، ق۲، پ، آ: جهان سبز گردد سراسر خوید (آ: زخید)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، س، لی، و، ب (و نیز لن۲، س۲) ۱۹- ل: دلی؛ ل۲: بدل؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ق۲، پ، ب: شاه ۲۱- ل: براند؛ ل۲: بدل شاد زی سبزه و گل شوید ۲۲- ل: براند؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۳- س: زمین شان همه سربسر زیر نعل؛ لن، ق۲، پ، آ، ب: دهستان بکوبید در (آ: بکوبد همه؛ ب: بکوبید همه (!)) زیر نعل؛ لی (و نیز س۲): دهستان و خوارزم را زیر نعل؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲ (و نیز ل۳، لن۲)؛ بنداری: و دوّخوا بحوافر خیلکم دهستان و جرجان ۲٤- لن، پ: ببارید؛ ق۲، آ، ب: بتازید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب: از؛ متن= ف، ل، ق، پ ۲٦- س، لی این بیت را ندارد؛ در ل۲ این بیت چنین آمده است:

چو نوذر از آنجایگه رزمجوی ‌ سوی ما نهادی گه کینه روی

ل۲ پس از این بیت افزوده است:

از آنسو سپاهی چو ابر سیاه ‌ بیامد بر ما بدین رزمگاه
همی نیز باید که هم زین نشان ‌ برآرید گرد از سر سرکشان

۲۷- ل: جزو؛ پ (و نیز س۲): جزان؛ و (و نیز لن۲): کنون؛ (ل۳: بدو)؛ متن= ف، ل۲ ۲۸- ل، پ: بدو (پ: بدان) پایدارست مهر و کلاه؛ و: بما ماند آماده تخت و کلاه؛ ل۲: بدانجا بیاراست باید سپاه؛ (ل۳: بدوگشت آراسته تخت و گاه؛ لن۲: تهی ماند از شاه تخت و کلاه؛ س۲: بدانرا بیاراست مهر و کلاه)؛ متن= ف؛ س، لن، ق، ق۲، لی، آ، ب این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ بنداری هست: فإن فی هذا الخطة حارب منوچهر تورا و ظفربه. فالقوهم أنتم فی ذلك الموضع (= ۱۰۷، ۱۰۸آ)؛ ل۲ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۰۷ افزوده‌اند:

از ایران چو شد مرد کم نیست باك ‌ نیرزند جمله بیك مشت خاك
ز نوذر مرا در دل اندیشه نیست ‌ که نوذر جوانست و هم پیشه (ل۲: بد پیشه) نیست

بکوشید تا[1] قارن رزم زن   وُگر[2] گرد[3] گرشاسپ[4] زآن[5] انجمن
مگر دست یابید[6] در[7] دشت کین   برین[8] دو سرافراز ایران زَمین[9]
روان نیاگان ما[10] خَوش کنید   دل بدسگالان بر[11] آتش کنید
چُنین گفت با نامور نامجوی   که من خون کین[12] اندرآرم به جوی

گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر[13]

چو دشت از گیا گشت چون پرنیان   ببستند گردان ترکان[14] میان
سپاهی بیامد ز[15] ترکان و چین[16]   هم از[17] گرزداران خاورزمین[18]
سپه را[19] میان و کرانه نبود   همان بخت نوذر جوانه نبود
چو لَشکر به نزدیك جیحون رسید   خبر نزد پور فریدون رسید[20]
سپاه جهاندار بیرون شدند   ز کاخ[21] همایون به هامون شدند
به راه دهستان نهادند روی   سپهدارشان[22] قارن رزمجوی[23]
شهنشاه نوذر[24] پس پشت اوی[25]   جهانی سراسر پر از گفت و گوی[26]
چو لَشکر به پیش[27] دهستان رسید   چُنان شد[28] که خورشید شد[29] ناپدید

۱- **س، لن**: تا (نقطه ندارد)؛ **ق[2]، لی، پ، و، ل[2]**: با؛ متن= **ف، ل، ق، آ، ب** ۲- **لن، لی، و، آ، ل[2]**: دگر؛ **ق**: وزان؛ متن= **ف، ل، س، پ، ب** ۳- **ق**: قوم ٤- **پ**: گشتاسپ (!) ۵- **س، پ، ب**: ازان؛ **ق، و**: وان؛ متن= **ف، ل، لن، لی، آ، ل[2]**؛ **ق[2]**: چنین نامداران این؛ **ل[2]** پس از این بیت افزوده است:

بر آوردگه‌شان بدست آورند   بر ایرانیان بر شکست آورند

٦- **ل[2]**: یابند؛ **ق[2]**: مگرشان بیابید ۷- **ل، لن- پ، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، س[2]**): بر (**ل[3]** نخست **در** داشته است)؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **لن[2]**) ۸- **ف، لی**: بران؛ **ق** (و نیز **ل[3]**): بدین؛ **ق[2]**: مرین؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن[2]، س[2]**) ۹- **ل**: گردان چین؛ **آ**: از ایران زمین؛ **ل[2]**: سرفرازان و گردان چین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **ف**: نیاکان ما را روان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) ۱۱- **پ، آ، ب**: پر ۱۲- **ل، ق[2]، ل[2]**: به کین؛ **لن، ق، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل[3]**): ز کین؛ متن= **ف، س، و** (و نیز **س[2]**) ۱۳- **ف**: گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر و رفتن لشکر ایران برابر به جنگ او؛ **ل، ل[2]**: رزم افراسیاب با نوذر (**ل**: . . . و گرفتار شدن)؛ **س، ق[2]، و**: آمدن افراسیاب به ایران زمین (**ق[2]**: < زمین>) بجنگ شاه (**ق[2]**: < شاه>) نوذر؛ **لن**: رسیدن افراسیاب و نوذر بیکدیگر؛ **لی**: در وصف رزم کردن؛ **پ، ب**: آمدن افراسیاب بجنگ نوذر؛ **آ**: لشکر کشیدن پشنگ بسر نوذر؛ متن= آغاز **ف** ١٤- **لن، ق[2]، پ، و، آ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**): توران؛ **ق**: بیکسر؛ متن= **ف، ل، س، لی**؛ **ل[2]** پس از این بیت افزوده است:

دگر روز چون بردمید آفتاب   بمردان کین اندرآمد شتاب
زدند از بر پیل روئینه کوس   جهان شد ز گرد سپاه آبنوس

۱۵- **لن، ق، پ**: برآمد ١٦- **ل**: ترکان چین؛ **س، ل[2]** (و نیز **ل[3]**): گردان چین؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن[2]، س[2]**)؛ **بنداری**: طالعا من الشرق فی عساکر الترك والصین ۱۷- **س، ق[2]**: همه؛ **لن، لی، پ، آ، ب**: همان؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[2]** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) ۱۸- **و**: ایران زمین ۱۹- **ل، لن، ق، ق[2]، لی، پ، آ، ب**: که آن را؛ متن= **ف، س، و، ل[2]** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) ۲۰- **ف، و** (و نیز **لن[2]**): خبر نزد شاه همایون رسید؛ **ل[2]**: همه بخت بد سوی جیحون رسید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، س[2]**) ۲۱- **ق**: طاق؛ **ف، س، و** (و نیز **لن[2]**) این بیت را ندارند؛ **ل[2]** بجای این بیت افزوده است:

چو نوذر خبر یافت از کینه‌خواه   بخواند از همه پادشاهی سپاه
بزد کوس و لشکر به هامون کشید   خبر زو به شاه همایون رسید

۲۲- **ق**: سپهدار شد ۲۳- **س**: جنگجوی ٢٤- **س**: سپهدار ایران؛ **لی**: همی شاه نوذر ۲۵- **ق، آ، ب**: او ٢٦- **ل**: گفت گوی؛ **ق، آ، ب**: گفت وگو ۲۷- **لن، ق[2]، پ، آ، ب**: بنزد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۸- **ل**: تو گفتی؛ **و، ل[2]**: چنان بد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- **آ**: بد

سراپرده‌ی نوذر شهریار — کشیدند بر دشت پیش حصار
خود[1] اندر دهستان نیاراست[2] جنگ — برین[3] برنیامد فراوان[4] درنگ
که افراسیاب اندر ارمان زَمین[5] — دو سالار کردش ز ترکان[6] گزین
شماساس و دیگر خزبران[7] گرد — ز لَشکر سُواران بدیشان سپرد
ز جنگاوران مرد چون سی هزار[8] — برفتند شایسته‌ی کارزار
سُوی زاولستان[9] نهادند روی — ز[10] کینه به دستان نهادند روی[11]
خبر شد[12] که سام نریمان بمرد — همی دخمه سازد وُرا[13] زال گرد
از آن سخت شادان شد[14] افراسیاب — بدید آنک[15] بخت اندرآمد به خواب[16]
بیامد چو پیش[17] دهستان رسید — برابر سراپرده‌یی[18] برکشید
سپه را که دانست[19] کردن شمار — تو شو[20] چار[21] صد بار بشمر هزار
بجوشید گفتی[22] همی ریگ و شخ — بیابان سراسر[23] کشیدند نخ[24]
ابا شاه نوذر صدوچل هزار — همانا که بودند جنگی سُوار[25]
به لَشکر نگه کرد افراسیاب — هیونی برافگند هنگام خواب[26]
یکی نامه بنوشت سوی[27] پشنگ[28] — که جستیم گیتی[29] و آمد به چنگ
همه لَشکر نوذر ار بشمریم[30] — شکارند[31] چونان کجا بشکریم[32]
دگر سام رفت از پس[33] شهریار — همانا نیاید[34] بدین[35] کارزار[36]

۱- س- پ، آ، ل۲، ب (و نیز **ل۳**): چو (**ل۳** نخست **خود** داشته است)؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **لن۲، س۲**) **۲- ل، لن، و**: بیاراست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **س، ق، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): بیاراست؛ (**ل۳، لن۲**: براراست)؛ متن= **ف** **۳- ق**: بدین **۴- ل**: زمانی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۵- ف، ل، ق- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ایران زمین؛ متن= **س** **۶- ل، س، ق، ق۲، لی، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کرد از بزرگان؛ **لن، پ، ب**: کرد از دلیران؛ **آ**: کرد از توران (وزن نادرست است)؛ متن= **ف** **۷- ف، ق، ق۲، ب**: خزوران؛ **ل، آ، ل۲**: خزروان؛ **س**: خزورای؛ **لن، و** (و نیز **س۲**): خروران؛ **لی**: خراوران؛ **پ**: خروزان؛ (**ل۳**: خرزوان؛ **لن۲**: هزبران؛ **بنداری**: خزیران)؛ متن تصحیح قیاسی است **۸- س**: ز مردان جنگی چو پنجه هزار؛ **و**: ز جنگاوران لشکری سی هزار **۹- ل، س، لن، ق۲، لی، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): زابلستان؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، و، آ** (و نیز **لن۲، بنداری**) **۱۰- لن، ق۲، آ، ب**: به؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۱- ل۲**: زبان یافه گوی **۱۲- ل، ق، ق۲، ب**: خبربد؛ **س، آ**: چنان بد؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لن، لی، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۳- س**: همی ساخت دخمه ورا؛ **ق۲**: ورا دخمه سازد همی؛ **آ**: همی دخمه می ساختش؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱٤- ف**: ازآن شاد شد سخت؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۵- ل**: آنچ؛ **لی، پ، آ**: آنکه؛ متن= **ف، س، لن، ق، و، ل۲، ب** **۱٦- ل۲**: بختش درآمد بخواب؛ **ق۲**: هیونی برافکند هنگام خواب (= ۱۳۳ب)؛ در **پ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۱۷- لی**: نزد **۱۸- ل۲**: سراپرده را؛ **ق۲** این بیت را انداخته است؛ در **پ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **ل۲** پس از این بیت افزوده است:

چنان شد ز گرد سواران جهان — که خورشید گفتی شد اندر نهان

۱۹- لن، پ: گه دست (← که دانست) **۲۰- ل**: براو؛ **س**: تورو؛ **لی**: توشان؛ **و**: توسه؛ متن= **ف، لن، ق، پ، آ، ل۲** **۲۱- و**: بار؛ **ق۲** این بیت را انداخته است **۲۲- س**: بجوشد همی؛ **ق، ق۲، ب** این بیت را ندارند، ولی در **ق** آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۳- س، لن، لی، پ، آ**: سراسر بیابان؛ متن= **ف، ل، و، ل۲** **۲٤- ل، س، لن، لی- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): چو مور و ملخ؛ متن= **ف** **۲۵- ق۲** این بیت را انداخته است **۲٦- ق۲** ۱۲۸ب، ۱۲۹- ۱۳۲، ۱۳۳آ را انداخته و از ۱۲۸آ و ۱۳۳ب یك بیت ساخته است **۲۷- لن، ق۲، لی، پ، و**: نزد؛ **ب**: پیش؛ متن= **ف، ل، س، ق، آ، ل۲** **۲۸- ب**: نهنگ (!) **۲۹- ف، ل، س، لن، ق، ق۲، پ** (و نیز **س۲**): نیکی (!)؛ **ب**: تنگی؛ متن= **لی، و، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) **۳۰- ل، ق**: بشکریم؛ متن= ده دستنویس دیگر **۳۱- ق۲، و**: شکارست؛ متن← **۳۲- ل، ق**: شکارند و در زیر پی بسپریم (**ق**: بشمریم)؛ **س**: شکارست آنرا همه بشکریم؛ **لن**: شکارند چونانك ما بشکریم؛ **لی، آ، ل۲**: شکارست (**آ**: شکارند) لشکر (**آ**: گویی؛ **ل۲**: یکسر) کجا بشکریم؛ متن= **ف، پ، ب** **۳۳- ل**: در؛ **ق**: پی؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ب** **۳٤- س**: نیاید همانا؛ **پ**: همانا بتابید **۳۵- پ**: ازین **۳٦- لن، و**: روزگار؛ در **ل۲** بجای این بیت آمده است:

نه کرشاسپ هست و نه سام سوار — نه گردی در ایران گه کارزار

ل، ق، ل۲، ب (و نیز **س۲**) پس از بیت ۱۳٦ و **لن، ق۲، لی، پ، آ** (و نیز **ل۳**) پس از بیت ۱۳۷ افزوده‌اند:

مرا بیم ازو بد به ایران زمین — چو او شد ز (**لن، ق۲، آ**: از) ایران بخواهیم (**ل**: بجوییم) کین

ف، س، و (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند

ستودان همی سازدش زال زر   ندارد مرین[۱] جنگ را پای و پر[۲]
همانا[۳] شماساس در نیمروز   نشستهست با تاج[۴] گیتی فروز
بهرکار هنگام[۵] جستن نکوست   زدن رای با مرد هشیار و[۶] دوست
چو کاهل شود مرد هنگام کار   ازآن[۷] پس نیابد[۸] چُنان[۹] روزگار
هیون تگاور برآورد[۱۰] پر   بشد نزد سالار خورشیدفر[۱۱]

سپیده چُن[۱۲] از کوه سر برکشید[۱۳]   طلایه به پیش دهستان رسید
یکی ترک[۱۴] بُد نام او بارمان   همی خفته را گفت بیدارمان
میان دو لَشکر دو فرسنگ بود   همه ساز و آرایش جنگ بود[۱۵]
بیامد سپه را همه[۱۶] بنگرید   سراپردهی شاه نوذر بدید
بشد نزد سالار توران سپاه   نشان داد ازآن لَشکر و بارگاه[۱۷]
وُزان[۱۸] پس به سالار بیدار گفت[۱۹]   که ما را هنر چند باید نهفت
به دستوری شاه من شیروار[۲۰]   بجویم ازآن انجمن کارزار
ببینند[۲۱] پیدا ز من دست برد   جز از من کسی را[۲۲] نخوانند[۲۳] گرد
چُنین گفت اغریرت[۲۴] هوشمند   که گر بارمان را رسد زین گزند
دل مرزبانان[۲۵] شکسته شود   برین[۲۶] انجمن کار بسته شود
یکی مرد بی‌نام باید گُزید   که انگشت ازآن پس نباید گَزید[۲۷]
پُر از رنگ[۲۸] شد روی پور پشنگ   ز گفتار اغریرت[۲۹] آمدْش ننگ[۳۰]
به روی دُژم گفت با بارمان   که[۳۱] جوشن بپوش و به زه کن کمان

۱- **ل، لی، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]): همی ؛ **س، لن، ق، ق**[۲]**، پ، آ، ب** (و نیز **س**[۲]): همان ؛ متن= **ف** **۲- لی**: سر؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): ندارد به پیکار ما پای و پر **۳- پ**: همان با **٤- ل**: تاج و **۵- ل، ق**: بهنگام هر کار؛ متن= ده دستنویس دیگر **٦- س، لن، ق، پ، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **لن**[۲]): < و > ؛ متن= **ف، ق**[۲]**، لی، آ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) **۷- پ**: ازین **۸- ل**[۲]: نبیند **۹- لی**: همان؛ **پ، ل**[۲]: چنین؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۰- ق**[۲]: برآورده **۱۱- و**: سالار توران خبر **۱۲- ل- و، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): چو؛ متن= **ف، ل**[۲] **۱۳- س، ق**[۲]**، آ، ب**: بردمید ؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **لن، پ، و** در اینجا سرنویس دارند، **لن، پ**: رسیدن لشکر (**لن**: < لشکر >) افراسیاب و نوذر بیکدیگر (**پ**: < بیکدیگر >)؛ **و**: رزم قباد با بارمان و کشته شدن قباد **١٤- س**: مرد؛ در **ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۱۵- لن** این بیت را ندارد؛ در **ق**[۲]**، لی، پ، آ، ب** این بیت با بیت پیشین و در **و** با بیت سپسین پس و پیش شده است **١٦- ل**: همی ؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ در **و** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۱۷- ل، ق**: نشان جست از (**ق**: گفت ازآن) لشکر کینه خواه؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۸- ل، لن**: ازآن؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۹- و**: هشیار گفت؛ **س، لن، ق**[۲]**، پ، آ، ب**: بیامد به سالار گفت؛ متن= **ف، ل، ق، لی، ل**[۲] **۲۰- ق**[۲]: شیرخوار (!) **۲۱- ل، س، و، آ**: ببینید؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۲- س، لی**: به گیتی **۲۳- ل، و**: نخوانید؛ **س**: ندانید؛ **لی**: ندانند؛ **پ**: مجویید؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، آ، ل**[۲]**، ب** **٢٤- س**: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ **ق**[۲]**، لی، و، آ، ل**[۲]: اغریرث؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ب** **۲۵- ق**[۲]**، و**: نامداران؛ **ب**: مرزبان زو؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٢٦- ل، آ**: برآن؛ **لن**: تراز؛ **لی**: بدان؛ **پ**: بر؛ متن= **ف، س، ق، ق**[۲]**، و، ب** **۲۷- ل**[۲] این بیت را ندارد **۲۸- ل، س، ق**[۲]**- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): پرآژنگ (**ل**[۳] نخست **پر از رنگ** داشته اشت)؛ متن= **ف، لن، ق** (و نیز **س**[۲]) **۲۹- س**: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ **ق**[۲]**، و، آ، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]): اغریرث ؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) **۳۰- لی**: آمد بتنگ **۳۱- لن، ق، پ، و، ب**: تو؛ متن= هفت دستنویس دیگر

تو باشی برآن[1] انجمن سرفراز   به انگشت و دندان[2] نیاید نیاز[3]

بشد بارمان[4] تا به دشت نبرد   سُوی قارن کاوه آواز[5] کرد
کزین[6] لَشکر نوذر[7] نامدار[8]   که داری که با من کند کارزار؟
نگه کرد قارن به مردان مرد   ازآن[9] انجمن تا که جوید نبرد
کس از نامدارانْش پاسخ نداد   مگر پیر گشته دلاور قباد
دُژم گشت سالار بسیار هوش   ز گفت برادر برآمد به جوش[10]
ز خشمش سرشك اندرآمد به چشم   ازآن[11] لَشکر گَشْن و[12] بُد جای خشم
که[13] چندان[14] جوان[15] مردم جنگجوی   یکی پیر جوید همی[16] جنگ[17] اوی
دل قارن آزرده گشت از قباد   میان دِلیران زبان برگشاد
که سال تو اکنون به جایی رسید   که از جنگ[18] دست بباید کشید
یکی مرد آسوده چون بارمان   جوان و گشاده‌دل و شادمان
سُواری[19] که دارد دل شیر نر   همی برفرازد به خورشید سر
تویی مایه‌ور[20] کدخدای سپاه   همی[21] بر تو گردد همه[22] رای شاه
به خون گر شود لعل ریش[23] سپید[24]   شوند این دِلیران همه[25] ناامید
شکست اندرآید بدین رزمگاه[26]   پر از درد گردد دل نیك‌خواه[27]

نگه کن که با[28] قارن رزم زن   چه گوید قباد[29] اندران[30] انجمن
چُنین داد پاسخ مرو را قباد   که این چرخ گردان مرا داد داد[31]
بدان ای برادر که تن مرگ راست   سر رزم زن[32] سودن ترگ راست
ز گاه[33] خجسته منوچهر باز   از امروز[34] بودم دل[35] اندر نیاز[36]

۱- **س**: بدین؛ **ق**[۲]: دران؛ **لی، ل**[۲]: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- **ق**: انبان (!)؛ **ل**[۲]: < و> دندان ۳- **ل**: به انگشت دندان نیاید بگاز؛ (**ل**[۳]: به دندان در·انگشت ناید بگاز)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) ٤- آ، **ب**: تازنان ۵- **ل**[۲]: آهنگ؛ **ل**[۲] در اینجا سرنویس دارد: رزم بارمان با قباد و کین خواستن قارن ٦- **ل**: که زین ۷- **لن، ق**[۲]، **پ**، آ، **ب**: نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- **س**: تاج دار؛ **ق**: شهریار ۹- **س**، آ: درآن؛ **لی، ل**[۲]: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مبارز خواستن بارمان ترك از لشکر ایران و رفتن قباد به جنگ او و کشته شدن قباد ۱۱- آ: کزان ۱۲- **ل، س، ق- و**، آ، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): < و> ؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]) ۱۳- **لن، ق، پ**، آ، **ب**: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٤- **ق**[۲]: چندین ۱۵- **س، لی**: از آن ١٦- **لن، پ**: دارد سوی ۱۷- **ل**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): رزم؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]) ۱۸- آ: رزم ۱۹- **ل**[۲]: جوانی ۲۰- **س، لی، ل**[۲]: نامور؛ **ق**: مایه و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- **لی، ل**[۲]: همه ۲۲- **ف، ق**[۲]، **لی، ل**[۲]: همی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- **ل، لن، ق**[۲]، **پ، ب**: موی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲٤- **لی، و**: سفید ۲۵- **لن، ق**[۲]، **لی، پ، ب**: ما؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٢٦- **س**: بارگاه ۲۷- **س، لی**: سراسر سپاه؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- **ق**[۲]، **ل**[۲]: تا ۲۹- **لن، ق**[۲]، **لی، ب**: چه گوید برادر؛ **پ**: برادر چه گفت؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- **لن**: بران؛ **ق**[۲]، **لی، ب**: درآن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- **س، ق**[۲]، **لی** این بیت را ندارند ۳۲- **س، لن، پ، ب**: سر و یال من (**پ**: ما)؛ **لی**، آ: سر نامور؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[۲]، **و، ل**[۲] ۳۳- **ق**[۲]: کاخ ۳٤- **س**: ز امروز؛ **ق، لی، و** (و نیز **لن**[۲]): ازین روز؛ آ: ازآن روز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- **ل**- آ، **ب**: تن؛ متن= **ف، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]) ٣٦- **ل- ب** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): گداز؛ متن= **ف**؛ در **لن، ق**[۲]، **پ، آ، ب** این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۱۷۸ آمده‌اند؛ در **و** این بیت پس از بیت ۱۷۷ آمده است

کسی زنده بر[1] آسمان نگذرد　　شکارست و مرگش[2] همی بشکرد
یکی را برآرد به شمشیر هوش　　بدانگه که آید دو لَشکر به جوش[3]
تنش کرگس و شیر درّنده راست　　سرش نیزه و تیغ[4] برّنده راست
یکی را به بستر برآید[5] زمان　　همی[6] رفت باید زبن[7] بی گمان[8]
اگر من روم[9] زین جهان فراخ　　برادر به جایست با برز[10] و شاخ
یکی دخمه‌ی خسروانی[11] کند[12]　　پس از رفتنم[13] مهربانی کند
سرم را به کافور و مشك و گلاب　　تنم را بدان[14] جای جاوید خواب[15]
سپار ای برادر تو پدرود باش　　همیشه جهان[16] تار و تو پود باش

بگفت این و بگرفت نیزه به دست　　به آوردگه رفت چون پیل مست
چُنین گفت با رزم زن بارمان　　که[17] آورد پیشم سرت را زمان[18]
ببایست ماندن[19] که خود[20] روزگار　　همی کرد با جان تو[21] کارزار
چُنین گفت مر بارمان را قباد　　که یك چند گیتی[22] مرا داد داد
به جایی توان مرد کاید زمان　　نپاید[23] زمان یك زمان بی گمان[24]
بگفت و برانگیخت شبدیز را　　نداد[25] آرمیدن[26] دل تیز را
ز شبگیر تا سایه گسترد[27] هور　　همی این بران، آن برین[28] کرد زور

۱- **ق**[2]: از　**۲- ل، س، ق**[2]**، لی، پ، و**: < و > مرگش؛ **لن**: هرکس؛ متن= **ف، ق، آ، ل**[2]**، ب**　**۳- س، لن، ق**[2]**- آ، ب** (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2]) این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[2]　**٤- س، لی**: سرش تیغ پولاد؛ **ق**[2]**، آ، ب**: سرش جای شمشیر؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل**[2]؛ در **ل**[2] (و نیز **س**[2]) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند　**۵- لن، ق**[2]**، پ، آ، ل**[2] (و نیز **ل**[3]): سرآید؛ **ب**: سرآرد؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** (و نیز **لن**[2]**، س**[2])　**٦- ق**[2]: یکی؛ **لی**: همه؛ متن←　**۷- و**: زتن؛ متن←　**۸- لن، پ**: سبك بر کران؛ **ق**[2]**، ب**: سبك بی گمان؛ **لی**: همی بدگمان؛ **آ**: یکی را بجنگ اندرون بی گمان؛ **ل**[2] (و نیز **ل**[3]): یکی را به آورد گه بی گمان؛ متن= **ف، ل، س، ق**؛ در **و** پس از این بیت بیت ۱۷۳ آمده است　**۹- لن، ق**[2]**، پ، ل**[2]: شوم؛ متن= هشت دستنویس دیگر　**۱۰- س**: برد؛ **ل**[2]: فرّ؛ در **لن، ق**[2]**، پ، آ** پس از این بیت بیت های ۱۷۳ و ۱۷۴ آمده‌اند　**۱۱- و**: پهلوانی　**۱۲- س- پ، آ، ب**: کنید؛ متن= **ف، ل، و، ل**[2]　**۱۳- ل**[2]: مردنم؛ در **ق**[2]**، ل**[2]**، ب** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند　**١٤- ل**: بران؛ متن←　**۱۵- ق**[2]: بشویید و تن را بدان جای خواب؛ متن= ده دستنویس دیگر　**١٦- ل**: خرد؛ متن= **ف، ق، لی، و** (و نیز **لن**[2])؛ **س** این بیت را ندارد؛ در **لن، ق**[2]**، پ، آ، ب** این بیت چنین آمده است:

سپارید ما را و ساکن شوید　　به یزدان دادار (آ: دادارو) ایمن شوید

در **ل**[2] (و نیز **ل**[3]**، س**[2]) این بیت چنین آمده است:

سپارد به یزدان که او آفرید　　ازین باره غم چند باید کشید

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، لی، پ**: کشته شدن قباد بر دست بارمان؛ **ب**: رزم قباد کاوه با بارمان　**۱۷- ل**[2]: کت　**۱۸- لن، لی، ب**: سرت رایگان؛ **ق**[2]: به میدان جنگ اندر آمد دمان (= ۱۸۹ب)؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، پ، و**　**۱۹- س، لی**: نبایست آمد؛ **ق**[2]**، آ** این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر　**۲۰- ب**: چون　**۲۱- ل**[2]: او　**۲۲- س، لن، لی، آ، ب** (و نیز **س**[2]): گردون؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل**[2] (و نیز **ل**[3]**، لن**[2])؛ **ق**[2] این بیت را ندارد　**۲۳- ل**: بباید (یا: بیاید)؛ **س، آ**: نیاید؛ **لن، پ**: نداند؛ **ق**: بیاید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لی، ب** (و نیز **س**[2]): نیابد؛ **و**: نیاید (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (**ل**[3]: بیاید؛ **لن**[2]: نباید)؛ متن= **ف**　**٢٤- لن، پ، آ، ب**: زمان (**لن، پ**: زمین) بی تو خود یکزمان؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، پ، و** (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2])؛ **ل**[2]: که از مرگ مردم نیابند امان؛ **ق**[2] این بیت را ندارد　**۲۵- ل، س، ق**[2]**، لی، ل**[2]: بداد؛ **لن**: مداد؛ **ق**: چنان؛ متن= **ف، پ، و، آ، ب** (**ف** نخست **بداد** داشته است)　**٢٦- ل، ق**: آرمیده؛ متن= ده دستنویس دیگر　**۲۷- س، لی**: سایه‌ور گشت؛ **لن، ق، پ، آ، ب**: سایه افکند؛ متن= **ف، ل، ق**[2]**، و، ل**[2] (و نیز **ل**[3]**، لن**[2]**، س**[2])　**۲۸- ف**: این بدان آن بدین؛ **ق**[2]**، پ**: آن برین این بران؛ (**ل**[3] پاك شده است، ولی گویا برابر **ف** بوده است)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن**[2]**، س**[2])

به فرجام پیروز[۱] شد بارمان   به میدان جنگ[۲] اندرآمد دمان
یکی خشت زد بر سرین[۳] قباد   که بند کمرگاه او برگشاد
ز[۴] اسپ اندرآمد نگوسار[۵] سر   شد آن شیردل پیر[۶] سالار سر[۷]
بشد[۸] بارمان نزد افراسیاب   شکفته دو رخسار[۹] با جاه و آب
یکی خِلعتش داد کاندر جهان   کس از کهتران[۱۰] نستَد و نز[۱۱] مِهان
چُنو[۱۲] کشته شد[۱۳]، قارن رزمجوی[۱۴]   سپه را بیاورد و بنهاد روی[۱۵]
دو لَشکر بسان دو[۱۶] دریای چین   تو گفتی که شد جُنب جُنبان زَمین[۱۷]
بیامد دمان[۱۸] قارن رزم زن   وُزان روی[۱۹] کرسیوز پیلتن[۲۰]
از آواز اسپان و گرد سپاه   نه خورشید تابید[۲۱] روشن، نه ماه[۲۲]
درخشیدن تیغ[۲۳] الماس گون   شده لعل و[۲۴] آهار داده به خون
به گرد اندرون همچو ابری پُرآب[۲۵]   که شنگرف بارد برو[۲۶] آفتاب
پر از نالهٔ کوس شد مغز میغ[۲۷]   پر از آب شنگرف شد جان[۲۸] تیغ
بهر سو که قارن برافگند[۲۹] اسپ   همی تافت[۳۰] آهن چو آذرگشسپ
تو گفتی که الماس مرجان فشاند   چه مرجان، که در کین[۳۱] همی[۳۲] جان فشاند
ز قارن چو افراسیاب آن بدید   بزد اسپ و لَشکر سُوی او کشید

۱- **لن، لی**: فیروز   ۲- **لی**: سبك   ۳- **س، ق** (و نیز **لن**[۲]): سرون؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])   ٤- **لی، ل**[۲]: از   ۵- **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): نگونسار؛ متن= **ف**   ٦- **س، ق**[۲]: مرد   ۷- آ (و نیز **ل**[۳]): فر   ۸- **و**: چو شد   ۹- **س، لن، ق**[۲]، آ، **ل**[۲]: رخساره؛ متن= هفت دستنویس دیگر   ۱۰- **ل، و، ب**: مهتران؛ **ق**[۲]: کسی از کهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۱۱- **ل، س، ق، ق**[۲]، **و**، آ (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): نستد آن از؛ **لن، لی، پ**: آن ندید از؛ **ل**[۲]، **ب**: نستدند از؛ متن= **ف**   ۱۲- **ل، ق، لی، پ، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): چو او؛ متن= **س، لن، ق**[۲]، آ، **ب** (و نیز **س**[۲])   ۱۳- **ف**: چو کشته شد او   ١٤- **س**: جنگجوی   ۱۵- **ل**[۲]: و شد کینه جوی   ١٦- **ل**: بکردار؛ **ق**: بمانند؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۱۷- **ف**: که شد جم جنبان ازیشان زمین؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   ۱۸- **ف**: بر؛ متن= **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲])   ۱۹- **ب**: سوی   ۲۰- **ل، ل**[۲]: ترکان شدند انجمن؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، بَ (و نیز **س**[۲])؛ در **ق، و** بجای این بیت و در **ل**[۲] بس از آن چنین آمده است:

وزان‌روی(**و**: وزان‌سوی؛ **ل**[۲]: سرافراز)کرسیوز(**و**: کرشیوز)رزمجوی(**ق**: جنگجوی)   ابا لشکر (**و**: لشکری) گشن بنهاد روی

۲۱- **س، لی**: تابنده؛ متن←   ۲۲- **لن، ق**[۲]، **پ**، آ، **ل**[۲]، **ب** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): نه خورشید پیدا نه تابنده ماه؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن**[۲])   ۲۳- **و**: دو رخشنده شمشیر   ۲٤- **ل**[۲]: <و>؛ **پ**: از؛ **لی**: سنان های؛ در **لن، پ**، آ، **ب** پس از این بیت بیت ۲۰۱ آمده است؛ **ل**[۲] پس از این بیت افزوده است:

زمین قیرگون شد هوا آبنوس   شده خیره‌سر دهر از آوای کوس

۲۵- **ل**: دریای آب؛ **لی**: پر عقاب؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= نه دستنویس دیگر   ۲٦- **لن، ق**[۲]، **پ، ب**: ابر؛ آ: همی ز؛ متن= **ف، ل، س، لی، و**، آ، **ل**[۲]   ۲۷- **ف**: مهر و میغ؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   ۲۸- **و**: روی   ۲۹- **و، ل**[۲]: برانگیخت   ۳۰- **و**: رفت؛ در **لن، پ**، آ، **ب** این بیت پس از بیت ۱۹۸ آمده است؛ **لن، ق**[۲] در اینجا سرنویس دارند، **لن**: رزم نوذر با افراسیاب؛ **ق**[۲]: جنگ ایران با ترکان   ۳۱- **ل**: که مرگش؛ **ق**[۲]: که‌در خون؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۳۲- **لی**: همه؛ **ل، ق، ل**[۲] پس از این بیت افزوده‌اند:

به آورد گشتن (**ل**[۲]: همی کرد پست و) همی کشت مرد   همی جوی خون کرد دشت نبرد

در **ق**[۲] بیت های ۱۹۴ تا ۲۰۲ درهم ریخته‌اند: ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۶، ۲۰۱، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲ (بیت ۱۹۵ را ندارد)

یکــی رزم، تا شب برآمــد ز کوه، ٭ بکــردنــد و نامــد دل از کین ستــوه
چو شب تیره شد قارن رزمــخــواه ٭ بیاورد پیش[۱] دهــســتــان سپــاه
بر نوذر آمــد به پرده‌ســرای ٭ ز[۲] خون برادر شده دل ز جای
وُرا دید نوذر فروریخــت آب ٭ ازآن میژه‌ی[۳] سیر نادیده[۴] خواب
چُنــین گفــت کز مرگ سام سُوار ٭ ندیدم روان را چُنــین سوگــوار
چو خورشــید بادا روان قبــاد ٭ ترا زین[۵] جهــان جاودان[۶] بهــره باد[۷]
بپــرورد و ز مرگ مان[۸] چاره نیســت ٭ زمــین[۹] را جزاز[۱۰] گور[۱۱] گهــواره نیســت
چُنــین گفــت قارن که تا زاده‌ام[۱۲] ٭ تن پُر هنــر مرگ را داده‌ام[۱۳]
فریدون نهــاد این کُله بر سرم ٭ که بر کین ایرج زَمــین[۱۴] بسپَــرم
هنــوز آن[۱۵] کمــربــنــد نگــشــاده‌ام ٭ همــان تیغ پولاد نــنــهــاده‌ام[۱۶]
برادر شد آن مرد سنــگ و[۱۷] خرد ٭ سرانــجــام من هم برین[۱۸] بگــذرد
انــوشــه بزی[۱۹] تو که[۲۰] امــروز جنــگ ٭ به چنــگ[۲۱] انــدرآورد پور پشــنــگ
چو از لَشکــرش گشــت[۲۲] لختی[۲۳] تبــاه ٭ از آســودگــان خواست[۲۴] چنــدی[۲۵] سپاه
مرا دید با گرزه‌ی گاوروی ٭ بیامــد بنــزدیك من جنــگــجــوی[۲۶]
به رویش بران[۲۷] گونــه انــدرشــدم ٭ که با دیدگــانش برابــر شدم
یکــی[۲۸] جادوی[۲۹] ساخت با من به جنــگ ٭ که با[۳۰] چشم روشن نمــانــد آب و رنگ
شب آمــد جهــان سربــســر تیره گشــت ٭ مرا بازو از کوفــتــن[۳۱] خیره گشــت

۱- **ل، ق**: سوی؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: رزم افراسیاب و نوذر با لشکر ۲- **ق، و**: به ۳- **ل، لن، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲): مژّهٔ؛ **س، ق، ق**۲، **لی، ل**۲: دیدهٔ؛ متن= **ف** ٤- **ق**۲، **ل**۲ (و نیز **ل**۳): سیر ناخورده ۵- **ل**۲: در؛ متن← ٦- **ف**: ترا جاودان زین جهان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲) ۷- **ل**: بهر باد؛ **و**: < بهره‌باد >؛ **ق، ل**۲ (و نیز **ل**۳، **س**۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

جهــان را چنــین اســت آیین و سان ٭ یکــی زو زید شاد (**ل**۲، **س**۲: یکــی روز شادی) و دیگــر غمــان
ل۳: یکی زو به شادی دگر باغمان

۸- **ل، ق**: کزین رزم و ز مرگمان؛ **لن، ق**۲، **پ، ب**: بپروردن از مرگشان؛ (**س**۲: بپرورد و ز مرگشان)؛ متن= **ف، س، لی، و، آ، ل**۲ (و نیز **ل**۳، **لن**۲؛ **لی، و، لن**۲: از) ۹- **ل، ق**: زمی؛ متن= ده دستنــویس دیگــر ۱۰- **ف**: چنـان؛ **لن، ق**۲، **پ، آ، ب**: بجـز؛ متن= **ل، س، ق، لی، و، ل**۲ (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲) ۱۱- **ف**: کوه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳، **لن**۲، **س**۲) ۱۲- **س، ق**۲، **ب**: زنده‌ام؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- **س**: من بی هنر مر ترا بنده‌ام (!)؛ **ق، ل**۲: همین (**ل**۲: همان) تیغ پولاد ننهاده‌ام (= ۲۱۳ب)؛ **ق**۲: که بر کین ایرج زمین بسپرم (= ۲۱۲ب)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ١٤- **ق**: زمی؛ **و، ل**۲ این بیت را ندارند؛ **ق**۲ ۲۱۱ب و ۲۱۲آ را انداخته و از ۲۱۱آ و ۲۱۲ب یك بیت ساخته است ۱۵- **لن** (و نیز **ل**۳): از ١٦- **ف**: دل کینه ور جنگ را داده‌ام؛ **ق، ب**: تن پر هنر مرگ را داده‌ام؛ **و** (و نیز **لن**۲) این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**۳، **س**۲؛ **لن**: فولاد)؛ **ل**۲ ۲۱۱ب، ۲۱۲، ۲۱۳آ را انداخته و از ۲۱۱آ و ۲۱۳ب یك بیت ساخته است؛ در **ق** ۲۱۱ب و ۲۱۳ب پس و پیش شده‌اند ۱۷- **آ**: ننگ و؛ **ل**۲: سنگی ۱۸- **ق**: بدین؛ **س**: سرانجام من بر همین؛ **ق**۲: سرانجام بر من همین؛ **ل**۲: سرانجام ما هم چونین؛ متن= **ف، ل، لن، لی، پ، و، آ**؛ در **ل**۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **ب** از این بیت تا بیت ۳۶۱ افتاده است ۱۹- **ل، س، لن، پ، و** (و نیز **لن**۲): بدی؛ متن= **ف، ق، ق**۲، **لی، آ، ل**۲ (و نیز **ل**۳) ۲۰- **ق**: زانك ۲۱- **لن، ق**۲، **لی، پ، آ** (و نیز **س**۲): بتنگ؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل**۲ (و نیز **ل**۳، **لن**۲؛ در **ف** با سه نقطه) ۲۲- **ق**: خاست ۲۳- **ل**۲: چندی ۲٤- **پ**: خواند ۲۵- **ل**۲: جنگی ۲٦- **و**: کینه جوی؛ **ق**: بنزد من آمد همی جنگجوی ۲۷- **س، ق، ق**۲، **لی، و**: بدان؛ **آ**: بدین؛ **ل**۲ این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، لن، پ** ۲۸- **و**: چنان ۲۹- **س**: چارهٔ ۳۰- **لن، ق**۲، **پ، آ** (و نیز **ل**۳): بر؛ **و**: در؛ **ل**۲ این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی** (و نیز **لن**۲، **س**۲) ۳۱- **ف**: مرا بازوان کوفته؛ **آ**: مرا بازو از دیدگان؛ (**لن**۲: مرا بازو از خویشتن)؛ **ل**۲ این بیت را ندارد؛ متن= **ل- و** (و نیز **ل**۳، **س**۲؛ **لن، پ**: بازوی)

تو گفتی زمانه سرآید[1] همی   هوا زیر خاک[2] اندرآید همی
ببایست[3] برگشتن از[4] رزمگاه   که گرد سپه بود و شب بُد[5] سیاه

برآسوده شد لَشکر از هر دو روی[6]   برفتند روز دوم[7] جنگ‌جوی
رده برکشیدند ایرانیان   چُنان چون بود ساز جنگ[8] کیان[9]
چو افراسیاب آن سپه را بدید   بزد کوس[10] رویین و صف برکشید[11]
چُنان شد ز گرد سُواران جهان   که خورشید گفتی شد اندر نهان[12]
دهاده برآمد[13] ز هر دو گروه   بیابان نبُد هیچ[14] پیدا ز کوه
برانسان[15] سپه درهم آویختند[16]   چو[17] رود روان خون همی ریختند[18]
بهر سو که قارن شدی رزمخواه[19]   فروریختی خون ز گرد سیاه[20]
کجا خاستی گرد[21] افراسیاب   همه خون شدی دشت چون رود آب[22]
سرانجام نوذر ز قلب سپاه   بیامد بنزدیك او رزمخواه[23]
چُنان نیزه بر نیزه آویختند[24]   سنان یك بدیگر برآمیختند[25]
که بر هم نپیچد بران[26] گونه مار   شهان را[27] چُنین کی بود کارزار[28]
چُنین تا شب تیره آمد بتنگ[29]   برو[30] چیره شد دست پور پشنگ
ز[31] ایران سپه[32] بیشتر خسته شد   وُزان[33] روی پیگار پیوسته شد[34]

۱- **لن، پ**: سرآمد ۲- **س، لی**: ابر؛ **لن، ق**[2]، آ: هوا را ز (**ق**[2]: از) ابر؛ **ل**[2]؛ **پ**: هوا خود از ابر؛ **ل**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۳- **ف**: بیاراست؛ **ل**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ل**- آ (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ٤- **ل، ق**[2]: گشتن از آن؛ متن= **ف، س، لن، ق**- آ (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ۵- **ل، ق، لی، و**، آ: شد؛ متن= **ف، س، لن، ق**[2]، **پ** ٦- **و**: سوی؛ **ل، ق**: برآسود لشکر پس از (**ق**: ازآن) هردو روی؛ **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ: برآسود (**س**: بیاسود) پس لشکر از هردو سوی (**س، ق**[2]: روی)؛ (**س**[2]: برآسود شب لشکر از هردو سوی)؛ **ل**[2] این بیت را ندارد؛ متن= **ف** ۷- **ق، و**: دگر؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ق**: گفتار در کین طلبیدن افراسیاب از ایرانیان؛ **ق**[2]، **لی**: جنگ نوذر (**لی**: و ایرانیان) با افراسیاب؛ **پ**: جنگ افراسیاب با نوذر دگر بار؛ **و**: سخن گفتن شاه نوذر با طوس و گستهم؛ **ل**[2]: هزیمت نوذر از افراسیاب ۸- **س، لی**: ساز و رزم؛ **ل**[2]: جنگ وساز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب** ۹- آ: گران؛ **ل**[2]: گوان ۱۰- **و**: نای؛ متن← ۱۱- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ: بیامد برابر صفی برکشید؛ متن= **ف، ل، ق، ل**[2] (و نیز **ل**[3]) ۱۲- **ل**[2]: که خورشید گشت از دودیده نهان ۱۳- **ل**[2]: برآمد دهاده ١٤- **ل، و، ل**[2]: ایچ؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب** ۱۵- **لن، ق**[2]، **پ**، آ: ازآنسان؛ **و، ل**[2] (و نیز **ل**[3]): بدانسان؛ متن= **ل، ق** (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) ١٦- **ل، ق**: بر هم آویختند؛ **س، لی**: دلیران همی (**لی**: همه) در هم آمیختند ۱۷- **لن**: که ۱۸- **ل**[2]: برانگیختند؛ **ل**: سنان یك بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲ب)؛ متن= **س، ق**- آ (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2])؛ **ف** این بیت را ندارد ۱۹- **و**: رزمجوی ۲۰- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ**، آ: از آن رزمگاه؛ **و**: ز دریا به جوی؛ **ل**[2]: ز قلب سپاه؛ متن= **ف، ل، ق** ۲۱- **ل**[2]: چو انگیختی اسب ۲۲- **ل**: برسان آب؛ **و**: همه دشت از خون شدی رود آب؛ متن= **ف، س**- **ل**[2] ۲۳- **لن، پ، ل**[2]: کینه خواه؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب**؛ **س، لی** پس از این بیت افزوده‌اند:

چنان شد ز گرد سواران جهان   که خورشید گفتی شد اندر نهان

٢٤- **ق**: آمیختند؛ **پ**: انداختند؛ **و، ل**[2]: برساختند؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق**[2]، **لی**، آ ۲۵- **لن، پ**: برافراختند؛ **ق**: برآویختند؛ **ل**: چو رود روان خون همی ریختند (= ۲۲۸ب)؛ **س، ق**[2]، **لی**: که گفتی بهمشان برآمیختند؛ **و، ل**[2]: که از یکدیگر باز نشناختند؛ متن= **ف**، آ؛ **ل**[2] پس از این بیت افزوده است:

دگر ره برآن گونه آویختند   سنان یك بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲ب)

٢٦- **س، لن، ق**[2]، **لی، پ، ل**[2]: ازآن؛ **و**: نپیچد بهم بر بران؛ متن= **ف، ل، ق**، آ ۲۷- **لن**: کیان را؛ **ق**: شما را؛ **پ**: جهان را ۲۸- **پ**: جهان را نبود اینچنین یادگار ۲۹- **ف، لی**، آ (و نیز **ل**[3]): به جنگ؛ متن= **ل، س، لن، ق، ق**[2]، **پ، و، ل**[2] (و نیز **لن**[2]، **س**[2]) ۳۰- **ف** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): بدو؛ متن= **ل**- **ل**[2] (و نیز **س**[2]) ۳۱- **ل**- **ق**[2]، **پ**- **ل**[2]: از؛ متن= **ف، لی** ۳۲- آ: ایوان ها (!)؛ (**س**[2]: ایرانیان) ۳۳- **و**: ازآن ۳٤- **بنداری**: و عظمت النکایات علی الایرانیة، و ظهرت مبادئ الغلبة للتورانیة

به بیچارگی[۱] روی برگاشتند ‌ ‌ به هامون بر افگنده[۲] بگذاشتند
دل نوذر از غم پر از درد بود ‌ ‌ که تاجش از[۳] اختر[۴] پُر از گرد بود
چو از دشت بنشست آواز[۵] کوس ‌ ‌ بفرمود تا پیش او رفت طوس
بشد طوس و گستهم با او[۶] بهم[۷] ‌ ‌ لبان[۸] پُر ز باد و روان[۹] پُر ز غم[۱۰]
بگفت این که[۱۱] در دل مرا درد چیست ‌ ‌ همی گفت چندی و چندی گریست[۱۲]
از اندرز[۱۳] فرّخ پدر یاد کرد ‌ ‌ پُر از خون جگر، لب پُر از بادِ سرد[۱۴]
کجا گفته بودش که از ترك و چین ‌ ‌ سپاهی بیاید به ایران زَمین
وُزیشان[۱۵] ترا دل شود[۱۶] دردمند ‌ ‌ بسی بر سپاه تو آید گزند
ز گفتار شاه آمد اکنون نشان ‌ ‌ فرازآمد آن روز گردن کشان[۱۷]
کس از نامه‌ی نامداران[۱۸] نخواند ‌ ‌ که چندین سپه کس ز ترکان براند[۱۹]
شما را سُوی پارس باید شدن ‌ ‌ شبستان بیاوردن و آمدن[۲۰]
وُزآنجا کشیدن سُوی رابه‌کوه[۲۱] ‌ ‌ بدان[۲۲] کوه البرز بردن[۲۳] گروه
از ایدر به راه سپاهان روید[۲۴] ‌ ‌ وُزین[۲۵] لَشکر خویش[۲۶] پنهان روید[۲۷]
[نباید که آید شما را گزند ‌ ‌ ازین بدکُنش جادوی بدپسند[۲۸]]
[چو گردند[۲۹] آگاه ایرانیان ‌ ‌ از آن[۳۰] پس نبندند[۳۱] کین را میان]
ز کار[۳۲] شما دل شکسته شوند ‌ ‌ بدین[۳۳] خستگی نیز خسته[۳۴] شوند
ز تخم فریدون[۳۵] مگر یك دو تن ‌ ‌ برد جان ازین بی شمار انجمن[۳۶]

۱- **ل۲**: بیکبارگی ‌ ۲- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ**: پراکنده؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) ‌ ۳- **ل- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ز؛ متن= **ف** ‌ ۴- **لی**: گردون ‌ ۵- **ل، لن، ق، ق۲، پ، آ، ل۲**: آوای؛ متن= **ف، س، لی، و** ‌ ۶- **س، لی**: وی ‌ ۷- **ق**: با او بهم گستهم ‌ ۸- **ف**: سران؛ متن= **ل- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ‌ ۹- **ل**: ابروان؛ **آ**: و رخان؛ متن= **ف، س- و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ‌ ۱۰- **آ**: نم ‌ ۱۱- **ل، س، لن، لی** (و نیز **ل۳**): آنك؛ **ق**: آنچ؛ **ق۲، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **لن۲**): آنکه؛ متن= **ف** (و نیز **س۲**) ‌ ۱۲- **ل۲**: همی گفت و با های و هوی او گریست ‌ ۱۳- **ل۲**: از اندازه ‌ ۱۴- **ل۲**: کرد ‌ ۱۵- **ل، س، لن، ق۲- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**): ازایران (← ازیرا؟)؛ متن= **ف** ‌ ۱۶- **س**: شود دل ترا ‌ ۱۷- **و** (و نیز **لن۲**) مردم کشان؛ متن= **ف- پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) ‌ ۱۸- **و** (و نیز **لن۲**): شهریاران ‌ ۱۹- **لی**: نراند؛ **لن، ق۲، پ**: که چندین ز ترکان سپه را براند (**ق۲**: نراند)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= **ف، ل، س، و، آ، ل۲** ‌ ۲۰- **ق**: نامدن؛ **ل۲**: بیاورد و باز آمدن؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: مشورت کردن نوذر با سران لشکر ‌ ۲۱- **س، لن**: زاوه کوه؛ **پ**: راوه کوه؛ **و**: رامه کوه؛ (**ل۳، س۲**: دابه کوه؛ **بنداری**: جبل راوه)؛ **ل**: وزآنجا کشیده سپه را به کوه؛ **ق**: وزآنجا سپه را کشیدن به کوه؛ **ق۲**: وزآنجا شدن تا سوی زاوه کوه؛ متن= **ف، لی، آ، ل۲** (و نیز **لن۲**)؛ گویا **راده کوه** درست است ‌ ۲۲- **ل، س، ق، پ، آ**: بران؛ **ل۲**: ابر؛ متن= **ف، ق، ق۲، لی، و** ‌ ۲۳- **ق**: بودن ‌ ۲۴- **ل، ق** (و نیز **ل۳**): از ایدر (**ق**: وزیدر) کنون زی سپاهان روید؛ **س**: کنون ایدر از راه شاهان شوید؛ **لن، ق۲، پ، آ** (و نیز **س۲**): کنون سوی راه (**پ**: ری و) سپاهان (**لن، پ**: صفاهان) روید؛ **لی**: کنون زیدر اندر صفاهان شوید؛ متن= **ف، و، ل۲** (و نیز **لن۲**) ‌ ۲۵- **ل**: ازین ‌ ۲۶- **و**: گشن ‌ ۲۷- **لی، پ**: شوید ‌ ۲۸- **ل- پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) این بیت و بیت سپسین را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**) ‌ ۲۹- **و** (و نیز **لن۲**): گشتند؛ متن= **ف** ‌ ۳۰- **و** (و نیز **لن۲**): ازین؛ متن= **ف** ‌ ۳۱- **ف، و**: ببندند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (**لن۲**: به بندند)؛ **ل- پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۲، س۲**) این بیت وبیت پیشین را ندارند ودر ترجمهٔ **بنداری** هم نیست ‌ ۳۲- **ق۲**: زکام؛ **ل۲**: بکار ‌ ۳۳- **ل، ق، و، آ، ل۲**: برین؛ **لن**: بدان؛ **لی**: وزین؛ **پ**: بران؛ متن= **ف، س، ق۲** ‌ ۳۴- **ل۲**: بسته ‌ ۳۵- **ل۲**: که از تخم ایرج ‌ ۳۶- **بنداری**: و أمرهما أن يتوجها الى صوب فارس، و ينطلقا على طريق إصبهان يستصحبان الحرم والنساء و ما قدرا عليه من الخزائن، و يصيران الى جبل راوه من جبال ألبرز. و قال لعله ينجو من آل فريدون اثنان. فانى لم أسمع بمثل هذا العسكر الذى خرج الآن من الترك، و أعلم أنه لاقبل لنابهم. و أمرهما بالرحيل على وجه لايحس به العسكر لئلا تضعف قلوبهم (= بیت های ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۴۵، ۲۵۱)

ندانم[۱] که دیدار باشد[۲] جزین
یک امشب بکوبیم[۳] دست پسین

شب و روز دارید[۴] کاراگهان
بجویید[۵] هشیار[۶] کار جهان

ازین لَشکر ار[۷] بد دهند آگهی
شود تیره این فرّ[۸] شاهنشهی،

شما دل مدارید بس[۹] مستمند
که تا بُد چُنین بود[۱۰] چرخ بلند

یکی را به جنگ[۱۱] اندرآرد[۱۲] زمان
یکی با کلاه مِهی[۱۳] شادمان

تن مرده با کشته[۱۴] یکسان شود[۱۵]
طپد یکزمان بازش آسان[۱۶] شود

گرفت آن دو[۱۷] فرزند را در[۱۸] کنار
فروریخت آب[۱۹] از[۲۰] مژه شهریار

بشد طوس و گستهم نوذر[۲۱] بهم[۲۲]
رخانشان پر آب و روانشان دُژم[۲۳]

وُزان[۲۴] پس[۲۵] بیاسود لَشکر دو روز[۲۶]
سدیگر[۲۷] چو بفروخت گیتی فروز

نُبد شاه را روزگار نبرد[۲۸]
به بیچارگی جنگ بایست کرد[۲۹]

ابا لَشکر نوذر افراسیاب
چو دریای جوشان بُد و جوی آب[۳۰]

خروشیدن آمد ز پرده‌سرای[۳۱]
ابا[۳۲] نالهٔ بوق[۳۳] و هندی درای

تبیره برآمد ز درگاه شاه
نهادند بر سر ز آهن کلاه[۳۴]

به پرده‌سرای رد افراسیاب[۳۵]
کسی را سر اندرنیامد به خواب[۳۶]

همه شب همی لَشکر آراستند
همه[۳۷] تیغ و ژوپین بپیراستند[۳۸]

زمین کوه تا کوه جوشن وران[۳۹]
برفتند با گرزهای گران

۱- **س، لی**: برانم ۲- **لی**: نبود ۳- **ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**): بکوشیم؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) ٤- **ف، لن، ل[۲]**: دارند؛ متن= **ل، س، ق- آ** ۵- **ل[۲]**: بجویند ٦- **ق[۲]**: بیدار ۷- **لن، پ**: اگر لشکر از؛ **ق[۲]**: که گر لشکر از ۸- **لی**: آن فرّ؛ **آ**: آیین ۹- **س، و، آ**: ازین؛ **لن**: کس؛ متن= **ف، ل، ق، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]** ۱۰- **ل**: که باید (← که تابد) چنین بد ز؛ **و**: که تا بود این بود؛ متن= **ف، س- پ، آ، ل[۲]** ۱۱- **لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]**: خاك؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** ۱۲- **ل، س، ق، لی، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): اندر آید؛ متن= **ف، لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]** ۱۳- **لن، ق[۲]، پ، آ** (و نیز **س[۲]**): کیی؛ **ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**): شهی؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و، ل[۲]**، (و نیز **لن[۲]**). ١٤- **ل، لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: تن کشته با مرده؛ متن= **ف، س، ق، لی، و** ۱۵- **لی**: بود ١٦- **س، لی**: باز آسان؛ **ق[۲]**: تازپیچان؛ **آ**: بازپیچان؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ب**؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

بدادش مران پندها چون سزید پس از دشت (**ق**: آن دست) شاهانه بیرون کشید

۱۷- **ق**: چو بگرفت ۱۸- **ل**: بر ۱۹- **پ**: خون ۲۰- **ق**: < از >؛ **ف** پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر وداع کردن شاه نوذر طوس و گستهم را و فرستادن به جانب پارس ۲۱- **ل**: با او؛ **لی، پ، و، ل[۲]**: و نوذر؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، آ** ۲۲- **ق**: با او بهم گستهم ۲۳- **ل**: رخان پر ز دود و روان پر ز غم؛ **لن، پ، آ، ل[۲]**: رخانشان پر از آب و جانشان (**آ**: لبها؛ **ل[۲]**: روشان) دژم؛ **و**: دو رخساره پر آب و دل پر زغم؛ متن= **ف، س، ق، ق[۲]، لی** ٢٤- **ل**: ازان ۲۵- **س، لی**: سو ٢٦- **س، لی** (و نیز **ل[۳]**): سه روز؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]، بنداری**: یومین) ۲۷- **س، لی** (و نیز **ل[۳]**): چهارم؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]، س[۲]، بنداری**: من الیوم الثالث) ۲۸- **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: درنگ؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ۲۹- **لن، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]**: کرد بایست جنگ؛ **لی**: رزم بایست کرد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** ۳۰- **ل، ق**: بدو رود آب؛ **لی** (و نیز **ل[۳]**): براورده تاب؛ **و**: بدو سیل آب؛ متن= **ف، ل[۲]**؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ**: کسی را سر اندر نیامد (**ق[۲]**: نیامد سر اندر) به (**لن**: ز) خواب (= ۲۶۶ب) ۳۱- **ف، ق، لی** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): ز هر دوسرای؛ متن= **ل، و، ل[۲]** ۳۲- **و**: همان ۳۳- **ل، ل[۲]**: کوس؛ متن= **ف، ق، لی، و**؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ** این بیت را ندارند ۳٤- **ق**: زآهن نهادند بر سر کلاه؛ متن= **ف، ل، لی، و، ل[۲]**؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ** این بیت را ندارند ۳۵- **لی**: نبرده سپاه رد افراسیاب؛ **ل[۲]**: بپرده سرای آمد افراسیاب؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ** این لت را ندارند؛ متن= **ف، ل، ق، و** ٣٦- **لن**: زخواب؛ **لی**: چو دریای جوشان برآورده تاب؛ **و**: سر اندر نیامد کسی را بخواب؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ** ۲۶۳ب، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶آ را انداخته و از ۲۶۳آ و ۲۶۶ب یك بیت ساخته‌اند ۳۷- **ل، س، ق**: همی؛ **لن، پ**: همان؛ متن= **ف، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]** ۳۸- **لن، پ**: نیزه بپیراستند؛ **و**: کوپال پیراستند؛ در **ل[۲]** بیت های ۲۶۵- ۲۶۷ در هم ریخته‌اند: ۲۶۷، ۲۶۵، ۲۶۶ ۳۹- **و**: نیزه‌وران

نُبُد کوه پیدا، نه ریگ و نه شخ[۱]   ز دریا به دریا کشیدند نخ
بیاراست قارن به قلب[۲] اندرون   که با[۳] شاه باشد سپه را ستون
چپ شاه[۴] گرد تلیمان[۵] بخواست   چو شاپور نَستوه بر دست راست
ز شبگیر تا خور ز گردون[۶] بگشت   نُبُد کوه پیدا، نه دریا[۷]، نه[۸] دشت
دل تیغ[۹] گفتی[۱۰] ببالد[۱۱] همی   زَمین زیر اسپان بنالد[۱۲] همی
چو شد نیزه‌ها بر زَمین[۱۳] سایه‌دار   شکست آمد اندر سر مایه‌دار[۱۴]
چو آمد به بخت اندرون تیرگی[۱۵]   گرفتند[۱۶] ترکان برو[۱۷] چیرگی[۱۸]
بدان[۱۹] سو[۲۰] که شاپور نَستوه بود   پراگنده شد هرچه[۲۱] انبوه بود
همی بود شاپور تا کشته شد   سرِ بختِ ایران سپه[۲۲] گشته شد
ز[۲۳] انبوه ترکان پرخاشجوی   به سوی دهستان نهادند روی
دهستان گرفتند ازیشان[۲۴] حصار   نه بسیار بُد مر سپه را گذار[۲۵]
شب و روز بُد بر گذرهاش جنگ[۲۶]   برآمد برین[۲۷] نیز چندی درنگ
چو نوذر فروهشت پی در حصار،   برو[۲۸] بسته شد[۲۹] راه[۳۰] جنگ سُوار[۳۱]،

۱- **ل، ق، پ**: ز ریگ و ز شخ؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲- **لن، ق**[۲]، **پ**: رزم ۳- **ف، س، لن، ق**[۲]، **لی، آ** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): تا؛ متن= **ل، ق، پ، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳])؛ **بنداری**: و جعل نوذر یعبی صفوفه: فجعل قارن معه فی القلب و تلیمان فی المیسرة و سابور فی المیمنة (= ۲۷۰- ۲۷۱) ٤- آ: دست ۵- **ل، س، لی، و، ل**[۲]: بلیمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: بلیمان؛ متن= **ف، لن، ق، ق**[۲]، **پ** (و نیز **بنداری**) ٦- **لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]): گنبد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) ۷- **پ**: نه هامون؛ **و**: ز دریا ۸- **ف، و** (و نیز **لن**[۲]): و؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ۹- **لی**: کوه ۱۰- **و**: گویی ۱۱- **ف، پ، و**: ببالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ل، ق، ق**[۲]، **لی** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): بنالد؛ **س**: سالد (نقطه ندارد)؛ **لن**: بیالد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن= آ، **ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]) ۱۲- **ل، و**: سالد (نقطه ندارد)؛ **لی**: ببالد؛ (**ل**[۳]بتابد؛ **س**[۲]: نبالد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب**؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

نه شب بود پیدا تو گفتی نه روز   نهان گشت خورشید گیتی فروز

۱۳- آ: چو شد بر زمین نیزه‌ها؛ **ل**[۲]: چو شد تیرگی بر زمین ۱٤- **ل- پ، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): شکست (**پ**: شکفت؛ آ: بخاك) اندر آمد سوی (**پ**: بسر؛ آ، **ل**[۳]: سر) مایه‌دار؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن**[۲]) ۱۵- آ: چیرگی ١٦- **لن، ق**[۲]، **پ**: برفتند ۱۷- **ف** (و نیز **ل**[۳]): بدو؛ **لن، ق**[۲]، **پ**: بران؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): همه؛ متن= **ل، س، ق، لی، آ، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]) ۱۸- آ: تیرگی؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: هزیمت شدن نوذر از افراسیاب ۱۹- **ل- ق**[۲]، **پ، و، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): بران؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= **ف، لی** (و نیز **ل**[۳]) ۲۰- **ف**: سر؛ **ق**[۲]: سان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲۱- **ل**: هرك؛ **ق**: هرج؛ **ق**[۲]: چپ لشکر شاه چون؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- **ل، لن، ق، پ، و**: ایرانیان؛ **ق**[۲]: آن نامور؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، لی، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲])؛ **ف، و** (و نیز **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

وزان سو کجا بد تلیمان گرد   نماندند زنده بزرگان و خرد

این بیت در هیچیك از دستنویس ها دیگر و نیز در ترجهٔ **بنداری** نیست ۲۳- **س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ، ل**[۲]: از؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲٤- **ف، لن، پ، آ، ل**[۲]: ایشان؛ **ل**: زیشان؛ **ق**[۲]، **لی**: یکسر؛ (**س**[۲]: ترکان)؛ متن= **س، ق، و** (و نیز **لن**[۲]) ۲۵- **ف، و** (و نیز **لن**[۲]): به سه جای بد مر (**و**: بربد؛ **لن**[۲]: بدبد) سپه را گذار؛ **ل، ق**: برو بسته شد راه جنگ استوار (= ۲۸۱ب)؛ **س**: بسنبار در بد سپه را گذار؛ **لن**: سپه را بسیاره بربد گذار؛ **ق**[۲]: فرو بسته شد جای جنگی سوار (= ۲۸۱ب)؛ **لی**: بنیسار بردند سپه را گذار؛ آ: سپه را بساره بزیبد گذار؛ **ل**[۲]: سپه را بسگسار بربد گذار؛ (**س**[۲]: بنیساد بربد سپه را گذار)؛ متن= **پ** ۲٦- **ف**: کردند پیوسته جنگ؛ **پ**: بد بر گذرهای جنگ؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲۷- **لی**: بدین؛ در **ل** این بیت پس از بیت ۲۸۲ آمده است ۲۸- **ف** (و نیز **لن**[۲]): بدو؛ **لن، ق**[۲]، **پ**: فرو؛ متن= **ل، س، ق، لی، و** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]) ۲۹- **س**: بد ۳۰- **لن، ق**[۲]، **پ**: جای ۳۱- **ل، س، ق** (و نیز **ل**[۳]): جنگ استوار؛ **لن، ق**[۲]، **لی، پ، و** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): جنگی سوار؛ متن= **ف**؛ آ، **ل**[۲] این بیت را ندارند؛ **ل، ق** ۲۷۹ب و ۲۸۱آ را انداخته و از ۲۷۹آ و ۲۸۱ب یك بیت ساخته‌اند؛ **بنداری** (۲۷۷- ۲۸۱): و بقی سابور فی خف من أصحابه واقفالایبرح، و یرد تلك الحملات الی أن قتل فی موقفه ذلك. فانکشفوا و أحجم نوذر فردّ عنانه الی دهستان، و تحصن بالبلد. فبقی کذلك أیاما یقاتل من وراء الحصار

سُواران بیاراست افراسیاب | گرفتش ز جنگ[۱] درنگی شتاب[۲]
یکی نامور ترک را کرد یاد[۳] | سپهبد قراخان[۴] ویسه‌نژاد
سُوی پارس فرمود تا برکشید | به راه بیابان[۵] سر اندرکشید
کزان[۶] سو بُد ایرانیان را بنه | بجوید[۷] بنه مردم بدتنه[۸]
چو قارن شُنود[۹] آنك[۱۰] افراسیاب | گُسی کرد لَشکر به هنگام خواب
شد از رشك[۱۱] جوشان و دل کرد تنگ | بر نوذر آمد بسان پلنگ
که توران شه آن ناجوانمرد مرد | نگَه کن[۱۲] که با شاه ایران[۱۳] چه کرد
سُوی روی پوشیدگان سپاه | سپاهی فرستاد بی مر به راه[۱۴]
شبستان ما گر بدست آورد[۱۵] | برین[۱۶] نامداران شکست آورد[۱۵]
به ننگ اندرون سر شود ناپدید | به دُمّ[۱۷] قراخان[۱۸] بباید کشید[۱۹]
ترا خوردنی هست و آب روان | سپاهی به مهر از بر تو نوان[۲۰]
همی باش و دل را مکن هیچ[۲۱] بد[۲۲] | که از شهریاران دِلیری سَزد[۲۳]
بدو گفت نوذر که این رای نیست | سپاهیت چُن[۲۴] لَشکرآرای[۲۵] نیست
ز بهر بنه رفت گستهم و طوس | بدانگه که برخاست[۲۶] آوای کوس
بدین زودی اندر شبستان رسد | کند ساز ایشان چُنان چون سَزد[۲۷]

۱- **ف**: گرفتند کار؛ **ل**: گرفتند جنگ؛ **ق، لی** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): گرفتش ز جنگی؛ متن= **س، لن، و**، آ، **ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]) **۲- پ**: گسی کرد لشکر بهنگام خواب (= ۲۸۶ب)؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در **ل** این بیت پس از بیت ۲۸۰ آمده است **۳- لی**: آواز داد **٤- ل، س، لن، ق**[۲]**، پ، و**، آ (و نیز **بنداری**): کروخان؛ (**لن**[۲]: کزوجان← کروخان)؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ق، لی** (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) **۵- ل**: بسوی بیابان؛ **ق**: سپاه از بیابان؛ **ل**[۲]این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب** **٦- ل**: که زان **۷- ق**[۲] (و نیز **ل**[۳]): نجوید **۸- لی**، آ (و نیز **ل**[۳]): یك تنه؛ (**لن**[۲]: بی بنه)؛ متن= **ل- ق**[۲]**، پ، و** (و نیز **س**[۲])؛ **ف، ل**[۲] این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** نیز هست: ثم إنّ أفراسیاب نفذ کُروخان بن ویسه علی طریق البریة الی فارس فی طلب نساء الایرانیة و ذراریهم و خزائنهم و أموالهم (= ۲۸۳- ۲۸۵) **۹- لن، ق**[۲]**، پ**، آ: شنید؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** **۱۰- لی، پ**، آ: آنکه؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد **۱۱- ف**: جنگ؛ **ق**[۲]: خشم؛ **لی**: کرد؛ آ: ننگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])؛ **بنداری**: ولما بلغ الخبر بذلك الی قارن تضرمت نیران غیرته . . . **۱۲-** ق: نگر تا **۱۳- لی**: با نامداران؛ **لن** در اینجا سرنویس دارد: رفتن قارن از پی کروخان **١٤- لی**: فرستاد لشکر به بی راه و راه **۱۵- ل، س، ق، لی** (و نیز **س**[۲])؛متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) **١٦- لی**: بدین **۱۷- لن**: بدنب؛ **لی**: بدشت (← بدنب) **۱۸- ف**: قراخوان؛ **س، لن، ق**[۲]**، پ**، آ: کروخان؛ **ل**[۲]: کرم خویشان (!)؛ (**س**[۲]: کورخان)؛ متن= **ل، ق، لی** **۱۹- و** (و نیز **لن**[۲]): بننگی کزوجان (← کروخان) نشاید کشید **۲۰- ل** (و نیز **ل**[۳]): سپاهی به مهر تو دارد روان؛ **لی**: سپاهی به مهرند با تو نوان؛ **و**، آ (و نیز **لن**[۲]): سپاهی به مهر از پی تو نوان (**لن**[۲]: دوان)؛ **ل**[۲]: سپاهی به مهر از تو بر تو نوان؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی**؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

به دستوری شاه پیروزبخت | بتازم پس ترك شوریده بخت

۲۱- ل[۲]: ایچ **۲۲- لن، ق**[۲]**، لی**، آ: تنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲۳- لن، ق**[۲]**، لی**، آ: که آسان شود بر تو بر کار جنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون من شوم بر (**ق**: که تا من شوم در) پی این سپاه | بگیرم بریشان ز هرگونه راه (**ق**: پس و پیش راه)

در **ق** پس از این بیت بیت ۲۹۰ دوباره آمده است؛ **لن، ق**[۲]**، لی**، آ پس از بیت ۲۹۳ افزوده‌اند:

بکن شیری آنجا که شیری سزد | که از شهریاران دلیری سزد (= ۲۹۳ب)

۲٤- ف، س (و نیز **لن**[۲]): سپاهست جز (**ف** را نیز میتوان خواند: سپاهیست چن)؛ **ل، ق**: سپاهسست چون؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، و**: سپه را چو تو؛ آ؛ بجز تو کسی؛ **ل**[۲]: سپاهست بجز (**ل**[۳]: جز از تو دگر؛ **س**[۲]: سپاهست و خود)؛ متن تصحیح قیاسی است (و یا: سپه چیست چن؛ سپه نیست چن؛ سپه هیچ چن- ولی **چن** را در جای هجای بلند نمی آورد و باید همان **جز** باشد یا **چون**) **۲۵- لی**: کس سرآرای؛ **بنداری**: فلم یستصوب نوذر ذلك، و قال لابد لهذا الجمع من مرتب **٢٦- ف**: برداشت؛ متن= **ل- ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) **۲۷- ق**[۲] این بیت را ندارد؛ **لن، پ**، آ بجای این بیت افزوده‌اند:

رسیدند اندر (آ: پس در) شبستان بساز (آ: فراز) | یلان و بزرگان گردن فراز

نشستند برخوان و می خواستند[۱] — زمانی دل از غم[۲] بپیراستند[۳]
پس آنگه سُوی خان قارن شدند — همه دیده چون ابر بهمن شدند[۴]
سَخُن را فگندند هرگونه بُن — بران[۵] برنهادند یکسر سَخُن
که ما را سُوی پارس[۶] باید کشید[۷] — نباید بدین[۸] رای هیچ آرمید[۹]
چو پوشیده‌رویان ایران[۱۰] سپاه — اسیران شوند از بد[۱۱] کینه خواه
زن و زاده در بند[۱۲] ترکان شود[۱۳] — ابی[۱۴] جنگ دل پُر ز پیکان شود[۱۳]
که گیرد بدین[۱۵] دشت نیزه بدست؟ — کرا باشد آرام و جای نشست[۱۶] ؟

چو شیروی[۱۷] و کشواد و قارن بهم — زدند اندرین[۱۸] ، رای بر بیش و کم[۱۹]
چو نیمی گذشت از شب دیریاز[۲۰] — دلیران به رفتن گرفتند ساز[۲۱]
بدین روی دزدار بُد[۲۲] گژدهم[۲۳] — دلیران بیدار[۲۴] با او بهم
وُزان[۲۵] روی[۲۶] دز[۲۷] بارمان با[۲۸] سپاه — ابا[۲۹] پیل و گردان[۳۰] نشسته به راه
کزو قارن رزم زن خسته بود — به‌خون برادر کمر بسته بود[۳۱]

۱- **پ**: نشستند و یکدم می خواستند ۲- **س**: غم از دل؛ **لن**: ز غم دل؛ ۳- آ: زمانی به می غم ز دل کاستند؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد ٤- **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

بسی گفته راندند از هر دری — فزودند اندیشهٔ هر سری

۵- **ف، ق** (و نیز **لن**[۲]): بدان؛ متن= **ل، س، لن، ق**[۲]- **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]) ٦- آ: فارس ۷- **و**: شدن ۸- **ل، س، ق، پ، ل**[۲]: برین؛ متن← ۹- **ل**: جایگاه آرمید؛ **و**: جزین هیچ رایی نباید زدن؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]، **لی**، آ ۱۰- آ: به ایران ۱۱- **لن، پ**: بر ۱۲- **و**: در دست ۱۳- **س**: بود؛ لن، ق، لی، پ، آ: شوند؛ **ل، ق**[۲] این بیت را ندارند؛ متن= **ف، و، ل**[۲] ١٤- **پ**،آ: ابا ۱۵- **و**،آ: برین ١٦- **ل**: آرام جای و نشست؛ **ق**: کرا بربود جای آرام و نشست (!)؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **ل- ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): شیدوش؛ متن= **ف** ۱۸- **ل، ق**[۲]: اندران؛ متن← ۱۹- **ل**[۲]: دلیران بیدار با او بهم (= ۳۰۶ب)؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز **ب**؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر رفتن قارن از نزدیك نوذر بجانب پارس و گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب؛ **ق**: کشته شدن بارمان در نبرد قارن و رفتن قارن به پارس؛ **ق**[۲]: گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب ۲۰- **ق**: دیرباز ۲۱- **ف**: دلیران بیدار با او براز (= ۳۰۶ب)؛ **ق**[۲]، **ل**[۲] این بیت را ندارند؛ متن= **ل، س، لن، ق، لی، پ، و**،آ ۲۲- **پ**: شد ۲۳- **لن، و**،آ: دزبان بدو گستهم (**لن**: گژدهم)؛ **لی**: بگفتند شد طوس با گستهم؛ متن= **ل، س** ۲٤- **لی**: بسیار؛ **ق، ق**[۲] این بیت را ندارند؛ **ف** ۳۰۵ب و ۳۰۶آ را انداخته و از ۳۰۵آ و ۳۰۶ب یك بیت ساخته است؛ **ل**[۲] ۳۰۴ب، ۳۰۵، ۳۰۶آ را انداخته و از ۳۰۴آ و ۳۰۶ب یك بیت ساخته است؛ **لی** پس از این بیت دو بیت افزوده است (← پ۳۰) ۲۵- **س، لی**: بدان ۲٦- **لن**: < روی > (وزن نادرست است) ۲۷- **لن، لی**: در ۲۸- **ل، ل**[۲]: و؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]- آ ۲۹- **و**: خود و ۳۰- **ل**: کوس و پیلان؛ **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ **پ** پس از این بیت پنج بیت و **لی** تنها دو بیت پسین آنرا پس از بیت پیشین افزوده‌اند:

بگفتند شد طوس با گستهم — دلیران و گردان جنگی بهم
بدانست بدگوهر افراسیاب — فرستاد لشکر پس اندر شتاب
که هنگام کوشش ندارند پای — ابا لشکری این چنین تیزرای
همانگه بشد قارن رزم زن — گشن لشکری برد با خویشتن
چوبیرون شد از شهر پویان براه (**لی**: به بیرون شد از شهر آن نیکخواه) — بدیدش ورا بارمان با سپاه

۳۱- **ق** این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای این بیت و بیت پیشین افزوده است:

سپه را گذر بود بر بارمان — سوی راه شد قارن آنگه دمان
پس او برفتند گردان اوی — سوی پارس بنهاد یکباره روی
چو آگاه شد بارمان دلیر — به پیش اندرآمد بکردار شیر
چو قارن مرو را چنان تیز دید — شکار دل شیر خون ریز دید

برآویخـت چون شیر با بارمـان — سُوی چاره جسـتـن[۱] نداداش زمـان[۲]
یکـی نیزه زد بر کمـربـنـد اوی[۳] — که بگـسـسـت پی ها و[۴] پیونـد اوی[۳]
سپـه یك بیك[۵] دل شکـسـتـه شدنـد — همـه یك ز[۶] دیگـر گسـسـتـه شدنـد
سپـهـبـد سُوی پارس[۷] بنـهـاد روی — ابـا نامـور لَشـکـری[۸] جنـگ‌جوی
چو بشـنـید نوذر که قارن برفـت — دمـان[۹] از پسش[۱۰] روی بنـهـاد تفـت[۱۱]
همـی تاخـت کز روز بد بگـذرد — سپـهـرش مگـر زیر پی نسـپـرد
چو افـراسـیاب آگـهـی یافـت زوی[۱۲] — که سوی بیابـان نهـاده‌ست[۱۳] روی
سپـاه انـجـمـن کرد و پویان برفـت — دمـان از پس او همـی تاخـت تفـت[۱۴]
چو تنـگ انـدرآمـد[۱۵] بر[۱۶] شهـریار — همش تاخـتـن دید[۱۷] و هم کارزار
بدانـسـان[۱۸] که آمـد همـی جست راه — که یا سر برد یا برآرد کلاه[۱۹]
شب تیره تا شد[۲۰] بلنـد آفـتـاب — همـی گشـت با نوذر افـراسـیاب
ز گرد دِلـیران[۲۱] جهـان تار شد — سرانـجـام نوذر گرفـتـار شد
خود و نامـداران هزار و دویسـت — تو گفـتـی کـه‌شـان بر زمـین[۲۲] راه[۲۳] نیست
بسـی راه جسـتـنـد و بگـریخـتـنـد[۲۴] — به دام بلا هم درآویخـتـنـد[۲۵]
چُنـان[۲۶] لَشـکـری را گرفـتـه به بنـد[۲۷] — بیاورد[۲۸] با شهـریاری[۲۹] بلنـد

اگـر با تو گردون نشـیـنـد به راز — هم از گردش او[۳۰] نیابـی جواز[۳۱]
همـو[۳۲] تاج و تخـت[۳۳] و[۳۴] بلنـدی دهـد — همـو[۳۵] تیرگـی و نژنـدی دهـد

۱- **ل**: چارهٔ خود؛ متن= **ف، س- ل**[۲] ۲- **ق، پ**: امان؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: کشته شدن بارمان بر دست قارن ۳- **ل، س، لی**: او؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤- **ف، ل، ق، و**: پهنای (**ق، و**: پهناو)؛ **لن، ق**[۲]**، لی، ل**[۲]: بنیاد و؛ **پ، آ**: خفتان و؛ (**ل**[۳]: یکباره؛ **لن**[۲]: همه بندو؛ **س**[۲]: پی ها ز)؛ متن= **س** (و نیز **س**[۲]: پی ها ز)؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

نگـون انـدرآمـد ز پشـت سـتور — شـده تیـره زو چـرخ و تابـنـده هـور

۵- **لن، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲]: سربسر؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ٦- **آ**: به ۷- **ق، آ**: فارس ۸- **ف، لن، ق**[۲]**، پ، ل**[۲]: لشکر؛ **و**: همان لشکر نامور؛ متن= **ل، س، ق، لی، آ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۹- **ق**: سبك؛ متن← ۱۰- **ل، ق**: پیش؛ متن← ۱۱- **ل، ق، پ**: بنهاد و تفت؛ **لن، ق**[۲]: چو شیر از پسش روی بنهاد تفت؛ متن= **ف، س، لی، و، ل**[۲]؛ **آ** این بیت را ندارد ۱۲- **ق**[۲]: ازوی ۱۳- **ق**[۲]**، ل**[۲]: نهادند؛ **پ** این بیت را ندارد ١٤- **ل، س، ق، لی** (و نیز **ل**[۳]): چو شیر از پسش روی بنهاد (**ل، لی، ل**[۳]: بنهاد و) تفت؛ **لن، ق**[۲]**، و، آ** (و نیز **لن**[۲]): دمان از پسش روی بنهاد (**لن**: بنهاد و) تفت؛ **ل**[۲]: چو شیر از پس شاه یازید تفت؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** ۱۵- **پ**: چو دشمن برآمد ١٦- **لن، ق**[۲]**، و، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): پس؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، س، ق، لی، پ** ۱۷- **پ**: بود ۱۸- **ل**: براهی؛ **س، ق**[۲]**، ل**[۲]: برانسان؛ **ق**: بدان ره؛ **پ**: بدانگه؛ متن= **ف، لن، لی، و، آ** ۱۹- **ل، س، ق، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ل**[۲] (و نیز **س**[۲]): که تا بر سر آرد سری (**س**: سرش؛ **ق، پ، ل**[۲]: سر) با (**ل، ق، پ، و، ل**[۲]: بی) کلاه؛ **لن**: که تا بر سرآید سری بی کلاه؛ (**لن**[۲]: که تا سر برآرد سری بی کلاه)؛ متن= **ف**؛ در **پ** بیت های ۳۱۱ تا ۳۱۸ دَرهم ریخته‌اند: ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۸ (بیت های ۳۱۵ و ۳۱۶ را ندارد)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، ق**[۲]**، لی، پ**: گرفتار شدن نوذر بر (**پ**: در) دست افراسیاب؛ **ل**[۲]: گریختن نوذر و لشکریان و گرفتار شدن ایشان ۲۰- **ق**[۲]**، ل**[۲]: باشد ۲۱- **ل، ق**: سواران؛ متن= **ف، س، لن، ق**[۲]**- ل**[۲] ۲۲- **پ**: جهان ۲۳- **ل، لن، ق، ق**[۲]**، پ، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]): جای؛ متن= **ف، س، لی، و** (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) ٢٤- **لی**: نگریختند ۲۵- **ل، لی، و** (و نیز **ل**[۳]): هم‌برآویختند؛ **س،ق،ق**[۲]**،پ**: برنیاویختند؛ **لن**: درنیاویختند؛ **آ**: هم‌بیاویختند؛ (**لن**[۲]**،س**[۲]): برهم‌آویختند)؛ متن=**ف،ل**[۲] ٢٦-**لن**: همان ۲۷-**ق**[۲]: گرفته چنان لشکری را به بند ۲۸- **ق**[۲]: ببردند ۲۹- **ل- ق**[۲]**، پ- ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): شهریار؛ متن= **ف، لی** ۳۰- **ف**: گردشش تو؛ متن← ۳۱- **لن، ق**[۲]**، پ، و، آ** (و نیز **لن**[۲]): نیابی هم از گردش او جواز؛ متن= **ل، س، ق، لی، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۳۲- **لی**: چو او؛ **پ**: همه ۳۳- **ف**: تخت و تاج؛ متن= **ل- ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) ٣٤- **ل، س، لن، ق**[۲]**، لی، آ** (و نیز **ل**[۳]): < و >؛ متن= **ف، ق، پ، و، ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) ۳۵- **پ**: همه

به دشمن همی ماند و هم[1] به دوست   گهی مغز یابی ازو گاه پوست[2]
سرت گر بساید به[3] ابر سیاه   سرانجام خاکست ازو جایگاه

وُزان[4] پس بفرمود افراسیاب   که از غار و کوه[5] و بیابان و[6] آب
بجویند تا قارن رزم زن   رهایی نیابد ازین[7] انجمن
چو بشنید کو پیش ازین[8] رفته بود،   ز کار شبستان برآشفته بود،
چُنین گفت با ویسه پس نامور[9]   که دل سخت گردان به مرگ پسر
که چون قارن کاوه جنگ[10] آورد   پلنگ[11] از شتابش درنگ آورد[12]
ترا رفت باید به پشت پسر[13]   یکی لَشکری ساخته پرهنر
بشد ویسه سالار توران سپاه   ابا لَشکری نامور[14] کینه‌خواه
ازآن پیشتر تا به[15] قارن رسید   گرامیش[16] را کشته افگنده دید
دِلیران و گردان توران سپاه   بسی نیز با او[17] فگنده به راه[18]
دریده دِرفش و نگوسار[19] کوس   چو[20] لاله کفن، روی چون سَندَروس
ز ویسه به قارن رسید آگهی   که آمد به پیروزی[21] و فرّهی
ستوران تازی سُوی نیمروز   گسی کرد[22] و خود رفت گیتی فروز[23]

۱- **ف**: ماند او گه؛ **ق**: ماندم هم؛ **ل۲**: ستاند ز دشمن نماند؛ متن= **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ** (و نیز **لن۳، س۲**) ۲- **لن، ق۲، لی، پ، آ**: ازو مغز یابی گهی گاه پوست؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳- **لن، پ، و، آ**: بر؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲، لی، ل۲** ٤- **ل، آ**: از آن ۵- **ف**: که از کوه و غار؛ **لن، ق۲، پ**: کز آغاز کوه (← که از غار و کوه)؛ **و** (و نیز **لن۲**): که در غار و کوه؛ متن= **ل، س، ق، لی، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) ٦- **ف**: < و > ۷- **لن**: کس از؛ **ق۲، آ**: ازآن؛ **و**: سر نامداران آن؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، پ، ل۲**؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

کجا رفت ازین سهمگن رزمگاه   که پیشم نیاید به تن کینه‌خواه

۸- **ل، ق، لی**: ازآن؛ **و**: یکی گفت قارن به شب؛ **ل۲**: چو بشنید شب را که وی؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، پ**؛ **ل، ق، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

غمی گشت ازآن کار افراسیاب   ازو دور (**ق، پ**: برو تلخ) شد خورد و آرام و خواب
که قارن رها یافت از وی به جان   بران (**پ**: ازآن) درد پیچید و شد بدگمان

۹- **ل، ق، پ، و، آ**: ویسهٔ نامور؛ **لی**: چنین گفت پس ویسه را نامور؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، ل۲** ۱۰- **س، لن، ق۲**: قارن گرد جنگ؛ **ل۲**: قارن او را بچنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- **ف، ل۲**: به جنگ؛ متن= **ل- آ** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۲- **آ**: پلنگ از شبستان درنگ آورد؛ **ل۲**: به جنگ از سنانش پلنگ آورد؛ (**ل۳**: پلنگ از سنانش درنگ آورد) ۱۳- **ل، ق**: ببسته کمر؛ **س**: زدّم پسر؛ **لن، ق۲، پ، آ**: ز بهر پسر؛ **لی، ل۲** (و نیز **س۲**): به پیش پسر؛ متن= **ف، و** (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ در **س** پس از این بیت یکبار بیت های ۳۳۴، ۳۳۸ و ۳۳۹ آمده و سپس باز از نو از بیت ۳۳۴ آغاز کرده است ١٤- **لن، ق۲**: ابا او یکی لشکر (**ق۲**: لشکری)؛ **پ**: ابا نامور لشکری؛ **آ**: همان نامور لشکر؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن ویسه از پی قارن و پسر خود را بارمان کشته یافتن ۱۵- **لی، و، آ**: کوبه؛ **ل۲**: ازآن پس چو در کار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ١٦- **ل۲**: گرامی پسر ۱۷- **ق**: وی؛ متن← ۱۸- **ل۲**: برافکنده راه؛ **لن**: ابا او یکی لشکری کینه‌خواه؛ **ق۲**: برفتند تادشت آوردگاه؛ **آ**: همان نامور لشکر کینه‌خواه؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، س، پ، و**؛ در **س، لن، پ، آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و **لن، پ، آ** پس از آن و **ق۲** پس از بیت ۳۳۴ افزوده‌اند:

روان گشته با او چو ابر روان   فتاده ازو شور اندر جهان (**ق۲**: شوری اندرگوان)

۱۹- **ل- ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): نگونسار؛ متن= **ف** (و نیز **لن۲**) ۲۰- **پ، ل۲**: ز؛ در **س، لن، پ، آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- **لن، لی، پ، و**: فیروزی؛ در **ق۲** بیت های ۳۳۴ تا ۳۳۸ درهم ریخته‌اند: ۳۳۴، پ۹، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۸ ۲۲- **ل، و**: فرستاد؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ب** ۲۳- **و**: سالار گیتی فروز؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز درد پسر ویسهٔ جنگ جوی   سوی پارس چون باد بنهاد روی

چُن[1] از پارس لَشکر[2] به هامون کشید[3] — ز دست چپش لَشکر آمد پدید[4]
ز گرد اندرآمد[5] درفش سیاه — سپهدار ترکان[6] به پیش[7] سپاه
رده برکشیدند از[8] هر دو روی — برفتند گردان پرخاشجوی
ز قلب سپه ویسه آواز داد — که شد تاج[9] و تخت بزرگی به باد
ز قَنّوج تا مرز کاولستان[10] — همان تا در بُست و[11] زاولستان[12]
همه[13] سربسر پاك در چنگ[14] ماست — بر[15] ایوان ها نقش نیرنگ[16] ماست
کجا یافت خواهی تو[17] آرام گاه — ازآن پس کجا شد گرفتار شاه
چُنین داد[18] پاسخ که من قارنم[19] — گلیم[20] اندر آب روان نفگنم[21]
نه از بیم رفتم، نه از گفت و گوی[22] — به پیش[23] پسرْت آمدم جنگجوی[24]
چو از کین او دل بپرداختم — کنون کین و جنگ[25] ترا ساختم

برآمد چپ و راست گرد سیاه — نه روی هوا ماند روشن نه ماه
سپه[26] یك به دیگر برآمیختند[27] — چو رود روان خون همی ریختند
بر ویسه شد قارن رزمجوی — ازو[28] ویسه در جنگ برگاشت روی
فراوان ز جنگاوران کشته شد — به[29] آورد چون ویسه[30] برگشته[31] شد
چو بر ویسه آمد از[32] اختر[33] شکن — نرفت[34] از پسش قارن رزم زن

۱- ل- ل۲ (و نیز ل۳، لن۲، س۲): چو؛ متن= **ف** ۲- **ل، ق**: قارن؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **ب** ۳- **پ**: رسید ۴- **ق۲، پ،آ**: ز دست (**پ**: دشت) چپش گردی (**ق۲**: گرزی) آمد پدید ۵- **لن، ق۲**،آ: برآمد از آنجا ۶- **لی** (و نیز **ل۳، س۲**): ویسه؛ آ: توران ۷- **ف**: وپشت؛ (**لن۲**: ز پیش)؛ متن= **ل- ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) ۸- **ل، س، ق، لی**: بر؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ، و**، آ، **ل۲** ۹- **ف**: نام؛ متن= **ل- ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ در **پ** بیت های ۳۳۵ تا ۳۴۳ در هم ریخته‌اند: ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۶پ، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۳ ۱۰- **ف- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- **لن، پ**: همان نیز غزنین و ۱۲- **ف- و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلستان؛ متن= آ ۱۳- **و**: جهان ۱۴- **لی**،آ: دست ۱۵- **س، لی**: در ۱۶- **ل**: ؛ نقش و نیرنگ؛ **لن، ق۲، لی، پ، و**،آ (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): نقش اورنگ (**ل۳** نخست **نقش نیرنگ** داشته است)؛ **ل۲**: نیز نیرنگ؛ متن= **ف، س، ق** ۱۷- **ل۲**: کجا جست خواهی از؛ **ق** پس از این بیت افزوده است:

به ویسه چنین گفت قارن که بس — فریب زمانه نگشتست بس
زمانه چو تنگ آمدش کار بود — ندارد غم و درد و تیمار سود
چنین است فرجام گردان سپهر — بخواهد برید از تو یکروز مهر
اگر شاه نوذر گرفتار شد — نه گردون گردنده بی کار شد
شما را همان روز پیش آورد — وزین تیزی او خوی خویش آورد
به قارن چنین گفت بدخواه بخت — ربود از شما تاج و دیهیم و تخت

۱۸- **ق۲**: یافت ۱۹- **ل۲**: که تا من زنم (!) ۲۰- **لی**: که سهم ۲۱- **ل، س، لن، ق۲**- آ (و نیز **ل۳، س۲**): افکنم؛ **ق**: بفکنم؛ **ل۲**: نفکنم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **ف** (و نیز **لن۲**) ۲۲- **ل**: گفت گوی ۲۳- **لن، ق۲، لی، پ**،آ: بسوی؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، ل۲** ۲۴- **ل**: کینه جوی؛ متن= **ف، س- ل۲** ۲۵- **لی**: جنگ و بند؛ **پ**،آ: جنگ و کین؛ **و**: جنگ و رزم؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز **ب**؛ **ف، و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

چنانت فرستم به دنبال اوی — که آگه شوی زود از (**لن۲**: ز) احوال اوی

۲۶- **س، لن، ق۲، لی، پ**،آ: سبك؛ **ل۲**: همی؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۲۷- **ل، ق، و**،آ (و نیز **ل۳**): برآویختند؛ **ق۲**: درآویختند؛ متن= **ف، س، لن، لی، پ، ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۸- **ل۲**: ازآن ۲۹- **لن، ق۲**: ز؛ **ق**: بر؛ **لی، ل۲**: در؛ آ: از؛ **پ، و** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ل، س** (و نیز **س۲**) ۳۰- **ل۲**: بخت؛ **لی**: آورد گه ویسه ۳۱- **ل، لی** (و نیز **س۲**): سرگشته؛ متن= **ف، س، لن، ق، ق۲**،آ، **ل۲** ۳۲- **ل، لن، ق، لی، و**،آ، **ل۲**: ز؛ **پ** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، س، ق۲** ۳۳- آ: قارن ۳۴- **ف، ل، س، لن، لی، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): برفت؛ **ق۲**: بشد؛ متن= **ق، و**،آ

بشد ویسه تا پیش[۱] افراسیاب / ز درد پسر میژه و رخ پرآب[۲]

گفتار اندر داستان شماساس[۳]

کسانی که[۴] از شهر ارمان[۵] شدند[۶] / به کینه سُوی زاولستان[۷] شدند
شماساس[۸] کز[۹] پیش جیحون برفت / سُوی سیستان روی بنهاد[۱۰] تفت
خزروان[۱۱] و آن[۱۲] تیغ زن سی هزار[۱۳] / ز ترکان بزرگان[۱۴] خنجرگزار[۱۵]
برفتند بیدار تا[۱۶] هیرمند / ابا گرز و با تیغ[۱۷] و بخت[۱۸] بلند[۱۹]
ز بهر پدر زال با سوگ و درد / به گورابد[۲۰] اندر[۲۱] همی دخمه کرد
به شهر اندرون گرد مهراب بود / که روشن روان بود و بی خواب[۲۲] بود
فرستاده‌یی آمد از نزد[۲۳] اوی / به سوی شماساس[۲۴] بنهاد روی
به پیش سراپرده آمد فرود / ز مهراب دادش فراوان[۲۵] درود
که بیدار دل شاه توران سپاه / بماناد تا جاودان با کلاه[۲۶]
ز ضحّاك تازی ست ما را نژاد / بدین پادشاهی نیم[۲۷] سخت[۲۸] شاد
به[۲۹] پیوستگی[۳۰] جان خریدم همی / جز آن[۳۱] نیز چاره[۳۲] ندیدم همی
کنون این سرای[۳۳] نشست من ست / همه[۳۴] زاولستان[۳۵] به دست من ست

۱- **س، ق، و،** آ: تا نزد؛ **لی**: نزدیك؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف، ل، لن، ق۲، پ** ۲- **ل، ق** (و نیز **ل۳**): مژّه کرده پرآب؛ **س، ق۲**: دیدگان پر زآب؛ **لن، لی، پ،** آ: دیدگانش پرآب؛ **و** (و نیز **لن۲**): هر دو دیده پرآب؛ (**س۲**: مژّه و رخ پرآب)؛ متن= **ف** ۳- **ف**: گفتار اندر داستان شماساس که به زابلستان رفته بود و حیلت کردن شاه مهراب با او و شکستن او را؛ **س**: رفتن شماساس و خروران به زابلستان به جنگ زال؛ **لن**: پیغام مهراب بنزدیك شماساس؛ **ق، ق۲**: داستان شماساس و خزوران با مهراب و زال؛ **لی**: پیغام مهراب کابل نزد شماساس؛ **پ**: رسیدن شماساس به زابلستان؛ **و**: گفتار اندر رسیدن خروران و شماساس به سیستان؛ آ: داستان شماساس و خزروان با زال زر؛ **ل۲**: صفت شماسای به زابلستان؛ متن= آغاز **ف** ٤- **ل، س، لن، ق، ق۲، پ،** آ: و دیگر که؛ **لی** (و نیز **لن۲، س۲**): سپاهی که؛ **ل۲** (و نیز **ل۳**): دگر آنك؛ **و** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** ۵- **ل، ق**: از راه کرمان (**ق**: رزمان)؛ **لی**: از شهریاران؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، پ،** آ، **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٦- **س**: بدند ۷- **ف، ل، س، لن، ق۲، لی، پ،** آ، **ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلستان؛ متن= **ق** (و نیز **بنداری**) ۸- **ل۲**: شماسای ۹- **ق**: **از** ۱۰- **ف، ل، پ** (و نیز **س۲**): بنهاد و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- **ل،** آ: خزروان؛ **س**: خرورای؛ **لن** (و نیز **س۲**): خروران؛ **ق، ق۲، و**: خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ**: خروزان؛ (**لن۲**: خروشان؛ **بنداری**: خزیران)؛ متن= **ف** ۱۲- **ل، لن، ق، ق۲، پ، و،** آ: ابا؛ **ل۲**: چو خراوز؛ متن= **ف، س، لی** (و نیز **س۲**) ۱۳- **ف**: صدهزار؛ متن= **ل- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**، و نیز پیش ازین **بنداری**: ثلثین ألفا؛ ← بیت ۱۲۵) ١٤- **و**: سواران و ترکان؛ **ل۲**: ز ترکان و مردان ۱۵- **ف، ل**: خنجرگذار؛ متن= **س- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ١٦- **ف**: شادان بر؛ **و** (و نیز **لن۲**): هشیار تا؛ متن= **ل- پ،** آ، **ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): ۱۷- **ل، لن، ق، ق۲، پ،** آ: ابا تیغ و با گرز؛ متن= **ف، س، لی، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) ۱۸- **ف، ل، لن، ق، لی،** آ، **ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): تخت؛ **س، ق۲**: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **پ** ۱۹- **و** (و نیز **لن۲**): ابا تیغ و گرز و کمان و کمند ۲۰- **ل، لن، و، ل۲** (و نیز **لن۲**): گوراب؛ **س، لی، پ،** آ (و نیز **س۲**): گورابه؛ متن= **ف، ق، ق۲**؛ **بنداری**: کورابذ (← **منوچهر**، بیت ۱۵۴۷) ۲۱- **و** (و نیز **لن۲**): دز در ۲۲- **ل**: خوش خواب (!)؛ متن= **ف، س- ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **ب** پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲۳- **ف**: پیش؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٢٤- **ل۲**: شماسای ۲۵- **ل۲**: مرورا؛ آ این بیت را ندارد ٢٦- **ف**: با سپاه؛ **ق**: تا جاودانش کلاه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۲۷- **ف،** آ: منم؛ (**ل۳**: شدم)؛ متن= **ل- و، ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۸- **ل۲**: نیستیم (وزن نادرست است) ۲۹- **پ**: **ز** ۳۰- **و**: پیوند من ۳۱- **لن، ق، پ،** آ: جزین؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳۲- **ف**: چاره دیگر؛ **و** (و نیز **لن۲**): روی چاره؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۳- **ل، لن، ق، لی** (و نیز **لن۲، س۲**): سرای و؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**) ۳٤- **ل، ل۲** (و نیز **س۲**): همان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳۵- **ف، س، لن، ق۲، لی، پ،** آ، **ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): زابلستان؛ **و**: کابلستان؛ متن= **ل، ق** (و نیز **س۲**)

از ایدر چو دستان بشد سوگوار[۱]   ز بهر ستودان سام سُوار[۲]
دلم شادمان شد[۳] به[۴] تیمار اوی[۵]   برآنم که هرگز نبینمْش روی[۶]
زمان خواهم از نامور پهلَوان   بدان تا فرستم هیونی[۷] دوان[۸]
یکی مرد بینادلِ[۹] پُر شتاب   فرستم بنزدیك افراسیاب
مگر کز[۱۰] نهانِ من آگه شود   سَخُن های گوینده[۱۱] کوته شود[۱۲]
نثاری[۱۳] فرستم[۱۴] چُنان چون سَزاست   جز آن[۱۵] نیز هرچ[۱۶] ازدر[۱۷] پادشاست
گر ایدونك[۱۸] گوید بنزد[۱۹] من آی   جز از[۲۰] پیش تختش نباشم به پای[۲۱]
همه پادشاهی سپارم بدوی   همیشه دل ارمیده دارم بدوی[۲۲]
تن پهلوانان[۲۳] ندارم[۲۴] به رنج   فرستمْش[۲۵] هرگونه آگنده[۲۶] گنج

ازین سر[۲۷] دل[۲۸] پهلوانان[۲۹] ببست[۳۰]   وُزان سر[۳۱] سُوی[۳۲] چاره یازید دست[۳۳]
نوندی برافگنند نزدیك زال   که پرّنده شو، بازکن پرّ و بال
به دستان بگوی[۳۴] آنچ[۳۵] دیدی ز[۳۶] کار   بگویش که از آمدن سر مخار
که دو پهلَوان آمد ایدر به جنگ   ز[۳۷] ترکان سپاهی چو دشتی[۳۸] پلنگ
چو[۳۹] لَشکر گَشَن[۴۰] بود بر هیرمند   به دینارشان[۴۱] پای کردم به بند
اگر زآمدن[۴۲] دم زنی یك زمان   برآید همی کامه‌ی بدگُمان
فرستاده نزدیك دستان رسید   بکردار آتش دلش[۴۳] بردمید
سُوی گرد مهراب بنهاد روی   همی تاخت با لَشکری[۴۴] جنگجوی
چو مهراب را پای بر جای دید   به سرْش[۴۵] اندرون دانش و رای دید

۱- **ق[۲]**: سام سوار **۲- ق[۲]**: بشد سوگوار **۳- لن، ل[۲]**: بد **٤- ق، ق[۲]**: ز **۵- ق**: او **٦- ق**: رو **۷- لن، پ**: سواری **۸- لن، پ، آ**: دمان؛ **ق[۲]، و**: روان؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۹- ل**: دل و **۱۰- ف**: زین؛ **لن**: از؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۱- و** (و نیز **لن[۲]**): دیرینه **۱۲- ف**: چون بشنود؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۱۳- ق، ق[۲]، ب**: بیاری **۱٤- ق**: بیایم **۱۵- ل، ق، پ**: جزین؛ **ق[۲]**: چنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱٦- لن**: < هرچ> (وزن نادرست است) **۱۷- لن**: کز در (وزن نادرست است) **۱۸- لی، آ، ل[۲]**: ایدونکه **۱۹- ل[۲]**: که نزد **۲۰- ق**: چنان **۲۱- و**: شوم پیش تختش بباشم بپای **۲۲- ف**: دلم آرمیده ندارم بدوی؛ **ل، ق**: همیشه دلی شاد دارم بدوی؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: دل خویش را شاد (**س، لی**: رام) دارم بدوی؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): دلی (**لن[۲]**: دل) خرم و رام دارم بدوی؛ **ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): همیشه دل آرمده (**س[۲]**: آرمیده)دارم بدوی (وزن نادرست است)؛ (**ل[۳]**: همیشه دل آرام دارم بدوی)؛ متن= **ل[۲]، س[۲]** پس از تصحیح **آرمده** و **آرمیده** به **ارمیده** **۲۳- ل، س، لن، ق، ق[۲]، لی، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**): پهلوان را؛ **و**: تن از پهلوانی؛ متن= **ف، ق، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**) **۲٤- ل، س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): نیارم؛ متن= **ف، ق، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**) **۲۵- ل[۲]**: فرستیم **۲٦- ق[۲]**: آکنده هرگونه؛ **لی**: هرگونه بسیار؛ **و**: ز هرگونه آکنده **۲۷- ل- ق، لی- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): سو؛ **ق[۲]**: سان؛ متن= **ف** **۲۸- ف**: سوی؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۹- ل- پ، آ** (و نیز **ل[۳]**): پهلوان را؛ متن= **ف، و، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۳۰- س**: برنج **۳۱- ل، ق، ل[۲]**: در؛ **لن، ق[۲]، لی، و، آ** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): سو؛ **پ، ب** (و نیز **لن[۲]**): سوی؛ متن= **ف** **۳۲- لن، پ، ب**: بر؛ متن= **ف، ل، ق، ق[۲]، لی، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **۳۳- آ، ل[۲]**: بچاره بیازید دست؛ **س**: سپارم درین چارسوی سپنج (!)؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام مهراب به دستان به مدد خواستن **۳٤- ل، ق، و، ل[۲]**: بگو؛ **ف** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۵- ق- ب**: آنچه؛ متن= **ل، س، لن** **۳٦- ل، و، ل[۲]**: به؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۳۷- لی**: چو **۳۸- پ**: پشت؛ **و**: جنگی **۳۹- ل، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲]، ب**: دو؛ متن= **ف، س، ق، و** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**) **٤۰- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کشیدند؛ متن= **ف** **٤۱- ل**: به دیدارشان؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): به گفتارشان؛ (**ل[۳]**: به دستانشان)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **س[۲]**) **٤۲- ل، ق، ق[۲]، پ**: گر از آمدن؛ متن= هشت دستنویس دیگر **٤۳- ب**: همی **٤٤- ف، پ، ل[۲]، ب**: لشکر؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **٤۵- س، لی**: به دلش

به دل[۱] گفت کاکنون[۲] ز لَشکر چه باك چه پیشم خزبران[۳]، چه یك مشت خاك
به مهراب گفت: ای هُشیوار مرد پسندیده باید همه[۴] کار کرد
کنون من شوم در شب تیره‌گون یکی دست یازم بدیشان[۵] به خون
شوند آگه از من که بازآمدم دل آگنده و کینه‌ساز آمدم

کمانی به بازو درافگند[۶] سخت یکی[۷] تیر برسان[۸] نرد[۹] درخت
نگه کرد تا جای گردان کجاست خدنگش[۱۰] به چرخ اندرون راند راست[۱۱]
بینداخت سه جای سه چوبه تیر برآمد خروشیدن دار و گیر[۱۲]
چو شب روز گشت[۱۳] انجمن شد سپاه بدان[۱۴] تیر کردند هرکس نگاه
بگفتند کین تیر زال ست و بس نراند چُنین[۱۵] در کمان تیر[۱۶] کس
شماساس گفت ار[۱۷] خزبران[۱۸] بنیز[۱۹] نکردی[۲۰] چُنین نرم گردن[۲۱] به چیز[۲۲]
نه مهراب ماندی، نه لَشکر، نه گنج نه از زال بودی بدین روز[۲۳] رنج
خزبران[۲۴] چنین[۲۵] گفت کین[۲۶] یك تن ست نه آهَرمَن ست و نه از آهن ست[۲۷]

۱- **ف، لن، ق[۲]، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): بدو؛ متن= **ل، س، ق، لی، پ، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**)   ۲- **ف، لن، لی، پ، و، ل[۲]، ب**: اکنون؛ متن= **ل، س، ق، ق[۲]، آ**   ۳- **ف**: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **ل**: خرروان؛ **س، و** (و نیز **س[۲]**): خروران؛ **لن، ق، ق[۲]، ب**: خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ** (و نیز **لن[۲]**): خروزان؛ آ: خزروان؛ **ل[۲]** خراراز؛ (**ل[۳]**: خرزوان)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگه سوی شهر بنهاد روی چو آمد به شهر اندرون نام‌جوی

۴- **ل، و** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): پسندیده اندر همه؛ **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: پسندیدهٔ در همه؛ **ق**: پسندیده آید ز تو؛ **ل[۲]**: پسندیده آمد همه؛ متن= **ف**   ۵- **ل، س، لن، ق[۲]، پ، و، آ، ب**: بریشان؛ متن= **ف، ق، لی، ل[۲]**   ٦- **ق**: برافکند؛ **ل[۲]**: کمانی بیاورد و افکند   ۷- **و**: بسی؛ **ل[۲]**: همه   ۸- **ل[۲]**: تیره‌هایش چو (!)   ۹- **ل- ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): شاخ؛ **ب**: شاخی؛ متن= **ف**   ۱۰- **ل، لی**: خدنگی؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۱۱- **لی**: اندرون گشت راست؛ آ: اندر آورد راست؛ **ل[۲]**: اندرون رواست (!)   ۱۲- **بنداری**: فلما قرب من معسکر الأتراك رمی بثلاثة أسهم الی وسط خیامهم. فوقع فیهم الاضطراب، وعلت منهم الأصوات   ۱۳- **ل[۲]**: شد   ۱٤- **ل، آ**: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۱۵- **لی، پ**: جزاو   ۱٦- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، ب**: هیچ؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل[۲]**   ۱۷- **ق**: ای؛ آ: از   ۱۸- **ف**: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **ل، آ**: خزروان؛ **س**: خرورای؛ **لن، و** (و نیز **س[۲]**): خروران؛ **ق، ق[۲]، ب**: خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ** (و نیز **س[۲]**): خروزان؛ (**ل[۳]**: خرزوان)؛ متن تصحیح قیاسی است   ۱۹- **ف، ل**: سیز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ **س**: سر (نقطه ندارد)؛ **لن**: سر (نقطه ندارد)؛ **ق، ق[۲]، آ**: تیز؛ **لی**: < بنیز> (وزن و پساوند ندارد)؛ **و**: بچیز؛ **ب** (و نیز **س[۲]**): بتیز؛ متن= **پ** (: به نیز)؛ **ل[۲]**: شماسای گفتا بخراز نیز (!)   ۲۰- **ف**: ندیدی؛ **ق، پ**: بگشتی؛ **ل[۲]**: بکردی؛ متن= هشت دستنویس دیگر   ۲۱- **ف**: رزم کردن؛ **لن**: گرم کردن؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۲۲- **و**: به نیز   ۲۳- **ف**: رزم؛ **لی، ل[۲]**: گونه؛ **و**: غم و درد و؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ **ل، ل[۲]** پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: نبودی مگر او چنین رزم‌خواه که سازند بر ما کنون کینه‌خواه
ل[۲]: نبودی مگر کام فرخنده‌شاه شده چیره بر رزم و بر کینه‌خواه

۲٤- **ف**: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ **ل، آ**: خزروان؛ **س**: خرورا؛ **لن**: خروران؛ **ق، ق[۲]، و، ب** (و نیز **س[۲]**): خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ** (و نیز **لن[۲]**): خروزان؛ **ل[۲]**: خراران؛ (**ل[۳]**: خرزوان)؛ متن تصحیح قیاسی است   ۲۵- **پ**: بدو   ۲٦- **ل**: کو؛ **ب**: <گفت کین> (وزن ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۲۷- **س**: نه آهن تن است (پساوند ندارد)؛ **و**: نه از آهنست و نه اهریمنست؛ متن= ده دستنویس دیگر

تو[۱] از جنگ او دل مدار ایچ تنگ هرآنگه که آرم[۲] مرو را[۳] به چنگ[۴]

چو خورشید تابان ز گنبد[۵] بگشت خروش تبیره برآمد ز دشت
به شهر اندرون کوس با کرّه‌نای[۶] خروشیدن زنگ و هندی درای[۷]
برآمد[۸] سپه را به هامون کشید سراپرده و پیل بیرون کشید
سپاه اندرآورد[۹] پیش سپاه شد از دور[۱۰] هامون چو کوهی[۱۱] سیاه
خزبران[۱۲] دمان با عمود و سپر[۱۳] یکی تاختن کرد بر[۱۴] زال زر
عمودی بزد بر بر[۱۵] روشنش گسسته[۱۶] شد آن نامور جوشنش
چو شد تافته[۱۷] شاه زاولستان[۱۸] برفتند گردان کاولستان[۱۹]
یکی گبر[۲۰] پوشید زال دلیر به جنگ اندرآمد بکردار شیر
بدست اندرون داشت گرز پدر سرش گشته پر خشم و پر خون جگر[۲۱]
بزد بر سرش گرزه‌ی گاورنگ زمین شد ز خون همچو[۲۲] پشت پلنگ

۱- آ: نه ۲- **پ**: آیم؛ **لی** (و نیز **س۲**): هم اکنون بیارم؛ (**ل۳**: بدانگه که آرم) ۳- **ل- پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): من او را؛ متن= **ف** ٤- **و** (و نیز **لن۲**): که او را به مردی من آرم بچنگ؛ **لی** پس از این بیت افزوده است:

نمانم ورا زنده بر پشت زین همان نامداران ایران زمین

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر نبرد کردن زال با شماساس و خزیران و کشتن خزیران و کلباد را و هزیمت شدن ترکان؛ **لن، ق۲، لی، پ**: رزم (**ق۲**: جنگ) زال با شماساس و خروزان (**ق۲**: خزوران ترك؛ **لی**: خراوران؛ **پ**: خروران)؛ آ: رزم کردن نوذر با شماساس؛ **ل۲**: جنگ خراران با زال و رفتن از پیش وی؛ **ب**: رزم زال با خزوران ۵- **ل، لن، ق، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بالا؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، پ**؛ آ این بیت را ندارد ٦- **ف، ل، پ**: کرّنای ۷- **ل۲**: بوق و زرین درای ۸- **لن، پ، ب**: بیامد؛ **و**: سپهبد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- **لن، پ، و، آ، ب**: اندرآمد به؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- **ف**: آن رود (← آن روی؟ یا: از دور؟ یا: از گرد؟)؛ **س- پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): از گرد؛ متن= **و، ل۲** (و نیز **لن۲**) ۱۱- **س، ق، لی، و، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): کوه؛ **لن، پ** (و نیز **ل۳**): ابر؛ **ق۲**: گرد؛ **ل۲**: میغ؛ متن= **ف**؛ **ل**: چو هامون شد از گرد کوه سیاه ۱۲- **ف** (و نیز **بنداری**): خزیران؛ **ل**: خرروان؛ **س**: خرورا؛ **لن، ق۲** (و نیز **س۲**): خروران؛ **ق، و، ب**: خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ** (و نیز **لن۲**): خروزان؛ آ: خزروان؛ **ل۲**: خرازان؛ (**ل۳**: خرزوان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- آ: تبر؛ **ب**: خزوران عمودش بدست و سپر ۱٤- **ق۲**: با ۱۵- **ب**: سر ۱٦- **لن، پ، آ، ب**: شکسته؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- **ل۲**: تاخته ۱۸- **ف، ل، لن- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): زابلستان؛ **س، ل۲**: کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- **ف، ل، لن- آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): کابلستان؛ **س**: زابلستان؛ **ل۲**: ز زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ **بنداری**: فتقدّمت الفرسان الزاولیة ۲۰- **ل، ق، لی، پ** (و نیز **س۲**): درع؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**)؛ **پ** پس از این بیت دو بیت افزوده است (← پ۲۱) ۲۱- **ل۲**: و کین در جگر؛ **ق**: سرش گشت پر خشم و دل بر حذر (!)؛ **ل** پس از این بیت چهار بیت، **ل۲** تنها دو بیت نخستین را، **ق** تنها سه بیت نخستین را پس از بیت سپسین، **پ** دو بیت نخستین را پس از بیت سپسین و بیت های سوم و چهارم را پس از بیت پیشین افزوده‌اند:

خروشان (**ق**: خزوران؛ **پ**: خروزان؛ **ل۲**: خراران) بیامد همان کینه‌خواه چو شیری (**پ، ل۲**: شیر) خروشان به پیش سپاه
هم آنگه برون رفت زال دلیر به جنگ اندرون همچونان شرزه‌شیر
چو دستان برانگیخت گرد نبرد هم آنگه برآمد خزروان بگرد (**پ**: خروزا بگرد؛ **ل۲**: خراران چوگرد)
یکی گرز زد زال بر گردنش که بشکست آن کوه آهن تنش

ق بجای بیت چهارم و **ب** بجای این چهار بیت افزوده‌اند:

به گرد اندرون (**ب**: دمنده چنان) در خزوران رسید برافراشت (**ق**: برآشفت و) آن گرز را چون سزید

۲۲- **لن، لی، پ، و**: ز خونش چو؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ق، پ** پس از این بیت بیت هایی افزوده‌اند (← پ۲۱)؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

خروران شد از کینه و جنگ سیر هم آنگه برانگیخت زال دلیر

بیفگند و بسپَرد و زو درگذشت[۱] ز پیش سپاه اندرآمد به دشت
شماساس را خواست[۲] کاید برون نیامد برون، کهش نجوشید خون
به گرد[۳] اندرون یافت[۴] گُلباد را به گردن برآورده[۵] پولاد[۶] را
چو شمشیرزن گرز[۷] دستان بدید همی کرد ازو[۸] خویشتن ناپدید
کمان را به زه کرد زال سُوار[۹] خدنگی بدوی[۱۰] اندرون راند خوار[۱۱]
بزد بر کمربند[۱۲] گُلباد بر[۱۳] بران[۱۴] بند[۱۵] زنجیر پولاد[۱۶] بر[۱۷]
میانش ابا[۱۸] کوهه‌ی زین بدوخت سپه را به گُلبادبر[۱۹] دل بسوخت
چو این[۲۰] دو سرافگنده شد در نبرد شماساس[۲۱] شد بی[۲۲] دل و روی زرد
شماساس[۲۳] و آن[۲۴] لَشکر رزم ساز پراگنده از رزم گشتند باز[۲۵]
پس اندر دِلیران زاولستان[۲۶] برفتند با شاه کاولستان[۲۷]
چُنان شد[۲۸] ز بس کشته آوردگاه[۲۹] که گفتی[۳۰] جهان تنگ شد بر سپاه
سُوی شاه ترکان نهادند سر[۳۱] گشاده[۳۲] سِلیح[۳۳] و گسسته کمر[۳۴]
شماساس[۳۵] چون در بیابان رسید ز ره قارن کاوه آمد پدید
که از لَشکر ویسه برگشته بود به خواری[۳۶] گرامیش را کشته بود
[بهم بازخوردند هر دو[۳۷] سپاه شماساس[۳۸] با قارن کینه‌خواه]
بدانست قارن که ایشان کنند[۳۹] ز زاولستان[۴۰] تافته[۴۱] بر چیند[۴۲]

۱- **ب**: برگذشت ۲- **لن، لی، پ**: شماساس میخواست؛ **ل**[۲]: شماسای برخواند ۳- **لی**: بجنگ ٤- **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ب**: دید؛ **ل**[۲]: رفت؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) ۵- **لی، پ، و**: براورد ٦- **ف**: کوپال (پساوند ندارد)؛ **لن**: فولاد؛ **ب**: بگرد اندرون دید کلباد (!)؛ **ب** پس از این بیت افزوده است:

بگردن براورد آن گرز را همی تا زند بر تن برز را

۷- **س، ق**[۲]**، و، آ**: گرد؛ **لن، پ**: چوآن گرز و شمشیر؛ متن= **ف، ل، ق، لی، ل**[۲]**، ب** ۸- **لن**: مر؛ **آ**: از؛ **و**: همی خواست کزوی؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ل، پ، ل**[۲] پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد برش گرد کلباد زود همی خویشتن را به مردی ستود

لن، ق[۲]**، آ، ب** (و نیز **س**[۲]) بجای بیت بالا و **پ** پس از بیت ۴۱۶ افزوده‌اند:

گریزان شماساس و گردان همه پراکنده چون روز باران (**آ**: روزبانان) رمه

این بیت ها در **ف، س، ق، لی، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) نیست ۹- **لی**: دلیر ۱۰- **ل**: برو؛ **س- آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): بدو؛ متن= **ف** ۱۱- **لی**: حبر (نقطه ندارد)؛ **ل**[۲]: خدنگی براند اندران نابکار؛ **ب** در اینجا سرنویس دارد: رزم زال با کلباد ۱۲- **س، ق**[۲]**، ب**: کمرگاه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- **ل**[۲]: را ١٤- **ف، لی** (و نیز **ل**[۳]): بدان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) ۱۵- **س- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): بندو؛ متن= **ف، ل** (و نیز **س**[۲]) ١٦- **لن، لی**: فولاد ۱۷- **پ، ل**[۲]: را (**پ** پساوند ندارد) ۱۸- **ق**[۲]: ابر؛ **ل**: میان رانش با؛ **و**: کمرگاه با؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- **ل**[۲]: را ۲۰- **آ**: آن ۲۱- **ل**[۲]: شماسای ۲۲- **ل، ق، و**: بد؛ **ب** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲])؛ **پ** پس از این بیت یك بیت افزوده است (← ۴۱۲پ) ۲۳- **ل**[۲]: شماسای ۲٤- **ف**: این؛ متن= **ل- ب** (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) ۲۵- **ل**[۲]: پراکنده گشتند و گشتند باز ۲٦- **ف، س- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): زابلستان؛ متن= **ل** ۲۷- **ف- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- **لن**: < شد> (وزن ندارد) ۲۹- **ل**: در رزمگاه؛ **ق**: آن رزمگاه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- **لی**: گیتی ۳۱- **لن**: روی ۳۲- **ق**: فکنده ۳۳- **س، پ، آ**: سلاح؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٤- **لن**: گلوی ۳۵- **ل**[۲]: شماسای؛ **لن** این بیت را ندارد ۳٦- **ق**[۲]**، آ**: بزاری ۳۷- **لن، ق**[۲]**، لی، آ، ل**[۲]**، ب**: باز خورد آن (**ل**[۲]: این) دوباره؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): باز خورد این دو جنگی؛ متن= **ل، ق، پ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) ۳۸- **ل**[۲]: شماسای؛ **ف، س** این بیت را ندارند؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۹- **س، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ**: که‌اند؛ متن= **ف، ل، لن، ق، ل**[۲]**، ب** ٤۰- **ف، س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): زابلستان؛ متن= **ل، ق، و** (و نیز **س**[۲]**، بنداری**) ٤١- **ل، لی، و**: ساخته؛ **س، لن، ق، ق**[۲]**، آ، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): تاخته؛ **پ** (و نیز **س**[۲]): تاختن؛ متن= **ف** ٤۲- **س، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ل**[۲]: چه‌اند؛ متن= **ف، ل، لن، ق، ب**؛ **بنداری**: فعرفهم و علم أنهم منهز مون من زاولستان؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

بزد نای رویین و بگرفت راه — به پیش سپاه اندرآمد سپاه[1]
بدین[2] لشکر خسته و بسته[3] خَورد[4] — به خورشید تابان برآورد گرد
گریزان شماساس با چند مرد — برفتند[5] ازآن تیره گرد نبرد[6]

سُوی شاه ترکان[7] رسید آگهی — کزان[8] نامداران جهان[9] شد تهی
دلش گشت پر آتش از[10] درد و غم — دو رخ را به[11] خون جگر داد نم
برآشفت و[12] گفتا که نوذر کجاست — کزو ویسه خواهد همی[13] کینه خواست[14]
سپهدار[15] نوذر چو آگاه شد — بدانست کەش روز کوتاه شد
سپاهی پر از غلغل و گفت و گوی[16] — سُوی شاه نوذر نهادند روی
گرفتند[17] بازوش با بند و تنگ[18] — کشیدندش از جای[19] پیش نهنگ[20]

۱- آ: سپاه اندرآمد به پیش سپاه **۲- ل**: ازآن؛ **س، لی، و**: برین؛ **لن، پ**: بدان؛ **ق، ل۲**: ازین؛ **ق۲، آ، ب**: بران؛ متن= **ف** **۳- س، و، ل۲**: بسته و خسته؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: بستهٔ خسته؛ **ق**: خستهٔ بسته؛ متن= **ف، ل** **٤- ل، ق، ل۲**: مرد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **ف، و** (و نیز **لن۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسی را ببست و بسی را بخست — بسی را به گرز گران کرد پست

۵- ل۲: بجستند **٦- و**: همی تاخت دلخسته برسان گرد **۷- لی**: توران **۸- لن، پ، ل۲**: که از **۹- و**: زمین؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند: **ف**: گفتار اندر آگه شدن افراسیاب از شکستن لشکر بزاول و کشتن شاه نوذر را و اسیران را؛ **ق**: گفتار در کشتن نوذر بحکم افراسیاب؛ **لی، و، آ**: کشته شدن نوذر (**و**: شاه نوذر) بر (**آ**: از) دست افراسیاب؛ **پ**: آگاه شدن افراسیاب از کار لشکر؛ **ب**: کشتن افراسیاب نوذر را **۱۰- س، و، آ، ب**: و؛ **لن، ق۲، لی، پ، ل۲**: < از> ؛ متن= **ف، ل، ق** **۱۱- ب**: ز؛ **لن، ق۲، پ، آ، ب** پس از این بیت افزوده‌اند (**پ** بیت سوم را ندارد):

چنین گفت کین (**لن**: پس) نوذر تاج دار — به زندان و یاران من کشته زار (**ق۲**: خوار)
آ: بریدش بزاری سوی کشته‌زار
چه چاره است جز خون او ریختن — یکی کینه از (**آ، ب**: کینهٔ) نو برانگیختن
اگر چرخ گردان کشد زین تو — سرانجام خشتست بالین تو (= ۴۴۲)

۱۲- ق، لی: <و> **۱۳- پ**: < همی> (وزن ندارد) **١٤- و**: عذر خواست؛ **س**: کزو کینه خواهد همی ویسه خواست؛ **ل، لی، و، ل۲** پس از این بیت دو بیت و **پ** تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

چه چاره است جز خون او ریختن — یکی کینهٔ (**لی**: کینه بر؛ **و**: کینه از) نو برانگیختن
به دژخیم فرمود کورا (**لی**: که او را) کشان (**لی، ل۲**: بیار) — ببر تا بیاموزد او (**پ، و**: بیاموزدش) سرفشان
لی، ل۲: بدان تا بیاموزدش کارزار

ف، س، ق این بیت ها و بیت های پ۱۱ را ندارند، ولی در **ل۳، لن۲، س۲** نیز آمده‌اند و **بنداری** نیز بیت نخستین پ۱۱ را داشته است: و قال: کیف أبقی نوذر حیا و قد قتل أعیان أمرائی و وجوه قوّادی؟ **۱۵- آ**: شهنشاه؛ **ق** این بیت را ندارد **١٦- ل، ب**: گفت گوی **۱۷- ل، لی** (و نیز **س۲**): ببستند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲**) **۱۸- ل، س، لن، ق، ق۲، آ، ب** (و نیز **ل۳**): با بند تنگ؛ **لی** (و نیز **س۲**): برسان سنگ؛ **و** (و نیز **لن۲**): با زور تنگ؛ **ل۲**: را بسته تنگ؛ متن= **ف**؛ **پ**: گرفتندش بازوی همچون پلنگ (وزن نادرست است) **۱۹- آ**: از پای؛ **ل۲**: از جا به **۲۰- لن**: همچون نهنگ؛ **پ**: با بند تنگ؛ **ل، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**) پس از این بیت و **لن، ب** پیش از این بیت افزوده‌اند:

بدشت‌آوریدندش ازخیمه‌خوار(**آ**: زار؛ **لی**: آسیمه‌وار؛ **ل۲**: آسیمه‌خوار) — برهنه سروپای و برگشته کار

ف، س، و (و نیز **لن۲**) این بیت را ندارند، ولی گویا **بنداری** آنرا داشته است: فبادر جماعة الی الخیمة التی کان فیها محبوسا و أخرجوا ذلك الملك المتوّج حاسرا یرسف فی أصفاده و قیوده؛ **لی، ل۲** پس از بیت بالا یك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

ابر شاه نوذر رد افراسیاب — برافکنده دیده دلی پر شتاب

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، پ**: کشتن افراسیاب نوذر را؛ **ق۲**: کشته شدن نوذر و پادشاهی افراسیاب دوازده سال بود؛ **ل۲**: کشته شدن نوذر بر دست افراسیاب

چو از دور دیدش زبان برگشاد   ز کین نیاکان همی کرد یاد[1]
بدو[2] ـ گفت ـ هربد که آید[3] سَزاست[4]   بگفت و برآشفت و شمشیر خواست[5]
بزد گردن نوذر[6] تاجدار[7]   تنش را به خاك اندرافگنند خوار
پس از[8] یادگار منوچهر شاه   تهی ماند ایران و[9] تخت و کلاه

ایا[10] دانشی مرد بسیار هوش   همه چادَر[11] آزمندی[12] مپوش
که تخت و کله چون تو بسیار دید   چُنین[13] داستان چند خواهی شنید[14]
رسیدی به جایی که بشتافتی   سرآمد[15] کزو آرزو یافتی
چه خواهی[16] ازین[17] تیره خاك نژند   که هم باز گردانَدت[18] مستمند
اگر[19] چرخ گردان کشد زین تو   سرانجام خشتست[20] بالین تو

پس آن بستگان[21] را کشیدند خوار[22]   به جان خواستند آنگهی[23] زینهار[24]
پس[25] اغریرت[26] آمد[27] به خواهشگری   بیاراست[28] با نامور داوری[29]
که چندین[30] سرافراز و[31] گرد و[32] سُوار   نه با ترگ[33] و جوشن، نه در[34] کارزار
گرفتار[35] کشتن نه والا بود   نشیب ست[36] جایی که بالا بود

۱- **ل، لن، ق، ق[2]، پ- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز تور و ز سلم (**لن، پ، آ، ب**: زسلم و زتور) اندرآمد نخست   دل و دیده از شرم شاهان بشست

ف، س، لی این بیت را ندارند، و در ترجمهٔ **بنداری** هم چیزی ازآن نیست **۲- ف، ق[2]**: بتو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) **۳- ب**: یابد **٤- لن، پ، آ، ل[2]، ب**: رواست؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۵- ب** لت دوم این بیت را انداخته است **٦- ل، و، ل[2]**: خسرو؛ متن= نه دستنویس دیگر **۷- لن، پ**: شهریار؛ **ق[2]، آ، ب**: نامدار؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۸- ل- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**): شدآن؛ متن= **ف** **۹- ل، س، ق[2]، پ، و، آ، ل[2]** (و نیز **ل[3]، لن[2]**): ز؛ **ب**: تهی ماند از ایران و؛ متن= **ف، ق، لی** (و نیز **س[2]**) **۱۰- و**: توای؛ **ل[2]**: ابا **۱۱- ب**: جامهٔ **۱۲- پ**: ارجمندی **۱۳- و**: ازین **١٤- س، لی**: نخواهد همی با کسی آرمید؛ در **ل** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۱۵- ق[2]**: برآمد؛ در **ل** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **١٦- ل، س، ق، لی، پ، و، ب**: چه جویی؛ **ل[2]**: چه گویی؛ متن= **ف، لن، ق[2]، آ** **۱۷- ق**: درین **۱۸- لن**: باز گردد ترا **۱۹- ل**: که گر **۲۰- ل**: خاکست؛ در **س، لن، ق[2]، آ، ب** این بیت پس از بیت ۴۲۹ آمده است؛ در **و** بیت های ۴۳۹ تا ۴۴۲ درهم ریخته‌اند: ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۰، ۴۳۹؛ **ف** در اینجا سرنویس دارد: آغاز داستان؛ **ف، و** (و نیز **لن[2]**) پس از بیت ۴۴۲ افزوده‌اند:

بساکس (**و، لن[2]**: کسانی) کزایران اسیران بدند   همه پهلوانان و میران بدند

۲۱- ل، لن: کشتگان؛ **ل[2]**: بندیان **۲۲- لن**: برفتند خوار؛ **و**: کشیدندشان بسته و خوار زار **۲۳- س، ق، لی، آ، ل[2]، ب**: یك بیك؛ **لن، پ**: هریکی؛ متن= **ف، ل** **٢٤- ق[2]**: نه با ترگ و جوشن نه با کارزار (= ۴۴۵ب)؛ **و**: همی خواست هریك بجان زینهار؛ **ل، ق[2]** پس از این بیت دو بیت و **ق** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

چو اغریرت (**ق[2]**: اغریرث) پرهنر آن بدید   دل اوبېر درچوآتش دمید (**ق**: دل اوچوآتش بهم بردمید؛ **ق[2]**: دل اوبرش چون کبوتر طپید)

همی (**ق[2]**: کنون) گفت چندین سربی گناه   ز تن دور ماند (**ق[2]**: مانده) به فرمان شاه

۲۵- س، لن، لی، پ، آ، ب: چو؛ متن= **ف، و، ل[2]** **٢٦- لی، و، آ، ل[2]** (و نیز **لن[2]، بنداری**): اغریرث؛ متن= **ف، س، لن، پ، ب** (و نیز **س[2]**) **۲۷- ل، ق، ق[2]** (و نیز **ل[3]**): بیامد خروشان **۲۸- آ**: برآراست **۲۹- ق[2]**: مهتری **۳۰- س، لی**: که این صد **۳۱- ل- پ، ل[2]، ب** (و نیز **ل[3]**): < و>؛ **آ** سرانراز؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[2]، س[2]**) **۳۲- لی، ل[2]**: < و> **۳۳- ف**: خود؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل[3]، لن[2]، س[2]**) **٣٤- ل، ق[2]، ل[2]** (و نیز **ل[3]**): با؛ **و**: و با جوشن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س[2]**)؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

ستم یافته نه ستمکاره‌اند   همه بیگناهند و بیچاره‌اند

۳۵- ل[2]: اسیرند و **٣٦- لی**: نشتست

سَزد گر نباشد[۱] به جانشان گزند سپاری همیدون به منْشان[۲] به بند
بریشان[۳] یکی غار[۴] زندان[۵] کنم نگه‌دارشان[۶] هوشمندان کنم
به ساری به زاری[۷] برآرند هوش تو از خون بکش دست و چندین مکوش[۸]

ببخشید جانْشان[۹] به گفتار[۱۰] اوی[۱۱] چو بشنید با درد[۱۲] پیگار[۱۳] اوی[۱۱]
بفرمودشان تا به ساری[۱۴] برند به غلّ و به مسمار و زاری[۱۵] برند

گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین[۱۶]

ز پیش دهستان سُوی ری کشید ز[۱۷] اسپان[۱۸] به رنج و به تگ[۱۹] خوی کشید
کلاه کَیانی به سر برنهاد به دینار[۲۰] دادن در[۲۱] اندرگشاد[۲۲]

به گستهم[۲۳] و طوس آمد این آگهی که شد تیره[۲۴] دیهیم[۲۵] شاهنشهی
به شمشیر تیز آن سر تاجدار[۲۶] به زاری بریدند و برگشت کار[۲۷]
بکندند موی[۲۸] و شَخودند[۲۹] روی[۳۰] از[۳۱] ایران[۳۲] برآمد یکی هوی هوی[۳۳]
سر سرکشان گشت پر درد و[۳۴] خاک همه دیده خون و[۳۵] همه جامه چاک[۳۶]

۱- **ل، ق، ق۲، لی**، آ، **ل۲**: نیاید؛ **لن، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲**): نیاری؛ متن= **ف، س، ب** ۲- **ق۲**: بهم شان؛ **و**: بمنشان سپاری همیدون؛ **ل۲**: سپاری بمنشان همیدون ۳- **ق۲**: زایشان؛ **لی**: بدیشان ٤- **و**: خانه ۵- آ: دندان ٦- **و، ل۲**: نگهبانشان ۷- **ل، ق، پ، و** (و نیز **لن۲**): بمان تا به زاری؛ **ل۲**: بخواری و زاری؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **بنداری**: وأنفذ هم الی مدینة ساری ۸- **ق۲**: و بد را مکوش؛ **ل۲**: تو بر خونشان نیز چندین مکوش ۹- **لن، ق۲، لی، پ** (و نیز **لن۲**): ببخشودشان جان؛ **و**، آ: ببخشیدشان جان؛ متن= **ل، ق، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) ۱۰- **و**: زکردار ۱۱- **ل، ق، ق۲، ل۲، ب**: او؛ متن= **لن، لی، پ، و**، آ (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۲- **لن، ق۲، لی، پ**، آ، **ب**: زاری و؛ متن= **ل، ق، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۳- **ق**: بازار؛ **و**: گفتار؛ **ف، س** این بیت را ندارند، ولی در ترجمهٔ **بنداری** هست: فوهب لأغریرث دماء هم، و حفظ علیهم ذماء هم ١٤- **لن**: بزاری ۱۵- **ل، پ، و**، آ: خواری؛ **لن**: ببند و در شهر ساری (وزن ندارد)؛ **ل۲**: بغلّ و عماری و خواری؛ متن= **ف، س، ق، ق۲، لی، ب**؛ **ل** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

وزان پس سپهدار ترکان چین سپه را پراکند بر دشت کین

لن، ق۲، لی، پ، آ، **ب** (و نیز **س۲**) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

چو این کرده شد ساز رفتن گرفت زمین زیر (**لی**: زمین را به) اسبان نهفتن گرفت

١٦- **ف** (پس از بیت ۴۳۶): گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین دوازده سال و هفت ماه و بیست روز بود؛ **ل**(پس از بیت ۴۳۶): پادشاهی افراسیاب به ایران دوازده سال؛ **لن**: پادشاهی افراسیاب به ایران؛ **لی، پ**: پادشاهی افراسیاب در (**پ**: به) ایران دوازده سال بود؛ **و**: بپادشاهی نشستن افراسیاب در ایران زمین؛ **ل۲**: آگاهی یافتن طوس و گژدهم از مرگ پدر؛ **بنداری**: ذکر سلطنة أفراسیاب فی ممالك إیران و ماجری فی نوبته؛ متن= آغاز **ف** ۱۷- **س، لن، لی، و**، آ، **ب**: از؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، پ، ل۲** ۱۸- **س، و، ب**: ایشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹- **ب**: به رنج اندرون ۲۰- **و**: بدیدار ۲۱- **ق۲، ب**: سر ۲۲- **پ**: ز نو رسم و آیین دیگر نهاد؛ **ل۲**: به دینار داد آنگهی در گشاد ۲۳- آ: به گودرز (!) ٢٤- **ل**: که تیره شد ۲۵- **ل، ق، پ**: آن فرّ؛ متن= نه دستنویس دیگر ٢٦- **س، لن، ق۲، لی، ب**: نامدار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۷- **س**: خوار ۲۸- **س**: روی ۲۹- **لن، پ**: خلیدند ۳۰- **س**: موی ۳۱- **ف، ب**: ز ۳۲- **ف**: ایوان؛ متن= **ل، س، لن، ق، لی، پ، و**، آ، **ب** (و نیز **لن۲**) ۳۳- **ل، لن، ق** (و نیز **لن۲**): های هوی؛ **س، لی، پ**، آ، **ب**: های و هوی؛ متن= **ف، و**؛ **ق۲، ل۲**: زبان شاه گوی و روان شاه جوی (= ۴۵۸ب)؛ در **ق۲** پس از این بیت بیت ۴۵۹ آمده است ٣٤- **ل، س، ق، ق۲، پ، و** (و نیز **لن۲، س۲**): گرد و؛ **لی**: خون و؛ آ: اندر آمد به؛ متن= **ف، لن، ل۲، ب** ۳۵- **ل، ق، لی**: همه دیده پر خون؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٦- **لی**: و دل چاك چاك؛ **ل۲**: همه دیده چاك

سُوی زاولستان[1] نهادند روی — زبان شاه‌گوی و روان شاه‌جوی[2]
سُوی[3] زال رفتند با سوگ و درد[4] — رخان[5] پر ز خون و سران[6] پر ز گرد
که زارا[7] ! دلیرا! شها! نوذرا! — گوا![8] تاج دارا! مِها! داورا![9]
نگهدار ایران و پشت مِهان[10] — سر تاجداران[11] و شاه جهان[12]
سرت افسر از خاك جوید همی — زَمین خون شاهان ببوید[13] همی
گیاهی که روید بدان[14] بوم و بر — نگون دارد از شرمِ خورشید سر
همی[15] داد خواهیم[16] و زاری کنیم[17] — به خون پدر سوگواری[18] کنیم[17]
نژاد[19] فریدون بدو[20] زنده بود — زَمین نعل[21] اسپ وُرا[22] بنده بود
به زاری و خواری[23] سرش[24] را ز تن — بریدند با[25] نامدار انجمن
همه[26] تیغ زهرآبگون برکشید[27] — به کین جستن آیید[28] و دشمن کشید[29]
همانا بدین[30] سوگ[31] ما بر[32] ، سپهر — ز دیده فروباردی[33] خونِ مهر[34]
شما نیز دیده پر از خون کنید — ز تن[35] جامه‌ی ناز بیرون کنید
که[36] با کین شاهان نشاید[37] که چشم — نباشد پر از آب[38] و دل پر ز خشم

همه انجمن زار و گریان شدند — چو بر آتش تیز بریان شدند
زبان داد[39] دستان که تا رستخیز[40] — نبیند نیام مرا تیغ تیز
چمان[41] چرمه[42] در زیر[43] ، تخت من ست — سنان دار[44] نیزه، درخت من ست
رکابست[45] پای مرا جایگاه — یکی ترگ تیره سرم را کلاه

۱- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: زابلستان؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **بنداری**) ۲- **ق۲، ب**: از ایران برآمد یکی های و هوی (**ب**: شاه جوی؛ = ۴۵۶ب)؛ **و، آ** (و نیز **لن۲**): جهانی (**آ**: ز کینه) بدستان نهادند روی ۳- **لن، پ، آ، ل۲، ب**: بر؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و** ٤- **ل، ق**: با رنج و درد؛ **ق۲**: به‌زابل رسیدند با مرگ و درد ٥- **ق۲**: لبان ٦- **ق**: روان؛ **لی**: لبان؛ در **ق۲** این بیت پس از بیت ۴۵۶ آمده است ۷- **لن**: که زالا؛ **لی**: که رادا؛ **پ**: که زار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- **و**: یلا ۹- **ل، لی، ب**: مهترا؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **ل، ق**: نگه‌بان ایران و شاه جهان؛ **لن، آ، ب**: سر سرفرازان و پشت مهان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- **ق۲، و**: نامداران ۱۲- **ل، ق، ل۲**: پشت مهان (**ل۲** پساوند ندارد)؛ در **ق۲** این بیت پس از بیت ۴۶۶ آمده است ۱۳- **آ، ب**: بپوید ١٤- **ل، و، ل۲** (و نیز **لن۲، س۲**): بران؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، ب**: ازآن؛ **آ**: ازین؛ متن= **ف، ق** (و نیز **ل۳**) ۱۵- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: همه؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲** ١٦- **ف**: دادخواهی؛ **ق**: زارنالیم؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۷- **ف**: کنم؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۸- **پ**: همه جامهٔ ناز بیرون (= ۴۶۹ب) ۱۹- **ل- ق۲، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): نشان؛ متن= **ف، لی، ل۲** ۲۰- **و**: بتو ۲۱- **ق۲**: سم ۲۲- **و**: ترا ۲۳- **لن، ق۲، آ، ب**: به خواری و زاری؛ **پ**: بخواری و خواری؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٢٤- **و**: سرت ۲۵- **ق**: آن؛ **ل۲**: بدیدند ابا (!)؛ در **ق۲** پس از این بیت بیت ۴۶۱ آمده است و پس ازآن بیت ۴۷۱ ٢٦- **ل**: همی؛ متن= **ف، س- ب** ۲۷- **ل۲**: برکشیم ۲۸- **ل۲**: آییم ۲۹- **ل۲**: کشیم؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** پس ازاین بیت افزوده‌اند:

بپوشید جوشن همه کینه را (**آ**: خواست) — کجا (**ق۲، آ، ب**: کنون) تازه شد کین دیرینه را (**آ**: راست)

۳۰- **ل، ق**: کزین؛ **س، و**: برین؛ **لی**: بدان؛ **پ، ب**: درین؛ متن= **ف، لن، ق۲، آ، ل۲** ۳۱- **ق**: سوز؛ **ل۲**: خون ۳۲- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: باما؛ **ق**: برما؛ **و**: مااز؛ متن= **ف، ل، س، ل۲** ۳۳- **و**: ز دیده ببارده‌می ٣٤- **لن، لی، ب**: خون بمهر؛ **ق**: خون ز مهر؛ **ق۲**: آب مهر؛ **پ**: خوبمهر؛ متن= **ف، ل، س، و، آ، ل۲** ۳۵- **ل- آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): همه؛ متن= **ف، ل۲** ٣٦- **لن، ق۲، آ، ب**: ابا؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۷- **س، لن، ق۲، لی، و، آ**: نباید؛ **ب**: بباید؛ متن= **ف، ل، پ، ل۲** ۳۸- **ل۲**: خون ۳۹- **لی، پ، آ، ل۲**: چنین گفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ٤٠- **آ**: پس زال تا رستخیز ٤١- **لن، ق، ق۲، ب**: همان؛ **لی، ل۲**: جهان؛ **پ**: چنان؛ متن= **ف، ل، س، و، آ** ٤٢- **لن**: جامه ٤٣- **ق**: < در> زین؛ **آ**: < در > زیر؛ **ل۲**: و دیده ٤٤- **ق۲**: < دار> ٤٥- **لن، لی، و، ل۲، ب**: رکیبست؛ متن= هفت دستنویس دیگر

برین[۱] کینه آرامش و خواب نیست   همانند اشکم[۲] به جوی آب نیست
روان چُنان شهریار جهان[۳]   درخشنده بادا میان مِهان
شما را به داد جهان آفرین[۴]   دل ارمیده[۵] باد اندر آرام و دین[۶]
ز مادر همه مرگ را زاده‌ییم   بر آنیم[۷] و گردن وُرا[۸] داده‌ییم

چو گردان سُوی کینه بشتافتند   به ساری سران[۹] آگهی یافتند
ازیشان بشد خورد و آرام و خواب   پُر از ترس[۱۰] گشتند از[۱۱] افراسیاب
ازیشان[۱۲] به اغریرت[۱۳] آمد پیام[۱۴]   که ای بَرمنش[۱۵] مهتر نیکنام[۱۶]
به گیتی ز[۱۷] گفتار تو زنده‌ییم   همه[۱۸] یك بیك مر ترا بنده‌ییم
تو دانی که دستان به[۱۹] زاولستان[۲۰]   به جایست با شاه کاولستان[۲۱]
چو برزین و چون[۲۲] قارن رزم زن   چو خرداد[۲۳] و کشواد لَشکرشکن
یلانند[۲۴] با چنگ‌های دراز   ندارند از ایران[۲۵] چُنین دست[۲۶] باز
چو تابند گردان[۲۷] ازین سو عِنان   به چشم اندرآرند نوك سِنان
ازآن تیز گردد رد[۲۸] افراسیاب   دلش گردد از بستگان[۲۹] پرشتاب[۳۰]
سر یك رمه مردم[۳۱] بی‌گناه   به خاك اندرآرد ز بهر کلاه
اگر بیند اغریرت[۳۲] هوشمند   مرین بستگان[۳۳] را گشاید ز بند[۳۴]

۱- **لی، و**: بدین ۲- **ل**: همی چون دو چشمم؛ **س- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): همانند (**ل[۳]**: بمانند) چشمم؛ متن= **ف** ۳- **ل[۲]**: جوان ٤- **ف**: دادار (یا: از) جهان آفرین؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۵- **ف**: ارمنده؛ **س، لی** (و نیز **ل[۳]**): آرام؛ **ق**: آسوده؛ **آ**: آرمیده؛ **ل[۲]**: آرمده؛ (**لن[۲]**: امید)؛ متن= **ل، و** (**ل** در بالا افزوده است: آرام) ٦- **ل، ق**: بادا به آیین و دین؛ **س، لی**: ده باد ابا رام و دین؛ **ل[۲]**: باد و در آرام و دین؛ **آ**: بارام دین؛ (**ل[۳]**: بادا همی گاه کین)؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**)؛ **لن، پ، ب**: روانتان بآرام بادا و دین؛ **ق[۲]**: روانتان بارام و با داد و دین ۷- **ل، پ، و، آ**: برینیم؛ متن= **ف، س، لن، ق، ق[۲]، لی، ب** ۸- **ف**: بدین؛ **لن**: برو؛ **و، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): بدو؛ متن= **ل، س، ق، ق[۲]، لی، پ، ب** (و نیز **س[۲]**)؛ **ل[۲]**: همه یك بیك تن ورا؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

وزان پس همه کینه را ساختند   هیونی ز هر سو برون تاختند
فراز آوریدند بی مر سپاه   ز شادی بریدند و ز بزمگاه
سپه را همه یکسر آباد کرد   دل سرفرازان بدان شاد کرد
ز هر سوی بودش فسیله یله   به شهر اندرآورد یکسر گله
سلیح و درم دادن آغاز کرد   جهانی ز گردان پرآواز کرد

این بیت ها در هیچیك از دستنویس های دیگر و نیز در ترجمهٔ **بنداری** نیست ۹- **ق[۲]**: بران؛ **و** در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر تدبیر کردن ایرانیان در کار خویش ۱۰- **ل، ق[۲]**: بیم؛ **لی**: درد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- **لی**: ز ۱۲- **ل، س** (و نیز **ل[۳]**): ازآن پس؛ **لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب** (و نیز **س[۲]**): وزان پس؛ متن= **ف، و، آ** (و نیز **لن[۲]**: وزیشان) ۱۳- **س**: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ **ق[۲]، و، آ، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**): اغریرث؛ متن= **ف، ل، ق، لی، پ، ب** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) ١٤- **لن، پ**: نیك نام ۱۵- **ف، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): پرمنش ١٦- **لن، پ**: ازآن برمنش (**پ**: پرمنش) مهتران شد پیام؛ **ل[۲]**: < مهتر> نیك نام (وزن ندارد) ۱۷- **ل، س، لی، آ، ب**: به؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- **پ**: که ما؛ در **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ **پ** پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام کردن بزرگان ایران ۱۹- **ل، ق**: < به> ۲۰- **س- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): زابلستان؛ متن= **ف، ل، بنداری** ۲۱- **ف- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- **آ**: و با ۲۳- **لی**: به‌زاد ٢٤- **لی**: یلانند و ۲۵- **لن، پ**: ازیشان؛ **آ**: ازاین (وزن ندارد) ٢٦- **س، لن، لی، پ، آ، ب** (و نیز **س[۲]**): چنگ؛ متن= **ف، ق، ق[۲]، و، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**)؛ **ل** این بیت را ندارد؛ در **لی** پس از این بیت بیت های ۲۹۱ تا ۳۰۶ دوباره آمده‌اند ۲۷- **ل[۲]**: جمله؛ **ل** این بیت را ندارد ۲۸- **ق**: تیز گردد؛ **ل[۲]**: تیره گردد ز ۲۹- **ل**: کشتگان؛ **ق[۲]، لی، پ، ب**: کین ما؛ متن= **ف، س، لن، ق، و، ل[۲]** ۳۰- **آ**: سر یك رمه مردم آرد بخواب (= ۴۸۸آ) ۳۱- **ل**: پس آنگه سر یك رمه؛ **ق**: پس این یك رمه مردم؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- **ق[۲]، و، آ، ل[۲]**: اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۳- **آ**: مرین خستگانرا؛ **ل[۲]**: زبن تشنگان را ۳٤- **ق**: گشاید مراین بستگانرا ز بند

پراگنده گردیم گرد جهان
زبان برگشاییم پیش[۱] مِهان

به پیش بزرگان ستایش کنیم
همان[۲] پیش یزدان[۳] نیایش کنیم

چُنین گفت اغریرت[۴] پرخرد
کزین گونه چاره نه اندرخورد[۵]

ز من[۶] آشکارا شود[۷] دشمنی
بجوشد سر مرد آهَرمَنی[۸]

یکی چاره سازم دگرگونه زین[۹]
که با من نگردد برادر[۱۰] به کین

گر ایدونک[۱۱] دستان[۱۲] شود تیزچنگ
یکی لَشکر آرد بر[۱۳] ما به جنگ

چو آرد[۱۴] بنزدیك ساری رمه[۱۵]
بدیشان سپارم شما را همه

بپردازم آمل نیایم[۱۶] به جنگ
سر نامدار[۱۷] اندرآرم به ننگ

بزرگان ایران ز[۱۸] گفتار اوی[۱۹]
به روی زَمین برنهادند[۲۰] روی[۲۱]

چو از آفرینش بپرداختند
نوندی ز ساری[۲۲] برون تاختند

بپویید نزدیك[۲۳] دستان سام
بیاورد ازآن[۲۴] نامداران پیام[۲۵]

که بخشود[۲۶] بر ما جهاندار ما
شد اغریرت[۲۷] پرخرد[۲۸] یار ما

یکی سخت پیمان فگندیم بُن
بران برنهادیم با او[۲۹] سَخُن

کز ایران اگر- داستان را- دو مرد[۳۰]
بیاید، نجویند با او[۳۱] نبرد

گرانمایه اغریرت[۳۲] نیك پی
ز آمل گذارد سپه را به ری[۳۳]

مگر زنده از چنگ[۳۴] این[۳۵] اژدَها
تن[۳۶] یك جهان مردم آید رها[۳۷]

۱- **س**: گرد؛ **ق**: نزد ۲- **لی، پ، ب**: همه؛ متن← ۳- **ق۲، آ، ل۲**: جهان آفرین را؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، و** ٤- **ق۲، لی، و، آ، ل۲، بنداری**: اغریرث؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۵- **ل**: کزین گونه گفتار کی در خورد؛ متن= **ف، س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٦- **و**: زما ۷- **پ**: کند ۸- **لی، و**: اهریمنی ۹- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): دگرگون ازین؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲** (و نیز **لن۲**) ۱۰- **س، لن، ق، لی، پ، و، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): که با من برادر نگردد؛ متن= **ف، ل، ق۲، آ، ل۲** (و نیز **س۲**) ۱۱- **لی، ل۲**: ایدونکه ۱۲- **لن**: ایران ۱۳- **س**: آید سوی؛ **لن، پ**: آید بر؛ **لی، و**: آرد سوی؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، آ، ل۲، ب** ١٤- **لن، پ**: آید؛ آ: آمد ۱۵- **ل**: دمه ١٦- **ق۲**: نیارم ۱۷- **ل، س، ق، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): سرم را ز (**ل۲**: به) نام؛ **لن، پ**: سر نام را؛ (**ل۳**: سر مرزبان)؛ متن= **ف** ۱۸- آ: به ۱۹- **ل، ق، لی**: او؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- **لی**: در نهادند؛ آ: همه برنهادند بر خاك ۲۱- **ق، لی، و**: رو ۲۲- **ب**: سارا؛ **ل۲**: نویدی ز شادی ۲۳- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: بیامد بنزدیك؛ **و**: شتابان بنزدیك؛ متن= **ف، ل، ق، ل۲** ٢٤- **ل**: از < آن> ؛ **س، لی**: ازین ۲۵- **لن**: سلام؛ **ق۲**: چنین داشت از نامداران پیام؛ **و**: که ای نامور پهلو شادکام ۲٦- **لی**: که بخشید؛ **و**: ببخشود ۲۷- **س، ل۲**: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ **ق۲، لی، و، آ** (و نیز **لن۲**): اغریرث؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) ۲۸- **ق، ق۲، ل۲، ب**: هنر؛ **ل۲** پس از این سرنویس دارد: پیغام گردان ایران نزد دستان سام ۲۹- **ل، لن، ق۲، لی، پ، و، آ**: یکسر؛ **ق**: باوی؛ متن= **ف، س، ل۲، ب** ۳۰- **ف**: کز ایران اگر زال آزاد مرد؛ **ل، ق، ل۲** (و نیز **ل۳**): کز ایران (**ل۳**: کزآنجا) چو دستان آزاد مرد؛ **لن، لی، پ**: کز ایران اگر زال زر با دو مرد؛ **آ، ب**: کز ایران اگر داستان ها (**ب**: باستان ها) دو مرد؛ (**لن۲**: کز ایران اگر پهلوانرا دو مرد)؛ متن= **س، ق۲، و** (و نیز **س۲**؛ **ق۲**: از) ۳۱- **ق، لی**: با وی؛ **ل، ق۲، و، ب** (و نیز **لن۲**): بیایند و جویند با او (**ل**: وی؛ **ق۲**: ما)؛ **لن، پ**: بیاید نجوید ابا او؛ آ: بیایند و سازند با ما؛ **ل۲**: بیاید که با او بجوید؛ متن= **ف، س** (و نیز **س۲**) ۳۲- **س**: اغریرب (حرف پسین نقطه ندارد)؛ **ق۲، و، آ** (و نیز **لن۲**): اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۳۳- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ**: سپه را گذارد ز (**س، لی**: از) آمل به ری؛ **ل۲**: از آمل سپه را گذارد به ری؛ **ب**: سپه را ز آمل گذارد به ری؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل۳، لن۲**) ۳٤- **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: دست؛ **ل۲**: جان؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۳۵- **لن**: آن ۳٦- **ق، لی، آ**: سر ۳۷- **لی**: سر یك رمه مرد گردد رها

چو پوینده در[1] زاولستان[2] رسید[3] سراینده[4] در پیش[5] دستان رسید[6]
بزرگان و جنگ‌آوران را بخواند[7] پَیام یلان پیش ایشان براند[8]
وُزان[9] پس چُنین گفت کای سروران[10] پلنگان[11] جنگی و نام‌آوران[12]
کدامست[13] گردی[14] کَنارنگ دل[15] به مردی[16] سیه کرده در جنگ دل
خریدار این جنگ و این تاختن به خورشید گردن برافراختن
به بر زد برین[17] کار کشواد دست[18] منم گفت یازان بدین[19] کار[20] شست[21]
برو[22] آفرین کرد فرخنده زال که خرّم بَدی[23] تا بود ماه و سال

سپاهی ز گردان پرخاشجوی ز زاول[24] به آمل نهادند روی[25]
چُن از زاولستان[26] برون شد سپاه[27] خبر شد به اغریرث[28] نیك‌خواه
همه بستگان[29] را به ساری[30] بماند بزد نای رویین و لَشکر براند
چو کشواد فرّخ به ساری رسید پدید آمد آن بندها را کَلید[31]
یکی اسپ مر هر یکی را بساخت ز[32] آمل[33] سُوی زاولستان[34] بتاخت[35]
چو آمد به دستان سام آگهی که برگشت کشواد[36] با فرّهی
یکی گنج ویژه به درویش داد سراینده را جامه‌ی[37] خویش داد

۱- **لن، پ**: بر ۲- **ل، س، لن، ق۲- ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): زابلستان؛ متن= **ف، ق** (و نیز **س۲**) ۳- **س، لی**: کشید؛ متن= ده دستنویس دیگر ٤- **ف**: سراپرده؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۵- **لن، پ**: نزدیك؛ **ق**: برروی؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- **ف، ق**: بدید؛ **لی**: کشید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **بنداری**: فلما وصل الرسول أمر بإحضار الأمراء والقوّاد، و أخبرهم بالحال (= ۵۰۶ و ۵۰۷) ۷- **ل۲**: بدید ۸- **ل۲**: پیام یلان بستگان برکرید (!) ۹- **ف، ل** (و نیز **ل۳**): ازان؛ متن= **س- ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ۱۰ **س، لی، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): با یاوران؛ **ق۲**: ناماوران؛ **و** (و نیز **لن۲**): باسروران؛ **ب**: با بارمان؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ** ۱۱- **ق**: بزرگان؛ **و**: سواران ۱۲- **لی**: کنداوران؛ **ق۲**: که ای نامداران و کنداوران ۱۳- **س**: که تاکیست ١٤- **ل، ق، ل۲**: مردی؛ **پ**: مرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- **و**: ابا سنگ دل؛ **ل۲**: که ناربك در (← کنارنگ دل) ١٦- **و**: دلیری ۱۷- **ل، ق، و**: بران؛ **ق۲**: بدین؛ **لی**: درین؛ **ل۲**: بزد برین (وزن ندارد)؛ متن= **ف، س، لن، پ، آ، ب** ۱۸- **آ**: چنگ ۱۹- **پ، و**: برین ۲۰- **ف**: باد؛ **لن، لی، پ** (و نیز **ل۳**): داد (**ل۳** نخست **کار** داشته است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۱- **ف، ل، لن، ق، ق۲، پ، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): دست (**ل، ق، ق۲، و، ل۲، ب، لن۲** پساوند ندارند)؛ **لی**: جست؛ **آ**: تنگ؛ متن= **س** (و نیز **س۲**)؛ **ل۲** پس از این بیت افزوده است:

بگفتش بدان نامبردار گو بدین کار و نیکی منم پیش رو

۲۲- **لن، لی**: بدو ۲۳- **ف**: بوی؛ **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بزی؛ متن= **ل**؛ **ف، پ** در اینجا سرنویس دارند، **ف**: گفتار اندر جوانمردی کردن اغریرث با ایرانیان و کشته شدن او بر دست برادرش افراسیاب؛ **پ**: آمدن کشواد و رهانیدن ایرانیان از بند ٢٤- **ل- پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): زابل؛ متن= **ف، و** (و نیز **س۲**) ۲۵- در **ل۲** این بیت چنین آمده است:

سپاهی به آمل نهادند روی همه نامبردار و پرخاشجوی

۲٦- **ل، ق**: چو از پیش دستان؛ متن← ۲۷- **س، ق۲، آ، ب** (و نیز **س۲**): گرازه (**س**: گرازان؛ **س۲**: طلایه) برون شد ز (**س**: به) پیش سپاه؛ **لن، پ**: کنارنگ بیرون ز (**پ**: پیروز) پیش سپاه؛ **لی، ل۲**: چو منزل یکی دو برون شد براه؛ **و** (و نیز **ل۳، لن۲**): ز پیش گرازه (**لن۲**: کراده) برون شد سپاه؛ متن= **ف** ۲۸- **ق۲، لی، و، آ** (و نیز **لن۲، بنداری**): اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۲۹- **ق۲**: بندگان ۳۰- **ل۲**: به آمل ۳۱- **و** پس از این بیت افزوده است:

همه بند از پایشان برگشود ز ساری بیاورد و برگشت زود

۳۲- **لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب**: از؛ متن= **ف، ل، س، ق، و** ۳۳- **ل، ق**: ساری؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ٣٤- **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲**): زابلستان؛ متن= **ف، ق، و** (و نیز **س۲، بنداری**) ۳۵- **ل۲**: شتافت ۳٦- **س، لی**: که کشواد برگشت؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۷- **لن، پ**: خلعت؛ **ق۲** این بیت را ندارد

چو کشواد نزدیک زاول[1] رسید پذیره شدش زال زر چون سَزید[2]
بران[3] بستگان زار بگریست دیر کجا رسته[4] بودند از[5] چنگ[6] شیر
پس از نامور نوذر شهریار[7] به سر خاک برکرد و[8] بگریست زار
به شهر اندرآوردشان ارجمند بیاراست ایوان های بلند
چُنان هم که هنگام نوذر بُدند که با گنج[9] و با تخت[10] و افسر بُدند
بیاراست[11] دستان همان[12] دستگاه شد از خواسته بی نیاز آن سپاه

چو اغریرت[13] آمد ز آمل به ری ز کردار او[14] آگهی یافت کی
بدو گفت کین[15] چیست کانگیختی که با شهد حنظل برآمیختی
بفرمودمت[16] کین بدان را[17] بکش که جای خرد نیست و[18] هنگام هُش
به دانش نباشد سر[19] جنگ جوی نباید[20] به جنگ اندرون آب روی[21]
سر مرد جنگی خرد نسپَرد که هرگز نیامیخت[22] کین با خرد
چُنین داد پاسخ به[23] افراسیاب که لختی بباید[24] همان[25] شرم و آب
هرآنگه کهت آید[26] به‌بد دست رس ز یزدان بترس و مکن بد به کس
که تاج و کمر چون تو بیند بسی[27] نخواهد شدن رام با هرکسی
یکی پر ز دانش[28] یکی بی[29] خرد خرد را[30] سر دیو کی درخورد[31]

۱- **ل، س، لن، لی، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **لن۲**): زابل؛ **و** (و نیز **ل۳**): کابل؛ متن= **ف، ق** (و نیز **س۲**) **۲**- **آ، ل۲، ب**: بدید؛ **ق۲** این بیت را ندارد **۳**- **لی، ب**: بدان **٤**- **ل، ل۲**: مانده؛ **س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): بسته؛ **ق۲** این بیت را ندارد؛ متن= **ف** **۵**- **ل**: بر؛ **س، لن، ق، لی- ب** (و نیز **لن۲، س۲**): در؛ متن= **ف** **٦**- **س**: چرم؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) **۷**- **لن، پ، آ**: نامدار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۸**- **لی**: <و> ؛ **ق۲** پس از این بیت افزوده است:

به شهر اندرآوردشان چون سزید به کاخ و به ایوان فرود آورید

۹- **ل- پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): تاج؛ متن= **ف، و، ل۲** (و نیز **لن۲**) **۱۰**- **ل۲**: بخت **۱۱**- **لی**: بیاورد **۱۲**- **ل، س، و**: همه؛ **لن، ق۲، پ، آ، ب**: چنان؛ متن= **ف، ق، لی، ل۲** **۱۳**- **ق۲، لی، و، آ** (و نیز **لن۲، بنداری**): اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) **١٤**- **ل، ق، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**): وزان کارها؛ **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب**: ازآن (**س، لی**: وزان) کار او؛ متن=**ف** **۱۵**- **و**: این **١٦**- **ل**: نفرمودمت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق۲، ب**: نفرمودمت؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۱۷**- **ل** (و نیز **ل۳**): کای برادر؛ متن= **ف، س- ب** (و نیز **لن۲، س۲**؛ **ق، ب**: کان) **۱۸**- **ل، ق۲، لی** (و نیز **ل۳، س۲**): <و> ؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **لن۲**)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، پ**: کشتن افراسیاب برادر خود را اغریرت (**پ**: <اغریرت>) **و**: گفتار اندر کشتن افراسیاب اغریرث را؛ **ب**: کشتن افراسیاب برادر خود **۱۹**- **ف، ل۲** (و نیز **س۲**): برآتش نباشد (**ل۲**: نیامد) سر (**ل۲، س۲**: دل)؛ **ل، لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**): به دانش نباید (**لی، ب، ل۳**: نیاید) سر (در **ل** واژهٔ سوم نقطه ندارد)؛ **و** (و نیز **لن۲**): پر از خشم باید دل؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= **س** **۲۰**- **لی، ل۲، ب**: نیاید **۲۱**- **لن، ق۲**: آب جوی؛ **لی**: آب و روی؛ **آ**: آب و رو **۲۲**- **ل۲**: نیامخت **۲۳**- **ل۲**: پاسخش **۲٤**- **ق، ق۲**: نیابد؛ **پ**: بشاید؛ **و**: بیاید **۲۵**- **ل، و**: همی؛ **س، لن، لی، پ، آ، ب**: هم از؛ **ق۲**: پس از؛ متن= **ف، ق، ل۲** **۲٦**- **و، ل۲**: که یابی **۲۷**- **ق۲**: دید چون تو بسی؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده است:

درازست دست فلك بر بدی همه نیکویی کن اگر بخردی
چو نیکی کنی نیکی آید برت بدی را بدی باشد اندرخورت

۲۸- **آ، ب** (و نیز **ل۳**): آتش **۲۹**- **ل، س، ق۲، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**): پر؛ متن= **ف، لن، لی** (و نیز **س۲**)؛ **و، ل۲** (و نیز **لن۲**): دلی (**ل۲**: سری) پر از دانش سری پر **۳۰**- **ل، س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): با؛ متن= **ف، پ** **۳۱**- **لی**: برخورد؛ **ق** این بیت را ندارد؛ **لی** در اینجا سرنویس دارد: کشته شدن اغریرث بر دست افراسیاب

سپهبد برآشفت چون پیل مست   به پاسخ به شمشیر یازید دست
میان برادر بدو نیم کرد   چنان بی وفا[۱] ناهُشیوار مرد[۲]

چُن[۳] از کار اغریرت[۴] نامدار   خبر شد سُوی سام زال سُوار[۵]
چُنین گفت کاکنون سربخت[۶] اوی[۷]   شود تار و بیران شود[۸] تخت[۹] اوی
بزد نای رویین و بربست کوس   بیاراست لَشکر چو چشم خروس
سپهبد[۱۰] سُوی پارس[۱۱] بنهاد روی   همی رفت پر خشم و دل کینه جوی
ز دریا به دریا همی[۱۲] مرد بود   رخ[۱۳] ماه و خورشید پر گرد بود
چو بشنید افراسیاب این[۱۴] سَخُن   که دستان جنگی چه افگند بُن
بیاورد لَشکر سُوی خوار ری[۱۵]   بیاراست جنگ و بیفشارد[۱۶] پی[۱۷]
طلایه شب و روز در جنگ بود   تو گفتی که گیتی برو تنگ[۱۸] بود
مبارز همی[۱۹] کشته شد بر[۲۰] دو روی   همه نامداران پرخاشجوی

شبی زال بنشست[۲۱] هنگام خواب[۲۲]   سَخُن گفت بسیار از افراسیاب[۲۳]
هم از[۲۴] رزم زن نامداران خویش   وُزان[۲۵] پهلوانان و یاران[۲۶] خویش
همی گفت: هرچند کز[۲۷] پهلوان   بود بخت بیدار و روشن[۲۸] روان
بباید یکی شاه خسرو[۲۹] نژاد   که دارد گذشته سَخُن ها[۳۰] بیاد
بکردار کَشتی ست کار سپاه   همش باد و هم بادبان تخت[۳۱] شاه

۱- **ل، پ، ل[۲]**: نیك دل؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): تیز سر؛ (**ل[۳]، س[۲]**: سنگ دل)؛ متن= **ف، س، لن، ق[۲]، لی، آ، ب** ۲- **ل**: با هشیوار مرد؛ **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ب**: ناسزاوارمرد؛ **پ**: باهشیوارمرد(حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن=**ف،و،ل[۲]**(ونیزل[۳]،**لن[۲]**،**س[۲]**)؛ **ق**: سپه را ازو دل پر از بیم کرد ۳-**ل**-**ب**(ونیزل[۳]،**لن[۲]**،**س[۲]**): چو؛ متن=**ف** ٤-**ق[۲]**،**لی**،**و**،**آ**(ونیز**لن[۲]**): اغریرث؛ متن=هشت دستنویس دیگر(ونیزل[۳]) ۵-**ل**،**ق**: خبر شد بنزدیك زال سوار؛ متن=ده دستنویس دیگر(ونیزل[۳]، **لن[۲]**،**س[۲]**) ٦-**ف**،**ل**،**و**،**ل[۲]**،**ب**: بخت(حرف یکم نقطه ندارد)؛ **پ**: تخت؛ متن=**ق**،**ق[۲]**،**آ**(ونیزل[۳]،**لن[۲]**،**س[۲]**) ۷-**ل**،**ق**،**ق[۲]**،**پ**،**آ**،**ل[۲]**،**ب**: او؛ متن=**ف**،**و**(ونیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۸- **ل، ق، ق[۲]، پ، و، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): شود تار (**ل**: بار؛ **ق**: باد؛ **ق[۲]**: بار؛ **ل[۲]**: باز)و (**ل**: < و>) ویران شود (**ق، پ**: همه)؛ متن= **ف** (حرف یکم **تار** و حرف یکم و دوم **بیران** نقطه ندارند) ۹- **ف، پ، ل[۲]، ب**: بخت؛ **ل، و**: نخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **ق، ق[۲]، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**)؛ **س، لن، لی** این بیت را ندارند ۱۰- **و**: شتابان ۱۱- **آ**: فارس؛ **ل[۲]**: جنگ ۱۲- **س، ق، ق[۲]، آ، ب**: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- **و**: برخ؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۵۴۳ آمده است ۱٤- **س، ل[۲]**: آن؛ **پ، ل[۲]** در اینجا سرنویس دارند، **پ**: لشکر کشیدن زال برزم افراسیاب؛ **ل[۲]**: آگاهی یافتن زال از کشته شدن اغریرت ۱۵- **ق، پ** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): خوار و ری؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]**، **بنداری**: خوارالری) ١٦- **ق[۲]، لی، و، ل[۲]، ب**: بیفشرد؛ متن= **ف، ل، س، لن، ق، آ** ۱۷- **پ**: بشد کوه لرزنده چون بید و نی؛ در **ب** پس از این بیت بیت ۵۴۱ آمده است ۱۸- **لی**: بدو تنگ؛ **پ**: بیك رنگ ۱۹- **ل**: بسی؛ **س**: همه؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- **ل**: هر؛ **و**: از؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **لن، ق[۲]، پ، آ** (و نیز **س[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

برآمد دو هفته (**س[۲]**: دو هفته برآمد) برین روزگار   پیاده بمانده ز کار (**آ**: کار و) سوار (**س[۲]**: سوار و پیاده بمانده ز کار)

بنداری نیز گویا این بیت را داشته بوده است: یجری بینهما سحابة کل یوم مقدار أسبوعین ۲۱-**لی**: بگرفت ۲۲-**ل[۲]**: زافراسیاب ۲۳-**ل**،**ق**: زافراسیاب؛ **لی**: باافراسیاب(وزن ندارد)؛ **ل[۲]**: هنگام خواب؛ **ب**: سخن رفت چندی زافراسیاب؛ متن=هفت دستنویس دیگر ٢٤-**پ**: همان؛ **آ**: وزان؛ **ب**: بدان؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۵-**س**،**لن**،**لی**،**پ**: هم از؛ **ل[۲]**: همان؛ **ب**: ازآن؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**ق[۲]**،**و**،**آ** ٢٦-**ب**: شاهان ۲۷-**و**: اگر؛ **ل[۲]**؛ کزبر(وزن ندارد) ۲۸-**ل[۲]**: دولت ۲۹-**آ**: فرخ ۳۰-**ق[۲]**: سخنها گذشته ۳۱-**ب**: بخت؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

اگـر داردی طوس و گسـتـهـم فر　　　سپـاهـسـت و[1] گردان بسـیار مر
نزیبـد بریشـان[2] همـی تاج و تخـت　　　ببـاید یکـی شاه بیدار[3] بخـت
که باشـد برو[4] فرّهِ ایزدی　　　بتـابـد ز دیهـیم او[5] بخـردی

ز تخـم فریدون بجسـتـنـد چنـد　　　یکـی شاه، زیبـای تخـت بلنـد
ندیدنـد جز پور طهـمـاسـپ: زَوْ　　　که تاج فریدون بدو گشـت نَـوْ[6]
بشـد قارن و[7] موبـد و مرزبـان　　　سپـاهـی ز بامـین[8] و ز گرزبـان[9]
یکـی مژده بردنـد نزدیك زَوْ　　　که تاج فریدون به تو گشـت نَوْ
سپـهـدار[10] دسـتـان و یکسـر[11] سپـاه　　　ترا خواسـتـنـد ای[12] سَزاوار گاه[13]
بپـذرفـت[14] شاهـی و برخـاسـت زَوْ　　　بیامـد نشـسـت از بر گاه نَوْ

۱- ق: < و > ؛ ل۲: سپه هست و؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است　۲- لی، ل۲: بدیشان　۳- پ، ب: پیروز　٤- ل، لن، ق۲، لی، پ: بدو؛ متن= ف، س، و، آ، ل۲، ب　۵- س: بتابد ازو فرّهٔ؛ لن، ق۲، پ: بیاید (پ: بتابد) ز گفتار او؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، لی، و، آ، ل۲، ب　٦- ل، لن، ق، ق۲، پ، آ: که زور کیان داشت و فرهنگ گو؛ س، لی، و، ل۲، ب (و نیز لن۲، س۲): که فرّ کیان داشت (س: بود) و (لی: < و >) فرهنگ گو (ل۲، ب، س۲: نو)؛ متن= ف (و نیز ل۳)؛ بنداری: وکان ذا قدر و جلالة و شهامة و صرامة　۷- ل۲: < و > ؛ لن: بشد رای زن　۸- ق۲: بامی ؛ ل۲، ب: نامین　۹- ل، س، لن: کرزبان (حرف چهارم نقطه ندارد) ؛ ل۲: کر بزان ؛ ق۲: وگرز گران ؛ پ، آ، ب: و از کرزیان ؛ (ل۳: و از کردتان) ؛ متن= ف، ق (و نیز س۲)؛ لی: سپاهی زبان دان روشن روان ؛ و (و نیز لن۲): گروهی هنرگستر خوش زبان ؛ در پ این بیت پس از بیت ۵۵۸ آمده است　۱۰- س، ق۲، لی: سرافراز؛ متن= نه دستنویس دیگر　۱۱- آ: دیگر　۱۲- س، ق۲: خواستندی ؛ ب: خواست یکسر؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل۳، لن۲، س۲)　۱۳- ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): شاه ؛ متن= ف، ل، س، لن، لی ؛ در پ پس از این بیت بیت ۵۵۶ آمده است ؛ ل، ق پس از این بیت سه بیت و ق۲، آ تنها بیت سوم را افزوده‌اند:

چو بشـنـید زو گفـتـهٔ مرزبـان (ق: موبـدان)　　　همـان گـفـتـهٔ قـارن و بـخـردان
بـیامـد بـه نـزدیك ایـران سپـاه　　　بسـر برنهاده (ق: برنـهـاد آن) کیانـی کلاه
سـرآمـد همـه کـار نـوذر چـو بـود　　　کنون کار زو را بباید شنود (ل: ستود؛ آ: سرود)

۱٤- ل، پ، ل۲: پذیرفت؛ متن= ف، ق؛ س، لی، لن، ق۲، و، آ، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲) این بیت را ندارند؛ ب بجای این بیت افزوده است:

چـو بـشـنـید ازیـن گـونـه پـیغـام زو　　　بـیامـد یـکـی کـار بـرسـاخـت نـو

زَوْ طهماسپ

پادشاهی زَوْ طهماسپ پنج سال بود[۱]

به روز همایون زَوْ نیك بخت   بیامد برآمد بر افراز[۲] تخت
به شاهی برو[۳] آفرین خواند[۴] زال   نشست از برِ تختِ زر[۵] پنج سال
کهن بود[۶] بر[۷] سالِ[۸] هشتاد[۹] ، مرد   به داد و به خوبی جهان تازه کرد[۱۰]
سپه را ز کارِ بدی بازداشت   که با پاك یزدان یکی[۱۱] راز داشت[۱۲]
گرفتن[۱۳] نیارست و[۱۴] کشتن[۱۵] کسی   وُزان[۱۶] پس ندیدند[۱۷] کشته[۱۸] بسی[۱۹]
همان بُد که تنگی[۲۰] بُد اندر جهان   شده خشك خاك[۲۱] و گیا را دهان[۲۲]
نیامد همی زآسمان باد و نم[۲۳]   همی برکشیدند نان با درم
دو لَشکر[۲۴] بران گونه[۲۵] بُد[۲۶] هشت[۲۷] ماه   به روی اندرآورده[۲۸] روی سپاه
نکردند[۲۹] یك روز جنگی[۳۰] گران   نه[۳۱] روز یلان[۳۲] بود و رزم[۳۳] سران

۱- **ف**: گفتار اندر پادشاهی زو طهماسب پنج سال بود و جنگ او با افراسیاب و شکستن افراسیاب؛ **ل، پ**: پادشاهی زو (**پ**: رد) طهماسب پنج سال؛ **س**: پادشاهی طهماسب زو به ایران پنج سال بود؛ **لی**: پادشاهی طهماسب زو پنج سال بود؛ **ب**: پادشاهی طهماسپ پنج سال؛ **بنداری**: ذکر نوبة زوّ بن طهماسب و ماجری فی عهده؛ متن= **لن، ق، ق**[۲]**، و، آ، ل**[۲]؛ در **س** از بیت ۷۳ تا پایان داستان افتاده است؛ در **ب** از بیت ۱۰۰ تا ۱۵۴ افتاده است **۲- ل**[۲]: بافراز؛ **ل، س، ق** (و نیز **ل**[۳]) این بیت را ندارند؛ **لن، ق**[۲]**، ب، آ** (و نیز **س**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

به شاهی (**پ، س**[۲]: بزرگان) بر او آفرین خواندند   نثارشهی بروی افشاندند(**پ،س**[۲]: وراپادشاه(**س**[۲]: شهریار)زمین خواندند)

۳- لی: بدو **٤- لن، پ، ب**: کرد **۵- ل، لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، آ** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]): زو؛ متن= **ف، س، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **لن**[۲]) **٦- ق**[۲]**، و**: بودو **۷- ف، لی**: در **۸- ف**: سال و؛ **ب**: زال **۹- ف، ب** (و نیز **ل**[۳]): هشیار؛ متن= **ل- ل**[۲] (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲])؛ **بنداری**: وکان کبیر السن قد أناف علی ثمانین سنة **۱۰- س، لی**: جهان را به داد و دهش تازه کرد؛ متن= ده دستنویس دیگر **۱۱- و**: همی **۱۲- ل**[۲]: دلش با همه نیکی انباز داشت **۱۳- ف**: گرفته؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) **١٤- ف، لی**: < و> **۱۵- ل، لی، پ**: بستن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]) **١٦- ب**: ازآن **۱۷- ل**[۲]: بدیدند **۱۸- ل**: کشتن؛ **پ**: خستن؛ **ب**: انده؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **س**[۲]) **۱۹- پ، آ**: کسی **۲۰- س**: خشکی؛ **لن، ق**[۲]: نیکی؛ متن= نه دستنویس دیگر **۲۱- و، ل**[۲]: شده خاك خشك؛ **پ**: شده خشك مهر **۲۲- ل**[۲]: گیاها نهان؛ **ب**: گیه را دهان **۲۳- ل، ق، پ، و** (و نیز **لن**[۲]): هیچ نم؛ **س، لن، ق**[۲]**، لی، آ، ب**: آب و نم؛ **ل**[۲]: نا و نم؛ متن= **ف** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) **٢٤- و** (و نیز **لن**[۲]): دو خسرو **۲۵- لن، پ، ب**: برین گونه؛ **ق، لی**: بدان گونه؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲٦- ل، ق، لی، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]): تا؛ **س، لن، ق**[۲]**، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن**[۲]): بر؛ متن= **ف** **۲۷- س، لن، ق**[۲]**، پ، آ**: پنج؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲])؛ **بنداری**: ثمانية أشهر **۲۸- ف**: اندرآورد؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **۲۹- ف، س- آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): بکردند؛ **ل**[۲]: نکردند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= **ل** **۳۰- س**: روزی دو جنگ؛ **لن، ق**[۲]**، پ، آ**: هرروز جنگی؛ **لی**: تدبیر جنگ؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل**[۲]**، ب** (و نیز **لن**[۲]**، س**[۲]: جنگ) **۳۱- ف، س- آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]): که؛ متن= **ف، ل**[۲] **۳۲- ق**: یلی **۳۳- لی، ل**[۲]**، ب**: جنگ؛ **بنداری**: و بقیت عساکر الفریقین ثمانية أشهر متقاتلین و متقابلین علی حالة واحدة

ز تنگی چُنان شد که چاره نماند — ز لَشکر همی[1] پودو[2] تاره نماند[3]
سَخُن رفتشان یك بیك هم زبان[4] — که از ماست بر ما بد آسمان[5]
ز هر دو[6] سپه خاست فریاد[7] و غَو[8] — فرستاده آمد بنزدیك[9] زَوْ
کجا[10] بهرەمان[11] زین سرای سپنج[12] — نیاید[13] بجز[14] درد و اندوه و رنج[15]
بیا تا ببخشیم روی زَمین — سراییم یك بادگر[16] آفرین
سر نامداران تهی شد ز جنگ — ز تنگی نُبد روزگار درنگ
برآن[17] برنهادند هر دو[18] سَخُن — که در دل ندارند کین کَهُن
ببخشند[19] گیتی به رسم و به داد — ز کار[20] گذشته نیارند[21] یاد
ز رودابد و شیر[22] تا مرز تور[23] — از آن بخش[24] گیتی بنزدیك و دور[25]
روارو چُنین تا به چین و ختن[26] — سپردند شاهی بدان[27] انجمن
ز مرزی کجا رسم[28] خرگاه بود — زَوْ و[29] زال را دست کوتاه بود
وُزین روی[30] ترکان نجویند[31] راه — چُنین بخش کردند تخت و کلاه
سُوی پارس[32] لَشکر برون راند زَوْ[33] — کهن بود، لیکن جهان کرد[34] نَوْ
سُوی زاولستان[35] بشد زال زر — جهانی گرفتند هریك[36] بهبر
پر از غلغل و[37] رعد شد کوهسار — زمین شد پر از رنگ و بوی[38] و نگار

۱- ب: ز دو لشکران **۲- س:** < و > **۳- ق:** سپه را همی قوت و باره نماند؛ **و:** ز لشکر همی نان و باره نماند **٤- لن، پ:** هم نشان؛ (**ل۳:** برزبان)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**) **۵- س، لی:** که بر ما بد آمد هم از (**لی:** همی ز) آسمان؛ **لن، ق۲:** که بر ما بد آمد بد (**ق۲:** سر آمد سر) آسمان؛ آ: که برما پر آمد بدید آسمان؛ متن= **ف، ل، ق، پ، و، ل۲، ب** (و نیز **لن۲، س۲**) **٦- ق۲:** ز مردو **۷- ق:** < و >؛ **س، لن، ق۲، لی، آ:** آواز؛ متن= **ف، ل، پ، و، ل۲، ب** **۸- ق۲، ل۲، ب:** غو **۹- ب:** به درگاه **۱۰- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ** (و نیز **لن۲**): که گر؛ **ق۲، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): که از؛ متن= **ف، ب** **۱۱- ل:** بهرمان؛ **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): بهرما؛ متن= **ف** **۱۲- ق۲:** زین سپنجی سرای **۱۳- لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): نیامد؛ **ل، س:** نیامد (یا: نیاید)؛ متن= **ف، ق، ل۲** **١٤- س، لی:** جزاز **۱۵- ق۲:** رای؛ **و:** نخواهد بدن جز غم و درد و رنج **١٦- ف، لن، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **لن۲**): بر یکدگر؛ **ق، پ** (و نیز **س۲**): یك بردگر؛ **ق۲:** با یکدگر؛ متن= **ل، س، لی** (و نیز **ل۳**) **۱۷- لن:** بدان؛ **ق، ل۲، ب:** برین؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۱۸- پ، و، ل۲، ب:** یکسر؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: بخش کردن زو طهماسب ممالك را **۱۹- ق، ق۲، آ، ل۲:** ببخشید؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۰- ق۲:** ز درد؛ آ: که کار **۲۱- لن، ق۲، آ:** ندارند؛ **ل۲:** ندارید؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۲- ل:** ز دریای بیکند؛ **س، آ:** ز رودابد شهر؛ **لن، لی، پ** (و نیز **لن۲**): ز رود ابل (**لن:** امل) شهر؛ **و:** پس از رود جیحون؛ **ب:** ز دروازهٔ شهر؛ (**ل۳:** درآورد در شهر)؛ متن= **ف** **۲۳- لن، لی، پ** (و نیز **لن۲**): روم؛ متن= **ف، ل، س، و، آ، ب** (و نیز **ل۳**)؛ **ل۲:** ز کوراب را تا بآموی و تور؛ (**س۲:** ز رودابـه رو تا سر مرز تور) **٢٤- و:** روی **۲۵- ل، و، آ:** ز نزدیك و دور؛ **لن، لی، پ:** گیتی و آباد بوم؛ متن= **ف، س، ل۲، ب**؛ **ق، ق۲** این بیت را ندارند **۲٦- ف:** تا به مرز ختن؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **بنداری** (۱۸- ۲۱): فاستقرت الحال علی أن یکون من حدّ رُوزابد و شیر الی منتهی أقصی الصین و الختن لأفراسیاب والتورانیة، و من هذا الجانب لزوّ والایرانیة **۲۷- ل، لن، پ:** بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۲۸- س، لن، ق۲، لی، پ، و** (و نیز **لن۲**): مرز؛ متن= **ف، ل، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**) **۲۹- ل، س، لن، لی، پ، و** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): ازو؛ **ق۲:** وزو؛ **ب:** ازآن؛ متن= **ف، ل۲**؛ **ق، آ** این بیت را ندارنـد **۳۰- و:** مرز **۳۱- پ:** نجستند؛ **ق** این بیت را ندارد **۳۲- آ:** فارس **۳۳- ب:** گو **٣٤- س:** بود؛ **پ، ل۲** این بیت را ندارند و **پ** بجای آن افزوده است:

چو بنشست بر تخت و گاه پدر — جهان را همی داشت با زیب و فر

۳۵- ل- پ، آ، ب (و نیز **ل۳، لن۲**): زابلستان؛ متن= **ف، و** (و نیز **س۲، بنداری**) **۳٦- پ:** یکسر؛ **ل۲** این بیت را ندارد **۳۷- س، لن، ق۲، لی، و، آ، ب:** < و >؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل۲** **۳۸- ل:** رنگ بوی؛ **ق:** رنگ و بو؛ آ: بوی و رنگ؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در **آ** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

جهان چون عروسی رسیده جوان[۱] / پر از چشمه و باغ و آب روان
چو مردم ندارد نهاد پلنگ / نگردد زمانه[۲] برو[۳] تار و تنگ
مِهان[۴] را همه انجمن کرد زَوْ[۵] / به دادار بر[۶] آفرین خواند[۷] نَو[۸]
فراخی که آمد ز تنگی[۹] پدید / جهان آفرین داشت آنرا کَلید
بهرسو یکی جشنگه ساختند / دل از کین و نفرین بپرداختند
چُنین[۱۰] تا برآمد برین[۱۱] پنج سال[۱۲] / نبودند آگه ز رنج هَمال[۱۳]
زمانه همانا شد از داد سیر / جهان[۱۴] خواست کاید به چنگال شیر
چو سال اندرآمد[۱۵] به هشتاد[۱۶] و شَش / بپژمرد سالار خورشیدفَش
ببُد بخت[۱۷] ایرانیان کُندرو[۱۸] / شد آن دادگستر بی آزار[۱۹] زَوْ[۲۰]

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زَوْطهماسپ[۲۱]

چُن آمد ز[۲۲] خوار ری افراسیاب / ببخشید گیتی و بگذاشت آب[۲۳]
نیاورد[۲۴] یك تن درود پشنگ[۲۵] / دلش[۲۶] پر ز کین بود و سر[۲۷] پر ز جنگ[۲۸]

۱- **لی**: شده نو جوان؛ **و**: شد از سر جوان؛ در **آ** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- **ل**: بگردد زمانه؛ **ق**: زمانه نگردد ۳- **لن**: بدو ٤- **ق، پ، ل**[۲]: جهان ۵- **و**: نو (پساوند ندارد) ٦- **ل**[۲]: < بر> (وزن ندارد) ۷- **ل، لی، ب**: کرد؛ **س، ق**: ساخت؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲] ۸- **ب**: گو ۹- **لن، ق**[۲]**، پ، آ**: فراخی که از تنگی آمد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- **س**: چنان ۱۱- **لی**: بدین ۱۲- **ف، ل، لن، ق، ل**[۲]**، ب** (و نیز **س**[۲]): سال پنج؛ متن= **س، ق**[۲]**، لی، پ، و** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]) ۱۳- **ف، ل**[۲]**، ب**: ز درد و ز رنج؛ **ل، ق** (و نیز **س**[۲]): کس از درد و رنج؛ **لن**: کسی را ز رنج؛ **پ**: ز رنج و وبال؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): نگشتند با یکدگر بدسگال؛ (**ل**[۳]: کس از رنج و هال)؛ متن= **س، ق**[۲]**، لی**؛ **آ** این بیت را ندارد ۱٤- **لن، ق**[۲]**، پ، آ، ب**: همی؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، و، ل**[۲]؛ در **ل** پس از این بیت بیت نخستین پ۲۰ دوباره آمده است؛ در **لن** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- **ب**: چو سالش برآمد ۱٦- **آ**: هفتاد؛ **ل** این بیت را ندارد؛ در **لن** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **ل**[۲] پس از این بیت بیت های ۴۲ و ۴۳ آمده‌اند ۱۷- **ف، لن** (و نیز **لن**[۲]): تخت؛ **ل، س، ق، ق**[۲]**، و، آ**: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ل**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= **لی، پ، ب** (و نیز **س**[۲]) ۱۸- **س**: تیزرو ۱۹- **س، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ**: جهاندار؛ متن= **ف، ل، ق، و، ب** ۲۰- **ق، ق**[۲]**، لی، آ**: نو؛ متن= **ف، ل، س، لن، پ، و، ب**؛ در **س** پس از این بیت بیت ۴۳ آمده است؛ **ل، لن- آ، ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

پادشاهی کرشاسب زو نه سال بود

پسر بُد مرورا (**ل، ق**: بود زورا؛ **آ، ب**: بودویرا) یکی خویش کام / پدر کرده بودیش کرشاسب (**لن**: کرشاسف) نام
بیامد نشست از بر تخت و گاه (**و، ب**: تختگاه) / بسر برنهاد آن کیانی (**ق**[۲]**، آ**: گرامی) کلاه
چو بنشست بر تخت و (**ق، ق**[۲]**، و، ب**: <و>) گاه پدر (**لی**: کرشاسب زو) / جهان را همی داشت با زیب و فر (**لی**: از ایران یکی آفرین خاست نو)

این سه بیت و سرنویس آن در **ف، س، ل**[۲] و نیز در ترجمهٔ **بنداری** نیست؛ در **ل، ق** پس از سه بیت بالا بیت های ۴۲ و ۴۳، و در **لن، ق**[۲]**- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) پس از سه بیت بالا بیت ۴۳ آمده است و **لی** پیش از آن بیت زیر را افزوده است:

وزان پس خبر شد به افراسیاب / که بیداربخت اندرآمد بخواب

۲۱- **ف**: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زو طهماسب و آمدن او بار دوم به ایران به جنگ؛ **ل**: پادشاهی کرشاسب؛ **لن، ق**[۲]**، لی، پ، و، آ، ب**: پادشاهی کرشاسب (**لن**: کرشاسف) زو (**آ**: زو کرشاسب) نه سال بود (**پ، ب**: < بود>)؛ **ل**[۲]: آگاهی یافتن از مرگ زو افراسیاب را؛ متن= آغاز **ف** ۲۲- **ل، لن، لی، پ، ب**: بیامد به؛ **س**: بیامد ز؛ **ق، ق**[۲]**، و، ل**[۲]: چو آمدز؛ **آ**: چو آمد به؛ متن= **ف** ۲۳- **لن، ق، لی**: بگذشت از آب؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲٤- **آ، ب**: بیاورد ۲۵- **لی**: درود از پشنگ؛ **ل**[۲]: درودش پشنگ ۲٦- **ل، لن، ق، پ، ل**[۲]**، ب**: سرش؛ **ق**[۲]: برش؛ متن= **ف، س، لی** ۲۷- **ل، لن، ق، پ، ل**[۲]: دل؛ **ق**[۲]: تن؛ **ب**: سرش پر ز کین و دلی؛ متن= **ف، س، لی** ۲۸- **و**: شد آن تیغ تیزش همه تیره رنگ (= ۳۷ب)؛ **آ**: شد آن تیغ روشن پر از تیره زنگ (= ۳۷ب)

فرستاده‌یی رفت نزدیك اوی[1] | به سال و به مه بُد که ننمود روی[2]
بدو روی ننمود هرگز پشنگ | شد آن تیغ روشن پر از تیره زنگ[3]
دلش خود ز تخت و کُله تفته[4] بود | ز[5] تیمار اغریرث[6] آشفته[7] بود
همی گفت: اگر[8] بخت[9] را سر[10] بُدی | چُن[11] اغریرثش[12] یار[13] درخَور بُدی[14]
تو خون برادر بریزی همی[15] | ز پرورده مرغی گریزی همی[16]
مرا با تو تا جاودان کار نیست | بنزد منت راه دیدار نیست[17]

چُنین تا برآمد برین روزگار | درخت بلا حنظل آورد بار[18]
به ترکان خبر شد[19] که زَوْ درگذشت | بران سان[20] که بُد تخت بی شاه[21] گشت
پر آواز شد گوش ازین آگهی | که بی کار[22] شد تخت شاهنشهی
پَیامی بیامد[23] بکردار سنگ[24] | به افراسیاب از دلاور پشنگ[25]
که بگذار[26] جیحون و برکش سپاه | ممان تا کسی برنشیند به گاه
ترا سوی دشمن فرستم به جنگ | همی بر برادر کنی روز[27] تنگ

یکی لَشکری ساخت افراسیاب | ز دشت[28] سپیجاب[29] تا رود آب

۱- آ: شد بنزديك اوی؛ **ل، ق۲، و، ل۲، ب**: فرستاده رفتی بنزديك (**ق۲**: ز نزديك) اوی؛ متن= **ف، لن، ق، پ** **۲- و، ب** (و نیز **س۲**): هیچ ننمود روی؛ **ل۲**: هیچ ننمود ازاوی؛ **ل، ق**: بدو سال و مه هیچ ننمود روی؛ **لن، ق۲، پ، آ** (و نیز **لن۲**): ز پیش (**ق۲**،آ: زنزد) پشنگ آن شه نامجوی؛ متن= **ف** (و نیز **ل۳**)؛ **س، لی** این بیت را ندارند؛ در **ل، لن، ق، ق۲، پ، و، ل۲، ب** (و نیز در **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت با بیت ۳۸ پس و پیش شده‌اند **۳- ل۲**: کینه ژنگ؛ **س، لی**: همی بود همچون دلاور نهنگ؛ **و**: که از کار او بود بر دوده ننگ؛ متن= **ف، ل، لن، ق، ق۲، پ، ب** (**ف، لن، ق۲**: رنگ)؛ **آ** این بیت را ندارد؛ در **س، لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **٤- ل- پ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳**): گشته؛ **و**: خفته؛ متن= **ف** (و نیز **لن۲، س۲**) **۵- ل، س، لن، ق۲، پ، ب**: به؛ متن= **ف، لی، و، ل۲** **٦- ق۲، و**: اغریرت؛ متن= **ف- ق، لی، پ، ل۲، ب** **۷- ل، ل۲** (و نیز **ل۳**): آغشته؛ **س**: کسته؛ **لن**: کشته؛ **ق۲، پ**: آکشته؛ متن= **ف، ق، لی، و، ب** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **آ** این بیت را ندارد؛ در **ل، لن، ق، ق۲، پ، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت با بیت ۳۶ و در **س، لی** با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن= **ف** **۸- ل**: گر **۹- و**: تخت **۱۰- ق۲**: رهبر **۱۱- ل- پ، آ، ب**: چو؛ **ل۲**: جز؛ متن= **ف** **۱۲- لن، پ**: اغریرتش؛ **ق۲**،آ: اغریرتت؛ **ل۲**: اغریرثش (حرف ششم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، ب** **۱۳- ف**: شاه؛ **ل**: یارو؛ **لن، ق۲**: بار؛ **ل۲**: نار (نقطه ندارد)؛ (**س۲**: باد)؛ متن= **س، ق، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳**) **١٤- و** (و نیز **لن۲**): ورا رای اغریرث افسر بدی **۱۵- ل۲**: چو خون برادر بریزد کسی **١٦- ل۲**: بسی **۱۷- بنداری** (بیت ۳۴- ۴۱): و کان أفراسیاب لما ارتحل من خوارالری و عبر جیحون قسم الممالك. و کان أبوه بشنك متغیرا علیه و مغتاظا عن جهة إقدامه علی قتل أخیه أغریرث. و کان لایجیب عن کتبه الیه، ولایمکن رسله من الدخول علیه. وکانت رسله تبقی علی بابه سنة کاملة لایسمع لهم کلاما، ولا یرفع بهم رأسا. و کان یقول علی سبیل التعنیف مخاطبا لابنه فی غیبته: لوکان الجد لك معاضدا و مساعدا لبقی لك أخوك عضعدا و ساعدا. أتفر ربیب طیر ثم تنحی علی أخیك بکل ضیر؟ فمن الآن لاسبیل لك الی الحضور بین یدّی، ولاطریق الی أن أنظر الیك أو تنظر الیّ **۱۸- س، لی** این بیت را ندارند؛ در **ب** این بیت پس از بیت ۴۴ آمده‌است؛ ← پ۲۱ **۱۹- لن، ق۲، پ، و، آ، ب**: خبر شد به ترکان؛ متن= **ف، ل، س، ق، لی، ل۲** **۲۰- س، لن، ق، لی، پ، و، ل۲، ب**: بدان سان؛ متن= **ف، ل، ق۲**،آ **۲۱- ل، ق، لی**: بی کار؛ **ل۲**: بیدار؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **س، لن، ق۲- ب** (و نیز در **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت ، و در **ل، ق** این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۳ آمده است؛ در **ل۲** این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۲ نیز آمده‌اند؛ پیاپی بیت های متن= **ف، بنداری**؛ فمضی علی ذلك مدّة من الزمان و تناهی الخبر بموت زوّ الی بشنك **۲۲- ل۲**: بی شاه؛ در **ب** پس از این بیت بیت ۴۲ آمده است؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

بدان سال کرشاسب زو درگذشت | ز گیتی همان بد چو او درگذشت

۲۳- آ: برآمد **٢٤- ف، و** (و نیز **لن۲**): ز نزد پشنگ؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **س۲**) **۲۵- ف، س، لی، و، ب** (و نیز **لن۲**): آن دلاور نهنگ (**ف**: پلنگ)؛ **ق**: از هوای پشنگ؛ متن= **ل، لن، ق۲، پ، آ، ل۲** (و نیز **س۲**) **٢٦- لن، لی، پ**: که بگذر ز **۲۷- ق۲**،آ: کار؛ **ل** این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ق** در اینجا سرنویس دارد: آمدن افراسیاب دوم نوبت به ایران **۲۸- س، لی**: مرز **۲۹- ف، س**: سسجاب (حرف دوم و سوم نقطه ندارد)؛ **ل، ق۲**: سنجاب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ **لن، ق، لی، ب** (و نیز **ل۳**): سبنجاب؛ **پ، و، آ** (و نیز **س۲**): سپنجاب؛ **ل۲**: سقلاب (وزن ندارد)؛ (**لن۲**: سبنجان)؛ متن تصحیح قیاسی است

که گفتــی زَمـین شد سپـهـر روان   همـی بارد از تیغ هنـدی روان[۱]
یکـایك به ایران[۲] رسـید آگـهـی   که آمـد خریدار تخـت مِهـی
سُوی زاولـسـتـان[۳] نهـادنـد روی   جهـان شد سراسـر[۴] پر از گفـت و گوی[۵]
بگـفـتـنـد با زال چنـدی درشـت   که گیتـی بس آسـان گرفـتـی[۶] به مشت
پس از[۷] سام تا تو شدی پهـلَوان   نبـودیم یك روز روشـن روان
سپـاهـی ز جیحـون بدین[۸] سو کشـید   که شد[۹] آفـتـاب از جهـان ناپـدید
اگـر چاره داری مرین را[۱۰] بسـاز   که آمـد سپـهـبـد به تنـگـی[۱۱] فراز
چُنـین گفـت با مهـتـران[۱۲] زال زر   که تا من به مردی ببـسـتـم کمـر[۱۳]
سُواری چو من پای در[۱۴] زین نگـاشـت[۱۵]   کسـی تیغ و گرز[۱۶] مرا برنـداشـت
[بـه دریا نهـنـگ و به کُه در[۱۷] پلنـگ   ز بیمـم نهـان گشـت در آب و[۱۸] سنـگ]
به جایی که من پای بفـشـاردُم   عِنـان[۱۹] سُواران[۲۰] شدی[۲۱] پاردُم
شب و روز در جنـگ یکـسـان بُدم   ز پیری همـه سالـه ترسـان بُدم[۲۲]

۱- **ف**: گفتی روان؛ **ق۲**: چو اختر همی تافت نعل اندران؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**)؛ **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) پس از این بیت افزوده‌اند:

به نه(**ب**: سیوم)سال(آ: ماه)این(**ق۲**: بدین‌گونـه‌آن)لشکـرنامـدار   بیامـدروارو(**لن**: زتوران؛ **لی**: بخواری؛ **پ**: زخواری)سوی‌کارزار

ف، **ل**، **س**، **ق**، **و**، **ل۲** این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست   ۲- **ق**: بزابل به ایران؛ **ل۲**: به ایران و کابل؛ **پ**، **ب** در اینجا سرنویس دارند، **پ**: رفتن ایرانیان بنزد زال و یاری خواستن؛ **ب**: باز آمدن افراسیاب به ایران؛ **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، **آ**، **ب** (و نیز **ل۳**، **لن۲**، **س۲**) پس از بیت ۵۰ افزوده‌اند:

بـدان سـال کـرشـاسـب زو درگـذشـت   زگیتی همان(**پ**: همو)بدچواودرگذشت(آ: هوارابکشت؛ **ب**: هویدابگشت)

ق۲: زگیتی درود و ببرد آنچ کشت

ببـد (**ق۲**، آ، **ب**: چو شد) تخـت ایران ز شاهـان تهـی   ندیدند کس (**لن**، **لی**: ندیده کسی؛ **پ**: ندیدند خود) روزگار بهی
برآمـد همـه (**لن**، **لی**: همان) کوی و برزن بجوش   وز(**ق۲**،آ،**ب**: از)ایران‌سراسربرآمد(**ق۲**: برآمدسراسر)خروش

ف،**ل**،**س**،**ق**،**و**،**ل۲** این بیت‌ها راندارندودرترجمهٔ **بنداری** هم نیست   ۳-**ل**،**س**،**لن**،**ق۲**،**لی**،**پ**،آ،**ب**(ونیز**ل۳**،**لن۲**): زابلستان؛ متن=**ف**،**ق**،**و**،**ل۲**(ونیز**س۲**، **بنداری**)   ٤-**ف**: جهان‌سربسرشد؛ **ب**: جهانی سراسر؛ متن=**ل**-**ل۲**(ونیز**ل۳**،**لن۲**،**س۲**)   ۵-**ل**،**ق**: گفت‌گوی؛ **پ**: گفت<وگوی>؛ متن=نه‌دستنویس دیگر؛ درولت‌های این بیت پس وپیش شده‌اند   ٦-**ل**،**س**،آ(ونیز**ل۳**): تن‌آسان‌گرفتی؛ **لن**،**پ**: گرفتی بس آسان؛ **ق۲**: سراسرگرفتی؛ متن=**ف**،**لی**،**و**،**ل۲**،**ب**(ونیز **لن۲**،**س۲**)؛ **ق** این بیت راندارد   ۷-**س**،**لی**،آ: <از>؛ **ق**،**پ** این بیت راندارند؛ متن=هفت‌دستنویس دیگر؛ **لن**،**ق۲**،**لی**،**پ**،آ،**ب**(ونیز**ل۳**،**لن۲**،**س۲**)پس از این بیت افزوده‌اند:

چــو زو درگـذشـت و پـسـر شـاه بـود   بـدان را ز بـد دسـت کـوتـاه بـود
کـنـون شـد جـهـانـجـوی کـرشـاسـب شـاه   کنون‌گشت‌بی‌تاج‌وبی‌سرسپاه(**پ**: بی‌شاه‌شهروسپاه)

ف،**ل**،**س**،**ق**،**و**،**ل۲** این بیت‌ها راندارندودرترجمهٔ **بنداری** هم نیست   ۸-**س**،**لن**: برین   ۹-**و**: گشت؛ **و** دراینجاسرنویس دارد: بازآمدن افراسیاب به ایران‌زمین بار دیگـر   ۱۰- **ق۲**، **لی**، **ب**: اگـر چارهٔ دانـی این را؛ آ: اگـر چارهٔ دانـی اکـنـون؛ متن= هشـت دسـتـنـویس دیگـر   ۱۱- **ل۲**: بنیکـی   ۱۲- **ل**، **ق**: پس نامور؛ متن= ده دستنویس دیگر   ۱۳- **ل**- آ، **ب** (و نیز **ل۳**، **لن۲**): که تا من ببستم به مردی کمر؛ متن= **ف**، **ل۲** (و نیز **س۲**)   ١٤- **ل**، **لن**، **ق**، **لی**، **پ**، آ: بر؛ متن= **ف**، **س**، **ق۲**، **و**، **ل۲**، **ب**   ۱۵- آ، **ل۲**: نداشت   ١٦- **و**، **ل۲**: گرز و تیغ   ۱۷- **و** (و نیز **لن۲**): بر؛ متن= **ف**   ۱۸- **و** (و نیز **لن۲**): <و>؛ متن= **ف**؛ **ل**- **پ**، آ، **ل۲**، **ب** (و نیز **ل۳**، **س۲**) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست   ۱۹- **لن**: لگام   ۲۰- **ق۲**: سواری؛ **ل۲**: دلیران   ۲۱- **لن**، **ق۲**، **لی**، **پ**، آ، **ل۲**: بدی؛ متن= **ف**، **ل**، **س**، **ق**، **و**، **ب**   ۲۲- **لن**، **ل۲** این بیت را ندارند

کنـون چنبـری گشـت پشـت[۱] یلی   نتـابـم[۲] همـی[۳] خنـجـر کاولـی[۴]
[مـن ار بازمـانـدم ز تاب و توان   نمـانـدم[۵] جهـان بی جهـان پهـلَوان]
کنـون گشـت[۶] رسـتـم چو سرو سهـی   بروبـر برازد[۷] کلاه مِهـی
یکـی اسـپ جنـگـیش باید همـی   کزین[۸] تازی اسـپـان[۹] نشـاید[۱۰] همـی
بجـویم یکـی[۱۱] بارهٔی پیلتـن   بخـوانـم[۱۲] ز هر سو که هست[۱۳] انـجمن
بخـوانـم به رسـتـم بر این[۱۴] داسـتـان   که هسـتـی بدین کار[۱۵] همـداسـتـان؟
که بر کینـهٔی تخـمـهٔی زادشـم[۱۶]   ببـنـدی[۱۷] میان[۱۸] و نبـاشـی[۱۹] دُژم؟

همـه شهـر ایران ز[۲۰] گفـتـار اوی[۲۱]   ببـودنـد شادان دل و تازه‌روی[۲۲]
ز هر سو هیونـی[۲۳] تگـاور بتـاخـت   سِلیح[۲۴] سُواران جنـگـی بسـاخـت
به رسـتـم بگـفـت ای گَو[۲۵] پیلتـن   به بالا سرت برتـر از انـجـمـن
یکـی کار پیش ست و رنـجـی[۲۶] دراز   کزو بگـسـلد[۲۷] خواب[۲۸] و آرام و ناز
ترا نوز[۲۹] پورا گه[۳۰] رزم نیسـت   چه سازم که هنـگـامـهٔی بزم نیسـت
هنـوز از لبـت شیر بوید همـی   دلـت ناز و شادی[۳۱] بجـوید همـی
چگـونـه فرسـتـم به دشـت نبـرد   ترا پیش[۳۲] شیران[۳۳] پرکـین و درد[۳۴]

۱- **ل، پ**، آ: یال ؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])   **۲- ل**: نتابد ؛ **س**، آ، **ب** (و نیز **لن**[۲]، **س**[۲]): نیابم ؛ **و**: بتابم ؛ متن= **ف**، **لن**، **ق**، **ق**[۲]، **لی**، **پ**، **ل**[۲] (و نیز **ل**[۳])   **۳- لن**: بکف   **٤- ف- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): کابلی ؛ متن تصحیح قیاسی است ؛ **ف** پس از این بیت افزوده است:

سرآمد جوانی و پیری رسید   گل زرد بر جای خیری رسید

ق، **و** (و نیز **لن**[۲]) پس از بیت ۶۱ افزوده‌اند:

سپاسم گر این (**و**، **لن**[۲]: کزین) بیخ سست (**لن**[۲]: شست)   شد ازوی (**و**: تناور) یکی شاخ فرخ برست

و(ونیز**لن**[۲])پس ازبیت بالا یك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

که از وی همی سر به گردون رسد   ببینم به مردی که تا چون رسد

۵-(**لن**[۲]: نمانم) ؛ متن=**ف**،**و** ؛ **ل**-**پ**،**آ**،**ل**[۲]،**ب**(ونیز**ل**[۳]،**س**[۲])این بیت راندارندودرترجمهٔ **بنداری** هم نیست   **٦-لن**: ولی گشت ؛ (**س**[۲]: ببالید)   **۷-ف**،**ل**: بروبرفرازد ؛ **س**: بتابد بروبر ؛ **لن**،**ق**[۲]،**لی**،**آ**: بزیبد بروبر ؛ **پ**،**ب**: نزیبد بروبر ؛ **و** (ونیز **لن**[۲]): که زیبد بروبر ؛ **ل**[۲]: برآرد مراورا(←برازد. . .) ؛ (**ل**[۳]: برازدبدوبر ؛ **س**[۲]: برازدبروبر) ؛ متن=**ق**   **۸-س**: که زین ؛ **و**: وزین ؛ **ل**[۲]: ازین ؛ متن=نه دستنویس دیگر   **۹-پ**: اسب اورا   **۱۰-لی**: نتابد ؛ در**ق** این بیت وبیت سپسین پس ازبیت ۶۷ آمده‌اند   **۱۱-ف**: همی ؛ متن=**ل-ب**(ونیز**ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲])   **۱۲-ل**،**س**،**لن**،**ب**: بخواهم ؛ متن=هشت دستنویس دیگر   **۱۳-ف**: یکی ؛ **ل**[۲]: که شد ؛ متن=**ل-آ**،**ب**(ونیز**ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲])   **١٤-و**: بخوانم بررستم این ؛ **ل**[۲]: برانم برستم بدین   **۱۵-ل**،**لن**،**ق**،**پ**،**و**،**ل**[۲]: برین کار ؛ **ق**[۲]: که هست اوبدین کار ؛ **لی**: ببینم که اوهست ؛ **آ**: که هست اوبرین کار ؛ متن=**ف**،**س** ؛ **ب** این بیت راندارد ؛ در**ق**[۲] این بیت بابیت سپسین پس وپیش شده است   **١٦-ق**: تخم آزادشم ؛ **آ**: که بر تخمهٔ کین نیازادشم(!)   **۱۷-لی**،**آ**،**ب**: ببندد   **۱۸-ل**[۲]: میان را   **۱۹-و**: دل نداری ؛ **آ**،**ب**: ونباشد ؛ در**ق**[۲] این بیت بابیت پیشین پس وپیش شده است ؛ در**ق** پس از این بیت بیت های ۶۴ و۶۵ آمده‌اند   **۲۰-س**،**لن**،**ق**[۲]،**لی**،**پ**،**آ**،**ل**[۲]،**ب**: به ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**و**   **۲۱-ق**: او   **۲۲-ق**،**آ**: رو   **۲۳-ل**،**لن**،**ق**[۲]،**لی**،**پ**،**آ**،**ب**: هیون ؛ متن=**ف**،**س**،**ق**،**و**،**ل**[۲]   **٢٤-س**،**ق**،**لی**،**آ**: سلاح ؛ متن=هشت دستنویس دیگر   **۲۵-ل**،**لن**-**آ**،**ب**(ونیز**لن**[۲]،**س**[۲]): به‌رستم چنین گفت کای ؛ متن=**ف**،**س**،**ل**[۲](ونیز**ل**[۳])   **٢٦-س**،**لن**،**ق**[۲]،**لی**،**پ**،**آ**،**ل**[۲]،**ب**: رنج ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**و**   **۲۷-ق**: بگذرد   **۲۸-س**،**ق**،**و**: خورد ؛ **ل**[۲]: پشت ؛ متن=هشت دستنویس دیگر   **۲۹-لن**،**لی**،**پ**،**آ**: نیز ؛ متن←   **۳۰-س**: ترا آگهی دانم از ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**ق**[۲]،**و**،**ل**[۲]،**ب**   **۳۱-لی**: خوشی ؛ **ل**[۲]: آرام ؛ در**س** از این بیت تا پایان داستان افتاده است ؛ **ق**[۲]،**لی**،**پ**،**آ**،**ب** در اینجا سرنویس دارند: پهلوانی دادن زال رستم را (**ق**[۲]. . . وطلب کردن رخش)   **۳۲-لن**،**ق**[۲]،**پ**،**آ**،**ب**: نزد ؛ متن=**ف**،**ل**،**ق**،**لی**،**و**،**ل**[۲]   **۳۳-ل**: ترکان ؛ متن=**ف**،**لن-ب**(ونیز**ل**[۳]،**لن**[۲]،**س**[۲])   **٣٤-لن**،**پ**(ونیز**لن**[۲]): مردان مرد

چه گویی چه سازم[۱]؟ چه پاسخ[۲] دهی؟   که جفت[۳] تو بادا مِهی و بهی[۴]
چُنین گفت رستم به دستان سام   که من نیستم مرد آرام و جام[۵]
چُنین[۶] یال و این چنگ های[۷] دراز   نه والا[۸] بود پروریدن به ناز
اگر دشت کین آید و[۹] جنگ[۱۰] سخت   بود[۱۱] یار یزدان و[۱۲] پیروز[۱۳] بخت
ببینی که در جنگ من چون شوم   چو با بور گل رنگ در خون شوم[۱۴]
یکی ابر دارم به چنگ اندرون   که هم رنگ آبست و[۱۵] بارانْش خون
همی آتش افروزد از گوهرش   همی[۱۶] مغز پیلان بساود[۱۷] سرش
هرآنگه که جوشن بهبر[۱۸] درکشم   زمانه برآرد سر از ترکشم[۱۹]

۱- **لن،پ**: چه سازی؛ **و**: چه سازم چه گویم   ۲- **ق**: فرمان   ۳- **ف**: گفت؛ **ل[۲]** این بیت را ندارد؛ متن= **ل،لن-آ، ب**(ونیز **ل[۳]**،**لن[۲]**،**س[۲]**)   ٤- **ل،ق،آ، ب**: بهی ومهی؛ متن= **ف،لن،ق[۲]،لی،پ،و**؛ **ق،ق[۲]**(ونیز **ل[۳]**) پس از این بیت و **ب** پس از بیت ۷۶ و **ل** پس از بیت ۷۷ افزوده اند (در **ب** بیت 1 پس از بیت 14 آمده است):

چنین پاسخ آورد رستم بدوی   که ای نامور مهتر (**ق[۲]**: مهتر نامور) نامجوی
همانا فراموش کردی ز من   دلیری نمودن بهر انجمن
ز کوه سپید (**ب**: سفید) و ز پیل ژیان   گمانم که آگاه بد پهلوان
کنون گر بترسم ز پور پشنگ   نماند زمن در جهان بوی و رنگ (**ق** ندارد)
کنون گاه رزمست و آویختن   نه هنگام ننگست و بگریختن (**ل** ندارد)
ز (**ب**: از) افکندن شیر شیرست مرد   همان جستن رزم و ننگ و نبرد (**ل** ندارد)
ب: همان جشن اوراوجنگ ونبرد
زنان را از آن نام ناید بلند   که همواره (**ب**: پیوسته) درخوردن وخفتن اند (**ق** ندارد)
ق[۲]: که پیوسته درخفتن وخوردن اند
بدو گفت زال ای دلیر و (**ق، ب**: < و >) جوان   سر نامداران و پشت گوان
ز کوه سپند و ز پیل سپید   فزودی (**ب**: که گفتی) و دادی دلم را نوید
ق[۲]: سرودی دلم راو دادی امید
همانا که آن (**ب**: این) رزم (**ل**: رزمت؛ **ق[۲]**: رسم) آسان بدی   دلم زان (**ب**: زین) سخن کی (**ق[۲]**: کم) هراسان بدی
ولیکن ز کردار (**ل**: ترکان) افراسیاب   شب تیره من سر (**ق[۲]**،**ب**: رفتن) نیارم به (**ب**: نه آرام و) خواب
چگونه فرستم ترا پیش (**ق[۲]**: نزد) اوی   که ترکی دلیرست وپرخاشجوی (**ب**: وهم جنگجوی؛ **ل** ندارد)
ترا گاه بزمست و آرام و (**ل**: آوای) رود   کشیدن می و پهلوانی سرود
نه هنگام رزمست و ننگ (**ب**: جنگ) و نبرد   برآوردن از خاك بر ماه گرد (**ق** ندارد)

۵- در **پ** این بیت پس از بیت ۸۳ آمده است؛ در **ب** پس از این بیت بیت هایی افزوده است (← **پ**۴)   ٦- **ب**: مرین   ۷- **پ**: لفجهای   ۸- **ل**: زیبا؛ **ق[۲]**: نیکو؛ در **ل** روی بیت های ۷۶ و ۷۷ خط کشیده و پس از آن بیت هایی افزوده است (← **پ**۴) و سپس بیت های ۷۶ و ۷۷ را از نو آورده است   ۹- **لن، پ، ب**: کینست اگر؛ **ق[۲]**: کینست ور؛ **آ**: کینست وگر؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل[۲]**   ۱۰- **ل، ق[۲]**: رزم؛ **پ**: چنگ؛ متن= **ف، لن، ق، لی، و، آ، ل[۲]، ب**   ۱۱- **ق[۲]**: مرا   ۱۲- **ل، لن، ق[۲]- ب** (ونیز **لن[۲]، س[۲]**): < و >؛ متن= **ف، ق** (ونیز **ل[۳]**)   ۱۳- **لی، آ**: فیروز؛ در **ق[۲]، آ، ب** پس از این بیت بیت ۸۲ آمده است   ١٤- **ل**: که با بور گل رخش در جوشنم؛ **ق، ق[۲]، آ، ب**: چو اندر صف ریزش خون شوم؛ **و** (ونیز **لن[۲]**): چو با رخش گلگون به هامون شوم؛ **ل[۲]**: که با سینه(!) گلرنگ در خون شوم؛ **لن، پ** این بیت را ندارند؛ متن= **ف، لی** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**؛ **لی، ل[۳]، س[۲]**: که با . . .)   ۱۵- **ق[۲]**: < و >؛ **لن، لی، پ** این بیت را ندارند   ١٦- **ل[۲]، ب**: همه   ۱۷- **ل، ق[۲]، و، آ، ب** (ونیز **لن[۲]**): بساید؛ **لی**: بکوبد؛ (**س[۲]**: بسوزد)؛ متن= **ف، ق** (ونیز **ل[۳]**)؛ **لن، پ** این بیت را ندارند   ۱۸- **لن، ق[۲]، پ، آ، ب** (ونیز **لن[۲]**): هرآنگه که چاچی بزه؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل[۲]** (ونیز **ل[۳]، س[۲]**)   ۱۹- **آ، ب**: ستاره فرو ریزد از ترکشم (**آ**: جوشنم)؛ در **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در **آ، ب** این بیت پس از بیت ۸۸ نیز آمده است و در آنجا در **آ** لت دوم و در **ب** لت یکم برابر متن است؛ در **ق[۲]** این بیت پس از بیت ۸۸ آمده است

هرآن[1] باره کو زخـم گوپـال من — ببـینـد برو بازُوی[2] و یال من
نتـرسـد ز عرّاده و منـجـنـیق — نگـهـبـان نبـاید[3] وُرا[4] جاثـلیق
چو من پیش دارم[5] سِنـانـم به چنگ[6] — ببـرّد ز خون دل پیل رنـگ[7]
یکـی باره باید چو پیلی[8] بلنـد — چُنـان چون من آرم به خمّ کمـنـد
که زور مرا پای دارد[9] به جنـگ — شتـابش نیاید[10] به روز درنـگ[11]
یکـی گرز خواهـم[12] چو یك لخـت کوه — چو پیش من آینـد توران گروه[13]
شکـسـتـه کنـم من بدو[14] پشـت پیل — ز خون رود رانـم چو دریای نیل
که روی زَمـین را کنـم بی سپـاه[15] — که خون بارد ابـر انـدر آوردگـاه[16]

چُنـان شد ز گفـتـار او پهـلَوان[17] — که گفـتـی[18] برافشـانـد خواهـد روان
گله هرچـه بودش به[19] زاولـسـتـان[20] — بیاورد، لخـتـی[21] ز[22] کاولـسـتـان[23]

۱- ل۲: همان ۲- لن، ق، پ: بازو؛ متن= ف، ل، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب؛ در پ پس از این بیت بیت ۷۶ آمده است ۳- ل، لن، پ: نباشد؛ ل۲: نشاید؛ متن=ف،ق،ق۲،لی،و،آ ٤-آ: ترا؛ ب این بیت را ندارد ۵-و،آ،ب(ونیز لن۲،س۲): چوسرپیش دارد؛ ل۲: که‌تن پیش دارد ٦-لی: سرمیش داردعنانم بجنگ ۷- ق۲،آ: بگیرد به(آ: ز) خونش دل(آ: دل از) سنگ رنگ؛ لی: ستایش نیابد بروز درنگ؛ و: بگیرد ز خون دلش نیل رنگ؛ ل۲ ببرد ز خون و دل یك ز رنگ(!)؛ ب: شتابش نباشد بر و بر درنگ(=۸۷ب)؛ (لن۲: بگیرد ز خونش دل نیل رنگ؛ س۲ بگیرد به خونش دل سنگ تنگ)؛ متن=ف،ل؛ لن،ق،پ این بیت را ندارند ۸-لن، ق۲، لی، آ، ب: کوهی؛ پ: کوه؛ ل۲: پیل؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، و ۹- لن، ق۲، لی، آ: تاب دارد؛ پ: تاب آرد؛ متن= ف، ق، و، ل۲ ۱۰- ق۲، آ: نباشد؛ ل۲: ستایش نیاید؛ متن ← ۱۱- لن، لی، پ: بگیرد (لی: نگوید) زخونش دل سنگ رنگ (= ۸۵ب)؛ متن= ف، و؛ ل، ق، ب این بیت را ندارند ۱۲- ل۲: باید ۱۳- ل، لن- پ، آ، ل۲، ب (و نیز ل۳، لن۲، س۲): گر (لن، آ، ب، لن۲: که؛ ل۲: چو) آیند پیشم (ق، لی، ل۲، ب، س۲: آید به پیشم) ز توران (آ: ترکان) گروه؛ و: که آید زتوران به پیشم گروه؛ متن= ف؛ لن، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

سرانـشـان بکـوبـم بدان (پ: بران) گرز بر — نـبـایـد بـرم هـیـچ پـرخـاشـخـر

۱٤- ف: بدان؛ متن= ل، ق، پ، ل۲؛ لن، ق۲، لی، و، آ، ب (ونیز ل۳، لن۲، س۲) این بیت را ندارند ۱۵- لن، پ: گرایدونك رزمی بود بی سپاه؛ ق۲، لی، آ، ل۲، ب (ونیز ل۳، س۲): گر (ق۲: چو) آینـد (آ، ب: گراینـده) رزمی کنم بی (آ: با) سپـاه؛ و (ونیز لن۲): یکی رزم سازم چنـان بی سپاه؛ متن= ف، ل ۱٦- لن، پ، ب: که خون ریزد (ب: بارد) از ابر آوردگاه؛ ق۲: که خون بازدارد برآوردگاه؛ متن= ف، لن، لی، و، آ، ل۲ (ونیز لن۲، س۲)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل، پ پس از این بیت و ق پس از بیت پیشین افزوده‌اند:

نـبـاشـد خـدنـگ مـرا پـایـدار — کجـا زآهـین کوه گیرد (ق: یابـد؛ پ: کرده باشـد) گذار

لن پس از بیت ۹۰ و پ پس از بیت بالا افزوده‌اند:

هـمـه رسـم و راه پـلـنـگ آورم — سـر سـرکـشـان زیـر چـنـگ آورم

۱۷- ق: چنان شد زشادی دل پهلوان ۱۸- لی: گویی؛ ق پس از این بیت و ب پس از بیت پیشین افزوده‌اند:

بپـاسـخ چنـیـن گفـت دسـتـان سـام — که ای سیرگـشـتـه (ب: ناگـشـتـه) زآرام و جام
بیارم برت گرز سام سوار — که دارم ز وی (ب: ازو) در جهـان یادگـار
فکـنـدی بدان گـرز پیـل ژیـان — که جاوید باشـی و روشـن روان (ب: بادی توای پهـلوان)
بفـرمـود تا گرز سام سوار (ب: بنـام) — بیارنـد زی پهـلو نامـدار (ب: شادکـام)
تـهـمـتـن چـو گـرز نـیـا را بـدید — دو لـب کـرد خـنـدان و شـادی گـزیـد
یکـی (ب: همـی) آفـرین خوانـد بر زال زر — کـه ای پـهـلـوان جـهـان سـربـسـر
یکـی اسـب خـواهـم کـجا گـرز مـن — کـشـد این چـنـیـن فـرّه و بـرز مـن
سـپـهـبـد ز گـفـتـار او خـیـره مـانـد — بـرو هـر زمـان نـام یـزدان بخـوانـد

۱۹- لن، پ، ل۲: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل۲، ب: زابلستان؛ ق۲: کابلستان؛ متن= ف، و ۲۱- لن، لی: چندی؛ ق۲، ب: بهری؛ پ: وچندی؛ آ: و بهری؛ متن= ف، ل، ق، و، ل۲ ۲۲- ل، ب: به؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- ف، ل، لن، ق، لی- ب: کابلستان؛ ق۲: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است

همه پیش رستم همی راندند　　برو[۱] داغ شاهان[۲] همی خواندند
هراسپی که رستم کشیدیش پیش[۳]　　به پشتش بر افشاردی[۴] دست خویش
ز نیروی او پشت کردی به خم　　نهادی به روی زَمین بر شکم
چُنین تا ز[۵] کاول[۶] بیامد زرنگ[۷]　　فسیله همی تاخت از رنگ رنگ
یکی مادیان تیز بگذشت خِنگ　　برش چون بر شیر و[۸] کوتاه‌لِنگ
دو گوشش چو دو خنجر آبدار[۹]　　بر و یال فربی[۱۰]، میانش[۱۱] نزار[۱۲]
یکی کرّه از پس[۱۳] به بالای اوی[۱۴]　　سرین[۱۵] و برش هم به پهنای اوی[۱۴]
سیه چشم و افراشته[۱۶] گاودُم　　سیه خایه و تند و پولادسُم[۱۷]
تنش پر نگار از کران تا کران　　چو داغ گل سرخ بر زعفران[۱۸]
همی رخش خوانیم و[۱۹] بورابرش ست　　به رنگ آتشی و به خوی آتش ست[۲۰]
چو رستم بدان مادیان بنگرید　　مران[۲۱] کرّه‌ی پیلتن را بدید
کمند کیانی همی داد خم　　که آن[۲۲] کرّه را باز گیرد ز رم[۲۳]
به رستم چُنین گفت چوپان پیر　　که ای مهتر[۲۴] اسپ کسان را مگیر
بپرسید رستم که این[۲۵] اسپ کیست　　که از داغ دو روی رانش تهیست[۲۶]

۱- **ق، لی، ب**: بدو　**۲- ب**: شاهی　**۳- لن، لی، پ**: کشیدی به پیش　**٤- ل، لی**: بیفشاردی؛ **لن، پ**، آ (ونیز **لن**[۲]): فشردی همی؛ **ق**[۲]، **ب**: فشردی کف؛ متن= **ف، ق، و، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **س**[۲])　**۵- ق**[۲]: به　**٦- ف، ل، لن- ب**: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است　**۷- لن**: بیاورد زنگ؛ **لی**، آ: بیامد ز زنگ؛ **پ، ب**: بیاورد درنگ؛ متن= **ف، ل، ق**[۲]، **ل**[۲]؛ **ق، و**: چنین تا بیامد زکابل زرنگ (**و**: کرنگ)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، لی، پ، و**: رخش گرفتن رستم از رمهٔ (**و**: گلهٔ) کابلستان (**پ**: کابل)؛ **ل**[۲]: هزیمت آوردن رستم رخش را　**۸- ل**: <و>　**۹- ق**: تابدار　**۱۰- ل، لن، ق، لی- ب** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): فربه؛ متن= **ف، ق**[۲] (ونیز **س**[۲])　**۱۱-** آ: دورانش　**۱۲- ل**: نژار　**۱۳- ق**: در پی　**١٤- ل، ق، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲]، **ب**: او؛ متن= **ف، لن، و**　**۱۵- ق**: سرون؛ **لی**: سرش؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز **س**　**١٦- ل، لن، ق، پ** (ونیز **ل**[۳]، **لن**[۲]): بور ابرش و؛ **ق**[۲]، آ: شرزه برو؛ **لی**: لنگ افکن و؛ **و**: افراشته و؛ (**س**[۲]: افراخته)؛ متن= **ف، ل**[۲]　**۱۷- لی**: خم؛ در **ب** از این بیت تا بیت ۱۵۴ افتاده است؛ **لن، لی، پ** (ونیز **لن**[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

سنان‌گوش و مه‌تازش و چرخ‌گرد　　زمین کوب (**لی**: کوش) و دریابر و ره‌نورد
گرازنده از پیش و ره بر ز پس　　جهنده رهان و (**لی**: خمیده زهارو) گریزنده رس(!)
پ: چمنده‌رهاوگرازنده‌رس(!)
از اندیشهٔ دل سبك‌پوی‌تر　　ز رای خردمند ره پوی (**لی، پ**: ره‌جوی) تر
چه بر آب بودی چه بر خشك راه　　به روز از خور افزون شدی شب ز ماه

۱۸- ق[۲]، آ: ارغوان؛ **بنداری** (بیت ۹۹- ۱۰۱): وخلفها مهر جذع فی قدّالأم، طامح الطرف، مطهم الخلق،ململم الکفل، ضافی الذنب، صافی اللون، فی أوصاف کثیره ذکرها؛ **لن، لی** (ونیز **لن**[۲]) پس از بیت ۱۰۱ افزوده‌اند:

به شب مورچه بر (**لی**: ار) پلاس سیاه　　نمودی به گوش (**پ**: بدیدی به چشم) از دو فرسنگ راه
به نیروی پیل و به بالا هیون　　به زهره چو شیر آن که بیستون

۱۹- ل: <و>؛ **و**: خوانند و　**۲۰- ل، و، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]، **س**[۲]): به خوی (**ل، و**: خو) آتشی و به رنگ آتش است؛ **لن، ق**[۲]، **پ**، آ (ونیز **لن**[۲]): به خوبی چو آب و به رنگ (**پ**: بتك) آتش است؛ **لی**: بتك بادپای و به رنگ آتش است؛ متن= **ف**؛ **ق** این بیت را ندارد؛ در **لن، لی، پ**، آ (ونیز **لن**[۲]) این بیت پس از بیت ۱۰۷، در **ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]) پس از بیت ۱۰۸ و در **ق**[۲] (ونیز **س**[۲]) پس از بیت ۱۰۹ آمده است؛ پیایی بیت متن= **ف، ل، و**　**۲۱- ق، لی**: همان؛ **ق**[۲]: میان　**۲۲-** آ: تا　**۲۳- ق**[۲]: زدم؛ آ، **ل**[۲]: بدم　**۲٤- ل**[۲]: مرد؛ **ل**[۲] در اینجا سرنویس دارد: مناظرهٔ چوپان با رستم و گرفتن رخش　**۲۵- ف، لن**: <این> (وزن ندارد)　**۲٦- ل**: که دورانش از داغ آتش تهیست؛ **لن، ق**[۲]، **لی، پ**، آ، **ل**[۲] (ونیز **لن**[۲]، **س**[۲]): که از داغ روی دورانش تهیست؛ متن= **ف، ق، و** (ونیز **ل**[۳]: دو رویه)

چُنین[۱] داد پاسخ که داغش مجوی   کزین هست هرگونه‌یی گفت وگوی[۲]
خداوند این را[۳] ندانیم کس   همی رخش رستمْش خوانیم و[۴] بس
سه[۵] سال ست تا این به زین[۶] آمده‌ست   به چشم[۷] بزرگان گزین[۸] آمده‌ست
چو مادرش بیند کمند[۹] سُوار   چو شیر[۱۰] اندرآید کند کارزار
بینداخت رستم کیانی کمند   سر ابرش[۱۱] آورد ناگه به بند[۱۲]
بیامد چو شیر ژیان[۱۳] مادرش   همی خواست کندن به دندان سرش[۱۴]
بغرّید رستم چو شیر ژیان   از[۱۵] آواز او خیره شد مادیان
بیفتاد و برخاست[۱۶] و برگشت[۱۷] ازوی[۱۸]   به سوی گله[۱۹] تیز[۲۰] بنهاد روی
بیفشارد[۲۱] ران رستم زورمند[۲۲]   برو[۲۳] تنگ تر[۲۴] کرد خمّ کمند
بیازید چنگال گردان[۲۵] بزور   بیفشارد[۲۶] انگشت بر[۲۷] پشت بور
نکرد ایچ پشت از فشردن تهی   تو گفتی ندارد همی[۲۸] آگهی
به دل گفت کین برنشست من ست   کنون کار کردن بدست من ست
کشد جوشن و خود و گوپال من[۲۹]   تن پیلوار و بر و[۳۰] یال من[۲۹]
ز چوپان بپرسید کین اژْدَها   به چندست و این را که داند[۳۱] بها
چُنین داد پاسخ که گر رستمی   برو[۳۲] راست کن روی[۳۳] ایران زَمی[۳۴]
مرین را[۳۵] بروبوم ایران بهاست   برین بر تو[۳۶] خواهی جهان کرد راست[۳۷]
لب رستم از خنده شد چون بُسَد[۳۸]   همی گفت[۳۹] : نیکی ز یزدان سَزد[۴۰]

۱- لی: بدو **۲- ل، ق**: گفت گوی؛ **لی**: همی رخش رستمش خوانیم و بس (=۱۰۸ب)؛ در **لن، لی، پ، آ** (ونیز **لن**[۲]) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است **۳- ف**: او را؛ متن= **ل، لن، ق، ق**[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **٤- لن، ق، ق**[۲]**، پ**: <و> ؛ متن= **ف، ل، لی، و، آ، ل**[۲]؛ **لی** ۱۰۷ب و ۱۰۸آ را انداخته و از ۱۰۷آ و ۱۰۸ب یك بیت ساخته است؛ در **ق**[۲] این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در **ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است **۵- ق**[۲]: دو **٦- ل**[۲]: بدید **۷- ف**: بنزد؛ متن= **ل، لن- ل**[۲] (ونیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **۸- ل**[۲]: گزید؛ در **ق**[۲]این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و پس از آن بیت ۱۰۲ آمده است **۹-** آ: کمندو **۱۰- ل**[۲]: به پیش **۱۱- ل**: سر و پایش؛ **ق**: سر ویالش؛ متن← **۱۲- و**: سر وگردنش اندر آمد ببند؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ، ل**[۲] **۱۳-** آ: دمان **١٤- ق**[۲]: به دندان همی خواست کندن سرش **۱۵- ل**[۲]: کز؛ **ل، ل**[۲] پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی مشت زد نیز بر گردنش (**ل**[۲]: بر سر و گردنش)   کزان مشت برگشت لرزان تنش
ل[۲]: کزان درد او دردمند شد تنش

١٦- پ: بینداخت و برجست **۱۷- و**: بگذشت **۱۸- ق**: ازو؛ **لی**: زوی **۱۹- ل، و**: رمه؛ متن= متن= **ف، لن- پ، آ، ل**[۲] **۲۰- پ**: زود **۲۱- لن، لی، پ، و، ل**[۲]: بیفشرد؛ متن= **ف، ل، ق، ق**[۲]**، آ** **۲۲- ل**[۲]: بیفشرد رستم برو کرده بند **۲۳- لی**: بدو **۲٤- ق**[۲]: سخت تر **۲۵- لن- آ** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]): گردی؛ متن= **ف، ل** (و نیز **س**[۲]) **۲٦- لن، پ**: بیفشرد **۲۷- لن، ق**[۲]**، پ، آ** (و نیز **لن**[۲]): یك دست بر؛ **لی**: دستش ابر؛ متن= **ف، ل، ق، و** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲])؛ در **ل**[۲] این بیت چنین آمده است:

پس آنگه بیفشرد دستش به پشت   که دست ویش هیچ نامد درشت

ف پس از بیت ۱۱۶ سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتن رستم زال رخش را و رفتن به جنگ افراسیاب با لشکر ایران و کابلستان **۲۸- و**: مگر **۲۹- ل، ق، ق**[۲]**، آ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]): او؛ **لن، پ** (و نیز **لن**[۲]): را؛ **و**: اوی؛ متن= **ف، لی** (و نیز **س**[۲])؛ در **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) این بیت پس از بیت ۱۲۵ آمده است؛ پیایی بیت متن= **ف** **۳۰- ف، ق، ل**[۲]: سرو؛ **و**: یلی؛ متن= **ل، لن، ق**[۲]**، لی، پ، آ** (و نیز **ل**[۳]**، لن**[۲]**، س**[۲]) **۳۱- ل، ق، لی**: خواهد؛ متن= **ف، لن، ق**[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲] **۳۲- لی**: بدو **۳۳- ق، و**: بوم **۳٤- و**: زمین (پساوند ندارد) **۳۵- لی**: که این را؛ آ: مراورا **۳٦- ل**: بدین بر تو؛ **و**: بزیر تو؛ **ل**[۲]: بدین تو (وزن ندارد)؛ متن= **ف، لن، ق، ق**[۲]**، لی، پ، و** **۳۷- لن، ق**[۲]**، پ، و، آ، ل**[۲]: خواهد جهان گشت (آ: کرد) راست؛ متن= **ف، ل، ق، لی** (و نیز **ل**[۳]**، س**[۲]) **۳۸- پ**: سبد **۳۹- لن، ق**[۲]**، پ**: چنین گفت؛ آ: بگفتا که؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل**[۲] **٤۰- ل**[۲]: رسد

به زین اندرآورد گلرنگ را | سرش تیز شد کینه و جنگ را[1]
گشاده زنخ کردش و[2] تیزتگ | بدیدش که دارد دل و تاو و رگ[3]
چُنان گشت ابرش که هر شب سپند | همی سوختندی[4] ز بهر[5] گزند
چپ و راست گفتی که جادو[6] شده‌ست | به‌آورد تازنده[7] آهو[8] شده‌ست
سُرین گرد و کفک افگن و دست کَش[9] | زنخ گرد و بینادل و گام خَوش[10]
دل زال زر شد چو خرّم بهار | ز رخش نوآیین و فرّخ[11] سُوار
در گنج دینار بگشاد و داد[12] | بر[13] امروز و فردا نیامدْش یاد
بزد مهره در جام بر پشت پیل | وُزو[14] برشد[15] آواز تا[16] چند میل
خروشیدن کوس با کرّه‌نای[17] | همان زَنده پیلان و هندی[18] درای
برآمد ز زاولستان[19] رستخیز | زَمین خفته[20] را بانگ برزد که خیز
به پیش اندرون رستم پهلَوان | پس پشت او سالخورده گوان[21]
چُنان شد ز لَشکر در و دشت و راغ | که بر سر نیارست پرّید زاغ[22]
تبیره زدندی همی[23] شست جای[24] | جهان[25] را نه سر بود پیدا نه پای
به هنگام بشکوفه و[26] گلستان | بیاورد لَشکر ز[27] زاولستان[28]
ز زال[29] آگهی یافت افراسیاب | برآمد از[30] آرام و ز[31] خورد و خواب
بیاورد لَشکر سُوی رود ری[32] | بدان[33] مرغزاری[34] که بُد[35] آب و نی[36]

۱- ق۲، آ: فروزندهٔ آتش جنگ را **۲- ل**: دیدش و؛ **لی**: بود و هم؛ متن= **ف، لن، ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) **۳- ف، ل**: تاورگ؛ **لن، لی، پ** (و نیز **لن۲**) زور و رگ؛ **ق۲**، آ: تار و رگ؛ متن= **ق، و، ل۲** (و نیز **س۲**)؛ در **ل، لن، ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) این بیت پس از بیت ۱۱۹ آمده است؛ در **لی** این بیت پس از بیت ۱۲۷ و سپس بیت ۱۱۹ آمده است **٤- ل، لن، ق، لی، پ، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): سوختندش؛ متن= **ف، ق۲، آ** **۵- ل، ق، لی، و، ل۲** (و نیز **س۲**): ز بیم؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**) **٦- ق۲**: آهو **۷- لن، ق**: یازنده؛ **لی**: بازنده؛ **ل۲**: یازیده؛ متن= **ف، ل، ق۲، پ، و، آ** **۸- ق۲**: جادو **۹- ل**: سرون نرم و شیر اوژن و دست کش؛ **لن، ق۲، پ، آ** (و نیز **لن۲**): زنخ نرم و کفك (آ، **لن۲**: کف) افکن و دست کش؛ **ق**: سرین گرد و شیرافکن و دست کش؛ **لی**: سرش نرم و لنگ افکن و گام خوش؛ **و**: سرون پهن و دست افکن و پای کش؛ (**ل۳**: بتك گرم و دست افکن و بارکش؛ **س۲**: بزین نرم و دست افکن و پای کش)؛ متن= **ف** **۱۰- ل، لی، و** (و نیز **ل۳، س۲**): زنخ گرد و کفك افکن و گام خوش (**لی**: بارکش؛ **ل۳**: گام کش)؛ **لن، ق۲، پ، آ** (و نیز **لن۲**): سرین نرم (**ق۲**، آ: گرد؛ **پ، لن۲**: پهن) و بینا دل و گام خوش؛ **ق**: زنخ نرم و کف افکن و گام خوش؛ متن= **ف**؛ **ل۲** این بیت را ندارد؛ **بنداری** ترجمهٔ بیشتر بیت های ۱۰۳ تا ۱۲۸ را ندارد: فرمی بالوهق فی عنقه و استجره الیه، و غمز ظهره بکفه، فثبت و لم یتحرّك. فسر بذلك و أسرجه و ألجمه و استرضاه لنفسه مرکوبا. و کان یسمی رخشا (= ۱۱۱، ۱۱۶- ۱۱۸) **۱۱- ل۲**: خرم **۱۲- ل، ق، لی، و، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**): در گنج بگشاد و دینار داد؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ** (و نیز **لن۲**) **۱۳- ل، و** (و نیز **لن۲**): از؛ **ق، لی**: وز؛ متن= **ف، لن، ق۲، پ، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲**) **١٤- ل، ق**: ازو **۱۵- لن، پ**: رفت **١٦- لی، آ**: بر **۱۷- ف، ل**: کرّنای **۱۸- ل۲**: رُوئین **۱۹- لن- پ، آ** (و نیز **ل۳، لن۲**): زابلستان؛ متن= **ف، ل، و** (و نیز **س۲**) **۲۰- آ**: مرده؛ **ل۲** این بیت را ندارد **۲۱- ل۲**: مهان؛ در **ل۲** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است **۲۲- ق۲**: تو گفتی جهان گشت چون پرّ زاغ؛ در **ل۲** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است **۲۳- لن، ق۲، پ، ل۲**: همه؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، آ** **٢٤- لن، پ، ل۲**: شب بجای؛ **ق۲**: شب سه جای؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، آ** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**؛ **ف، س۲**: شصت) **۲۵- ل۲**: یلان **٢٦- لی، ل۲**: بشکوفهٔ **۲۷- و**: به **۲۸- ل، ق- ل۲** (و نیز **ل۳، بنداری**): زابلستان؛ متن= **ف** (و نیز **لن۲، س۲**)؛ **لن** این بیت را ندارد **۲۹- لی**: چوزان؛ آ: ازآن **۳۰- ل، ق، ق۲، و، آ، ل۲**: ز؛ متن= **ف، لی، پ** **۳۱- ق۲، لی، پ، آ**: از؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲**؛ **لن** این بیت را ندارد **۳۲- ل، لی، ل۲** (و نیز **ل۳**): خوار ری؛ متن= **ف، ق، ق۲، پ، و، آ** (و نیز **لن۲، س۲**) **۳۳- ل**: بران؛ **و**: درآن **٣٤- ل۲**: مرغزاران **۳۵- لی**: بود **٣٦- ف**: آبه‌وی؛ **لن** این بیت را ندارد؛ متن= **ل، ق- ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**)؛ **بنداری**: و بلغ خبره أفراسیاب فسار فی عساکره و ساقهم حتی وصل الی الری. فنزل فی مرج کثیر الماء و القصب

وُز[1] ایران بیامد دُمادُم[2] سپاه   ز[3] راه بیابان سُوی رزمگاه
ز لَشکر به لَشکر دو فرسنگ ماند   سپهبد جهاندیدگان را بخواند[4]
بدیشان چُنین گفت[5] کای بخردان   جهان دیده و کارکرده[6] ردان
هم ایدر همین[7] لَشکر آراستیم[8]   بسی برتری[9] و مِهی[10] خواستیم[11]
پراگنده شد[12] رای بی تخت شاه   همه کار بی روی و بی بر سپاه[13]
چو بر تخت بنشست فرخنده[14] زَوْ   ز گیتی یکی آفرین خواست[15] نَوْ
کسی[16] باید اکنون[17] ز تخم[18] کیان   به تخت کیی بر کمر بر میان[19]
نشان داد موبد به ما فرّخان[20]   یکی شاه با فرّ و بخت جوان[21]
ز تخم فریدون یل کیقباد   که با فرّ و برزست و با رای[22] و داد
به رستم چُنین گفت[23] فرخنده زال   که برگیر گوپال و[24] بفراز یال
برو تازنان[25] تا به البرزکوه   گزین کن[26] یکی لشکری هم گروه
ابر کیقباد آفرین کن یکی   مکن پیش[27] او در[28] درنگ اندکی
به دو هفته باید که ایدر بوی[29]   گه و بی گه[30] از تاختن نغنوی[31]

۱- ل: ز؛ ل[2]: از ۲- ق،آ: دمادم بیامد؛ ل[2]: پیامی بیامد ۳- لی،و: به ٤- پ: جهان دیدگان را سپهبد بخواند؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بدیشان چنین گفت کافراسیاب   بیاورد لشکر ازین روی آب

۵- پ: <گفت> (وزن ندارد) ٦- پ: کار دیده؛ ق[2]،آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بر کینهٔ نوذر نامدار   بیاورد (آ: بیاوردم) از زابلستان سوار
ابا نامور قارن رزم ن (آ: پیلتن)   سپاهی جهانگیر لشکرشکن

۷- ل،و: هم ایدر من این؛ لن، لی، پ،آ (و نیز لن[2]): هم ایدر بسی؛ ل[2]: منم کایدار؛ (ل[3]: من ایدون همی؛ س[2]: من ایدر همی)؛ متن= ف، ق، ق[2] ۸- ل، لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]): آراستند؛ پ: آراستم؛ متن= ف، ق ۹- ل، ق، ق[2] (و نیز س[2]): سروری؛ لن، پ (و نیز لن[2]): نیکویی؛ ل[2]: مهتری؛ (ل[3]: سروران)؛ متن= ف، لی، و ۱۰- لن، ق[2]، پ، ل[2] (و نیز لن[2]): بهی؛ (ل[3]: مهان)؛ متن= ف، ل، ق، لی، و (و نیز س[2])؛ آ: مهتر و سروری ۱۱- ل، لن، ق[2]، لی، و، آ، ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]): خواستند؛ پ: خواستم؛ متن= ف، ق ۱۲- لن، ق[2]،آ: بد ۱۳- ل، ق[2] (و نیز لن[2]): بی مر سپاه؛ ق، پ، آ (و نیز ل[3]، س[2]): بی سر سپاه؛ متن= ف، لن، و، ل[2]؛ لی: همه کار بی نور و بی فرّ و جاه ١٤- لن: پرمایه ۱۵- ف، ق[2]، پ، آ (و نیز ل[3]): خواست؛ متن= ل، لن، ق، لی، ل[2] (و نیز لن[2]، س[2])؛ و این بیت را ندارد؛ ل[2] پس از این بیت بیت زیر را و پس از آن بیت ۱۴۶پ را افزوده است:

کنون زو نماندست پشت گوان   ازآن کین که شد باز دادش روان

١٦- ل، ق، پ: شهی؛ متن= ف، لن، ق[2]، لی، آ، ل[2] ۱۷- و: یکی شاه باید ۱۸- ل[2]: نسل ۱۹- ل[2]: یکی شاه با فر و بخت جوان (= ۱۴۶ب)؛ ل، ق (و نیز ل[3]) پس از این بیت و ل[2] پس از بیت ۱۴۵پ افزوده‌اند:

شهی کو به اورنگ (ل[2]: یکی شاه باید که) دارد زمی   که بی سر نباشد تن آدمی

۲۰- لن، لی، پ (و نیز لن[2]): نشان داد باید مرا در زمان؛ و: نشان داد موبد بر پهلوان؛ متن= ف، ل، ق، ق[2]، آ (و نیز ل[3]، س[2]) ۲۱- ل: بخت و جوان؛ لن، پ: برز کیان؛ لی: بخت کیان؛ متن= ف، ق، ق[2]، و، آ، ل[2]؛ ل[2] ۱۴۶ب و ۱۴۷آ را انداخته و از ۱۴۶آ و ۱۴۷ب یك بیت ساخته است ۲۲- لن، ق[2]، لی، پ، آ: رسم؛ و: بخت؛ ل[2]: خورد؛ متن= ف، ل، ق ۲۳- لن: <گفت> (وزن ندارد) ٢٤- ل[2]: که کوپال برگیر و ۲۵- پ: برو تازیان؛ و: شتابان برو ٢٦- ل[2]: تو برکن؛ در ق[2]،آ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۷- و: نزد ۲۸- ل، لن، ق: بر؛ ل[2]: را؛ متن= ف، ق[2]، لی، پ، و، آ؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: رفتن رستم بطلب کیقباد (لن: . . . به البرز کوه)؛ ق: رفتن رستم به البرز کوه بطلب کیقباد و آوردن او را ۲۹-ف: که آیی تو باز؛ متن= ل، لن- ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2]) ۳۰- ق[2]،آ: شب و روز؛ و: چنان کن که؛ متن← ۳۱- ف: همی تازی اندر نشیب و فراز؛ متن= ل، لن، ق، لی، پ، ل[2] (و نیز ل[3]، لن[2]، س[2])

بگـویی[۱] که لَشـکـر ترا خواسـتـنـد[۲]   همـان[۳] تخـت شاهـی بپـیراسـتـنـد[۴]
کمـر بر میان بسـت رسـتـم چو باد   بیامـد گرازان بر کیقـبـاد[۵]

۱- ق، و: بگویش؛ متن= ف، ل، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ل[۲] ۲- و: خواستست ۳-ل، لن، پ (و نیز ل[۳]): همی؛ و، ل[۲] (و نیز لن[۲]): سر؛ آ (و نیز س[۲]): همه؛ متن= ف ٤- ل، لن، لی، پ، ل[۲] (و نیز لن[۲]، س[۲]): شاهی بیاراستند؛ ق[۲]: پیروزه آراستند؛ و: شاهی بیاراستست؛ متن= ف، ق، آ (و نیز ل[۳])؛ ل، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]) پس از بیت ۱۵۳ روایت: **رفتن رستم به البرز کوه به طلب کیقباد** را افزوده‌اند (در ل پس از بیت ۱۵۳ نخست بیت های ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ آمده و سپس روی آنها را خط کشیده و در پایان روایت نامبرده ۱۵۵ و ۱۵۶ را از نو نوشته‌اند)؛ این روایت در ف، و، ل[۲] (و نیز س[۲]) نیست و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیامده است؛ س، ب در این بخش افتادگی دارند؛ همچنین دستنویس بی تاریخ انستیتوی شرق شناسی کاما از سدهٔ هشتم هجری این روایت را ندارد؛ تصحیح این روایت تنها بر اساس ل، لن، ق انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد:

که درخـورد تاج کیان جز تو (**لـن**: نیسـت) کس   نبینـم ز شاهـان (**لـن** نبینیم شاهـا تو) فریاد رس
تهـمـتـن زمـین را به مژگـان برفـت   چـو زال زر ایـن داسـتـانـها بـگـفـت
ل، ق: کمر بر میان بست و (**ل**: < و >) چون باد تفت
بـه رخـش انـدرآمـد هـم آنـگـاه شـاد   گرازان بیامـد بر کیقـبـاد (**ل، ق** ندارنـد)
ز تـرکـان طـلایـه بـسـی بُـد بـه راه   رسـیـد انـدر ایشـان یـل صـف پـنـاه
لن: رسیدند در رستم کینه خواه
برآویخـت با نامـداران جنـگ (**لـن**: بجنـگ)   یکـی گـرزهٔ گـاوپیکـر بـه چـنـگ
دلـیـران تـوران بـرآویـخـتـنـد   سرانـجـام از رزم (**ق**: جنـگ) بگـریخـتـنـد
نـهـادنـد سـر سـوی افـراسـیـاب   هـمـه دل پـر از خـون و دیـده پـرآب
بگـفـتـنـد وی (**لـن**: او) را همـه بیش و کم   سپـهـبـد شـد از کـار ایـشـان دژم
بـفـرمـود تـا نـزد او شـد قـلـون   ز تـرکـان دلـیـری گـوی پـرفـسـون
بدو گفـت بگـزین ز لشـکـر سوار   وز ایدر برو تا در کوهـسـار (**لـن**: شهـریار)
دلـیـر و خـردمـنـد و هـشـیـار بـاش   به پاس انـدرون سخـت (**ل**: نیز) بیدار باش
کـه ایـرانـیـان مـردمـی ریـمـنـنـد   هـمـی نـاگـهـان بـر طـلایـه زنـنـد
بـرون آمـد از نـزد خـسـرو قـلـون   بـه پـیـش انـدرون مـردم رهـنـمـون
سـر راه بـر نـامـداران بـبـسـت   بـه مـردان جـنـگـی و پـیـلان مـسـت
وزان روی رسـتـم دلـیـر و گـزین   بـپـیـمـود زی شـاه ایـران زمـیـن
یـکـی مـیـل ره تـا بـه الـبـرز کـوه   یکی جایگـه دید بس با شکـوه (**ل**: برنـا شکـوه)
درخـتـان بـسـیـار و آب روان   نـشـسـتـن گـه مـردم نـوجـوان
یـکـی تـخـت بـنـهـاده نزدیـك آب   بـرو ریـخـتـه مـشـك نـاب و گـلاب
جـوانـی بـکـردار تـابـنـده مـاه   نـشـسـتـه بـرآن تـخـت بـر سـایـه گـاه
رده بـرکـشـیـده بـسـی پـهـلـوان   به رسـم بزرگـان کمـر بر میان←

۵- در **ل** روی این بیت را خط کشیده‌اند؛ **لن- پ، آ** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]) این بیت را در اینجا ندارند؛ متن= **ف، و، ل**[۲] (و نیز **س**[۲])؛ **ب** پس از این بیت دوباره آغاز میگردد؛ **ف، و** پس از این بیت افزوده‌اند:

ز نـزدیـك زال آوریـدش پـیـام   بـدو گـفـت کـای خـسـرو نـیـك نـام
سپـه جـمـلـگـی مـر تـرا خـواسـتـنـد   بـه پـیـکـار دل را بـیـاراسـتـنـد

به نزدیک زال آوریدش به شب   به آمدشدن[1] هیچ نگشاد لب

۱- ق (و نیز ل۳): بدان آمدن؛ ل۲: بآمل شد و

←
بیاراسته مجلسی شاهوار   بسان بهشتی برنگ و نگار
چو دیدند مر پهلوان را به راه (ل: بگاه؛ لن: ز راه)   پذیره شدندش از آن سایه گاه (لن، ق: جایگاه)
بگفتند کای پهلو نامور   نشایدت ز آنجای کردن گذر (ل، ق ندارند)
که ما میزبانیم و مهمان ما   فرود آی ایدر (لن: اینجا) به فرمان ما
بدان تا همه دست شادی بریم   بیاد رخ نامور می خوریم
تهمتن بدیشان چنین گفت باز (ق: تهمتن چنین گفت بدیشان که باز)   که ای نامداران گردن فراز (ق: به پیش است بسیار رنج دراز)
مرا رفت باید به البرز کوه   به کاری که بسیار دارد شکوه (ق ندارد)
نباید به بالین سرو دست ناز (ق ندارد)   که پیش است بسیار رنج دراز
سر تخت ایران ابی شهریار   مرا باده خوردن نیاید بکار
نشانی دهیدم سوی کیقباد   کسی کز شما دارد او را بیاد
سر آن (لن: یکی زان؛ ق: مه آن) دلیران زبان برگشاد   که دارم نشانی من از کیقباد
گر آیی فرود و خوری نان ما   بفیروزی از روی خود جان ما (لن ندارد)
بگوییم یکسر (لن، ق: بگویم ترا من) نشان قباد   که او را چگونه است رسم و نهاد
تهمتن ز رخش اندرآمد چو باد   چو بشنید ازوی (لن: ازینسان) نشان قباد
بیامد دمان تا لب رودبار   نشستند در زیر آن سایه‌دار
جوان از بر تخت خود برنشست (لن: زرّین نشست)   گرفته یکی دست رستم بدست
بدست دگر جام پر باده کرد   وزو یاد (ل: نام) مردان آزاده کرد
دگر جام بر دست رستم (لن، ق: باده برستم) سپرد   بدو گفت کای نامبردار و گرد
بپرسیدی از من نشان قباد   تو این نام را از که داری بیاد
بدو گفت رستم که از (لن، ق: ای) پهلوان   پیام آوریدم به روشن روان
سر تخت ایران بیاراستند   بزرگان بشاهی ورا خواستند
پدرم آن گزین یلان (لن: مهان) سربسر   که خوانند (لن: خوانندش) او را همی زال زر
مرا گفت رو تا به البرز کوه   قباد دلاور ببین با (ق: بی) گروه
به شاهی برو آفرین کن یکی   نباید که سازی (لن: مکن پیش اوبر) درنگ اندکی
بگویش که گردان ترا خواستند   به شادی جهانی (لن: سر تخت شاهی) بیاراستند
نشان ار توانی و دانی مرا   دهی و به شاهی رسانی ورا
ز گفتار رستم دلیر و (ق: < و>) جوان   بخندید و گفتش که ای پهلوان
ز تخم فریدون منم کیقباد   پدر بر پدر نام دارم بیاد
چو بشنید رستم فروبرد سر   به خدمت فرود آمد از تخت زر
که ای خسرو خسروان جهان   پناه بزرگان و پشت مهان
سر تخت ایران به کام تو باد   تن (ق: سر) زنده پیلان به دام تو باد
نشست تو بر تخت شاهنشهی   همت سرکشی باد و هم فرّهی
درودی رسانم به شاه جهان   ز زال گزین آن یل (لن: گو) پهلوان
اگر شاه فرمان دهد بنده را   گشاید ز بند این دو (لن: که بگشایم از بند) گوینده را
قباد دلاور برآمد ز جای   به (ل: ز) گفتار رستم دل و هوش و رای
تهمتن هم آنگه زبان برگشاد   پیام سپهدار ایران بداد
سخن چون به گوش سپهبد رسید   ز شادی دل اندر برش برطپید
بیازید جامی (ق: جام) لبالب نبید (لن: بیازید پس گفت جام نبید)   بیاد تهمتن به دم (لن: به لب) درکشید (ق: برکشید)
تهمتن همیدون یکی جام می   بخورد آفرین کرد بر جان کی
برآمد خروش از دل زیر و بم   فراوان شده شادی، اندوه کم
شهنشه چنین (ق: شه پر خرد) گفت با پهلوان   که خوابی بدیدم به روشن روان
که از سوی ایران دو باز سپید   یکی تاج، رخشان بکردار شید←

نشستند یك هفته با رای زن — شدند اندرآن موبدان انجمن[1]

۱- بنداری (بیت ۱۴۷- ۱۵۶) فأشار الموبد علیه بکیقباد. و کان منتسبا إلی شجرة أفریدون. فأنفذ زال ابنه رستم الی جبل ألبرز فی جماعة من أعیان الأمراء و فرسان القوّاد. و سار و طوی تلك المنازل البعیدة، و المراحل المتقاذفة فی أسبوعین حتی أتی کیقباد و بشره بالملك، وأقبل معه و دخل المعسکر لیلا. و مکثوا أسبوعا یتشاورون و یمخضون الآراء حتی ترتبت الأمور و انتظمت الأحوال

← خرامان و نازان شدندی (**لن**: رسیدی) برم — نهادند آن تاج را بر سرم
چو بیدار گشتم شدم پرامید — از آن تاج رخشان و باز سپید
بیاراستم مجلسی شاهوار — برینسان (**لن، ق**: بدینسان) که بینی بدین مرغزار (**لن**: جویبار)
تهمتن مرا شد چو باز (**ل**: پیل) سپید — ز تاج بزرگان رسیدم نوید
لن: رسیدم ز تاج دلیران نوید
تهمتن چو بشنید از خواب شاه — ز باز و ز تاج فروزان چو ماه
چنین گفت با شاه کنداوران — نشان است خوابت ز پیغمبران
کنون خیز تا سوی (**ق**: خود به) ایران شویم — بیاری بنزد دلیران شویم
قباد اندرآمد چو آتش ز جای — به بور نبرد اندرآورد پای
کمر بر میان بست رستم چو باد — بیامد گرازان پس (**ق**: ابا) کیقباد (= بیت۱۵۴)
شب و روز از تاختن نغنوید — چنین (**ق**: چنان) تا بنزد طلایه رسید
قلون دلاور شد آگه ز کار — چو آتش (**لن**: پذیره) بیامد سوی کارزار
شهنشاه ایران چو زان گونه دید — برابر همی خواست صف برکشید
تهمتن بدو گفت کای شهریار — ترا رزم جستن نباید بکار
من و رخش و کوپال و برگستوان — همانا ندارند با من توان
بگفت این وز (**لن**: از) جای برکرد رخش — به زخمی (**ل**: بزخم) سواری همی کرد پخش
قلون دید دیوی بجسته ز بند — بدست اندرون گرز و بر زین کمند
برو حمله آورد مانند باد — بزد نیزه و بند جوشن گشاد
تهمتن بزد دست و نیزه گرفت — قلون از دلیریش مانده شگفت
ستد نیزه از دست او نامدار — بغرّید چون تندر از (**ق**: ابر در) کوهسار
بزد نیزه و برگرفتش (**لن**: بربودش) ز زین — نهاد آن بن نیزه را بر زمین
قلون گشت چون مرغ بر باب زن — بدیدند لشکر همه تن به تن
هزیمت شد از وی سپاه قلون — بیکبارگی بخت بد را زبون
تهمتن بکشت (**لن**: گذشت) از طلایه سوار — بیامد شتابان سوی کوهسار
کجا بُد علف‌زار و آب روان — فرود آمد آنجایگه پهلوان
چنین تا شب تیره آمد فراز — تهمتن همی داد (**لن**: کرد) هر گونه ساز
از (**لن**: ز) آرایش جامهٔ پهلوی — همان تاج (**ق**: تخت) و آن یارهٔ خسروی
چو (**ل، ق**: < چو>) شب تیره شد پهلو پیش بین — برآراست با شاه ایران زمین (← بیت۱۵۵)

کیقباد

پادشاهی کیقباد صد سال بود[۱]

به هشتم بیاراستند[۲] تخت عاج — بیاویختند[۳] از بر عاج تاج[۴]
به شاهی نشست از برش کیقباد — همان تاج گوهر[۵] به سر برنهاد[۶]
همه[۷] نامداران شدند انجمن — چو دستان و چون قارن رزم زن
چو خرداد و کشواد و برزین گو[۸] — فشاندند[۹] گوهر بران[۱۰] تاج[۱۱] نو
قباد از بزرگان سُخُن بررسید[۱۲] — ز[۱۳] افراسیاب و[۱۴]، سپه را بدید[۱۵]
دگر روز برداشت لَشکر ز جای — خروشیدن آمد ز پرده‌سرای
بپوشید رستم سِلیح[۱۶] نبرد — چو پیل ژیان شد[۱۷] که[۱۸] برخاست گَرد[۱۹]
رده برکشیدند ایرانیان — ببستند خون ریختن را میان
به یك دست مهراب کاول[۲۰] خدای — دگر دست گُژدَهم جنگی[۲۱] بپای
به قلب اندرون قارن رزم زن — ابا[۲۲] گرد کشواد[۲۳] لَشکرشکن

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی کیقباد صد سال بود و رفتن او به جنگ افراسیاب و شکستن او را؛ پ: پادشاهی کیقباد صد سال؛ ق[۲] سرنویس ندارد؛ متن= ل، لن، ق، لی، و، آ، ل[۲]، ب ۲- ل: بیاراست پس؛ لن، پ: بیاراسته؛ ق: برآراسته؛ و: شد آراسته؛ متن= ف، ق[۲]، لی، آ، ل[۲]، ب ۳- ل، ق: برآویختند؛ لن، پ: بیاویخته؛ متن= ف، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب ٤- ق: تاج عاج (پساوند ندارد)؛ در س از آغاز تا بیت ۸ افتاده است ۵- ق[۲]، ل[۲]: شاهی؛ و: کلاه بزرگی ٦- ق: گوهرش بر سر نهاد ۷- ق[۲]: همان ۸- ل، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): چو کشواد و خرداد و (ل، پ، س[۲]: <و>) برزین (ق: برزین و) گو؛ و: چو خرداد برزین و کشواد گو؛ متن= ف، ل[۲] (و نیز ل[۳]) ۹- ل[۲]: نشاند< ند> ۱۰- لن، ق، لی، ب: بدان؛ متن= ف، ل، ق[۲]، پ، و، ل[۲] ۱۱- لی، ل[۲]: شاه؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- ل: بشنوید؛ ل[۲]: نشنوید؛ پ، و: سخنها شنید؛ متن= ف، لن، ق، ق[۲]، لی، آ، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۱۳- ل، و: پس؛ لن، ق[۲]، آ، ل[۲]، ب: چو؛ لی، پ: از؛ متن= ف، ق (و نیز س[۲]) ١٤- لن، ق[۲]، آ، ب: آن؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ، و، ل[۲] (و نیز س[۲]) ۱۵- لی: سپه ناپدید؛ بنداری: فسایلهم عن أفراسیاب و حاله؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بشنید افراسیاب آگهی — فرود آمد از تخت شاهنشهی

ق[۲] پس از بیت ۵ افزوده است:

قباد از بزرگان سخن برگشاد — ز پیش و پس و بودنی داد داد
میان سخنها که گفت و شنید — سواری دلاور بدانجا رسید
که افراسیاب اندرآمد ز راه — ابا او ز ترکان فراوان سپاه

و پس از این بیت ها سرنویس دارد: رزم کیقباد با افراسیاب ١٦- ق، لی، پ، آ: سلاح ۱۷- ق: ژیانی؛ متن← ۱۸- و: چو؛ متن← ۱۹- ب: که پرخاش کرد؛ پ: چون پیل دمنده برانگیخت گرد؛ ل[۲]: به پیل ژیان اندرآمد چو گرد؛ متن= ف، ل، لن، ق[۲]، لی، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])؛ بنداری: و تدجج رستم مظاهرا بین لبوس الحرب، وتصدی کاللیث الکاشر للطعن و الضرب ۲۰- ف- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): کابل؛ متن= تصحیح قیاسی است ۲۱- س، لن، ق[۲]- ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): بیك (و، لن[۲]، س[۲]: دگـر) دست گستهم جنگی؛ ق: دگر دست گرد تهمتن؛ متن= ف، ل، ل[۲] (و نیز ل[۳]) ۲۲- و: همان ۲۳- ل[۲]: چنان شیردل گرد؛ س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]) پس از این بیت افزوده‌اند:

به پیش سپه (س، ق[۲]، آ، ب: اندرون) رستم پهلوان — پس پشت او سرکشان و (س، ق[۲]، آ، ب: سالخورده) گوان

ف، ل، ق، و، ل[۲] (و نیز ل[۳]) این بیت را ندارند و در ترجمهٔ بنداری هم نیست (← ۱۲پ)

پس پشتشان زال با کیقباد — به یك دست آتش به[1] یك دست باد
به پیش اندرون کاویانی دِرفش — جهان زو شده[2] سرخ و زرد و بنفش[3]
چو کشتی شد ارمیده روی زَمین[4] — کجا موج خیزد ز دریای چین
سپر در سپر[5] ساخته[6] دشت و راغ[7] — درفشیدن[8] تیغ ها چون چراغ
جهان سربسر گشته[9] دریای قار — برافروخته شمع[10] ازو[11] صدهزار
ز نالیدن بوق و بانگ سپاه[12] — تو گفتی که خورشید گم کرد راه[13]
بهر حملهیی قارن سرفراز[14] — چُنان چون بود مردم رزمساز[15]
گهی سوی چپ تاخت گه[16] سوی راست — بران گونه از هر سُوی[17] کینه خواست

۱- **ق**: ز ۲- **ب**: < شده> ۳- **و**: جهان گشته سرخ و کبود و بنفش؛ **بنداری** (بیت ۹- ۱۲): فوقف مهراب فی أحد الجانبین، و وقف کزدهم فی الجانب الآخر، و وقف قارن مع کشواذ فی القلب، ووقف وراءهم الملك کیقباذ مع زال یخفق علی رأسه درفشه المیمون، ولواؤه المنصور ٤- **ف**: چو کشتی ز لشکر سراسرزمین؛ **ل، ق**: زلشکر چو کشتی سراسر زمین؛ **لن، لی، پ، آ** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): چو کشتی شد از باد (**لی، ل۳، س۲**: از مرد؛ **آ**: از مهد) روی زمین؛ **ق۲، ل۲**: چو کشتی شده پهن (**ل۲**: جمله) روی زمین؛ متن= **س، و، ب** ۵- **و، ل۲** (ونیز **لن۲**): سپه در سپه؛ **ب**: سپر بر سپر ٦- **ل، س، لن، و**: بافته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ق۲، لی، پ، آ، ب** (ونیز **ل۳، لن۲، س۲**): بافته؛ متن= **ف، ق** ۷- **ل۲**: سپه در سپه دشت تا کوه و راغ ۸- **پ، و، ل۲**: درخشیدن؛ **س** در اینجا سرنویس دارد: جنگ کیقباد و رستم با افراسیاب و هزیمت شدن افراسیاب ۹- **ل، ق**: گشت؛ **ب**: < گشته> ؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- **لی**: تیغ ۱۱- **ل، پ**: از ۱۲- **لن، پ**: هندی درای؛ **لی، و**: گرد سپاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- **لن، پ**: جای؛ **ل۲**: گم شد زراه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ل، ق، ق۲** (ونیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند:

سبك قارن رزم زن کان بدید — چو رعد ازمیان (**ق۲**: آن زمان) نعرهٔ برکشید
میان سپاه اندرآمد دلیر — سپهدار قارن بکردار شیر

١٤- **لی، ل۲**: رزم زن؛ (**ل۳**: رزمساز)؛ **ف**: همه جمله بر قارن رزم ساز؛ **و**: جهان پهلوان قارن سرفراز؛ متن= **س، لن، ق۲، پ، آ، ب** (ونیز **لن۲**) ۱۵- **ف**: مردم بی نیاز؛ **ق۲**: گرد گردن فراز؛ **ب**: مردم سرفراز (پساوند ندارد)؛ **لی، ل۲**: چنین شیردل گرد آن انجمن (**ل۲**: لشکرشکن)؛ **و**: بهر سو چو شیر ژیان رزمساز؛ (**س۲**: بیفکند صد گرد گردن فراز)؛ متن= **س، لن، پ، آ** (ونیز **لن۲**)؛ **ل، ق** این بیت را ندارند؛ در **ق۲** این بیت پس از بیت های پ۱۷ آمده است ١٦- **ل، ق، پ** (ونیز **س۲**): چپّ و گهی؛ **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (ونیز **لن۲**): چپ شد گهی؛ متن= **ف** ۱۷-**س، لن، لی، پ، و، آ، ب** (ونیز **لن۲، س۲**): بگردید و از (**لی، س۲**: ز) هرکسی؛ متن= **ف، ل، ق**؛ در **ق۲** این بیت یکبار هم برابر **س** پس از بیت های پ۱۷ آمده است؛ **بنداری**: فرکض قارن و برزمن الصف کالهزبر الصائل، و جعل یحمل علی المیمنة تارة و علی المیسره أخری (=پ۱۳، ۱۸)؛ **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، و، ب** (ونیز **ل۳، لن۲**) پس از بیت ۱۸ افزوده‌اند (**ل، ق۲** بیت یکم را، **ق** بیت یکم و دوم را، **س، لن، لی، پ، ب، لن۲** بیت سوم و چهارم را، **و** بیت دوم- پنجم، هشتم و نهم را ندارند):

میان سپاه اندرآمد دلیر — سپهدار قارن بکردار شیر
و: شماساس را دید مانند شیر (=5 آ)
به گرز و به تیغ و سنان دراز — همی کشت ازیشان یلِ (**ل**: گو؛ **ق۲**: یکی) سرفراز (**لی**: رزمساز)
ز کشته زمین کرد مانند کوه — شدند از (**ق۲**: آن) دلیران ترکان ستوه
سپهدار قارن چو پیل (**ل**: باد) دمان — به کف تیغ تیز و به بازو کمان (در **ق** پس از 6)
شماساس رادیدگردودلیر(**س،ب**: گرددلیر؛ **لن،لی،پ**: مانندشیر؛ **ق**: مرددلیر؛ **ق۲**: کوبودگرددلیر)
که‌می برخروشید(**ق۲**: همی برخروشید؛ **لی**: که‌برمی خروشید)چون‌نرّه‌شیر(**س،ب**: مانندشیر؛ **لن،لی،پ**: گرددلیر؛ **ق۲**: برسان‌شیر)
بیامد دمان تا بر او رسید — سبك تیغ تیز از میان برکشید (در **ق** پس از 4)
بزدبرسرش‌تیغ‌زهرآب‌دار(**لن،لی،پ،و**: برسروترگ‌آن‌نامدار) — بگفتا(**ق**: بگفتش)منم‌قارن‌نامدار(**ق**: کینه‌دار؛ **ق۲**: رزم‌دار)
لن،لی،پ،و: بخاك اندرآمدسرش سوگوار
نگون اندرآمد شماساس گرد — چو دید او (**ق، ق۲**: دیدش) زقارن چنان دست برد
س،لن،لی،ب: بیفتادبرجای‌وآنگه‌بمرد
پ: بیفتادآنگاه‌برجای‌مرد
چنین است کردار گردون پیر — گهی چون کمانست و (**لی**: < و>) گاهی چو تیر

در **ق۲** پس از این بیت های ۱۷ و ۱۸ آمده‌اند؛ **ف، آ، ل۲** (ونیز **س۲**) این بیت ها را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست

چو رستم بدید آنك[۱] قارن چه کرد ‌‌ ‌ چگونه بود ساز[۲] جنگ و[۳] نبرد
به پیش پدر شد بپرسید ازوی ‌ ‌ که با من جهان پهلوانا بگوی[۴]
که افراسیاب آن بداندیش مرد ‌ ‌ کجا جای گیرد[۵] به روز[۶] نبرد؟
چه پوشد؟ کجا[۷] برفرازد درفش؟ ‌ ‌ که پیداست تابان[۸] درفش بنفش
من امروز بند کمرگاه اوی ‌ ‌ بگیرم، کشانش بیارم[۹] بروی
بدو گفت زال: ای پسر گوش دار ‌ ‌ یك امروز با خویشتن هوش دار[۱۰]
که آن ترك در جنگ نراژدهاست[۱۱] ‌ ‌ دم آهنج[۱۲] و در کینه ابر بلاست
درفشش سیاهست و خفتان سیاه ‌ ‌ از[۱۳] آهنْش ساعد[۱۴]، وُزآهن[۱۵] کلاه
همه روی آهن گرفته به زر ‌ ‌ درفش[۱۶] سیه بسته بر[۱۷] خود بر
ازو خویشتن را نگه دار سخت ‌ ‌ که مردی دلیرست و[۱۸] پیروز[۱۹] بخت
بدو گفت رستم که ای پهلوان ‌ ‌ تو از من مدار ایچ رنجه روان[۲۰]
جهان آفریننده یار من ست ‌ ‌ دل و تیغ و بازو حصار من ست[۲۱]
برانگیخت پس[۲۲] رخش رویینه سم[۲۳] ‌ ‌ برآمد خروشیدن گاودُم
چو افراسیابش به هامون بدید ‌ ‌ بماند اندرآن[۲۴] کودك نارسید
ز گردان[۲۵] بپرسید کین اژدها ‌ ‌ بدین گونه[۲۶] از بند گشته[۲۷] رها
کدامست کین را[۲۸] ندانم به نام ‌ ‌ یکی گفت کین پور دستان سام
نبینی که با گرز سام آمدست ‌ ‌ جوان ست[۲۹] و[۳۰] جویای نام آمدست
به[۳۱] پیش سپاه آمد افراسیاب ‌ ‌ چو کشتی که موجش برآرد[۳۲] ز آب

۱- **پ،آ**: آنکه ۲- **و**: کار؛ **آ، ب**: سازو ۳- **ل- ق۲، پ، و، ب**: ننگ و؛ **لی**: روز؛ **ل۲** (ونیز **لن۲**): دشت؛ متن= **ف،آ** (ونیز **س۲**)؛ در **ق** چهار بیت سپسین را انداخته ولی در کناره افزوده است؛ **پ** پس از این بیت افزوده است:

بپیچید و پس شد سوی زال زر ‌ ‌ که بنمایم افراسیاب ای پدر

۴- **پ** این بیت را ندارد ۵- **لی**: دارد ٦- **لن، ق، ق۲، لی، و، ب**: به دشت؛ متن= **ف، ل، س، آ، ل۲**؛ **پ** این بیت را ندارد ۷- **ق۲**: چنو هرکجا ۸- **س، لن، ق۲، پ، ب**: با او؛ **و**: همانا که هست آن؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، آ، ل۲** ۹- **س، لن، ق۲، پ، ب**: بیارم کشانش؛ متن= **ف، ل، ق، ق۲، لی، و، آ**

۱۰- **ل۲** پس از این بیت افزوده است:

که آن ترك در جنگ آهرمنست ‌ ‌ تو گویی سراپایش از آهنست

۱۱- **ل۲**: یکی شیر جنگی و نراژدهاست ۱۲- **ل**: دژآهنگ؛ متن= **ف، س- ب** (ونیز **لن۲، س۲**) ۱۳- **ل، س، لن، ق، پ، و، ب**: ز؛ متن= **ف، ق۲، لی، آ، ل۲** ١٤- **ب**: زآهن دوساعد ۱۵- **ل، لن، پ، و، ب**: زآهن؛ **ق۲، آ**: ازآهن؛ **ل۲**: وزآهنش (وزن نادرست است)؛ متن= **ف، س، ق، لی** ١٦- **ل، ق**: نشانی؛ **لن، و، آ، ب**: درفشی؛ متن= **ف، س، ق۲، لی، پ، آ** ۱۷- **ل۲**: در ۱۸- **س، لن، ق، لی، و، ب**: < و>؛ متن= **ف، ل، پ، آ، ل۲** ۱۹- **و**: بیدار؛ **آ**: فیروز؛ **ق۲** این بیت را ندارد ۲۰- **و، آ، ل۲**: خسته روان؛ **لن، پ**: تواز من مرنج و مرنجان روان؛ متن= **ف، ل، س، ق، ق۲، لی، ب** ۲۱- **و**: سر اختر اندر کنار من است ۲۲- **ل- لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): آن؛ متن= **ف، پ** ۲۳- **لی**: خم ۲٤- **س**: شگفتی ازآن؛ **لن، ق۲، لی، پ، ب** (و نیز **لن۲**): شگفتید از آن؛ **آ** (و نیز **ل۳**): عجب ماند ازآن؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲** (و نیز **س۲**)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، **لن، ب**: رزم رستم با افراسیاب؛ **ق**: دیدن افراسیاب اول کره رستم را و محاربت ایشان و هزیمت افراسیاب؛ **لی**: جنگ رستم با افراسیاب بار اول؛ **پ**: رزم رستم با افراسیاب و لشکر به انبوه؛ **و**: گفتار اندر رزم رستم با افراسیاب بار اول ۲۵- **ل۲**: ترکان ۲٦- **ق، ق۲، پ، و، آ، ل۲**: برین گونه؛ **لی**: مرین دیو؛ متن= **ف، ل، س، لن، ب** ۲۷- **ق**: کرده ۲۸- **ق**: کورا؛ **ل۲**: آن را ۲۹- **لی**: دلیرست ۳۰- **و**: < و> ۳۱- **ق۲، آ**: ز ۳۲- **ق**: براند؛ **ق۲**: برآید؛ **لی**: برآمد؛ متن= نه دستنویس دیگر

چو رستم وُرا دید[۱] بفشارد[۲] ران ‌‌ ‌ به گردن برآورد گرز گران
چو تنگ اندرآورد با[۳] وی[۴] زَمین ‌‌ ‌ فروکرد[۵] گرز گران را به زین
به بند کمرْش اندرآورد[۶] چنگ ‌‌ ‌ جدا کردش از پشت زین پلنگ[۷]
همی خواست بردنْش پیش[۸] قباد ‌‌ ‌ دهد روز جنگ نُخستینْش داد[۹]
ز سنگ[۱۰] سپهدار و هنگ[۱۱] سُوار ‌‌ ‌ نیامد دوال کمر پایدار[۱۲]
گسست و[۱۳] به خاك اندرآمد سرش ‌‌ ‌ سُواران گرفتند گرد اندرش
سپهبد چو از چنگ رستم بجست ‌‌ ‌ بخایید رستم همی[۱۴] پشت دست
چرا؟- گفت- نگرفتمش زیر کش؟ ‌‌ ‌ همی بر کمر ساختم بندوش[۱۵] ؟

چو آوای[۱۶] زنگ آمد از پشت پیل ‌‌ ‌ خروشیدن کوس[۱۷] بر[۱۸] چند میل
یکی مژده بردند نزدیك[۱۹] شاه ‌‌ ‌ که رستم بدرّید قلب سپاه
چو رستم بر شاه[۲۰] ترکان رسید ‌‌ ‌ دِرفش سپهدار شد ناپدید[۲۱]
گرفتش کمربند و بفگند[۲۲] خوار ‌‌ ‌ خروشی ز ترکان برآمد[۲۳] بزار
ز جای[۲۴] اندرآمد چُن[۲۵] آتش قباد ‌‌ ‌ بجنبید[۲۶] لَشکر چو دریا ز باد[۲۷]
برآمد خروشیدن دار و کوب[۲۸] ‌‌ ‌ درفشیدن[۲۹] خنجر و زخم[۳۰] چوب[۳۱]
بران[۳۲] ترگ زرّین و زرّین سپر ‌‌ ‌ غمی شد سر[۳۳] از چاك چاك تبر
تو گفتی که ابری برآمد ز کُنج ‌‌ ‌ ز شنگرف نیرنگ زد بر تُرُنج[۳۴]

۱- **لی**: بدیدش ۲- **لن، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب**: بفشرد؛ متن= **ف، ل، س، ق، و، آ** ۳- آ: اندر آمد ابا ٤- **ل- آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): او؛ متن= **ف، ل[۲]** ۵- **و**: فرو برد ٦- **س، ق[۲]، آ، ب**: اندرآویخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- **لن، ق، ق[۲]، پ، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): خدنگ؛ متن= **ف، ل، س، لی، و** (و نیز **ل[۳]**) ۸- **ف، ل[۲]**: بردنش سوی؛ **لن، پ، ب** (و نیز **لن[۲]**): بردن به پیش؛ **و**: بردش به پیش؛ آ: بردندش پیش؛ **لی**: همی خواستش برد نزد؛ متن= **ل، س، ق، ق[۲]** (و نیز **ل[۳]**) ۹- **ق**: باد؛ **ق[۲]**، آ: یاد؛ **پ**: نخستش بباد ۱۰- **ل، س، لن، ق، و، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]**): هنگ؛ **ق[۲]**: هند؛ **لی**: جنگ؛ (**ل[۳]**: زور)؛ متن= **ف، پ** ۱۱- **ف، س- لی، و، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **لن[۲]**): جنگ؛ **پ**: چنگ؛ متن= **ل** (و نیز **ل[۳]**) ۱۲- **و**: استوار؛ **ل[۲]** پس از این بیت افزوده است:

دوال کمر از قضا گشت چاك ‌‌ ‌ سر مرد جنگی درآمد بخاك

۱۳- **ل[۲]**: گسسته ۱٤- **س، لن، ق[۲]، پ، ب**: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- **ل**: بند خوش؛ **س، لن، ق[۲]، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): بند و کش؛ **لی** (و نیز **س[۲]**): دست فش؛ **و** (و نیز **ل[۳]**): دست خوش؛ **ل[۲]**: بندکش؛ **ق[۲]**: ساخت بند درفش؛ متن= **ف، پ**؛ **س، لن، لی، پ، ب** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

سپهدار ترکان بشد زیر دست ‌‌ ‌ یکی بارهٔ تیزتك (**پ**: زیرکش) برنشست

۱٦- **س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب**: آواز؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل[۲]** ۱۷- آ: جنگ ۱۸- **س، لن، پ، و، آ، ب**: از؛متن= **ف، ل، ق، لی، ل[۲]**؛ **ق[۲]**: خروش آمد از گوش تا ۱۹- **ق[۲]**: تا پیش ۲۰- **ل، ق** (و نیز **ل[۳]**): چنان تا بر شاه؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): بنزد سپهدار؛ متن= **ف، لی، و، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) ۲۱- **لن، پ**: ترکان بدید ۲۲- **س، لن، ق[۲]- ب**: افکند؛ متن= **ف، ل، ق** ۲۳- **س، لن، ق، لی- ب**: خروشی برآمد ز ترکان؛ متن= **ف، ل، ق[۲]** ۲٤- **و**: زجا ۲۵- **ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): چو؛ متن= **ف** ۲٦- **ف**: بجوشید؛ **ق[۲]**: بخندید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) ۲۷- **ق[۲]**، آ: دریای باد ۲۸- **س، لن، ق[۲]، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): دار و گیر؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) ۲۹- **ل، س، ق، لی- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): درخشیدن؛ متن= **ف، ل** ۳۰- **لی**: تیغ و ۳۱- **س، لن، لی، و، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): تیر؛ متن= **ف، ل، ق، پ، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**)؛ **ق[۲]**: بیك زخم شد کشته چون نرّه شیر (= ۵۳ب)؛ در **لن** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۲- **ق[۲]**: بدان ۳۳- **ق[۲]، لی، و**، آ: دل؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳٤- **س، لن، ق، ق[۲]، لی، پ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**) پس از این بیت دو بیت و **ل** تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

زسمّ ستوران(**ل،ق**: زگردسواران؛ **لی**: زسمّ سواران)درآن(**ق[۲]**: بران)پهن دشت ‌‌ ‌ زمین شش شد وآسمان گشت هشت
فرورفت و بررفت روز نبرد ‌‌ ‌ به ماهی نم خون و بر ماه (**ق**: به خورشید) گرد
ل[۲]: نم خون به ماهی ابر ماه گرد

ف، و، آ (و نیز **س[۲]**) بیت یکم را و **ف، ل، و**، آ (و نیز **س[۲]**) بیت دوم را ندارند و در ترجمهٔ **بنداری** هم نیست؛ **ق، لی** پس از دو بیت بالا هریك بیتی افزوده‌اند:

ق: سر سرکشان زیر گرز گران ‌‌ ‌ چو سندان برو پتك آهنگران
لی: فروزد به‌ماهی و برزد به ماه ‌‌ ‌ بن نیزه و قبهٔ بارگاه

هزار و صد و شست[۱] گرد دِلیر ‌‌ به یك زخم[۲] شد کشته چون نرّه[۳] شیر
برفتند ترکان ز پیش مغان ‌‌ کشیدند لَشکر سُوی دامغان
وُزآنجا[۴] به جیحون نهادند روی ‌‌ خلیده دل و با[۵] غم و گفت و گوی[۶]
شکسته سِلیح[۷] و گسسته کمر[۸] ‌‌ نه بوق و نه کوس و نه پای و نه پر[۹]

برفت از لب رود نزد[۱۰] پشنگ ‌‌ زبان پر ز گفتار و کوتاه چنگ[۱۱]
بدو گفت کای[۱۲] نامبُردار شاه ‌‌ ترا بود ازین[۱۳] کینه[۱۴] جستن گناه
یکی[۱۵] آنك[۱۶] پیمان شکستن[۱۷] ز شاه ‌‌ بزرگان پیشین[۱۸] ندیدند راه
نه از تخم ایرج زَمین[۱۹] پاك شد ‌‌ نه زهر گزاینده تِریاك شد
یکی کم شود[۲۰] دیگر آید بجای ‌‌ جهان[۲۱] را نمانند بی کدخدای[۲۲]
قباد آمد و تاج بر سر نهاد ‌‌ به کینه یکی نو در اندرگشاد[۲۳]
سُواری پدید آمد از پشت[۲۴] سام ‌‌ که دستانش رستم نهادَست نام
بیامد بسان نهنگ[۲۵] دُژم ‌‌ تو[۲۶] گفتی زَمین را[۲۷] بسوزد به دم
همی تاخت اندر فراز و نشیب ‌‌ همی زد به گرز و به تیغ[۲۸] و رکیب[۲۹]
ز گرزش[۳۰] هوا شد پر از[۳۱] چاك چاك ‌‌ نیرزید[۳۲] جانم[۳۳] به یك مشت خاك
همه لَشکر ما بهم[۳۴] بردرید ‌‌ کس اندر جهان آن[۳۵] شگفتی ندید
دِرفش مرا دید بر یك کران ‌‌ به زین اندرافگند[۳۶] گرز گران
چُنان برگرفتم[۳۷] ز زین پلنگ[۳۸] ‌‌ که گفتی ندارم[۳۹] به یك پشّه سنگ[۴۰]

۱- **ف**: صد و بیست؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**؛ **ل، س**: شست)؛ **بنداری**: ألف و مائة و ستون ۲- **لن، لی، پ، آ**: حمله؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- **ف**: چون شرزه؛ **لن، لی، ل۲**: در جنگ؛ **ق۲**: برجنگ؛ **پ**: در چنگ؛ **و**: بردست؛ (**لن۲**: برشست)؛ متن= **ل، س، ق، آ، ب** (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **پ، ب** در اینجا سرنویس دارند، **پ**: هزیمت شدن افراسیاب از رستم؛ **ب**: هزیمت رفتن ترکان از ایران ٤- **لن، پ، ب**: ازآنجا ۵- **ق**: بر ٦- **ل، ق**: گفت گوی ۷- **س، ق، لی، آ**: سلاح ۸- **لی**: سپر؛ **ل۲**: گسسته سلیح و شکسته سپر ۹- **ق۲**: نه نای و نه بر؛ **لی**: نه تاج و کمر؛ **و**: نه پا و نه پر؛ **ب**: نه پای و نه سر؛ آ: نه بوق و نه پای و نه کوس و نه پر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- **ق**: سوی؛ **پ**: به پیش پدر رفت پور؛ **ب**: برفتند از آب نزد؛ **لی** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- **پ**: و دل پر درنگ؛ **ل۲** پس از این بیت افزوده است:

به پیش پدر شد دلی پر ز درد ‌‌ نیایش کنان دل سیه روی زرد

۱۲- **ل۲، ب**: ای ۱۳- **س، لن، لی**: زین ١٤- **ق۲- آ، ب**: جنگ؛ متن= **ف- ق، ل۲** ۱۵- **و**: دگر ١٦- **پ، آ**: آنکه ۱۷- **ف، ق۲**: شکستی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۸- **ل**: پیشی؛ در **و** این بیت پس از بیت ۶۱ آمده است ۱۹- **ل** (و نیز **ل۳**): جهان ۲۰- **لی**: یکی بگذرد؛ آ: یکی چون رود ۲۱- **س، ق۲، ب**: زمین ۲۲- **ل۲**: نمانند گیتی ابی کدخدای؛ **ب**: زمین را نماند ابی کدخدای؛ در **و** پس از این بیت بیت ۵۸ آمده است ۲۳- **ق۲**: یکی در ز کینه بنو برگشاد؛ **و**: در کینۀ نو در اندرگشاد ٢٤- **ل، ق، لی، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): تخم؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، پ، و، ب**؛ در **ق** پس از این بیت بیت ۷۹ آمده است ۲۵- **و، آ، ل۲، ب**: نهنگی ٢٦- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): که؛ متن= **ف، و** ۲۷- **ق**: زبان را؛ **پ**: جهان را؛ **و**: که گیتی ۲۸- **ل**: به تیغ و به گرز؛ **و**: به گرز و به پای؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- **س**: رکاب ۳۰- آ: که گردش ۳۱- **ل، آ**: همی؛ **لی**: روان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- **لی**: نه‌ارزید ۳۳- **س، لن، ق۲، آ، ب**: جانش؛ **پ**: جانی؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل۲**؛ در **س، لن، ق۲، لی، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ پیابی لت ها= **ف، ل، ق، پ** ٣٤- **آ، ب**: زهم ۳۵- **ل، لن، پ**: این؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳٦- **ل، ق، و**: اندرآورد؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ **ق۲** پس از این بیت افزوده است:

بیامد بکردار غرّنده شیر ‌‌ دلاور یکی بر سمند دلیر
چو تنگ اندرآورد با من زمین ‌‌ فروکرد گرز گران را به زین

۳۷- **س، ل۲**: برگرفتش؛ **ل۲**: برربودم ۳۸- **ل، س، ق، ق۲، آ، ل۲**: خدنگ؛ متن= **ف، لن، لی، پ، و، ل۲** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۳۹- **ب**: ندارد
٤٠- آ: که گفتی یکی پشه دارد به چنگ

کمربند بگسست و بند قبای … ز چنگش[۱] فتادم نگون[۲] زیر پای
بدان زور هرگز نباشد هِزبر[۳] … دو پایش به خاك اندرون[۴]، سر به ابر
سُواران جنگی همه هم‌گروه … کشیدندم از چنگ[5] آن[۶] لخت کوه
تو دانی که شاهی، دل و چنگ من … به جنگ اندرون زور و[۷] آهنگ من
به دست وی اندر[۸] یکی پشّه‌ام … وُزان آفرینش پُراندیشه‌ام
یکی پیلتن دیدم و[۹] شیرچنگ … نه هوش[۱۰] و نه دانش، نه رای و درنگ[۱۱]
عِنان را[۱۲] سپرده بدان[۱۳] کَرگ[۱۴] مست … همش غار و هم کوه و هم راه پست[۱۵]
همانا[۱۶] که گوپال، سیصد هزار[۱۷] … زدندی[۱۸] بران[۱۹] تارگ گرزدار[۲۰]
تو گفتی که از آهنش کرده‌اند … ز سنگ و ز رویش[۲۱] برآورده‌اند[۲۲]
چه روباه پیشش[۲۳]، چه ببر بیان[۲۴] … چه درّنده[۲۵] شیر و چه پیل ژیان[۲۶]
همی تاخت یکسان چو روز[۲۷] شکار … به بازی همی آمدش[۲۸] کارزار
چنو[۲۹] گر[۳۰] بُدی سام را دست برد … ز ترکان[۳۱] نماندی سرافراز گرد[۳۲]
جز از آشتی جستنش[۳۳] رای نیست … که با او[۳۴] سپاه ترا[۳۵] پای نیست
زمینی کجا آفریدون گرد … بدانگه به تور دلاور سپرد[۳۶]
به من[۳۷] داده بودند و بخشیده راست[۳۸] … ترا کین پیشین[۳۹] نبایست خواست

۱- **ق[۲]، لی**: ز دستش **۲- ق، پ**: همی **۳- لی، ب**: هژبر **٤- ل، و، ل[۲]**: اندرو؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در **ق[۲]** پس از این بیت بیت های پنجم و هفتم ۸۶پ آمده‌اند **۵- ل**: پیش؛ **پ**: دست؛ متن= ده دستنویس دیگر **٦- ل[۲]**: این **۷- لی**: گرزو؛ **لن، پ**: دلیری و کردار و؛ متن= نه دستنویس دیگر **۸- و**: تو گفتی بدستش؛ آ: بچنگ وی اندر **۹- لن، ق، لی**: < و> (وزن نادرست است)؛ **پ، و**: دیدمش؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۱۰- س، ق[۲]**: نه زور؛ آ: نه مهر؛ **ب**: نه روی؛ متن← **۱۱- س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): نه سنگ؛ **ق**: نه هوش و نه رای و نه هنگ و درنگ؛ **و**: نه هوش و نه پرهیز و رای درنگ؛ **ل[۲]**: به هوش و به دانش به رای و به سنگ؛ متن= **ف، ل** **۱۲- س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: عنانش؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل[۲]** **۱۳- ل**: بران **۱٤- ل، س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): پیل؛ **و**: دیو؛ متن= **ف، ق، لی، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**) **۱۵- ل** (و نیز **ل[۳]**): یکی گرزهٔ گاو پیکر بدست؛ **س، لن، ق، ق[۲]، لی، و، ب** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): همش کوه و هم غار و هم راه بست (**س**: جست)؛ **پ**: همش درد و هم غار و هم کوه پست؛ آ، **ل[۲]**: همش کوه و غار و همش راه (آ: راه و) بست؛ متن= **ف** (: بست)؛ در **لی** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند **١٦- ل[۲]**: همان بد **۱۷- لن، لی، پ**: بیش از هزار؛ متن= نه دستنویس دیگر **۱۸- ل- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): زدندش؛ متن= **ف** **۱۹- ق، لی، ل[۲]**: بدان **۲۰- س، لن، ق، ق[۲]، لی، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): تارگ نامدار؛ **پ**: پیکر نامدار؛ **و، ل[۲]**(و نیز **ل[۳]، س[۲]**): تارگ ترگ دار؛ متن= **ف، ل**؛ **ل، ق** پس از این بیت افزوده‌اند:

گر از جای جنبان شود کوه خار (**ق**: کوهسار) … به زین در بجنبید آن نامدار (**ق**: به زین بر نجنبید آن بردبار)

۲۱- س، ق[۲]، و، آ، ل[۲]، ب: به روی و به سنگش؛ **لن، پ**: به سنگ و به رویش؛ **لی**: ز روی و ز سنگش؛ متن= **ف، ل، ق** **۲۲- س، آ، ب**: بپرورده‌اند **۲۳- ل- پ، آ، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): چه دریاش پیش و؛ **ل[۲]**: چه خفتان به پیش و؛ (**س[۲]**: چه دریا به پیشش)؛ متن= **ف** **٢٤- پ**: چه کوهش همان **۲۵- ق**: غرّنده **٢٦- لی، پ**: دمان؛ **و** این بیت را ندارد؛ در **ق** این بیت پس از بیت ۶۳ آمده است **۲۷- و**: چو شیر؛ **ب**: بروز **۲۸- لی، ب**: آیدش **۲۹- ق**: چو او؛ **لی، ل[۲]، ب**: چنان **۳۰- لی، پ**: کو **۳۱- ق[۲]**: سواری **۳۲- س، لی، و، آ، ل[۲]**: سرافراز و گرد؛ متن= **ف، ل، لن، ق، پ، ب**؛ **ق**: به گیتی نماندی بزرگ و نه خرد؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

جهانجوی و روی سپاهت منم … به دشواری اندر پناهت منم
نماندست با او مرا تاو هیچ … برو رای زن آشتی را بسیچ

۳۳- ل، س، لن، لی، و، آ، ب (و نیز **لن[۲]**): جستنت؛ **ل[۲]** (و نیز **ل[۳]، س[۲]**): کردنت؛ **ق، پ**، این بیت را ندارند؛ متن= **ف، ق[۲]** **۳٤- ف، لی**: وی؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۳۵- ق[۲]**: مرا **۳٦- ق[۲]**، آ: به تور و به سلم و به ایرج سپرد؛ **لی**: به تور و به سلم دلاور سپرد؛ **ق، پ** این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۳۷- ق[۲]** (و نیز **س[۲]**): مرا؛ آ: بما؛ (**ل[۳]**: بتو)؛ متن← **۳۸- ف**: چو داده بدند و ببخشیده راست؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **لن[۲]**) **۳۹- پ**: کین کشیدن

تو دانی که دیدن[1] نه چون[2] آگهی ست — میان شنیدن همیشه[3] تهی ست
ترا جنگ ایران چو بازی نمود — ز بازی[4] سپه را درازی نُمود[5]
نگر تا چه مایه ستام به زر[6] — همان[7] ترگ زرّین و زرّین سپر
همان تازی اسپان به[8] زرّین لگام[9] — همان تیغ هندی به زرّین نیام[10]
ازین[11] بیشتر نامداران گرد[12] — قباد[13] اندرآمد به خواری ببرد
بتر زین همه نام و ننگ و[14] شکست — شکستی که هرگز نشایدْش بست
دگر آن کجا بخت برگشته شد[15] — که[16] اغریرت[17] پرخرد[18] کشته شد
جوانی بُد و تنگی[19] روزگار — وُزامروز با دی گرفتن شمار[20]
به[21] پیش آمدندم همه[22] سرکشان — پس پشت هرکس[23] دِرفشی کشان
بسی یاد دادندم از[24] روزگار — دمان[25] از پس و من دوان[26] خوارخوار[27]
کنون از گذشته[28] مکن هیچ[29] یاد — سُوی آشتی یاز با[30] کیقباد
گرت[31] دیگر آید[32] یکی[33] آرزوی — به گرد اندرآید سپه[34] چارسوی
به[35] یك دست رستم که[36] تابنده هور — گه رزم[37] با او[38] نتابد[39] به زور[40]

۱- **ف**: دیده؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]) ۲- **س، لن، ق**[2]- **ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): به از؛ متن= **ف، ل، ق** ۳- **پ**: سراسر؛ **لی**: همیشه میان شنیدن؛ در **ل** پس از این بیت بیت پنجم ۸۶پ و در **ق** پس از این بیت بیت های پنجم و هفتم ۸۶پ آمده‌اند ٤- **ل**[2]: ز یاری ۵- **ل، لی، آ** (و نیز **ل**[3]، **س**[2]): فزود؛ **ق**[2]: سپاهی فزود؛ متن= **ف، س، لن، پ، و، ل**[2]، **ب** (و نیز **لن**[2])؛ **ق**[2]: سپهبد سپهدار زال فزود (!)؛ **س، لن، لی، پ، ب** (و نیز **لن**[2]) پس از این بیت و **ل، ق، ق**[2] (و نیز **ل**[3]) پس از بیت ۸۹ بیت هایی افزوده‌اند (**س، لن، لی، پ، ب** بیت دوم را، **س، لن** بیت ششم را و **ل** بیت هفتم را ندارند؛ بیت پنجم در **ل** پس از بیت ۸۵ و بیت های پنجم و هفتم در **ق** پس از بیت ۸۵ و در **ق**[2] پس از بیت ۷۱ آمده‌اند):

چو کلباد و چون بارمان دلیر — که بودی شکارش همه نرّه شیر
چو کلباد ویسه که قارن بکشت — دل چرخ گردان بدو شد درشت
خروران(**ل**: خرزوان؛ **ق،ب**: خزوران؛ **لی**: خراوران؛ **پ**: خروزان)کجازال‌بشکست‌خرد — نمودش‌به‌گرزگران‌دست برد
شماساس کین توز (**ق**: آن شیر) لشکر پناه — که (**پ**: چو) قارن بکشتش به آوردگاه
از امروز کارت به فردا ممان — که داند که فردا چه گردد زمان (**ب**: جهان)
جزین نامداران کین (**ق، ق**[2]: دگر) صدهزار — فزون کشته آمد گه (**ق**[2]: برین؛ **ق**: کشته گشته بدان) کارزار
گلستان که امروز باشد به بار — تو (**لی، پ**: چو) فردا چنی گل نیاید بکار (**ب**: نیابی ببار)

این بیت ها در **ف، و، آ، ل**[2] (و نیز **س**[2]) نیست ٦- **پ**: ستام و تبر ۷- **ل**[2]: هم از ۸- **ل**: <به> ۹- **ق**: ستام ۱۰- **ق**[2]: ستام ۱۱- **ق**[2]: ازآن ۱۲- **و**: ازین نامداران و شیران گرد ۱۳- **ف، لن**: چو باد؛ **س، ق- ب** (و نیز **لن**[2]): که باد؛ متن= **ل** (و نیز **ل**[3]، **س**[2])؛ **ل، ق، ق**[2] پس از این بیت بیت هایی افزوده‌اند (← ۸۶پ) ١٤- **س، ق، ب**: <و>؛ **لن، لی، پ، آ**: ننگت؛ **و**: ننگ و نام؛ متن= **ف، ل، ق**[2]، **ل**[2]؛ در **ل**[2] این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- **ل- آ، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]، **س**[2]): گر از من سر نامور گشته شد؛ **ل**[2]: دگر آن کجا سرم برگشته شد؛ متن= **ف** ۱٦- **س، لن، ق**[2]، **پ، ب**: چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- **ق**[2]، **لی، و، آ** (و نیز **لن**[2]): اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل**[3]، **س**[2]) ۱۸- **س، ق**[2]، **لی، ب**: نامور؛ **لن، ق، پ، آ**: پر هنر؛ متن= **ف، ل، و، ل**[2]؛ در **ل**[2] این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- **ق**: تنگی از؛ **ب**: نیکی؛ **لی**: جزای بد و نیکی ۲۰- **ل، ق، پ**: من (**پ**: از) امروز را دی گرفتم شمار؛ **س، ب** (و نیز **لن**[2]): ز نیك و ز بد بر گرفتن شمار؛ **لن**: دمان از پس من دنان زار و خوار (= ۹۴ب)؛ **ق**[2]، **لی، آ**: وز امروز (**آ**: امروز و) فردا گرفتن شمار؛ **و**: وزامروز دی برگرفتم شمار؛ (**ل**[3]: از امروز تا دی گرفتن شمار)؛ متن= **ف**؛ **ل**[2] این بیت را ندارد ۲۱- **ل**: که؛ **لن، ق، ل**[2] این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- **ل، آ**: همان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- **ل، س، ق**[2]، **لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **ل**[3]، **لن**[2]): هریك؛ متن= **ف** ۲٤- **س، ق**[2]، **لی، و، آ، ب**: آن؛ **پ**: دارند ازآن؛ **ف** پاك شده است؛ **لن** این لت را ندارد؛ **ق، ل**[2] این بیت را ندارند؛ متن= **ل** ۲۵- **ق**[2]: زمان؛ **و**: دوان ۲٦- **س، ق**[2]، **آ، ب**: دمان؛ **لن، لی**: دنان؛ **پ**: ازآن؛ متن= **ف، ل** ۲۷- **ل، س، لن، لی، پ، آ، ب**: زار و خوار؛ **ق**[2]: خوارو زار؛ متن= **ف، و**؛ **لن** ۹۲ب، ۹۳ و ۹۴آ را انداخته و از ۹۲آ و ۹۴ب یك بیت ساخته است ۲۸- **س**: گذشتن ۲۹- **ل**[2]: ایچ ۳۰- **ق**[2]: **یا** ۳۱- **و**: ورت ۳۲- **س، لن**: آمد ۳۳- **و**: همی ۳٤- **لن**: اندر اندیشهٔ؛ **پ**: اندر اندیشه را ۳۵- **ق**: ز ۳٦- **لن**: چو ۳۷- **ق**[2]: جنگ ۳۸- **لی**: وی ۳۹- **آ**: نیاید ٤۰- **لن، پ**: ابا گرز و کوپال و با فرّ و زور؛ **ب**: نتابد گه رزم با او بزور

به روی[۱] دگر قارن رزم زن — که چشمش ندیده‌ست هرگز شکن
سدیگر[۲] چو کشواد زرّین کلاه — که آمد به آمل[۳] ببرد آن سپاه[۴]
چهارم چو مهراب کاول[۵] خدای — که سالار شاهست و[۶] ، زاول خدای[۷]

سپهدار ترکان[۸] دو دیده پرآب — شگفتی فرومانده ز[۹] افراسیاب
یکی مرد با هوش دل[۱۰] برگزید — فرستاد[۱۱] بایران چُنان چون سَزید[۱۲]
دبیر نبیسنده[۱۳] را گفت شاه[۱۴] — به[۱۵] پیش آر قرطاس و مشك سیاه[۱۶]
یکی نامه بنوشت[۱۷] ارتنگ وار[۱۸] — برو کرده صدگونه رنگ و نگار
به نام خداوند خورشید و ماه — که او داد بر آفرین دستگاه
وُزو[۱۹] بر روان فریدون درود — کزو دارد این تخم ما[۲۰] تار و پود
گر از[۲۱] تور بر ایرج نیك بخت — بد آمد پدید[۲۲] از پی تاج و تخت
بران بر[۲۳] همی راند[۲۴] باید سَخُن — نباید که پرخاش[۲۵] ماند[۲۶] بهُبن[۲۷]
گرین[۲۸] کینه از[۲۹] ایرج آمد پدید — منوچهر سرتاسر این[۳۰] کین کشید
بران[۳۱] هم که کرد آفریدون[۳۲] نُخُست — کجا[۳۳] راستی را به بخشش بجست[۳۴]

۱- **لن، ق[۲]، پ،** آ: بدست؛ **ق**: ز روی؛ متن= هفت دستنویس دیگر **۲- لی**: سه دیگر **۳- و**: ز ساری؛ متن← **٤- پ**: فروزان سپاه؛ آ: بنزد سپاه؛ **ف**: که بر چشم او خوار باشد سپاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۵- ف- ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است **٦- ق**: < و> ؛ **ل**: که دستور شاهست و؛ **و**: که کابل خدایست و؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۷- ل، ق، لی، و، ل[۲]** (و نیز **س[۲]**): زابل خدای؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب** (و نیز **لن[۲]**): با فرّ و رای؛ (**ل[۳]**: فرخنده رای)؛ متن= **ف**؛ **بنداری** بسیاری از بیت های ۵۷ تا ۱۰۰ را ترجمه نکرده است: ثم عبر و توجه نحو أبیه بشنك. فلما مثل بین یدیه سرد علیه جمیع أحوال الوقعة، و وصف قوّة الایرانیة وقلة ثبات التورانیة بین أیدیهم. و قال: الصواب أن نغتنم السلامة منهم، و ننفذ الرسل إلیهم جانحین الی السلم. ثم طفق یعتذر الی أبیه من سبق السیف العذل فی قتل إغریرث أخیه، و یسأله العفو و الصفح **۸- س، لن، ق[۲]، پ**: توران؛ متن= هشت دستنویس دیگر **۹- ل، س، لی، ق، لی، پ**: ماند ز؛ **و، ل[۲]، ب**: ماند از؛ متن= **ف، ق[۲]**، آ؛ **ق[۲]، پ** پس از این بیت افزوده‌اند:

که چنـدان (**پ**: چنـدین) سخنهـاش یاد آمـدست — سرش را کنون راه (**پ**: روانش همی سوی) داد آمدست

۱۰- لن، لی، پ: بیدار دل؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، س[۲]**) **۱۱- ل، ق، لی، و**: فرسته؛ **ل[۲]**: فرستید؛ متن← **۱۲- ق**: رسید؛ **س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب**: بایران فرستاد چون می (**لن، ق[۲]، پ**: چونان) سزید؛ متن= **ف**؛ **ل- ب** در اینجا سرنویس دارند، **ل**: نامه نوشتن پشنگ بر کیقباد؛ **س، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ل[۲]، ب**: نامهٔ پشنگ بنزد (**لی، پ**: به؛ **و، ل[۲]، ب**: نزد) کیقباد (**س**: و پاسخ دادن کیقباد پشنگ را؛ **ق[۲]، لی، آ**: و آشتی خواستن؛ **و**: و آشتی جستن ازو؛ **ل[۲]**: جهت صلح)؛ **لن**: نامهٔ افراسیاب به کیقباد و آشتی کردن؛ **ق**: نامهٔ پشنگ پدر افراسیاب به کیقباد در التماس صلح **۱۳- ل، و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]، س[۲]**): نویسنده؛ **ق، پ**: پسندیده؛ متن= **ف** **١٤- ل[۲]**: پیش خواند **۱۵- ل، ق، پ** (و نیز **س[۲]**): که؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن[۲]**) **١٦- ل[۲]**: ابا او همه راز دل برفشاند؛ **س، لن، ق[۲]، لی، آ، ب** (و نیز **ل[۳]**) این بیت را ندارند **۱۷- ق**: بنویس **۱۸- ل**: اژنگ وار (← ارژنگ وار)؛ **س، لی، ب**: از ننگ و عار (← ارتنگ وار)؛ **ق، ق[۲]، آ** (و نیز **ل[۳]**): ارژنگ وار؛ **و، ل[۲]** (و نیز **لن[۲]**): فرزانه‌وار؛ متن= **ف، پ** (و نیز **س[۲]**) **۱۹- ق[۲]**: دگـر **۲۰- پ**: کزویست این تخـم با **۲۱- ف، س، لن، لی، آ، ل[۲]، ب** (و نیز **ل[۳]، لن[۲]**): که از؛ متن= **ل، ق، ق[۲]، پ، و** (و نیز **س[۲]**) **۲۲- ق[۲]**: همی **۲۳- ف، ل**: بران هم؛ **لی**: بدان هم؛ **ق** این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **٢٤- و**: ماند **۲۵- ل، ل[۲]** (و نیز **ل[۳]**): بباید که پیوند؛ متن← **٢٦- لن**: یابد؛ متن← **۲۷- لی** (و نیز **س[۲]**): کهن؛ **ب**: زبن؛ **و** (و نیز **لن[۲]**): نکاوید (**لن[۲]**: نکارید) باید حدیث کهن؛ متن= **ف، س، ق[۲]، پ، آ**؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **و** (و نیز **لن[۲]**) پس از این بیت افزوده‌اند:

نمـانـدست آن کیـنـه نـاخـواسـتـه — وزان خـواسـتـه کـیـنـه شـد کـاسـتـه

۲۸- ف: که این؛ آ: گرآن؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل[۳]، لن[۲]، س[۲]**) **۲۹- لن، پ**: کز **۳۰- ق، آ، ب**: آن؛ در **لی** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ **بنداری** (۱۰۷- ۱۰۹): و ذکر فیه أن تورا و إن کان ظلم إیرج فإن منوجهر انتقم له و أدرك ثاره؛ **و** پس از بیت ۱۰۹ افزوده است:

بـمـانـد ایـن زمـان بـخـش ایـران و تـور — جـهـان قـسـم کـردن ز نـزدیـك و دور

۳۱- ل[۲]: بدان **۳۲- س، ب**: بران هم که کرد آن فریدون؛ **ق**: همان افریدون شاه از **۳۳- ق**: همی؛ پ: کـه‌مر **٣٤- لی**: درست؛ **بنداری**: و قد کان أفریدون قبل ذلك قد قسم الممالك قسمة عادلة؛ در **لی** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ **و** پس از این بیت افزوده است:

نـه کـاهـیـد کـشـور نـه دردی فـزود — هـمـه راسـتـی جـسـت و نـیـکـی نـمـود

سَزد گر بداریم[۱] دل هم[۲] بران
نگردیم از آیین[۳] و راه[۴] سران[۵]

ز خرگاه[۶] تا ماورالنّهر بر[۷]
که جیحون میانجی ست[۸] اندرگذر[۹]

بر و بوم ما بود هنگام شاه
نکردی بدین[۱۰] مرز ایرج نگاه

همان بخش[۱۱] ایرج از[۱۲] ایران زَمین
بداد آفریدون و کرد آفرین[۱۳]

ازآن گر بگردیم و[۱۴] جنگ آوریم
جهان بر دل خویش تنگ آوریم

بود زخم شمشیر[۱۵] و خشم خدای
نیابیم[۱۶] بهره ز هر دو[۱۷] سرای[۱۸]

وُگر[۱۹] همچُنان چون فریدون گرد
به سلم و به تور[۲۰] و به ایرج سپرد

ببخشیم و زان[۲۱] پس نجوییم کین
که چندین بلا خود[۲۲] نیرزد زَمین

سر زنده از سال[۲۳] چون برف گشت
ز خون کیان[۲۴] خاك[۲۵] شنگرف گشت

سرانجام هم جز[۲۶] به بالای خویش
نیابد کسی بهره از جای خویش

بمانیم با آن رشی پنج خاك[۲۷]
سراپای[۲۸] کرباس و جای مَغاك

در آزمندیست[۲۹] اندوه و رنج
شدن تنگ دل در[۳۰] سرای سپنج

مگَر رام گردد بدین[۳۱] کیقباد
سر مرد بخرد نگردد ز داد[۳۲]

کس از ما نبینند[۳۳] جیحون به خواب،
وُزایران[۳۴] نیایند ازین[۳۵] روی[۳۶] آب،

مگر با درود و نُوید و پیام[۳۷]،
دو کشور شود[۳۸] زین سَخُن شادکام

چو نامه به مُهر اندرآورد شاه
فرستاد نزدیك ایران سپاه[۳۹]

۱- ل- ق[۲]، پ- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): برانیم ؛ لی: بمانیم ؛ متن= ف ۲- لی، و: مادل ؛ ل[۲]: هم دل ۳- لن، پ: آهنگ ٤- ق[۲]: رای ۵- ل[۲]: مهان ؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ٦- ل، ق: ز جیحون و (ق: < و>) ؛ (ل[۳]: ز چینست) ؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن[۲]، س[۲]) ۷- س- و، ل[۲]، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): در ؛ متن= ف، ل، آ (و نیز ل[۳]) ۸- س، لن، ق[۲]، پ، و، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): میانستش ؛ لی: میانست ؛ ل[۲]: میاتریست (!) ؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل[۳]) ۹- لی: بر ره گذر ۱۰- ل: نکردی بران ؛ س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب: نکرد اندران ؛ ق: نکردی برین ؛ لی، و، ل[۲]: نکرد اندرین ؛ متن= ف ۱۱- و: مرز ۱۲- ل، ق: ز ؛ س، لن، ق[۲]، لی، پ، آ، ب: بد ؛ و: که ؛ متن= ف، ل[۲] ۱۳- س، پ، ب: که از شه فریدون بدش آفرین ؛ لن، ق[۲]، لی، آ: که (لی: بد) از آفریدون برو (لن: بدش) آفرین ؛ و: بدادش فریدون با داد و دین ؛ ل[۲]: که دادش فریدون برو آفرین ؛ متن= ف، ل، ق ١٤- ل[۲]: وگر زان نگردیم ۱۵- لن: خورشید ١٦- س، لن، آ، ل[۲]: بیابیم ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، س، لن، لی، آ، ل[۲]، ب: بهردو ؛ ق[۲]: بدیگر ؛ متن= ف، ق، و ۱۸- پ: نیابیم از بهرهٔ خویش جای ۱۹- لن: اگر ۲۰- ل- لی، آ، ل[۲]، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): به تور و به سلم ؛ متن= ف، و (و نیز ل[۳]) ؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- س، لن، ق[۲]، آ، ب: ازآن ؛ ق، لی، و، ل[۲]: وزین ؛ متن= ف، ل ۲۲- ل[۲]: بر ؛ پ این بیت را ندارد ۲۳- ل، ق: سراینده از سال ؛ س، ق[۲]، لی، آ، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): سرزندهٔ زال ؛ لن: سر ژندهٔ زال ؛ متن= ف، و، ل[۲] (و نیز ل[۳]) ٢٤- س، لن، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]): یلان ؛ متن= ف، ل، ق، ق[۲]، لی، و (و نیز لن[۲]) ۲۵- ل[۲]: برف ؛ پ این بیت را ندارد ٢٦- لن: سرانجام جز هم ؛ آ: سرانجام همچون ؛ پ این بیت را ندارد ۲۷- ف، ل، ق، پ: بمانیم روز پسین زیر خاك ؛ لی: بمانیم باز اندران کنج خاك ؛ ل[۲]: بمانیم یاران رسی (← با آن رشی) پنج خاك ؛ (س[۲]: بمانیم باآن وشی (← رشی) پنج خاك) ؛ متن= س، ق[۲]، و، آ، ب (ق[۲]: یا ؛ آ: این) ۲۸- س، ق[۲]، آ، ب: سروپای ؛ لن این بیت را ندارد ۲۹- ل، ل[۲] (و نیز ل[۳]): وگر آزمندیست و (ل[۲]: < و>) ؛ س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): دگر (آ: وگر) آرزویست ؛ لی: دگر آزمندیست ؛ متن= ف، و ۳۰- لن، لی، پ: زین ؛ آ: بر ؛ ق این بیت را ندارد ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل، ق، پ، ل[۲]: برین ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۲- س، پ: سخن نیز ازین گونه کردند یاد (= ۱۲۷ب) ۳۳- لن: گر از ما ببینند ٣٤- ف، آ، ب: از ایران ؛ متن= ل، ق، لی، پ، و، ل[۲] ۳۵- و، ل[۲]: زین ؛ لی: نیاید بدین ؛ لن: ازین پس نیابند از آن ؛ ق[۲]: نیابند ایران ازین ۳٦- ف، ق، پ: سوی ؛ متن= ل، لن، ق[۲]، لی، و، آ، ل[۲]، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) ؛ س این بیت را ندارد ۳۷- ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]): سلام و پیام ؛ لن، ق[۲]، پ، ل[۲]، ب: پیام و سلام ؛ لی: یکی با نوید و درود و سلام ؛ س این بیت را ندارد ؛ متن= (س[۲]) ۳۸- لن، ق[۲]، لی، ب: بود ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ؛ بنداری ترجمهٔ بیت های ۱۱۷- ۱۲۵ را ندارد ۳۹- س این بیت را ندارد

بِبردند نامه بر کیقباد   سَخُن نیز ازین گونه کردند یاد[۱]
چُنین داد پاسخ که دانی درست[۲]   که از ما نبُد پیش دستی نُخست
ز تور اندرآمد نُخستین ستم[۳]   که شاهی چو ایرج شد از تخت کم
بدین روزگار اندر[۴] افراسیاب   بیامد به ایران[۵] و بگذاشت آب[۶]
شنیدی که با شاه نوذر چه کرد   دل دام و دد[۷] شد پر از داغ و درد
ز کینه به اغریرث[۸] پرخرد   نه آن کرد کز مردمی درخورد[۹]
ز کردار بد گر پشیمان شدی[۱۰]   به نوّی ز سر بازِ پیمان شدی[۱۰]
مرا نیست از کینه و آز رنج[۱۱]   بسیچیده‌ام[۱۲] در سرای سپنج
شما را سپردم[۱۳] ازآن[۱۴] روی[۱۵] آب   مگر یابد آرامش[۱۶] افراسیاب

به نوّی یکی باز پیمان نبشت[۱۷]   به باغ بزرگی درختی بکشت
بدو گفت رستم که ای شهریار   مجوی[۱۸] آشتی در گه کارزار
نبود آشتی هیچ درخوردشان[۱۹]   بدین روز گرز من آوردشان[۲۰]
به رستم چُنین گفت پس کیقباد[۲۱]   که چیزی ندیدم نکوتر[۲۲] ز داد

۱- **پ**: سر مرد بخرد نگردد ز داد (= ۱۲۳ب)؛ **ل۲**: سخن نیز کردند ازین گونه یاد؛ **س** ۱۲۳ب، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷آ را انداخته و از ۱۲۳آ و ۱۲۷ب یك بیت ساخته است؛ **پ** پس از این بیت سه بیت، **ق** تنها دو بیت نخستین و **ق۲**، **آ** تنها بیت سوم را افزوده‌اند (در **پ** بیت دوم و سوم پس و پیش شده‌اند):

بیامد فرستاده نزد قباد   هم آنگاه پیغام و نامه بداد
چو بشنید ازین گونه آیین و راه   زبان را به پاسخ بیاراست شاه
چو شاه جهاندار نامه بخواند   به پاسخ سخنها فراوان (**آ**: فراوان سخنها) براند

۲- **پ**: زافراسیاب آمد این کین درست؛ در **پ** لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- **ق، ل۲**: نخست این ستم ٤- **پ**: آمد ۵- **ل، ق، و**: بیامد بتیزی و؛ **پ**: بدین سوی ایران؛ **ل۲**: بیامد برین روی؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، لی، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ٦- **ق، لی، ل۲**: بگذشت ز (**ق**: از) آب؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۷- **ق**: دل داد و دین؛ **لی**: دل و جان ما ۸- **ق۲، لی، و، آ** (و نیز **لن۲، بنداری**): اغریرث؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ۹- **ق**: اندر خورد (وزن ندارد)؛ **و**: نه آن کردکان با خرد در خورد ۱۰- **ل، و، ل۲** (و نیز **ل۳**): شوید؛ **س، لن، ق، ق۲، لی، آ، ب** (و نیز **س۲**): شوی؛ **پ** (و نیز **لن۲**): شود؛ متن= **ف** ۱۱- **ل۲**: آز و رنج؛ **لن، ق۲، لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): آزار و رنج؛ **س**: جز این است از کینه آزار و رنج؛ متن= **ف، ل، ق، و** ۱۲- **ق**: نجنبیده‌ام ۱۳- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): سپارم؛ متن= **ف، ل، ق، ل۲** ١٤- **لی**: ازین ۱۵- **ف، و** (و نیز **لن۲**): سوی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، س۲**) ١٦- **ق، ل۲**: آرام ۱۷- **ل، لن، لی، پ، و**: نوشت؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ **ل، ق، ق۲** (و نیز **ل۳**) پس از این بیت افزوده‌اند (در **ل** در بیت چهارم لت ها پس و پیش شده‌اند):

فرستاده آمد بسان پلنگ   رسانید نامه بنزد پشنگ
بنه برنهاد و سپه را براند   همی گرد بر آسمان برفشاند
ز جیحون گذر کرد مانند باد   وزان آگهی شد بر کیقباد
بدان (**ق، ق۲**: چنان) گشت شادان دل شهریار   که دشمن شد از پیش بی کارزار

۱۸- **ل، و**: مجو؛ **ق**: چرا؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹- **ل، س، ق، ق۲، ل۲**: نبد پیشتر آشتی را نشان (**ق**: رایشان؛ در **ل، س** حرف یکم واژهٔ پسین نقطه ندارد)؛ **لن، پ، ب** (و نیز **س۲**): نبود (**ب**: نبد) آشتی پیشتر زان (**پ**: زین؛ **ب**: را) نشان (**س۲**: رایشان)؛ **لی**: نبد آشتی پیش ازین نزدشان؛ **آ**: ازیشان نبود آشتی را نشان؛ (**ل۳**: نبود آشتی پیش از آوردشان)؛ متن= **ف، و** (و نیز **لن۲**) ۲۰- **بنداری**: هلاکان ذلك منهم قبل هذا الوقعة! والآن فالرأی أن نجوس دیارهم، و نستبیح أموالهم و دماءهم ۲۱- **ل- پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، س۲**): چنین گفت با (**لی، ل۲، ل۳**: پس) نامور (**س۲**: پیلتن) کیقباد؛ متن = **ف، و** (و نیز **لن۲**) ۲۲- **لی**: ندیدیم بهتر؛ **و**: در اینجا سرنویس دارد: گفتار اند رخلعت دادن کیقباد پهلوانان را

نبیره فریدون و پور پشنگ[۱]   به سیری[۲] همی سر بپیچد[۳] ز جنگ
سَزد گر هرآنکس که دارد خرد   به[۴] کژّی و ناراستی ننگرد[۵]
ز زاولستان[۶] تا به دریای سند[۷]   نبشتیم[۸] عهدی ترا بر پرند[۹]
تو شو تخت[۱۰] با افسر نیمروز   بدار و همی باش[۱۱] گیتی فروز
وُزین[۱۲] روی کاول[۱۳] به مهراب ده[۱۴]   سراسر سِنانت[۱۵] به زهر آب ده[۱۴]
کجا پادشایی ست[۱۶] بی جنگ نیست   وگر چند روی زَمین تنگ نیست[۱۷]
سرش را بیاراست از[۱۸] تاج زر   همان گردگاهش به زرّین کمر
ز یك روی گیتی مرو را سپرد   ببوسید روی زَمین[۱۹] مرد گرد
وُزان[۲۰] پس چُنین[۲۱] گفت فرّخ قباد   که بی زال تخت[۲۲] بزرگی مباد
به‌یك[۲۳] موی دستان نیرزد جهان   که او ماندمان یادگار از مِهان[۲۴]
یکی جامه‌ی شهریاران[۲۵] به زر   ز یاقوت و پیروزه تاج و کمر
نهادند مهد[۲۶] از بر پنج پیل   ز پیروزه، رخشان تر از آب نیل[۲۷]
بگسترد زربَفت بر مهد بر[۲۸]   یکی گنج که‌ش کس ندانست مر[۲۹]
فرستاد[۳۰] نزدیك دستان[۳۱] سام   که خِلعت مرا زین فزون بود کام[۳۲]
اگر باشدم زندگانی دراز   ترا دارم اندر[۳۳] جهان بی نیاز
همان قارن و نیز[۳۴] کشواد را   چو برزین و خرّاد و پولاد را[۳۵]

۱- **س، لن، ق۲، لی، پ، و، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): فریدون فرّخ پشنگ؛ متن= **ف، ل، ق، آ** (**ق**: < و >) ۲- **لی**: بشیری؛ **ل۲**: بتیزی ۳- **س، لن، ق۲، و**: بپیچد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **ل۲**: نپیچد؛ **ف** ناخواناست؛ متن= **ل، ق، لی، پ، آ، ب** ۴- **و**: ز ۵- **لی**: بنگرد؛ **ل، ق** این بیت را ندارند؛ **بنداری**: فاذ طلب بشنك مصالحتنا و موادعتنا فحقیق بنا أن نجیبه الی ما طلب ۶- **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، بنداری**): زابلستان؛ متن= **ف، ل** (و نیز **س۲**) ۷- **ق**: هند ۸- **ل، ق، لی، پ، و**: نوشتیم؛ متن= **ف، س، لن، ق۲، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۹- **ق**: سراسر پرند ۱۰- **ل، ق**: سر تخت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**) ۱۱- **س، لن، ق۲، پ** (و نیز **لن۲**): همی دار و می باش؛ **لی**: بداد و دهش باش؛ **ب**: همی باش و میدار؛ متن= **ف، ل، ق، و، آ، ل۲** (و نیز **ل۳، س۲**)؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: عهد نوشتن کیقباد رستم را در پادشاهی ۱۲- **س، لن، ق، پ، آ، ل۲، ب**: وزان؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و** ۱۳- **ف- ق۲، پ- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲، بنداری**): کابل؛ **لی**: کشور؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴- **لی**: داد ۱۵- **لی**: سنانش؛ در **ق۲**لت های این بیت با یکدیگر و خود بیت با بیت سپسین پس و پیش شده‌اند ۱۶- **ل- ب**: پادشاهیست؛ متن= **ف** ۱۷- **ف**: اگر جنگ جویی ز بُن ننگ نیست؛ **ل**: وگر جنگ جویی زمین تنگ نیست؛ متن= **س- ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**؛ **و**: اگر؛ **ق**: زمی)؛ در **ق۲** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- **ل، س، لن، پ، آ، ل۲، ب** (و نیز **ل۳، لن۲، س۲**): با؛ متن= **ف، ق، ق۲، لی، و** ۱۹- **ق**: زمی؛ در **س، لن، پ، ب** این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- **ل، س، و، ب**: ازآن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- **ف**: بدو؛ متن= **ل- ب** (و نیز **لن۲، س۲**) ۲۲- **لی**: تاج؛ در **س، لن، پ، ب** این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- **ل۲**: یکی ۲۴- **ق۲، پ، و، آ، ل۲، ب** (و نیز **س۲**): یادگار مهان؛ **ل، لی**: که او ماند از یادگار مهان؛ **ق**: که ماند بما یادگار از جهان؛ متن= **ف، س، لن** (و نیز **لن۲**)؛ **بنداری**: وذکر دستان وأثنی علیه و قال إنه بقیة الملوك الماضین ۲۵- **ل- پ، آ، ب** (و نیز **لن۲، س۲**): شهریاری؛ متن= **ف، و، ل۲** ۲۶- **و**: تخت ۲۷- **ل، ق**: رخشان بکردار نیل؛ **لی، و**: رخشان تر از رود نیل؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز **ل۲، س۲**) ۲۸- **لی**: زر؛ **ل۲**: بگسترده زربفت رومی بزر ۲۹- **لی**: یکی گنج بدکش ندانست بر؛ در **ل۲** بیت های ۱۵۰ تا ۱۵۲ درهم ریخته‌اند: ۱۵۰آ، ۱۵۲ب، ۱۵۰ب، ۱۵۲آ، ۱۵۱ ۳۰- **ق۲**: ببردند ۳۱- **ف**: دستام ۳۲- **لی**: که خلعت ترا زین فزونست کام ۳۳- **س، لن، ق۲، پ، آ، ب**: ترامن کنم در؛ **لی**: ترا دادم اندر؛ متن= **ف، ل، ق، و، ل۲** ۳۴- **ل، ق، و، ل۲**: قارن نیو و؛ **س، پ**: قارن گرد و؛ **لن، ب** (و نیز **لن۲**): قارن و گرد؛ **ق۲**: قارن گرد؛ **لی، آ** (و نیز **س۲**): قارن پیرو؛ (**ل۳**: قارن شیرو)؛ متن= **ف** ۳۵- خرداد و پولاد را؛ **ل**: خرّاد پولاد را؛ **ل۲**: خرّاد و میلاد را؛ **س، آ**: چو برزین پولاد و خرّاد را؛ **و** (و نیز **لن۲**): چو برزین و پولاد و خرّاد را؛ متن= **لن، ق، ق۲، لی، پ، ب** (و نیز **س۲**)؛ **بنداری**: مثل قارن و کشواذ و برزین و خرّاد بنفائس الخلع . . .

برافگـنـد[۱] خِلعـت چُنـان چون سَزید   کسـی را که خِلعـت سَزاوار دید
درم داد و[۲] دینـار و تیغ و سپـر   که را بود درخـور[۳] : کلاه و کمـر
وُزانـجـا سُوی پارس[۴] انـدرکـشـید   که در پارس[۴] بُد گنـج ها را کَلید
نشـسـتـن گه آنـگـاه[۵] اصـطخـر[۶] بود   کیان را بدانـجـایگـه فخـر بود
جهـانـی سُوی وی[۷] نهـادنـد روی[۸]   که او بود سالار[۹] دیهـیم جوی
به تخـت کیان[۱۰] انـدرآورد پای   به داد[۱۱] و به آیین و[۱۲] فرخـنـده‌رای
چُنـین گفـت با نامـور مهـتـران[۱۳]   که گیتـی مرا از[۱۴] کران تا کران
اگـر پیل با پشّـه کین[۱۵] آورد   همـه[۱۶] رَخـنـه در داد و دین[۱۷] آورد
نخـواهـم[۱۸] به گیتـی جزاز[۱۹] راسـتـی[۲۰]   که خشـم خدای[۲۱] آورد کاسـتـی[۲۲]
تن آسـانـی از درد و رنـج تن ست[۲۳]   کجـا خاك و آبـسـت گنـج من ست[۲۴]
سپـاهـی و شهـری مرا[۲۵] یکـسـرست[۲۶]   همـه پادشـایی مرا لَشـکـرسـت[۲۷]
همـه در پنـاه جهـانـدار بید   خردمـنـد بید و[۲۸] بی آزار بید
هرآنـکس که دارد خورید و دهـید   سپـاسـی[۲۹] ز[۳۰] خوردن به من برنـهـید
هرآنـکس[۳۱] کجـا[۳۲] بازمـانـد ز خَورد   نیابـد[۳۳] همـی[۳۴] توشـه از[۳۵] کارکـرد
چراگـاهـشـان بارگـاه[۳۶] من ست   هرآنـکس که آید[۳۷] سپـاه[۳۸] من ست
وُزان[۳۹] رفـتـه نام‌آوران یاد کرد   به داد و دِهش گیتـی آبـاد باد

۱- ف: بفرمود؛ و: فرستاد؛ (لن[۲]: برآراست)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۲- س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب: ز دیبا و؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل[۲] (و نیز ل[۳]، لن[۲]) ۳- ل، و: که را درخور آمد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲])؛ لن، پ در اینجا سرنویس دارند: آمدن کیقباد به اصطخر فارس (پ: اسطخر پارس) ٤- آ: فارس ۵- ل- پ، آ، ب (و نیز ل[۳]، س[۲]): آنگه به؛ ل[۲]: آنگه < به> ؛ متن= ف، و (و نیز لن[۲]) ٦- ق[۲]، پ: اسطخر ۷- ل، ق، لی (و نیز ل[۳]): او؛ متن← ۸- س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب (و نیز لن[۲]، س[۲]): جهانی نهادند رخ (س[۲]: سر) سوی اوی (آ، ب، لن[۲]، س[۲]: او)؛ متن= ف، و، ل[۲] ۹- ل،س، و، آ: سالار و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: وزان پس به تخت ۱۱- و: برسم ۱۲- ل- ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): < و> ؛ متن= ف ۱۳- لن، لی، پ: بخـردان؛ ق[۲]: پهلوان؛ متن= هشت دستنـویس دیگـر ١٤- و: شد؛ آ: ز ۱۵- ق: جنگ ١٦- س، لن، پ، ب (و نیز لن[۲]): وگر؛ ق، ق[۲]، لی، و،آ: همی؛ متن= ف، ل، ل[۲] (و نیز ل[۳]، س[۲]) ۱۷- ق: رنگ ۱۸- و: نجویم ۱۹- ق[۲]، لی: بجز ۲۰- لی: داد و دین ۲۱- ف، ل، ق (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]): خدا؛ متن= س، لن، ق[۲]، پ- ب ۲۲- لی: بسازیم بزم و نجوئیم کین ۲۳- ف، ق (و نیز ل[۳]، س[۲]): منست؛ ل: از درد رنج منست؛ س، ب: از درد واز رنج نیست؛ ق[۲]، لی، و (و نیز لن[۲]): از داد و (و: < و>) رنج منست (لی: تنست)؛ آ: و داد رنج منست؛ ل[۲]: و درد رنج منست؛ لن: تن از داد و آزار بر رنج نیست؛ پ: تن از داد آزاد رنج منست؛ متن= ف، ق (و نیز ل[۳]، س[۲]) پس از تصحیح من به تن، و یا= لی پس از تصحیح داد به درد ٢٤- س، لن، ب: کجا آب و خاکست بی گنج (لن: جز رنج ؛ ب: جز گنج) نیست؛ ق[۲]: جهان آب و خاکست و گنج منست؛ لی، پ، آ، ل[۲] (و نیز ل[۳]، س[۲]): کجا آب و خاکست گنج منست؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز لن[۲]) ۲۵- ل: همه ۲٦- ل، ق، ل[۲] (و نیز ل[۳]): یکسراند؛ س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب (و نیز لن[۲]): همه پادشاهان مرا لشکرند؛ متن= ف، و (و نیز س[۲]) ۲۷- ل، ق، و، ل[۲] (و نیز س[۲]): همه پادشاهی مرا لشکرند (و، س[۲]: لشکرست)؛ س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب (و نیز لن[۲]): سپاهی و شهری مرا یکسرند (ب: لشکرند)؛ متن= ف؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- لی: خردمند و راد و ۲۹- ق: سپاسش؛ ل[۲]: سپاهی ؛ متن= ف، ل، ق[۲]، لی، و، آ (و نیز ل[۳]، لن[۲]، س[۲]) ۳۰- ل[۲]: به؛ س، لن، پ، ب این بیت را ندارند ۳۱- س، لن، ق[۲]، پ، ب: وزانکس؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۲- ق: که او ۳۳- ل، ق، لی، و، ل[۲]: ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ٣٤- پ: همه ۳۵- ل (و نیز ل[۳]): توشهٔ؛ س، لن، پ (و نیز لن[۲]): قوت از؛ و، ل[۲]: توشه در؛ متن= ف، ق، ق[۲]، لی، آ، ب (و نیز س[۲]؛ ف: نوشه) ٣٦- آ: پایگاه ۳۷- ل، س، لن، ق[۲]، پ، آ، ب (و نیز ل[۳]، لن[۲]): اندر؛ متن= ف، لی، و، ل[۲] (و نیز س[۲]) ۳۸- س، ق[۲]: پناه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳۹- س، لن، ق[۲]، لی، پ، و، آ، ب: ازآن؛ متن= ف، ل، ق، ل[۲]؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۷۹ آمده است

برین[۱] گونه صدسال آسان[۲] بزیست | نگر تا چُنین در جهان[۳] شاه کیست
پسر بُد مرو را خردمند چار[۴] | که بودند ازو در[۵] جهان یادگار
نُخستین چو کاوس باآفرین | کی آرش[۶] دگربُد[۷]، دگر[۸] کی پشین[۹]
چهارم کجا اشکشش بود نام[۱۰] | سپردند گیتی به آرام و کام[۱۱]
چو صدسال بگذشت[۱۲] با تاج و تخت | سرانجام تاب اندرآمد به بخت[۱۳]
چو دانست کامد بنزدیك، مرگ | بپژمرد خواهد همی سبز برگ[۱۴]
سر ماه[۱۵] کاوس کی را بخواند | ز داد و دِهش چند با او[۱۶] براند
بدو گفت: ما برنهادیم رخت | تو بگذار[۱۷] تابوت و بردار تخت[۱۸]
چه[۱۹] تختی که[۲۰] بی آگهی بگذرد[۲۱] | پرستندهٔی او ندارد خرد[۲۲]
چُنانم که گویی ز[۲۳] البرزکوه | کنون آمدم شادمان بی گروه[۲۴]
تو گر دادگر[۲۵] باشی و پاك رای[۲۶] | به‌آیین بپایی به دیگر سرای[۲۷]
وگر آز گیرد سرت را به دام | برآری یکی تیره تیغ از نیام[۲۸]
بگفت این و شد زین جهان فراخ | گزین کرد صندوق بر جای کاخ[۲۹]

۱- **لی**: بدین ۲- **ف، ل، ق، لی، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): شادان؛ متن= **س، لن، ق**[۲]، **پ، آ، ب** ۳- **لن، پ**: نگر تا به کیهان چنین ٤- **س**: مر او را پسر بد خردمند چار؛ **لن، پ**: پسر بد خردمند او را چهار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- **ل**: زو در؛ **لن، پ**: اندر؛ متن= نه دستنویس دیگر ٦- **ق**[۲]: که آرش ۷- **ل**: دوم و؛ **س- پ، آ، ب** (و نیز**لن**[۲]، **س**[۲]): دوم بد؛ **و**: دو دیگر؛ **ل**[۲]: یکی و؛ متن= **ف** ۸- **لن، لی، پ، و**: سیوم؛ **ق**[۲]: سوم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- **ق**[۲]، **لی، پ، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): کی نشین؛ **ل، س، لن، ق، و**: کی نشین (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن= **ف، آ، ب** ۱۰- **ل، ق، ل**[۲]: چهارم کجا ارشش بود نام (وزن ندارد و یا: آرشش، ← **بنداری**)؛ **س، ق**[۲]، **ب**: چهارم کیارش (**ق**[۲]: که آرش) کجا بود نام؛ **لن**: چهارم کجا کی سین بود نام (حرف یکم واژهٔ چهارم نقطه ندارد)؛ **لی** (و نیز **س**[۲]): چهارم کی اشکش (**لی**: که اشکش) ورابود نام؛ **پ**: چهارم کجا سین بودیش نام (!)؛ **و** (و نیز **لن**[۲]): چهارم که بود اردشیر او بنام؛ **آ**: چهارم کی ارمین کجا بد بنام؛ (**ل**[۳]: چهارم کی آذرش بود نام)؛ متن= **ف**؛ **بنداری**: وکان له أربع بنین کیکاوس و کی آرش و کی نشین و کی أرشش ۱۱- **و**: همه هر چهار از پدر شادکام ۱۲- **پ**: چو بگذاشت صدسال؛ **و**: چو بگذشت صدسال ۱۳- **س، لن، ق**[۲]، **پ، آ، ب**: سرانجام تاج اندر آمد ز بخت؛ متن= **ف، ل، ق، لی، و، ل**[۲] ١٤- **و**: شاخ و برگ ۱۵- **و**: سرافراز؛ **ل**[۲]: همانگاه ١٦- **لی**: وی ۱۷- **ل، لن- و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): بسپار؛ متن= **ف، س، آ، ب** ۱۸- **ف**: بنشین به تخت؛ متن= **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲])؛ در **ق** پس از این بیت بیت ۱۷۱ آمده است ۱۹- **ل، س، ق**[۲]، **لی، و، آ، ب** (و نیز **س**[۲]): چو؛ **ل**[۲]: که؛ متن= **ف، لن، پ** (و نیز **لن**[۲]) ۲۰- **ل، س، لن، ق**[۲]، **ل**[۲]: بختی که (حرف یکم نقطه ندارد)؛ **لی** (و نیز **س**[۲]): برتخت؛ **پ، آ**: بختی که؛ **و**: عمری که؛ متن= **ف، ب** (و نیز **لن**[۲]) ۲۱- **لی**: نگذرد ۲۲- **لی**: پرستنده او را نداند خرد؛ **ق** این بیت را ندارد؛ در **ل، س، لن، ق**[۲]- **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- **لن، لی**: از؛ **ل**[۲]: کز؛ متن= نه دستنویس دیگر ٢٤- **ل- ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): باگروه؛ متن= **ف**؛ در **ل، س، لن، ق**[۲]- **ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در **ق** این بیت پس از بیت های ۱۸۳پ آمده است؛ پیایی بیت های متن= **ف** ۲۵- **و**: اگر نیك دل ٢٦- **ل، ق**: پاك دین؛ **ق**[۲] این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- **ل، ق**: ز هرکس نیابی بجز (**ق**: جزاز) آفرین؛ **س، لن، ب، آ** (و نیز **لن**[۲]): ثوابش بیابی (**آ**: بیابی ثوابش) به دیگر سرای؛ **لی، و، ل**[۲] (و نیز **ل**[۳]، **س**[۲]): بیابی برش را (**ل**[۲]: برآن؛ **ل**[۳]: براین) بدیگر (**لی، س**[۲]: بهر دو) سرای؛ **پ**: همی مزد یابی بدیگر سرای؛ متن= **ف** (حرف های دوم و چهارم واژهٔ سوم نقطه ندارند: بیابی) ۲۸- **ل، س، لن، ق**[۲]، **لی، پ، آ، ب** (و نیز **ل**[۳]، **لن**[۲]، **س**[۲]): یکی تیغ تیز از نیام؛ **و**: نباشی بهردو جهان شادکام؛ متن= **ف، ق، ل**[۲]؛ **پ** در اینجا سرنویس دارد: تیره شدن روزگار کیقباد؛ **ل، ق** پس از بیت ۱۸۳ افزوده‌اند:

نگه دار تن باش و آن خرد | خرد مرد را سر به گردون برد
ز داد و دهش هیچ ماسای نیز | که از داد باشی به گیتی عزیز

در **ق** پس از این بیت ها بیت ۱۸۱ آمده است ۲۹- **لن، پ**: برگاه و کاخ؛ **ق، آ**: بر تخت و کاخ؛ **ق**[۲]: برتخت و گاه (پساوند ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر

۱۸۵ [جهان را چُنین ست ساز و نهاد[1] برآرد[2] ز خاك و دهدشان به باد[3]]

۱- **ل**[2]: برین گونه گیتی همی بگذرد ۲- **س، ب**: بیارد؛ متن← ۳- **لی**: دهد سر بباد؛ **ل، ق**: یکی نزد او نوذر و کیقباد؛ **ل**[2]: یکی را برد دیگری آورد؛ (**ل**[3]: برآرد ز خاك و فشاند بباد)؛ متن= **لن، ق**[2]**، لی، پ، آ** (و نیز **لن**[2])؛ **ف، و** (و نیز **س**[2]) این بیت را ندارند؛ **ل، ق** (و نیز **ل**[3]) پیش از این بیت، **و** (و نیز **س**[2]) بجای این بیت و **س، لن، ق**[2]**، لی، پ، آ، ل**[2]**، ب** (و نیز **لن**[2]) پس از این بیت افزوده‌اند:

به سر شد کنون قصّهٔ کیقباد ز کاوس باید کنون (**ل، ق، ل**[3]: سخن) کردیاد

س،لن،پ،ل[2]**،ب**: زکاوس باید که گیریم(**ل**[2]: کی بایدم کرد)یاد

ف این بیت را ندارد

فهرست ها

فهرست نام کسان

فهرست‌نام‌جای ها

By his dedicated endeavors and his exemplary industry, Dr. Khaleghi-Motlagh has placed all the lovers of the Persian language and literature, in general, and of the Shahnameh in particular, in his debt.

Ehsan Yarshater
Columbia University

the variants in the margins—a method fairly frequently used in the so-called "scientific" editions of Persian texts—is simply inadequate, since even the oldest manuscripts have already undergone a good deal of alteration. Such a method places an impossible burden on the reader, who may not be equipped to make an appropriate choice among the bewildering maze of variants. What is needed is diligent detective work on the part of the editor, with all the thorough investigation that it implies and the erudition it requires, to determine what may have been Ferdowsi's original. Such an investigative search must be anchored not only in a complete familiarity with all the selected manuscripts, but also in sound scholarship and in an intimate knowledge of the language, literature, history, and culture of Ferdowsi's age, as well as of several subsequent centuries which have affected the changes in the text of the Shahnameh.

To guard against possible subjectivity in the selection of words or verses and to preserve the right of judgment for the reader, a critical editor of the Shahnameh ought to record and present conscientiously all the meaningful variants to the reader. Only an edition conforming to these principles may claim to be truly critical.

It is cause for profound gratification that Dr. Khaleghi-Motlagh, eminently qualified to undertake such an edition, has devoted nearly a quarter of a century of indefatigable effort to this very purpose. Altogether he has collected microfilms and photocopies of forty-five manuscripts which date prior to the eleventh/seventeenth century, including the Florence manuscript, all through his own endeavor and expense. Out of these he has selected fifteen manuscripts in order to serve the edition of the text.[21] He has followed the text of the Florence manuscript except where he has determined that a different reading is preferred, or that the text of this manuscript has to be purged of interpolated lines or to be completed by other manuscripts.

The list of the manuscripts, their dates, and their sigla will be found at the end of the editor's introduction. The principles that Dr. Khaleghi-Motlagh has followed in editing the text are briefly described in his Persian introduction to this volume, and in greater detail in a series of articles that he has published on the subject with ample examples and illustrations.[22] The variants are carefully recorded in the margins; by studying them, the reader can see which manuscripts conform to the chosen line or word and which deviate from it. Two volumes are envisaged for explanatory notes and the arguments behind the editor's choices, bringing the total number of volumes to eight.

21. For a detailed description of the manuscripts see J. Khāleghi-Motlagh "Mo'arrefi o arzyābi-e barkhi az dastnevishā-ye Shāhnāme," *Iran Nameh,* III/3, 1364/1985, pp. 378–406, IV/1, 1364/1985, pp. 16–47, and IV/2, 1364/1985, pp. 225–55.

22. Except for those already mentioned, these are: "Qavā'ed o żavabeṭ-e taṣḥiḥ-e matn-e Shāhnāme," *Majalle-ye dāneshkade-ye adabiyyāt o 'olum-e ensāni-e dāneshgāh-e Ferdowsi,* XI/4, 1354/1976, pp. 716–63; "Der Plan einer neun Schahname Edition," *Studia Iranica* X/1, 1981, pp. 85–92; "Si nokte dar abyāt-e Shāhnāme," *Āyandeh,* VIII/9, 1361/1983, pp. 575–84, and VIII/11, 1361/1983, pp. 791–98; "Noktehā-yi dar bāre-ye si nokte-ye Shāhnāme," *Ibid.,* X/2–3, 1363/1984, pp. 113–25, and X/4–5, 1363/1984, pp. 331–41; "Mo'arrefi-e qaṭa'āt-e elḥāqi-e Shāhnāme," *Iran Nameh,* III/1, 1363/1984, pp. 26–53, and III/2, 1363/1985, pp. 246–61; "Yaddāshthā'i dar taṣḥiḥ-e enteqādi bar methāl-e Shāhnāme," *Ibid.,* VI/3, 1364/1986, pp. 362–90, V/1, 1365/1986, pp. 47–75, and V/2, 1365/1987, pp. 250–85.

mistakenly assumed to be dated 710 H./1310)[15] and the Istanbul manuscript written in 731 H./1330. Two volumes of this revised edition were published in conjunction with the Pahlavi Library in Tehran, in 1971 and 1973, respectively.[16]

In 1972 the Iranian Ministry of Arts and Culture instituted the Shahnameh Foundation (Bonyād-e Shāhnāme-ye Ferdowsi) under the direction of the late Mojtabā Minovi and with the collaboration of several scholars, including 'A. Zaryāb, A. Tafażżoli, S. J. Shahidi and 'A. Ravāqi, in order to collect the photocopies of the Shahnameh manuscripts, collate them and prepare and publish a more authentic edition of the work. The efforts of the Foundation resulted in the publication of the episode of Rostam and Sohrāb (*Dāstān-e Rostam o Sohrāb*) in 1973, of Forud (*Dāstān-e Forud*) in 1975,[17] and of Siavush (*Dāstān-e Siāvush*) in 1984 (the latter after Minovi's passing away),[18] without a discernible plan. Between eight and ten manuscripts, including the manuscripts of London, 1276; Istanbul, 1330; Leningrad, 1333; and Cairo, 1341 and 1394 were used.[19] The variants are given at the end of each text except for the second volume which lacks variants. These volumes have many merits, not the least of which is the scholarship of their editor, the oldness and relative reliability of the manuscripts chosen for collation, and the benefit derived from the collaboration of experts. Nonetheless the editors have been subject to some of the constraints inherent in collective editing, which generally does not provide for comprehensive, systematic, and focused study of the manuscripts by a single scholar. Moreover, the Florence manuscript was unfortunately discovered too late to benefit the edition of these three episodes. Thus the auspicious promise of The Foundation was only partially fulfilled, and the goal of establishing a text as close to the original of Ferdowsi as the extant manuscripts permitted remained yet to be achieved.

In view of the proliferation of the Shahnameh manuscripts, and the amount of corruption which drove Lumsden to call the text of the Shahnameh "more wretchedly corrupted in all probability than that of any other poet in the world,"[20] almost every verse of the Shahnameh needs to be subjected to careful scrutiny and its authenticity determined. In order to achieve this goal properly an editor of the Shahnameh must first personally and carefully research all the older manuscripts, at least those from the thirteenth through the fifteenth centuries, in order to establish their interrelationships, verify their worth, and select those which may be of assistance in editing the text. To choose the oldest manuscript as the basis of the edition and then mechanically register

15. Aliev's introduction, *op. cit.*, p. *z*. Apparently the date of the manuscript, which may have been 1105 H., has been tampered with. See M. Minovi, *apud* I. Afshār, *Ketābshenāsi-e Ferdowsi*, 2nd ed., Tehran, 1976, p. 211, n. The editors describe the manuscript as based on a good manuscript but copied carelessly and in haste. This manuscript has not been used either by Minovi (see below) or by Khaleghi.

16. Vol. 2 is edited by M. N. Osmanov with collaboration of Aḥmad Ṭabāṭabā'i.

17. Prepared by M. Rowshan, with an introduction by Minovi.

18. With an introduction by M. Qarib which contains useful information on the editorial process employed by the Foundation, and problems of editing the Shahnameh in general.

19. See *Dāstān-e Rostam o Sohrāb*, pp. 21–22, *Dāstān-e Siāvush*, pp. *d, h, t, y, ya.*

20. *Op. cit.*, p. ix.

following his method by S. Nafisi from the Macan and Mohl editions. This edition, frequently reprinted, was the most widely used for scholarly purposes until the Moscow edition appeared.

In the 1950s the Oriental Institute of the Soviet Academy of Sciences decided to embark on a critical edition of the Shahnameh and assigned the task to a number of scholars, who included at various times 'A. Ḥ. Nushin, L. T. Gozalian, O. I. Smirnova, M. N. Osmanov and R. M. Aliev, under the supervision of È. E. Bertels, and after his death in 1957, of 'A. Ḥ. Nushin. Initially the manuscripts used for this edition were confined to those of London dated 675 H./1276, the Leningrad Public Library dated 733 H./1333, and Moscow's Oriental Institute dated 849 H./1445, and an undated manuscript, presumably of the ninth/fourteenth century, belonging also to the Oriental Institute.[11] The Arabic translation of al-Bondārī, made between 615–624 H./1218–1227 was also used.[12] Beginning with volume IV, the Cairo manuscript of 796 H./1394 was also taken into account. The editors had correctly decided to ignore all published editions, and in order to provide a more authentic text, they based their own solely on specific manuscripts of older vintage and recorded the variants in footnotes. This edition, which was published from 1960–1971, has become the preferred one among scholars. Its chief merit is the use of the London manuscript, the second oldest and one of the best manuscripts known. From the introduction to the first volume it is clear however that the editors have not been immune to some of the problems which often arise in collective editing, and that in the earlier stages they have vacillated in choosing between the oldest and the preferred variants.[13] Notwithstanding Bertels' substantial contribution and Nushin's long supervision, the division of the text into several portions and entrusting their edition to different scholars have not been particularly helpful in providing the kind of expertise which results from the total immersion of a single scholar in the entirety of a work; nor has this always helped in the application of a single method in editing. A more general problem with this edition is that it is based on too few manuscripts; and the oldest and also the most reliable manuscript, that of Florence, discovered by Angelo M. Piemontese in 1977 was not available to its editors.

It is to the editors' credit, however, that they have recognized the limitation of their work and considered it the first step in the process of establishing a definitive text of the Shahnameh.[14] In fact, before the publication of the Moscow edition was completed, two of its editors, R. M. Aliev and M. N. Osmanov, were commissioned to issue a second edition in order to improve upon the first and remove some of its shortcomings, such as the inclusion of spurious verses and the exclusion of some authentic ones. For the revision they took into consideration two further manuscripts, one of Cairo (it seems

11. Vol. I, Introduction, pp. 12ff.

12. M. Qarib in his introduction to Minovi's edition of *Dāstān-e Siāvush* (see below) draws attention to the fact that the editors of the Moscow edition have placed too much reliance, up to the beginning of vol. V, on al-Bondārī's translation; see p. *h*, n. 1.

13. See also Aliev's introduction, Vol. I, 2nd ed., Tehran, 1970, pp. *v*, *z*.

14. Vol. I. Introduction, p. 19.

by the government of India and the printing costs by the king of Oudh. Unfortunately, the condition of Macan's eyes did not allow him to publish either the variants to his edition or a translation of the Shahnameh that he had mentioned to Jules Mohl.[8] Upon publication, Macan's edition received the acclaim and earned the popularity it deserved. It served as the basis of numerous other editions in India and Persia.

Between 1838–1878, the French scholar Jules Mohl published a royal folio edition of the Shahnameh in Paris, under the title of *Le Livre des Rois*. The seven tomes of this edition contain an extensive introduction, a French translation on opposite pages, and a "table analytique de noms propres et principales matières." The deluxe printing of this edition ranks among the highest examples of the art of the book.[9]

Mohl used altogether some thirty-five manuscripts, of which eight belonged to the Bibliothèque royale de Paris (later Bibliothèque nationale) and thirteen to the library of the East India Company in London; two to Sir John Malcolm; five which had also been used by Macan; one from the Bodeleian Library at Oxford; and three borrowed from various British owners, one of which had belonged to the Royal Library of the Moghul emperors and bore the stamp of these emperors from Babur through Aurangzeb. However, Mohl mentions only one manuscript prior to the Baysonqor edition of 829 H./1426. He states that he had wished to classify the manuscripts according to their interrelationships, but this he did not find feasible, and therefore he used in each case the style, the meaning, the date and the number of manuscripts and other relevant circumstances to decide on a reading.[10] Mohl's edition did not record the variants either, and here again the reader has to rely on the editor's discretion for the authenticity of his readings.

It goes without saying that in spite of the great debt of gratitude that we owe to Macan and Mohl and despite the dedication and the sustained effort they brought to their task, their editions could not satisfy the requirements of a truly critical edition. Both suffer from the fact that they could not benefit from the best and oldest manuscripts, which came to light later. Nonetheless their endeavors produced decent editions that served scholars in their research and formed the basis of many other editions.

The most notable among these was the one undertaken by Johann Augustus Vullers, who produced a new edition by comparing the texts of Macan and Mohl up to the end of the Kayanian dynasty and the advent of Alexander, carefully recording the differences between the two versions in the margins. Vullers' edition was published in three volumes in Leiden, from 1877–1884 (vol. III, posthumously by his student and collaborator Samuel Landauer).

The Borukhim Publishers in Tehran arranged for a new, complete edition of the Shahnameh on the basis of Vullers', under the successive supervision of M. Minovi, A. Eqbāl, S. Haim, and S. Nafisi; it was illustrated by "Darvish," a talented Persian artist of Armenian extraction, and published in Tehran in ten volumes between 1934–1936. The last three volumes which Vullers had not lived long enough to edit were prepared

8. *Le Livre des Rois*, introduction, p. lxxxiv.

9. In his introduction, Mohl gives an account of the editions of episodes of the Shahnameh in Europe as well as an account of the Lumsden and Macan editions; see pp. lxxix–lxxxiv.

10. p. lxxxvi.

the original and made the task of a critical editor a tremendously difficult one. Adding to this difficulty is the sheer bulk of the Shahnameh, as well as the large number of its copies, scattered in libraries and private collections of so many lands. Thus a comprehensive knowledge of even the better copies is an almost impossible task.

The first earnest attempts at editing the Shahnameh took place during the first decade of the nineteenth century in India, where Persian had long been the administrative language as well as the chief vehicle of literary expression. With the assistance of Fort William College, Mathew Lumsden, Professor of Arabic and Persian, published in 1811 in Calcutta the first volume of his intended eight volume edition of the Shahnameh: *The Shah Namu, being a Serie of Heroic Poems on the Ancient History of Persia . . . by the celebrated Abool Kausim i Firdousee of Toos.* Lumsden's edition was based on the examination of some twenty-seven manuscripts and the collaboration of a number of Indian scholars of Persian literature, headed by "Mouluvee Allah Dad and Meerza Muhdee."[2] The manuscripts, briefly described in a Persian "advertisement,"[3] were generally post-1600, except two which were dated 821 H./1408 (if the colophon can be believed)[4] and 882 H./1477, two others which belonged to the last decade of the sixteenth century, and a number of undated manuscripts, presumably late. As Jules Mohl pointed out later in the introduction to his own edition of the Shahnameh, the manuscript which belonged to Sir John Malcolm and had served as the basis of Lumsden's edition, was not a particularly reliable one, as it contained a large number of interpolated lines and fragments.[5]

Lumsden did not succeed in continuing beyond the first volume, but Turner Macan, a British officer conversant with Persian literature, took up the task with the express purpose of "rescuing the work from the errors accumulated by transcribers during a period of 800 years and restor[ing] it to something of its original purity."[6] Also assisted by a team of scholars, he published in 1829 the first complete edition of the Shahnameh in Calcutta as "*The Shah Namah, An Heroic Poem, carefully collated with a number of the oldest and best manuscripts, illustrated by a copious glossary of obsolete words and obscure idioms: with an introduction and life of the author* . . . by Abool Kasim Firdousee, by Turner Macan, Persian Interpreter to the Commander in Chief and Member of the Asiatic Royal Society of Calcutta." In his first volume Macan generally followed the Lumsden text up to the end of the Sohrāb episode, except for some minor alterations, the marking of a few suspect lines with asterisks, and the exclusion of some obviously interpolated lines. The other volumes were based on an examination of some seventeen complete and four incomplete manuscripts, the oldest of which were those which belonged to the fifteenth century.[7] The expenses of collating the manuscripts and preparing the text were paid

2. Lumsden, *op. cit.*, p. v.

3. See pp. 37ff. of the "Khātemat al-ṭab'" for the description of the manuscripts.

4. The doubt concerning the date of 821 H. is Lumsden's.

5. *Le Livre des Rois,* Vol. I, Paris, 1838, p. lxxxii; but cf. Macan's introduction, pp. xx–xxi, where one is given to understand that Lumsden followed chiefly a manuscript lent by Sir H. Darrell, which in Macan's view was not quite reliable.

6. *The Shah Namah,* Calcutta, 1829, pp. xi–xii.

7. Of these, two were the same which were used also by Lumsden (821 and 882 H.) and the third was dated 899 H./1493; see Macan's English introduction, pp. xii–xvii; Persian introduction, pp. 3–5.

INTRODUCTION

This is the first, in a projected series of six volumes, of a critical edition of the Shahnameh. It aims at establishing a text which will bring us closer than heretofore possible to the original of Ferdowsi's celebrated tenth century epic.

Despite the importance of the Shahnameh as both the greatest monument of the Persian language and one of the world's major epics, the many worthy efforts of various scholars at establishing an authentic text of the work have not been entirely successful.

The manuscripts of the Shahnameh have presented editors with many severe problems. To begin with, there are no extant manuscripts dated earlier than two centuries after Ferdowsi lived; and the existing manuscripts of the Shahnameh are notorious for their inclusion of many spurious verses and corrupt forms and for their discrepancies. Even the earliest manuscripts, those of Florence dated 614 H./1217 A.D., and of London dated 675 H./1276, suffer from additions, deletions and a variety of distortions. Hardly any work in Persian literature has been subjected to more interference. One main reason for this has been the Shahnameh's popularity. Numerous copies were made, and at each turn, negligent or ignorant copyists misread some words and misunderstood others. They amended what they could not read or understand, and remedied deficiencies found in their copies by supplying words or verses that suited their own knowledge and tastes. The owners and readers of the Shahnameh copies, too, often welcomed the opportunity of "improving" on Ferdowsi by entering their second guesses on the margins or in the text, and some of these "improvements" found their way into the poem when the copies containing them were themselves copied. Sometimes readers who found ideas in the Shahnameh contrary to their own beliefs and sentiments, did not abstain from replacing the lines which they did not cherish with verses more compatible with their own thoughts. Thus, many Islamic concepts and expressions entered into what was essentially, from a Muslim viewpoint, an account of pagan Persia. Little wonder then that the few lines that Ferdowsi has written in the introduction of the Shahnameh about his religious beliefs "became an arena for Sunni and Shi'ite disputes."[1]

In Persia and the countries where Persian served as the language of letters, a favorable pastime among the literati was to write poetry, and Ferdowsi did not fail to inspire many a poetaster to write lines or pieces in his style; some could not resist the whim of attributing their products to Ferdowsi and of having them included in the Shahnameh, given the opportunity.

The Shahnameh was also not immune to the changes in Persian, which as a living language evolved, however imperceptibly, with time. These changes left their stamp on the alterations and emendations made in the manuscripts, with the familiar replacing the obsolete and the prevalent superseding the archaic.

All these contributed to the ever increasing divergence of Shahnameh copies from

1. J. Khaleghi-Motlagh, *Iran-Nameh* III, 1, 1984, p. 28.

Persian Text Series
General Editor, Ehsan Yarshater
New Series, no. 1

Abu'l-Qasem Ferdowsi

THE SHAHNAMEH

(Book of Kings)

Edited by
Djalal Khaleghi-Motlagh

with an introduction by
Ehsan Yarshater

Volume 1

Bibliotheca Persica
New York 1988

Published by the Persian Heritage Foundation
under the imprint of Bibliotheca Persica.

ISBN 0-88706-770-0
Typeset by Orientscript Ltd. London, United Kingdom (Persian text) and
Brevis Press, Connecticut, United States of America (English text).
Printed and bound in the United States of America.

The old series of *Persian Texts* nos. 1-00 were published by Bongāh-e Tarijama va Nashr-e Ketāb. Tehran, 1959-77.

For information, address State University of New York Press,
State University Plaza, Albany, NY 12246.

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Firdawsī.

The Shahnameh = Book of kings.

(Persian text series; new ser., no. 1)
In Persian.
Includes bibliographical references and index.
I. Motlagh, Djalal Khaleghi. II. Title.
III. Title: Book of kings. IV. Series.
PK6455.A1 1988 891'.5511 87-30927
ISBN 0-88706-770-0 (v. 1)

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

Abu'l-Qasem Ferdowsi

THE SHAHNAMEH

(Book of Kings)